

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۱۰

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۱۰

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.

یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].

عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....

موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها

رده بندی کنگره : CT۲۰۳ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

اصول فقه

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.

در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال ۱۳۵۴ دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه

دارد.

ابراهیمی راد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی راد

محل تولد : قوچان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قوچان شدم و در سال ۱۳۵۵ در حوزه علمیه فاروج ادامه تحصیل دادم. در سال ۱۳۵۶ در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و در مدسه آیت الله گلپایگانی مغنی، المنطق، اصول فقه و شرح لمعه را به اتمام رساندم. پس از آن در درس اساتید حوزه شرکت کرده و سطح را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۶۳ دروس خارج اساتیدی همچون آیت الله وحید خراسانی و سید عباس خاتم یزدی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. البته عمده درس های فقه و اصول را در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت کرده ام و استفاده نموده ام. در فلسفه از اساتیدی همچون استاد فیاضی، انصاری شیرازی، جوادی آملی، و مصباح یزدی بهره برده ام و کتاب های فلسفی بدایه و نهایه و شرح منظومه و اسفار را خوانده ام.

از سال ۱۳۶۵ مشغول تدریس در دانشگاه اراک بوده ام که تاکنون ادامه دارد و حدود ۴ سال است که عضو هیأت علمی آن دانشگاه در گروه معارف اسلامی شده ام و به عنوان استاد یار مشغول تدریس هستم. در ضمن حدود ۸ سال در حوزه علمیه قم مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و دروسی از قبیل اصول فقه، شرح لمعه، بدایه، رسائل و مکاسب را تدریس کرده ام.

ابراهیمی ورکیانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیمی ورکیانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم ورکیانی متولّد ۱۳۲۳ در روستای ورکیان از توابع شهرستان دامغان هستم. پدر و مادر و اجدادم هم دامغانی بوده اند. در سال ۱۳۳۵ پس از دوره شش ساله ابتدائی وارد حوزه علمیه دامغان شدم. برادرم هم قبل از من به حوزه علمیه وارد شده بود، مقدمات تا سیوطی و بخشی از مغنی و حاشیه ملاعبدالله و منطق کبری را در دامغان خواندم ولی سخت نگران بودم، چون روحانیت حرمت اجتماعی نداشت و سرانجام در سال ۱۳۴۳ با آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی (ره) در جلسه ای روبرو شدم و سخت مورد تشویق معظم له قرار گرفتم و از تردید درآمدم و پس از یکسال عازم مشهد مقدس شدم و معظم له نیز من را پذیرفتند و بمدت شش سال مورد عنایت ایشان بودم. مطول را در درس ادیب نیشابوری شرکت نمودم و لمعه را با استاد صالحی و فائقی گذراندم و با تأسیس بخش آموزش مدرسه آیت الله میلانی (ره) وارد این مدرسه شدم و مکرر مورد تشویق قرار گرفتم.

سرانجام عازم حوزه علمیه قم شدم و در بخش آموزشی مدرسه آیت الله میلانی از اساتید بزرگواری مانند حجۀالاسلام آهنیان و حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی کتابهای رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را استفاده نمودم و در عین حال که آیت الله شیخ محمد کاظم دامغانی علاقه مند بودند که من در مشهد بمانم و آیت الله شیخ محمدرضا نیز سخت مخالف رفتن من به قم بودند من حوزه مشهد را پاسخگوی روحیه تنوع طلبی خود نمی دیدم و لذا به قم آمدم. در بدو ورود در درس خارج عروه آیت الله فاضل لنکرانی شرکت نمودم و درس کفایه را در خدمت استاد سبحانی ادامه دادم. یکسال و نیم هم در دارالتبلیغ آیت الله شریعتمدار حضور داشتم و از اساتید بزرگواری مثل دکتر شهابی، صدر بلاغی و آقای رضوانی بهره بردم و ضمناً در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت داشتم.

در موسسه در راه حق زیر نظر دکتر سید علی گرمارودی تمرین نویسندگی مقاله داشتیم و سرانجام با تأسیس بخش آموزش مؤسسه در راه حق به دعوت آیت الله خرازی وارد این مؤسسه شدم و در خدمت استاد بزرگوار حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره های فراوانی به مدت هشت سال بردم، در این دوره ۸ ساله اساتید دیگر ما آیت الله سید محمد کاظم حائری، آیت الله حسین مظاهری، استاد احمد احدی، استاد علی قائمی و آیت الله تسخیری و..... بوده اند.

سرانجام پس از پایان دوره هشت ساله مؤسسه و تحقق انقلاب اسلامی به دنبال فرمان تاریخی امام (ه) در مورد تدوین کتب مبنائی علوم انسانی و واگذاری این مسئولیت از ناحیه جامعه مدرسین به حضرت استاد مصباح یزدی به دعوت معظم له در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف در رشته حقوق پرداختم و به مدت چهارده سال چهار جلد کتاب درآمدی بر حقوق اسلام ج ۱ و۲، اسلام و حقوق بین الملل ج ۱ و۲ فراهم آمد.

ناگفته نماند که که در کنار تحقیق و تحصیل و احیاناً تدریس و تبلیغ از سال ۱۳۶۰ به دعوت استاد بزرگوار دکتر احمد احمدی به دانشگاه دعوت شدم و تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با رتبه و پایه ۱۴ استاد یاری هستم و مدرک دکتری در فقه و مبانی حقوق اسلام را در سال ۱۳۷۱ از خبرگان وزارت علوم گرفتم و پایان نامه اینجانب برای رساله دکتری، ازدواج با بیگانگان در ادیان الهی و مکاتب فقهی اسلام بوده است که با راهنمایی استاد بزرگوار محقق داماد و آیت الله مرعشی شوشتری فراهم آمده و مکرر در انتشارات دفتر تبلیغات به چاپ رسیده و در انتشارات الغدیریه معرفی و ترجمه شده و در لبنان به چاپ رسیده است.

موضوعاتی را که اینجانب در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام، عبارتند از: مبانی حقوق، حقوق و سیاست در قرآن، فقه سیاسی، حقوق بین الملل اسلامی، حقوق عمومی در اسلام، قواعد فقه، معارف تشیع، تاریخ تشیع، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، تاریخ امامت، فقه مقارن آیات الاحکام و .... که معمولاً در هر یک از موضوعات فوق جزوه درسی و یا کتاب درسی ارائه داده ام و به این مناسبت کتاب" تاریخ صدر اسلام ("بعثت نبوی تا حکومت علوی) تألیف کرده ام که در مرکز

تهیه متون درسی وابسته به دفتر رهبری در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید و اکنون چاپ دوم آن آماده چاپ است و در سال ۱۳۸۴ کتاب "انقلاب اسلامی در تئوری "به چاپ رسید و مقالات متعّددی پیرامون معارف تشیع در مجله گام چهارم انقلاب اسلامی و پیرامون حقوق اهل ذمه در مجله نور علم و حقوق بشر در ادیان در مجله آئینه معرفت و احکام ثابت و متغیر در کنفرانس بین الملل تقریب مذاهب و ... منتشر نموده ام و جزوه ای تحت عنوان" اسلام و آزادی "در دفتر تحقیقات وابسته به دفتر رهبری فراهم نموده ام و در حال حاضر سرگرم تدوین جلد دوم تاریخ اسلامی در رابطه با زندگی سیاسی امامان اهلبیت (ع) و کتابی در زمینه" حقوق بین الملل اسلامی و تاریخ امامت و حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام "بر اساس جزوه های درسی که از قبل فراهم آمده می باشم «و ما توفیقی الابالله علیه توکلت و الیه انیب. »

البته بناست که پاره ای از موضوعات فوق بصورت طرح تحقیقاتی در مرکز متون درسی وابسته به نهاد معظم رهبری در دانشگاهها و یا جائی دیگر مثل دانشگاه شهید بهشتی انجام شود که پاره ای از محققان نیز در انجام آن مشارکت داشته باشند. مقالاتی نیز در دست انجام است مثل": پیامبر اعظم(ص) تنها روح آئین جهانی "و" مبانی فقهی و حقوقی مردم سالاری دینی "و" نگاهی نو به ارتداد و مجازات مرتد در اسلام "که امیدوارم با یاری خدا و عنایت معصومین علهیم السلام بخوبی فراهم آید و عرضه گردد و نیز مقاله ای تحت عنوان" بلوغ دختران "را تقریبا آماده چاپ دارم.

ابراهیمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی ابراهیمی

محل تولد : قائمشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

ابطحی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ابطحی

محل تولد : کاشان

شهرت : ابطحی کاشانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله ابطحی کاشانی در سال ۱۳۰۹ در کاشان به دنیا آمد. خانواده او خانواده‌ای مذهبی و از دوستداران خاندان پاك پیامبر (ص) بود و پدرش نیز در کسوت مقدس روحانیت بود که دو سال پس از تولد ایشان دارفانی را وداع گفت.

آیةالله ابطحی با به پایان رساندن دوره دبستان، در ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه کاشان شد. او بخشی از دروس دوره مقدمات را در کاشان فرا گرفت و سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. ادامه مقدمات را نزد اساتید این حوزه به پایان رسانید. او معالم را نزد امام موسی صدر فرا گرفت بعد از چندی به علت نداشتن شهریه به کاشان مراجعت نمود و از جلسات درس علمای کاشان بهره‌مند گردید. مطول و شرح لمعه را نزد شیخ عبدالله مدنی آموخت پس از آن مجدداً به قم آمد و رسائل و مکاسب را نزد استادان سلطانی، طباطبایی، شهید صدوقی، فکور یزدی و سید محمد صادق روحانی آموخت. برای فراگیری کفایه نیز به درس حضرات آیات مجاهدی، تبریزی، شیخ عبدالجواد اصفهانی و سلطانی طباطبایی رفت. او با به پایان بردن دوره سطح، به درس خارج حضرات آیات عظام بروجردی (ره)، محقق داماد (ره) و امام خمینی (ره) راه یافت.

آیةالله ابطحی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلای روزگار خود رابطه دوستی داشت که از جمله آنها، آیةالله شهید سید مصطفی خمینی (ره) را می‌توان نام برد. آیت‌الله ابطحی در عرصه علم و فرهنگ، فعالیت‌های بسیاری از خود بر جا نهاده است. او بسیاری از دروس حوزه را تدریس نموده و از این رهگذر طلاب بسیاری را تربیت کرده است. او تقریرات درس استادان خود را نگاشته و در مجله نور علم، مقالات بسیاری تألیف کرده است.

آیةالله ابطحی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در بسیاری از فعالیتهای جمعی آن شرکت داشته است. او مدتی در معیّت حضرات آیات سید جعفر کریمی و محمدی گیلانی و حجةالاسلام والمسلمین قاضی خرم آبادی به نمایندگی از امام (ره) به امور زندانها در قوه قضائیه می‌پرداخته است.

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه‌ی ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمهٔ‌اللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به ریئس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعهٔ النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفونانـد در کتاب «تذکرهٔ المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط

وحید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل‌الشرایع ۳- کتاب معانی‌الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبارالرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینهٔ‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است

۵- مرحوم حجهٔ‌الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیهٔ‌اللّه آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرهٔ‌المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب

چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۵۹ / ۷)، اعیان الشیعه (۲۵ -۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳، ۲ / ۱۲۳، ۳۴۸، ۴۷۳، ۴۷۷، ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ -۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۸۹ / ۳)، خاتمة مستدرك الوسائل (۲۶۵ -۲۵۷، ۲۴۰ / ۳)، دانشنامه (۴۳۲ -۴۳۱ / ۳)، دایرة المعارف فارسی (۱۷ -۱۶ / ۱)، الذریعه (۱۷۹ / ۲۴، ۲۳۲ / ۲۲، ۲۰۴ / ۲۱، ۲۶۰ / ۱۶، ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷، ۴۸۲ / ۴، ۳۱۵، ۲۲۶ / ۲)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶ - ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ -۱۲۳ / ۶)، رجال ابن‌داود (قسم ۳۲۵ -۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ -۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶ -۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ -۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ -۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ -۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی والالقاب (۲۲۳ -۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ -۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ -۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ - ۳۱۶ / ۱۶)، هدیة الاحباب (۵۰ -۴۹)، هدیة العارفین (۵۳ -۵۲ / ۲).

ابن قاآنی خوارزمی، ابومحمد منصور

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۷۵ /۷۰۵ ق)، عالم اصولی و فقیه حنبلی. وی از مردم خوارزم بود، اما در مکه اقامت داشت و در همان جا درگذشت. از آثار وی: شرح «المغنی» خبازی، در اصول فقه؛ «حاشیة علی المنتخب فی شرح المنتخب»، در اصول مذهب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ /۸)، ایضاح المکنون (۵۶۹ /۲)، کشف الظنون (۱۷۴۹)، معجم المؤلفین (۱۰ /۱۳)، هدیة العارفین (۲/ ۴۷۴- ۴۷۵).

ابوترابی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد ابوترابی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب یکسال پیش از پیروزی انقلاب، یعنی زمانی که ۱۴ سال داشتم با علاقه وافر شخصی سال ۵۶ – ۱۳۵۵ به حوزه وارد شدم، علوم حوزوی را از مدرسه حقانی منتظریه آغاز کردم. این مدرسه با اشراف آیهٔالله شهید بهشتی (ره) و شهید قدوسی (ره) و با همکاری شخصیت هایی از قبیل آیت الله مصباح یزدی و آیهٔالله جنتی اداره می شد تا سه سال پس از پیروزی انقلاب از درسهای این مدرسه استفاده می کردم.

دروس سطح ۲ و ۳ را از درسهای آزاد حوزه علمیه استفاده کردم و در این دوره از اساتیدی چون مرحوم آیهٔالله ذهنی تهرانی، مرحوم آیهٔالله اعتمادی و آیهٔالله اشتهاردی و آیهٔالله محقق داماد بهره بردم.

درس خارج فقه و اصول را از اساتیدی چون آیهٔ الله تبریزی، آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله بهجت، آیهٔ الله هاشمی شاهرودی و آیهٔالله مکارم شیرازی فرا گرفتم. حدود ۱۲ سال در خارج فقه و اصول شرکت کردم. از سال ۱۳۶۴ به دوره عمومی درسهای موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی اداره می شد وارد شدم، در این دوره های درسی با فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علوم تربیتی، اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (خرد، کلان، پول، بین الملل) فلسفه سیاست، روانشناسی عمومی و تفسیر قرآن آشنا شدم. علاقه وافر اینجانب به دفاع عقلانی از مبانی اعتقادی اسلامی با انگیزه اصلی اینجانب برای ورود به این دوره درسی و بعد درسهای موسسه در راه حق به صورت تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام ادامه یافت، در این بنیاد دوره فوق لیسانس فلسفه اسلامی را گذراندم و با پایان نامه ای در موضوع شیوه تحقیق در علوم فطری فارغ التحصیل شدم. این دوره درسی در موسسه امام خمینی (ره) ادامه یافت. با ورود به دوره دکترای فلسفه تطبیقی (اسلام و غرب) مدرک دکترای فلسفه تطبیقی را دریافت کردم. از سال ۱۳۷۷ به عنوان قائم مقام مدیریت تحقیقاتی تدوین دائرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وارد شدم، این بخش در ابتدای تشکیل خود بود. در این سمت توانستم زمینه های رشد و پیشرفت این تحقیقات را فراهم آورم. سپس به عنوان مسئول این مرکز که وابسته به موسسه امام خمینی (ره) است، از سوی حضرت آیت الله مصباح یزدی انتخاب شدم و هم اکنون نیز ریاست این مرکز را به عهده دارم. در آشنایی با فلسفه اسلامی و غرب بیش از همه از استاد علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره بردم و سه جلد از مجلدات اسفار صدر المتالهین و کتاب برهان شفا و معارف قرآن از ایشان فرا گرفتم، در فلسفه کانت از استاد دکتر احمد احمدی و استاد دکتر حداد عادل استفاده کردم. منطق ریاضی، فلسفه ریاضی و نفس و بدن را از استاد دکتر پورعبدالله آموختم. منطق، اشارات و تاریخ فلسفه را از استاد فیاضی بهره بردم و فلسفه تحلیلی را از جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای صادق لاریجانی آموختم. بخشی از اسفار صدر المتالهین را از درسهای آیهٔالله جوادی آملی استفاده کردم.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون تدریسهای متعددی در منطق، ادبیات عرب، فقه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، هستی شناسی، معرفت شناسی داشته و دارم و علاوه بر پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا مقالات متعددی در موضوعات تخصصی محض و کاربردی در بحث اعتقادی و سیاسی و ... نگاشته ام، که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر به تدریج در حال آماده شدن برای چاپ است.

ابوترابی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود ابوترابی آبندانسری

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم. در سال تحصیلی ۵۵ ـ ۵۶ شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال ۱۳۵۸ به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی ۵۸ ـ ۵۹ توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم.

دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال ۱۳۶۶ به پایان رساندم و از سال ۶۷ در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جوادی آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جوادی آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مأنوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل ۷۳ ـ ۷۴ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال ۷۶ ـ ۷۷ دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال ۱۳۸۴ از رساله سطح چهار (دکترا) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.

در خلال سالهای ۶۱ تا ۷۵ در دروس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعهٔ الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

احسانی فر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد احسانی فر

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

با اخذ سوم نظری در دبیرستان، در اوّل پاییز سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. به رغم نشاط و رونق علمی کم نظیر این

حوزه کوچک شهرستانی در زمان ریاست مرحوم حجۀالاسلام والمسلمین حاجّ شیخ علیرضا ممجَّد لنگرودی (قدس) برای تحصیل فراغت بال و فرار از آمد و شدها، در سال تحصیلی بعد به حوزه مشهد و در سال سوّم به حوزه کاشان عزیمت نمودم. پاییز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم و پیوسته در اینجا مشغول به تحصیل و وظایف طلبگی هستم.

جامع المقدمات، منطق، حاشیه و بخشی از سیوطی را نزد مرحوم آقای ممجّد (قدس) در حوزه لنگرود خواندم. بقیه سیوطی، مغنی و بخشی از معالم را در مشهد و بقیه معالم را در تابستان در لنگرود و مختصر و جلد اوّل اصول مظفّر و کتب عبادات شرح لمعه را در حوزه کاشان و بقیه دروس را در قم گذرانده، از پاییز سال ۱۳۶۷ حضور در خارج فقه و اصول را آغاز نمودم.

احسائی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۵ ق)، عالم اصولی. وی فرزند بزرگ، و شاگرد، پدر خود، شیخ احمد احسائی، بود. سالها در قزوین از محضر شهید ثالث و محمد صالح برغانی استفاده کرد و فقه و اصول آموخت. حکمت و فلسفه را نیز از ملاآقای حکمی و آخوند ملایوسف حکمی فراگرفت. از پدرش در تاریخ ۱۲۳۶ ق اجازه دریافت کرد و در این اجازه با برادرش شیخ علینقی شریک بود. او از مخالفین سرسخت طریقه پدر خود به حساب می‌آمد. و در مجلس قزوین در کنار علمای متشرعه ایستاد و از پدر انتقاد کرد. و همواره ضمن انکار مکتب وی برایش طلب مغفرت می‌کرد. او همچنین در رساله‌اش در «الاجتهاد و الاخبار» که در جواب سؤال شیخ عبداللَّه قطیفی نگاشته طریقت پدر را به وضوح انکار کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۹۲/ ۲)، الذریعه (۳۰/ ۱۱، ۱۴۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۰/ ۱).

احمدی ابهری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی احمدی ابهری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۵در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجۀالاسلام والمسلمین حاج سیّد نورالدین ابهری از شاگردان امام خمینی (ره) و جد او مرحوم آیۀالله سیّد شمس الدین ابهری از شاگردان مرحوم آیۀالله العظمی حائری، مؤسس حوزه علمیّه قم بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در قم و تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ لیسانس حقوق قضائی در مجتمع

آموزش عالی قم (وابسته به دانشگاه تهران) گردید.

در ابتدای تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان عضو شورای قضائی خدمت کرد. در سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیّه قم وارد شده و از محضر اساتید بزرگواری چون آیات عظام محقق داماد، محفوظی، مکارم شیرازی، صالحی مازندرانی و دیگر بزرگان کسب فیض نمود.

همراه با تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران موفق به اخذ کارشناسی ارشد در حقوق جزا و جرم شناسی گردید. وی اینک در مرحله دکترای حقوق جزا و جرم شناسی مشغول به تحصیل است.

احمدی جلفایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید احمدی جلفایی

محل تولد : هادی شهر جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب حمیداحمدی فرزند یدالله، متولد ۱۵/ ۰۱/ ۱۳۵۷ در هادی شهر در شهرستان جلفا. پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در سال ۱۳۵۷ همزمان در امتحان ورودی حوزه و دانشگاه شرکت کرده و در همان سال به همراه تحصیل علوم حوزوی در مدرسه رضوی قم به گذراندن دوره کارشناسی اقتصاد نظری در دانشگاه مفید نیز مشغول شدم. همزمان با اخذ مدرک کارشناسی دانشگاه در علوم حوزوی نیز مدارج آن را تا دوره سطح نخست طی نمودم و پس از آن نیز به همراه ادامه تحصیلات حوزوی در مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث قم بعنوان محقق مشغول تحقیق شدم و علاوه بر آن در کنار تحقیقات گروهی در دارالحدیث در موضوعات مختلف دست به تألیف و تحقیق کتاب یا مقاله پرداختم. در سال ۱۳۷۹ ملبس به لباس روحانیت شده و پس از آن در همه مناسبتهای تبلیغی در همه سنین به مکانهای مختلف اعم از مساجد و دانشگاهها چه در قم و چه در تهران و چه در تبریز جهت تبلیغ ارزشهای اسلامی فعالیت نموده ام.

در حال حاضر در سطح خارج در دروس برخی از آقایان شرکت دارم و علاوه بر آن با برخی از اساتید مشهور حوزه بصورت اختصاصی در زمینه موضوعات فقهی و اصولی و همچنین در مؤسسه دارالحدیث در مباحث رجال و درایه ای و غیره در حال تحقیق و پژوهش می باشم.

بطور کلی در موضوعات مختلف کتب فقهی و اصولی در دروس خارج برخی از آقایان و اساتید عظام (البته در برخی کم و در برخی بصورت طولانی) همچون: حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی، حضرت آیهٔ الله شیخ جعفر سبحانی، حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی، حضرت آیهٔ الله سید احمد مودی، حضرت آیهٔ الله کریمی، حضرت آیهٔ الله سید موسی بشیری زنجانی، حجهٔالاسلام والمسلمین محسن فقیهی، و غیره شرکت نموده و از خرمن معارف این اساتید بهره جسته ام.

احمدی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن احمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمهٔ الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهارهٔ) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال ۸۳ ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را

تـدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.

از سال ۷۵ وارد موسسه دائرهٔ المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.

با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح ۲ و ۳ نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۶۹ بعد از اتمام دفاع مقدس و بازگشت از منطقه کردستان در مدرسه علمیه مبارکه جانبازان مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دوره سطح را تمام و یا بعضاً در درس خارج شرکت میکنم. در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی هم بعضا شرکت می کنم. یک دوره کامل عروهٔ الوثقی را با مطابقت فتواهای مراجع حاضر درس گرفته ام و مدت اندکی به تدریس المنطق مشغول بوده ام و مدتی در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) (حدود ۲سال) دوره عمومی را خوانده ام.

پژوهش و ترجمه عربی به فارسی را تجربه کرده ام و آثاری اندك دارم که بعضاً به چاپ رسیده اند. در خصوص برگزاری کنگره های بین المللی و همایش ها تجربه های زیادی داشته ام و حدودا ۱۰ کنگره و همایش را به عنوان دبیر اجرایی برگزار نموده ام. در مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدتی مدیر امور بین الملل و مدتی مدیر امور اجرایی بوده ام و... .

احمدی، ذکرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ذکر الله احمدی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکرالله احمدی در سال ۱۳۵۳وارد حوزه علمیه آیهٔ الله بروجردی کرمانشاه شده و پس از آشنائی با ادبیات، صرف و نحو در حد جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و حاشیه ملاعبدالله در منطق به حوزه علمیه قم هجرت کرده و به تحصیل ادامه داده و سطوح عالیه را از محضر اساتید گرانقدر به پایان رسانده، سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع و اساتید بزرگ شرکت جسته و فلسفه را در حد شرح منظومه از محضر آیهٔ الله محمدی گیلانی و آیهٔ الله انصاری شیرازی تلمذ نمودم.

در دور سوم مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم استان کرمان به عنوان نماینده انتخاب و به مدت هشت سال ادامه داشته است.

احمدی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولا بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.

بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال ۴۵ ـ ۴۴ بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمده و در مدرسه

صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم. هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولاً جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.

سال تحصیلی ۴۹ ـ ۴۸ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعا از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم. اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر احمدی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

اخترشهر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اخترشهر

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

علی اخترشهر متولد ۱۳۴۸ از شهرستان لاهیجان دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در همان شهرستان گذراند و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۷ برای کسب تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شد.

وی در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل علوم دانشگاهی پرداخت. بعد از اتمام سطح مدت ۷ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید: چون آیت الله جوادی آملی و آیت الله شبیری زنجانی به کسب علم پرداخت و تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد با رتبه اول پشت سرگذاشت. در سال ۱۳۸۴ در رشته انقلاب اسلامی مقطع دکتری در مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل می‌باشد.

در کنار تحصیل به تدریس در دانشگاههای قم، اراک، آشتیان، تفرش، لاهیجان و سمنان پرداخت و از طرف معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری موفق به اخذ درجه استادیاری شد و استاد نمونه سال ۸۲ در اراک و سال ۸۵ در دانشگاه سمنان گردید.

در کنار تحصیل و تدریس به امر پژوهش پرداخت و تا به امروز بالغ بر ۳۰ مقاله و چندین کتاب به رشته تحریر درآورد. در سال ۸۵ دو پژوهش وی با عنوان" اسلام و توسعه "و" جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی "در کنگره دین پژوهان، پژوهش برگزیده گردید و کتاب" جامعه پذیری سیاسی "در سال ۸۶ رتبه اول کتابهای فصل جمهوری اسلامی ایران که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌گردد، را اخذ نمود.

از مسئولیت اجرائی معاون پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تا سال ۸۳ و کارشناس مسئول امور حلقات در کانون اندیشه جوان تا سال ۸۴ و کارشناس امور ارزیابی اساتید تاکنون در معاونت امور اساتید قم، مدیر گروه معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی لاهیجان و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه دولتی سمنان تاکنون می‌باشد.

اخسیکشی، ابوالوفاء محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۴۴ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به ابن ابی المناقب ملقب به حسام‌الدین. از اهالی اخسیکث از شهرهای فرغانه ماوراءالنهر بود. از آثارش: «منتخب فی اصول المذهب»، که به «منتخب حسامی» معروف است و عده‌ای از جمله عبدالعزیز بن احمد

نجاری بر آن شرح نوشته‌اند؛ «مفتاح الاصول»؛ «غایهٔ التحقیق» و «دقائق الاصول و التبیین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ -۲۵۵ /۷)، ریحانه (۳۶۷ /۷)، کشف الظنون (۱۸۴۸)،لغت‌نامه (ذیل/ اخسیکتی)، معجم المؤلفین (۲۵۳ /۱۱)، هدیهٔ العارفین (۱۲۳ /۲).

اخضری، حجت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجت الله اخضری

محل تولد : نجف آباد اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۱ در شهرستان نجف آباد اصفهان متولد و در سال ۱۳۶۰ در رشته حسابداری از دبیرستان فارغ التحصیل شدم. سپس حدود یک سال در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی نجف آباد در روستاهای توابع مشغول بودم.
بعد از آن وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و از مقدمات و سیوطی و حاشیه ملاعبدالله را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه امام محمد باقر (ع) تا پایان لمعتین و اصول مظفر تحت برنامه مدرسه به اتمام رساندم و با تشکیل خانواده از مدرسه خارج و به طور آزاد دروس حوزه را ادامه دادم.
حدود سال ۱۳۷۰ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و از سال ۱۳۷۱ با حضور در درس خارج فقه آیهٔ الله منتظری و اصول آیهٔ الله مکارم شیرازی خارج فقه و اصول را شروع کردم. در همین ایام بود که ضمن تحصیل در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی روزانه حدود سه ساعت شروع به کار کردم که این ورود در کارهای تحقیقاتی شد.

اراکی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتهد، محقق.

تولد: ۱۲۷۳(۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲ ق.)، اراک.

درگذشت: ۸ آذر ۱۳۷۳، تهران.

آیت‌الله العظمی محمدعلی اراکی از سن یازده سالگی به فراگیری علوم ادبی و دروس مقدماتی سطح نزد اساتید مختلف (شوهر

خواهرش، عماد، سید جعفر شیئی، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی)، پرداخت. همزمان با شرکت در درس آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، نزد آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی شرح منظومه ملا هادی سبزواری را در حکمت متعالیه تحصیل کرد. از اساتید دیگر ایشان آیت‌الله آقا سید نورالدین اراکی بود.

در پی وفات آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری در سال ۱۳۷۱ ق.، ایشان به قم مهاجرت نمود و به تدریس خارج فقه پرداخت و طی بیش از سی سال مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را تدریس کرد. محل تدریس او مدرسه زیر کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود و صبح‌ها به تدریس خارج اصول اشتغال داشت. وی در مسجد امام حسن عسگری قم نماز جمعه اقامت می‌کرد. ضمنا حدود چهل سال در مدرسه فیضیه و حرم حضرت معصومه (س) اقامه جماعت می‌نمود.

فهرست تألیفات آیت‌الله العظمی اراکی به شرح زیر است: تقریرات بحث آیت‌الله شیخ محمد سلطان العلماء اراکی؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله حائری شامل: الف: کتاب الطهارهٔ، ب: رسالهٔ فی الاجتهاد و التقلید (که در ضمن کتاب درر الفوائد آیت‌الله حائری چاپ شده است)، ج: رسالهٔ فی الولایهٔ، (که به ضمیمه جلد اول کتاب القرآن و العقل به چاپ رسیده است)، د: الارث، ه. نفقه زوجه (که همراه کتاب ارث به نام رسالتان فی الارث و فی نفقه الزوجه به چاپ رسیده است) و: مکاسب المحرمه، ز: کتاب البیع،، ح: کتاب الخیارات (این سه عنوان آخر هر سه به چاپ رسیده است)؛ تقریرات درس اصول فقه آیت‌الله العظمی حائری (سه دوره)؛ حاشیه بر درر الاصول آیت‌الله العظمی حائری (که در پاورقی آن کتاب چاپ شده است)، تقریر درس فقه آیت‌الله خوانساری (کتاب الطهارهٔ): حاشیه‌ی عروهٔ الوثقی؛ شرح مفصل عروهٔ الوثقی- باب طهارت؛ توضیح المسائل (که مکرر به چاپ رسیده)؛ مناسک حج؛ رساله استفتائات؛ مقدمه بر تفسیر القرآن و العقل آیت‌الله سید نورالدین اراکی (این تفسیر به اهتمام ایشان به چاپ رسیده است)؛ کتاب النکاح و الطلاق.

آیت‌الله محمدعلی اراکی به سبب یک ضایعه عروقی در بیمارستان شهید رجائی تهران درگذشت. پیکر ایشان در صحن حرم معصومه (س) در کنار مدفن آیات عظام عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ارباب، رحیم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیخوخیت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن‌تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.

ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه‌الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تأسی

نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.
تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه‌الله علیه رحمه واسعه.
بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

ارجی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ارجی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱۲

زندگینامه علمی

علی اکبر ارجی فرزنـد غلامرضا در ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۴ در یـک روسـتای دور افتاده خراسان رضوی از توابع نیشابور و در یک خـانواده روحانی دیـده به جهان گشوده‌ام. در پنـج سالگی با نماز و قرائت قرآن آشـنا شـده، بخشـی از دوره دبسـتان را در روسـتا و بخش دیگر آن و دوره راهنمایی و دبیرستان را در مشهد مقدس گذرانده‌ام.

از سال ۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۴ نخست به مدت یک سال وارد حوزه علمیه قوچان و سپس وارد حوزه علمیه مشهد شده و ادبیات عرب، منطق و مقـداری از اصول و فقه را در نزد اساتیـد آن حوزه ماننـد آقـای حجت هاشـمی خراسـانی، آقای صالحی نیشابوری، آقای عباسـی واعظ طبسـی فراگرفته‌ام. سپس در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم هجرت کرده و در مـدرسه فیضـیه به تحصـیلات حوزوی خود ادامه دادم.

دروس سـطوح عالی را در نزد اساتیـدی همچون آقای اشـتهاردی، اعتمادی، مرحوم سـتوده، محقق داماد و مرحوم فاضل لنکرانی به اتمام رسانیدم. همراه با درس‌های فقه و اصول به سـراغ علوم عقلی و تفسیر قرآن رفته علم کلام، فلسـفه و بخشـی از عرفان نظری و بخشـی از علم هیئت را در نزد اساتیـد بزرگ همچون آیـات عظام انصاری شـیرازی، حسن‌زاده آملی، جوادی آملی و مصـباح یزدی مشغول شدم و تفسیر قرآن را در نزد مرحوم آیت الله مشکینی شروع و در خدمت آیت الله جوادی ادامه دادم.

از سـال ۱۳۶۲ در دروس خـارج فقه و اصـول شـرکت کردم و یـک دوره کامـل خـارج فقه و اصـول را نزد مرحـوم آیت الله فاضـل لنکرانی فراگرفتم و نزد اساتیـدی بزرگ همچـون مرحـوم آیت الله جواد تـبریزی خـارج فقه، آیت الله وحیـد خراسـانی خـارج فقه و بخشـی از اصول فقه، آیت الله یوسف صـانعی بخشـی از خارج اصول، آیت الله نوری همـدانی بخشـی از خارج فقه، آیت الله مکارم شیرازی بخشـی از خارج فقه و از آیت الله جوادی بخشی از خارج فقه را فراگرفتم. البته به طور مقطعی از محضر آیت الله گلپایگانی و نجفی مرعشی و بعضی مراجع عظام دیگر نیز استفاده کرده‌ام.

از همان سال‌های ۵۴ ـ ۵۵ تبلیغ را در مشـهد مقدس از تعلیم قرآن شـروع کرده و سپس در ماههای محرم، صفر و رمضان برای تبلیغ دین و بیـان احکـام و ابلاغ پیام انقلاب اسـلامی به شـهرهای مختلف و در دوران جنگ تحمیلی به جبهه‌های دفاع مقـدس، مسافرت کردم. و چیزی که در این دوره برای من جـالب توجه و شـیرین است، این است که معمولاً سوژه‌ها و نکته‌ها و پیام‌های تبلیغی را، از

نوشته‌های مرحوم آیت الله مطهری و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) و از بیانات مرحوم شهید هاشمی‌نژاد، و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دریافت کرده و در ابلاغ آن به مردم جدی و کوشا بوده‌ام.

تدریس را به طور رسمی از سال ۱۳۵۹ شروع و دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم در رشته‌های مختلف مانند: ادبیات عرب، منطق، اصول، فقه، کلام، فلسفه و تفسیر قرآن تدریس کرده‌ام و کماکان پاره‌ای از دروس حوزوی را در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن تدریس می کنم.

این بنده همواره امر تحصیل، تبلیغ، تدریس، تألیف، تدوین و تحقیق را دنبال کرده‌ام. و پیوسته اشتغال داشته و دارد و بنابر علاقه درونی تألیفاتی در زمینه‌های مختلف، منطق، کلام، اصول و علوم قرآنی را شروع کرده و هنوز هم ادامه دارد. از سال ۷۰ ـ ۷۱ در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در زمینه‌های مختلف، تفسیر قرآن و علوم قرآنی در کنار محققین گرانمایه دیگر، به امر تحقیق اشتغال داشته و این امر تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است و تاکنون تا بخش‌های مختلفی، همچون تفسیر قرآن (تفسیر راهنما) نمایه‌سازی کتاب‌های علوم قرآنی، تدوین اصطلاح نامه معارف قرآن، فرهنگ موضوعی قرآن (کلید قرآن) و دایرهٔ المعارف موضوعات و مفاهیم قرآن، همکاری داشته‌ام.

در سال ۱۳۷۶ به رادیو معارف اسلامی پخش سراسری، دعوت شدم و در برنامه‌ای با عنوان «عارفانه» درباره نماز و اهمیت و آثار، آداب و اسرار آن به مدت (۱۰ ـ ۱۵ دقیقه) نزدیک به صد جلسه برنامه سخنرانی داشتم. در سال ۱۳۷۷ از سوی صدای جمهوری اسلامی ایران مرکز چهارمحال بختیاری شهرکرد دعوت به همکاری شده و در آنجا چهل و پنج جلسه سخنرانی‌های کوتاه با عنوان کلی «آداب» داشته‌ام که هر هفته تنها یک جلسه از آن از رادیو پخش می‌شد. برخی از زیر مجموعه عنوان مذکور عبارتند از: آداب عبادت، آداب نماز، آداب روزه، آداب تلاوت قرآن، آداب استماع قرآن، آداب سخن گفتن، آداب سلام و پاسخ آن، آداب دعا، آداب مساجد، آداب پرسش، آداب ازدواج، آداب اطعام، آداب قرض دادن، آداب برخورد با سختی‌ها، آداب تجارت و ده‌ها عنوان دیگر .

برای بار سوم از طرف رادیو معارف مرکز قم، در سال ۱۳۸۲ دعوت به همکاری شدم این بار سخنرانی‌های این بنده در برنامه‌های «مشکات هدایت» و «بر آستانه ارادت» ضبط و پخش می‌شد. مباحث مطرح شده، مناسبت‌های ایام و مباحث دعا و ذکر و نماز بوده، این برنامه‌ها بیش از یک سال ادامه داشت.

اردکانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اردکانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مذهبی و متدیّن در سال ۱۳۲۴ شمسی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شهر خون و قیام قم شدم، و این سفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریاانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شدم برای ادامه تحصیل به نجف اشرف هجرت کنم، مدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسهای خارج حضرات آیات عظام و مراجع عالی قدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سره) و مرحوم آیت الله العظمی السیّد الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، این جانب به همراه عده ای از فضلا و علمای ایرانی مقیم نجف اشرف، از آن دیار رانده شدیم، و از همان سال تا کنون در شهر مقدس قم ساکن هستم. تا کنون بیش از سی و پنج سال است که به تحقیق علوم و احادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السلام) مشغول ام، مدت چهارده سال آن در مؤسسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم، نوزده سال در مؤسسه بنیاد معارف اسلامی، مرکز تحقیقات حج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعالیت مشغول بودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائمه الاطهار (علیهم السلام) و مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

اردوبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۳ -۱۲۷۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم. در تبریز متولد شد. در چهار سالگی همراه پدر به نجف رفت، و در آنجا شروع به تحصیل علم و کمال کرد. وی نزد ملامحمد ایروانی و ملاعلی نهاوندی و شیخ محمد حسین کاظمی درس خواند و از محضر فاضل اردکانی و میرزای شیرازی بهره‌مند شد. او از شیخ محمد طه نجف اجازه روایت و از فاضل شربیانی و شیخ زین‌العابدین و شیخ لطف‌اللّه مازندرانی و میرزای شیرازی اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از رسیدن به مقامات عالیه به تبریز بازگشت و به تدریس و نشر احکام در آن دیار مشغول شد و از مراجع تقلید آن سامان گشت. مجددا به نجف رفت و در آن شهر زیست و به تدریس مشغول شد. تا اینکه در راه سفر به خراسان در همدان درگذشت. و پس از چند سال جنازه‌اش به نجف منتقل شد. در «اعیان الشیعه» پنجاه و دو اثر به وی نسبت داده شده است. از آثار وی: « القبسات فی اصول‌الدین»؛ «مناهج الیقین فی الرد علی النصاری»؛ «الشهاب المبین فی اعجاز القرآن»؛ «اصول‌الدین»؛ «الدّرة البیضاء»؛ «النجم الثاقب فی نفائس المناقب»؛ رساله‌ای در «احتکار»؛ رساله‌ای در «اوزان و مقادیر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۱ -۴۱۰ /۲)، الذریعه (۱۸۷ /۱۵، ۹۳ /۸ -۱۸۲ /۲)، ریحانه (۲۰۵ -۲۰۴ /۱)، الکنی و الالقاب (۲۱ /۲)، معجم المؤلفین (۱۱۶ /۸).

ارشاد، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی ارشاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی ارشاد فرزند امین در سال ۱۳۴۴ در گرگان متولد شدم و در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه امام خمینی (ره) گرگان شروع نمودم.

تا سال ۱۳۷۰ در گرگان به تحصیل پرداختم. این دروس تا اواسط رسائل و مکاسب ادامه داشت و همزمان برای امتحان به قم و در امتحانات مرکز مدیریت شرکت می‌نمودم. در سال ۱۳۶۸ تمام امتحانات شرح لمعه را به پایان بردم و در مراحل بعدی امتحان می‌دادم.

در هنگامی که در گرگان بودم دروس ادبیات و منطق را مکرراً تدریس می‌نمودم و در اداره آن مدرسه همکاری می کردم. در مهرماه سال ۷۰ به قم منتقل شدم و ادامه رسائل و مکاسب و همچنین شروع کفایه را تا سال ۱۳۷۲ ادامه دادم. در مهر سال ۱۳۷۲ دروس خارج فقه و اصول را نزد مراجع عظام شروع کردم که عمدتاً از محضر حضرت آیت الله تبریزی، فاضل لنکرانی و وحید خراسانی بود و هم‌اکنون از محضر فقه آیت الله وحید استفاده می کنم.

در مهر سال ۱۳۷۲ دروس تخصصی کلام را آغاز نمودم و در خرداد سال ۱۳۷۶ به پایان برده‌ام که اکنون با اتمام نوشتن رساله آن در نوبت دفاع از آن هستم.

پس از اتمام دروس تخصصی در موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی به مدت چهار سال در بخش موسوعه و بخش فرهنگ فقه همکاری داشتم و همزمان در چند واحد دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس معارف اسلامی و همچنین دروس تخصصی فقهی مشغول می‌باشم که تاکنون ادامه دارد. از دیگر فعالیت فرهنگی اینجانب همکاری با موسسه میرداماد در شهرستان گرگان بوده که در قسمت پاسخ به سوالات از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و به صورت مکتوب چاپ شده است.

ارموی، سراج‌الدین، ابوالثنا محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۸۲ -۵۹۴ ق)، فقیه، اصولی و متکلم شافعی. اصل وی از ارومیه بود. در موصل تحصیل کرد و در دمشق ساکن شد و عهده‌دار

قضا آنجا گردید. سپس به آسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در همان جا درگذشت. معروفترین اثرش کتاب «مطالع الانوار» در منطق و کلام است، شرحهای متعدد بر آن نوشته شده که مشهورترین آنها کتاب «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار» قطب‌الدین رازی است که به «شرح مطالع» معروف و از کتابهای رایج تعلیمی است. برخی دیگر از آثارش: «بیان الحق»؛ «المناهج»؛ «شرح الوجیز» غزالی، در فروع فقه شافعی؛ «تلخیص اربعین» یا «مختصر الاربعین»، «التحصیل» مختصر «المحصول» فخررازی در اصول فقه؛ «لطائف الحکمهٔ»، در حکمت به زبان فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۲ -۴۱ /۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴ -۲۴۳ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۵۱ -۱۵۰)، روضات الجنات (۱۰۸ /۸)، ریحانه (۱۰۸ /۱)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۸۴۶، ۱۷۱۵، ۱۶۱۵، ۱۵۶۷، ۹۰۲، ۸۴۸، ۲۶۱، ۹۵، ۹۲، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۲۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۵۵ /۱۲)، نام‌آوران فرهنگ (۵ -۴)، هدیهٔ العارفین (۴۰۶ /۲).

استادی مقدم، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ‌الله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیهٔ‌الله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیهٔ‌الله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیهٔ‌الله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر

آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیهٔالله ستوده، آیهٔالله میرزا حسین نوری، آیهٔالله خزعلی، آیهٔالله محمدی شاه‌آبادی، آیهٔالله جعفر سبحانی، آیهٔالله منتظری، آیهٔالله مکارم شیرازی، آیهٔالله سلطانی بروجردی، آیهٔالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیهٔالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیهٔالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیهٔاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیهٔالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیهٔالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیهٔالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیهٔالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیهٔالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرهٔالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیهٔالله خرازی، در هیأت مدیرهٔ مؤسسهٔ در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیهٔالله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلّات به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیهٔالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استرآبادی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۳ ق)، فقیه و اصولی. پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدرش و آقا سید محمد وحید در تهران، به قم رفت و در حوزه‌ی درس حاج شیخ حسن فاضل و آیت‌اللّٰه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّٰه حائری‌یزدی حاضر شد تا مقام اجتهاد یافت و به دریافت اجازه از آیات عظام حائری و اصفهانی و خوانساری و حکیم نایل شد. پس از درگذشت آیت‌اللّٰه حائری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردید و پس از فوت پدرش به تهران آمد و به جای او به ترویج دین پرداخت و مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و به سرپرستی طلاب اشتغال یافت. از آثار وی: «تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی» استادانش؛ «رسالهٔ العقائد الامامیهٔ»؛ «رساله‌ای در خمس»؛ «رساله‌ای در زکوهٔ»؛ «رساله‌ای در تجرّد بقاء روح»؛ «حواشی بر عروه الوثقی».[۱]

سید ضیاءالدین فرزند مرحوم مغفور حاج سید محمد استرآبادی عالمی جامع و دانشمندی کامل و فقیهی ورع محلی بلباس تقوا و قدس میباشد. معظم له از احفاد امام زاده عظیم‌الشان سید عمادالدین حسینی علوی که به چند واسطه بحضرت سیدالساجدین و زین العابدین علی ابن الحسین علیهماالسلام از فرزندش جناب عبداللّٰه الاصغر منتهی میشود. جناب سید عمادالدین در یکی از مضافات هزار جریب مدفون و زیارتگاه مردم آن سامان میباشد.

مترجم عزیز ما در حدود سال ۱۳۲۳ ق متولد و پس از طی مقدمات و سطوح نزد مرحوم والد و آقا سید محمد وحید در تهران به قم مشرف و بحوزه تدریس مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و بعد آیه‌اللّٰه حاج سید محمد تقی خونساری و مرحوم آیت‌اللّٰه موسس حاج شیخ عبدالکریم حایری- ره- حاضر تا بمقام منیع اجتهاد و اصل و مجاز از آیات عظام حایری و اصفهانی و خونساری و حکیم و دیگران گردیده و در آن اجازات که بنظر حقیر رسیده تصریح باجتهاد آن جناب نموده‌اند. پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری مشغول تدریس متون فقه و اصول گردیده تا سال ۱۳۶۵ ق بعد از فوت مرحوم والدش به تهران آمده و بجای مرحوم پدر در مسجد جمعه باقامت جماعت و ترویج دین و تفسیر آیات مبین و نیز مدیریت مدرسه علمیه محمدیه را متعهد و در آنجا بتدریس و سرپرستی چهل نفر از طلاب و محصلین اشتغال دارد.

آثار علمی آن جناب از این قرار است:

۱- تقریرات مباحثات فقه و اصول استدلالی اساتید قم. ۲- رساله العقائد الامامیه. ۳- رساله‌ای در خمس. ۴- رساله‌ای در زکوه. ۵- رساله‌ای در صلوه اللیل. ۶- رساله‌ای در تجرد بقاء روح. ۷- سؤال و جواب عروه الحج در مناسک حج مطبوع. ۸- حواشی توضیح المسائل مرحوم بروجردی. ۹- حواشی بر عروه الوثقی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۴- ۳۷۳ /۴).

اسدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اسدی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اسدی نام پدر عزیز متولد سال ۱۳۲۳ از سال ۳۹ و ۴۰ وارد حوزه علمیه قزوین شده و مقدمات را در قزوین خدمت اساتیدی همچون حجةالاسلام والمسلمین مرحوم رفیعی قزوینی و آقای صامت تلمذ نموده و در سال ۴۵ و ۴۶ به حوزه علمیه نجف مشرف شدم و در محضر اساتیدی همچون حجةالاسلام والمسلمین شیخ هادی معرفت حفظه الله و آقا میرزا جواد تبریزی و همچنین شیخ صدرا باد کوبه رحمة الله علیه و به مدت یکی دو سال در درس آیت الله خوئی رحمة الله علیه شرکت نموده و در سال ۵۳ به ایران آمده و درحوزه علمیه قم، درس خارج آقای تبریزی و وحید حفظهما الله شرکت نمودم.

در اوائل جنگ تحمیلی از طرف نمایندگی ولی فقیه در جنوب و غرب در سپاه در جبهات جنگ انجام وظیفه نمودم و از سال ۶۷ تاکنون در دفتر تبلیغات اسلامی در واحد احیاء تراث اسلامی با آقایانی همچون فاضل محترم شیخ محمد باقری اصفهانی نجفی و فاضل محترم رضا مختاری همکاری می نمایم.

اسدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن اسدی ملامحله

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ درس مقدمات حوزوی را از تهران مدرسه امام القائم (علم الهدی) شروع و بعد از اتمام شرح لمعه و اصول مظفر در سال ۱۳۶۸ به قم آمده و از محضر آقایان شب زنده دار، شیخ علی پناه، ستوده، محفوظی، استادی، امین شیرازی استفاده کرده ام و دروس خارج فقه و اصول را از آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی بهره مند هستم.

از سال ۱۳۷۰در موسسه (در راه حق) اشتغالات فرهنگی را کنار درس داشته ام و روش تحقیق و تفحص را از آقایان آیت الله

نورانی، امین زاده، ادیانی، توفیقی، مسعودی، عبداللهی کمک گرفته و مشغول به کارهای تحقیقاتی در کتابخانه (موسسه در راه حق) که مسئولیتش بر عهده حقیر است، پیش برده ام و الحمد الله چند جلد چاپ و بقیه را در توان حقیر نبوده و آماده چاپ هستند که بعدا نام می برم.

دروس کلاسیك را تا پنجم ابتدایی در روستای محل تولد (ملا محله) از توابع دیلمان لاهیجان و دروس راهنمایی را در شهرستان رودسر و دروس دبیرستان را در قزوین فرا گرفتم و بعد از ترك تحصیل دروس کلاسیك به دروس حوزوی روی آوردم آن هم همانگونه که قبلا گفتم از تهران شروع کردم و الان هم قریب ۲۰ سال را سپری نموده ام.

اسعدی، محمد حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن اسعدی

محل تولد : کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن اسعدی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان کاشمر دروس مقدماتی خود را شروع کردم. دوره ادبیات و مقدمات را که شامل (نصاب الصبیان، جامع المقدمات، شرح قطر، مغنی، مختصر، حاشیه ملاعبدالله، سیوطی و معالم الاصول) می باشد، در محضر اساتید آن دیار کامل نمودم و در کنار اینها گلستان سعدی، کلیله و دمنه و همچنین عروهٔ الوثقی را نیز خواندم و نوشتم. در ضمن تحصیل تدریس نصاب الصبیان و مقدمات و شرح قطر و گلستان سعدی را نیز داشتم.

در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوران انقلاب و مبارزه بود درسها به کندی پیش می رفت. لمعتین را در محضر آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران خواندم، اصول فقه را خدمت مرحوم آقای عرفانیان بودم.

بعد از انقلاب نیز تا مدتی درسها به کندی پیش می رفت، زیرا در خدمات انقلاب خود را سهیم می دانستم. مدتی که از وجود طلاب برای حراست بیت امام خمینی (ره) استفاده می شد شرکت داشتم. مکاسب را خدمت آقای ستوده و رسائل را خدمت آقای اعتمادی به پایان بردم. در ضمن در کلاسهای معارف دفتر تبلیغات و موسسه در راه حق شرکت می کردم. مسافرت های خدماتی نیز داشته ام و نیز مسافرت های تبلیغاتی نیز به شهرهای مختلف داشته ام.

کفایتین را خدمت آیت الله ستوده خواندم. در سال ۱۳۶۳ برای تدریس به شهرستان ایذه رفتم. در سال ۱۳۶۵ خارج فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۳ در محضر ایشان بودم. در سال ۱۳۶۸ برای بار دوم به شهرستان ایذه برای تدریس رفتم، هر بار یکسال آنجا بودم.

در سال ۱۳۷۱ خارج اصول را در خدمت آیت الله وحید خراسانی شروع کردم و تا سال ۱۳۷۷ از محضر ایشان استفاده می کردم. در مدتی که در قم بودم قبل از مسافرت به ایذه تدریس ادبیات، منطق، معالم و غیره داشتم. البته به صورت خصوصی و در ایذه از ادبیات تا لمعه و اصول تدریس می کردم و بعد از بازگشت نیز مدتی تدریس کفایه برای یکی از دوستان داشتم. از سال ۱۳۷۴ تا

کنون از محضر آیت الله تبریزی استفاده می کنم.

اسفراینی طوسی، ابوالمظفر شاهفور، طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۷۱ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و متکلم شافعی. از بزرگان عصر خویش بود و در فنون مختلف دست داشت. وی داماد استاد ابومنصور بغدادی بود. او از ابن مَحمِش و اصحاب اصم نقل حدیث کرده و زاهر شحّامی از شاگردان او بوده است. در «طبقات الشافعیهٔ» و به تبع آن «الاعلام» و «تاریخ نظم و نثر» و همچنین در جلد چهارم «معجم المؤلفین» از وی به عنوان فرزند طاهر یاد شده است. ابوالمظفر در طوس درگذشت. از آثار وی: «التبصیر فی الدین و تمییز الفرقهٔ الناجیهٔ عن الفرق الهالکین»؛ «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، تفسیری از قرآن به زبان فارسی؛ «الاوسط» در ملل و نحل؛ کتابی در «اصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۶۰ /۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۷)، سیر النبلاء (۴۰۲ -۴۰۱ /۱۸)، کشف الظنون (۱۸۲۰، ۴۴۲، ۳۴۰، ۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل/ اسفراینی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۱)، معجم المؤلفین (۳۸ /۵، ۳۱۰ /۴)، هدیهٔ العارفین (۴۳۰ /۱).

اسفراینی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۸ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. ملقب به رکن‌الدین و مشهور به استاد. او در اسفراین نشو و نما یافت و نزد ابوبکر اسماعیلی در خراسان و ابومحمد دعلج اسفراینی سجزی در عراق تحصیل کرد. وی از معاصران صاحب بن عباد، شیخ مفید و سید مرتضی بود. اکثر علمای عصر و شیوخ نیشابور کلام و اصول را نزد وی آموختند و جمله‌ی علمای عراق و خراسان به فضل و علم او اقرار کرده و او را مجتهد و پیرایه ملک خاور خوانده‌اند. صاحب بن عباد در حقش گوید که او آتشی است سوزنده. قاضی ابوالطیب طبری هنگامی که در اسفراین بود اصول فقه را از وی آموخت. و ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری از وی حدیث روایت کردند. زمانی که اسفراین در نیشابور اقامت داشت مدرسه‌ی بنامی برای تدریس او بنا کردند. او در اصول اشعری بود و با معتزلیان از جمله قاضی عبدالجبار معتزلی مناظراتی داشت. به گفته ابوالقاسم قشیری او کرامات اولیاء را منکر بود. وی در روز عاشورا در نیشابور درگذشت و همان طور که آرزو داشت مردم آن شهر بر جنازه‌ی او نماز گزاردند؛ سپس جنازه او را به اسفراین انتقال دادند. از آثار وی: «الجامع»، در «اصول الدین و الرد علی الملحدین»؛ «العقیدهٔ»؛ شرح «الفروغ» ابن‌حداد؛ «معالم الاسلام»؛ «نورالعین فی مشهد الحسین»؛ «ادب الجدل»؛ «تعلیقه»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۹ /۱)، تاریخ نیشابور (۱۵۶)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۴۲ /۲)، روضات الجنات (۱۷۶ -۱۷۵ /۱)، ریحانه (۱۱۹ -۱۱۸ /۱)، سیر النبلاء (۳۵۶ -۳۵۳ /۱۷)، کشف الظنون (۱۷۲۵، ۱۴۱۸، ۱۲۵۷، ۱۱۵۷، ۵۷۲، ۵۳۹، ۴۵)، الکنی و الالقاب (۲۶

۲/)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق اسفراینی و اسفراینی)، معجم البلدان (۲۱۱ /۱)، معجم المؤلفین (۸۳ /۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۳۴ –۲۳۲ /۲)، الوافی بالوفیات (۱۰۵ –۱۰۴ /۶)، وفیات الاعیان (۲۸ /۱)، هدیهٔ الاحباب (۹۸)، هدیهٔ العارفین (۸ /۱).

اسفندیاری، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا اسفندیاری

محل تولد : تهران

شهرت : اسلامی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی (سال ۶۱–۶۰)

* شروع دروس حوزوی (سال ۶۲–۶۱) در مدرسه مجتهدی تهران و همزمان مربی تربیتی در برخی مدارس تهران

* انتقال به مدرسه چیذر تهران (سال ۶۳–۶۲) وتدریس مکرر کتب درسی حوزه در رشته ادبیات عرب و منطق در خلال سالهای ۶۵–۶۲

* افتخار پوشیدن لباس روحانیت (سال ۶۴)

* انتقال به حوزه علمیه قم همزمان با اتمام دروس سطح ۱ (سال ۶۶) یعنی پایان لمعتین و اصول مظفر

* اتمام دروس سطح ۲ حوزه در قم (سال ۶۹) ورود به درس خارج آیت الله مکارم شیرازی

* پذیرش مسئولیت امور اساتید مدرسه علمیه معصومیه در قم (سال ۷۳–۶۹) و همزمان تدریس برخی کتب درسی چون معالم الاصول , لمعه , تحریر الوسیله , منطق و ادبیات عرب

* سفرهای مکرر تبلیغی به جبهه های دفاع مقدس و مراکز ارتش و سپاه و برخی روستاها (سال ۶۹–۶۴) و ایراد سخنرانی و برپایی منابر حسینی در برخی مساجد قم پس از این سالها تا کنون

* تدریس مکرر کتاب حلقات الاصول و نگارش شرح بر این کتاب از سال ۷۳ تا کنون , در مراکز مختلف علمی

* ارائه اولین اثر مکتوب به نام منطق اجتهاد در شرح" معالم الدین "درسال ۷۲ و شروع به کار تحقیق و تالیف

* دفاع از پایان نامه سطح ۳ حوزه , تحت عنوان " الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی " با نمره ۱۹ در سال ۱۳۸۰

* ارتباط علمی با مرکز ادیان و مذاهب (سال ۷۶ تا ۷۸)

* ارتباط علمی با پژوهشکده فقه و حقوق , وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و پذیرش مدیریت گروه علوم وابسته به فقه (سال ۷۹ تا ۸۲)

* دفاع از پایان نامه سطح ۴ حوزه با عنوان" نظریه حق الطاعه "با نمره ۱۷ درسال ۸۳ و پس از ۶ مصاحبه علمی مربوط به شرکت در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله سید کاظم حائری

* شرکت در همایش های علمی و ایراد سخنرانیهای علمی و نیز دریافت جایزه و لوح تشویق از کنگره دین پژوهان در سالهای ۸۰ و

۸۲ به مناسبت ارائه دو اثر پژوهشی

* همکاری با معاونت پژوهشی حوزه در تدوین درسنامه مقدماتی علم فقه

اسلامیان، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اسلامیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سال ۱۳۷۲ هجری قمری در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دلباخته خاندان پاک پیامبر اسلام (ص) چشم به جهان گشود. پدرش از کسبه شهر قم و از ارادتمندان به علما و مجتهدان این شهر عالم‌پرور بود که از راه چینی و بلورفروشی روزگار می‌گذرانید. حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان تحصیلات دبستانی خود را در مدرسه محمدیه قم به پایان رساند. سپس به سفارش پدر، به نزد دایی خود که از فضلای حوزه علمیه قم بود، رفت و دروس حوزوی را نزد او آغاز کرد. پس از او خدمت چند استاد دیگر در زمینه ادبیات عرب مشرف شد، ضمن اینکه روابط علمی خود را با دایی خود قطع نکرد. پس از اتمام بخشی از دروس دوره مقدمات به مدرسه علمیه حقانی رفت. مدرسه علمیه حقانی در آن روزگار از مدارس مهم حوزه علمیه قم به شمار می‌آمد که با روشی جدید به آموزش دروس حوزوی همت گماشته بود. در این مدرسه که مسؤول آن شهید آیت‌الله قدوسی (ره) بود، علاوه بر دروس حوزوی، دروسی که هر طلبه در امور تبلیغی خود بدان نیاز داشت، آموزش داده می‌شد، از جمله زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و... .

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در آن مدرسه، دروس مقدمات را پی گرفت و سپس دروس دوره سطح را در آنجا به اتمام رسانید و به درس خارج عالمان و استادان مشهور دوره خود راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد، ضمن اینکه در طی این سالها در دروس اخلاق نیز شرکت جدی داشت تا همواره علم خود را با عمل خود توام سازد.

حجةالاسلام والمسلمین اسلامیان در سالیان تحصیل خود به محضر استادان بسیاری راه یافت. او که دروس جامع‌المقدمات و سیوطی را نزد دایی خود و حجج اسلام علی طیبی و صدیقیان فرا گرفته بود، در درس مغنی حجةالاسلام والمسلمین فیاضی یزدی قمی و درس معانی و بیان آیت‌الله خزعلی و آیت‌الله گرامی شرکت کرد. او اصول فقه را نزد حضرات آیات خزعلی، جنتی و استادی، معالم الاصول را نزد استادان تقوی اشتهاردی، و شرح لمعه را نزد حضرات آیات حرم پناهی، گرامی، محمدی گیلانی، مظاهری، مصلحی اراکی، طاهری خرم‌آبادی، فاضلی اشتهاردی، شهید قدوسی و شهید سلطانی اشتهاردی آموخت و در درس رسائل حضرات آیات محمدی گیلانی، صانعی، آذری و درس مکاسب حضرات آیات خزعلی و احمدی میانجی حاضر شد. بخشی از کفایهٔ الاصول را نیز نزد آیت‌الله صانعی و تفسیر را نزد آیت‌الله مصباح یزدی فرا گرفت، ضمن اینکه در طی این سالها، دروسی همچون ادبیات فارسی، املاء و انشاء و زبان انگلیسی را نیز آموخته بود.

با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، آیت‌الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، آیهٔ‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیهٔ‌الله شاه‌آبادی رفت و سالها از خرمن دانش و معرفت آنان خوشه چید. در بخش فلسفه نیز از محضر آیات عظام جوادی آملی، مؤمن قمی، امینی و صدر بهره برد. او در سالهای تحصیل خود با فضلا و عالمان بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان از حجج اسلام آقایان شب‌زنده‌دار، عندلیب، علی مؤمن و محمود رجبی نام برد.

حجهٔ‌الاسلام والمسلمین اسلامیان در سالهای مختلف زندگی خود فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. که از جمله آنها شرکت در مجمع الفقه است که در آن به تألیف رساله‌ها و نوشته‌های گوناگون فقهی پرداخته می‌شود.

وی در طول سالهای تحصیل و پس از آن به مناطق گوناگونی سفر نموده و به تبلیغ عقاید شیعه پرداخته است که از جمله آنها می‌توان به سفر او به شهر مهران و دره‌شهر در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد. همچنین وی مدتی در دفتر امام (ره) به بررسی نامه‌های رسیده و اقدام مقتضی آن می‌پرداخته است.

حجهٔ‌الاسلام و المسلمین اسلامیان در طول سالهای رژیم طاغوت و پس از آن، همواره چون مردم ایران اسلامی، زندگی توام با مبارزه را طی نموده است. از فعالیتهای سیاسی وی در زمان رژیم شاه می‌توان به افشاگریهای او اشاره کرد که در سال ۱۳۵۱ به مدت دو ماه به زندان افتادند.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابستان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق داماد و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته

فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.
در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.
در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیل پور، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی اسماعیل پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

شروع به علوم قدیمه از سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضا و بعد از طی مقدمات و قسمتی از سطوح عالی و فراگیری فلسفه و کلام و مقداری طب قدیم و مقداری هیئت در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.
بعد از تکمیل سطح عالی حوزه در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث فلسفی را نیز تکمیل و در طول خواندن درس خارج به مباحثات علمی و تدریس سطح عالی و علوم اعتقادی مشغول بوده ام و بعد از دوره هائی از تدریس کفایة الاصول از سال ۱۳۵۷ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بوده که هم اکنون هم ادامه دارد و فعلاً دوره سوم تدریس خارج اصول برقرار می باشد.
در سخنرانی بعد از نماز جماعت چه در قم و چه در شهرضا (قمشه) در ایام مناسب و تعطیلات حوزه مثل ماه مبارک رمضان و تابستان با توفیق الهی یکدوره تفسیر کامل قرآن برای مردم گفته شده است و دوره دوم نیز تاکنون به سوره یونس رسیده است.

اسماعیلی مبارکه، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اسماعیلی مبارکه

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اسماعیلی مبارکه در سال ۱۳۴۱ در روستای مبارکه از توابع جرقویه اصفهان متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در روستای پیله وران جنوبی، و ادامه تحصیل را در شهر اصفهان گذراندم.

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و پایه اول تا سوم را در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، و سپس در سال ۱۳۶۶پایه های چهارم و پنجم را در مدرسه علمیه امام صادق (ع) اصفهان گذراندم. در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۷۵ سطح را در قم یعنی پایه‌های ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۶ وارد دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی شدم.

بعد از دو سال همراه با ادامه درس خارج فقه و اصول، تخصصی تبلیغ را در مدرسه عالی دارالشفاء شروع کردم و بعد از چهار سال موفق به گذراندن دوره تخصصی تبلیغ با گرایش ارشاد نوجوانان و جوانان تألیف کودک و نوجوان شدم و جزء ممتازین دوره سوم تخصصی تبلیغ، در سال ۱۳۸۰ از مرکز تخصصی تبلیغ مدرسه عالی دارالشفاء فارغ التحصیل شدم و همزمان با طی کردن ۶سال درس خارج فقه و اصول موفق به دریافت سطح چهار حوزه (دکتری) شدم.

در سال ۱۳۸۰ رسماً تدریس خود را در مراکز تخصصی حوزه:

۱- تخصصی تبلیغ تحت عنوان روش تدریس و کلاسداری و روانشناسی تبلیغ و تدریس مفاهیم دینی و تدریس دینی و قرآن، شروع کردم. ۲- تخصصی علوم حدیث، روش تبلیغ حدیث ۳- در تخصصی مهدویت، روش تفسیر برای جوانان را مشغول هستم. ۴- در دانشگاه باقر العلوم (ع) عناوینی مانند: الف) روش تبلیغ ب) روش ارائه مفاهیم دینی، عقاید، تفسیر، احکام، روانشناسی تبلیغ، روش تدریس و کلاس داری را تدریس می‌کنم. ۵- در مجموعه سفیران هدایت قم هم به تدریس مبانی اصول، روشهای تربیتی، روش تدریس، کلاس داری کودک و نوجوانان و روش تدریس و کلاسداری عمومی مشغول هستم. ۶ - در کارشناسی ارشد تخصصی تبلیغ، تدریس کلاسداری کودکان و نوجوانان مشغول می‌باشم. ۷ - در معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی نیز مشغول آموزش ۲۰۰۰ نفر از طلاب طرح هجرت بلند مدت می باشم.

اسماعیلی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل اسماعیلی

محل تولد : کریز کاشمر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از فراگیری قرآن در مکتب خانه روستای زادگاهم کریز و پایان تحصیلات ابتدایی کلاس ششم نظام قدیم در سال ۱۳۴۸ وارد مدرسه مرحوم حاج سلطان العلما حوزه علمیه شهرستان کاشمر گردیدم و طلبه شدم.

حوزه کاشمر در آن سالها بسیار پر رونق بود و از شهرهای گناباد، قاین، فردوس، بجستان و تربت حیدریه طلبه ها برای درس خواندن به کاشمر می آمدند. هر سه مدرسه کاشمر، مدرسه مرحوم حاج شیخ، مدرسه عتیق و مدرسه حاج سلطان پر از طلبه بود و با مدیریت مرحوم آیت الله سعیدی برنامه های آموزشی منظم و خوبی در جریان بود، امتحانات به طور مرتب برگزار می شد. در آن زمان تقریبا همه سطوح از ابتدایی و مقدماتی گرفته تا خارج فقه و اصول تدریس می شد. مرحوم آیت الله امامی که از شاگردان میرزای نائینی و هم مباحثه آیت الله خویی بوده است در مدرسه حاج شیخ خارج فقه می گفت. خود آیت الله سعیدی هم علاوه بر مدیریت حوزه و فعالیت های متعدد اجتماعی، مذهبی در چند مقطع تدریس می کرد.

بعد از انقلاب متاسفانه برخلاف بسیاری از شهرستانها حوزه کاشمر دچار رکود شد و اخیراً پس از تقریبا دو دهه بی نظمی و بی رونقی دوباره با همت حجت الاسلام عربی سامان گرفته است و کم کم رونق گذشته خود را باز می یابد. در سال ۱۳۵۲ به اتفاق پسر عمویم حجت الاسلام حاج شیخ علی اسماعیلی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفتم.

در حوزه کاشمر دروس مقدماتی و ادبیات عرب مثل نصاب الصبیان، جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، شرح قطر، حاشیه ملاعبدالله در منطق و برخی دروس دیگر را از محضر استادان مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم حاج شیخ جواد آقا مدرسی، مرحوم حاج آقای فرقانی، مرحوم آقای شریعتی محولاتی، مرحوم آقا ضیاء اولیائی فرا گرفتم و در قم پس از چند ماه سرگردانی و نهایتاً استقرار در مدرسه حجتیه (پارک چهارم حجره ۷۵) و با استفاده از راهنمایی حاج آقای جراسیمی و حاج آقای عرب در برنامه های درسی حوزه شرکت کردم.

معانی بیان را از محضر استاد عرفانی استفاده کردم، شرح لمعه را از محضر آیت الله فاضل هرندی و بخشی از مکاسب را از محضر آیت الله صانعی و بیشتر آن را از آیت الله حاج سید علی محقق داماد و کفایه را از محضر آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. در همان زمان در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی و درس نهج البلاغه آیت الله حسین نوری همدانی نیز شرکت می کردم. قوانین الاصول میرزای قمی را نزد استاد آیت الله دوزدوزانی خواندم. معالم را از استاد فیاضی فرا گرفتم و رسائل شیخ را از محضر آیت الله فاضل هرندی استفاده کردم، مدت کمی نیز در درس آیت الله فانی و مرحوم آیت الله نجفی مرعشی و مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی شرکت می کردم.

در همین سالها فعالیتهای تبلیغی و سیاسی نیز داشتم و در برخی جلسات و فعالیتهای انقلابی شرکت می کردم. جلسه طلاب کاشمر که در آن سالها در منزل مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم جلالی کاشمری در جوی شور به صورت هفتگی برگزار می شد و هنوز هم کم و بیش به صورت غیر منظم ادامه دارد، محور فعالیتهای سیاسی بود. در سال ۱۳۵۴ جلسه لو رفت مرحوم جلالی و حاج آقای عربی و آقای موسوی زیرک آبادی توسط ساواک دستگیر شدند و به زندان افتادند. جلسه را فردی که مدت کمی در جلسه شرکت می کرد و در ارتباط با جریان دیگری دستگیر شده بود لو داده بود، به لطف خدا من و پسر عمو و حاج آقای رضایی، احمدی، موسوی نژاد، یوسفی گنابادی، یعقوبی و ... با اینکه تحت تعقیب بودیم ولی دستگیر نشدیم.

دو بار برای دستگیری من و پسر عمویم نیمه شب ساواکیها به مدرسه حجتیه آمدند ولی من قبل از وارد شدن به حجره از آمدن آنها مطلع شدم و به حیاط مدرسه آمدم و تا آنها نرفتند با جمع زیادی از طلاب عبا به سر و مهر به دست در حیاط مدرسه و کنار حوض ماندیم و ماموران ساواک را دسته جمعی هو می کردیم. آنها بخشی از کتابها، نوار مرا از حجره بردند و از هم حجره مان آقای کاظمی پرسیده بودند که فلانی کجاست و او اظهار بی اطلاعی می کرده است. در هر صورت در جریان تظاهرات مفصل ۱۷ خرداد سال ۵۴ در فیضیه که ماموران ساواک ریختند و عده ای را ضرب و شتم کردند و بردند و مدرسه را بستند، شرکت داشتم ولی قبل

از بسته شدن درهای مدرسه از آنجا خارج شدم. روزنامه های آن زمان با عنوان مارکسیست های اسلامی تیتر کرده بودند. باز در فعالیتهای سالهای ۵۶ و ۵۷ جریان مجالس مرحوم حاج آقا مصطفی، جریان ۱۹ دی حضور داشتم.

بعد از انقلاب از دانشگاه قم مدرک کارشناسی گرفتم. در برنامه مرکز آموزشی زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در رشته زبان انگلیسی فارغ التحصیل شدم و مدرک سطح عالی گرفتم.

همچنین یک دوره درس خارجی فقه و اصول از محضر استادان حضرات آیات منتظری، وحید خراسانی، صانعی، تبریزی و فاضل لنکرانی استفاده کردم. بدایه و نهایه علامه را از استاد فیاضی درس گرفتم. مقداری از منظومه را نزد آیت الله انصاری شیرازی خواندم و از سالهای ۶۵ در ضمن درس کارهای پژوهشی و نوشتاری نیز می کردم. در تصحیح و تحقیق مفصل و ده جلدی مختلف علامه که بطور بسیار خوب چاپ شده و کتاب سال هم شد و جایزه دریافت کرد شرکت داشتم و بخش اعلام و تراجم و رجال آن را به اتفاق دوستم حاج شیخ علی اکبر ذاکری انجام دادم. از آن زمان تا به حال حدود یکصد مقاله مفصل علمی که بخش از آنها در مجله های فقه حوزه و برخی روزنامه ها و مجلات دیگر چاپ شده است نوشته ام و الان نیز جانشین مدیر مسئول مجله حوزه و عضو هیات تحریریه آن و دبیر شورای مطبوعات دفتر هستم.

اشرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین اشرفی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای متوسط و کارگر دیده به جهان گشودم و در سن هفت سالگی به مدرسه ابتدایی رفته و دوره راهنمایی و متوسطه را تا سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ پس از اتمام دوران سربازی وارد حوزه علمیه دامغان شده و پس از شش ماه با پایان رساندن سال اول حوزه به شهر مقدس قم عزیمت کردم و در مدرسه رضویه که تحت پوشش مرکز مدیریت بود، قبول شدم و دوره مقدمات و سطح را ۸ ساله به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲ در درس خارج آیهٔ الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کردم و درس خارج فقه را به پایان رسانده و پس از آن در درس خارج اصول آیهٔ الله سبحانی شرکت نموده و همزمان درس خارج فقه آیهٔ الله نوری همدانی نیز شرکت کردم. در سال ۱۳۷۲ با آزمون، وارد درس تخصصی تفسیر شدم و پس از چهار سال موفق شدم که دوره را به پایان رسانم. ضمناً در کنار درس فقه و اصول حوزه حدوداً ۲۰ سال است در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی شرکت می نمایم و مدت ۷ سال از درس خارج فقه ایشان نیز بهره جسته ام.

در سال ۱۳۷۶ وارد دوره تخصصی فقه شده و پس از ۴ سال آن را به پایان رساندم. ضمناً در زمینه های حدیث، رجال، فلسفه و

عرفان بصورت ناپیوسته آموزش دیده ام. در سالهای ۸۰ الی ۸۳ توفیق تـدریس فقه را در مدرسه صدوقی فاز ۴ داشتم و قبل از آن کتاب منطق مظفر را دو دوره تدریس نمودم.

نام اسا تید اصلی در حوزه:

۱. جوادی آملی/ تفسیر/ قرآن/ ۲۰ سال

۲. جوادی آملی/ خارج فقه/ مکاسب/ ۷ سال

۳. فاضل/ خارج فقه/ حج/ ۶ سال

۴. نوری همدانی/ خارج فقه/ مسائل مستحدثه/ ۴ سال

۵. سبحانی/ خارج اصول/ خارج کفایه/ ۶ سال

۶. مکارم/ فقه و اصول/ طهارت/ ۲ سال

۷. محقق داماد/ مکاسب بیع/ ۴ سال

۸. اعتمادی/ اصول/ کفایتین/ ۲ سال

اشعری، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین اشعری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در شـرائطی که سالهای ۱۳۳۶ تحصـیلات ابتدائی و شـشم را به اتمام رساندم ۲ سـال هم تا کلاس ۸ دبیرسـتان را شبانه خواندم ولی مشـکلات مادی خانواده مرا به بازار و شاگردی و شغل آزاد کشانید و در کنارش با تشویق پدر دروس حوزوی را از نصاب الصبیان و جـامع المقـدمات آغـاز کردم و در حـالی که هنوز وارد حوزه نشـده بودم، بالاخره با ادامه دروس مقـدماتی حوزه در مسـجد امام حسن عسگری (ع) و مسجد بالاسر در حالی که تازه ازدواج کرده بودم.

در اوایل سال ۱۳۵۰ قدم به حوزه علمیه گذاشـتم و ادامه تحصیل با شرکت در دروس حوزوی سیوطی آقای فشارکی در مسجد امام و شـرکت در تفسـیر آقای مشـکینی و حاشـیه ملاعبدالله و بالاخره در درس مغنی و مختصر اساتید بزرگ حوزه و لمعتین و رسائل و مکاسب و کفایه و فراموش نمی کنم که در اولین سالهای شرکت در درس خارج گلپایگانی مباحث فقهی امام خمینی (رضوان الله) در مسـجد اعظم و آیات عظام گلپایگانی و گاهی درس خارج آقای منتظری هم می رفتم و حتی در امتحانات سراسری که از طرف آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری انجام می شد با رتبه بالا و قبولی در رتبه سوم کتبی و شفاهی حضور پیدا کردم.

در حاشـیه مباحث حوزوی از شـرکت در همه صحنه های انقلاب کوتاهی نکردم بخصوص در سرودن اشعار حماسی چه در تقویت بنیه شعری مداحان و چه در پرشور کردن نوحه سرائی برای محرم و صفر و دسته جات و هیات که از استثنایی ترین سروده های شعر

که جنبه حماسی و انقلابی داشت بصورت جزوه هایی چاپ شد، بنام نهضت کربلا و از عاشورا تا عاشوراها و سرودهای اسلامی و فلسطین کلاس انقلاب در اولین سالهای پیروزی چاپ شد و با تشویق بعضی از ناشران مانند آقای مصطفی زمانی و آقای حق جو به ترجمه دیوان حضرت علی (ع) در ۴۰۰۰ شعر و تألیف بعضی از کتب تاریخی و مراثی مانند: ۷۲ مجلس در عزای مظلوم و فاطمه زهرا (س) از دیدگاه قرآن و عترت و آموزش جوان و چاپ اشعار دوران بحرانی انقلاب و دفاع مقدس بنام شعر مسئول و شهید در آغوش مهدی، بسوی کربلا، شهید و شهادت و در ادامه ترجمه بعضی از دعاهای معروف که بیشتر در جلسات عمومی خوانده می شود اقدام کردم از قبیل ترجمه منظوم دعای کمیل و دعای ندبه و زیارت عاشورا و دعای توسل و زیارت ناحیه در حالی که به ترجمه منظوم نهج البلاغه حضرت علی (ع) در حاشیه درسهای حوزوی که درس فقه آقای مکارم و درس تفسیر آقای جوادی آملی کوشا بودم و هستم.

سرانجام آخرین سروده های منظوم که به پایان رساندم ترجمه منظوم قرآن مجید ولی متأسفانه موفق به چاپ سروده های نظمی نهج البلاغه و قرآن نشدم ضمناً با شرکت در هیات مذهبی مثل مجله مجمع عاشقان محسن علیه السلام با این مجمع در تألیف جزوه های فصلی و ماهانه این هیئت همراهی کردم و بیش از ده مورد مقالات و جزوه ها به چاپ رسانده شد و خلاصه در نیمه مناسبتهای دوره های سال حداقل چند شعری می سرودم و درباره اهل بیت علیهم السلام و مناسبتهای ارگانها و نهادها و شخصیتهای مذهبی و علما و مراجع و شخصیتهای رزمی و حماسی سروده های چاپ نشده دارم.

ممکن است سوال کنید که چرا در ارگانها و نهادهای مذهبی و انقلابی حضور فرهنگی و اجتماعی نداشم که شاید عمده چیزی که مانع بود و این توفیق را از من سلب کرد، فرزند مریضی بود که بیماری مادر زادی داشت و تا سن ۲۵ سالگی که فوت کرد خودم در کنار مادرش به سرپرستی او و جابجائی کردن و حتی حدود ۱۶ سال بود که هرگز از جا حرکت نمی کرد و خودم او را می خواباندم و برای قضاء حاجت بغل می کردم و... و ۲۵ سال بحرانی ترین دوره زندگی اینجانب به مساعدت و کمک و سرپرستی از این فرزند گذاشت ولی سر انجام حدود ۱۰ سال قبل این امانت الهی را خداوند از من گرفت و در خاتمه با کمال عذر خواهی از آنجایی که «تزکیهٔ المرء لنفسه قبیح» ولی از طرفی هم خداوند می فرماید: «و اما بنعمه ربک فحدث» به این مختصر بسنده می کنم خداوند شما و این حقیر را در انجام تکالیف موفق گرداند.

اشکوری، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۵ -۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی امامی. در جوانی به اتفاق برادرانش سید جعفر و سید مرتضی به نجف رفت و در محضر استادانی چون میرزای و میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. سپس خود مقام مرجعیت یافت و به تربیت شاگردان پرداخت. در اواخر عمر به بیماری دماغی مبتلا شد و دچار نسیان گشت و از مقلدان خود خواست که فتاوی وی را به کار نبندند و از مجتهد دیگری تقلید کنند. در نجف درگذشت و همان جا دفن شد. آثار وی: «بغیه الطالب فی حاشیه المکاسب» که شرح «مکاسب» شیخ مرتضی انصاری است؛ «جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول» که شرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۶ /۲)، الذریعه (۲۷۲ /۵، ۱۳۳ /۳)، ریحانه (۱۳۵ -۱۳۴ /۱)، علماء معاصرین (۸۶)، لغت‌نامه (ذیل/

اشکوری)، معجم المؤلفین (۱۲۵ /۸).

اشکوری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اشکور گیلان به دنیا آمد. پس از فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن، در چهارده سالگی به قزوین رفت و مقدمات علوم متداوله را نزد فضلای مدرسین مدرسه‌ی صالحیه آموخت. فقه و اصول را نزد سید علی قزوینی- صاحب حاشیه بر «قوانین» و «معالم»- و حکمت و فلسفه را از میرزا عبدالوهاب برغانی فراگرفت. سپس به نجف رفت و مدارج عالی اجتهاد را در حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی و شیخ محمد حسن ممقانی پیمود. و آن‌گاه به تدریس پرداخت. جمعی از طلاب در حوزه‌ی درس وی تربیت شدند. پس از فوت برادرش سید اسدالله اشکوری در سال ۱۳۳۳ ق به جای وی، در حرم حضرت امیرالمومنین (ع) به امامت پرداخت. در کاظمین درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: «الادله العقلیه»؛ حاشیه بر «رسائل و مکاسب» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «کفایه‌ی» آخوند خراسانی؛ «القضاء و الصوم و البیع»؛ «مباحث الالفاظ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۸ /۵)، ریحانه (۱۳۵ /۱)، لغت‌نامه (ذیل/ اشکوری).

اصالت، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله اصالت

محل تولد : ساوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱۲/۱۰

اصغری، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵ – ۱۳۴۶در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.

در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.

با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال ۱۳۵۴به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.

در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است. بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی ، سید ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه یکی از بزرگترین علما و مراجع شیعه در قرن اخیر است که متجاوز از سی سال در رأس حوزه نجف از اساتید بزرگ فقه و اصول بود و بعد از فوت مرحوم حائری و مرحوم نائینی زعامت و مرجعیت جهان تشیع به معظم له منتهی شد. در سال ۱۲۸۴ در یکی از قصبات اصفهان متولد شد و ابتدا چند سال در اصفهان مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را به پایان برد و سپس وارد حوزه عراق شد و سالها از کرسی درس آیات عظام: مرحوم سید استاد، آخوند خراسانی، علامه یزدی، مجاهد شیرازی، و آقا شریعت اصفهانی به خوبی بهره مند بود و خود به درجه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. آیت الله اصفهانی یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف بود که پس ازفوت علامه یزدی حوزه درس او محل استفاده اعلام بزرگ و فضلای متعدد قرار گرفت. آیت الله اصفهانی مجتهدی اصولی، محققی مدبر، استادی کامل و دانشمندی جامع علوم فقهی بود. او عمری در حوزه نجف در کوران بحثهای مختلف علمی و فقهی قرار داشت و خود سرآمد اقران گردید. مرحوم اصفهانی دانشمندی متقی و مجسمه ای از فضائل انسانی و معالم دینی و اخلاقی بود. این پیکر تقوی و صبر و استقامت، از مسیر علم و عبادت چنان پیشرفتی نمود که مورد توجه خاص اولیای خدا قرار گرفت و از امدادهای غیبی و توجهات خاصه بقیهٔ الله الاعظم ارواحنا فداه برخوردار گشت، و از او در دوران زعامت و سرپرستی کرامات و عجایبی مشاهده شد که مسلما مورد توجهات باری تعالی و ولی امر او بوده است. نوشته اند معظم له در موارد لزوم ضمن تماس با سرور انس و جان نارسائیهای حوزه و حوایج ضروری جهان تشیع را مرتفع می ساخت. مرحوم آیت الله اصفهانی را دولت انگلیس با مبالغی زیاد قصد داشت استعمار کند. سفیر آنها به اتفاق نوری

سعید تقاضای ملاقاتی درخلوت به او پیشنهاد نمود نپذیرفت.آخر الامر سفیر به اتفاق نوری سعید وارد جلسه عمومی که آیات و شیعیان در حضور آقا بودند به خدمت رسید و ضمن سخنانی مزورانه چکی سنگین از طرف دولت متبوع خود تقدیم آقا نمود. مرحوم اصفهانی آن چک را با مبالغی زیادتر (جهت هزینه مسلمانان و شیعیان مستضعف و مستمندانی که همه توان خویش را به اضافه عزیزان خود در جنگهای بین الملل از دست داده بودند) به سفیر و نوری سعید مسترد داشت و فرمود اگر داشتیم (مبسوط الید بودیم) خیلی بیش از اینها در راه اسلام و مسلمین مصرف می نمودیم. سفیر در مراجعت از خانه آقا، گفته بود ما خواستیم او و پیروان او را بخریم! اما او ما و دولت انگلیس را خرید!! جهانیان زعما و سران مختلف ممالك و مذاهب را با زعمای شیعه مقایسه نمایند و خود قضاوت کنند!! آنگاه پی به حقانیت اسلام و تشیع سرخ علوی که در رأس آن پیامبر بزرگ اسلام و علی و اولادش علیهم السلام بازو به بازو با اقیانوس علوم تشریعی (و تکوینی) ایستاده و خونها داده اند خوب بنگرند! و قضاوت نمایند!! و سپس به حقیقت و روح اسلام پی ببرند. مرحوم آیت الله اصفهانی عمری طولانی در راه خدمت به اسلام و مسلمین به خوبی پیش رفت و خود وسیله نجات بود و وسیلهٔ النجاتی نیز جهت عمل مقلدین به رشته تحریر برد و فضلا و دانشمندانی به جهان تشیع تحویل داد. فرزند عالم و مجتهد او سید حسن موسوی اصفهانی را بعد از نماز مغرب در حضور آقا به دستور استعمارگران و نوکران ابله سربریدند و او که در مقابل خدا بود خم به ابرو نیاورد. معظم له که خواستار رضای خدای متعال و بقای اسلام عزیز بود بعد از مدتی قاتل ابله را نیز پیامبر گونه بخشید. مرحوم آیت الله اصفهانی سالها از دست استعمارگران و نوکران داخلی آنها در رنج بود و مدتی تبعیدی کشید و از دست ددمنشان منافق ناراحتیها و آزارهای روحی دید ولی تحمل می فرمود. و در عین حال که از رنج مسلمین و شیعیان غافل نبود، خود عمری ایستاد و در راه انجام وظائف و ابلاغ رسالت خویش کوتاهی ننمود، و سرانجام در ششم ذیحجه سال ۱۳۶۵ روانش از زندان تن آزاد شد و به لقای حق نائل گردید و در کنار صحن مرتضوی مدفون شد. با مرگ او همانگونه که به یاد دارید جهان اسلام و تشیع به ماتم عظیمی فرو رفت که فقدان این گونه افراد ثلمه ایست بر پیکر اسلام که لایسدها شیء. یادآوری: بعد از مرحوم آیت الله العظمی اصفهانی رحمهٔ الله علیه، با آنکه به مراجع و آیاتی بزرگ بر می خوریم، اما سرانجام زعامت و مرجعیت جهان تشیع به مرحوم آیت الله بروجردی منتهی شد. روان همگان شادتر باد.

منابع زندگینامه :http://www.shaaer.com

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌اللّٰه ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفهٔ الوضع و الاستعمال» یا «جلیهٔ الحال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایهٔ الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوك» منسوب به آیهٔ‌اللّٰه بحرالعلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۳۳ /۲۵، ۲۷۷ /۲۴، ۲۸۷ /۱۲، ۳۶۳ /۹، ۷۹ /۷، ۱۲۷ /۵، ۴۵۲، ۲۱۳ /۴، ۴۸۸ /۲)، ریحانه (۲۵۳ -۲۵۲ /۷).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۲ -۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل‌طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛«وقایه الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۷ /۵، ۴۵۲ /۴)، ریحانه (۲۵۳ -۲۵۲ /۷).

اصفهانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالله اصفهانی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید عبدالله اصفهانی در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در ساری دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه مازندران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی،

اخلاقی فراوان برد.

وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۵ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله مازندرانی، شیخ مهدی زمانی و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد.

استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد قائم شهر مشغول است و علاوه بر تدریس هم اکنون مدیر گروه معارف شبکه تلویزیونی طبرستان می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که آثار متعددی از جمله "تفسیر موضوعی قرآن کریم "، "اخلاق اسلامی کلیات و مفاهیم" و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

اعتمادی، محمد هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی اعتمادی بلیانی

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم. تا کتاب شریف معالم را نزد اساتید در مدرسه مبارکه امام مهدی (عج) زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) تلمذ نمودم. آنگاه در حوزه، اکثر ابواب لمعتین را نزد مرحوم آیت الله وجدانی فخر و حضرات آیات محقق داماد، شیخ علی پناه اشتهاردی، و... فرا گرفتم.

رسائل را در محضر آیهٔ الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی و مکاسب محرمه را در محضر آیت الله دوزدوزانی، بیع را در نزد آیت الله بنی فضل، خیارات و جلدین کفابه را در محضر استاد عالی قدر آیت الله ستوده فرا گرفتم. پس از اتمام سطح، اصول (درس خارج) را به مدت ۶سال در درس آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت داشتم. چند سالی هم در درس خارج یکی از اساتید و همچنین در محضر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده بردم. بدایه را از محضر آیت الله مدرسی یزدی که بعداً عضو شورای نگهبان شدند استفاده و از نوارهای استاد فیاضی هم بهره مند شدم. این بود اجمالی از مراحل تحصیلی در حوزه مقدسه علمیه قم.

اعرافی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد : میبد- محله شهیدیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجهٔالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجهٔالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجهٔالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجهٔالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیهٔ) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.

او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد.

استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.

او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعلایی بنابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اعلایی بنابی

محل تولد : بناب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از همان دوران تحصیل ابتدایی نزد مرحوم والد که خود اهل علم بودند کتابهای ابتدایی طلبگی را از جمله نصاب الصبیان، جامع المقدمات و ... را خواندم. البته معمولاً فقط تابستان ها مشغول این درسها بودم.

در سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفتند و بنده در همان سال رسماً طلبه حوزه حضرت ولی عصر (عج) بناب شدم و طی سه سال دوره مقدمات تا پایه هفتم را گذراندم و در ضمن تحصیل برخی دروس پایه های پایین را نیز تدریس می کردم، همچون صرف ساده، عوامل، صمدیه، منطق مظفر، مغنی، اصول فقه مظفر و... . از اساتیدی که در آن مدرسه از وجود آنها بسیار بهره بردم می توان جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای شیخ عبدالمجید باقری بنابی، جناب حاج علی آتش زر، جناب آقای سیدی جناب آقای اسدپور و ... را نام برد.

در سال ۱۳۷۸ به قم مقدسه آمدم و در جوار کریمه اهل بیت (س)، در فیضیه مبارکه حجره گرفتم. با چهار پنج نفر از طلبه های با استعداد گروهی تشکیل دادیم و از محضر حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای رحیقی و حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای زمانی قمشه ای مدت شش هفت سال برخی کتاب های فلسفی همچون نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه، قسمتی از اسفار، تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بخشی از مصباح الانس ابن فناری را در همان حجره گذراندیم. در ضمن تحصیل علوم عقلی، از محضر حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای مقیمی نیز در مبانی رجال و سند شناسی و از محضر آیات عظام مرحوم آقا شیخ جواد تبریزی (ره) و حاج آقای وحید خراسانی (دام ظله) در خارج فقه و اصول بهره ها بردیم.

بنده در ضمن تحصیل به تدریس کتابهای بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه و قسمت هایی از کتاب رسائل، مکاسب، کفایه و اسفار نیز

مشغول بودم.

هم اکنون نیز از درس حضرت آیت الله حاج آقای بهبهانی در خارج اصول بهره می برم و به تدریس نهایهٔ الحکمه، مکاسب محرمه و رجال و سند شناسی مشغولم.

افضلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی افضلی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی افضلی در سال ۱۳۳۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی بر کشور و حوزه های علمیه، وارد حوزه علمیه مشهد گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد.

پس از مدتها تحصیل و کوشش در مشهد، این بار به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (سلام علیها) و ادامه تحصیل در قم رهسپار قم و وارد حوزه علمیه گردید. پس از ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. با اتمام سطوح عالی در سال ۱۳۵۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله وحید، آیت الله صالحی مازندرانی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه در مقطع کارشناسی ارشد از خبرگان رهبری فارغ التحصیل گردید.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی مازندران، در این دانشگاه و دیگر دانشگاههای استان به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول می باشد.

وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" ترجمه تاریخ شیعه در هند "و مجموعه مقالات" تبیین اندیشه های سیاسی امام خمینی "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

اکبرنژاد، محمد تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی اکبر نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی اکبر نژاد متولد تبریز هستم. دوره های تحصیلی را با موفقیت به پایان بردم و نهایتاً در دبیرستان سپاه مشغول به تحصیل شدم. بعد از شروع سال تحصیلی سوم نظری رشته ریاضی فیزیک، علاقه وافر به حوزه مانع از ادامه تحصیل شد و به حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) بناب رفته و در خدمت حضرت حجهٔالاسلام والمسلمین حاج آقای باقری بنابی مشغول به تحصیل شدم. دوره شش ساله را در دو سال به اتمام رساندم و به قم رفتم.

در قم از خدمت اساتیدی مانند حضرات آقایان عابدی، حسن تهرانی، ایزدی، الهی زاده بهره مند شدم. تا این که در سال ۸۱ به توصیه یکی از اساتید برای تدریس به شهرستان برگشتم. یک سال در شهرستان هادی شهر و سه سال در مراغه مشغول به تدریس ادبیات، منطق و فقه و اصول بودم. در کنار تدریس به کار پژوهش پرداختم و آثار متنوعی را ارائه دادم که اکثراً یا به چاپ رسیده اند و یا در شرف چاپ هستند که البته در ادامه ذکر خواهند شد.

علاقه شخصی بنده بیشتر به فقه و اصول میباشد و شاید حدود یک سال است که به نظرات فقهی خودم عمل می کنم. در سال ۸۵ قصد عزیمت به قم را داشتم که بنا به اصرار یکی از دوستان و وجود برخی از مشکلات مالی منصرف شدم و مدیریت حوزه علمیه کنگاور را به عهده گرفتم و هم اکنون مشغول به خدمت در این حوزه می باشم. آن چه که مهم است این که، اشتغال به هیچ یک از این کارها مرا از تحقیق و پژوهش جدا نکرده است و تحقیق به عنوان مهم ترین شاخصه فعالیت های من حضور دارد.

اکبرنژاد، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی اکبر نژاد

محل تولد : شیروان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی اکبر نژاد در سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه ایلام شدم و برخی دروس مقدماتی را در آنجا گذراندم. با شروع تظاهرات و راهپیمایی های دوران انقلاب عملاً دروس حوزوی تعطیل شد و با پیروزی انقلاب، در اسفند ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد درس خارج شدم همزمان با دوره سطح برخی دروس مانند بعضی از کتابهای فلسفی از جمله بدایه و نهایه را خواندم و در زمان تحصیل در دوره خارج، مدتی در درس اسفار آیت الله حسن زاده و آیت الله جوادی آملی نیز شرکت کردم. درس خارج را نزد آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، وحید خراسانی و مومن قمی گذراندم.

در سال ۱۳۷۰ بعنوان عضو تحقیقاتی تفسیر راهنما، به اعضای نویسنده آن تفسیر ملحق و بعد از چند ماه کار در گروه برداشتهای اولیه روائی، وارد گروه کنترل نهایی فیش های حدیثی تفسیر شدم و این همکاری تا سال ۱۳۷۴ ادامه داشت و بدلیل رفتن به شهرستان در سال ۱۳۷۴ پایان یافت.

در سال ۱۳۷۱ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت کردم و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم. در پاییز سال ۱۳۷۴ از رساله این دوره با عنوان" جدال در قرآن "دفاع کردم.

در زمستان ۱۳۷۴ بعنوان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های ایلام و علوم پزشکی ایلام منصوب شدم و همزمان دروس دانشگاهی را تدریس می کردم. در سال ۱۳۷۷ بعنوان عضو هیئت علمی دانشگاه در آمدم تا سال ۱۳۸۰ که با قبولی در دوره دکترای علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، به قم منتقل شدم و عملاً مشغول تحصیل حوزوی و دانشگاهی و نیز انجام کارهای تحقیقی شدم که اکنون رساله دکترا آماده دفاع می باشد.

در سال ۱۳۸۱ با دعوت مرکز فرهنگی انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی قم به گروه حدیث این موسسه پیوسته و با همکاری چند تن از دوستان، اکنون مجموعه احادیث مهدویت دسته بندی و آماده چاپ و ارائه نرم افزاری می باشد.

اکبری کارمزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اکبری کارمزدی

محل تولد : سواد کوه (عباس آباد)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد اکبری کارمزدی فرزند هادی در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی و قرآنی متولد شدم. دوران ابتدائی را در محل و راهنمائی را در آلاشت به پایان رساندم به پیشنهاد ابوی مرحوم و به خاطر علاقه ای که در درون خود نسبت به دروس حوزوی می دیدم راهی حوزه علمیه رستم کلاه در یکی از شهرهای استان مازندران به سرپرستی مرحوم آیة الله ایازی شدم و جامع

المقدمات را همگام با قیام عمومی مردم در سال ۱۳۵۷ شروع نمودم که با تهدیدات طاغوت حوزه علمیه تعطیل شد به نا چار در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۰ مشغول تحصیل در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی شدم. با اتمام لمعتین در درس های آزاد حوزه شرکت نمودم که اصول فقه را در خدمت استاد حسینی بوشهری و صالحی افغانی بودم. مکاسب را در محضر اساتیدی چون استاد بنی فضل، مرحوم پایانی و استاد قدبری تلمذ بودم و رسائل را محضر آیهٔ الله فاضل استفاده بردم و پنج سال متوالی خارج اصول را در محضر آیهٔ الله سبحانی به پایان رساندم . همگام با خارج اصول به مدت ۸سال خارج فقه را در محضر آیهٔ الله مکارم تلمذ نمودم. ضمنا سالیان سال در درس تفسیر قرآن محضر آیهٔ الله جوادی آملی بودم .حدود سال ۱۳۷۲ به خاطر علاقه ای که به قرآن و تفسیر قرآن پیدا کردم وارد رشته علوم قرآ نی و تفسیر شدم. بعد از اتمام ۴سال مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که بخاطر مشکلاتی، کار ناتمام و مهلت آن به سر آمد که برای بار دوم مشغول تدوین رساله سطح چهار شدم که تا به حال ادامه دارد. بعد از پایان دوره تخصصی برای انجام کار تحقیقات قرآنی در مرکز فرهنگ معارف قرآن مشغول و با تشکیل پرونده ها و سپس ارزیابی مقاله ها و نهائی کردن مقاله ها در بخش مقابله، نزدیک به ۹ سال است که دنبال می کنم نتیجه کارهائی که انجام گرفت انتشار پنج جلد از دایرهٔ المعارف قرآنی و دو جلد اعلام قرآن گروهی می باشد و چند مقاله که به نام اینجانب در دایرهٔ المعارف چاپ شده است. د رحال حاضر در درس فقه آیهٔ الله جوادی آملی مشغول می باشم.

اکبری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود اکبری

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود اکبری در سال ۱۳۵۱ در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تحصیل علوم دینی پرداختم و پس از هفت سال تحصیل نزد اساتید بزرگی چون آیت الله حسین تهرانی، مدرس افغانی، آیت الله صلواتی، آیت الله مقتدایی و یک دوره خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و پانزده سال در دروس فقه آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم و مدت سه سال دروس موسسه ادیان و مذاهب حوزه را طی کردم.

بدایه و نهایه علامه طباطبایی را نزد استاد فیاضی و منظومه سبزواری را نزد آیت الله یحیی انصاری به اتمام رساندم و از سال ۵۹ برنامه های تبلیغی در قالب کلاسداری و منبر و پاسخ به سوالات از مدارس و دبیرستان ها پرداختم و از سال ۷۴ شروع به تالیف و نشر کتاب های متناسب با نسل جوان پرداختم و هم اکنون ۴۰ اثر چاپ شده و ۱۰ اثر آماده چاپ دارم. بدان امید که مورد توجه خداوند متعال واقع شود.

الحلو، مشتاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مشتاق الحلو

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با تحصیل در مدرسه به طور غیررسمی مشغول تحصیلات حوزوی بوده ام و پس از اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی به تحصیلات حوزوی توجه بیشتری نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه مفید در رشته علوم سیاسی شدم و همزمان تحصیلات رسمی خود را در حوزه آغاز کردم. در خرداد ۷۷ موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته علوم و معارف اسلامی حوزه شدم و در سال ۷۸ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه اخذ نمودم.

از دی ماه سال ۸۰ حضور در درس بحث خارج را آغاز کردم و در سال ۸۱ فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه اخذ کردم. در سال ۸۳ مدرک کارشناسی ارشد حوزه را در رشته فقه و اصول اخذ کردم. از سال ۷۳ کار در برخی موسسات تحقیقاتی را در قم آغاز نمودم. و در ابتدا ترجمه از عربی به فارسی را آغاز کردم و از سال ۷۵ به نوشتن تحقیقات در همایش های مختلف مبادرت نمودم.

همزمان با تحصیلات، کار تدریس را در مراکز مختلف انجام می دادم که از مهمترین آنها دو سال و نیم تدریس در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) از مهر ۸۰ بوده است. و همچنان به عنوان محقق با موسسات مختلف به همکاری ادامه می دهم. کار ترجمه به زبان عربی را در زمینه تخصصی (فلسفه دین و کلام جدید) برای برخی مجلات عربی ادامه می دهم و کار راهنمایی و مشاوره پایان نامه های حوزه را نیز انجام می دهم.

الهی خراسانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر الهی خراسانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

حجت الاسلام علی اکبر الهی خراسانی درسال ۱۳۲۱ در نیشابور به دنیا آمد.وی تحصیلات خود را در حوزه علمیه نیشابور آغاز کرد و پس از عزیمت به مشهد و کسب معلومات حوزوی ،د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود.نامبرده در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی می باشد. کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۳۵ برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ علمیه گلشن نیشابور شد. و سال بعد برای ادامهٔ تحصیل به مشهد عزیمت کرد و پس از چند سال موفق به اخذ اجازهٔ کتبی نقل حدیث از بزرگان علما نظیر مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی شد و اجازهٔ تصدی امور حسبیه از ناحیهٔ برخی از مراجع به وی اعطا گردید. د رسال ۱۳۴۴ موفق به اخذ گواهینامهٔ مدرّسی علوم منقول از تهران شد و در سال ۱۳۵۲ به دریافت دانشنامهٔ کارشناسی در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی از دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد موفق گردید؛ و این در حالی بود که دو سال پیشتر، اجازهٔ اجتهاد را از بعضی اساتید و از وزارت علوم و آموزش عالی دریافت داشته بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهی خراسانی در حال حاضر علاوه بر مدیریت بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مدیر گروه فقه و اصول بنیاد، عضو هیأت امنا و شورای آموزشی دانشگاه علوم اسلامی رضویی، عضو هیأت تحریریه و هیأت مدیره مجله مشکوهٔ، عضو شورای فرهنگ عمومی استان و در عین حال مدرّس حوزه و دانشگاه می باشد.فعالیتهای آموزشی : حجت الاسلام الهی خراسانی از سال ۱۳۶۴ به مدت هفت سال دروس علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد تدریس کرده است. اکنون چهار سال است که به تدریس علوم قرآنی و تفسیر برای طلّاب خارجی دانشگاه علوم اسلامی رضوی اشتغال دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اکبر الهی خراسانی در سال ۱۳۴۲ نخستین صندوق قرض الحسنهٔ ایران را در حوزهٔ علمیه مشهد و پس از آن کتابخانهٔ مجهز رضوی و فروشگاه تعاونی طلّاب را تأسیس کرد. در سال ۱۳۶۳ در پی ریزی و راه اندازی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی با مسؤولان آستان قدس و اساتید حوزه و دانشگاه مشهد، همفکری و همکاری داشت و از بدو تأسیس این بنیاد، به عنوان عضو هیأت مدیره و مدیر عامل آن منصوب شد.جوائز و نشانها : کتاب" منتهی المطلب فی تحقیق المذهب"علی اکبر الهی خراسانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.همچنین وی مصحح کتاب «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار» بود که این کتاب هم در دوره پانزدهم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد.چگونگی عرضه آثار : الهی خراسانی علاوه بر نگارش مقالات و کتابهای متعدد در تعدادی از کنگره ها و سمینارهای علمی بین المللی، از جمله کنگرهٔ بزرگداشت سعدی در هندوستان، کنگرهٔ هزارهٔ شریف رضی، کنگرهٔ شیخ مفید، کنفرانس اندیشه اسلامی، کنگرهٔ جهانی امام جعفر صادق علیه السلام در دمشق، کنگرهٔ نهج البلاغه، مجمع جهانی اهل البیت(ع)، مجمع تقریب بین المذاهب اسلامی، مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی و کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه السلام و ... شرکت جسته وبعضاً سخنانی ایراد کرده است. به چند عنوان از مقالات و سخنرانی های وی اشاره می شود: ۱. کتابنامهٔ امام رضا علیه السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۶۳. ۲. المسائل العکبریهٔ، للشیخ المفید (تصحیح و تحقیق)، کنگرهٔ هزارهٔ شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت۱۳۷۳. ۳. مکانهٔ السنهٔ المطهرهٔ فی التشریع الاسلامی، مجلهٔ الارشاد، شماره های ۱ تا ۶، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ ق. ۴. حجهٔالحق شیخ محمدتقی ادیب

نیشابوری، ویژگیها و خاطرات، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹، آذر ماه ۱۳۶۳؛ یادنامهٔ ادیب نیشابوری، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا، ۱۳۶۵. ۵. شناخت و پرورش تحقیق در نهج البلاغه ، کنگرهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۱. آثار : ۱ الدروس الشرعیه، تألیف شهید ثانی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، در دست انتشار.۲ الرسالهٔ العزیزهٔ فی الوجیزهٔ، تألیف مرحوم محدّث قمی، (تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : در دست انتشار.۳ المسائل العکربهٔ، شیخ المفید ویژگی اثر : (تصحیح و تحقیق)، کنگره هزار ?شیخ مفید، ۱۳۷۱؛ دارالمفید، بیروت ۱۳۷۳۴ تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف شهفورالفراینی، (تصحیح و تحقیق، با همکاری) ویژگی اثر : در دست انتشار۵ سفینهٔالبحار، تألیف مرحوم شیخ عباس قمی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : بنیاد پژوهشهای اسلامی، تصحیح،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «سفینهٔالبحار و مدینهٔالحکم والآثار»: بحارالانوار مهمترین دایرهٔالمعارف علوم شیعی است، و از زمان تألیف تاکنون همیشه مورد توجه و استقبال دانش پژوهان بوده است. نیاز این کتاب ۱۱۰ جلدی به فهرست بر کسی پوشیده نیست. مهمترین فهرست موضوعی این کتاب، اثر حاضر است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی، کتاب را برحسب حروف تهجّی مرتب ساخته است. وی در مقدم ?کتاب، روش خود را توضیح داده، ذیل هرعنوان به آیات و روایات و گاهی توضیح و تفسیر پرداخته است و هم ?آنها را با حروف ابجد به مجلدات مختلف بحار ارجاع داده است و در موارد بسیاری نیز خود، افزون بر مطالب علام ?مجلسی نکات بدیعی ذکر کرده است. تصحیح جدید کتاب براساس نسخ ?خطی مؤلّف انجام شده است و چون مرحوم محدث قمی همیشه با حروف ابجد و به مجلدات چاپ کمپانی ارجاع می دهد که استفاده از آن مشکل است و این امر با هدف اصلی فهرست نویسی منافات دارد، محققان محترم کتاب با حفظ رمزهایی که از طرف مؤلّف نوشته شده، تمام آنها را با عدد به مجلدات چاپ جدید بحارالانوار ارجاع داده اند. ضمناً با پانوشتهای سودمند آنچه را مؤلّف از کتابهای مختلف نقل کرده است به همان منابع ارجاع داده انـد. مقدم ?مفصل کتاب نیز بر امتیاز این تصحیح افزوده است. ۶ منتهی المطلب، تألیف علامه حلّی (اشراف بر تصحیح و تحقیق) ویژگی اثر : سه جلد این کتاب از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی انتشار یافته، سایر مجلات در دست چاپ است.این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب»: منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ علام ?حلّی؛ تحقیق گروه فقه بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ هـ . ق. ۲ج. کتاب « منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» یکی از منابع مهم فقه شیعه در زمین ?فقه مقارن (فقه تطبیقی) است. امروزه، پرداختن به این زمین ?فقهی در بین مذاهب اسلامی یک ضرورت است که تدریس آن در حوزه ها و دانشگاهها نیز هرچه بیشتر، حس می شود. از امتیازات این کتاب: مقدم ?تحلیلی خوب؛ آیات، احادیث، اقوال و آراء استخراج شده؛ توضیح لغات و واژه های دشوار؛ شرح حال موجز اعلام و روات کتاب در پا نوشتها، و توضیح هرچند مختصر در مورد برخی فِرق است.

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت:۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات:۱۳۸۸ق

محل دفن :قم

محل تحصیل: تبریز ، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....

شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و ....

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداك "و "عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود ": ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ "دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الهی

محل تولد :

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم به جای تحصیل در دانشگاه، حوزه علمیه قم را انتخاب کردم. دروس مقدماتی را در مدرسه رسالت، رسائل را نزد جناب آقای راستی، مکاسب را خدمت آقای پایانی و بنی فضل و کفایه را خدمت آقای محقق داماد خواندم. از سال ۱۳۶۹ به بعد محضر آیات عظام موسوی اردبیلی و منتظری، وحید و جواد تبریزی به خارج فقه و اصول مشغول شدم.

در سال ۱۳۶۹ همراه با تحصیل در خارج فقه و اصول، به دانشگاه مفید برای تحصیل اقتصاد نظری راه یافتم. تحصیلات در سال تحصیلی ۷۳ ـ ۱۳۷۲ با موفقیت کامل سپری شد و به مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تهران راه یافتم. در بهمن سال ۱۳۷۵ پایان نامه کارشناسی ارشد را تحت عنوان" بررسی مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد از دیدگاه مکاتب مختلف با تاکید بر مکتب اسلام "دفاع نمودم. پس از آن به دوره دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام راه یافتم و اقتصاد پولی و بین المللی را گذراندم و از رساله خود تحت عنوان تاثیر جهانی شدن بر همگرایی و یکپارچه سازی حوزه تجاری کشورهای اسلامی (MENA) در اردیبهشت ۸۴ دفاع کردم.

از سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید به تدریس اشتغال دارم. تاکنون مواد درسی زیادی از جمله: ۱. اقتصاد کلان ۱ و ۲ مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۲. تجارت بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۳. مالیه بین الملل مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۴. اقتصاد منابع طبیعی کارشناسی ۵. اقتصاد سنجی کارشناسی ۶. تفسیر آیات اقتصادی ۷. زبان تخصصی را تدریس کرده ام.

سال ۱۳۷۵ مدیریت دفتر برنامه ریزی و خدمات پژوهشی دانشگاه مفید را بر عهده داشتم و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ قائم مقام رئیس دانشگاه بودم و اکنون مدیر مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه هستم.

الهیان، علی اکبر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۰۵ هـ. ق ، در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. وی مقدمات را نزد اساتید موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالیه رهسپار حوزه علمیه تهران شدو بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت. شیخ علی اکبر به تدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ علی اکبر الهیان فرزند آیت الله حاج شیخ محمد تنکابنی ، در سال ۱۳۰۵ هـ. ق در خانواده ای اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد.خاندان الهیان از علما و بزرگان می‌باشند و هم‌اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال ۱۳۲۳ قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایان برده بود در تهران نزد اساتید آن شهر سطوح عالی را فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود.در ابتدای ورودش به معدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب

«کفایـۀالاصول» زانوی شـاگردی بر زمین زد و از فضـل و دانش ایشـان بهره جست. در همـان زمـان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیۀاللّهالعظمی سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصـر، شایسـتگی علمی‌اش را به ثبوت رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید.پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت.استادان و مربیان : شیخ علی اکبر الهیـان تنکـابنی قزوینی در قزوین از کلاـس درس سیدموسـی زرآبـادی کسب فیض نمود و دریچه هـای عرفان را به روی خویش گشود. وی « عرفان نظری و علوم غریبه » را از این استاد آموخت و دلباخته حالات عرفانی او شد.هم دوره ای ها و همکاران : از همـدوره ایهـای علی اکبر الهیـان تنکـابنی قزوینی می توان به شـیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد.همسـر و فرزنـدان : شـیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزنـد یکی بنام محمـد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشـند البته حسن در سال ۱۴۰۲ هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضـرت رضا (ع) در تصادفی دار فانی را وداع گفتوقایع میانسالی : علامه حاج شـیخ عبدالحسـین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شـنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیـچ آمـالی در مـن وجـود نـدارد. و نیز نقـل نمـود: حـدود سـال ۱۳۷۰ قمری نـامبرده یـک شب تابسـتان با عـده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدّی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوسـتان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متغیّر شـد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشـید؟ بگویید. برود – لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدنـد، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید.زمان و علت فوت : مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سـفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شـدت یافت(۳) و در بیمارسـتان دکتر هشترودی تهران بستری گردیـد و در روز سه‌شـنبه سـیزدهم بهمن مـاه ۱۳۳۹ خورشیدی سال ۱۳۸۰ قمری به‌درود حیـات گفت جنـازه‌اش به قم حمـل شـد و مرحوم آیـۀاللّهالعظمی بروجردی(ره) بر ایشـان نماز گـذارد (و گویـا این آخرین نمـاز میّت ایشـان بود که بجـا آورد) و در قبرسـتان «وادی‌السـلام خـاکفرج» به خـاک سپرده شـد.شـیخ محمـدتقی نحوی که اکـثر اوقـات خـدمت آن مرحوم می‌رسـید از قول یکی از اخیـار تهران که در لحظـات آخر حیـات آن مرحوم نزدش حاضـر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرید تا بنشـینم. او را نشاندیم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسـته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کنـد، سپس پـا را دراز نمـوده و خوابیـد و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حـال بوی عطری بسیار عـالی به مشـام ما رسـید.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سیدموسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسـی و اجتمـاعی خـالی نمی‌کردنـد و همیشـه در مبـارزه بـا ظلـم و سـتم در دو میـدان جهـاد نفسـانی و جهـاد بیرونی پیش‌قـدم بودند.فعالیتهای آموزشی : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حـدود سال ۱۳۳۵ قمری به قزوین مراجعت نمـود و در آنجـا به تـدریس و تربیت طلاـب علوم دینی پرداخت. ، و به تبعیت از اسـتاد و مراد خویش سـید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشـهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شـیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسـه نواب اقـامت می‌گزیـد و به زیارت و عبادت مشـغول می‌شـد و همواره در شـهرهای قزوین، رامسـر، رشت، طالقان، تهران، آسـتانه و مشـهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تـدریس و تربیت و تهـذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبسـتگی به دنیا پیـدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه ننمود. با زندگی بسـیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومـان وجوهـات بـه او داده می‌شـد بـا ایـن حـال هرگز در آن وجوه تصـرف نمی‌نمـود و در دوران زعـامت آیـۀاللّهالعظمی بروجردی(ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شـیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خـدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضـرت سیدموسـی زرآبادی (متوفی سال ۱۳۵۳ قمری) به تهـذیب و تزکیه نفس

مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سیّد که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی‌اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی‌اکبر الهیان در سال ۱۳۴۵ قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد.آثار : ۱ تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی(ره) ۲ حاشیه بر «عین‌الاصول» ۳ حاشیه بر نجاۀالعباد ۴ فوائدالعسکریه ۵ مصابیح

الهیان، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی الهیان

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام الهیان در سال ۱۳۲۸ در شهرستان رامسر متولد شد. پدر ایشان محمد تقی به کشاورزی اشتغال داشته و همچنین مرجع حل و فصل مشکلات مردم آن سامان به حساب می آمده است. ایشان دوره ابتدایی و دروس مرسوم آن زمان را در رامسر به پایان رساند.

در ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه قم شد و قبل از آن یعنی در سال ۱۳۴۲ همزمان با شروع نهضت امام خمینی (ره) مدت ۳ ماه را در باغ شاه سابق تحت نظر بود .

پس از ورود به حوزه دوره سطح را زیر نظر آیات عظام: فاضل و سبحانی گذراند. دروس خارج را نیز در محضر آیات: میرزا هاشم آملی، داماد، نجفی مرعشی و گلپایگانی شاگردی نمود.

همزمان با تحصیل حوزوی دیپلم را اخذ نمود و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق شد که به دلیل شناخته شدن نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بلافاصله به رامسر آمد و سپس به قم جهت ادامه تحصیل نقل مکان نمود. سال ۱۳۵۹ در دانشکده الهیات تهران قبول شد اما پس از یک ترم تحصیل، تحصیلات خود را در مدرسه عالی قضائی و اداری قم (دانشگاه قم) ادامه داد و موفق به اخذ مدرک تحصیلی لیسانس علوم تربیتی گردید. ایشان دارای درجه اجتهاد (نقل حدیث) از آیت الله مرعشی نجفی است .

امام‌الحرمین جوینی، ابوالمعالی عبدالملک

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۸ -۴۱۹ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی اشعری. ملقب به ضیاءالدین و مشهور به امام‌الحرمین. در جوین نیشابور متولد شد. پدرش رکن‌الاسلام ابومحمد جوینی و عمویش علی بن یوسف هر دو از علما و فقهای بزرگ عصر خود بودند. در کودکی در محضر پدرش یادگیری فقه را آغاز کرد تا آنجا که تمامی تألیفات او را بازبینی کرد و بر تحقیقات پدرش افزود. چون پدرش درگذشت بیست ساله بود که بر کرسی تدریس وی نشست. او از استاد ابوالقاسم اسکافی اسفراینی در مدرسه‌ی بیهقی علم اصول آموخت و از ابونعیم اصفهانی کسب فیض نمود و اجازه دریافت کرد. بر اثر تعصبات و دشمنی‌هایی که به تحریک عمیدالملک کندری بر ضد شیعه و اشاعره می‌شد، به بغداد رفت و در آنجا با علمای بزرگ ملاقات کرد. وی سپس به حجاز رفت و نزدیک چهار سال در مکه و مدینه مجاورت گزید، و تمامی مسائل فقه را موافق هر کدام از مذاهب اربعه که سؤال می‌کردند فتوی می‌داد و پاسخ می‌نوشت، به همین جهت به امام‌الحرمین مشهور شد. در اوایل سلطنت آلب ارسلان سلجوقی به نیشابور بازگشت. خواجه نظام‌الملک مدرسه‌ی نظامیه را در آن شهر برای وی بنا نهاد و ریاست عالیه و علمیه را در اختیار وی قرار داد و تا سی سال، در کمال استقلال، تمامی‌امور مذهبی را بر عهده داشت. وی تا پایان عمر در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. اکابر فضلای آن دیار در درسش حاضر می‌شدند و هر روزه متجاوز از سیصد فقیه در برابرش حاضر می‌نشستند. مجموع شاگردان وی را چهارصد تن نوشته‌اند که از آن میان می‌توان از ابوحامد غزالی، شمس‌الاسلام عمادالدین کیای هراسی، ابوالمظفر ابیوردی، ابوالقاسم حکمی، ابوالقاسم انصاری، ابوالمظفر خوافی، زاهر شحامی، احمد بن سهل مسجدی و ابوعبداللّه فراوی نام برد. چون بیمار شد او را به ده زادگاهش بشتنقان که از اعتدال هوا برخوردار بود منتقل کردند. وی همان جا درگذشت. جنازه‌اش را به نیشابور آوردند و در جوار مزار تلاجرد دفن کردند. به گفته‌ی ابن‌خلکان چند سال بعد پیکرش را به کربلا انتقال دادند. شاگردانش در مرگ او قلم و دوات را شکستند و یک سال در سوگش نشستند. باخرزی گوید: امام الحرمین در فقه همچون شافعی، در ادبیات همچون اصمعی و در وعظ همچون حسن بصری بود. برخی از آثار وی: «ارشاد»، در اصول فقه؛ «تلخیص التقریب»؛ «الشامل»، در اصول دین؛ بر اساس مذهب اشاعره؛ «نهایة المطلب فی درایة المذهب»، در فقه شافعی، ۱۲ مجلد؛ «غیاث الامم»، در امامت؛ «غُنیة المستر شدین»؛ در خلاف؛ «مغیث الخلق فی اختیار الاَحَق»، در اصول؛ «الورقات»، در اصول فقه؛ «العقیدة النظامیة» یا «الرسالة النظامیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۶ /۴)، ایضاح المکنون (۲۸۸ /۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۸ /۲)، تاریخ گزیده (۶۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۶۱)، روضات الجنات (۱۶۰ -۱۵۸ /۵)، ریحانه (۱۷۱ -۱۷۰ /۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۸۰ -۱۷۹ /۱)، سیر النبلاء (۴۷۷ -۴۶۸ /۱۸)، الکامل (۱۲۹ /۸)، کشف الظنون (۲۰۰۵، ۱۹۹۰، ۱۷۵۴، ۱۶۴۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۱، ۱۱۵۹، ۱۰۲۴، ۸۹۶، ۴۶۶، ۴۴۳، ۲۵۳، ۲۴۲، ۷۵، ۷۰، ۶۸)، الکنی والالقاب (۵۵ -۵۴ /۲)، لغت‌نامه (ذیل/ امام‌الحرمین و ابوالمعالی)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵ /۴)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۴۱۹ و ۴۷۸)، مدارس نظامیه (۹۴ -۹۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۵ -۱۷۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵ -۱۸۴ /۶)، نفحات الانس (۸۵۱ -۸۵۰)، وفیات الاعیان (۱۷۰ -۱۶۷ /۳)، هدیة الاحباب (۱۰۱ -۱۰۰)، هدیة العارفین (۶۲۶ /۱)، هفت اقلیم (۳۰۴ -۳۰۳ /۲).

امامی حجتی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر امامی حجتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر امامی حجتی دوران کودکی و نوجوانی را در نجف اشرف گذراندم و در خانواده ای روحانی نشو و نما کردم. دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف گذارندم و درسال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد حضرات آیات شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ احمد پایانی، کرباسی، محمد هادی معرفت و فاضل سطح را به پایان بردم. در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و فاضل، سال های متمادی شرکت کردم و بحمدالله موفق بوده ام که سطح را از مقدمات تا نهایه تدریس کنم و به مدت پنج سال در واحد آموزشی خواهران دفتر تبلیغات نیز تدریس کرده ام و علاوه بر تقریرات دروس اساتیدم با همکاری برخی از موسسات پژوهشی آثاری از خود به یادگار گذاشته ام.

از سال ۱۳۷۰ با بخش مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کردم. نتیجه آن با همکاری دیگر برادران چهارده جلد "المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار "و سه جلد" المعجم المفهرس لاعلام احادیث بحار الانوار، "و نقد و پاورقی بر ترجمه کتاب" احداث التاریخ الاسلامی "و فیش برداری از مکتب های تاریخی زیر نظر دکتر آدینه وند و مقاله" تعداد یاران امام حسین علیه السلام "که در کتاب نگاهی نو به جریان عاشورا به چاپ رسیده است. ضمناً در برخی از موسسات دیگر نیز همکاری داشته ام که کتاب" مجمع الفوائد فی شرح الفرائد "با همکاری دیگران نوشته ام که به چاپ رسیده است.

از کارهای شخصی خودم نیز می توان اشاره کنم که تعلیقه توضیحی بر خیارات مکاسب نوشته ام و مقاله ای تحت عنوان مصرف سهم امام علیه السلام در زمان غیبت.

امامی فر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی امامی فر

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی را در روستا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در

حوزه علمیه نوربخش که الان به نام امام صادق (ع) تغییر نام داده مشغول تحصیل شدم و شب‌ها در مدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر ۵۶ انقلاب شروع شد و در سال ۵۷ که انقلاب ادامه داشت در سال ۵۸ به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.

سال ۶۲ در موسسه در راه حق در برنامه‌های آموزشی آیت الله مصباح شرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسیس موسسه امام خمینی (ره) به صورت مستقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال ۷۴). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصلی به حساب می‌آمدند. لمعتین را در محضر آیت الله اشتهاردی و مرحوم وجدانی، مکاسب و رسائل را خدمت آیت الله پایانی و محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال ۷۴ در دانشگاههای شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود ۱۰ سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی امامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه حقانی شدم. با گذراندن سالهای اولیه در آن مدرسه و تکمیل دروس در حوزه از محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات وجدانی، عندلیب، محقق داماد، اعتمادی، ستوده، نبوی، محفوظی و پایانی برای دوره های بعدی تا پایان سطح عالی بهره جستم. سپس از محضر اساتیدی چون حضرات آیات تبریزی و وحید خراسانی از سال ۱۳۷۰ به بعد استفاده نمودم.

همزمان از سال ۱۳۶۸ به تدریس سطح اول و سپس سطح عالی پرداختم که هم اکنون سالهاست به تدریس مکاسب و رسائل اشتغال دارم. (مدرسه حضرت آیهٔ الله بروجردی حجره ۱۵) در سال ۱۳۶۸ مقاله ای پیرامون کنکاشی پیرامون تورم به سمینار اقتصادی کنگره جهانی حضرت امام رضا (ع) ارائه دادم که در جلسه مطرح نمودم و توسط مرکز پژوهشهای آستان قدس رضوی منتشر گردید.

از سال ۱۳۷۹ مقالات و مطالب فراوانی به صورت سلسله ای و ادامه دار در مجلات فاطیما و میثاق با کوثر ارائه دادم که عناوین برخی از آنها عبارتند از": سخنی با نیکان ۲۴ شماره"، "سخنی با ایرانیان ۱۳ شماره"، "مشاوره روانشناسی ۱۷ شماره"، "تحلیل مسائل سیاسی روز تحت عنوان (چرا ؟) ۱۵ شماره"، "النکاح فی الاسلام ۱۵ شماره، "همچنین مدیر مسئولی مجلات فاطیما و میثاق

با کوثر را عهده دار بوده ام که در مورد میثاق ادامه دارد.

امامی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی اصغر امامی

محل تولد : دهاقان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام دوره ابتدایی وارد حوزه شدم و به موازات تحصیل در حوزه علمیه اصفهان دیپلم متوسطه را نیز اخذ نمودم. تحصیلات اینجانب از اوائل در حوزه به صورت مستمر با تدریس دروس حوزوی همراه بوده است. در سال ۱۳۵۸ پس از اتمام سطح در دوره‌های مختلف خارج فقه و اصول و همچنین فلسفه در حد اسفار نزد اساتید متعدد شرکت نمودم. یک دوره اصول در خدمت مرحوم آیت الله صافی اصفهانی شرکت کرده و در محضر مرحوم آیت الله صادقی و مجلسی اصفهانی مباحث فقه را شرکت کرده‌ام. تدریس اینجانب در مدارس صدر و امام صادق (ع) و دارالحکمه و جدّه بزرگ اصفهان تا سال قبل (۱۳۸۵ ـ ۱۳۸۶) ادامه داشته است.

امامی، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی امامی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد مهدی امامی در بهار سال ۴۷ در یک خانواده روحانی و اهل علم متولد شدم. دوران ابتدائی و راهنمائی را در محل تولد که یکی از روستاهای بخش بهار همدان می باشد گذراندم. پایان دوران راهنمائی همزمان شد با شروع جنگ تحمیلی، بخشی

از دوران راهنمائی (سوم) در جبهه و بخشی از آن را در مجتمع رزمندگان به اتمام رساندم.

همزمان با جنگ و دوران تحصیل در مدرسه در سال ۶۴- ۶۵وارد حوزه علمیه قم شدم، البته قبل از آن پایه اول حوزه را در مدرسه شهید مصطفی خمینی (ره) تهران گذراندم. و به جهت این که شهر قم شهر علم و اجتهاد بود و حرم حضرت معصومه (س) در آنجا بود، در امتحانات حوزه شرکت و قبول شدم. از سال اول تا سال سوم را در مدرسه الهادی واقع در خاکفرج قم سپری کردم و همزمان با دروس حوزه دروس مقطع دبیرستان را در مجمع ایثارگران شهید زین الدین قم به اتمام رساندم.

در سال ۷۳ وارد دانشگاه شدم در رشته علوم سیاسی و همزمان با دروس حوزه و دانشگاه، در سال ۷۵ موفق به اتمام سطح دو حوزه و کارشناسی در دانشگاه شدم. در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قبول شدم. و همزمان تا سال ۸۲ دروس دانشگاه و مصاحبه های خارج فقه و اصول را در شش نوبت به پایان رساندم.

از سال ۸۰ همزمان با دروس دیگر و تحقیقات مشغول به تدریس در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و علامه طباطبائی تهران شدم. و در حال حاضر هم با اشتغال به کار آموزشی مشغول تدوین و نگارش کتاب و مقالات و تدریس در دانشگاههای یاد شده و اراک و پیام نور هستم.

امامی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر امامی

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام والمسلمین محمد جعفر امامی در سال ۱۳۲۲ و در شب عید فطر در روستای لایزنگان (خشم علیا) از توابع شهرستان داراب استان فارس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش روحانی نبود ولی پدر بزرگش در کسوت روحانیت بود اما از راه باغ داری و کشاورزی زندگی خویش را اداره می کردند. وی دوران ابتدائی را در مسقط الراس خود، ابتدا در مکتب خانه و پس از آن در مدرسه ابتدایی آن روز به تحصیل گذراند.

در ۲۷/۷/۱۳۳۷ به حوزه علمیه داراب که تحت قیمومیت مرحوم آیت الله نسابه اداره می شد وارد شد و تا سال ۱۳۴۱ در آنجا بود. در طی این سالها دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس دوره سطح را آموخت و سپس به حوزه علمیه قم آمد و در قم نخست به مدرسه رضویه رفت و دروس دوره سطح را پی گرفت و در مدتی کوتاه آن را به پایان برد. سپس به درس خارج استادان مشهور آن روزگار رفت و از محضر بسیاری از آنان بهره مند شد. اما استاد اصلی او در این بخش آیت الله العظمی مکارم شیرازی بود.

حجۀالاسلام والمسلمین امامی، در پیش و پس از (انقلاب اسلامی) در عرصه های گوناگون سیاسی حضور فعال داشته است. او در سالهای حکومت (پهلوی) برای تبلیغ به نقاط مختلف کشور سفر می کرده و در آنجا ماهیت رژیم پهلوی را افشا می نموده است تا

آنجا که رژیم پهلوی او را ممنوع المنبر کرد و تا پیروزی انقلاب این ممنوعیت ادامه داشت از آغاز ورود او به قم که مبارزه مرجعیت و روحانیت با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بر ضد رژیم پهلوی شروع شد همواره در تمام صحنه‌های این مبارزه شرکت داشت.

وی در جریان رفراندوم و لوایح ششگانه در سخنرانی جلسه مهم مدرسین حوزه که پس از لغو مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی در مسجد اعظم قم که در آن آیهٔ الله العظمی مکارم و مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ مرتضی انصاری سخنرانی کردند و موضع مدرسین حوزه را اعلام داشتند و در کلیه سخنرانی های امام راحل چه آنها که در مسجد اعظم ایراد فرمودند و چه سخنرانی معروف مدرسه فیضیه در عصر عاشورا شرکت داشت. و نیز در صحنه پانزده خرداد در قم که ملت ایران به خاك و خون کشیده شدند، حضور داشت.

در شب و روز آزادی امام قدس سره از حبس و حصر و حضور مردم قم در بیت ایشان و ورود هیئت های دیدار کننده از شهرستانهای کشور و سخنرانی آن حضرت در مسجد اعظم و در جشن باز گشت امام که در فیضیه منعقد گردید و نیز در سخنرانی ضد کاپیتولاسیون که در بیت خود حضرت امام (ره) در محله یخچال قاضی قم انجام گرفت در تمامی این مراحل حضور داشت.

او پس از انقلاب نیز در صحنه های گونا گون همواره پشتیبان انقلاب و امام (ره) بوده است. در آغاز به نمایندگی از امام در آمادگاه منظریه قم و در ستاد انقلاب مدتی در سازمان برنامه و بودجه و مدتی در وزارت بازرگانی انجام وظیفه نمود. در طی سالهای دفاع مقدس نیز با تنظیم کتاب (نظام دفاعی اسلامی) و بحث های عقائد و اطلاعات رزمندگان اسلام را با مبانی دفاع و دیدگاه اسلام درباره آن آشنا می ساخته است.

حجهٔ الاسلام و المسلمین امامی هم اکنون از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می باشد و در شهر قم حضور دارد .

امامی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود امامی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام سال دوم دبیرستان به علت علاقه شدید به دروس حوزوی، دبیرستان را رها کردم و به مدرسه علمیه ملا محمد جعفر (حاج آقا مجتهدی تهرانی) وارد شدم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ تحصیل دروس مقدمات (تا پایان لمعتین) را در این مدرسه سپری کردم. سپس مدت یکسال بطور آزاد در دروس مدرسه عالی شهید مطهری شرکت نمودم و آنگاه در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه قم آمدم و تا کنون در این حوزه به تحصیل و تحقیق مشغول هستم.

شرایع و دروس جنبی مانند تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و اخلاق را به مدت ۵ سال از محضر استاد بزرگوار آیت الله مجتهدی تهرانی بهره گرفتم. لمعتین و اصول فقه را خدمت حاج سید محمد ضیاء آبادی خواندم. مدت یکسال که در مدرسه شهید

مطهری بودم، الهیات شرح منظومه را نزد استاد سید مصطفی محقق داماد و رسائل را نزد آیت الله سید حسن مرعشی درس گرفتم. ادامه درس رسائل را در قم در درس آیت الله سید رسول تهرانی شرکت کردم. در تهران بدایهٔ الحکمه را در درس آیت الله سید رضی شیرازی و نهایهٔ الحکمه را در درس استاد سید حسین حسینی حاضر شدم. در قم، درس مکاسب را در محضر آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی شرکت کردم. جلد نخست کفایه را نیز خدمت آیت الله شیخ حسن قدیری و جلد دوم را خدمت استاد شیخ صادق لاریجانی خواندم.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۴ سال در درس خارج فقه (مبحث بیع) آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و در کنار آن به دروس خارج اصول حضرات سید احمد مددی و استاد گنجی حاضر می شدم. مدت ۲ سال خارج فقه (خمس) آیت الله شیخ جواد تبریزی را درس گرفتم و در نهایت مدت ۶ سال از خارج فقه (خمس و نکاح) استاد معظم حضرت آیت الله شبیری زنجانی را بهره مند شدم. همچنین ۴ سال در درس خارج اصول حضرت استاد وحید خراسانی حاضر شده ام. نهایتا مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرده ام و از سال گذشته از حضور در دروس خارج منصرف شده ام. و بیشتر وقت خود را به کارهای پژوهشی سپری میکنم.

در مدت اقامت در قم، مدت ۷ سال در درس کلام یکی از اساتید بزرگوار شرکت کردم (به علت عدم رضایت استاد، از ذکر نام ایشان معذورم) مدت ۲ سال در درس اشارات حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مدتی در درس اسفار حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

مدت ۵ سال که در مدرسه مجتهدی در تهران بودم، دروس مختلف ادبیات و منطق را کراراً تدریس کردم و مدت ۸ سال است که هفته ای یک روز به تهران می روم و به تدریس دروس معارف اسلامی و مباحث اعتقادی در دانشگاه های تهران (۳ سال نخست در دانشگاه خواجه نصیر و ۵ سال بعدی در دانشگاه تهران) مشغول هستم و همچنان ادامه دارد.

از آغاز تحصیل در حوزه، علاقه وافری به تحقیق و پژوهش داشتم و نخستین کار پژوهشی ام را در سال دوم دبیرستان (۱۶ سالگی) شروع کردم که بحثی پیرامون عصمت بود و یکسال بعد از تحصیل در حوزه آن را با مطالعه متون عربی تکمیل کردم و در نهایت با ۱۲۰ منبع به پایان رساندم. در مدتی که در تهران و قم بودم کارهای پژوهشی مختلفی انجام دادم، در دوران اقامت در تهران و مدتی پس از ورود به قم به کارهای تحقیقی پیرامون متون روایی و ترجمه آنها (ترجمه و تحقیق فضائل الخمسه و تحقیق نفس الرحمن فی فضائل سلمان، (تالیف محدث نوری، اللوامع النورانیه تالیف محدث بحرانی، الهدایه حسین بن حمدان) اشتغال داشتم.

مدت ۷ سال است که با موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی (زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی) در بخش فرهنگ فقه و مجله فقه اهل بیت (ع) همکاری پژوهشی دارم و مدت ۶ سال است که در کارهای پژوهشی و تحقیقی مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه همکاری می کنم و با موسسه هایی چون فرهنگ و اندیشه اسلامی، همایش دو سالانه مهدویت همکاری پراکنده داشته ام.

امانی، محمدصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صالح امانی

محل تولد : جنت رودبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد هشتم ربیع الثانی سنه ۱۳۹۱ ه.ق مطابق خرداد ماه ۱۳۴۹ خورشیدی در یکی از روستاهای خوش آب و هوای منطقه تنکابن به نام جنت رودبار از حوالی بخش مرکزی شهرستان رامسر بدنیا آمدم. در خانواده ای که دینداری، نوعدوستی، اصالت، تقوا، پاکدامنی مشهور و زبانزد خاص و عام بودند. از همان زمان طفولیت عشق و علاقه وافری که به مکتب اهل بیت (ع) داشتم، همواره شوق و اشتیاق را در اینجانب زیاد می کرد، تا اینکه پس از طی مراحل تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خودم با موفقیت به پایان رسانیدم و دوره آموزش متوسطه و دبیرستان را در شهرستان آمل مازندران گذرانیدم و در خلال این مدت قریب یک سال نیز در جبهه های جنگ علیه باطل شرکت کردم. و سرانجام وارد حوزه علمیه شهر شدم و با قبولی در آزمون و مصاحبه به پذیرش آن حوزه مقدسه درآمدم.

پس از ورود به حوزه نیز با برنامه ریزی دقیق و نظم و سلیقه خاص که از صفات لاینفک وجودم می باشد در کنار گذراندن دروس اصلی و فرعی به مطالعات و تحقیقات نیز پرداختم و عهد اینکه در کنار مطالعات همواره مطالب مورد نیاز و علاقه را بصورت فیش برداری یادداشت می نمودم که همچنان نیز ادامه دارد.

یکی دیگر از کارهایی که در کنار تحصیل داشتم و دارم تبلیغ و ترویج مکتب دین مبین اسلام بوده و هست که در ایام تبلیغ هر ساله با شور و شوق فراوان به آن پرداختم. و از کارهای دیگر تدریسی است که از همان اوایل خود را مقید به آن کردم که تاکنون اکثر کتب مقدماتی اعم از صرف، نحو، ادبیات، منطق، تجوید قرآن، حاشیه ابن عقیل، معانی، فقه و اصول، لمعه، تحریر الوسیله، مختصر النافع، مکاسب و رسائل، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را تدریس نمودم.

از بدو ورود به حوزه مقدسه علمیه یعنی سال ۱۳۷۷ خورشیدی تاکنون بطور مستمر و مداوم مرتباً در دروس سطح عالی و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال و حدیث و غیر آن از محضر پر برکت اساتید معظم و مراجع عظام تقلید (دامت تأئیداتهم) بهره بردم که بخشی از آن بزرگواران در صفحه ۲ همین فرم ذکر گردیده اند و از اکثر آن بزرگواران نیز به اخذ اجازات علمی، حدیثی و امور حسبیه نائل شدم.

امیدی فرد، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الله امیدی فرد

محل تولد : فارمد مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالله امیدی فرد در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای نزدیک به مشهد مقدس به نام فارمد که مردم محل آنرا پژمه هم می خوانند دیده به جهان گشودم. در همان روستا دوره ابتدائی را که آن زمان شش سال طول می کشید به پایان رساندم و به پیشنهاد پدرم که از شاگردان و دوستان نزدیک آیات حضرت آیهٔ الله حاج آقای مروارید و حضرت آیهٔ الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی بود وارد حوزه علمیه مشهد شدم و تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه بعثت زیر نظر آیهٔ الله مروارید شروع کردم این زمان مهر ماه ۱۳۵۰ بود پس از سه سال با موافقت پدرم با مرحوم حاج شیخ عباسعلی سبزی عازم حوزه علمیه قم شدم.

در سال هزار سیصد و پنجاه و چهار به درس مکاسب حضرت آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و رسایل حضرت آیت الله اعتمادی و برخی از مباحث مکاسب را هم نزد آیت الله ستوده شرکت نموده و تلمذ نمودم. در ادامه دروس سطح توفیق یافتم کفایتین را نزد آیهٔ الله العظمی فاضل و شرح تجرید را نزد استاد شهید خلیلی و منظومه را نزد آقایان دکتر بهشتی و آیهٔ الله یحیی انصاری و برخی از مباحث اشارات را نزد آیت الله حسن زاده و برخی از قسمت های اسفار را نزد آیهٔ الله جوادی آملی فرا بگیرم. در سال ۵۸ رسماً حضور در دروس خارج را با شرکت در فقه آیهٔ الله صانعی و آقایان دیگر شروع کردم بیشترین تاثیر را از آیات عظام فاضل، صانعی، منتظری و تا اندازه ای هم از محضر آیات عظام وحید خراسانی، آیهٔ الله حاج شیخ جواد تبریزی داشته ام.

باید یاد آور شوم که همزمان با دروس حوزه به تحصیلات جدید هم ادامه دادم نخست دوره راهنمایی را و سپس دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم اقتصاد به پایان رساندم و در اولین دوره مدرسه عالی طلاب موفق به اخذ مدرک آن دوره که ارزش لیسانس معارف اسلامی را داشت گردیدم و در اولین دوره تربیت مدرس هم موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از سال ۱۳۷۱ ضمن تدریس در دانشگاه به عنوان هیات علمی، توفیق دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مباحث حقوق اسلامی از دانشکده الهیات تهران را پیدا کردم.

از توفیقات بزرگ که خداوند به اینجانب عطا فرموده آن است که از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی همواره در خدمت انقلاب بوده هر چند سمت های مهم و حساس را نداشته ام اما در حد توان از سویی در خدمت نظام مقدس بوده و هستم و... و از سویی از خدمت در دانشگاه به قشر جوان در راستای اهداف نظام اسلامی خدمت نموده ام و از همه بهتر در حوزه همواره با تدریس تلاش کرده ام اندوخته های اندکم را به دیگران انتقال دهم در همین راستا مدتی را به عنوان مدیر یکی از مدارس علمیه قم سپری می کرده ام غیر از تدریس در مدارس تحت برنامه مدیریت حوزه تدریس خصوصی ادبیات و دروس سطح از سال ۱۳۷۴ با تدریس صفات اصول شهید صدر سپس کفایه و مکاسب و... را در حجرات و سپس مدرسه حضرت آیهٔ الله العظمی گلپایگانی را داشته ام.

امین زارع، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا امین زارع

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی و متوسط در سبزوار متولد شدم. تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در همان شهر سپری کردم. در میان اساتید آن دوره استاد محمود کیانی دبیر ادبیات بیشترین تاثیر مثبت را بر من داشتند. در بحبوحه انقلاب با حضرت آیت الله سید محمد حسن علوی آشنا شدم و ارتباط خوبی با محضر ایشان پیدا کردم. ارتباط با ایشان درس تقوی، معنویت، خلوص و سادگی بود و هم اکنون نیز از این جهت بهره های وافری از ایشان می برم. همچنین ادامه فعالیت درسی ام تاکنون نتیجه سفارش، تاکید و تشویق ایشان و استادم آیت الله سبحانی می باشد.

حدود سال ۱۳۶۱ به واسطه استادم حجة الاسلام سید سلیمان علوی وارد حوزه علمیه شدم و تا پایه سوم را در مدرسه رسالت و امام خمینی (ره) گذراندم. بعد از آن به صورت آزاد سطح را به پایان رساندم. پس از پایان سطح حدود پنج سال در مبحث خارج نکاح استاد آیت الله شبیری زنجانی و خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت کردم. تقریرات نیم دوره اصول و بخشی از کتاب نکاح به زبان عربی مکتوبات این دوره است.

هم اکنون در درس فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت می نمایم. سایر فعالیتهای بنده به ترتیب: در سالهای ۶۶ و ۶۷ دوبار افتخار حضور در جبهه داشتم و در سال ۷۱ به عنوان نماینده سازمان تبلیغات در مقدونیه به آن کشور مسافرت کردم و در مسیر راه در کشور آلبانی توقفی داشتم. ماموریت بنده در مقدونیه با تظاهرات خیابانی و اعتراضات مسلمانان مقدونیه مصادف شد و همین امر باعث شد دولت مرکزی و مسیحی مقدونیه تقریبا همه مجموعه ها و هیئت های خارجی مسلمان را از مقدونیه اخراج کند و مجموعه بنده نیز مشمول همین قاعده شده و به ایران بازگشتیم.

گذراندن یک دوره کامل زبان انگلیسی در دانشکده باقرالعلوم علیه السلام دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نیز از فعالیتهای سالهای ۷۳ و ۷۴ اینجانب بوده است از سال ۷۸ تاکنون در بخش های مختلف پایگاه حوزه نت (تحقیقات، پاسخ به سوالات، بخش انگلیسی و...) مشغول به همکاری هستم. همچنین در سال ۷۹ به مناسبت پاسخگویی به چند پرسش راجع به جناب ذوالقرنین و اقوام یاجوج و ماجوج، کتابچه ای در مورد ایشان با نام «ذوالقرنین در قرآن» تحریر و چاپ نمودم که بحمدالله مورد استقبال خوبی هم قرار گرفت.

امین، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد امین

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در خانواده ای معتقد و متدین زاده شدم. بعد از دوران تحصیلات جدید در مشهد مقدس وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه نواب

حجره گرفتم و مدت هفت سال بطور منظم به درس های حضرت حجت الحق استاد ادیب نیشابوری (محمد تقی) رحمهٔ الله علیه شدم و هر آنچه را معظم له تدریس فرمودند آموختم و نوشتم و از همان سال ها نیز به تدریس اشتغال ورزیدم.

شرح لمعتین و خلاصه الحساب مرحوم شیخ بهایی را به مناسبت کتاب ارث در خدمت استاد بزرگوار مرحوم حاج میرزا احمد قدوسی یزدی آموختم. پس از آن به شهر مقدس قم آمدم و از طرف حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس در مدرسه علوی که آن وقت جنب کوچه حاج زینل در خیابان تهران (امام) بود پرداختم.

ضمناً رسائل را خدمت حضرت آیت الله نوری همدانی، مکاسب و کفایه را خدمت حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قوانین را خدمت حضرت استاد اعتمادی، هیئت تشریح الافلاک و هیئت چغمنی را خدمت حضرت استاد حسن زاده آملی و منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری را خدمت مرحوم شهید دکتر محمد مفتح و منطق منظومه را خدمت استاد بزرگوار آیت الله گرامی قمی آموختم. مدت هفت سال در مدرسه مبارکه منتظریه (حقانی) به دعوت شهید حضرت آیت الله قدوسی به تدریس در آن مدرسه اشتغال داشتم و نیز درس هایی به صورت آزاد در حوزه علمیه که بیشتر در مسجد فاطمیه و مدرسه فیضیه و مسجد امام بود داشتم.

در این مدت به دروس خارج حضرات آیت الله مرحوم داماد، حاج آقا مرتضی حائری، آیت الله اراکی و آیت الله گلپایگانی، حضرت آیت الله آقا میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله وحید خراسانی می رفتم که نوشته های دروس این بزرگواران موجود می باشد و کتاب های اشعار را محضر حضرت آیت الله جوادی آملی آموختم.

در زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ مدتی قبل و مدتی بعد از آن حدود دو سال تا سه سال در شهر خوانسار که از طرف حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی ابن الرضا (زید عزه) دعوت شده بودم تدریس در مدرسه مهدیه و نیز فعالیت های فرهنگی و انقلابی در دبیرستان های آن شهر داشتم و مدت سه سال بعد از آن به دعوت حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی (دام عزه) در حوزه علمیه خرم آباد (فاطمیه) و ارگان های مختلف آن شهر به تدریس و کارهای فرهنگی و انقلابی اشتغال داشتم.

از این مدت به تالیف کتاب هایی همچون «البیع فی المعانی و البیان و البدیع» به زبان عربی و «اسلام پزشک بی دارو» به زبان فارسی که رشته غذا شناسی اسلامی است پرداختم سال ۱۳۶۲ مجدداً از جانب حوزه علمیه قم برای تدریس دعوت شدم و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در ابتدای خیابان شهدا (صفائیه) به تدریس «مختصر المعانی» پرداختم که نوارهای آن ضبط شده و فعلاً به صورت نوار و سی دی موجود است. از این زمان به تدریس فقه و اصول و فلسفه در مدرسه دار الشفاء و فیضیه و بعضی کلاس های خصوصی مثل مدرسه معصومیه پرداختم و ضمناً به کار تبلیغ در شهرستان های مختلف مثل گیلان (انزلی، رشت) و مازندران، اهواز، آبادان و شهرهای مختلف شیراز مثل مرودشت و غیره (البته ایام تعطیل) مثل محرم و ماه مبارک رمضان پرداختم و به کار تحقیق نیز ادامه دادم.

در کارهای تحقیقی شروع به استخراج قواعد ادبی از کتب پیچیده و مغلق علمی صرف و نحو و آمیختن آنها با آیات و روایات به جای مثال های مستهجن و اشعار نامربوط نمودم که مجموعه آنها در شش مجلد سه جلدی در علم صرف و سه جلد در علم نحو برای سه دوره مقدماتی، متوسط و عالی نمودم و شرحی بر کتاب (مختصر المعانی) در چهار مجلد نمودم و اینک نیز به کار تدریس ادامه داده و اشتغال دارم.

انتظام، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد انتظام

محل تولد : چناران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.

از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایهٔ الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.

در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.

در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

اندرزیان، امرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امرالله اندرزیان

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

اندروافر، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد اندر وافر

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۷در مدرسه ولیعصر (عج) تبریز شروع به طلبگی کردم. سال ۱۳۶۰به حوزه مقدسه قم مهاجرت کردم. و ادبیات را از محضر مرحوم آیت الله مدرس افغانی تلمذ نمودم. بقیه دروس سطح را از محضر آیات و حجج الاسلام آقایان: خسروشاهی، وجدانی، اشتهاردی، صالحی افغانی، اعتمادی و پایانی (ره) بهره مند شدم.

از سال ۱۳۷۰درس خارج را با شرکت در بحث فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شروع کردم. در سالهای بعد از درس خارج آیت الله بهجت، ملکوتی، محقق و بیش از همه از محضر آیت الله معرفت در بحث فقه خصوصی استفاده بردم. (بیش ازده سال) در کنار تحصیل غالباً تدریس هم داشتم. و دو سال به عنوان استاد به مدارس دینی جمهوری آذربایجان اعزام شدم.

انصاری، کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کریم انصاری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مراحل ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را تا سال اول دانشگاه رشته مهندسی برق در کشور عراق طی کردم. سپس در سال ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران تبعید شدم.

در سال ۱۳۶۱ تحصیلات حوزوی خود را شروع کردم. مقدمات را پیش عمده ای از اساتید مشهد خواندم. سپس دروس لمعتین را نزد استاد مهدوی و مکاسب و رسائل را نزد اساتید: تبریزیان و اعتمادی (نوار کاست) خواندم. کفایتین را نزد استاد رضا زاده و خارج فقه و اصول تا پنج سال نزد آیت الله مرحوم حاج آقای فلسفی (قدس سره) خواندم.

سال ۱۳۷۵ به شهر مقدس قم منتقل شدم. بلافاصله در درس خارج اصول آیت الله العظمی وحید خراسانی و فقه آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمودم. در سال ۱۳۸۰ ـ ۱۳۸۱ دوره کامل اصول را به اتمام رسانیدم و هم اکنون درس خارج فقه شرکت

می کنم. به مدت کوتاهی، اشتغال به تدریس داشتم که حدوداً سه الی چهار سال ادامه داشت. به علت اشتغال به تحقیقات علوم اسلامی و نوشته های مختلف، تدریس را رها کردم.

سال ۱۳۶۵ شروع به فعالیت تحقیقات اسلامی نمودم و نزدیک به تحقیق شصت جلد کتاب شرکت نمودم. از سال ۱۳۶۸ به عنوان مدیر تحقیقات موسسه آل البیت (ع) شعبه مشهد منصوب شدم. از سال ۱۳۷۵ که به شهر قم منتقل شدم، در شعبه مرکز موسسه آل البیت (ع) به عنوان مسئول کل تحقیقات موسسه منصوب شده و عضو هیئت مدیره آن موسسه گردیدم و این سمت تا به حال ادامه دارد.

انصاری، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد : داراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۳

انصاری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا انصاری

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا انصاری در سال ۱۳۲۷ ش در شهرستان محلات متولد شدم. در دوران کودکی مدت سه سال در مکتبی که قرآن و خط و کتاب فارسی آموزش می دادند درس خواندم و همزمان با هجرت اعضای خانواده به قم، تحصیلات ابتدایی را تا سال ششم به پایان رساندم. پس از آن با تشویق پدرم مرحوم آیت الله حاج میرزا حسن انصاری، تحصیلات حوزوی را آغاز نمودم و بخش عمده ادبیات را نزد استاد بزرگوار حاج شیخ رحمت الله فشارکی آموختم و فقه و اصول را در مرحله سطح نزد آیات عظام فاضل لنکرانی و حسین نوری، و فلسفه و منطق را نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفتم.

پس از ورود به مرحله دروس خارج، چندین سال به طور مداوم در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت جستم و برای خارج فقه، از آغاز، درس مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) را انتخاب نمودم که تا پایان عمر ایشان، قریب بیست سال در آن شرکت کردم.

از سال ۱۳۵۰ نویسندگی را آغاز نمودم و نخستین اثری که به عنوان ترجمه از من منتشر شد، کتاب" اسلام بر فراز اجتماع "نوشته استاد محمد جواد مغنیه بود که در سال ۱۳۵۲ توسط انتشارات پیام اسلام در قم به چاپ رسید. از آن پس به تدریج کتابهایی را از عربی به فارسی ترجمه نمودم و در مجلات و سالنامه هایی که در آن دوران منتشر می شد مقالاتی گوناگون ارائه دادم.

در سال ۱۳۶۷ به پیشنهاد هیئت علمی دارالقرآن الکریم آیت الله العظمی گلپایگانی به منظور همکاری علمی در این موسسه، تحقیقات قرآنی را آغاز نمودم. استخراج آیات اجتماعی قرآن و تنظیم و دسته بندی آنها برای تدوین" الکشاف الموضوعی لآیات القرآن الکریم "و نیز نگارش مقالات قرآنی در مجله" پیام قرآن ("نخستین نشریه فارسی قرآنی) و اقدام به ترجمه گروهی قرآن کریم به پیشنهاد هیئت نامبرده، از جمله تلاشهای قرآنی این جانب بود. قابل ذکر است که ترجمه قرآن کریم هرچند پس از گذشت چهار سال به پایان رسید، لکن با رحلت آیت الله العظمی گلپایگانی و متوقف شدن فعالیتهای علمی دارالقرآن، چاپ این ترجمه نیز متوقف ماند. با پایان یافتن کار در دارالقرآن الکریم، از سال ۱۳۷۵ به دعوت سرپرست" مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی "در این مرکز به تحقیقات قرآنی به ویژه در زمینه ترجمه های فارسی قرآن کریم پرداختم که تاکنون نیز در آنجا به این رشته اشتغال دارم.

در خلال یک دهه اخیر پنج ترجمه از قرآن مجید را به صورت گروهی یا انفرادی تصحیح و ویرایش کرده ام که نام آنها در جدول آثار خواهد آمد. در مجله تخصصی" ترجمان وحی "که مرکز ترجمه قرآن مجید آن را منتشر می سازد، نیز مقالاتی پیرامون مباحث قرآنی از این جانب به چاپ رسیده است. در مرکز فرهنگ و معارف قرآن نیز در دو پروژه قرآنی شرکت داشتم. این دو پروژه که هر دو به انجام رسید، یکی" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن مجید "برای درج در تفسیر راهنما و دیگری" تصحیح و ویرایش ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان "بود.

انصاریپور، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی انصاری پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

خرداد سال ۱۳۶۰ دیپلم تجربی ـ تهران ـ خ جمهوری اسلامی، دبیرستان بامداد.

ورود به حوزه: مهرماه ۱۳۶۰، مدرسه حقانی و سپس مدرسه شهیدین.

اتمام دروس سطح: ۱۳۶۹ شرکت در درس خارج فقه و اصول آیت الله سیدکاظم حائری تا سال ۱۳۷۵ و ضمن درس خارج ورود به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بنیاد باقرالعلوم (ع) در سال ۱۳۷۰ اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی در ۱۳۷۸ ورود به مرکز تربیت مدرس، دوره دکتری فلسفه دین در سال ۱۳۷۹ در حال حاضر در حال تدوین پایان‌نامه دکتری و در عین حال مشغول به کار در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب هستم.

در ضمن دروس حوزوی با شرکت در دوره‌های متعدد آشنایی با مکالمه و گرامر زبان انگلیسی و نیز مکالمه عربی و متون جدید عربی را نیز گذراندم. دوره‌های زبان تخصصی مربوط به فلسفه دین و کلاس‌های ترجمه، توانایی مکالمه به زبان انگلیسی و عربی و ترجمه از این دو زبان را نیز کسب کردم.

انگجی تبریزی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۷ -۱۲۸۲ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در انگج، یکی از محلات تبریز، متولد شد. ادبیات فارسی و عربی و نجوم و حساب و فقه و اصول را در تبریز خواند و از محضر درس استادانی همچون آقامیر فتاح سرابی و میرزا محمود اصولی بهره گرفت. سپس در ۱۳۰۴ ق برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت. در آنجا از حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی آقاشیخ محمدحسن مامقانی، فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بهره جست. وی از همان هنگام که آیرم، امیر لشکر رضاخان در تبریز شئونات اسلامی را زیر پا نهاد با مردم تبریز همصدا شد و نسبت به عمل آیرم اعتراض کرد. در قضیه‌ی تغییر لباس نیز علیه رضاخان موضعگیری کرد که منجر به دستگیری و تبعید او به سمنان شد. پس از بازگشت از تبعید به حوزه‌ی درس خود پرداخت و کتاب‌هایی نیز در زمینه‌ی فقه و اصول تألیف کرد. از جمله آثار وی: «ازاحهٔ الالتباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس»؛ «رساله‌ی سؤال و جواب»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «ریاض»؛ حاشیه‌ی «مکاسب» شیخ انصاری؛ «کتاب الارث»؛ «کتاب حج شرایع»؛ «کتاب الصلوهٔ»؛ «کتاب الطهارهٔ».[۱]

مرحوم مغفور آیت‌اللَّه آقای حاج میرزا ابوالحسن انگجی تبریزی از مجتهدین طراز اول ایران و یکی از مراجع احکام آذربایجان بوده که در سال ۱۳۴۷ قمری به واسطه انقلاب تبریز مسافرت به قم نموده و مدتی در آنجا توقف آنگاه به مشهد مقدس مشرف و حدود یک سال توقف سپس به خواهش دولت به تبریز مراجعت نمود مرحوم انگجی بنا به نقل علماء معاصرین و دیگران مردی محقق و مدقق و فقیهی اصولی و صاحب وقار و تمکین و متانت و ابهت کثیرالعلم و قلیل الکلام بود.

تولدش در سال ۱۲۸۲ قمری در تبریز واقع شد و پس از بلوغ بتحصیل علوم عربیه و ادبیه و حساب و نجوم موفن گشته و فقه و اصول را از مرحوم حاج میرفتاح سرابی و میرزا محمود اصولی اخذ کرده و از خودش نقل است که تمام قوانین‌الاصول میرزای قمی را نزد مرحوم اصولی خوانده و در سال ۱۳۰۴ قمری به نجف مشرف و تا دو سال از محضر مرحوم فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و علامه مامقانی استفاده نموده آنگاه مراجعت به وطن کرده و به خدمات دینی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و اقامه جماعت و تدریس پرداخته و در امور دینی بسیار متصلب و خشن در ذات اللَّه بود و به هیچوجه در اداء وظائف شرعیه و حفظ حدود الهیه و ردع بدع مستحدثه مداهنه و مسامحه نداشت.

از آثار آن مرحوم است کتاب ازاحهٔ الالتباس عن حکم المشکوک من اللباس که در سال ۱۳۱۶ تألیف و طبع شده و نیز شرح کتاب

حج شرایع و حاشیه بر کتاب ریاض، مرحوم علامه تهرانی در الذریعه ج ۱ ص ۵۲۶ کتاب آن مرحوم را ذکر کرده است.
دارای شش فرزند برومندند که سه نفر آنان در سلک روحانیت و از علماء و فضلاء حوزه علمیه قم بوده‌اند که ترجمه آنان خواهد آمد و سه نفر هم در رشته طب و از اطباء معروف تهران می‌باشند.
وفاتش در سال ۱۸ ذی‌القعده سال ۱۳۵۷ واقع شد و استان آذربایجان و اکثر بلاد دیگر غریق بحر ماتم و سوک آن بزرگوار شدند والد ماجدشان مرحوم حاج میرزا محمد آقا معروف به شیخ‌الشریعه از اجلاء علماء و اشراف تبریز بودند و این لقب را مرحوم مظفرالدین شاه قاجار با اعطاء یک حلقه انگشتر الماس به ایشان اهداء نمودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۳۱۴ -۳۱۳)، الذریعه (۲۴۹ ،۹۹/۶ ،۵۲۶/۱)، ریحانه (۶۰ -۵۹ /۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۰۳-۳۰۱ /۱)، علماء معاصرین (۱۷۹ -۱۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۲ -۱۴۱ /۱).

اهری، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ احمد اهری در سال ۱۲۶۸ ه . ش (۱۳۰۵ ه . ق) در شهرستان سرسبز اهر دیده به جهان گشود. او در زادگاهش دوس مقدماتی را فرا گرفت. وی درسال ۱۳۲۷ه.ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد. وی درسال ۱۳۳۸ه.ق بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و مدت سی و دو سال از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. او به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد. آیت الله اهری در مدت اقامتش در حوزه علمیه نجف به تالیف کتابهایی نیز پرداخت که به جهت تنگدستی موفق به چاپ اثارش نشد. آیت الله اهری در سال ۱۳۷۰ه.ق به جهت زیارت مرقد امام رضا(ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و درزمانی که در آذربایجان بود، به خلاء حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مومنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر شیخ احمد اهری آقا حسین از مؤمنین آن شهر بود و در محله قدیمی شهر زندگی ساده و بی آلایشی داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : در آن زمان شهر اهر با وجود اینکه وسعت و آبادی امروزی را نداشت ؛ لکن شهری عالم خیز بود و مکتب‌های بزرگ درسی در آنجا دایر می‌شد. مکتب‌های «ملا جلیل» و «ملا فرج» که آوازه آنها در منطقه آذربایجان پیچیده بود، متعلّق به این دوره است. هر چند این مکتب‌ها در زمان تحصیل شیخ احمد اهری به مدارس دینی و علمی منظم تبدیل شده بود ؛ لکن تا اوائل قرن چهاردهم هجری، قمری همچنان با نام «مکتب خانه» پر رونق بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ احمد اهری در زادگاهش دروس مقدماتی را فرا گرفت و پس از تکمیل ادبیات، مدرسه دینی تازه تأسیس شده اهر را به مقصد تبریز ترک گفت. وی در سال ۱۳۲۷ ه . ق سطح مقدماتی و دروس فقه و اصول را در حوزه علمیه تبریز شروع کرد و در آن زمان بیش از ۲۲ سال نداشت.آقا شیخ احمد اهری یازده سال نیز در حوزه تبریز به تحصیل پرداخت. آقا میرزا علی اکبر اهری، عموی آقا احمد اهری بود و عنایت ویژه‌ای به وی داشت. کتاب «قوانین الاصول» را که در آن زمان بسیار مورد توجه حوزه‌ها بود، خود به برادر زاده‌اش آموخت و پایه علمی وی از همانجا بود که استحکام یافت. آقا شیخ احمد اهری در حوزه علمیه تبریز در درس‌های سطح حوزه تبحّر یافت و گاه به تدریس نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ه . ق آقا شیخ احمد اهری هجرتی دیگر پیش روی داشت. او از دیر زمان آوازه حوزه علمیه نجف را شنیده بود و

آرزوی درک آن مرکز بزرگ علمی را داشت. در این سال وی بار سفر به سوی عتبات عالیات بست و فصل نوینی در زندگی‌اش آغاز شد و به این ترتیب آقا شیخ احمد اهری برای مدتی زیاد در آنجا سکونت گزید و از محضر بزرگان کسب علم و فضل کرد. آن مقطع، دوره‌ای بسیار پربار و پررونق برای حوزه علمیه نجف اشرف بود ؛ چرا که تنها در این زمان در شهر نجف استادان بسیار متبحّر در علوم مختلف، حضور داشتند و جلسات درس و بحث علمی خود را در سطح بسیار عالی دایر کرده بودند، وی حدود ۱۰ سال از عمرشان را صرف تحصیل و کسب دانش از محضر بزرگان انجام داده اند.استادان و مربیان : از اساتید معروف آن زمان چون: آقا شیخ عبد الرحیم کِلبری، آقا سید ابو الحسن انگجی و آقا میرزا علی اکبر اهری بهره برد. از اساتید نجف حضرات آیات چون: شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسن نائینی، میرزا علی شیرازی (فرزند شیرازی بزرگ) آقا ضیاء الدین عراقی، آقا شیخ محمد حسن غروی اصفهانی و آقا سیّد ابو الحسن اصفهانیهمسر و فرزندان : فرزندان شیخ احمد اهری عبارتند از آقایان:۱ – مرحوم حجهٔ الاسلام شیخ جواد اهری، استاد شیخ محمد کاشفی درباره ایشان می‌گوید:«آقا میرزا جواد اهری، آن موقع که با ایشان آشنا شدم، نابینا شده بود. بسیار خوش بیان بود. دارای لهجه جالب و شوخ طبع هم بود. از او درباره نجف اشرف و سایر مطالب متفرقه که می‌پرسیدیم، با زبانی شیوا و رسا مطالب را بیان می‌کرد. اهل قلم بود و یکی دو اثر هم از او هم چاپ شد. وی در حدود سال ۱۳۹۵ ه . ق در تبریز درگذشت و در قبرستان امامیه به خاک سپرده شد.»۲ – مرحوم آقا محمود. ۳ – مرحوم آقا حسین.زمان و علت فوت : شیخ احمد اهری در اثر کهولت سن در روز پنجشنبه (۱۸/صفر/۱۳۸۸)ه . ق مطابق با اردیبهشت ۱۳۴۸ ه . ش در سن هشتاد و یک سالگی در تبریز به رحمت ایزدی پیوست. مراسم تشییع با شکوهی از سوی مردم و روحانیّت معظم آذربایجان به عمل آمد و پیکر پاک ایشان جهت مراسم خاکسپاری به شهر مذهبی قم حمل و در مقبره العلمای قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ احمد اهری در سال ۱۳۷۰ ه . ق به جهت زیارت مرقد امام رضا (ع) و دیدار اقوام به ایران مسافرت کرد و مدّتی فارغ از درس و بحث علمی روزهایش را سپری کرد. وی ابتدا به مشهد مقدس سفر کرد و به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) شتافت. آنگاه به دیدار بزرگان حوزه علمیه مشهد از جمله زعیم بزرگ، آیت الله میلانی رفت و از آنجا به شهر مقدس قم آمد. در آن زمان حوزه علمیه قم نیز پویا بود و بزرگانی چون: آیت الله حجّت کوه کمره‌ای و آیت الله سید حسین بروجردی عهده دار اداره حوزه بزرگ آیت الله حائری بودند. آیت الله اهری مدّتی در قم ساکن شد. هنگام ورود نیز از جانب این بزرگان مورد استقبال قرار گرفت ؛ امّا به درخواست آنها که اقامت در حوزه علمیه قم بود، پاسخ مثبت نداد. آیت الله اهری از قم به تبریز رفت و مدّتی در زادگاهش با اقوام خود سپری کرد. در زمانی که در آذربایجان بود، به خلأ حضور علماء بزرگ پی برد. به همین جهت وقتی بزرگانی از اهالی تبریز از محضرش درخواست اقامت در شهر را کردند، با نهایت رغبت پذیرفت و تا آخر عمر به خدمت اسلام و مؤمنان آن دیار مشغول شد و مرجعیت دینی یافت. موقعیت و مقام علمی و اجتماعی آیت الله اهری که سرپرستی حوزه علمیه تبریز را نیز عهده دار بود، ارادت و عشق مردم به شخصیت والای ایشان و توجه علمای نجف اشرف و بزرگان حوزه علمیه قم، همه موجب شد که وی در اکثر حوادث اجتماعی و سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم شرکت کند و راهنمایی مردم در جریانات را بر عهده گیرد. موارد زیر نمونه هایی است از زندگی این بزرگوار، از نگاه مدارک: ۱ – در تلگراف‌ها، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی (از نجف اشرف به تبریز) درباره فاجعه مدرسه فیضیه و اهانت رژیم شاه به مقدسات اسلامی در تاریخ ۴۲ / ۱ / ۱۴ شمسی، آیت الله اهری را یکی از مخاطبین قرار دادند و خواهان حمایت ایشان از قوانین الهی شدند. ۲ – آیت الله خوئی در تلگرافی دیگر، به تاریخ آذر / ۱۳۴۲ ش، درباره بازداشت جمعی از علماء و وعاظ آذربایجان، خواستار فعّالیت موثر مرحوم آیت الله اهری برای آزادی آنان شد. ۳– آیت الله اهری به همراه دیگر علمای برجسته تبریز در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از پیشگامان در مخالفت با این قانون بود. به همین خاطر همراه با سایر علمای تبریز خواستار لغو لوایح سه گانه شد.فعالیتهای آموزشی : شیخ احمد اهری بیش از بیست سال در کنار کسب علوم مختلف به تدریس پرداخت به گونه‌ای که در حوزه علمیه نجف که آن

زمان افراد برجسته‌ای می‌توانستند در صحنه‌های علمی حاضر شوند، وی به طور رسمی به عنوان استاد حوزه پذیرفته شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با تأسیس صندوق قرض الحسنه و تشکیل هیئت رسیدگی به وضع مستمندان، وسیله خیر و سعادت برای برخی از مردم شهرهای آذربایجان شد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : زندگی شیخ احمد اهری پربار و همراه با خیر و برکت بود. خصوصاً وقتی مقیم تبریز شد و به طور رسمی مرجعیت و امامت جمعه و اداره امور مؤمنان را عهده دار شد،این خیر و برکت چندین برابر شد. وی که از لحاظ خانوادگی «اهری» محسوب می‌شد، در بین آقایان تجار و بازاری‌ها نفوذ فراوان داشت و از این موقعیت به نفع فقرا بهره می‌برد.شاگردان : تلاش‌های شیخ احمد اهری در حوزه علمیه نجف، نتیجه پرباری داد. در محضر این عالم وارسته، هزار دانشجوی علوم اسلامی تربیت شدند و در خدمت تبلیغ دین اسلام قرار گرفتند. دهها نفر نیز به مدارج عالی علمی، استادی و اجتهاد راه یافتند که بسیاری از آنها سهم ارزنده و تعیین کننده‌ای درحوادث و جریان‌های نیم قرن اخیر داشتند و بی گمان مهمترین آن، شکل گیری نظام اسلامی و جایگزین شدن ارزشهای دینی به جای ارزشهای غیر دینی در ایران است ؛ زیرا برخی از شاگردان آیت الله اهری حتی در رأس حرکت‌ها و رهبری جریان‌های مردمی به سوی واقعیتهای دینی بودند.اسامی برخی از شاگردان وی به این ترتیب است:(۱۶)۱ – مرحوم سید مصطفی مولانا (از مراجع و اساتید تبریز).۲ – مرحوم میرزا احمد سرایی.۳ – شیخ محمّد غروی قزوینی (ساکن قم).۴ – مرحوم میرزا کاظم تبریزی.۵ – سید علی میر غفّاری (آذر شهر).۶ – آقا شیخ عیسی اهری (ساکن تهران).۷ – آقا شیخ محمّد کاشفی (ساکن قم).۸ – شیخ عمران علیزاده تبریزی.۹ – مرحوم میرزا احمد زنجانی.۱۰ – مرحوم میرزا علی اکبر قاری تبریزی.۱۱ – آقا شیخ رضا توحیدی تبریزی.۱۲ – آقا میرزا محمود انصاری تبریزی.آثار : ۱ حاشیه بر رسائل ۲ حاشیه بر مکاسب ۳ رساله در اجتهاد و تقلید تقریرات فقه استاد نائینی ۴ رساله علمیّه ۵ رساله‌ای در قاعده لاضرر ولاضرار

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماhttp://www.hawzah.net

ایازی، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی نقی ایازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی نقی ایازی در خانواده ای روحانی متولد شدم . پس از گذراندن مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه مشهد مقدس شدم و بطور همزمان در سال ۱۳۶۶ دروس جدید را بصورت متفرقه ادامه دادم وتا پایان ادبیّات در حوزه علمیّه مشهد بودم . از ابتدای سطح به قم هجرت کرده و در مدرسه شهابیه قم ادامه تحصیل دادم ، تا اینکه پس از اتمام مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری دانشگاه پذیرفته شدم و به ناچار برای ادامه تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی به وطن

خود مشهد مقدّس عزیمت نموده و همزمان با دروس سطح عالی حوزه ، در دانشگاه فردوسی رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم . از سال ۱۳۷۳ دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرتضوی ، حجج الاسلام آقایان رضا زاده و اشرفی شاهرودی آغاز کرده و قریب به ده سال دروس خارج فقه و اصول را تلمذ کردم و همچنین تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رساندم .

ایجی، قاضی عضدالدین

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۰۸/۷۰۱- ح ۷۵۶ ق)، متکلم، اصولی، فقیه شافعی و نحوی. از معاصران حافظ است که در ایج از توابع اصطهبانات متولد شد. صوفی مشرب بود و شاگردان بسیاری داشت، شمس‌الدین کرمانی و سیف‌الدین ابهری و سعدالدین تفتازانی از شاگردان وی بودند. در زمان سلطنت آل‌مظفر در شیراز به قضاوت اشتغال داشت. حافظ او را در زمره‌ی یکی از مفاخر علمی پنجگانه‌ی فارس ستایش کرده است. کتب بسیاری در فلسفه و کلام و اصول دین و اخلاق به زبان عربی دارد. آنگاه که از سوی شیخ ابواسحاق نزد امیر مبارزالدین برای انصراف وی از حمله به شیراز رفت مورد احترام فوق‌العاده وی قرار گرفت و امیر از او درخواست کرد که کتاب «المفصل» زمخشری را که در نحو است به فرزندش شاه شجاع تعلیم دهد. در مذهب خود بسیار متعصب و با امامیه شدیداً مخالفت می‌ورزید. کار او به سختی رسید و توسط والی کرمان زندانی شد و در زندان قلعیه دریمیان کرمان درگذشت. از تألیفات او: «المواقف»، در علم کلام، که به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر تألیف کرده و میرشریف جرجانی نیز شرحی بر آن نوشته است؛ شرح «مختصر الاصول» ابن حاجب؛ «الفوائد الغیاثیه»، که اختصاری است از قسمت سوم «مفتاح العلوم»؛ «تحقیق التفسیر فی تکثیر التنویر»؛ «الرسالة العضدیة»، در وضع؛ «المدخل فی علم المعانی والبیان والبدیع»؛ «العقائد العضدیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (۴۸۲ –۴۸۰)، الاعلام (۶۶/۴)، ایضاح المکنون (۵۶۵، ۳۷۸ /۱)، بزرگان شیراز (۲۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۵/۳)، تاریخ گزیده (۶۹۹)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۳/۱)، روضات الجنات (۵۱ –۴۷ /۵)، ریحانه (۱۴۴ –۱۴۲ /۴)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۴۶/۲)، کشف الظنون (۱۸۹۱ ،۱۷۶۴ ،۱۲۹۹ ،۱۱۴۴ ،۸۹۸ ،۱۰۴ ،۴۱ ،۳۷)، الکنی والالقاب (۴۷۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرحمن)، معجم المؤلفین (۱۱۹/۵)، هدیة العارفین (۵۲۷/۱)، هفت اقلیم (۱۶۹ –۱۶۸ /۱).

ایرانپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم ایران پور مبارکه

محل تولد : مبارکه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۳۶در روستائی بنام مبارکه در میان یک خانواده مذهبی که به تدین معروف اند متولد شدم و تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همان روستا به پایان رساندم و به خاطر علاقه ای که به علوم اسلامی داشتم و در زادگاه ام این مکان فراهم نبود و از طرفی وضع اقتصادی پدر بزرگوارم که یک کشاورز و کارگری بیش نبود اقتضای رفتن به شهر نبود آن هم با سخت گیری ساواک آن زمان برای رفتن به حوزه علمیه و مشکلات دیگر ، تا اینکه با توسلات و دست تقدیر و عنایات پروردگار و تمایلات باطنی خدادادی به شناسایی عمیق معارف و حقایق اسلام این توفیق حاصل گردید و به حوزه علمیه اصفهان رهسپار شدیم و مقدار اندکی از نیاز علوم صرف و نحو- منطق معانی و بیان و بدیع تامین نمودم و برای تکمیل آن در رشته فقه و اصول و تفسیر توفیق تشرف به حوزه مبارکه علمیه قم و همجواری حضرت معصومه (س) حاصل گردید.امید است که در آن مهد علم بتوانیم کمال استفاده علمی و عملی را ببریم و پایان کار ختم به خیر و ترویج و نشر علوم آل محمد علیهم السلام باشد واخرالامر حشر با این خاندان را داشته باشیم و به شفاعتشان نائل گردیم

ایزدهی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سجاد ایزدهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ساکن شهر بابل متولد سال ۱۳۴۹

ایمانی مقدم، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب رحمت الله ایمانی فرزند حیدر علی سال ۱۳۴۱ در خمینی شهر(هما یون شهر- سده-) به دنیا آمده، تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس پرتو، کورش کبیر و صائب به پایان برده و سال ۱۳۵۷ سال سوم دبیرستان در برنامه های ضد

رژیم و تظاهرات و... شرکت نموده، سال چهارم دبیرستان(رشتهٔ فرهنگ و ادب) با پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به پایان رسانده و سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمّیه قم شده و با اسکان در مدرسه مهدیّه- خ باجک- در مدرسه وثوق«المهدی(عج)» -صفائیه- شروع به درس نموده و پس از چهار سال وارد دروس آزاد حوزه علمّیه قم شده و در دروس آزاد حوزه- مدرسه فیضیّه و مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی- شرکت کرده و در سال ۱۳۷۰ سطح عالی را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نموده و مدّت چهار سال به درس خارج اصول استاد بزرگوار فاضل لنکرانی دام عزه شرکت نموده و پس از آن در درس فقه استاد بزرگوار حضرت آیت الله تبریزی قدس سره شرکت نموده(این درس ۱۵ سال به طول انجامید و چه استفاده های مهمّ فقهی، علمی، رجالی و... که از این استاد بهره مند شدیم خداوند درجات او را متعالی گرداند و با اولیاء و اوصیایش مخصوصا امیرالمومنین علی ابن ابی طالب(ع) محشور گرداند که او در دفاع از حریم ذات احدیت و ولایت سخت کوشا بود.) و در اصول وحید خراسانی «دام عزه» شرکت نموده (این درس از سال ۶۹ شروع و هم اکنون ادامه دارد) در دروس اساتید اخلاق مانند استاد مظاهری، استاد اشتهاردی و استاد مصباح شرکت نموده و از سال ۱۳۷۶ به اصرار یکی از دوستان در مدرسه علمیه معصومیّه مشغول تدریس شدم(این درس چهار سال ادامه داشت) در سال ۱۳۷۷ با راهنمایی یکی از دوستان وارد مرکز فرهنگ و معارف قرآن شده(که این مرحله شروع تحقیقات علمی ماست) و با آموزش کوتاه مدّت – دو هفته ای – با بخش تشکیل پرونده علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم شروع به همکاری کرده این بخش(بعد از تعیین مدخلها و موضوعات دائرهٔ المعارف) مهمترین کار علمی دائرهٔ المعارف است که با تحقیق و بررسی کامل موضوع و مدخل خاص از کتب لغات، تفسیر،روایات، تاریخ و دیگر کتب مربوط به موضوع و گرفتن کپی، عکس، مطالب و جمع آوری آن در یک پرونده علمی و تهیّهٔ گزارش از کار علمی،فهرست منابع و مدارک پرونده آماده ارزیابی و بررسی می شود و بعد از آن،ارزیابی و اشکالات و ایرادات وارده را رفع یا جواب داده پرونده برای نوشتن مقاله تحویل بخش تدوین مقالات می شود. بنده در بخش تشکیل پرونده نزدیک به بیست پرونده علمی تشکیل داده و در بخش ارزیابی نزدیک به بیست پرونده را ارزیابی و پس از سه سال فعالیّت در آن بخش وارد بخش مقابله و باز بینی علمی شده و الآن در آن بخش به فعّالیت مشغول هستم که علاوه بر مقابله و باز بینی علمی و غنی سازی مقالات به کتاب شناسی جلد دوّم تا ششم دائرهٔ المعارف قرآن کریم هم مشغول بوده(هر جلد بیش از هشتصد منبع دارد) و همزمان کار یکسان سازی منابع و پانوشتها را انجام داده که نام بنده در ردیف همکاران علمی دائرهٔ المعارف قرآن کریم که اکنون پنج جلد آن چاپ و جلد ششم آماده چاپ می باشد آمده است در کنار کار تحقیقاتی قرآن از سال ۶۴ تا حال هر سال ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر به تبلیغ احکام و معارف اشتغال دارم و از سال ۷۰ تا به حال بعنوان روحانی کاروانهای سوریّه،عمره و حج با سازمان حج و زیارت همکاری می کنم به حول وقوه الهی تا به حال ۱۴ سفر حج و عمره سه سفر سوریّه مشرف شده ام.

در طول سالهای جنگ تحمیلی(۵۹-۶۷) هر سال یکی دو بار بصورت رزمی و تبلیغی به جمع رزمندگان اسلام پیوسته و در عملیّات محرم مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفته و مجروح شده و الآن افتخار جانبازی جنگ تحمیلی را دارم.

ایمانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ایمانی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملاـ محمدصالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (۷)، فرهنگ سخنوران (۵)، مستدرکات اعیان (۳/ ۳)، مینو در (۳۵۶/ ۲).

آشتیانی، حسن، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۸/ ۱۲۴۳ ق)، عالم اصولی و مجتهد. در آشتیان متولد شد و در نجف تحصیل کرد و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود. پس از اتمام تحصیلات و رسیدن به مقام اجتهاد، به تهران آمد و به تشکیل حوزه و تدریس مشغول شد. شهرت میرزای آشتیانی به سبب مخالفتش با اعطای امتیاز توتون و تنباکو به بیگانگان، معروف به قرارداد رژی، و کوشش او در لغو این امتیاز بود که سرانجام با ارشاد و حمایت قاطع میرزای شیرازی منجر به لغو قرارداد گردید. وی سفری نیز به دیدار میرزای شیرازی در سامرا رفت و مورد استقبال قرار گرفت. وی در تهران درگذشت و پس از تشییع جنازه با شکوه پیکرش به نجف حمل و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گشت. حاج شیخ مرتضی آشتیانی، شیخ مصطفی آشتیانی، میرزا هاشم آشتیانی و میرزا احمد آشتیانی از فرزندان او هستند. از آثار میرزای آشتیانی: «بحرالفوائد فی شرح الفرائد»، که حاشیه‌ی مفصلی است بر رسائل شیخ انصاری؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «ازاحةالشکوک فی حکم اللباس المشکوک»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب الاوانی الذهب والفضه»؛ «کتاب الوقف» و «احیاء الموات»؛ «رسالة فی نکاح المریض»؛ «الاجزاء»؛ «کتاب الاجاره»؛ «الخلل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸ -۳۷/ ۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۸ -۹۷/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۵/ ۱)، الذریعه (۱۳۹/ ۲۵، ۳۰۱/ ۲۴، ۲۴۸/ ۷، ۱۳۷/ ۵، ۴۴/ ۳، ۵۲۷، ۳۹، ۲۷۴، ۱۲۲/ ۱). ریحانه (۴۹/ ۱)، شرح حال رجال (۳۱۷ -۳۱۶/ ۱)، علماء معاصری (۷۱ - ۷۰)، فوائد الرضویه (۴۵۱، ۶۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۴ -۳۶۳/ ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ محمدحسن)، المآثر والآثار (۱۵۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۹ -۵۳۷/ ۲)، معجم المولفین (۱۸۶/ ۹)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۱۶).

آشتیانی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی ابن العلامه الجلیل آیت‌اللَّه العظمی حاج میرزا محمدحسن بن العالم العامل میرزا جعفر آشتیانی از مشاهیر علماء و مجتهدین و روسا حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌لند.

تولدش در سال ۱۲۸۱ قمری روز وفات علامه انصاری شیخنا المرتضی ره صاحب فرائد و مکاسب بوده و مرحوم والدش به واسطه کثرت علاقه به استادش مرحوم شیخ وی را به نام او موسوم نموده و همت بر تربیت او گماشت تا اولیات و سطوح را فراگرفت و از محضر مرحوم والدش استفاده کافی نمود و در خدمت آن مرحوم به مکه مشرف و پس از مراجعت در نجف اشرف اقامت و از مجالس ابحاث مرحوم حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آیت‌اللَّه حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل و مرحوم آخوند خراسانی بهره‌مند شده تا به مدارج عالیه اجتهاد و فقاهت رسیده و به ایران مراجعت و در تهران به تدریس و اقامه جماعت مشغول تا در سال ۱۳۴۰ قمری به ارض اقدس رضوی مشرف و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت و اصلاح امور مردم موفق و در سال ۱۳۵۳ قمری به حکم اجبار به تهران و چند سالی در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) مجاور تا سال ۱۳۶۰ ق که مشرف به اعتاب عالیات و دو سال در کربلا به تدریس مشغول و به واسطه کسالت مزاج مراجعت به ایران و ثانیا به مشهد مقدس مشرف و به وظائف شرعی قیام تا در ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۶۵ قمری که به رحمت ایزدی پیوستند و در پائین مبارک حضرت رضا (ع) درب حرم مطهر مدفون گردیدند.

نگارنده گوید مرحوم علامه آشتیانی عالمی بود ربانی و فقیهی بود سبحانی و اخلاص بسیاری به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام داشت و در تمام موالید ائمه و اعیاد مذهبی در منزلش مجلس جشن منعقد و در وفیات آنان مجلس سوگواری می‌گذاشت و خود با آن کبر سن از مردم پذیرائی کرده و گاهی مدیحه‌خوانی می‌نمود توسلش بسیار و به زیارت جامعه کبیره مداومت داشت برای او منامات و مکاشفات و نوادر آموزنده بود یکی از مناماتش مربوط به مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید محسن صدرالعلماء بود که در ترجمه او نگاشتم و یکی دیگر هم مربوط به خود ایشانست که بسیار جالب است.

مکاشفه آیت‌اللَّه آشتیانی

در شهر ری در ایام اقامتش برای این بنده فرمود در مشهد مقدس که بودم روزی حمام رفتم و خضاب کرده و خوابیدم که خضابم رنگ بگیرد پس دیدم ملک‌الموت آمد و مرا قبض روح کرد و مردم از مردنم خبردار شدند اجتماع کرده و پس از تغسیل و تشییع آورده و دفن کردند شخصی به من گفت بیا نزد این غریب برویم من گفتم من می‌ترسم در زیر خاک و میان قبر نمی‌روم گفت نه باید برویم پس مرا به قبر وارد نمود و لحد گذارده شد چنان وحشت مرا گرفت ناگاه دیدم قبرم وسیع شد و دری از بالای سرم باز و به من گفته شد حضرت رسول و ائمه علیهم‌السلام تشریف می‌آورند و دیدم آن جناب و حضرت زهرا و دوازده امام علیهم‌السلام آمدند و در عقب سر آنان چهارده نفر از علماء بزرگ که آخرین آنها مرحوم پدرم بود آمدند ناگاه دیدم دری از پائین گشوده و دو نفر با قیافه هولناکی وارد و به حضرت رسول (ص) عرض کردند اجازه می‌فرمائید از او سؤال کنیم فرمود نه از من بپرسید عرض کردند سمعا و طاعه.

یا رسول اللَّه من ربک فرمود اللَّه جل جلاله ربی من نبیک فرمود انا نبی نفسی تا آخر عقاید.

پس گفتند حال اجازه می‌فرمائید از او بپرسیم فرمود نه از پسر عمویم علی سوال کنید پرسیدند پس از پایان باز کسب اجازه کردند فرمود نه از دخترم بپرسید، پرسیدند و هر کدام جواب می‌دادند می‌گفتند نه از حسن و از حسین تا آخر حضرت مهدی بپرسید و آنها می‌پرسیدند و حضرات جواب می‌دادند تا بعد از جوابهای چهارده معصوم علیهم‌السلام معروض داشتند حالا بپرسیم فرمودند

آری و ارفقابه با وی مدارا کنید. مرحوم آشتیانی فرمود از تلقین حضرت رسول (ص) و ائمه علیهم‌السلام من روان شده و عقایدی که از هول و ترس از یادم رفته بود به یادم آمد پس تا پرسیدند من ربک فورا گفتم اللّه جل جلاله ربی گفتند من نبیک گفتم هذا محمد بن عبداللّه (ص) نبیی.

من امامک گفتم هذا علی بن ابی‌طالب امامی و هر جوابی که می‌دادم پیغمبر (ص) من علماء مخصوص پدرم خوشحال و خندان می‌شوند تا پس از پایان سؤال و جواب پیغمبر (ص) حرکت نموده و از همان در که آمده رفتند و در اثر آن حضرت حضرات ائمه علیهم‌السلام یکی بعد از دیگری رفته و قبر تاریک می‌شد گفتم لابد علماء و پدرم آمده‌اند که من تنها نباشم دیدم آنها هم بعد از ائمه علیهم‌السلام رفتند و چنان قبر تاریک و وحشتناک شده و از خواب بیدار شدم.

برادر ارجمندشان جناب مستطاب حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللّه آقای حاج میرزا احمد آشتیانی که ترجمه‌شان در ص ۳۶۴ جلد چهارم گذشت در روز چهارشنبه پانزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ وفات نموده و با تجلیل و تشییع فراوان از تهران حمل به شهر ری و در جوار حضرت عبدالعظیم در مقبره برادرش مرحوم آقا میرزا مصطفی افتخار آشتیانی مدفون گردیدند.

از یادگارهای ایشان گذشته از کتب و تالیفات دو فرزند دانشمند به نام آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر آشتیانی و حجهٔالاسلام آقامیرزا محمدصادق آشتیانی می‌باشد.

(ح ۱۳۶۵ -۱۲۸۱ ق)، فقیه و اصولی. او از محضر پدر بهره کافی برد و همراه وی به مکه رفت. در بازگشت در نجف ماند و از مجالس درس میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و دیگران سود جست. وی از بزرگ‌ترین فقهای زمان خود به شمار می‌آمد و از علمای بانفوذ ایران بود. در جنبش مشروطیت شرکت داشت و در قضیه‌ی بانک روس و حوادثی که منتهی به لغو امتیاز آن گردید، نیز دخالت بسزایی داشت. مدتی که در مشهد اقامت داشت (۱۳۵۳ -۱۳۴۰ ق)، ریاست و سرپرستی حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد را برعهده داشت. در سال ۱۳۶۰ ق به عراق رفت و دو سال مقیم کربلا بود. و سپس به ایران آمد و تا پایان عمر در مشهد زیست. کتابی در باب «اجاره»، بر مبنای تقریرات او، باقی است. میرزا محمود آشتیانی و اسماعیل آشتیانی فرزندان او هستند.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۷ -۳۵ / ۱)، شرح حال رجال (۲۶۰ / ۶)، گلزار معانی (۲۰ -۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۹۶ -۹۵ / ۷).

آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۲ /۱۳۳۱ -۱۲۶۲ ق)، عالم شیعی و مجتهد. معروف به آقانجفی. وی نوه‌ی شیخ محمدتقی رازی اصفهانی صاحب «هدایهٔ المسترشدین» بود. در اصفهان متولد شد و مقدمات را از پدرش شیخ محمدباقر اصفهانی فراگرفت. در نجف در محضر میرزا محمدحسن شیرازی، حاج شیخ مهدی نجفی و حاج سید علی شوشتری به تکمیل تحصیل پرداخت و به مقام اجتهاد رسید و به اصفهان بازگشت در زمان پدر مرجعیت تام یافت. وی در کمک به مدرم و تأمین وسایل آسایش ایشان کوشا بود، حدود شرعی را اجرا می‌کرد و نسبت به حسن جریان زندگی و تحصیل طلاب علوم دینی اهتمام می‌ورزید. وی در جنبش تنباکو از آغازگران مبارزه بود. مخالفتش با مظالم ظل‌السلطان و مأمورن انگلیسی سبب تبعید وی به تهران شد. اما در تهران نیز همچنان به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و دوباره او را به اصفهان باز گرداندند. سرانجام در اصفهان درگذشت و در جوار مرقد امامزاده احمد نواده‌ی

امام محمدباقر (ع) به خاک سپرده شد. آثار او را بیش از صد دانسته‌اند، از آن جمله: «آداب العارفین»؛ «الاجتهاد والتقلید»؛ «اسرار الآیات»؛ «اسرار الاحکام»؛ «اصول الدین»؛ «انوار العارفین»؛ «تأویل الآیات الباهرهٔ فی العترهٔ الطاهرهٔ»؛ «بحر الحقائق»؛ «جامع الانوار»؛ «المتاجر»؛ «مفتاح السعادهٔ».[۱]

ا آقا نجفی (و. ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ ه.ق- ف. ۱۱ شعبان ۱۳۳۲ ه.ق) شیخ محمدتقی بن حاج شیخ محمدتقی بن عبدالرحیم، از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان و دارای تألیفات متعددی است در فقه و اصول فقه و کلام. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۸۸ /۶)، اعیان الشیعه (۱۹۶ /۹)، تذکرهٔ القبور (۱۸ -۱۶)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۹ /۱)، الذریعه (۳۳۲ ،۲۱/ ۷۴، ۱۹/ ۵۹، ۵/ ۴۳، ۴۳۱، ۲۵۵، ۴۶، ۴۵، ۴۰، ۲/ ۳۸، ۲۷۰، ۳۸۰، ۲۴، ۲۱ /۱)، ریحانه (۵۸ -۵۷ /۱)، شرح حال رجال (۳۲۷ -۳۲۶ /۳)، علماء معاصرین (۱۰۲ -۱۰۱)، فوائد الرضویه (۴۳۸)، الکنی والالقاب (۶ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۰۳ -۱۹۸ /۲)، مصفی المقال (۹۵)، معجم المؤلفین (۱۳۴ -۱۳۳ /۹)، مکارم الآثار (۱۶۶۶ -۱۶۶۲ /۵).

آل بحرالعلوم، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۷۷ -۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و سید محمد بحرالعلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره‌دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفهٔ العالم فی شرح خطبهٔ المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم‌السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفهٔ الطالب»؛ «اسرار العارفین»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵۱، ۴۴۸، ۳/ ۵۱، ۲/ ۵۱)، علماء معاصرین (۲۷۶ -۲۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹ -۲۹۸ /۲)، معجم المؤلفین (۱۴۵ /۳).

آل بحرالعلوم، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۲۱ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. در نجف‌زاده شد و همان جا نشو و نما یافت و مراحل علمی را پیمود. فقه و اصول و کلام را نزد شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شریف العلماء مازندرانی و شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» آموخت. وی از صاحب «جواهر» به دریافت اجازه نایل شد. کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» محصول همکاری وی با استادش می‌باشد. عالمانی چون سید میرزا جعفر حایری و سید محمد موسوی ساروی و شیخ فضل‌اللّه

مازندرانی و میرزا صادق تبریزی و میرزا محمد همدانی از شاگردان وی هستند. در سفری که برای مداوای چشم به ایران آمد پس از زیارت مشهد حدود دو سال در بروجرد نزد اقوامش ماند. پس از وفات برادرش، سید علی، از سوی خاص و عام به ریاست حوزه‌ی نجف و مرجعیت شیعه برگزیده شد. سید حسین در شعر و ادب نیز شهرت بسزایی دارد، و «دیوان» اشعاری از او باقی مانده که به ترتیب حروف تهجی است و در آن اشعار جدش سید بحرالعلوم را نیز تخمیس کرده است. در فقه و اصول نیز کتابهائی از وی به جا مانده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰ -۱۸ /۶)، الذریعه (۱۲۶ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، فوائد الرضویه (۱۵۶ -۱۵۵)، معجم المؤلفین (۵۰ /۴)، مکارم الآثار (۷۲۵ -۷۲۳ /۳).

آل بحرالعلوم، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۱۸ -۱۲۴۷ ق)، فقیه، اصولی و ادیب. نزد پدرش و عمویش، سید علی صاحب «البرهان القاطع»، و شیخ مرتضی انصاری و میرزا حسن شیرازی فقه و اصول خواند. او دارای دقت نظر بود. او را آثاری در فقه و اصول است و چندین رساله تصنیف کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۷ /۹)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶)، علماء معاصرین (۷۰ -۶۹)، فوائد الرضویه (۳۷۴)، معجم المؤلفین (۸/ ۱۸۳).

آل بحرالعلوم، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۶ -۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده‌دار ریاست حوزه‌ی نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می‌ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغهٔ الفقیه»، شامل ۱۶ رساله فقهی؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمهٔ فی تاریخ التضحیهٔ والفداء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۹ -۴۰۸ /۹)، الذریعه (۵۱ /۲۵، ۱۱۴ /۲۱، ۱۴۸ /۳)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، علماء معاصرین

(۹۴ -۹۳)، المآثر والآثار (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۹ /۵)، مکارم الآثار (۱۶۳۷ -۱۶۳۶ /۵).

آل بحرالعلوم، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۹ -۱۲۱۹ ق)، فقیه اصولی. از فقیهان نامی آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. نزد پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و فقه و اصول را نزد شیخ محمدحسن نجفی صاحب «جواهر» طی کرد. موقعیت علمی وی به گونه‌ای بود که پس از مرگ پدر به رهبری دینی و اجتماعی عراق دست یافت. وی داماد سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و پدر سید علی‌نقی معروف به آقاکوچک است که در شعر و ادب دست داشت و در کربلا کشته شد. سید محمدتقی در کربلا درگذشت و در نجف به خاک سپرده است. از آثارش کتاب «قواعد الاصول» است در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۸ /۶)، اعیان الشیعه (۱۹۷ -۱۹۶ /۹)، الذریعه (۱۷۸ /۱۷، ۲۰۴/۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۸ -۲۱۷ /۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۲ -۴۳۱)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹ /۹)، مکارم الآثار (۶۶۲ -۶۶۱ /۳).

آل بحرالعلوم، محمدرضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۳ -۱۱۸۹ ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول ر نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمدتقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ /۹، ۱۹ /۷)، الذریعه (۳۳۸، ۲۸۶ /۱۶، ۲۰۵ -۲۰۴، ۱۲۰ /۲)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶ -۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۳ -۵۷۱ /۱۳)، فوائد الرضویه (۱۸۲)، مکارم الآثار (۱۴۴۶ -۱۴۴۵ /۴).

آل بحرالعلوم، محمدصادق

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهارم ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. در نجف متولد شد. تحت نظارت پدر مقدمات علوم را فراگرفت. و سطوح عالی فقه و اصول را نزد میرزای نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سید محسن قزوینی، و تفسیر را نزد بلاغی و علم حدیث و درایه را نزد شیخ

ابوتراب خوانساری آموخت. و از نایینی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید محسن امین و سید حسن صدر اجازه روایت گرفت. وی کتابخانه‌ای بنیاد نهاد که در آن کتابهای خطی نفیسی گردآوری شد. او آثار بسیاری در فقه و اصول و شعر و ادب پدید آورد. از جمله: «دلیل القضاء الشرعی، اصول و فروعه»؛ «السلاسل الذهبیهٔ»، کشکولی ادبی و تاریخی و رجالی؛ «المجموع الرائق من ازهار الحداق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۵۵ /۲۰، ۲۱۱ /۱۲، ۲۵۹ /۸).

آل بحرالعلوم، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۵ -۱۳۰۲ ق)، فقیه اصولی. از عالمان بنام آل بحرالعلوم بود. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس سید محمد بحرالعلوم، صاحب «بلغهٔ»، و شیخ عبدالهادی همدانی و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی آموخت. شاگردان بسیاری در حوزه‌ی درس او تربیت شدند. او عالمی پرکار و اهل نقد و نظر و تألیف بود. وی در نجف درگذشت. از آثار او: حاشیه‌ای بر «معالم الاصول» و «منظومه»ای در اصول است که شرحی بر آن نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۶ /۱۰)، علماء معاصرین (۷۰ -۶۹)، معجم المؤلفین (۳۰ /۱۳).

آل بحرالعلوم، هاشم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۴ -۱۲۵۵ ق)، فقیه اصولی. در نجف زاده شد. نزد پدر خود، سید علی صاحب «برهان»، و میرزای شیرازی مقدمات و سطوح عالی فقه و اصول را آموخت. از آثار وی: «التقریرات» استادش میرزای شیرازی در اصول است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، الذریعه (۳۸۷ -۳۸۶ /۴)، مکارم الآثار (۱۵۱۵ /۵).

آل گداعلی بیگ، محمدصالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۸ -۱۱۸۷ ق)، فقیه، اصولی، مرجع دینی و خطاط. جدش امیرفضل علی‌خان مشهور به گداعلی بیگ نوری از خوانین بزرگ بروجرد و سلطان‌آباد بود که در روزگار دولت صفوی به عراق مهاجرت کرد و در کربلا ساکن شد و با خواهر سید میرزا صالح

شهرستانی ازدواج کرد. شیخ محمدصالح از شاگردان برجسته‌ی سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط» بود که در فقه و اصول شهره‌ی عام و خاص شد و از مراجع بنام کربلا گشت. از آثار وی: کتیبه‌ی داخل گنبد حضرت سیدالشهداء (ع) به خط ثلث بوده که در آیینه‌کاری از بین رفته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۴ -۶۶۳ /۱۳).

آلاشتی سوادکوهی، عباسعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، فقیه اصولی. از علمای عصر آقا محمدخان قاجار بود. در جوانی از آلاشت به تهران آمد. بعد از سه سال اقامت در تهران به قزوین رفت و هفت سال در آنجا به درس و بحث پرداخت. آنگاه به عراق رفت و در محضر درس آقا سید علی طباطبائی صاحب «ریاض» پانزده سال به تحصیل و تکمیل علم فقه و اصول پرداخت. سرانجام به دریافت اجازه اجتهاد از وی نایل گشت. آقا سید علی طباطبائی او را به بازگشت به ایران مکلف کرد و وی در امتثال امر استاد به تهران آمد ولی پانزده روز بعد از ورود، وقت صبح در سن چهل و پنج سالگی بطور ناگهانی درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :التدوین فی احوال جبال شروین (۲۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۵ -۶۹۴، ۶۹۴ -۶۹۳ /۱۳).

آل‌طیب شوشتری، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۰ -۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان و طبیب. مشهور به آقا سید بزرگ. از فرزندزادگان سید نعمت‌اللّٰه جزایری است. در شوشتر متولد شد و در محضر آقا سید محمدعلی شیخ‌الاسلام و آقا سید محمدعلی معلم ادبیات و در نزد آقا سید عبدالصمد جزایری و شیخ عبدالرحیم شوشتری، از شاگردان شیخ مرتضی انصاری، فقه و اصول را آموخت و در نزد سید جعفر سید الاطباء همدانی طب را فراگرفت. وی در نجوم و ریاضی و خوشنویسی مهارت کامل داشت. او عمر خویش را در ریاضت و عبادت و تدریس بسر برد. از آثار وی تقویمی است که خودش استخراج کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۲ -۴۱۰ /۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵ -۴۶۳ /۱۴).

آملی اصفهانی، ابراهیم

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، محدث، فقیه، اصولی، متکلم و شاعر. نزد پدرش، خلیفه سلطان، که از علما و دانشمندان بنام عهد خویش بود تلمذ کرد. وی تعلیقات و حواشی بسیاری بر کتابهای فقهی و کلامی و اصولی نوشت که بهترین آنها حاشیه‌ای بر «شرح لمعه»، تا کتاب طهارت، است. او همچنین حواشی متفرقه‌ای بر کتاب «المدارک» نوشته که از آنها گستره‌ی فکر و اندیشه و دقت‌نظر و حسن سلیقه او پدیدار است. وی با اینکه در سه سالگی بینایی خود را از دست داده بود با پشتکار و جدیت به دنبال دانش رفت و بر بسیاری از صاحبان دیده تفوق یافت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۶ -۱۳۵ /۲)، ریاض العلماء (۵۳ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲ -۱ /۱۱)، معجم المؤلفین (۲۴ /۱).

آملی، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۴ ق)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در ۱۳۴۰ به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در ۱۳۵۳ ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صانع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»، در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «دررالفوائد»؛ تعلیقه‌ای بر «شرح منظومه‌ی» سبزواری؛ «رسالة فی الرضاع»؛ «رسالة فی قاعدة لاضرر»؛ «کتاب الصلوة»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی»؛ «تعلیقة علی المکاسب والبیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۲ /۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۲ -۳۷۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۵ -۲۴۳ /۲).

آملی، ملا محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۳ ق)، فقیه و اصولی. از خاندان بنی‌جوان (جوان ظاهراً نام یکی از شعرای دوره‌ی صفویه است). در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش در هفده سالگی به تهران آمد و نزد میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید صادق طباطبایی به تحصیل فقه و اصول پرداخت. حکمت و فلسفه را نیز نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی مدرس آموخت. آنگاه

خود حوزه‌ی درس دایر کرد. در ۱۳۲۰ ق امامت مسجد مجد در تهران به وی محول شد. ملا محمد آملی از مخالفان مشروطه بود و پس از پیروزی مشروطه‌خواهان زندانی و سپس به آمل تبعید شد و چند سال بعد به تهران آمد و به تدریس پرداخت. آثار او عبارت‌اند از: «تلخیص الفرائض»؛ حاشیه بر «شمسیه»؛ «اخبارالاسرار فی مراحل الابرار».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴/ ۴۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۶۳۱).

آیت نجف آبادی، میر سید علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم مجاهد آیت‌اللّه میرسید علی آیت نجف‌آبادی در سال ۱۲۴۷ش (۱۲۸۷ق) در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد. ایشان بعد از سن بیست سالگی در اثر حادثه‌ای، به علم و دانش علاقه‌مند شد و وارد حوزه علمیه اصفهان گردید. وی در اصفهان از محضر استادانی همچون: سید محمد فشارکی، سید ابوالحسن جلوه و سید مهدی نحوی استفاده برد و پس از آن رهسپار نجف اشرف گردید. آیت اللّه نجف آبادی در نجف از محضر استادان بزرگی همچون: سید اسماعیل صدر، میرزا محمد تقی شیرازی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملا۔محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی کسب فیض کرد و در مدت کوتاهی با طی مراحل رشد، در فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق به مقام تبحّر و استادی رسید. وی از آن پس عازم اصفهان گردید و حلقه درس خود را تشکیل داد. آیت‌اللّه نجف‌آبادی یکی از مشهورترین استادان حوزه اصفهان در دوره سرکوب این پایگاه دینی توسط رضاخان بوده است. ایشان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت خاصی می‌داد و با حاکمان مستبد محلی و خوانین زورگو مبارزه می‌کرد. همچنین در مقطعی که ایران توسط بیگانگان اشغال شد، آیت اللّه نجف آبادی با خودکامگی روس‌ها مجاهده و مبارزه زیادی کرد؛ در نتیجه خانه‌اش توسط اوباشِ تحریک شده و مزدوران و مأمورانشان غارت شد و خودش نیز در کنسولگری شوروی در اصفهان زندانی گردید. در آن ایام که در اثر حضور متفقین در ایران، قحطی و گرانی بیداد می‌کرد، ایشان و عالم دیگر اصفهان، میرسید حسن چهارسوقی، ابتکاری به خرج داده و مشترکاً طی اعلامیه‌ای از مردم مسلمان و بازاریان متمکن خواستند در نقاط مختلف شهر، انجمن‌های خیریه تشکیل داده و از بینوایان، بیکاران و گرسنگان، حمایتِ برنامه‌ریزی شده کنند. این برنامه در بین مردم بسیار مؤثر واقع شد؛ به گونه‌ای که اغلب انجمن‌های خیریه فعلی اصفهان نیز از بقایای همان انجمن‌ها هستند. در کنار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، حلقه درس آیت اللّه نجف‌آبادی، محفل فضلا و فرهیختگان بود و شاگردان نامداری در آن پرورش یافتند که حضرات آیات ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، شیخ احمد فیاض، حیدرعلی صلواتی، سید روح‌اللّه خاتمی، سید علی علامه فانی و سید مرتضی پسندیده از آن جمله‌اند. ایشان مسائل فقه و اصول را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کرد و در کلام نیز تبحّر وافی داشت. آیت اللّه میرسید علی آیت نجف آبادی سرانجام در ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ ش برابر سیزدهم صفر ۱۳۶۲ ق در ۷۴ سالگی در اصفهان وفات یافت و پس از تشییعی باشکوه، در قبرستان تخت فولاد مدفون گشت. این عالم مجاهد و فقیه سترگ، جدّ مادری شهید دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول و عضو حزب جمهوری اسلامی است که در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ ش توسط منافقین کوردل به شهادت رسید.

بر گرفته از کتاب :پایگاه راسخون

آیتی، عبدالحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ ق ـ ۱۳۷۴۱ ق / ۱۳۳۲ ش) معروف به آیتی و متخلص به « ضیایی » ، « آواره » و « آیتی » ، از شعرا ، محققان ، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ ۱۸ ـ ۲۰ ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها ، با دیدن کژیها و ناراستیها ، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (۳ جلد ، تهران ، ۱۳۷۰ ـ ۱۳۱۰ ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است . او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد . پدرش حاج (ملاـ) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد ، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود . زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود . تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود . در سال ۱۳۰۳ ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در ۱۳۰۵ ق به قصد ادامه ی تحصیلات ، سفر به عتبات عالیات کرد ، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت . یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد . در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود ، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند ، به تعبیر خودش ، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد ، یکی از رقبای روحانی ، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن ، او را به دامان بهائیت سوق داد . خود در این مورد می گوید : « ... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم . چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم » .

ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکّا (مقرّ سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به « آواره » مشهورگردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است . خود در مورد این کتاب می گوید : « چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبید و دستوراتی داد . ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده ، در دو جلد ، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است .... » اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی ، جلد سوم ، ذیل « آیتی » آمده است « این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید » .

به نوشته ی دایره المعارف تشیع : « ... پس از فوت عباس افندی (۱۳۴۰ ق) ، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود . آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد ؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر ، در احوالات آنها و

مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ، در این عصر ، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند ، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند . آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود . این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد ، چاپ تهران ۱۳۰۷ ـ ۱۳۱۰] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیله ها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است ... » (داریه المعارف تشیع ، ج ۱ ، ص ۲۴۲)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) درآمد ، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت . با طبع و ذوق سخنوری که داشت ، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی ۶۱ شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال ۱۳۰۸ ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر ۱۷ کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنیه و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

باباپور، محمد مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی باباپور

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی باباپور متولد ۱۳۴۳ در روستای گل‌افشان از توابع قائمشهر (مازندران) به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و دوران راهنمایی و دبیرستان را در رشته علوم تجربی در همان شهرستان به اتمام رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه

علمیه تهران شدم و پس از دو سال یعنی سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از ۸ سال دروس سطوح حوزه را اتمام کردم و به مدت ده سال در خارج فقه و تفسیر علوم آیت الله جوادی آملی و دو سال در جامع اصول آیت الله صالحی مازندرانی کسب فیض نمودم. در کنار تحصیل حوزوی از سال ۶۸ تحصیلات دانشگاهی را آغاز نمودم. کارشناسی علوم سیاسی را در دانشگاه باقرالعلوم قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی را در دانشگاه شهید بهشتی تهران و دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تهران گذراندم و هم‌اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشم. در کنار تحصیل دروس حوزوی و دانشگاهی تدریس در حوزه و دانشگاه را به مدت ۱۵ سال طی نمودم. در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء درس‌های مختلفی را ارائه نمودم. در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی نیز پنج جلد کتاب چاپ گردیده و دو جلد آماده چاپ می‌باشد. و ده‌ها مقالات علمی و راهنمایی و مشاوره ۲۰ پایان نامه در سطح کارشناسی ارشد حوزه را نیز برعهده داشتم.

بابازاده، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابازاده

محل تولد : آذرشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر تا پایان ششم ابتدایی در مدرسه علوی آذر شهر تحصیل داشتم. همه ساله شاگرد اول، در پایان کلاس ششم در منطقه در امتحان نهایی ممتاز شدم. یک سال در مدرسه طالبیه تبریز تا پایان سیوطی و جامی تحصیل کرده سپس در قم به تحصیل پرداختم. سطح را در ۷ سال به پایان رسانده ودر سال ۱۳۵۱ در امتحانات خارج حوزه قبول شدم و از مدرسین و مراجع فعلی حوزه تلمذ نموده و بیش از ۲۰ سال دوره خارج دیده ام و به طور کتبی تاییدیه دارم. از تمام مراجع تقلید و شخص مقام رهبری در امور حسبی وکالت و نمایندگی دارم. در موسسه بسیار وزین علمی(دار التبلیغ سابق) که همچون علامه طباطبایی، آیت الله مکارم، آیت الله سبحانی، شهید مطهری، آیت الله شبیری و سایر رجال علمی و سیاسی از اساتید آنجا بودند، شش سال دوره عادی سپس دو سال دوره تخصصی و عالی را به پایان رسانده و پیوسته جزو دانشجویان ممتاز بودم. دراین میان از من درخواست شد که برای ادامه تحصیل و به عنوان مبادله دانشجو به آمریکا بروم که به جهت عائله مندی نپذیرفتم.مدت یک سال و اندی مدیریت مرکز تحقیقات و تالیفات موسسه امام صادق علیه السلام را به عهده داشتم که خود استعفا دادم.چهار سال در سازمان امور اداری استخدامی کشور در شعبه تحقیقاتی قم عضو ارشد و فعال پژوهشی و نگارشی بودم و چند اثر توسط حقیر نگارش شده از جمله (ولایت فقیه) که کتاب درسی برای موسسات و وزارتخانه ها می باشد.تا به حال ۲۸ جلد کتاب چاپ شده و تعدادی مقالات چاپ شده تقدیم داشته ام. در این میان کتاب (تحلیل سیره فاطمه زهرا سلام الله علیها) و اخیرا کتاب(سیری در سیره فاطمه زهرا«س»)رسما از طرف شورای مدیریت حوزه به عنوان کتاب درسی حوزه های بانوان سراسر کشور می باشد از مجموع کتاب هایم تا به حال سه عنوان کتاب های برتر و برگزیده حوزه علمیه انتخاب شده و مورد تقدیر مراجع بزرگ و گاهی تشویق و مقدمه آنان قرار گرفته ام. به ویژه از سوی

رهبر معظم انقلاب مورد تفقد واقع شده (هم نماینده ایشان تلفنی از برخی نوشته هایم تقدیر داشتند و هم رئیس بیت قم و معاونت فرهنگی معظم له جناب آقای مروی به همراه دیگران برای تفقد و تشویق و ابلاغ سلام و پیام به منزلم آمدند.) در حوزه علمیه از طرف شورای مدیریت و مدارج علمی حوزه در جایگاه استاد راهنما و استاد مشاور در خدمت فضلاء و دانشمندان حوزه در نگارش رسائل علمی و پایان نامه انجام وظیفه می کنم. در ضمن از اعضای نخستین نخبگان حوزه می باشم. مقاطع کوتاهی در دانشکده سپاه قم در رشته (حقوق) و (احکام و فقه) برای مدیران سپاه تدریس داشتم که به جهت مسافرت های زیادی که دارم ادامه ندادم. در حوزه علمیه در سال های آغازین درسم به تدریس حاشیه و معالم می پرداختم که سپس به جهت اشتغال زیاد در محورهای مختلف تحصیلی از ادامه آن خودداری نمودم. ناگفته نماند که دروس متوسطه را به طور متفرقه به پایان رساندم و حتی یک ساعت در کلاس نبوده ام. بنده در مسیر تحصیل و تعلیم روزانه ۱۶ ساعت مشغول کسب علم بودم. نظم، اخلاص، انگیزه ، پشتکاری و ... از ابراز موفقیت من بودند. از خداوند متعال می خواهم با نیت خالصانه در مسیر اهل بیت نگه داشته و عاقبت بخیری را روزی من گرداند و السلام علیکم و رحمه الله

بابایی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر بابایی ساخمرسی

محل تولد : ساخمرس ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اصغر بابایی ساخمرسی ساکن استان مازندران، شهرستان نکاء، روستای مرس کوچک، تحصیلات دوران ابتدایی را در روستای مرس کوچک یا محل تولد پشت سرگذاشته ام. و تحصیلات دوران راهنمایی و دوران متوسطه را در شهرستان نکاء به پایان رسانده ام و در رشته ی فرهنگ و ادب موفق به اخذ دیپلم شده‌ام.در سال تحصیلی ۱۳۶۴-۱۳۶۳ وارد حوزه شده‌ام و در حوزه‌ی امام صادق(ع) شهرستان نکاء مشغول تحصیل علوم دینی شده‌ام.در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه امام خمینی(ره) گرگان شدم و تا سال ۱۳۷۱ در آن حوزه مشغول تحصیل بوده‌ام و از آن تاریخ به بعد وارد حوزه علمیه قم مقدس شده‌ام و تاکنون مشغول تحصیل علوم حوزوی بوده‌ام.

در ضمن در سال ۱۳۷۳ از طریق کنکور وارد دانشگاه شده‌ام و در رشته‌ی حقوق، در دانشگاه مفید قم موفق به اخذ مدرک لیسانس شده‌ام و پس از آن در رشته مهارتهای تبلیغ نیز زیر نظر دفتر تبلیغات، رشته‌ی تخصصی تبلیغ و شیوه‌های کلاس داری و علوم تربیتی را در ۵۶ واحد درس پشت سر گذاشته‌ام. در راستای علوم حوزوی نیز تا پایه‌ی دهم امتحانات کتبی و شفاهی را به پایان برده و با نوشتن پایان نامه‌ی سطح ۳ حوزه و دفاع از آن، حدود هشت سال شرکت در درس خارج و هفت نوبت مصاحبه‌ی درس خارج، اصول و فقه.

بابایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علی بابایی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۴ در خلیل اکبر (یکی از روستاهای پل دختر) متولد شدم، تحصیلات ابتدائی را در پلدختر گذراندم.

در سال ۱۳۳۳ وارد حوزه علمیه خرم آباد شدم و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲ در آنجا بودم و از محضر آیت الله کمالوند بهره بردم و از سال ۱۳۴۲ به قم مهاجرت نمودم و در محضر اساتید آنجا به کسب علوم دینیه پرداختم و ضمن تحصیل بنا به فرموده حضرت امام ره و سایر علمای اعلام به مبارزه با رژیم شاه پرداختم و بیش از ۱۶ سال با رژیم مبارزه کردیم و در جنگ فیضیه شرکت داشته ام و ضرباتی به فک و کتف اینجانب وارد شد که هنوز هم آثار آن موجود است و بعد از پیروزی انقلاب همان مسئولیت هایی را که ذکر کردیم عهده دار بوده ام و نسبت به انقلاب و دستورات رهبر کبیر انقلاب هیچ گونه مسامحه و کوتاهی تاکنون نداشته ام و هم اکنون مسئول حوزه علمیه امام صادق که موسس آن خودم بوده ام می باشم.

این حوزه تعداد ۵۰ نفر طلبه برادر و ۴۰ نفر خواهر دارد. و فعالیت آنها بسیار خوب می باشد.

بابایی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر بابائی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر بابائی متولد ۱۳۳۳ در اراک پس از آموختن قرآن و برخی کتاب های مذهبی در مکتب خانه و تحصیلات ابتدایی در مدارس دولتی و دروس مقدماتی حوزه مانند صرف و نحو در حوزه علمیه اراک در سال ۱۳۵۳ ه.ش وارد حوزهٔ علمیه

قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ ه.ش سایر دروس مقدماتی و سطوح عالی حوزوی را فرا گرفتم و در سال ۱۳۶۰ به دروس خارج اصول و فقه راه یافتم ، مدت کوتاهی از درس خارج اصول آیت الله مکارم و خارج فقه آیت الله تبریزی استفاده کردم ولی عمده تحصیلات خارج فقه و اصول این جانب از درس‌های خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی بوده است حدود ۱۲ سال در درس خارج اصول و حدود ۲ سال در درس خارج فقه معظم له شرکت کرده‌ام همزمان با تحصیلات خارج فقه اصول در برنامه‌های درسی مؤسسه در راه حق و پس از اتمام دوره عمومی تحقیقات خود را در رشتهٔ تخصصی تفسیر علوم قرآنی در این مؤسسه آغاز کردم و تا سال ۱۳۷۳ ادامه یافت از سال ۱۳۷۳ تا کنون در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که قبلا دفتر حوزه و دانشگاه نامیده می‌شد به پژوهش در موضوع مباحث علوم قرآنی با گرایش منطق فهم قرآن اشتغال داشته‌ام و نتیجه آن تألیف کتاب‌های: روش شناسی تفسیر قرآن. مکاتب تفسیری ج ۱ و ۲ تاریخ تفسیر قرآن بوده است.

بابکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد بابکی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سال ۱۳۶۶ به درس های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه های مختلف فقهی اشتغال دارم

بارانی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد : سیرجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف ـ تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳شمسی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.

۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.

۴. مدیر گروه تاریخ جامعهٔ الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون

۵. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶

۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان

۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره

۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون

۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون

۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون

۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون

۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه

۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵

۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴

۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعهٔ الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون

۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵

۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.

۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵

۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵

۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱

۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ د- تدریس

ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.

۱) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.

۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.

۳) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه – گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون

۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.

۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.

۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. هـ پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.

۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.

۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.

۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.

۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.

۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.

۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز

.۱۳۸۵

۸. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.

۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.

۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.

۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:

الف) مقالات

۱. امام هادی (ع) و علم و دانش

۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران

۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری

۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه

۵. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)

۸. تاریخ‌نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری

۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام

۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره

۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه

۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها

۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها

۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها

۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های

۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های

۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه

۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره

۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله

۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه

۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)

۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).

۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.

۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها

۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.

۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.

۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.

۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.

۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.

۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعهٔ التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.

۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.

۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.

۱۰. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه

۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش

۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش

۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

بافقی، اسدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملاـ اسدالله بافقی برادر مرحوم حاج شیخ محمد تقی عالمی بارع و عابدی ناسك و زاهدی کم نظیر و دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و بعضی وی را از جهاتی از مرحوم برادرش برتر میدانستند.

نگارنده در سفریکه آنمرحوم بمشهد مشرف و بری آمدند او را در منزل مرحوم برادرش زیارت کردم آثار صفا و معنویت از سیمایش هویدا بود در سال ۱۳۶۹ قمری سفری به یزد رفتم و از آنجا برای دیدن آن عالم ربانی ببافق مسافرت نموده و دو هفته‌ای توقف و از محضرش استفاده کردم. و مدت ده شب در حسینیه امامزاده سهل بن علی منبر رفته و انجام وظیفه نمودم. مردم بافق بآنمرحوم علاقه مخصوص و نظر خاصی داشتند و برای وی کراماتی قائل بودند و او را نمیدیدند مگر اینکه دست ویرا بوسیده و چیزی بعنوان تبرك میخواستند و او هم مرتب از جیب خود بمردم پول یا خرما و یا نبات و بادام و غیره میداد و ابدا تمام نمیشد و نمیدانم کیسه و جیب آن بزرگوار بکدام سیلو و انبار و خزینه راه داشت. شبها یا نمی‌خوابید یا بسیار کم میخوابید مسجدی داشت که بآنجا رفته و تا بصبح مناجات و عبادت مینمود. مزرعه‌ای داشت بنام حجتیه که نان و لباس کرباس خود را از آن مزرعه تحصیل

مینمود.

از اشیاء نفیسه که نزد ایشان دیدم بادامی بود که بطور طبیعی در روی آن حک شده بود الله محمد علی فاطمه حسن حسین تا آخر ائمه علیهم‌السلام که نوشته بود (مهدی و لشگرش) و نیز انگشتر عقیق یمنی بسیار ظریف و نفیسی که آنرا اهدائی و اعطائی حضرت صدیقه کبری علیهاسلام میدانست و بر روی آن آیات رزق منقوش بود. (و من یتق‌الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایتحسب و من یتوکل علی‌الله فهو حسبه ان‌الله بالغ امره قد جعل‌الله لکل شیء قدرا). میفرمود توسلی بحضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نموده و از حضرتش چیزی خواستم پس روزی در منزلم نشسته بودم که گفتند کسی شما را میخواهد درب منزل رفتم زنی را دیدم در چادر و پوشیه سیاه که اصلا در بافق چنین لباسی معمول نبود گفت این را خانم برای شما داده بسته کوچکی بمن داد و رفت من از او نپرسیدم خانم کیست بسته را باز کردم دیدم این انگشتر است. فورا بخود آمدم که این زن با این لباس و چادر که بود و خانم کیست از عقب او آمد هرچه جستجو کردم اثری از او نیافتم و از هرکس استفسار کردم گفتند چنین زنی با این نشانی ندیدم دانستم این اعطائی از طرف بی‌بی دو جهان شفیعه روز جزا حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیهاست.

دیگر از یادگارهای آن بزرگوار بحقیر دعائی است که میترسم اگر در اینجا یاد نکنم بمیرم و آن مخفی بماند و البته با من تعهد کرد که بنا اهل ندهی و من معتقدم که موفق نمیشود باین دعا مگر خواص از دوستان اهل‌بیت علیهم‌السلام و آن دعا اینست. میفرمود از پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم است این دعا.

دعاء کفن میت

قال رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله. من کتب هذا الدعاء والقی فی کفن المیت او وضع فی یده لایعذب فی قبره والله والله.

بسم‌الله الرحمن الرحیم. اللهم ان قدومی الیک فاکرمنی فان الضیف اذا نزل بقوم یکرم و انت اولی بالکرامه الهی مادمت حیا عصیتک و انت احسنت علی (الی) فالان انقطع عصیانی فلاتقطع احسانک عنی یا رب اعتقنی من النار بمحمد و آله الاطهار الابرار الاخیار و صلی‌الله علی محمد و آله الطاهرین.

نگارنده گوید از آن تاریخ تااکنون بیش از چند نفری را که یاد میکنم موفق نشدم این دعاء را باو بدهم.

۱- مرحوم آیه‌الله العظمی حجت ۲- مرحوم آیه‌الله العظمی صدر ۳- مرحوم آیه‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی.

۴- مرحوم آیه‌الله حاج سید حسین قاضی که یک ماه مانده بفوتش این دعا را از حقیر گرفت و گویا پیش‌بینی مرگ خود را کرده بود.

۵- مرحومه مغفوره صبیه جوانم که مناسب است خوابیکه بعد از فوت آن مرحومه یکی از بستگان بی‌اطلاع دیده بود بنگارم.

۶- آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی.

دیدن صبیه‌ام در خواب و دعاء مذکور

در دهم ماه رجب سال ۱۳۹۱ قمری بود که نگارنده مبتلا ـ بداغ و مرگ ناگهانی صبیه‌ام مرحومه فاطمه رازی که همسر آقا سید حسین تقوی طهرانی از سادات اخوی تهران که جوان متدین و پرهیزکاریست شدم و خدا شاهد است که مرگ او چه ضربه‌ای بر من و بیت من وارد و چه داغی بر دل من و مادرش و کلیه بستگانم گذارد زیرا در میان ۹ فرزندم مزایائی از تقوا و مواظبت بجامعه و توسل و عاشوراء و غیره داشت.

در آن ناراحتی عجیب که خود داشتم و انقلاب مادرش و همسر و تمام فامیل را میدیدم و از همه چی غافل بودم دیدم گویا بمن گفته میشود چرا دعاء را نمینویسی اینجا جای آنست. پس فورا در هنگامیکه مشغول غسل وی بودند، دعاء را نوشته و بخاله صبیه‌ام دادم و گفتم این را در کفن و یا دست راست او بگذار او هم گذارد کسی جز او و یکی دو نفر دیگر اطلاع نداشت و نمیدانستند چیست مدت دو سه ماه از این حادثه گذشت یکی از خویشان و ارحام که هیچ از این جریان خبر نداشت در تهران آنمرحومه را در

خواب دیـد که در بـاغ بسیار زیبائی است و لباس سفید گل دوزی شـده‌ای شبیه لباس سـفید عروسـهای ایران پوشیده و بی‌انـدازه زیباست پرسید از او بگوئید چگونه گذشت و وضع تو چطور است. گفت بسیار خوبم و اینجا منزل من است گفتم جریان خود را بگو گفت وقتی من مردم میدیدم که شما چگونه ناراحتید و گریه میکنید میگفتم اگر برای من است منکه حالم خوب است تا مرا بقم آورده و در مقبره‌ام گذاردند و قبر مرا کندند بمن گفتند باید اینجا بروی گفتم من میترسم گفتند باید بروی گفتم پس چشمم را می‌بندم که نبینم ناگاه متوجه شدم در قبرم هستم وحشت مرا گرفت بمن گفته شد نترس چشمت را باز کن پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم آمده است بیادم آمد نامه‌ئی پدرم برای پیغمبر نوشته و در دستم گذارده‌اند گفتم چشمم را باز کرده و نامه را تقدیم میکنم... و آن نامه همین دعاء مذکور است... خداوند مرحوم حجه‌الاسلام بافقی و برادر بزرگوار مذکورش و ما را با نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش محشور گرداند.

درخت خرما میترسد

از نوادری که در بافق دیده و شنیده‌ام این قضیه است در منزل مرحوم حاج ملا اسدالله درخت خرمای بزرگی بود و فرمود سالها بود که این درخت با این هیکل خرما نمیداد و هرچه او را تلقیح میکردیم (تلقیح خرما گرد مخصوصی از خرمای نر است که بخرمای ماده میزنند تا بار بدهد (اثر نمی‌کرد فرمود با دخترم تبانی کردم که من نردبان گذارده و ریسمانی برداشته با اره میروم که سر درخت خرما را ببرم تو بیا بگو میخواهی چکنی گفتم میخواهم سر این خرمای بی‌ثمر و فایده را ببرم و چوب او را بسوزانم زیرا فقط هیکل بزرگ کرده تو بیا شفاعت کن. پس من از نردبان بالا رفته و ریسمان بر گردن درخت بسته و اره گذاردم که سر درخت را ببرم دخترم آمد گفت بابا چه میکنی گفتم میخواهم سر این درخت بی‌فایده را ببرم گفت بابا امسال او را بمن ببخش اگر خرما نداد سال بعد منهم شما را کمک میکنم در بریدن و من گفتم بخدا قسم که خرما ندهد حتما سر او را بریده و میسوزانم آنرا پس از این تهدید درخت خرما از آن سال مرتب بار آورد و خرمای خوبی داد و مقداری از آن خرما باین نگارنده داد که بری آورم.

پس به آنمرحوم گفتم مگر درخت خرما تهدید را حس میکند و یا ترس دارد و تا اگر سرش را بریدند خشک میشود فرمود آری درخت خرما برزخ میان نباتات و حیوانات است چند خاصیت از خواص حیوانات در اوست:

۱- میترسد چنانچه حیوانات میترسند.

۲- اگر سرش را ببرند دیگر سبز نمیشود مانند حیوانات که اگر سرش را ببرند میمیرد درخت خرما هم میمیرد.

۳- اگر سرش را آب بگیرد خفه میشود مانند حیوانات خشکی که اگر زیر آب بروند غرق شده و میمیرند.

۴- تلقیح لازم دارد یعنی باید گردی از خرمای نر بخرمای ماده بزنند تا ثمر بدهد مانند حیوانات که باید نر با ماده جفت شود تا تولید مثل کند، و در روایات نبوی صلی‌الله علیه و آله هست که فرموده: اوصیکم بعمتکم النخله سفارش میکنم شما را درباره درخت خرما... انتهی.

مرحوم ثقه‌الاسلام بافقی در حدود سال ۱۳۷۵ قمری در بافق وفات نموده و در همانجا مدفون گردید اشعار بسیاری درباره حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه الشریف سروده و منبر بسیار شیرین و مؤثری داشت.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

باقرپور، یوسف علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسفعلی باقر پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

مشغول دبیرستان شده بودم که تصمیم به ورود به حوزه علمیه گرفتم. (۱۳۵۵) پس از ورود و گذشت چند سال در مقطع دبیرستان را به صورت متفرقه و در عرض سه سال گذراندم. (۶۱-۱۳۵۹) . در سال ۶۱ در دانشگاه تهران رشته الهیات پذیرفته شدم که چون مغشول تحصیل در سطح حوزه بودم و آن دو را منافی هم می دیدم از دانشگاه انصراف دادم تا اینکه به درس خارج وارد شدم و یکسال از آن گذشت. در دانشگاه شرکت کردم و در پردیس قم دانشگاه تهران در رشته حقوق قضائی پذیرفته شدم(۱۳۶۴). پس از آن و در سال ۱۳۶۸ در تربیت مدرس الهیات و معارف اسلامی دارالشفاء (دانشگاه قم) شرکت کردم و تا سال ۱۳۷۱ دوره ارشد را طی کردم. ضمناً در سال ۱۳۷۶ در ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مفید پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۸۴ در رشته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی واحد علوم و تحقیقات تهران پذیرفته و هم اکنون مشغول تحصیل در دکتری می باشم.

از سال ۱۳۷۱ مشغول تدریس در دانشگاه می باشم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دروس معارف اسلامی و اخلاق و دروس الهیات و معارف اسلامی را تدریس می کردم و از سال ۱۳۷۹ به بعد عموماً به تدریس دروس حقوق جزای عمومی ، اختصاصی، جرم شناسی، کیفر شناسی و ... مشغول می باشم.در حوزه علمیه ابتدا در حوزه علمیه رستمکلد تا کتاب معالم را خواندم ضمن اینکه دروس مقدمات را تردیس می کردم از سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و کتب لمعتین، رسائل ، مکاسب، و کفایه، اصول فقه، قوانین و نیز کتب بدایه، نهیاه، اشارات و مصباح الانس را از اساتید معظم و بزرگواری چون آیت الهل اشتهاردی، آیت الله ستوده، استاد اعتمادی، آیت الله جوادی آملی، نآیت الهل حسن زاده آملی و آیت الله گرامی و ... استفاده کردم.در دروس خارج که از سال ۱۳۶۳ شروع کردم از دروس آیت الله وحید خراسانی و آیت الهل مکارم شیرازی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی و ... بهره بردم و می برم. ضمناً دروس حوزه را به صورت خصوصی از ابتدا تا شرح لمعتین تدریس نموده ام و ...

باقرزاده، عبدالرحمن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحمان باقرزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگينامه علمی

اين حقير عبدالرحمن باقرزاده در سال ۱۳۴۹ در روستای آغوزبن از توابع شهرستان بابل و در خانواده ای متوسط، کشاورز و مذهبی متولـد شـدم. از همان کودکی به قرآن و مسائل دينی علاقمنـد بودم. لـذا در مدتی کوتاه و در سايه لطف الهی و اسـتعداد خدادادی قرآن را فرا گرفتم. در مـدرسه نيز همواره شـاگردی ممتـاز از نظر پيشـرفت درسـی بودم لـذا همواره مورد تشويق قرار می گرفتم که وارد مـدرسه علميه شـدم.علاـقه وافر قلبی و تشويق هـای مزبور دست به دست هم داد تـا پس از اتمـام اول راهنمـايی در سال ۱۳۶۱ راهی مدرسه صدر بابل شوم. مدت يک سال در مدسه مزبور از محضـر اساتيد معظم آيات و حجج اسـلام شيخ هادی روحانی(ره)، سيد حسن محقق بهشتی(ره)، شـيخ محمد حسن قائمی و سـيد مرتضـی برهانی استفاده کردم. سپس در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علميه جعفريه رسـتمکلا بهشـهر شده و تحت انفاس قدسـی عالم نامدار مازنداران مرحوم آيت الله شـيخ ابوالحسن ايازی (قدس) به تلمذ و خوشه چينی پرداختم.

مدت پنج سال حضور در آن مدرسه، دوران طلايی عمر تحصـيلی حقير به حساب می آيد.علاوه بر استفاده علمی از محضر آن فقيه فرهيخته و نـامور، مورد عنـايت و محبت زيـاد آن بزرگوار بودم به طوری که سـال ها بعـد از مهاجرت به قم و تا پايان عمر آن عالم فرزانه، از محبت هـا و توجهـات خاص ايشان بهرمنـد بودم. ضـمن آنکه در مـدرسه مزبور مـدت مديـدی خوشه چين محضـر فرزند بزرگوار آن عالم بزرگ يعنی حجت الاسـلام و المسلمين حاج شيخ محمد جواد ايازی (مدير فعلی مدرسه علميه رستمکلا) نيز بوده ام.

در سال ۱۳۶۷ عـازم حوزه علميه قم شـده و سـطوح عالی را از محضـر آيات عظام شـيخ مصـطفی اعتمادی، سـيد علی محقق داماد، وجـدانی فخر و شـيخ محسن دوزدوزانی فرا گرفتم و بعد از آن نيز به مدت ۱۰ سال در درس خارج آيت الله مکارم شـيرازی و چند سـالی را هم در دروس آيـات عظـام وحيـد خراسانی و علوی گرگانی حضور پيـدا کردم. از سال۱۳۸۱ نيز در جايگـاه امامت جمعه شهرسـتان رامسـر مشـغول انجـام وظيفه می بـاشم. علاـوه بر مسـئوليت امـامت جمعه در حـوزه علميه اعم از برادران و خواهران و نيز دانشگاه به تدريس مشغولم. حقير دارای دو فرزند پسر به نام های محمد مهدی و محمد جواد می باشم که ثمره ازدواج اينجانب در سال ۱۳۶۷ می باشند.

باقرزاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

محمد رضا باقرزاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگينامه علمی

درسال ۱۳۵۸ وارد حوزه شـد و پس از پنـج سـال که در ورامين و کاشان مشـغول تحصـيل بود وارد قم گرديـد. دروس سـطح را از

اساتید معظم: اسلامی، محامی، بنی فضل، اعتمادی استفاده کرد. در درس خارج از محضر حضرات آیات: وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و ... استفاده کرد. در کنار دروس حوزه فوق لیسانس حقوق بین الملل و دکترای علوم سیاسی را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذرانده است. وی عضو هیات علمی موسسه فوق، مدیر گروه حقوق و سیاست مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه و مدیر گروه حلقه نقد فقه و حقوق و سیاست در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده است. از وی مقالات متعددی در حوزه های حقوق و سیاست در مجلات و روزنامه های کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. همچنین کتاب" ضمانت اجراهای صلح و امنیت بین المللی در ارتباط با کشورهای در حال توسعه "جزوات تدریس قانون اساسی، حقوق بشر در اسلام و مبانی حقوق از آثار وی می باشد. وی مشغول تدریس در حقوق و سیاست در حوزه و دانشگاه است.

باقری بیدهندی، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر باقری بیدهندی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین جناب آقای ناصر باقری بیدهندی به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی درروستای بیدهند قم در خانواده ای متدین و شهید پرور چشم به جهان گشود. قرآن را در کتب آموخت و سپس به مدرسه رفت و در اولین روز در کلاس دوم به تحصیل پرداخت. نامبرده بعد از گذراندن تحصیلات جدید به سبب عشق و علاقه فراوانی که به اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» وروحانیت اصیل شیعه داشت در سلک روحانیت درآمد و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی تا مرحله سطوح عالیه را با موفقیت پشت سر گذاشت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام : سید محمد روحانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی، علی مشکینی، جعفر سبحانی، میرزا جواد تبریزی و دیگران به مدت هفده سال شرکت و بهره مند شد. در ضمن با مباحث منطق و فلسفه استادان گرامی حوزه نظیر آیت الله یحیی انصاری و آیت الله گرامی و دکتر احمد بهشتی و تا حدودی آیت الله حسن زاده آملی کسب فیض کرد.

همچنین در بحث اخلاق از محضر آیت الله مظاهری و دیگران سود گرفت. مشار الیه همگام با تحصیلات حوزوی در سطوح متوسطه و عالیه به پژوهش و تحقیق روی آورد و تاکنون ده ها کتاب و رساله در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی از خود به یادگار گذارده و هم اکنون نیز به این مهم با کوشش زیاد اشتغال دارد و شمار قابل توجهی از آثار ایشان به زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. معظم له علاوه بر تألیف و تحقیق به تدریس نیز اشتغال دارد و به عنوان استاد مشاور ، ساماندهی خطوط پژوهشی برخی از پایان نامه ها را نیز به عهده گرفته است . و در تعدادی از مراکز فرهنگی عضویت و فعالیت داشته و دارد.

باقری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقری

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب علی باقری متولد ۱۳۴۳ در شهرستان اردبیل تحصیلات ابتدایی راهنمایی و دبیرستان را در مدارس تهران به اتمام رسانده و بمدت یکسال پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه تبریز رفته و در مدرسه ولی عصر(عج) مشغول تحصیل شدم و بعد از آن بمدت یکسال به حوزه علمیه تهران وارد شده و در مدارس علمیه باهنر و شهید بهشتی مشغول تحصیل بودم و از کلاس درس منطق ملا عبد الله آیت الله حق شناسی و سایر اساتید بهره بردم و در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مکاسب در رسائل کفایه را از محضر آیت الله دوزدوزانی – آیت الله پایانی- آیت الله راستی- آیت الله صالحی مازندرانی- آیت الله قدیری – آیت الله راستی بهرمند شدم. در همزمان به دوره های آموزشی مؤسسه در راه حق وارد شده و به تحصیل نهایهٔ الحکمه، اقتصاد- فلسفتنا و.... در این مؤسسه پرداختم. بعد از اخذ دیپلم متوسطه بطور متوسط هر سال در جبهه های جنگ نیز حضور می یافتم و در چندین عملیات شرکت داشتم.

پس از پایان جنگ وارد دانشگاه مفید(ره) قم شدم و به تحصیل دوره کارشناسی اقتصاد پرداختم و در این ایام به تحصیل دروس خارج فقه و اصول نیز مشغول شدم و از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام وحید خراسانی(دام عزه).جواد آقا تبریزی(ره) آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره وافر بردم هر چند از اساتید دیگر نیز استفاده کرده ام.دوره کارشناسی اقتصاد را در سال ۱۳۷۲ به پایان رسانده و در همان سال در آزمون، کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران پذیرفته شدم اما به دلیل تحصیل دروس حوزوی، و در دانشگاه مفید(ره) دوره کارشناسی ارشد را ادامه دادم و در سال ۱۳۷۵ پایان نامه دوره فوق لیسانس را با موضوع مبانی عدالت اقتصادی در اسلام و سایر مکاسب دفاع نمودم و در آزمون ورودی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام پذیرفته شده و مشغول تحصیل شدم و دوره آموزشی مقطع دکترا با برگزاری امتحان جامع و موفقیت در آن به پایان رسید و مشغول انجام پروژه تحقیقی در موضوع هدف گذاری سیاستهای پولی شدم و هم اکنون مراحل نهایی پایان نامه را انجام می دهم.از نظر تدریس دروس حوزوی عمرماً قبل از تحصیلات دانشگاهی بوده است و به تدریس ادبیات و منطق پرداختم و دروس دانشگاهی را نیز در مقطع کارشناسی تدریس نموده ام دروس مانند، اقتصاد پول بانک- اقتصاد فرد- اقتصاد کلان، مبانی فقهی اقتصاد و اسلامی- نظام های اقتصاد صدر اسلام- تاریخ عقاید اقتصادی – معارف اسلامی. مالیه عمومی را در دانشگاه مفید(ره)- دانشگاه آزاد تهران و شهرستان نراق و آموزش های مدیریت دولتی تدریس نموده ام.در زمینه های تحقیقات علمی نیز پروژه تامین اجتماعی در اسلام با تکیه بر منابع مالی اقتصاد ایران با همکاری حجهٔ الاسلام کیاءالحسینی به انجام رسانیدم این پروژه توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شد و مدیریت آن را دانشگاه مفید بر عهده داشت این تحقیق علمی برنده دو جایزه گردید یکی بعنوان تحقیق برتر فرهنگی سال ۱۳۸۰ و پژوهش برگزیده سال ۱۳۸۲ حوزه اقتصاد اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت تحقیقات علمی دیگری نیز در

حوزه اقتصادانجام دادم که منتشرنشده است یک مقاله تحت عنوان بررسی تطبیقی عدالت اقتصادی در مجله مفید از اینجانب به چاپ رسیده است و در سال ۱۳۷۷ منتشر گردیده و استاد واحد پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان نقش بازده سرمایه گذاری های سازمان تامین اجتماعی در تاخیر زمان سربسری منابع و مصارف» را نیز در ۱۳۸۴ بر عهده داشتم.

باقریان ساروی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد باقریان ساروی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در آغاز پاییز سال ۴۲ وارد حوزه علمیه کوهستان بهشهر شدم و در سال ۴۴-۴۳ در قم و سپس به مدت دو سال در رستمکلای بهشهر تحصیلات مقدماتی را گذرانده و در سال (پاییز) ۴۸ مجددا وارد قم شدم و دروس سطح را در خدمت اساتیدی همانند مرحوم فاضل هرندی و علوی گرگانی و دوزدوزانی وآیت الله فاضل لنکرانی و موسوی تبریزی (سید ابوالفضل) و مرحوم آیت الله سلطانی(کفایه ج ۱) و آیت الله حائری(سید محمد کاظم) (کفایه ج ۲) گذرانده و درس خارج را که از سال ۵۰ شروع شد نزد اساتیدی همچون وحید خراسانی و مرحوم میرزا هاشم آملی و حسین نوری همدانی و فاضل لنکرانی گذراندم. یک دوره کامل خارج اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی گذرانده و درس ها را به صورت عربی نوشته ام. و در سال ۷۰-۶۹ برای تدریس به گرگان رفته و مدت نه سال در مدرسه علمیه امام باقر(ع) گنبد و مدرسه امام خمینی گرگان و مدرسه سعدیه رامیان به تدریس از سیوطی تا اصول فقه و شرح لمعه پرداخته ام و مجددا وارد قم شده و دروس رسائل و مکاسب و کفایه را تدریس داشته ام. ولی اکنون نزدیک به یک سال است که به سبب بیماری توفیق تدریس عمومی را ندارم ولی کارهای تحقیقاتی را که از شش سال پیش در مرکز پژوهش های اسلامی (فرهنگ و معارف قرآن) شروع کرده ام ادامه می دهم و در نگارش و تدوین فرهنگ قرآن شرکت دارم که هم اکنون آن اثر ۸ جلد به چاپ رسیده است.

باقی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی باقی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱۱/۲۲

زندگینامه علمی

بعد از اتمام تحصیلات دبیرستان و پیش دانشگاهی در رشته ریاضی در سال تحصیلی ۱۳۷۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شده و تحصیلات مقدماتی تا پایه ششم را در مدرسه مبارکه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به پایان رسانده ، سپس پایه هفتم تا دهم را در کلاسهای آزاد که در مدرسه مبارکه حضرت آیت الله مرحوم گلپایگانی برگزار می شد ادامه دادم و اکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی محمد علی اسماعیل پور دام ظله مشغول انجام وظیفه هستم. در زمینه تبلیغی نیز از سال ششم به بعد تاکنون در ایام ماه مبارك رمضان و محرم الحرام به حسب وسع خود به این عمل شریف اقدام نموده ام.

بحری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بحری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالك و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین

درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعهٔ الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

برارپور، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم برارپور

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی خویش را در مدرسه نوشیروانی بابل با رتبه ممتاز در کلاسهای اول، سوم ، چهارم و پنجم گذراندم. تحصیلات راهنمایی را در مدرسه شهید هاشمی نژاد و دبیرستان را در مدرسه طالقانی. در سال ۷۵ در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه آزاد قائم شهر قبول شده و بعد از گذراندن یک ترم تحصیلی با توجه به علاقه وافر به دروس حوزوی و زندگی در فضای معنوی، وارد حوزه علمیه خاتم الانبیای بابل شدم. و سالهای بعد در مدرسه روحیه بابل دروس خویش را تا پایه ۶ به اتمام رساندم و در سال ۸۰ به قم مراجعت کرده و در مدرسه علمیه معصومیه پایه های ۷ و ۸ و در مدرسه علمیه قدیری پایه های ۹ و ۱۰ را به پایان رساندم و الان مشغول به درس خارج هستم. از آنجا که به مطالعه در زمینه های فرهنگی و سیاسی و در خصوص دفاع مقدس علاقه وافر داشته ام عمده تحقیقات خویش را در این زمینه ها مستقر کرده ام و در زمینه سیاسی عضو مجمع تحلیل و بررسی سیاسی سپاه منطقه قم هستم و دوره دو ساله آن را با موفقیت به پایان رساندم و در زمینه دفاع مقدس با ستاد کنگره شهدای روحانی تیپ ۸۳ امام صادق (ع) همکاری داشتم و در زمینه فرهنگی با موسسه ولاء و تشکل جمعی از طلاب و بسیجیان شهرستان بابل در راستای اشاعه فرهنگ شهادت و ایثار فعالیت نمودم و اکنون نیز فعال هستم و تاکنون چندین مقاله و کتاب نوشته ام و پروژه های سیاسی در راستای پژوهشهای علمی انجام داده ام

بربا، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد بربا

محل تولد : تويسركان

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱

زندگينامه علمی

آقای علی محمد بربا در سال ۱۳۳۹هجری شمسی در خانواده ای متدين، مذهبی و دوستدار اهل بيت عصمت و طهارت عليهم السلام در شهرستان تويسركان ديده به جهان گشود. دوران ابتدايی، راهنمايی و دبيرستان را در زادگاه خويش با موفقيت سپری كرد. در پی تشويق خانواده و علاقه خويش به فراگيری علوم دينی از يك سو و شوق زيارت و هم جواری با بارگاه كريمه اهل البيت حضرت معصومه سلام عليها از سوی ديگر او را راهی قم گردانيد.

و در سال ۱۳۵۵ كه سال های اوج خفقان و ترس از رژيم شاهنشاهی بر كشور حاكم بود و حوزه های علميه از طرف رژيم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علميه قم گرديد. از نخستين روزهای ورود به قم ضمن انس با آستان ملكوتی كريمه اهل بيت عليهم السلام با تلاش و كوشش فراوان به تحصيل پرداخت و از درس بزرگان آن ديار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خارج راه يافت. وی در ايام تحصيل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آيت الله فاضل، مرحوم آيت الله شيخ جواد تبريزی، آيت الله محقق داماد، و ديگر ستارگان درخشان حوزه علميه قم كسب فيض كرد.

استاد از سال ۱۳۶۶ تا كنون به امر تدريس در دانشگاه پيام نور تويسركان و دانشگاه آزاد اسلامی تويسرگان مشغول می باشد كه حاصل زحمات ايشان پرورش دانشجويان فراونی می باشد. علاوه بر اين وی به مدت ۱۰ سال بر كرسی رياست دانشگاه آزاد اسلامی تويسركان تكيه زده بود كه در اين مدت خدمات ارزنده ای به دانشجويان آن دانشگاه ارائه كرد. در ضمن استاد گرانقدر آقای بربا هيچ وقت از نگارش و پژوهش غافل نمانند و آثاری از قبيل" نقش استاد در سلوك روح الله"،"نقد نظری ترايون " و" عرفان و اهل بيت (ع")را به رشته تحرير در آورده است.

برجی، یعقوب علی

قرن:۱۵

جنسيت:مرد

مليت:ايران

يعقوب علی برجی

محل تولد : نيشابور

شهرت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگينامه علمی

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ وارد حوزه علمیه" فضل ابن شاذان "نیشابور شـدم. ادبیات عرب، معانی بیان، منطق، لمعتین و اصول فقه را در آن حـوزه فرا گرفتـم. در سـال ۱۳۵۸ بـه حـوزه علمیه مشـهد هجرت نمـوده و کتابهـای«الرسائـل» شـیخ اعظم انصـاری و کتـاب «المکاسب» و نیز«کفایتین» را از محضر اساتید معروف آن دیار فرا گرفتم. و در سال ۱۳۶۱ به منظور ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم اقامت نموده و در جوار حرم حضـرت معصومه(س)سـکنی گزیـدم. پایه های درسـی حوزه علمیه قم را امتحان داده و با عنوان«عالی قابل تشویق است» قبول شدم. و پس از یک سال(سال ۶۲) آخرین پایه درسی حوزه علمیه یعنی پایه ۹ را امتحان داده قبول شدم و به درس های خارج حوزه علمیه راه یافتم و از میان حوزه های مختلف درسـی، خارج فقه حضـرت آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و خـارج اصول حضـرت آیت الله العظمی وحیـد خراسانی را انتخاب نموده و تا سال ۱۳۷۵ به مدت ۱۳ سال از محضـر درس خارج این دو بزرگوار بهره بردم، در کنار فقه اصول به معقول و فلسفه و کلام نیز پرداختم.«نهایهٔ الحکمه» را از محضر استاد مصباح یزدی، «منظومه» مرحوم ملا هادی سبزواری را از محضـر استاد انصاری شیرازی و«الاشارات و التنبیهات» را از محضر استاد علامه حسن زاده آملی و «کشف المراد» را از محضـر اسـتاد دکتر بهشتی استفاده نمودم. و در سال تحصیلی ۷۰- ۶۹ در کنکور تربیت مدرس قم(دار الشفاء)شرکت نموده و قبول شدم و سال ۷۲ موفق به اخذ کارشناسی ارشد(فوق لیسانس) با معدل ۵۱/۱۸ شده و در تاریخ ۲۰/۷/۷۲ پایـان نـامه کارشناسـی ارشـد بـا عنـوان: «بـدعت و دیـدگاهای مختلـف دربـاره آن» را در محضـر دکـتر محمـد بـاقر حجـتی(اسـتاد راهنمـا)،حضـرت آیـت الله معرفـت(ره)(اسـتاد مشـاور)، جنـاب دکـتر بهشـتی(نـاظر)و جمعی دیگر از اساتیـد دفـاع نمـوده و بـا نمره نوزده(۱۹)از ۲۰ و درجه عـالی از آن مرکز فـارغ التحصـیل گردیـدم و در سال تحصـیلی ۷۳-۷۲ در کنکـور دکـترای گرایش فقه و اصول دانشـگاه امام صادق(ع) شـرکت کرده و قبول شـدم و در این دانشـگاه از محضـر اساتیـد نام آوری همچون حضـرت آیت الله مهدوی کنی، آیت الله باقری کنی، حضـرت حجج اسلام سید حسن مصطفوی و سید حسین مصطفوی و ... بهره ها برده و در تاریخ ۲/۴/۸۰ رسـاله دکتری را بـا عنوان«سـیر تـاریخی نظریه ولایت فقیه» در محضـر آیت الله باقری کنی(اسـتاد راهنما)، آیت الله مهـدوی کنی(اسـتاد مشـاور)،مصـباحی، مرعشـی(اساتیـد داور)و جمعی دیگر از اساتیـد و بعضـی از مسؤولان دانشـگاه و تعـداد زیـادی از دانشجویان دانشگاه دفاع کرده و با نمره ۹۶ و درجه عالی موفق به اخذ دکتری در رشته فقه و اصول گردیدم.

برزگر فاضلی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر برزگر فاضلی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب اصـغر برزگر فاضلی در سال ۱۳۶۱پس از اخذ دیپلم (فرهنگ و ادب)وارد حوزه علمیه امام صادق علیه السـلام شهرستان نور شـدم و پس از گذراندن پایه اول ودوم در سال ۱۳۶۴وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۹موفق به اتمام پایه ۹و سطح سه

حوزه شـدم که در این دوران علاوه بر گذرانـدن دروس اصـلی و جانبی پایه های حوزه دروس فلسـفه بـدایه ونهایه و برخی دروس تفسیر قرآن و دروس هیئت حضرت آیت الله حسن زاده آملی را نیز گذراندم .

از سال ۱۳۷۰دروس خارج فقه واصول حوزه را شـروع نمودم که در این مدت علاوه بر ادامه دروس فلسـفه اسـفار، شـرح اشارات ، بخشـهایی از شفا ، تمهیدالقواعد ، از سال ۱۳۷۴در دوره کارشناسـی ارشد دانشگاه قم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت نمودم که در سال ۱۳۷۷موفق به اخـذ پایـان نـامه آن شـدم و در طی سالهـای ۸۲تا ۸۴در دانشـگاههای کرج و اراک دروس معـارف اسـلامی را تدریس نمودم .

برزگر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی برزگر بفروئی

محل تولد : میبد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی برزگر بفروئی در سن بیست و هشت سالگی رسـماً مشـغول تحصیل علوم دینی در حوزه اردکان یزد گردیدم و تا سال ۵۶ در آنجـا مشـغول بودم در سال ۵۷ موفق به سـکنی در قم گردیـدم و از اساتیـدی مانند آقایان اعتمادی، سـتوده، وزیری ، محقق ، آیـات عظـام سـبحانی، تبریزی، وحیـد خراسـانی بهره علمی بردم و در ضـمن تحصـیل به تحققات در بحارالانوار و کتابهای مربوط به سیره اهل بیت مـدت ۹ سـال سپری کردم و نیز در دانشـگاه جنوب تهران مـدت کوتاهی مشـغول تـدریس علوم اخلاق و معارف بودم که بعلت مشکلی که در تنفس داشتم از ادامه آن محروم گردیدم.

برغانی قزوینی، محمد صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۳ -۱۲۷۰ ق)، فقیه اصولی و مفسر. وی برادر شـهید ثـالث بود. در برغـان کرج به دنیـا آمـد. مقـدمات علم و ادب را نزد پـدرش در برغـان خوانـد و «قرآن» و «نهـج‌البلاغه» را از حفظ کرد و سـپس به قزوین رفت. فقه و اصول را نزد علمای قزوین و علوم عقلی را نزد آخونـد ملا آقا محمد بیدآبادی فراگرفت. آنگاه به عتبات عراق رفت و در کربلا به حوزه‌ی درس علامه وحید بهبهانی پیوست. بعـد از مـدتی به زادگاهش بازگشت و از محضـر پدر اسـتفاده بیشتر برد. سـپس به قم رفت و از حوزه‌ی درس میرزای قمی بهره‌مند شد و پس از آن به اصفهان سفر کرد و در محضر ملاعلی نوری علوم عقلی را تکمیل کرد و بعد در مشهد از حوزه‌ی درس

شهید میرزا مهدی خراسانی استفاده برد. وی مجددا به سوی عراق رهسپار شد و در نجف از شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، بهره‌ها گرفت و به درجه اجتهاد رسید. در حدود سال ۱۲۲۰ ق به ایران بازگشت و در تهران سکنی گزید و عهده‌دار کرسی تدریس و فتوا شد و طلاب علوم دینی گرد او جمع شدند. خاندان برغانی با جریان شیخیه و بابیه برخوردی جدی داشتند. وی در کربلا ـ در حال دعا در بالای سر مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) از دنیا رفت. از برغانی حدود سیصد کتاب و رساله و حاشیه باقی مانده است که از آن جمله: تفسیر «معدن الانوار و مشکاة الاسرار»، در یک مجلد؛ تفسیر «مفتاح الجنان»، در هشت مجلد؛ تفسیر «بحر العرفان و معدن الایمان»، در هفده مجلد؛ تفسیر «کنز العرفان»؛ «غنیمة المعاد فی شرح الارشاد»، در چهارده مجلد، در فقه؛ «مسالک»؛ «اعمال السنة»؛ «الدرة الثمینة»، به فارسی؛ «منبع البکاء»، در مواعظ؛ «معدن البکاء»، به فارسی، مقتل؛ به عربی، مقتل.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۴/۷)، اعیان الشیعه (۳۶۹/۹)، ایضاح المکنون (۱۴۸/۲ –۳۰۴/۱)، الذریعه (۳۲۵، ۲۲۰ /۲۱، ۱۵۹ /۱۸، ۷۱ /۱۶، ۷۷ /۱۳، ۹۶ –۹۵ /۸، ۴۲ –۴۱ /۳، ۲۴۵ /۲)، روضات الجنات (۳۸۷ –۳۸۶ /۴)، ریحانه (۲۴۸/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱ –۶۶۰ /۱۳)، الکنی و الالقاب (۶۴/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲/۶)، المآثر و الآثار (۱۸۳، ۱۴۴)، معجم المؤلفین (۸۶/۱۰)، مینودر (۸۴۵/۲).

برکت، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد برکت

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۷/۱۶

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک در خرداد سال ۱۳۶۲ در همان سال وارد حوزه علمیه شده و در مدرسه علمیه امام عصر (عج) مشغول به تحصیل شدم . این مدرسه توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ مجد الدین محلاتی در سال ۱۳۵۲ شمسی بنا شده است. پس از گذراندن دوره سطح در نزد اساتید حوزه علمیه شیراز، مرحوم حجة الاسلام محمود مدرس تبریزی، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید احمد آیت اللهی، مرحوم آیت الله محمد علی جعفری، حضرت آیت الله حسن پاکدل، حضرت آیت الله ملک حسینی و مرحوم آیت حاج شیخ محمد الدین محلاتی، در سال ۱۳۷۱ بمدت هفت سال در درس خارج آیت الله مجد الدین محلاتی شرکت نمودم.

در سال تحصیلی ۶۷–۱۳۶۶ به قم رفته و در درس استاد اعتمادی و استاد سید علی محقق داماد شرکت نمودم و همانجا بود که با راهنمائی های استاد علامه سید محمد رضا جلالی حسینی ، کار در دحوزه میراث مکتوب را آغاز نمودم.از سال ۱۳۷۴ تاکنون در مدارس مختلف شیراز مشغول به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه می باشم.از سال ۱۳۶۵ مدیریت کتابخانه مدرسه امام

عصر (عج) را بعهده دارم. این کتابخانه اکنون با بیش از سی هزار جلد کتاب چاپی و چاپ سنگی که عمده آنها از کتب مرجع در حوزه علوم دینی و معارف اسلامی است و هزار جلد نسخه خطی ، یکی از کتابخانه های معتبر جنوب کشور است که مورد استفاده طلاب و دانشجویان می باشد.

از سال ۱۳۷۷ توفیق امامت جماعت مسجد حضرت ولی عصر (عج) نصیبم گشته است و از سال ۱۳۷۹ مدیریت مدرسه علمیه امام عصر (عج) بر عهده اینجانب قرار داده شده است امید به امام زمان سلام الله علیه که موفق به خدمت باشد. ان شاء الله.

بروجردی، اسد الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۷۱ ق)، عالم، فقیه و اصولی. مشهور به حجهٔ الاسلام و معروف به مجتهد بروجردی. در زادگاهش پرورش یافت و در خدمت استادانی همچون میرزای قمی، صاحب «قوانین» و سید محمد مجاهد، صاحب «مناهل»، تلمذ کرد. او مدعی برتری خویش بر تمامی علمای عصرش بود. در عهد وی بروجرد مرکز تحصیل علوم شرعی و مجمع افاضل ایران شد، بطوری که، شیخ انصاری در حوزه‌ی درس وی حاضر شد و چون خود به مقام ریاست و اعلمیت رسید در مجالس خویش از این استاد نقل قول می‌کرد. در «تاریخ بروجرد» نام بیست و دو تن دیگر از علمای بزرگ شیعه، تحت عنوان شاگردان حجهٔ الاسلام آمده است. وی در زادگاهش درگذشت و همان جا دفن شد. سه تن از فرزندان وی به نامهای فخرالدین محمد و جمال‌الدین محمد و نورالدین محمد که جد مادری آنان میرزای قمی بود، در زمره‌ی علمای دین و از مجتهدان بزرگ عصر خویش بودند و حجهٔ الاسلام خود برای آنان اجازه‌ی اجتهادی مبسوط نوشت. از آثار وی حاشیه یا تعلیقه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۶/۳)، تاریخ بروجرد (۳۴۴ -۳۱۸ /۲)، الذریعه (۱۷۰/۶)، روضات الجنات (۱۱۰ -۱۰۹ /۱)، ریحانه (۲۶ -۲۵ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳ -۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۲ -۱۹۱ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسدالله)، المآثر و الآثار (۱۴۰)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۲)، مکارم الآثار (۱۹۵۲/۶).

بروجردی، عبداللّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۹ -۱۲۵۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی و زاهد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در محضر پدر خویش و حاج ملا اسداللّه حجهٔ‌الاسلام تحصیل کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و به حوزه درس شیخ محمد باقر اصفهانی فرزند شیخ محمد تقی صاحب «هدایهٔ المسترشدین» وارد شد و از او بهره‌ها گرفت. پس از فراغت از تحصیل به بروجرد بازگشت و تا پایان عمر در آنجا به تدریس پرداخت. آیت‌اللّه بروجردی از شاگردان او است. از آثار وی: رساله‌ای در «اجماع»؛ رساله‌ای در «مقدمه‌ی واجب»؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی»؛ رساله‌ای در «قطع».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۱۲ -۵۱۰ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۰۲ -۱۲۰۱ /۱۴).

بروجردی، محمد رحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۹ -۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی و مجتهد. معروف به بالاخیابانی. در آغاز کودکی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول گشت و به خاطر استعداد و مهارتی که در ادبیات عرب داشت، کتابی در همان اوان کودکی در نحو تصنیف کرد که مورد قبول طلاب شد. سپس در محضر علما و فقها حاضر شد و از سید بزرگوار سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله بروجردی استفاضه کرده است. در سال ۱۲۴۱ ق به نجف اشرف رفت و از محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» بهره‌ها برد و در همان اوقات شرحی محققانه بر «مختصر نافع» در فقه تألیف کرد که مورد تحسین و تقدیر صاحب «جواهر» گردید و از او اجازه‌ی اجتهاد گرفت. مدتی در نجف به تحصیل پرداخت و سپس در کربلا- مقیم شد. در سال ۱۲۵۸ ق به اصرار دانشمندان مشهد و بزرگان خراسان و امر صاحب «جواهر» به مشهد رفت و به ترویج علوم و نشر احکام اشتغال ورزید و شاگردان زیادی از محضرش استفاده کردند. وی دو بار به سفر حج رفت و در سال ۱۲۶۶ ق پس از فتنه‌ی سالار در خراسان، امیرکبیر او را به تولیت آستان قدس رضوی منصوب کرد. وی بر اثر بیماری وبا در سن ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مرقد امام رضا (ع) دفن گردید. از آثار وی: «کتابی در نحو» که در کودکی نوشت، «تقریرات دروس فقه و اصول حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسدالله بروجردی»؛ «شرح المختصر النافع»، «الهدایة الرضویه»، «رساله در اثبات سیادت»؛ «رساله در بیع فضولی»؛ «جوامع الکلام» در شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ «رساله در اعمال سال»؛ «رساله در اجازه‌ی شیخ میرزا محمد همدانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۶/۹)، تاریخ بروجرد (۴۸۰ -۴۷۴ /۲) الذریعه (۱۷۶/۲۵، ۵۹/۱۴، ۲۵۲/۵)، شرح حال رجال (۲۴۷/۵)، معجم المؤلفین (۳۰۸/۹).

بروجردی، محمد رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ش)، فقیه، اصولی و مدرس. از سادات نوربخشی، و از طرف مادر منسوب به سادات طباطبایی بروجردی است. در بروجرد به دنیا آمد. پس از خواندن مقدمات و سطوح به مشهد رفت و در حدود بیست سال از محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله آقازاده کفایی بهره برد. پس از آن به عراق مهاجرت کرد و مدت دوازده سال در نجف اقامت داشت و از حوزه درس آیت الله نایینی و آیت الله آقا ضیاء عراقی و آیت الله اصفهانی استفاده کرد، و همزمان برای عده‌ای فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی از آیت الله اصفهانی و آیت الله عراقی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سپس به مشهد بازگشت و به تدریس فقه و اصول و ترویج احکام مشغول شد. از آثار وی: رساله‌ای در «اجتهاد و تقلید و عدالت»، که به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۱۲۰ -۱۱۹ /۷).

بزدوی، فخر الاسلام، ابوالحسن علی

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۸۲ -۴۰۰ ق)، فقیه اصولی، محدث و مفسر حنفی. مشهور به ابی العسر. نسبتش به بزده، قلعه‌ای در نزدیک نسف، می‌رسد از بزرگان سمرقند و پیشوای اصحاب ماوراءالنهر و خود صاحب طریقه‌ای در مذهب حنفی بود. سمعانی گوید که دوستش ابوالمعالی محمد بن نصر، خطیب سمرقند، تنها راوی اوست. وی در سمرقند به خاک سپرده شد. او را تصانیف بسیاری است، از آن جمله: «کنز الوصول الی معرفهٔ الاصول» یا «اصول بزدوی»، در اصول فقه، که به همراه شرح آن به نام «کشف الاسرار» علاءالدین بخاری چاپ شده است؛ «المبسوط»، یازده مجلد؛ شرح «الجامع الکبیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصغیر» شیبانی؛ شرح «الجامع الصحیح» بخاری؛ «غناء الفقها»، در فقه؛ «کشف الاستار» یا «تفسیر القرآن»، در یک‌صد و بیست جزء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۴۸/۵)، ایضاح المکنون (۳۸۸، ۳۴ /۲)، سیر النبلاء (۶۰۳ -۶۰۲ /۱۸)، کشف الظنون (۱۵۸۱، ۱۴۸۵ ، ۱۰۱۶، ۵۶۸، ۵۶۳، ۵۵۳، ۴۶۷، ۱۱۳ -۱۱۲)، معجم البلدان (۴۸۷ -۴۸۶ /۱)، معجم المؤلفین (۱۹۲/۷)، الوافی بالوفیات (۴۳۰/۲۱)، و هدیهٔ العارفین (۶۹۳/۱).

بستان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین بستان

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اتمام دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۶۹ پس از اتمام دوره های مقدمات و سطح به درس خارج راه یافتم. سهم بیشتری از اشتغالات حوزوی اینجانب به فقه اختصاص یافته است و حضور بیش از چهارده سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی و حضور بیش از هفت سال در جلسه بحث فقهی حجت الاسلام و المسلمین گنجی عمده فعالیت های فقهی رسمی اینجانب بوده است. به میزان کمتری در درس خارج اصول به ویژه درس آیت الله وحید خراسانی و درس حجت الاسلام و المسلمین هادوی تهرانی حضور یافتم و در کنار این دروس طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ به مطالعه و مباحثه

فلسفه(بدایه و نهایه الحکمه) اشتغال داشتم. به موازات دروس رسمی حوزه از سال ۱۳۷۲ تا کنون در رشته جامعه شناسی فعالیت دارم. در بهمن سال ۱۳۷۱ به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که وابسته به سازمان سمت بود در آمدم. پس از گذراندن دوره آموزشی در سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیتهای پژوهشی نمودم که حاصل آن تا کنون تدوین پنج کتاب و بیش از پانزده مقاله در موضوعات جامعه شناسی خانواده، مطالعات زنان، فلسفه علوم اجتماعی و جامعه شناسی دین است. همچنین در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه شناسی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شدم و ان شاء الله در آینده نزدیک در دوره تحصیلات تکمیلی(دکتری) در همین پژوهشگاه شرکت خواهم کرد

بطحایی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم بطحائی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .

در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران – مجتمع آموزش عالی – در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بغدادی اسفراینی، ابومنصور عبدالقاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۲۹ ق)، فقیه اصولی، متکلم و ادیب شافعی. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد. سپس همراه پدر ساکن نیشابور شد و در اثر فتنه غز مدتی نیشابور را ترک کرد. وی در هفده رشته علمی مدرس بود، بخصوص در زمینه‌ی علم حساب از صاحبنظران بود. او شعر نیز می‌گفت و اشعار زیادی به جای گذاشت. دستی گشاده داشت و آنچه از مال و ثروت داشت بر جویندگان علم و حدیث انفاق می‌کرد. ابومنصور در فقه شاگرد ابواسحاق اسفراینی بود و بعد از او بر مسند استادش نشست و در مجسد عقیل به املا پرداخت. ابوبکر بیهقی، ناصر مروزی، زین الاسلام ابوالقاسم قشیری و عبدالغفار شیرویی از جمله شاگردان وی بودند. ابومنصور در اسفراین از دنیا رفت و در جوار استادش ابواسحاق دفن شد. از آثارش: «بلوغ المدی فی اصول الهدی»، در اصول فقه؛ «التحصیل»، در اصول فقه؛ «تفسیر القرآن»؛ «تأویل متشابه الاخبار»؛ «التکمله»؛ در علم حساب؛ «الفرق بین الفرق»؛ «الملل و النحل»؛ «مشارق النور»، در کلام؛ «معیار النظر»، در عقلیات؛ «ناسخ القرآن و منسوخه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۷۳/۴)، ایضاح المکنون (۴۸۵، ۳۷۵، ۲۳۴ /۲)، ریحانه (۲۷۸ -۲۷۷ /۷)، سیرالنبلاء (۵۷۳ -۵۷۲ /۱۷)، کشف الظنون (۱۹۷۰، ۱۹۲۱، ۱۸۳۹، ۱۸۲۰، ۱۷۶۹، ۱۴۳۲، ۱۴۱۸، ۱۴۰۱، ۱۳۹۲، ۱۲۷۴، ۱۲۵۲، ۱۰۳۹، ۴۷۱، ۴۶۳ -۴۶۲، ۴۴۱، ۳۹۸، ۳۳۵، ۲۵۴)، وفیات الاعیان (۲۰۳/۳)، هدیۀ العارفین (۶۰۶/۱).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق .(۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.

آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.

جرعه نوش علم و معرفت .

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پـاک بلاغی که شـیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق . مجبور به ترک زادگـاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شـهر مقـدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.

ایشان شـش سال از عمر مبارکش را در این شـهر صـرف تحصـیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق . در کاظمین مانـد. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشـرف بازگشت و در درس سـرآمدترین اسـتوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صـفای آن حوزه طراوت بخشـید و مـدت ۱۴ سال در این دانشـگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیـخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهـد و رهبر انقلابی ، میرزا محمـد تقی شـیرازی شـرکت جست و ده سال بر سـفره علمی این مجتهـد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق .)

۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق .)

۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق .)

۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق .)

۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق .)

۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق .)(۸۱)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهـد وظیفه شـناس از تبـار روحانیتی بیـدار و آگاه بود که در پی اسـتقلال طلبی کشور عراق از یوغ اسـتعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق . - برای بـار دوم - آهنگ شـهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسـلامی حضور یافت و به صف مجاهـدان پیوست .

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .

۱. آیهٔ الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق .)

۲. آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق .)

۳. آیهٔ الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق .)

۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق .)

۶. آیهٔ الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق .)

۷. آیهٔ الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق .)

۸. آیهٔ الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق .)

۱۰. آیهٔ الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق ۱۴۰۵ ق .)

۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

۱۲. استاد ادیب علی خاقانی

۱۳. آیهٔ الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق .)

۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق .)

۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی

۱۶. آیهٔ الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق .)

۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی

۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی

۱۹. آیهٔ الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق .)

۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است . نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاءالرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند ۳. الرحلهٔ المدرسیهٔ یا المدرسهٔ السیارهٔ ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیث ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوارالهدی ۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسمات الهدی ۱۲. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلهٔ فی البداء ۱۵. نورالهدی ۱۶. اجوبهٔ المسائل البغدادیهٔ ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیهٔ ۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰ رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی ۵۱ رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را بـا قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام

است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .

- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.

- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .

- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)

- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .

- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .

- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیاگر بیداری

حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(۸۸)

این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(۹۰) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق .(۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاءالرحمن

الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة

الهدی الی یدن المصطفی

التوحید والتثلیت

اعاجیب الاکاذیب

انوارالهدی

البلاغ المبین

نصایح الهدی

المسیح و الانجیل

نسمات الهدی

المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر

مصباح الهدی

مسئلة فی البداء

نورالهدی

اجوبة المسائل البغدادیة

داعی الاسلام و داعی النصرانیة

رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول

رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب

رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))

رد بر کتاب ((حیاهٔ المسیح))

رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))

رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی

رساله ای در رد حسیون

بنایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی بنائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین علی بنائی در سال ۱۳۳۸ در یکی از محله‌های قدیمی خیابان انقلاب (چهارمردان) قم، در خانواده‌ای اصیل و متدین دیده به جهان گشود. وی با سپری کردن دوره ابتدایی در مدرسه شایگان، تحصیلات خود را در دبیرستان امام صادق(ع) (حکیم نظامی) ادامه داد. او که رایحه تعالی بخش و مسؤولیت ساز حوزه علمیه قم را از نزدیک استشمام کرده بود، در یکی از مدارس نظام‌مند و موفق آن روزگار (مدرسه مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی(ره)) دروس طلبگی را آغاز نمود.

دروس سطح را تا پایان مکاسب و کفایه نزد استادان بزرگوار همچون حضرات آیات: موسوی تهرانی، قدیری، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، اشتهاردی و محقق داماد(دامت تأییداتهم) و آیت‌اللّه ستوده فرا گرفت. ایشان در این مدت با چهره‌هایی چون آیت‌اللّه سید مهدی روحانی، آیت‌اللّه احمدی میانجی و آیت‌اللّه العظمی بهاءالدینی(ره) آشنا و مأنوس شد و از چشمه‌سار زلال عرفان و اخلاق آن ستارگان پرفروغ بهره گرفت. وی همچنین از درس‌های تفسیر آیت‌اللّه مشکینی و آیت‌اللّه جوادی آملی(مدّ ظلّهما) استفاده‌های فراوان و شایان برد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی(دامت برکاتهم) بهره‌مند شد.

بندار شیرازی، ابوالحسین، ابوالحسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۵۳ ق)، صوفی و عـالم به اصول. در ارجـان فـارس به دنیـا آمـد در عرفـان و تصوف شاگرد شـبلی بود. وی اسـتاد و معارض ابن‌خفیف بوده است و خادم ابوالحسن اشـعری مؤسـس مذهب اشعری. او تصوف را در وفای به عهد می‌دانست، و آن در نظر بندار بـدان معنی نبود که آنچه بر زبـان می‌آورد، بـدان عمل کنـد؛ بلکه وی معتقـد بود که آنچه بر دل می‌گـذرد، بایـد به مرحله‌ی عمل درآورد. اثر وی: «تفسیر بندار» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان شـیراز (۱۳۴ -۱۳۳)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۸۱)، حلیهٔالاولیاء (۳۸۵ -۳۸۴ / ۱۰)، سیرالنبلاء (۱۰۹ ،۱۰۸ /۱۶)، شرح شطحیات (۴۲)، طبقات الصوفیه سلمی (۴۷۰ -۴۶۷)، طبقات الصوفیه هروی (۵۰۴ -۵۰۱).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵/۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی، مجتهـد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرسـتانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشـهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصـرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سـپس به اصفهان و مجددا به مشـهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان جا درگذشت. اثر وی: «حاشـیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۰۸ -۲۰۷ /۶)، روضات الجنات (۹۶/۲)، ریحانه (۳۹۹/۳)، طبقات اعلام الشـیعه (قرن ۷۰۸ -۷۰۷ /۱۳)، الکنی والالقاب (۱۱۰/۲)، مرآت‌الاحوال (۱۶۹ -۱۶۸).

بهبهانی، وحید

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ‌الفقهاء والمجتهدین قطب العلماء والمحققین آیت‌اللّه العظمی فی العالمین العلامهٔ الکبری و استاد الاکبر آقا محمدباقر بن العلامهٔ محمد اکمل معروف به آقا و مشهور به (وحید) بهبهانی چنانچه در (فوائد البهبهانیه) مخطوط خود در سال ۱۳۶۹ ق گفتم.

و ان من مدائن الایران

به قرب بحر الفرس بهبهانی

قد قام منها علماء الاهل

کآیهٔ اللّه (وحید) الفحل

مجددالدین بعون الاکبر

فی مأة الثانیة والعشر

آن بزرگوار را مجدد دین در قرن دوازدهم گفته‌اند چنانچه آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدحسن شیرازی مجدد قرن سیزدهم بوده است.

ترجمه و شرح زندگانی آن بزرگوار و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی است و بحمداللّه والمنه این کار را یکی از فضلاء بنام جناب حجةالاسلام و خطیب و نویسنده عالیمقام آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب (تألیفات عدیده که ترجمه‌اش در ج ۲ ص ۳۶۱ گذشت انجام داده و کتاب نسبتاً بزرگی بنام (وحید بهبهانی) تألیف و طبع و نشر نموده‌اند).

و اجمالاـ ولادت آن بزرگوار در سال ۱۱۱۷ و یا ۱۱۱۸ در اصفهان واقع شده و در سال ۱۲۰۵ ق در سن نود سالگی تقریباً از دنیا رفت و در رواق شریف حسینی قسمت پائین مبارک متصل به حرم مطهر مدفون و دارای صندوق بزرگیست که مورد توجه دانشمندان می‌باشد. و یکی از شعراء آن عصر بنام (شهاب) در رثاء وی که بر قبرش نوشته گفته است.

ندانم باز این شور و مصیبت چیست در عالم

که افغان خلایق از ثری تا بر ثریا رفت

همانا ماتم سر خیل اهل اجتهاد است این

که اهل علم را طاقت ز دل و ز جا شکیبا رفت

جهان فضل و علم آقا محمد با قرآن کاخر

جهان را در عزایش خون ز چشم اشک بالا رفت

هزار افسوس از آن مهر سپهر دانش و عرفان

که سوی مغرب ظلمت چو مهر عالم آرا رفت

غرض آن (باقر) علم و سمی قبله پنجم

شهاب از دار دنیا چون به سوی ملک عقبا رفت

جناب اکبر اولاد امجادش

که یا رب هم عدد اسم شریف او ز اسما رفت

ز کلک فطرت خود در وفات والد ماجد

بلوح دل رقم زد (باقر علمی ز دنیا رفت)

(تو ۱۱۱۸ –۱۱۱۶ وف ۱۲۰۸ –۱۲۰۵ ق)، عالم و فقیه امامی. وی به وحید بهبهانی، آقای بهبهانی، استاد اکبر، معلم البشر و علامه‌ی ثانی و محقق بهبهانی معروف است. در خانواده‌ای مذهبی و دانشمند در اصفهان به دنیا آمد. او از نوادگان دختری مجلسی اول است. مادرش دختر آقا نورالدین، فرزند ملا محمد صالح مازندرانی، است و جده پدری مادرش آمنه بیگم، دختر مجلسی اول است، و لذا محقق بهبهانی از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به دایی تعبیر می‌کند. پدرش از عالم بزرگ زمان خود و از شاگردان محقق شروانی و علامه‌ی مجلسی و شیخ جعفر قاضی و آقا جمال خوانساری و سیدصدرالدین رضوی قمی و شیخ جعفر کمره‌ای بروجردی بود. آقا محمدباقر با جدیت تمام به تحصیل علوم پرداخت، تا آنکه سرآمد معصران خویش شد. از استادانش فقط نام پدرش ذکر شده است. وی به همراه پدر از اصفهان به بهبهان رفت و مدتی در آنجا زندگی کرد، سپس راهی عتبات شد و در کربلا سکنی گزید. و تا پایان عمر در آنجا زیست و همان جا درگذشت و در رواق مطهر حضرت سیدالشهداء دفن شد. وحید بهبهانی مجدد مکتب اجتهاد، فقه و اصول شیعه بود و به همین جهت او را استاد اکبر و استاد اساتید فقهای شیعه در دویست سال اخیر دانسته‌اند. عده‌ی زیادی از شیوخ و بزرگان فقهای شیعه از شاگردان او بودند، از جمله: سیدمهدی بحرالعلوم، سیدعلی

طباطبایی، صاحب «ریاض»، میرزا مهدی شهرستانی، ملا محمد مهدی نراقی، حاجی ابراهیم کلباسی، میرزا مهدی خراسانی، شیخ ابوعلی حایری و سیداحمد طالقانی. محقق بهبهانی حدود شصت کتاب تصنیف کرد که برخی از آنها عبارتند از: «شرح المفاتیح»؛ «الاجتهاد والاخبار»، در رد اخباریان؛ «اثبات التحسین والتقبیح العقلیین»؛ «احکام‌العقود»؛ «اصالهٔ البراءهٔ»؛ «الاستحصاب»؛ « مصابیح الظلام»، «تعلیقات علی منهج المقال»؛ «ابطال القیاس»؛ «آداب التجارهٔ»؛ رساله‌ای در «الجبر والاختیار»؛ «الفوائد الحائریهٔ»، در فقه؛ «شرح الوافی»؛ حاشیه بر «شرح الارشاد» محقق اردبیلی؛ حاشیه بر «تهذیب»؛ حاشیه بر «شرح القواعد»؛ حاشیه بر «مسالک»؛ حاشیه بر «مدارک»؛ حاشیه بر «معالم الاصول». گویند که بیست مرتبه «المعالم» را درس گفت و در هر مرتبه یک حاشیه جدید بر آن نگاشت.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۷۳ / ۶)، اعیان‌الشیعه (۱۸۲ / ۹) تاریخ بروجرد (۴۱۹، ۲۱۷، ۲۱۱، ۲۰۶، ۲۰۱، ۱۷۶، ۱۱۶ / ۲)، تذکرهٔالقبور (۱۲)، الذریعه (۱۰۳/ ۱۸، ۱۶۵، ۷۵/ ۱۴، ۲۵۴/ ۷، ۲۲۹، ۲۱۳، ۲۰۵/ ۶، ۲۲۳/ ۴، ۳۰۰، ۲۷۰، ۲۶۹، ۸۶، ۷۰/ ۱)، روضات الجنات (۹۶ -۹۱/ ۲)، ریحانه (۵۲ -۵۱/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۴/ ۱۲، قرن ۱۷۴ -۱۷۱/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۰۸ -۴۰۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۶۴ -۳۶۳)، الکنی والالقاب (۱۱۰ -۱۰۹ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹ -۱۷ / ۲)، معجم‌المؤلفین (۹۰ / ۹)، مکارم‌الآثار (۲۳۵ -۲۲۰/ ۲)، موادالتواریخ (۲۱۷)، هدیهٔالاحباب (۱۱۰، ۱۰۰)، هدیهٔالعارفین (۳۵۱ -۳۵۰/ ۲).

بهجت، محمدتقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.

بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق

امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :

تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.

در سال ۱۳۵۲ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک وعرفان :

آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلك شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن ۱۸ سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...

خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارك رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.

به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»

یکی دیگر از شاگردان آقا (حجّهٔ الاسلام و المسلمین آقای تهرانی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:

« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. » فلسفه :

آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :

با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.

آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می

گوید:

« بعد از مرجعیت منزل آایت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً ـ قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »

تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً ـ استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان

چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. » تدریس :

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :

حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کردەام. » جایگاه علمی :

گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:

از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.

یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »

مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »

مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »

آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می

دادنـد جواب کـافی وشافی، و چون از خواب بر می خاسـتند و از قضایا و پرسشـهای در حال خواب با ایشان سـخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »

آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »

حجهٔ السلام و المسلمین امجد می گوید:

« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که بایـد مجتهدین پای درسـشان باشـند تا نکته بگیرند و بفهمنـد، و حق این است که درس خارج را بایـد امثال آیت الله بهجت بگوینـد نه آنهایی که به نقل اقوال بسـنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :

آیت الله مصباح می گوید:

« اولین چیزی که مـا را جـذب کرد آن جـاذبه معنوی و روحـانی ایشـان بود. ولی تـدریجاً متوجه شـدیم که ایشـان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومـات ایشـان بهره ای ببریم، و هم بهـانه ای باشـد که هر روز خـدمت ایشان برسـیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خـدمت ایشان شـروع کردیم، ابتـدا در یکی از حجرات مـدرسه فیضـیه چنـد نفر از دوستان شـرکت می کردنـد، و بعـد از گـذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مـدرسه خان (مـدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خـدمت ایشان درس داشتیم، و بعـدها که ضـعف مزاج ایشان بیشتر شـد از آن به بعـد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خـدمت ایشـان خوانـدیم، و بعـد یـک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حـدود ۱۵ سـال ادامه پیـدا کرد. مـا در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهیـد بزرگوار اسـتاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشـتند. آیت الله محمـد حسـین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شـهید مطهری دربـاره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سـفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شـرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنـده در درس فقـه خـارج خیـارات آیـت الله العظمی شـیخ مرتضـی حـائری شـرکت می کردم. ایشـان اواخر عمر مریض بودنـد و درسـشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟

فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شـما که جوان هستیـد من یک ضابطه ای را در اختیار شـما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شـرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکننـد، بلکه اقوال را بررسـی کرده و نکـاتی را در درس بیـان کننـد که در فعلیت رسانـدن ملکه اجتهاد خیلی سودمنـد باشـد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همـان جـا به ایشـان عرض کردم: جنـاب عـالی کسـی را با اسم برای ما معرفی بفرماییـد. فرمودنـد: « من از اسم بردن معـذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شـرکت می کنم. ایشـان اظهـار رضایت نمود و تبسم کردنـد و فرمودنـد: « درس ایشـان از نظر دقت و محتـوا همین قاعـده و ضـابطه ای را که به شـما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشـان شـرکت می کنیـد. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حجّ

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاهٔ

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوهٔ

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریبا "به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلّدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوهٔ » به ترتیب مباحث

« جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوهٔ

همچنین ایشان در تألیف سفینهٔ البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینهٔ البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمدهادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بهرام نسب، محمد سهیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سهیل بهرام نسب

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد سهیل بهرام نسب پس از گذراندن دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۶ شمسی وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۸۴ مدرک سطح ۱ (کاردانی) را اخذ کردم . کارهای تحقیقی و پژوهشی را از سال ۱۳۸۲ به صورت شرکت در مسابقات مقاله نویسی آغاز کردم و حائز رتبه هایی شدم در سال ۸۳ یک پروژه تحقیقی را با عنوان «مسجد قبا نخستین بنیان تقوی» از مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما مرکز قم ، به دست گرفته و به پایان رساندم که در پایان به عنوان کتاب از چاپ خارج شد . علاوه بر این آثار حدود هشت مقاله در موضوعات مختلف دینی در مجلات به چاپ رساندم که از آن جمله است ، معرفی فرهنگ رجالی «الموسوعهٔ الرجالیهٔالمیسرهٔ» و «تقیه در فرهنگ شیعه» ، (ترجمه قسمتی از کتاب مع شیعهٔالامامیهٔ فی اعتقادهم) تالیف آیت الله جعفر سبحانی (دام ظله) ؛ اکنون نیز به طور پراکنده ، به نوشتن مقالات در موضوعات مورد علاقه ام مشغولم.

بهرمن، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر بهرمن

زندگینامه علمی

با تکمیل دروس ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۶۰با ورود به حوزه علمیه اصفهان به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. سالهای اولیه دوره مقدمات را که عمدتاً آشنائی با ادبیات عرب چون صرف و نحو و معانی بیان و لغت و منطق بود به پایان رساندم و با شروع دوره سطح به تدریس علوم مقدماتی مشغول گشتم در کنار آشنایی با کتب فقه و اصول، همچون شرح لمعه و رسائل و مکاسب؛ کتب کلامی همچون باب حادی عشر و شرح تجرید الاعتقاد و نیز کتب فلسفه همچون بدایه و نهایه و شرح منظومه و قسمتی از اسفار و قسمتی از اشارات ابن سینا را فرا گرفتم سال ۱۳۶۹با هجرت به شهر مقدس قم و تکمیل دروس سطح وارد مرحله درس خارج فقه و اصول شدم و تا امسال حدود ۱۳سال است که درس خارج را ادامه می دهم .

از سال ۱۳۷۷تا کنون مدت ۹سال است که دوره اول و دوم تخصصی فقه واصول را در موسسه بقیه الله (عج)سپری می نمودم، در کنار فقه و اصول بحث های تفسیری نیز شرکت می نمودم. در طول مدت تحصیل به تدریس ادبیات منطق و فلسفه و فقه و اصول نیز اشتغال داشتم و عمده آثار قلمی اینجانب مربوط به رساله ها یی است که در طول مدت تحصیل در موسسه تحقیقاتی آموزشی بقیه الله(عج) به نگارش درآمده است.

بهشتی مقدم، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا بهشتی مقدم

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۲ همزمان با ورود به دانشگاه اصفهان در رشته فیزیک کاربردی به حوزه علمیه اصفهان وارد شده با جدیت مشغول تحصیل دروس مقدمات گشتم، بعد از انصراف از تحصیل در دانشگاه، با جدیت بیشتری دروس را ادامه داده، بطوری که در سال دوم، تدریس دروس ادبیات مربوط به سال اول را مشغول شدم و به پایان رساندم. همزمان با لمعه، دروس مکاسب را و همزمان با رسائل شیخ کفایه را و با اتمام لمعه و رسائل، در ادامه مکاسب و کفایه را با دروس خارج حضرت استاد آیت الله العظمی آقا شیخ حسین مظاهری ادامه دادم و این در حالی بود که سال چهارم حوزه بودم. دروس خارج را با لغت عرب می‌نگاشتم و جدیتم در دروس و ارائه مطالب نو (و یا در قالبی نو) چشمگیر بود.

نهایتاً سال ۷۶ به علت مشکلاتی که از طرفی بعضی از اقران و هم صنفی‌ها (روحانیت) بر اینجانب وارد شده بود به حوزه قم منتقل شده و تا سال ۷۹ امتحانات دروس سطح را به پایان بردم (به طوری که هر دو سال را در یک سال آزمون داده‌ام). سال ۷۹ موضوع پایان‌نامه‌ام را «مباحث الفنیهٔ فی فقه الاملیهٔ» قرار دادم که متن طرح پایان نامه خدمت مرحوم استاد راهنمایم حضرت آیت الله محمد هادی معرفت(قدس سره) وقتی ارائه نمودم بسیار بسیار تحسین و ترغیب نمودند، لیکن از طرف دیگر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا جواد تبریزی بنده را به ادامه دادن دروس خارج بدون توجه به برنامه شورای مدیریت سفارش نموده و مرا از ارائه پایان‌نامه که قسمت عمده کارهای آن صورت گرفته بود، بازداشتند. فی الحال اخذ مجوز تدریس دروس معارف اسلامی (مبانی نظری) از نهاد نمایندگی نموده و مشغول به تدریس در دانشگاهها می‌باشم. نیز مایل به تدریس در حوزه مقدس به صورت متمرکز و از تدریس مهم‌تر تحقیق در مباحث تفسیری و فقهی و اصولی و دیگر مباحث جهت خدمت به حوزه مقدسه و انقلاب می‌باشم.

بهشتی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم بهشتی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در حدود سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیّه حاج فتحعلی بیک دامغان وارد شده و بعد از دو سال به حوزه علمیّه قم آمدم و در مدرسه علمیّه آیت الله گلپایگانی به تحصیل خود ادامه دادم و پس از پایان سطح و چند سالی درس خارج فقه و اصول به شهر دماوند رفتم و مدّت چهار سال در آن شهر در مدرسه علمیّه امام صادق علیه السلام مشغول تدریس بودم و سپس به قم آمدم و در قم هم مشغول تحصیل و هم تحقیق بودم.

بهشتی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابولفضل بهشتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابولفضل بهشتی فرزند جعفر به سال ۱۳۳۹ شمسی در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد گردیده، پس از گذراندن تحصیلات عمومی (سطح دیپلم) با پیوستن به حوزه علمیه در دوره سطح از اساتیدی چون حضرت آقایان: ستوده، اعتمادی، پایانی، انصاری شیرازی استفاده برده و سالها نیز در دوره های خارج فقه اصول، فلسفه از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، حسن زاده آملی و.... بهره گرفتم و پس از پیروزی انقلاب همکاری فعال علمی و فرهنگی با نهادها و مراکز فرهنگی و تبلیغی و انتشاراتی داشته و از بدو تأسیس دفتر تبلیغات اسلامی در بخش های مختلف آن بویژه برنامه ریزی و نظارت و پژوهش فعالیت داشته ام و هم اینک نیز ادامه دارد. و همزمان به تهیه و تألیف آثاری در قالب مقاله و کتاب و انجام سفرهای تبلیغی همت گماشته‌ام. و در حال حاضر نیز در درس خارج شرکت فعال دارم.

بیات، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود بیات

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود بیات در حـدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه شهرستان نیشابور و تقریباً بعد از ۳ سال در حوزه مشـهد به مدت دو سال و سپس راهی قم شـده و تـاکنون مشـغول بوده‌ام . در سال ۶۳ ـ ۱۳۶۲ به مـدت یـک سال تمام از طرف حوزه علمیه قم برای تـدریس ادبیـات به شهرسـتان میناب رفتم . در سال ۸۱ ـ ۸۲ به مـدت یـک سـال در دانشـکده علوم قرآنی تـدریس قرآن و علوم مربوطه به مقدمات قرآن از قبیل ادبیات بوده‌ام و در خلال تحصیل مقداری هم تدریس داشته‌ام .

در ضـمن به مـدت سه سال از طرف معاونت تهذیب در مدرسه شـهید صدوقی واقع در بلوار صدوق به امر تهذیب مشـغول بوده‌ام و در مـدارس امام صادق و بقیـهٔ الله واقع در حاجی‌آباد یک سال تحصـیلی تقریباً تـدریس تجوید و صـرف داشـته‌ام . اکنون پایان‌نامه سطح چهار را تحویل داده‌ام و مقدمات دفاع انشاء الله فراهم می گردد . نیز در دانشـگاه علامه طباطبایی تهران مشغول تدریس تفسیر موضوعی هفته‌ای یک روز در هفته می‌باشم.

بیهقی خسروجردی، ابوبکر احمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۸ /۴۵۴ –۳۸۴ ق)، فقیه شافعی، حافظ، محدث، مفسـر و متکلم اصولی. ملقب به فخرالزمان. در خسـروجرد بیهق متولد شد، و در همان جا نشو و نما یافت. وی به بغـداد و کوفه و مکه سـفر کرد و در نیشابور رحل اقامت افکنـد، در همان جا درگذشت و در بیهق دفن شد. ابوبکر در علوم گوناگون دارای دستی توانا بود. امام الحرمین گوید که: شافعی بر گردن تمام شافعیان حق دارد جز بیهقی، و این بیهقی است که با کثرت تصـنیفاتش در حمایت مـذهب شافعی بر او منت دارد. ذهبی گوید که اگر بیهقی می‌خواست قادر به تأسیس مذهب جدید بود. بیهقی از شاگردان ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابوالفتح ناصر مروزی و ابن فورک و ابو علی رودباری و عبدالله بن یوسف بن نامویه است. شیخ الاسلام ابو علی انصاری و ابو عبدالله فزاری و ابوالقاسم سحامی و ابوالمعالی محمد فارسی از شـاگردان وی بوده‌انـد. به خـاطر گستردگی دانش و معرفتش به اختلاـف، در حـدود یکهزار ساله تصـنیف کرد. از جمله‌ی آثار او: «السـنن کبیر»، ده مجلـد و «السـنن صـغیر»، دو مجلـد، در حدیث؛ «دلایل النبوهٔ»، در سه مجلد؛ «الجامع المصـنف فی شـعب الایمان»؛ «المبسوط فی نصوص الشافعی»، در ده مجلد؛ «الاسماء و الصفات»؛ «المعارف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۱۳/۱)، اعیان الشیعه (۵۶۹ –۵۶۸ /۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۷۴/۱)، دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ (۴۳۰ –۴۲۹ /۴)، روضات الجنات (۲۶۴ –۲۶۰ /۱)، ریحانه (۳۰۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۹۳/۱)، سیرالنبلاء (۱۷۰ –۱۶۳ /۱۸)، الکامل (۱۰۴/۸)، کشف الظنون (۲۰۵۱ ،۱۹۵۷، ۱۸۳۶، ۱۷۳۹، ۱۷۲۶، ۱۶۲۱، ۱۵۸۲، ۱۴۵۵، ۱۳۹۳، ۱۳۹۱، ۱۰۴۷، ۱۰۰۷، ۷۶۰، ۷۲۱، ۵۷۴، ۴۰۰، ۲۶۱، ۱۷۵، ۵۳، ۹)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد بن حسین)، معجم البلدان (۴۲۴/۲)، معجم المؤلفین (۲۰۷ –۲۰۶ /۱)، الوافی بالوفیات (۳۵۴/۶)،

وفیات الاعیان (۷۶ -۷۵ /۱)، هدیهٔ العارفین (۷۸/۱).

پارسا، داوود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

داوود پارسا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوران دبیرستان و گذراندن دوره های زبان انگلیسی در موسسه شکوه تهران در سال ۱۳۵۵ و با قبولی در امتحانات کنکور و ورود به مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی در رشته برق عزم داشتم رشته ام را در دانشگاه پلی تکنیك (امیر کبیر فعلی) ادامه دهم که در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی رخ داد و تمامی دانشگاههای کشور تعطیل گشت.

در سال ۱۳۵۷ در کمیته امداد امام خمینی (ره) در قسمت تحقیق خانواده شهدا همکاری داشتم و در سال ۱۳۵۸ وارد آموزش و پرورش شدم و چندین سال در رشته دینی و زبان انگلیسی به تدریس مشغول شده و بعنوان مدیر مدرسه و همکاری با معاونت منطقه ۱۴ تهران مسئولیت پذیرفتم. از سال ۱۳۵۲ به بعد گرایش بیشتری به مسائل مذهبی و علاقه به مطالعه کتب دینی پیدا کردم و با حضور در مجالس سخنرانی آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی و مجتبی تهرانی و نوری و عبید زنجانی که هر کدام جلسات جداگانه ای در تهران داشتند بهره مند شدم.

در ابتدای انقلاب اسلامی با استاد علی صفایی حائری آشنا شدم که حاصل این آشنایی بینش جدیدی بود که نسبت به مذهب و دین در من ایجاد شد و با عمق بیشتری مسائل دینی را دنبال کردم و موجب ورود من به حوزه علمیه مجتهدی تهران در سال ۱۳۶۱ و سپس هجرت به قم در سال ۱۳۶۲ و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم گردید.

ادبیات را نزد اساتید : علوی طالقانی، مدرس افغانی، عرفان و اصول و فقه را نزد اساتید: فاضل ، محمدی ، محامی، محفوظی، موسوی تهرانی، پایانی، و آشیخ علی پناه و دروس خارج را نزد آیات عظام : وحید خراسانی، فاضل ، آشیخ جواد تبریزی ، مکارم شیرازی و علی صفایی حائری تلمذ نمودم. و چندین سال هم از محضر درس تفسیر آیهٔالله جوادی آملی بهره مند شدم. در طول دوران تحصیلات حوزوی کار تحقیق با گروهی از دوستان در موضوعات: تاریخ، عرفان، تعلیم وتربیت و روانشناسی و تفسیر را دنبال کردم.

از سال ۱۳۶۹ به بعد در دو مقطع تدریس و تبلیغ علوم اسلامی در دانشگاههای تهران و امیر کبیر و علم و صنعت و شریف و علامه و شیهد بهشتی و خواجه نصیر الدین و شیهد مدرس و علوم پزشکی و دانشگاه قم و در استانها دانشگاه بوشهر و شیراز و قزوین پرداختم و چندین بار بعنوان مبلغ و استاد نمونه از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها انتخاب شدم. و همچنین در مدرسه امام خمینی(ره) و حوزه خواهران و دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم به تدریس دروس حوزوی پرداختم.

پاشایی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی پاشایی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد تقی پاشایی در فروردین سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در شهر مقدس مشهد متولد گردید. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید. ایشان در سال ۵۸ جهت تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه اشتهارد شد و بعد از شش ماه در مدرسه علمیه برهان شهری ادامه تحصیل داد و از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه مقدسه قم مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق می باشد.

پاک نیا، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالکریم پاک نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

او در سال ۱۳۴۱ در شهر تبریز به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۴ بعد از اتمام تحصیلات دوره ابتدایی دروس جدید،وارد حوزه علمیه شد.پدرش حاج اسماعیل یکی از معماران متدین و عالم پرور آن شهر بود. عبد الکریم دروس مقدماتی حوزه و ادبیات عرب را،از اساتید آن زمان در مدارس علمیه طالبیه،صادقیه،حسن پادشاه و حاج صفر علی،فرا گرفت.با شتاب گرفتن انقلاب اسلامی ایران،در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در کنار دیگر طلاب درس را تعطیل،و همراه سایر اقشار مختلف جامعه به جمع انقلابیون پیوست.بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به تحصیل ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۹ برای تکمیل تحصیلات خود در عرصهٔ علوم اسلامی،به شهر مقدس قم هجرت کرد.کتاب های مطوّل،حاشیه ملا عبد الله،شرح باب حادی عشر را نزد شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید

هاشم خوئی و شرح لمعه را در نزد شیخ علی پناه اشتهاردی و شیخ کریم ملاّئی تبریزی خواند.
درس تفسیر قرآن را از آیات عظام دکتر صادقی طهرانی و جواد آملی و دروس سطح عالی فقه و اصول را از بزرگانی همچون آقایان شیخ احمد پایانی،شیخ مصطفی اعتمادی،آقا سید رسول طهرانی و منطق و حکمت را نیز از آیت الله شیخ یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسن مجد آموخت. درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات شیخ جواد تبریزی،شیخ حسین وحید خراسانی،شیخ حسین نوری،سید موسی زنجانی،شیخ مسلم ملکوتی و شیخ جعفر سبحانی بهره مند گردید. در کنار تحصیل از سال ۱۳۷۱ به تدریس ادبیات،معانی و بیان ، منطق ، فلسفه مقدماتی،فقه و اصول و سایر دروس سطوح عالی پرداخت.همچنین از سال ۱۳۶۶ تاکنون در عرصه تبلیغ به مناسب های مختلف در ۱۵ استان کشور به فعالیت های تبلیغی و خدمات در این وادی اشتغال داشته است.بالاخره در کنار این اشتغالات عمده ترین وقت خود را در عرصه پژوهش های علمی و تحقیقی در موضوعات مختلف دینی،تاریخی،تربیتی و اخلاقی- که بیشترین علاقه را داشت- صرف نمود.در این راستا،از رهنمودها و تشویق های استاد محمود مهدی پور بهره برد. حاصل تلاش های وی در قالب کتاب و مقاله،توسط ناشرین مختلف و یا در مطبوعات و رسانه های سراسری چاپ و منتشر شده است.مهمترین موضوعات این آثار عبارتند از:سیره و سخن پیشوایان معصوم(ع)،مناسبت های مذهبی،شرح حال شخصیت های تاثیر گذار در جهان اسلام،اندیشه های اهل بیت(ع) در مسائل اخلاقی ، عقیدتی ، تربیتی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی،مقالات قرآنی ، یاران اهل بیت(ع) و غیره.

پاینده، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر پاینده

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر مشهور به پاینده فرزند حسنعلی پس از گذراندن دروس مکتبی در سال۱۳۴۴ به حوزه علمیه الحجه در نجف آباد وارد شدم و در مدت یک سال و نیم دروس مقدمات و سیوطی و مغنی و منطق را نزد مرحوم حاج شیخ غلام حسین منصور و مرحوم حاج آقا محمود مدرس و دیگر اساتید گذراندم . این مدرسه در آن زمان تحت نظر مرحوم حاج شیخ عباس ایزدی بود و بعضی دروس را شخص ایشان عهده دار بودند. پائیز سال ۱۳۴۶ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه حاج ملا صادق در چهار مردان که تحت نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی بود، دروس معالم و مختصر و حاشیه و منطق و ... را نزد آقایان امینی و حاج حسن آقا تهرانی و آدینه وند خواندم و در سال تحصیلی ۱۳۴۷ به مدرسه حقانی تحت مدیریت مرحوم شهید قدوسی وارد شده و دنباله درس معالم و مختصر را نزد آیات : جنتی و خزعلی خوانده و دروس سطح عالی را به ترتیب نزد این آقایان گذراندم؛ حضرات آیات: مرحوم حرم پناهی و آیت الله محمدی گیلانی، درس لمعه آیت الله مومن قمی، درس اصول فقه آیت الله آذری قمی ،درس

رسائل شیخ مرحوم آیت الله احمدی میانجی ،درس مکاسب آیت الله یوسف صانعی، درس کفایه آیت الله جوادی آملی، درس بدایهٔ الحکمه آیت الله حسن زاده آملی، درس هیئت و کلیله و دمنه آیت الله دکتر احمد بهشتی، درس انشاء و نویسندگی آیت الله شهید قدوسی ،درس اخلاق و عروهٔ الوثقی آیت الله شهید مفتح و آیت الله انصاری شیرازی ،درس منظومه منطق آیت الله مصباح یزدی ،ضمناً دروس متفرقه دیگری هم مثل مکالمه عربی ، تجوید قرآن و معلومات عمومی تا حد دیپلم در زمینه طبیعی، زبان انگلیسی و تشریح کالبد بدن انسان وجود داشت که از دبیران فرهنگی استفاده می شد. نزدیک پنج سال دروس یاد شده در مدرسه حقانی گذرانده شد و از سال ۵۲ که اوج اختناق در زمان شاه بود ، بنده از مدرسه حقانی به مدرسه خان و حجتیه آمدم و سه سال تحت تعقیب ساواک شاه قرار گرفتم و همواره در مسافرت و متواری بودم .سال ۵۵ و ۵۶ در خارج کشور (سوریه و لبنان و کویت و ...) به سر میبردم و بیشتر اعلامیه های امام را در بین ایرانیان زائر و زوار حج پخش می کردم (با جمعی از دوستان).در این پنج سال از نظر دروس حوزه وقفه ای ایجاد شد.

اساتید دروس خارج یا عالی از سال ۱۳۶۰ : درس اسفار اربعه تا آخر نزد آیت الله جوادی آملی ،قسمتی از اشارات نزد آیت الله حسن زاده آملی،عرفان نظری درس فصوص قیصری نزد آیت الله حسن زاده آملی ،درس تمهید القواعد نزد آیت الله جوادی آملی،درس خارج اصول نزد آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله صانعی ،درس خارج فقه زکات و مکاسب محرمه و ولایت فقیه نزد آیت الله منتظری ،درس خارج قسمتی از طهارت و صلوهٔ نزد آیت الله تبریزی ،نوارهای درسی برهان شفا از استاد مصباح یزدی.

پرور، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل پرور

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم ریاضی ، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیل علوم حوزوی را نزد برخی از اساتید این شهر آغاز کردم . از سال ۱۳۷۵ توفیق شرکت در دروس خارج حضرت آیت الله جوادی آملی را یافتم و پاره ای از ابواب فقهی و معارف تفسیری را از این استاد فرزانه فرا گرفتم . همزمان با تحصیل علوم فقه و اصول ، به پژوهش در مباحث عقلی پرداختم و در سلسله جلسات پژوهشی مرحوم حجت الاسلام سید منیرالدین حسینی شیرازی - بنیانگذار فرهنگستان علوم اسلامی- شرکت کردم و از نزدیک با اندیشه های ایشان در زمینه ضرورت تدوین و طراحی علوم اسلامی و لزوم دست یابی به مدل اداره جامعه بر پایه احکام دین آشنا شدم و در این میان با برخی از مراکز پژوهشی دیگر مانند مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز همکاری خود را آغاز نموده و چند کتاب و مقاله به رشته تحریر درآوردم .

پریمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی پریمی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم وسال۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال ۱۳۸۰تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پزشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پزشکی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

پور طباطبایی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجید پور طباطبائی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در مورخه یکم شهریور ماه ۱۳۳۶ در تهران متولد شدم، سه سال اول ابتدایی را در قم خواندم از تابستان ۱۳۴۵ به تهران منتقل شدم.دیپلم ریاضی خود را در سال ۱۳۵۴ از دبیرستان محمد علی فروغی تهران دریافت کردم. از سال ۱۳۵۰ مشغول آموختن زبان انگلیسی در مؤسسات انگلیسی شکوه، ملی زبان، انجمن ایران و آمریکا (کانون زبان فعلی) بودم. در همان سال در کنکور سراسر در رشته زبان انگلیسی مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی پذیرفته شدم. تحصیل در دورهٔ کارشناسی مدت سیزده سال طول کشید و در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. علاقه به ادبیات و سینما از سال ۱۳۴۹ به واسطه آشنایی و رفاقت با یکی از اقوام (که دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تهران بود) در اینجانب شکل گرفت. (این علاقه منجر به تسلّط نسبی به ادبیات و سینمای قبل از انقلاب ایران و جهان شد که البته با هدایت و راهنمایی‌های مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری(ره) (مشهور به عین – صاد) شکل و سمت و سوی مناسب شد.

در سال ۱۳۵۷ (اردیبهشت ماه) به خاطر شرکت در فعالیت های سیاسی به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دانشگاه باز گشتم.از اواخر سال ۵۹ با آشنایی با مرحوم آیت الله رحمانی خلیلی که به تازگی از نجف به تهران آمده بود علاقمند به آموختن دروس حوزوی گشتم، البته این علاقه بیشتر ریشه در آشنایی با مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری که در اواخر سال ۱۳۵۵ در منزل یکی از اقوام که از مکه آمده بود شروع شده بود.از مهر ماه ۱۳۶۰ به طور رسمی از تهران به قم منتقل شدم تا برای آموزش حوزوی خود شکل مناسب و مفیدی فراهم کنم. با توجه به سن (حدود ۲۴ سال) و تلاش برخی از فضلای حوزه دروس ادبیات را تا پایان سال تحصیلی ۱۳۶۱ به پایان بردم.تیر ماه ۶۱ با زمزمه بازگشایی دانشگاه‌ها به تهران باز گشتم ولی دروس حوزوی را رها نکردم و به طور خصوصی از محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین مرحوم شیخ مجتبی عاملی زید عزه متوفای فروردین ۱۳۸۵ در محله سرچشمه تهران دروس معالم و کتابهای اولیه شرح لمعه استفاده کردم.

در اواخر سال ۱۳۶۱ با تشکیل پرونده رسمی در حوزه علمیه قم تصمیم به اقامت دائمی در قم گرفتم و از همین رو از شهریور ۶۲ ادامهٔ دروس سطح را پی گرفتم. اصول فقه مظفر را از استاد فقیهی استفاده کردم، و کتابهای مختلف (لمعه) را از بزرگانی چون مرحوم پایانی، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حجه الاسلام محامی (زید عزه) فرا گرفتم. پس از آن فراگیری مکاسب محرمه و رسائل را به طور همزمان از محضر اساتیدی چون حجهٔ الاسلام اعتمادی، موسوی تهرانی(زید عزه) آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری آغاز کردم. پس از اتمام رسائل، کفایه جلد یک را از محضر آیت الله صفایی حایری و جلد دوم را از محضر حجه الاسلام موسوی تهرانی استفاده کردم. بیع و خیارات را هم از محضر مرحوم صفایی حایری بهره بردم.در سال ۱۳۶۹ موفق به پایان دوره سطح و گذراندن امتحانات شفاهی پایه دهم شدم. درس خارج خود را به منظور فراگیری رجال، با همراهی چند تن از فضلا با حضور در درس خارج (حج) حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی شب ها یک ساعت پس از نماز مغرب و عشاء در منزل ایشان آغاز کردم. (در آن تاریخ سال هشتم درس حج ایشان بود که با حضور حدود ۱۲ تن ادامه می یافت). همزمان در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت می‌کردم. پس از دوسال درس خارج فقه خود را در محضر آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی و خارج اصول را در محضر آیت الله مومن ادامه دادم.

در همان سال‌ها حضرت آیت الله مومن مسائل مستحدثه را در روزهای جمعه در منزل خود با حضور ۷ الی ۸ نفر پی‌می‌گرفتند که

اینجانب نیز در آن حلقه شرکت می‌کردم. در طول این مدت (از سال ۶۹ تا ۷۸) جمعی از فضلا به صورت موضوعی بر روی برخی عناوین فقهی کار دسته جمعی انجام می‌دادند و وقتی در هر موضوع جزئی به نتایجی دست می‌یافتند، حاصل مطالعه خود را به عرض مرحوم آیت الله حاج شیخ علی صفایی حایری می‌رساندند و ایشان نتیجه بررسی‌های آنان را مورد نقد و ارزیابی قرار داده و نواقص کار آنان را گوشزد و سمت و سو می‌داد. افتخار همراهی دوستان در این محفل را نیز داشتم.از سال ۱۳۶۴ به دلیل آن که دروس متداول حوزوی عطش اینجانب و جمعی از دوستان که همگی دروس دانشگاهی را نیمه تمام گذارده و به حوزه آمده بودیم،را پاسخ نمی گفت با هدایت مرحوم آیت الله صفایی حایری به بررسی مطالعه عرفان و فلسفه پرداختیم این سیر مطالعاتی حدود ۳ سال طول کشید که برای اینجانب حاصلی به عنوان بررسی فلسفهٔ افلاطونی و تأثیر آن بر عرفان و فلسفه مسیحیان و مسلمانان را داشت که به دلیل وسواس های اینجانب هنوز برای نشر به هیچ ناشری ارائه نشده است.

از سال ۱۳۶۷ همین جمع به دلالت و هدایت مرحوم استاد به مطالعهٔ تاریخ اسلام رو آوردیم که برای اینجانب حاصلی تحت عنوان (ابوطالب تجلی ایمان) داشت که بعدها با تجدید نظر به چاپ رسید.از سال ۱۳۷۱ با آشنایی با دکتر علی لاریجانی که به واسطه حجهٔ الاسلام مهندس مجتبی همدانی (که از زمان حضور در واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی در سال های ۵۸ – ۶۰ با یکدیگر آشنایی و رفاقت داشتیم) به وزارت فرهنگ و ارشال اسلامی و در پی آن صدا و سیما راه یافتم و در کنار دروس حوزوی به انجام خدماتی نائل آمدم. در سال ۱۳۷۵ با تشکیل دانشکده اصول دین، در اولین دوره آن دانشکده پذیرفته شدم که در سال ۱۳۷۸ از آن دانشکده با نگارش پایان نامه‌ای تحت عنوان جایگاه صحیح مسلم در سیر تدوین حدیث (که از نمرهٔ ۲۰ برخوردار شد) فارغ التحصیل گردیدم. این پایان نامه در ششمین دوره پایان نامه برتر رتبهٔ اول مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات را به خود اختصاص داد. این رساله بالغ بر ۵ جلد و ۱۵۶۰ صفحه آ- چهار است که هنوز هیچ ناشری خود را برای چاپ و نشر آن به خطر نینداخته است. در پایان خاطر نشان می‌شود که در حال حاضر در حال نگارش پژوهشی تحت عنوان رویارویی خاورشناسان با قرآن در حدود ۱۰۰۰ صفحه برای مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم.

پور منصوری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل پور منصوری

محل تولد : رامسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. پس از اتمام دروس سطح حوزوی در سال ۶۶- ۶۵در درس خارج آیت الله منتظری و آیات عظام شرکت و در سال ۱۳۷۲ در کلاس های تخصصی قوه قضائیه شرکت نمودم . از سال ۱۳۶۸ به بعد نگارش و تحقیق را شروع و در همان سال کتاب نظریهٔ الوصف را نگاشته و در سال بعد

به چاپ رساندم. پس از آن کتب متعدد و صدها مقاله علمی و قرآنی را تألیف و در مطبوعات کثیرالانتشار چون کیهان به چاپ رساندم.

پورامینی، محمد باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پور امینی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد باقر پور امینی در سال ۱۳۴۷ متولد شد . تحصیلات ابتدائی تا دبیرستان را در قم گذراند و به سال ۱۳۶۶ مقدمات دروس حوزوی را آغاز کرد . سپس دروس سطح را خدمت اساتید بزرگواری همچون آیات و حجج الاسلام طالقانی (لمعه) ، محمدی خراسانی (لمعه) ، حسینی بوشهری (اصول فقه) ، احمدی میانجی (مکاسب) ، استادی (مکاسب) ، پایانی (مکاسب) ، موسوی تهرانی (رسائل و کفایه) و بیگدلی (کفایه) فرا گرفت . در سال ۱۳۷۲ کارشناسی علوم سیاسی را اخذ نمود . وی از سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه آیت الله زنجانی و اصول آیت الله کوکبی شرکت کرد و از سال ۱۳۷۹ تا کنون نیز در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور دارد و همزمان با تحصیلات حوزوی و دانشگاهی ، به فعالیت های تبلیغی ، تدریس و تالیف نیز پرداخته است .

پورحسن امیری، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر پورحسن امیری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده کشاورز مـذهبی متولـد شـدم. دروس ابتدایی در حد قرائت قرآن و کتب فارسـی ادبی از قبیل دیوان حافـظ و نصـاب و غیره را در مکتبخـانه هـای متـداول آن زمـان آموختم. با توجه به گرایش های دینی و مـذهبی خانواده و روش و منش شخصـی خودم همسایه ها و هم محلی ها به پدرم پیشـنهاد نمودند که وارد حوزه علمی دینی شوم . ابتدا به مدرسه صدر اعظم بابل که فعلا بعـد از تجدیـد بنای مفصل به مـدرسه خاتم الانبیاء (ص) تغییر نام یافته ، وارد شـدم و بعد از فراگیری مقداری از جامع المقدّمات در حد صـرف میر و مقداری از نجوم از محضـر اساتید بویژه مرحوم شـیخ اسـماعیل قشـقاوی که تسـلط فوق العاده ای به صرف و نحو داشت در معیت یکی از طلاب منطقه که سـید متـدینی بود که جنبه سـرپرستی و راهنمـایی نسبت به من داشت وارد حوزه علمیّه قم شـدیم و برنـامه آموزشـی مـا بـا توجه به نبودن یک برنامه آموزشـی در آن زمان و انتخاب اسـتاد و حجره ، داسـتان مفصـلی دارد . اجمالا بعد از گذراندن ادبیات در سطح سیوطی و حاشیه و مغنی و غیره وارد لمعتین و قوانین شدم . اساتید این دوره عبارت بودند از آقای صـلواتی و مرحوم سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی که تا آخر در شورای عالی قضایی مشغول بود و جناب آقای شیـخ مصـطفی اعتمادی و غیره و اساتیـد دوره عالی سـطح عبارت بودند از حضـرات آقایان نوری همدانی، جعفر سـبحانی و فاضـل لنکرانی . حکمت و فلسـفه را هم در حـد منظومه و اسـفار از محضـر اساتیـدی چون آقایان محمـدی و امینی گیلانی و آقای جوادی آملی و بعضـی دیگر اسـتفاده نمودم ؛ ضـمناً بعـد از فوت آقـای بروجردی و گذشـتن چنـد سال وضع حوزه از نظر امتحان ، صورت جدیدی به خود گرفت و امتحان حوزه در دو قسمت کتبی و شفاهی در یک تشکیلاتی که زیر نظر مرحوم آیت الله گلپایگانی عمل می کرد اداره می شـد و سه رتبه داشت و من قبـل از سـال پنجـاه حـدود سال ۴۷ و ۴۸ امتحانـات حـوزه را در دو مرحله دوم و سوم گذرانـدم . دروس خارج حوزه را در مقطع فقه و اصول از محضـر اساتیدی چون مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضـرت آیت الله وحید خراسانی فرا گرفتم ؛ ضمناً دروس حوزه مخصوصا درس های خارج را در دفتر یادداشت می نمودم.

بعـد از گذرانـدن چنـد سالی از شـرکت در درس خارج با توجه به علاقه به کار علمی- تحقیقی از سال ۶۴ با شـروع در مؤسسه آل البیت(ع) همراه اشـتغال و ادامه تحصـیل مشـغول کار تحقیقی شدم و بعد از چند ماهی وارد انتشارات جامعه مدرسین گردیدم . ابتدا کارهای مقابله و اسـتخراج و بعـد از گـذشت مدّتی به کارهای نهائی از قبیل تصـحیح و انتخاب متن و بررسـی نهائی منابع و غیرهما پرداختم و کارهـای زیـادی شـد. از قبیـل تصـحیح متن و تنظیم فهرست حاشیـه مرحوم آقـا ضـیای عراقی که به تنهـائی انجـام دادم ؛ تصـحیح و انتخاب متن مختلف الشـیعه علّامه که این قسمت مربوط به من بود و رفقای دیگر هم در بخش های دیگر کار می کردند که در مقدمه آن اشاره گردیده و بررسی مجدد سرائر ابن ادریس بعد از تحقیق دیگران و سایر کارها .

تا اینکه مقدّمات برگزاری کنگره شیخ انصاری فراهم گردید و تحقیق و بررسی کتب شیخ جزو کار اصلی آن بود و اینجانب توسط حاج آقای انصاری (مسئول بررسی کتب شیخ و مولف موسوعه الفقهیه المیسره) دعوت به همکاری شدم که با رفتن به آن موسسه فصـل جدیـدی در کـار تحقیق برای من بـاز شـد و تقریبـاً در همه کتاب های شـیخ مخصوصا مکاسب و صـلاهٔ و طهارت و غیره که مجموعا ۲۸ جلد می شود همکاری داشتم .

پورسید آقایی، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود پور سید آقائی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

پوریا منفرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین پوریامنفرد

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین پوریا مفرد در سال ۱۳۳۱، در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی پس از طی موفقیت‌آمیز دوران متوسطه در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از طی مقدمات از محضر آیت الله علی اصغر حسینی به کرمانشاه مهاجرت کرد و در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ از محضر آیت الله نجومی، آیت الله خامنه‌ای در آن دیار کسب فیض کردو پس از آن به قم مهاجرت کرد. از دیگر اساتید ایشان می‌توان مرحوم آشتیانی فلسفی را نام برد. ایشان جهت تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای زیادی سفر کرده است که از آن جمله می‌توان فرانسه، برزیل، فنلاند و هلند را نام برد.

پیروزمند، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا پیروزمند

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در شیراز متولد و تا مرحله اخذ دیپلم ریاضی در شیراز اشتغال به تحصیل داشتم. زندگی سیاسی ام از مقطع راهنمایی

همگام با خیل عظیم مردم در مقابله با رژیم شاه شروع شد. در دوران دبیرستان در قالب همکاری با انجمن اسلامی و تقابل با گروههای ضد انقلاب و ارتباط با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی(قبل از انشعاب و در دوران نمایندگی آیت ا... راستی) ادامه یافت. توفیق حضور مکرر در جبهه های جنگ از همین ایام آغاز و تا سالیانی بعد ادامه داشت. زندگی علمی ام به شکلی هدفمند پس از اخذ دیپلم آغاز شد. در سال ۱۳۶۲ با وجود قبولی در رشته فنی دانشگاه برای ادامه تحصیل به قم آمدم و به موازات فراگیری دروس حوزوی در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم به پژوهش مشغول شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترمی همچون آیات و حجج اسلام آقایان راستی کاشانی، وجدانی فخر، پایانی، ستوده، احمدی میانجی، حسینی بوشهری، موسوی ،اعتمادی و گنجی فرا گرفتم و از سال ۱۳۷۳ در درس خارج فقه آیت الله تبریزی و خارج اصول آیت الله وحید خراسانی توفیق حضور داشته و دارم. در طول این مدت از محضر اخلاقی حضرات آیات: بهاء الدینی، مظاهری، احمدی میانجی، منیر الدین حسینی، شب زنده دار و به ویژه راستی کاشانی به قدر بضاعت بهره برده ام. در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی نیزر به ویژه از محضر استاد علامه منیر الدین حسینی (ره) بهره فراوان برده در موضوعات زیر مشغول بوده ام:

روشهای سنتی و انحرافی اجتهاد، موضوع شناسی، فلسفه علم و معرفت شناسی، مبانی اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه داری، روش سیستمی ،الگوی سیستم سازی، فلسفه(با گرایش فلسفه حرکت) مبانی جامعه شناسی، مبانی نظام سیاسی، ولایت فقیه، روش مدل سازی، روش تحقیق، مبادی و مبانی اصول فقه احکام حکومتی و... .

در طول این مدت مسئولیت اجرایی نداشته ام. گذشته از مسئولیتهای پژوهشی گذشته، هم اکنون عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان، معاونت پژوهشهای بنیادی و مسئول گروه اصول فقه احکام حکومتی هستم علاوه بر مسائل بنیادی در موضوعات راهبردی نظام اسلامی نیز با گرایش مسائل علمی فرهنگی در قالب همکاری با برخی مراکز کلان نظام فعالیت داشته ام از جمله به عنوان کارشناس مسائل علمی – فرهنگی – اجتماعی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۷۶ تا ۸۲، در طول این مدت علاوه بر مشاوره ، طرحهای تحقیقاتی را برای آنها به انجام رسانده ام، از سال ۱۳۸۲ تاکنون نیز به عنوان کارشناس مسایل فرهنگی با دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی همکاری دارم و طرحهای تحقیقاتی را نیز در همین ارتباط به انجام رسانده ام.

در سالیان گذشته علاوه بر ارتباط علمی با مراکز مختلف توفیق تالیف کتاب، مقاله و تنظیم طرحهای تحقیقاتی را داشته ام که در دو گرایش مبنایی و راهبردی انجام گرفته است، در موضوعات بنیادی، مباحثی همچون فلسفه علم، روش علم، روش سیستمی، فلسفه فیزیک و ریاضی... و در موضوعات راهبردی به مطالبی همچون، شبکه های اطلاع رسانی، رابطه دین و دولت و فرهنگ، طبقه بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور... پرداخته ام.

پیروزمند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد پیروزمند

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریبا سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم – زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایهٔ الحکمهٔ را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالهٔ البرائهٔ و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

پیوندی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا پیوندی

محل تولد : لاسجرد – سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱۴

زندگینامه علمی

دوران ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل تولدم (روستای لاسجرد سمنان) گذراندم و برای ادامه تحصیل به شهر سمنان عزیمت کردم و دوره دبیرستان را در سمنان بودم که در سال دوم دبیرستان وارد حوزه علمیه صاحب الزمان مهدیشهر سمنان شدم و به مدت سه سال مقدمات را در آن شهر با موفقیت سپری کردم و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل به قم عزیمت نمودم و از پایه چهارم حوزه در شهر مقدس قم در درس اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم حاضر شدم و دوره سطح را با موفقیت به اتمام رساندم و به مدت ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه قم تلمذ نمودم لازم به ذکر است در مدت ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم دوره دبیرستان خود را به صورت متفرقه ادامه و در سال۱۳۶۹ دیپلم خود را گرفتم و برای ادامه تحصیل در دانشگاه وارد عرصه و رشته حقوق شدم و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی خود را با معدل ۴۸/۱۸ در دانشگاه مفید به پایان بردم و در کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی پذیرفته شدم و در پایان دوره یعنی سال ۱۳۷۸ به عنوان نفر اول دوره و با معدل ۶۸/۱۸ و دفاع از پایان نامه خود با نمره عالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم

لازم به ذکر است موفقیت در علم و دانش و فراگیری آن مرهون زحمات و بزرگواری استادان و علمای بزرگ حوزه علمیه و دانشگاه بوده است که به برخی از اساتید حوزوی و درس هایی که در خدمت ایشان بودم اشاره می کنم

الف شرکت در درس تفسیر ترتیبی قران به مدت ۱۰ سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ب شرکت در درس خارج فقه (خمس و صوم) به مدت سه سال حضرت آیت الله جوادی املی (حفظه الله)

ج شرکت در درس خارج فقه (دیات) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

د شدکت در درس خارج فقه (نکاح) به مدت ۲ سال حضرت آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله)

ه شدکت در درس خارج اصول به مدت ۵ سال حضرت آیه الله سبحانی (حفظه الله)

همچنین لازم است که از اسابید بزرگوار دوران سطح حوزه نیز از جمله ، استاد اعتمادی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، علیدوست و ... نیز یادی کنم و بهره های علمی خود را مرهون زحمات آنان هستم

پیوندی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا پیوندی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی دیپلم گرفتم و در همان سال به حوزه علمیه کاشان راه یافتم. پس از گذراندن سطح اول در کاشان،

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شـده و دروس سطح عـالی را تا سال ۱۳۶۹ به اتمام رسانـدم و در این سالها از محضـر اساتیدی چون آیت الله راستی کاشـانی ، فخر وجـدانی ، اعتمـادی ، پایـانی ، گنجی و خسـرو شـاهی اسـتفاده فراوانی بردم. در همین سالها به یادگیری ادبیات داستانی و نمایشی پرداختم و درکنار دروس حوزوی به تدوین داستان و فیلمنامه حضور در کلاسهایی در این مورد بر اطلاعات هنری افزوده و در ضمن در نشریاتی چون مکتب جبهه و سرگرمی های آموزشی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم.

در سال ۱۳۷۰ به حوزه درسی خارج اصول آیت الله مومن قمی وارد و مدت ۴ سال از محضر استاد استفاده نموده و سپس به محضر درس خـارج آیت الله سـید عبـاس خـاتم یزدی رفته و مـدت ۳ سـال نیر در درس فقـه ایـن اسـتاد فرزانـه بـه فراگیری فقه آل محمد پرداختم.در سال ۱۳۷۶ در امتحان ورودی دانشـکده صدا و سـیما شعبه قم شرکت کرده و پس از قبولی در آزمون، در این دانشکده مشـغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۲ با تدوین پایان نامه تحصـیلی کارشناسـی ارشد تهیه کنندگی از این دانشـکده فارغ التحصیل شدم.

در همین حال با همکاری با مرکز پژوهشـهای صـدا و سـیما، و سـیمای عربی به تدوین و ساخت فیلمهای مسـتند پرداخته و توانسـتم حدود ۱۰ فیلمانه و سـریال را تـدوین نمایم که با تولیـد از سوی سـیمای عربی در آن شـبکه پخش گردید.سـردبیری نشـریاتی چون سرگرمی های آموزشـی و مربی بسیج عقیدتی سیاسـی از فعالیتهای دیگر حقیر بوده و هم اکنون نیز مرتبا در موضوعات مختلف در این نشـریات مقـاله می نـویسم.مقالاـت دیگری نیز در زمینه شخصـیت شناسـی در فصـلنامه «مربیـان» دارم و بـاز مقالاـت دیگری در موضوعات علوم قرآنی ، تاریخی ، داسـتانی ، اخلاقی ، اجتماعی دارم که بعضـی از آنها در فصـلنامه های اندیشه بسـیج مربی بسـیج اخلاق به چاپ رسـیده است.کتابهای« آن سوی پرده» که حاوی دو فیلمنانه است سـیمای امام علی علیه السلام و نهج البلاغه «مهمان سپیده» «فریاد سرخ» حاصل فعالیت علمی حقیر در زمینه دین و هنر است. همچنین در تدوین ویراستاری دهها مقاله، و کتاب دیگرنیز همکاری داشته ام.

تازه کام، شعبان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبان تازه کام

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقـای شـعبان تازه کام در سال ۱۳۳۷هجری شمسـی در خـانواده ای متـدین، مـذهبی و دوسـتدار اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام در شهرسـتان ساری دیـده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرسـتان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویـق خـانواده و علاـقه خـویش به فراگیری علوم دینی در سـال ۱۳۵۲و در اوج خفقـان حـاکم بر کشـور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه ساری گردید و از محضر بزرگان آن دیار

بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه ساری به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله صانعی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه گرگان علاوه بر معاونت نهاد رهبری در دانشگاهها به امر تدریس نیز اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نبوده و آثاری از قبیل "چهل حدیث در باب ازدواج "و" کوثر رسول "را به رشته تحریر در آورده است

تبریزی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۹۰ ق)، فقیه اصولی شیعی. در زادگاهش رشد و نمو کرد و مقدمات علوم را در آنجا آموخت. سپس رهسپار عتبات عراق شد و مدت ده سال نزد استادانی چون شیخ محمدحسن مامقانی، فاضل شربیانی، شیخ الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی به تکمیل تحصیلات پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق به تبریز بازگشت و به ارشاد مردم و تالیف کتاب روی آورد. از آثار وی: «الاجزاء»؛ «البیع»؛ «تذکره العباد لزاد المعاد»، به فارسی، در عبادت و ادعیه؛ «استصحاب»؛ «دلائل الخیرات»، در زکات؛ «روائع الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصلاه»؛ «کتاب المستبین»، در اصول دین، به فارسی؛ «مبانی الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵/۱۹، ۲۵۵/۱۱، ۲۵۰ -۲۴۹ /۸، ۴۰/۴)، معجم‌المولفین (۱۴۹/۳).

تبریزی، لطفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نزد پدرش میرزا احمد مجتهد تبریزی اخذ مراتب علمی نمود و در کربلا با پدر خود در خدمت آقا سید علی کربلایی درس خواند، و از محضر صاحب «ریاض» بهره برد تا به مقامات شایسته‌ی علمی ارتقاء یافت. آن‌گاه به تبریز بازگشت و در حیات پدر، امام جمعه آن شهر شد. وی در وبای عمومی، سه سال پیش از وفات پدرش، با دو برادر دیگرش میرزا رضا و میرزا جعفر درگذشت. از آثار وی: «اوثق الوسائل»، در شرح «ریاض المسائل» استادش آقا سید علی طباطبائی، «تفسیر»ی بزرگ در دو جلد؛ کتابی در «زکوه»؛ کتاب «ملاذ الداعی»، در اخلاق و مواعظ به فارسی؛ شرح قصیده‌ی «بانت سعاد» کعب بن زهیر، در مدح پیامبر (ص)؛ شرح قصیده‌ی «برده» بوصیری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه ۳۵۳ / ۳، ۳۲ / ۱۰)، الذریعه (۳۱۲ -۳۱۱ / ۴، ۴۷۳ / ۲)، شهدیان راه فضیلت (۵۴۷)، علماء معاصرین (۳۳۳)،

مکارم الآثار (۱۶۸۹ -۱۶۸۸ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۹ -۱۲۸ / ۵).

ترابی، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر ترابی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲۹

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای مذهبی دیده به دنیا گشوده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرستان شهرضا با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رسانیدم . در سال ۱۳۵۶ به حوزه علمیه قم وارد و در طی سه سال دوران مقدمات را طی کرده به تحصیل مکاسب و رسائل و کفایه در خدمت اساتید بزرگواری مانند آیت الله ستوده و استاد موسوی تهرانی و استاد اعتمادی پرداختم .در سال ۱۳۶۰ همزمان با درس کفایه به خارج قضا و درس رجال آیت الله جعفر سبحانی حاضر شدم . در سال ۱۳۶۱ در درس فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم و مدت ۱۳ سال افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم . در خلال حضور در درس اساتید فوق به تدریس ادبیات و لمعه و اصول الفقه اشتغال داشته مدت ۲۴ سال فقه و اصول را تدریس کرده ام و از سال ۱۳۸۰ به تدریس مکاسب و رسائل مشغول هستم . در دوران دفاع مقدس مدت ۱۷ ماه در دفتر نمایندگی امام (ره ــ) پس از رحلت امام قدس سره به دفتر نمایندگی ولی فقیه تغییر نام یافت ــ در تدارکات سپاه به عنوان معاون، خدمت کرده بارها در جبهه دفاع مقدس همگام با رزمندگان دلاور بسیجی حاضر شدم .از کارهای فرعی علاوه بر تبلیغ و عهده دار بودن سمت روحانی کاروانهای حج و عمره , در امر تنظیم سوالات امتحانی حوزه و تصحیح اوراق و ممتحن امتحانات شفاهی حوزه نیز همکاری دارم ولله الحمد .

ترابی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ترابی

محل تولد : سکردوبلستان

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی ترابی فرزند احمد از کشور جمهوری اسلامی پاکستان دارای کد ۱۲۵۲۱۸۴ می باشم بنده در سال ۱۹۷۶م به دنیا آمدم در سن ده سالگی در دارالقرآن واقع در منطقه روندو مشغول به فراگیری کلام الله مجید شدم بعد از سن ۱۲ سالگی مشغول به خواندن دروس دولتی شدم که در همان زمان بخاطر علاقه که به معارف علوم دینی داشتم در یک مدرسه دینی پذیرش شدم و ادامه تحصیلات علوم اسلامی را در کنار علوم دولتی ادامه دادیم. و مدرسه جامعه المنتظر تا حد لمعه ج اول فرا گرفته بودم در این هنگام به تشویق بعضی از استاد شدم برای ادامه تحصیل به کشور جمهوری اسلامی انقلابی ایران شهر مقدس قم آمدم هم اکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سطح ۲ مشغول به ادامه تحصیل می باشم. والسلام

تربتی نژاد، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن تربتی نژاد

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی فنی ماشین افزار با وجود قبولی در کنکور سراسری در رشته مهندسی وارد حوزه علمیه امام خمینی شهرستان گرگان که زیر نظر نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود شدم. ادبیات عرب ، منطق مظفر و مختصر المعانی را به مدت چهار سال در نزد اساتیدی چون حجج اسلام رضمان پور ، برقرار، افضلی و ... پشت سر نهادم و فقه و اصول فقه مظفر ر ا نیز در نزد اساتیدی همچون حجج اسلام میر بهبهانی ، افضلی و مرحوم سید علی رئیسی گذراندم. و همچنین مکاسب محرمه را نزد آیت الله محمدرضا میبدی و رسائل و کفایه را نزد آیت الله نور مفیدی شاگردی نمودم. و در سال تحصیلی ۷۲–۷۱ برای ادامه تحصیل به حوزه علیمه قم مشرف شدم و در این سال کفایه ۲ را نزد استاد آیت الله موسوی تهرانی و بقیه ی مکاسب را محضر اساتیدی مثل حجهٔ الاسلام بیگدلی به اتمام رساندم. بعد از اتمام سطح سوم حوزه به مدت ۲ سال دردرس خارج اصول آیت الله سبحانی شرکت نمودم و به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز شاگردی نمودم و همچنین لازم به ذکر است که به مدت ۷ سال نیز در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شاگردی کرده ام.

اما اینجانب دروس دانشگاهی را در سال ۷۳ با قبولی در کنکور سراسری و پذیرفته شدن در امتحانات اختصاصی دانشگاه مفید (مصاحبه ی علمی) در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شده ام. در سال ۷۶ کارشناسی را به اتمام رسانده و ۲ سال بعد یعنی سال ۷۸ با شرکت در کنکور ارشد و کسب رتبه یازدهم در گرایش اندیشه ی سیاسیی مجددا در دانشگاه مفید پذیرفته شده و ادامه تحصیل داه ام و در سال ۸۱ با دفاع از پایان نامه فارغ التحصیل شدم. ولی برای ادامه تحصیل در دکتری تا بحال اقدامی نکردم.

تفریشی، فیض‌اللّه

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابن عبدالقاهر الحسینی التفریشی القمی از معاصرین اوائل دولت صفویه بود است شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌فرماید: وی مردی فاضل و محدثی جلیل‌القدر بوده است دارای کتبی است که از جمله آنهاست شرح مختلف و کتابی در اصول دارد که دائی پدرم شیخ علی بن محمود عاملی از مصنف آن مرا خبر داد و آنها را نزد وی خوانده بود در نجف و هم از او اجازه گرفته و تعریف می‌کرد فضل و علم و صلاح و عبادت او را و سید مصطفی تفریشی آتی‌الذکر در رجال خود از وی نام برده و گفته است سید ما که طاهر و کثیرالعلم و عظیم‌الحلم و متکلم و فقیه و ثقه و عین است مولدش در تفرش قم و تحصیلش در مشهد رضا بوده و امروز از ساکنین قبه جدش مشهد غریست و حسن الخلق و سهل الخلیقهٔ ولین العریکه است و تمام صفات صلحاء و علماء و اتقیاء در او جمع است او را کتبی است که از آن جمله حاشیه بر مختلف و شرح بر اثنی عشریه است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

تقوی اشتهاردی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین تقوی اشتهاردی در اشتهارد، به سال ۱۳۰۴ ش، در یک خانواده روحانی، چشم به این جهان گشود. او درسال ۱۳۲۵ ش به قم سفر کرد و در مدرسه فیضیه در یکی از حجره ها سکونت نمود و مدت هفت سال در آن حجره بود و با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه داد. یکی ازاشتغالات مهم آیت الله تقوی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و دراین جهت مهارت و پشتکار از خود نشان داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. او در ۱۴ مهر ماه ۱۳۷۹ ش دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر بزرگوار حسین تقوی اشتهاردی ، حضرت آیت‌اللّه حاج شیخ یحیی تقوی (۱۲۶۷ - ۱۳۳۸ ه . ش) از علمای برجسته، مخلص و خدمتگذار شهر اشتهارد (واقع در ۵۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان کرج) بود. این عالم ربانی، در صفات و ارزش‌های اخلاقی، عرفانی و شاگردپروری، در سطح بالایی قرار داشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : «صبح‌ها مشغول خرید و فروش و تأمین معاش و رسیدگی به امور خانه بودم و تنها بعدازظهرها درس می‌خواندم. دیدم با این وضع به جایی نخواهم رسید، نزد پدر رفتم و عرض کردم: اجازه بفرما یا به قم برای ادامه تحصیل بروم و یابه کسب و کار مشغول شوم. ایشان که بسیار علاقه داشت تحصیلات حوزوی را ادامه دهم، اجازه فرمود به قم عزیمت کنم.از این رو در سال ۱۳۲۵ شمسی به قم سفر کردم. یک ماه بود که مرجع معروف، آیت‌اللّه العظمی سید ابوالحسن اصفهانی؛ در نجف اشرف رحلت کرده بود. مدتی نیز از آمدن حضرت آیت‌اللّه العظمی بروجردی به قم می‌گذشت و روز به روز بر رونق حوزه علمیه قم تحت زعامت آن مرجع عالیقدر، افزوده می‌شد. در مدرسه فیضیه در یکی از حجره‌ها سکونت نمودم و مدت هفت سال در آن حجره بودم، شرایط حجره از نظر بهداشت و آب و هوا و غذا و ساختمان، بسیار بد بود، به گونه‌ای که بیماری رُماتیسم گرفتم، در چنین شرایطی با ذوق و شوق به تحصیلات خود ادامه

دادم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : پدر و مادر حسین تقوی اشتهاردی از داشتن نخستین پسر خشنود شدند و نام این نوزاد فرخنده را حسین گذاشتند. حسین در کنار پدر و مادر مهربان خود پرورش یافت و در پنج یا شش سالگی نزد پدر، تحصیل را آغاز کرد. طبق رسم آن زمان، نخست به یاد گرفتن تلاوت آیات قرآن پرداخت. بر اثر استعداد سرشار، به زودی تلاوت همه آیات قرآن را فرا گرفت. پس از آن، به تحصیل درس فارسی، که کتاب «معراج السعاده»، تألیف مرحوم آیت‌اللّه ملاـ احمد نراقی؛ بود، پرداخت. قدری ریاضی نیز در محضر پدر آموخت. در این هنگام خواندن و نوشتن را به طور کامل فرا گرفته بود.در دوازده سالگی به خواندن «جامع المقدمات» که اولین کتاب درسی حوزه است، مشغول شد. چون هنوز مدرسه علمیه اشتهارد در آن وقت مخروبه بود، این کتاب را نیز همراه بعضی از دوستان در مسجد نزد پدرش می‌آموخت. تا این که سال ۱۳۱۵ شمسی فرا رسید. مرحوم حاج شیخ یحیی تقوی، مدرسه علمیه مخروبه را در آن سال تعمیر کرد و حوزه کوچکی در آن‌جا تشکیل داد. شیخ حسین تقوی، در آنجا همراه بعضی از دوستان، دروس سطح مانند: «لمعه» و «قوانین» را نزد پدر فرا گرفت و در کنار درس، برای تأمین زندگی به کار و کسب نیز اشتغال داشت.حدود شش سال در درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ حاضر شد و از علم وافر او بهره‌مند گردید و تقریرات درس فقه ایشان را در سه جلد به رشته تحریر درآورده که هم اکنون موجود می‌باشد و هنوز به چاپ نرسیده است.همچنین در دوره اصول درس خارج امام خمینی (ره) از آغاز تا پایان شرکت و آن را به طور کامل تقریر کرده است. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام این تقریرات را با عنوان «تنقیح الاصول» در چهار جلد، چاپ و منتشر نموده است. نیز تقریرات درس مکاسب امام راحل را از آغاز تا شرایط متعاقدین، نوشته‌اند که بنا است همین مؤسسه آن را به چاپ رساند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین تقوی اشتهاردی با وجود برخورداری از حافظه و استعداد سرشار، می‌توانستند در سطح مراجع تقلید مطرح شوند؛ ولی بیماری طولانی مانع بروز آثار علمی از آن مرحوم گردید؛ چنان که خود می‌فرمود:«اوایل انقلاب اسلامی در ایران، چشمهایم آب آورد و بر اثر عمل جرّاحی و طولانی شدن مداوا، مبتلا به سر درد شدم و از توفیقاتم کاسته شد.»استادان و مربیان : اساتید دروس سطح حسین تقوی اشتهاردی در حوزه قم عبارتند از:۱ – مرحوم شهید آیت‌اللّه صدوقی یزدی؛ ۲ – مرحوم شهید علامه مرتضی مطهّری؛ ۳ – مرحوم آیت‌اللّه مجاهدی تبریزی؛ ۴ – مرحوم آیت‌اللّه حاج عبدالجواد اصفهانی؛ ۵ – مرحوم آیت‌اللّه آقا جواد خندق آبادی؛ ۶ – مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا علی اصغر علامه تهرانی؛ ۷ – مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا باقر سلطان.آیت‌اللّه تقوی در درس خارج فقه و اصول مراجع و علمای محقق وقت، شرکت می کرد که می‌توان به افراد ذیل اشاره داشت:۱ – آیت‌اللّه العظمی حاج آقا حسین بروجردی؛.۲ – آیت‌اللّه العظمی حضرت امام خمینی (ره).۳ – آیت‌اللّه العظمی سید محمدرضا گلپایگانی؛.۴ – آیت‌اللّه العظمی سید محمد حجت؛.و بعضی دیگر و مقداری از درس خارج فقه و فلسفه را در محضر علّامه طباطبایی فرا گرفت.البته در میان این بزرگواران بیشتر از درس آیت‌اللّه العظمی بروجردی؛ و امام خمینی (ره) استفاده کرده است.هم دوره ای ها و همکاران : از هم‌مباحثه‌های حسین تقوی اشتهاردی که بسیار با هم بودند، دانشمند و نویسنده محقق عبدالمجید رشیدپور است که خدمات فرهنگی بسیاری داشته است.او در ضمن تحصیل، کتاب‌های مقدماتی و سطح حوزه را نیز تدریس می کرد و طلاب از محضرش بهره‌مند می‌شدند.زمان و علت فوت : حسین تقوی اشتهاردی پس از مدت‌ها کسالت، در هفته آخر، حالشان روز به روز وخیم‌تر می‌شود.خود نیز فهمیده بود که در آستانه رحلت قرار گرفته است. پسرش می گفت:«ده روز قبل از مرگ، به من فرمود: ده روز دیگر می‌میرم و مصلحت است بروم. در این باره شک نکن. ماه مبارك رجب فرا رسید. روز هشتم حالش منقلب شد. شب آن روز، نماز مغرب و عشا را خوابیده خواند؛ اما هوش و حافظه‌اش هیچ خللی نداشت. حتی دنبال چیزی می گشتیم، فرمود: فلان جا است. رفتیم، دیدیم همان جا است. وقتی پزشك معالج آمده بود، از او تشکر کرد و به ذکر خدا مشغول شد. با آرامش خاصی نام خدا و شهادتین را به زبان آورد. و حدود ساعت ۱۰/۳۰ شب بود که به لقاء اللّه پیوست.»او چهارشنبه، ششم رجب سال ۱۴۲۱ ق. (برابر با ۱۴ مهر ۱۳۷۹ شمسی) دار دنیا را وداع گفت. پیکر مطهّرش در روز جمعه ۱۵ مهرماه از مسجد امام، با تشییع با شکوه، به طرف حرم

حضرت معصومه (س) حرکت داده شد. پس از طواف ضریح، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی (دامت برکاته) نماز بر آن گزارد. پیکر مطهرش را در قبرستان باغ بهشت (روبه روی گلزار شهدای قم)، در «مقبرهٔ العلماء»، به خاک سپردند. مجالس پر شکوهی به مناسبت رحلت آن عالم ربّانی با شرکت مراجع، علما و فضلا و سایر اقشار مردم در قم، تهران و اشتهارد برگزار گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین تقوی اشتهاردی با آن که از مجتهدین و مدرسین بود، اما از وظیفه تبلیغ دین و بیان حلال و حرام و وعظ و ارشاد غافل نمی‌شد. از این رو در ماه مبارک رمضان و محرم، بنا به دعوت اهالی اشتهارد، به آنجا رفته و ضمن اقامه جماعت، به تبلیغ دین می‌پرداخت و مدت‌ها قبل از انقلاب، نماز جمعه را نیز اقامه می‌فرمود.در اشتهارد دو مسجد را اداره می‌کردند و با تلاش‌های شبانه روزی خود تا مدت ۳۵ سال این کار را ادامه دادند. از آن جا که ایشان بر مسائل اسلامی و احکام، بسیار تسلّط داشت و مطالب را به گونه روان و همه فهم بیان می‌کرد، لذا توانست تحول خوبی در آن سامان به وجود آورد.در بیان احکام، جدّی و قاطع و دقیق بود. با پیش مطالعه عمیق، سخن می‌گفت. برای اوقات مردم ارزش فراوان قائل بود. بیاناتش اثر خاصی داشت و از این رو عده بسیاری تحت تأثیر قرار گرفته و بر ایمان و کمالات خود افزودند.او مکرر می‌گفت:«سه چیز باید از خوب‌هایش باشد و در انتخاب آنها دقّت کرد: ۱ - پزشک برای درمان بیماران؛ ۲ - عالِم دانا به مسائل برای پاسخگویی به مسائل مختلف؛ ۳ - هندوانه خوب.»این مثال هندوانه را می‌آورد تا روشن کند اگر دکتر و عالم، حاذق و ماهر نباشند، مانند هندوانه نارسیده، قابل استفاده نیستند.فعالیتهای آموزشی : یکی از اشتغالات مهم حسین تقوی اشتهاردی در حوزه علمیه قم، تدریس و تربیت شاگرد بود و در این جهت مهارت و پشتکار چشمگیری از خود نشان می‌داد. از همان آغاز که وارد حوزه شد، در ضمن تحصیل به تدریس دروس سطح حوزه نیز پرداخت. حدود پانزده سال در مدرسه حقّانی و مدرسه آیت‌اللّه گلپایگانی، کتاب‌های «شرح لمعه»، «مکاسب»، «رسائل» و «کفایه» را تدریس کرد. همچنین در حوزه علمیه خرّم آباد نیز یک ماه تدریس کرده است. علاقه وی به دانش و دانش اندوزی به حدّی بود که در سال‌های آخر عمر، که بر اثر کسالت، بیشتر در منزل بود، جلسات مباحثه و تدریس درمنزل وی انجام می‌گرفت.مرحوم تقوی، مدت‌ها در مدرسه علمیه حاج ملّا صادق قم تدریس می‌کرد و شب‌ها در همان جا نماز جماعت را اقامه می‌نمود و روزهای پنجشنبه برای خواهران طلبه تفسیر می‌گفت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین تقوی اشتهاردی ؛ در ضمن وعظ و ارشاد در اشتهارد، به نیازهای مادی و رفاهی مردم نیز توجه خاصی داشتند و در رفع آن نیازها به جدّیت می‌کوشیدند.یکی از خدمات مهمی که با پیشنهاد و جلوداری ایشان شروع و تکمیل گردید، ساخت و تبدیل حمام‌ها و رساندن آب آشامیدنی به اهالی بود.مشکل دیگری که در اشتهارد وجود داشت، نداشتن آب آشامیدنی بود. مردم از قنات دوردستی که همان قنات، غسّالخانه نیز بود، آب شُرب خود را تأمین می‌کردند. لذا آیت‌اللّه تقوی با راهنمایی و زمینه سازی و با همت مردم، مزرعه‌ای را که دارای آب شیرین بود و در حدود یک فرسخی اشتهارد قرار داشت، خریداری و آب آن را به اشتهارد لوله کشی می‌کرد. شروع این کار در سال ۱۳۴۸ بود و هم اکنون بعد از گذشت سال‌ها از این آب استفاده می‌شود. البته بر اثر افزایش جمعیت، آب‌های دیگری را نیز بر آن افزوده‌اند.او بسیار خرسند بود که قدمی در راه خدمت به مردم برداشته و در این باره می‌فرمود:«وظیفه خود دانستم که اهالی را به یاری خداوند متعال، از این زحمت طاقت فرسا نجات دهم، و آب خوشگوار و شیرین را در دسترس همگان بگذارم.»ارتباط حضرت آیت‌اللّه تقوی؛ با حضرت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون بسیار قوی بود. ارتباط مهم او با امام، ارتباط شاگرد و استادی بود. ایشان حدود ده سال (از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ شمسی) در درس فقه و اصول امام شرکت کرد و علاوه بر فقه و اصول، از فیوضات عرفانی و اخلاقی امام نیز استفاده فراوان برد.شاگردان : شاگردپروری حسین تقوی اشتهاردی را می‌توان از امتیازات ایشان دانست؛ شاگردانی برجسته و کارآمد که اکنون بسیاری از آنها در نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه، منشأ خدمت هستند؛ مانند حجج اسلام: فلاحیان، رازینی، یونسی (وزیر اطلاعات فعلی)، نیّری، عباسی فرد و بسیاری از رؤسای دوایر قضایی و شیخ محمد رضا آدینه‌وند، صدیقی (دو نفر از علمای حوزه) و محمدی عراقی (رئیس سازمان تبلیغات

اسلامی) و....آرا و گرایشهای خاص : مرحوم حسین تقوی اشتهاردی از نظر اخلاقی و معنوی، دارای ویژگی‌هایی بود که در اینجا نظر شما را به چند نمونه جلب می کنیم:زهد و وارستگی، عبد خدا و شیفته ولایت،وقار، ادب و متانت، خوش رویی و اخلاق نیک،صبر، مقاومت و شکر،تواضع و فروتنی،نظم و انضباط،یاد آخرت و آرامش پیش از سفر،آثار : ، اصول المذهب ، تقریرات درس فقه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، تقریرات درس فقه مکاسب ، تنقیح الاصول ، فروع المذهب ، معاشرت از دیدگاه وحی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/بخش زندگینامه علماwww.hawzah.net/-۱k

تقوی مقدم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی تقوی مقدم

محل تولد : کهکیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۵۹ در سن ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیّه قم شدم. قبل از ورود به حوزه مقدمات ادبیّات عرب را نزد پدرم آموخته بودم. دوره مقدّمات را تا سال ۶۲ به پایان رساندم و از سال ۶۳ به محضر درس لمعه و قوانین حضرت آقای شیخ حسین راستی کاشانی وارد شدم و حقاً از آن محضر پر فیض استفاده بردم. در سال ۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرده و با احراز رتبه ۱۵ برای تحصیل جامعه شناسی وارد دانشگاه تهران شدم. همزمان با دروس سطح حوزه، به صورت پاره وقت و پراکنده درس دانشگاه را نیز تا پایان دوره لیسانس ادامه دادم. از آنجا که سطح علمی دانشگاه را پایین تر از تصور قبلی ام می دیدم، بعد از کارشناسی آن را ادامه نداده و ممحض در دروس حوزه شدم.مکاسب را از محضر مرحوم آقای شیخ احمد پایانی و مکاسب را اغلب از محضر شیخ مصطفی اعتمادی استفاده کردم.

کفایه را در خدمت آقای گنجی فرا گرفتم. در سال ۷۱ وارد مرحله خارج شده و پس از تتبع و شرکت در دروس مشهور، در فقه درس آیهٔالله آقای سیدمحمد هاشمی شاهرودی و در اصول درس آیهٔالله آقای شیخ حسین وحیدخراسانی را پسندیدم و ادامه دادم. ۸ سال درس فقه و ۹سال درس اصول را مستمراً شرکت کردم. گزیده درس اصول آقای وحید را از نواهی تا آخر برائت در ۱۰ دفتر یادداشت کردم. در حکمت، بخشهایی از منظومه سبزواری را نزد یکی از فضلا خواندم وبدایهٔ الحکمه را خود مطالعه کرده و نهایهٔ الحکمه را از نوارهای آقای مصباح استفاده کردم. به مقوله هنر و ادبیات مخصوصاً شعر تعلق خاطری داشته و مطالعاتی در این زمینه داشته ام، در شعر فارسی ممارست ورزیده و علاوه بر تتبع گاهی طبع آزمایی نیز کرده ام. از دریچه شعر به وادی عرفان نیز سری زده و مطالعاتی داشته ام. با حوزه علوم اجتماعی نیز چون رشته دانشگاهیم بود آشنایی دارم، با تاریخ اسلام مخصوصاً تاریخ معاصر نیز بیگانه نیستم.

در سال ۱۳۶۱ کتاب «امرئتان و الرجل» از نوشته های شهیده بنت الهدی صدر را که داستانی آموزنده بود تحت عنوان سرنوشت دو خواهر ترجمه کرده که انتشارت جامعه مدرسین آن را چاپ و منتشر کرد. از سال ۷۴ همکاری با مجله تخصصی فقه اهل بیت را

آغاز کردم و مقالات فقهی خود را در آن منتشر کردم اغلب مقالات استادم جناب آقای هاشمی شاهرودی که در این مجله انتشار یافته با قلم این بنده به فارسی تقریر شده است. از سال ۷۸ تا ۸۰ مسئولیت مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات را بر عهده داشته و تقریباً همزمان با آن مسئولیت مرکز تحقیقات فقهی قوّه قضائیه نیز به عهده اینجانب واگذار شد. در طول سالهای گذشته مخصوصاً پس از اتمام دروس خارج به تدریس متون فقهی و اصولی نیز اشتغال داشته ام.

تقوی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین تقوی دهاقانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سال ۱۳۵۵ بعد از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شهر رضا شدم . کمتر از یکسال در آن حوزه بخش اعظم ادبیات را خواندم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی مشغول تحصیل شدم و ادبیات را در آنجا تکمیل نمودم و همزمان در حوزه درس را پیگیری نمودم و سپس به دلیل برخی رخ دادها در مدرسه حقانی و شروع انقلاب اسلامی وارد جریانات سیاسی شدم ، چندین بار تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم و ۶ ماه زندگی مخفی داشتم و سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سازماندهی تظاهرات شرکت نمودم و اعلامیه های امام خمینی (ره) را در سراسر کشور توزیع و نشر نمودم و همزمان درس را با جدیت دنبال نمودم و عمده سطح را نزد اساتید آقایان آیات عظام وحید و تبریزی بهره جسته ام . سپس عمده درس فقه و اصول را به مدت ۱۵ سال از محضر استاد ارجمندم آیت الله مظاهری بهره گرفتم که تقریرات درسی ایشان بنام مشکوه الاصول در سه جلد به زبان عربی و با نظارت ایشان آماده چاپ و بهره برداری است و در صورت توفیق ، معارف آموخته از ایشان مجددا به زیورچاپ آراسته خواهد شد.ضمنا درس فلسفه، معارف قرآنی، تفسیر و فلسفه اخلاق و سایر معارف اجتماعی را بطور مستقیم به مدت ۱۵ سال از محضر استاد مصباح بهره گرفتم.

هم اکنون در سه محور تدریس در سطح رسایل ، مکاسب و لمعه ، در حوزه مشغول تدریس و الحمد الله در امر نگارش و تحقیق و پژوهش توفیق فراوانی داشت ام.اکنون نیز ترجیح می دهم به طور شبانه روز بر آثار وحیانی و اهل بیت علیهم السلام تحقیق و تلخیص نمایم. ضمنا اینجانب در طول عمر انقلاب اسلامی مسئولیت هایی از قبیل نمایندگی امام در سپاه پاسداران ، شرکت در جنگ تحمیلی و افتخارحضور در کنار رزمندگان و مسئولیت کمیته انقلاب اسلامی ، خدمت در دادستانی سپاه و معاونت آموزشی دانشکده سپاه را به عهده داشته ام.

تقوی، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم تقوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدکاظم تقوی در سال تحصیلی ۶۳ـ۱۳۶۲ در حالی‌که در سال اول هنرستان ـ رشته راه و ساختمان ـ مشغول تحصیل بودم؛ تحصیل در هنرستان را رها کردم و وارد حوزه علمیه جعفریه رستمکلاء بهشهر در مازندران شدم و پس از سه سال تحصیل در آن حوزه علمیه، در ادامه وارد حوزه علمیه اصفهان ـ مدرسه ذوالفقار ـ شدم و تا سال ۱۳۶۹ در آن حوزه بودم و از سال تحصیلی ۷۱ـ۱۳۷۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و از آن سال تاکنون در این حوزه علمیه مقدسه مشغول تحصیل و استفاده از محضر اساتید می‌باشم. شرح تحصیل بنده در حوزه علمیه قم بدین صورت است که تمام امتحانات کتبی و شفاهی تا پایه دهم را به پایان رساندم و علاوه بر آن چهار نوبت مصاحبه درس خارج فقه و اصول هم انجام دادم که در پرونده ثبت است.

همچنین برای سطح سوم پایان‌نامه‌ای را انتخاب کردم و مشغول نوشتن آن می‌باشم. بیش از ده سال است که در مقطع خارج فقه و اصول از محضر اساتید بزرگوار بهره برده و می‌برم. در درس خارج فقه؛ چهار سال از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی تبریزی(ره)، یک سال از محضر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، یک سال از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و نیز بیش از سه سال از درس تفسیر ایشان بهره بردم و نیز بیش از یکسال از درس‌های کلام جدید این حکیم بزرگوار بهره گرفتم. چهار سال از محضر حضرت آیت الله صانعی استفاده کردم. و اکنون بیش از هفت سال است که از درس‌های خارج فقه فاضل محقق آیت الله سروش محلاتی استفاده می‌برم. از مباحث فقه الحکومه، امر به معروف و نهی از منکر و سال سوم مباحث قصاص است که مشغول می‌باشیم. همچنین یک درس خصوصی قواعد فقهیه و اکنون خارج حج را از محضر استاد محقق و فاضل حضرت حجهًالاسلام والمسلمین سیدضیاء مرتضوی استفاده می‌کنم. در درس خارج اصول نیز از محضر اساتید بزرگوار به شرح زیر استفاده کردم! حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی یک سال، حضرت آیت الله سبحانی چهار سال، استاد محقق لاریجانی دو سال، استاد فاضل سروش محلاتی یک سال و نیز یک سال از محضر آیت الله صانعی. علاوه بر درس‌های رسمی حوزه، درس‌های جانبی و حاشیه‌ای هم مورد توجهم بود که بدانها اشاره می‌کنم: دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره‌ای یک ساله. دوره عمومی موسسه در راه حق ـ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی که سال اول و سال دوم را گذراندم ولی به خاطر تعارض درس‌های آنجا با درس‌های حوزه ـ چون درس‌های بعد از ظهر آنجا به صبح تغییر یافت ـ از سال سوم رهایش کردم. دوره اول آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی، دوره عمومی و دوره تخصصی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی ـ از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ـ یک دوره فشرده و کوتاه مدت آشنایی با علوم حدیث در دارالحدیث هم شرکت کردم. ضمناً پس از طی مراحل جذب و گزینش روحانی حج و عمره هم می‌باشم. سال دومی است که در دانشگاه آزاد ساوه درس انقلاب اسلامی را تدریس می‌کنم. چند سالی است که مجوز تدریس از امور اساتید حوزه نمایندگی ولی فقه در

دانشگاه‌ها دارم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در مناسبت‌های محرم و ماه مبارک رمضان و بعضی از سال‌ها دهه صفر و دو سال طرح هجرت ـ در همان سال‌های نخست ـ به تبلیغ موفق هستم. البته دو سال ماه رمضان و یک سال محرم مشکل داشتم و موفق نشدم. بیش از پنج سال در کارهای اجرایی و قلمی صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز فصلنامه حکومت اسلامی، فعالیت می‌کردم. اکنون ـ سال تحصیلی ۸۶ـ۱۳۸۵ در کنار تحصیل و تدریس، در حاشیه به نوشتن برخی مقالات نیز مشغول می‌باشم.

تنکابنی قزوینی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۴ /۱۳۲۳ ق)، نحوی، اصولی، فقیه و عالم شیعی. از نوادگان میرمحمد صالح تنکابنی بود که در قزوین متولد شد. وی پس از کسب مقدمات علوم اولیه، سطوح عالی را از حوزه‌ی درس پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در مدرسه صالحیه، علوم عقلی و اصول و فقه را از حوزه‌ی درس شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی کسب کرد. پس از آن راهی عتبات مقدسه عراق شد و در نجف اشرف ساکن. تنکابنی نخست، به حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری و پس از وفات وی، به حوزه‌ی درس میرزا حبیب‌الله رشتی پیوست و در کربلا از محضر درس شیخ زین‌العابدین مازندرانی بهره‌مند شد. حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس علامه‌ی برغانی آل‌صالحی تکمیل کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد، پس از آن به موطن خویش بازگشت و کرسی تدریس و رهبری و فتوی را به خود اختصاص داد. وی آثار و مآثری از خود باقی گذاشت از جمله: مدرسه علوم دینی، موسوم به مدرسه‌ی تنکابنی یا مدرسه‌ی آقا و جنب آن مسجدی به همین نام که موقوفات بسیاری برای آنها تعیین کرد. از آثار قلمی وی: «شرح رسائل»، در چهار مجلد؛ «شرح مکاسب»؛ «شرح مدارک» «تقریرات استادش برغانی» و «رساله‌ای در اخلاق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۱۵/۲)، دایره المعارف الاسلامیه (۲۶۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/۱۴).

تنکابنی، محمدحسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۸ –۱۲۸۵ ق)، عالم، مجتهد و فقیه اصولی. در تنکابن متولد شد. در کودکی به همراه برادرش آیت‌الله محمدرضا تنکابنی به قزوین رفت و نزد استادان و علمای آن سامان به تکمیل سطوح پرداخت. بعد از مدتی، به نجف مهاجرت کرد، و از محضر علمایی چون: میرزا حبیب‌الله رشتی و علامه طباطبایی یزدی و آخوند ملاـ محمدکاظم خراسانی و علامه‌ی مامقانی بهره‌ها برد، و در فقه و اصول به بالاـترین درجه نایل شد. وی با مقام اجتهاد مطلق از نجف به ایران بازگشت و در تهران ساکن شد و به تدریس فقه و اصول و ترویج مذهب پرداخت. در تهران درگذشت. پیکر وی با تجلیل به شهر ری منتقل و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی دفن شد.[۱]

الشیخ محمدحسین الفقیه الزاهد التنکابنی رحمه اللّه بن العالم النبیل الشیخ محمد الواعظ التنکابنی برادر ارجمند آیهٔاللّه تنکابنی مذکور از علماء اعلام و حجج اسلام عموی گرامی علامه فلسفی واعظ می‌باشد در حدود سال ۱۲۸۵ قمری در تنکابن متولد شده و

با معیت برادر بزرگوارش به قزوین مسافرت نموده و نزد اساتید و علماء آنجا تکمیل سطوح کرده و بعد از مدتی که بوطن بازگشته، مهاجرت میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مرحوم علامه طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحوم علامه مامقانی قدس اللّه اسرارهم استفاده کامل نمود و در فقه و اصول بمرتبه اقصی نائل گردیده و با مقام اجتهاد مطلق از نجف مراجعت به ایران کرده و سکونت در طهران را اختیار و به اقامه جماعت و تدریس فقه و اصول و ترویجات دینی اشتغال یافته تا در سال ۱۳۶۸ ق دنیا را وداع و با تشییع مجللی بشهر ری منتقل و در مقبره ناصرالدین شاه قاجار در جوار سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام مدفون گردیده است و این نویسنده ترجمه آن مغفور له را در تذکره المقابر فی احوال المفاخر نوشته‌ام.

فرزند ارجمندش جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد تنکابنی از ائمه جماعت معاصر تهران است و در مسجد آن مرحوم اقامه جماعت می‌نمایند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۲/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۰ -۴۰۹ /۴).

تنکابنی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۵ -۱۲۸۳ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در تنکابن به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت و به قزوین رفت و سطوح را تکمیل کرد. سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر علمای بزرگی چون آیت‌الله میرزا حبیب‌الله رشتی، آیت‌الله ملا محمدکاظم خراسانی، علامه طباطبایی یزدی، و ملاعلی نهاوندی حدود بیست سال استفاده کرد و مجتهد جامع‌الشرایط شد. از آن پس، به ایران مراجعت کرد و در تهران ساکن شد، و در مدرسه‌ی فیلسوف‌الدوله به تدریس خارج فقه و اصول و ترویج دینی پرداخت. او از علما و مجتهدان بزرگ تهران به حساب می‌آمد. پیکر وی پس از مرگ با تجلیل به نجف اشرف منتقل، و در جوار امیرالمومنین (ع) دفن شد. در فقه و اصول آثاری از وی باقی است.[۱]

حاج شیخ محمدرضا بن العلامه المرحوم الشیخ محمد تنکابنی معروف بواعظ رحمهمااللّه از علماء اعلام و مجتهدین کرام تهران بوده که در عصر خود اعلم و اتقی و ازهد و اورع دانشمندان مرکز بوده است.

در سال ۱۳۸۳ قمری هجری در تنکابن از بلاد شمال ایران و کناره دریای شمال در آخوند محله رامسر دیده بجهان گشوده و در خاندان علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات را در محل خوانده آنگاه بقزوین آمده و سطوح را در آنجا در خدمت علماء آن شهر تکمیل نموده و مهاجرت به نجف اشرف کرده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌اللّه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آیت‌اللّه خراسانی صاحب کفایه و علامه یزدی صاحب غروه و آخوند ملا علی نهاوندی حدود بیست سال استفاده و مجتهد جامع الشرایط گردیده و مراجعت به ایران نموده و رحل اقامت به طهران عاصمه تشیع و پایتخت کشور افکنده و در مدرسه فیلسوف‌الدوله واقع در جنب امامزاده سید اسمعیل خیابان سیروس بتدریس خارج فقه و اصول و اقامه جماعت و ترویجات دینی و روحی پرداخته است تا در هیجده ذی‌الحجه ۱۳۸۵ ق در سن یکصد و دو سالگی بدرود حیات گفته و جنازه‌اش با تشییع کم سابقه حمل به نجف اشرف و در جوار مولی الکونین ابن الحسنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدفون گردید و در رثاء و ماده تاریخش شعراء عصر مخصوصا علی‌اکبر خوشدل شاعر معاصر قصیده‌ای سروده که از نظر اهل ادب می‌گذرانم:

و مخفی نباشد که علامه تهرانی صاحب الذریعه ترجمه اجمالی ایشان را در قسم دوم از جزء اول طبقات اعلام‌الشیعه ص ۷۶۸ ذکر

کرده است.

آیت‌اللّه تنکابنی دارای شش فرزند ذکور که از مفاخر دانشمندانند به اسامی زیر می‌باشند:

۱- استاد بزرگ و خطیب توانا آقای حاج شیخ محمدتقی فلسفی واعظ معروف که ترجمه‌اش در جلد دوم ص ۳۸۷ گذشت.

۲- حجهٔ‌الاسلام حاج میرزا ابوالقاسم تنکابنی که ترجمه‌اش بعد از این خواهد آمد.

۳- حجهٔ‌الاسلام و المسلمین علامه فقیه حاج میرزا علی آقا تنکابنی نزیل مشهد مقدس.

۴- آقای مرتضی فرید.

۵- آقای دکتر احمد فلسفی.

۶- آقای مهدی فلسفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۳/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۹ -۴۰۶ /۴).

تنکابنی، محمدمهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۸۰ ق)، عالم اصولی شیعه. پس از اخذ مقدمات، مدارج عالی فقه و اصول را در حوزه‌ی درس شیخ محمدصالح برغانی و شهید ثالث فراگرفت و علوم عقلی را نزد ملا- آقاحکمی قزوینی تلمذ کرد. سپس مدتی در کربلا و نجف از علمای بزرگ آن سامان کسب فیض نمود و مجددا به قزوین بازگشت و کرسی تدریس و رهبری را به دست گرفت و مشغول تالیف و تصنیف گردید. تنکابنی صد و یک عنوان رساله و کتاب کوچک و بزرگ دارد. از جمله آثارش: «خلاصه الاخبار»، فارسی در قصص پیامبران و ائمه؛ «ریاض المصائب»، به عربی؛ «طوالع الانوار»، به عربی؛ «وسیله النجاه»؛ «تفسیر البسمله»، به عربی؛ «تفسیر سوره الاخلاص»؛ «سر الایات»؛ «طوالع الانوار»؛ در فضائل ائمه اطهار؛ «مجامع الفقه»، در فقه استدلالی؛ «مجامع الانوار»؛ «الناسخ و المنسوخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۷۴/۱۰)، الذریعه (۱۷۷/۲)، مولفین کتب چاپی (۳۸۴/۶).

توکل، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رحیم توکل

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال ۴۹ ـ ۴۸ در سال ۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال ۶۰ ـ ۵۹ وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود ۴ سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال ۶۸ موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال ۷۷ به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال ۸۴ ـ ۸۳) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در میاحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

توکلی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله توکلی

محل تولد : ازنا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا شدم و تا سال ۱۳۶۷ در این حوزه مشغول تحصیل بودم در این مدت از محضر آقایان حجهٔ الاسلام مرادی، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین وحید میان آبادی- بهرهمند بودم در این دوره حدود ۱۳ بار هم به جبههٔ مقدس نبرد حق علیه باطل عازم شدم با قبولی در امتحانات پایهٔ های ۳و۵و۶ در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم سطوح مکاسب را نزد آیهٔ الله استادی، آیهٔ محفوظی و مرحوم آیهٔ الله وجدانی به پایان رساندم و رسائل نزد آیهٔ الله اعتمادی و کفایهٔ در محضر مرحوم آیهٔ الله پایانی تلمذ نمودم. در این سالیان در کنار دورس حوزوی مقطع دبیرستان را نیز به پایان رساندم و سال ۱۳۶۹ همزمان درس تفسیر و مقداری هم فلسفه را در محضر آیهٔ الله جوادی آملی کسب فیض کردم. از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه تهران- پردیس قم در رشته مدیریت پذیره شدم و تا ۱۳۷۳ مقطع کارشناسی را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۲ وارد پژوهشگاه حوزه دانشگاه شدم وهمکاری اینجانب این نهاد مقدس کماکان ادامه دارد.

تهرانی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه حضرت آیت الله حسن تهرانی

تولد و دوران کودکی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمد. پدرش مرحوم یوسف تهرانی از کسبهٔ تهران بود که ارادت عجیبی به روحانیت و مرجعیت شیعه داشت. او که خود از زاهدان زمان بود و نماز جماعت و نماز شبش هیچ گاه ترک نمی‌شد، از شاگردان و دوستداران مرحوم شیخ محمد حسین زاهد بود و همواره از این مرد نورانی بهره می‌برد. دوران تحصیل:

آیت‌الله تهرانی تحصیلات خود را در دورهٔ ابتدایی در تهران به پایان برد و سپس به مدرسه مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان رفت و به دلیل تلاش فراوان مورد عنایت آن مرد بزرگ قرار گرفت. او مدت دو سال با نظارت مرحوم برهان در آن مدرسه درس خواند و همواره در نماز مرحوم شیخ محمد حسین زاهد حاضر می‌شد. در این مدت تلاش او به حدی بود که توانست تمام الفیه ابن مالک را حفظ کند. الفیه ابن مالک که در واقع یک دوره ادبیات عرب به شمار می‌آید، حدود هزار بیت است که بسیاری از طلاب تنها ابیات مهم یا حدود نیمی از آن را در حافظه دارند، امّا آیت‌الله تهرانی به گفته خود، هر شب پس از صرف طعام، اشعار را مرور می‌کرد و تا اشعار مربوط به درس روز را حفظ نمی‌کرد، به بستر خواب نمی‌رفت. البته در این زمینه، سفارش‌های پدرش نیز بسیار مهمّ بود. پدرش که علاقه وافری به طلاب علوم دینی داشت، از هرگونه خدمت او در گستره‌های علمی دریغ نمی‌ورزید، تا آنجا که وقتی به همراه فرزندش به مدت ده روز به مشهد رفت، برای آن مدت کوتاه از یکی از روحانیان مشهد خواست تا به فرزندش دروس حوزه را تعلیم دهد تا پس از بازگشت از سفر، از دیگر دوستان خود عقب نیفتد!

آیت‌الله تهرانی پس از طی کردن دروس مقدمات، دروس دورهٔ سطح را در مدرسه مرحوم برهان در شهر ری آغاز کرد و پس از مدتی به سفارش یکی از استادان خود، که همواره کوشش شاگرد خود را از نزدیک می‌دید، به قم مهاجرت کرد تا از محضر استادان آن دیار عالم خیز بهره‌های بسیار برد. او در قم به محضر استادان بسیار شرفیات شد و فقه و اصول و فلسفه را تا سر حد اجتهاد فرا گرفت. استادان و دوستان:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او در شهر ری برای فراگیری معالم الاصول به درس آقا سید حسن آقایی می‌رفت و بخشی از شرح لمعه را در محضر آقا شیخ محمدرضا بروجردی فرا می‌گرفت.

با ورود به قم، قوانین و باقیماندهٔ شرح لمعه را در محضر آیت‌الله نوری همدانی فرا گرفت و در درس رسائل آیت‌الله مشکینی و در درس مکاسب و کفایه آیهٔالله مجاهدی تبریزی شرکت نمود. تلاش او به حدی بود که دورهٔ سطح را در سه سال به پایان رسانید.

آیت‌الله تهرانی پس از طی دورهٔ سطح، به دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله العظمی امام خمینی، آیت‌الله العظمی محقق داماد، آیت‌الله شیخ محمد تقی بروجردی، آیت‌الله العظمی حاج مرتضی حائری و آیت‌الله العظمی گلپایگانی ـ رحمهٔالله علیهم ـ رفت و در مدت کوتاهی که پس از عزیمت به حجّ، به عتبات عالیات رفته بود در درس امام(ره) و آیت‌الله العظمی خویی(ره) شرکت نمود. او اسفار و شفا و تفسیر را نیز در محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) آموخت.

او در سالهای تحصیل و تدریس خود با طلاب بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله محمد مؤمن، آیت‌الله ربانی املشی(ره)، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و آیت‌الله سید محمد کاشانی به عنوان دوستان و هم بحثهای ایشان نام برد. فعالیتهای علمی و فرهنگی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی در طول سالهای عمر خود تا هم اکنون، تلاشهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین طلبگی به امر تدریس اشتغال داشته است و سالها در حوزه‌های علمیه خواهران به آموختن مبانی فقه و اصول

پرداخته است.

از فعالیتهای مهم او در این عرصه، برگزاری جلسات امتحانات شفاهی و کتبی در حوزه علمیه و تعیین میزان رشد علمی طلاب بوده است که این امر حدود سی سال است که ادامه دارد. همچنین او در امتحاناتی که برای باز شناخت قضات و طلابی که تمایل به شرکت در رشته قضا داشتند، به عنوان طرح کنندهٔ پرسشهای امتحانی و ارزیاب حضور داشته است. فعالیتهای سیاسی:

آیت‌الله شیخ حسن تهرانی از سالهای آغازین نهضت اسلامی مردم ایران همواره در صف اوّل مبارزه حضور داشته است. او که در جوانی خود را سخت تحت تأثیر فعالیتهای سیاسی مرحوم نوّاب صفوی می‌داند، در موقعیتهای گوناگون به افشای ماهیت رژیم منحوس پهلوی و عوامل آن پرداخته است.

بخشی از فعالیتهای سیاسی او به تلاشهای او در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مربوط می‌شود. امضای او در بسیاری از اعلامیه‌های آن نهاد در سالهای پیش از انقلاب، از جمله اعلامیه خلع ید شاه از قدرت به چشم می‌خورد.

او در پیش از انقلاب برای اعلام وفاداری به امام(ره) در نجف به خدمت او می‌رسید و در ایران نیز مورد تهدید و بازداشت رژیم سابق قرار می گرفت، امّا فعالیتهای سیاسی او به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، او نیز به سیل خروشان ملت پیوست و همواره از خط ولایت فقیه دفاع می کرد. در سالهای دفاع مقدّس، بارها و بارها در جبهه‌ها حضور پیدا می کرد و سخنان دلنشین او همواره امیدبخش رزمندگان اسلام بود.

از فعالیتهای مهم او پس از انقلاب قضاوت در کمیته‌های انقلاب اسلامی بود که بعدها در قالب دادگاه انقلاب فعّال شد. همچنین او مدتی با عنوان قاضی دادگاهِ ویژه روحانیت و قاضی دادگاه انتظامی به فعالیت می‌پرداخت.

آیت‌الله تهرانی در سالهای آخر عمر شریف خویش در بخش امتحانات شورای مدیریت حوزه علمیه قم به ارزیابی وضعیت علمی طلاب می پرداخت و امامت جماعت مسجد باغ پنبه قم را بر عهده داشت. او همچنین به تدریس مکاسب و کتاب جواهر نیز اشتغال داشت.

آیت‌الله تهرانی در روز پنج شنبه ۱۴ دی ۱۳۸۵ در سن ۷۳ سالگی دار فانی را وداع و به سوی معبودش شتافت

خداوند او را با اولیاء الله محشور کند انشاء الله

ثابتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ثابتی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی ثابتی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۳۴۸ هجری قمری در همدان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. پدرش حضرت آیت الله میرزا محمد همدانی از علمای معروف همدان بود که خدمات بسیاری

را در همدان انجام داد وی در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری سالها در قم به تدریس اشتغال داشته از شاگردان طراز اول آن مرحوم به شمار می‌رفت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ایشان به همدان عزیمت کرده و در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی برابر با محرم سال ۱۳۶۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. استاد ثابتی در سن هفت سالگی تحصیلات خود را آغاز کرد. او در آغاز به دبستان رفت و در سال ۱۳۲۰ موفق به اتمام آن شد. پس از آن به کسب دروس دینی رو آورد و دروس مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش آغاز کرد؛ اما پس از مدتی پدرش به رحمت پروردگار شتافت و او ناگزیر به حوزه علمیه قم رو آورد تا در آنجا در محضر عالمان و استادان فرهیخته بهرهٔ بسیار ببرد. او در سال ۱۳۲۵ برابر با سال ۱۳۶۶ هجری قمری به قم آمد و ضمن اتمام باقیماندهٔ دروس دورهٔ مقدمات، به تحصیل دوره سطح رو آورد. پس از آن به درس خارج آیات عظام و علمای اعلام دورهٔ خود راه یافت و سالها از محضر علم و عمل آنان بهره‌مند شد. او در طی این سال‌ها از تحصیل اخلاق اسلامی و شرکت در درسهای اخلاق نیز غافل نماند و در کنار فراگیری فقه و اصول به تحصیل علوم فلسفی نیز مبادرت ورزید. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. او که جامع المقدمات و بخشی از سیوطی را نزد پدر فرا گرفته بود، در قم در درس مطول آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی شرکت کرد و معالم را نزد او و نیز آیت الله العظمی مکارم شیرازی و امام موسی صدر آموخت. او بخشی از لمعهٔ را نزد شهید آیت الله صدوقی(ره) و بخش دیگر آن و نیز رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مشکینی و کفایهٔ را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی(ره) فرا گرفت. با پایان یافتن دروس سطح به درس خارج آیات عظام بروجردی(ره)، امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و اراکی ـ رحمهٔ الله علیهم ـ راه یافت و سالهای متمادی از محضر آنان استفاده کرد. همچنین در بخش علوم عقلی، در درس شرح منظومه و شرح اشارات آیت الله منتظری شرکت جست. آیت الله ثابتی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان آیت الله نیری و آیت الله عراقچی اشاره کرد. آیت الله ثابتی در سالهای عمر خود تا به امروز، در عرصه علم و فرهنگ خدمات بسیاری از خود برجای نهاده است. از جمله آنها سفرهای تبلیغی به مناطق گوناگون، عضویت در شوارى استفتائات دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی(ره)، تدوین کتاب مجمع المسائل (حاوی استفتائات آن مرجع تقلید) و عضویت در شورای استفتائات آیت الله العظمی صافی گلپایگانی(ره) است. همچنین وی سالها به تدریس کتب دورهٔ مقدمات و سطح اشتغال داشته و از این رهگذر، طلاب بسیاری را در مکتب تشیع تربیت کرده است. فعالیتهای سیاسی آیت الله ثابتی در پیش و پس از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشته است. او بارها به افشای ماهیت رژیم طاغوت در شهرهای گوناگون پرداخت همچنین وی از کسانی بود که به دیدار تبعید شدگان در مناطق گوناگون کشور می‌رفت؛ از جمله آ نها، سفر به ایرانشهر و دیدار با رهبر معظم انقلاب که در آن روزگار در تبعید به سر می‌بردند، بود. آیت الله ثابتی هم اکنون در قم حضور دارد و از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است.

ثقفی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثمری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ثمری

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و در موسسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. ادبیات و فقه و اصول تا اواسط رسائل و مکاسب را از محضر اساتید معظم صلواتی، تقوی، استادی، مقتدایی، تهرانی، و در ادامه از محضر آیت الله ستوده و آیت الله اعتمادی بهره‌مند شدم. در سال ۱۳۵۹ با تاسیس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم توسط شهدای بزرگوار بهشتی و باهنر در آزمون ورودی مدرسه مذکور شرکت نموده و به مدت یک سال از محضر اساتید آیت الله شاهرودی دکتر احمدی و بقیه اساتید اقتصاد اسلامی فلسفه روانشناسی ادبیات و بقیه دروس را با معدل ۱۸ و اخذ مدرک کارشناسی به پایان رساندم .

در سال ۶۰ در آموزش و پرورش مشهد مشغول تدریس در مراکز تربیت معلم مشهد شدم. از سال ۶۳ مدتی به عنوان عضو هسته گزینش آموزش و پرورش خراسان و سپس معاون پرورشی آن اداره در ضمن تدریس در مراکز تربیت معلم و شرکت در درس کفایه آیت الله مرتضوی تا سال ۶۵ که برای ادامه تحصیل به قم منتقل شدم انجام وظیفه نمودم.از سال ۶۵ ضمن تدریس در دبیرستان‌های قم در درس خارج فقه و اصول آیات عظام منتظری، سبحانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی به مدت ۱۵ سال شرکت نمودم.

مدت ۵ سال با نظارت آیت الله نوری همدانی بحث حج و مسائل مستحدثه را به صورت استدلالی زیر نظر اساتید بزرگوار ممدوحی و خلیلی بررسی نمودم. از سال ۷۶ به عنوان روحانی حج و عمره در خدمت زائرین بیت الحرام می‌باشم و در طول سال علاوه بر تدریس از منبر وعظ و خطابه در مساجد شهر مقدس قم و بقیه شهرها برای تبلیغ معارف اسلام بهره‌مند می‌باشم به علاوه مدت ۳ سال است به عنوان استاد تاریخ اسلام در دانشگاه تدریس دارم.

جاربردی، فخرالدین، ابوالمکارم احمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۶ ق)، فقیه و ادیب شافعی. وی از فضلای شاگردان قاضی بیضاوی و از داناترین دانشمندان تبریز بود و اوقات خود را بیشتر به تدریس و تالیف در زمینه علوم عقلی و نقلی صرف می‌کرد. بین جاربردی و قاضی عضدی ایجی مشاجرات بسیاری در علوم بود. وی در تبریز درگذشت. از تالیفات او: «الحواشی علی الکشاف» زمخشری؛ شرح «المنهاج» بیضاوی؛ حاشیه بر «شرح المفصل» ابن حاجب، در نحو؛ «شرح اصول البزدوی»؛ «شرح الحاوی الصغیر» قزوینی، و فروع فقه شافعی؛ «شرح الشافیه»، ابن‌حاجب، در صرف؛ «شرح الهدایه للمرغینانی» در فروع حنفیه؛ «المغنی»، در نحو.[۱]

(منسوب به جاربرد) ابوالمکارم فخرالدین احمد ابن حسن بن یوسف، دانشمند معروف قرن هشتم (ف. تبریز ۷۴۶ ه.ق.) وی پیوسته

موظبت بر تحصیل علوم می کرد و به افاده طالبان علم ممارست داشت.

او ساکن تبریز بود و در همانجا درگذشت. جاربردی نزد قاضی بیضاوی صاحب تفسیر معروف تلمذ کرده و با قاضی عضدالدنی ایجی معارضات و مناقضات داشته. وی تألیفات بسیار دارد از جمله: شرح شافیه ابن الحاجب در علم صرف، کتاب السراج الوهاج که شرح بر کتاب منهاج استادش قاضی ناصرالدین بیضاوی است در علم اصول، تعلیقات بر کشاف. المغنی که رساله‌ایست در نحو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۰۷/۱)، حبیب السیر (۲۳۲/۳)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۴۵ /۱)، ریحانه (۳۸۰/۱)، کشف الظنون (۶۲۶، ۱۰۲۱، ۱۴۷۸، ۱۸۷۹، ۲۰۳۶، ۲۲۲)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۳۷/۲)، معجم المولفین (۱۹۹ -۱۹۸ /۱)، هدیه العارفین (۱۰۸/۱).

جباریان، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا جباران

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم.در سال ۱۳۵۶ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمدم و تا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مدت ۱۵ ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جبرئیلی، محمدصفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صفر جبرئیلی

محل تولد : بیجار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صفر جبرئیلی در سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی را در کرج و سپس شهرری آغاز کرده و در قم ادامه داده ام که هنوز هم اشتغال دارم. طبق سنت حوزه از سال های آغازین تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشته ام.و لذا کتاب های ادبیات، منطق، فقه و اصول نیز در شهرری، کرج و قم تدریس کرده ام.با اینکه با سیکل وارد حوزه شدم اما در کنار آن چهار سال دبیرستان را ادامه دادم و با اینکه به جهاتی زمینه ورود به دانشگاه را داشتم اما علاقه به حوزه و دروس آن موجب نرفتن به آن مرکز علمی شد.با شروع مراکز تخصصی حوزه به جهت علاقه و دغدغه ای که در مباحث کلامی داشتم در مرکز تخصصی کلام شرکت کردم و مدت چهار سال در سطح چهارم اشتغال به تحصیل داشتم و از اساتید بزرگواری چون آیت آلله سبحانی، حجج اسلام ربانی گلپایگانی، فیاضی و دیگران استفاده کردم.بعد از گذشت یک سال از اتمام تحصیل برای تدریس در آن مرکز دعوت شدم. اکنون سومین سال است که در آنجا برای سطح ۲ و ۳ تدریس دارم.به علاوه در مرکز جهانی مرکز تخصصی فلسفه، و فرق و مذاهب نیز اشتغال به تدریس دارم. در بعضی مدارس حوزه نیز این توفیق را داشتم که به جهت کثرت اشتغال از ادامه آن محروم شدم.به جهت علاقه ای که به تحقیق داشتم از دهه هفتاد رسما "به نوشتن و تحقیق پرداختم که بعضی از مقالات در مجلات علمی چاپ شده است. با توجه به احساس نیاز در کنار درس در زمان های خاص به تبلیغ و منبر و از جمله در دانشگاه اشتغال دارم.با مراکز علمی و تحقیقی نیز ارتباط و همکاری داشته و دارم.در خارج اصول حضرت آیت الله سبحانی و در خارج فقه در درس آیت الله شبیری زنجانی بهره برده ام که دومی هنوز ادامه دارد.

جرموقی خراسانی، مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۷۹ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر. به جرموق از روستاهای خراسان انتساب دارد. وی از علمای بزرگ کاظمین به حساب می‌آید. او در علوم عربیت و در فنون عقلی و در قواعد فقهی و اصولی ماهر بود. سید محمدمهدی صاحب «احسن الودیعه» از شاگردان جرموقی است. در کاظمین درگذشت و طی تشییع باشکوهی در نجف دفن شد. از آثار وی: شرح «کفایه الاصول»، در

فقه؛ رساله‌ای در «متنجّس»؛ «الاسئله الکاظمیه»؛ «دیوان» شعر؛ حواشی غیر مدون بر کتب علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۵/۸)، الذریعه (۱۸۸/۶، ۹۱ -۹۰ /۲)، علماء معاصرین (۱۲۶ -۱۲۵).

جزایری شوشتری نجفی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۳۰۷ ق)، فقیه اصولی. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات را در زادگاهش فراگرفت، سپس به نجف رفت و نزد فضلای آنجا تحصیل سطوح کرد و پس از آن در محضر میرزا محمدحسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد و تقریرات آنان را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. پس از مدتی به علت کسالت به تهران آمد و تا آخر عمر در این شهر ساکن شد. وی در تهران درگذشت و در ابن‌بابویه دفن شد. از آثار او: «تنبیه الجاهلین»، در اصول دین؛ «منهج الیقین»، عربی منظوم در اصول و فروع دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰/۳)، الذریعه (۲۰۰/۲۳، ۴۴۲ -۴۴۱ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۸۱/۱).

جزایری شوشتری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد، همان جا نشو و نما کرد و سپس به نجف مهاجرت کرد و در نزد شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر» و سید علی شوشتری درس خواند و با شیخ مرتضی انصاری مصاحبت داشت. قبرش در مقبره‌ی استادش سید علی شوشتری است. از او فرزندانی به جای ماند که همگی از علمای دینی بودند. از آثار وی: «فواکه الاحکام»، در فقه، در هشت مجلد؛ «فواکه الاصول»، در اصول، در دو مجلد؛ «فوز العباد»، در فقه، که رساله‌ی عملیه او است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸/۶)، الذریعه (۳۷۰ -۳۶۹، ۳۶۵ /۱۶)، فوائد الرضویه (۱۳۵)، معجم المؤلفین (۸/۴).

جزایری شوشتری، عبدالصمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۴۳ ق)، فقیه اصولی و محدث. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد. مقدمات علوم را در

زادگاهش فراگرفت، سپس به عراق رفت و در نجف به مجلس درس شیخ انصاری و میرزای شیرازی پیوست. از بزرگانی چون میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج شیخ جعفر شوشتری و حاج ملاعلی میرزا خلیلی اجازه گرفت. پس از چندی به شوشتر بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در نجف به خاک سپرده شد. شوشتری در اغلب زمینه‌های علوم اسلامی کتابهایی نوشته است. از جمله آثار وی: «الاجازات»؛ نظم «کافیه‌ی» ابن حاجب، در نحو؛ «التحفهٔ النظامیهٔ»؛ تعلیقه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «فصل الخطاب»، در تفسیر آیه «ان اللّه اشتری...»؛ حاشیه‌ی «الروضهٔ البهیهٔ» در شرح «اللمعهٔ الدمشقیهٔ»؛ «شرح نتیجهٔ الأنظار»، منظومه عبدالرحیم شوشتری؛ «المحاکمات» میان صاحب «قوانین» و صاحب «فصول»؛ «نقد البیان و بناء التبیان»؛ «رسالهٔ المنطق».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷/۸)، الذریعه (۲۷۴ -۲۷۳ /۲۴ ، ۱۳۳/۲۰، ۲۲۹ -۲۲۸ /۱۶، ۹۹/۱۴، ۹۵/۶، ۴۷۸/۳، ۲۱۷، ۱۶۴ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳۳ -۱۱۳۲ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۰۸ -۴۰۷ /۵)، مکارم الآثار (۱۲۰۶ -۱۲۰۵ /۴).

جعفر پیشه فرد، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جعفر پیشه فرد

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد شهر اصفهان در سال ۱۳۴۰ می باشم. سال ۱۳۵۸ دررشته ریاضی فیزیک از دبیرستان ادب اصفهان موفق به اخذ دیپلم گردیدم. اواخر دوره دبیرستان در کنار دروس دبیرستان و همزمان با دوران خفقان و مبارزات علیه نظام ستم شاهی و شرکت در جلسات مذهبی به همراه شهیدان بزرگواری همچون مصطفی ردانی پور و شهیدان عبدالله و رحمت الله میثمی با الهام از اندیشه های متعالی امام خمینی (قدس سره) شروع به خواندن دروس حوزوی و جامع المقدمات کردم. سال ۱۳۵۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. تا سال ۱۳۶۱ دروس مقدماتی را نزد اساتید گرانقدر آن حوزه کهن شامل: جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، معالم الاصول وبخش هایی از مختصر المعانی ، بدایهٔ الحکمه، منظومه ، منطق ، شرح لمعه و غیره را به پایان بردم. درسال تحصیلی ۶۱ توفیق ورود به حوزه علمیه پر رونق و با نشاط قم نصیبم گردید و ادامه دروس سطح را که از اصفهان شروع شده بود نزد اساتید برجسته و مبرز حوزه در آن زمان همچون آیات و حجج بزرگوار، ستوده، وجدانی فخر، اشتهاردی، اعتمادی، سید علی محقق داماد، مسعودی، صالحی افغانی (حفظهم الله) به پایان بردم و از سال ۱۳۶۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حوزه، به ویژه حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ محمد تقی بهجت، شبیری زنجانی، وحید خراسانی و غیره شرکت جستم.

ضمنا در طول دوران تحصیل همزمان با تحصیل در فقه و اصول از دروس حکمت اساتید بزرگوار حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و مصباح یزدی بهره جسته و موفق به تلمذ کتاب های منظومه، اسفار، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم، و غیره شد ه ام. در کنار خوشه چینی از محضر اساتید حوزه و تحصیلات حوزوی، در دوره اول کارشناسی ارشد تربیت مدرس دارالشفاء

قم نیز به سال ۱۳۶۷ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۱ با دفاع از پایان نامه آن دوره را با عنوان " پدیده و علیت " موفق به اخذ مدرک آن گردیم. در بخش تـدریس همزمان با تحصیل در حوزه اصـفهان به لطف الهی درس و بحث متون خوانـده شده را آغاز کردم و این برنامه همواره تا حال حاضـر، با عنایت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف تداوم داشته است و از دروس مقدماتی و ادبیات تا شرح لمعه وسطوح عالی همچون حلقات الاصول، رسائل و مکاسب و کفایه تا خارج فقه و اصول و همچنین دروس منقول همچـون بـدایه و نهایـهٔ الحکمه و اسـفار اربعه را ، به فضـل پروردگـار در مراکز مختلـف علمی حـوزه، همچون فیضـیه، دارالشـفاء ، مـدرسه حجتیه، مـدرسه شـهیدین، جـامعه الزهرا، یـا دانشـگاه هـا ارائه کرده ام و هم اینک به عنوان هیئت علمی و عضو گروه فقه و اصول مرکز جهـانی توفیق خـدمت دارم ؛ ضـمن آنکه از سـال ۱۳۷۶ همکـاری با بخش اسـتفتائات کتبی و شـفاهی دفتر مقام معظم رهبری ، نصـیبم شـده است. در بخش پژوهش و تحقیـق، کـار رسـمی تحقیق و قلم زدن حقیر به طور رسـمی از حـدود سال ۷۲ با همکاری با ستاد مبارزه با مواد مخدر و تالیف کتاب اضرار به نفس، با کمک بعضی از دوستان شروع شد و در ادامه به همکاری در بخش تحقیقات دبیرخانه خبرگان و برخی مراکز پژوهشـی دیگر پرداختم که حاصل آن ارائه چنـدین جلـد کتاب بوده است، ضـمن آنکه توفیق تهیه ده هـا مقاله برای کنگره ها و نشـریات معتبر داخلی و خارجی و روزنامه ها را داشـته ام و اکنون افتخار عضویت در تحریریه برخی از مجلات مثل مجله حکومت اسلامی را دارا می باشم.

جعفری پور، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن جعفری پور

محل تولد : رفسنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

جعفری فرانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جعفری فرانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدائی را در زادگاهم (روستای فرانی از توابع شهرستان اردستان واقع در استان اصفهان گذراندم و برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمائی و دبیرستان راهی شهر اصفهان شدم در سال ۱۳۵۸ در رشته علوم تجربی در دبیرستان صارمیه اصفهان موفق به دریافت دیپلم شدم در سال ۱۳۶۱ پس از سپری کردن دوران نظام وظیفه برای تحصیل در حوزه به شهر مقدس قم عزیمت نمودم و از این سال تحصیلات حوزوی را در مقطع ادبیات آغاز کردم . در سال ۱۳۶۹ دوره سطح را تمام کردم و در حلقه درس خارج آیات عظام شرکت نمودم که در حال حاضر نیز به صورت مختصر ادامه دارد در کنار دروس فقه واصول در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی نیز مدتی شرکت نمودم.

در سال ۱۳۷۰ همزمان با تحصیلات حوزوی تحصیل در دانشگاه را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک دانشگاهی در رشته حقوق از داشنگاه مفید شدم و در سال ۱۳۷۶ نیز با شرکت در آزمون سراسری کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم) پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه با عنوان (فلسفه مجازات از دیدگاه اسلام و نظام غرب) فارغ التحصیل شدم در همین ایام به فعالیتهای اجرائی و فعالیت های کم و بیش علمی اشتغال داشته ام .

جعفری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جعفری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱۰/۱۸

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۷۳بعد از اتمام خدمت سربازی به حوزه علمیه تهران وارد شدم و د ر مدرسه امین الدوله خدمت حضرت آیهٔ الله حق شناس دام ظله مشغول فرا گیری علوم حوزوی شدم. بعد از اتمام پایه ششم درسال ۱۳۷۶به مدت یکسال در مدرسه امام حسین علیه السلام تهران مشغول کار آموزشی بودم. بعد از آن به قم مقدسه آمدم .

در سال ۱۳۷۸ در دروس مکاسب و رسائل مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی مشغول تحصیل شدم و د رهمان سالها درکلاسهای به اصطلاح تابعه که از طرف دفتر آیه الله فاضل(ره) برگزار شده بود شرکت داشتم تا اینکه در سال ۱۳۸۳وارد مرکز تخصصی فقه واصول ائمه اطهار و درحال مشغول می باشم . در ضمن به طور غیر حضوری در مؤسسه امام خمینی(ره) در رشته کلام مشغول تحصیل می باشم.

جعفری، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رسول جعفری شیاده

محل تولد : شیاده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید رسول جعفری شیاده معروف به جعفری فرزند مرحوم سید علیجان جعفری شیاده در سال ۱۳۳۱ ه. ش در روستای شیاده از توابع شهرستان بابل به دنیا آمدم. دوران کودکی را در آنجا سپری کردم اما با وجود مدرسه دولتی در آن جا ، از تحصیل

در آن محروم بودم؛ زیرا مرحوم پـدرم چنین می پنداشت که در مدارس دولتی نه تنها بچه ها تربیت اسلامی پیدا نمی کنند که بی تربیت نیز می شونـد! و بی دین بار می آینـد لکن چون خود او سواد قرآنی یا خواندن و نوشتن داشت، مرا نیز بر این اساس خوانا و نویسا بار آورد؛ لـذا در سن شانزده سالگی یعنی در اواخر سال تحصیلی ۱۳۴۷ ه ش، که به مـدرسه علمیّه مسجد آقا عباس آمل به عنوان طالب علم مراجعه کردم.

زمینه تحصیل علوم حوزوی را داشتم و در سال بعد به حوزه علمیه مسجد جامع شهرستان آمل منتقل شدم و چون همزمان با دوران خدمت سربازی بود و می بایست کارت تحصیلی دوره آموزش و پرورش دریافت می کردم و این مشروط به داشتن حداقل مدرک ششم ابتـدایی بود و من از آن محروم بودم، به ناچار به راهنمایی مرحوم آیت الله سعیدی کاشمری مدیر حوزه علمیّه مسجد جامع، در کلاس ششم ابتـدایی به صورت متفرقه یا کلاس شبانه در دبستان سعدی مشغول تحصیل شـدم و پس از سه ماه در امتحانات خرداد ماه ۱۳۴۹ شرکت کردم و قبول شدم.

قبولی در این آزمون که به آسانی و صرف کمترین هزینه و وقت همراه بود، مرا وسوسه یا تشویق کرد که همزمان با ادامه تحصیل دروس حوزوی ـ و البته به صورت قاچاق و به دور از چشم مدیریت مدرسه! ـ و هم چنان به صورت متفرقه، دروس دبیرستانی را پی گیری کنم و بنـا بر این در خرداد سال ۱۳۵۰ در کلاس اول دبیرستان نیز قبول شـدم. در همین سال ـ یعنی سال ۱۳۵۰ ـ برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه حاج شیخ عبدالحسین پاچنار یا مدرسه آذربایجانی ها مشغول شدم. در این مدرسه که بـا اشراف مرحوم آیت الله خسروشاهی اداره میشـد، در مـدت سه سال تحصیلی، قسمتی دیگر از مقـدمات و نیز سطح و همزمان کلاس هشتم و نهم دبیرستان ـ نظام قدیم ـ به اتمام رسید. درسال ۱۳۵۳ به حوزه مقدسه قم وارد و مشغول تحصیل شدم و درسال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ قسمتی از مقـدمات را تـدریس می کردم و در این سال هـا تا سال ۱۳۶۰ که البته در اثر انقلاب و پیروزی انقلاب شکوهمنـد اسلامی به طور طبیعی بـا تعطیلی دروس حوزوی همراه بود، لمعتین، اصول فقه، رسائل و مکاسب و کفایه و در علوم عقلی، بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی را به پایان رسانیدم.

در سال ۱۳۶۰ توفیق حضور در در س های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و بعدها آیت الله شیخ جواد تبریزی را یافتم. در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در کلاس های عربی و انگلیسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شرکت کردم و به مدت دو سال، همزمان با تحصیل علوم حوزوی دوره مکالمه و انشاء زبان عربی و انگلیسی را به پایان بردم. در سال ۱۳۶۳ دوره آموزش یا معلمی زبـان انگلیسی را در بخش زبان نیروی هوایی جمهوری اسلامی در تهران به اتمام رسانیـدم و مـدتی نیز در قسمت آموزش زبان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تدریس این زبان اشتغال داشتم اما چون به نظر می رسید اشتغال به تدریس زبان با اشتغال به تدریس و تدرس دروس حوزوی برخورد دارد، از آن صرف نظر کردم.

در سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ ضمن تحصیل در درس هـای خـارج فقه و اصول وشرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار اربعه تا جلد چهارم را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی (دام ظله) تتلمذ کردم که در آن سال (۱۳۶۸) به علت منع پزشکان از تـدریس حضرت آیت الله حسن زاده آملی، حوزه علمیه از افـاضه این فیض الهی محروم شدم. در سال ۱۳۶۱ به مدت چهار سال تحصیلی، به صورت هفتگی جلسات ادبی فارسی به همراه دوستان برگزار می کردم و در این ارتباط، مقالات ادبی و وصفی و تحقیقی و اشعاری چنـد آفریـده شد. در سال ۱۳۶۹ در مـاه مبـارک رمضان برای اولین بار به عنوان مبلغ عرب زبان به لبنان اعزام شدم که این مساله به لطف خداوند در ایام تبلیغی محرم و رمضان و گاه تعطیلات تابستان ادامه یافته است و هم چنان ادامه دارد.

البته در خلال این سال ها یعنی در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ دو بـار به عنوان مبلغ به یونان اعزام شـدم که برای ایرانیان ، مهاجران عرب و پاکستانی به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی تبلیغ می کردم. هم چنین چند بار در سوریه مشغول تبلیغ بوده ام. از سال ۱۳۷۴ نیز به

عنوان مبلغ زبان دان در ایام حج تمتع و عمره، توفیق تشرف دارم. ضمن اینکه در قسمت روحانیون کاروان ها نیز چند بار به عنوان حج تمتع و عمره مفرده تشرف حاصل کردم. در سال ۱۳۷۰ باتفاق تنی چند از دوستان به صورت گروهی مشغول تحقیق، تدوین و مباحثه در زمینه موضوعات فقهی شدم که با اشراف حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی صورت می گرفت و درسال ۱۳۷۶ این تحقیقات شکل دیگری به خود گرفت و به مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام که با دستور معظم له تاسیس شد، منتقل شد و از آن تاریخ تا کنون بنده توفیق همکاری با آن مرکز را دارم که در این ارتباط رساله های فقهی تنظیم و تدوین شده است. ضمنا به تدریس لمعتین، اصول فقه، شرح منظومه مرحوم سبزواری و بعدها در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به تدریس سطوح عالی: مکاسب محرمه، رسائل، کفایه و مکاسب اشتغال داشته و دارم. در ضمن در برخی از مدارس علمیه قم در زمینه ادبیات فارسی و دروس حوزوی مشغول تدریس بوده و هستم. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

جعفری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی جعفری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۹قم دوره ابتدایی: دبستان فیض و شاهد نور علم قم دوره راهنمایی: مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان)

دوره دبیرستان (رشته ریاضی فیزیک): مدرسه تیزهوشان (مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان) ورود به حوزه علمیه قم: ۱۳۷۴ (پس از اشتغال به دروس حوزوی، ادامه دبیرستان را به صورت داوطلب آزاد امتحان دادم و در سال ۱۳۷۷ دیپلم ریاضی گرفتم)

اتمام کتبی و شفاهی پایه ۱۰حوزه علمیه درسال ۱۳۸۱

اساتید سطح حوزه: استاد حسینی عاملی و حسینی خراسانی(ادبیات عرب)- استاد ناصری، استاد مدنی و استاد مسعودی(شرح لمعه)- استاد سلیمانی و استاد محمدی پور(اصول)- مرحوم آیت الله احمدی میانجی(مکاسب محرمه)- آیت الله استادی (رسائل)- آیت الله موسوی تهرانی (کفایه)- استاد علیدوست (مکاسب) از سال ۱۳۸۱ حضور در درس خارج آیت الله وحید خراسانی

دریافت لیسانس حقوق با احراز رتبه اول گروه از موسسه امام خمینی(ره) در سال ۱۳۸۳

اتمام دوره عالی زبان انگلیسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در سال ۱۳۸۳ دریافت فوق لیسانس حقوق خصوصی با احراز رتبه اول گروه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ و انتخاب پایان نامه به عنوان پایان نامه برتر دانشکده

شروع به تدریس در دانشگاهها از سال ۱۳۸۵ اتمام خدمت سربازی در اردیبهشت ۱۳۸۷ اشتغال به تحصیل در دوره دکتری تخصصی (Ph.D) حقوق خصوصی در دانشگاه قم از مهر ۱۳۸۷

مدیریت گروه فقه و حقوق پژوهشکده باقرالعلوم(ع) از خرداد ۱۳۸۷

جلالی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس جلالی

محل تولد : روستای جواران کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی به شهرستان سیرجان یکی از شهرهای استان کرمان مهاجرت و پس از فراگیری مقدمات در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه مقدسه قم شد و با شرکت در دروس اساتیدی چون مرحوم مدرس افغانی، مرحوم عرفانیان، استاد باکویی، مرحوم وجدانی فخر، مرحوم ستوده، آیت ا... فاضل لنکرانی و بالاخره آیت ا... وحید خراسانی ، به تحصیل علوم حوزوی پرداخت.

در کنار دروس حوزوی به دلیل اشتیاق فراوان نسبت به فراگیری زبان عربی روز، در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در محضر اساتیدی چون: دکتر ابو یاسر، دکتر ابو حارث،استاد کورانی لبنانی، زبان عربی راآموخت و پس از چندی به فراگیری زبان انگلیسی نیز همت گماشت که به اخذ پایان نامه عالی از هر دو زبان نائل شد. از همان آغاز، به ترجمه متون عربی علاقه فراوان داشت از این رو، از مقالات آسان مجله کودکان« الهدی» شروع نموده و رفته رفته وارد متون دشوارتر شد ودر موضوعات گوناگون به ترجمه عربی جدید پرداخت.

در همین راستا جهت تسهیل امر آموزش فضلا و طلاب، ۳ جلد کتاب درسی عربی جدید حوزه به نام«المدخل الی تعلم المکالمهٔ العربیهٔ» با قرائت متن، توسط دو تن از اساتید بزرگ همان مرکز استاد ابو عقیل الحیدری، استاد ابوذر الحکیم، همزمان توسط ایشان به فارسی ترجمه شد که در ۴۵ نوار کاست در واحد صوت و نوارخانه دفتر تبلیغات موجود است. همچنین به دعوت سازمان حج و زیارت، و در جهت تسهیل آموزش و آشنائی مدیران کاروان های آن سازمان به زبان عربی جدید، کتاب «گفتگو» در ۱۲ نوار کاست توسط ایشان ترجمه شده.

جمالی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی جمالی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالاـ دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم . درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایهٔ الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ،

روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .
البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جمشیدی، محمود رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود رضا جمشیدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در قم و در میان خانواده‌ای پرهیزگار و دوستدار خاندان پیامبر گرامی اسلام به دنیا آمد. پدرش به پیشه تولید و عرضه لوازم تأسیسات اشتغال داشته از آن راه روزگار می گذارند. مادرش نیز زنی پاکدامن بود که به اهل کرامت بودن و پرهیزگاری شهرت داشت و نقش بسیاری در تربیت فرزند خود بر عهده داشت. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی دروس کلاسیک خود را تا مدرك دیپلم و تا سال ۱۳۶۲ به پایان رسانید و سپس به دروس حوزوی روی آورد. البته پیش‌تر بخشی از جامع المقدمات را در ۱۲ سالگی آموخته بود و مدتی نیز در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخته بود. او در سالهای دبیرستان کتب شهید والا- مقام مطهری(ره) و علامه سید محمد حسین طباطبایی(ره) را بارها خوانده بود و از مطالعه دیگر کتب اسلامی نیز باز نمانده بود. وی تحصیلات دورهٔ سطح را در مدت چهار سال به پایان رسانید و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان مبرّز و برجستهٔ حوزه علمیه قم راه یافت و در کنار آن از تحصیل فلسفه و علوم عقلی نیز باز نماند. تحصیلات دورهٔ سطح او در مدرسه رضویهٔ قم بود و در طول سالها تحصیل در ایام فراغت و تابستان به حوزه‌های علمیه شهرهایی نظیر مشهد می‌رفت و در آنجا نیز به مباحثه و مطالعه دروس خود می‌پرداخت و گاه از محضر استادان بهره می‌برد و همچنین زبان لاتین را به خوبی آموخت. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی درطول سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او جامعه المقدمات را نزد آیهٔ الله عابدی، سیوطی و مطول را نزد آیهٔ الله علوی مغنی را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین طالقانی و حاشیه ملا- عبدالله و معالم الاصول را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین هادوی فرا گرفت. برای آموختن شرح لمعه به درس حضرات آیات راستی کاشانی و کریمی جهرمی رفت واصول فقه را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین محسن وحید خراسانی - فرزند آیهٔ الله العظمی وحید خراسانی - فرا گرفت. رسائل را نزد استادان صادق لاریجانی، سید رسول تهرانی و میرباقری و کفایهٔ الاصول را نزد استاد صادق لاریجانی آموخت. وی همچنین مکاسب محرمه را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین اسلامیان و کتاب بیع و خیارات را از محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن مصلحی اراکی بهره برد. او بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ را نزد حجهٔ الاسلام و المسلمین میرباقری و اسفار اربعه را نزد آیهٔ الله جوادی آملی فرا گرفت. در بخش

خارج نیز به دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات و آیات عظام مددی، شیخ محمد شاه آبادی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالیان تحصیل، دروس فرا گرفته را با فضلای بسیاری مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان حجج اسلام سلیمانی، صادقی، الهی، سبحانی، برنجکار و محمود منتظری را نام برد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او مدت بسیاری در گروه کلام جدید که با ارشاد آیهٔ الله مصباح یزدی و به ریاست حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ صادق لاریجانی تشکیل می‌شد شرکت داشت. این گروه ضمن ترجمه مباحث کلام جدید غرب به مطالعه و کاوش در آن می‌پرداخت و آن را در جلسات مختلف به بحث و تبادل نظر می‌نهاد.حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در سالهای تحصیل خود عضو شورای دبیری نشریه راه انقلاب بود. این نشریه ویژه کودکان و نوجوانان بود. وی در طول سالیان تحصیل خود همواره به تدریس نیز اهمیت بسیاری داد و بارها کتب دورهٔ سطح را تدریس نموده است که این مسأله، هم اکنون نیز ادامه دارد او نوشته‌های بسیاری را برای چاپ آماده کرده است که از جمله آنها می‌توان به کلیات تطبیقی علم رجال، تقریرات دروس اساتید خود، حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر کفایهٔالاصول و حاشیه بر رسائل اشاره کرد. از فعالیتهای مهم وی در این عرصه دبیری ستاد اصلاح ساختار حوزه بود که به دنبال فرمان امام(ره) که به «منشور روحانیت» شهرت یافت، تشکیل شد. وی در این ستاد فعالیتهای ارزنده بسیاری را به انجام رساند. او همچنین سالها قائم مقامی حوزه علمیه خواهران را پذیرفت و در آن مرکز نیز خدمات بسیاری را به انجام رساند که این خدمت هم اکنون نیز ادامه دارد. حجهٔ الاسلام و المسلمین محمود رضا جمشیدی همواره با سیل خروشان ملت ایران برای نابودی نظام طاغوت همگام بوده از دوران نوجوانی به فعالیتهای انقلابی اهتمام ویژه‌ای داشت. او در سالهای تحصیل خود در مدرسه رضویه با چاپ نشریه‌ای، به شبهات سیاسی و اعتقادی سید مهدی هاشمی معدوم پاسخ می‌گفت و هماره از خط مستقیم ولایت پاسداری می‌کرد. از فعالیتهای او در این عرصه عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در آن موقعیّت، امری خطیر و مهم می‌بود و در سالهای بعد، نتایج مثبت بسیاری بر جای نهاد. حجهٔ الاسلام و المسلمین جمشیدی در طول سالهای دفاع مقدس بارها و بارها به جبهه شتافت و در عملیات‌های مهم بسیاری حضور یافت تا در کنار تحصیل علم، وجود خود را به ادای وظیفه و عمل صالح نیز زینت بخشد. از تلاشهای مهم او پس از پیروزی انقلاب اسلامی توان به عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مسؤولیتهای اجرای وی در این نهاد مقدس اشاره کرد که نتایج مثبت آن در سالهای کنونی ظاهر شده و همگان را به تحسین وا داشته است.

جنتی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد جنتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱۲/۳

زندگینامه علمی

آیهٔ الله احمد جنّتی در سوم اسفند ۱۳۰۵ هجری شمسی در روستای لادان از بلوک ماربین، واقع در سه کیلومتری غرب شهرستان

اصـفهان، چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم ملا هاشم از روحانیون وارسـته و بزرگی بود که از شنبه تا چهارشنبه در شهر اصفهان حضور داشت و به تـدریس علوم حوزوی می‌پرداخت و روزهـای پایانی هفته را در روستا به سر می‌برد. مردم روستای او که بیشتر کشاورز و دامدار بودند و عمدتاً از نظر اخلاقی در جایگاه مناسبی قرار داشتند، اگر دچار اختلافی می‌شدند برای حل و فصل مسائل خود به او مراجعه می‌کردند، وی تا پایان عمر رابطه‌اش را با حوزه علمیه اصفهان قطع نکرد و از محضر عالمان بزرگی همچون حاج آقا رحیم ارباب و حاج سید علی نجف آبادی بهره برده بود در آمـدش منحصـر به وجوه شـرعی و یا از طریق وعظ و خطابه بود. او یک فرزنـد بیشتر نـداشت. مادر آیهٔ الله احمد جنّتی نیز زنی پاک و صبور بود و علاوه بر خانه داری، قرآن و برخی از کتب دینی را تـدریس و بعضـی از جلسات مـذهبی را نیز اداره می‌کرد و با صبر و قناعت، زنـدگی می‌گذارنـد. در زادگاه آیهٔ الله جنّتی و کل آن منطقه مـدرسه‌ای وجود نـداشت؛ از این رو او به مکتب خانه رفت و خود، انـدکی از دروس جدید را خواند و بعدها در قم، مقداری زبان انگلیسی فرا گرفت. او دورهٔ ادبیات عرب و مقدمات سطح را تا سال ۱۳۲۴ در حوزه علمیه اصفهان خواند. دوران نوجوانی او با اختناق رضاخانی همراه بود: پوشیدن لباس روحانی برای بسیاری از طلاب ممنوع شده بود؛ آنها می‌بایست برای پوشیدن آن لباس، مجوّز دریافت کننـد و تنها به تعداد کمی از آنان مجوز داده می‌شد. عمامه‌ها را از سر طلاب برمی داشتند؛ کلاههای نمدی را پاره می‌کردنـد؛ از سر زنان چادر بر می‌داشتند؛ مجالس روضه به تعطیلی کشیده شـده بود و مساجـد به خلوتی می‌گراییـد و ... آیهٔ الله جنّتی خود، از نزدیک شاهـد چنین روزگاری بود. او پس از تکمیل مقدمات و طی کردن برخی از دروس سـطح، به حوزه علمیه قم آمـد تـا از محضـر عالمـان و فرزانگـان آن دیار نیز بهره ببرد. با ورود به قم به تکمیل دروس دورهٔ سـطح پرداخت و در درس خارج بزرگانی همچون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) شـرکت می‌جست. در این مدت از شرکت در بحث‌های اخلاق و تفسیر نیز غافل نماند. او در این مدت در مدرسه فیضیه و حجتیه حجره داشت. آیهٔ الله جنّتی بخشی از دروس مقدمات را نزد پدرش و بخشی را نزد مرحوم سید ابوالقاسم هرندی خواند. او بخشی از معانی و بیان را نزد مرحوم سید محمد باقر ابطحی و بخشی دیگر را نزد حاج شـیخ احمد فیاض فرا گرفت و معالم را نزد مرحوم حاج شـیخ علی مشکاتی آموخت. در قم شرح لمعه را نزد مرحوم شهید صـدوقی آموخت و برای آموختن بخشـی از رسائل و قوانین به نزد مرحوم آیـهٔ الله بهاءالدینی رفت. بخشـی از کتاب مکاسب را نزد مرحوم حاج سـید محمـد باقر طباطبایی بروجردی فرا گرفت. و برای آموختن کفایه به نزد مرحوم حاج شـیخ عبـدالجواد اصـفهانی و مرحوم مجاهدی رفت. بخشـی از مکاسب را نیز نزد مرحوم حاج آقا روح الله کمالوند آموخت.با تکمیل دورهٔ سـطح به درس خارج بزرگانی چون آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره)، آیهٔ الله العظمی گلپایگانی، آیت الله العظمی حجّت کوه کمره‌ای(ره) و آیهٔ الله العظمی امـام خمینی(ره) رفت و سالهـا در درس فقه و اصول ایشـان به طور جـدی شـرکت کرد. او در طی این سالها در بعضـی از درسـهای اخلاـق نیز شـرکت می‌نمود،تـا علاـوه بر آموختن علم، عمـل به آنهـا را نیز فراگیرد. آیـهٔ الله احمـد جنتی در دوران تحصـیل خود با فضلائی چون شهید سعیدی، شیخ محسن حرم‌پناهی، شهید مفتح، سید کرامت‌الله ملک حسینی، شیخ ابوالقاسم خزعلی و شیخ محمد علی موحـدی کرمانی به مباحثه درس می‌پرداخت و با بزرگانی چون شـهید بهشتی، شـهید قدوسـی، آیـهٔ الله مصـباح یزدی، آیـهٔ الله سبحانی، آیـهٔ الله مشـکینی و آیـهٔ الله امینی رابطهٔ دوسـتانه و مصاحبت داشت. آیهٔ الله جنتی تا کنون آثار علمی و فرهنگی فراوانی از خود بر جـای نهـاده است. او مـدت چهارده سال در مدرسـهٔ علمیه حقانی به تـدریس دروس دورهٔ مقـدمات و سـطح پرداخته است. مـدرسه علمیـهٔ حقانی، مـدرسه‌ای بود که با هزینهٔ یکی از تاجران با تقوای زنجان و با مدیریت شـهید قدوسـی آغاز به کار کرد. این مـدرسه که بسیاری از بزرگـان کنونی حوزه، در ادارهٔ آن شـرکت داشـتند، با ابتکار شـهید بهشتی و با طرحی نو و شـیوه‌ای تازه در تدریس و تحصیل و با برنامه‌ای منسجم و امروزی، به تربیت و آموزش طلاب از مقدمات تا سطح می‌پرداخت که بسیاری از مدیران و متصـدیان امور قضـایی و اصـحاب فرهنـگ و پژوهشـگران امروز جـامعه در آن پرورش یافتنـد. طلاـب این مـدرسه در بسـیاری از فعالیتهای علمی و سیاسـی دورهٔ طاغوت و پس از آن، در اداره و برنامه‌ریزی علمی و فرهنگی سیاسی انقلاب اسلامی شرکت کردند

و این حاصل تلاش استادان این مجموعه، از جمله آیهٔ الله احمد جنتی بود. آیهٔ الله جنتی به ترجمهٔ برخی از کتب حدیث پیشینیان، از جمله «اثبات الهداهٔ»، «ایقاظ الهجعه»، «تحف‌العقول» و «المواعظ العددیهٔ» پرداخته است.فعالیتهای علمی و فرهنگی و تحصیل فقه و اصول مانع فعالیتهای سیاسی آیهٔ الله جنتی نگردید. فعالیتهای سیاسی در پروندهٔ زندگانی او گاه بیشتر و بهتر می‌درخشد. آیهٔ الله احمد جنتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سخنرانیها، اجتماعات عمومی و جلسات خصوصی همواره به افشای ماهیت پلید حکومت پهلوی و ضرورت براندازی این حکومت وابسته می‌پرداخت. او که خود سالها شاگرد مرجع عالی قدر شیعه، امام خمینی(ره) بود، همواره دیگران را به پیروی از راه امام(ره) دعوت می‌کرد. از سوی دیگر در درون حوزه، ضمن ملاقات با علما و مراجع، آنها را از آخرین اخبار حرکت انقلابی امام و مردم با خبر می‌ساخت. او با عضویت در جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، به برنامه ریزی هماهنگ برای برپایی راهپیمایی‌ها، نوشتن اعلامیه‌ها و ارتباط با دیگر مراکز مرتبط با نهضت امام خمینی(ره) ـ همانند جامعه روحانیّت مبارز ـ می‌پرداخت. آیهٔ الله جنتی همواره ارتباط خود را با امام(ره) حفظ می‌کرد تا با الهام‌گیری از ایشان، از آخرین فعالیتهای مبارزاتی در قم، نجف و دیگر شهرها اطلاع پیدا کند. او بارها در قم، رفسنجان و جزیرهٔ خارک مورد تهدید و تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و چند بار در قم بازداشت شد. او سه نوبت به زندان رفت و مجموعاً سه ماه زندانی شد و یک بار هم دستگیر و به مدت سه سال به اسدآباد همدان تبعید شد. فعالیتهای وی پس از انقلاب نیز ادامه یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، آیهٔ الله جنتی در مسؤولیتها و سنگرهای گوناگونی به ایفای نقش پرداخت. نخستین مسؤولیت او پس از پیروزی انقلاب، قضاوت در دادگاه‌های انقلاب با حکم امام خمینی(ره) بود. بر کناری و گاه اعدام قضات دوران حکومت شاه، فقدان قوانین و آیین نامه‌های اجرایی در دادگاهها، عدم آشنایی افرادِ مؤمن و انقلابی با سیر اجرایی کار قضاوت و مشکلات متعدد دیگر، کار در دستگاه قضایی سالهای نخستین انقلاب را دشوار ساخته بود. با وجوداین مشکلات، بزرگانی چون شهید قدوسی، شهید بهشتی و آیهٔ الله جنتی در این عرصه پای نهادند به تدوین و اصلاح ساختار قضایی کشور پرداختند. دستگاه قضایی منسجم امروز کشور ما، حاصل تلاش این عزیزان در آن سالهاست. از مسؤولیتهای مهم آیهٔ الله جنتی عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی، از نخستین روزهای تشکیل این نهاد مقدس است. شورای نگهبان از نهادهای مهم انقلاب به شمار می‌آید که با وجود آن، می‌توان گفت توطئه‌هایی چون داستان مشروطه تکرار نخواهد شد و همواره، مصوّبات مجلس، از صافی فقه اسلام و قانون اساسی خواهد گذشت. این نهاد همواره مورد هجمهٔ دشمنان انقلاب قرار گرفته است. آیهٔ الله جنتی در طول عمر ۲۴ ساله این نهاد، بارها با عنوان عضو فقیه این شوری، به دفاع از این نهاد و مبانی انقلاب اسلامی پرداخته است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جوادی آملی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی

(ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللّه شعرانی (ره) و آیت‌اللّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّه‌علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از

آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَمُوا اَنّ اللّه هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اذ اَخَذتَ، ولکنّ اللّه اَخَذَ. ۳ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. ۴ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. ۵ ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّه لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الّا ثلاث خصال: صدقةٌ اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّةُ هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. ۶ ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. ۷ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ

عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّه له الجنهٔ، عمد الی ماله فَجَعَله صدقهً مبتولهً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸ ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابهٔ ذو مقدرهٍ الاّ وقف وقفا. ۹ ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقهٔ، بتهً بتلاً فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنهٔ اللّه والملائکهٔ والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰ ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمهٔ للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیهٔ‌اللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیهٔ‌اللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوهٔ، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوان آراسته، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین جوان آراسته

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۴۱ در مشهد مقدس در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۶ پس از اتمام مقطع راهنمایی توفیق ورود به حوزه علمیه را پیدا نمود و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ از زادگاه خود، به قم مهاجرت کرده. ابتدا در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و سپس با بازگشایی مدرسه حقانی در آن جا به تحصیلات حوزوی ادامه داد. دروس سطح عالی حوزه را در محضر اساتیدی همچون حضرات آقایان راستی کاشانی و اعتمادی (رسائل) بنی فضل و کاشانی (مکاسب) و ستوده (کفایه) فرا گرفت. از سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول فقه از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در درس خارج فقه از حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و حاج شیخ جواد تبریزی استفاده کرد. در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ با شرکت در مباحث تفسیر قرآن استاد فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی بیش از پیش با قرآن مأنوس و از این محفل معنوی بهره برد. در کنار دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ تصمیم به ادامه تحصیلات جدید گرفته، دروس دبیرستان را در سال ۱۳۷۴ به پایان رسانده و در همان سال موفق به ورود به دانشگاه تهران (پردیس قم) در رشته حقوق گردید. پس از اتمام سه ساله دوره کارشناسی حقوق، در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی همان دانشگاه پذیرفته و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل گردید.

جوان، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا جوان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۷/۱

زندگینامه علمی

دروس حوزوی را از سال ۱۳۵۹ در تهران مدرسه آیت الله مجتهدی آغاز کردم و مقدمات را در آنجا گذراندم . سپس لمعتین و اصول فقه مظفر را در قم نزد آیت الله اشتهاردی و حسینی بوشهری خوانده و در سال ۱۳۷۶ رسماً وارد حوزه علمیه قم گردیدم. تا سال ۱۳۸۱ سطح را به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ همزمان در درس خارج شرکت داشتم و تاکنون مشغول به درس خارج فقه واصول می باشم . حدود سه سال در بخشهای عقیدتی سیاسی و بخش تحقیقات استراتژیک ستاد فرماندهی کل قوا به فعّالیّتهای آموزشی و پژوهشی مشغول بوده ام و مقالات و جزواتی را تدوین و تألیف نموده ام . در سالهای اخیر تحقیقی نیز در رابطه با

تکلیف و اباحی گری داشته ام و اکنون نیز به آن مشغول هستم .

دروس دانشگاهی را در مقطع کارشناسی در رشته مهندسی عمران در سال ۱۳۸۵ به اتمام رسانده ام و حدود پنج سال در دانشگاه امام حسین(ع) عضو هیئت علمی بوده و در ضمن دوره کارشناسی ارشد در دو رشته مدیریت ساخت و علوم سیستم ها را تا نیمه های دوره گذراندم که بخاطر علاقه شدید به دروس حوزوی آنها را به اتمام نرسانده و فعّالیّت خود را بر روی دروس حوزوی متمرکز نمودم .

جواهری، عبدالرسول

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۷ -۱۳۰۱ ق)، فقیه اصولی. نیای وی شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، بود. وی از پارسایان معروف نجف بود که پس از طی دوره‌های مقدماتی، دروس عالی فقه و اصول را از محضر شیخ محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و عده‌ای از دیگر استادان و رجال حدیث را از محضر سید ابوتراب خوانساری و معقول را از محضر شیخ عبدالهادی شلیله‌ی بغدادی فراگرفت. سپس به تدریس فقه و اصول پرداخت و دانشمندان زیادی از محضر او استفاده کردند. در مقبره‌ی صاحب «جواهر» در نجف به خاک سپرده شد. از آثار وی: ترجمه‌ی «انیس الموحدین» کلباسی از فارسی به عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۲/۴)، مستدرکات اعیان (۱۳۱/۳).

جورابدوز، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جورابدوز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ بعد از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه ابوالصدق آن روز مشغول به دروس حوزوی شدم مقدمات سیوطی و مغنی و منطق را در آن مدرسه به پایان رساندم و در همین ایام در دین تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت می‌کردم و این درس در مدت ۹ سال ادامه داشت. اصول فقه و معالم را نزد استاد محمدی خراسانی و لمعه را نزد مرحوم استاد وجدانی و خاتمی و عندلیب شیرازی به اتمام رساندم.سپس در درس رسائل آیت الله اعتمادی شرکت کرم و در همین زمان مکاسب را نزد استاد دوزدوزانی خواندم و شرح منظومه را نزد استاد فاضل گلپایگانی خواندم و در درس اسفار آیت الله جوادی

آملی شرکت کردم. کتاب کفایه الاصول را نزد آیت الله قدیری خواندم و بعد از اتمام ۲ جلد کفایه در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول از سال ۷۲ شرکت کردم که این درس خارج هنوز هم ادامه دارد. در سال ۷۱ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در رشته مدیریت دولتی در مقطع لیسانس را گذراندم و مقاله در زمینه مدیریت اسلامی نوشتم و مدتی در موسسه تحقیقی مهدویت شرکت کرم و مقاله‌ای در کلام در زمینه فرقه انحرافی بهائیت نوشتم و آن فرقه و عقاید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دادم.

جهانگیر فیض آبادی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجعفر جهانگیر فیض آبادی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جعفر جهانگیر فیض آبادی مشهور به فیض آبادی در خانواده ای مذهبی و عاشق اهل بیت(ع) به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه مشهد شد دروس مقدمات و لمعتین را از نزد آیت الله حجت هاشمی و فاضل هرندی آموخت. پس از آن شور و شوق فراوان او به ادامه تحصیل و استفاده از اساتید بزرگ آن روزگار سبب شد از دیار خویش به حوزه علمیه قم مهاجرت نماید، در بدو ورود در سال ۱۳۵۸ پای درس مرحوم آیت الله ستوده نشست (شخصیتی که هزاران طلبه از محضر او بهره جستند و عالمان بزرگی تقدیم حوزه‌های علمیه کرد) پس از آن و در سال ۱۳۶۲ به تحصیل درس خارج مشغول گردید و از شاگردان سرشناس آیات عظام مرحوم شیخ جواد تبریزی و مرحوم محمد فاضل لنکرانی گردید. ذوق خدمت به طلاب علوم دینی سبب شد دوباره به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج(ع) باز گردد. ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد است و در کنار آن به تدریس در حوزه علمیه و دانشگاههایی نظیر فردوسی مشغول می‌باشد تا در پرورش و تهذیب طلاب و دانشجویان دین خویش را اداء نماید.

جهانگیر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدصادق جهانگیر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدصادق جهانگیر فیض آبادی، در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در تهران، در خانواده دوستدار اهل بیت(ع) به دنیا آمد. پدر او اسماعیل نام داشت. شیفتگی به تحصیل علوم دینی سبب گردید تا ایشان در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد گردد. سطح یک را در دیار مشهد سپری کرد و پس از آن جهت تحصیل علم بیشتر رهسپار قم گردید و از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم بهره‌ای فراوان برد سطح ۲ را از محضر آیات ستوده، دوزدوزانی و اعتمادی فرا گرفت، سطح عالی را در محضر مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی تلمذ نمود.پس از آن به جوار بارگاه ملکوتی ثامن الائمه برگشت تا در آنجا به خدمت و تحصیل و تدریس بپردازد.

جیبی، سلمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلمان حبیبی

محل تولد : رمنت بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵ در روستای رمنت بابل در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم . تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان بابل به پایان بردم . به دلیل علاقه زیاد به مسائل دینی از دوران نوجوانی در جلسات مذهبی شرکت فعال داشتم و این علاقه وافر به اهل بیت و عصمت و طهارت علیهم السلام و روحانیت موجب شد تا در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شدم . از این سال تا ۱۳۷۰ به فراگیری دروس مقدمات و سطح نزد اساتید برجسته حوزه پرداختم و از سال ۱۳۷۰ در دروس خارج اساتید بزرگی چون : آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله خرازی و آیت الله کریمی شرکت می کنم .

در کنار تحصیل به فعالیت های علمی و پژوهشی و نیز سفرهای تبلیغی ، فرهنگی ، علمی و تدریس به داخل و خارج پرداختم . در این راستا با مراکز علمی و پژوهشی مختلف همکاری می کردم و از سال ۱۳۷۷ به صورت تخصصی در زمینه ماخذ شناسی و کتاب شناسی فعالیت داشتم که تا کنون توفیق ارائه خدمات ماخذ شناسی به بیش از چهار صد نفر در موضوعات مختلف علوم اسلامی جهت تدوین پایان نامه های کارشناسی ارشد و رساله دکتری را پیدا کرده ام .

چهرگانی انزابی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت اللّه مرتضـی چهرگانی انزابی، در سال ۱۲۹۳ ق. در قریه چهرگان از منطقه انزاب آذربایجان شـرقی متولد شد. وی در روزگار خود در عرصه هـای علمی واجتماعی از جمله نوادر محسوب میشـد وپس ازگذرانـدن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی پیش پدر روحانی اش، برای ادامه تحصیل به شهر خوی رهسپار شد و پس از ۵ سال اقامت در آن شهر، به شهر تبریز رفت و از محضـر اساتیـد بزرگ آن زمان، ماننـد مرحوم آیت الله انگجی و میرزا حسن مجتهـد اسـتفاده برد و پس ازاتمام دروس سـطح و برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف اشرف مهاجرت کرت و حدود ۱۹ سال در نجف اقامت کرد ودر فقه و اصول به مراتب والایی رسـید. وی در دوازدهم رجب سال ۱۳۸۱ ق به ملکوت اعلی پیوست.گروه : علوم انسـانی رشـته : الهیـات و معارف اسـلامی والدین و انساب : خانواده مرتضـی چهرگانی انزابی از سه قرن گذشته تاکنون، مفتخر به کسوت مقدّس روحانیت و خدمت به دین و مردم بوده است. پدرش مرحوم میرزا علی چهرگانی معروف به «آقاعلی» از علمای نجف و مدرّس حوزه‌های علمیه مشـهد مقـدس و از علمای خـدمتگزار منطقه ارونق و انزاب بود. او و پـدرانش، طبق یادداشت‌هایی که به جای مانده تا دوازده نسـل یعنی حـدود سـیصد سال، از عالمان نجف دیـده و مفتخر به کسوت روحانی بودند و به خاطر علاقه به زادگاهشان، – که مهد علم و ادب بود – بازگشـته، به ارشاد و هـدایت مردم می‌پرداختنـد. جـدّ اعلای این خاندان، که در سـیصد سال پیش امام جمعه خامنه بود، مدرسه‌ای دایر می‌کند و به تربیت طلاب علوم دینی مبادرت می‌ورزد.تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : مرتضـی چهرگانی انزابی پس از گذرانـدن دوران کودکی در زادگاه خود و پس از طیّ مراحل تحصـیلات ابتـدایی پیش پـدر روحانی‌اش، برای ادامه تحصـیل به شهر خوی رهسـپار شـد و پس از پنج سال اقامت در آن شـهر، به شـهر تبریز رفت و از محضـر اساتید بزرگ آن زمان، مانند مرحوم آیت اللّه انگجی و میرزا حسن مجتهد، اسـتفاده برد و پس از اتمام دروس سـطح، برای تکمیل تحصیلات عالی حوزه به نجف‌اشرف مهاجرت کرد. حـدود ۱۹ سـال در نجف اقامت کرد و در فقه و اصول به مراتب والایی رسـیدفعالیتهای ضـمن تحصـیل : تحصـیلات مرتضـی چهرگـانی انزابی صـاحب اجازه‌هـای اجتهـاد و نقـل حـدیث و اجـازه در امـور حسـبیه از آیـات عظـام گرفتنـد ذیـل بود:.۱ آقاضیاءالدین عراقی؛.۲ فتح‌اللّه شـریعت اصفهانی؛.۳ سـید محسـن طباطبـائی حکیم: در سـال ۱۲۶۴ در نجـف متولـد شـد و در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۹۰ ق(۱۳۴۸ ش) در همـان شـهر رحلت کرد. قبر آن مرحوم در کنـار کتابخـانه‌اش است..۴ حاج سیدمحمدهادی میلانی.اسـتادان و مربیان : اساتید مرتضـی چهرگانی انزابی در تبریز.۱ آیت اللّه میرزاابـوالحسن انگجی، .۲ آیـت اللّه میرزا حسن آقا مجتهـد(مجتهـد بزرگ) اساتیـد در نجـف: .۱ آیـت اللّه سیدکاظم یزدی(صـاحب عروهٔالـوثقی).۲ آیـت اللّـه میرزا فتـح‌اللّه شـریعت اصفهانی(معروف به شیخ الشریعه اصفهانی).۳ آیت اللّه محمدکاظم خراسانی(صاحب کفایه).۴ آیت اللّه آقاضیاءالدین عراقی(۱۲۸۹ – ۱۳۶۱ق.). همسر و فرزندان : مرتضی چهرگانی انزابی دوبار ازدواج کرد. دانشمند گرامی، حاج حسین آقا انزابی (نواده ایشان) در این زمینه می‌نویسد:«مرحوم مبرور در روزگارانی که مقیم نجف اشرف بود، با خانواده‌ای وصلت انتخاب نموده که ثمره آن ازدواج مبارک، فرزند بزرگ ایشان حضـرت آیت اللّه شیخ عبدالحسین غروی(۱۲۸۶ – ۱۳۷۳ ش. از علمای بزرگ تبریز و نماینـده مجلس خبرگـان رهبری در دوره اول، آرمیـده در وادی‌السّـلام قم) بوده است... به هنگـام مراجعت به آذربایجـان، به امر بزرگـان و علمـای تـبریز راضـی به اقـامت در شـهر تـبریز گشـته. پس از مانـدگاری بـا خـانواده‌ای از سـادات، یعنی سـادات حسـینی کوه‌کمره‌ای – که شاخه‌ای از آنان مقیم روسـتای چهرگان بوده‌اند – حدود سال ۱۲۹۰ هجری قمری عقد ازدواج بسته است که حاصل این سنّت الهی دو فرزند برومندش، یعنی مرحوم حجهٔالاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ محمدحسـین انزابی(روحانی مبارز و نسـتوه و یار دیرین رهبر

کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی و نماینده مردم شریف تبریز در مجلس شورای اسلامی در سه دوره متوالی و انیس مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای، فوت به سال ۱۳۷۸ شمسی و مدفون در وادی رحمت تبریز) و حاج غلامعلی انزابی(از مؤمنین و دینداران بازار تبریز و تهران، مقیم تهران) است.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی چهرگانی انزابی ، در مدت اقامت نزدیک به پنجاه سال در محلّه شتربان(دوچی) تبریز، در سه وعده صبح و ظهر و شام به اقامه نماز جماعت اشتغال داشت و به موعظه و ارشاد مردم می‌پرداخت و مراقب عقد معاملات و ازدواج آنان بود و پیوسته با ذکر و تسبیح و حمد ذات اقدس خداوند ملازمت داشت.فعالیتهای آموزشی : «مرتضی چهرگانی انزابی بالاخره پس از تکمیل دروس خارج و اخذ مدارک اجتهاد از اساتید مبرز حوزه نجف، به تبریز مراجعت کرده و تا آخر عمر در تبریز به تدریس علوم دینی برای طلاب علوم دینیه و ارشاد و موعظه، اشتغال داشته است و الحق زهد و روحانیت را تا آخر عمر مراعات می‌کرد.»چگونگی عرضه آثار : مرتضی چهرگانی انزابی دلی مالامال از محبت به اهل بیت عصمت و طهارت داشت. لذا در سال‌های اقامت در عراق، از زیارت عتبات عالیات، به ویژه سامرّا، غافل نبود؛ به طوری که بعضی تحریرات فقهی خود را در این سامان، در محضر مرقد مطهّر عسکریین و در پایگاه امامت و غیبت حضرت امام عصر (ع) نگاشت؛ چنان که به نوشته آقابزرگ تهرانی در الذریعه، نسخه‌ای از نگاشته‌های حاج شیخ مرتضی در کتابخانه این شهر – که وابسته به حرم است – نگهداری می‌شد.حاج شیخ مرتضی چهرگانی انزابی از مقام علمی و فقهی قابل اعتنایی برخوردار بود. او تقریرات درس‌های فقیه بارع، آیت اللّه مرحوم شریعت اصفهانی و دیگر بزرگانِ نجف که در محضر درسشان بود، در چند جلد تحریر کرد که این تقریرات، ارزشمندترین میراث فقهی و علمی ایشان شناخته می‌شود. آنچه اکنون در اختیار بازماندگانش هست، به سه بخشِ تحریر، تنسیخ و تألیف تقسیم می‌شود. از جمله آثار وی که در زمینه استنساخ می باشد به شرح ذیل می باشد: .۱ استنساخ دو رساله از مرحوم شریعت اصفهانی، به سال ۱۳۲۶ ق؛.۲ استنساخ دو رساله فقهی از مرحوم شریعت اصفهانی به سال ۱۳۲۸ ق.آثار : الرسالهٔ العصریهٔ ، تحریر رسالهٔ فی الحق و الحکم ، تحریر کتاب الصوم الموسّس العام و الفقیه المحقق شیخ محمدهادی طهرانی ، رسالهٔ فی اصول الدین ، رسالهٔ فی الاستصحاب ، رسالهٔ فی التعادل و التراجیح ، رسالهٔ فی التکلیف ، رسالهٔ فی الخلل الواقع فی الصلوهٔ ،رسالهٔ فی الخیارات ، رسالهٔ فی الرّضاع ، رسالهٔ فی الرهن ، رسالهٔ فی الظّن ، رسالهٔ فی المکاسب ، رسالهٔ فی الوظائف المقرّرهٔ للجاهل ، رسالهٔ فی صلوهٔ المسافر ، رسالهٔ فی علم الاصول الفقه ، کتاب القضاء ، کتاب الوصایا ، منجزات المریض

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

حاج حسینی نبوی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاج حسینی نبوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

محمد حسن حاج حسینی نبوی در سال ۱۳۳۵هجری شمسی در رهنان اصفهان به دنیا آمد او در سن سیزده سالگی (۱۳۴۸ه ش) دروس حوزه را آغاز کرد، استاد در مورد علت آمدنشان به حوزه میگوید: علت اینکه آمدم طلبه شدم این است که قدیم ها قبل از اینکه بچه ها مدرسه بروند چیزهائی می خواندند که اسمش «پنجل حم» بود بعد هم آموزش فارسی، ابتدا بچه ها قرآن یاد می گرفتند و بعد فارسی ما پیش یک سید روحانی می رفتیم و پنجل حم می خواندیم ایشان روی ما حساس شده بود که طلبه شویم، به دلیل اینکه وقتی می خواست برود مسجد چند مرتبه در راه(مغازه پدرم در راه مسجد ایشان بود)به پدرم می گفت این را بفرست طلبه بشود، این پسر هوشش خیلی خوب است ، اصرار ایشان باعث شد بالاخره بعد از کلاس ششم ابتدائی پدرم بگوید که این آقا سید می گوید: خوب است که طلبه شوی اگر می خواهی و علاقه مندی می گذارم طلبه بشوی". استاد نبوی در همان ابتدا ،خود را با مطالعه کتب مختلف مأنوس کرد و توانست توشه ای گرانبها برای خود و دیگران جمع آوری کند او در این باره میگوید: من خیلی علاقمند به مطالعات عمومی بودم مدتها در مباحث مدیریت کار کردم، مدتی کار شخصی کردم، یعنی اینجور نبود که کلاس یا درس بروم، خودم کار کردم در حدی که حداقل در بعضی جاها تدریس می کنیم". استاد نبوی دروس حوزوه را در شهر اصفهان آغاز کرد و پس از مدتی به قم هجرت نمود، او دراین باره میگوید: در اصفهان درسم را بطور آزاد شروع کردم پیش یک بنده خدائی درس می خواندیم (حوزه در آن زمان خیلی بی برنامه بود)بعدها برنامه ای در اصفهان درست شد و آیت الله حاج آقا حسن امامی (خدا حفظشان کند) با بعضی دیگر از آقایان استارت این برنامه را زدند ما از اولین طلبه هایی بودیم که در این برنامه شرکت کردیم پنج سال در اصفهان بودم و از محضر آقایان حاج آقا حسن امامی، شیخ علی اکبر فقیه ،ابراهیمی ، عبودیت استفاده کردم و بعد هم به قم آمدم و اصول الفقه و لمعه را شروع کردم. لمعه را خدمت آقای فاضل هرندی خواندم رسائل و مکاسب را خدمت آیت الله مظاهری خواندم، البته گاهی هم از آقای ستوده(رحمه الله) استفاده می کردم کفایه را هم خدمت آیت الله مظاهری خواندم درس خارج را خدمت آیت الله سبحانی شروع کردم و ایشان آن زمان که تدریس می کردند هفت یا هشت شاگرد بیشتر نداشتند که برای ما خیلی مفید بود چرا که خیلی خوب می توانستیم اشکال کنیم و استفاده بیشتری ببریم چند سال خدمت آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله مکارم و آیت الله وحید و آیت الله جودی آملی بهره بردم در بحث فلسفه مدتی خدمت آقای انصاری شیرازی بودم مدتی هم خدمت آیت الله جوادی آملی در درس اسفار شرکت کردم".

حاج حسینیان، مسعود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسعود حاج حسینیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و

طهارت علیهم السلام در تهران دیـده به جهان گشود.نامبرده پس از فراغت از تحصـیل در دوران ابتـدایی، راهنمایی و دبیرسـتان در زادگـاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسـلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشـش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگـان آن دیـار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضـرت معصومه سـلام الله علیها و تحصـیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و از محضـر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی،آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

حاج شریفی خوانساری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا حاج شریفی خوانساری

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا حاج شریفی خوانساری در سال ۱۳۴۱ شمسـی در شهرستان خوانسار در حجر علم و ورع تولد و پرورش یافتم ؛ پـدرم آیت الله حـاج شـیخ غلامعلی حاج شـریفی خوانساری ـ دام ظله ـ پـدر بزرگم مرحوم آیت الله حاج شـیخ محمـد ابراهیم حاج شریفی خوانساری ـ قدس سره ـ و جدم مرحوم آخوند ملا علی اکبر حاج شـریفی خوانساری ـ قدس سـره ـ همگی از علمای عاملین بوده انـد .در مـدارس ملی رزاقپور و کامکار قم تحصـیل نمودم . بر اثر جو آکنـده از معنویت و تقوای خانوادگی فکر بهترین شـغل برای آینده ام که رضای بیشتر خداوند و نیل افزونتر به کمال و معنویات و خدمت به دین مبین اسـلام در آن باشد ، مرا بر آن داشت که از سال ۱۳۵۵ شمسـی مشـغول تحصـیل علوم دینی در حوزه علمیه قم بشوم و خود را در سلک سربازان حضرت ولی عصر ـ عج الله تعالی فرجه ـ درآورم .علوم اولیه و ادبیات را از محضر مرحوم علامه حاج شیخ محمد علی مدرس افغانی و برخی دیگر از اساتید حوزه اسـتفاده کردم .سـطح را از حضور حضـرات آیات : آقای حاج شـیخ علی پناه اشـتهاردی و آقای حاج شـیخ مصطفی اعتمادی بهره مند گردیدم ، و سـطح عالی را خدمت حضـرات آیات : آقای حاج شـیخ محمد تقی سـتوده و آقای حاج شـیخ احمد پایانی به پایان رساندم .

علوم کلام، تفسـیر، رجـال و درایه را نیز از خـدمت حضـرات آیـات : آقـای حـاج شـیخ جعفر سـبحانی و آقای حاج شـیخ علی پناه اشـتهاردی بهره بردم .خـارج فقه و اصول را هم از محضـر آیات عظام : آقای حاج سـید محمـد رضا گلپایگانی ، آقای سـید شـهاب الدین نجفی مرعشـی ، آقای حاج سـید رضا صدر ، آقای حاج سید محمد روحانی ، آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت ، آقای حاج

سید محمد شاهرودی و آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کافی نمودم . حکمت و عرفان را نیز از خدمت آیت الله حاج آقا رضا صدر بهره مند شدم .در کنار درس و بحث معمول حوزه ، علاقه شدیدی به خواندن کتب گوناگون در علوم و فنون مختلف داشتم. ساعتهای متوالی و بسیاری از اوقات تا پاسی از نیمه شب و گاه تا اذان صبح همچنان سرگرم مطالعه و پژوهش بودم ، و کرارا اتفاق می افتاد که شام خوردن را فراموش می کردم ؛ حتی در تعطیلات تابستان و دیگر تعطیلات حوزه ، تنها کارم مطالعه و تحقیق تمام وقت در کتاب ها بود ، هرچند از کثرت آن دیدگانم کم سو شد ، ولی هیچ وقت از آن سیر نشدم و خسته نگشتم و موفق به خواندن کتاب های بسیار زیادی در : تفسیر ، علوم قرآنی ، حدیث ، تاریخ ، اخلاق و ... شدم و بر برخی از آنها حواشی زدم .اواخر سال ۱۳۶۲ شمسی در زیارت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا ـ علیه آلاف التحیه و الثناء ـ درخواست توفیق انجام خدمات سودمندی به دین مبین اسلام را نمودم که باقیات الصالحاتی محسوب شود و بحمد الله حاجتم مقرون اجابت قرار گرفت و از همان سال در حاشیه تعلیم و تعلم دروس حوزه به نویسندگی نیز پرداختم و نخستین اثر خود را درسال ۱۳۶۵ شمسی به عنوان «سیمای ابوذر غفاری» تمام نمودم که استادم مرحوم آقای حاج آقا رضا صدر هم مقدمه اش را نگاشت (که کاملترین و تحقیقی ترین کتاب پیرامون زندگانی ابوذر است) و تا کنون توفیق تالیف ، تحقیق ، و تصحیح کتاب هایی در موضوعات مختلف رایافته ام و همچنان مشغولم و با امامت جماعت در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان باجک دو قم و رسیدگی به امور مسلمین انجام وظیفه نموده و با شماره تلفن : ۷۷۲۷۴۸۹ پاسخگوی مسائل شرعی و شبهات علمی و اعتقادی داخل و خارج از کشور می باشم ؛ و لله الحمد و له الشکر .

حاجبی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا حاجبی

محل تولد : بندر عباس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۷/۱

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره پیش دانشگاهی دررشته ریاضی و فیزیک و رها کردن قبولی دانشگاه ،در سال۱۳۷۹وارد حوزه علمیه شدم .ابتدا در مدرسه علمیه نبی اکرم (ص)شرق تهران قبول شدم و به مدت ۵سال دوره مقدمات رابه پایان رساندم .در این دوره ۵ساله از اساتیدی همچون آیهٔ الله نجفی تهرانی و مقدم قوچانی وحجج الاسلام آقایان :اسکندری ،جان نثاری ،دکتر قربانعلی و...استفاده بردم . از ابتدای ورود به حوزه شوق عجیبی به تحقیق و نوشتن داشتم لذا برای هر درس تحقیقی به دفتر و استاد مربوطه تحویل می دادم .که شامل تحقیق در اخلاق ،منطق ،فقه واصول و معانی بیان بود . پس از پایان مقدمات ملبس شدم و وارد حوزه علمیه قم گشتم اما لازم به ذکر است که در سال سوم و چهارم طلبگی ،بر اساس فرموده مقام عظمای ولایت در سال خدمت رسانی و پاسخگوئی ۲جزوه نوشته و به چاپ رساندم که بتوانم مقداری به منویات آن عظیم الشان نزدیک گردم .و ابتکاری که در این نوع

نوشته ها داشتم این بود که چهل حدیث در مورد خدمت رسانی و پاسخگوئی را انتخاب کرده با ترجمه روان و سند آن ذکر شود و با داستان مربوط به آن تکمیل گردد که تفسیر حدیث به داستان می باشد .در این مدت نوشته جاتی درباره امر به معروف و نهی از منکر ،نماز جماعت ،معجم الذنوب (گناهان)،آیات النبی ، تهیه کرده ام که مجالی برای طبع و چاپ نداشتم .از ابتدای ورود به حوزه علمیه قم و آشنائی با آیهٔ الله غرویان ،در نوشتن فرهنگ مسجد و نوشتن مقالات برای مسجد همت گماشتم .معظم له در نوشتن و تالیف تشویق و مساعدتهای وافری کرده اند و ترجمه اصول کافی را به اینجانب سپرده اند که به کمک جمعی از دوستان به پایان رسانده ایم .کتاب اخلاق جوانان ازدیدگاه پیامبر اعظم (ص)در سال پیامبر اعظم (ص) را نوشته و با مساعدت یکی از دوستان درتیراژ ۵۰۰۰نسخه چاپ و در آموزش و پرورش بندرعباس به مسابقه گذاشتند .همین که در تالیفات جمعی و ترجمه ای جمعی و گروهی شرکت دارم .بنده سردبیر نشریه آموزش داخلی محراب نور وابسته به دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد می باشم .در پایه هشت حوزه مشغول به تحصیلم و.........

حاجی احمدی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حاجی احمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در تحصیلات کلاسیک در رشته ریاضی ـ فیزیک با گرفتن دیپلم در دبیرستان جامع سعدی اصفهان در سال ۱۳۵۸ اولین مرحله را سپری کردم و در همان سال در رشته فیزیک وارد دانشگاه اصفهان شدم و بعد از چند ترم تحصیل به علت علاقه به دروس حوزوی با انصراف از دانشگاه به تحصیل در حوزه اصفهان پرداختم و در مدت کمی مقدمات را با موفقیت سپری نموده و منطق و فلسفه را نیز با خواندن کتاب‌هایی مانند شمسیه ـ شرح مطالع ـ منظومه و نهایه الحکمه و بدایه الحکمه ادامه دادم و سپس برای تحصیل در مقطع سطح به حوزه علمیه قم آمدم و با شرکت در دروس اساتید بزرگوار آن حوزه مانند آیت الله پایانی ـ تهرانی ـ محقق ـ اعتمادی ـ جوادی آملی ضمن خواندن کتاب‌هایی لمعه ـ رسائل مکاسب و کفایه از تفسیر و اسفار آیت الله جوادی آملی بهره بردم .

سپس از دروس خارج آن حوزه شریف به مدت ده سال با شرکت در دروس آیات عظام محقق داماد ـ وحید تبریزی بهره بردم. سال ۱۳۶۹ در امتحان مرکز تربیت مدرس قم (دانشگاه قم) شرکت نموده و در دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی پذیرفته شدم و با سپری کردن بالغ بر ۷۴ واحد درسی و پایان‌نامه در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و سپس بنابر اقتضائات خانوادگی و ضرورت برای انجام فعالیت به دانشگاه اصفهان آمدم .

از سال ۷۶ تاکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان مشغول به کار هستم و فعلاً عضو هیئت علمی این گروه می‌باشم و در

ضمن با دانشکده معارف قرآنی اصفهان همکاری علمی دارم و به طور مداوم به تدریس در آنجا اشتغال دارم.در سال ۱۳۸۵ در امتحان دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گرایش علوم قرآن و حدیث شرکت نمودم و بعد از موفقیت در آزمون کتبی و امتحان شفاهی فعلاً به عنوان دانشجو در آن مرکز پذیرفته شده‌ام.

حاجی رحیمیان، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن حاجی رحیمیان

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم از دبیرستان شهدا با عنایت به علاقه وافری که به علوم حوزوی داشتم و با تشویقات ابوی مرحوم که از علماء و روحانیون عامل و مهذب و متقی بودند جهت فراگیری علوم حوزوی به قم مقدسه هجرت نمودم. ابتدا در مدرسه حضرت امام خمینی(ره) با مدیریت حجت الاسلام والمسلمین عطایی مشغول به تحصیل شدم و مقدمات را در مدارس حضرت امام صادق(ع) و مدرسه مبارکه رضویه پایان بردم و سطح را در خدمت حجت الاسلام والمسلمین تهرانی و محمدی (اصول)، حضرت آیت الله پایانی و وجدانی (فقه) بهره بردم و پس از اتمام سطح از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، مرحوم حضرت آیت الله العظمی تبریزی بهره‌مند شدم و فقه را در حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ نموده و اکنون نیز از محضر این بزرگواران کمال استفاده را می‌برم. در تفسیر لیاقت شاگردی علامه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی را داشته‌ام. در عین حال برخی موارد تحقیقی و نوشتن کتاب و مقالات پرداخته و اکنون نیز مشغول تدوین کتابی در زمینه موفقیت‌های استاد یا استاد موفق و نیز با توجه به آمار سازمان ملی جوانان که حدود ۱۴۲/۱۳۷/۲ نفر دختر متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۰ که اکنون ۲۶ تا ۳۱ ساله زیاد می‌باشند و اهمیت اجتماعی بودن این بحران و استفاده بهینه از فرصت و تبدیل بحران به فرصت و نیز وجود بانوان بیوه به تعداد زیاد و جهت پیشگیری از مشکلات جامعه و حل این معضل اقدام به کتابی به نام «ازدواج مجدد» نموده‌ام با عنایت به اهمیت موضوع و کار فرهنگی همه جانبه اینجانب با کمال خرسندی علاقمند به راهنمایی‌ها و ارشادات علمی و معنوی بزرگان می‌باشم.

حاجی رسولی، بهزاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهزاد حاجی رسولی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ شمسی در شهر اصفهان متولد شدم و از آنجائی که از همان دوران کودکی علاقه به علوم اسلامی و مذهبی داشتم پس از گذراندن دبیرستان در سال ۱۳۵۴ شمسی علی رغم مشکلات و موانع ، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم (در مدرسه ذوالفقار و مدرسه صدر بازار) و نزد اساتید بزرگ مشغول به فرا گرفتن ادبیات و علوم اسلامی (مانند فلسفه، منطق، فقه، کلام و...) شدم. سال ۱۳۶۰ شمسی برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه علمیه قم گردیدم و در آنجا علوم فلسفه ، عرفان ، رجال ، فقه ، اصول ، دوره تخصصی تبلیغ ، و ... را فرا گرفتم و پس از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و نزد بزرگانی مانند آیات عظام فاضل، وحید، تبریزی، مکارم شیرازی، و غیره دروس منقول خود را تکمیل کردم.در فلسفه توفیق استفاده از محضر اساتید بسیاری ، برای حقیر فراهم شد از جمله : استاد جوادی آملی ، حسن زاده آملی و ...

بنده ضمن تحصیلات خود به تبلیغ، تدریس، و مشغول بودم که بعضی از آنها مطبوع شده است و بسیاری از آنها هنوز مخطوط باقی مانده است.

حاجی صادقی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله حاجی صادقی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

سپاس بی کران و شکر خدا را بر همه نعمت هایش به ویژه نعمت هدایت و ولایت که کاملترین مرحله آن با تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحصیل می شود و درود وصلوات الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و علماء و مصلحان بزرگ به ویژه حضرت امام خمینی ره که با نهضت خود اسلام ناب محمدی ص را احیاء کرد و با درود به ارواح پاک شهدای عزیزی که به اسلام و مسلمین عزت و اقتدار بخشیده و کفر و نفاق را ذلیل کردند.

این بنده ناچیز و متنعم به الطاف رب العالمین از اینکه در برابر نعمت های بی شمار الهی و دولت حقه و فرصت های فراوانی که در اختیار داشتم،نتوانستم تکلیف و وظیفه خود را انجام دهم، شرمنده و در عین حال چشم امید به مغفرت و رحمت خدا دارم و آنچه دراین گزارش خواهم آورد اولا نسبت به عنایات خدا و زمینه ها و فرصت هایی که اسلام و انقلاب برای همه ما فراهم کرده است بسیار ناچیز می باشد و ثانیا اگر احتمالا در برخی موارد اندک موفقیتی هم حاصل شده باشد آن را لطف و امداد الهی می دانم نه

نتیجه عملکرد خویش،چرا که به قول آن روحانی شهید بزرگوار «توان ما به میزان امکانات در دست ما نیست، بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خداست»

اینجانب در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم و دروس مقدماتی و پایه را در محضر اساتید بزرگواری مانند آیت الله سید حسن امامی و حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر فقیه گذراندم و سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم وارد شدم و سطوح عالیه را در محضر اساتید برجسته ای نظیر مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اعتمادی و آیت الله اشتهاردی به پایان رساندم و حدود ده سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام شرکت کردم که بیشترین آن دروس آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مظاهری می باشد و این در حالی بود که بنا به اقتضاءات زمان و جنگ تحمیلی مدتی از حضور در حوزه علمیه محروم ماندم لکن از امدادهای دیگر خدا بهره مند گشتم.

درسال ۱۳۶۹ در کنار دروس حوزوی در کنکور کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس پذیرفته شدم و هم زمان به عنوان عضو هیات علمی دانشکده شهید محلاتی به تدریس هم اشتغال داشتم.در سال ۱۳۷۵ به عنوان نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین علیه السلام منصوب شدم وهم زمان در کنکور علوم قرآن و حدیث (مقطع دکتری) پذیرفته شدم.درسال ۱۳۷۸ به قم بازگشته و مسئولیت گروه الهیات دانشکده شهید محلاتی را پذیرفته و در سال ۱۳۸۱ دوره دکتری را به پایان رساندم و از همان سال تا به حال مسئولیت پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه (ریاست) را بر عهده دارم.

بعد از جنگ مهمترین اشتغالات علمی اینجانب عبارت بودند از:

۱. تدریس درمقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی، مراکز حوزوی در موضوعات مختلفی مانند علوم قرآن، روش های تفسیر، تفسیر موضوعی و تربیتی (برخی از سوره ها)، فلسفه اسلامی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، دروس معارف و ...

۲. تحقیق و تالیف در موضوعاتی که به نظر حقیر مورد نیاز جامعه می باشد که فهرست حدود سی عنوان از کتاب ها، مقالات و جزوات درسی به پیوست می باشد.

۳. سرپرستی اجرایی مراکز علمی و خدمت گذاری به نخبگان و فرهیختگان علوم اسلامی و حوزوی.

بار دیگر اقرار می کنم تا به حال نتوانسته ام همچون سربازی شایسته و مقبول برای مولایم باشم امید است با توفیق الهی در آینده مقداری جبران کنم.

حامدنیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حامد نیا

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنام حق اینجانب طلبه حقیر حسین حامد نیا پس از دوره دبیرستان که دو رشته تجربی و ادبیات و علوم انسانی تحصیلات کلاسیکی را طی کرده و در سال۱۳۶۷ شمسی وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و دوره ادبیات عرب را بمدت چهار سال در مدرسه المهدی (عج) که تحت نظرمرحوم مرجع عالی قدرآیت الله سید محمدرضا گلپایگانی اداره می گشت گذرانده که اساتید ادبیات ما عمدتاً ازتلامیذ استاد... حجتی هاشمی خراسانی و مرحوم مدرسی افغانی ...والحمدالله بهره های علمی ادبی فراوانی درآن مدرسه بودم و پس ازآن وارد مدرسه علمیه امام محمدباقرعلیهم السلام به تولیت مرحوم حاج آقا دیباجی اداره می شد که الحمدالله معنویت وقوت درسها و تدریسها واساتید بزرگواری در آن مدرسه مشغول بودند لمعتین و معالم الاصول و اصول مرحوم علامه مظفر که از شاگردان شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بودند و نیز بدایه المعارف را خدمت شاگردان خاص حاج آقا جوادی آملی تلمذ کرده و بحمدالله دراین سه سال هم برکات علمی و معنوی به عنایات الهی و حضرت ولی عصر(عج) نصیبمان گشت و پس از ۷سال وارد سطح گشته مکاسب و رسائل شیخ انصاری را درخدمت اساتیدی چون احدی امیرکلائی وعلم الهدی و موسوی تهرانی و نکونام و استاد احمد امینی شیرازی و کفا یه را محضرشیخ مصطفی اعتمادی زانوی تلمذ زده و بخاطرعلاقه به معقولات و درسهای فلسفه بدایه الحکمه را درخدمت استاد رمضانی و نهایه الحکمه را درخدمت استاد عباسی و منظومه مرحوم سبزواری را بمدت ۲سال در خدمت بهرام دلیر نقده ای و جلد اول اسفار را در خدمت استادان روز بهانی وغرویان وجلد دوم اسفار را درخدمت استاد گرانقدر و معظم علی زمانی و بخشی شواهد الربوبیه و حکمت الشراق و شرح آن را خدمت آقازاده آیه الله جوادی آملی (شیخ مرتضی)و۲سال درس خارج فقه دیات و نکاح در خدمت آیه الله مکارم شیرازی و یکسال اصول خدمت محمد علی گرامی و دو سال قصاص درخدمت آیه الله صانعی و دوره قصاص مجدد در خدمت مرجع آیه الله استاد محمد علی اسماعیل پور شهر رضائی و درس قضا بمدت یکسال شرکت در دروس حضرت آیه الله نوری همدانی و درس خارج اصول آیه الله شمس الواعظین فرمومدریی(شیخ شمس)و تعادل و تراجیح درخدمت حضرت آیه الله وحید خراسانی و مکاسب خارج شیخ انصاری بمدت ۲سال در درس آیه الله فاضل لنکرانی و دروس مترق دیگر چون درس الاهیات خدمت استاد سید رضا اسحاق نیا و مشغول ملاحثات و تدریس ادبیات عرب و منطق مظفر و تفسیر قرآنی و کتاب الصلوه را بمدت ۲سال دردرس سید احمد خاتمی وغیره ، انشاالله که با توجهات حضرت بیه الله (عج) درآینده عضو مفید و خادم قرآن و اسلام و مکتب تشیع باشیم و قریب ۱۴سال تمام درایام تبلیغ مسافرت تبلیغی اعزام شده ام و نیز ۲سال شرکت در درسهای تخصصی تاریخ و تفسیر حکمت و کلام و فقه و اصول حوزه اجتهادیه محسنیه داشته ام .

حایری طباطبایی، علینقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. معروف به حاجی آقا. از نوادگان سید علی طباطبایی صاحب «ریاض» بود. در کربلا ولادت یافت و در همان شهر تحصیلات خود را به انجام رسانید و به ریاست عملیه آنجا منصوب شد. سید علینقی در کربلا درگذشت و در مقبره‌ی پدرش در بازار حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثار وی: «الدره فی العام و الخاص»؛ «الدره الحائریه»؛ در شرح «الشرائع»؛ کتاب «البیع»، کتابی مبسوط همراه «الخیارات»؛ «رساله فی طهاره و الصلاه و الصوم و الحج»؛ «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۸۲/۵)، اعیان الشیعه (۳۶۷/۸)، الذریعه (۱۹۲/۱۵ ،۹۷/۸، ۱۹۲/۳، ۲۰۸/۲)، ریحانه (۶/۲)، لغت نامه (ذیل/ علینقی)، معجم المولفین (۶۹/۷).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۱۵ -۱۱۵۹ ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ازهار الریاض»؛ «عقداللالی البهیه»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۴/۹)، الذریعه (۲۹۱/۲۴ ،۱۴ -۱۳ /۲۳ ،۲۴۰/۱۵، ۷۱/۱۲)، ریحانه (۲۱۰/۷)، الکنی و الالقاب (۱۲۴/۱)، معجم المولفین (۵۸ -۵۷ /۹).

حایری یزدی، عبدالکریم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۵ -۱۲۷۶ ق)، مجتهد، مرجع و بنیانگذار حوزه علمیه قم. حایری در قریه‌ی مهرجرد/ میجرد میبد، از توابع اردکانی یزد متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود، نزد مجدالعلماء اردکانی و آقا سید یحیی مجتهد یزدی به عراق رفت و از محضر سید محمد طباطبایی فشارکی و آیت‌اللّه شیرازی درس آموخت و در نجف از محضر ملامحمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه یزدی بهره برد و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد، سپس به ایران بازگشت و در اراک حوزه‌ی علیمه دایره کرد و به تدریس مشغول شد. سپس به علت عدم تمایل در درگیریهای سیاسی زمان مشروطیت، چند سالی به نجف و کربلا رفت و به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ق به دعوت حاج سید اسماعیل اراکی به اراک رفت و به تدریس علوم دینی، فقه و اصول پرداخت. حایری بعد از پنج سال به قصد زیارت به مشهد رفت و در راه بازگشت در قم توقف کوتاهی کرد و علمای شهر با ایشان ملاقات کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کردند. بنا به اصرار و دعوت علمای آن شهر در آنجا اقامت کرد و حوزه‌ی علمیه قم را بنیان گذارد. امام خمینی، آیت‌اللّه گلپایگانی، آیت‌اللّه مرعشی نجفی، آیت‌اللّه اراکی و آیت‌اللّه شریعتمداری از شاگردان وی بودند. او در قم درگذشت و در جوار حرم حضرت معصومه دفن شد. از جمله‌ی تاسیسات و آثار خیریه‌ی او: «بیمارستان قم»؛ «قبرستان تازه و غسالخانه‌ی شهر قم» و «احداث کتابخانه مدرسه‌ی فیضیه» و «تاسیس قلعه‌ی مبارک آباد و سد رودخانه‌ی قم». آثار علمی او عبارتند از: «تقریرات»؛ « درر الفوائد فی الاصول» یا «درر الاصول»؛ «کتاب الرضا (ع)»؛ «کتاب الصلوه»؛ «کتاب المواریث»؛ «کتاب النکاح»؛ «حاشیه‌ی انیس التجار»؛ «حاشیه‌ی عروه الوثقی»؛ «ذخیره‌ی المعاد»؛ «مناسک حج»؛ «وسیله النجاه»؛ «منتخب الرسائل»، شامل فتاوی فقهی ایشان.[۱]

آیةاللّه حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی، مرجع تقلید شیعیان (و. مهرجرد یزد ۱۳۷۶ ه.ق.- ف. قم ۱۳۵۵ ه.ق./ ۱۳۱۵ ه.ش.) وی در عتبات نزد حاج میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ فضل‌اللّه نوری، آخوند ملا کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی تلمذ کرد و از محضر سید محمد فشارکی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران حوزه علمیه قم را تشکیل داد. از آثار اوست: ۱- تقریرات، و آن تحریر تقریرات سید محمد فشارکی است، ۲- درر الفوائد فی الاصول، ۳- کتاب الرضاء ۴- کتاب الصلوة، ۵- کتاب المواریث، ۶- کتاب النکاح.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر در سال ۱۲۷۶ قمری در قریه مهرجرد از مضافات میبد که از توابع اردکان یزد است متولد شده و تحصیلات مقدمات خود را در اردکان یزد خدمت مجدالعلماء اردکانی و دیگران نموده و بعد از آن به یزد آمده و در مدرسه خان سکونت و در نزد مرحوم حاج میرزا سید حسین وامق و آقا سید یحیی مجتهد یزدی تحصیل سطوح نموده آنگاه در اوان شباب و جوانی مهاجرت به عراق و سر من رای که به زعامت و ریاست علی‌الاطلاق مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمدحسن شیرازی اداره می‌شد وارد شده و رحل اقامت افکنده و در نزد جماعتی که از آنها بود استاد مرحوم آقا سید محمد طباطبائی فشارکی اصفهانی تلمذ نموده و هم از محضر آیت‌اللّه مجدد استفاده و بعد از فوت آن دو بزرگوار به نجف اشرف آمده و از مرحومین علمین خراسانی صاحب کفایه و یزدی صاحب عروة استفاده کافی کرده تا به مقام رفیع اجتهاد ارتقاء یافته سپس به کربلاء معلی توطن نموده و به تدریس و تربیت عده‌ای از فضلاء پرداخت تا آنگاه که به دعوت مرحوم حاج سید اسماعیل عراقی فرزند مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا محسن عراقی در سال ۱۳۳۲ قمری به اراک آمده و حوزه درس تشکیل و جماعتی از فضلاء بلاد و شهرستان اراک به محضرش شتافته و از دروس فقه و اصولش استفاده می‌کردند و بیش از هشت سال این حوزه به گرمی دائر و گذشته از آن مرحوم رجال بزرگی چون مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت‌اللّه آقا نورالدین عراقی و آیت‌اللّه حاج میرزا محمد علیخان و آیت‌اللّه حاج آقا مصطفی فرید محسنی و دیگران تدریس می‌نمودند.

آیت‌اللّه حایری پس از پنج سال توقف در اراک به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة والسلام به جانب مشهد عزیمت و در ایاب و ذهاب چند روزی در قم توقف نموده و علماء قم به زیارتشان نائل شده و از محضرشان بهره‌مند گردیده و دانستند چه شخصیت ارزنده‌ای در نزدیکی آنها وجود دارد.

آیت‌اللّه حایری مراجعت به اراک نمودند و تا سال ۱۳۴۰ توقف و تدریس و رسیدگی به امور مسلمین نمودند تا سال مزبور که برای زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام و گذرانیدن ایام نوروز به سوی قم حرکت کردند.

آمدن آیت‌اللّه به قم

موقعی که خبر حرکت مرحوم حایری به قم رسید مردم به تشویق و تحریک مرحوم بافقی و علماء دیگر، اکثر علماء قم و طبقات دیگر به استقبال آن مرحوم رفته و تا امامزاده شاه جمال که در ۴ کیلومتری قم در مسیر راه اراک واقع است استقبال نموده و پس از رسیدن آن مرحوم خیر مقدم گفته و در همان یک ساعتی که برای استراحت در آنجا توقف فرمودند اولین زمزمه اقامت ایشان را در قم نموده و از آنجا با تجلیل فراوان حرکت و در منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری نزول نمودند و چنانچه سابقاً هم اشاره کردم ماده تاریخ ورود ایشان به قم نام شریف آن جناب (الشیخ عبدالکریم الحایری الیزدی) ۱۳۴۰ می‌باشد به این کیفیت: الف (۱) ل (۳۰) ش (۳۰۰) ی (۱۰) خ (۶۰۰) ع (۷۰) ب (۲) و (۴) ل (۳۰) ک (۲۰) ر (۲۰۰) ی (۱۰) م (۴۰) الحایری (۲۶۰) الف (۱) ل (۳۰) ی (۱۰) ز (۷) د (۴) ی (۱۰) جمع این اعداد حروف هزار و سیصد و چهل، قال علیه‌السلام (الاسماء تنزل من السماء)

حرکت از اراک روز بیست و دوم ماه رجب المبارک و ورودشان به قم روز بیست و چهارم ماه مزبور بوده است و در آن هنگام که بسیاری از مردم ایران از تهران و اصفهان و کاشان و اراک و نقاط دیگر برای تحویل حمل به قم آمده بودند و جمعی از علماء و خطباء نامی هم به همین عنوان مشرف بودند به زیارت و دست‌بوسی ایشان آمده و ضمناً تقاضای اقامت در قم را از معظم له نمودند

که این شهر مذهبی را مرکز و محل توقف خود قرار داده و تشکیل حوزه دهند و مخصوص چندین نفر از خطباء و وعاظ نامی تهران مانند مرحوم مبرور حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی که سمت ریاست گویندگان تهران را داشت به زیارت آمده بودند چون اصرار مردم را دیدند به توقف آن مرحوم در منبرهائی که در صحن مطهر و حرم منور می‌رفتند بیشتر مردم را تشویق نموده و تحریک به نگه داشتن آن مرحوم در قم نموده و در آن ایام در اغلب محافل و مجالس قم سخن از آیت‌اللّٰه حایری و اقامت در قم بود و از تمام علماء و خطباء جدی‌تر بر این موضوع مرحوم حاج شیخ محمدتقی بافقی بود که از نجف سوابق درخشان آن مرحوم را داشت و با آن دیدگان ملکوتی حق‌بین و آتیه‌بین خود می‌دید که اگر آن مرحوم در قم اقامت کند یکی از علائم فرج آل محمد علیهم‌السلام که ظهور علم و تشکیل حوزه علمیه است در قم بارز و واقع خواهد شد پس بیش از دیگران اصرار بر این امر داشت.

در خاطر دارم که مرحوم بافقی برای این نگارنده و جمعی دیگر می‌فرمود که مرحوم آیت‌اللّٰه حایری با اینکه در سفر مشهدشان وضع مدارس مهجور ویران قم را از فیضیه و دارالشفا دیده که چگونه دانشگاه روحانی و محل تدریس و افاضات مرحوم محدث بزرگوار ملا محسن فیض و ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی و صدرالمتالهین شیرازی و دیگران به مرکز گدایان و فقراء و دیوانه‌گان و بیماران تبدیل شده و ابراز تاسف نموده و می‌گفتند که چه می‌شد اگر این مدارس هم از غربت بیرون می‌آمد، ولی به نظر مبارکشان مشکل و گران می‌آمد که ممکن باشد حوزه را از اراک به قم منتقل نمایند.

فرمودند وقتی به ایشان اصرار کردم برای توقف موانعی ذکر کردند جواب آنها را دادم و آخر ایشان را به این کلمه قانع نموده و منصرف از مراجعت به اراک کردم.

گفتم شما این اخباری را که از حضرات معصومین علیهم‌السلام راجع به آخرالزمان که «قم مرکز علم و دانش خواهد شد (و منها تفیض العلم الی سائر البلدان) و اینکه در آن زمان علم در نجف چون ماری به زمین فرورفته و از قم بیرون خواهد آمد» دیده‌اید فرمودند: آری گفتم آیا قبول دارید و یا شبهه می‌کنید فرمودند: قبول دارم.

گفتم نمی‌خواهید که تأسیس این اساس به دست شما گردد و برای همیشه این سکه به نام شما زده شود و باقیات الصالحات شما باشد فرمودند چرا گفتم تصمیم به توقف بگذارید و به اراک پیام دهید هرکس مایل باشد به قم بیاید.

و گذشته از مرحوم بافقی عده دیگری از بزرگان قم چون مرحوم آیت‌اللّٰه حاج میرزا محمد ارباب و آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمدرضای ساوه‌ای و مرحوم حاج سید حسن متولی‌باشی آستانه مبارکه فاطمیه و حاج میرزا محمود روحانی و دیگران از افراد مؤثر و علاقه‌ای که عموم مردم قم و زوار آن سال ابراز داشتند مرحوم حایری را به حال تردید درآورده و فرمودند استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلاء و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت را دارند بنویسیم به قم بیایند.

پس با اینکه کمتر به قرآن مجید تفأل زده و استخاره می‌نمودند صبحگاهی که به حرم مطهر مشرف شدند با قرآن شریف استخاره کردند آیه ۲۹ سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام آمد (إذهبوا بقمیصی هذا و القوه علی وجه أبی یأت بصیرا و أتونی باهلکم أجمعین) و اول جمله‌ای که در اول صفحه قرآن بود ذیل آیه و أتونی باهلکم اجمعین بود پس با عزمی راسخ و قلبی مطمئن بنا را بر توقف گذارده و به منزل مرحوم حاج سید علی مصطفوی تاجر قمی که علماء و طبقات تجار و اصناف دیگر مجتمع و انتظار نتیجه و تصمیم نهائی آنجناب را داشتند آمده و اظهار مطلب فرمودند، مردم بی‌اندازه مسرور شده و یکی از بزرگان دانشمند گفت:

و ترتجیه من الرحمن سائلة

حتی استجیب لما ترجوه داعیها

مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری بروجردی که مقسم مرحوم حایری بود در اراک برای نگارنده گفت که: چون پیام ایشان به اراک رسید اول کسی که به اتفاق آقای حاج میرزا هدایت‌اللّٰه وحید گلپایگانی به ایشان پیوست بنده بودم که بعد از دو

ماه که شهریه محصلین حوزه اراک را پرداختم به قم آمده و خدمتشان رسیدم فرمودند: ما ماندنی شدیم اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است بروید خانواده خود را بیاورید.

پس آقای حاج میرزا هدایت‌اللَّه به اراک رفته و رفقا و أصحاب آیت‌اللَّه را از قضیه اطلاع داده و خانواده خود و مرا به قم آورد و کم کم رفقای اراک به قم آمده و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس گردید و پیش‌بینی‌ها و پیش گوئیهای حضرات أئمه معصومین علیهم‌السلام مصداق یافت.

خدمات و آثار مرحوم آیت‌اللَّه حایری پس از توقف در قم با همت والا و سجایای حسنه و اخلاق فاضله خود، فضلاء اراک و تهران و شهرستانهای دیگر را دور خود جمع نموده و کم کم حوزه علمیه رو به افزایش گذاشت تا بیش از هزار نفر طلبه و محصل جدی جمع شده و از محضر آیت‌اللَّه و مدرسین دیگر استفاده می‌نمودند و اما آثار آن مرحوم به شرح زیر است:

۱- حوزه رسمی علمیه قم که تا آمدن وجود ذیجود حضرت ولی عصر عجل‌اللَّه فرجه الشریف باقی خواهد بود.

۲- بیمارستان سهامی و فاطمی که از ثلث مرحوم حاج سید محمد فاطمی برای طلاب تأسیس شد.

۳- سد رودخانه قم پس از آمدن سیل و خرابی بسیار از منازل کوچه حرم و غیره.

۴- بناء قلعه مبارک‌آباد که امروز به نام کوچه رهبر معروف است برای افرادی که منازلشان در سیل ویران شد.

۵- تعمیر مدارس فیضیه و دارالشفا که رو به ویرانی گذارده بود چنانچه در جلد اول اشاره کردیم.

۶- کتاب دررالفوائد در علم اصول فقه که غالباً در درس اصولشان عنوان می‌فرمودند.

۷- کتاب صلوهٔ که مطبوع و مورد نظر فقهاء می‌باشد.

۸- کتابخانه مدرسه فیضیه که تفصیل آن در جلد اول گذشت.

۹- غسالخانه در جنب رودخانه قم.

۱۰- قبرستان آیت‌اللَّه حایری معروف به قبرستان حاج شیخ و قبرستان نو.

۱۱- معظم تلامذه و اصحاب برجسته آیت‌اللَّه حایری.

بزرگترین آثار و ثمرات حوزه علمیه و مکتب و مؤسسه مرحوم آیت‌اللَّه حایری رجال علمی قم و ایرانست زیرا هر کدام دارای مقام فضل و دانش و کمال و تقوا و غالباً حائز اجتهاد مطلق و یا مجتهد متجزی و نویسنده نامی و گویندگان سامی می‌باشند و تمام آنان از درس و بحث آن فقید معظم حیازت آن مقام شامخ را نموده‌اند:

مرحوم حایری رحمه‌اللَّه از نوابغ و فحول علمی چنانیست که از حوزه او مجسمه‌های فضیلت و استوانه‌های شرافت و مجتهدین جامع الشرایط و علماء عالیقدر و مدرسین کرام و اساتید عظام بیرون آمده است.

و حوزه او مانند حوزه وحید بهبهانی و شیخنا الانصاری و میرزای شیرازی و شیخنا الاستاد الخراسانی و استاد المعاصرین آقا ضیاءالدین عراقی قدس‌اللَّه اسرارهم رادمردان بزرگ و دانشمندان سترکی برخاسته‌اند.

این نگارنده در اینجا فهرست اسامی معظم آنها را با محل سکونتشان نگاشته و ترجمه احوال و مآثر و آثارشان را در این جلد و جلد دوم می‌نگارم انشاءاللَّه تعالی، و مخفی نباشد که بسیاری از آنان دار فانی را وداع و جماعتی هم در قید حیات و از زعماء و مراجع بزرگ معاصر می‌باشند.

شماره، اسم و شهرت، محل اقامت

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید میرزا آقای ترابی، دامغان

۲- آیت‌اللَّه حاج سید ابراهیم علوی خوئی، تهران

۳- آقا شیخ ابراهیم ریاضی، نجف‌آباد

۴- آیت‌اللَّه حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، تهران

۵- حاج سید ابوالحسن اسلامبولچی، تهران

۶- مرحوم حاج سید ابوالحسن روحانی قمی، نجف

۷- حاج میرزا ابوالفضل خراسانی، تهران

۸- آیت‌اللَّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی، قم

۹- حاج سید ابوالقاسم فقیه ارسنجانی، شیراز

۱۰- مرحوم شیخ ابوالقاسم اصفهانی، قم

۱۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ اسماعیل جاپلقی، تهران

۱۲- مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ اسماعیل بهاری، تهران

۱۳- آیت‌اللَّه حاج سید احمد خونساری، تهران

۱۴- آیت‌اللَّه حاج سید احمد زنجانی، قم

۱۵- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی، تهران

۱۶- آیت‌اللَّه حاج آقا بزرگ، کنگاور

۱۷- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید جعفر شاهرودی، تهران

۱۸- مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید محسنی، قم

۱۹- مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا میرزا حسن یزدی، نجف

۲۰- آیت‌اللَّه حاج میرزا حسن معینی، شهر ری

۲۱- آیت‌اللَّه حاج سید حسن اصفهانی، تهران

۲۲- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حیدر طاهری، خرم‌آباد

۲۳- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید ابوتراب طاهری، خرم‌آباد

۲۴- آیت‌اللَّه حاج میرزا خلیل کمره‌ای، تهران

۲۵- آیت‌اللَّه حاج شیخ راضی تبریزی، تهران

۲۶- آیت‌اللَّه حاج آقا رضا زنجانی، تهران

۲۷- آیت‌اللَّه حاج آقا رضا مدنی کاشانی، تهران

۲۸- آیت‌اللَّه العظمی آقای حاج روح‌اللَّه خمینی، نجف

۲۹- مرحوم آیت‌اللَّه حاج روح‌اللَّه کمالوند، خرم‌آباد

۳۰- آیت‌اللَّه حاج روح‌اللَّه خاتمی، اردگان

۳۱- آیت‌اللَّه حاج ریحان‌اللَّه گلپایگانی، تهران

۳۲- آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی، گرگان

۳۳- آیت‌اللَّه العظمی آقای سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی، قم

۳۴- مرحوم حاج میرزا شهاب همدانی، ملایر

۳۵- مرحوم حاج سید شمس‌الدین ابهری، تهران

۳۶- مرحوم آیت‌اللَّه صدرالدین صدر، قم

۳۷- مرحوم آقا ضیاءالدین خونساری، قم

۳۸- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی، قم

۳۹- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عباس تهرانی، قم

۴۰- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس حایری، تهران

۴۱- آیت‌اللّه آقا شیخ عباس انصاری همدانی، تهران

۴۲- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه تهرانی، تهران

۴۳- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مجتهدی، تبریز

۴۴- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه سرابی، تبریز

۴۵- مرحوم حاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری، قم

۴۶- مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی، تهران

۴۷- آیت‌اللّه حاج میرزا سید علی یثربی، کاشان

۴۸- آیت‌اللّه آقای آخوند ملاعلی همدانی، همدان

۴۹- آیت‌اللّه حاج علی محمد مزلقانی، همدان

۵۰- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی اصغر صالحی، کرمان

۵۱- مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا علی مهرابی، کرمان

۵۲- مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر برقعی، تهران

۵۳- آیت‌اللّه آقای فضلعلی، قزوین

۵۴- مرحوم آیت‌اللّه فاضل لنکرانی، قم

۵۵- آیت‌اللّه حاج میرزا فخرالدین جزایری، تهران

۵۶- آیت‌اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری، قم

۵۷- آیت‌اللّه آقا سید کاظم گلپایگانی، نجف

۵۸- آیت‌اللّه حاج آقا مجتبی عراقی، قم

۵۹- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد حجت، قم

۶۰- مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد داماد یزدی، قم

۶۱- مرحوم آیت‌اللّه میرزا محمد همدانی، همدان

۶۲- آقا شیخ محمد غروی، سنقر

۶۳- آقا آیت‌اللّه سید محمد صدرالعلماء، قم

۶۴- آیت‌اللّه حاج میرزا محمد ثقفی، تهران

۶۵- آیت‌اللّه میرزا محمد ثابتی، همدان

۶۶- آیت‌اللّه حاج میرزا محمدباقر مهاجرانی، همدان

۶۷- میرزا محمدتقی اشراقی، قم

۶۸- آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی خونساری، قم

۶۹- آیت‌اللّه حاج سید محمد جلالی، مشهد

۷۰- آیت‌اللّه حاج سید محمد حسن یزدی، قم

۷۱- حاج شیخ محمد حسن فرید گلپایگانی، تهران

۷۲- آیت‌اللّه، حاج شیخ محمدحسین شریعتمدار، ساوه

۷۳- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی، قم

۷۴- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدرضا طبسی، قم

۷۵- آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ محمدعلی عراقی، قم

۷۶- آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمود روحانی، قم

۷۷- آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا مصطفی صادق، قم

۷۸- آیت‌اللّه العظمی حاج سید مصطفی خونساری، قم

۷۹- مرحوم حاج سید محی‌الدین طالقانی، تهران

۸۰- حاج سید محمدرضای طالقانی، قم

۸۱- حاج میرزا مهدی بروجردی، قم

۸۲- آیت‌اللّه حاج سید مهدی کشفی، تهران

۸۳- آیت‌اللّه حاج سید مهدی انکجی، تهران

۸۴- آیت‌اللّه آقا شیخ مهدی کوچه حرمی، قم

۸۵- آیت‌اللّه حاج سید هادی روحانی، رودسر

۸۶- آیت‌اللّه میرزا هاشم آملی، قم

۸۷- حاج میرزا هدایت‌اللّه وحید، تهران

۸۸- حاج سید یحیی یزدی، نجف

۸۹- حاج سید یحیی بفروئی، بفروی یزد

۹۰- آقا سید یحی اسلمبولچی، تهران

و صدها نفر دیگر که ذکرشان موجب اطنابست و انشاءاللّه ترجمه هر یک در این کتاب و جلد دوم خواهد آمد.

رحلت مرحوم آیت‌اللّه حایری

مرحوم آیت‌اللّه حایری از اوائل ورودش به قم تا آخر عمرش که حدود پانزده سال بوده است مواجه با حوادث سهمگین و ناملایمات فراوانی بوده است که در جلد اول آثارالحجه نگاشته‌ام ولی در اینجا برای بعضی از محذورات از شرح آن معذورم و این نوائب ضربات بسیاری در روح و قلب آن بزرگوار وارد نموده که در اواخر او را از پا درآورده و بسیار ضعیف نموده بود تا جائی که گاهی تمنای مرگ نموده و می‌فرمود دیگر مردن سرقفلی دارد (فیاموت زرنی ان الحیاهٔ ذمیمهٔ) ای مرگ بیا که زندگی مرا کشت و در اواخر عمرش بسیار خلوت و اعراض و انزوا را دوست می‌داشت و غالباً در غیر وقت درس و تحصیل طلاب در سالاریه مرحوم متولی بزرگ پدر جناب آقای مصباح التولیه متولی معزول که به ایشان نهایت ارادت و اخلاص را داشت به سر می‌برد و روز به روز بر ضعف و کسالتش افزوده می‌شد زیرا دیگر برای مرد غیور و متدین با دین آن حملات و تهاجم به قرآن مقدس و نوامیس مسلمین و حوزه روحانیت جای تحمل و صبر و طاقت نبود و به گفته یکی از مراجع و اساتید بزرگ حوزه آن مرحوم به مرض دق از دنیا رفت خلاصه ضعف بالای ضعف و غصه بر غصه ایشان اضافه می‌شد تا در شب هفدهم ذی‌القعده هزار و سیصد و پنجاه و پنج قمری از دنیای فانی فارغ و از ناملایمات آن راحت گردید (در سن هشتاد و سه سالگی).

مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید صدرالدین صدر رضوان‌اللّه‌علیه قصیده‌ای در مرثیه و تاریخ فوتش سروده‌اند که در میان قصائد و مراثی بسیاری که در ضایعه فوت ایشان گفته شده بیشتر مرضی خدا و مورد توجه آن مرحوم واقع گردیده است.

عبدالکریم آیت‌اللّه قضی

وانحل من سلک العلوم عقده

اجدب ربع العلم بعد خصبیه

و هد ارکان المعالی فقده

کان لاهل العلم خیر والد

و بعده امست یتامی ولده

کوکب سعد سدالعلم به

دهرا و غاب الیوم عنه سعده

فی شهر ذی القعدهٔ غاله الردی

بسهمه یالیت شلت یده

فی حرم الائمهٔ الاطهار فی

شهر الحرام کیف حل صیده

دعاه مولاه فقل مورخا

لدی الکریم حل ضیفا عبده

فرمود پس از انشاد این قصیده در عالم رؤیا دیدم در باغی هستم که فوق‌العاده از حیث اشجار و اثمار و ازهار و انهار جاریه و خیابانها زیبا و بی‌نظیر بود و من در خیابانها قد می‌زدم شخصی از مقابل به من رسیده و گفت میل دارید آقای حاج شیخ را ملاقات نمائید گفتم کدام حاج شیخ گفت حاج شیخ عبدالکریم حایری گفتم کمال میل را دارم.

آن شخص جلو افتاد و گفت بفرمائید سه چهار خیابانی طی کردیم رسیدیم به فضائی که وسط باغ بود و به حوضی برخوردیم که اطراف آن گل‌کاری بود و در سمت راست آن فضا عمارتی بود که سه چهار پله از زمین باغ بالا بود و درهای چندی به طرف باغ داشت نگاه کردم دیدم در آخر اطاق گوشه دست راست حاج شیخ را دیدم تکیه به در داده و به باغ نگاه می‌کند من سلام کردم و با عجله بالا رفتم و وارد اطاق شدم ثانیاً سلام کردم جواب دادند و بعد از پذیرائی من احوال‌پرسی کردم فرمودند حالم خوبست و احوال آقایان و حوزه را پرسیدند گفتم الحمدللّه خوبست خوشحال شدند و در این حال پیشخدمت وارد شد و برای ایشان چائی آورد فرمودند برای آقا هم بیاور، رفت و یک استکان چائی برای من آورد و در تمام این جریانات من تصور می‌کردم حاج شیخ زنده است و به باغ آمده‌اند گفتم تنها تشریف آورده‌اید میل مبارک باشد من هم خدمت شما باشم فرمودند خیر شما کار دارید و با شما کار دارند و باید بروید و بعد هر دو دست را بلند کرده فرمودند من تنها نیستم خیر تنها نیستم در آن وقت متوجه شدم که فوت کرده‌اند باز احوال‌پرسی کردم و ایشان هم احوال‌پرسی نمودند و بعد توجهی به باغ انداختم و ایشان همچون فهمیدند که من به منظره باغ مجذوب شده و از نزاهت و طراوت آن استعجاب می‌کنم. کمی بلند شده و هر دو دست را بلند و به طرف من اشاره کردند فرمودند (لدی الکریم حل ضیفاً عبده).

منظره‌ای از تشییع جنازه‌ی مرحوم آیت‌اللّه حایری

و یکی دیگر از قصائد و ماده تاریخ‌های خالص که با صدق نیت گفته شد در فوت آن مرحوم ابیات زیر است

عجب از سیرت بی‌ارزش دنیای دنی

صلح ناکرده ز اول دل دانا با او

زهد و دنیاطلبی ساز نیایند به هم

نشده یک قدمی سازش دنیا با او

بی‌مکارم نرسد فایده علم بکس

گرچه علم و هنرش بوده چو دریا با او

گشت از حوزه علمیه روان سوی جنان

آنکه شد ماحصل دانش و تقوا با او

نشنیدیم در این ملک چو او مردی راد

همه اسباب شرف بوده مهیا با او

خود اگر داشت کسی دیده بینا می‌دید

رسم و آئین تدین که هویدا با او

همه کس را نرسد رتبه همپائی وی

«فیض روح‌القدسی بود به پیدا با او»

گفتم این چامه که داور بکشد روز پسین

خط بطلان بخط جرم خطاها با او

اثر عمیق فوت مرحوم حایری

قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله: اذامات العالم ثلم فی الاسلام ثلمهٔ لا یسدها شییء وقتی عالمی از دنیا رود رخنه‌ای در دیوار اسلام واقع شود که چیزی آن را مسدود نکند.

و قال صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اذا مات العالم بکت علیه السموات والارضون اربعین صباحا وقتی عالمی از دنیا رود آسمانها و زمین‌ها بر او چهل صبح گریه می‌کند در کتب اخبار و احادیث و تفسیرهای فریقین وارد شده است که مرگ عالم ربانی و مرجع با تقوی تأثر عمیقی در جامعه و جهان هستی دارد به طوری که آسمانها و زمین‌ها و هوام و حشرات و وحوش و طیور و درندگان برای فقدان او متأثر شده و گریه می‌کنند.

ای بسا کس مرد و کس آگه نشد

از عیانش مبدئی و مختمی

لیک اندر مرگ مردان بزرگ

عالمی گرید برای آدمی

عالمی گردد قرین درد و رنج

گر بمیرد برگزیده عالمی

آیتی چون حایری رفت از جهان

یک جهان گردد غریق ماتمی

رحلت و فوت مرحوم آیت‌اللَّه حایری در چنان بحران و کوران عصر تاریکی که تمام دست‌ها و قوای مرموز استعمارگران و دشمنان دین و استقلال کشور بر علیه قرآن و اسلام فعالیت می‌کرد و روزی نبود که بدعت تازه و منکری بر مردم ضعیف‌الایمان تحمیل نشود بزرگترین ضایعه بود زیرا که تمام علماء و دانشمندان بزرگ و فعال و متعصب و متنفذ را یا تبعید و یا زندانی و یا

خانه‌نشین و یا از بین برده بودند و تنها مرد میدان مجاهده بود که با مبارزات منفی و مثبت خود دشمنان و بیگانه‌پرستان را عقب رانده و از تهاجم و حمله اساسی آنها جلوگیری می‌کرد.

آیت‌اللَّه حایری با آن متانت و بردباری و تقیه و محافظه‌کاری که مشروحاً بیان شد دشمن را که همواره می‌گفت همه را از میان بردم اگر این یکی را هم می‌بردم از اسلام و دین آسوده شده و از حدود و قیود آئین و مذهب آزاد و راحت می‌شدم به زانو درآورده و مجذوب خود گردانیده بود.

در صبح هفدهم ذی‌القعده ۱۳۵۵ قمری که این خبر در قم و وسیله تلگراف و تلفون در تهران و سایر بلاد منتشر شد عموم مردم متأثر شده و جهان در نظر ملت متدین و شیعیان متعصب تاریک شده و انتظار بلیات و مصائب دیگر را احساس نمودند که این نگارنده آن را در جلد اول آثار الحجهٔ مشروحاً نگاشتم طالبین به آنجا مراجعه کنند.

تشییع جنازه در آن موقع موقوف و کلیه تظاهرات و مظاهر دینی و شعائر مذهبی تعطیل بود لکن مردم قم عموماً زن و مردم عالم و جاهل و طبقات مختلف مردم دولتی و غیره چنان آشفته و پریشان بودند و به سر و صورت می‌زدند و فریاد می‌کشیدند که گویا صاعقه‌ای از آسمان آمده و تمامی را سوزانیده است در آن خفقان عجیب و شرایط سخت تشییعی از جنازه آن مرحوم شد که کم‌نظیر بوده و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا فخرالدین شیخ‌الاسلام قم بر ایشان نماز خوانده و در جوار حضرت معصومه سلام‌اللَّه‌علیها در مسجد بالا سر همانجائی که خود نماز می‌خواندند و درس می‌گفتند مدفون شده و اشعار مرحوم آیت‌اللَّه صدر را که ذکر شد بر روی سنگ قبرش منقوش نمودند (لدی الکریم حل ضیفا عبده).

رجال علم و تقوائی که در اطراف قبرش مدفون می‌باشند

یکی از مزارات و قبوری که بعد از حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام در قم زیارت می‌شود قبر مرحوم آیت‌اللَّه حایری است و کمتر کسی مشرف به قم برای زیارت می‌شود که قبر آن مرحوم را زیارت نکند در شبانه روز هزارها نفر به زیارت قبر او می‌روند، در اطراف قبرش شخصیتهای برجسته علمی و مردان با فضیلت و تقوا بسیاری مدفون می‌باشند که غیر از دو قبر مرحومین آیتین خونساری و صدر قبور دیگران اثر و مظهری ندارد و ما فهرست آنها را در اینجا می‌نگاریم و ترجمه و آثارشان را در جای خود آورده و خواهیم آورد:

۱- آیت‌اللَّه آقا سید محمد بن آیت‌اللَّه آقا سید عبداللَّه برقعی متوفی ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۰ قمری ترجمه‌اش قبلا گذشت.

۲- آیت‌اللَّه آقا شیخ محمد بن آیت‌اللَّه شیخ زین‌العابدین مازندرانی متوفی. ۲۳ ج ۱۳۵۰ /۲.

۳- آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر متوفی اواسط ماه جمادی‌الثانی ۱۳۵۳ قمری

۴- آیت‌اللَّه حاج سید احمد عراقی بن آیت‌اللَّه حاج آقا محسن عراقی متوفی ۱۰ ذی‌الحجه ۱۳۵۶ قمری.

۵- آیت‌اللَّه حاج سید حسین کوچه حرمی متوفی ۱۵ ذی‌القعده ۱۳۵۷ قمری.

۶- آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدعلی حایری قمی متوفی دوشنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۵۸ قمری.

۷- آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی بهبهانی متوفی دوم ربیع‌الثانی ۱۳۶۰ قمری.

۸- آیت‌اللَّه حاج شیخ مهدی پائین‌شهری متوفی جمعه نوزدهم شعبان ۱۳۶۰ قمری.

۹- آیت‌اللَّه حاج سید حسین شوشتری متوفی ۱۸ محرم ۱۳۶۲ قمری.

۱۰- آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین سبط میرزای قمی متوفی سوم شعبان ۱۳۶۲ قمری.

۱۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ عیسی لواسانی متوفی دوم صفر ۱۳۶۴ قمری.

۱۲- آیت‌اللَّه حاج سید محمدباقر قزوینی متوفی ۲۸ صفر ۱۳۶۴ قمری.

۱۳- آیت‌اللَّه سید محمدصادق بهبهانی متوفی ذی‌القعده ۱۳۶۴ قمری.

۱۴- آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی بافقی متوفی ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۶۵ قمری.

۱۵- آیت‌اللَّه حاج سید محمدتقی خونساری متوفی ۷ ذی‌الحجه ۱۳۷۱ قمری.

۱۶- آیت‌اللَّه حاج سید صدرالدین صدر متوفی ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۷۳.

۱۷- آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالنبی عراقی.

۱۸- آیت‌اللَّه حاج میرزا مهدی بروجردی.

۱۹- آیت‌اللَّه حاج آقا روح‌اللَّه کمالوند

۲۰- آیت‌اللَّه حاج سید احمد لواسانی

۲۱- آیت‌اللَّه حاج شیخ عباس تهرانی

۲۲- آیت‌اللَّه حاج شیخ محمد حسن طالقانی

۲۳- آیت‌اللَّه حاج میرزا رضی تبریزی

۲۴- آیت‌اللَّه حاج سید مهدی کشفی بروجردی

۲۵- مرحوم حجهٔ‌الاسلام میرزا محمدتقی اشراقی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد ارباب متوفی ۲۵ ماه رمضان ۱۳۶۸ قمری

۲۶- مرحوم حجهٔ‌الاسلام آخوند ملا عبداللَّه متوفی ۱۳۵۷ قمری

۲۷- آیت‌اللَّه حاج میرزا سید حسن برقعی رحمه‌اللَّه

۲۸- آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالجواد صافی گلپایگانی

۲۹- آیت‌اللَّه حاج میرزا محمود اصولی تبریزی

و ده‌ها نفر دیگر که نزدیکی قبر آن مرحوم مدفونند و گذشته از علماء مردان صالح و نیکوکاری چون مرحومین اخوان سلامت حاج شیخ علی‌اصغر و حاج شیخ علی‌اکبر سلامت رضوان‌اللَّه علیهم اجمعین.

کرامت حضرت امام حسین علیه‌السلام نسبت به مرحوم حایری

از خصایص و امتیازات مرحوم آیت‌اللَّه حایری قدس‌اللَّه‌سره کثرت توسلش بود به خداندان جلیل عصمت و طهارت بالاخص بمولینا الکونین نورالثقلین امام المشرقین حضرت ابی‌عبداللَّه الحسین علیه الصلوهٔ والسلام حتی در مجلس درس فقه‌اش مرثیه‌خوانی چون مرحوم حاج شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی تبریزی را که از اوتاد زمان بود تعیین کرده بود که هر روز قبل از درسش ذکر مصیبتی کند و بعد از آن خودش به منبر رفته و تدریس می‌نمود در ایام عاشوراء روضه‌خوانی داشت و روز عاشوراء خود در جلوی هیئت اهل علم پا برهنه و گل به پیشانی و صورت مالیده حرکت می‌کرد وقتی بعضی از نزدیکانش از علت این توسل و تمسکش به سفینهٔ‌النجاهٔ امت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام پرسید جواب می‌فرمایند من هرچه دارم از آن حضرت دارم و بعد قصه کرامت حضرتش را درباره خودش شرح می‌دهد که این نگارنده در سفرم به اراک از دو نفر مرد موثق و عادل شنیدم که عیناً آن را در ج ۲ کتاب آثارالحجه ص ۲۰۸ نگاشته و اینجا هم که جای آنست می‌نگارم.

آقای حاج دفتری مباشر کارهای آیت‌اللَّه حاج مصطفی محسنی که مرد موثق و متدینی است با تأیید مرحوم مبرور آقای آیت‌اللَّه حاج آقا حسن فرید محسنی که مرحوم آیت‌اللَّه حایری در منزل مرحوم آیت‌اللَّه حاج آقا مصطفی در اراک هنگامی که سرپرستی حوزه عراق را داشتند پس از نقل خواب آن مرحوم که در آثارالحجه نوشته‌ام فرمودند هنگامی که من در کربلا بودم شبی در عالم خواب دیدم که شخصی به من گفت شیخ عبدالکریم کارهایت را بکن که تا سه روز دیگر خواهی مرد. من از خواب بیدار شدم متحیر بودم گفتم البته خوابست تعبیر ندارد اتفاقاش شب سه‌شنبه بود روز سه‌شنبه و چهارشنبه را مشغول به درس و بحث بودم تا خواب از خاطرم رفت روز پنجشنبه تعطیلی دروس با بعضی از رفقا به ناحیه باغ مرحوم سید جواد رفتیم در آنجا قدری گردش و

مذاکره علمی نموده تا ظهر نهار را صرف و ساعتی خوابیدیم در آن موقع لرز شدیدی به من عارض شد رفقا آنچه عبا و روانداز بود بر من انداختند باز می‌لرزیدم پس از ساعتی تب بسیار سوزانی کردم و کم کم حس کردم که حالم بسیار خراب است به رفقا گفتم مرا زودتر به منزلم برسانید.

رفقا وسیله‌ای فراهم کرده و مرا به شهر آورده و به منزلم رسانیدند در آنجا بی‌حال و حس افتادم کم کم حواس ظاهره‌ام از کار افتاد یک مرتبه به یاد خواب سه شب قبل افتادم علائم مرگ را در خود مشاهده کردم و ناگهان دیدم دو نفر ظاهر شده و از راست و چپ من نشستند و به هم نگاه کردند و گفتند اجل او رسیده مشغول قبض روح او شویم.

من در آن حال مرگ را معاینه کردم از راه قلب توجهی به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه الصلوة والسلام نموده عرض کردم مولای من از مرگ هراس و ترس ندارم ولکن از این می‌ترسم که دستم خالیست کاری نکرده و زادی تهیه ننموده‌ام شما را به حق مادرتان حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام شفاعت کنید که خدا مرگ مرا تأخیر اندازد تا فکری به حال خود نمایم.

و تا از راه دل این توسل را نمودم دیدم شخصی وارد شد و نزد آن دو آمده و گفت حضرت سیدالشهداء فرمودند شیخ عبدالکریم به ما توسل نمود و ما هم نزد خدا شفاعت کردیم که عمر او را دراز و اجل او را تأخیر اندازد و خداوند تعالی اجابت فرمود شما روح او را قبض نکنید.

پس آن دو به هم نگاه کرده و رو به آن شخص نموده و گفتند سمعاً و طاعه و از جا حرکت کردند و سه نفری صعود نمودند.

پس در آن هنگام احساس کردم که حالم بهتر شده صدای گریه و زاری و ناله خانواده خود را شنیدم که به سر و صورت خود می‌زدند آهسته دست خود را حرکت دادم و چشم خود را گشودم دیدم چشم مرا بسته و رویم چیزی کشیده‌اند، خواستم پایم را جمع کنم ملتفت شدم که شصت مرا هم بسته‌اند.

پس دستم را بلند کردم برای برداشتن چیزی که رویم بود شنیدم می گویند ساکت شوید گریه نکنید که حرکت دارد و آرام شدند و روی مرا برداشتند و چشمم را گشودند و پایم را فوراً باز کردند با دست اشاره به دهانم کردم که آبم دهید. پس آب به دهانم ریختند و کم کم از جا برخاسته و نشستم و تا پانزده روز ضعف مفرط و کسالت داشتم، از آن حالت الحمدللّه به کلی رفع نقاهتم شده و بهبودی یافتم و این از برکت مولایم حضرت حسین علیه‌السلام بود. آری به خدا قسم.

مرا بغیر حسین ملجأ و پناهی نیست

در این عقیده یقینم که اشتباهی نیست

ره نجات حسین است و دوستی حسین

به سوی حق به جز از این طریق راهی نیست

اگر تو حکم غلامی من کنی امضا

به هیچ محکمه خوفم ز دادگاهی نیست

بیت آیت‌اللّه حایری

بیت و خانواده آن مرحوم بیت علم و تقوا و فضیلت است دارای دو پسر و سه دختر بوده‌اند پسران جناب آیت‌اللّه آقای حاج آقا مرتضی حایری و جناب حجهٔالاسلام آقای حاج آقا مهدی حایری که ترجمه هر یک خواهد آمد و اما دختران

۱- همسر مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ محمد توسرکانی

۲- همسر مرحوم حاج شیخ احمد همدانی

۳- همسر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد یزدی بودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۷ -۱۳ /۱)، الذریعه (۱۳۲/۸ -۳۷۸/۴)، ریحانه (۶۸ -۶۶ /۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳ - ۵۹ /۳)، مولفین کتب چاپی (۹۱۷ -۹۱۵ /۳).

حائری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حائری

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۵ در حالی که مدرک سیکل را گرفتم وارد حوزه علمیّه سبزوار شدم و پس از یک سال وارد حوزه علمیّه قم شده در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی پس از امتحان ورودی پذیرش شدم و تا سال ۱۳۶۶ در آنجا مشغول به تحصیل بودم و سپس در درس مکاسب و کفایه آیت الله ستوده شرکت کردم و خلاصه پس از اتمام دوره سطح و اتمام آن در سال ۱۳۷۳ و اتمام امتحانات آن دوره و شش سال شرکت در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه مثل شرح منظومه ، بدایهٔ الحکمه و نهایهٔ الحکمه نزد آیت الله فاضل ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد بهشتی، وارد فضای تحقیق شدم که درسال ۱۳۶۹ کتاب مسالك الافهام که مولف آن شهید ثانی است. این کتاب شرح کتاب شرایع الاسلام سه جلد آن با محققین آن مرکز همکاری داشتم و پس از آن کتاب قواعد الفقهیه آیت الله فاضل را برای تحقیق متون آن به دست گرفتم . و پس از آن کتابی به نام علل و عوامل ظهور و سقوط تمدنها در منابع اسلامی را شروع به نوشتن کردم ، بعد به عنوان پایان نامه هم از من پذیرفته شد و هیئت داوران نمره عالی به آن دادند . مدتی با بخش تحقیق و پژوهش ستاد اقامه نماز استان قم همکاری داشتم .

حائری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حائری

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود حائری فرزند رضا در سال ۱۳۴۴ در شهر سمنان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهرستان سمنان شدم و پس از آن به قم آمده و در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ شروع به درس خارج نمودم که در این زمینه از اساتید به نام آیت الله جوادی آملی، امین شیرازی، وجدانی فخر، اعتمادی، محقق داماد و غیره بهره ها بردم و نیز در زمینه های اجرایی دین فعالیت داشته ام از قبیل دفتر تبلیغات، محقق دانشگاه باقرالعلوم(ع) ارزیاب و مسئول بوده ام.

حبیبی تبار، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جواد حبیبی تبار

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ همزمان با تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم. دروس مقدمات را نزد علامه فقید مدرس افغانی (ره) تلمذ کردم، سپس لمعه و معالم و شرح باب حادی عشر را از محضر پر فیض آیت الله اشتهاردی (دام عزه) استفاده کردم. رسائل را نزد آیت الله اعتمادی (دام عزه) و مکاسب را نزد مرحوم آیهٔ الله ستوده (ره) خواندم. بخشی از کفایه را نزد آیهٔ الله دوزدوزانی و بخشی دیگر را نزد حضرت آیهٔ الله فاضل لنکرانی استفاده کردم. اسفار را نزد آیهٔ الله انصاری شیرازی (دام عزه) بهرمند بودم و در درس اخلاق معظم له نیز حضور داشتم مدتی عرفان را نزد آیهٔ الله شاه آبادی مستفیض بودم. تفسیر را از محضر آیهٔ الله جوادی آملی و مدتی فلسفه را نزد استاد دکتر محقق داماد (دام عزهما) بهره بردم، و از محضر آیات علوی کاظمینی، وحیدی شبستری و خوانساری در خارج فقه و اصول بهرمند بوده ام و هم اینک از محضر آیات وحید خراسانی و فاضل لنکرانی (دامت برکاتهما) استفاده می کنم. تحقیقات خود پیرامون مسائل و موضوعات حقوق به ویژه حقوق اسلامی را از سال ۱۳۶۴ آغاز نمودم و از محضر اساتید بزرگواری چون دکتر کی نیا، دکتر محقق داماد، دکتر آخوندی ، دکتر سپهوند ، دکتر گودرزی ، دکتر یاوری ، دکتر جهانگیر ثانی ، جناب آقای شهری ، و جمع دیگری از اساتید استفاده برده ام. فن خطابه را نزد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی و روانشناسی خانواده را نزد حجت الاسلام و المسلمین آل اسحاق و دکتر نبی صادقی خواندم.

از اینجانب یک جلد کتاب دراصول فقه ، یک جلد در تفسیر ، یک جلد در مدیریت ، یک جلد در حقوق خانواده ، یک جلد در امور حسبی ، یک جلد در آیین دادرسی کیفری و دو جلد در موضوعات دیگر به چاپ رسیده است. ۸ جلد در حقوق مدنی ، ۴ جلد در متون فقه ، ۴ جلد در موضوعات حقوق به صورت رساله علمی به صورت دست نویس وجود دارد. اینجانب سالهاست که

در مراکز حوزوی و دانشگاهی ذیل تدریس و یا فعالیت علمی دارم : ۱. اداره کل آموزش قضات قوه قضائیه، که در قم و مراکز استان ها تا کنون حدود یک هزار نفر از قضات شاغل کشور در کلاس های درس اینجانب حاضر بوده اند.۲. دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ صدها نفر از قضات و وکلای داگستری و مشاورین حقوق کشور که از این مرکز علمی، در رشته های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی فارغ التحصیل شده اند در کلاس های درس اینجانب حضور داشته اند. ۳. دانشگاه قم درس های رویه قضایی و آئین دادرسی مدنی در این دانشگاه برای دانشجویان محترم تدریس شده است. ۴. مرکز تخصصی حقوق و قضاء اسلامی حوزه مقدسه قم، تقریبا از بدو تاسیس این مرکز تخصصی با تدریس حقوق مدنی و آیین دادرسی کیفری در خدمت صدها دانش پژوه آن بوده و هستم. ۵. مرکز جهانی علوم اسلامی، دراین مرکز برای طلاب محترم خارجی که رشته حقوق تحصیل می نمایند تدریس داشته ام از جمله برای هشتاد نفر از قضات بالقوه افغانستان.۶. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، در این مرکز در کمیسیون آسیب شناسی قوانین مدنی کشور عضویت و با دوستانی چون آقایان دکتر وحدتی شبیری، دکتر عبدی پور، دکتر ارسطا و دکتر قشقایی به کارشناسی در رابطه با قوانین مدنی و آسیب های آن پرداخته ام. ۷. کمیسیون تدوین پیش نویس قانون احوال شخصیه شیعیان بحرین، در این کمیسیون پیش نویس قانونی در زمینه احوال شخصیه به معنی اعم آن شامل مقررات راجع به ولادت، نسب، نکاح، طلاق، ارث، وصیت، وقف مورد بررسی و تصویب علمی قرار گرفت. ۸. صدا و سیما ، سالهاست که به عنوان کارشناس حقوق اسلامی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی فعالیت داشته و ارائه برنامه داشته و دارم. علاوه بر موارد مذکور در حوزه های علمیه بندرعباس، نهاوند و قم به تدریس متون ادبی و نیز کتب لمعه، معالم، اصول فقه، باب حادی عشر، رسائل و مکاسب اشتغال داشته ام.

حبیبیان نقیبی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید حبیبیان نقیبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید حبیبیان نقیبی با گذراندن دوران ابتدائی ، راهنمائی و دبیرستان در شهرستان بابل ، دیپلم رشته ریاضی فیزیک را در سال ۱۳۶۱ دربافت نمودم . در شهریور همان سال به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدم و در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه بابل شدم که به واقع حضور در جمع با انگیزه طلاب انقلابی در محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله فاضل استر آبادی ، سعادت بزرگی بود که خداوند متعال ارزانیم داشت.

دروس مقدماتی و بخشهایی از سطح را در محضر ایشان آموختم . از سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم و تا سال ۱۳۶۹ بقیه دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات اعتمادی ، دوزدوزانی و استادی تلمذ نمودم و از

آن سال تا کنون در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد تبریزی(ره) ، فاضل لنکرانی(ره) ، سید محمود هاشمی شاهرودی و سید جعفر کریمی به قدر توان بهره مند شده و می شوم.

در کنار تحصیل از سالهای اول تحصیل حوزوی ، به تدریس دروس مختلف حوزوی تا پایه ششم اشتغال داشتم . از سال ۱۳۶۹ به همراه تحصیلات و تدریس حوزوی ، در دانشگاه مفید قم و در رشته اقتصاد نظری به تحصیل دروس دانشگاهی پرداختم . در سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل در مقطع کار شناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۷۷ از این مقطع فارغ التحصیل شدم . از سال ۱۳۶۷ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه به امر پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن کتاب ، طرح تحقیقاتی و مقالاتی است که منتشر و ارائه شده است .

در حال حاضر نیز در کنار تحصیل در حوزه عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم می باشم و به تحقیق در موضوعات اقتصاد اسلامی و تدریس در آن دانشگاه اشتغال دارم .

حجازی راد، الله کریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الله کریم حجازی راد

محل تولد : اسلام آباد غرب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۶/۲

زندگینامه علمی

از سال ۷۳ که وارد حوزه علمیه قم شدم ادامه درس و بحث خود را که کرمانشاه شروع کرده بودم پی گرفتم سال ۱۳۸۰ بنا به ضرورت به تحریریه پرتوسنجی رفتم و تا سال ۸۳ آنجا بودم همزمان در دفتر جریان شناسی معاصر مشغول پژوهش و تحقیق و گردآوری موضوعات مختلف شدم که حاصل آن پژوهشها منتشر شده و از سال ۸۲ سردبیری نشریه داخلی نیروی دریایی سپاه پاسداران به عهده ام گذاشته شد که حدود سه سال و اندی هم مشغول این کار بودم. و همزمان از دروس حوزوی نیز غافل نبودم و کلاسهای فقه و اصول و خارج فقه و اصول و تفسیر قرآن کلام، فلسفه و ... می رفتم در سال ۸۰ گواهی نامه علمی سطح دو را اخذ کردم و اکنون نیز برای گواهی نامه سطح سه ثبت نام کرده ام و مشغول تدارک آن هستم و همچنان تحصیل را ادامه می دهم.

حجازی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی حجازی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تـا به سامانی های واپسین روزهای حکومت قاجار در کام زمانه شراره می ریخت ، سال ۱۳۰۳ هجری بود . در کـانون کهن علم و فلسـفه شهر باستانی قمشه (شهرضا) و در خانه عالم بزرگ شهر «حاج سید فضل الله حجازی» لبخندها می شکفت و تولد سید مهدی حجـازی را بـا شـادی می آمیخت ، او دوران کودکی را در خانواده ای که در علم و تقوا سابقه دیرین داشت سپری کرد و از تربیت های علمی و اخلاق پـدر و نیاکان خویش پرتو گرفت.در آغاز جوانی برای تحصـیل علوم دینی رهسـپار اصـفهان گردیـد. سالها در اصـفهان با تلاش پیگیر ، ساده زیستی ، خودسازی و باور پولادین ، رشـته های ختلف فرهنگ اسـلامی را فرا گرفت ، استادان او در اصفهان عبارت بودند از :آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی ، آیت الله میرزا علی آقای شیرازی ، آیت الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی ، آیت الله طیب ، آیت الله خادمی ، آیت الله حاج آقا صـدر کوهپایه ای ، آیت الله حاج شـیخ احمـد فیاض .آیت الله حجازی در سال ۱۳۷۰ هجری برای تعالی بیشتر علمی و کسب تخصـص فراتر فرهنگی و نیل به درجه عالی اجتهاد رهسپار نجف اشـرف شد .وی علی رغم تنگناهای مادی در طول ۱۷ سال سـکونت در نجف اشـرف به فراگیری پیگیر علوم اسلامی پرداخت و از محضـر مراجعی چـون:حضـرت امـام خمینی ، آیـت الله العظمی حکیـم، آیت الله العظمی خـویی، آیت الله العظمی سید عبـدالهادی شیرازی، آیت الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله العظمی حاج سید جواد تبریزی، آیت الله العظمی حاج سید یحیی یزدی رحمه الله علیهم اجمعین بهره کـافی گرفت.دستیـابی به درجه اجتهـاد یکی از فرازمنـدترین فله هـای ارتقـای علمی و فقهی در حوزه های علمیه رسـیدن به رتبه اجتهاد و گرفتن اجازه اجتهاد از مراجع بزرگی که به ایشان اجازه اجتهاد داده انـد عبارتند از :آیت الله العظمی سـید یحیی حسـینی یزدی نجفی، آیت الله العظمی حاج سـید محمد جواد طباطبائی تبریزی نامبرده در اول نوشـته خویش آیت الله حجازی را این گونه وصف می کنـد:سـید مهـدی حجازی، دانشـمند فاضل ، تقوا پیشه پیراسـته، برگزیده بزرگان، پشـتوانه دانشـمندان اسـلام، رهرو راه اسـتوار صـاحب ذوق آراسـته به مرتبه اجتهـاد رسـیده انـد.آیت الله العظمی سـید ابوالمعـالی حاج سـید عبـدالاعلی سبزواری، ایشـان نیز در مرقومه خویش دربـاره آیت الله حجـازی می نویسـد:حجه الاسـلام حجـازی با آراسـتگی اخلاق معارف اسلامی را فرا گرفته است، مبانی احکام را استوار ساخته و به درجه اجتهاد رسیده است.

حجت حایری طباطبایی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۹ -۱۲۴۲ ق)، عالم و فقیه اصولی امامی. معروف به حجت در کاظمین به دنیا آمـد و در همان جا نشو و نما یافت. از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود و در کربلا فقه و اصول تدریس می‌کرد. وی با میرزا محمد حسن مولی علی علیاری تبریزی و سید ابراهیم بن سید محمد تقی معاصر بود و چند تن از علمای هند و تبریز از وی اجازه گرفتند. میرزا ابوالقاسم فردی زاهد و خوش‌خلق بود. در کاظمین وفات یافت و در بقعه‌ی سید مجاهد در کربلا دفن شد. از آثارش: «اجازه».

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۴ -۴۰۳ /۲)، الذریعه (۱۳۹/۱)، ریحانه (۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل/ حجت طباطبایی).

حجت، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مولینا الامجد و سیدنا الممجد و الحبر المعتمد العلامهٔ الکبری آیهٔاللّٰه العظمی السید محمد بن العالم الکامل السید علی بن السید الاعلام السید علینقی بن السید محمد الحسینی الکوه کمری.

اصلا از قریه کوه کمر که یکی از قراء تبریز است می‌باشد منشاء و تولدش تبریز مرکز استان آذربایجان از سادات و خانواده‌های اصیل و نجیب کوه کمر تبریز است که به گفته نقیب‌السادات و نسابه کبری عصر حاضر علامه فقیه آیت‌اللّٰه نجفی مرعشی سادات کوه کمر بخصوص سادات حسینی آن که آیت‌اللّٰه حجت از آنهاست و از طرف مادر منسوب به آنها هستم به صحت نسب و شرافت حسب در غایت شهرت و در هر عصری مورد توجه عامه و خاصه مردم بوده‌اند.

نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب به حجازی از فرزندان علی‌اصغر بن الامام زین‌العابدین علی بن الحسین علیهماالسلام موصول و تا آن بزرگوار بیست و پنج واسطه دارد.

آن جناب حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل و فقیه کامل و محدث فاضل و حکیم ماهر و اصولی محقق و رجالی مدقق و عابد زاهد جلیل‌القدر عظیم‌الشأن دارای کمالات نفسانیه عالیه و حایز مقامات معنویه سامیه که در مضمار مسابقه حاوی قدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت ربوده و از مراجع تقلید و رؤساء فرقه محقه اثنا عشریه و مدیر و مدبر حوزه علمیه قم صانه‌اللّٰه عن الحدثان گردیده بود.

در ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری در شهر تبریز متولد و در مهد تربیت پدر و حجر مادر عفیفه‌ای نشو و نما نموده تا وقت تحصیل و از آن استعداد سرشار و هوش و ذکاوت و ادراک و سرعت انتقال و فهم و قوهٔ دراکه فوق‌العاده به سرعت زیاد و مدت کوتاهی تحصیلات مقدماتی لازمه و ادبیات معموله را مدتی در همان شهر خوانده و پس از آن فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و تجرید و مقدار وافی از علوم جدید فیزیک و شیمی و سایر فنون متنوعه را از اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء آن شهر دیده و اغلب تحصیلات فقهی و اصولی سطوح او نزد والدش مرحوم سید علی آقای کوه کمری بوده است.

خود این نگارنده از آن جناب شنیدم که می‌فرمود شرح کبیر موسوم به ریاض را به تمامه نزد پدرم خواندم و جلدین شرح لمعه را با مطالعه تنها درست کردم و دو دوره آن را در تبریز درس گفتم و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف عزیمت نمودم.

مرحوم آیت‌اللّٰه حجت پس از تکمیل مقدمات سطوح و فنون ادبیات و متون متداوله سنه ۱۳۳۰ پس از گذشتن بیست سال از عمرش به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حوزه درس علامه یزدی صاحب عروه حاضر شده و رجال و حدیث را از عالم رجالی مرحوم آقا سید ابوتراب خونساری فراگرفته هم از محضر مرحوم آیهٔ‌اللّٰه شریعت اصفهانی استفاده کامل فرموده و هم از مرحوم حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّٰه میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّٰه فیروزآبادی و وحید عصر آقای آقا ضیاءالدین عراقی و اجلاء دیگر بهره‌مند شده تا در سال ۱۳۴۹ که به قم آمده و یکی از اعاظم علماء و مدرسین آن حوزه مقدسه بود، آیت‌اللّٰه مؤسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری توجهی مخصوص به آن عالم و فقیه کامل نمود و در تکریم و بزرگداشت وی سعی بلیغ مبذول داشت. تا بعد از رحلت آن مرحوم آیت‌اللّٰه حجت در جای وی تدریس می‌کرد و سایر فقهاء و علماء حوزه نیز تقدمش

را مراعات نموده و بدینگونه آوازه علم و فضیلتش شایع و همان موقع از مراجع بزرگ تقلید و زعمای عالیقدر حوزه محسوب گشت، و در حفظ حوزه و اداره امور طلاب و امتحانات آنان کوششی فراوان داشت.

و آن مرحوم با اینکه از نجف مبتلاـ به چندین کسالت، درد سینه و ضعف قلب و فشار خون و سوء هضم بود و پیوسته از سوزش بیماری می‌سوخت و فوق‌العاده در ناراحتی به سر می‌برد و چندین مرتبه برای معالجه به شهر ری و بیمارستان فیروزآبادی مسافرت کرد مع‌ذلک تا آخر ایام زندگانی به تدریس و جواب استفتاآت و رسیدگی به امور مسلمین و پرداخت نان حوزه علمیه که آن مرحوم به عهده داشت و مخصوصاً امر ساختمان مدرسه بزرگ (حجتیه) و غیره را رها نکرد.

آثار و باقیات الصالحات و معنویت آن مرحوم

تالیفات ذیقیمتی در فقه و اصول و رجال و حدیث بخصوص مستدرک البحار در چند مجلد از خود به یادگار گذاشت ولی متاسفانه هنوز هیچکدام چاپ و منتشر نشده است. آثار ارزنده و ارجدار آن بزرگ مرد دین و فضیلت گذشته از تألیفات سودمند، تربیت علماء و دانشمندان بسیار و از آنهاست مدرسه عالی حجتیه که بهترین یادگار آن مرحوم و نشانه علو همت و نیت پاک آن رادمرد بزرگ است.

اما معنویت آن بزرگوار به اندازه‌ئیست که در این کتاب گنجایش ندارد، شمه‌ای از آن را در جلد اول آثارالحجه نگارش داده‌ام و به طور اجمال در زمان ما بسیار کم‌نظیر و بی‌عدیل از هواها عاری و از تظاهرات فراری و جداً مصداق حقیقی «مخالفاً لهواه مطیعاً لامر مولاه صائنا لنفسه حافظاً لدینه» بود در این خصایص هرچه بیشتر گشتم مثل او را کمتر یافتم و چون بسیار کتوم و تودار بود نزدیکترین افراد به او هم آن طور که باید وی را نشناختند و آن جناب در زمان ما از افرادی بود که به فیض تشرف و لقاء حضرت ولی عصر عجل‌اللّٰه فرجه الشریف نائل آمده بود و بعد از وفاتش معلوم شد که آن بزرگوار چه نابغه‌ای در علم و تقوا و چه نادره‌ای در صفا و معنویت بودند.

فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حجت و ضایعه جبران‌ناپذیر

حوزه علمیه قم و دانشگاه روحانی تشیع از اول تأسیس آن تا سال ۱۳۷۲ که ۳۳ سال از عمرش می‌گذشت ناظر حوادث مؤثر و وقایع عالم سوزی بوده لکن هیچکدام از این حوادث و ضایعات پس از فوت مرحوم آیت‌اللّٰه حایری مؤثرتر از دو حادثه ناگوار، فقدان آیت‌اللّٰه خونساری و آیت‌اللّٰه العظمی حجت نبوده است.

اولا خودش این پیش‌بینی را نموده و کراراً از روز فوتش که دوشنبه سوم جمادی‌الاولی است خبر می‌داد و حتی در روز مذکور از ظهر می‌پرسید و دو ساعت قبل از حادثه فوتش جمعی از علماء حوزه را طلبید و دستور داد مهر مخصوص ایشان را بشکنند و فرمود این مهر دیگر لزومی ندارد و تربت پاک حسینی علیه‌السلام خواست و بر زبان گذارد و گفت آخر زادی من الدنیا تربهٔ الحسین علیه‌السلام و بعضی از آقایان که این مناظر را دیدند روی مقدسی یا جهات دیگر در شکستن مهر ایشان گفتند آقا استخاره بفرمائید خود با قرآن شریف استخاره کرده و با صدای بلند انا للّٰه و انا الیه راجعون گفتند آقایان تعجب کردند مگر چه آیه‌ای آمده، آقا قرآن را به دست آیت‌اللّٰه زنجانی دادند دیدند اول سطر قرآن این آیه است «له دعوهٔ الحق» پس قرآن را همه آقایان نگریسته و از فراست و کیاست آن جناب متحیر شدند و غافل از این بودند که آن مرحوم محدث است و مصداق این حدیث شریف است که حضرت صادق علیه‌السلام در ذیل حدیثی که در رجال کشی مسطور است و سابقاً هم تمام آن را نوشتم فرمودند «فانا لانعد الفقیه منهم فقیها حتی یکون محدثا قیل له یابن رسول‌اللّٰه او یکون المؤمن محدثاً قال بلی یکون مفهما والمفهم محدث».

نه تنها آن مرحوم از مرگ خود خبر داد و می‌دانست که در آن روز باید به اجداد طاهرین خود ملحق شود بلکه عده‌ای از اهل معنی و معنویت هم چه در قم و چه در تهران و چه در نقاط دیگر در شب و روز حادثه قبل از انتشار به وسیله اطلاعات و رادیو و غیره فهمیده بودند که بعضی از آن را در آثارالحجه نقل کردم و منجمله جناب حجهٔ‌الاسلام والمسلمین علامه متتبع آقای حاج سید

محمدحسن میرجهانی سلمه‌اللّٰه فرمودند در روز دوشنبه سوم جمادی‌الاولی یعنی همان روز حادثه ساعت یازده قبل از ظهر در مشهد مقدس در حجره‌ای که در صحن جدید داشتم خواب قیلوله بودم ناگاه دیدم حضرت ثامن الحجج علیه الصلوۀ والسلام با حالی پریشان از حرم مطهر بیرون آمده و عازم است که به جائی رود عرض کردم بعد از تقدیم سلام و اخلاص آقاجان چرا مضطربی و کجا تشریف می‌برید فرمودند به قم می‌روم گفتم برای چه فرمودند سید محمد حجت از دنیا رفته است. پس از خواب پریدم و یک ساعت بعد رادیو فوت آن مرحوم را خبر داد.

مرگ آن بزرگوار اثر عمیقی در مرحوم آیت‌اللّٰه العظمی بروجردی داشت و اصحاب جرئت نمی‌کردند که ناگهان این خبر موحش را به ایشان بدهند تا خود آن مرحوم از وضع آقایان احساس بلیه کردند پرسیدند چه خبر است این سر و صدا برای چیست کم کم به عرض رسانیدند و ایشان فرموده بودند کمرم شکست. آقای حجت برای من کمک و پشتیبانی بود و دیگر بارهای ایشان هم برعهده من آمد و گریستند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

حجتی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الرحیم حجتی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

حرم پناهی، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در یک خانواده روحانی در قم متولد شد. تحصیلات:

از چهار سالگی به آموختن قرآن، و تا دوازده سالگی در کنار قرآن، فارسی و ریاضی را فرا گرفت و از سیزده سالگی به آموختن علوم دینی پرداخت.

دروس مقدماتی و سطح حوزه را نزد اساتید معظمی مانند حضرات آیات آقایان فرهادی، فاضل کاشانی، بدلا، حاج شیخ یوسف احمدی همدانی، حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی سده‌ای، شهید صدوقی، حاج شیخ محمد علی کرمانی و مجاهدی تلمذ کرد.

پس از اتمام سطح، درس خارج را از محضر آیات عظام مرحوم بروجردی ؛ (۱۴ سال) مرحوم گلپایگانی ؛ ، مرحوم حجت ؛ ، مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری ؛ ، مرحوم اراکی ؛ ، مرحوم امام خمینی ۱ بهره برد. تدریس:

وی تدریس را از زمانی که در درس سیوطی شرکت می‌کرد با تدریس عوامل ملامحسن آغاز و در ادامه کلیه سطوح حوزه را از

مقدمات، سطح و درس خارج تدریس کردند و تا آخر عمر شریفشان به تدریس اشتغال داشتند. تالیفات:

آثار تألیفی ایشان را می‌توان در کتاب «معالم جامع احادیث شیعه» و در مجلهٔ «نورعلم» مشاهده کرد، تألیفات دیگری از آن حضرت در زمینه تقیه، ولایت فقیه و... موجود است که هنوز به چاپ نرسیده است. مبارزات:

وی از همـان زمـانی که امام خمینی ۱ مبـارزه را آغـاز کرد با توجه به افکار ضـدطاغوتی که داشت به هیأت سیاسـیون پیوست و در جلساتی که اعضاء جامعه مدرسین قبل از انقلاب تشکیل می‌دادند شرکت می کرد.

از فعالیتهـای قبـل از انقلاـب ایشـان می‌توان به سـفرهای تبلیغی ایشـان به ورامین ـ آشتیـان و تهران اشاره کرد که در ورامین به علت سخنرانی‌هـای روشـنگرانه به شـهربانی وقت احضار شدنـد که با تـدبیر و پشتیبانی مردم شـهربانی نتوانست وی را جلب کنـد بلکه به جلسات خود ادامه داد.

حضـرت آیت‌الله حرم پناهی مدرس حوزه علمیه قم و از اعضاء موسـس و عضو جامعه محترم مدرسـین در شانزدهم ماه رجب ۱۴۲۳ برابر با دوم مهرماه ۱۳۸۱ در ساعت شش بعداز ظهر بعلت عارضه قلبی دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

روحش شاد و یادش گرامی باد

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

حسن زاده آملی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنـده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسـطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سـپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سـید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشـته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضـر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحـوم آیه‌الله حـاج میرزا ابـوالحسن شـعرانی تقریـظ مفصـلی برای شـرح ایشـان مرقوم که در اول جلـد ۱۵ شـرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضـره الفاضـل الاـدیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشـیخ المؤتمن الشـیخ حسن الاـملی ضاعف‌الله قـدره و اجزل اجر له تصـدی لشـرح باقی کتاب نهـج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانی

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانی و اخلاقی

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه

الهی نامه متن الهی نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امّهات حکمی و عرفانی

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری

تصحیح و تحشیه رساله تحفهٔ الملوک فی السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاهٔ القدس علی مصباح الأنس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند

آثار فلسفی و منطقی

اتحاد عاقل به معقول

نصوص الحکم بر فصوص الحکم

رساله جعل

صد کلمه

تصحیح اسفار اربعه

تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء

رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله ای در حرکت جوهری

ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم

رساله نفس الأمر

نهج الولایه

درر القلائد علی غررِ الفَرائد

النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی

مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار

سرح العیون فی شرح العیون

گشتی در حرکت

الحجج البالغهٔ علی تجرد النفس الناطقهٔ

گنجینه گوهر روان

رساله ای در اثبات عالم مثال

رساله مُثُل

تصحیح و تعلیق شرح اشارات

ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات

تصحیح و تعلیق شفا

ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرّأیَین

رساله اعتقادات

الأصول الحکمیّهٔ

رساله رؤیا

من کیستم

رسالهٔ فی التضاد

دروس معرفت نفس

نثر الدراری علی نظم اللئالی

آثار فقهی

رساله ای در مسائل متفرقه فقهی

تعلیقات علی العروهٔ الوثقی فی الفقه

وجیزه ای در مناسک حج

آثار تفسیری

تصحیح خلاصهٔ المنهج

انسان و قرآن

آثار کلامی

خیر الأثر در رد جبر و قدر

تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار

لیلهٔالقدر و فاطمه علیها السلام

رسالهٔ فی الإمامهٔ

رساله ای در کسب کلامی

فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب

رسالهٔ حول الرؤیا

آثار روایی

تصحیح نهج البلاغه

تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّهٔ)

تکملهٔ منهاج البراعهٔ

مصادر و مأاخذ نهج البلاغه

انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه

شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین

آثار ریاضی و هیوی

دروس معرفهٔ الوقت و القبلهٔ

رساله کلّ فی فلک یسبحون

رساله ای در تناهی ابعاد

تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعهٔ الأصطرلاب للبیرونی

تعیین سمت قبله مدینه

الصحیفهٔ العسجدیّهٔ فی آلاتٍ رصدیّهٔ

الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری

رساله سی فصل

تعلیق تحفهٔ الأجِلَّهٔ فی معرفهٔ القبلهٔ

رساله قطب نما و قبله نما

تعلیقه بر رساله مولا مظفر

رساله میل کلّی

رساله ظِلّ

رساله تکسیر دایره

تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّهٔ الابصار

رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور

رسالهٔ فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج

رسالهٔ فی الصّبح و الشّفق

رساله ای پیرامون فنون ریاضی

رساله ای در مطالب ریاضی

دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی

تصحیح و تعلیق شرح جغمینی

تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس

تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس

تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس

شرح زیج بهادری

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک

تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب

تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی

استخراج جداول تقویم

تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون

دروس معرفت اوفاق

شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی

تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه

تصحیح و اعراب اصول کافی

دیوان اشعار

قصیده یَنبوع الحیاهٔ

مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین

تعلیقه بر باب توحید حدیقهٔ الحقیقهٔ

تصحیح گلستان سعدی

تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟

- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراك می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاك است، آن نبات هم پاك و میوه‌اش شیرین خواهد بود ;و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندك و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است ;و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش ;» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسن لو، امیرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر علی حسن لو

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر(عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانعلی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.

متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیهٔ الله حاج بیوک خاتمی و آیهٔ الله شیخ تقی خاتمی و آیهٔ الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیهٔ الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می گردید و متن تدریس عرفانی که «رسالهٔ الولایه» علامه طباطبائی بود مدت دوسال استفاده بردم.در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین(پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک کارشناسی تاریخ موفق شدم.

در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است.اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم.لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهایه و بدایه و حضرت آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسین زاده، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین زاده

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسین زاده در مرداد ۱۳۴۰ در شهر مقدس قم به دنیا آمد . پس از اتمام دوزه راهنمایی حدود سالهای ۱۳۵۳.۵۴دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنـج سال و اندی در سال ۱۳۵۹ توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد . در دوره تحصـیل سطح علاوه بر دروس رایج . فلسفتنا . اقتصادنا. عربی جدید . انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت . فقه و اصول را در مقطع عـالی سـطح از محضـر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله قافی فرا گرفت . از سال ۵۹تا ۷۴ به مدت ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید بر جسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری . شبیری زنجانی . و... مشارکت فعال داشت در طول تحصـیل و پژوهش به طور مسـتمر در دروس اخلاق و فلسـفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغـاز تحصـیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمـایی هـای معظم له بهره بسـیاری برد به علاـوه او در درس هـای اسـفار حضـرت آیت الله جوادی نیز چنـد سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز اسـتفاده کرد . حـدود سال ۱۳۶۵ به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم(ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت . از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج ۶ و نیز شـناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال ۱۳۷۱معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال ۱۳۶۹برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسـفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسـی . همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانسـتند در آن نشـست شرکت کنند . اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال ۱۳۷۴ علاوه بر تحقیق در رشـته فلسـفه در بنیاد باقر العلوم . تدریس خارج فقه و اصول را شـروع کرد که تاکنون ادامه دارد . در سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی(ره) گردید . او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسین زاده، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی حسین زاده

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتـدائی را در مکتب خـانه هـای زادگاهم سپری کرده و در تایـخ ۱/۲/۱۳۵۳ جهت تحصـیل علـوم دینی وارد حوزه علمیه قم

شدم. ضـمن تحصیل دروس حوزوی به دروس جدید نیز پرداختم. در سال۱۳۶۹ با دفاع از پایان نامه خود از مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز فارغ التحصیل شدم و دروس حوزه را تا دو سال خارج فقه و اصول ادامه داده و در سال ۱۳۶۸ به تهران عزیمت کردم.از سال ۱۳۶۸ به تدریس دروس معارف در دانشگاههای تهران، علامه طباطبائی، پلیس و آزاد اسلامی پرداختم و در کنار کارهای اجرائی و تدریس و امامت ،به نوشتن مقالات و ترجمه و تالیف و جزوات درسی نیز اشتغال داشتم.در حوزه علمیه قم از محضر اساتید معزز آقایان: شماعی همدانی، هاشمی تبریزی، وجدانی فخر، عبائی خراسانی، موسوی خرم آبادی،اعتمادی، میرزا محسن دوزدوزانی، سید علی محقق داماد، راستی کاشانی، آیت الله مکارم شیرازی و آقای میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند شدم.از سال ۱۳۶۵ تبلیغ دین مقدس اسلام را شروع و اکنون نیز در حد توان به تبلیغ دین اسلام مشغول می باشم.

حسین مقدم، یحیی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید یحیی حسین مقدم

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گذراندن دوره مکتب‌خانه در روستای محل ولادت (سوچلما از توابع شهرستان نکاء) وارد حوزه علمیه رستمکلأ (از توابع شهرستان بهشهر مازندران) شدم و از محضر آیت الله ابوالحسن ایازی تا سال ۱۳۴۹ شمسی استفاده کردم، دوره مقدمات و قسمتی از لمعین و معالم الاصول را در آن حوزه خواندم.

و در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی روز شهادت امام همام موسی بن جعفر(ع) وارد حوزه علمیه قم عش آل محمد(ص) صانها الله عن الحوادث شدم و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگواری که قبلاً نام آنها ذکر شده تلمذ نمودم. تا اینکه از حدود سال ۵۴ و ۵۵ در درس خارج آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی و آیت الله مکارم و آیت الله مشکینی و اساتید دیگری که نام آنها را قبلاً ذکر کرم شرکت نمودم. و مدت سه سال بعد از پیروزی انقلاب در موسسه در راه حق از محضر آیت الله مصباح یزدی استفاده کردم.

لازم به ذکر است در ایام تابستان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تا سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در روستای بادالسبر از توابع شهرستان نکاء در محضر آیت الله سید خلیل محمدی بادالسبری مشغول تحصیل بوده و در ضمن تدریس نیز می‌نمودم.

حسینعلی پور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد : جلفا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجهٔ الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیهٔ الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیهٔ الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیهٔ‌الله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیهٔ الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیهٔ الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیهٔ الله شیرازی انصاری خواندم. نهایهٔ الحکمه را از آیهٔ الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیهٔ الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیهٔ الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیهٔ الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیهٔ الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیهٔ الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:

آیهٔ‌الله نوری همدانی، آیهٔ‌الله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ادیانی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مسلم حسینی ادیانی

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا حسینی اسحاق نیا

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد رضا حسینی اسحق نیا در اوائل سال ۱۳۴۲ ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سیّد محمود اسحق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سیّد احمد فرزند حاج سیّد اسحق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می نموده است.

از سن شش سالگی به مدّت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداوّل در مکتب خانه های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فرا گیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از ۲ سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.

و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می نمایم. مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سیّد علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می باشد. در اواخر مدّت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کاللهب للذهب» بود یعنی:

پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم ، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سیّد احمد

طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضـی زاده تربتی و حاج شـیخ مصـطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حـدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضـرات آیـات عظـام: فاضـل لنکرانی و حـاج شـیخ جواد تبریزی و وحیـد خراسـانی شـرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصـی فلسـفه و عرفان به مدّت هیجده سال حضور پیدا کرده و گر چه در محضـر اساتید بزرگ در ایـن رشـته ماننـد آیـت الله حسن زاده آملی مقـداری تلمّـذ نمـوده ام و لیکن عمـده اسـتفاده من در فن مزبـور از محضـر آیت الله انصاری شـیرازی بوده است تقریباً از همان شـروع به تحصیل علوم دینیه، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تـدریس معقول و منقول درسـطح عـالی در حوزه علمیّه قم مشـغول می باشم. در کنار تحصـیل و تـدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسـته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شـرح مبسوطی بر یکی از متون قـدیمی در این رشـته می باشد.آنچه در این سـطور به رشـته تحریر در آمده شـمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداونـدی است که به این بنـده نـا چیز ارزانی فرموده است. از سال ۷۸ تـا کنون علاوه بر تـدریس درحوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسـی ارشد رشـته عرفان به تدریس اشـتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسـفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمنا گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی اشکوری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی اشکوری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد علی حسـینی اشـکوری در سال ۱۳۳۷ هجری شمسـی در خـانواده ای روحانی در مشـهد مقـدس چشم به جهان گشود. پـدرش مرحوم آیت ا... سیّد محمد اشکوری از عالمان ربانی و فیلسوفان عارف و یکی از چهره های برجسته زهد و تقوی به شمار می رفت و جد پدری ایشان مرحوم آیت ا... سـیّد اسد الله اشـکوری از رجال برجسته علم و از پیشوایان عصر خویش بود. جد مادریشان آیت الله سـیّد محمّد باقر فیض است. نامبرده پس از گذراندن دوره ابتدایی وارد حوزه علمیّه نجف اشـرف شد و دوره مقدّمات ، سـطح و سطح عالی را طی نموده و به درس خارج استادان بزرگ و نام آوری چون آیت الله شهید سیّد محمّد باقر صدر راه یافت پس از آن در حوزه علمیّه قم از محضـر علما و مراجع بزرگ همچون آیات عظام حاج آقا رضا صـدر ، کوکبی، سـیّد عباس خاتم یزدی،وحید خراسانی،گلپایگانی (قدس سره)و منتظری بهره بسیار برد. وی هم اکنون یکی از چهره های علمی حوزه و از محققان، نویسندگان و اساتیـد حوزه و دانشـگاه می باشـد. او از آغاز نوجوانی و در سالهای پیش از انقلاب همواره با نهضت اسـلامی و همگام با انقلابیون در صف مبـارزان قرار گرفت و برای آرمانهـای آن از هیچگونه فـداکاری دریغ نورزیـده و در همین راسـتا توسـط حزب بعث عراق دستگیر و شکنجه های فراوانی متحمل شد و همواره طرفدار آزادی و آزاداندیشی بوده است وی دفاع از انقلاب و اصول آن و دفاع

از زجر کشیدگان و پایه گذاران نهضت بزرگ اسلامی و محرومان و پاسداری از آزادیهای مشروع مردم و دست آوردهای انقلاب را وظیفه خویش می شمارد.

حسینی رهقی، نصرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید نصرالله حسینی رهقی

محل تولد : رهق کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۵/۱

زندگینامه علمی

در اول مرداد سال ۱۳۳۸ شمسی در روستای رهق کاشان به دنیا آمدم و در سال ۱۳۴۴ وارد دبستان روستا شده و در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ گواهینامه پایان تحصیلات ششم ابتدایی از دبستان معزّی روستای رهق در مهرماه سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه حضرت آیت الله مدنی کاشانی در کاشان شدم و دروس مقدمات را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و تا سال ۱۳۵۸ در کاشان مشغول تحصیل و تدریس بودم و نزد بزرگوارانی به نام آقایان حاجی رضا تفویضی، آقای بهشتی، آقای شیخ محمد وحیدی، آقای صادق‌زاده، مرحوم آیت الله اعتمادی آقای لطفی کاشانی، شیخ عبدالله موحدی، آقای مصطفی صمدیان بیدگلی، آقای علوی، آقای مناقب، آقای صراف‌زاده، آیت الله خراسانی، آیت الله علم الهدی، آیت الله یثربی امام جمعه کاشانی،آیت الله سید مهدی لاجوردی و شیخ عبدالحسین تفویضی آیت الله مصطفوی کاشانی و... .سطوح مقدمات و سیوطی، مغنی و حاشیه و معالم و مختصر و مطول و لمعتین و رسائل و مکاسب و اصول فقه را تلمذ نمودم و همزمان به تدریس مقدمات و سیوطی و حاشیه و معالم مشغول بودم .

از سال ۱۳۵۵ مسئول امور رسیدگی به طلاب مدرسه میانچال و آقابزرگ از طرف آیت الله مدنی بودم که تقریباً حکم ریاست مدرسه را داشت. در عید قربان سال ۱۳۵۶ ملبس به لباس روحانیت شدم و همزمان علاوه بر تحصیل و تدریس به تبلیغ و امامت جماعت و فعالیت‌های فرهنگی مذهبی و سیاسی مشغول شدم و با شروع مجدد فعالیت‌های نهضت امام خمینی پس از شهادت مرحوم حاجی آقا مصطفی خمینی(ره) وارد مبارزات سیاسی شده و در جلسات و تظاهرات به سخنرانی و نیز به پخش اعلامیه‌های امام و علماء مشغول بودم و بارها به دهات اطراف شهر برای راه‌اندازی تظاهرات و تشکیل مجالس سیاسی مسافرت نموده و در سال ۱۳۵۷ هم بعد از ۲۷ شب سخنرانی و فرار و گریز با محاصره محل سخنرانی توسط نیروهای اطلاعات و شهربانی در حال فرار پس از سخنرانی دستگیر شدم و پس از انتقال به شهربانی و پذیرایی توسط کماندوهای مستقر در شهربانی و بازجویی‌های ممتد که تا صبح ادامه داشت به واسطه فشار مردم و علما به خصوص حضرت آیت الله مدنی کاشانی و آیت الله یثربی و کمک‌های یکی از نیروهای شهربانی که فرد مؤمنی بود و از مبارزان بود و آن شب افسر نگهبان شهربانی بود که بعدها هم به عنوان اولین رئیس شهربانی شهر منصوب شد به نام سروان سفرجی بعد از یک روز آزاد شدم در حالی که بازجویی که ساعت ۲ بعد از نیمه شب از بنده بازجویی می کرد و مدعی بود نوارهای سخنرانی از اول ماه رمضان آن شب را گوش کرده می گفت حکم شما اعدام است ولی چون به سن

قانونی (بیست سالگی) نرسیده‌اند حداقل ده سال زندانی برای شما حتمی است.

اما پس از پیروزی انقلاب تا یک‌سال در کاشان ماندم و علاوه بر تحصیل مشغول فعالیت‌های انقلابی و رفتن به روستاهای اطراف و تشکیل جلسات سخنرانی و ارشاد مردم و تبلیغ و توحید و ترویج انقلاب بودم که اثر زیادی هم داشت. اما در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس حوزه علمیه شرکت نموده و دروس سطح را تکمیل و به پایان رساندم و در درس مکاسب و کفایه مرحوم آیت الله ستوده و رسائل آیت الله اعتمادی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت الله دوزدوزانی و آیت الله فاضل لنکرانی و منظومه آیت الله انصاری شیرازی و... شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۰ در اولین دوره درس خارج اصول آیت الله صانعی و درس خارج فقه حج آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج آیت الله منتظری شرکت کردم و هم‌زمان در درس‌های جنبی حوزه که توسط بزرگان و علمائی مانند آیت الله مکارم، سبحانی، یزدی و مشکینی و مصباح یزیدی تشکیل می‌شد شرکت نمودم ضمناً در برنامه‌ای که توسط دفتر تبلیغات در مسجد الوندیه در چهارمردان تشکیل می‌شد شرکت مستمر داشته و در آنجا از افاضات بزرگانی همچون مرحوم آیت الله بهشتی(ره)، آقای هاشمی رفسنجانی، رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای، شهید باهنر و آیت الله یزدی و... بهره بردیم.

و در سال ۵۸ در حزب جمهوری اسلامی قم مشغول فعالیت شدم و در دفتر رئیس وقت آقای معادیخواه قم انجام وظیفه می‌کردم و در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شد شرکت نمودم و سطح حوزه تا کفایه را امتحان داده و قبول شدم و در مصاحبه حضوری هم در خدمت مرحوم آیت الله ربانی املشی امتحان دادیم. و در نتیجه از سال ۱۳۵۹ هم زمان با درس حوزه در مدرسه عالی تربیتی و قضایی هم شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۱ مدرک کارشناسی علوم انسانی دریافت نمودم و در آنجا هم از محضر بزرگانی مانند آیت الله سبحانی، معرفت و مکارم و امین و هاشمی شاهرودی و دکتر شریعتمداری و... استفاده کای و وافی را بردیم.

در سال ۵۹ همزمان با شروع جنگ تحمیلی در سپاه پاسداران اسلامی شاهرود به عنوان مسئول آموزش و بسیج آنجا و به منظور تصفیه نیروهای بنی‌صدر از طرف ستاد مرکزی سپاه اعزام شده و چند ماهی مشغول خدمت بودم که با شروع دروس مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به قم بازگشتم ولی همزمان در عقیدتی سیاسی هنگ ژاندارمری قم و گروهان ژاندارمری قم مشغول شده و با آنها همکاری مستمر به عنوان مسئول آموزش و مسئول دفتر عقیدتی و اداره کننده کلاس‌های عقیدتی داشتم. در سال ۱۳۶۱ پس از فارغ التحصیلی از مدرسه عالی طلاب قم وارد آموزش و پرورش شهرستان کاشان شده و تا سال ۱۳۶۶ در مدارس و دبیرستان‌ها و تربیت معلم کاشان مشغول تدریس بودم و همزمان در حوزه علمیه آیت الله مدنی به تدریس کتب حاشیه و معالم و سیوطی مشغول بودم و چندین دوره این کتاب‌ها را تدریس نموده و درس حاشیه ما از شلوغ‌ترین درس‌های حوزه کاشان بود چون به شیوه جدید و با استفاده تخته سیاه و... انجام می‌شد و همزمان در این مدت به عنوان مسئول عقیدتی سیاسی گروهان ژاندارمری کاشان مشغول بودم و نیز به عنوان مسئول اتحدیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با حکم از طرف نمایندگی حضرت امام(ره) در اتحادیه مرکز انجام وظیفه می‌نمودم.

و نیز در انجمن اسلامی معلمان شهر به عنوان عضو شورای مرکزی و مسئوول آن انجام وظیفه می‌نمودم و در مدت جنگ تحمیلی چند بار به جبهه‌ها در منطقه کردستان اعزام شده و به عنوان مسئوول و مبلغ به پایگاه‌های مختلف در آنجا اعزام می‌شدم و نیز همزمان به عنوان عضو ستاد جمع‌آوری و جذب کمک‌های مردمی به جبهه و جنگ مشغول انجام وظیفه بودم. و در سال ۱۳۶۶ به قم مراجعت نموده و در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و به مدت یک سال هفته‌ای دو روز به کاشان برای تدریس می‌رفم اما از سال ۱۳۶۷ به آموزش و پرورش قم منتقل شه و از آن زمان در دبیرستان‌ها و مراکز آموزش عالی فرهنگیان قم و تربیت معلم‌های قم مشغول فعالیت می‌باشم و همزمان در درس‌های حوزه علمیه شرکت نموده و در درس‌های آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی، منتظری، صانعی، فاضل لنکرانی، شبیری زنجانی، موسوی اردبیلی، علوم گرگانی و شریعتی نیاسری و جوادی آملی

و... شـرکت نموده‌ام. و در سال ۱۳۶۸ در امتحانی که از طلاب حوزه علمیه گرفته شـد شـرکت نموده و قبول شده در تربیت مدرس مدرسه دارالشفاء نیز مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شده و از پایـان نـامه تحصـیل بـا موضوع بلوغ شـرعی در مـذاهب مختلف اسـلامی، دفـاع نمودم. لازم به ذکر است که در این مـدت در تمام امتحانـان حوزه علمیه شـرکت نموده و قبول شـده‌ام و در سـال ۱۳۸۴ به عنوان طلاب ممتـاز شـمرده شـدم به علت موفقیت در چهار مرحله پی در پی امتحان و مصاحبه شفاهی درس خارج که در هر نوبت یک فقه و یک اصول را امتحان دادم.

و در این مـدت در اکثر دوره‌های ضـمن خـدمت آموزش فرهنگیان قم به عنوان مـدرس به تـدریس دروس تعلیم و تربیت و معارف اسلامی و روش تدریس دینی و قرآن و تاریخ و... مشغول بوده‌ام. و نیز در مصاحبه و امتحان اساتید دانشگاه‌ها که نمایندگی رهبری در دانشـگاه‌ها اجرا می‌کند شرکت نموده و قبول شده و گواهینامه تدریس در رشته‌های مختلف را اخذ نموده‌ام و برای اخذ مدرک سطـح چهار حوزه علمیه قم (دکترا) در امتحانات و مصاحبه‌های آنها نیز شـرکت داشـته و پایان‌نامه کارشناسـی ارشـد بنـده به عنوان تحقیق سـطح سوم حوزه پس از دفاع از آن پـذیرفته شـده و هم‌اکنون مشـغول تهیه و تنظیم و نوشـتن پایان‌نامه‌ای برای سـطح چهارم حوزه تحت عنوان «حرمت ربـا در مـذاهب مختلف اسـلامی» می‌باشم که امیـد است به زودی بتوانم از آن دفـاع نمـایم. البته در این مـدت جزوه‌های درسـی متعددی تحت عنوان‌های تعلیم و تربیت اسـلامی، تحول بینش دینی، فن خطابه و تبلیغ تفسیر قرآن و روش تدریس روخوانی و تجوید و غیره... تهیه نموده‌ام و در اختیار دانشجویان و معلمان قرار داده‌ام گرچه کدام از آنها چاپ شده است.

حسینی زفره ای، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر حسینی زفره ای

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن پنـج سالگی یعنی در سال ۱۳۲۷ بهمراه والـدینم از زفره اصـفهان به کربلا رفتیم و یکسال در آنجا مانـدیم و پس از یکسال به ایران بازگشته و بعللی که ذکر آن مفصل است عازم گرگان و در یکی از روسـتاهای آن به نام مرزنکلاقه مقیم گشتیم و در مدرسه آن روستا مشـغول تحصـیل شدم و تا ششـم ابتدایی درس را ادامه داده و پس از آن درس را رها کرده به کار کشاورزی مشغول و در سال ۱۳۴۴ عازم سـربازی شدم و پس از پایان خدمت ازدواج کرده و به تشویق یکی از روسـتائیان جهت تحصیل علوم دینی عازم مشـهد مقـدس گشـتم و دو سال در مشـهد جامع المقـدمات را نزد اساتید آنجا خوانده و سـپس عازم قم گشـته و از سال ۱۳۵۰ در قم مشغول تحصیل و از سال ۱۳۶۰ علاوه بر تحصیل دروس حوزوی به تألیف کتاب مبادرت کرده که تا کنون حدود سی جلد کتاب نوشته ام که بیست جلد از آنها چاپ شده و ده جلد دیگر آن نیز آماده چاپ است.

حسینی شیرازی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز ۲۰ ذی حجه ۱۳۶۰ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.

وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه ی علمیه فرا گرفت وبه درجات عالی اجتهاد نائل شد.

عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولیِ مبرز وآشنا به علوم معقول ومنقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.

ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمهٔ الله علیه که خاندان علم وفضیلت و پرهیزکاری واجتهاد است رشد یافت.

نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد.

ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.

بیش از ۳۰ سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه وشماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاهت ومرجعیت معروف وشاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نماییم:

۱. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال ۱۳۱۲ق می باشد)؛

۲. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب ۱۹۲۰م در عراق (وفات وی در سال ۱۳۳۸ق می باشد)؛

۳. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند مجدد شیرازی از بزرگان ومراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال ۱۳۵۵ق می باشد)؛

۴. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال ۱۳۰۵ق می باشد)؛

۵. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در ۱۱ صفر ۱۳۸۲ق می باشد)؛

۶. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در ۲۸ شعبان ۱۳۸۰ق می باشد)؛

۷. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در ۲ شوال ۱۴۲۲ق به رحمت ایزدی پیوست؛

۸. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر

حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۰ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:

۱. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .

۲. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .

۳. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .

۴. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .

۵. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .

۶. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .

۷. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .

۸. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی وفرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو ، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق وتهذیب

این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقیِ طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد وهر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد.

دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اِعلای کلمه حق، نشر ومعرفی فرهنگ اهل بیت عصمت وطهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.

تألیفات

ایشان تألیف وتصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات وابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: ـ بیان الفقه:

در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و ۷۲ مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای ۷۰۰ صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلاست. ـ بیان الأصول «۱۰جلد»:

۶ جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد وتاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ـ توضیح شرائع الاسلام «۴ جلد»:

شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه ومجامع علمی ودانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. ـ شرح تبصرة المتعلمین «۲جلد»:

شرحی بر کتاب تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین مرحوم علامه حلی رحمة الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۲ق می باشد وتاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال ۱۳۸۲ق به چاپ رسیده است. ـ شرح بر کتاب سیوطی «۲جلد»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسیِ حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۶ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

ـ شرح اللمعة الدمشقیة «۱۰جلد»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. ـ موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۴ق می باشد ●. کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی ومرجع بزرگوار تحریر نموده است. ـ علی سلام الله علیه در قرآن «۲ جلد»:

در این کتاب ۷۱۱ آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه ودر شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. ـ فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال ۱۴۰۸ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب ۳۶۰ صفحه می باشد وچندین بار تجدید چاپ شده است. ـ اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده واز سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل ۴۰۷ صفحه می باشد. ـ شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. ـ حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در ۱۲۶ صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال ۱۴۰۰ق در مؤسسهٔ الوفای لبنان می باشد. ـ حقائق عن الشیعهٔ: (شیعه و اتهامات ناروا)

این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلاست که در ۸۰ صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است ●. کتاب های فرهنگی:

در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: ـ قیاس در شریعت اسلامی:

این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث وبررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. ـ منزلت نماز جماعت در اسلام:

این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. ـ روزه:

فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ حج

شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلا تألیف شده است.

ـ مقدماتی در اقتصاد اسلامی:

در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. ـ اقتصاد و مشکل ربا:

بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. ـ اسلام و سیاست: (السیاسهٔ من واقع الإسلام)

در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست وسیره رسول خدا، امیرالمؤمنین وائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل ۴۱۴ صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. ـ شراب و جامعه:

زیان ها و مفاسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلا در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. ـ زشتی های بی حجابی:

شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفاسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست. ـ داستان های آموزنده:

شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست که در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به چاپ رسیده است. ـ حدود در اسلام:

این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلاست که در بیروت به چاپ رسیده است. ـ راهی به سوی بانک اسلامی:

این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر ۱۰۴ صفحه دارد و در سال ۱۳۹۲ق در کربلای معلا تألیف شده و در سال ۱۹۷۲م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است ●. رجال و شخصیت ها

ـ مالک اشتر نخعی:

شرح حال شخصیت وسردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال ۱۳۸۷ق در چاپخانه الغری الحدیثهٔ در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ شهید اول:

شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلاست وضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. ـ شهید ثانی:

شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلا و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ پدر:

این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کُردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العمظی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاهٔ و السلام علی محمد و آله الطاهرین

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل وتقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده وهدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی فر، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا حسینی فر

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۸ در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم .عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال ۱۳۷۹ ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال ۱۳۸۴ ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله – عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی قلعه بهمن، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید اکبر حسینی قلعه بهمن فرزند سید غفار در سال ۱۳۴۸ در شهرری متولد شدم. بعداز دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه ورامین شدم. در سال ۱۳۶۷ به حوزه علمیه شهرری و سپس در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه

قم منتقل گردیدم. از حدود سال ۱۳۷۱ در دروس خارج فقه و اصول اساتید گرانقدری چون آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی(ره) و جوادی آملی بهره وافری برده ام. در سال ۱۳۷۱ وارد دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی موسسه امام خمینی(ره) شدم و در سال ۱۳۶۷ در دوره کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با ارائه پایان نامه واقع گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم با نمره عالی(۱۹) فارغ التحصیل گردیدم. در سال ۱۳۸۳ وارد دوره دکتری فلسفه دین گردیدم و هم اکنون نیز به تدوین پایان نامه خود با عنوان واقع گرایی دین در قرن بیستم مشغول هستم. در این ایام در مقاطع مختلف(کارشناسی و کارشناسی ارشد) به تدریس اشتغال داشته‌ام و نیز کتب و مقالاتی را نیز تالیف و ترجمه نموده ام.

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد : نکا- ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۷-۴۶ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقیر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.

حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.

در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین(ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دورهٔ سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف ـ از جمله امام خمینی(ره) ـ نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید

محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی(ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیتهای بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی(ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران ـ در فروردین ۱۳۵۸ ـ به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگرهٔ مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی(ره) و نخستین کنگره دایرهٔ المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضلای حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرهٔالمعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهرهٔ درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و ادارهٔ مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرهٔ المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیتهای سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال ۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسؤولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلاتِ جامعهٔ روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادلهٔ استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود ودر این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعهٔ قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابراهیم حسینی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

با لطف خدای متعال پس از اتمام دوران ابتدایی در دماوند، برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی به تهران آمدم و با مشکلات و محدودیتهای نسبتاً زیاد ، در نهایت در سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و بارها در دوران ابتدایی و راهنمایی شاگرد ممتاز و در دوران دبیرستان موفق بوده ام.درسال ۱۳۶۲ با عنایت امام عصر (عج) علیرغم اینکه برای رشته پزشکی دانشگاه تهران در امتحان کنکور شرکت کرده بودم و در مرحله اول قبول شده بودم ولی بدون انتظار برای نتیجه مرحله دوم به حوزه علمیه قم آمده و تحصیلاتم را در مدرسه امام صادق (ع) (واقع در نیروگاه) شروع و به لحاظ آمادگی ذهنی و روحی و شرایط خوب مدرسه توانستیم از تابستان نیز استفاده و در سال ۱۳۶۴ لمعتین را شروع کنیم.البته در سال ۱۳۶۳ ازدواج نموده از اقامت در مدرسه امام صادق بیرون آمدم.در سال ۱۳۶۵ رسائل و مکاسب و پس از آن کفایه را شروع کردم.

مدت دو سال و نیم مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی لارستان را پذیرفتم ولیکن در همان دوران نیز علاوه بر تدریس کم و بیش تحصیل را ادامه می دادم. نهایتا پس از برگشت از لارستان در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ دروس سطح را نیز به اتمام رساندم و با نمره ۲۰ از کفایه و نمرات بالا در سایر دروس این مقطع را زیر نظر اساتید محترم آقایان: شیخ علی پناه اشتهاردی، سید احمد خاتمی، پایانی، اعتمادی، محقق (آقا سید علی)، قدیری به پایان رسانده و آماده ورود به مقطع جدید شدم.درس خارج فقه و اصول را از سال ۱۳۶۹ شروع کردم. شروع درس خارج فقه در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و درس خارج اصول در محضر آیت الله سبحانی بوده و فیض بردم مدت پنج سال در درس فقه آیت الله فاضل لنکرانی و مدت ۲ سال در درس خارج آیت الله سبحانی شرکت نمودم. سپس در درس خارج فقه و اصول: حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و آیت الله هاشمی شاهرودی حاضر شده و بهره مند شدم.همزمان با شروع درس خارج فقه و اصول، در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شده و دوره عمومی معارف اسلامی، فلسفه اسلامی و تفسیر موضوعی و علوم جدیده مورد نیاز مانند روان شناسی و جامعه شناسی و زبان انگلیسی به مدت پنج سال گذراندم و در سه نوبت دانش پژوه ممتاز در گروه بودم.

در سال ۱۳۷۴ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته حقوق اسلامی و حقوق بین الملل شده و با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان اصل منع توسط به زور در اسلام و حقوق بین الملل دفاع نموده و با بالاترین نمره گروه (نمره ۱۹) با امتیاز عالی قبول شدم. (۱۳۷۹)از آن به بعد به عنوان محقق و پژوهشگر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دبیر گروه حقوق فعالیت هایم وارد مرحله جدید شد و در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کارهای تحقیقی و پژوهشی خود را بیشتر در زمینه فلسفه حقوق و حقوق زن شروع کردم.در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مسئولت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان را پذیرفتم ولیکن ارتباط علمی خود را با موسسه حفظ نموده ام. در طول سالیان ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه مختلف از جمله: دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه صنعت آب و برق (تهران)، دانشگاه سمنان، دانشگاه های آزاد اسلامی ساوه، آشتیان و نیز حوزه علمیه خواهران (دفتر تبلیغات)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ، مؤسسه باقر العلوم علیه السلام و مدرسه جهانی فقه و اصول و نیز دوره های مختلف طرح ولایت و طرح کوثر (برای دانشجویان سراسر کشور) به تدریس عمدتا در دروس حقوقی و نیز معارف اسلامی اشتغال داشته و دارم.بعد از انتقال از سمنان به قم در مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی با تقبل مسئولیت گروه حقوق و فلسفه احکام بیشترین تمرکز

پژوهشی را در زمینه حقوق زن و حقوق بشر داشته با انتشار مقالات مختلف و پاسخ به سوالات دانشجویان چه از طریق نامه یا ایمیل و فعلا نیز در صدد آمادگی برای امتحان در مقطع دکترای حقوق بین الملل یا فلسفه حقوق هستم.

حسینی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حسینی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

تولد: تهران/ دوشنبه هفتم خرداد ۱۳۴۱ هجری شمسی/ بیست و سوم ذی الحجه ۱۳۸۱هجری قمری بیست و هشتم می ۱۹۶۲میلادی. آ غاز طلبگی: تهران/۱۳۵۹، ادامه در قم ۱۳۶۳. تحصیلات حوزوی: خارج فقه و اصول(یک دوره).استادان اصلی دروس حوزه: پاکتچی، رضی شیرازی، محامی، راستی، طاهری خرم آبادی، احمدی یزدی، مؤمن، نوری همدانی، تبریزی، مددی، سبحانی . تحصیلات دانشگاهی: کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران(۱۳۶۷)و کارشناسی ارشد حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۱). سوابق علمی: ویرایش حدود ۵۰ کتاب، تألیف و ترجمه و تحقیق و فراهم سازی ۳۰ اثر در زمینه های حقوقی،ادبی، هنری، ادبیات کودکان، تربیت،حدیث، پیشینه شعر از سال ۱۳۵۸ و دارای اشعاری در مجموعه های مختلف و عرضه در ده ها کنگره کشوری، عرضه ده ها مقاله در نشریات گوناگون، نگارش صدها ساعت برنامه رادیویی و تلویزونی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷. سوابق عملی: مسؤولیت های فرهنگی در آموزش و پرورش، صدا و سیما، سپاه پاسداران، وزارت ارشاد، مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و نشریات گوناگون از سال ۱۳۵۸ . اشتغال کنونی: عضو هیأت علمی گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سر ویراستار دانشنامه فرهنگ فاطمی، مشاوره های فرهنگی، اشتغال به ترجمه دوره کامل الغدیر . سفرهای تبلیغی: پنج سال کار مستمر فرهنگی در کردستان، یک دوره عضویت در هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج . آشنایی به زبان های دیگر: عربی به طور کامل، انگلیسی در حد ترجمه.

حسینی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد حسینی

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کاشان شدم . بعد از اتمام لمعه در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شده به ادامه تحصیل پرداختم . مکاسب را نزد استاد پایانی و رسائل را نزد استاد اعتمادی و کفایتین را نزد استاد مازندرانی به اتمام رساندم .همزمان با تحصیل در همان کاشان از سال ۵۸ به تدریس مقدمات پرداختم و تا سال ۶۲ صمدیه و بخشی از سیوطی را نیز تدریس کردم .با ورود به قم به صورت آزاد ، شرح لمعه و حلقات را و در مدرسه امام باقر (ع) معالم را تدریس می کردم و بعد از شرح لمعه و معالم به تدریس بدایه المعارف ، تفسیر ، و مکاسب پرداختم که هنوز هم در مدرسه مذکور و به صورت آزاد ادامه دارد .در تاریخ ۳/۲/۱۳۷۱ موفق به اخذ رتبه دوره اول خارج از دفتر تبلیغات اسلامی شدم .

درس های خارج را هم ازمحضر آیات عظام : فاضل لنکرانی ، میرزا جواد تبریزی (یک دوره اصول) و فقه ادامه دارد وحید خراسانی بهره برده و می برم .در سال ۱۳۷۳ در دوره تخصصی کلام شرکت نموده و بعد از چهار سال موفق به اخذ مدرک سطح چهار کلام شدم .از سال ۱۳۷۸ به صورت رسمی دست به قلم بردم و در مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه بخش کلام و تفسیر مشغول پاسخگویی به شبهات شدم که تا کنون بیش از ۴۰۰ پرسش ، پاسخ داده شده است .قابل ذکر است گاه به جهت تعدد مقالات در مجله مبلغان از اسم مستعار جواد خرمی، حسین تربتی و ... استفاده شده است .

حسینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حسینی

محل تولد : قم

شهرت : حسینی قمی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید علی حسینی قمی فرزند سید شمس الدین حسینی در خاندانی که در علم و روحانیت به صورت پشت در پشت در قم متولد شدم پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و متوسطه در مدرسه علمیه معصومیه به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم، سطح را پس از هشت سال به اتمام رسانده و در درس خارج غالب اساتید بزرگ حوزه شرکت کرده واجازاتی دریافت کردم از همان آغاز طلبگی به تبلیغ روی آوردم و در ضمن تحصیل به تالیف و تحقیق و ترجمه روی آوردم.

حسینی، فضل الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فضل الله حسینی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا،شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حسینی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد تقی حسینی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۱-۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و بعد از شش ماه در مدرسه مبارکه رضویه نزد اساتید آنجا مشغول به تحصیل گردیدم و اتمام مقدمات تا سطح در آنجا گذراندم و سطح را نزد اساتید بزرگواری چون مرحوم پایانی آیه الله استادی . موسوی گرگانی . تهرانی .گنجی . میر باقر به اتمام رساندم و بیشتر در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ العظیمی مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و بعد از آن در دو موسسه فقه و کلام وارد شدم و به حول و قوه الهی هر دو را به پایان رساندم و به نوشتن پایان نامه دوره فقه و اصول اشتغال دارم و ضمناً در دفتر همکار ، حوزه دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) در گروه فلسفه علوم اجتماعی یک دوره در این زمینه با دیگر دوستان در گروه به مطالعه و پژوهش حول موضوع فلسفه علوم اجتماعی پرداختم و نیز برای

تـدریس در دانشـگا ه امتحـان معـارف دادم و در مرکز مطالعـات نماینـدگی ولی فقه در جهاد کشاورزی ضـمن کمک به آن مرکز برای تـألیف مجله جهاد با همکاری دیگر همکاران کتاب جلوه ها ی خـدا محوری در زنـدگی را در زمینه اخلاق تألیف نموده ام و نیز مقالا-تی چـاپ نشـده از قبیـل دین کار و کتاب ناتمامی را تحت عنوان شادی و سـرور در اسـلام و نیز آسـیب شناسـی تربیتی در خانواده را دارم . (ذکر حج ، مهشـر) و (ارکان استصحاب) و (ضرورت یابی ریشهای پژوهشهای فقهی) و تفسیر موضوع مقاله) نسـخ در قرآن) فارق بین علوم اجتماعی و تجربی و... را نوشـته و در حوزه تدریس به تدریس سـطح بصورت نا منظم پرداخته و دو سال به تدریس در دروس عمومی (روش مناظره) مدرسه مجید (مرکز جهانی) اشـتغال داشـته ام و نیز یک دوره کلام جدید را در بنیان امام رضا علیه السلام گذرانده ام و کار می کنم .

حسینی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم حسینی

محل تولد : بوشهر

شهرت : حسینی بوشهری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سـید هاشم حسینی بوشهری در سال ۱۳۳۵ در بخش بردُخون از حوالی بندر دیّر اسـتان بوشـهر به دنیا آمد. پدر او روحانی بـود و اگر چه بسیاری از دروس رسـمی حـوزه را نخوانـده بـود، در منطقه خود مورد اعتمـاد مردم و به رتق و فتق امور مردم و حل منـازعه بین آنها می‌پرداخت و خود از راه کشاورزی روزگار می‌گذرانـد. مادر او نیز خود دختر عالمی فرزانه بود و در شـکل‌گیری شخصـیت آیت الله حسـینی بوشـهری نقش بسزایی ایفا می‌کرد. آیت الله حسـینی بوشـهری پس از به پایان رساندن دوره دبستان، به تحصـیلات علوم دینی روی آورد. مشوق اصـلی او در این امر پدرش بود. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از طی بخشـی از دروس مقـدمات به حوزه علمیه قم رو آورد. در قم درسـهای باقیمانده از دورهٔ مقدمات را فرا گرفت و سـپس دوره سـطح را آمـوخت و به درس خـارج راه یـافت. ضـمن اینکه در دروس اخلاـق اسـتادان خـود شـرکت می‌نمود. وی همگـام با تحصـیل به تـدریس آنچه آمـوخته بـود نیز می‌پرداخت. آیت الله حسـینی بوشـهری در حوزه علمیه بوشـهر و قم به محضـر عالمـان و استادان بسیاری شرفیاب شد. او دروس مقدمات را در مدرسه علمیه بوشهر آغاز کرد و پس از فراگرفتن جامع المقدمات و بخشی از کتاب سـیوطی به حوزه علمیه قم وارد شد. وی در قم ادامه کتاب سـیوطی و نیز کتب مغنی و معانی و بیان و شـرح لمعه‌را به صورت خصوصـی از محضـر اساتید آن زمان فرا گرفت. در دوره سطح نیز بخش عمده‌ای از رسائل و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله ستوده آموخت. ایشـان بخشـهایی از رسائـل، کفـایه و قوانین را از محضـر آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی بهره برد. او بسـیاری از مباحث کفایه را نیز از درس مرحوم آیت الله پایانی استفاده کرد. با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله تبریزی رفت. در زمینه اصول نیز مدتی از محضـر مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برد. سپس

یک دوره کامل اصول را از خدمت آیت الله مکارم شیرازی و بخشهای بسیاری را نیز از محضر آیت الله وحید خراسانی فرا گرفت. در طی این سالها در بخش حکمت و عرفان به درس آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی رفت و اسفار را نزد این عالمان وارسته آموخت. آیت الله حسینی بوشهری از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که مصمم بود هر درسی که می‌آموزد، بیاموزاند. از این رو با شروع سیوطی، به تدریس اشتغال داشت که این مسأله هم اکنون نیز ادامه دارد. بسیاری از نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب حوزه علمیه قم است. وی بارها دروس مقدمات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و بخشهایی از عروةالوثقی را تدریس کرد. در فن خطابه نیز پس از نگارش جزوه ای در این زمینه سالیانی چند به تدریس برای علاقه‌مندان به آشنایی با فن سخنوری اشتغال داشتند که در طی این سالها شاگردان بسیار را تربیت کرده‌اند.او در کنار این فعالیتها از تدریس در دانشگاهها باز نمانده و به گونه‌ای مستمر به تدریس در دانشگاههای تهران و قم اشتغال داشته است. آیت الله حسینی بوشهری در عرصه تحقیق و تألیف کتب و مقالاتی را به رشته تحریر درآورده است. آیت الله حسینی بوشهری در طول سالهای مبارزه امام و امت مسلمان ایران بر ضد رژیم پهلوی، همواره با این سیل خروشان همراه بوده است. او مبارزه را از سنین نوجوانی و در بوشهر آغاز کرد و در قم نیز آن را پی گرفت. او اعلامیه‌های امام(ره) را بین مردم منتشر می‌کرد که این مسأله موجب چندین بار دستگیری و بازجویی وی شد.

حسینیان، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله حسینیان

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تا سوم دبیرستان را در صفاد ، یکی از روستاهای آباده طی کردم .

سطح را در مدرسه حقانی قم (ادبیات را نزد آیت الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی، لمعه نزد فاضل هرندی ، مکاسب نزد آیت الله ستوده ، رسائل نزد آیت الله جنتی ، کفایه نزد آیت الله احمدی میانجی)

درس خارج را در تهران دو سال نزد آیت الله محمدی گیلانی، یک سال نزد آیت الله صانعی، دو سال نزد آیت الله خامنه ای و یک سال کتاب قضا و شهادات نزد آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی در قم .

حق شناس، عبدالکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس(تهرانی) در سال ۱۳۳۸ ه.ق برابر با ۱۲۹۸ ه.ش در تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات :

وی تحصیلات مقدماتی و ادبیات را در محضر آیت الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی فرا گرفت و عرفان را نیز از محضر آیت‌الله شاه‌آبادی تلمذ کرد. ظاهرا بخشی از معقول را نیز غیر از درس آیت‌الله شاه‌آبادی از محضر آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی مدرس بزرگ حکمت و فلسفه آموختند. زیرا روزی در بین سخنانشان فرمودند: «ایشان – میرزا مهدی آشتیانی – بخش وجود ذهنی را که می‌فرمودند با عباراتی بسیار مغلق و خراباتی بیان می‌کردند.» که دال بر استفاده ایشان از محضر آن حکیم بزرگ است، اما مدت این کسب فیض مشخص نیست. ایشان همچنین دروس فقه و اصول را در هجرتی که به سال ۱۳۵۸ ه.ق به قم داشتند از محضر بزرگانی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله العظمی بروجردی فرا گرفتند. مدتی نیز از محضر فقه و اصول امام خمینی بهره‌مند شدند و البته مراوداتی در بحث اخلاق با امام راحل نیز داشتند.

وی اجازه اجتهاد خود را از بزرگانی چون آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محمد حجت، شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله شاه آبادی دریافت کرد. آیت‌الله حق شناس از شاگردان آیت‌الله سید علی حائری، میرزای تنکابنی و شیخ محمدحسین زاهد بود. وی از شاگردان درس عرفان آیت‌الله شاه آبادی و امام خمینی (ره) بود. آیت‌الله حق‌شناس افزون بر زبان عربی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی هم مسلط بود. هجرت به تهران :

در سال ۱۳۷۳ ه.ق که جناب حاج شیخ محمدحسین زاهد تهرانی معروف به زاهد نفت فروش که در مسجد امین‌الدوله واقع در بازار وفات کردند، بنا به درخواست اهل مسجد و محل، آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله حق‌شناس دستور دادند تا برای حل مشکلات دینی و رسیدگی به امور شرعی آن مسجد، به تهران عزیمت کنند. در این زمینه ایشان خود می‌فرمایند: «مردم به قم آمدند و تقاضای کسی را فرمودند. مرحوم امام خمینی قدس سره که آن روز در محضر آقای بروجردی بودند و نسبتشان به حقیر چون پدری به فرزند بود به من فرمودند شما بروید و از آیت‌الله بروجردی هم درخواست کردند که ایشان هم حکم کنند. ایشان هم حکم فرمودند. حس کنجکاوی و مقام گستاخی فرزند به پدر باعث شد که عرضه داشتم: آقا چرا خودتان تشریف نمی‌برید؟ حضرت امام فرمودند: مردم گفته‌اند عبدالکریم. (عین عبارت ایشان است) به جدّم اگر می‌گفتند روح‌الله من پیشقدم می‌شدم.» بالاخره ایشان به تهران آمدند و تا پایان عمر به تهذیب نفس جوانان و اهل علم و طلاب و کسبه مشغول بودند. ایشان مدتی نیز رئیس مدرسه فیلسوف‌الدوله و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی فعلی) بودند و در آنجا به تدریس مکاسب و کفایه در فقه و اصول و منظومه سبزواری در حکمت همت داشتند. محمد شریف رازی در کتاب خود به نام گنجینه دانشمندان می‌فرمایند: «بعد از وفات آیت‌الله بروجردی مؤمنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و اخیار تهرانند به قم آمدند و از آیت‌الله بروجردی تقاضا کردند ایشان را به جای آن مرحوم (شیخ زاهد تهرانی) برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرمایند. ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم به تدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارند و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم و حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی هستند تربیت یافتگان او در بازار و حوزه‌های علمی قم و تهران و مشهد بسیار هستند و از روز آشنایی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.»

هشیاری و آگاهی :

آیت‌الله حق‌شناس با وجود مشغله فراوان در امور شرعی و دروس حوزوی و تدریس کتب فنی از مسائل روز و سیاسی بی خبر

نبودند و دقت خاصی داشتند. می‌فرمودند: «با شروع جنگ تحمیلی این شبهه برای من ایجاد شد که مبادا در جبهه به من نیاز باشد به خدمت امام راحل مشرف شدم آیت‌الله شهید صدوقی هم در مجلس حضور داشتند. من دو وجبی زعیم عالیقدر بودم گفتم: بنده مدرس حوزه و امام جماعت مسجد امین‌الدوله هستم. اگر چنانچه وظیفه طور دیگر است دستور می‌فرمایید به جبهه بروم. امام فرمودند: مگر تو می‌توانی تفنگ بلند کنی؟ گفتم: بنده یکبار تفنگ بلند کردم و گلنگدن را کشیدم و ماشه را چکاندم به جای این که من تفنگ را نگه دارم تفنگ مرا مسافتی عقب برد. امام تبسمی کردند و اظهار داشتند: جبهه تو همان مدرسه است و مسجد امین الدوله.»

یکی از شاگردان این عالم می گوید: «در آن سالی که حرم مطهر رضوی توسط منافقین کوردل مورد انفجار ناجوانمردانه قرار گرفت سراسیمه به مسجد امین‌الدوله رفتم زیرا از ارادت خاص و عنایت ویژه ایشان به امام هشتم مطلع بودم و نگران آشفتگی روحی استاد حق شناس شدم. اما وقتی به آنجا رسیدم و چهره آرام آیت‌الله حق‌شناس را دیدم از نگرانی‌ام کمی کاسته شد. ایشان آرام فرمودند: مقام امام رضا علیه السلام چنان رفیع است که با این حرکت‌های مذبوحانه چیزی از شؤون ایشان کاسته نمی‌شود.»

آثار استاد حق‌شناس :

آثار قلمی و عملی ایشان با وجود تربیت شاگردان بسیار، کم نیست، ولی چند اثر قلمی و علمی نیز از معظم له موجود است: - رساله‌ای در ارث زوجه . - تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله حُجت . - تقریرات اصول آیت‌الله خوانساری . - تقریرات فقه و اصول آیت‌الله بروجردی . این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد. یادگاری از آیۀالله عبدالکریم حقشناس(ره):

زیارت عاشورا، یادگاری از حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حق شناس(ره) سالهای اول طلبگیام بود، تازه با آیت الله حق شناس آشنا شده بودم . چه جلسات با صفایی بود . خانه محقر استاد در آن جمع قلیل چه صفایی داشت . تازه ایشان به محل ما آمده بودند و هنوز در محل شناخته شده نبودند و حتی شاگردان ایشان هم از محل جدید زندگی ایشان مطلع نبودند. ماه رمضان بود و به واسطه یکی از اساتیدمان که از شاگردان ایشان بود و بعدها مدیریت مدرسه امینالدوله را عهدهدار شد، خدمت معظم له شرفیاب میشدیم . حدود سیزده چهارده نفر بیشتر نبودیم. نماز را پشت سر آقا میخواندیم که جای شما خالی اما همه اینها آن چیزی نیست که میخواهم بگویم . آنچه میخواهم بگویم مهمترین یادگار زندگی من از درک محضر ایشان است که در این مختصر به اطلاع شما عزیزان میرسانم و آن در باب ختم زیارت عاشوراست . ایشان میفرمودند: شما چهل روز زیارت عاشورا بخوانید و در آن چهل روز مراقبت شدید نفس را عهده‌دار باشید؛ هر حاجتی که از خدا بخواهید به شما داده میشود و اگر از خدا حاجتتان را نگرفتید، بیایید که من برای شما حاجتتان را از خدا میگیرم و من ضامن آن هستم .

در این مختصر نه در این حد و اندازه هستم که کلام استاد را شرح دهم و نه توانایی آن را دارم که چیزی به زبان بیاورم چرا که خیلی دلم گرفته و غمگینم . ذخیرههای الهی یکی پس از دیگری میروند. اما طریقه ختم زیارت عاشورا در چهل روز از زبان حضرت استاد آیت الله حقشناس به شرح زیر است: مقدمه زیارت باید به شرح زیر به جا آورده شود: ۱- صد مرتبه تکبیر . ۲- لعن و سلام زیارت (اللهم العن اول ظالم ... ، السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی...) هر کدام یک مرتبه . ۳- زیارت عاشور از اول تا ابتدای صد لعن یک مرتبه . ۴- دو رکعت نماز هدیه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام . ۵ - صد مرتبه تکبیر . و پس از انجام مقدمه شروع به خواندن زیارت مینمایید به شرح زیر: ۱- خواندن زیارت عاشورا از ابتدا تا انتها به همراه صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام . ۲- دو رکعت نماز آخر زیارت عاشورا که این دو رکعت نماز جزء زیارت است . اما لازم است که نکات زیر در این اربعین

حتما رعایت شود: ۱– ایشان میفرمودند: در طول این چهل روز برای سلامتی حضرت بقیهٔ الله الاعظم ارواحنا فداه صدقه بدهید. ۲ – ایشان تاکید زیادی داشتند که در طول این چهل روز میبایست مراقبه اعمال صورت بگیرد. یعنی واجبات انجام گرفته و محرمات ترک گردد. گریههای آیت الله حقشناس وقتی از گناه صحبت میکردند و با لفظ زیبای «ببین داداش جون» جوانان را به دوری از گناه توصیه میکردند؛ همراه با این جمله بود که گناه باعث عدم استجابت دعاست . ۳– ایشان میفرمودند: در طول چهل روز کسی جز اهل منزل از انجام زیارت عاشورا توسط شما مطلع نگردد. زیارت را مخفیانه بخوانید تا کسی مطلع نگردد و این سفارش استاد، نکاتی داشت که در این مختصر نمیگنجد . ۴ – به یاد دارم که ایشان تاکید میکردند که مابین انجام زیارت عاشورا صحبتی صورت نگیرد. از آنجایی که انجام اعمال زیارت با اوصاف فوق حدود یک ساعت و نیم به طول میانجامد ایشان تاکید داشتند مابین زیارت صحبتی نشود البته ناگفته نماند که این مطلب را ایشان شرط صحت نمیدانستند لکن بر این مطلب تاکید میکردند و خاطرهای را نیز نقل میکردند که یادش بخیر ... . ۵ – میفرمودند: بین طلوع و غروب آفتاب زمان انجام عمل است و تاکید میکردند روز چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود البته حجهٔ الاسلام والمسلمین جاودان میفرمودند اگر چهارشنبه هم نشد اشکالی ندارد ولی چه بهتر است که چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود. البته برای بانوان هم که در طول یک چلّه ممکن است دارای عذر شرعی باشند نیز دستور میدادند که باید برای ایام دارای عذر، نائب گرفته تا از جانب ایشان زیارت را ادامه دهد . جملات قصار از آیهٔ الله حقشناس:

– شب زنده داری بر عمر و روزیتان میافزاید. – پیامبران و اوصیاء الهی برای این که طمعی به بیت المال نداشته باشند هر کدامشان مشغول کاری بودند. – عاقل بدون ایمان، شیطان است. – عمر شما در اثر خدمت به مردم زیاد میشود. – اگر خدا را میخواهی باید از خودیت خودت بگذری. – باید عمل به دستورات و اوامر معصومین سلام الله علیهم کرد، نه این که ما بتوانیم مثل آنها بشویم. – حضرت ملک الموت علیه السلام به صورت عمل خودمان ظاهر میشود. – در اولین قدم سیر و سلوک، پروردگار متعال آزمایش را شروع میکند. – مقام مراقبه یعنی این که سالک تمام و کمال در محضر و حضور حضرت حق قرار دارد. – اول سفر الی الله سحرخیزی است. – وسایل وصال به مطلوب را نیز باید دوست داشت. – تنها راه تشخیص وسوسه شیطانی از نفحات قدسی مراقبه است. – اگر تحصیلات علمی شما با علم اخلاق توأم نباشد، منقطع میشود. – خدای متعال میفرماید: ای دنیا! خدمتگزار باش کسی را که خدمتگزار من است. یعنی کسی که (همّ او واحد است) و آزار بده کسی را که خدمتگزار توست. – هر انسانی یک تکلیف اجتماعی دارد و یک تکلیف انفرادی. – دین، عمل به بندگی حضرت حق است. – اگر سالک بداند که در شناخت پروردگار چه چیزی نهفته است دیگر به زرق و برق دنیا اهمیت نمیدهد. – اگر از باب رحمت حق، قصد ورود دارید، باید کمی پول خرج کنید و به فقرا و مسکینان و یتیمان کمک کنید. – موسی علیه السلام ده سال در مدین، شاگردی کرد و استاد شد. بدون استاد نمیشود سیر کرد. – اگر اراه کنی که خودت را حفظ بکنی پروردگار هم در هنگام ارتکاب به معاصی برای تو ایجاد مانع میکند. – اگر آن دین خالص در قلب ما وارد شود تمام آن شلوغیها از قلب مفارقت میکند. پس دلیل شلوغی قلبی من اینست که از دین خالص در آن خبری نیست. – رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند: اگر کسی ما را دوست دارد باید به دستورات ما عمل کند آیا کافی است کسی بگوید من علی را دوست دارم ولی فعال نباشد و عمل به فرمایشان ایشان نداشته باشد؟! – باید نه آنقدر تنبل باشید که مردم بگویند کلّ [وبال] بر جامعه است و نه آنقدر فعالیت در دنیا داشته باشید که عرف بگوید چهار دست و پا افتاده روی دنیا.

– روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اخلاق عملی است. علم رسول خدا علم رهبانیت نیست. – علم حقیقی علمی است که انسان را به هدایت خاصه راهنمایی کند. علمی است که او را به احوال دلش آگاه بکند. – خداوند متعال از جهل نمیگذرد. – حب دنیا و حب خدا در یک دل جای نمیگیرد. باید از یکی از آنها گذشت. – خوش خلقی، خوی حضرت رسول اکرم صلی الله

علیه و آله است، مردم را با اخلاق عملی و با روی خوش به اسلام دعوت کنید. - گمشده مؤمن حکمت و دانش است. این از ملاقات با امام زمان (عج) بالاتر است.

- علم را برای عمل کردن یاد بگیرید. علت عدم رسیدن ما به مقامات عالیه اینست که ما عمل در کلاسهای قبل نکردیم. - امر آخرتتان را اصلاح کنید تا امورات دنیای شما اصلاح شود. - آنچه که شما در سفر آخرت همراهتان دارید علم و عمل صالح خود شما است. - قدم به قدم عمل خود را با فرمایشات معصومین سلام الله علیهم منطبق کنید. - تنها یاور شما در مواجهه با حضرت ملك الموت سلام الله علیه عمل صالح شماست. - تعلقات است که مانع پرواز انسان میشود. - توفیق شما در سیر الی الله منوط به اینست که چقدر به افراد جامعه احسان میکنید و این در رأس امور است.

- اهل بهشت حسرت هیچ ساعتی از عمر خود را نمیخوردند، الا ساعاتی را که در دنیا در غفلت بودند و ذکر پروردگار متعال را نکرده بودند. - آن نیرویی که بتواند شما را در مقابل شیطان و نفس محافظت کند محبت به پروردگار متعال است. - مباد نعمتهای خدای متعال شما را مغرور کند. - اگر بخواهید از دنیا استفاده کنید باید اول از پله آخرت شروع کنید. - تا زمانی که توجه به حضرت حق دارید در رحمت خداوند متعال هستید. - ابلیس شاگرد نفس است، اگر شما بخواهید این نفس را که استاد شیطان است بکوبید و رامش کنید باید خود را فقیر کنید، باید خودتان را در مقابل عظمت حضرت حق هیچ بدانید. - بعد از این مرحله، مرحله شب زندهداری است. این دو راه، راه مبارزه با نفس است. - قلب خانه ملائکه است، صفات رذیله مثل سگهای پارس کنندهای هستند و ملائکه در خانهای که سگ باشد وارد نمیشود.

- آن شیطانی که مسئول نماز شب است از همه قویتر است در وسوسه کردن. اما نسبت به مخلصین اسلحهاش کارگر نیست. مواظب آن شیطان باشید. - هی در صدد نباشید روایت بنویسید و علم دیگری یاد بگیرید، باید عمل هم با آن همراه باشد. اگر به دانستنیهایتان عمل نکردید هر روز از پروردگار متعال دورتر میشوید. - هر چقدر ایمان مومن ترقی بکند یك غصهای بر او مسلط میشود که نکند حجابی بیاید و بین او و محبوبش جدایی افکند. - در آخر الزمان شیطان میآید و اول کاری که میکند عقیدهها را میبرد.

این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارك تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاك سپرده شد.

حقانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین حقانی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیهٔ الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیهٔ الله آخوند خراسانی

را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیهٔ الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیهٔ الله مجاهدی و آیهٔ الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیهٔ الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسحد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیهٔ الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایهٔ الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیهٔ الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیهٔ الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایهٔ الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیهٔ الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاك او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیهٔ الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایهٔ الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یك دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاهٔ ، صوم ، زکوهٔ ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارك خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیهٔ العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ

بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیهٔ الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حقی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی حقی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۸۱ به بعد در درسهای فقهی حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم آیت الله تبریزی شرکت کردم و همزمان به تدریس درس مکاسب مرحوم شیخ در مدرسه خان و مدرسه امام عصر اشتغال دارم و از سال ۸۳ تاکنون به همراه دوست گرامی جناب حجهٔالاسلام والمسلمین آقای سید علی عماد بیرجندی طرحی را که در ارتباط با فقه القرآن با نگاهی متفاوت از آنچه تاکنون رایج

بوده آغاز کرده ایم که احتمالاـ برای تکمیل آن بین ۱۰ تا ۱۵ سال نیاز به زمان است و می توانـد آثار و نتایج علمی خوبی برای محققان حوزوی در برداشته باشد. طرح مذکور در مرحله فیش برداری و مطالعات اولیه قرآنی قرار دارد و در مراحل بعد نیاز به همکاری و یاری تعداد زیادی از محققان حوزه خواهد داشت که امید است مورد عنایت حضرت ولی عصر قرار گیرد.
تنظیم آثار علمی مرحوم والـدم که شامل دست نوشته هـای فراوان فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی است از دیگر دغدغه هـای اینجانب است که امیدوارم بتوان سر و سامانی به آنها داده و بخشهایی از آن را به جامعه عرضه دارم، انشاء الله. از سال ۷۷ تا ۸۴ نیز بطور مستمر در حلقه جلسه تفسیر جمعی از بزرگان حوزه که بصورت هفته ای ۲روز تشکیل می شد شرکت کرده و بهره علمی فراوانی از محضر آقایان بردم.همچنین بـا توجه به نیاز فراوان جوانان و نوجوانان به مفاهیم و معارف ناب قرآن و اهل بیت و کمبود کارهای علمی و بی توجهی به این سنین از سوی محققان حوزه ای، طرح چند جلد کتاب آموزشی موضوعات منتخب قرآن همراه بـا معانی قابل درک و ابزارهـای تفهیم و انتقال این مفاهیم به گروههای سنی ۴ تا ۱۸ سال را در دست تـالیف و تحقیق دارم که امیدوارم به تدریج تکمیل و به جامعه عرضه گردد. بخشهایی از این موضوعات در موسسه حفظ قرآن کوثر و مدارس تابع آن در سالهـای گذشته تدریس شده و نتایج مثبت آن مورد ارزیابی قرار گرفته است و هم اکنون آماده تکثیر و ارائه به سایر مراکز آموزشی کشور است.

حکمت نیا، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود حکمت نیا

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدت هفت سال دوه مقدماتی و سطح را طی کردم. سال ۱۳۶۹ همزمان با شروع درس خارج رشته حقوق را در مجتمع آموزش عالی قم (دانشگاه تهران) آغاز کرده که با اتمام دوره کارشناسی در سال ۱۳۷۳ وارد مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس و پس از فارغ التحصیلی در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری همان دانشگاه مشغول به تحصیل شدم در سال ۱۳۸۳ از رساله دکتری خود بـا عنوان « مبانی نظری مالکیت فکری با تأکیـد بر فقه اسلامی» دفاع کردم. زبان انگلیسی را به مدت دو سال در مرکز زبانهای تخصصی دفتر تبلیغات پی گرفته و در سال ۱۳۷۸ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم.همکاری علمی خود را با واحد اصطلاح نامه مرکز مطالعات و تحقیقات در سال ۱۳۷۳ آغاز کردم که حاصل سه سال همکاری تدوین اصطلاح نامه علوم قرآنی و اصول فقه به صورت جمعی است. سال ۱۳۷۶ شروع همکاری اینجانب بـا پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان مدیر گروه فقه و حقوق بوده است که همچنان ادامه دارد.دراین مدت علاوه بر فعالیت در گروه فقه و حقوق، مدیریت بخش حقوقی دانشنامه امام علی (علیه السلام) را عهده دار بوده ام. همکاری بـا مجلات

کتاب نقد ، مجله قبسات ، همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات و راه اندازی سردبیری سه شماره اول مجله فقه و حقوق و قائم مقام مـدیر مسئول مجله ، بخشهای دیگر مدیریت علمی بوده است فعالیت تدریس در دروس حقوق مدنی ۱، ۳، ۴، ۶ و ۸، مقـدمه علم حقوق، حقوق تطبیقی، حقوق بین الملـل خصوصـی، متون حقوقی و زبان تخصصـی در مقطع کارشناسـی و کارشناسـی ارشد، در دانشـگاه آزاد اسـلامی، دانشـگاه تهران(پردیس قم)، دانشگاه قم، دانشگاه مفید، مرکز تخصصی قضا، مدرسه امام خمینی، مدرسه عالی فقه و اصول از سال ۱۳۷۶ تا کنون ادامه دارد

حکیم یزدی، علی‌اکبر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و متکلم. در یزد و تهران درس خواند، در معقول شاگرد آقا محمدرضا قمشه‌ای در منقول شاگرد میرزا ابوالقاسم کلانتری و میرزا محمد حسن آشتیانی بود و از میرزای آشتیانی اجازه اجتهاد داشت. پس از پایان تحصـیلات در قم ساکن شد و به تدریس پرداخت. بیشتر آوازه‌ی شـهرت او به خاطر مهارت او در حکمت بود. شیخ محمد علی، فرزند محمد جعفر قمی، از شـاگردان اوست که «رسائـل» شـیخ مرتضـی انصـاری را در خـدمت وی فراگرفت. حکمی در قم درگـذشت و پیکرش در مقـبره‌ی شیخـان به خـاک سپرده شـد. از آثـار وی: «الرساله الرضاعیه» یا «الرضاعیات»، به فارسـی؛ شـرح «الشواهـد الربوبیه» ملاصـدرا؛ شـرح «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه بر «بدایع الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منـابع زنـدگینامه :اعیان الشیـعه (۱۷۶/۸)، خـدمات متقابـل اسـلام و ایران (۶۱۱)، الـذریعه (۱۹۲/۱۱)، طبقـات اعلام الشیـعه (قرن ۱۶۰۷/۱۴).

حکیم، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی حکیم

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در یـازده سـالگی پس از شـرکت در اولیـن جلسـه تعلیم قرآن که از طرف حضـرت آیت الله العظمی گلپایگـانی در سراسر قم بـود شرکت کردم در تابسـتان بعـدی اولین تـدریس قرآن را آغاز کردم. پس از آن در همان سال تحصـیلی علاقمند به حوزه شدم و در سن ۱۲ سـالگی وارد حـوزه علمیه قم شـدم و کنـار درس به مسائـل رفتـاری توجه خاصـی داشـتم و قبـل از آغـاز جنگ به مطالعه

روانشناسی روی آوردم پس از دو سال جبهه که مسئولیتهای نسبتاً سنگین مانند قائم مقامی سازمان تبلیغات استان خوزستان و مسئولیت توزیع روحانیان به سپاه و ارتش برعهده اینجانب بود که به خاطر مسئله تربیت کادر و نیروی آینده احساس تکلیف کردم به قم برگردم (در اثر اصرار برخی از اساتید) و طرح تربیت الگو و مدرسه آزمایشی راه انداختم هدف از طرح انتقال رفتار و تغییر سریع رفتار در نوجوانان از طریق الگوی همسن طرح بسیار موفق و جامعی بود و کاملاً علمی در کنار اجرای طرح طراحی مدرسه نمونه نیز مد نظر بود ولی متأسفانه جو عمومی علمی نبود این طرح را سازمان تبلیغات قم پوشش حمایتی می‌داد و آموزش و پرورش همکاری می‌کرد به هرحال خیلی بار علمی و عملی داشت تا سال ۱۳۶۶ ادامه یافت و برخی خروجی‌های آن اکنون در حوزه و دانشگاه که برخی پزشک نمونه کشور شدند و سایر رشته‌ها و برخی که در دولت کنون افغانستان در وزارت آموزش و پرورش آن در حد برنامه ریزی درسی مدیرکل و معاون وزیر شدند به هرحال تأسف آور این است که این تجربه مدفون ماند در حالیکه کشور به آن نیاز داشت وضع تربیت اکنون نتیجه عدم برنامه‌ریزی علمی است و تربیت آشفته دینی ما هم از همین امر ناشی می‌گردد.

در کنار دروس حوزه که حتی در جبهه قطع نشد درقم کنار حوزه و مطالعات رفتاری به بررسی متدهای تغییر رفتار در از مدت در بزرگ‌سالان و بحث روان درمانی هم نیز پرداختم در بیمار اضطراب حاد و بسیار وسواس داشتیم و نتایج فوق‌العاده جالب بود و حاکی از اهمیت تغییر رفتار پیش از بلوغ و تا ۲۱ سالگی بود در حوزه از روش‌های هم دروس قدیم اصول و دروس حلقات اصول همزمان پیش می‌بردم در سال ۶۸ وارد بحث خارج شدم و در آن زمان نیز اولین تدریس دانشگاه را آغاز نمودم که به اصرار آیت الله اراکی بود چندان مشتاق نبودم و تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ هزار دانشجو را در زمینه‌های مختلف معارف تفسیر قرآن اخلاق و تربیت عقاید و دفع شبهات هر مقطع پرداختم که در هر دانشگاه همیشه از نظر دانشجویی رتبه اول را داشتم در کنار آن بحث خارجم تا سال ۸۲ قطع نشد و پس از آن به خارج اعزام شدم و نزدیک یک سال در فنلاند امامت جمعه و تبلیغ و تدریس داشتم و فوق‌العاده با جوانان مسلمان رابطه صمیمانه و با خانواده ما برقرار شد ولی محیط غرب را اصلاً تحمل نکردم برای من حکم زندان را داشت در سال‌های ۱۳۷۶ مدیر گروه کلام واحد کلام و فلسفه را داشتم.

و در سال ۱۳۷۹ مدیر گروه فلسفه و کلام مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران را برعهده‌ام گذاشتند و در همان سال نیز مدیریت گروه اخلاق و تربیت برعهده داشتم که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت یعنی تا سفر خارج کشور در کنار آن سه دوره تدریس کلام استدلالی در سطح عالی برای تربیت مدرس خواهران داشتم که از نظر روش تدریس از اساتید بزرگ دیگر نیز پیشی گرفته بودم و در دوره سطح سه کلام و فلسفه دفتر تبلیغات تدریس متون قدیم کلام و تدریس عقاید استدلالی را داشتم.و از سال ۱۳۷۵ یا ۷۶ اولین کارهای علمی در اینترنت در کتب با وهابیان و مسیحیان عرب زبان بود شروع و تاکنون ادامه دارد هر وقت فرصت کنم به چت های داغ و علمی رفته و مدت چهارماه برای مجمع اهل بیت هم نظارت و هم اداره علمی مباحث اینترنت را برعهده داشتم که استقبال بسیاری داشت والحمدالله رب العالمین.

حکیم، محسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۰ -۱۳۰۶ ق)، فقیه، مجتهد و مرجع تقلید. در نجف متولد شد. در شش سالگی پدرش را از دست داد و برادرش سرپرستی او

را بر عهـده گرفت. وی مقـدمات را تـا قـوانین نزد برادر بزرگ خود و بقیه‌ی علوم را نزد سـایر فضـلا فراگرفت. پس از اتمـام درس سطـح، محضـر ملاـ محمـدکاظم خراسانی رسـید، و از وی بهره گرفت. آنگاه به تـدریس فقه و اصول پرداخت، و مـدتی در صـحن نجف و مسـجد هنـدی به اقـامه‌ی نماز جماعت پرداخت. وی پس از فوت آیت‌اللَّه حاج آقا حسـین بروجردی، مرجعیت تام در میان شیعیان دوازده امامی پیدا کرد. آیت‌اللَّه حکیم در هشتاد و چهار سالگی در کاظمین درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. آثار او عبارت‌انـد از: «رسـاله‌ی عملیـه»؛ «حاشـیه علی العروهٔ الـوثقی»؛ «حقـایق الاـصول تعلیقـه علی کفایـهٔ الاـصول»؛ «دلیـل الناسـک» یا «راهنمای مناسک حج»؛ «منهاج السالکین» و «منهاج الناسکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۳/۲۳ –۱۴۹/۶)، شرح حال رجال (۱۹۲ –۱۹۰ /۵)، مولفین کتب چاپی (۲۲۰ –۲۱۷ /۵).

حکیم، منذر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید منذر حکیم

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد : ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلاـ ورود به حوزه علمیه : ۱۳۴۹– ۱۳۵۳ ش ، نجف اشرف (مقدمات ، سطوح ، خارج) ۱۳۵۳– ۱۳۷۲ش ، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مدنی ، آیهٔ الله سید محمود شاهرودی ، آیهٔ الله شـیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین نجفی ، آیهٔ الله سید نور الدین اشکوری و حجهٔ الإسـلام شـیخ محمد سـعید نعمانی ، شـهید حجهٔ الإسلام شیخ ماجد بدراوی ، آیهٔ الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی ، آیهٔ الله میرزا حبیب الله اراکی ، آیهٔ الله شـیخ مرتضـی اشـرفی شاهرودی ، آیهٔ الله سـید حسن مرتضوی ، اسـتاد شـهید سـید عبد الصاحب حکیم ، آیهٔ الله شـیخ ابوالحسن انواری زنجانی ، آیهٔ الله شـیخ مصطفی اشرفی ، آیهٔ الله سید کاظم الحائری ، آیهٔ الله سید محمد مفتی الشیعهٔ ، اسـتاد شـیخ غلامرضـا عرفانیان ، آیـهٔ الله شـیخ علی کاتبی مرنـدی ، و آیـهٔ الله فرخنـده تبریزی ، اسـتاد شـیخ عباس طبرسـی مازندرانی آیهٔ الله شـیخ محمد امین زین الدین ، حجهٔ الإسـلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی . اساتید اخلاق : آیهٔ الله شهید سید اسد الله مـدنی ، اسـتاد شـهید سـید عبـد الصاحب الحکیم ، اسـتاد شـیخ نجم الـدین طبرسـی مازندرانی ، اسـتاد شـیخ نجم الدین طبرسـی مازندرانی ، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی ، آیهٔ الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی . اساتید تفسیر : استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عباس طبرسی مازندرانی ، آیهٔ سید حسن مرتضوی ، آیهٔ الله شیخ بشیرحسین النجفی ، آیهٔ الله خزعلی ، آیهٔ الله جوادی آملی . خارج اصول در محضـر آیات عظام : آیهٔ الله العظمی سـید ابوالقاسم خوئی ،آیهٔ الله العظمی شـهید سید محمد باقر صدر ، آیهٔ الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی ، آیهٔ الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ، آیهٔ الله العظمی میرزا هاشم آملی ، آیهٔ الله العظمی سـید کاظم حائری ، آیهٔ الله العظمی سـید محمد مفتی الشیعهٔ اردبیلی . مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام : امام خمینی (ره) ، شهید سید محمد باقر صدر ، سید علی سیستانی ، میرزا کاظم التبریزی ، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی ، میرزا جواد

آقای تبریزی ، شیخ حسین وحید خراسانی ، سید کاظم حائری را درک نمودم . تدریس : تمام دروس مقدمات ، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی ، خارج تاریخ و علوم تاریخ ، علوم قرآن و تفسیر ، علوم تربیتی و اخلاق ، فلسفه و کلام ، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ) ، حوزه علمیه قم ، جامعهٔ الزهراء ، مرکز مدیریت خواهران ، جامعهٔ آل البیت (ع) ، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس) . برخی تحقیقات و تألیفات : – المرشد الی تعلیم قراءهٔ القرآن الکریم – اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) – نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها – ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ – تحقیق فقه معالم الدین – تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری – تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) – تاریخ تطور فقه و أصول در مکتب أهل بیت (ع) – حیاهٔ الإمام شرف الدین – عصر الإمام شرف الدین – قراءهٔ فاحصهٔ فی تراث الإمام شرف الدین – عصر الإمام البلاغی – قبسات من حیاهٔ شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم – تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی – درسنامه عصر غیبت – تاریخ عصر غیبت کبری – النظریهٔ الإجتماعیهٔ فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) – موسوعهٔ أعلام الهدایهٔ (۱۴ جلد) – فی رحاب أعلام الهدایهٔ (۵ جلد) – موسوعه " تأریخ الإسلام (۴ جلد) – قبسات من سیرهٔ القادهٔ الهداهٔ (۲جلد) – دروس تمهیدیهٔ فی تأریخ و سیرهٔ قادهٔ الهداهٔ (۲ جلد) – فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی : – نظریه ی اخلاقی اسلام – مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام – طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم – طرح پیشنهادی آموزش در مقطع إجتهاد – مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه ها ی علمیه – برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها : مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در : سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائرهٔ المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعهٔ المصطفی العالمیهٔ مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حکیمیان، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حکیمیان

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس قوامی ، آقا و رازی شهرستان یزد با موفقیت گذراندم و در سال ۱۳۵۷ شمسی در رشته صنایع غذایی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم . پس از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ در کمیته فرهنگی جهاد سازندگی یزد مشغول به خدمت به جامعه روستایی و انقلابی ایران اسلامی شدم . در سال ۱۳۶۰ با پذیرش در مدرسه حقانی قم

مشغول به تحصیل علوم حوزوی گردیدم . پس از بازگشایی دانشگاهها از تحصیل انصراف دادم و تا سال ۱۳۶۳ را در مدرسه حقانی تحت برنامه مدرسه ، علوم حوزوی از قبیل ادبیات ، اصول ، منطق و معانی و بیان را گذراندم . با آغاز درس شرح لمعه در سال ۱۳۶۳ ازدواج کردم و برای مدت ۱۰ سال به دلیل مشکلات، در حوزه علمیه یزد – مدرسه خان – شرح لمعه ، رسائل ، کفایه ، مکاسب و حدود ۳ سال خارج زکات و خمس را گذراندم و در سال ۱۳۷۳ بار دیگر به قم مراجعت نمودم که بحمد الله تا کنون توفیق شرکت در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام و مراجع تقلید آقایان حاج شیخ جواد تبریزی (درس فقه) ، حاج شیخ وحید خراسانی (اصول) ، حاج شیخ فاضل لنکرانی (حج) ، حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی (اصول) را پیدا کردم . شایان ذکر است که در طول تحصیل بخشهایی از کتابهای اصول فقه مرحوم مظفر در اصول ، کتاب شرح لمعه در فقه ، کتاب مکاسب شیخ در فقه المعاملات را نیز تدریس کرده ام .

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۷۳ همزمان با رجعت به قم از طریق کنکور سراسری در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول شدم که مدرک لیسانس را با معدل ۴۹/۱۸ در طول مدت ۳ سال و مدرک فوق لیسانس را نیز بلا فاصله با معدل ۳۹/۱۸ گذراندم و در سال ۱۳۷۹ از عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان (دین موجل و آثار و احکام آن در حقوق ایران) دفاع نمودم . این پایان نامه به عنوان سطح ۳ حوزه علمیه قم نیز پذیرفته شد و هم اکنون مشغول به نوشتن رساله سطح ۴ دروس حوزه علمیه قم تحت عنوان (ضمان قهری در فقه امامیه) می باشم و تحصیلات دانشگاهی را نیز در دانشگاه تهران و پردیس قم در رشته حقوق خصوصی ادامه داده و با گذراندن موفقیت آمیز امتحان جامع دکتری مشغول مطالعه موضوع رساله دکتری حقوق خصوصی می باشم . متذکر می گردد که اینجانب در چندین سال اخیر در دانشگاههای (پیام نور قم ، مفید قم ، مرکز جامعةالاسلامیه قم) مشغول به تدریس دروس دانشگاهی رشته حقوق در موضوعات حقوق مدنی ، حقوق تجارت ، متون فقه ، آیات الاحکام و اصول بوده و هستم و هم اکنون مسئولیت گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را نیز عهده دار می باشم.

حمیدی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالقاسم حمیدی

محل تولد : خشت فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۳/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب در تاریخ ۱۲/۳/۱۳۳۱ در محلی بنام خشت از توابع استان فارس در خانواده ای روحانی مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی و ابتدائی را در محل پشت سر گذاشته، دوران دبیرستان را در محل دیگر که تا زادگاهم ۱۰ کیلو متر فاصله داشت با دوچرخه تا سیکل به اتمام رساندم. در خرداد ماه ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شدم(به لحاظ اینکه اجداد و پدرم همه روحانی بوند) مقدمات را نزد اساتیدی مربوطه خصوصا جناب آقای فلاح زاده فرا گرفتم- شرح لمعه را نزد سرور مکرم جناب آقای علوی

گرگانی و موسوی تبریزی تلمذ نموده – قوانین خدمت جناب آقای دوز دوزانی بودم.
رسائل مرحوم شیخ انصاری را از محضر استاد اعتمادی بهره بردم. مکاسب را نزد حضرات آقایان موسوی تبریزی و ستوده فرا گرفتم. کفایه را نزد آقایان ستوده و سید علی محقق داماد بهره مند شدم. تا زمان در س خارج از محضر همه آیات عظام گلپایگانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی استفاده فراوان بردم. شرح منظومه را خدمت آقای محمد گیلانی و اسفار را در محضر مرحوم سید رضا صدر و حسن زاده آملی و انصاری شیرازی فرا گرفتم.
تا قبل از انقلاب بر حسب وظیفه در ایام تبلیغ (رمضان، محرم،صفر) به امر خطیر تبلیغ مشغول بودم. دوران انقلاب بر حسب وظیفه به توزیع اعلامیه، رساله حضرت امام و شرکت در راهپیمایی و.... سرگرم بودم. بعد از پیروزی انقلاب در سمت های مختلف انجام وظیفه می نمودم: مدت ۱۵ سال در سمت امام جمعه، مدت ۶ سال به عنوان نماینده امام در جهاد سازندگی شهرستان کازرون فارس، مدت ۶ سال در دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور میمه و وزران از توابع اصفهان تدریس می نمودم (ضمناً در همین سنوات مسؤلیت امامت جمعه و مسؤلیت دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد میمه را به عهده داشتم).
در دوران دفاع مقدس جمعاً ۵ سال و اندی در جبهه های جنگ حضور داشتم. مدت سیزده سال مدیریت و تدریس در حوزه های علمیه کازرون، اندیمشک، فارسان را به عهده گرفته بودم. همه اینها وقتی لذت بخش و خوب است که مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار گرفته و معصومین علیهم السلام راضی و خشنود باشند از ما و اعمال ما فعلاً هم در مدیریت (حوزه علمیه) به عنوان ناظر و بازرس و مدیریت مدرسه خوابگاهی امام حسین علیه السلام مشغول انجام وظیفه هستم. در حوزه علمیه قم هم مشغول تدرّیس و تحصیل هستم.

حیدرپور، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد حیدر پور

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد حیدر پور در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را نزد اساتید مانند آقایان مدرس افغانی، صالحی افغانی، مهدی زاده ، اعتمادی،وجدانی فخر و استاد پایانی به پایان رساندم. سپس در درس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، سبحانی،جوادی آملی تلمذ نمودم. به دلیل علاقه شدید به علوم عقلی و به ویژه فلسفه در رشته تخصصی کلام و فلسفه حوزه شرکت نمودم و در سال ۱۳۷۶ دوره را به پایان رساندم. در دروس فلسفه استاد فیاضی حضور مستمر داشتم و در سال ۱۳۷۸ در مدرسه معصومیه مشغول به تدریس عقاید شدم و از آن هنگام تاکنون به صورت مستمر به تدریس کلام و فلسفه مشغول هستم. در سال ۱۳۷۷ با مرکز دایرهٔ المعارف علوم عقلی شروع به همکاری کردم و از آن زمان تاکنون مشغول تحقیق در کلام و فلسفه

اسلامی هستم.ضمناً در سال ۱۳۸۰ از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاها اجازه تدریس اخذ کرده ام .

حیدری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس حیدری بهنوثیه

محل تولد : شهر بابک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

عباس حیدری بهنوثیه در سال ۱۳۴۴ در یکی از شهر های تابع استان کرمان ، به نام شهر بابک متولد شده پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شد . دوره مقدمات و سطح حوزه را طی کرده و مدت دوازده سال درس خارج فقه و اصول را گذرانـده است. اساتید او در فقه و اصول عبارتند از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله سید محمد رضا مدرسی مشار الیه همزمان با فقه و اصول از مباحث فلسفی نیز بهره برده است ، منظومه سبزواری را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین دکتر پرنده غیبی و نهایهٔ الحکمهٔ را نزد آیت الله موسوی گرگانی گذرانده است مباحثی از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی تلمذ نموده است. همزمان با مباحث حوزوی ، زبان انگلیسی را تا سطح عالی آن فرا گرفته است. وی پس از شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۴ و به دست آوردن رتبه هفتاد و هفت ، همزمان در دو رشته پزشکی و علوم سیاسی (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شد اما تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی ادامه داد و اکنون دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه تهران و مشغول تدوین پایان نامه است.علاوه بر پایان نامه دکتری با عنوان «زبان، سیاست و دولت در عصر مشروطه» دو پایان نامه در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با عناوین «نظام سیاسی از دیدگاه فارابی» و «تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی» را تدوین و دفاع نموده است.

حیدری، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله حیدری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در رشته ادبی درتهران ، در کنکور شرکت نمودم و در رشته علوم تربیتی قبول شدم و تا دو سال در دانشکده علوم تربیتی پارس (در مجموعه دانشگاه علامه (ره) فعلی) تحصیل نمودم و با شناخت حوزه علمیه قم و درک ضرورت دروس حوزوی دانشگاه را ترک کردم اما مطالعات را در رشته علوم تربیتی و روانشناسی ادامه دادم . دروس مقدمات و سطح را در مدرسه رضویه و فیضیه و مسجد امام نزد اساتید محترم آقایان حبیبی ، مولوی نیا ، اشتهاردی ، سلطان محمدی ، گیلانی ، دکترضیایی ، مدرس افغانی ، کوه کمره ای ، مرحوم آیت الله ستوده ، گنجی ، مرحوم استاد علی صفایی حائری و درس خارج را نزد آیات عظام مکارم شیرازی ، نوری همدانی ، مازندرانی و تفسیر را نزد آیت الله جوادی آملی گذرانده ام .

کارهای تحقیقی و نوشتن کتاب و پاسخ به پرسش های کتبی و شفاهی در موسسه در راه حق و ارائه مقالات به مجلات و همکاری با مرکز فرهنگی وابسته به نهاد رهبری در دانشگاه ها ، تدریس در دانشگاه (دروس عمومی) و تبلیغات در مناسبت های مرسوم ، عمده اشتغالات اینجانب است .

عمده مطالعاتم در تفسیر ، حدیث ، ابعاد اخلاقی اجتماعی مکتب اصیل اسلام و تشیع و استخراج روش های کاربردی درمعارف و سازندگی اخلاقی می باشد .

حیدری، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد حیدری

محل تولد : نراق

شهرت : حیدری نراقی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمد حیدری درسال۱۳۳۱متولد شدم ودرسال۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه شدم .ازمحضر اساتیدی چون آیات عظام گلپایگانی ُ،تبریزیِ،مکارم وصانعی استفادها بردم علاوه بر تحصیل به تحقیق و تالیف پرداختم وکتابهایی را به رشته تحریر در آوردم چند سالی نیز به عنوان سرپرست بنیاد شهید وجهادسازندگی تفرش به ادای وظیفه مشغول بودم وهم اکنون با بازگشت به قم به تحصیل و تبلیغ و تالیف مشغول هستم .

حیدری، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی حیدری حسنی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام ابتدای و ورود به متوسطه در عراق شهر کربلا مقدس همزمان شروع به فراگیری علوم مقدماتی حوزه علمیه کربلا شده از سال ۱۳۴۸ ه ش تا سال ۱۳۵۹ ه ش که مشغول به علوم ادبیات عرب کتاب اجرومیه و شرح بنی عقیل و باب چهارم مغنی اللبسیب به ترتیب استاد شیخ مهدی شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند علوم فقهی رساله عملیه و شرار السلام به ترتیب استاد شیخ مهدی شریعت زاده و استاد شیخ احمد الشند و علم اخلاق اداب متعلمین خواجه نصیر الدین طوسی استاد سید عبد الرضا شهرستان و علم منطق مظفر استاد سید صادق شیرازی و علم هیئت شهید استاد سید محمد علی موسوی بحرانی و علم تفسیر جمع البیان استاد سید مرتضی قزوینی و علم ریاضی و اقتصاد شهید استاد محمد خیرالدین و علوم حدیث و نهج البلاغه و کتب اربعه صمام سته و علم خطابه مرحوم والد مکرم حاج سید محمد حسین حیدری و پس از دستگیری نظام حزب بعث عراق تبعیت پیروی از حضرت امام خمینی(قدس سره الشریف)و تبعید به جمهوری اسلامی ایران شروع به حضور و فراگیری از استاد مرحوم شیخ محمد تقی جعفری در علم منطق و فلسفه و نهج البلاغه از سال ۱۳۶۲– ۱۳۶۴ و از سال ۱۳۶۲ تا آخر سال ۱۳۶۴ مشغول به مشاوره و کارشناسی دفتر بررسی ارزشهای حاکم بر نظام اداری در سازمان امور اداری و استخدامی کشور بوده در موضوع مدیریت و کار و پرداخت در اسلام تدوین و تحقیق و نگارش و از سال ۱۳۶۵ وارد به حوزه علمیه قم شده و شروع به فراگیر علوم حوزی سطوح و سطوح عالیه و بحث خارج نموده و تا سال ۱۳۷۲ دروس سطوح و سطوح عالیه را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۳ شروع به حضور بحث خارج استاد حاج شیخ باقر ایروانی شده تا سال ۱۳۸۱ ه ش . و در سال ۱۳۷۷ شروع به تاسیس موسسه تحقیقاتی فرهنگی بضعهٔ المختار الحیاء تراث اهل البیت علیه اسلام نمود و با اخذ مجوز رسمی از اداره کل ارشاد و شورای عالی بر مراکز فرهنگی با شماره ثبت ۲۴۲ مشغول به فعالیتهای تحقیقاتی و فرهنگی نموده.

که بحمد الله والمنّد تا بحال سالیانه ده هزار جلد قرآن کریم و پنج هزار جلد مفتایح الجنان به صورت اهداء و رایگان در دست مومنان در داخل جمهوری اسلامی ایران و خارج از کشور توزیع شده .همچنان ده ها از کتابها تحقیق برخی از آنها به چاپ رسانده و برخی از آنها در دست اقدام می باشند.و همچنان مشغول بر تشکیل محافل قرآنی و دعایی و نهج البلاغه و عقائد و اخلاق و نقل احکام داخل و خارج از کشور و پاسخ گوی و حل اختلاف و اصلاح ذات البیع و تبلیغات می باشد.

خاتمی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد خاتمی

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۲/۱۸

زندگینامه علمی

سید احمد خاتمی در هجدهم اردیبهشت ۱۳۳۹ در سمنان متولد شد، پدرش مرحوم سید مهدی خاتمی انسانی متعهد و متدین بوده و در میان اقوام، معروف به تقوی و غیرت دینی بود وی در سال ۱۳۶۴ از دنیا رفت. ما در ایشان خانم طیبه سادات خاتمی، بانویی متدین، مؤمن و مأنوس با قرآن و ادعیه است و هم اکنون (آذر ۱۳۸۳) در قید حیات است. خاندان خاتمی از سادات معروف سمنان‌اند و جد اعلای آنان مرحوم سید هاشم همواره مورد علاقه و محبت مردم بوده که همچنان مردم ذکر خیر او را دارند. سید احمد خاتمی در سال ۱۳۵۱ تحصیل علوم حوزوی را در مدرسه علمیه صادقیه سمنان آغاز کرد و به مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را نزد اساتید آن حوزه به پایان برد و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم هجرت کرد و جهت استحکام بیشتر دروس اکثر درسهایی را که در حوزه سمنان خوانده بود نزد ادیب بزرگ مرحوم مدرس افغانی که به تازگی از نجف آمده بود، مجدداً تکرار کرد و سپس دروس سطح را از اساتید بزرگ حوزه همانند مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله اشتهاردی، آیت الله خزعلی، آیت الله بنی فضل و... به پایان برد و سپس در درس خارج حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، محمد فاضل لنکرانی، میرزا هاشم آملی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و... شرکت کرده و به مدّت هفده سال در درس خارج فقه و اصول این حضرات شرکت نمود.

در فلسفه و کلام از حضرات آیات: شیخ یحیی انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، جوادی آملی، ابراهیم امینی بهره برده است. در تفسیر از حضرت آیت الله مشکینی، آیت الله خزعلی بهره‌مند شده است و در درس نهج البلاغه از آیت الله حسین نوری همدانی بهره برده است او از درس فلسفی «شناخت» از محضر شهید آیت الله مطهری بهره‌مند شده است و در فن خطابه از محضر خطیب گرانقدر مرحوم حجهٔ السلام و المسلمین آقای شیخ محمد تقی فلسفی استفاده نموده است. تدریس وی از سال ۱۳۶۴، تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی شروع کرده است. اگر چه قبل از آن به طور خصوصی چند دوره کتب مقدمات (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مختصر المعانی و...) را تدریس کرده بود. تا کنون ۴ دوره معالم الاصول، ۷ دوره اصول الفقه، ۳ دوره شرح لمعه، ۲ دوره مکاسب، ۳ دوره رسائل و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول پنجمین دوره تدریس کفایهٔ الاصول است. وی مدت ده سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد، دوره اول تدریس خارج اصول را به اتمام رسانده و اینک (آذر ۱۳۸۳) مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول است و از کتابهای فقهی بخشهایی از کتاب قصاص و دیات و تقریبا تمام کتاب الحج را تدریس کرده و اینک اشتغال به تدریس خارج کتاب صلوهٔ دارد.

در این مدت صدها طلبه از محضر وی بهره‌مند شده و همچنان استفاده می‌کنند. وی در کنار تدریس علوم مصطلح حوزوی از سال ۱۳۶۵ به تدریس سیره پیامبر و امامان (آذر ۱۳۸۳) در روزهای تعطیل (پنج شنبه‌ها) رو آورد که در سال ۱۳۸۰ یکدوره از این دروس به پایان رسید و اینک سه سال است که پنج شنبه‌ها تفسیر زیارت جامعه را دنبال می‌کند. وی در سال ۱۳۶۷ به دستور برخی از بزرگان حوزه درس تفسیر شروع کرد و اینک شانزدهمین سال این درس است که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء، در مدرس امام مدرسه فیضیه دائر است و تا کنون تفسیر ۸ جزء قرآن به پایان رسیده (تفسیر جزء آخر و ۷ جزء اول) و اینک مشغول تفسیر هشتمین جزء قرآن کریم (سوره انعام) می‌باشند. تا کنون ۱۶۶۰ جلسه تفسیری داشته‌اند، درس تفسیر نهج البلاغه نیز در ایام تعطیل داشته‌اند که حدود دو سال است بحث موضوعی «امام علی (ع) و مخالفان حکومت» را از نگاه مولی در نهج البلاغه دنبال می‌کنند. خوشبختانه نوار کاست این درسها (گرچه نه به کیفیت عالی) موجود است. وی کار اصلی خود راتدریس دانسته و سخت علاقه‌مند

به آن است به گونه‌ای که در ایـام تحصـیل به هیـچ وجه کار دیگری را جای آن قرار نمی‌دهـد. در سـخنرانیهای وی هم قرآن و هم روایات و هم مسائل سیاسـی در حـد نیاز هست. وی در صـدا و سـیمای جمهوری اسـلامی تا کنون صدها برنامه اجراء کرده است و امت مسلمان ما استقبال خوبی از خطابه‌های وی داشته و دارند. سید احمد خاتمی به عنوان استاد راهنما و داور در رسالهٔ سطح چهار و سـطح سوّم حوزه و نیز به عنوان اسـتاد راهنما در مؤسـسه پژوهشی امام خمینی و دانشکده شهید محلاتی سپاه خدمت می‌کنند و تا کنون رسـاله متعـددی را در عرصه معـارف دینی، فعالیتهـای سیاسـی، راهنمایی و سامانـدهی کرده است. سـید احمـد خاتمی قبل از پیروزی انقلاب همگـام با رهبر کبیر انقلاب اسـلامی امام خمینی در ستیز با رژیم منحط پهلوی بود و با ایراد خطابه‌های حماس علیه آن رژیم سیاه نقش مفیدی در روشنگری مردم ایفاء کرد و بعد از پیروزی انقلاب عمده راهی را که برای خود برگزید کار فرهنگی بود که از طریق تـدریس ق، خطابه، تألیف آنرا دنبال کرد. وی موضع سیاسـی خود را" موضع ولایت فقیه "قرار داده است تا زمانی که امـام راحـل در قیـد حیـات بودنـد همراهی بـا آن امـام بزرگوار و اینک همراهی با مقام معظم رهبری مـدظله العالی وجهه همت اوست. وی در کنـار کـار فرهنگی در عرصه‌هایی که نیاز بوده است موضع‌گیری‌های مناسب سیاسـی داشـته که در روزنامه و جرائد کشور منعکس شـده است. او در طول۸ سال دفاع مقـدس در مواقع مورد نیاز در جبهه‌های حاضـر شده و به وظیفه خود عمل نموده است.سـید احمـد خاتمی هم اکنون عضو جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم، عضو کمیسـیون حوزه آن جامعه نماینـده مردم کرمان در مجلس خبرگـان رهبری، عضو هیـأت رئیسه مجلس خبرگـان، عضو هیـأت مـدیره مرکز تحقیقـات کـامپیوتری علوم اسـلامی، عضـو شورایعالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، عضو شورای سیاستگذاری فرهنگی آن مجمع می باشد.

خادم الذاکرین، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر خادم الذاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۴۱ متولد شدم و در شـش سالگی به دبستان و سپس راهنمایی و دبیرستان رفتم، در سال ۱۳۵۹ دیپلم تجربی گرفتم و وارد حوزه علمیه اصـفهان شـدم. در سال ۱۳۶۱ به قم آمـدم و تـا الان ۲۵ سـال است که در حوزه علمیه قم مشـغول به تحصـیل و تدریس و تالیف و تحقیق هسـتم. بیش از ۲۰ سال است که در مـدارس حوزه علمیه قم، مرکز جهانی و برخی دانشـگاه‌ها به تدریس مشغول هستم و نیز در ایام تبلیغ در داخل و خارج از کشور مشغول فعالیت هستم. به عنوان استاد راهنما، مشاور و داور پایان‌نامه‌های کارشناسـی و کارشناسـی ارشد در مرکز جهانی و شورای مدیریت حوزه علمیه قم مشـغول هسـتم. هم‌اکنون مشغول تدریس سطوح عالی (کفایه و مکاسب) در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی هستم.

خادم علیزاده، امیر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر خادم علیزاده

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در یکی از محلات قدیمی مرکز شهر دزفول چشم بدنیا گشودم. دوره ابتدایی را در مدرسه سپه دزفول سپری کردم.با آغاز دوره تحصیلی راهنمایی در دبیرستان جندی شاپور (۵۱ ـ ۱۳۵۰) دوره جدیدی از مطالعه کتب دینی را آغاز کردم.از سال ۱۳۵۲ با قبول سرپرستی جلسه قرائت قرآن مسجد امام جعفر صادق (ع) دزفول دوره جدیدی از زندگی علمی و اجتماعی خویش را آغاز نمودم.مطالعات دینی معمول آن روزگار روح تشنه مرا سیراب نمی کرد لذا از سال ۱۳۵۴ با هدف شناخت اسلام ناب محمدی (ص) آهنگ حوزه علمیه قم را نمودم که میسر نشد چون اشتغالات علمی و فعالیت های فرهنگی ـ مبارزاتی به شدت اوج گرفته بود و... بهار سال ۱۳۵۷ در اوج مبارزات متنوع بر علیه رژیم ستم شاهی گرفتار ساواک و سپس به زندان محکوم شدم در آنجا نیز بطور مخفیانه و ... جلساتی را با دوستان مذهبی ام داشتم .پس از آزادی از زندان در پاییز ۵۷ مرکز فعالیت دینی ام را به مسجد امام حسن عسکری (ع) منتقل کردم و به انتشار روزنامه کوثر (به طور مخفیانه) به کمک برخی از دوستان فداکار پرداختم .این روزنامه بطور مخفی در محافل فرهنگی، مساجد و دانشگاه ها منتشر می شد و از شهادت و جهاد و ... می گفت.پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک درسال ۵۸ و بعدا "فرهنگ و ادب در خرداد ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم.از سال ۶۱ رسما تدریس دروس حوزوی همچون جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، حاشیه ملا عبدالله، منطق مظفر، مغنی اللبیب، معالم، اصول مظفر، و... خدمت عزیزان طلاب آغاز کردم که تا سال ۶۹ با تدریس کتاب های شرح لمعه، رسائل و مکاسب ادامه یافت.سال ۶۸ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم و سال ۶۹ خارج فقه و اصول را آغاز کردم.در دوره سطح از اساتید بزرگواری همچون آقایان، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده و اشتهاردی و در مقطع خارج فقه و اصول از اساتید عالی مقامی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی و ... تا کنون بهره برده ام.از آبان ۶۵ تا اسفند ۶۹ در کنار تحصیل و تدریس در حوزه علمیه قم، برای مطالعه و تحقیق در واحد پژوهشی علوم قرآن وابسته به مکتب امیرالمومنین علیه السلام دعوت شدم.پس از تهیه و تدوین طرح جامع وحی از سال ۷۲ تا ۷۹ مدیریت واحد پژوهشی علوم قرآن را در دانشگاه مفید عهده دار بودم که علاوه بر مسئولیت ساماندهی فیش های انبوه علوم قرآنی و «برنامه نرم افزاری علوم قرآنی کاوش» مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر در آوردم.در سال ۶۹ مقطع کارشناسی اقتصاد نظری و سپس کارشناسی ارشد (۱۳۷۵) که درسال ۱۳۷۸ درمقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی از دانشگاه مفید فارغ التحصیل شدم. از سال ۷۰ تا ۷۹ به تدریس دروس معارف در دانشگاه های تهران مشغول بودم. از سال ۱۳۷۴ تا کنون به تدریس دروس تفسیر آیات اقتصادی در قرآن، مبانی علم اقتصاد، مبانی فقهی اقتصاد اسلام، روش تحقیق، پول و بانکداری، نظام اقتصادی صدر اسلام، مالیه عمومی، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و ... مشغول بوده ام.از مهر

۱۳۸۵ مشغول تحصیل در مقطع دکتری علوم اقتصادی در دانشگاه علامه طباطبائی شده ام.

خادمی کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خادمی کوشا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۵

زندگینامه علمی

کلیه تحصیلات قرآنی (پیش از دبستان) و ابتدائی و ... در شهر قم بود که با تشویق پدر که خود از صنف روحانیت می باشد به حوزه وارد شد . آغاز ورود به حوزه ۱۳۶۵ بود که از سال دوم آغاز به تدریس در موضوعات نحو و منطق نمود و در موضوعات متفرقه به مطالعه پرداخت.در ایام تابستان به همراه دوستان برخی از موضوعات درسی را آموزش دیده و از سال ۶۸ در درس لمعه استاد وجدانی فخر شرکت نمود و در کنار دروس حوزه اقدام به تحصیلات نیمه کاره مانده فرهنگی نموده و دیپلم را گرفت.از سال ۱۳۷۴ در درس خارج اساتید بزرگی چون استاد آیت الله تبریزی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم، فاضل شرکت نمود که بیشتر مدت را از درس استاد تبریزی استفاده نمود.

در سال ۷۳ و ۷۴ به صورت رسمی در برخی مراکز حوزه شروع به تدریس نموده و از سال ۷۶ تا کنون مشغول تدریس فقه و اصول در مدارس شهید صدوقی، معصومیه، آیت الله گلپایگانی، مدرسه خان، که از سال ۷۹ به تدریس سطوح عالی(رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول گردید.همزمان با درس و تدریس در حوزه مدتی نیز در مراکز آموزش عالی به تدریس مشغول گردید و در سال ۷۹ نیز برای آموزش زبان عربی در مرکز آموزش دفتر تبلیغات شرکت نمود و پس از این ایام در موضوعات علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق گذراند و در برخی مراکز قرآنی مانند مرکز تخصصی تفسیر، مدرسه عالی بنت الهدی، موسسه امام خمینی(ره) در رشته علوم قرآنی به تدریس پرداخت ولی همچنان در رشته فقه و اصول در حوزه علمیه به درس و تحقیق و تدریس ادامه داده و هم اکنون نیز به این مهم اشتغال دارد.با توجه به علاقه زیاد به خدمت در نشر فرهنگ اهل بیت(ع) در سال ۱۳۷۸ اقدام به نوشتن کتاب جوان در پرتو اهل بیت(ع) نمود که عمدتا برای روشنگری و جلوگیری از سودجویی برخی سیاست مداران از توانایی جوانان بود این کتاب به نام مشکلات ... تا سال ۱۳۸۰ چاپ نشد و پس از تحویل آن به بوستان کتاب با هزینه ناشر در سال ۸۲ از چاپ خارج گردید البته به غیر از این نوشتار برخی نوشتار دیگر همچنان چاپ نشده باقی است.

خالصی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر خالصی

محل تولد : قائن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نام من، محمد باقر، شهرتم خالصی، پدرم مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس، در شب جمعه ۱۹ شوال سال ۱۳۶۱ مطابق با آبان سال ۱۳۲۱ در روستای بیهود از توابع شهرستان قائن که در جنوب خراسان قرار دارد، بدنیا آمدم. روستای نامبرده کوهستانی و از نظر آب و هوا معتدل ولی کم درآمد و مردم آن بزحمت می‌توانند مؤونه یعنی خرجی سال خود را بدست آورند پدرم پس از اتمام مقدمات ادبی و سطوح عالیه حوزوی در شهر قائن و سپس در مشهد چند سالی بقصد ادامه تحصیل در نجف سکونت کرد و از محضر علمای بزرگ آن زمان همچون آیه الله اصفهانی و آیه الله عراقی و آیه الله خوانساری و آیه الله غروی به تلمذ پرداخت و پس از اینکه مریض شد به دستور آیه الله اصفهانی بقصد معالجه به ایران مسافرت کرد و مدتی در تهران ماند و سپس به روستای بیهود آمد.

پدرم پس از ازدواج با مادرم به مشهد مهاجرت کرد و چند سالی در مشهد ساکن شد و در مسجدی در محله نوغان به امامت جماعت پرداخت. یادم هست که در سن ۶ سالگی مرا وادار کرد که نصاب الصبیان را بخوانم و به من دستور داد که قطعاتی از آن راحفظ کنم ولی در همان روز اول شروع بنصاب بخاطر اینکه مقدار معینی درس را خوب حفظ نکرده بودم مرا کتک زد پدرم بخاطر اموری که شرح آن طولانی است دو مرتبه بروستای بیهود برگشت و در این زمان بود که مرا به مدرسه دولتی فرستاد که دروس جدیده را فرا گیرم. من در یکسال چهار کلاس به فاصله چند ماه سپری کردم که شرح آن طولانی است. هنگامی که پدرم این مطلب را دید گفت: حیف است که بمدرسه دولتی بروی، در نزد خودم دروس حوزوی بخوان و مرا وادار کرد که امثله و شرح آن را نزد وی شروع کنم و پس از شروع به جامع المقدمات در سن هشت سالگی در همان روستا مرا معمم کرد. و پر واضح است که بچه‌ای در سن من با عمامه و قبا در بین مردم روستا چقدر مورد مسخره قرار می‌گرفت خصوصا که با همان عمامه و قبا با بچه‌ها بازی هم بکند. در هر حال در سن ۱۳ چهارده سالگی مرا به خوره مشهد برد. و در مدرسه ابدالخان اسکان داده در سال‌های اول تحصیل بخاطر استعداد ذاتی و ساده انگاشتن مطالب علمی چندان در بحث و مطالعه که لازمه درک عمیق علم است اهمیت نمی دادم ولی آنچه که مرا از این روش باز گرداند و بطرف جدیت و زحمت سوق داد درس استاد علامه مرحوم ادیب نیشابوری قدس سره بود. ادیب شخصی موقر و مسلط بر مطالب علمی بویژه مطالب ادبی بود.

خلاصه تدریس استادانه و شیرین جلوه دادن علم و دانش و علاوه بر آن تحقیق و توضیح و تبیین مطالب علمی، مرا دگرگون کرد. در سال ۱۳۴۰ پدرم مرا به قم آورد و در مدرسه فیضیه اسکان داد من در قم رسائل و مکاسب را خواندم و پس از خواندن مقداری از کفایه به همراهی یکی از دوستان که از قبل در نجف ساکن بود به نجف رفتم که این قصه بسیار جالب و تفصیل شنیدنی دارد که این مختصر جای بیان آن نیست در نجف پس از اتمام کفایه پا به درس خارج فقه و اصول گذاشتم و توفیق حضور درس محقق و علامه بزرگ استاد الفقها آیه الله سید ابوالقاسم خوئی را پیدا کردم و علاوه بر]آن[درسهای دیگری را شروع کردم که دارای تفصیل است. در نجف که بودم بخصوص قبل از تاهل بسیار موفق و اوقات مستغرقی داشتم و شبانه روز یا در درس و یا تدریس و یا نوشتن و یا مطالعه می‌گذشت و می‌توانم بگویم بهترین اوقات عمرم زمان سکونتم در نجف بود افکارم یا در تحصیل و تحقیق و

یا در عبادت سپری می‌شد ولی این شادی و توفیق با اصرار پدرم به مهاجرت به ایران به آخر رسید زیرا مهاجرتم به ایران و در آخر سکونتم در قم مسیر زندگی و برنامه اشتغالات مرا در حدی تغییر داد که این نیز خود جریان مفصلی دارد. مطلبی که در زمان سکونتم در نجف پیش آمد ورود مرحوم امام خمینی رحمه الله علیه به نجف بود. شنیدم که ایشان با مرحوم آقا مصطفی وارد بغداد شده‌اند و از آنجا بکاظمین رفته‌اند و من سعی و کوشش کردم که همراه یکی از دوستان اولین ماشین از طلاب ایرانی را راه انداختیم و به دیدار ایشان به کاظمین رفتیم و این امر نیز جریان مفصل و شنیدنی دارد.

گفتم پدرم اصرار ورزید که من از نجف به ایران و به محل سکونت ایشان یعنی سرایان بروم ولی من از این امر جدا "اکراه داشتم ولی بر اثر اصرار و ابرام ایشان پذیرفتم که به ایران بیایم ولی سکونت در سرایان را نپذیرفتم و از ایشان خواهش کردم که محل سکونتم در ایران را به خودم واگذارد باز اصرار کرد که در مشهد ساکن شوم ولی من به جهاتی که جای ذکر آن نیست قم را اختیار کردم و از سال ۱۳۵۰ در قم ساکن شدم و در قم علاوه بر اشتغالات علمی برنامه تبلیغ و منبر و سخنرانی نیز پیش آمد که آنهم به برنامه‌هایم افزوده شد که این نیز شرح مفصلی دارد. در ابتدای امر تصمیم گرفتم که بدرس دو نفر که آن زمان در قم شاخص و مورد قبول بودند مدتی حاضر شوم تا اگر حضور در درس آنها بیشتر از تحقیق و بررسی خودم استفاده داشته باشد ازآن استفاده کنم و آن دو نفرآیه الله گلپایگانی و شریعتمدای بودند. البته اولی خارج حج و دومی خارج مکاسب تدریس می‌کردند. ولی پس از یکسال درس‌های آند ورا ترک کردم و بتحقیق و بررسی فقهی و اصولی شخصی ادامه دادم و در ضمن به تدریس مکاسب و رسائل و برهه‌ای هم کفایه و برهه‌ای هم خارج اصول در منزل پرداختم که حاصل تدریس اخیر قاعده لاـ ضرر و استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید شد که قاعده لاضرر بنام رفیع الغرر عن قاعده لا ضرر به چاپ رسید ولی سایر مباحث تا بحال با اینکه آماده چاپ است چاپ نشده ولی تدرس بخاطر پیش آمدن مریضی پدرم و سپس فوت ایشان و پی‌آمدهای رنج آور و بی حد ناگوار آن به تعویق افتاد و سپس تعطیل شد. امیدوارم خداوند توفیق عنایت فرماید تا دوباره شروع شود.

خان صنمی، شعبانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شعبانعلی خان صنمی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

تقریبا هفده ساله بودم که با ترک دبیرستان وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدماتی را ابتدا در مدرسه آیه الله گلپایگانی و سپس در مدرسه حقانی و بالاخره در مدرسه رسالت تا پایان لمعتین فرا گرفتم رسایل را نزد آقای اعتمادی و کفایه و مکاسب را نزد آقای ستوده و مقداری نیز آقای دوز دوزانی به پایان بردم.حلقات اصول الفقه، شهید صدر، به اضافه بخشهایی از شرح نهج البلاغه (جلد اول ۱۳ و ۱۴) و بحار الانوار(کتاب العشره) را به عنوان متون عربی نزد شاگرد آن مرحوم، استاد سید مهدی نبوی- دام ظله-

آموختم.از دروس خارج، قسمتهایی از فقه و اصول را در محضر حضرات آیات، فاضل، وحید و روحانی، میرزا جواد آقا تبریزی...حاضر شدم اما بیشترین استفاده را که سالها به طول انجامید از درس فقه و اصول آیه الله کوکبی داشته ام، شاید یک دوره کامل از درس اصول ایشان را درک کرده باشم.

آثار علمی :

کتاب علمی مشاهدات امیر مؤمنان (ع) در ۲ جلد توسط نشر الهادی در سال ۷۳ به چاپ رسید، کتاب علمی خاطرات امیر مؤمنان(ع) در واقع همان کتاب قبلی است که با اضافات و تغییراتی در یک مجلد توسط دفتر تبلیغات (بوستان کتاب) چاپ شد که امسال پنجمین چاپ آن منتشر شد.

کتاب علمی خاطرات امام صادق(ع) که در آستانه چاپ است.کتاب دیگر که در واقع رساله دکترا با عنوان، پدیدهٔ حصر مذاهب اربعه ی زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد، واحد فقه و حقوق در حال تکمیل و آماده دفاع می باشد.در سال ۷۸ به فعالیت در بخش های آموزشی پژوهشی دانشگاه دعوت شدم اما به دلیل این که ملبّس نبودم نتوانستم از مدارک رسمی حوزه که منوط به پوشیدن لباس بود، استفاده کنم. از این رو برای تهیه مدارک لازم از طریق خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، ابتدا در سطح مربی شرکت کرده پذیرفته شدم و با این مدرک عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم شدم. و پس از گذشت ۳ سال مجددا در امتحانات تخصصی خبرگان، در مرتبه استاد یاری قبول شدم. و در حال حاضر بیش از یکسال است که در حال نوشتن پایان نامه فوق الذکر هستم.

خانجانی، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم خانجانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه چیذر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال ۱۳۷۱ در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال ۱۳۷۲ درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال ۱۳۷۲ همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می دهم.

خائفی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله خائفی

محل تولد : بندرانزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱۱/۱۴

زندگینامه علمی

معظم له در یک خانواده مذهبی و متدین و زاهد که با گذشت چند دهه هنوز زبانزد خاص و عام می باشد در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۹ شمسی در شهرستان بندر انزلی دیده به جهان گشود. دوران طفولیت و کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادری والامقام و وارسته و پرهیزگار سپری نموده و با فرا رسیدن به سن مدرسه تحصیلات ابتدائی و مقداری از دوره متوسطه را در همان شهر سپری نموده بود که بخاطر علاقه فراوان به تحصیل علوم اسلامی و تشویق پدر بزرگوارشان در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شد و پس از پایان رساندن دوره مقدماتی علوم حوزوی برای کسب مقامات بالاتر عازم حوزه مقدسه قم شده و با تمام کردن دوره سطح از محضر اساتید بنام وقت در درس خارج فقه و اصول مرجع عالیقدر حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی (رحمهٔالله علیه) حاضر شده و بهره های فراوان برده ولی عطش درونی ایشان معظم له را در سال ۱۳۴۳ همراه با تبعید پیر و مرادش امام خمینی (ره) به نجف اشرف کشاند که از جمله اولین کسانی بود که برای استقبال امام از نجف به کاظمین آمده بودند. در نجف اشرف از محضر اساتید والامقامی همچون آیهٔ الله العظمی خوئی (ره) به مدت ۲۷ سال، مگر یک روز که آن هم علتی داشت. و به صورت مکاتبه ائی از حضرت آیهٔالله العظمی سید عبدالاعلی سبزواری(قدس الله اسرارهم) بهره های فراوان نموده که در همان دوران اول به مقام اجتهاد نائل گشتند که در آذر ماه سال ۱۳۷۰ شمسی به وطن عزیز و اسلامی ایران برگشتند و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند و در طول این سالها طلاب و فضلای زیادی از کشورهای مختلف عربی از درس خارج فقه و اصول عربی ایشان و همچنین دوستان زیادی نیز از بحث خارج فقه فارسی ایشان که هنوز هم بحث خارج بیع ایشان در مدرس امام فیضیه و بحث اجتهاد و تقلید معظم له که در دفتر ایشان ادامه دارد و مخصوصا از سیره زاهدانه عملی ایشان بهره مند هستند. لازم به ذکر است که حضرت ایشان در تمامی دوران زندگی و طول عمر شریفشان در حال تحصیل و تدریس بوده و هستند که نتیجه آن تحقیقات گسترده ایشان خصوصا در فقه و اصول بصورت متن و حاشیه و تقریرات موجود می باشد که بخشی از آن به زیور طبع آراسته شده و بخش دیگر آماده چاپ و بسیاری بصورت دست نوشته و جزوات موجود است. کتابهای راهنمای ارث و سیستم قضائی اسلام در سال های ۴۳ و ۴۲ چاپ شده و کتاب ارزشمند "بحوث فی ولایهٔ الفقیه "در سال ۱۳۷۸ در اختیار اهل علم قرار گرفته است. همچنین خاطراتی از استاد خود مرحوم امام (ره) به زبان عربی توسط انتشارات کوثر به زیور طبع آراسته گردیده است. جواب با ذکر ادله بر استفتا ئات مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ایشان آماده برای چاپ گردید". الربا و تحلیله با لحیل اشرعیه "و شرح بر رسائل ثلاث و حاشیه بر رساله مناسک حج و ... موجود است که انشاءالله جامعه علمی از آن بهره مند خواهند شد. فعالیتهای تدریسی استاد در طول تحصیل

تـا‌کنون ادامه داشـته که در طی سپری شـدن هر مرحله ای از درس مراحـل پـائین را تـدریس می نمودنـد که از جمله آنهـا تـدریس کتابهای سیوطی، معالم، شـرح لمعه و مکاسب و کفایتین و الان درس خارج می باشد که الحمدلله طلاب و فضلائی اکنون از سفره علمی ایشان متنعم هستند.

خرازی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن خرازی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصـفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سـجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسـیده است. آیت‌الله سـید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهـد قرار گرفت. او که در مسـجد امین الـدوله تهران ونیز در مسـجد جـامع تهران نماز می گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تـأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگـذشت او، اسـتاد خرازی به بازار تهران رفت و مـدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بـازار را رهـا کرد و به حـوزهٔ درسـی آیت‌الله مجتهـدی پـای نهـاد و بسـیار مورد عنـایت و علاـقه او قرار گرفت. بـا فراگیری دروس مقدماتی، عزم سـفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضـر اسـتادان مبرّز و برجسـته آن حوزه، تحصـیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشـهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا اسـتادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمـد و بـا او در یک جا سـکونت گزیـد و به تحصـیل پرداخت. در قم باقیمانـدهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانیـد و سـپس به فراگیری دروس دورهٔ سـطح در زمینه‌هـای فقه و اصول، فلسـفه و کلاـم پرداخت و از سـال ۱۳۴۱ به بعـد، به درس خـارج بزرگان و آیـات عظـام مشـرف شـد. در طی این سالهـا از دروس اخلاـق اسـتادان مهـذّب و بـاتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصـیل خود، محضـر اسـتادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شـیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقـدمات را نزد آیـت‌الله فشـارکی آمـوخت و در درس شـرح لمعه آیت‌الله شـیخ محمـد تقی سـتوده شـرکت می کرد. رسائـل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایهٔ الاصول را نزد آقایـان آیت‌الله حـاج سـید محمـد بـاقر سـلطانی و حـاج شـیخ محمـد شاه‌آبادی و حاج شـیخ علی تنکابنی فلسـفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسـفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به

بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزهٔ همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدهٔ حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خراسانی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدباقر خراسانی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهرستان دامغان در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم. پدرم از فعالان قبل از انقلاب که بعد از انقلاب هم در فعالیت‌های جمعی حضوری فعال داشت. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در دامغان گذراندم که البته غالباً در مقاطع تحصیلی از شاگردان ممتاز محسوب می‌شدم. سال ۶۷ وارد حوزه علمیه که ۶ سال در حوزه علمیه دامغان مشغول به تحصیل بودم و از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. که پایه‌های تحصیلی به اتمام رسید و قریب ده سال در درس خارج حضرات آقایان مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی(ره)، نوری همدانی، سبحانی و لاریجانی حاضر و استفاده بردم. سال ۷۹ در رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) مشغول به تحصیل شدم که از همان ابتداء انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه را به اتفاق جمعی از دوستان راه‌اندازی نمودیم. که بعد از مدتی با فعال شدن سایر انجمن‌های علمی به عنوان دبیر انجمن‌های علمی دانشگاه انتخاب که در همین راستا طرح برگزاری همایش نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و دبیرخانه طلبه دانشجویی نهضت نرم‌افزاری پایه‌گذاری گردید. چندین سال به عنوان مسئول دبیرخانه و طرح و برنامه ستاد کنگره شهدای روحانی سراسر کشور مشغول به فعالیت بودم که در کنار این فعالیت‌ها از تبلیغ و تدریس در مناطق مختلف نیز غافل نبودم. در حال حاضر از محققین مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی هستم که با فعال شدن مجمع عالی حکمت اسلامی به عنوان مدیر اجرایی مجمع انتخاب شدم. در حین فعالیت در دانشگاه دو ماهنامه علمی دانشجویی نسل بعد را راه‌اندازی نمودیم و در خلال برگزاری یادواره‌ها، نشریه خبری اجتماعی دیگری نیز راه اندازی گردید. در حال حاضر مجوز تدریس درس انقلاب اسلامی و ریشه‌ها از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه صادر که به علت دور بودن مراکز آموزشی مورد پذیرش اینجانب تاکنون واقع نشده است. در حال حاضر علاوه بر فعالیت‌های اجرایی به امور پژوهش و تحقیق به ویژه در حوزه علوم قرآنی مشغول می‌باشم.

خرقی آرانی، حسن آقا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن آقا خرقی آرانی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ـ اخذ دیپلم تجربی سال ۱۳۶۰ آران و بیدگل. -ورود به حوزه ۱۳۶۰ اتمام سطح ۱۳۶۸ کاشان. ـ ورود به سطح ۱۳۶۸ و شروع درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی اصول آیت الله وحید خراسانی. ـ ورود به دانشگاه دولتی رشته فلسفه ۱۳۷۳ اتمام ۱۳۷۷. ـ ورود به دانشگاه رشته فلسفه غرب ۱۳۷۷ اتمام ۱۳۸۰ـ سیزده سال سابقه و حضور در درس خارج فقه و اصول در قم. ـ سابقه ۱۲ سال تدریس در دانشگاه‌های متعدد. ـ سابقه پنج سال تدریس در حوزه در مقاطع متعدد. ـ دارای دو اثر چاپ شده. ـ دارای سه اثر چاپ نشده. ـ صاحب ده‌ها مقاله علمی. ـ صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه دو هفته‌نامه ظهور. ـ دارای دو مجوز اخلاق اسلامی و اندیشه اسلامی (معارف) از نهاد رهبری. ـ صاحب مقالاتی چند در نشریات معتبر کشور.

ـ دفاع از پایان‌نامه علمی فلسفی ۱۳۸۰ با ترجمه کتاب انگلیسی پوتنام جنبه‌ها و جمله‌هایی چند از رئالیسم با تفسیر و شرح. ـ جلسات تفسیر قرآن به طور مرتب. ـ حضور در جلسات فرهنگی و ادبی و ارائه مقاله و سخنرانی و غیره... .

خزائلی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس

حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگو گیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت . طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که

رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزهٔ علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرهٔ المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹

مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعهٔ الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خلفی، مسلم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مسلم خلفی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خود (روستای خمر سفلی از توابع الیگودرز) به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه به شهرستان ازنا رفت. در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه امام صادق (ع) شهرستان ازنا وارد و همزمان چهارسال دوره متوسطه را به صورت متفرقه و غیر حضوری در رشته ادبیات گذرانده و در سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ دیپلم گردیده. در این مدت دروس مقدماتی حوزه علمیه مانند جامع المقدمات، سیوطی، معالم، مغنی، مختصر، حاشیه، منطق، مظفر، و نیز لمعه جلد اول را در محضر استاد مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین وحیدی میان آبادی (ره) به اتمام رساند و پس از آن برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم.

همزمان با عزیمت به قم در دانشگاه علامه طباطبایی در رشته ادبیات عرب پذیرفته شده ولی از تحصیل در آن دانشگاه انصراف دادم. طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۷۰ باقی کتب دوره سطح را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خارج فقه و اصول نمودم. همزمان در درس تفسیر قرآن آیهٔالله جوادی آملی شرکت می نمودم. در درس خارج از محضر اساتیدی چون موسوی اردبیلی (۲سال)، فاضل لنکرانی (۵سال)، جوادی آملی (۶ سال)، یوسف صانعی (یک سال)، بهجت (یک سال)، وحید خراسانی (یک سال)، ابواب متعددی از فقه و اصول را به اتمام رسانده و پس از حضور مستمر حدود ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول به تحقیقات فردی پرداخته که این پژوهش همچنان ادامه دارد.

همزمان با ادامه تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه در سال ۱۳۷۱ از طریق کنکور سراسری سازمان سنجش و آموزش کل کشور در رشته حقوق پذیرفته و وارد دانشگاه مفید شدم. ازسال ۱۳۸۲ به عنوان معاون پژوهشی دفتر تحقیقاتی یاسین فعالیت نمود که حاصل آن تولید نرم افزارهایی چون: ضحی، نبأ، دایرهٔالمعارف احکام (طوبی)، صبا (آموزش قرآن برای کودکان)، طاها

(زندگی چهارده معصوم علیهم السلام)، کریمه (زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها) دبستان قرآن و ....بود. در سال ۱۳۸۲ با دانشگاه مفید به عنوان پژوهشگر حقوق همکاری نمودم که حاصل آن طرح (شبیه سازی انسان در پرتو فقه وحقوق) بود. در حال حاضر در رشته حقوق بین الملل در مقطع دکتری به تحصیل خود ادامه می دهد.

خلیفه شوشتری، نظرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نظرعلی خلیفه شوشتری

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نظرعلی خلیفه شوشتری معروف به محمد علی انصاری در سال ۱۳۳۰ هـ. ش مصادف با ۱۳۷۱ هـق در نجف اشرف بدنیا آمدم.جد أعلی مرحوم ملا نظر علی شوشتری، خلیفه شیخ انصاری (قدس) اقامه جماعت بوده. بنابراین حداقل ۲۰۰ سال است که آباء و اجداد من أهل علم بوده اند دوران ابتدائی تا دبیرستان را در نجف گذراندم. در سال ۱۳۵۱ هـش با دیگر اعضای خانواده (بر اثر کوچ اجباری نظام حاکم بر عراق) به ایران آمدیم و با اینکه در دانشگاه مشهد قبول شده بودم آنرا رها کردم و برای ادامه تحصیل به حوزه قم آمدم چون بنده از سال ۱۳۴۷ هـش مشغول تحصیل در حوزه و دبیرستان بودم.

در حدود سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۵ در بحث های خارج اساتید بزرگوارم آقایان: مرحوم شیخ کاظم تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی حفظهم الله تعالی شرکت نمودم.همزمان با درس و تدریس در کار تحقیق و تألیف به جهت علاقه شدیدی که داشتم مشغول بودم.

خلیلی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خلیلی

محل تولد : بهشهر

شهرت : خلیلی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در سن ۶ سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن ۱۸سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن ۱۹ سالگی(۱۳۶۵ شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیّه منتظریه (حقانی) سطح ۱ و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح ۲ شده و در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح ۳ را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی(گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصّی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حدّ نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلائلی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال ۱۳۷۲ هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح ۳ و سطح ۴ حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی(ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خمینی، روح‌اللّه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱(۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدهٔ التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به

اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

درسال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوانها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایهٔ الی الخلافهٔ والولایهٔ، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوهٔ (صلاهٔ العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوهٔ)، رسالهٔ لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایهٔ فی التعلیقهٔ علی الکفایهٔ، بدایع الدرر فی قاعدهٔ نفی الضرر، رسالهٔ الاستصحاب، رسالهٔ فی التعادل و التراجیع، رسالهٔ الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالهٔ فی الطلب و الارادهٔ، رسالهٔ فی التقیهٔ، رسالهٔ فی قاعدهٔ من ملک، رسالهٔ فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره، کتاب الطهارهٔ (چهار جلد)، تعلیقه علی العروهٔ الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقهٔ علی وسیلهٔ النجاهٔ، رسالهٔ نجاهٔالعباد)، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیهٔ)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوهٔ، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمهٔ (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰ -۱۳۷۵ ق.).

حضرت آیهٔ‌اللّه العظمی امام سید روح‌اللّه موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیهٔ‌اللّه سید مصطفی خمینی- در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیهٔ‌اللّه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیهٔ‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیهٔ‌اللّه حائری حضور یافت. پس از رحلت

مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیهٔالله شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.

در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیهٔالله مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوهٔ، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایهٔ (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ -۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّه حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده

بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[۱]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷ -۱۸۵)، الذریعه (۵۲ / ۲۲، ۱۲۳ / ۲۱، ۱۳ / ۱۸، ۶۹ / ۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷ - ۳۴۰ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵ -۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹ -۱۲ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲ -۲۳۱ / ۳).

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملا محمد اسماعیل خواجوئی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به " فاضل هندی "و ملا محمد تنکابنی مشهور به " فاضل سراب "تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجوئی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. دراین سالها (۱۱۳۴—۱۱۳۷) هـ ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه ، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجوئی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجوئی در فقه ، اصول، کلام، حکمت، ریاضی ، هیات و ادبیات ، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل های بعد انتقال داد.از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر "مفتاح الفلاح "در شرح دعای صباح"، جامع الشتات " ، " ابطال الزمان الموهوم "و"

حاشیه بر اربعین "شیخ بهائی را می توان نام برد". ملا محمد مهدی نراقی"، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس "و "ملا محراب گیلانی "مشهورترین شاگردان خواجوئی به شمار می روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال ۱۱۷۳ هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد.در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه ای بر سرمزار او بنیاد نهاده است.

خواجه بمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین خواجه بمی

محل تولد : بم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد حسین خواجه بمی در سال ۱۳۴۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بم دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه بم گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت، هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ادمه تحصیل در قم رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"احکام مربوط به گناه "دفاع کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل" چگونگی ظهور الهی "و "ایمان عملی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۶ -۱۲۷۱ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعیه و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمدمهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصراح فی الاحادیث الحسان و الصحاح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵۶/۴)، الذریعه (۲۳۸/۲۳، ۱۷۲/۳، ۱۱۷/۲، ۳۰۳/۱)، ریحانه (۱۸۹ -۱۸۷ /۲)، علماء معاصرین (۱۴۳ - ۱۳۹)، معجم المولفین (۹۰/۳).

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۱۲۵/۱۱۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی‌اش ملا- محمدباقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمدتقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزاری که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۵ ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۱ ق می‌دانند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی ۱۱۲۱». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول‌الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۳۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶/۵)، تذکره القبور (۲۳۸)، الذریعه (۴۴۰/۲۴، ۱۹۲/۱۳، ۸۲/۱۴،

۵۳/۶ ،۵۰۶ ،۱۲۲ /۴ ،۳۶۷/۱)، روضات الجنات (۲۱۰ -۲۰۸ /۲)، ریاض العلماء (۱۱/۷ ،۱۱۴/۱)، ریحانه (۵۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸ -۱۴۶ /۱۲)، فوائد الرضویه (۸۴ -۸۳)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (۳۸۳ -۳۸۱ /۲)، معجم المولفین (۲۵۵/۹ ،۱۵۴/۳)، هدیه الاحباب (۱۲۰)، هدیه العارفین (۳۲۱/۲).

خوانساری، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.

سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .

و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیهٔ الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیهٔ الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیهٔ الله نائینی ، آیهٔ اللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیهٔ الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ ونات آقای خوانساری را مانند علمای متاءخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها

در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیهٔ الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .

با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهای وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده ، آنجا با کشتی هایی به اسرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرایی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :

((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .

مرجعیت

آیـهٔ الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیهٔ الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیـهٔ الله حـائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی) آیهٔ الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیهٔ الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت و همچنین آیهٔ الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیـهٔ الله حائری بودنـد، برای تصـدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیـهٔ الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیـهٔ الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیهٔ الله صدر و آیهٔ الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیهٔ الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.

سالهای طولانی تدریس آیـهٔ الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی کـه نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیهٔ الله محمد علی اراکی و درس صلوهٔ که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .

نماز

نماز آیـهٔ الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیـهٔ الله سید احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واهمه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیـهٔ الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیـهٔ الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی

از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیهٔ الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیهٔ الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبپاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیهٔ الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجهٔ العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیهٔ الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیهٔ الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در

سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیهٔ الله خوانساری جای آمد و شد هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیهٔ الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیهٔ الله خوانساری همگام با آیهٔ الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیهٔ الله خوانساری با فریاد آیهٔ الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیهٔ الله خوانساری با آیهٔ الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیهٔ الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیهٔ الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیهٔ الله خوانساری با همراهانش آیهٔ الله اراکی ، آیهٔ الله آخوند ملاعلی همدانی ، آیهٔ الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیهٔ الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است . و چنین شد که رؤ یای آیهٔ الله بروجردی نیز تعبیر گشت . او در رؤ یای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیهٔ الله حائری قرار دارد.

خوشنویس، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر خوشنویس

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر خوشنویس (معروف به جعفر الهادی) سال ۱۳۲۵ در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد و به علت انتساب و ارتباط وی به خاندان دینی و علمی و تمایل شدیدی که به تحصیل و کسب علوم اسلامی داشت پس از طی چند سال در مکتبخانه و در مدارس رسمی به حوزه علمیه پیوست و دروسی را در سطح مقدمات (نحو و صرف و بلاغت) و مراحلی از علم کلام و تفسیر و فقه ، باب حادی عشر و مجمع البیان و تبصره علامه و عروه و شرایع الاسلام و لمعه و معالم و اصول و فن نگارش عربی به سبک معاصر را نزد اساتید معروف و مبرز حوزه گذراند.پس از ورود حضرت امام (قدس سره) به عراق و به دلایل سیاسی به لبنان رفته و حدود ۵ سال در بیروت به کارهای فرهنگی و تبلیغی از قبیل سخنرانی نگاشتن و نشر مقالات مذهبی در مجلات و روزنامه های اسلامی و شیعی از قبیل : العرفان و الحیاه (بین سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۳ هجری شمسی) پرداخت .

سپس بـه بحرین هجرت کرده و پس از مکث ۹ ماه در آن کشور که همراه با امامت جماعت و سخنرانی به عربی و فارسی در مجالس مذهبی و اجتماعی و نوشتن و نشر مقاله ، و ایراد سخنرانی هایی از طریق رادیوی منامه در مناسبتهای دینی شیعی بود به ایران آمد و در اواخر سال ۵۴ به حوزه علمیه قم وارد شد و در درس کفایه حضرت آیت الله سبحانی در مسجد فاطمی شرکت کرد و به مدت ۱۵ سال به فراگیری علوم مختلف در زمینه فقه ، اصول ، رجال ، درایه ، فلسفه ، علوم قرآنی و کلام تطبیقی و تلمذ نزد دانشمندان عالیقدر : فقید سعید ستوده (قدس سره) و موسوی تبریزی ، دوزدوزانی ، و فقید سعید حقی تبریزی پرداخت.درس خارج فقه و اصول را از محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) آیت الله العظمی تبریزی ، آیت الله العظمی وحید خراسانی ، آیت الله العظمی مکارم شیرازی ، آیت الله کوکبی ، آیت الله سبحانی استفاده نمود.

از اوائل ورود به حوزه شریف قم به تدریس پرداخت و به تعلیم زبان عربی ، فن نویسندگی معاصر ، خطابه در کنار فقه ، اصول ، عقائد و تاریخ اسلامی مشغول شد.ایشان به خاطر رغبت و علاقه ای که به نشر فرهنگ اسلامی علی الخصوص بین جوانان داشت به خطابه و ایراد سخنرانی در محافل و مجالس به زبان عربی و فارسی پرداخت و به مرور زمان یکی از فعالیتهای عمده وی تبلیغ از طریق منبر قرار گرفت.در همین راستا بر اثر دعوتهای مختلف به مناطق گوناگون در خود ایران و در دیگر کشورهایی مانند لبنان ، سوریه ، بحرین ، دبی ، شارجه ، چین ، مالزی ، سنگاپور ، سریلانکا ، تایلند ، ساحل العاج ، کرواسی ، مکررا سفر کرده و در میان مردم مختلف به سخنرانی پرداخت .به علت تسلط ایشان در دو زبان عربی و فارسی هم در عراق (پیش از حکومت منفور بعث) و قبل از هجرت از عراق و پیش از سالهای (۱۳۴۹-۱۳۵۴ ه.ش) از رادیوی سراسری عراق و همچنین در ایران (پس از انقلاب مبارک اسلامی) در کانال رادیویی ۱، ۲، ۳ فارسی و عربی سراسری و رادیوی قرآن و رادیوی محلی قم و اهواز و کیش و کردستان و سیستان و بلوچستان سخنرانی ، میزگرد و مصاحبه های متعددی در مسائل گوناگون اسلامی و اجتماعی داشته ، همچنین نظیر این برنامه ها از تلویزیون المنار حزب الله لبنان از وی پخش شده است.تدریس در دانشکده شهید محلاتی سپاه قم به مدت چهار سال و مدتی در دانشگاه شریف صنعتی تهران و جامعهٔ الزهراء قم و موسسه مذاهب اسلامی نیز داشته اند. از همان آغاز جوانی بر اساس علاقه به نویسندگی به نوشتن و نشر کتاب و مقاله هایی به دو زبان عربی و فارسی در مجلات گوناگون داخلی و خارجی همچون : القرآن یهدی ، ذکریات المعصومین ، نداء الاسلام ، منابع الثقافه الاسلامیه (عراق) و المواقف (بحرین) رساله القرآن ، پیام قرآن ، پرسمان (قم) و البصائر و رساله الحسین و میقات الحج (ایران) و الشهید (لندن) و دعوهٔ الحق (مغرب) المرشد (سوریه و لبنان) پرداخت. وی عضو هیئت علمی مقام معظم رهبری و جامعه اهل البیت العالمیهٔ و دبیر کمیته تبلیغ و معارف مدارج علمی حوزه است و اینک مدیر مرکز تخصصی آموزشی علوم حدیث (درخیابان معلم) وابسته به حوزه علمیه قم می باشد.

خویی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ ق– ۱۳۷۱ ش)، مجتهد، فقیه، اصولی، مفسر، مدرس و مرجع بزرگ شیعه. آیت‌اللَّه خویی در خوی متولد شد. در سال ۱۳۳۰ به نجف رفت و پس از تحصیل علوم ادبی و منطق و اصول فقه و کلام و فلسفه، بحث عالی خارج را نزد مجتهدان بزرگی چون آیت‌اللَّه شیخ الشریعه‌ی اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی، شیخ محمد حسین نایینی، شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌اللَّه سید حسن بادکوبه‌ای، فراگرفت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. آیت‌اللَّه خویی مدتی در مسجد الخضراء نزدیک حرم امیرالمومنین (ع) به تدریس بحث خارج «مکاسب» شیخ انصاری، کتاب «صلاه» و بحث خارج «عروه»، و همچنین تفسیر قرآن پرداخت. در حوزه‌ی درس ایشان هزاران شاگرد تربیت یافتند که هر یک به عنوان مرجعی در سراسر بلاد اسلامی منتشرند. در عراق درگذشت و در نجف دفن شد. او تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارت است از: «اجود التقریرات»؛ «الامر بین الامرین»؛ «البیان فی تفسیر القرآن»؛ «التنبیه علی حکم اللباس المشکوک علیه»؛ «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»؛ «مدارک العروه»؛ «الدراسات فی الاصول»؛ «مصباح الفقاهه»؛ «تکمله منهاج الصالحین»؛ «مبانی تکمله‌ی منهاج الصالحین»؛ «تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین»؛ «مستحدثات المسائل»؛ «منتخب الرسائل»؛ «مناسک الحج»؛ «المسائل المنتخبه»؛ «فقه القرآن علی المذاهب الخمس»؛ «المحاضرات فی الفقه الجعفری»؛ «معجم رجال الحدیث» در بیست و سه جلد و برخی کتب دیگر که هنوز طبع نشده.[۱]

فقیه مرجع مدرس.

تولد: ۱۵(۱۲۷۸ رجب ۱۳۱۷ ق.)، خوی.

درگذشت: ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، کوفه.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی‌اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ق. به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین اصفهانی، آیت‌الله محمدحسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی، آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازه آیت‌الله محمدحسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج مکاسب آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب صلاۀ و بحث خارج عروۀ از سید محمدکاظم یزدی از کتاب طهارت وبعدها نیز به تفسیر قرآن کریم پرداخت.

از جمله آیار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: البیان فی تفسیر القرآن؛ اجود التقریرات (دو جلد)؛ تکمله منهاج الصالحین؛ مبانی تکمله منهاج الصالحین (دو جلد) المسائل منتخبه، مستحدثات المسائل؛ تعلیقه علی العروۀ الوثقی؛ رسالۀ فی اللباس

المشکوک؛ نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز؛ منتخب الرسائل؛ تعلیقه علی المسائل الفقیه؛ منتخب توضیح المسائل؛ تلخیص المنتخب؛ مناسک الحج (به عربی و نیز به فارسی)؛ تعلیقه المنهج الاحکام الحج؛ معجم رجال الحدیث (بیست و سه جلد).
تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح العروهٔ الوثقی، شش جلد در علم و فقه، دروس فی فقه الشیعه چهار جلد در علم فقه، مستند العروهٔ سه جلد در علم فقه، فقه العترهٔ، دو جلد در علم فقه، تحریر العروهٔ یک جلد در علم فقه، مصباح الفقاهه، سه جلد در علم فقه، محاضرات فی الفقه الجعفری، دو جلد در علم فقه، الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی، یک جلد در علم فقه، محاضرات فی اصول الفقه، پنج جلد در علم اصول، مصباح الاصول، دو جلد در علم اصول؛ مبانی الاستنباط، دو جلد در علم اصول؛ دراسات فی الاصول، مصابیح الاصول یک جلد در علم اصول، جواهر الاصول، یک جلد در علم اصول؛ الامر بین الامرین، یک جلد در علم اصول؛ الرأی السدید فی الاجتهاد و التقلید، یک جلد در علم فقه؛ رسالهٔ فی التحقیق الکر، یک جلد در علم فقه؛ رسالهٔ فی حکم اوانی الذهب، یک جلد در علم فقه.
از کتاب‌های طبع نشده وی میتوان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: اضاءٔالقلوب؛ فقه القرآن علی المذاهب الخمس؛ فهرست جامع الشتات؛ ازالهٔ المحاده عن ملک المنافع المتضادهٔ؛ آثارهٔ العقول؛ قاعدهٔ التحاوز؛ تعارض.
آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن‌النفیس بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد ۱۳۷۱ (مطابق با هشتم صفر ۱۴۱۳ ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یک شنبه در نجف اشرف تشییع شد و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.
منابع: معجم رجال الحدیث، جلد ۲۲، ص. ۱۷. آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان فرهنگی س. ۹ ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۵۵. «چهره درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش. ۱۴۵۷۵(۲۵ شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۱۸ ص. گنجینه دانشمندان، جلد پنجم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۵ –۶۴ مجلس نشین قدس، یادوراه پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبائی/ شعر دوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سدی حسین موسوی تبریزی گنجنیه دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۹ –۳.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۶، ص ۵۵)، مولفین کتب چاپی (۲۴۲ – ۲۴۰ /۱).

خوئی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال ۱۳۶۴ قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.
آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال ۱۳۳۰ با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه

تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگنان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می‌نمودند.

از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می‌کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می‌شدند.

مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خیراللهی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد خیراللهی حسین آبادی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۲

زندگینامه علمی

در تاریخ ۲۶/۴/۱۳۳۱ در خانواده ای ساده بدنیا آمده ام تحصیلات ابتدائی و دبیرستان در اصفهان دروس حوزوی را در قم آغاز کردم. در زمان جنگ ۳۰ ماه در جبهه ها حضور داشتم پس از آن به منطقه سیستان و بلوچستان رفتم دروس دانشگاهی را تا فوق لیسانس خواندم دارای همسر و چهار فرزند می باشم عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و علوم پزشکی زاهدان بودم .

هم اکنون معاونت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان مشغول تدریس می باشم. و در مراکز دانشگاهی علوم پزشکی اصفهان ، دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه سپهر ، دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه علمی کاربردی مشغول هستم . صبحها و شبها در مسجد حضرت صاحب الامر اقامه جماعت و منبر و درس تفسیر و درس نهج البلاغه را با همکاری با نیروی قضائی در بخش حفاظت اجتماعی دارم که امید است همه این فعالیتهای مرضی پروردگار قرار گیرد.

خیری، یوسف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یوسف خیری

محل تولد : میاندوآب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۹ وارد حوزه بناب شدم در سال ۷۳ شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ التصیل شدم و تا سال ۷۵ سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم . همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال ۸۶) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.

ضمنا از سال ۸۷ وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه ننوشتم.درسال ۸۴ پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم.ضمنا فعلا در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

داداش زاده، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا داداش زاده

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر پس از اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیّه شده و از آنجا که با ادبیات عرب تا حد زیادی آشنایی داشته ، از این رو در مدّت کوتاهی ادبیات عرب در حوزه را به پایان رسانده و تا سال ۱۳۷۰ دوره سطح را پشت سر گذاشتم، با وجود جلسه های مذهبی و فرهنگی در منزلمان در پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این جانب با بسیاری از مسایل مذهبی و روز با مربّیگری ابوی خود آشنایی داشته، از این رو از سال ۱۳۶۸ رسماً برنامه تبلیغی خود را در قالب سخنرانی در مساجد شهرستان قائم آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۰ در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) نیز به همکاری مشغول شدم که پس از مدّت هفت سال کار تحقیقاتی خود را شروع کرده و دستاوردهای چند ساله سخنرانی خود را در قالب چهار کتاب اخلاقی به نامهای راه رستگاری (۲ جلدی) ، نعمت زبان، توبه به رشته تحریر در آورده تا مستمعین ایام تبلیغی نیز با مطالب گفته شده در سالهای قبل آشنا شوند.

ناگفته نماند که حقیر از سال ۶۹ تا به حال بی وقفه در دروس خارج فقه و اصول حضرات مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، صالحی مازندرانی ، وحید خراسانی، شبیری زنجانی حاضر شدم.

در ضمن با وجود پیشنهاد مشاغلی چون امامت جمعه و دیگر ارگانهای انقلاب ، از آنجا که این جانب علاقه وافری به تحقیقات و تألیف کتابهای اخلاقی دارم همواره در صدد تهیه کتابهای دیگری در راستای کمک به فرهنگ جامعه می باشم و یکی از آنها که در حال گرد آوری است کتابی در راستای اخلاق شهروندی از نگاه اسلام می باشد که در حال حاضر بخاطر نبودن بودجه برای تألیف متوقف شده است.

داداش زاده، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی داداش زاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۷۱ وارد حوزه علمیه شهرستان بابل – استان مازندران – شدم .بعداز مدتی وارد حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیل شدم ودرهمین میان به تدریس ادبیات عرب ومنطق پرداختم . ودرسالهای ۷۵- ۷۶ به عنوان شاگرد ممتاز،شناخته شدم و مورد تقدیر نماینده ولی فقیه قرار گرفتم . درسال ۷۸ رتبه سوم درپایه هشتم را کسب نمودم وسرانجام درپایه دهم رتبه اول رابدست آوردم و مورد تقدیر قرار گرفتم . همزمان باورود به درس خارج حضرات آیات، به تدریس پرداخته ، وکتاب بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔالحکمهٔ، رسائل، را تدریس نمودم وبعد ازمدتی وارد تخصصی تربیت مدرس شده وبه ادامه تحصیل درگرایش فقه واصول پرداختم واز آن مرکز نیز رتبه اول رابدست آوردم.درمیان تحصیل دررشته فقه واصول وفلسفه وتفسیر،ازآنجایی که احساس نمودم حملاتی برعقاید شیعه میشود و لکن کتابهای فارسی که به این شبهات بپردازد چندان نبود دست به ترجمه برخی ازکتب دردفاع ازکیان تشیع زدم که مورد استقبال بالاـ قرارگرفت وبا تیراژ فراوان چاپ و منتشرگردید که دوعنوان ازاین کتب ،رویکردعقلانی برباورهای وهابیّت ،وسلفی گری درگذرتاریخ بود .ودرادامه تحصیلات هم اکنون دررشته علوم حدیث باگرایش کلام وعقاید دردانشکده علوم حدیث قم درکارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می باشم .

دادمرزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی دادمرزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۴ در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی (شهید مفتح) تهران دیپلم گرفتم . همان سال به طوررسمی وارد حوزه علمیه مجتهدی شدم . همزمان در همان سال در رشته علوم انسانی در کنکور سراسری شرکت کردم و در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم . در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در رشته حقوق خصوصی دانشگاه تهران در مقطع ارشد قبول شدم ؛ در سال ۷۰ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان حکمیت در دعاوی خانوادگی مدرک ارشد خود را اخذ نمودم . در همان سال در کنکور اعزام به خارج برای مقطع دکتری قبول شدم . در سال ۶۹ جهت تکمیل دروس حوزوی به قم مهاجرت کردم و در حوزه مشغول اتمام دوره سطح شدم و عمدتا این مقطع را در محضر دروس مرحوم آیت الله شمس شاگردی نمودم .

از سال ۱۳۷۲ وارد درس خارج فقه و اصول شدم که به لطف حق همچنان در این مقطع به تحصیل اشتغال دارم . همکاری خود را با دانشگاه قم از سال ۷۰ - ۶۹ شروع نمودم و در هر حال حاضر عضو هیات علمی رسمی قطعی آن دانشگاه و مامور به تحصیل در مقطع دکتری رششته حقوق خصوصی هستم. پیش از این نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم بوده ام. در طول اقامت در قم با جامعهٔ الزهراء (س) ، دفتر تبلیغات واحد خواهران ، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ، مرکز جهانی علوم اسلامی ، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و دانشگاه آزاد نراق همکاری و عمدتا تدریس داشته ام . در حال حاضر تنها در دانشگاه قم تدریس می نمایم و با واحد خواهران حوزه علمیه قم جهت نگارش چند جلد کتاب و نیز با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برای نگارش کتاب همکاری دارم. درسال ۱۳۷۲ نیز دوره کار آموزی وکالت دادگستری خود را در تهران به هدف آشنایی با دانش حقوق در عرصه محاکم به پایان رساندم و لذا با پایان یافتن دوره کار آموزی و علی رغم این که محل دفتر وکالت اینجانب از سوی کانون وکلای مرکز، شهر تهران معین شده بود عملاً به جهت تحصیلات حوزوی از اشتغال به این حرفه منصرف شدم .

حوزه پژوهش های اینجانب فقه ، اصول ، حقوق قراردادها و حقوق خانواده می باشد . به زبان های عربی و انگلیسی نیز تسلط و آشنایی دارم . موضوع رساله سطح چهار این جانب شروط خلاف کتاب و سنت درعقد نکاح دائم است .عنوان رساله دکتری من نیز نظریه ریاست بر خانواده در روابط زوجین می باشد.

دارا بکلایی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل دارابکلائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۱برای شروع تحصیل علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم تا ۱۳۵۰ مقدمات، سطوح متوسط و سطوح عالی را با موفقیت به اتمام رساندم از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۲ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری(ره) و مرحوم حاج میرزا هاشم اصلی(ره) و آیت الله العظمی وحید خراسانی دامت برکاته شرکت داشتم. به موازات ادامه تحصیل هر کتابی را که به اتمام می رساندم به تدریس آن به صورت خصوصی و عمومی در حوزه علمیه می پرداختم. در سال ۱۳۵۲ همزمان با ادامه دروس خارج فقه و اصول در نخستین برنامه هفت ساله آموزشی- پژوهشی موسسه در راه حق- که اینک به موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی تغییر نام یافت- زیر نظر آیات: مصباح یزدی، مظاهری، خرازی، استادی و دکتر احمدی دامت برکاتهم، شرکت کردم از سال ۱۳۶۱ همزمان با بازگشایی دانشگاههای کشور برای تدریس دروس معارف، توسط آیت الله مصباح و دکتر احمدی به دانشگاهها معرفی شدم و در نخستین ترم در دانشگاه اصفهان و از آن به بعد در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس دروس اشتغال داشتم که هنوز هم ادامه دارد از سال ۱۳۶۵ با دعوت آیت الله میرمحمدی، ریاست وقت دانشکده الهیات- به دانشکده الهیات راه یافتم و تا سال ۱۳۷۸ دروس مختلف: فقه، اصول، کلام، تفسیر، منطق، فقه الحدیث، احادیث فقهی، تاریخ حدیث، درایه، حقوق خانواده، مبادی فقه و اصول، متون فقهی، تفسیری و ... تدریس کردم. در تابستان سالهای ۷۵ الی۸۳ برای تدریس دروس فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و ... از سوی استاد مصباح به " طرح ولایت "دعوت شدم و دروس یاد شده و غیر آنها را تدریس کردم. چند ترم نیز در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی و دانشکده سپاه قم- به تدریس فلسفه حقوق، مبانی حقوقی، فلسفه سیاست، حقوق و سیاست در قرآن و ... اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ تا کنون در دانشگاه شاهد نیز به تدریس دروس معارف، متون، تفسیر، منطق و ... اشتغال دارم. از سال ۱۳۶۱ همزمان با تدریس در دانشگاه در دفترهمکاری حوزه و دانشگاه- که اخیرا به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافت- به مدت ۲۰ سال به کارهای تحقیقاتی اشتغال داشتم، حاصل آن تالیف تعدادی کتاب و تعدادی مقالات و جزوات سمیناری و تحقیقاتی می باشد که در بخش سوابق پژوهشی آمده است. در سال ۱۳۷۵ با گذراندن امتحانات عمومی و تخصصی و مصاحبه علمی و دفاع از رساله به اخذ مدرک دکتری در حد استادیاری از وزارت علوم واحد خبرگان بدون مدرک موفق شدم و از سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی شدم. اوائل انقلاب، اوج فعالیتهای منافقین در لاهیجان و سیاهکل با دعوت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قربانی- امام جمعه وقت لاهیجان- به لاهیجان رفتم و حدود ۶ ماه در مدارس مختلف منطقه برای پاسخگوئی به سوالات: اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و ... حضور داشتم در این برنامه بسیاری از گروهکها و منافقین شرکت می کردند که با موفقیت خوبی به پایان رسید. در سال ۶۱-۶۰ در آموزش ضمن خدمت به تدریس عقائد، ولایت فقیه، اقتصاد و... اشتغال داشتم. بطور کلی حقیر در حدود نیم قرن به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و پژوهشی، تبلیغ و ارشاد اشتغال داشتم. آخرین عنوان علمی حقیر عبارت است از : اجتهاد حوزوی و دکترای دانشگاهی در فقه و اصول و مبانی حقوق.

دارابی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلندی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۵/۱۴، ۲۵۹/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۴ -۹۸۳ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵).

دارینی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد دارینی

محل تولد : دارین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد دارینی در سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان دارین از توابع سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی وارد حوزه علمیه سبزوار گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله معرفت، آیت الله حجتی، آیت الله واعظی خراسانی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هدایت و مبانی آن در

قرآن "دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، مشغول است. و در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات متعددی به رشته تحریر در آورده است.

داعی نژاد، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدعلی داعی نژاد

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمدعلی داعی نژاد سال ۱۳۴۲ درشهرستان دزفول متولد گردید. او پس از اخذ دیپلم فنی درسال ۱۳۶۱، در حوزه علمیه دزفول برخی دروس مقدماتی را گذرانده و در حوزه علمیه شیراز و سپس اراک و در نهایت قم به تحصیلات حوزوی ادامه داد. در دروس خارج اصول و فقه آیات عظام وحید خراسانی و فاضل لنکرانی شرکت کرده و فلسفه را (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شفا و اسفار) از دروس اساتیدی همچون آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی، و فیاضی استفاده نموده و عرفان را (تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس) از دروس آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده آملی بهره مند گردید. مباحث کلامی همچون الهیات و شرح تجرید را از دروس آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی فرا گرفته و به مطالعه گسترده در زمینه فلسفه غرب، کلام جدید و اندیشه سیاسی پرداخت. از سال ۱۳۷۲ تاکنون به مدت ۱۴ سال در دانشگاه های شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگه علوم بزشکی شهید بهشتی و در طرح ولایت به تدریس معارف پرداخته و چندین سال در حوزه علمیه قم (موسسه امام خمینی(ره) ، مدرسه الهادی و مرکز جهانی) به عنوان مدرس، استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور فعالیت دارد. از سال ۱۳۷۰ تاکنون به مدت ۱۴ سال به پژوهش و مدیریت پژوهشی در مراکز متعددی اشتغال داشته است مراکزی چون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (عضو هیأت علمی و مسئول بخش مدخل یابی دائره المعارف علوم عقلی)، دفتر تبلیغات اسلامی (عضو گروه اصطلاح نامه فلسفی)، دفتر مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه (معاونت پژوهشی) موسسه طه (مدیر نمایه سازی مجلات و روزنامه ها) مرکز جهانی (عضو گروه کلام)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (عضو و مدیر گروه حلقه نقد و حکمت و دین پژوهی)، نهاد اساتید در دانشگاه ها (ارزیاب و داور پایان نامه های اساتید معارف اسلامی)، نهاد رهبری در دانشگاه ها (مسئول گروه کلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مدیر مرکز پاسخگوئی تلفنی به سوالات دینی) و سردبیری مجله صباح، سردبیر مجله بازتاب اندیشه و سردبیری کتاب اندیشه. از ایشان تا کنون مقالات متعددی در مجلاتی مانند معرفت، حکومت اسلامی، صباح، بازتاب اندیشه، دانشگاه اسلامی، حکومت اسلامی، برگ سبز، آفتاب و در روزنامه هایی مانند جمهوری اسلامی، کیهان و رسالت منتشر شده است.

داماد، صالح

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، عـالم امـامی و فقیه اصـولی. مشـهور به عرب، چون پـدرش دامـاد سـید علی طباطبـائی صـاحب «ریـاض» بود، او و برادرش حـاج مرزا حسـین لقب دامـاد را از پـدر به ارث گرفتنـد. وی از شاگردان دایی خویش، سـید مهـدی طباطبائی، است. او در قرائت و تعظیم قرآن سعی بسیار داشت و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار جدی بود. در غائله‌ی کربلا (ذیحجه ۱۲۵۸ ق) او را اسیرگونه به سوی قسطنطنیه گسیل کردنـد و در اوایـل سـلطنت ناصـرالدین شـاه بر اثر وساطت به تهران آوردنـد. وی تا پایان عمر ساکن تهران بود. در نود سالگی در گـذشت و جنازه‌اش به کربلا حمل و در آنجا دفن شـد. در «المآثر و الآثار» و «الـذریعه» نام وی محمد صالح ذکر شده است. از آثار وی: «زهر الریاض»، حاشیه بر «ریاض» جدش؛ «صفاء الروضه»، حاشیه بر «الروضه البهیه فی شح اللمعه الدمشقیه»؛ «المهذب فی الاصول» یا «مهذب القوانین» حاشیه بر «القوانین»؛ رساله‌ای در مساله‌ی تجزی، در اجتهاد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۹/۷)، الذریعه (۲۹۵ ،۲۹۳/۲۳، ۴۳/۱۵، ۷۱ -۷۰ /۱۲)، ریحانه (۱۲۰/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸۲ -۸۸۱ /۱۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸ -۲۲۷ /۲)، الماثر و الاثار (۱۴۸)، معجم المولفین (۶ -۵ /۵).

دامغانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، فقیه اصولی. وی از عالمـانی بود که نزد علمـای نجف سالهـا به تلمـذ پرداخت تـا این که به فضـل او، کسانی چون شیـخ راضـی نجفی و علامه شیـخ مهـدی آل کاشف الغطاء شـهادت دادنـد و علامه انصاری در اجازه‌ای که به او داد، او را علامه‌ی علماء و عمده‌ی فضلاء و حاوی فروع و اصول نامید. در ۱۲۸۰ ق به ایران بازگشت و مدتی در تهران بود سپس به دامغان رفت و در آن شـهر به وظائف دینی رسـیدگی می‌کرد تا این که از دنیا رفت و در مقبره‌ی بکیر بن اعین به خاک سپرده شد. از آثارش: «ضـیاء الانوار»، رساله‌ای در اصول دین؛ حاشیه‌ی مدون بر «معالم»؛ «تقریرات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۲/۱۵، ۲۰۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶/۱۴)، معجم المولفین (۹۹/۸).

دانش پژوه، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی دانش پژوه

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۵در شاهرود و در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم. پدرم مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اصغر دانش پژوه از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمود شاهرودی از علمای بزرگ ساکن شاهرود بودند. در سال ۱۳۴۱ در دبستان ملی و اسلامی جعفری شروع به تحصیل کردم. دوران دبیرستان را در دو دبیرستان شاهپور(شریعتی فعلی) و فردوسی گذراندم و در سال ۱۳۵۳ موفق بـه اخذ دیپلم شـدم. پس از گرفتن دیپلم بر اساس احساس وظیفه شرعی و به رغم مخالفت تقریبا همه معلمان و همکلاسیها، به جای شرکت در کنکور و حضور در دانشگاه ، راهی حوزه علمیه قم شدم. اکثر دروس مقدمات و سطح را بیشتر به صورت خصوصـی درس گرفتم. با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی و بیشتر با انگیزه حضور تبلیغی در دانشگاه و کار فکری با دانشجویان، در اولین کنکور انقلاب(۱۳۵۸) شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران(مجتمع آموزشی عالی قم) نیز، در کنار تحصیلات حوزوی، مشغول به تحصیل شدم.

در خلال انقلاب فرهنگی(۵۸-۶۲) برحسب وظیفه سه سال در شاهرود، مسئولیت عقیدتی سیاسی ارتش را پذیرفته و در کنار آن به تدریس در دبیرستان ها و همکاری با سپاه و جهاد و کلاسهای عقیدتی و امثال آن مشغول گردیدم. در سال۶۲ مجددا جهت ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی به قم باز گشتم. در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ باقیمانده سطح را به پایان رساندم و در مهر ماه ۶۳ به درس خارج اشتغال یافتم و در کنار آن در سال ۶۵ موفق به اخذ لیسانس شدم، و چون زمینه هدف اصلی(تبلیغ و کار با دانشجویان) در دوره هـای کارشناسی چنـدان مهیا نمی دیـدم، انگیزه ای برای ادامه تحصیل دانشگاهی نداشتم. اما در عین حال از مطالعات و پژوهشهای حقوقی هم غافل نبودم.

از سال ۱۳۷۰ با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که آن موقع با نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شناخته می شد، همکاری علمی ام آغاز شد و با گرایش حقوق بین الملل اسلامی مطالعات و تحقیقاتم را ادامه دادم و در کنار آن مدتی هم مسئولیت واحد آموزشی این پژوهشگاه را عهده دار شدم. کتاب «اسلام وحقوق بین الملل خصوصـی» که از طرف چهارمین کنگره دین پژوهان و پنجمین سمینار کتاب سال حوزه برگزیده شد، نتیجه همین دوره است. کتاب « فلسفه حقوق» که به سفارش موسسه امام خمینی(ره) نوشته شد نتیجه دیگری از پژوهشهای حقوقی این حقیر است. پایان نامه سطح ۴ حوزه- که هم اکنون آماده چاپ است- باعنوان" الجنسیه فی الفقه الاسلامی " اثر دیگر این جانب است. حقوق شناسی عمومی در دو جلد نیز در مرحله ویرایش و آماده چاپ است مقالات و جزوه های درسی دیگری نیز از حقیر چاپ و منتشر شده است. به انگیزه همان کار تبلیغی، از سال ۷۰، در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و پژوهشهای حقوقی، به تدریس در دانشگاه نیز پرداختم که هم اکنون نیز ادامه دارد. و نیز در موسسه امام خمینی(ره)، مرکز تخصصی قضا و مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه فقه و اصول).

داوودی تبار، محمدامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد امین داوودی تبار

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب محمد امین داوودی تبار در ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در شهر مقدس نجف اشرف به دنیا آمدم که پس از اندکی در همان اوان طفولیت به همراه خانواده به اجبار راهی سفر به ایران و در شهر مقدس قم سکونت گزیدیم . پدرم روحانی است و برای تحصیل عولم دینیه نیز در عتبات عالیات اقامت گزیده بود.

تحصیلات ابتدائی ، راهنمائی و اول دبیرستان را در شهر مقدس قم گذرانده ام دیپلم را به صورت متفرقه و در کنار تحصیلات حوزوی گرفته ام در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم جهت تحصیلات علوم دینیه در مدرسه شهدین شدم. در آنجا دروس مقدمات و مقداری از سطح را نزد اساتید آن مدرسه تلمذ نمودم و سطوح عالیه را نزد اساتیدی چون مرحوم آیت الله احمدی میانجی و حضرت آیت الله صلواتی و جناب حجة الاسلام بیگدلی و ... بهره مند شدم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات : صانعی ، آقا موسی شبیری زنجانی ، فاضل لنکرانی و سبحانی در حد توان و بضاعت خویش بهره هایی برده و می برم. البته در زمان اشتغال به تحصیل سطوح عالیه به علت بعضی از مسائل غیر مترقبه و به ناچار مشغول به بعضی از امور اجرایی شده در طی سالیانی چند بیشتر وقت خود را صرف امور اجرائی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور مینمودم که در این سالها مدتی مسئول دفتر معاونت اطلاع رسانی و مسئول بازاریابی محصولات و تولیدان نرم افزاری این مرکز و پس از آن نیز سالیانی چند مدیر فروش نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور در موسسه خدمات کامپیوتری نور وابسته به همین مرکز انجام وظیفه نموده ام
.

به حمد الله هم اکنون توفیق انجام کارهای علمی تحقیقاتی و اشتغال به تحصیل و تحقیق پیدا کرده ام و مدیریت موسسه فقه الثقلین نیز به عهده اینجانب میباشد که درآنجا کارهای تحقیق و تصحیح کتاب ارزشمند مصابیح الاحکام مرحوم بحرالعلوم که از منابع فقهی بسیار گران سنگ و نادر می باشد در حال انجام بوده و در حال حاضرچاپ اول آن به اتمام رسیده است و به زودی سایر مجلدات آن نیزبه زیور طبع آراسته خواهد شد.

همچنین کتاب مجمع الفائده و البرهان مرحوم مقدس اردبیلی درحال تحقیق و تصحیح بوده و جلد اول آن نیز به چاپ رسیده و سایر مجلدات نیز در زمانی نزدیک پس از مراحل تحقیق و تصحیح مزین به حواشی حضرت آیت الله صانعی به چاپ خواهد رسید.
درکنار کارهای فوق الذکر در بخش تحقیقات پرسش و پاسخ شبکه جهانی نور مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور نیز در حال انجام وظیفه میباشم . شایان ذکر است با توجه به تجربه مفیدی که طی سالیان زیادی حضور در موسسه خدمات کامپیوتری نور نسبت به نیاز کاربران رایانه ای به محصولات فرهنگی پیدا کرده بودم به سفارش برخی از دوستان اقدام به تولید نرم افزار قرآنی با رویکرد عامه مردم با عنوان «سلام» نمودم که به لطف پروردگار مورد استقبال قرار گرفت . این نرم افزار شامل بخشهای مختلف ازجمله تفسیر، ترجمه ، آموزش و .. میباشد.

دبوسی، ابوزید عبداللّه، عبیداللّه

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۴۳۰ –۳۶۷)، فقیه، اصولی و قاضی حنفی. اصل وی از دبوسیه، بین بخارا و سمرقند، است. وی از مشایخ و بزرگان فقه حنفی است که در فقاهت ضرب‌المثل بود. او پایه‌گذار علم خلاف است. دبوسی قاضی سمرقند بود و در بخارا درگذشت. در «معجم البلدان» سال مرگ وی ۴۳۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «الاسرار»، در اصول و فروع حنفیه؛ «الامد الاقصی»؛ «تاسیس النظر»، در جدل و اختلاف بین ابوحنیفه و دو پیشوای دیگر: مالک و شافعی؛ «تقویم الادله»، در اصول؛ «الانوار»، در اصول فقه؛ «خزانه الهدی»، در فتاوی؛ «شرح جامع الکبیر» شیبانی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۸/۴)، ریحانه (۲۱۳/۲)، سیر النبلاء (۵۲۱/۱۷)، کشف الظنون (۷۰۳، ۵۶۸، ۴۶۷، ۳۵۲، ۳۳۴، ۱۹۶، ۱۶۸ ، ۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۲۸/۲) لغت نامه (ذیل/ عبداللّه)، معجم المؤلفین (۹۶/۶)، معجم البلدان (۴۹۹/۲)، وفیات الاعیان (۴۸/۳)، هدیه العارفین (۶۴۸/۱).

درافشان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین درافشان

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی را در مدرسه اسلامی سعادت در قزوین سپری کردم سپس دوره راهنمایی را در مدرسه نمونه شهر (امیرکبیر) گذراندم و دوره دبیرستان را در هنرستان رشته مکانیک عمومی به پایان رساندم.در اوج انقلاب موفق به کسب دیپلم شدم آنگاه یکسال و نیم در کمیته انقلاب اسلامی مشغول به خدمت بودم.در سال ۵۹-۶۰ به قم هجرت نمودم و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) مشغول به دروس حوزوی شدم.با انتقال مدیریت و دروس مدرسه حقانی به مدرسه شهیدین هما در سال ۱۳۶۳ در مدرسه شهیدین هما ادامه تحصیل دادم و در سال ۱۳۶۷ شروع به درس خارج کردم و از محضر اساتیدی همچون حضرت آیت الله سید کاظم حائری- حضرت آیت الله وحید خراسانی – حضرت آیت الله خرازی - حضرت آیت الله جوادی آملی – حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی – حضرت آیت الله استادی و هم اکنون در درس خصوصی حجت الاسلام و المسلمین سروش محلاتی کسب فیض می نمایم تقریباً یک دوره درس خارج اصول در درس آیت الله سید کاظم حائری شرکت کرده ام.

امتحانات کتبی و شفاهی تمام پایه ها را تا سال ۱۳۷۰ در شورای مدیریت و مدرسه شهیدین داده ام از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ در

پژوهشکده حوزه و دانشگاه در رشته علوم تربیتی مشغول به تحصیل و تحقیق بوده ام و زبان انگلیسی و تخصصی را دراین پژوهشکده گذرانده ام ضمناً در دوره های تابستانی دردانشگاه امام صادق(ع) زبان انگلیسی (مکالمه) و زبان عربی (مکالمه) شرکت کرده و جوایزی کسب کرده ام. از سال ۱۳۷۶ با راه اندازی و تأسیس شبکه معارف به همراه دوستان وارد خانواده صدا و سیما شدم آنگاه در سال ۱۳۷۸ در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما به کار نظارتی و ارزیابی و تحقیقاتی پرداختم از جمله ارزیابی ها کتابهای مرکز و پایان نامه هایی در موضوعات گوناگون بوده و مشاور علمی ماهنامه گنجینه و فرهنگ اخلاقی معصومین(ع)(۵ جلد – ادامه دارد) بوده ام هم اکنون مشاور و کارشناس برنامه زلال احکام شبکه ۳ سیما هستم و مدّتی است مشاور و راهنما در حرم حضرت معصومه(س) را افتخار دارم. ضمنا مدّتی استاد راهنما و ارزیاب پایان نامه های جامعه الزهرا(س) بوده ام. هم اکنون در جامعه الزهرا(س) درس حکومت اسلامی و ولایت فقیه – ادیان و مذاهب تدریس دارم.

درایتی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین درایتی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵– ۵۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به مدت ۴ سال در مدرسه علمیه حجهٔ الاسلام جناب آقای موسوی نژاد ادبیات عرب، منطق، بیان و... اصول فقه و همچنین عقائد و احکام را به پایان بردم و سپس لمعتین را در محضر استاد جناب آقای صالحی فراگرفتم و رسائل و اکثر مکاسب و مقداری از کفایتین را در محضر استاد آیهٔ الله مرتضوی به پایان بردم و همزمان به تدریس حوزه اشتغال داشته و این امر را در سالهای بعد نیز ادامه دادم.

در سال ۱۳۶۲ به حوزه علمیه قم منتقل شده و ادامه مکاسب وکفایتین را در محضر استاد محقق داماد حاضر شده و در سال ۶۴ دروس سطح حوزه را به پایان بردم. از سال ۶۳ به مدت سه سال به درس خارج اصول آیهٔ الله وحید خراسانی حاضر شدم و از سال ۷۶ تا ۷۴ به درس خارج اصول مرحوم آیهٔ الله تبریزی و از سال ۶۶ تا ۷۹ در درس خارج فقه آن فقید به صورت مستمر حاضر شدم. و همچنین در درس خارج فقه آیهٔ الله منتظری به مدت ۳ سال و همچنین در درس خارج اصول فاضل به مدت یک سال حاضر شدم.

درسال های فوق الذکر نیز به تحصیل فلسفه نیز اشتغال داشته و از محضر اساتیدی مانند: حجج اسلام عبدالهیان، فیاض، شیرازی.... در تحصیل کتابهای درایه، نهایه، منظومه و بخشی از اسفار استفاده ها بردم. همچنین به مدت ۵ سال در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی و مشکینی حضور مستمر داشته و بهره ها گرفتم.

از سال ۶۳ با معجم بحار با کار تحقیق آشنا شده و در سال ۶۵ به تصنیف غررالحکم مشغول شدم و در سال ۶۶ کار آن را به انجام

رساندم و همزمان، کار معجم غرر را نیز شروع کردم و از سال ۶۶ تا ۷۸ به صورت مستمر در مرکز تحقیقات وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی و در واحد احیاء آثار مشغول انجام کارهای تحقیقی مختلفی شدم که محصول آن همکاری در مختلف الشیعه، تصحیح آصفی، تصحیح سعدالسعود، راه اندازی واحد بزرگ احیاء تک نگاریهای تفسیری و.... می باشند.

همزمان با موسسه نشر آثار امام خمینی(ره) در بازنویسی و تنظیم و ویرایش درسهای حضرت امام در شرح منظومه و اشعار، اشتغال داشته و در ادامه با بنیاد معارف اسلامی امام رضا علیه السلام در راه اندازی طرح احیاء آثار قرآنی به مدت ۲ سال همکاری داشته و کار احیاء دو جلد از آن آثار را به انجام رساندم.

از سال ۷۸ در مرکز تحقیقات دارالحدیث و با طرح احیاء مجموعه رساله های رجالی و درایه ابوالمعالی کلباسی، کار خود را آغاز نمودم و آن آثار را در ۴ جلد به نام (الرسائل الرجالیه) به انجام رسانده و از سال ۸۰ به عنوان مسئول واحد احیاء، طرح بزرگ تحقیق وتصحیح کافی را با همکاری جمعی از محققان شروع کرده و همزمان به احیاء شروح و حواشی کافی که تاکنون چاپ نشده، دست زده و تا کنون چندین عنوان از آن شروح چاپ شده و چندین برابر آن در حال کار می باشد. و هم چنین طی سالهای جاری حدود ۱۵ عنوان کتاب دیگر در زمینه های رجال، درایه، حدیث و شرح حدیث احیاء و چاپ شده است.

درایتی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی درایتی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله مصطفی درایتی در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متدین از شهرستان مشهد به دنیا آمد، دوران تحصیل خویش را با موفقیت پشت سرگذاشت و در سال ۱۳۴۹ به تحصیل علوم دینی پرداخت. دروس مقدماتی را از محضر آیت الله ادیب خراسانی بهره جست. وی پس از مدتی تحصیل در مشهد برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم هجرت کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله اعتمادی، آیت الله سلطانی، آیت الله منتظری کسب فیض کرد پس ازآن به زادگاه خویش بازگشت و در خدمت به طلاب علوم دینی و مردم دیار خویش از هیچ کوششی دریغ نفرمود.

دریاب، باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

باقر دریاب

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ابتدای تحصیل اینجانب در نجف اشرف بود مرحوم والد ما حاج شیخ حسن اصفهانی رحمهٔ الله علیه که از شاگردان مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم آقای نائینی رحمه الله و در نجف از اوان مبارزات سکونت داشت. از۱۲ سالگی در سلك روحانیت در آمدم یعنی مشرف به پوشیدن لباس مقدس روحانیت شدم. مقدمات را نزد ابوی محترم و برخی دیگر از دروس را همانند حاشیه ملا عبد الله و سیوطی و مغنی را نزد اساتید دیگر خواندم. بخشی از مغنی و بخشی از مطول را نزد مرحوم مدرس افغانی رحمهٔ الله علیه خواندم. بخش مهم لمعتین را نزد مرحوم حجهٔ الاسلام روشنی که یکی از ممتحنین حوزه علمیه قم بودند و آن زمان در نجف بودند خواندم.

لمعه جلد دوم(رحلی) و مکاسب هم مکاسب المحرمه و هم کتاب البیع را نزد آیت الله شیخ مسلم داوری حفظه الله که فعلا یکی از علمای قم هستند و درس خارج می دهند خواندم اصول الفقه مرحوم مظفر را نزد سید جعفر علم الهدی که یکی از علمای قم هستند خواندم. رسائل را نزد آیت الله شیخ حسن قدیری اصفهانی که فعلا یکی از علمای قم هستند در نجف خواندم. کفایتین را نزد آیت الله انواری که یکی از شاگردان خوب حضرت آیت الله العظمی خوئی(ره) بودند خواندم. شرح تجرید را نزد آقای حسین پاکستانی که فعلاـ یکی از علمای قم و نجف هستند خواندم در سن ۱۸ سالگی سطح را تمام کردم. لازم به ذکر است در نجف اشرف و همچنین در قم پس از آن که طلبه به رتبه بالاتری ارتقاء می یابد، رتبه قبل را تدریس می کند که ما هم از این قاعده مستثنا نبودیم و دروس قبلی را تدریس می کردیم. مثلا وقتی رسائل می خواندیم اصول فقه تدریس می کردیم یا دروس قبلی آن را و همچنین هر درس بالاتری را که می خواندیم درس قبلی را تدریس می کردیم در ضمن دروس اخلاق از قبیل تدریس کتاب شریف منیهٔ المرید، معراج السعاده و .... تدریس می شد در آنها هم شرکت می کردیم. در نجف درس اخلاق آیت الله مرحوم شیخ مجتبی لنکرانی(ره) شرکت می کردیم. و نیز درس اخلاق شهید محراب حضرت آیت الله مدنی قدس الله نفسه الزکیه شرکت می کردیم. ضمناً در دروس جنبی همچون درس تفسیر توسط حجهٔ الاسلام سید علی مؤمنی حفظه الله و حجهٔ الاسلام سید کاظم سراجی— بعضاً درآیه و تجوید نیز شرکت کردم در نزد مرحوم حاج محمد دریوان (طلای نجف اشرف)، تمرین منبر و خطابه و نویسندگی را نیز در نجف آموختم که اساتیدی مجرب همچون حجج اسلام نعمتی، برقعی، و دیگران ما را با این فنون آشنا ساختند. بحمد الله تا سن ۱۸ سالگی موفق شدیم در اکثر زمینه ها تحصیلات خود را به پایان برسانیم ،از سن ۱۸ سالگی به بحث خارج رسیدیم. ابتداء از محضر آیت الله سید میرزا حسن بجنوردی رحمه الله بهره مند شدیم و سپس در درس آیت الله العظمی سیستانی حضور بهم رسانیدم. حدوداً در سالهای ۵۲-۵۳ می شد.

سپس جوان ترین درس که در نجف شروع شد درس شهید آیت الله سید عبد الصاحب حکیم(ره) بود که توسط صدام به شهادت رسید. حدود یکسال در آن درس شرکت کردم. سپس به درس حضرت آیت الله شهید سید محمد باقر صدر رضوان الله تعالی علیه حضور بهم رساندم و بهره‌های فروانی بردم. الحق و الانصاف که این انسان هم از نظر علمی و هم از نظر عملی خود را ساخته بود/ – چون بیان فوق العاده خوبی داشت و از ابتکارات جدیدی در درسش برخودار بود– در فقه و اصول ایشان هر دو شرکت می کردم. تواضع، محبت، بزرگواری، تقوی، کیاست و... از وجود این انسان می بارید و اواخر روزهای چهارشنبه را اختصاص داده بودند به

درس موضوعی تفسیر که تفسیر موضوعی بود و می گفتند البته چند جلسه بیش نبود که از طرف هیئت حاکم وقت ممنوع شد. به هر حال درس عالی بود. این انسان عالی مقام آن قدر عاشق امام خمینی رضوان الله تعالی علیه بود. که شب ۲۳ بهمن ۵۷ که ما در نجف دردرس ایشان حاضربودیم تقریباً بیش از نیم ساعت سخنرانی کردند.

تنها درس ایشان تعطیل شد و بجای درس سخنرانی کردند و فرمودند امروز کفر بر اسلام پیروز گردید احدی ها در جنگ احد و بدری ها در جنگ بدر و .... امروز برکفر و شرک پیروز گردیدند. و خلاصه مقداری از انقلاب و امام گفتند. (لازم به ذکر است در نجف آن زمان در مسائل سیاسی جز امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و مقداری شهید صدر کسی جرات نداشت وارد مسائل سیاسی بشود، سال ۵۷–۵۸ پس از پیروزی انقلاب وارد قم شدم ادامه بحث خارج را در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی فقه و اصول رابه پایان رساندم بیش از پانزده سال درس ایشان حاضر شدم- منظومه سبزواری نزد آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی- خواندم ونیز تدریس دروس حوزوی از قبیل اصول فقه و رسائل و مکاسب وکفایتین و... داشتم.

دزفولی معزالدینی، محسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۹/۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی. وی از شاگردان حجةالاسلام شفتی و داماد سید صدرالدین عاملی بود. در شهرهای خوزستان فقیه و مرجع دینی بود و از کرباسی و بحرالعلوم و صاحب «ریاض» و صاحب «کشف الغطاء» روایت می‌کرد. در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌کرد دفن شد. از آثارش: «حاشیه المعالم»؛ «شرح الارشاد»؛ رساله فارسی در «اصول دین»؛ و رساله در «طهاره» و «صلاه»؛ چند رساله دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۶/۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۴۶ –۱۴۵ /۵).

دزفولی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی از عالمان بزرگ و مراجع امور دینی در دزفول بود. شیخ محمدحسن در دزفول درگذشت. آنگونه که در «البدایع الجعفریه» آمده وی تصانیفی ارزنده داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۷۸/۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۷/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۰/۹).

دزفولی، محمدطاهر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمدطاهر بن العلامه آشیخ محسن بن الفقیه شیخ اسماعیل از بزرگان حمله دین و اکابر فقهاء و از مراجع معروف خوزستان و در قدس و زهد و صلاح و تقوی یگانه عصر خود بوده است.

وی به سال ۱۲۳۰ قمری در دزفول تولد یافت و پس از فراغ از مقدمات در اصفهان از محضر حجهٔالاسلام حاج سید محمدباقر شفتی و حجهٔالاسلام حاج ملا محمد ابراهیم کلباسی تلمذ نموده و در نجف اشرف از صاحب جواهر و شیخنا الانصاری نیز استفاده نموده تا به درجه اجتهاد رسیده آنگاه به دزفول مراجعت و بنای تدریس گذاشته و مورد توجه عموم طبقات گردیده و شاگردان مبرزی تربیت نموده و ریاست و مرجعیت تقلید در خوزستان بدو منتهی شده است.

در تکمله. گوید: محمدطاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی از اجله علماء عصر ما در خوزستان و در آن نواحی مرجعیت عامه دارد و آوازه زهد و پارسائی و پرهیزکاری و قدس و فقاهت او در تمام ایران و عراق رفته و مردم عربستان و خوزستان در تقلید به او رجوع کرده‌اند و از برجستگان شیعه از خاندان علمی قدیمی است

عموی او شیخ اسداللّه صاحب مقابیس و پدر او شیخ فقیه و نوادگانی اهل فضل و علم دارند و او در فقه و اصول تألیفاتی دارد

وی در اوائل سال ۱۳۱۵ قمری در دزفول داعی حق را اجابت نمود و در مقبره اختصاصی خود مدفون گردید فرزند ارجمندش آشیخ عبدالحسین در تاریخ فوتش سرود.

سال فوت او ز قرآن مبین

آمدان العاقبهٔ للمتقین

عاقبت را تا عدد دان چارصد

برخلاف رای اصحاب عدد

از آثار علمی اوست. گذشته از رساله عملیه ۱- شرحی بر شرایع محقق بنام (مشارع الاحکام)

پدر بزرگوارش آقا شیخ محسن هم از بزرگان علماء امامیه و داماد علامه سید صدرالدین عاملی فقیه اصولی و متکلم و از شاگردان حجهٔالاسلام شفتی اصفهانی بوده و به سال ۱۲۴۵ قمری در دزفول بدرود جهان گفت و در سرداب مسجدی که در آن امامت می‌نمود مدفون شد

تألیفات او عبارت است از: ۱- حاشیه مفصلی بر معالم ۲- رساله فارسی در اصول دین ۳- رساله در طهارهٔ و صلوهٔ ۴- رساله در صحت عبادت تارک طریق تقلید و اجتهاد ۵- رساله در جواز بقاء تقلید میت و غیره.

در بیت این بزرگوار مردان فضیلت و رجال علم بسیار بوده و تا حال هم می‌باشد و اکنون شخصیت علمی این سلسله در عصر حاضر آیت‌اللّه میرزا محمدعلی معزی بن آیت‌اللّه آشیخ عبدالحسین است که یکی از فقهاء و مراجع دزفول می‌باشد

(۱۳۱۵ -۱۲۳۰ ق)، فقیه اصولی. وی از بزرگان دینی روزگار خود است که در ایران و عراق به فقاهت شهره بود. شیخ محمدطاهر از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی، و شیخ مرتضی انصاری اجازه روایت داشت. وی یکی از مشایخ حدیث سید عبدالصمد شوشتری بوده است. صاحب عنوان در خوزستان به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود تا به جوار رحمت حق شتافت. از آثار وی: «مشارع الاحکام»، در شرح «الشرایع» محقق؛ « رساله‌ی عملیه».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۷۶/ ۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۷۶ -۹۷۴/ ۱۴)، المآثر الآثار (۱۵۲ -۱۵۱).

دستجردی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در قریه دستجرد اصفهان به دنیا آمد، و در اصفهان خدمت ملا محمد ورزنه‌ای و اقا اسداللّه کمال‌آبادی و ملا محمدحسن دهنوی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و ملا عبدالکریم جزی، صاحب «تذکره القبور»، و آقا رضا مسجد شاهی و آخوند کاشی و حاج ملا محمدجواد آدینه‌ای درس خواند. سپس به نجف مهاجرت کرد و از محضر درس آقا شیخ علی‌اصغر خطایی و دیگر علمای معروف آنجا بهره‌مند شد. آنگاه به قم رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۰۱ –۲۰۰).

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

مهدی دقیقی شاهرودی از سن ۱۴ سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن ۱۶ سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود ویس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردیدو تحصیلات خودرا در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود.وی صرف ونحو،معانی وبیان،منطق و معقولات،عقاید و ادیان،ادبیات فارسی،فقه واصول وعلوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت .دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما وطلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود ،او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد ودیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد.و از سوی دیگر عدم حضور دانش آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خودتهران سفر می نمود و در حلقه های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته های خود می پرداخت .او پس از چندسال کسب فیض از علما وفحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در" حوزه نجف" و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت" ریشه های علم "و"عالمان آن سامان "به مسافرتهای مکرربه آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید.نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاشهای علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید

که حاصل آن چندین سال تدریس،تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام،پاسخگویی به مسائل شرعی،شرکت در مناظرات دینی،مسافرتهای تبلیغی ،اداره سایتهای اینترنتی دینی،تدریس در دانشگاه وحوزه،نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه،رفع اختلافات عموم طبقات جامعه،سخنرانی وبرگزاری مراسمات و بزرگداشتهای دینی،مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و ...وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دوزدوزانی تبریزی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۱۲ ق)، فقیه اصولی. در دوزدوزان از توابع سراب به دنیا آمد و در تبریز از محضر آقا میرزا محمدصادق آقا استفاده برد و سپس به نجف رفت و مدت دوازده سال در خدمت شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ علی‌اصغر ختائی و شیخ مهدی مازندرانی به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللَّه آقا شیخ احمد کاشف الغطاء اجازه اجتهاد گرفت و به موطن خویش بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. از آثار وی: «لب الاصول»، در مباحث الفاظ و اصول علمیه؛ «کتاب الطهاره»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «العروه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :علماء معاصرین (۲۸۴).

دهشت، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی دهشت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای مرتضی دهشت در سال ۱۳۴۹هجری شمسی در خانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت علیهم السلام وکاملا مذهبی در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش سپری کرد. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به و برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۴ شمسی وارد حوزه علمیه مشهد گردید و از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی در سال ۱۳۸۳ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله بجنوردی،آیت الله مرعشی و آیت الله فلسفی مشغول کسب فیض شد و از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا

کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است

دهقان، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین دهقان اشکذری

محل تولد : اشکذر یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ پس از قبولی در امتحانات سال اول راهنمایی وارد حوزه علمیه یزد شدم. با شروع انقلاب اسلامی و حادثه نوزدهم دیماه همان سال حوزه های علمیه با تعطیلات مکرر و طولانی مدت مواجه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی آغاز گردید.لذا دروس مقدمات حوزه را همزمان با مبارزات دوران انقلاب و حضور در جبهه ها ادامه دادم و همراه با دروس حوزوی سال دوم و سوم راهنمایی را به صورت شبانه به پایان رساندم و وارد دبیرستان گردیدم ولی به علل مختلف تحصیلات دبیرستان را ادامه ندادم.در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و بخش اعظم لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه و دروس عمومی حوزه را در محضر اساتید بزرگی مانند وجدانی فخر، اعتمادی، محفوظی، محامد، خاتمی و ... فرا گرفته و سپس در محضر اساتید و آیات عظام به خارج فقه و اصول مشغول شده و در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن، که مشروط به اتمام سطح ۳ و دو سال درس خارج بود پذیرفته شدم و چهار سال همزمان با شرکت در درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید گرانقدری چون حضرات آیات مکارم شیرازی، خزعلی، معرفت، احمدی میانجی، شب زنده دار، طاهر شمس و ... به فراگیری تفسیر و علوم قرآن پرداختم در سال ۱۳۷۳ موضوع «آیات دال بر حجیت خبر واحد» را که یک موضوع اصولی قرآنی بود به واحد مدارج علمی حوزه ارائه دادم و موفق به اخذ گواهینامه سطح ۳ گردیدم.پس از پایان دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن موضوع امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن را به عنوان پایان نامه سطح ۴ انتخاب نموده و طرح تفصیلی آن را پس از فیش برداری و مطالعات مقدماتی به واحد مدارج علمی تحویل دادم ولی پس از تایید طرح با توجه به وجود مشکلات خاص از ادامه آن منصرف گردیدم.از سال ۱۳۷۴ تا کنون ضمن پذیرش برخی از مسئولیت ها در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن و مرکز جهانی علوم اسلامی به فعالیت های علمی از قبیل تدریس، ویراستاری و نگارش مقاله و ... مشغول می باشم.در طول تحصیل نیز سعی بر این بود که تقریرات دروس سطح و خارج را بنویسم و بیشتر دروس سطح را به صورت پرسش و پاسخ در آورده ام.

دهقانپور، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا دهقانپور

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱۱/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در تهران دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. در همان سال وارد حوزه علمیه ملاجعفر (حاج آقا مجتهدی) شدم. در مدت چهار سال با اتمام لمعتین از پایه هفت در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۷ با پایان پایه دهم وارد درس خارج آیت الله وحید خراسانی و دیگر مراجع مانند آیت الله تبریزی(ره)، آیت الله فاضل(ره) و آیت الله مکارم شدم. همزمان با دروس حوزوی، دروس دانشگاهی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه مفید رشته فلسفه را تحصیل نمودم پس از آن در سال ۱۳۸۰ رشته فلسفه و کلام اسلامی را در دانشگاه باقرالعلوم شروع نمودم. در سال ۱۳۸۵ در رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شدم، از اول دبستان تا کنکور مقطع دکتری به فضل و لطف الهی ممتاز شناخته شده‌ام. هذا من فضل ربی. اکنون ضمن تحصیل، مشغول تدریس دروس عمومی در دانشگاه هستم.

دهقانی، علی محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمد دهقانی

محل تولد : اشکذر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۴ متولد شده و بعد از گذراندن دوران ابتدایی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از چند سال تحصیل در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۵۹سطح را به پایان رسانده و رتبه سوم را امتحان داده و در ضمن به تحصیل دانشگاهی نیز مشغول و در همان سال از مدرسه عالی تربیتی قضایی قم موفق به گرفتن لیسانس امور تربیتی و قضایی شدم و به مدت ۱۲ سال در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده و از سال ۱۳۶۷ هفته ای یک روز یا بیشتر در مراکز تربیت معلم و دانشگاههای مختلف و علوم قضایی مشغول تدریس بوده ام.

دهقانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد : کاشان

شهرت : دهقانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیهٔ الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله حسن زاده و آیهٔ الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیهٔ الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیهٔ الله حسن زاده و بخشی را نزد آیهٔ الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایهٔ الحکمه – شرح اشارات جلد سوم- رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره- المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایهٔ الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دهکردی اصفهانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۳ -۱۲۷۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در دهکرد (شهرکرد) متولد شد. پدرش و پدر مادرش هر دو از علمای دهکرد بودند. چند سال در اصفهان نزد آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی و دیگران تحصیل نمود، سپس در عراق خدمت چند نفر از اجله‌ی علما و فقها تحصیلات خود را تکمیل کرد. وی از شاگردان میرزا محمدحسن شیرزای و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و از مشایخ روایت آقا سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی بود. پس از

بازگشت، در اصفهان به تدریس و تالیف و تبلیغ مشغول شد. متجاوز از سیصد تن از فضلا در مجلس درس او، در مدرسه‌ی صدر، حاضر می‌شدند. وی مرکز فتوی و مراجع مردم بود. در اصفهان درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار وی: «الوسیله» یا «وسیه النجاه» یا «وسیله المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیله المعاد»، در دو قسمت: بخش اول در توحید و عدل و بخش دوم در نبوت و امامت، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ حاشیه بر «وافی» فیض کاشانی؛ حاشیه بر «متاجر» شیخ مرتضی انصاری؛ رساله‌ای در «قبض»؛ شرح بر «شرایع»، در دو مجلد؛ شرح فارسی بر «من لا یحضره الفیه» صدوق.[۱]

سید ابوالقاسم بن سید محمدباقر دهکردی اصفهانی دانشمندی بزرگوار و خطیبی عالیقدر از شاگردان علامه میرزا حبیب‌اللّه رشتی و معاصرین وی بوده که پس از تکمیل مبانی علمی به اصفهان برگشته و به انجام وظائف دینی از تدریس و وعظ و ارشاد و اقامه جماعت پرداخته و در مدرسه صدر اصفهان عده زیادی به درسش حاضر شده و استفاده می‌نمودند و در ماه رمضان جمعیت زیادی برای درک فیض پای منبرش حاضر می‌شدند بسیاری از اعلام معاصر اصفهان از تلامذه و شاگردان ایشانند.

وی در یکشنبه هفتم شوال ۱۳۵۳ ه در سن ۸۱ سالگی وفات نموده تاریخ ولادتش ۱۲۷۲ هجری بوده.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۴۱۷/۲)، تذکره القبور (۹۴ –۹۳)، الذریعه (۸۵ ،۸۴ /۲۵ ،۳۵۶/۲۲)، ریحانه (۲۴۴/۲)، علماء معاصرین (۱۶۹ –۱۶۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶ –۲۴۵ /۱)، معجم المؤلفین (۱۱۵/۸)، مکارم الاثار (۲۰۱۱ –۲۰۰۷ /۶).

دیلمی طبرستانی، سلار، سالار، ابویعلی حمزه عبدالعزیز

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۶۳ ق)، فقیه، اصولی، ادیب و محدث امامی. ملقب به سلار یا سالار. در فقه و ادب پیشگام بود. سیوطی در «طبقات» خود او را از جمله‌ی ادیبان بنام برشمرده است. ساکن بغداد بود و مورد اعتماد و احترام. شیخ مفید و سید مرتضی از مشایخ او می‌باشند. شیخ ابوعلی طوسی، فرزند شیخ الطائفه، و شیخ منتجب‌الدین و ابوالمکرم مبارک بن فاخر نحوی و ابوالفتح عثمان نحوی و ابوالصلاح حلبی و ابوالفتح کراجکی از شاگردان وی بودند. سلار گاهی به جانشینی سید مرتضی درس می گفت. وی در قریه خسرو شاه تبریز درگذشت. سیوطی به نقل از صفدی سال مرگ وی را ۴۴۸ ق می‌داند. از آثارش: «المقنع فی المذهب»؛ «التقریب»، در اصول فقه؛ «المراسم العلویه»، در احکام نبویه، در فقه؛ «الرد علی ابی‌الحسین البصری فی نقض الشافعی»؛ «التذکره فی حقیقه الجوهره»؛ «الابواب و الفصول»، در فقه؛ «المسائل السلاریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۱۷۲ – ۱۷۰ /۷)، ایضاح المکنون (۵۵۳، ۲۷۵ /۱)، الذریعه (۱۲۴/۲۲، ۳۵۲، ۲۹۸/۲۰، ۱۸۰، –۱۷۹ /۱۰، ۳۶۵، ۲۴/۴)، ریاض العلماء (۴۴۴ –۴۳۸ /۲)، ریحانه (۵۱ – ۵۰ /۳)، فهرست منتجب‌الدین (۸۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل/ سلار الدیلمی)، معجم المؤلفین (۲۳۵، ۷۹ /۴)، هدیه العارفین (۳۸۰/۱).

دیلمی یمانی، محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۱۱ ق)، فقیه زیـدی. اصـلش از دیلم است، که به یمن منتقل شـده و در صـنعاء سـکنی گزیـده است. وی در راه بازگشت به دیارش در وادی مر از دنیا رفت. دیلمی صاحب کتاب «قواعـد عقائـد آل‌محد (ص)» است که از اصول کتابهای زیدیه می‌باشد. این کتاب در «الذریعه» تحت عنوان «قواعد العقائد»، در قواعد عقاید باطنیه، آمده است. از دیگر آثارش: «الصـراط المسـتقیم»؛ «المشکاه من الموانع المردیه»، در زهد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۸/۶)، الذریعه (۱۸۶/۱۷).

دین پرور، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین دین پرور

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسین دین پرور مشهور جمال الدین دین پرور در سال ۱۳۱۷ در خانواده ای مذهبی و متدین در تهران به دنیا آمد. نامبرده پس از مدتی عشق وافر او به علوم دینی او را به سوی حوزه علمیه رهسپار کرد و پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه علم و تحصیل به درجه اجتهاد نایل گردید. در دوران تحصیل خویش از محضر اساتید بزرگی چون مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی ، مرحوم آیت الله بروجردی، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و ... بهره ها برد.

نامبرده در دوران حیات علمی خویش تألیفات فراوانی به رشته تحریر درآورده است که وی هم اکنون در حوزه های علمیه تهران و دانشگاههای تهران به تدریس علوم ناب اسلامی مشغول است و در این راستا شاگردان فراوانی تربیت و تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

دینی، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید دینی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سعید دینی در سال ۱۳۵۳هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در همدان دیده به جهان گشود. پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۷۰وارد حوزه علمیه قم گردید و در جوار ملکوتی بارگاه کریمه اهل بیت(ع) رحل اقامت افکند. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۸۱ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله سبحانی، آیت الله وحید، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. در کارنامه علمی وی علاوه بر پژوهش در موسسه امام صادق علیه السلام، تدریس در دانشگاه پیام نور همدان، دانشگاه آزاد اسلامی همدان و حوزه علمیه المهدی قم وجود دارد.

ذاکری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر ذاکرخمی

محل تولد : بردسکن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :۱. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی ؛ معالم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم . در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در

سال تحصیلی ۵۵ – ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ – ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الونديه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ – ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ – ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ – ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ – ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ – ۶۱ بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط

علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی ۷۴ – ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعهٔ الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذوالفقاری، شهاب الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهاب الدین ذوفقاری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب شهاب الدین ذوالفقاری در سال ۱۳۴۰ شمسی در اصفهان تولد یافته و از دوران کودکی ضمن قرار گرفتن تحت تربیت دینی والدین گرامی ام (حفظهما الله تعالی) با ورود به مدرسه و طی نمودن دوران دبستان و راهنمائی از جانب آنان جهت ورود به حوزه علمیه بسیار تشویق می‌شدم. با مشورت با علمای اعلام قرار شد پس از اخذ دیپلم متوسطه وارد حوزه گردم تا سرعت بیشتری در فراگیری علوم دینی داشته باشم. دوران دبیرستان را در فاصله سالهای ۵۴ تا ۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در یکی از بهترین دبیرستانهای اصفهان به نام دبیرستان حکیم سنائی سپری نمودم در حالیکه از فعالان انجمن اسلامی مدرسه در آن سالها بودم.

مطالعه کتب دینی را از سال دوم راهنمائی آغاز نمودم و به زودی با وضعیت اسلام و مسلمانان در سراسر جهان آشنا شدم . همچنین با پدیـده اسـتعمار و نقش آن در عقب مانـدن مدل جهان از همان سـنین آشـنا بودم. با پایان گرفتن دوره دبیرسـتان در اولین کنکور سراسـری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۸۵ شـرکت نموده و با رتبه خوب در رشـته مهندسی برق دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. حلاوت تحقیقات قرآنی را با نوشـتن مقاله ای در دوره دبیرستان تحت عنوان حب در قرآن چشیدم ضمن آنکه در آن دوران مطالعات گسترده ای در زمینه مکتب مارکسـیسم داشـتم. با ورود به د انشـگاه دروس مقـدمات حوزه را به طور پراکنده آغاز نمودم و با شـروع انقلاب فرهنگی از سال ۵۹ رسـما وارد حوزه علمیه اصـفهان شدم . دروس مقدمات را نزد مرحوم حجت الاسـلام فخرالـدین کلباسـی و آقایان حجـج اسـلام رحیمی و باقری و حکیم الهی و داوری و کلاهدوزان طی نمودم. اینجانب به طور آزاد و تحت نظارت مرحوم آیت الله شـیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) درس می‌خواندم. فقه و اصول سطوح را نزد حججج اسلام سید محمد فقیه ، حکیم الهی ، سـید رضا کلاهدوزان و ... و منطق و کلام و فلسـفه را نزد مرحوم حجت الا سلام شیخ باقر صدیقین (ره) و حججج اسـلام شیخ حسین عشاقی و سید رضا کلاهدوزان و حجت الاسلام محزون و تفسیر قرآن را نزد مرحوم آیت الله سید محمد بـاقر ابطحی (ره) تلمـذ می‌کردم. بـا بازگشـائی دانشـگاه هـا (پس از انقلاـب فرهنگی) در سـال ۶۱ به طور همزمـان در همـان رشـته مهندسی برق شاخه مخابرات ادامه تحصیل داده و در سال ۶۶ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم و در همان سال با پایان گرفتن دروس سطوح در درس خـارج فقه واصول مرحوم آیت الله سـید محمـد صادقی (ره) به مـدت دو سال و آنگاه در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله شـیخ حسن صـافی اصـفهانی به مـدت چهـار سـال شـرکت نموده تقریرات دروس این دو بزرگوار را به زبـان عربی نوشـته ام. اینجانب از سال ۵۹ تدریس رادر آموزش و پرورش نواحی یک و دو اصـفهان در سـطح راهنمائی و دبیرسـتان با تدریس دروس دینی و عربی آغاز نمودم از سال ۶۸ تا ۷۰ در صـنایع دفاع هسا برای کادر رسمی دروس عقیدتی سیاسی تدریس می‌نمودم. مـدت دو سال ۷۱ تا ۷۳ در نیروی مقـاومت بسـیج ناحیه اصـفهان برای فرمانـدهان این نیرو دروس عقیـدتی (کـد ۲۴۱) را تـدریس می‌کردم و از سال ۷۰ تا کنون (۸۶) در موسـسه آموزش عالی دارالقرآن الکریم اصـفهان که اکنون دانشکده معارف قرآن اصفهان نامیده می‌شود مشـغول به تدریس انواع دروس کلام و تفسـیر و علوم قرآن و تعلیم و تربیت بوده ام. در طول سالهای گذشته از سال ۷۲ تا کنون درحوزه علمیه اصـفهان، دارالحکمه حضرت باقرالعلوم (ع)، دفتر تبلیغات اسلامی و مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان شرح لمعه و اصول الفقه و رسائـل و بدایـهٔ الحکمه و نهایـهٔ الحکمه و بدایـهٔ المعـارف و کلاـم جدیـد و شـرح نهـج البلاغه و تفسـیر تدریس می‌نموده ام. در دانشـکده معارف قرآنی اصفهان بیش از ۱۲ سال مـدیر گروه های کلام و تفسـیر و فقه بوده ام که به حمد الله در این دانشکده تا کنون هزاران مربی قرآن و احکام و عقاید تربیت شده اند. از سال ۷۳ تا ۷۶ در رشته کارشناسی ارشد ، فلسفه و کلام اسـلامی در دانشـکده الهیات دانشـگاه تهران تحصـیل و پایان نامه خود را تحت راهنمائی جناب حجت الا سـلام آقای دکتر احمـد بهشتی به نـام" عقـل در کتـاب و سـنّت "بـا نمره عـالی دفاع نمودم و اکنون دانشـجوی دوره دکترای کلام در تربیت مـدرس دانشگاه قم هستم. اینجانب از سال ۸۴ به عضویت رسـمی هیئت علمی وزارت علوم پذیرفته شده و در حال حاضر معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده معارف قرآن اصفهان می‌باشم .

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، عـالم امـامی، فقیـه اصـولی و مجتهـد. اصـلا تهرانی و ایـوان کیفی بـود. به همراه پـدر به عراق مهـاجرت کرد و در کـاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهـانی اسـتفاده برد. در نجف نزد سـید مهـدی بحرالعلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سـید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصـفهان سـکنی گزیـد و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصـد عـالم و فاضـل بر او اجتماع کردنـد که از جملهٔی آنها، سـید محمـدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصـفهان درگذشت و حاج سـید محمدباقر حجهٔالاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشـیه المعالم» به نام «هـدایه المسترشـدین»، در شـرح اصول «معالمالـدین»؛ شـرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» اسـتادش بحرالعلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیه المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۸/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۳/۲)، تذکره القبور (۲۱۵ -۲۱۲)، الذریعه (۱۹۵/۲۵ ، ۲۸۴ -۲۸۳ /۱۶، ۱۶۵/۱۴، ۳۶۶/۱۳، ۲۰۵/۶)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۱۹ /۲)، ریحانه (۴۰۴ -۴۰۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ -۲۱۵ /۱۳)، فواید الرضویه (۴۳۵ -۴۳۴)، لغت نامه (ذیل/ محمدتقی)، معجم المؤلفین (۱۳۱ -۱۳۰ /۹)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۳۶۴/۲).

رازی اصفهانی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و عـالم امـامی. اصـلا تهرانی بود که در ایوان کیف متولـد شـد و همـان جا برآمـد. وی مشـهور به صـاحب «الفصـول فی علـم الاـصول»، و برادر شـیخ محمـدتقی رازی اصـفهانی، صـاحب «هـدایه المسترشـدین» اسـت. از برادرش و همچنین شـیخ علی بن جعفر، کسب علم کرد. کتـاب وی در اصول فقه، حـاکی از نقطه نظرات تحقیقی و فکر عمیق او میباشـد. در کربلا اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول مشـغول شد و جماعتی از علما در محضرش تلمذ کردند. از شاگردان وی میتوان حاج میرزا علینقی و میرزا زینالعابـدین طباطبـایی را نـام برد. او آشـکارا و شدیـدا از عقایـد فرقهٔی شـیخیه اظهـار تبری میکرد. در کربلا درگذشت و در صحن صغیر در بقعهٔی سید مهدی طباطبائی دفن شد. سال وفات وی را ۱۲۵۴ ق نیز نوشته‌اند. از آثار وی: «الفصول الغرویـه فی الاـصول الفقهیـه»، معروف بـه «فصـول»، در اصـول فقه؛ رسـاله‌ای در طهـارت و نمـاز و روزه‌داری؛ «رسـالهٔی عملیه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۷/۶)، ایضاح المکنون (۳۱۹/۲)، تذکره القبور (۲۱۴)، الذریعه (۲۴۲ -۲۴۱ /۱۶)، روضات الجنات (۱۲۳ -۱۲۲ /۲)، ریحانه (۳۸۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۱ -۳۹۰ /۱۳)، فوائد الرضویه (۵۹۱)، لغت نامه (ذیل/ محمدحسین)، معجم المؤلفین (۲۵۶، ۲۴۲/۹/۱۶/۴)، مکارم الآثار (۱۴۸۵ -۱۴۸۴ /۵)، هدیه الاحباب (۱۷۷)، هدیه العارفین (۳۷۱/۲).

رازی، ابوالفتح سلیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۴۷ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب شافعی و محدث. وی در آغاز فنون ادب را به کمال آموخت و پس از چهل سالگی به تدریس پرداخت. او در فقه شاگرد ابوحامد اسفراینی بود و از احمد بن محمد بن بصیر و احمد بن فارس لغوی و محمد بن جعفر تمیمی و ابی‌حامد اسفراینی و احمد بن محمد بن صلت مجبر و ابواحمد فرضی روایت می‌کرد. وی به بغداد رفت و به فقه پرداخت و به نشر علم در سواحل شام و صور همت گماشت. ابوبکر خطبی و ابومحمد کتانی و سهل بن بشر اسفراینی و فقیه نصر بن ابراهیم مقدسی و ابوالقاسم نسیب از وی روایت کردند. گویند: وقتی که در بغداد بود نامه‌هایی را که برایش می‌آمد باز نمی‌کرد و همه را جمع می‌کرد، تا موقعی که از تحصیل علم فراغ حاصل کرد، سپس همه‌ی نامه‌ها را گشود و خواند و به اخبار دردناک مندرج در آنها- که اگر قبلا خوانده بود از کار علم باز می‌ماند همانند مرگ کسان و خویشان- وقوف یافت. سلیم در سفر مکه پس از انجام اعمال حج در ساحل جده در دریای قلزم غرق شد. از آثارش: «التقریب» در فروع؛ «روح المسائل»، در فروع؛ «ضیاء القلوب»، در تفسیر قرآن؛ «غریب الحدیث»؛ «الکافی»، در فروع؛ «المجرد»، در فروع؛ «الاشاره»، در فروع.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۶۳۰، ۱۵۹۳، ۱۳۷۸، ۱۲۰۵، ۱۰۹۱، ۹۱۵، ۴۶۶، ۹۸)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۸ -۱۲۷)، معجم المؤلفین (۲۴۳/۴)، الوافی بالوفیات (۳۳۴/۱۵)، وفیات الاعیان (۳۹۹ -۳۹۷ /۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/۱).

رازی، ابوجعفر محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۵ ق)، فقیه و اصولی. وی شیخ حنفیان و مدرس ایشان در موصل بوده و به اربل نیز ترددی داشته است. در موصل درگذشت. از آثارش: «الفرائض» یا «فرائض الرازی»؛ «النوری فی مختصر القدوری»، کتابی در فروع فقه حنفی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۸۵/۲)، ری باستان (۳۴۵/۲)، کشف الظنون (۱۶۳۲ -۱۶۳۱)، معجم المؤلفین (۲۱۸/۸)، هدیه العارفین (۱۰۹/۲).

راستی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین راستی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله حاج شیخ حسین راستی کاشانی در سال ۱۳۰۶ در شهرستان کاشان در محلّه سلطان امیر احمد (از فرزندان موسی بن جعفر (ع)) به دنیا آمد. مادرش، ربابه بود و پدر وی، علی نام داشت که از راه ابریشم بافی، روزگار می‌گذرانید و مدتی نیز کارمند دولت بود. زندگی آیهٔ الله راستی کاشانی در خانواده‌ای ساده، امّا متدیّن و دوستدار خاندان پیامبر (ص) آغاز شد؛ شیفتگی پدر او به روحانیّت به حدّی بود که اگر در کوچه خیابان، فرد معمّمی را از دور می‌دید، صلوات می‌فرستاد و در پیشگاهش ادای احترام می‌کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را تا پایهٔ ششم در شهر کاشان به پایان رسانید. پس از آن، به دلیل نارضایتی پدر از وضعیت دبیرستانهای آن روزگار، به دبیرستان نرفت و در بعضی از تجارت خانه‌ها و مغازه‌ها به کار مشغول شد.

پس از مدتی به سراغ نقاشی طرحها و نقشه‌های قالی رفت و آن حرفه را نزد استادان معروف و مجرّب فرا گرفت؛ امّا به سبب شوق فراوان به کسب معارف اسلامی و علوم دینی، راهی حوزه علمیه کاشان شد. دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس سطح را نزد استادان مشهور آن دیار آموخت و سپس، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم، نیز رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان رساند و در کنار آن به تحصیل فلسفه، کلام و تفسیر مشغول بود. پس از آن، عازم نجف اشرف شد تا ضمن باریابی به درگاه مولای متقیان، علی (ع) از محضر استادان آن دیار نیز بهره ببرد که این سفر بیش از بیست و پنج سال به طول انجامید. علت مهاجرت ایشان به نجف اشرف، علاقه فراوان ایشان به تفسیر قرآن کریم واطلاع از جلسات درس تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی آقای خویی بود. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طی این سالها، به تدریس درسهای آموخته نیز می‌پرداخت و شاگردان بسیاری را تربیت می‌نمود؛ امّا با شرفیابی حضرت امام(ره) به شهر امیرمؤمنان علی (ع) ، آیهٔ الله راستی درس خود را که طلاب بسیاری در آن شرکت می‌جستند، تعطیل کرد و همراه با شاگردان، در درس امام خمینی(ره) شرکت کرد. آیهٔ الله راستی کاشانی، در طول دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسته‌ای بهره‌مند بود.

وی در کاشان، دروس دورهٔ ادبیات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را نزد استادانی همچون آیهٔ الله العظمی سید محمد حسین رضوی، آیهٔ الله میرزا حسین فاضل نراقی، آیهٔ الله غروی کاشانی، آیهٔ الله شیخ علی اکبر صمدی و آیهٔ الله حاج شیخ جعفر صبوری قمی فرا گرفت. با ورود به قم، رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیهٔ‌الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیهٔ الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیهٔ‌الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و حضرت آیهٔ الله العظمی حاج سید محمدباقر طباطبایی بروجردی (سلطانی) آموخت و برای آموختن تفسیر، هیئت، فلسفه نزد مرحوم علامه طباطبایی رفت.در دورهٔ تحصیل در نجف نیز، به درس خارج اصول و فقه و تفسیر آیهٔ الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی و آیهٔ الله العظمی میرزا باقر زنجانی رفت. همچنین در درس حضرات آیات حاج سید محسن حکیم و حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، شیخ حسن حلّی، حاج میرزا حسن بجنوردی و حاج سید حسین حمّامی نیز به تناوب شرکت می‌جست. وی برای فراگیری علم حدیث و درایه و بخشی از حکمت و فلسفه به نزد آیهٔ الله العظمی حاج سید عبدالاعلی سبزواری رفت.

از دیگر استادان او در فلسفه و کلام، آیهٔ الله حاج شیخ صدرا می‌باشد. همچنین وی تفسیر را نزد عالم ربانی، آیهٔ الله شیخ محمد علی سرابی و آیهٔ‌الله العظمی آقای خویی آموخت در این مدت ایشان از جلسات خصوصی اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید جمال گلپایگانی بهره برد. با حضور امام (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، آیهٔ الله راستی به درس ایشان شتافت و از محضر وی بهره‌های بسیار برد. آیهٔ الله راستی مدتی در جلسات فقهی شورای استفتای آیهٔ الله خویی شرکت داشت. آیهٔ الله راستی کاشانی در دوران تحصیل در قم با آیهٔ‌الله مرحوم حاج شیخ علی حیدری، آیهٔ‌الله حاج سید جلال فقیه ایمانی، آیهٔ الله حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، انس فراوان داشت و در جلسات مباحثه درسی آنان شرکت می‌کرد. در نجف نیز با مرحوم آیهٔ الله حاج سید نصر الله

مستنبط، آیۀالله حاج سید حسن قزوینی، آیۀ الله حاج سید مرتضی نجومی و آیۀ الله حاج سید محمد نوری جلسات مباحثه علمی برقرار می کرد که این جلسات سالیان متمادی ادامه داشت. از دیگر دوستان نزدیک وی، آیۀ الله حاج سید اسدالله مدنی، مرحوم آیۀ الله شیخ محمد فکوریزدی و مرحوم آیۀالله حاج سید مرتضی خلخالی است. آیۀ الله راستی کاشانی با مرحوم آیۀ الله حاج سید عبدالکریم کشمیری، انس فراوانی داشته است.

آیۀ الله راستی کاشانی در طول عمر خود، تا کنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است که ذکر همۀ آنها در این مختصر نمی گنجد. وی حدود پنجاه سال است که به تدریس در حوزه‌های علمیه کاشان، نجف اشرف و قم می‌پردازد و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورش داده است که برخی از آنان خود، از استادان و فضلایی هستند که در حوزه‌های علمیه ایران و دیگر کشورها به خدمت به جامعۀ تشیع می‌پردازند. برخی نیز در پستهای مهم و حساس نظام اسلامی، خدمت می‌نمایند. آیۀ الله راستی، در زمان حیات امام(ره) به نمایندگی ایشان برای ساماندهی امور حوزه و ایجاد تشکیلات شورای مدیریت حوزۀ علمیه قم منصوب شد و مُجاز به تصرف در امور شرعیه شد. در این زمینه، وی خدمات شایانی را به سرانجام رسانده است که آثار و برکات آن تا هم اکنون نیز بر جای مانده است. آیۀ الله راستی به پژوهش در زمینه‌های گوناگون دینی، پرداخته که برخی از آنان در نشریات کشور به چاپ رسیده است. وی همچنین تقریرات دروس برخی از اساتید خود را نگاشته و حواشی و دستنوشته‌هایی در زمینه فقه و اصول دارد. اشتغال به درس و علوم دینی، آیۀ الله راستی را از مبارزه بر ضد طاغوت بازنداشت.

وی از نخستین روزهای نهضت، به جمع مبارزان پیوست و همواره با اطاعت از رهنمودهای امام خمینی (ره) به افشاگری ماهیت شوم خاندان پهلوی و تلاش برای استقرار نظامی اسلامی با بهره گیری از معارف اهل بیت (ع) می‌پرداخت. از جمله فعالیتهای سیاسی وی که پیش‌تر، ذکر آن آمد، تعطیل کردن درس خود در نجف و حضور در درس امام(ره) به منظور مطرح نمودن و تقویت نهضت امام خمینی(ره) بود. دیگر اینکه وی در سال ۱۳۴۳، مسألە تقلید از امام خمینی(ره) را به طور جدی مطرح کرد. آیۀ الله راستی، با عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جزء فعالان این مجموعه شد و امضای او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی که بر ضد شاه منتشر می‌شد، به چشم می‌خورد. از دیگر فعالیتهای وی در زمان رژیم شاه، سفر به آبادان، به نمایندگی از طرف امام خمینی (ره)، برای حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. وی از کسانی بود که در مسجد دانشگاه تهران متحصن شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، فعالیتهای سیاسی معظم له پایان نیافت. و تاکنون به نیز ادامه دارد.

راشد، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم راشد

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله کاظم راشد ملقب به راشد یزدی در یزد در خانواده‌ای به دنیا آمد پدرش مرحوم حاج علی‌اکبر مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزندانش را در مسائل معنوی کمک می کرد. آیت الله کاظم راشد یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۴ وارد حوزه علمیه یزد شد و به تحصیل علوم اهل بیت(ع) همت گماشت. آیت الله راشد یزدی در طول سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیار بزرگی را درک کرد. از محضر آقایان علاقه‌بند مدرسی مقدمات و سطح اول را بهره برد. سپس به قم هجرت کرد و در چند سالی که در قم دروس سطح را می‌خواند به درس آیت الله صدوقی، آیت الله مصباح و آیت الله مشکینی رفت و از محضر آنان بهره برد. با پایان یافتن دروس سطح به دروس خارج آیات عاملی و آیت الله انصاری محلاتی در شیراز رفت و از محضرت آنان کسب فیض کرد. نامبرده تا به امروز فعالیت‌های فرهنگی بسیاری به عالم اسلام تقدیم داشته است، به او تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط مختلف دنیا مسافرت کرده و مردم آنجام را ارشاد نموده است.

راشدی نیا، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال ۱۳۷۵در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایهٔ الحمهٔ، المظاهر الالهیهٔ ، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهدایهٔ الاثیریهٔ ، رسائل اجوبهٔ المسائل ، المظاهر الالهیهٔ ، رسالهٔ اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرهٔ المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راشدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی راشدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

با اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۸ دروس حوزوی را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شهرستان خوانسار از توابع استان اصفهان شروع نموده و پس از گذراندن دوره سطح دو سال درس خارج در همان مدرسه در محضر حضرت آیت الله مرحوم تقدیری شرکت کردم و سپس در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و مدت ده سال از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و ناصر مکارم شیرازی بهره جستم. در این میان در دروس تفسیر و فلسفه در حد نیاز شرکت نمودم.

در زمینه تدریس نیز مدت پنج سال دروس مقدماتی را چند بار در مدرسه علمیه خوانسار و معالم الدین و شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری را در حوزه علمیه قم تدیس نمودم. در کنار اشتغال به تحصیل و تدریس در موسسه مجمع الفکر الاسلامی با جمعی از دوستان به کارهای تحقیقاتی پرداختم که آثار شیخ اعظم انصاری در ۲۸ مجلد و شرح لمعه در ۴ مجلد و مطارح الانظار در دو مجلد منتشر شده است. و برخی از آنها به نام کتاب سال برگزیده شده است.در کنار کار تحقیقاتی در کنگره شیخ انصاری و کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد حضرت امام خمینی (ره) در تصحیح مقالات از نظر کیفی و ادبی و برگزاری کمیسیون های بررسی مقالات همکاری داشتم و مدتی نیز به عنوان عضو هیئت علمی با کنگره شهید آیت الله صدر فعالیت نمودم.از سال ۱۳۷۶ وارد موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل البیت علیهم السلام که به فرمان حضرت آیت الله خامنه ای (زید عزه) تاسیس گردیده است شدم و در بخش معاونت تحقیقات دائره المعارف همکاری نمودم و اکنون نیز عضو شورای سرگروه های علمی آن موسسه می باشم که سرپرستی تدوین جلدهای ۱۵ و ۱۸ دائره المعارف به عهده اینجانب می باشد

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد : اصفهان

شهرت : ربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیهٔ الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربانی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر ربانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را نزد مدرس افغانی فرا گرفتم و طی دو سال به پایان رساندم. آن گاه مختصر المعانی و معالم الاصول و اصول الفقه و لمعتین را نزد استاتیدی همچون استاد وجدانی فخر و استاد سبحانی و بعضی اساتید خصوصی می آموختم و در درس اخلاق بعضی آیات عظام شرکت می کردم. از ابتدا علاقه زیادی به تدریس و نوشتن داشتم و در پی فرصتی برای پی ریزی این دو برنامه بودم و جسته و گریخته فعّالیتهای اندکی در این دو زمینه داشتم. کلاسداری یکی دیگر از برنامه های من بود کلاسهای قرآن و عقاید و تاریخ در شهرستان تربت حیدریه و سایر شهرستانهای دیگر از جنبه های زندگیم را سفرهای تبلیغی تشکیل می داد سفرهای مختلف به شهرها و روستاهای کشور اسلامی و عزیزم که با فرهنگ های گوناگون آشنا می شدم . ولی سطح عالی مانند مکاسب و رسائل و کفایه را نزد اساتیدی همچون استاد اعتمادی، دوزدوزانی، ستوده، پایانی، صالحی مازندرانی آموختم.

در سال ۱۳۷۱ رسماً مشغول تدریس دروس دینی در یکی از مدارس حوزه علمیه قم گردیدم و در سال ۱۳۷۵ در مرکز جهانی علوم اسلامی برای طلاب غیر ایرانی شروع به تدریس نمودم. و اینک نیز به لطف خدای مهربان اشتغال به تدریس دارم و برکاتی از این طریق نصیبم گردیده. نوشتاری را تقریباً از سال ۱۳۷۴ شروع کردم.مشوق اصلی من در این رشته جناب حجهٔ الاسلام مهدی مهدوی پور بودند که سرپرستی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) را در سازمان تبلیغات اسلامی بر عهده داشتند به تشویق ایشان اوّلین کتاب خود را نوشتم(کتاب معلی بن خنیس معلم استقامت)

بی انصافی است اگر از تشویقات همسرم در این زمینه نامی نبرده باشم به هر حال، روز به روز علاقه مندی به نوشتن و تحقیق در من بیشتر می شد و پس از مدّتی دومین کتابم را جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چاپ رسانید(کتاب خلیل بن احد) و در این بین مقالاتم به لطف خدای مهربان یکی پس از دیگری چاپ می شد ولی اینک نزدیک به بیست مقاله در موضوعات مختلف نوشتم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح ۳ را با موضوع عـدالت خداوند به رشـته تحریر در آوردم و با عنایت الهی رساله ای جالب و تحقیقی به مرحله دفـاع رسـید و آقایان داور با اعطای نمره ۱۹ اینجـانب را بسـیار تشویق نمودنـد و با توفیقی الاباالله. اینک به لطف ایزد پاک خود را برای نوشتن پایان نامه سطح چهار(دکترا) آماده می کنم و امیدوارم هم یاریم نماید.
باورم بر این است که طلاب علوم دینی علاوه بر تقوا ورزی طلبگی و سایر شؤن دینی و سیاسـی و اجتماعی ناگزیر از چهار نکته می باشد: تدریس، تحقیق، تبلیغ، تحصیل. باور دیگر من در زندگی علمی طلاب آنست که از پایه ۶ باید رشته تخصصی انتخاب نمایند و علاوه بر رشته عمومی دوره تخصصی را نیز بگذرانند تا پس از مدّتی در جهتی خاص، صاحب نظر گردند.
از دیگر مراحل علمی زندگیم، شـرکت در دروس خارج است که به مدّت ۱۳ سال دروس حضرات آیات وحید خراسانی و مرحوم شیخ جواد تبریزی شـرکت نمودم و بهره ها گرفتم. دیگر از باورهای علمی من این است که طلاب ناگزیر از تسـلط یکی از زبانهای خارجی و زبان اینترنت و کامپیوتر هسـتند تا با اطلاع رسانی سـریع تر برای همه مخاطبان خود مفیـد و نافع باشـند در پایان امیـدوارم خداوند عمر ما را سرتاسر نور و در جهت نشر معارف اهل بیت (ع) بندگی خودش بنماید.

ربیع نیا، ابوطالب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوطالب ربیع نیا قمی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب ابوطـالب ربیع نیا درسال ۱۳۵۵ برای تحصـیل درعلـوم دینی و حوزوی وارد حوزهٔعلمیه شهرسـتان چـالوس شـدم و دروس مقـدماتی حوزه را در آن جـا گذرانـدم. در سال۱۳۷۵ ،هم زمـان بـا اوج گیری نهضت اسـلامی برای ادامه تحصـیل عازم قم شـدم. دروس حوزه را در مقطع سـطح و سـطوح عالی در محضـر اساتیـد بزرگ حوزه علمیه قم خواندم و سالهاست که در مقطع خارج به تحصـیل اشـتغال دارم . در کنار دروس اصـلی حوزه ،درسـها ی فلسفی، کلام و تفسیر را نیز به طور جدی پی گیری کردم. حقیر در کنار اشتغال به تحصیل، ازسال۱۳۶۲تـا به امروز همواره به کار تحقیقی و پژوهش در موضوعات مختلف علمی و فرهنگی پرداخته و با مؤسـسات علمی وفرهنگی همکاری داشته و دارم. برخی از مهمترین مراکز علمی و فرهنگی که حقیر به عنوان محقق و نویسنده با آنها همکاری داشـته ، از این قرار است : ۱.همکـاری با گروه محققان معجم بحارالانوار به عنوان محقق. ۲.بنیاد نهج البلاغه ،محقق. ۳.همکاری با ماهنامه بنیان وابسـته به مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور به عنوان نویسندهٔ مقالات . ۴.همکاری با گروه فلسفه و کلام دائرۀالمعـارف قرآن کریـم ،وابسته بـه مرکزفرهنـگ قرآن دفـتر تبلیغـات اسـلامی بـه عنـوان نویسـندهٔ برخی از مـدخل هـای قرآنی. ۵.همکـاری بـا پایگـاه اطلاـع رسانی سراسـری اسـلامی(پارسا)به عنوان چکیـده نویس. ۶.همکـاری با مؤسـسه تنظیم و نشـرآثارامام خمینی (ره)دفترقم ،دربخش دانشـنا مـۀ امـام خمینی وعضویت درگروه فلسـفه و کلام ،اخلاق و عرفان دانشـنامه و تهیه مـدخل های

فلسفی ،کلامی ،عرفانی ،و اخلاقی دانشنامه . ۷.همکاری با گروه محققان مؤسسهٔ فرهنگی وعلمی رواق حکمت.

رجایی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسین رجایی پور

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله محمدحسین رجایی پور مشهور به رجائی خراسانی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در نیشابور به دنیا آمد، در خانواده‌ای متدین و با اخلاق رشد و نمو یافت و پس از سپری مقداری از دروس کلاسیک با تشویق و راهنمایی پدر خویش وارد حوزه علمیه نیشابور شد. مقدمات را در زادگاهشان نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفت. پس از آن برای تکمیل دروس حوزه به قم عزیمت نمود و در کلاس درس بزرگانی چون آیت الله ملکوتی حاضر گشت. زندگی ایشان همواره با دغدغه و تلاشهای علمی همراه بوده است به گونه‌آی که در سال ۱۳۴۳ برای کسب فیض از محضر مرحوم آیت الله خوئی و مرحوم شیخ حسین حلی به نجف اشرف هجرت کرد و ۴ سال در آنجا رحل اقامت افکند پس از آن به ایران بازگشت و در سالهای خفقان در راه سازماندهی مبارزات مردم علیه رژیم ستم شاهی پهلوی تلاشهای بسیاری انجام داد و وقت زیادی صرف روشنگری جوانان و نوجوانان کرد و سهم به سزایی در پیروزی انقلاب اسلامی برعهده داشت.

رجایی رامشه، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کاظم رجایی رامشه

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کاظم رجائی رامشه در شهریور ماه ۱۳۳۹ در شهر حناء «استان اصفهان » به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران

راهنمایی به حوزه علمیه شهرضا و در سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم عزیمت و وارد حوزه علمیه قم شدم .موقعیت زمانی و شور انقلاب در بین طلاب آن زمان تقریباً تمامی طلاب را به صحنه های پر شور انقلاب و پس از آن به جاذبه های دفاع مقدس می کشاند و طبیعی بود که بنده در این مجموعه قرار داشتم .

حدود سالهای ۶۳ وارد مؤسسه درراه حق شدم از گذراندن دروس معارف اسلامی به رشته اقتصاد گرایش پیدا کردم. سال ۶۷ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد نظری را شروع و در سال ۱۳۷۵ از پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان:« قیمت گذاری در اقتصاد اسلامی » با راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حسین نمازی و مشاوره استاد گرانقدر دکتر سید کاظم صدر دفاع کردم و همان سال وارد مقطع دکتری شدم و سر انجام در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود با عنوان « ماهیت بهره و کارآیی اقتصادی آن » به راهنمایی استاد بزرگوار دکتر پرویز داودی و مشاوره اساتید محترم حجهٔ الاسلام حسن آقا نظری و دکتر عباس شاکری دفاع کردم . در ایام تحصیل افزون بر تدریس دروی اقتصاد، تا حدودی به مطالعه و تحقیق پرداختم که حاصل آن انتشار چندین مقاله ، طرح و دو مجلد کتاب با عنوان های « معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن » و « ماهیت بهره و کارایی آن » می باشد.

رجایی زفره‌یی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۱ ق)، نویسنده، فیقه اصولی، ادیب و شاعر، متخلص به رجا. در زفره به دنیا آمد در اثر سعی و کوشش بسیار در اغلب علوم از قبیل صرف و نحو و رمل و جفر و اعداد سرآمد گردید. وی در قریه‌ی زفره به تدریس و وعظ و تحریرات شرعی روزگار می‌گذرانید. سرانجام در زفره وفات یافت و در همان جا دفن شد. از او آثار فراوان به جای مانده است. از جمله: «اسهل اللغات یا منتخب اللغات»؛ «کتاب الارث»؛ «تجوید و ترتیل قرآن»؛ «دبستان الشعراء»، در عروض و قافیه؛ «قواعد الرمل»؛ «سپهر اللغه»؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۰۹ -۲۰۷)، تذکره القبور (۱۰۲ -۱۰۱)، الذریعه (۷۴۱، ۳۵۵ /۹)، فرهنگ سخنوران (۳۶۹).

رجایی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا رجایی

محل تولد : اسفاد زرین کوه قاین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رضا رجایی فرزند مرحوم حاج محمد رحیم در سال ۱۳۳۱ ه.ش در یک خانواده مذهبی در روستای اسفاد از توابع زرین کوه قاین خراسان جنوبی متولد شدم. البته به صورت دقیق تر تولدم در سفری که والدینم بعد از سفری طولانی زیارتی که از عتبات عالیات عراق به موطن خود بر می گشتند در حوالی گرگان اتفاق افتاد. والدین این فرزند را یادگار این سفر و موهبتی از جانب خداوند متعال توسط ائمه عراق می دانستند. از طرف پدر به مرحوم مصطفی قلی از افراد معروف آن منطقه و والده ام مرحومه بی بی صدیقه فرزند مرحوم کربلایی سیّد اسماعیل اسماعیلی از سادات مورد احترام آن حدود میباشد. دارای همسری از سادات خویشاوند و پنج فرزند«۲ پسر و ۳ دختر» می باشم. در سن ۶ سالگی وارد مکتب استاد مرحوم ملا وهاب آخوندی شدم و در مدت حدود ۲ سال به فرا گیری قرآن و کتابهای فارسی متداول مکتب آنروز مانند صد کلمه و کتابهای اشعار مراثی اهل بیت(ع) اشتغال داشتم و در این فاصله ۴ مرتبه قرآن را نزد استاد، قرائت کردم . در سن ۹ سالگی وارد دبستان شدم ولی چون در اسفاد مدرسه نبود به مدت ۶ سال مسیر ۶ کیلومتری اسفاد و آبیز روستای مجاور را با تمام مشکلات پیاده پیمودم. عشق و علاقه به کتاب در کودکی آنگونه بود که هر وقت والدین میخواستند تشویقم کنند برایم کتاب دینی و قرآن می خریدند که هنوز هم نمونه آن موجود است. در سال ۴۷ وارد مدرسه علوم دینی و جعفریه قاین شدم و تا سال ۱۳۵۰ کتابهای مقدمات و صرف و نحو و منطق و بخشی از معانی بیان را نزد اساتید حوزه حضرات آیات سید علی آیتی ، سید محمد علی فقیه ، سید محمد رضا سادات رحمهم الله و استاد سید علی رضا منتظری فرا گرفتم و در نهایت کتابهای مقدماتی را تدریس میکردم . در سال ۱۳۵۰ ه.ش وارد حوزه علمیه مشهد شدم و حدود ۳ سال اقامت در مدرسه های خیراتخان و سلیمانخان سابق از محضر علمای حوزه اساتید معظم سید حسن صالحی، واعظ طبسی ، محمد رضا محامی ، رضازاده ، محمد باقر واعظی و در درس تفسیر آیت الله خامنه ای که در روزهای تعطیل در مدرسه میرزا جعفر برگزار میشد بهره بردم. در سال ۱۳۵۳ ش وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۶۲ در آن حوزه مقدسه به فراگیری علوم اسلامی فقه ، اصول ، تفسیر ، عقاید و بخشی از فلسفه را از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات عظام سید محمد رضا گلپایگانی ، فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، مکارم شیرازی ، شیخ جواد تبریزی ، نوری همدانی و کوکبی پرداختم و از اساتید اخلاق ، تفسیر ، عقاید و فلسفه از آیت الله مشکینی ، نوری همدانی ، انصاری شیرازی و استاد شهید مرتضی مطهری می توانم یاد کنم . البته فراز و نشیبها در روند آموزش و تحصیل به تبع تحولات حوزه مقدسه قم و جریانات انقلاب و بعد از پیروزی در فاصله این مدت ده ساله (۵۳ تا ۶۲)و در این فاصله دروس پایه را برای بعضی تدریس نیز میکردم . در سال ۶۲ ش پس از حدود ده سال اقامت در قم به حوزه علمیه مشهد مراجعت کرده و در درس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار حضرات آیات حاج میرزا علی فلسفی ، استاد مرتضوی و علم الهدی شرکت کرده و بهره بردم و تدریس دروس پایه را نیز رها نکردم . به مدت سیزده سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی شاخه خراسان همکاری مستمر داشتم بلکه از بنیانگذاران این موسسه تحقیقاتی میباشم و هم اکنون در بخش تبلیغات آستان قدس رضوی علیه آلاف التحیه و الثناء به بیان احکام و مسائل شرعی و اقامه جماعت اشتغال دارم که این ارتباط از سال ۷۴ ش آغاز شده و ادامه دارد و قبلا به مدت ۴ سال مسئول پاسخگویی شرعی مکاتبه ای این آستان مقدس بودم و خطابه و تبلیغ را از سالهای آغازین تحصیل شروع کرده و به مناطق مختلف مملکت شهر و روستا در این رابطه مسافرت کردم. تاکنون بیش از بیست مرتبه به عنوان روحانی کاروان به زیارت حرمین شریفین مکه و مدینه مشرف شدم (در قالب کاروانهای حج و عمره)که پانزده سفر با زوار منطقه قاینات بوده است .

رجبی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رجبی

محل تولد : خواف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه تربت حیدریه و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه مشهد وارد شد ودرس های سطح را به پایان رساند .در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شده و درس های گوناگون حوزوی را تا کنون ادامه می دهد ؛ درس های فقه و اصول را نزد آیت الله فاضل لنکرانی ، آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی در مدت ۲۰ سال فرا گرفت ؛ در این فرصت بیشترین بهره برداری را از محضر استاد وحید خراسانی داشته است درس های فلسفه و عرفان را بمدت ۸ سال در محضر استاد حسن زاده آملی و استاد انصاری شیرازی بود .

همزمان با اشتغال به تحصیل دو کار مهم دیگر را مورد توجه و عنایت قرار داده است : ۱. حضور در صحنه تبلیغات بویژه در مناطق محروم مرزی ؛۲. پرداختن به فعالیت های پژوهشی کاربردی که مورد نیاز مناطق مختلف کشور بود ؛ از این رو نیاز ها و پرسش ها ی مذهبی که در مناطق مختلف کشور بویژه مناطق محروم و مرزی کشور به چشم می خورد ، ایشان را به فعالیتهای پژوهشی وادار نمود . در این راستا کتاب ها و مقالات گوناگونی را تالیف و ارائه داده است که مورد بهره برداری تمامی مبلغان ، فرهنگیان و حوزویان قرار گرفته است . البته این تالیفات از دو قسمت تشکیل می شود : ۱. کتاب هایی که به طور مستقل و جداگانه بوسیله خود ایشان تدوین شده است ،۲. نوشته هایی که با طرح ، نظارت و در نهایت تکمیل انجام شده است .

ایشان از سال ۱۳۶۱ به فعالیت های فرهنگی ، تبلیغی در سپاه پاسداران و جهاد سازندگی مشغول بوده است و در سال ۱۳۷۰ نهاد رهبری در امور اهل سنت را با همکاری دوستان پایه گذاری نمودند. در سال ۱۳۸۳ با همکاری گروهی از فضلای حوزه ، موسسه فرهنگی نجم الهدی را تاسیس کردند که در مسائل فرهنگی ، دینی و مذهبی فعالیت می نمایند و در این راستا از سال ۱۳۷۴ تا کنون با اعزام گروهی از فضلای حوزه به مناطق محروم و مرزی ، به فعالیت تبلیغی و فرهنگی مشغول می با شند .

رجبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رجبی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس رجبی در سال ۱۳۵۳ تحصیلات ابتدایی خود را در شهر نیمور از توابع شهرستان محلات آغاز کردم و تا پایان دوره راهنمایی در همانجا گذراندم. در سال ۱۳۶۱ به خاطر حضور در جبهه ترک تحصیل کردم و در سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه القائم محلات دروس حوزوی را آغاز نمودم و پس از گذشت یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه امام باقر(ع) (جنب پل نیروگاه) مشغول به درس شدم. با اتمام لمعتین معمم شدم و به سال ۶۷ به مدرسه فیضیه آمدم و تا سال ۱۳۶۹ حجره داشتم. سال ۷۱ در موسسه در راه حق که بعداً به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تغییر نام داد مشغول به تحصیل علوم قرآنی و فلسفه شدم و همزمان در دروس حوزوی شرکت می‌کردم. سال ۷۲ سطح را با انجام آخرین آزمون آن به پایان رساندم در حالی که از دو سال قبل آن در دروس خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم. اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره بردم عبارتند از: استاد جوادی آملی و در فقه و تفسیر، استاد جعفر سبحانی در اصول، استاد فاضل لنکرانی در فقه، مرحوم استاد تبریزی در فقه و استاد کعبی در فقه، در سال ۷۳ با یک سال مرخصی از موسسه راهی سفر تبلیغ به کرند غرب در استان کرمانشاه شدم و مدیر و استاد حوزه علمیه خواهران آنجا شدم. در سال ۷۶ با پایان رساندن دوره دروس معارف موسسه، در دوره تخصصی روان‌شناسی شرکت کردم و تا سال ۸۱ به تحصیل ادامه دادم. سال ۱۳۸۲ با نوشتن پایان‌نامه و دفاع از آن با اخذ نمره ۱۹ موفق به کسب مدرک کارشناسی ارشد روان‌شناسی شدم. در سال ۸۰ در بخش مشاوره تربیتی مرکز نهاد رهبری در دانشگاهها مشغول به فعالیت شدم که تاکنون ادامه دارد. در طول تحصیل مقالات زیادی برای مراکز مختلف و مجله‌های علمی نوشتم که عبارتند از: مجله معرفت از موسسه آموزش امام خمینی، مجله پرسمان از نهاد رهبری در دانشگاه و موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات، مجله شمیم یاس از حوزه علمیه خواهران و مجله صبح از صدا و سیما. همچنین در برخی همایش‌های علمی و تربیتی در سطح دانشگاهها شرکت کردم و به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختم. در سال ۸۴ به عضویت مشاوران مرکز مشاوره و راهنمایی بلاغ و وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی درآمدم که از آن زمان تاکنون در دو مدرسه عالی فقه و معارف و مدرسه تخصصی فقه و اصول به سمت مشاوره مشغول به خدمت هستم.در سال ۸۵ به اداره ارشاد قم بخش بررسی کتاب برای نقد و بررسی کتاب دعوت شدم که تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای تبلیغی بنده از سال ۶۵ برای اولین بار به عنوان مبلغ در جبهه‌های نبرد با استکبار حاضر شدم و در سال ۶۶ رسماً معمم شدم و در ایام تبلیغی به شهرها و روستاها مهاجرت کردم. در سال ۷۴ به عنوان روحانی کاروان‌های حج و عمره و عتبات پذیرفته شدم که از آن زمان تاکنون ۱۵ سفر تبلیغی همراه با کاروان‌ها داشته‌ام که به ترتیب سه مرتبه حج تمتع ۹ مرتبه عمره، دو مرتبه کربلا و یک مرتبه سوریه.

رحمان ستایش، محمدکاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاظم رحمان ستایش

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۶۰ شروع به تحصیل دروس حوزوی نمودم. در شیراز از درس حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و استاد شیخ علی موحد تا اتمام لمعتین و اصول فقه استفاده کردم. در سال تحصیلی ۶۳ تا ۶۴ به قم مهاجرت کردم و یک سال در مدرسه امام مهدی (عج) زیر نظر آیت الله العظمی گلپایگانی تحصیل کردم. دروس سطح عالی را نزد اساتید برجسته حوزه آقایان شیخ علی پناه اشتهاردی، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده، روشنی، تا سال ۱۳۶۶ گذراندم. فلسفه را از دروس آقایان روشنی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی استفاده کردم. از سال ۱۳۶۶ در درس اساتید خارج فقه و اصول شرکت کردم که شرح آن چنین است :۲ سال کتاب القصاص آیت الله مشکینی، ۵ سال ولایت فقیه و کتاب الزکات آیت الله منتظری، ۷ سال کتاب الطهارهٔو صلاهٔ و حدود آیت الله تبریزی، ۴ سال خارج اصول آیت الله تبریزی، ۲ سال خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی، ۳ سال خارج بیع آیت الله وحید خراسانی،۱۵ سال خارج اصول آیت الله وحید خراسانی، ۲ سال خارج اجاره آیت الله شبیری زنجانی،۳ سال خارج خلل صلاهٔ و کتاب الحج آیت الله سید محمد روحانی،۳ سال تعطیلات درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری، ۵ سال تفسیر آیت الله جوادی آملی، تقریر همه دروس و اکثرا به عربی تدوین شده است. در سال ۱۳۷۱ فعالیت پژوهشی رسمی را با همکاری با معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (درآن زمان) آغاز کردم.

درسال ۱۳۷۴ در راه اندازی پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات مشارکت داشته و تا سال ۱۳۸۰ به صورت مستمر با این پژوهشکده همکاری داشته ام. مدیریت گروه پژوهشی، تاسیس و مدیریت کتابخانه تخصصی فقه وحقوق را نیز بر عهده داشته ام. از سال ۱۳۷۷ به مرکز تحقیقات دار الحدیث دعوت شدم و به عنوان مدیر گروه رجال فعالیت نمودم از سال ۱۳۷۸ معاونت پژوهشی و آموزشی این مرکز را نیز پذیرفتم و تا کنون در این سمت بوده ام. در طول سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری داشته ام و ضمن فعالیت پژوهشی، مدیریت و راه اندازی واحد پژوهش های گفتاری را بر عهده داشته ام. در تمام این مدت در ضمن مسئولیت و مدیریت پژوهشی، فعالیت پژوهشی مستمر و تدریس هم داشته ام. برخی از آثار پژوهشی هم به عنوان آثار برگزیده یا تشویقی معرفی شده اند. گذشته از این آثار، محصولات مختلفی نیز با نظارت یا راهنمایی یا مشاوره اینجانب تدوین شده است که شرح آن به قرار زیر است. ۱. راهنمایی یا مشاوره حدود ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد در مراکز مختلف آموزشی۲. اشراف/ معجم مصطلحات الرجال و الدرایهٔ / دار الحدیث ۳. نظارت/ دانش رجال از دیدگاه اهل سنت/ دار الحدیث ۴. نظارت/ مأخذ شناسی رجال شیعه/ دار الحدیث ۵. جهود الشیخ المفید و مصادره الفقهیه/ بازنویسی دو فصل آن/ دفتر تبلیغات ۶. گفتگوهای فلسفه فقه/ شرکت در گفتگوها/ دفتر تبلیغات .

رحمانی فرد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحمانی فرد

محل تولد : سبزوار

شهرت : رحمانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

از آنجا که در آبادی ما مدرسه نبود و بعد هم که آمد خانواده ما چندان اعتقادی به مدرسه علوم جدیده نداشتند. لذا از سنین کودکی به مکتب خانه رفتم و قرآن و کتاب گلستان سعدی و دیوان حافظ شیرازی را در مکتب خانه خواندم و بعد وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و در مدرسه فصیحیه مشغول به تحصیل علوم قدیمه شدم و در همان ایام شبانه تحصیلات کلاسیک را تا سیکل خواندم و در اوایل سال ۱۳۵۳ به قم عزیمت کردم و در دروس اساتید سطح (پایه ۶و ۷) شرکت کردم و همزمان با وارد شدن به حوزه علمیه قم و شرکت در محافل سیاسی و پخش بیانیه ها و نوارها و کتابهای حضرت امام خمینی ره همواره تحت تعقیب ساواک رژیم بودم و در جریان یورش بیرحمانه ماموران شاه به مدرسه فیضیه در سال ۱۳۵۴ دستگیر و پس از ضرب و شتم به زندان اوین منتقل شدم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کارهای تحقیقی و تبلیغی و فرهنگی مشغول میباشم.

رحمانی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رحمانی

محل تولد : روستای جمال آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سن ۵ سالگی در مکتب خانه ابوی که تنها مرکز تعلیم و تعلم بود قرآن را فرا گرفتم روستای جمال آباد از توابع جوین سبزوار در چند فرسخی سبزوار قرار دارد که اهالی آن از طریق کشاورزی کسب معاش می‌کنند و ساده زیستن و قناعت و تدین و قرآن دوستی و محبت به اهل بیت علیهم السلام از جمله ویژگیهای برجسته آنها بوده و هست و بحکم این فضای حاکم بر آنجا و خانواده مذهبی ما با علاقه شدید تعلم قرآن و کتب فارسی را دنبال نمودم بطوریکه وقتی دبستان شروع شد اینجانب را از کلاس اول معاف داشتند و لذا سال اول دبستان وارد کلاس دوم شدم. دوم و سوم را در یک سال و چهارم و پنجم را نیز در سال بعد خواندم و این بدان جهت بود که در سالهای تشکیل سپاه دانش در رژیم طاغوت سالی دو کلاس خوانده می‌شد. با اخذ مدرک کلاس پنجم در سن یازده سالگی به مدرسه علمیه آمدم و تصدیق ششم را در سال اول ورود به مدرسه علمیه از طریق امتحانات متفرقه از اداره فرهنگ اخذ کردم تا پایان دوره راهنمایی همین شیوه را ادامه دادم. وقتی وارد مدرسه فصیحیه سبزوار شدم تقریباً اواخر سال ۴۴ بود زمانی که این حقیر ۱۱ سال بیشتر نداشتم و عشق به طلبگی مرا به این وادی کشانده بود، و قسمتی از این امر را مرهون فضای حاکم

بر روستا و بخش مهم آن را در گرو عشق شدید خانواده خودمان به اهل بیت علیهم السلام می‌دانم. هیچگاه قبل از ورود به مدرسه شهر را ندیـده بودم، اما موضوع مهم در آن زمان خوابی بود که دیـدم. و آن این بود که در خواب، اتاق، محل اتراق، محل مدرسه، پنجره مشرف بر خیابان و خیابان در ذهنم آمـده بود و وقتی به مدرسه علمیه فصیحیه سبزوار وارد شدم، تمام آن صحنه‌های خواب در جلو چشمم هویدا شد و انگار که دوباره آن را می‌دیدم. مدرسه از وجوه موقوفات مربوط به آقای فصیحی اداره می‌شد که خود در مدرسه مدیریت می‌کرد و مدیر علمی و تحصیلی آنجا حضرت آقای فاضلی بود البته ائمه جماعات مساجد شهر هم آن جا بودند و تـدریس هم داشـتند. اما من نزد همین آقای فاضـلی صـرف، نحو، سیوطی، جامع المقدمات را آموختم. موضوع مهم در آن زمان این که به خاطر تلاش و استعداد و هوشم یک ماه بیشتر نگـذشت که صـرف میر و تصـریف را با تمام ابوابش حفظ کردم و همه را خوب می‌خواندم، آقائی بود به نام آقای علی محمدی؛ ایشان از علمای نجف دیده بودند که مدیریت یکی از مدرسه‌ها را عهده دار بودند و به طلاب و اساتید حوزه کمک می‌نمودند و از طرف چند نفر از آیات عظام تقلید شهریه به طلاب می‌دادند. ایشان در یک جلسه امتحـان عمومی وقتی مرا دیـد گفت کوچولو شـما آمدیـد امتحـان بدهیـد گفتم فلفل نبین چه ریزه... ۱۰ سؤال مشـکل از من پرسـید که همه را خوب پاسخ دادم، بسیار خوشـحال شـد و گفت: شـما بـایستی ممتحن صـرف بشویـد. در همان ابتـدا و در همان مدرسه در حالی که ملامحسن و فی النحو را می‌خواندم برای طلبه‌های تازه وارد صرف را تدریس می‌کردم و به خاطر این که تقریباً با دوسـتان خودمانی بودم و به آسانی سؤالاتشان را مطرح می‌کردند درس این حقیر بسـیار شـلوغ بود و این روند در آنجا که ۳ سال بودم ادامه داشت.

اواخر سال ۴۷ برای ادامه تحصـیل علوم دینی به شـهر مقدس مشهد رفتم و در مدرسه جعفریه به مدیریت حاج آقا شیخ غلام حسین ترک در کوچه میرعلم خان حجره ای گرفتم و مدت ۳ سال در آنجا اقامت کردم، اساتید زیادی را گذراندم و نزدشان تلمذ نمودم. نزد استاد ادیب نیشابوری که آن زمانی پیرمردی بود مقداری از ادبیات را فرا گرفتم، اما به خاطر پیری استاد فهم مطالب برایم سخت بود از این رو نزد آقای سـید حجت هاشـمی ادبیات را ادامه دادم و با این که بعضی از کتب ادبیات را در سبزوار خوانده بودم جهت آشـنایی بیشتر، دوباره آنها را نزد اسـتاد سـید حجت هاشـمی خواندم. سـیوطی، مغنی، بلاغت، مطول، مختصـر المعانی را نزد نامبرده خوانـدم و نزد اقـای رضـازاده در مـدرسه آیت الله میلانـی و نزد آقـای محقق اصول فقه و لمعه را خوانـدم و نزد آیت الله طبسـی در مسـجد ملاـ هـاشم، معـالم و قوانین را تملـذ نمودم. در همان زمان هم حاشـیه ملاعبـدالله، منطق و منظومه را هم نزد آقایان واعظی و دهشت گذراندم.

سه سالی که در مشهد و در مدرسه جعفریه بودم از پربرکت ترین و بهترین زمان عمرم بود توشه های خوبی از این سه سال برگرفتم و فوایـد زیادی داشت که تا پایان زندگی از آن اسـتفاده می‌کنم چرا که بسیار از دروس مقدمات و سطح را در آن سالها به خوبی خوانده و بر آنها تسـلط کافی یافتم. از اواخر سال ۴۹ بـا یکی از دوسـتان جهت تکمیل و بهره گیری بیشتر از علوم دینی به سوی قم آمـدیم در حالی که نه جایی را می‌شـناختیم و نه کسـی را، فقط به امیـد خـدا آمدیم. وسایلمان را به گاراژ دایر در کنار پل آهنچی سـپردیم و پس از مـدتی بحمـدالله توانسـتیم حجره ای در مـدرسه مهـدیه باجـک تهیه کنیم و بصـورت آزاد در درس متفـاوت علما حضور پیدا کنیم و دروس را نزد اساتید و فضلای ذیل خواندیم:

لمعه ج ۲ آیت الله شب زنده دار و باغانی سبزواری

مکاسب نزد آیت الله ستوده در طول سه الی چهار سال

کفایتین نزد آیت الله سید کاظم حائری، رسائل را نزد موسوی تبریزی و موسوی تهرانی

فلسفه را نزد آقای محمدی گیلانی و دکتر احمدی و مدتی هم نزد شهید مفتح

قمستی از اسفار را نزد شـهید مطهری (جلد سوم) و برای تکرار درس قوانین مدتی محضر آیت الله دوزدوزانی قوانین را تلمذ نمودم

(قبلاً نزد آقای طبسی در مشهد خوانده بودم)

سال ۱۳۵۵ دروس خارج را شروع کردم که دروس روزمره ام در موضوع خارج فقه، خارج اصول و فلسفه خلاصه می‌شد. خارج فقه ۳ سال نزد آیت الله گلپایگانی، ۳ سال نزد آیت الله نوری همدانی و مدتی هم به صورت آزاد از دروس خارج علمای دیگر به جهت آشنایی با شیوه علمی آنان بهره بردم.

خارج اصول را از سال ۱۳۵۵ تا ۷۸ یعنی بیشتر از ۲۰ سال نزدیک دو دوره کامل نزد آیت الله وحید خراسانی تلمذ نمودم و در مدت ۷ سال هم دروس فقه ایشان هم می‌رفتم.

اشارات بوعلی (فلسفه) شفای بوعلی و فصوص الحکم، مصباح الانس و هیئت را نزد علامه حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اسفار را نیز نزد آیت الله صدر و جوادی آملی تلمذ نمودم. در درسهای اخلاق آقای تجلیل تبریزی و آقای مشکینی در قم حضور می‌یافتم.

مسئله عمده زندگی علمی این حقیر در کنار تلمذ تدریس بوده و هست. و هیچ چیز را بیشتر از تدریس و تدرس دوست ندارم. از ابتدای طلبگی تدریس را شروع کردم.

از سال شروع به تحصیل در مدرسه فصیحیه، جعفریه در سبزوار و مشهد تدریس داشته‌ام، صرف و جامع المقدمات و سیوطی را در سبزوار و مشهد برای دوستان تدریس کردم و از وقتی که وارد قم شدم نیز در مدرسه مهدیه مسجد امام عسگری و فیضیه قم تدریس آزاد داشتم در حجره ای واقع در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها هم بصورت آزاد از سال ۶۶ تا ۷۳ رسائل، مکاسب و منظومه را تدریس کرده ام. تدریس‌های متفاوتی داشته‌ام و در نهایت به صورت آزاد در منزل مسکونی هم تدریس داشته ام. موارد تدریس شامل تدریس منطق، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر، صرف و نحو و ادبیات می‌شد که در طول ۷ سال تابستان و پنج شنبه و جمعه‌ها در منزل خودم هم دروس منطق، منظومه درایه و رجال را تدریس می کردم. تدریس در حوزه‌ها و مدارس علمیه بصورت تک درسی نیز داشته‌ام مثلاً لمعه را قبل از انقلاب در مدرسه امام صادق علیه السلام در نیروگاه تدریس می‌کردم.

از سال ۵۵ تدریس لمعه در مدرسه امام صادق علیه السلام و بعد از انقلاب تدریس نهایهٔ الحکمه وبدایهٔ الحکمه، ختصر المعانی، شرح لمعه، مکاسب، رسائل و منظومه را به صورت آزاد در مراکز مختلف از جمله حجره‌های صحن حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها را داشته ام. پس از انقلاب در مدرسه فیضیه حاشیه ملاعبدالله و منطق مظفر را نیز تدریس کردم.

در مدرسه باقرالعلوم دفتر تبلیغات اسلامی نهایهٔ الحمکه و بدایهٔ الحکمه و طهارت الاعراق را به مدت ۴ سال تدریس می‌نمودم.

در مدرسه آیت الله گلپایگانی از سال ۷۴ دروس رسائل مکاسب کفایه و از ۵ سال اخیر فقه خارج و اصول خارج را هم در آنجا تدریس دارم که تقریرات، کلا مکتوب گردیده است.

دروس درایهٔ الحدیث و قواعد العلم الرجال به مدت ۲ سال در مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۲ سال هم کلام جدید و نهج البلاغه در دارالشفاء، حجتیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشته‌ام.

سال ۶۱ به مرکز جهانی علوم اسلامی دعوت شدم که تازه، تأسیس شده بود از آن زمان به تدریس مختصر المعانی،حاشیه ملا عبدالله، باب حادی عشر،شرح تجرید، اصول فقه،لمعه،تفسیر مشغول شدم که تا سال ۶۶ ادامه داشت و از ۶۶ تا ۷۳ به عنوان عضو هیأت ممتحنه مرکز همکاری می‌کردم و سپس از سال ۷۲ مضافاً بر همکاری در هیئت ممتحنه دوباره تدریس در مرکز را آغاز نمودم که در حقیقت همکاری با مرکز بیشتر شد چرا که طرح سوالات امتحانی «لمعه و مکاسب، رسائل، حلقات ،رجال، درایه و...» نیز بعهده این حقیر و چند نفر از دوستان دیگر بود و این امر تا سال ۸۲ ادامه داشت ضمناً از سال ۱۳۷۸ یا ۷۹ تاکنون در کنار تدریس در مرکز، ممتحن خارج فقه و اصول بوده ام.

حدود ۵ ترم هم در دانشگاه قم تـدریس داشـتم که با تقاضای دانشـگاه و طی مراتب از وزارت علوم دکتری خود را دریافت کردم چندین ترم در تخصصـی تفسیر حوزه علمیه و دو ترم هم در تخصصـی تربیت مبلغ حوزه و یک ترم هم در تخصصی قضاء تدریس نمودم.

به صورت منسجم و متفاوت در مراکز علمی گوناگون خصوصاً در حوزه‌های علمیه تدریس داشـته‌ام از این رو تدریس در دانشگاه را در حالی که پیشنهادهایی داشته‌ام نپذیرفتم و تدریس در حوزه را اکنون قریب به ۲۵ سال است که بطور مستمر ادامه می دهم.

رحیمی ایمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رحیمی ایمانی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۶/۵

زندگینامه علمی

اینجـانب محمـد رحیمی ایمانی حـدودا در سال ۱۳۵۵ وارد مـدرسه آیـهٔ الله سیّد اسـد الله نبـوی واقع در دزفول شـدم از اوّل جـامع المقـدمات شـروع به خوانـدن درسـهای حوزوی نمودم. یک سال بعـد وارد مـدرسه حاج شـیخ مصـطفی عاملی از اولاد شـیخ بهایی معروف شـدم در آنجا حجره ای به من دادند. در آنجا سـکونت کردم.علاوه بر جامع المقدمات از کتاب معالم نیز خواندم روزها به مـدرسه مرحوم آیت الله آقا شـیخ محمّـد علی معزّی می رفتم ونزد مرحوم آقا شـیخ محمّـد جواد مدرّسـیان نیز درس می خواندم. به دلیل آنکه در دزفول شـهریه وجود نـداشت ناچار روزها کار می کردم و شـبها درس می خواندم. در سال ۱۳۵۸ با یک دنیا آمال و آرزو وارد حوزه علمیّه قم شـدم قبل از سال ۱۳۶۳ امتحان رتبه اوّل دادم بعـد از قبولی شـهریه امام راحل را اخذ نمودم و تاکنون که سال ۱۳۸۵ می باشد ادامه تحصیل داده ام. اساتیدی که در حوزه علمیه قم در حضورشان کسب فیض نموده ام:آقای شـجاعی،آقای موسوی تبریزی،مرحوم مدرس افغانی،مرحوم وجدانی فخر،آیت الله اشـتهاردی،آیت الله گلپایگانی، آیت الله نجفی مرعشی،آیت الله مکارم شـیرازی،آیت الله وحیـد خراسانی،آیت الله جعفر سبحانی، آیت الله آقا شـیخ جواد تبریزی،آیت الله آقا سـید مهـدی مرعشـی (معروف به اخوان مرعشـی) ،آیت الله نوری همدانی و آیت الله آقا شـیخ طیبی انصاری هسـتند.از بسیاری از آقایان اجازه تخمیس و روایتی و بخصوص از آیت الله نوری همـدانی درجه علمی و فضـل و از آیت الله اخوان مرعشـی اجازه اجتهاد متجزّی اخـذ نموده ام که هر دو در اوّل کتاب نسیمی از بوستان دوست به چاپ رسیده اند.در این مدّت چند مرتبه به زادگاه اصلی خود برای تبلیغ رفته ام. احـداث مسـجد واقامه نماز جماعت و سـخنرانیهای مفصل داشـته ام جهت تبلیغ به شهرسـتانهای متعّددی رفته ام که از همه جا بیشتر نیـاز مبرم محّل زادگاه حقیر به امر تبلیغ و ارشاد دارد، بارها در جبهه حضور یافته ام (با عنوان رزمی – تبلیغی) تا جایی که یکی از فرزندانم در اثر بمباران بعثی ها در دزفول شهادت یافته اند که مقسمین دفتر مقام رهبری کم و بیش از این مسئله اطلاع دارند.

رحیمی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رحیمی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۷/۱

زندگینامه علمی

عباس رحیمی فرزند غلامعلی متولد ۱۳۲۶ نجف آباد . تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف اشرف و قم تا حد اجتهاد و ده سال درس خارج ادامه دادم و از محضر اساتید بزرگوار ، آیات عظام مرحومین حضرات امام خمینی (ره) و سید ابوالقاسم خوئی و سید محمود شاهرودی در نجف اشرف و سید محمد رضا گلپایگانی (ره) و هاشم آملی و آیات عظام مکارم شیرازی و وحید خراسانی در حوزه علمیه قم بهره جستم .

در طول سال های ۱۳۴۲ تا امروز در جهت حرکت امام (ره) و مردم و در خدمت به انقلاب اسلامی و ترویج و تقویت آن و حضور در جبهه های جنگ تحمیلی و کمک های پشت جبهه و حضور در صحنه های مختلف به طور جدی حضور داشته ام و پیش از انقلاب مدتی در زندان شهربانی قم به علت شرکت در راهپیمایی زندانی بودم .

بیش از ۳۵ سال است که به تدریس علوم اسلامی شامل تفسیر، اخلاق ، ادبیات ، فقه ، اصول ، منطق و در حوزه نجف اشرف و قم و شهرستان ها و دانشگاه مشغول هستم و نزدیک به چهل سال است که به تبلیغات اسلامی مشغولم .

پس از انقلاب توقف در قم را صلاح ندانستم و هر جا نیاز بود حضور یافتم از طرف شورای انقلاب به سیستان و بلوچستان و پس از آن به کرمان و پس از آن به امامت جمعه شهرستان دشتستان بوشهر از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و پس از آن یک دوره (دوره دوم) به مجلس شورای اسلامی راه یافتم و پس از آن به امامت جمعه شهرستان استهبان فارس به مدت هشت سال از طرف حضرت امام (ره) منصوب شدم و اکنون مدت ده سال است که در سمت امام جمعه شهرستان مبارکه مشغول انجام وظیفه هستم که از عمر انقلاب تا کنون در سمت های گوناگون انجام وظیفه می نمایم .

در این مدت بیش از چهل جزوه و مقاله نوشته ام و یازده جلد کتاب مطبوع و ۵ جلد آماده چاپ می باشد .

رحیمی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد : فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم، پایه۱۰ را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات ـ فقه و مبانی اسلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رحیمیان

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در

خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری دردانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است.همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

ردایی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین ردایی

محل تولد : تنکابن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج حسین ردائی فرزند جمال متولد سال ۱۳۴۶ اهل شهرستان چالوس شهر مرزن آباد روستای پردنگون می باشد ودرمحله نعمت آباد تنکابن متولد شد. ایشان تحصیلات غیر حوزوی را در روستای مربوطه و شهر مرزن آباد گذرانده و در سال ۱۳۶۲ با ورود به مدرسه علمیه شهید بهشتی نوشهر تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد ودرهمان سال اول طلبگی دروس فرا گرفته رابرای برخی از پاسداران وافسران نیروی دریائی تدریس می نمود. درسال ۱۳۶۳یعنی کمتر از یک سال به دلیل اشتیاق فراوان ولزوم تعمیق معلومات پس ازکسب موفقیت در آزمون ورودی تحصیلاتشان رادرحوزه علمیه قم ادامه داد و چون حضور درمیدانهای دفاع مقدس به فرموده امام راحل(ره)از اهم واجبات بود همزمان با تحصیل به دفعات عازم مناطق عملیاتی شده وعلاوه بر ارشاد درعملیاتهای کربلای۴ ،والفجر۸ و بیت المقدس ۲درخطوط مقدم عملیاتی حضور داشته ودر عملیات والفجر۸درمنطقه ام القصر از ناحیه دست راست و سر مجروح گردیده که ازتاریخ ۱۰/۱۲/۸۴ تا ۹/۱/۶۵رادر بیمارستان آیهٔ الله کاشانی اصفهان درحال مداوا بودند .و آنگاه برای جبران اوقات حضور درجبهه تمامی ایام سال رابه تحصیل می پرداختند. بااستفاده ازمحضر حضرات آیات استادی، قدیری، اعتمادی و پایانی (رحمهٔ الله علیه) توانستند تا سال تحصیلی ۶۸-۶۹ تمامی کتابهای درسی حوزه رابا موفقیت به پایان برسانند. ایشان درسال تحصیلی ۶۹-۷۰همزمان با شرکت دردروس خارج فقه واصول تدریس راآغاز نموده وهم اکنون بیش از۱۵ سال است که دروس مقدمات وسطوح مختلف را درمدارس علمیه قم ومدارس مرکز جهانی علوم اسلامی ومدرسه مبارکه

فیضیه ودارالشفاء ومانند آن اشتغال دارند . ایشان دروس فقه واصول رااز محضر حضرات آیات عظام، مرحوم صالحی مازندرانی، نوری همدانی، فاضل لنکرانی(ره) ،وحید خراسانی وتبریزی(رحمهٔ الله علیه)بهره برده ودروس معقول رااز محضر حضرات آیات جوادی آملی ،انصاری شیرازی،وبخشی ازهیئت را ازمحضرحضرت آیهٔ الله حسن زاده آملی فراگرفتند. قابل ذکر است که سالیان متمادی از درس تفسیر وسایر دروس حضرت علامه آیهٔ الله جوادی آملی بهره برده وخود رامرهون فیوضات معظم له میدانند وهمچنین علاوه بر تدریس درحوزه علمیه قم ودانشگاه به تحقیق وتالیف نیز اشتغال داشته که ازجمله آثار وتالیفات ایشان عبارتند از: ۱.چکیده وحاشیه بربدایهٔ الحکمه مرحوم علامه طباطبائی، ۲.راهکارهای اصلاحات اجتماعی درحکومت دینی، ۳.تصحیح و ترجمه وحاشیه بر نهج الفصاحه، ۴.رساله فقهی ،استنباطی با موضوع خرید وفروش خون با فروعات آن. ضمناً به لطف خداوند علاوه برآنچه ذکر شد توفیق تدریس وتبلیغ درخارج از کشور و دانشگاههای داخل کشور وارگانهای مختلف به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ازجمله سوابق تبلیغی ایشان بوده است. امید است با لطف خداوندوهمت مردم شریف استان بتوانند درسنگر جلس خبرگان رهبری که تقویت آن موجب تقویت رهبری واستمرارنظام مقدس اسلامی است ،خدمتگذاری موفق رادر راستای اهداف انقلاب اسلامی ومنویات امام راحل ومقام عظمای ولایت داشته باشند.

رسایی، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رسایی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

حمید رسایی در اولین روز مرداد ماه سال ۱۳۴۷ در یکی از محله های جنوب تهران بدنیا آمد. دوره دبستان و متوسطه را در خیابان ایران که یکی از محلات مذهبی تهران بود به پایان رساند و وارد هنرستان شد. رفت و آمدها در پایگاه بسیج او را به جبهه های جنگ تحمیلی کشاند. همنشینی با دوست طلبه ای در آن دانشگاه انسان سازی، پس از مدتی او را در کلاس درس سال اول حوزه قم نشاند.مهر ماه سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شد اما به دلیل مشارکت در دفاع مقدس، درس را به طور جدی از سال ۱۳۶۷ آغاز کرد. دروس مقدمات حوزه را در مدرسه کرمانیها و نزد اساتید محترم حجج اسلام عالی، موسی گرگانی و ... آغاز کرد و سپس دروس فقه و اصول را در مدرسه معصومیه ادامه داد. دوره سطح را نزد اساتید معظم آیت الله استادی، سید احمد خاتمی، موسوی تهرانی، مسعودی و محمدی به پایان رساند. با آغاز دوره درس خارج از آیات عظام مکارم شیرازی، تبریزی، فاضل لنکرانی و علیدوست بهره برد. در همین ایام با تدریس دورس دوره مقدمات در مدرسه کرمانیها به تکمیل اندوخته های خود پرداخت.در طول این مدت با استفاده از فرصت تابستان و تعطیلی دروس حوزه به تعلیم زبان عربی همت گماشت و در کنار تحصیل و تدریس، در ایام تبلیغی به شهرها و مناطق مختلف کشور هجرت کرد. به دلیل آشنایی با زبان عربی به مدت دو سال برای

تـدریس از طرف سازمـان مـدارس و حوزه هـای خـارج از کشور در قـاره آفریقـا و کشور اوگانـدا حضور داشت. از سـال ۱۳۷۱ با حضور در کنـار محققین موسوعه میزان الحکمه بـا کـار علمی در مورد حـدیث آشـنا شـد که این همکاری تا کنون نیز ادامه داشـته است. در طول این مـدت به عنوان کمک محقق، محقق، مدیر ویرایش و نشـر مرکز سیاسـی ـ اجتماعی خود را وسـعت داد و از سال ۱۳۸۰ دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر را بنیان نهاد. این دفتر تا کنون بیش از ۱۶ عنوان تحقیق در موضوعات مختلف مهم سیاسی ـ فرهنگی منتشـر کرده است. اولین تـالیف خود را در سـال ۱۳۷۴ توسـط انتشـارات دفتر تبلیغات به چاپ رسانـد و تا کنون ۱۵ عنوان کتاب از وی به چاپ رسیده است که اکثر آنها چندین بار به چاپ رسیده است.

رستم نژاد، غضنفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غضنفر رستم نژاد

محل تولد : قائم شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۹/۲۱

زندگینامه علمی

اینجانب غضنفر(مهدی) رستم نژاد در یک روز پاییزی (۲۴، آذر ۱۳۴۱) در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشودم. برکاتی که از الطاف الهی نصـیبم شده است همه از شـیر طیب و دامان پاک مادر بزرگوار و روزی حلال و اخلاص پدر گرامی‌ام بوده است.در سال ۱۳۵۳ پس از اتمام کلاس پنجم ابتـدایی وارد حوزه علمیه رسـتمکلا از توابع بهشـهر مازنـدران شدم. آن حوزه که به ریاست و تدبیر حضـرت آیهٔالله حاج شـیخ ابوالحسن ابازی –رضوان الله تعالی علیه– اداره می‌شد گرم ترین حوزه علمیه در خطّه روحانی پرور شمـال بوده است.از لحظه ورود به آن حوزه (۸/۸/۱۳۵۳) تـا هفت سال تمام با شوق وافر و علاقه کامل به خوانـدن دوره‌ی ادبیات و قسمتی از سطح (تا مبحث استصاب رسائل) اشتغال داشتم.

پس از آن در تاریـخ ۱۱/۷/۱۳۶۱، وارد حوزه علمیه قم شـدم و از محضـر انور آیات معظّم، جناب حاج شـیخ مصـطفی اعتمادی در رسائل، جناب حاج شـیخ احمد پایانی (رحمهٔالله علیه) در مکاسب(بیع) ،جناب حاج شیخ محمدتقی ستوده(رحمهٔالله علیه) در رسائل و مکاسب (خیارات) و کفایه استفاده کردم. و از تاریخ ۲۲/۷/۱۳۶۴ در محضر حضرت آیهٔالله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی (دامت برکاته) به مدت شـش سال تمام یک دوره خارج اصول را گذراندم و در کنار آن در درس خارج فقه (کتاب خمس، صلاهٔ المسافر و کتاب البیع) نیز اشـتغال داشـتم و همچنین در دروس خارج فقه حضـرات آیات جوادی آملی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی (دامت برکاتهم) جمعاً به مدت ۱۰ سال اشتغال داشتم.به موازات این دروس، کتب فلسفه از منظومه سبزواری و بدایهٔالحکمه و نهایهٔ الحکمـه و اسـفار را نزد بزرگـوارانی چـون حضـرات آیـات جنـاب آقـای انصـاری شـیرازی، مصـباح یزدی و جـوادی آملی(دامت برکاتهم) گذراندم.

کنار تحصـیل علوم حوزوی، از گذراندن دروس دولتی غافل نبوده و در سال ۱۳۷۵ به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم در رشته ادبیات شدم.در سال ۱۳۷۰ در اولین دوره رشته تخصصی تفسیر قرآن شرکت کردم و چهار سال در این رشته در محضر اساتید

تفسیر چون حضرات آیات حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی، جناب حاج شیخ علی خزعلی، جناب حاج شیخ محمد هادی معرفت، جناب حاج شیخ علی احمدی میانجی(ره)، جناب حاج شیخ شب زنده‌دار، جناب حاج شیخ طاهر شمس(ره) و جناب حاج شیخ محقق داماد، بهره‌های فراوان بردم. علاوه بر این سال‌ها در محضر تفسیر حضرت آیـةالله جوادی آملی شرکت کردم.پس از پایان دوره با تدوین رساله‌ای با عنوان «التوسل فی الکتاب و السنّهٔ» به عربی در ۲۲۰ صفحه (در تاریخ ۲۷/۷/۱۳۸۱) موفق به اخذ مدرک سطح چهار حوزه شدم.

رشتی نجفی کاظمی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، فقیه، اصولی، متکم و محدث. او در نجف نزد علامه طباطبائی یزدی فقه، و در نزد محقق خراسانی اصول فراگرفت و بعد از استادان خود مدرس بزرگی شد. به خاطر مشکلات، نجف را به قصد کاظمین ترک کرد و در آنجا مجلس درس تشکیل داد و در کنار آن به انجام دیگر وظائف شرعی می‌پرداخت تا اینکه در همان جا درگذشت و در صحن دفن شد. سید محمدمهدی خوانساری اصفهانی کاظمی صاحب «احسن الودیعه»، در فقه و اصول، از شاگردان او بود. از آثار وی: «خلاصه الفقه» که کتاب بزرگی در فقه استدلالی است؛ حاشیه بر «الکفایه»؛ حواشی فتواییه بر بسیاری از رساله‌های عملیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۳۱/۷)، علماء معاصرین (۱۴۶ -۱۴۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۹ -۵۹۸ /۱۴).

رشتی نجفی، شعبان

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۸ -۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تصحیل کرد. در ۱۲۹۲ ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در ۱۳۰۲ ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرابیانی و شیخ محمدحسن مامقانی و حاج شیخ عبداللّه مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب فی احکام الخلل»؛ «کتاب المتاجر»؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاه المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال الترکه الی الوارث مع‌الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :علماء معاصرین (۱۴۵ -۱۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۹ -۸۳۸/ ۱۴).

رشتی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ق)، فقیه اصولی. وی از علمای بزرگ و زهاد نجف بود. در محضر علامه میرزا حبیب‌اللَّه رشتی تحصیل علم نمود و بسیاری از «تقریرات» استادش را در فقه و اصول نگاشت، و «تقریرات» اصولی او در مجلدی باقی است. وی در نجف درگذشت.[۱] ابراهیم از شاگردان آیت‌اللَّه العظمی میرزا حبیب‌اللَّه رشتی بوده و در حدود ۱۳۲۰ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۳۱/۱).

رشتی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۹ ق)، عالم، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی و ادیب. وی از دیارش به نجف سفر کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث و کلام پرداخت. مدت دو سال درک محضر شیخ انصاری نمود و پس از او به شاگردی شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی و سید حسین کوه‌کمری درآمد. کسانی چون سید کاظم یزدی و میرزا محمدعلی مدرس رشتی چهاردهی از شاگردان وی بودند. وی از مدرسان اصول و فقه و کلام بود که به حسن تعبیر و فصاحت و روشنی بیان شهره بود. او پس از مدتها به رشت بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور مذهبی مردم شد. وی در امر به معروف و نهی از منکر جدی بود، بحدی که یک بار توسط ناصرالدین شاه به تهران احضار شد و سرانجام آزاد گشت و به رشت بازگشت. او در رشت درگذشت و پیکرش به نجف حمل و در وادی‌السلام دفن شد. از جمله آثار وی: «کتاب فی الصرف»؛ «کتب ثلاثه فی الکلام و الفقه و الاصول».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۷/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۳ -۳۳۲/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

رشتی، میرزا حبیب الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میرزا حبیب الله رشتی فرزند میرزا محمد علی خان فرزند جهانگیر خان قوچانی گیلانی ، دانشمند و محقق ژرف نگر، از بزرگترین فقهای جهان تشیع و یگانه ی دوران خود بود.

پدرانش در اصل اهل قوچان بودند که در سالهای آغازین قرن یازده به گیلان کوچانده شده و از آن پس در گیلان ساکن شدند. میرزا حبیب الله سال ۱۲۳۴ ق . در املش چشم به جهان گشود و پدر خود را که مدتها در انتظار بود شاد کرد. آری میرزا محمد علی خان که از نیک مردان روزگار و حاکم منطقه بود خوابهایی دیده بود که این فرزند را از طلایه داران قرن نشان می داد.او در سالهای نخستین زندگی حبیب الله در تکاپوی یافتن معلمی مومن و دانا بود تا فرزندش گامهای اول ترقی را در زادگاه بپیماید. چنین بود که حبیب الله در خانه ، نخستین کلمات را از قرآن آموخت .

دوازده ساله بود که از املش به لنگرود و سپس به رشت عزیمت نمود تا بر اندوخته اش افزوده و پاسخی درخور پرسشهایش بیابد. هیجده بهار را دیده بود که به خواست پدر در میهمانی یکی از خوانین (امین دیوان لاهیجی) منطقه حضور یافت . خان حاکم با استفاده از قدرت و نفوذش تصمیم به پایمالی حق رعیتی داشت که با مخالفت سر سخت شیخ حبیب الله جوان روبرو شد. چون نصایح روحانی جوان کارگر نیفتاد به نشانی اعتراض مجلس مهمانی را ترک کرد و از همان روز تصمیم به ترک دیار گرفت .

در حوزه قزوین

شیخ حبیب الله در پی آرمانی بلند راه هجرت پیش گرفت و عازم حوزه ی عملیه ی قزوین شد. پدرش که او را به دلیل شهامت و اراده ی شگفتش می ستود برای تهیه لوازم زندگی ، او را تا قزوین همراهی نمود.

او در قزوین استادی عالیمقام یافت که ((شیخ عبدالکریم ایروانی)) نام داشت . استادی که در فقه و اصول نامور و ممتاز بود. شیخ حبیب الله هفت سال پیاپی از محضر ایشان بهره گرفت . و در همان شهر به خواست پدر، با خانواده ی ارباب وصلت نمود.

مشی زاهدانه ی استاد تاثیر شگرفی در او نهاد به گونه ای که از آن پس خود به زندگی زاهدانه روی کرد و تا پایان عمر بر روش پسندیده ی استاد وفادار ماند.

در ۲۵ سالگی ، سیراب از سرچشمه ی معارف دینی به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و با نظر شیخ عبدالکریم ایروانی خود را مهیای سفر به املش نمود.

سال ۱۲۵۹ ق . از قزوین به املش بازگشت و چهار سال مرجع امور دینی مردم بود. برپایی نماز جماعت ، هدایت و ارشاد مردم ، پاسخگویی به پرسشهای اعتقادی و قضاوت عادلانه او موجب شده بود مردم ارادتی عاشقانه به مجتهد جوان داشته باشند اما او دوست داشت سفری به دیار اهل بیت علیهم السلام نماید و از اساتید آن سامان بهره جوید. آری او تصمیم گرفت به نجف اشرف رفته و از حوزه ی علمیه ی آن شهر مقدس جرعه جرعه شراب معرفت نوشد.

مردم که از حضورش غرق محبت بودند، او را با عواطفی وصف ناپذیر بدرقه نمودند و او، همسر و فرزندش محمد را به خدای بی همتا سپردند.

شهر آسمانی

شیخ حبیب الله مجتهد املشی در سال ۱۲۶۳ ق . وارد نجف شد و در حلقه ی شاگردان فقیه کبیر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به کامجویی نشست . او تا سال ۱۲۶۶ ق . که سال وفات صاحب جواهر بود از کلاسش بهره برد و از آن فقیه نامور اجازه ی اجتهاد دریافت داشت .

پس از آن به درس شیخ اعظم انصاری دل بست و تا پایان زندگی پر افتخار شیخ اعظم از شاگردان ممتاز درس وی بود. شیخ حبیب الله فرموده بود: ((با آنکه هفت سال پیش از فوت شیخ از درس او مستغنی بودم ولی از هنگام ورود در جلسه ی شیخ تا موقع تشییع جنازه اش بحثی از ابحاث او از من فوت نشد.))

اسرار عشق

ویژگیهای اخلاقی میرزا حبیب الله رشتی او را به شخصیتی وارسته تبدیل کرد که زهدش زبانزد خاص و عام بود. در این مختصر

تنها به اشاره ای اکتفا کرده تا دوستداران بخوانند و بدانند شخصیتهای روحانی تاریخ شیعه چگونه زیستند.

۱. میرزا حبیب الله پس از مرگ پدرش که حاکم منطقه بود برای پاسداشت مقامش به گیلان سفر نمود اما اختلاف برادران بر میراث پدری موجب بازگشت او به نجف اشرف شد. او با اینکه زندگی بسیار فقیرانه ای داشت از سهم ارث چشم پوشید. میرزای رشتی پس از رسیدن به نجف ، برای تامین معاش ، بتدریج لوازم زندگی را یکی پس از دیگری فروخت به گونه ای که در گرمای طاقت فرسای تابستان از خرید آب نیز عاجز بود.

۲. یاد خدا در جان او چنان عجین شده بود که از هر فرصتی برای ذکر و تسبیح و قرائت قرآن کریم بهره می جست . حتی هنگامی که برای تدریس به سوی حرم مطهر می رفت وضو می گرفت و سوره ی مبارکه ی ((یس)) را در راه از حفظ می خواند تا به در قبله ی صحن امیرالمومنین علیه السلام می رسید، خواندن سوره را در کنار آرامگاه استاد خود شیخ انصاری (ره) به پایان می رسانید.

۳. در دقت و احتیاط ضرب المثل بود. همین امر وی را از پاسخگویی سریع و بدون تحقیق باز می داشت .

از دیگر سو مردم را تشویق می نمود تا استفتائات خود را به میرزای شیرازی ارجاع دهند. نوشته اند پس از پایان ماه رمضان برای اثبات اولین روز شوال بیش از ۴۰ نفر شهادت دادند و او فرمود ((نزدیک قطع شده است)) کنایه از اینکه هنوز برایم قطعی و یقین نشده است .

۴. او در ادب عشق نیز ممتاز بود. آنگاه که جان به حضرت عزرائیل می سپرد، هر چه پایش را رو به قبله دراز می کردند او پای خود را جمع می کرد و چیزی نمی گفت . چون چند بار این کار تکرار شد، از او علت را پرسیدند، به زحمت فرمود: ((چون وضو ندارم پایم را رو به قبله دراز نمی کنم)).

۵. هرگز وجوه شرعی را نمی پذیرفت ، با آنکه امری مرسوم و رایج بود. نقل می کنند: مردی ثروتمند از هند برای پرداخت وجوه شرعی به زیارت میرزای رشتی شتافت ، اما او چندان عصبانی شد که اطرافیان از حالتش متعجب شدند و چون از عصبانیتش پرسیدند فرمود: ((چاره ای جز عصبانیت نبود)). نیز نوشته اند علاءالدوله برای پرداخت پولی به عنوان وجوه شرعی به نجف اشرف مسافرت کرده بود ولی با بی اعتنایی میرزای رشتی مواجه شد و محقق رشتی با این رفتار به آیندگان نشان داد که مردان بزرگ خدا برای مال دنیا ارزشی قائل نیستند.

۶. نوشته اند: چهار نفر از شاگردان شیخ انصاری ارکان پایدار اعلمیت و ریاست بودند ولی مقام علمی و تدریس منحصر به میرزا حبیب الله رشتی بود. او جز تدریس منظوری نداشت . ریاست نمی خواست ، از روی عمد تجاهل می ورزید و شاگردان خود را نمی شناخت برای اینکه از او اجازه ی اجتهاد نخواهند و تنها درس بخواهند... در خط مرجعیت هم نبود. کسی از مجتهدین به خوش نیتی و سلامت نفس میرزای رشتی نبود. از پرتگاه های ریاست خود را نجات داد. قناعت پیشه نمود...))

۷. محقق رشتی دیانت و سیاست را به هم سرشته بود. پس از رحلت شیخ انصاری بسیاری از دانشمندان مردم را برای تقلید به میرزای رشتی ارجاع داده بودند. اما او با پیشنهادها مخالفت می کرد و نیک می دانست که دنیای اسلام به مرجعی سیاستمدار نیازمند است . او میرزای شیرازی را مجتهدی آگاه به مسائل سیاسی و چهره های سرشناس و محبوب یافته بود.

محقق رشتی بر آن بود تا مرجعیت میرزای شیرازی را به علمای نجف پیشنهاد کرده از آن حمایت کند. این امر موجب شد تا توطئه ی دشمن برای لطمه زدن به وحدت شیعیان نقش بر آب شود.

ژرف اندیشی سیاسی میرزای رشتی را در گفتارش می جوییم . وقتی پرسیدند از چه کسی تقلید کنیم ؟ در پاسخ گفت : ((از مرجعی تقلید کنید که تقلیدش جایز باشد. امروز پرچم بر دوش عالم جلیل سید محمد حسین (شیرازی) است و همه پیرامون اویند که پرچم ساقط نشود.))

۸. نظم از دیگر ویژگیهای محقق رشتی بود. او پس از ادای نماز مغرب و عشا و انجام مستحبات مربوط به آن و پس از صرف مقدار کمی شام ، آنگاه که آسمان چادر سیه شب را بروی خود می کشید و ستاره ها چشمک زنان نمایان می شدند، اندکی می خفت تا جان را آماده ی خدمت روح کند و جان خود را در چشمه ی نور بشوید و عاشقانه تر با خدای خویش راز و نیاز کند.
۹. تواضع و فروتنی (از دستورات عالی اسلامی) در جای جای رفتار محقق رشتی نمایان است . او دانشمندان را به دیده ی احترام می نگریست و با بهره گیری از نظر نیک ، برترین روش را بر می گزید. در پی سفر محقق رشتی به ایران ، حوزه ی درس ایشان تعطیل شد و دانشوران از خورشید وجودش محروم شدند. آنگاه که به سفری دیگر بار بست ، دانشمندان نجف بر آن شدند تا او را از سفر باز دارند. وی به وساطت شیخ حسن مامقانی برنامه ی سفر را لغو کرد و به او فرمود: ((چون شما مجتهد عادل هستید، حکمتان را واجب الاطاعه می دانم)) این در حالی است که شیخ حسن مامقانی در ردیف شاگردان محقق رشتی بود و نسبت میان آن دو مثل استاد و شاگرد بود.
۱۰. اعزام شاگردان برجسته برای تبلیغ ، از دیگر ویژگیهای این محقق بود. از جمله ی آنان آیت الله سید علی اکبر فال اسیری از شاگردانی بود که در پرتو اندیشه ی والای آن استاد پرورش یافت . او به تشویق محقق رشتی و میرزای شیرازی به شیراز بازگشت و با کوششی در خور به تبلیغ و هدایتگری پرداخت . همچنین در نهضت توتون و تنباکو نیز عهده دار نقشی سترگ در تثبیت فتوای میرزای شیرازی بود.
۱۱. سپاسگزاری او در حق پدر و مادر آموختنی و بی نظیر است و نشانه ی بالندگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت ربوبی است . درخشندگی معنوی او مدیوین دعاهای پدر و مادر در روزگاران دور بود. نوشته اند او نمازهای پدر و مادر خود را سه بار خواند. یک بار به تقلید از مراجع آنان و دو بار به اجتهاد خودش و این مطلب درباره ی هیچیک از علمای تاریخ ذکر نشده است .
۱۲. او را باید به حق از حافظان حریم روحانیت در عصر خویش خواند. شخصی در نجف بود که به هنگام سخن حرمت علما را پاس نمی داشت و بارها از او پرخاشگری و اهانت نسبت به علمای سابق و معاصر شنیده می شد.
محقق رشتی در جمعی که وی نیز حضور داشت دستور داد استکانش را آب بکشند، به گونه ای که مردم گمان بر تکفیر وی برده و او را راندند. پس از آن هرگز نتوانست جایگاه از دست رفته خود را بازیابد.
باری رفتار شدید میرزای رشتی و شیوه نهی از منکر او موجب شد تا آنانکه در پی چنین خیالی بودند از گمان خویش بازگردند.
گنج نامه
آثار میرزاحبیب الله جلوه گاه تلاش های شبانه روزی اوست . وی کاوشگری گنج یاب بود که هرگاه معدنی نوین می یافت از جواهر آن استخراج می کرد و بر دانش طلبان ارزانی می داشت .
آثار او در علم اصول عبارتند از:
رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه ، التعادل و التراجیح ، بدایع الافکار، اجتماع الامر و النهی ، رساله فی مقدمه الواجب ، رساله فی المشتق ، التقریرات .
در علم فقه :
کتاب الطهاره ، الحاشیه علی المکاسب ، کتاب الزکاه ، کتاب الاجاره ، الالتقاط، کتاب العضب ، کتاب القضاء و الشهادات ، الوقوف و الصدقات ، رساله فی اللباس المشکوک ، حاشیه علی منهج الرشاد، حاشیه علی نجاه العباد، حاشیه علی النخبه .
در علم تفسیر:
حواشی بر تفسیر جلالین ، و علم کلام : الامامه ، کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام است .

نسخه هـای خطی از آثار محقق رشتی که می رفت در غبار زمان به فراموشـی سپرده شود اخیرا به کتابخانه آیت الله مرعشـی سپرده شد و اکنون در کاروان نسخه های خطی آن کتابخانه ماندگار است .

تقریرات

از انبوه شاگردان کوشا و دانشـمند محقق رشتی ، بسیاری تقریرات درس ایشان را نوشته اند که در گرامی داشت مقامشان نام برخی از آنان می آید:

سید حاج میرزا حسن همدانی ، سید صادق قمی ، میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی ، شیخ حسن تویسرکانی ، شیخ محمد باقر فرزند محمد جعفر بهاری همدانی ، سید ابوالقاسم فرزند معصوم حسینی اشکوری ...

اجازات

محقق رشتی از صـدور اجازه ی اجتهاد به شـدت پرهیز داشت و تنها برای اندکی از شاگردان برگزیده اجازه ی اجتهاد نگاشت . نام برخی شـاگردان ارجمنـد وی که مفتخر به اجـازه ی نقـل روایت و اجتهادنـد ذکر می شود. حـاج آقـا مجتهـد رشت (اجتهاد)، سـید عبـدالکریم فرزنـد سـید حسـن اعرجی (روایت)، حـاج میرزا احمـد دیلارسـتاقی لاریجـانی (اجتهـاد)، سـید علی آقـا میری دزفـولی (اجتهاد)،...

با کاروان دانش

نظر گاه همه ی اندیشـمندان حوزه بر شـیوه ی نقادانه ی محقق رشتی در تـدریس و دیگر پهنه های علمی ، پدیدآور محفل علمی ، پدیـدآور محفل علمی شـکوهمندی بود که دلدادگان آن ، پس از کامجویی هر یک چون سـتاره ای درخشان ، روشـنگر جامعه ی خـویش شدنـد. برخی مرجع دینی شدنـد و عـده ای رهـبر حرکتهـای سیاسـی و اجتمـاعی دیـار خویش و دسـته ای نیز در عرصه ی تدریس و تحقیق طلایه دار حوزه بودند.

نام مسافران این کاروان به اختصار می آید و شـرح حال هر یک در کتب تاریخ آمده است که دوستداران را بدان حوالت می دهیم .

آیت الله العظمی سـید محمد کاظم یزدی ، آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی ، آیت الله العظمی حاج میرزا حسین نائینی ، آیت الله شـیخ شـعبان دیوشـلی (لنگرودی)، آیت الله شـیخ عبدالله مازاندرانی (لنگرودی)، آیت الله شـهید شیخ فضل الله نوری ، آیت الله شهید حاج آقا میر بحرالعلوم رشتی ، آیت الله شـهید شـیخ علی رشتی ، آیت الله شـهید شـیخ عبدالغنی بادکوبه ای ، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید ابوالقاسم اشکوری .

پرواز تا آسمانها

مردم نجف به چهره نورانی پیرمردی که سـحرگاهان در بارگاه ملکوتی امیر المومنین (ع) به زیارت ، نماز و تضرع می نشست انس گرفته بودنـد. چهره ای که هیبت و شوکتش یـادآور پیـامبران و لطف و صـفا در صورتش نمایـان بود. اما شب پنـج شـنبه چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۱۲ ق . فرا رسـید. خبر کسالت محقق رشتی مردم را در نگرانی فرو برده بود و آنگاه که صدای ناله و فغان از منزل وی برخاست همگان یافتند که دوست خدا، پیش خدا رفته است . او آسوده در بستر خفته بود. تو گویی به خوابی نازنین آسوده که چنین چهره اش متین است . شـهر را گویا با پارچه ای سـیاه پوشانـده بودنـد و همه جا صـدای گریه به گوش می رسـید. در تهران و مشهد و دیگر شهرها نیز مجالس عزا و سوگواری بپا شد. مردم نوحه کنان می خواندند:

باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما

رفت از دار فنا نائب پیغمبر ما

و نجف آماده ی تشییع پیکر مطهر آن فرزانه پارسا بود. جنازه ی پاک او را مشایعت کردند و به بارگاه امام متقین انتقال داده و در یکی از حجره های صحن مطهر علوی دفن کردند.

بازماندگان

۱. آیت الله محمد رشتی ، فرزند ارشد، که از معصومه ارباب همسر اول میرزای رشتی بود. او در علم و فضل به مراتبی درخور دست یافت و در سال ۱۳۱۶ ق . به دیار باقی شتافت . آرامگاهش در مقبره ی پدر ارجمندش می باشد.

۲. آیت الله شیخ اسماعیل رشتی ، که از همسر دوم میرزای رشتی ولادت یافت . او در کسب دانش سخت کوشید و پله های ترقی را پیمود و در ۱۳۴۳ ق . به دیدار دوست شتافت .

۳. آیت الله شیخ اسحاق رشتی ، او در نجف ولادت یافت . مادرش کلثوم همسر دوم میرزای رشتی بود ابتدا نزد پدرش به تحصیل پرداخت و پس از عمری تحقیق ، تالیف و تدریس در سال ۱۳۵۷ ق . دیده از جهان فرو بسته ، رخ در نقاب خاک کشید.

آثار:

رساله فی الضد و اقتضاء الامر بشی ء النهی عنه و عدمه

التعادل و التراجیح

بدایع الافکار

اجتماع الامر و النهی

رساله فی مقدمه الواجب

رساله فی المشتق

کتاب الطهاره

الحاشیه علی المکاسب

کتاب الزکاه

کتاب الاجاره

الالتقاط، کتاب العضب

کتاب القضاء و الشهادات

الوقوف و الصدقات

حاشیه علی منهج الرشاد

رساله فی اللباس المشکوک

حاشیه علی نجاه العباد

حاشیه علی النخبه

حاشیه بر تفسیر جلالین

الامامه

کاشف الظلام فی حل معضلات الکلام

رشیدی زاده، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رشیدی زاده

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای حسن رشیدی زاده در سال ۱۳۴۰هجری شمسی در خانواده ای متدین و کاملا مذهبی در اراک دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت هرچه تمامتر به پایان رسانید. در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲وارد حوزه علمیه تهران گردید.پس ازمدتی تحصیل در حوزه علمیه تهران برای کسب فیض از محضر ستارگان مشهد رهسپار آن دیار شد و ضمن انس با بارگاه ملکوتی ثامن الحجج به تحصیل بیشتر پرداخت. پس از مدتی دوباره راه غربت به دیار قم را در پیش گرفت، از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه قم حاضر شد. نامبر ده در طی دوران تحصیل از محضر ستارگان فراوانی خوشه علم و ادب چیده است که برخی از آنان را می توان همچون آیت الله وحید خراسانی، مرحوم آیت الله شیخ جوادتبریزی، استاد اعتمادی و ... نام برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و برای تبلیغ مذهب انسان ساز تشیع به کشوورهای متعددی از جمله لبنان، مالزی و... سفر کرده است، سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی مشغول است.وی در زندگی سراسر علمی خویش از نگارش و تألیف غافل نبوده است و آثار متعددی از جمله " حیاط برتر در عالم برزخ"، "حیاط برزخی "و....را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

رضانژاد، عزالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزالدین رضانژاد امیردهی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

عزالدین رضا نژاد امیر دهی در سال ۱۳۳۹ در شهر بابل به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت،ابتدا در حوزه علمیه حاج سیف الله امیری در پادشاه امیر در بخش بند پی شرقی (روستای سید نظام الدین و حوزه شهید محمدحسن امیری فعلی) و سپس در سال تحصیلی ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه صدر بابل (حوزه ی خاتم الانبیاء – فعلی) شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ رهسپار حوزه علمیه قم گردیدو با موفقیت در امتحانات کلیه پایه های دروه های سطح، در سال ۱۳۶۴ دروس خارج فقه و اصول را آغاز کرده، پس از اتمام شش سال درس خارج فقه و اصول و سه بار شرکت در مصاحبه دروس خارج، در سال ۱۳۷۲ از رساله علمی و تحقیقی سطح چهار حوزه در موضوع (صلاه الجمعه دراسه فقهیه و تاریخیه) دفاع کرد. وی علاوه بر گذراندن دروس رایج حوزه های علمیه عالی قم به آموزش های کاربردی و تحقیقی دیگر روی آورد از همین رو، با گذراندن دوره مکالمه، خطابه و انشاء عربی در واحد آموزش عربی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم زیر نظر اساتید متخصص به اخذ پایان نامه اتمام دوره آموزش زبان عربی در تاریخ ۲۵/۱۱/۱۳۶۳ نایل گردید. در ادامه فعالیت آموزش زبانی ، زبان انگلیسی را زیر نظر مرکز زبانهای خارجی دانشگاه تهران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی و مرکز زبانهای خارجی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با موفقیت به پایان رسانید و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۶۶ گواهینامه اتمام دوره عالی زبان انگلیسی را از سوی مراکز مذکور دریافت کرد از سال ۱۳۶۶ با همکاری مرکز تحقیقات شهید محلاتی (دانشکده سپاه قم) آثاری به صورت تالیف کتب درسی منتشر کرد ،از سال تحصیلی ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۰ با شرکت در رشته تخصصی کلام اسلامی و پایان بردن دوره چهارساله آن جهت اخذ مدرک دکتری در کلام اسلامی و با عنایت به مصوبه ۳۶۸ تاریخ ۳/۱۱/۱۳۷۴ به تدوین پایان نامه در موضع" برهان وجودی برای اثبات وجود خدا "پرداخت و بعد از فارغ التحصیل شدن در این رشته به تدریس و تحقیق و تالیف مباحث کلام اسلامی و فرقه های مذهبی و شرکت در نشست های علمی پرداخت. هم اینک، عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی با سمت استاد یاری ، مدیر کل « برنامه ریزی و تدوین متون درسی» مرکز مذکور ، به تدریس و پژوهش می پردازد. وی تاکنون بیش از چهل رساله علمی در سطح سه (کارشناسی ارشد) و چهار (دکتری) را راهنمایی ، مشاوره و داوری کرده است.

رضایی راد، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم رضایی راد

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۷/۷

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ابراهیم رضائی راد فرزند صفرعلی در تاریخ هفتم مهر سال ۱۳۰۴ شمسی در روستایی فتیده از قراء شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودم پس از گذشت دوران طفولیت در مکتب خانه های آن روز قرآن مجید و برخی کتب فارسی از جمله نصاب

الصبیان را فرا گرفتم. نظر به علاقه ای که به علوم دینی داشتم پس از گذشت چند سالی همراه آقای امینیان و شیخ رضا محمدی درس امثله را نزد مرحوم سید محمد باقر بنی سعید قاضی محله آغاز کردم و بدلیل عدم وجود حوزه علمیه در گیلان جهت تکمیل دروس دینی به قم عزیمت نمودم. درست در روز چهاردهم فروردین ۱۳۲۳ شمسی در حالی که هجده بهار از عمرم گذشته بود بار سفر را به قم بستم. در آن زمان حوزه توسط چهارتن از آیات عظام ، آیت الله سید محمد تقی خوانساری ، آیت الله صدر، آیت الله حجت ، و آیت الله فیض قمی اداره می شد .از آنجا که مصمم بودم که به لباس روحانیت درآیم لذا پس از گذشت چندماه به اتفاق چند تن از دوستان در منزل یکی از روحانیون گیلان مقیم قم با شرکت چند تن از فضلاء از جمله آیت الله سید موسی صدر مراسم ملبس شدن به لباس روحانیت را بر گزار کردیم. پس از طی مقدمات شرح لمعه نزد آیهٔ الله صدوقی شهید محراب رسائل را نزد آیهٔ الله مشکینی (ره)، مکاسب را نزد آیهٔ الله العظمی نجفی مرعشی ، کفایه را نزد آیهٔ الله منتظری ، آیهٔ الله فکور و آیهٔ الله زاهدی قمی فرا گرفتم. سپس به درس خارج فقه و اصول ارتقاء یافتم درس فلسفه و اسفار و تفسیر رانزد آیهٔ الله طباطبایی ، منظومه را نزد آیهٔ الله رضا صدر، خارج اصول و مباحث الفاظ را از محضر آیت الله خمینی(ره) و امارات را از محضر آیهٔ الله العظمی بروجردی(ره) و فقه را از محضر معظم له و آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی استفاده نمودم و ضمن آن به تدریس دروس مقدمات ، حاشیه ، سیوطی ، مطول ، معانی و بیان اشتغال داشتم و برخی از مباحث در سال را به طور خصوصی برای بعضی از طلبه ها تدریس می کردم .

رضایی موسوی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر رضایی موسوی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر رضائی موسوی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم . بعد از گذراندن مباحث مقدماتی (ادبیات ، منطق ، معانی بیان و ...) در مدرسه الحجه و در خدمت اساتید حوزه علمیه مشهد تلمذ نمودم.از جمله اساتید بنده ، آیت الله فلسفی ، مرتضوی و مهدی مروارید می باشند . در سال ۱۳۷۲ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمدم و در بحث خارج آیت الله وحید خراسانی حضور داشتم .

رضایی، حسن رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رضا رضایی زرندینی

محل تولد : زرندین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه امام صادق نکاء (مازندران) شدم و زیر نظر حضرت آیهٔ الله صادقی گلدوردی مشغول تحصیل شدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه مرعشیه ساکن شدم همزمان درس های کلاسیک را شروع نمودم. در سال ۱۳۷۶ وارد تربیت محقق و نویسندگی علوم قرآن شدم و کارشناسی ارشد آن را با پایان نامه قرآن و فرهنگ زمانه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۹ وارد تخصصی تفسیر شدم و در سال ۱۳۸۲ با پایان نامه نیازهای متعالی انسان در قرآن تمام نمودم. و بیش از ۵ سال در درس خارج مکام ، سبحانی و عابدی شرکت جستم.

رضایی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس رضایی استخروییه

محل تولد : استخروئیه کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اوایل انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره)، وارد حوزه علمیه کرمان شدم. در ابتدا شروع به فراگیری جامع المقدمات و کلاس‌های جنبی کلاسیک آن زمان که کتاب‌های مقطع دبیرستان بود کردم و با توجه به کمبود استاد و نبودن نظم و تربیت صحیح در حوزه کرمان دوره تحصیل مقدمات طول کشید تا اینکه ظرف چهار سال جامع المقدمات، سیوطی و مغنی باب اول و چهارم را طی کردیم و در کنار آن نیز منطق کبری و منطق مظفر و رساله علمیه با حواشی علمای اعلام و تبصره علامه حلی و بخشهایی از شرایع مرحوم محقق حلی به پایان رسید. بعد از طی مقدمات یک سال به قم مهاجرت کردم و در مدرسه کرمانیها حوالی بازار قم مشغول به تحصیل شدم. در آنجا شرح لمعه را در خدمت استاد محترم جناب آقای مسروی و مرحوم آقای سلطانی می‌خواندیم و نیز اصول مظفر را در خدمت مرحوم شهید حجت الاسلام حسین حقانی به پایان بردم. سال بعد به دلیل نیاز حوزه علمیه کرمان و مشکلات فردی خودم به حوزه علمیه کرمان برگشتم و در آنجا علاوه بر مدیریت داخلی حوزه به تدریس صرف و نحو و تحصیل رسائل و مکاسب مرحوم شیخ انصاری زیر نظر اساتید محترم مرحوم آیت الله شیخ محمد روحانی و حضرت آیت الله حاج شیخ عباس حقیقی به تحصیل پرداختم.

در سال ۶۶ که حدود دو سال از تشکیل خانواده و زندگی مشترک بنده نیز می گذشت در دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده الهیات قبول شده و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی به مدت چهار سال به تحصیل پرداختم تا اینکه درسال ۷۱-۷۰ مدرک کارشناسی را از آن دانشکده گرفتم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه دروس حوزه که مکاسب مرحوم شیخ و کفایه آخوند بود، پرداختم و در سال ۷۲-۷۱ همزمان با تحصیل در حوزه در رشته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم. همزمان با پایان یافتن دروس دانشگاه و فارغ التحصیلی، دروس سطح حوزه نیز تمام شده بود و من مشغول درس خارج فقه و اصول شدم. از آن تاریخ تا الان نیز در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل در مقطع درس خارج فقه و اصول می‌باشم و در این مدت نیز در امتحانات مدرسی دانشگاه‌های نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه شرکت کردم و قبول شدم و مدرک تدریس متون عربی از آنجا دریافت کردم و حدود یکی دو سال البته با ساعاتی کم که در حوزه کلاس نداشتم مثل روزه‌های پنجشنبه یا دوشنبه‌ها به تدریس ادبیات عربی (متون) در دانشگاه تربیت معلم پرداختم.بنده اثر علمی نوشته شده چاپ شده، یا به چاپ نرسیده‌ای به جز همان رساله پایان‌نامه فارغ التحصیلی کارشناسی ارشد دانشگاه قم ندارم و آن هم به تعداد معدود تایپ شد و ماشین گردید و در اختیار استاد راهنما و مشاور و کتابخانه دانشگاه و یک عدد نیز نزد اینجانب می‌باشد.

رضایی، عبدالعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالعلی رضائی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

دوران تحصیل در مقاطع ابتدائی، راهنمایی و هنرستان صنعتی (مکانیک عمومی) را در شهرستان کرمانشاه گذراندم. از سال ۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا کنون مشغول به تحصیل و تحقیق هستم و مدت ۱۰ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت دارم. اساتیدی که از آنان بهره علمی برده ام عبارتند از: آقایان طالقانی، هادوی، میرباقری، موسوی تبریزی، آیت الله راستی کاشانی، علامه سید منیر الدین حسینی الهاشمی(ره)، آیت الله جوادی آملی.در ادامه فعالیت های علمی همزمان با ورود به حوزه علمیه قم با دفتر فرهنگستان علوم اسلامی آشنا شدم و طی یک دوره ۱۲ ساله آموزشی، پژوهشی موفق به اخذ دکتری در مدیریت تحقیقات شدم و از سال ۷۳ تا۸۱ مدرس رشته مدیریت تحقیقات در دانشگاه بقیه الله (عج) بوده ام و طی دو دوره دکتری PH.D دانشجویان در مقطع فوق لیسانس را پذیرش و تربیت نمودیم و هدایت دو پایان نامه در مقطع PH.D در موضوعات مدیریت شبکه ای تحقیقات، مبانی روش های تحقیق موجود در علوم تغذیه و طرح مبانی جدید با رویکرد مبتنی بر منطق الهی نظام گرا را به عهده داشته ام. از سال ۷۶ تا سال ۸۲ به عنوان کارشناس و مشاور علمی در سازمان مدیریت صنعتی مشغول به فعالیت های علمی در زمینه مدیریت شبکه ای تحقیقات شدم و با فعالیت های علمی مستمر و فشرده و ارتباط های علمی با مجامع بین المللی و دانشگاه های خارج از کشور موفق به انجام کارهای علمی در راستای طرح دیدگاه های جدید و نو شدیم از جمله ارائه طرح و مدل اقتصادی از

نگاه اسلام به دانشگاه برانشویک آلمان، طراحی کلیات مدل خصوصی سازی در ایران ۲۰۲۰، و درسال ۲۰۰۰ – ۲۰۰۱ با گرفتن پذیرش از دانشگاه ST.Regis امریکا و همکاری بصورت پروژه علمی درسال ۲۰۰۳ موفق به اخذ دکتری در رشته تحقیق در مدیریت فرهنگی و فوق دکتری دررشته مشاوره در امور توسعه اجتماعی شدم. دانشگاههای امام صادق و شیخ طوسی اصفهان، نیروی انتظامی مشغول به تدریس بوده ام. مسئول گروه بنیادی پژوهشکده توسعه و تکنولوژی جهاد دانشگاهی صنعتی شریف می باشم و مسئول گروه" روش "و عضو هیئت علمی در فرهنگستان علوم اسلامی قم هستم. در ضمن عضو واحد نخبگان و فرهیختگان حوزه علمیه قم می باشم.

رضایی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضایی

محل تولد : بیرجند

شهرت : رضایی بیرجندی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۳

زندگینامه علمی

در سوم فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی در روستای شاخن بیرجند در خانوادهای مذ هبی چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوره ابتدایی تحصیلی ، در سال ۱۳۵۰به حوزه علمیه شهرستان بیرجند وارد شد. سپس با گذارندن دوره مقدماتی در سال ۱۳۵۶وارد حوزه علمیه قم شد پس از اتمام دوره سطح توفیق شرکت در دروس خارج نصیبش شد آن گاه دوره های تخصصی فقه اصول را به مدت ده سال از محضر استادان بزرگ حوزه نظیر آیات عظام : جعفر سبحانی . فاضل لنکرانی . وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی فرا گرفت و با سپری ساختن آزمون های حوزوی به تدریس در حوزه علمیه مشغول شد . ضمناً به علت داشتن علاقه وافر به تفسیر و معارف بی بدیل قرآن . مدت هفت سال در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی دامت برکاته شرکت کرد و با توصیه معظم له به تدریس تفسیر قرآن پرداخت. همچنین از بحث های فلسفی و عرفانی معظم له و سایر دانشمندان هم بهره وافر برد و ی در سال ۱۳۷۳ با گذراندن دوره تخصصی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به اخذ کار شناسی ارشد در رشته الهیات و معار ف اسلامی نایل آمد و هم اکنون در حال تدوین تز دکترای خویش در مورد (تناسخ) می باشد . شایان ذکر است که با عنایت به پیش آمد معجزه قرن حاضر یعنی انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس تهاجم دشمنان به کیان جمهور یاسلامی و وقوع جنگ تحمیلی که مصادف با آغاز جوانی ایشان بود و سرمستی از خم خمخانه خمینی کبیر . علاوه بر حضور در صحنه های گوناگون انقلاب به مدب دو سال از عمر خویش را نیز به صورت مستمر و بعد هم به صورت متفرقه در جبهه های دفاع مقدس و ناطق جنگی گذراند.

رضایی، محمدامین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدامین رضایی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۷ بعد از آموختن روخوانی و روان خوانی قرآن مجید در محضر مادر مؤمنه‌ام، با تأسیس مدرسه امام حسین(ع) عازم مکتب‌خانه و مدرسه شدم که با شروع از کلاس دوم دبستان با مضامین کتب دبستانی جمهوری اسلامی ایران به مدت چهار سال دوره‌ی ابتدایی را به پایان رساندم اما به خاطر نبود معلم با کتب درسی و علاقه خاصی که به درس حوزه داشتم ضمن تحصیل کتب حوزوی در فصل زمستان از سال ۱۳۷۱ تمام سال و تمام وقت مشغول آموختن دروس حوزوی شدم که به مدت سه سال ادبیات، منطق در محضر اساتید آقای حاج فضلیت‌های استاد به پایان رساندم و در سال ۱۳۷۴ به درس اصول با معالم‌الدین به محضر استاد موفق که از طلاب حوزه علمیه قم بود پرداختم که تا سال ۱۳۷۸ کتاب معالم الدین و جلد اول اصول فقه و جلد اول شرح لمعه را به طور کامل به اتمام رساندم.

در اوایل سال ۱۳۷۸ عازم جمهوری اسلامی ایران شدم که با شروع سال درسی جلد دوم شرح لمعه و جلد دوم اصول فقه را در محضر اساتید جناب آقای شفیعی دارابی و استاد قاضی‌زاده و کهک گرفتن از نوار درسی استاد مرحوم وحدانی فخر و استاد صالحی در کتب مذکور خواندم و در سال ۱۳۷۹در امتحان پذیرش مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و مورد پذیرش قرار گرفتم از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ طبق برنامه مرکز جهانی ضمن کتب متن رسایل و مکاسب، کفایه و برنامه‌های جنبی مکالمه عربی و مضامین دگر با گرایش فقه و اصول و ارائه پایان‌نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد به اتمام رساندم. و اخذ دیپلم از دبیرستان بزرگسالان ابن‌سینا مدت دو سال است که علاوه بر تحصیل در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) به درس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار حضرت آیةالله العظمی مکارم شیرازی «حفظه‌الله» و استاد محبوب حضرت حجةالسلام والمسلمین استاد شیخ جواد فاضل لنکرانی مشغول هستم.

علاوه بر تحصیل کتب حوزوی و اهمیت به برنامه‌های مدرسه، مدت دو سال است که شروع به تحقیق و پژوهش بخش‌های معارف اسلامی نمودم که حاصل آن بعضی مقالاتی است که اشاره شده است و از خداوند توفیق وحضرتش با توسل به ائمه اطهار علیهم السلام

رضایی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی رضایی

محل تولد : رهنان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۲/۱

زندگینامه علمی

محمدعلی رضایی اصفهانی در سال ۱۳۴۱شمسی درخانواده ای مذهبی در رهنان اصفهان متولد شد. دوره دبستان وراهنمایی را در محل تولد ودوره متوسطه را در شهر اصفهان در دبیرستان شهید صدیقی(خوارزمی) گذراند، درسال ۱۳۶۱وارد حوزه علمیه(مدرسه ذوالفقار) اصفهان گردید وتا یک سال درس خارج را در آن حوزه گذراند.

در سال ۱۳۶۹وارد حوزه علمیه قم گردید وبه مدت ده سال در درس خارج اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی حاضر شد وموفق به گذراندن پایان نامه سطح چهارم (دکتری فقه) شد و همزمان سطح چهارم (دکتری) رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم ودکتری علوم قرآن و حدیث واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی را به پایان رساندند.

رضایی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی رضایی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمد مهدی رضایی در سال ۱۳۶۴ پس از اتمام سوم راهنمائی، با شوق و علاقه درونی خود و نه با اجبار اطرافیان و محیط، وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه کرمانی ها تحصیلات پایه خود را آغاز نمودم و از استادان نه چندان معروفی که عموما از دانش آموختگان همان مدرسه بودند، استفاده کردم و تا لمعه را در آنجا خواندم و آن گاه در مدرسه علمیه امام باقر(ع) لمعه و اصول استنباط و غیره را درس گرفتم. مکاسب و رسائل را در بیرون، پای درس استادانی چون محمدی خراسانی و استاد اعتمادی، تا حدودی آموختم و باقیمانده را با نوارهای درسی و مباحثه گذراندم. همچنین کفایه الاصول را با مباحثه به پایان بردم و پس از آن چند سالی حدود سه – چهار سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی و اصول آیت الله مرحوم صالحی مازندرانی حاضر شدم و ... . هم اکنون در موسسه امام صادق(ع) مشغول سپری کردن سال سوم از دوره فوق لیسانس کلام اسلامی هستم.آغاز کار قلمی بنده با گفتن شعر و نوشتن نقد داستان و مقالاتی به صورت تالیف و ترجمه در مجلات بود و ترجمه کتاب درباره حفظ قرآن کریم به نام" کیف نحفظ القرآن "و آنگاه ترجمه ای دیگر گون از" صحیفه سجادیه "که طی دو سال به چاپ ششم رسیده است. بخش هایی از کتاب گرانقدر "مصابیح الجنان "تالیف علامه کبیر آیت الله سید عباس حسینی کاشانی را نیز بنده انجام داده ام که چاپ شده است. در طول این سال ها با مجلات گوناگونی در ارتباط بوده ام، به خصوص مجله " پرسمان "و از همین رهگذروبه

پیشنهاد و همکاری نشر معارف، اخیرا ترجمه مناجات امیر مومنان و مناجات خمس عشره از بنده چاپ و منتشر شده است.

رضوانی راد، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاهٔ مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوی قمی، ابراهیم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۶۸ ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.

در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالـدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است ک از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده‌گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی.[۱]

سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.

تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحیهٔ والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ‌التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.

و از شاگردان اوست سید عبداللّه بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّه جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمهٔاللّه علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبداللّه تونی» در سال ۱۱۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۲۰۴/۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۸۶/۲)، الذریعه (۱۶۵، ۷۴، ۱۴/ ۱۴۴، ۱۴۳- ۱۱/ ، ۲۲۹/۶)، ریاض العارفین (۳۰۲)، ریحانه (۴۳۱/۳)، الکنی و الالقاب (۴۱۵/۲)، طرائق الحقائق (۲۵۸/۳)، معجم المؤلفین (۸۷/۱)، مکارم الآثار (۶۴۲/۳).

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۱۶۰ ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول

شـد. در فتنه‌ی افغـان به مـوطن برادرش، همـدان و از آنجـا به نجـف رفت و مراتب علمی خود را به کمـال رسانـد و از ملاـ شـریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سنـد اسـتاد تعبیر می‌کنـد. سـید عبداللّه جزائری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: شـرح «الوافیه» ملا عبداللّه تونی، در اصول فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۶/۹، ۳۸۶/۷)، الذریعه (۲۲۶/۲۱، ۱۸۵/۱۵، ۱۶۶/۱۴، ۱۲۱/۱۳، ۱۹۴/۶، ۳۲۵/۴)، روضات الجنات (۱۲۲ -۱۱۹ /۴)، ریحانه (۴۳۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۴ -۳۸۲ /۱۲)، فوائد الرضویه (۲۱۳)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ -۴۱۴ /۲)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (۱۹۷ -۱۹۶ /۱۱ ،۸۷/۹، ۱۸/۵)، مکارم الآثار (۶۴۲/۳)، هدیه الاحباب (۱۸۷).

رضوی قمی، محمدباقر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۱۸ ق)، عـالم، متکلم، اصولی و شاعر. اصل وی از قم است، اما متولـد و ساکن همـدان بود. نسـبش به موسـی مبرقع، فرزند امام جواد (ع)، می‌رسد. وی برادرزاده‌ی سید صدرالدین قمی، شارح «وافیه» است. او را از بزرگان علمای قرن سیزدهم شـمرده‌اند. وی شـعر را نیکو می‌سرود. در همدان درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در دارالحفاظ دفن شد. از آثار وی: «شرح اصول کافی»؛ رساله‌ای در «معاد جسمانی ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۸۸/۹)، الذریعه (۱۷۲/۲۱ ،۹۶/۱۳)، روضـات الجنات (۱۲۲/۴)، ریحانه (۳۱۴/۲)، لغت نـامه (ذیل/ رضوی)، معجم المؤلفین (۸۵/۹)، مکارم الآثار (۶۴۲ -۶۴۱ /۳).

رضوی نیشابوری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۴۱ -۱۲۶۱ ق)، فقیه اصولی. پدرش، سید ابوتراب (م ۱۲۸۵ ق)، از افاضل و بزرگان مجتهدین بود که از شیخ انصاری اجازه داشت. سـید محمـدحسن در نجف نزد شـیخ میرزا حـبیب‌اللّه رشـتی به تحصـیل پرداخت و «تقریرات» بحثهـای درس او را نگـاشت. آنگاه به سامراء رفت و در مجلس درس میرزای شـیرازی حاضـر شد. پس از چند سال به همدان بازگشت و مرجعیت امور شرعی را برعهده گرفت. آقابزرگ تهرانی گوید: فرزندش آقا سید علی کبیر برایم گفت که پدرش کتابی بزرگ در «اصول» داشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۷۹/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۸۵/۹).

رضوی، سیدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین رضوی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۳ متولـد شدم. خانواده ما از سابق روحانی بودند. گرچه پدرم روحانی نبوده است، در خانواده متدین و اصـیل رشـد و نمو داشـتم، دروس ابتدایی و راهنمایی و متوسـطه را با موفقیت و درجه عالی گذراندم و در همین مراتب و دوره‌ها به عنوان نفر اول شـهر انتخاب و شناخته شدم. بعد از اتمام دروس کلاسیک با توجه به اصالت خانوادگی روحانی بودن، قدم در عرصه حوزه و روحانیت گذاشـتم و در حوزه علمیه حضـرت ولی عصـر(عج) شهرستان خوانسار در سال ۱۳۵۹ درس حوزه را شـروع کردم و در مـدت خیلی کم دروس ادبیـات عرب را تمـام کردم و درس فقه و اصول را آغـاز کردم به طوری که پس از مـدت ۸ سال در درس خارج فقه و اصول که در شهرسـتان مـذکور برقرار شـده بود شـرکت نمودم و از اسـتاد بزرگ و گرانقدر جناب حاج آقای تقدیری سبزواری بهره بردم.در مـدت مـذکور در کنار درس به تـدریس نیز مشـغول شـدم. و از آن زمان تا حال این تـدریس ادامه دارد و تا بحال کتب لمعتین،رسائل و مکاسب تدریس رسـمی و خصوصـی داشـتم.در کنار تدریس امور مربوطه، مدیریت مدرسه نیز برعهده اینجانب بود که وقت زیادی را صـرف آن نمودم در روزهای جمعه و پنجشـنبه در دانشـگاه پیام نور شهرستان مشغول تدریس کتب اخلاقی،تاریخی،مدیریت اسلامی،انقلاب اسلامی، ادبیات عرب بودم و این تدریس در سالهای ۶۵ تا سال ۷۵ ادامه داشت که مجوز تدریس از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را نیز داشتم.

در مـدت تدریس، در حوزه نیز رتبه اول و جزء نفرات برتر حوزه بودم.در سال ۱۳۷۳ وارد قم مقدس جهت ادامه تحصیل و استفاده از محضـر شـریف اساتیـد شـدم و بعـد از مـدت کمی اساتیـد دلخواه خودم را یعنی حضـرت آیت الله العظمی وحید خراسانی جهت درس اصول و حضـرت آیت الله العظمی حاج شـیخ جواد تبریزی جهت درس فقه شناسایی و در کلاس درس آنها به تلمذ پرداختم. در کنار بهره مندی از اساتید خارج فقه و اصول به کارهای اجرایی در مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسـلامی و تدریس در حوزه جامعهٔ الزهرا و مدارس تحت پوشش مرکز جهانی و تدریس در دانشگاههای محلات و همچنین خوانسار پرداختم و در سالهـای اشـتغال به تحصـیل در حوزه علمیه خوانسار و قم در سالهای اوج مبارزه با طاغوت و سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز فعالیت اجرایی و جبهه‌ای داشتم که انشاء الله خداوند قبول نماید.

رضوی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علیرضا رضوی

محل تولد : استهبان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد علیرضا رضوی در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سیکل وارد حوزه علميّه شدم و در سال ۱۳۷۳ از شیراز به قم مهاجرت نموده و ادامه دروس سطوح حوزه را در این شهر مقدس مشغول شدم در سال ۱۳۷۵با شرکت در آزمون ورودی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی در دوره عمومی به دروس الهیّات و معارف اسلامی شرکت نمودم ودر سال ۸۰ با اتمام دوره مذکور و دفاع از پایان نامه موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد الهیات گردیدم . هم اکنون نیز با شرکت در دورهها دین شناسی مشغول گذراندن دروس این دوره در مؤسسه فوق هستم .

رضوی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارهٔ ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلهٔ دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلهٔ دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفعت نژاد، محمدنقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نقی رفعت نژاد

محل تولد : ارومیه

شهرت : رفیعی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه تبریز شدم. بعد از مدتی تحصیل در آن شهر به اتفاق حاج آقا بنایی مسئول حوزه علمیه ولی عصر(عج) بعد از دو سال تلمذ به شهر تهران عزیمت کردم و در آن شهر سه حوزه ومدرسه علمیه را تشکیل دادیم و طلبه های بسیاری جذب شدند که برخی از آنها بسیجیان جان برکفی بودند که به درجه شهادت نایل گشتند (خداوند همه آنان را با سالار شهیدان محشور فرماید).در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه سکونت داشتم و همزمان در درس تفسیر استاد جوادی آملی به همراه دروس رسائل و مکاسب و کفایتین از محضر اساتید وقت آقایان اعتمادی، پایانی، ستوده تلمذ می کردم، در سال ۱۳۶۷ بعد از اتمام کفایتین از محضر آیات عظام فاضل لنکرانی(ره) به مدت ۲ سال درس خارج اصول، یک سال خارج اصول آیت الله صانعی و ۱۵ سال ازخارج اصول حاج آقا وحید خراسانی و همچنین به مدت ۱۷ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی(قدس سره) استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ در دروس تخصصی تفسیر و علوم قرآن از محضر اساتیدی همچون آیت الله خزعلی، آیت الله معرفت، آیت الله میانجی(ره) و آیت الله محقق داماد، آیت الله استادی و آیات و اساتید دیگر و همچنین از محضر آیت الله العظمی مکارم شیرازی استفاده¬های علمی تفسیری داشتم.در مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۶۷ در

قسمت دایرهٔ المعارف بزرگ قرآن در قسمت تشکیل پرونده های علمی، تشکیل مدخلهای قرآنی و تفسیری، تشکیل شناسنامه علمی مشغول امور تحقیقی و پژوهشی بودم و متجاوز از ۶۰ پرونده علمی و بیش از ۱۰۰ شناسنامه علمی و همچنین تألیف مقالات در دایرهٔ المعارف فعالیت داشتم. برخی از مدخلها و پرونده های تشکیل داده شده عبارتند از ۱.ابتکار،۲.اختلاف،۳.اسماعیل صادق الوعد،۴.آل لوط،۵. آزمایش ۶.احترام،۷.استثمار،۸.استضعاف۹.اصطفاء،۱۰.استدراج،۱۱. ... . در سال ۱۳۸۲ با دفاع از پایان نامه سطح ۴ با موضوع سنت های املاء و امهال و استدراج در قرآن و احادیث، موفق به اخذ سطح ۴ در رشته تفسیر و علوم قرآن شدم.در کنار تحصیل و تملذ دروس فقه و اصول و تفسیر و علوم قرآن از سال ۱۳۷۴ بنده در دانشگاههای مختلف کشور مشغول تدریس دروس معارف و الهیات بودم از جمله این دانشگاهها عبارتند از دانشگاه ارومیه،دانشکده علوم قرآنی ،دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه پیام نور ارومیه و الان در دانشگاه پیام نور قم دروس الهیات را مشغول هستم و در کنار تدریس، فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگی دانشگاه را در قم و تهران همکاری دارم. ضمناً بنده در سال ۱۳۶۷ در دانشگاه مفید قم مشغول تحصیل در رشته اقتصاد بودم و بعد از گذراندن ۴ ترم به جهت مشکلاتی موفق به ادامه آن نگشتم.

رفیعی، بهروز

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

بهروز رفیعی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

پیش از پیروزی انقلاب چند ماهی در حوزه علمیه تهران طلبگی کردم . پس از پیروزی انقلاب کارهای اجرایی را واگذاشتم و در سال ۶۳ به اتفاق همسر و فرزندم به قم مهاجرت کردم و مشغول تحصیل شدم .

سال ۷۲ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم پس از گذراندن حدود ۱۰۰ واحد درسی به دلایلی کار تحصیل در دانشگاه را رها کردم و به تحقیق و تالیف و ترجمه روی آوردم .به سال ۷۸ اولین اثر بنده با عنوان کتاب شناسی توصیفی و موضوعی اخلاق ، عرفان و تصوف اسلامی از سوی انتشارات الهدی به چاپ رسید .فعالیت تحقیقی و تالیفی بنده بیشتر بر تربیت اسلامی ، اخلاق اسلامی ، و منبع شناسی و ترجمه از عربی (روز) به فارسی متمرکز شده است . اندکی نیز با فلسفه و علوم قرآنی و ادبیات فارسی سر و کار داشته ام .کتابی با عنوان آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (جلد ۳ – امام محمد غزالی) در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده و در سال ۸۲ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد .

کتاب دیگر با عنوان کتاب شناسی توصیفی ـ تحلیلی تعلیم و تربیت در اسلام گزیده منابع عربی ـ در سال ۸۱ از بنده به چاپ رسیده که در سال ۸۲ عنوان سوم کتاب سال حوزه را کسب کرد .بنده از سال ۷۱ تا کنون با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه همکاری دارم.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رمضانعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم.

در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال ۱۳۶۳ مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف

متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رفیعی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رفیعی علامرودشتی

محل تولد : علامرودشت لامرد فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۲/۲

زندگینامه علمی

اینجانب علی رفیعی علامرو دشتی در دوم اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی، در روستای چاه عینی مرکز شهر علامرودشت لامرد فارس درمیان خانواده ای روحانی زاده شدم. تحصیلات ابتدائی را در مکتب خانه و سپس دبستان زادگاهم گذرانده و مدتی نزد حجج اسلام آقای حاج شیخ حسین رفیعی و حاج شیخ اسدالله رفیعی مقدمات ادبیات عرب را آموختم و در سال ۱۳۴۲ شمسی جهت ادامه تحصیل عازم شیراز شدم و در مدرسه علمیه امامزاده ابراهیم بن موسی بن جعفر ـ علیه السلام ـ و مدرسه آبابا خان از محضر آقایان آیت الله حاج عالم آیت اللهی، حاج سید محمد کاظم آیت اللهی، حاج سید احمد و حاج سید محمود آیت اللهی و دیگر علمای شیراز کسب فیض نموده و در سال ۱۳۴۵ شمسی به قصد مسافرت به عراق به خرمشهر رفتم و پس از یک سال که در مدرسه علمیه رضویه آن شهر و نزد حجج اسلام حاج شیخ عبدالله محمدی، محسنی اقلیدی و دیگر اساتید تلمذ و استفاده کردم، به عراق سفر نموده و وارد جامعهٔ النجف الدینیهٔ به ریاست حجهٔ الاسلام و المسلمین سید محمد کلانتر شدم. در آنجا از محضر حجج اسلام آقایان حاج شیخ محمد هادی معرفت، شیخ مجتبی لنکرانی و دیگر اساتید ، علوم فقه، اصول، تفسیر و کلام را آموختم. درسال ۱۳۵۰ شمسی به ایران بازگشتم. مدتی در شیراز و سپس در قم اقامت نمودم.

در حوزه علمیه قم از محضر فضلای جلیل القدری چون حجه الاسلام فاضل اصفهانی، حجه الاسلام ستوده، حجه الاسلام حجتی زاده نیشابوری، حجه الاسلام دکتر احمد بهشتی، آیت الله حاج شیخ محمد هادی معرفت، حجه الاسلام دوزدوزانی و آیت الله علوی گرگانی دروس فقه، اصول ، تفسیر و فلسفه را گذرانده و مدت کمی در حوزه های دروس خارج فقه و اصول آیات عظام

گلپایگانی، مرعشی نجفی و وحید خراسانی شرکت نموده و در سال ۱۳۵۳ شمسی از طرف دفتر آیت الله العظمی گلپایگانی و تایید دفتر آیت الله پسندیده به عنوان نماینده ایشان عازم کردستان شدم و پس از چند سال تبلیغ و ارشاد در آن خطه، در اواخر سال ۱۳۵۵ شمسی علیه رژیم پهلوی وارد مبارزات سیاسی شدم و از طرف حوزه علمیه قم به مراکز شهرستانها جهت سخنرانی و بسیج جوانان اعزام شده و چند بار توسط دستگاه ساواک و عوامل رژیم پهلوی بازداشت شدم. در اواخر سال ۱۳۵۶ شمسی یکسره در منطقه فارس و زادگاهم به فعالیت پرداخته و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) سرپرستی کمیته های آن منطقه را به عهده داشتم.

در سال ۱۳۵۷ شمسی به خرمشهر اعزام شده و مسئولیت امور فرهنگی ستاد انقلاب اسلامی اعراب زیر نظر حجه الاسلام شیخ عیسی طرفی را به عهده گرفتم، و پس ازآن به قم بازگشته و به کار تحقیق و پژوهش و تالیف پرداختم. در سال ۱۳۶۰ شمسی در تهران سکونت نموده و در دبیرستان ها و مراکز دانشگاهی و تربیت معلم به تدریس پرداختم. در سال ۱۳۶۱ شمسی در شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان کارشناس تحصیلات غیر رسمی کشور به کار مشغول شدم و از سال ۱۳۶۲ شمسی به بعد وارد کارهای علمی ـ فرهنگی و پژوهشی به شرح ذیل شده ام : ۱. در سال ۱۳۶۲ شمسی به دعوت آقای دکتر مهدی محقق وارد بنیاد دائرهٔ المعارف اسلامی که توسط حضرت آیت الله خامنه ای تاسیس گردیده بود، شدم و به تحقیق پرداختم که این همکاری تا مدتی ادامه یافت ۲. درسال ۱۳۶۲ شمسی با مرکز دایرهٔ المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر آقای سید محمد کاظم بجنوردی همکاری به صورت تحقیق و پژوهش و تالیف مقاله آغاز کردم که تا سال ۱۳۶۸ شمسی به صورت تمام وقت بود و اکنون این همکاری به صورت نیمه وقت و تالیف مقاله و معاونت بین المللی کتابخانه مرکز دائره المعارف ادامه دارد. ۳. درسال ۱۳۶۶ شمسی با دائرهٔ المعارف تشیع همکاری آغاز کردم که تاکنون نیز ادامه دارد. ۴. در سال ۱۳۷۰ مسی به دعوت حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی سرپرستی دائرهٔ المعارف کتابخانه های جهان وابسته به کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را در قم به عهده گرفتم که این مسئولیت هم اکنون نیز ادامه دارد. ۵. از سال ۱۳۷۰ شمسی همکاری به صورت تالیف مقالاتی راجع به تاریخ، رجال و جغرافیای ایران با مرکز دائرهٔ المعارف اسلام ترکیه شروع نمودم که ادامه نیافت. ۶. از سال ۱۳۷۱ شمسی با دائرهٔ المعارف فلسطین که در مرکز دائرهٔ المعارف بزرگ اسلامی تدوین می شود، شروع به همکاری نموده ام که این بخش اکنون متوقف شده است. ۷. درسال ۱۳۷۲ شمسی پس از تأسیس دائرهٔ المعارف ادب فارسی به سرپرستی آقای حسن انوشه با این دائرهٔ المعارف نیزبه صورت تالیف مقاله همکاری دارم. ۸. از ۱۳۸۲ شمسی همکاری علمی با مرکز دارالحدیث شروع کردم که هم اکنون ادامه دارد. ۹. از سال ۱۳۸۰ شمسی با مرکز دائرهٔ المعارف امام خمینی(ره) شروع کردم که تا سه سال ادامه داشت. ۱۰. از سال ۱۳۷۷ شمسی تا کنون با مرکز ترجمه قرآن همکاری داشته و دارم.

رکنی دزفولی، عبدالصالح

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعبدالصالح رکنی دزفولی

محل تولد : لارستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

مهرماه سال ۱۳۴۱ وارد قم شدم. (یعنی شش ماه پس از رحلت آیت الله العظمی آقای بروجردی) در حالیکه مقداری از جامع المقدمات را نزد برادرم آیت الله سید مجتبی موسوی لاری خوانده بودم. قسمتی از سیوطی و مغنی را در حوزه و بقیه آن را نزد آیت الله حاج شیخ احمد جنتی،معالم را نزد آیت الله جنتی،مختصر المعانی را نزد آیت الله حاج شیخ حسن تهرانی،رسائل را نزد آیت الله حاج شیخ احمد آذری قمی وآیت الله محمد محمدی گیلانی،مکاسب را نزد آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی وآیت الله احمدی میانجی وآیت الله محمدی گیلانی، کفایه را نزد آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و آیت الله آذری قمی و آیت الله وحید خراسانی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی(ره) و آیت الله فاضل لنکرانی(ره)، خارج فقه را نزد آیت الله حاج شیخ کاظم تبریزی و آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله حاج سیدموسی شبیری زنجانی.تفسیر را نزد آیت الله ابوالقاسم خزعلی و آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، معارف اسلامی را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی خواندم.بدایهٔ الحکمهٔ و اسفار اربعه را نزد آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، نهایهٔ الحکمه را نزد آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فصوص الحکم را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی و نیز کتاب کلیله و دمنه را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم.ادبیات فارسی املاء و انشاء و مقاله‌نویسی نزد حجهٔ الاسلام والمسلمین آقای علی حجتی کرمانی و آیت الله مومن العابدین قربانی و آیت الله دکتر حاج شیخ احمد بهشتی فسائی.زبان انگلیسی را پس از دوران دبیرستان نزد آقای امجدی و آقای رخشانفر که هر دو دبیر دبیرستان بودند و سپس نزد حجهٔ الاسلام آقای خلیلیان که تحصیل کرده انگلستان بود آموختم.اخلاق را نزد آیت الله حاج شیخ علی قدوسی، آیت الله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی(ره) و آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی و آیت الله احمدی میانجی.از بدو شروع به خواندن معالم درس کلاسیک هم شروع کردم و سالی یک کلاس خواندم و پس از ۴ سال موفق به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شبانه حکیم نظامی شدم.از سال ۴۵ به تدریج مواجه با کسالت‌های مختلف و عمل‌های متعدد جراحی در اعضاء بدنم انجام شد که سیر مطالعه و فعالیت‌های تحصیلی و تدریسی مرا کُند نمود و در همه حال شاکر درگاه خداوند هستم.

رمضان نرگسی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا رمضان نرگسی

محل تولد : نرگستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۴

زندگینامه علمی

بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال ۱۳۴۷ در روستای نرگستان (۱۱ کیلومتری شهرستان صومعه سرا و ۲۲ کیلومتری شهرستان

رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال ۱۳۶۲ (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم(البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیاید) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیارخوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال ۶۶ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالم و لمعه می خواندم. در سال ۶۷ در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی(اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می باشند واستاد ایوب باغبانی بودند. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می گذراندیم. در سال ۶۹ به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می گذاشتم. در سال ۷۲ سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال ۷۳ با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه ۳ من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد محمد علی و... . از سال ۷۲ در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال ۷۵ در دروس خارج مکارم و سبحانی شرکت می کردم. همچنین در سال۷۵ با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه شناسی را شروع کردم و درسال ۸۰ فارغ التحصیل شدم. از سال ۸۱ زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون ۳۷ مقاله و ۳ کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می باشم.

رمضانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رمضانی

محل تولد : بجنورد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در حالی که کلاس دوم راهنمای به پایان برده بودم، به همراه گروهی از دوستان با راهنمایی حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین ایوبی وارد حوزه علمیه قم شدم. با استفاده از تعطیلات تابستان حوزه به صورت داوطلب آزاد توانستم مدرک سیکل و سپس دوران دبیرستان را با مدرک دیپلم فرهنگ و ادب به پایان ببرم. در سال ۱۳۶۲ بنا به دلایلی در مشهد مقدس به ادامه تحصیل

دروس حوزوی در مدرسه موسـی بن جعفر(ع) و مدرسه امام حسن عسکری(ع) پرداختم. در سال ۶۲ و عوامل فی النجو برای طلاب جدیـد الورود تـدوین نمودم. پس از یک سال مجـدداً به حوزه علیمه قم برگشـتم و در مـدرسه علمیه خاتم الانبیاء و مـدرسه مهدی موعود(عج) به ادامه تحصـیل دروس حوزوی پرداختم. در سال ۶۴ دروس مقـدماتی حوزه (ادبیـات عرب- منطق) را به پایان بردم و در این دوره از محضر اساتیدی به نام هاشمی، بزمی، غلامی، آئینه وند،ایوبی ... بهره مند شدم.

در سال‌های ۶۴ تا ۷۹ دروس سـطح حوزه نظیر شـرح لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتیدی نظیر وجدانی فخر، صـالحی افغانی، دوزدوزانی، پایانی، موسوی تهرانی، گنجی، اسـتادی، صـلواتی، هادوی تهرانی، بهره‌منـد شـدم. در سال ۱۳۷۰ شروع به درس خـارج فقه و اصول نمودم و این دوره نیز به صورت پیوسـته و مـداوم تا سال ۱۳۷۹ ادامه داشت و از محضـر حضرات آیات عظام ۱- فاضل لنکرانی، شـیخ جواد تبریزی، مکارم شـیرازی، وحیـد خراسانی، جعفر سـبحانی، یوسف صانعی و... مسـتفیض شدم. در سال ۷۲ تصـمیم گرفتم تا در کنار دروس حوزوی در یکی از رشـته‌های دانشـگاهی که ارتباط نزدیکی به دروس حوزوی داشـته باشد مشـغول به تحصیل شدم لذا پس از شرکت در کنکور سراسر وارد دانشگاه مفید شدم. در سال ۷۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی حقوق شدم و در همین سال در کنکور کارشناسی ارشد همین دانشگاه پذیرفته شدم و در تابستان سال ۱۳۷۸ در گرایش حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۶ بـا مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه شـروع به همکاری نمودم و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت و پس از آن توفیق همکاری با پژوهشـگاه فرهنگ و انـدیشه اسـلامی حاصل شـد و این همکاری به صورت هیأت علمی تا سال ۱۳۸۰ ادامه داشت. در سال ۱۳۷۹ به عضو هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ درآمدم.

رمضانی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن رمضانی

محل تولد : قدمگاه(نیشابور)

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب حسن رمضانی سال ۱۳۳۶ در روسـتای قـدمگاه نیشابور به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران کودکی تحصـیلات ابتدایی خود را در دبسـتان صابری که ملّی بود شـروع کردم . سال های چهارم و پنجم ابتدایی را در دبسـتان نوید و سال ششم را در دبستان منوچهری با موفّقیّت پشت سر گذاردم . آنگاه وارد دبیرستان شدم و تحصیلات خود را در دبیرستان طوسی پی گرفتم و تا سال سوّم درهمان دبیرستان بودم .

به خاطر علاقه و دلبسـتگی به حوزه ، پس از مدّتی به مدرسه آیت الله العظمی میلانی (قدس سره) رفته و ثبت نام کردم . تحصیلات حوزوی بنـده پس از انـدکی توقف ـ که خیلی دوران سـختی بود ـ در مدرسه آقای مصبـاح ادامه پیدا کرد . ما در این مدرسه کتاب

های جامع المقدّمات ، سیوطی و مغنی را طی سه سال در محضر اساتید مربوطه خواندیم . این مدرسه به خاطر مسائلی منحل شد. لذا ما به مدرسه بعثت تحت اشراف آیت الله میرزا حسنعلی مروارید (قدس سره) مراجعه کردیم و در آن مدرسه کتاب های معالم ، لمعه ، رسائل ، مکاسب و اصول فقه را در محضر اساتیدی همچون عبد الجواد غرویان ـ امام جمعه فعلی نیشابور ـ مرتضی مروارید و ... دامت براکاتهم تلمّذ نمودیم . این زمان مصادف بود با اوج گرفتن مسائل انقلاب ؛ من هم مثل بقیه در فعّالیّت های انقلابی شرکت می کردم .

پس از انقلاب و استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی ما هم در کنار درس و بحث مناسب با زمان و نیازهای موجود فعّالیّت های انقلابی را که شامل سخنرانی ، اجرای کلاس های فرهنگی در مساجد و شرکت در اردوهای آموزشی و به عهده گرفتن امام جماعت فرودگاه مشهد و عضویت غیر رسمی در انجمن اسلامی فرودگاه و غیره بود شدت بخشیدیم و بعدها نیز مسولیت هیئت بدوی باز سازی نیروهای انسانی در اداره کل راه و ترابری استان خراسان را تقبل کردم که مدت اشتغال ما در این سمت ۲ ماه بیشتر طول نکشید چرا که علاقه به تحصیل در حوزه علمیّه قم در دلم افتاده بود و قصد کرده بودم برای ادامه تحصیل به قم هجرت کنم . لذا پس از سر و سامان دادن به کارها استعفای خود را نوشتم و در سال ۱۳۶۱ به قم مهاجرت کردم .

پس از ورود به قم ابتدا نزد اساتیدی چون آقا سیّد علی محقق داماد و آیت الله علوی گرگانی (دامت براکاتهما) تتمه درس سطح را که شامل بخشی از مکاسب و کفایه بود خواندم. آنگاه خود را برای شرکت در درس خارج آماده کردم.

اساتید خارج عبارتند از : آیت الله فاضل لنکرانی در فقه و اصول ، آیت الله مکارم شیرازی در اصول ، آیت الله جناتی شاهرودی و میرزا هاشم آملی در فقه . امّا در زمینه فلسفه و عرفان و هیئت استاد عمده ما حضرت آیت الله علّامه استاد حسن زاده آملی دامت برکات وجوده الشریف بوده است .

از دیگر اساتید ما در فلسفه حضرت آیت الله عزالدین زنجانی (دام ظله) است که در مشهد قبل از انتقال به قم قسمت هایی از بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و منظومه را در محضر ایشان خواندیم . ما تدریس را در مشهد ، مدرسه آقای مصباح در حالی که خودمان سیوطی می خواندیم آغاز کردیم . اولین کتابی را که تدریس کردیم کتاب صرف میر بود . این درس را به پیشنهاد و تشویق آقای صراف زاده که مدیر مدرسه بود و ایشان را بر گردن حقیر حق بسیاری است شروع کردیم . پس از آن در مدرسه آیت الله مروارید دروسی را چون سیوطی ، منطق و مختصر المعانی ، به مدت ۵ سال تدریس نمودم .

دروسی را که تا کنون در حوزه علمیّه قم تدریس کرده ام و برخی نیز هنوز ادامه دارد عبارتند از :

مغنی اللبیب ، المنطق ، بدایه الحکمه ، نهایه الحکمه ، الاشارات و التنبیهات ، الهیات شفاء ، برهان شفاء ، الشواهد الربوبیه ، اسفار ، تهمید القواعد ، شرح فصوص قیصری ، تشریح الافلاک ، شرح چغمینی و مقاله اولای اصول اقلیدس .

اینجانب علاوه بر تبلیغ به همان صورت سنّتی (منبر رفتن) در شهرهای مشهد ، ساری ، لاهیجان ، تهران ، قم ، شهر کرد ، بروجن و ... به مناسبت های ماه محرم و ماه رمضان از سال ۷۳ از طریق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها به عنوان مبلغ به دانشگاه های علوم پزشکی سمنان ، قزوین ، مشهد ، شهید بهشتی و دانشگاه های هنر و تربیت معلّم کرج و دانشگاه نفت رفته ام .

حقیر مدّتی را هم در کنار تدریس در حوزه به تدریس در دانشگاه شهید محلاتی قم در زمینه های منطق ، فلسفه ، کلام ، اخلاق و امور تربیتی از سال ۷۵ تا ۸۰ مشغول بودم .یکی از فعّالیّت هایی که در حال حاضر به آن خیلی اهمیّت می دهم و برایش ارزش خاصی قائلم عضویت در هیئت تحریریه فلسفه و کلام مرکز فرهنگ و معارف قرآن قسمت دایره المعارف قرآن کریم است که تا این زمان مدّت قریب ۳ سال است ادامه دارد و انشاء الله امیدوارم توفیق پی گرفتن آن را از این پس نیز داشته باشم که در خدمت قرآن بودن و کار قرآنی کردن توفیق بزرگی است و نمی توان دیگر فعّالیّت های علمی را با آن مقایسه کرد .

رمضانی، محمدرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرسول رمضانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمدرسول رمضانی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین و ارادتمند به خاندان پاک پیامبراعظم صلی الله علیه و آله بدنیا آمد. علاقه فروان ایشان به طلبگی و دروس دینی سبب شد تا در سال ۱۳۵۹هجری شمسی پس از پشت سرگذاشتن موفقیت آمیز دوران متوسطه وارد حوزه علمیه مشهد شود. ایشان در بدو ورود به حوزه علمیه مقدمات و سطح را از محضر بزرگانی چون شیخ باقر واعظی، صالحی نیشابوری و آیت الله مرتضوی کسب فیض نمود. دوره خارج فقه و اصول را نزد آیات مرتضوی، فلسفی و رضازاده تلمذ کرد. در کنار تحصیل به تدریس در حوزه علمیه مشهد و مراکز دانشگاهی مشغول شد و هم اکنون در مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان رضوی مشغول خدمت به طلاب علوم دینی می‌باشد.

رنجبر، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن رنجبر

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۳ (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم وبه مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و ۲ ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال ۱۳۶۴ وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال ۱۳۶۹ در آنجا مشغول به تحصیل بودم

با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال ۱۳۷۳ وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن

پایه دهم (شفاها و کتبا) در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت میکردم در سال ۷۸ با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال ۸۰ به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال ۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سر پرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم

با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال ۸۳ وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.

افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

روانبخش، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم روانبخش

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را گذراندم سپس در حوزه علمیه به صورت آزاد دروس فقه و اصول را نزد اساتیدی مانند آیت الله رزاقی ، آیت الله ستوده ، آیت الله سید علی محقق داماد و سید مصطفی محقق داماد ، شرح لمعه ، اصول فقه ، مکاسب و رسائل و کفایه را فرا گرفتم . دو جلد لمعه را نزد آیت الله رزاقی ، اصول فقه را در محضرمصطفی محقق ، مکاسب و رسائل را نزد آیت الله ستوده و آیت الله رزاقی ، کفایتین را نزد آیت الله سید علی محقق فرا گرفتم.

دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی ، مکارم شیرازی به مدت ۷ سال بهره جستم .

در سال ۱۳۶۱ وارد موسسه در راه حق شدم و با مجوز آیت الله مصباح سه سال درس موسسه را به کمک نوار در دو ماه و نیم تابستان فرا گرفتم و در آغاز سال تحصیلی در امتحانات شرکت کردم و در سال چهارم گروه «هـ» موسسه وارد شدم . دوره گروه «هـ» را که یک دوره هفت ساله بود ۴ سال دیگر در کنار دوستان در موسسه ادامه دادیم و درسهای اسفار جلد هشت و نهم بحث نفس را در محضر استاد مصباح فرا گرفتیم و سپس وارد بنیاد باقر العلوم (ع) شدیم و در رشته تخصصی فلسفه وارد شدیم و در این دوره که تا سال ۱۳۷۵ ، سال دفاع از پایان نامه طول کشید کتاب های برهان ، شفا ، الهیات شفا ، اسفار جلد سوم را از محضر استاد مصباح و اسفار جلد اول را از محضر استاد جوادی آملی تلمذ کردم .

تاریخ فلسفه یوسف کرم دو جلد در نزد استاد فیاضی و جلد اول و دوم اشارات را نیز نزد ایشان فرا گرفتم و دروس معرفت شناسی را با استاد مصطفی ملکیان خواندم . پایان نامه اینجانب نیز با عنوان «کیفیت پیدایش معقولات اولی و ثانیه» با استاد راهنما

استادغلامرضا فیاضی و استاد مشاور آقای عبد الرسول عبودیت و استاد داوری آقای مصطفی ملکیان که با نمره ۱۸/۵ از آن دفاع شد .در این مدت علاوه بر تدریس دروس طرح ولایت مثل کتاب هستی شناسی، معرفت دینی ، غرب شناسی ، فلسفه اخلاق سالانه ۴ واحد آموزش فلسفه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تدریس کرده و ادامه خواهم داد.

درسال ۱۳۷۶ به دلیل رشد فزاینده مطبوعات مدعی اصلاح طلبی وارد عرصه مطبوعات شده و با تاسیس هفته نامه پرتو به مقابله با اندیشه های باطل طرفداران غرب پرداختم که تا کنون بیش از صدها مقاله از اینجانب در هفته نامه پرتو ، کیهان ، رسالت ، سیاست روز ، اطلاعات ، شرق و ... به چاپ رسیده است .

روحانی قمی، صادق

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت کرد و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس به تصحیل حکمت اشتغال داشت. در حدود ۱۲۷۹ ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شد. او پس از سالها بهره گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا فخرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملاـعلی‌اکبر از شاگردان وی می‌باشند. او در قم درگذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از اثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «الادله العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شرایع» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۶ -۸۵۵ /۱۴).

روحانی، سید شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین روحانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدشمس الدین روحانی پس از تحصیل در دبیرستان علوی ایرانیان در نجف اشرف ، وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدم . سطوح عالیه را در محضر اساتیدی همچون آیت الله مرحوم آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی و مرحوم آیت الله آقای شیخ مجتبی لنکرانی و آیت الله شهید میرزا علی غروی و شهید محراب آیت الله مدنی و آیت الله مرتضوی" حفظه الله "که هم اکنون در مشهد مقدس افاضه می فرمایند و ... گذراندم . در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم .

از آنجا که با برخی از مولفات حضرت آیت الله مکارم شیرازی " دامت برکاته " آشنا بودم و شیفته قلم روان و بیان شیوا و مقام علمی ایشان شده بودم ، توسط یکی از دوستان با معظم له آشنا شدم . حدود ۲۵ سال در محضرایشان و در برنامه های مختلف مدرسه علمیه امام امیر المومنین (ع) همکاری داشته ام .

روحانی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرنها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال ۱۳۵۷ ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌اللَّه حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه غروی و آیت‌اللَّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللَّه خوئی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنفوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در جهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[۱]

آیت‌الله حاج آقا محمد بن العلامه الحاج میرزا محمود بن الایه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.

تولدش در سال ۱۳۳۶ قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال ۱۳۵۵ قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثرا آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۹۵/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۷ -۲۰۶)، الذریعه (۱۳۵/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲ - ۱۶۰ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰ -۴۸۹ /۳).

روحانی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا روحانی

محل تولد : غزنین

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شده و در مرکز جهانی علوم اسلامی از پایه ششم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ با اتمام پایه دهم دروس سطح را به پایان رساندم.در سال ۷۵ – ۷۴ در مرکز آموزش زبانهای خارجی دانشگاه باقرالعلوم به فراگیری زبان عربی پرداخته تا دوره عالی ترجمه و مکالمه زبان عربی آن را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۵ دروس حوزوی را در مقطع درس خارج با شرکت در درسهای آقای فاضل گلپایگانی شروع نموده و در طول این مدت از محضر آیات و اساتید بزرگوار مرحوم آقای صالحی مازندرانی، جعفر سبحانی، مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برده ام.در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۷۹ در آزمون موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شرکت نموده و در مقطع کارشناسی رشته معارف اسلامی و حقوق قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. در سال ۸۱ –۸۰ همزمان با فارغ التحصیلی از موسسه امام خمینی با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه مفید در رشته حقوق بشر قبول شدم.اینک (تا یک هفته دیگر) از این دانشگاه نیز فارغ التحصیل می شوم (تاریخ دفاع پایان نامه ۶ /۲ / ۸۶) در چند سال اخیر ضمن تحصیل حوزوی و دانشگاهی علاوه بر نگارش پایان نامه ای با عنوان " نقش نهادهای ملی در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر "با چند فصلنامه و ماهنامه افغانستانی همکاری قلمی دارم.این همکاری با نگارش مقالات با موضوعات حقوقی، سیاسی و مذهبی در مجلات حقوق بشر، توسعه، گفتمان نو، مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین ادامه دارد ضمن آنکه عضو هیات تحریریه فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی و فصلنامه کلکین نیز می باشم.از سال ۱۳۸۴ دبیر بخش حقوقی مجله پامیر(نشریه دانشجویان افغانستانی در ایران) را به عهده داشته و علاوه برآن سردبیر فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات حقوقی ازشماره دوم نیز می باشم.

روحانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد روحانی علی آبادی

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد روحانی علی آبادی در سال ۱۳۴۲ در شهرستان ارومیه و در خانواده ای متعهد، مومن و انقلابی دیده به جهان گشوده ایشان

با تشویق خانواده علی الخصوص پدر خویش به تحصیل علوم دینی روی آورد و در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه ارومیه شد.
پس از مقداری تحصیل و شور و شوق ایشان به فراگیری تحصیلات عالی از محضر خانواده کسب اجازه کرد و به سمت عش آل محمد(ص) قم هجرت کرد. در دیار قم در درس مکاسب آیت الله عباسعلی کاظمی، کفایه آیت الله صالحی زنجانی حاضر و از محضر پرفیض آنان بهره مند شد. پس از گذراندن مرحله سطح به حلقه درس خارج اساتید برجسته آن زمان وارد گشت در محضر اساتیدی همانند آیت الله جعفری اراکی، آقا مجتبی تهرانی زانوی تلمذ بغل کرد. نامبرده سفرهای تبلیغی فراوانی به کشورهای خارج از جمله آذربایجان و هند داشته است که این حاکی از عزم ایشان در تبلیغ دین مبین اسلام و نشر مذهب نجات بخش بشریت شیعه اثنی عشری می باشد.

رودسرابی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ ـ ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.
در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در

سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

رویانی، ابونصر شریح

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۰۵ ق)، قاضی، فقیه و اصولی شافعی. وی سمت قضای آمل را بر عهده داشت. از آثارش «روضه الحکام و زینه الاحکام» است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۹۲/۱)، کشف الظنون (۹۲۳)، معجم المؤلفین (۲۹۸/۴)، هدیه العارفین (۴۱۶/۱).

ری شهری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ری شهری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۸/۱

زندگینامه علمی

حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی نیک، مشهور به «ری‌شهری» در آبان سال ۱۳۲۵ در شهری در خانوده‌ای متدین دیده به جهان گشود. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی، درسال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه شهری (مدرسه برهان) شد و در سال ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیل به قم رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، مدارج تحصیل را تا سطوح عالی در حوزه علمیه قم طی کرد. حجت الاسلام ری شهری، سطوح عالیه را نزد اساتید بزرگی چون حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج سید محمد باقر طباطبایی تلمذ نمود و دروس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۴۷ در شرایطی آغاز کرد که حوزه علمیه قم از فیض حضور امام خمینی (ره) بی‌بهره بود، بنابراین خارج اصول را از محضر حضرات آیات عظام مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و حاج شیخ حسین وحید خراسانی استفاده کرد و خارج فقه را از محضر حضرات آیات عظام حاج میرزا علی مشکینی، حاج شیخ جواد تبریزی، مرحوم حاج سید محمدرضا گلپایگانی و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری بهره برد.

حجت الاسلام ری شهری از ابتدای نهضت اسلامی، بویژه تحت تأثیر جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با اهداف و دیدگاههای حضرت امام (ره) آشنا شد و در تاریخ ۲۰ تیر ماه ۱۳۴۴ توسط ساواک مشهد دستگیر و به زندان محکوم شد. وی در سال ۱۳۴۵ ضمن تمرد از

شرکت در جلسه دادگاه تجدید نظر ساواک، به نجف اشرف رفت و پس از مدت یکسال به ایران بازگشت و حدود ۱۸ ماه در حوزه علمیه مشهد به تحصیل پرداخت. در همین زمان مجدداً تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و در دادگاه تجدید نظر بار دیگر به زندان محکوم شد.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۵۶ به دلیل سخنرانی علیه رژیم شاه در حسینیه اصفهانی‌های آبادان، توسط ساواک ممنوع المنبر شد. وی به دلیل سخنرانی علیه رژیم در نهاوند آبادان، مشهد، هرمزگان و زابل مورد تعقیب ساواک بود و تظاهرات مردم هرمزگان و زابل در رابطه با قیام سراسری مردم ایران علیه رژیم، پس از سخنرانیهای او صورت گرفت.

حجت الاسلام ری شهری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی دزفول، بهبهان، گچساران، بروجرد، رشت و گنبدکاووس خدمت کرد و سپس به اهمیت حفظ و اصلاح نیروهای مسلح، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب دراین رکن مهم، در اواسط سال ۱۳۵۸ به ریاست دادگاه انقلاب ارتش منصوب شد. وی با توجه به شرایطی که قانون اساسی برای تصدی وزارت اطلاعات معین کرده بود (بویژه شرط اجتهاد)، نخستین وزیراطلاعات در جمهوری اسلامی ایران بود که با کسب آراء اکثریت قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ به این سمت منصوب گردید.حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۶۸ به دادستانی کل کشور منصوب شد و تا اوایل سال ۱۳۷۰ در این سمت خدمت کرد و همزمان در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۶۸ از سوی رهبر معظم انقلاب به عنوان دادستان ویژه روحانیت منصوب شد. حجت الاسلام ری شهری همچنین در سال ۱۳۶۹ به فرمان رهبر فرزانه انقلاب به تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم الحسنی (علیه السلام) منصوب گردید. انتصاب وی دراین سمت، آغاز تحول اساسی درعمران و توسعه این مجموعه مهم مذهبی بوده است. وی در انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری، به عنوان داوطلب منفرد شرکت کرد و از سوی مردم استان تهران برگزیده شد، همچنین در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، کاندیداتوری او از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و سایر گروههای سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و با رأی قاطع مردم بار دیگر به نمایندگی این مجلس انتخاب گردید.

حجت الاسلام ری شهری در سال ۱۳۷۰ به سمت نماینده مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج منصوب شد که این مسئولیت هنوز ادامه دارد. حجت الاسلام ری‌شهری بنیانگذار اولین و بزرگترین مجموعه فرهنگی در حدیث و علوم مربوط به آن است. وی در اواسط سال ۱۳۷۴ به همراه جمعی از شخصیتهای صاحب نام سیاسی و مذهبی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را بنیان نهاد. این جمعیت پس از طی مراحل قانونی رسمیت یافت و هیئت مؤسس آن، به اتفاق آراء، حجت الاسلام ری‌شهری را به سمت دبیرکل جمعیت انتخاب کردند. این جمعیت پس از چند سال حضور مؤثر، خیلی زود عرصه سیاسی کشور را ترک کرد. اوج فعالیت جمعیت دفاع از ارزشها به هنگام نامزد کردن دبیر کل خود برای ریاست جمهوری هفتم بود. حجت الاسلام ری‌شهری هم‌اکنون، ضمن تحقیق و تدریس و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی حجاج ایرانی است. از وی تاکنون بیش از ۳۰ کتاب پژوهشی در۵۹ جلد منتشر شده است.

ریزی، عبدالوهاب

قرن:۱۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم و فاضل و مجتهد جامع بوده، در اصفهان نزد سیّد حجّهٔ الاسلام، و در نجف تحصیل نموده، و پس از مراجعت در وطن خویش

ساکن گردیده، و به ترویج دین و اجرای احکام پرداخته، و پس از وفات، در مسجد خویش، در اطاقی مخصوص مدفون گردید.
صاحب عنوان، عالم و فاضل محقّق جامع مجتهد فقیه اصولی، در اصفهان و نجف اشرف در نز اساتید آنجا تلمّذ نموده، و از اساتید خود به دریافت اجازه ی روایت و اجتهاد مفتخر گردیده، که عبارتست از اجازه از حاج میرزا حبیب اللّه رشتی، و آقا سید محمّد کاظم یزدی، و آخوند ملاّ محمّد کاظم خراسانی.
پس از تکمیل تحصیلات به اصفهان مراجعت نموه، و گاهی در شهر، و اغلب در قصبه ی ریز ساکن بوده، و در همانجا وفات یافته، و جنازه ی او با تجلیل و تکریم به شهر منتقل گردیده، در تکیه ی آقا شیخ مرتضی ریزی (برادر نامبرده) مدفون گردید.
بر گرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

رئیس زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین رئیس زاده

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مدرسه ابتدائی در سال ۱۳۵۳ وارد نظام طلبگی شده و ابتدا در شهرضا با شروع کتاب شرح امثله و صرف میر ادبیات را آغاز نمودم پس از یک سال گذراندن دروس طلبگی در این شهر وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح وحدود چهارده سال دروس خارج فقه و اصول را شرکت نمودم. هم زمان با دروس خارج دروس سنگرهای ایدئولوژیک در رابطه با نقد مکتب مارکسیسم که توسط آیهٔ الله مصباح یزدی ارائه شده بود گذراندم و با قبولی در این دوره و امتحانات شفاهی وارد دوره آموزشی با هدایت و نظارت استاد مصباح یزدی شدم و موفق به گذراندن دوره عمومی معارف اسلامی مشتمل بر معارف قرآن-فلسفه اسلامی-و آشنائی با علوم انسانی" اقتصاد– حقوق – سیاست و "...شدم و سپس وارد رشته تخصصی اقتصاد شده و یک سال این رشته را گذراندم بعلت اشتغال به کارهای اجرائی در تهران یک سال وقفه در تحصیل افتاد و پس از بازگشت رشته تخصصی علوم سیاسی را تا مقطع کارشناسی ارشد گذراندم ودر سال ۱۳۷۵ با ارائه پایان نامه با عنوان نقش مردم در مشروعیت نظام سیاسی در اسلام و گذراندن امتحانات مربوطه موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در این رشته شدم.
هم زمان با تحصیل در دروس فقه و اصول و رشته های معارف اسلامی و علوم سیاسی در مدارس مختلف مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعهٔ الزهراء"س "به تدریس فقه - اصول - علوم سیاسی پرداختم که تدریس در امور مذکور تاکنون ادامه دارد.

زارع، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیز الله زارع

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب عزیزالله زارع فرزند خلیل متولد ۱۳۴۰ از شهر آمل در سال تحصیلی ۳ـ۱۳۵۲ برای تحصیل علوم حوزوی وارد مدرسه علمیه مسجد جامع آمل شدم مقدمات دروس حوزوی مانند گلستان سعدی و نصاب الصبیان و برخی از کتاب‌های جامع المقدمات را در آن مدرسه فراگرفتم و چون مدرسه آن زمان از نظر مدیریت دچار مشکلاتی بود و برنامه مدونی برای طلاب وجود نداشت سال آینده به مدرسه مسجد هاشمی آمل رفتم عدم استاد و فضای مناسب آموزشی و مشورتی که با حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره) داشتم سبب شد به حوزه جعفریه رستمکلای بهشهر که تحت اشراف حضرت آیت الله ایازی رضوان الله تعالی علیه اداره می‌شد بروم و در سال ۷ـ ۱۳۵۶ به حوزه مقدسه علمیه قم آمدم و چون در قم مواجه شدیم با تعطیلی حوزه به جهت قیام و انقلاب و تظاهرات خیابانی، غالباً درس‌ها را تا لمعه جلد اول نزد اساتید خصوصی می‌خواندم کتابهای که قبل از لمعه جلد اول خوانده شد عبارت‌اند از جامع المقدمات، سیوطی، حاشیه ملاعبدالله، منطق مظفر جلدین اصول فقه مغنی باب رابع، معالم الاصول و جلد دوم لمعه را در درس حضرت استاد وجدانی فخر(ره) شرکت کردم. رسائل شیخ انصاری را نیز در محضر معظم له خواندم. بیشتر مکاسب شیخ را در محضرت آیت الله پایانی بودم و بخشی را نیز از نوار مکاسب آیت الله ستوده استفاده کردم. کفایه الاصول را نزد آیت الله صالحی مازندانی و بخشی را نزد حضرت آیت الله پایانی خواندم.

همراه دروس سطح حوزه درس فلسفه را نیز از بدایهٔ الحکمهٔ شروع کردم و بعد از آن نهایهٔ الحکمهٔ را خواندم و سپس بخشی از کتاب منطق و فلسفه شرح منظومه حاجی سبزواری فراگرفتم مدتی در فلسفه شرح منظومه از درس حضرت استاد آیت الله انصاری شیرازی استفاده می‌کردم.

سپس به اسفار ملاصدرا پرداختم بعضی از مجلدات آن را در درس حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی و بعضی دیگر را از محضر حضرت استاد جوادی آملی فراگرفتم همزمان جلد سوم اشارات را در محضر حضرت استاد حسن‌زاده آملی می‌خواندم.

بعد از خواندن مجلداتی از اسفار به درس مصباح الانس ابن فناری حضرت استاد آیت الله حسن‌زاده آملی پرداختم که متأسفانه به سبب ایجاد مزاحمت بعضی جهالِ مخالفِ درس عرفان برای شاگردان شناخته شده کارت ورود به جلسه درس تهیه شده است و بعد از اینکه مدتی با کارت ورود به جلسه درس برقرار بود. استاد به جهت پایه این از مزاحمت‌ها درس را تعطیل نموده‌اند و شاگردان را از این نعمت عظمی محروم شده‌اند.

تمام کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را در عرفان نظری را با نوارهای درسی حضرت استاد جوادی آملی خواندم و بخشی از شرح فصوص الحکم قیصری را نیز با نوارهای استاد جوادی آملی و استاد حسن‌زاده آملی خواندم و باقیمانده را نیز مترصد فرصتی هستم که بخوانم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی سالهای زیادی شرکت کردم و چون مباحث فقهی معظم له در ابواب عبادات بود چهار سال نیز در درس فقهی حضرت آیت الله وحید خراسانی که در معاملات (خارج (بیع مکاسب) بود شرکت نموده‌ام. با تشکیل مرکز تخصصی فقه ائمه اطهار تحت اشراف آیت الله فاضل لنکرانی بعد از قبولی امتحان شفاهی دوره تخصصی فقه را در حد اجتهاد متجزی در آن مرکز گذراندم و اکنون مشغول تحقیقات فقهی در برخی از موضوعات می‌باشم و

تـدریس تفسیر المیزان را نیز در مدرسه آیت الله بروجردی (خان) مشـغولم و بحمدالله از جهت تبلیغ و منبر نیز چه در قم در بیوت و دفـاتر علمـا و چه در خـارج قم و چه در اوقـات مخصوص تبلیغ ماننـد ماه مبارک و محرم الحرام و دهه آخر صـفر و چه در غیر آن، وقتم بسـیار مشـغول است. چنـد سالی در صـدای جمهوری اسـلامی اسـتان مازنـدران تحت عنوان درس‌های از نهـج البلاغه یا تبیین اسمای ماه مبارک رمضان مباحثی از این کمترین پخش می‌شد.

در سـال ۱۳۶۲ رسـاله این تحت عنوان اخلاقی در دوجهان بینی اسـلام و کمونیسم نوشـته‌ام که مـدتی جزوه درسـی سـپاه پاسـداران اسـتان کردسـتان قرار گرفته است و نسـخه آن نیز موجود است در سال ۱۳۷۶ نیز مقـاله‌ای از این حقیر تحت عنوان حوزویان طائفان بیت الله انفسی در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

زارعی، عباسعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباسعلی زارعی

محل تولد : سبزه وار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباسـعلی زارعی مشـهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسـنامه در سال ۱۳۴۸ در روسـتای گاچ از توابع شهرسـتان سبزه وار متولّـد شـدم. نام پـدرم محمـد و نام مادرم مانـدگار زهرائی می باشـد. وران کودکی را در آغوش پـدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنچ سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس ۱۳۵۶ در شهرستان سبزه وار به دبسـتان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال ۱۳۶۲ به طور رسـمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال ۱۳۶۵ در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشبیری، شیخ حسین طالبی درس سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۵ در امتحان ورودی مشـهد مقدس شـرکت نموده و پذیرفته شدم.در مشـهد مقدس از محضـر حضـرات حجج الاسـلام آقـای جوهری، علامه زاهـدی،سـنا بادی، علمی و حضـرات آیات مرتضوی و فلسـفی و آشتیانی و خلخالی تتلمـذ نمودم. در مشـهد مقدس به تقاضای بعضـی از طلاب درسهای مقدمات تا لمعه را تدریس می نمودم و در سال ۱۳۶۸ اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شـرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. درطول مـدتی که در مشـهد بودم یعنی مـدت نزدیک به پنچ سال با جدیت تمام به امر تحصـیل و تـدریس و تألیف مشـغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصـیب بنده شد.در شـبانه روز فقط ۵یا ۶ ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم.در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.

و در اواخر سال ۱۳۶۹ به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.

در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال ۱۳۷۱ در مدرسه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب،رسائل، بدایهٔ الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه،بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم.تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم .

زال پور، خسرو

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خسرو زال پور

محل تولد : کازرون

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۵/۹

زندگینامه علمی

آقای خسرو زال پور در نهم مرداد سال ۱۳۴۵هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم گردید و در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نظام بین الملل و امنیت جمهوری اسلامی ایران "دفاع کرد.

استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل" پیرامون انقلاب و امام خمینی"و"پیرامون سازمان ملل و ساختار آن "مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است.وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه می باشد.

زالی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن زالی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن ۱۶ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود ۴۰ سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه(معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود ۱۵ سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان « شرح قیصری» و ، ... فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا ...برخوردار شدم.

اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه ، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضربه تدریس خارج فقه و اصول(یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه برآن دروس حوزوی ادبیات تا سطح عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث ، نهج البلاغه ، احکام ، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد ا...توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون درس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را از نهایه مرحوم علامه تا منظومه سبزواری ، اسفار از جلد ۱ تا جلد ۸ (که هم اکنون مشغول هستم) تدریس داشته ام.

همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن ، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم ، در دانشگاه قم ، تربیت مدرس قم ، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی ، نهج البلاغه ، تفسیر ، احکام، فلسفه ، حکمه متعالیه و پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما ، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم .

در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام

معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیزاشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملا صدرا تفسیر قرآن، ترتیبی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبتهای مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و ... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعهٔ الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته ام کوتاه سخن اینکه اینجاب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود ۴۰ سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته ام.

زاهد علایی بخاری، ابوعبدالله، محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۴۶/۵۴۵ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، واعظ و متکلم حنفی. معروف به علاء زاهد. در آخر عمرش املای حدیث می کرد. وی از مشایخ صاحب «الهدایه» بود. از آثارش «تفسیر القرآن» یا «تفسیر محمد بن عبدالرحمان» یا «تفسیر علائی» است که بیش از هزار جزء می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۴۵۸، ۴۵۴)، معجم المؤلفین (۱۳۳/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۲/۳)، هدیه العارفین (۹۱/۲).

زاهدی غزمینی خوارزمی، نجم‌الدین، ابوالرجاء مختار

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۸ ق)، فقیه و اصولی حنفی. معروف به زاهدی. نسبت وی به غزمین از قصبات خوارزم می‌رسد. سفری به بغداد و روم کرد. وی از شاگردان سکاکی بود. از آثارش: «المجتبی» در شرح «المختصر القدوری»، در فقه حنفی، در سه مجلد؛ «الصفوه»، در اصول فقه؛ «فرائض زاهدی»؛ «الجامع فی الحیض»؛ «کتاب فضائل» یا «فضائل شهر رمضان»؛ «رساله الناصریه»، در نبوت و معجزات؛ «قنیه الفتاوی»؛ «قنیه المنیه لتتمیم الغنیه»؛ «الحاوی فی الفتاوی»؛ «تفسیر قرآن» یا «تفسیر زاهدی»؛ «زاد الائمه فی فضائل خصیصه الامه»؛ «فضل التراویح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۷۲/۸)، ریحانه (۳۵۷/۲)، کشف الظنون (۱۹۲۱ ،۱۶۳۱ ،۱۵۹۲ ،۱۴۴۷ -۱۴۴۶ ،۱۳۵۷ ،۱۲۷۸ ،۱۲۴۷ ،۱۰۸۰ ،۹۴۵ ،۸۹۷ ،۸۹۵ ،۸۹۳ ،۸۶۶ ،۶۲۸ ،۵۷۷)، لغت نامه (ذیل/ مختار)، معجم المؤلفین (۲۱۱/۱۲)، هدیه العارفین (۴۲۳/۲).

زاهری، میرزا احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج میرزا احسان زاهری

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در مدارس کاشان گذراندم که در همان زمان از دبستان روحیه مبارزاتی و محو عکس‌های شاه را از کتاب داشتم. دبیرستان را در دبیرستان محمودیه شبانه گذراندم، مقداری هم به ادبیات عرب و دروس حوزوی توجه داشتم و کار هم می‌کردم. با پایان دیپلم در سال ۱۳۵۳ با حضور در کلاس‌های آقای حجهٔ الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و آشنایی و مشورت‌های مکرر با علما که به دانشگاهها و تربیت معلم بروم یا حوزه، یکی از علمای کاشان حضرت حجهٔالاسلام حاج آقا خراسانی فرمود: ارزیابی کن کدامین راهها حفظ انسان را بیشتر تأمین می‌کند زیرا بیشتر من به فکر خدمات به مردم بودم. اینجا پایان مشورت محقق شد. به دعوت حجهٔالاسلام قرائتی به قم و سپس به مدرسه رسالت معرفی شدم. اولین صبحانه را در منزل ایشان در قم صرف نمودم. دروس کلاسیک حوزوی را در مدرسه رسالت قم گذراندم تا آغاز و شور انقلاب اسلامی ایران آنگاه تا سال ۱۳۵۸ در مدرسه رسالت سطح اول ادبیات را گذراندم. لمعه و اصول را در حوزه آزاد آغاز نمودم تا سال ۱۳۶۱ که رسائل و مکاسب می‌خواندم. با درخواست حجهٔالاسلام قرائتی به استان سیستان و بلوچستان هجرت جهت تدریس معلمان نهضت سوادآموزشی و مدیریت و راه‌اندازی آن.

در زاهدان به درس کفایهٔ الاصول حجهٔالاسلام و المسلمین حاج آقا مؤیدی حضور و در کنار آن نوارهای کفایه حضرت آیهٔالله فاضل لنکرانی و مکاسب مرحوم آیهٔالله ستوده و رسائل حجهٔالسلام اعتمادی را مرور و خلاصه‌نویسی در طول مدت بیش از دو سال تا دی ماه ۱۳۶۳ نمودم. سپس به حوزه برگشتم درس خارج حضور یافتم. فقه و اصول در آن روزگار فقه آیهٔالله منتظری، اصول آیهٔالله حاج شیخ حسین مظاهری درس رسائل را مروری حضرت آیهٔالله راستی کاشانی و مجدداً به دو درس کفایهٔ الاصول جلد یک و دو مرحوم آیهٔالله ستوده حاضر شدم. و تا پایان دیماه ۱۳۶۶ مروری به کتاب‌های کفایه و رسایل و مکاسب داشتم. سال ۱۳۶۶ به استان سیستان و بلوچستان و تدریس در دانشگاههای آن دیار و تدریس در تربیت معلم و افسران ارتش و مسئولیت در سه نیروی ارتش کارهای جدیدی را آغاز نمودم. ادامه دروس حوزوی را در زاهدان همراه خود با مباحثات داشتم. با خلع آیهٔالله منتظری از قائم مقامی با ناراحتی شدید از برخورد ایشان با مواضع امام راحل و روشن شدن بسیاری از مسائل از پشت پرده ابهام دیگر دروس و مواضع ایشان را برای خود و دوستان طرد نمود. آنگاه از سال ۱۳۶۹ به حوزه بازگشتم. حداقل بیش از ۱۲ سال درس خارج حضور یافته‌ام. در این مدت ۶۹ تا ۸۳ که در حوزه حدود ۱۴ سال بوده ام. تدریس در مدارس علوم جهانی مرعشیه چند سال طلاب

خارجی، تدریس اصول استنباط و اصول فقه چندین دوره در حرم مطهر ،تدریس لمعه در فیضیه و مدرسه آیـةالله مرحوم نجفی مرعشی، تدریس بدایه و نهایه در فیضیه، تدریس رسایل و مکاسب و کفایه در مدرسه آیهٔ گلپایگانی و فیضیه، تدوین کتاب‌ها از سال ۱۳۸۰ آغاز و چاپ گردید که تاکنون ادامه دارد. از سال ۱۳۸۳ به دعوت کارهای تحقیقی و ستادی توسط حجةالاسلام حاج محسن قرائتی به تهران دعوت و سپس امامت جمعه احمدآباد مستوفی را قبول نمودم که الان ادامه دارد.

زجاجی مجرد، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید زجاجی مجرد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر به سال ۱۳۴۲ شهریور ماه در یک خانواده مذهبی در کاشان متولد گردیدم که پس از گذراندن دوران تحصیلی ابتدائی و راهنمایی (سال سوم) مصادف با انقلاب اسلامی شدم که نسبت به سن خود یکی از عاشقان امام خمینی(ره) مطرح بودم.در انقلاب شرکت نموده و پس از آن با فرمان امام(ره) مبنی بر تشکیل بسیج یکی از نیروهای اولیه بسیج بودم و به عنوان مربی آموزش نظامی و سپس به عنوان مسئول آموزش نظامی مطرح شدم و با شروع شرارت‌های دشمن در کردستان از طرف جهاد سازندگی به مدت سه ماه به کردستان و بانه رفتم و در عملیات جاده سردشت ـ مریوان شرکت داشتم. با شروع جنگ تحمیلی به عنوان رزمنده در جنگ شرکت کردم.(بسیجی) درجنگ ها و عملیات‌های فتح المبین،بیت‌المقدس،محرم،شلمچه،آبادان،ماهشهر که مجموعاً حدود ۲۰ ماه تا سال ۶۲ در جبهه حضور داشتم.سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام خمینی(ره) شدم و حدود ۲ سال در آن حوزه و سپس تاکنون در حوزه علمیه حضرت آیت الله یثربی به عنوان یک طلبه می‌باشم که بحمدالله دوران سطح ۱ و ۲ و ۳ را تمام نموده. (اتمام کفایتین)سپس یک دوره ۹ ساله درس خارج فقه حوزه کاشان را گذرانده و سپس تا به حال یک دوره درس خارج اصول را گذرانده‌ام و از چند نفر از علماء و مراجع موفق به کسب اجازه نیز شده‌ام. همزمان با حوزه و دروس آن موفق به تحصیل در دانشگاه شده‌ام. بحمدالله در عرض دروس حوزه و دانشگاه اقدام به نویسندگی نموده‌ام که تا به حال ادامه دارد.همچنین از سال ۱۳۷۵ تا به حال در کرسی خطابه بوده‌ام که تا به حال در سطح کشور و خارج انجام وظیفه نموده‌ام. همچنین در حوزه و دانشگاه اقدام به تدریس نموده‌ام. همچنین موفق به اخذ چندین تشویق‌نامه علمی شده و استاد رسمی تاریخ اسلام با گرایش صدر اسلام و امامت می‌باشم.

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد زروندی رحمانی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .

دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم . سال ۵۶-۵۵ بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سلطانی ، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول) ، شیخ جواد تبریزی (هفت- هشت سال خارج فقه) ، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی .دروس فلسفه (منظومه ، نهایه الحکمه ، اسفار ، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام . در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می باشد) ، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زعفرانی اصفهانی، ابوسعید حسین

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، اصولی و مفسر. وی از ابوالقاسم بغوی و ابومحمد بن صاعد و حسین بن علی بن زید و همطبقه‌ی

آنان حدیث شنید. ابوبکر بن ابی علی و ابونعیم اصفهانی و گروهی دیگر از وی حدیث روایت کرده‌اند.ابونعیم اصفهانی گوید که زعفرانی به لحاظ شناخت استوار و دانش فراگیرش بندار اصول و حدیث شهر ما بود. او دارای تصنیفات بسیار بود. از آثارش: «السمند» یا «مسند زعفرانی»، در حدیث؛ «التفسیر زعفرانی» یا «تفسیر القرآن»؛ «الشیوخ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۷/۲)، ایضاح المکنون (۴۸۲، ۳۰۵ /۱)، سیر النبلاء (۵۱۸ -۵۱۷ /۱۶)، معجم المؤلفین (۵۵/۴)، الوافی بالوفیات (۴۶ -۴۵ /۱۳)، هدیه العارفین (۳۰۵/۱).

زکی، محمد موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد موسی زکی

محل تولد : افغانستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدموسی زکی فرزند شهید محمد عیسی فرزند شهید محمد رسول از حدود سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را شروع کردم ولی از سال ۱۳۶۴ به طور مستمر به تحصیل ادامه دادم، تا سال ۱۳۶۵ در افغانستان و استان محل اقامت خویش تا معالم الاصول و منطق تحصیل نمودم.در پاییز سال ۱۳۶۵ با خانواده به ایران مهاجرت کردم. از شهریور ۱۳۶۲ در تهران (جامعه امیرالمومنین) ادامه دروس را مشغول شدم و تا تیرماه ۱۳۶۷ در همین مدرسه تا پایه ششم حوزه به تحصیل ادامه دادم. از تیرماه همان سال به قم هجرت کردم و تا شهریور ۱۳۷۷ تا سال چهارم خارج فقه و اصول را در این حوزه علمیه تحصیل نمودم. در مهرماه ۱۳۷۷ برای تدریس به رفسنجان رفتم و تا مهرماه ۱۳۷۹ دروس پایه پنجم و ششم و هفتم و بخشی از پایه هشتم را در مدارس امام خمینی(ره) رفسنجان و امام حسن(ع) رفسنجان تدریسص کردم. از مهرماه ۱۳۷۹ تا کنون در قم به تحصیل ، تدریس و تحقیق اشتغال دارم.

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و مدرسه رضویهٔ تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره ها برده و می برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهّیه و تدوین بعضی از شناخت نامه ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت های علمی به انجام وظیفه می پردازیم.

و نیز در ده ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهائی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته ام و در اکثر این کنگرها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرائی، یا معاون علمی و اجرائی و... به وظیفه عمل کرده ام.

زمانی نژاد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر زمانی نژاد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ شمسی. در شهر مقدس قم به دنیا آمدم و در سال ۱۳۵۶ ش وارد حوزه شده و مقدمات سطح و تا خارج در مدرسه آیهٔ الله گلپایگانی و مدرسه رضویهٔ تا سال ۱۳۶۴ به پایان رساندم و دروس جدید را تا دیپلم متفرقه گذرانم.

و از سال ۱۳۶۵ تا کنون از دروس خارج حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و منتظری و وحید خراسانی و سبحانی و مددی شرکت کرده و می کنم و از درس فلسفه و تفسیر آیات عظام حسن زاده آملی و انصاری شیرازی و جواد آملی بهره ها برده و می برم در کنار تحصیل با نوشتن مقالات و تصحیح بعضی از متون درسی علما و تهّیه و تدوین بعضی از شناخت نامه ها و شرح حال و کتابشناسی جهت شخصیت های علمی به انجام وظیفه می پردازیم.

و نیز در ده ها کنگره علمی در ایران و خارج شرکت کرده و اکثر این کنگره ها با تدوین کتابی و یا تصحیح کتابهائی و نوشتن مقاله و مقالات و... همکاری نزدیک داشته ام و در اکثر این کنگرها به عنوان معاون علمی، یا معاون اجرائی، یا معاون علمی و اجرائی و... به وظیفه عمل کرده ام.

زمانی، رجبعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رجبعلی زمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۸ سیکل خود را گرفتم سپس در امتحانات عمومی حوزه علمیه مشهد که با سیاست گزاری مرحوم آیت الله العظمی میلانی برگزار گردید شرکت کردم و به فضل الهی در مدرسه معظم له پذیرفته شدم و درسهای حوزوی را آغاز کردم. با پشتیبانی مرحوم والد در مدرسه مرحوم آیت الله میلانی طی پنج سال دوره سطوح اولیه گذراندم و از محضر اساتیدی همچون حجج اسلام اسلامی، نجفی، نقیبی، بنی هاشمی (ره) اختری بهره مند شدم.سطوح عالی را آغاز کردیم و از برکات وجودی اساتیدی همانند حجةالاسلام والمسلمین آهنیان، محسنی، محقق و آیت الله رضازاده و فلسفی استفاده بردم دروسی همچون رسائل و مکاسب را فراگرفتم و سپس به شهر قم جهت ادامه تحصیل روانه شدم.در سال ۱۳۵۴ه ش عازم قم شدم و ادامه سطوح عالیه مکاسب و رسائل را در محضر آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت الله پایانی به پایان رساندم و دروسی همچون کفایتین و بخش پایانی مکاسب را در محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله ستوده به اتمام رساندم.در ضمن دروس فلسفه و کلام (اسفار - منظومه) و تفسیر را از محضر آقایان آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی و مشکینی و انصاری ... استفاده کردم و تلمذ نمودم.از سالهای ۱۳۵۶ دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، آقای منتظری و وحید خراسانی تلمذ کردم و بهره فراوانی بردم. در ضمن بحث (رجال) را از محضر آیت الله شبیری زنجانی استفاده نمودم.تدریس در مدرسه دارالشفاء و فیضیه و حجتیه از عنایات الهی بود که توانستم معالم الاصول، مختصر المعانی، اصول مطفر و ادبیات عرب را تدریس کنم و آنچه را آموختم به عزیزانی دیگر منتقل نمایم. کار تدریس را نه تنها در حوزه علمیه مشهد و قم داشتم بلکه خداوند توفیق عنایت کرد سالهای ۶۵ تا ۶۹ همان دروس قبلی به همراه رسائل و مکاسب و بدآیت الحکمهٔ را در حوزه علمیه زینبیه سوریه تدریس نمودم و عده ای از طلاب عرب زبان از کشورهای مختلف اسلامی که در کشور سوریه به سر می بردند همانند برخی از طلاب عراق، بحرین ، لبنان، مصر ، پاکستان ، افغانستان ، و نیجریه و... بودند سعی نمودم آنچه را اندوخته ام به این عزیزان منتقل کنم (که حدود ۴ سال به طول انجامید)بعد از انقلاب اسلامی کار تالیف را آغاز کردم و با استفاده از تجارب حجةالاسلام والمسلمین آقایان محمد جعفر امامی و پیشوائی کار ادامه پیدا کرد. کار جمعی ما (درس هایی از نظام دفاعی اسلام) به ثمر رسید و چندین مرتبه به چاپ رسید و به حمدالله در میان رزمندگان اسلام (سپاه پاسداران - ارتش جمهوری اسلامی) مورد بهره برداری و تدریس قرار گرفت. و نیز کار جمعی دیگر همچون (معجم بحارالانوار) در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم انجام گرفت که آن هم ۱۴ جلد حجری شد و امروز از برکات وجودی آنها جامعه علمی اسلامی بهره مند می شود.

زمانی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن زمانی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از تحصیلات ابتدائی از سال ۱۳۴۹ هجری شمسی تحصیلات حوزوی را در شهرستان حیدریه آغاز کردم و ۴ سال در حوزه علمیه هراتی تحصیل کردم.سال ۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیه العظمی گلپایگانی ادامه تحصیل دادم. دروس سطح را در خدمت اساتید مانند حجج اسلام : صلواتی، حسن تهرانی، ستوده ، سید علی محقق داماد ، کریمی جهرمی، شریعتی کاشانی ، صانعی و موسوی تهرانی فراگرفتم.از سال ۶۱ درس خارج فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار حضرات آیات : فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی ، صانعی ، منتظری ، وحید خراسانی و گلپایگانی نزدیک ۱۵ سال گذراندم.در این دوره تحصیلی ۵ جلد اصول فقه استدلالی را که مشتمل بر بیش از نیمی از علم اصول فقه است را تألیف کردم که هنوز به صورت مخطوط است وانگیره این کار سنگین آن بود که اجتهاد واقعی و اتخاذ آراء در مسائل فقهبدون اجتهاد و اتخاذ آراء در مسائل اصول فقه ممکن نیست.سپس رساله فقهی اجتهادی پیرامون (طهارت اهل کتاب و مشرکین) را بعنوان رساله کارشناسی ارشد قرار داده و تالیف کردم.فلسفه اسلامی را با خواندن کتب : منظومه سبزواری، نهایه الحکمه، اشارات بوعلی، مجلداتی از اسفار ملا صدرا، و فلسفه جامعه تاریخ نزد اساتید بزرگواری چون: شهید مطهری، آیه الله جوادی آملی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، محمدی گیلانی، نکونام و فیاضی فرا گرفتم.عرفان اسلامی را با تلمذ و تحصیل کتاب: فصوص الحکم محی الدین و مصباح الانس نزد عارف رهپیموده استاد حسن زاده آملی فرا گرفتم.جهت فرا گیری زبان انگلیسی، چون از کلاس ششم ابتدائی به حوزه علمیه منتقل شده بودم، تمام کتب درسهای زبان راهنمائی ، دبیرستان و کارشناسی دانشگاه را در طول یکسال نزد استاد محرم خانی گذراندم. سپس دوره ۴ جلدی زبان را در مرکز آموزش زبان مرکز آموش عالی باقر العلوم (علیه السلام) سپری کردم تا آمادگی حضور در کلاس های زبان دوره ارشد و دکترای دانشگاه را بیابم.سپس در کنکور ورودی کارشناسی ارشد (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و پس از قبولی و گذراندن دوره تحصیلی فارغ التحصیل شدم و رساله پایان نامه من با نمره ۲۰ حائز بالاترین رتبه دانشگاه شد.سال ۷۷ در کنکور دکترای علوم قرآن و حدیث همان (تربیت مدرس دانشگاه قم) شرکت کرده و سال ۸۰دوره آموزشی را با معدل ۷۸/۱۸ به پایان رساندم.

در آن سال عضو هیئت علمی گروه علمی قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی قم شده و تا کنون به تدریس برای طلاب غیر ایرانی مشغولم.در طول دوران تحصیل مشغول تدریس رشته ها ودروس ادبیات عربی، منطق، فلسفه، معارف، اقتصاد اسلامی، اخلاق، نظام تربیتی، فقه مقارن، علوم قرآن و قرآن و مشرکان در حوزه ها و مدارس و دانشگاه های مختلف بوده ام.

زمانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود زمانی

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیر در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته" دین شناسی "از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان" ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن "دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زمانی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی زمانی درسال ۱۳۵۳هجری قمری درنجف آباد اصفهان درخانوادهای متدیّن و اهل فضل و تقوی بدنیا آمد. وی درپایان تحصیلات مقدماتی به قم رفت و به آموزش علوم دینی و زبان عربی پرداخت. زمانی مدت هشت سال ازدروس فقه و اصول حضرت امام(ره) بهرهمند شد و پس ازآشنایی با شهید دکترمفتح نخستین اثرش را با نام ابراهیم بت شکن یا قهرمان توحید

منتشرکرد. مرحوم زمانی روحیه ظلم ستیزی داشت؛ ازاین رو چندین بارعوامل رژیم پهلوی وی را دستگیرو زندانی کردند. مرحوم زمانی درهریک ازآثارش به نشرحقایق اسلامی و طرح اندیشههای مذهبی دربرخورد با مسائل اجتماعی و اخلاقی میپردازد. گفتنی است که کتاب« اَلشّیعَةُ وَالحاکِمون » تألیف محمد جواد مغنیه را تحت عنوان «شیعه و زمامداران خودسر» به فارسی ترجمه کرده است.۳۰بهمن ماه سال۱۳۶۹هجری شمسی حجهٔ الاسلام مصطفی زمانی نویسنده، محقق و ازمدرسان حوزه علمیه قم در۵۸ سالگی بدرود حیات گفت.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

زنجانی، ابوالمناقب محمود

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۵۶ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و لغوی شافعی. وی در بغداد متوطن بود. مدتی نیز نیابت قاضی القضاتی را بر عهده داشت تا عزل شد. در نظامیه به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درایام فتح بغداد به دست هلاکو کشته شد. از آثارش: «السحر الحلال فی غرائب المقال»، در فروع فقه شافعی؛ «ترویح الارواح فی تهذیب الصحاح» جوهری، در لغت؛ «تفسیر القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف الظنون (۱۰۷۳، ۹۸۱)، معجم المؤلفین (۱۴۹ -۱۴۸ /۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۵/۲).

زنجانی، امین‌الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۲۴ ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجهٔالاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بابیان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوعبداللّه است. وی در زنجان درگذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی‌اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد بابیه؛ «الحیوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقاعات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغمومین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۵/۶) اعیان الشیعه (۴۰۹/۲)، الذریعه (۳۷/۱۸، ۱۷۵ –۱۷۴، ۶/۱۷، ۲۲۸/۱۶، ۱۷۹/۴، ۴۹۵/۲)، ریحانه (۳۸۵ –۳۸۴ /۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲ –۶۱ /۱۳)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۶/۱۱)، مکارم الآثار (۷۸۲ –۷۸۰ /۳).

زنجانی، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۶۰ ق)، فقیه اصولی. از آثار وی: کتابی در «اصول»؛ رساله‌ای در «فقه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :معجم المؤلفین (۱۸/۴).

زنجانی، عبدالواسع

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۱ –۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امـام جمعه، مجتهـد و واعـظ. وی از اکـابر علمای امامیه در عصـر خود بود. پس از پـدرش تولیت مجسـد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهـده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پـدرش به خاک سپرده شـد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهـاد و التقلیـد»؛ حاشـیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشـیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۹۸ –۱۹۷ /۱۰، ۱۷۷، ۱۰۰ /۶، ۲۷۲ /۱)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشـیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجانی، عزالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۸ ق)، فقیه، اصولی و امام جمعه. در شـهر زنجان به دنیا آمـد، بعد از فراگرفتن مقدمات و ادبیات عرب نزد اسـتادان ادبیات، چون آقا میرزا علی‌اصـغر فصاحتی، به همراه اسـتاد رضا روزبه، منطق «حکمه الاشـراق» و «معیار العلم» غزالی را نزد پـدرش تحصـیل نمود. بعـد از فراغت از کتابهـای سـطوح، «رسائـل» و «مکاسب» و قسـمت عمـده‌ای از «طهاره» شـیخ انصاری را نزد آقا شـیخ حسـین زنجـانی که از مجتهـدین زنجـان و از شاگردان آخونـد خراسانی بود، خوانـد. «کفایه الاصول» را در خـدمت حاج شـیخ عبـدالکریم خوینی زنجانی فراگرفت و پس از دو سال تحصیل آن کتاب به درس خارج اصول پدرش، سید محمود امام جمعه، که تحت عنوان

«تقریرات» کاظمینی بود، حاضر شد. در شهریور ۱۳۲۰ به قم رفت و به درس خارج فقه و اصول آیهٔاللَّه حجت حاضر شد، و شبها به درس خارج اصول آیهٔاللَّه صدر و آیهٔاللَّه خوانساری شرکت نمود، و در معقول «اسفار» را به همراه استاد شهید مطهری و آیهٔاللَّه حاج سید محمدعلی طباطبایی تبریزی نزد امام خمینی (ره) خواند، و با ورود علامه طباطبایی به قم در نزد ایشان ادامه داد. وی سپس فقه و اصول را در نزد آیهٔاللَّه بروجردی تکمیل کرد و «تقریرات» ایشان را به رشته تحریر درآورد. آنگاه به نجف رفت و در حوزه درس آیهٔاللَّه حکیم و آیهٔاللَّه آقا سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد. پس از چندی به زنجان بازگشت و به تبلیغ و نشر احکام دینی و تدریس و امامت جماعت پرداخت. از آثار وی: تاسیس کتابخانه به سبک جدید و مساجد گوناگون در زنجان؛ تشکیل انجمنهای تبلیغی. از آثار علمی‌اش «تقریرات» اصول آیهٔاللَّه بروجردی؛ شرح قسمت اعظم «وسیله»؛ حواشی متفرقه در «منظومه‌ی حکمت»؛ تحریر «کفایه الاصول»؛ کتابی در تصوف؛ «رساله‌ی عملیه»؛ تحریر «الوسیط»، در فقه، به سبک استدلالی؛ تحریر کتاب «خمس».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۱ -۲۳۹ /۵).

زنجانی، فتحعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸ -۱۲۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و شاعر. وی برادرزاده و به آورده‌ی «الذریعه» (۸۰۷/۹) خواهرزاده‌ی مجتهد بزرگ آخوند ملا قربانعلی زنجانی، شاگرد شیخ انصاری، است. شیخ فتحعلی در زنجان متولد شد. مقدمات و علوم عربیت را در زادگاه خود به پایان رساند، سپس به قزوین منتقل و «قوانین»، تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در بحث خارج فاضل آشتیانی شرکت کرد. پس از بازگشت به زنجان، نزد عموی دانشمندش، آخوند ملا قربانعلی زنجانی هشت سال تلمذ کرد و سپس به تهران مراجعت و بعد از انتقال به حضرت عبدالعظیم به نجف اشرف رفت و در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی حضور یافت و در کربلا از محضر اردکانی و مازندرانی بهره گرفت و در سامرا در بحث میرزای شیرازی شرکت نمود. پس از وفات میرزای شیرازی، در خانه نشست و به تالیف پرداخت و تالیفات بسیاری انجام داد. از جمله آثارش: «مفتاح اللباب فی شرح خلاصه الحساب»؛ «تنقیح المسائل فی التعالیق علی الرسائل»؛ «حاشیه علی الروضه»؛ «حاشیه علی المکاسب»؛ «مجمع الانوار و معدن الاسرار»، در تفسیر قرآن؛ حواشی «حجیت القطع»؛ منظومه‌ای در «القطع»؛ «دیوان» اشعار فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۰۷/۹،۳۴۶/۲۱)، علماء معاصرین (۳۵۹ -۳۵۸)، معجم المؤلفین (۴۸/۴)، مکارم الآثار (۱۸۸۹/۶).

زنوزی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و طبیب. وی در نجف از شاگردان شیخ مهدی نجفی و شیخ انصاری و فضال ایروانی بود. به تبریز بازگشت و به انجام وظایف دینی پرداخت. وی پدر میرزا عبدالحسین، فیلسوف‌الدوله، و میرزا رضی و میرزا ابوالحسن

بود. پس از مرگ پیکرش را به نجف بردنـد و در وادی‌السـلام به خاک سپردند. از آثارش: «کتاب الحج»؛ «مباحث الالفاظ»؛ «اصـل البراءه»؛ «استصحاب»؛ «المتین فی الامامه علی نمط الالفین»، در امامت؛ شرح مبسوطی بر «تائیه» دعبل خزاعی.
بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، ریحانه (۳۹۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۸/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۹).

زوزنی، ابوعبداللّه حسین

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، نحوی، اصولی، ادیب. معروف به زوزنی. وی از پیشوایـان نحو و لغت و علوم عربی بود. که در زوزن متولـد شـد. از آثارش: «ترجمان القرآن»؛ «شرح المعلقات السبع»؛ «شرح معلقه‌ی طرفه بن عبد»؛ «شرح معلقه‌ی لبید»؛ «المصادر».[۱]
(منسوب به زوزن) ابوعبداللّه حسـین بن احمد. در لغت و نحو و عربیت نامبردار بود (ف. ۴۸۶ ه.ق.) از آثار او کتاب المصادر (ه.م.) (لغت)، شرح سبعه معلقه و ترجمان القرآن است.
بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۹/۲)، ایضاح المکنون (۳۳۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/۲)، تاریخ برگزیدگان (۲۸۸)، تاریخ نظم و نـثر (۶۵)، دایرةالمعارف فارسـی (۱۱۹۴/۱)، روضـات الجنات (۱۴۵/۳)، ریحانه (۳۹۴/۲)، سـرآمدان فرهنگ (۲۲/۱)، کشف الظنون (۱۷)، الکنی و الالقاب (۳۰۰/۲)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّه و حسـین)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ /۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۳/۲)، یادداشتهای قزوینی (۵۵ -۵۴ /۵).

زهادت، عبدالمجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالمجید زهادت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصـیلات دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ به مدرسه عالی شـهید مطهری وارد شده و تا سال ۱۳۶۶ دوره مقدمات و سطح را تا پایان مبحث قطع وظن رسائل در آنجا به پایان رساندم و با اخذ مدرک لیسانس و تحصیل را با شکل سنتی حوزوی در قم ادامه دادم و اساتید معظم و با سابقه‌ای مانند استاد اعتمادی در رسائل و استاد ستوده و کفایه و استاد پایانی در مکاسب کسب فیض نمودم پس از آن از درس خارج اصول حضـرت آیت الله العظمی وحید خراسانی به مدت ۱۲ سال و خارج فقه کتاب البیع و کتاب الصلاة

بمدت ۴ سال و خارج فقه آیت الله العظمی صافی کتاب الحج بمـدت ۶ سـال و خارج فقه آیت الله شاهرودی کتاب البیع بمـدت ۱ سال کسب فیض نمودم همزمان به تدریس سطح کتابهای منطق، اصول فقه و معالم، رسائل و کفایه در حوزهٔ علمیه قم اشتغال داشته و دارم و در کنار این تدریس در مرکز جهانی علوم اسـلامی بیش از ده سال است که به تدریس فقه و اصول و نهج البلاغه و عقائد و کلام بصورت مستمر اشتغال دارم علاوه بر این‌ها به تحقیق در فقه در مرکز فقهی آیت الله گلپایگانی بمدت ۳ سال اشتغال داشتم و در تـدوین جلد اول معجم فقهی و کتاب فقه ابن ابی عقیل عمانی همکاری داشـتم. در تنظیم بیش از ۱۰ جلد از کتابهای آیت الله العظمی صـافی (۴ جلـد فقه الحج، ۲ جلـد معارف دینی ۲ جلـد جـامع الاحکام و اسـتفتائات عربی و پزشـکی و قضائی نقش عمـده داشتم. در کتاب شریف نهج البلاغه تحقیق داشته و دارم و تا کنون دو کتاب بوسیله بوستان کتاب بنام اینجانب نشر یافته است.بحمد الله تعالی

زین العابدینی مرندی، موسی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

موسی زین العابدینی مرندی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت : زین العابدینی

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

موسـی زین‌العابدینی فرزند مرجع زاهد و عارف شیخ هادی که از نوادگان شیخ بهائی عاملی است در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در شهر نجف اشـرف به دنیا آمـده ام. پـدرم متولی امر تربیتی و آموزشـی مرا از همان بدو کودکی به عهده گرفت و خواندن و نوشـتن قرآن را به من آمـوخت که من ۶ ساله بودم. از نوجوانی صـرف و نحو و تمامی سـطوح را تا انتهای آن نزد پدرم به پایان رساندم. و علاوه بر ایشان مکاسب را نزد محقق بزرگوار شـیخ حسن یزدی و کفایه را نزد اسـتاد محقق شـیخ فاضل قائنی خوانـدم. درس خارج اصول را به مـدت ۱۰ سـال حـدود یـک دوره و نصف و خـارج فقه اکثر ابواب فقه را نزد مرجع عـالی قـدر سـید ابوالقاسم خوئی و حدود ۵ سال نزد امام خمینی(ره) خارج فقه خواندم. مسائل مستحدثه را نزد محقق بزرگ شـیخ حسـین حلی و بعضـی ابواب فقه را نزد سید عبـدالهادی شـیرازی و بعضـی از علوم دیگر را مثـل عروض، هیـات، طب و غیر اینها را نزد اسـتاد عالی مقام شـیخ مرتضـی گیلانی به پایان رساندم. و اجتهاد خویش را از پدرم شیخ هادی زین العابدینی و حضرت آیت الله العظمی خویی بحمدالله گرفتم. از همـان سـنین جوانی تـألیف و نوشـتن کتـاب را آغـاز کردم. البته تقریرات تمـامی دروس خـارج را به دقت می‌نگاشـتم و نگهـداری می‌نمـودم. ولی متأسـفانه بعـد از اینکـه مـا را از نجـف اشـرف بر روی مرز ایران قرار داده و اجـازه ندادنـد حتی مـدارک هویـتی و سجله‌هـای خود و خـانواده ام را بردارم تمـامی زنـدگی و مایملـک اعم از پول و وسائـل شخصـی خـانه و کتابهـای چاپی و خطی و تقریرات علمی اینجانب را صـد افسوس و صـد افسوس و... به یغما بردنـد ـ البته حـدود دو سال به جرم مبارزه سیاسـی در زنـدانهای عراق مثل ابوغریب و غیره محبوس بودم تا با توسل به حضـرت ثامن الحجج(ع) از حبس رهائی یافتم. شـرح منطق به صورت تعلیقی

و زنـدگانی و سـرگذشت علمی و تـاریخی داوود بن الحسن(ع) حـدود ۵۰۰ صـفحه بود و نیز در زنـدگانی کمیـل بن زیاد و حیات علمی او در زمان امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب(ع) دیوان شـعری هم درباره زندگانی و مدح ائمه اطهار(ع) نوشـتم و سـرودم از بیشتر علماء نجف اجازه در امور حسبیه داشـتم و اکثر مراجع قم نیز اجازه حدیث یا امور حسبیه را به بنده مرحمت نموده اند. مدت ۸ سال برای تبلیغ به منطقه کوت که شهر بسیار مهم ولی از لحاظ علمی و شرعی ضعیف بود، که در مدت ۸ سال تأسیس مسجد ، حسینیه ، مدرسه و تربیت جوانان بسـیار زیاد با پشـتوانه مراجع آن زمان سیدمحسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی کار مهمی بود و بیشتر وقتها با شـهید سـعید محمدباقر صدر در امور اداره فرهنگی این شـهر که بین بغداد و بصره واقع شده مشورت می‌نمودم و ایشان از حامیان اصلی اینجانب بودند. سال ۱۳۵۹ بعـد از انقلاب اسـلامی ما را به عنوان ایرانیان مقیم عراق از نجف بـدون اخطار قبلی و به بهانه‌ای، حضور ما در کلانتری را خواستند و بعد از اینکه در کلانتری (امنیت نجف) حاضر کردند با تمامی عموها و بسیاری از علمای نجف بـا ماشـینهای ارتشـی، لب مرز ایران و عراق قرار داده و تمامی اموال و کتابها را مصادره نموده و یا به آتش کشـیدند.و کار تبلیغی و علمی خود را در تهران منطقه دولت آباد شـهر ری مجدداً آغاز نمودم و تا سال ۷۷ در تهران به کار تـدریس و تبلیغ در حوزه قائم ـ مروی ـ دانشگاه امام صادق حسینیه معیری که با همت اینجانب برای عراقیها تأسیس شد که زمین آن تاکنون به اسم اینجانب است و از سال ۷۷ به بعـد بر اثر بـدی هوای تهران به قم منتقـل شـدم. و به تـدریس در حوزه گلپایگـانی و فرصتی دست یـافت تـا خیلی از تألیفات خویش را به اتمام برسانم. که اکثر تألیفات اینجانب هنوز به عللی که خـدای سـبحان صـلاح دیـده و می‌داند چاپ نگردیده بجز کتاب احسن المقال فی حکم الصلاهٔ علی النبی و آله که اهل خیری آن را به چاپ رسانید.

زین العابدینی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتـدا سال دوم حوزه به صـلاحدید حضـرت اسـتاد مجتهـدی به تـدریس مشـغول بودم و تاکنون نیز مشـغول تـدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایهٔ الحکمه،نهایهٔ الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایهٔ الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشـغول بوده و هسـتم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

سادات فخر، محمد محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد محسن سادات فخر در سال ۱۳۳۴در شهر مشهد به دنیا آمدم تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه مشهد مقدس از سال ۱۳۴۹ آغاز در سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم. در سال‌های ۱۳۶۵ ـ ۱۳۶۸ با پژوهشکده باقرالعلوم همکاری پژوهشی در پروژه موضوع نگاری تفسیر مجمع‌البیان آغاز گردید.ثمره همکاری یاد شده نشر کتاب مفتاح مجمع البیان از انتشارات اسوه ۱۳۸۳ می‌باشد. نیمه دوم سال ۱۳۶۹ تقریباً همکاری رسمی با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آغاز گردید. پروژه موضوع نگاری تفاسیر قرآن مجید ۸۰ دوره کامل تفسیر قرآن از مفسران بزرگ شیعه و اهل‌سنت در سه فاز، محور همکاری مستقیم با مرکز یاد شده بود در سال ۱۳۷۲ به مدیریت گروه معجم نگاری تفاسیر انتخاب و پژوهش ادامه یافت. طرح گروه فرهنگنامه‌ها در مدیریت جدید پیشنهاد و موضوع‌نگاری تفاسیر در فاز اول با حجم بیست دوره تفسیر کامل در دو فرم کتاب (فرهنگ موضوعی تفاسیر) و نرم‌افزار صراط آماده عرضه گردید.طرح نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی و مرکز فرهنگ و معارف قرآن از سال ۱۳۷۲ در گروه فرهنگنامه‌ها آغاز گردید او در سال ۱۳۷۷ بیش از دو هزار و پانصد کتاب قرآنی، نمایه سازی گردید. نمایه‌های موضوعی (چکیده‌های عنوانی) تعداد کتاب‌های یاد شده در حجم بیش از یکصد و بیست و پنج نمایه موضوعی، ترکیبی تقریباً تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های پژوهشی قرآنی، تفسیری، علوم قرآنی و معارف دینی را شامل می‌شود.اطلاعات یاد شده در بانك اطلاعات مرکز فرهنگ و معارف قرآن علی القاعده موجود می‌باشد.بعد از دوره شش ساله مدیریت علمی گروه فرهنگنامه‌ها و انجام پروژه‌های فاز اول موضوع‌نگاری تفاسیر و نمایه‌سازی کتاب‌های قرآنی همکاری در شورای علمی گروه فرهنگنامه‌ها ادامه دارد.

ساریخانی، عادل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عادل ساریخانی

محل تولد : اراك

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آغاز کودکی علاقه وافری به آموختن در خود احساس می کردم به همین دلیل خانواده ام به دلیل نبود امکانات آموزشی در روستا به شهر تهران هجرت کردند و دوران ابتدایی و راهنمایی را غالبا با رتبه اول پشت سر نهادم. در سال سوم راهنمایی در تمام مناطق سیزده گانه تهران آن زمان به عنوان دانش آموز نفر اول انتخاب شدم تلاش دولت آن زمان این بود که مرا به عنوان استعداد درخشان به یکی از کشورهای اروپایی اعزام کند که این امر با مخالفت خانواده ام مواجه شد از سال اول دبیرستان در کنار دروس

دوره دبیرستان تحصیلات حوزوی را در همان تهران در مدرسه مروی آغاز کردم سالهای سوم و چهارم دبیرستان اینجانب با اوج گیری انقلاب و پیروزی آن مقارن بود که به دلیل انجام وظایف انقلابی مقداری کمتر به کارهای علمی می رسیدم ولی پس از اخذ دیپلم در رشته تجربی بلافاصله به حوزه علمیه مقدسه قم عزیمت کردم و به شکل شبانه روزی به تحصیلات حوزوی مشغول و دوران مقدمات و سطح را در حدود شش سال به پایان رساندم و به دلیل احساس نیاز به آموزش زبان انگلیسی دو سال تمام را تحت نظارت مرکز زبان خارجی دانشگاه تهران و دانشکده زبانهای نیروی هوایی در مرکز زبان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه به آموزش زبان انگلیسی اشتغال داشته و دوره عالی زبان را با موفقیت به پایان رساندم پس از آن به درس خارج فقه و اصول و آموزش فلسفه اشتغال یافتم و جمعاَ حدود ده سال دروس خارج فقه و اصول اعاظم حوزه شرکت می کردم.از همان زمان به تدریس دوره های ادبیات ، فقه و اصول همت گماشته و در حال حاضر چندین سال است که فقه را در سطح عالی و با مرکز قرار دادن متن جواهر احکام در حوزه تدریس می نمایم . و در دانشگاههای مختلف نیز فقه و متون انگلیسی را قریب به ۱۵ سال تدریس می کنم . به دلیل احساس نیاز به آموزش علوم جدید در کنار فعالیت های علمی حوزه در سال ۱۳۶۷ وارد دانشگاه شدم و در سال ۱۳۷۱ لیسانس حقوق دریافت و در همان سال در دوره کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران ، شهید بهشتی و تربیت مدرس با رتبه بالا قبول شدم ولی به عللی دانشگاه تربیت مدرس را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و در سال ۱۳۷۵ به عنوان نفر اول دوره خودم از پایان نامه فوق لیسانس دفاع کردم و پایان نامه ام با درجه عالی و نمره ۵/۱۹ مورد تصویب قرار گرفت . در همان سال بلافاصله در دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس و به عنوان نفر اول قبول شدم و پس از حدود شش سال تلاش همه جانبه در سال ۱۳۸۱ توانستم از تز دکتری خود دفاع نمایم. از آن سال به بعد به تدریس فقه جزایی در حوزه و دانشگاه اشتغال دارم و در این زمینه حدود ۱۰ مقاله به زبانهای انگلیسی و فارسی و پنج کتاب به چاپ رسانده ام برای آشنایی علمی و عینی باسیستم قضایی و مشکلات آن پروانه وکالت پایه یک اخذ و مدتی در کنار فعالیتهای علمی به کار عملی نیز اشتغال داشتم. در حال حاضر نیز به تدریس در دانشگاه و حوزه علمیه قم اشتغال دارم و به پژوهش نیز همت می گمارم . در سال ۱۳۸۴ به دعوت مرکز پژوهشهای فلسفه و ارزشهای دانشگاه کاتولیک امریکا به آن کشور سفر کردم و در طی اقامت سه ماهه در آن جا علاوه بر ادامه مقاله به تحقیق و پژوهش اشتغال داشتم و از مراکز علمی متعدد بازدید کردم.

ساعی فرد، محمد حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ساعی فرد

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰پس از تحصیلات ابتدائی وارد یکی از حوزه های علمیه تهران شدم و پس از پایان لمعتین در سال ۱۳۶۵به حوزه

علمیه قم آمدم و تا سال ۱۳۶۸و با اتمام سطح در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، سیّد محمّد روحانی، منتظری و شبیری زنجانی حاضر شدم و د ر ضمن تا سال اول دبیرستان را نیز به صورت متفرقه گذراندم ولی به علّت عدم تلبس به لباس مقدّس روحانیت توفیق به دست آوردن مدارک علمی حوزوی را نیافتم. ضمناً به مدت دو سال در بخش رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول بوده و حدود ۹سال در موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره) به تصحیح آثار حضرت امام و مرحوم شهید حاج آقا مصطفی خمینی پرداختم؛ و در مسئولیت بخش علوم عقلی اشتغال داشتم. در سال ۱۳۸۳ به تهران باز گشتم و در حال حاضر به پژوهش و تحقیق در فقه و اصول و تفسیر مشغول می باشم و همکاری محدودی نیز با پاره ای از موسسات پژوهشی و به ویژه حضرت آیت الله مکارم شیرازی دارم .

ساعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدعلی ساعی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی ساعی سال ۱۳۴۱ در شهر تهران متولد شدم. مراحل ابتدائی تا دیپلم را در تهران گذراندم. بلافاصله در سال ۶۰ به حوزه علمیه قائم در نزدیکی محل خود رفته به مدت یکسال دروس حوزوی را گذراندم. در سال ۶۱ به حوزه علمیه مشهد برای دروس ادبیات عرب سفر نمودم و نزد حجت الاسلام حجت هاشمی خراسانی مدرس مشهور ادبیات عرب کتابهای سیوطی، مغنی، مطول و معالم را خواندم. رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی گذراندم. در سال ۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم و کتاب مکاسب را نزد آیت الله محقق داماد خواندم و رسائل را نزد استاد اعتمادی تلمذ نمودم. در سال ۶۸ دو جلد کفایه را نزد مرحوم استاد ستوده خواندم.از سال ۶۹ در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش سال شرکت نمودم.از سال ۷۶ تاکنون به تدریس دروس اعتقادی در دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد اسلامی اشتغال دارم و ده سال سابقه تدریس دارم. کتابهای فلسفی مانند بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شرح منظومه و جلد اول و ششم اسفار و تمهید القواعد در عرفان نظری را خوانده و اکنون نیز تحصیل و قرائت کتابهای فلسفی و عرفانی را نیز ادامه می‌دهم.

سالاری فر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا سالاری فر

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهر قزوین متولد شدم. پس از چند ماه همراه خانواده به مشهد مقدس منتقل شدیم. پس از سه سال به اصفهان رفتیم. تا سال ۱۳۶۵ در اصفهان سکونت داشتم و از آن سال تا کنون (۱۳۸۴) در قم زندگی می کنم.در سال ۱۳۶۰ در اصفهان مدرک دیپلم ریاضی فیزیک را اخذ نمودم. از دبیرستان در کنار دروس دیگر به تحصیلات حوزوی مشغول بودم. پس از سال ۱۳۶۳ به طور تمام وقت به دروس حوزه مشغول شدم. درسال ۱۳۶۵ با امتحان لمعتین، به درس درحوزه علمیه قم مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ به درس خارج اشتغال داشتم. یک دوره اصول نزد آیت الله سید علی محقق گذراندم. درس خارج نیز نزد ایشان و برخی اساتید دیگر حوزه تلمذ نمودم. از سال ۱۳۷۰ به دروس روان شناسی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشتم. پایان نامه ام مربوط به مقایسه دیدگاه اسلام با برخی دیدگاههای روان شناسی در بحث خانواده است.اکنون به تحقیق در حوزه روان شناسی و اسلام و ساعاتی تدریس روان شناسی اشتغال دارم. عمده تحقیقات من به حوزه های روان شناسی اجتماعی، خانواده درمانی و بهداشت روانی با توجه به منابع اسلامی مربوط می شود.

سالمی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم سالمی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۷۱وارد حوزه علمیه قم شدم و درمدرسه شهیدین وسپس رضویه و امام محمد باقر (ع) مقدمات را تا لمعتین و اصول فقه به اتمام ودر مدت بسیار کوتاهی سطوح را به پایان رساندم.

از سال ۱۳۷۸خارج فقه، اصول، رجال، درایه، کلام و تفسیر را نزد استاد گرانقدر و محقق عالی مقام سیفی مازندرانی شروع و تا به الان ادامه دارد.

همزمان با تحصیل درسهای مرسوم حوزه رادر سطوح مختلف تدریس کرده و به طور رسمی در دو مدرسه عالی امام خمینی (ره) و

شهیده بنت الهدی مشغول تدریس دروسی مانند مبانی علم رجال، درایه، منبع شناسی حدیثی شیعه و اهل سنّت، تاریخ حدیث، فقه حدیث و شیعه شناسی با دو زبان فارسی و عربی هستم که متن برخی از آنان را خود تهیّه و تدوین نمودم و در ضمن تحصیل و تدریس به تحقیق و تدوین در حوزه های فقه، اصول، رجال، منابع حدیثی و ادبیات پرداخته ام و تنها اثری که موفق به چاپ و نشر آن شدم کتاب الاسلام والحریه می باشد.

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ‌بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ‌بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ‌بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینةالمجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ‌بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۵۳ -۲۵۲/ ۹)، الذریعه (۱۹۱/ ۲۴، ۱۵/ ۱۵، ۹۵/ ۱۲، ۴۵۲، ۳۴۰/ ۳)، ریاض‌العلماء (۲۴۳ -۲۴۲/ ۵)، ریحانه (۲۰۴ -۲۰۳ / ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۶۱۸ / ۱۱)، الکنی والالقاب (۲۵۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (۲۵۰/ ۹)، هدیةالاحباب (۲۵۷).

سبحانی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا سبحانی نیا

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ هجری برای آغاز درس های طلبگی به شهر مقدس قم آمدم و دروس مقدماتی را در مدارس کرمانی ها و رضویه

گذراندم. در ادبیات از اساتید بزرگواری چون جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای عالی بهره بردم و لمعه و اصول را نزد اساتید گرانقدری،همچون آقای قاروبی تبریزی و خسرو شاهی تلمذ کردم. درس مکاسب و رسائل را نیز از حضرات حجج اسلام و آیات عظام آقایان حسینی خراسانی،علیدوست،موسوی تهرانی، نکونام گلپایگانی،جاودان و عالی(دامت برکاتهم) بهره بردم.از سال ۱۳۷۸ در دروس خارج حوزه از محضر علمای بزرگ حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی(ره) و مددی(حفظهم الله تعالی) بهره ها ی فراوان بردم. در کنار درس های طلبگی در موسسه فرهنگی دارالحدیث توفیق خدمت به حدیث را یافتم و هر چند در سال های اولیه کمتر به کارهای علمی و پژوهشی موفق می شدم، اما از سال ۱۳۷۸ با گذراندن واحدهایی از درس تربیت مربی حدیث در کنار کارهای پژوهشی و تحقیقی حدیث وارد عرصه تدریس علوم حدیث شدم. در مجموعه با برکت موسوعه نگاری دارالحدیث توفیق همراهی با محققان این مرکز جهت نشر کتب حدیثی تحت اشراف جناب آیه الله ری شهری(دام عزه) را داشتم. تدریس در دانشکده های اصول دین قم، حدیث شهری و رشته تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و جامعهٔ القرآن کریم قم در رشته های علوم حدیثی و معارف حدیثی از خدمات حقیر بوده است. همکاری و مشاوره و راهنمایی با طلاب محترم حوزه و دانشجویان دانشکده های علوم حدیثی و قرآنی از افتخارات بنده بوده است.هم اینک در موسسه دارالحدیث در بخش تخریج و مصدر یابی احادیث خدمتگزار دوستانم هستم و افتخار خدمتگزاری به حدیث معصومین (علیهم السلام) بهتر از هرافتخاری است.

سبحانی، جعفر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای حاج شیخ جعفر بن العلامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت ۵ سال در تبریز خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فراگرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.

استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسین آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگر یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.

۲- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.

۳- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.

۴- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.

۵- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.

۶- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.

۷- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).

۸- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.

۹- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.

۱۰- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.

۱۱- سرچشمه هستی در توحید.

۱۲- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبحانی، جلال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلال سبحانی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جلال سبحانی در نخستین روز از مرداد ماه سال ۱۳۴۶ به دنیا آمدم . تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان محل تولد خود (کنگاور) به پایان بردم . در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم دینی عازم قم شدم . تحصیلات مقدّماتی حوزه را در مدرسه علمیّه رسالت گذراندم و سطح را در محضر استادان و بزرگانی همچون آقایان استادی ، عراقچی ، موسوی تبریزی ، مرحوم اعتمادی و مرحوم ستوده فرا گرفتم .

حدود ۷ سال نیز در درس خارج فقه و اصول آیات عظام شبیری زنجانی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم .کار نوشتن را از سال ۱۳۷۰ و با مقاله نویسی آغاز کردم و در سالیان پس از آن همراه با کارهای انفرادی به همکاری با نهادها و مراکز پژوهشی رو آوردم . که این امر تا کنون نیز ادامه دارد .

سبزواری، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. او ساکن قوشتنگ، از توابع سبزوار بود. مدتی طولانی در محضر شیخ انصاری تلمذ کرد و «تقریرات» فقه و اصول استادش را در چهار مجلد نگاشت. در زمینه‌ی اصول، مجلدی کامل، در مباحث «الفاظ» و «اجتهاد» و «تقلید» و «حجیت ظن» و «استصحاب»، و در فقه سه مجلد، اولی در «صلاه» تا آخر «سجود» و «روزه» و دومی در «خلل الصلاه» و «وقف» و «اجاره» و «رهن» و سومی در «احیاء موات» و «تجارت» از آثار اوست.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۵/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۷/۵).

سبط الشیخ انصاری، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف از دخترزاده‌ی شیخ انصاری به دنیا آمد. سطوح را نزد آیت‌اللّه خویی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلام علی قمی فراگرفت. آنگاه به محضر درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمدکاظم شیرازی و بویژه آیت‌اللّه اصفهانی راه یافت و به مدارج عالیه علم و کمال رسید و از آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه عراقی و حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و حاج شیخ محمدرضا معزی دزفولی و محدث قمی اجازه‌ی اجتهاد و روایت گرفت. وی دارای تالیفات و حواشی بسیاری بر «مکاسب» شیخ انصاری و غیره می‌باشد.[۱]

حاج سید محمدعلی بن العالم الجلیل حاج سید محمد نبی بن العالم العلام حاج سید موسی آقا میری بن السید اسمعیل بن العلامه میر عبدالباقی دزفولی معروف بسبط از علماء ابرار و دانشمندان اخیار معاصر تهرانست که بمکارم اخلاق و محاسن آداب متصف و به بزرگواری و اصالت معروفست. وی در ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۰ قمری در نجف اشرف از دختر زاده شیخ انصاری علویه بی‌بی خدیجه متولد گردید و چون از سطوح نزد آیت‌اللّه العظمی خوئی مد ظله و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد علی کاظمینی و مرحوم آیت‌اللّه سید علی نوری و میرزا محمد عراقی و حاج شیخ غلامعلی قمی فارغ شد از محضر و درس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و بالاخص آیت‌اللّه العظمی اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و در سال ۱۳۵۷ قمری مهاجرت به ایران و در تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه علمیه مروی بتدریس فقه و اصول پرداخته و هم در مسجد مروی به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارند.

دارای تألیفات و حواشی عدیده‌ای بر مکاسب شیخ و غیره میباشند و از مرحوم آیت‌اللّه نائینی و آیت‌اللّه عراقی و آیت‌اللّه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین و آیت‌اللّه حاج شیخ محمد رضا معزی دزفولی و مرحوم محدث قمی حاج شیخ عباس اجازات روایتی و اجتهاد دارند.

مرحوم والدش از علماء کرام و شاگردان علامه یزدی بوده چنانچه جدش آیت‌اللّه حاج سید موسی نیز از اجله علماء و پارسای بتمام معنی و وارسته از هر جهت بوده در حدود ۱۲۶۰ قمری از دزفول مهاجرت به نجف و نزد بزرگان آنجا تلمذ نموده و در سال ۱۳۲۲ قمری در سن نود سالگی وفات نموده و در پائین مقبره جد امی خویش جناب شیخنا الانصاری در دالان قبلی مدفون گردید.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۷۶ -۴۷۵ /۴).

سپاسی آشتیانی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم سپاسی آشتیانی

محل تولد : آشتیان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ وارد حوزه شـدم و از همان زمان در کنار ارتقاء تحصیلی به تدریس سطوح پایین تر هم اهتمام ورزیدم به طوری که ادبیات را چند بار تـدریس نمودم و لمعتین را در دروس استاد وجـدانی (ره) و اصول فقه را دردرس استاد صالحی افغانی شرکت کردم و کفایتین را در درس آقای صالحی مازندرانی شرکت نمودم و مکاسب را با اساتیدی مثل عمانی، فیض بهرامی، طاهری خرم آبادی گذراندم و در درس خارج آیت الله العمظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی وحید و مکارم شیرازی شرکت نمودم و اکنون هم به صورت تخصصی به تحقیقات فقهی و اصولی مشغول هستم و همزمان رسائل شیخ انصاری (ره) را تدریس می نمایم ؛ در فلسفه و عرفان به درس استاد حشمت پور حاضر شدم و شرح اشارات و شواهد الربوبیه و شرح حکمت الاشراق را استفاده نمودم و بعضی از بحث های اسفار را با آقای امیر دیوانی گذراندم. درسال ۱۳۷۸ وارد دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با مدرک کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم ؛ از سال ۱۳۶۸ در دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس درس های معارف، اخلاق، تعلیم و تربیت اسلامی، متون، تاریخ و کلیات فلسفه اشتغال دارم.

سپهر، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی سپهر

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

این سطور مختصری از دوران زندگی به اصطلاح علمی من – محمد علی سپهر همدانی- است و در شهر همدان در سال ۱۳۲۳

هجری شمسی متولّد شدم و در سال ۱۳۲۹ شمسی به دبستان رفته و تا سال ۱۳۴۰ به تحصیلات ابتدائی و متوسّطه به سبک قدیم در رشته ریاضی اشتغال داشته و در ضمن از سال ۱۳۳۷ ش همراه دروس کلاسیک به تحصیل علوم اسلامی مشغول شده از مقدمات ادبیات شروع کرده و تا سیوطی (شرح بر الفیه نحو، در حوزه علمیه همدان اشتغال داشتم و بالاخره سال بسیار خوبی در زمان ریاست مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره برای ما بود و شبهای پنجشنبه از درس اعتقادات حضرت آیت الله مکارم شیرازی که در آن زمان در مدرسه حجتیه برگزار می شد استفاده کرده و شبهای جمعه و روزهای جمعه در مجلس اخلاقی مرحوم حجهٔ الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی که از بهترین و شاگردان حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود و همچنین مجلس شاگرد دیگر ایشان در مسائل اخلاقی دینی مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی مستصرفن می شدم و بالاخره تا تتمیم دروس متوسطه در سال ۱۳۴۱ شمسی دیپلم ریاضی قدیم را گرفته و سپس به طور مداوم وارد دروس حوزه علمیّه قم شدم و همانطور که در حوزه مرسوم بود کسی نمی پرسید از کجا آمده ای و به کجا میروی تاکنون به طور آزاد دروس ادبیّات مختصر المعانی را نزد دکتر سیّد ابراهیم میر باقری و حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محسن دوزدوزانی و معن البسیت را در محضر حجهٔ الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا آدینه وند خرم آبادی معروف به نحوی و محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن گلستانی تهرانی برجسته و معالم را (من ادله الی آخره) در محضر آیت الله حاج آقا رضا استادی تهرانی خواندم و در سال ۱۳۴۲ منطق شمسیه را بدون استاد مباحثه نموده و در سال ۱۳۴۳ شرح لمعتین را خدمت اساتید عالیقدر حضرات آیات جناب آقای حاج شیخ غلامرضا صلواتی ،آقای شیخ محمد علی گرامی قمی و مرحوم آقای حاج سیّد محمّد علم الهدی خراسانی و آقای حاج شیخ محمّد عمانی همدانی و آقای حاج شیخ علی ثابتی همدانی خواندم و در تابستان همان سال خدمت حضرت آیت الله شهید مدنی آذر شهری اولین شهید محراب قدس الله نفسه الزکیه ارث شرح لعمه را خوانده بودم و بتدریج د ر سالهای بعد درس قوانین حضرت آیت الله شیخ مصطفی اعتمادی تا نواحی حاضر شدم بحشی از درس منظومه را نزد آیت الله مؤمن قمی و آیت الله شیخ محمد علی گرامی خوانده و ابتدا درس رسائل را خدمت آیت الله آقای اعتمادی سابق الذکر حضور پیدا کردم. درس توحید صدوق را در خدمت آیت الله جوادی حدود سالهای ۵۳ و ۵۲ حاضر شدم و پانزده روز یکبار در جلسهای در منزل که برای سؤالات بود در خدمت آیت الله علّامه بزرگوار طباطبائی قدس سره تفسیر بزرگ حاضر می شدم و استفاده ها می بردم و در محضر آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت استفاده اخلاقی و درک فیض حضور نمودم اما درس خارج در حدود سال ۱۳۴۹ رسماً در دروس خارج حوزه با دلهی زایدالوصف حضور پیدا کردم ولی متأسفانه استا به زندان و تبعید میرفت یا محروم میشد حدود سه سال فقه و اصول درس خارج خمس در فقه و خارج اصول تا اجتماع امر ونهی در خدمت استاد آقای آیت الله العظمی وحید خراسانی خارج اصول از بر است تا آخر معتال و تراصیح را در خدمت ایشان حاضر شدیم و در محضر آیت الله العضمی گلپایگانی قدس سره خارج فقه حج را بخشی حاضر شدم و درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری قدس سره با عشق تمام به صفای ایشان حضور پیدا کرده و بخش عظیمی ضلل کتاب صلاهٔ مسافر را در محضر ایشان استفاده بردم و بخشی از خیارات و مکاسب را در سالهای بعد از انقلاب مستفیض شدم و قسمت عظیمی از خارج اصول حضور یافتم و از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شریعتمداری دو سال خارج طهارت را حاضر شدم البته قبل از انقلاب سال ۱۳۵۴ و قبل از حادثه نوزده دی ۵۶ درس اصول آیت الله شبیری زنجانی یک سال و پی از انقلاب از درس مرحوم آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی فقید سعید حاج میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره متضاد شهادات بخشی از درس خارج اصول دورهٔ دوم بخشی از خیارات ، مکاسب و طهارت عروهٔ را استفاده بردم و ازدرس اصول مرحوم آیت الله فانی اصفهانی نیز بهره گرفتم از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ از خدمت آیت الله العظمی تبریزی استفاده ها بردم و در جلسهٔ استفتاء ات ایشان به خواستهٔ خود ایشان حضور یافته و در نگارش جواب سؤالات در زمان مرجعیت ایشان خدمت می نمودم و استفاده های فراوان از درس خصوصی فقه بهمراه فضلاء و سن در محضر ایشان داشتم(درس خصوصی برای فضلات گردانشان در

منزل داشتند که به دعوت ایشان حاضر شدم) تفهره الله برحمته و استکنه بجبوحهٔ جنانه. رد سال ۱۳۶۱ به خواستهٔ کارگزاران قضا و فریاد استغاثهٔ هل من معین شورای عالی قضائی آن روز اجابت گفته مدتی در قضاوت و زمانی دوجوابگوئی استفتاء است قضات و بخشی در حوزه معاونت شوار به نظارت کار قضات تا سال ۱۳۶۴ اشتغال داشته و سپس به حوزهٔ علمیهٔ بازگشتم و بتدریج همانطور که سابقاً سطوح را تدریس میکردم با جدیت بیشتر به تدریس شرح لمعه، رسائل و مکاسب تا حدود و بیست سال پرداختم سال ۱۳۸۴ درس خارج فقه را شروع کردم. ناگفته نماند که از سال ۱۳۷۲ در مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی در قسمت فقه و اصول به اصطلاح مرکز به تحقیق پرادختم و تا کنون ادامه دارد در دفتر حوزه دانشگاه جزوات علمی بهرماهی بعضی از فضلاء نگاشتم و در همان سالهای حدود ۱۳۷۲ ؟؟؟؟؟؟ که نمیدانم سرنوشت جزوات پژوهشی ما دوستانمان چه شد و الحمد لله رب العالمین ۲۵/۱۰/۸۵.

سجادی نژاد، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی نژاد

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد سجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سید عباس بشماره شناسنامه ۵۲۰ صادره از حوزه دو دامغان متولد سال ۱۳۳۵. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرستان دامغان آمده مرحوم والد که دائیشان حضرت آیهٔالله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی، آیت الله شاهچراغی، آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیک ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوستان و هم بحثیهایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مدیر مدرسه دامغان عازم شهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضر اساتیدی همچون استاد مظاهری، استاد احمدی میانجی، استاد شریعتی، استاد محمدی ری شهری، استاد نعیم آبادی ، استاد فهیم کرمانی، سید یحیی موسوی، حاج شیخ حسین جاویدی استفاده بردم. بعد از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سطح حوزه علمیه از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین از محضر حاج شیخ حسن تهرانی رسائل را از محضر سید محمد جواد ذهنی تهرانی به اتمام رسانده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کردم. بعد از قبولی وارد دروس سطوح عالیه شدم و از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی خارج اصول از محضر آیت الله مکارم شیرازی خارج اصول از محضر آیت الله علی مشکینی فقه و تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسفه و حکمت و از محضر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسلام و از محضر سید شهاب الدین مرعشی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته تا کنون ادامه دارد.

فعلا از محضـر اسـتاد دکتر احمد عابدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسـیر بیش از ۲۰ سـال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.

فعالیت سیاسی – علمی:

در این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بـود برای بردن کتـاب حکـومت اسـلامی حضـرت امـام خمینی (رضوان الله تعـالی علیه) به شهرسـتانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضـرت امام (ره) مورد شـناسایی ساواک قرار گرفتم و تحت تعقیب آنها لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم به محض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته. باز به تهران رفته تا چندین ماه.

تا اینکه بنا به پیشـنهاد رفقایم معمم شده و به شهرسـتانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مـورد تعقیب قرار گرفتم و بنـا بدسـتور سرلشـکر محققی محکوم به اعـدام غیـابی شـدم که بعـد از پیروزی انقلاـب حکم اعـدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.

در جریان حمله کماندوهای رژیم سـفاک پهلوی به چهار مدرسه قم، فیضیه، حجتیه، خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد. در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم به دیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارسـتان آیت الله گلپایگانی هسـتم باز برای مدت کوتاهی به روسـتایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغـان به کـانون جوانـان برای سـخنرانی طبق دعوت مرحوم شـهید سـید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دسـتگیر بعـد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.

سپس به قم آمده و در منازل دوسـتان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام و سایر علماء قم شروع شد.

اینجانب هم طبق وظیفه شـرکت در راهپیماییها و بعضا سخنرانی آتشین و بیان قطع نامه ها و ... بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.

بعـد از آن طبق دعوت موسوی کرمـانی بعنوان معـاونت آیت الله محمـد حسـین کرمـانی نماینـده حضـرت امام در سازمان عقیـدتی سیاسی شهربانی مدت ۵ سال معاونت دوائر و شـعب اداره عقیـدتی سیاسـی شـهربانی در تهران را عهده دار بودم. سـپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان اسـتاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲ وصیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسـئول دفتر فرهنگ اسـلامی در دانشـگاههای آزاد اسـلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمـان بـا بیش از هیجـده مـاه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشـتم. طبق دعوت کتبی فرمانـده محترم لشـکر ۱۴ امام حسـین (علیه السـلام) شهید خرازی – و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه مریوان و سقز و ... مشـغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمنـدگان اسـلام بودم و ...... بـدلیل اینکه فرزنـدانم بزرگ شـده بودند و مسـتاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم بعنوان افتخاری ساعتی که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ ساله در سفری که

فعالیت فرهنگی:

مقـام معظم رهـبری به قم و سـئوال معظم له از تولیت آسـتانه مقـدسه هـای مسـعودی که شـما راجع به وکلاـء ائمه اظهـار که در قم مدفوننـد و علماء و بزرگانیکه در قم حرم مطهر – شـیخان و ... چه کردیـد آیا آنها را احیاء کرده ایـد؟ لـذا تولیت دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بود بعنوان مسئول و اینحقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارك ستارگان حرم می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنهـا اسـتفاده می شود. و روزهـای چهـار شـنبه تلویزیون از همین کتـاب هـا بیوگرافی راویان محدثان – وکلاء و علماء را شرح می دهد.

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد سجادی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سـید محمد سـجادی نژاد فرزند مرحوم حاج سـید عباس. بعد از گرفتن ششم ابتدایی بر اساس علاقه شدید خودم به دروس حوزوی به همراه پدرم به شهرسـتان دامغان آمدیم. مرحوم والد که دائیشان حضـرت آیهٔالله حاج شـیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بود و در مشـهد مقدس اشتغال به تدریس داشت. و علماء و بزرگان دامغان او را کاملا می شناختند من را به آیت الله ترابی،آیت الله شاهچراغی،آیت الله خدایی و آیت الله نصیری معرفی نمود. مدت دو سال در مدرسه علمیه حاج فتحعلی بیك ساکن و از محضر آن بزرگواران استفاده نمودم.سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ به همراه دو نفر از دوسـتان و هم بحثی هایم بنامهای حاج شیخ احمد فوادیان استاد فعلی و مـدیر مدرسه دامغان عازم شـهر مقدس قم شدیم. پس از امتحان اولیه و گزینش مدرسه کرمانیها در قم مدت پنج سال تحت برنامه خاص از محضـر اساتیدی همچون اسـتاد مظاهری،اسـتاد احمدی میانجی،اسـتاد شـریعتی،اسـتاد محمدی ری شهری،استاد نعیم آبادی،اسـتاد فهیم کرمانی،سـید یحیی موسوی،حاج شیخ حسین جاویدی استفاده کردم.پس از آن در امتحانات حوزه شرکت و بعد از قبولی برای ادامه دروس سـطح حوزه علمیه از محضـر حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده مکاسب و کفایتین،از محضر حـاج شـیخ حسن تهرانی رسائـل واز محضـر سـید محمـد جواد ذهنی تهرانی رسایـل را به اتمـام رسانـده و در امتحانات حوزه علمیه شرکت کرده و بعد از قبولی وارد دروس سـطوح عالیه شدم.از محضر آیت الله شیخ محمد فاضل لنکرانی(ره)خارج اصول،از محضر آیت الله مکارم شـیرازی خارج اصول،از محضـر آیت الله علی مشـکینی(ره)فقه و تفسیر و اخلاق،از محضر آیت الله انصاری شیرازی فلسـفه و حکمت،واز محضـر آیت الله نوری همدانی مبحث قضا در اسـلام و از محضـر سـید شـهاب الدین مرعشـی و آیت الله سـید محمـد رضـا گلپایگانی دروس خارج فقه را فراگرفته و تا کنون ادامه دارد. فعلا از محضـر اسـتاد دکتر احمـد عابـدی فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی درس تفسیررا بیش از ۲۰ سال است که زانوی ادب بر زمین زده و تلمذ نموده ام.فعالیت سیاسـی – علمی:در

این ایام بدلیل اینکه جناب استاد فهیم کرمانی عده ای از طلاب را کاندید و راهنمائیهای لازمه را داده بودند که یکی از آن افراد این حقیر بود برای بردن کتاب حکومت اسلامی حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی علیه) به شهرستانهای مختلف و پخش اطلاعیه های مرحوم حضرت امام (ره) مورد شناسایی و تحت تعقیب ساواک قرار گرفتم. لذا مدت ۴ ماه در باغات روستایمان زرین آباد دامغان مخفی بودم بمحض آمدن به قم مورد تعقیب مجدد قرار گرفته.ومجدد تا چندین ماه به تهران رفتم.تا اینکه بنا به پیشنهاد رفقایم معمم شده و به شهرستانها و روستاهای مختلف برای تبلیغ و ارشاد می رفتم بدلیل منبر سیاسی در نطنز مورد تعقیب قرار گرفتم و بنا بدستور سرلشکر محققی محکوم به اعدام غیابی شدم که بعد از پیروزی انقلاب حکم اعدام در ژاندارمری شهرستان دامغان نشانم دادند.در جریان حمله کماندوهای رژیم سفاک پهلوی به چهار مدرسه قم،فیضیه،حجتیه،خان و رضویه. نیمه شب به مدرسه خان هجوم ساواکیها شروع شد در حجره شماره ۱۱ که من ساکن بودم. یک فرد ساواکی که داخل حجره برای تفتیش شد و من به او اعتراض کردم که چرا با کفش پا روی زیلویی که متعلق به امام زمان(عج الله تعالی فرجه الشریف) هست پای می گذاری آن مرد ملعون مرا طلب کرد وقتی جلویش رفتم آنچنان سیلی به صورتم زد که سرم بدیوار حجره خورد و مدهوش شدم بعد از سه شبانه روز فهمیدم در بیمارستان آیت الله گلپایگانی هستم باز برای مدت کوتاهی به روستایمان رفتم. چون اگر قم بودم شناسایی و دستگیر می شدم در دامغان به کانون جوانان برای سخنرانی طبق دعوت مرحوم شهید سید حسن شاهچراغی رفتم در آنجا هم دستگیرشده و بعد از ۴۸ ساعت با وساطت علماء دامغان آزاد شدم.سپس به قم آمدم و در منازل دوستان بسر می بردم تا اینکه کم کم طنین انقلاب اسلامی با تظاهرات مردم به رهبری حضرت امام(ره) و سایر علماء قم شروع شد.اینجانب نیز شرکت در راهپیمائیها و بعضا سخنرانی های آتشین و بیان اعلامیه هارا وظیفه خود می دانستم. بعد از انقلاب طبق دعوت شهید عزیز حاج سید قاسم موسوی دامغانی(ره) برای تدریس و مدیریت حوزه علمیه و امام جمعه موقت مدت ۳ سال در رامهرمز اهواز بودم.بعد از آن طبق دعوت موسوی کرمانی بعنوان معاونت آیت الله محمد حسین کرمانی نماینده حضرت امام(ره) در سازمان عقیدتی- سیاسی شهربانی به مدت ۵ سال معاونت دوائر و شعب اداره عقیدتی سیاسی شهربانی در تهران را عهده دار بودم. سپس با رفتن آن بزرگوار از شهربانی من هم به قم آمده طبق دعوت آیت الله احمد علی احمدی شاهرودی و حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن نعیمی مدت ده سال بعنوان استاد دروس اخلاق و تربیت ریشه های انقلاب معارف ۱ و ۲، و صیتنامه الهی و سیاسی حضرت امام(ره) و بعنوان مسئول دفتر فرهنگ اسلامی در دانشگاههای آزاد اسلامی دامغان و شاهرود مشغول خدمت بودم. در دوران دفاع مقدس در این زمان با بیش از هیجده ماه حضور در جبهه های حق علیه باطل را داشتم. طبق دعوت کتبی فرمانده محترم لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) شهید خرازی و فرمانده محترم لشکر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در جنوب و غرب بانه، مریوان و سقز و ... مشغول به تبلیغ و بیان احکام برای رزمندگان اسلام بودم. بدلیل اینکه فرزندانم بزرگ شده بودند و مستاجری برای ما مشکل آفرین شده بود به قم آمده و بعد از ۲۴ ساعت طبق دعوت جناب حجت الاسلام و المسلمین نظری در قسمت مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت کتابخانه مشغول خدمت شدم که تا کنون ادامه دارد و بحمدالله در این فاصله ۱۴ساله در سفری که مقام معظم رهبری به قم داشتند و سوال معظم له از تولیت آستانه مقدسه آقای مسعودی که شما راجع به وکلاء ائمه اطهار(ع) که در قم مدفونند و علماء و بزرگانیکه در حرم مطهر، شیخان و ... چه کردید؟ آیا آنها را احیاء کرده اید؟ لذا تولیت آستانه دو نفر را کاندید احیاء این امر خدا پسندانه کرد که جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مهدی پور بعنوان مسئول و این حقیر بعنوان مدیر اجرایی و ارزیاب و عضو شورای ستارگان شدیم.عصاره این امر ۲۵ جلد کتاب با نام مبارک"ستارگان حرم "می باشد که چاپ شده و در مراکز مختلف علمی بعنوان منبع از آنها استفاده می شود. و روزهای چهار شنبه تلویزیون از همین کتاب ها بیو گرافی راویان،محدثان،وکلاء و علماء را شرح می دهد.ضمنا بیش از ۱۴ مقاله تحت عنوان زندگینامه علماء ربانی که به تحقیق و نگارش اینجانب در ستارگان حرم و گلشن ابرار چاپ گردیده است. خدمات اجتماعی:۱-در

فاصله سی و سه سال تبلیغ و ارشاد در مناطق مختلف شهرها و روستاهای ایران تاسیس بیش از بیست کتابخانه با کتابهای متنوع برای مردم مخصوصا نسل جوان. ۲-ایجاد حمام بهداشتی برای روستا به صورت نمره.۳- ترمیم راههای روستا و ایجاد پل در چند روستا.۴-کمک به فقرای آبرومند بیش از دویست مورد.

سجادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سجادی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۲

زندگینامه علمی

ولد السید محمد السجادی فی مدینه اصفهان سنه ۱۳۲۶ ه. ش فهو ابن حجه الاسلام السید ابو الحسن السجادی ، الذی ینتهی نسبه الی السید حسین الاصغر ابن الامام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین .

وقد بدأ داسته فی الحوزه العلمیه فی مدینه اصفهان بعد أن أنهی دراسته الابتدائیه و بعد إنهائه دروس المقدمات انتقل إلی عش آل محمد مدینه قم المقدسه : لاکمال دراسه الفقه والاصول فی حوزتها العلمیه.

ولانه ممن لم یکونوا فی منأی عما یدور من الأحداث السیاسیه ، التی کانت تعصف ببلاده و با قی بلدان العالم الاسلامی . فقد کان بتمتع بحس سیاسی ملفت للنظر. لهذا کان من المطاردین من قبل قوات أمن النظام الشاهنشاهی المقبور، مما اضطره الی الهجره الی العرق .و بعد ما استقر ،سکن فی مدینه النجف الشرف، بجنب باب مدینه العلم لینهل علوم اهل بیت من منبعه الصافی علی ید اساتذه لهم الباع الطویل فی مجال التعلیم و التدریس ، نذکر منهم :

آیه الله العظمی الامام خمینی

آیه الله الغظمی السید الخوئی

آیه الله العظمی السید البجنوردی

العلامه الشهید آیه الله مصطفی الخمینی

والی جانب دراسته العلمیه المستمره والموفقه ، لم ینس بلده و ما یعانیه الشعب الایرانی تحت حکم الطاغوت البغیض من القهر والظلم والابتزاز ، لهذا فد انضم الی صفوف (روحانیون مبارز خارج از کشور) التی کان لها صدی قوی فی التصدی الی النظام و فضع تصرفاته الشائنه ولما أراد الامام خمینی ترک الاراضی العراقیه عن طریق الحدود الکویتیه ، لملابسات یعلم بها الجمیع ، کان المولف حفظه الله فی رکاب ذلک القائد العظیم . فهاجر معه هجرتین من الکویت الی فرنسا ، ومن فرنسا الی ایران بعد أن فتح الله تعالی علی المجاهدی فی ایران من دحر النظام العمیل ، وارساء اللبنه الاولی فی صرح الدوله الاسلامیه المجیده ، التی هی نموذج ساطع للدول الاسلامیه فی کافه أنحاء العلم .

وبعد أن استقرالنظام اسلامی فی ایران و تثبتت أرکانه ، عاد المولف الی مدینه العلم و العلماء الی قم المقدسه لیتحف الحوزه العلمیه فیها بما کسبه من علم و معرفه .لینشر ها بین طلابها

و من انجازاته جمع و تنظیم وتحقیق مولفات استاد الشهید العلامه آیه الله السید مصطفی الخمینی و قد بذل جهداً کبیراً و مضنیاً فی سبیل اخراج ذلک السفر الکبیر ،و قد تم نشره بکامله ، و هو الان من الکتب التی تحضی باهتام ومتابعه طلاب الحوزات العلمیه کافه.

سجاسی زنجانی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۲۲ ق)، مفسر، اصولی. وی از بزرگان و علمای اعلام زنجان بود. مقدمات را در زنجان فراگرفت. سپس به نجف رفت و در آن حوزه نزد علمای نجف به تکمیل تحصیلات پرداخت. آنگاه به زنجان بازگشت و منصب تدریس و قضاوت را بر عهده گرفت و به تصنیف و تالیف اشتغال ورزید و به انجام وظائف دینی و امامت پرداخت تا از دنیا رفت و در جوار امامزاده سید ابراهیم در زنجان به خاک سپرده شد. از آثارش: شرح «اصول کافی» به روش «شرح ملاصدرا»، در سه مجلد؛ «تفسیر سوره الزمر و الشمس و الرحمن»، در یک مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۶/۶)، الذریعه (۹۶/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۰۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۱۰ -۹ /۴).

سراب تنکابنی، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۲۴ -۱۰۴۰ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبوزاری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعه»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، ایضاح المکنون (۲۴/۱)، تذکره القبور (۴۵۵ -۴۵۴)، تلامذه العلامه المجلسی (۶۶)، الذریعه (۲۰۳/۱۲، ۲۶۹/۶، ۹۶/۱)، روضات الجنات (۱۰۴ -۱۰۱ /۷)، ریحانه (۵/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۳ -۶۷۱ /۱۲)، فوائد

الرضویه (۵۵۳-۵۵۰)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۱۰)، هدیه العارفین (۳۱۲/۲).

سراج، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدابراهیم سراج

محل تولد : فیروز کوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدابراهیم سراج در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند شدم. پس از گذراندن دروس مقدمات در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را گذراندم و در سال ۱۳۷۲ به تحصیل دوره خارج حوزه پرداختم و از دانش حضرات آیات،مکارم شیرازی،وحید خراسانی،فاضل لنکرانی(ره)و برخی اعاظم دیگر بهره‌مند شدم. در کنار تحصیلات حوزوی و تألیف کتب، به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه نیز مشغول شده‌ام که به لطف خداوند با ارتباط نیکویی که با دانشجویان برقرار نمودم، توفیق انتقال مفاهیم ناب دینی و رفع شبهات از آنها را یافتم که اکنون نیز این ارتباط تداوم دارد.لازم به ذکر است که در خلال تدریس در دانشگاه، موفق به نگارش مقالات متعددی شده‌ام از جمله: آفاتی که جوانان را تهدید می‌کند،پیامبر اکرم(ص) از دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان،شناخت صهیونیزم،انسان شناسی،استقامت در سیره پیامبر اعظم(ع)،که مقاله اخیر را برای یکی از همایش‌ها ارسال نموده‌ام که حائز رتبه گردید و از مقالات منتخب محسوب شد.امیدوارم خداوند متعال توفیقات خویش را بر این حقیر و همه ره پویان راه علم و ایمان افزون فرماید.

سرآبادانی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا سرآبادانی

محل تولد : تفرش

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامرضا سر آبادانی دیپلم ریاضـی و فیزیك را كه مصادف با سالهای اولیه انقلاب شكوهمند اسلامی بود در سال ۱۳۵۹ در شهرستان تفرش و از دبیرستان شهید مطهری اخذ كردم . به رغم علاقه و توجهی كه به شركت در كنكور داشتم، به علت تعطیل شدن دانشگاهها به منظور تحقق انقلاب فرهنگی ، نتوانستم به دانشگاه بروم. سپس به جهت علاقه وافر به تحصیل علم و دانش اندوزی و بخصوص علوم حوزوی ، مارا به سمت حوزه كشاند در پائیز سال ۱۳۶۱ رسما دروس حوزی را در مدرسه علمیه صاحب الامر آشتیان آغاز كردم . دروس مقدماتی و مقداری از فقه و اصول را نیز در آشتیان گذراندم . سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شده و در دروس اساتید معروف آن زمان قم در دروس سطح شركت كردم و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ دروس سطح را به اتمام رساندم .در زمان جنگ نیز با همكاری با سازمانهای مربوطه و به منظور انجام وظیفه تبلیغی افتخار حضور در جبهه را نیز پیدا كردم . در اواخر جنگ همكاری خود را با نمایندگان ولی فقیه در سپاه و معاونت جذب روحانیون آغاز كرده و این همكاری طی سالهای متمادی بعد از جنگ نیز ادامه یافته و مأموریتهای تبلیغی در مناطق غرب و جنوب و سایر مكانها داشته ام . در عین حال از سال ۱۳۶۹ دروس دانشگاهی رانیز در رشته اقتصاد شروع كردم .

دوره های تحقیقاتی نگرش اسلام به فعالیت های بازار بورس اوراق بهادار كه در دانشگاه مفید انجام دادم در كنگره دین پژوهان در رشته اقتصاد اسلامی رتبه اول را بدست آورد. در سال ۱۳۸۲ نیز در جشنواره اولین جایزه اقتصاد اسلامی در دانشگاه تربیت مدرس ، رتبه سوم را كسب كرد. آخرین طرح تحقیقاتی كه انجام دادم با عنوان دولت و تورم بود كه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام دادم كه اكنون در دست چاپ است . مقالاتی طی این سالهای تألیف كرده ام كه برخی در سمینارها و برخی نیز در مجلات چاپ شده ان در ضمن سابقه تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی رانیز دارم .

سرباز زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد سرباز زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب احمد سرباززاده (اهری) در سال ۱۳۴۸ طلبگی را شروع نمودم . ۱ سال در اهر، ۳ سال در تبریز و از سال ۵۲ به شهر مقدس قم مشرف شدم و در مدرسه حجتیه حجره گرفتم و معمم شدم . از همان تبریز تدریس ادبیات (مقدمات و سیوطی) را شروع كردم و در قم هم توام با تدریس به دروس اساتید سطح ، آقایان: آیت الله اعتمادی ، اشتهاردی و صلواتی و در منظومه، آقایان: احمد بهشتی و محمدی گیلانی و درس خارج آقایان: آیت الله كوكبی و شیخ جواد تبریزی و شیخ كاظم تبریزی و آیت الله سید محمد روحانی و ... مشغول شدم .

همیشه مشغول تدریس همه دروس سطح ولو خصوصی بودم. چند سال درجامعهٔ الزهراء تدریس نمودم و چند سال در مدرسه مرعشیه و مدرسه آیت الله گلپایگانی .

از سال ۶۰ و ۶۱ توام با کارهای قبلی تحقیقات را شروع نمودم . حدود ۶ سال در موسسه دایرهٔ المعارف شیعه ۲۰۰ اثر لغوی و فقهی اصطلاحات فقهی را بین ۳ صفحه ای الی ۱۲ و۱۵ صفحه ای تحقیق نمودم که در اوائل بحوث فقهی کتاب نفیس دائرهٔ المعارف شیعه درج و چاپ می شود .

سرخسی، شمس الائمه، ابوبکر محمد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۳ ق)، فقیه اصولی، متکلم جدلی، قاضی و عالم حنفی. در سرخس به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. از مشاهیر علمای حنفیه است. به سبب گفتن کلمه‌ای در پن خاقان در اورجند زندانی گشت و «المبسوط» را در همان زندان در حالی که هیچ کتابی حاضرش نبود نگاشت. بعد از آزادی از زندان به شهر فرغانه رفت به نشر علوم و معارف همت گماشت و تا پایان عمر در همان جا ماند. از آثار وی: «المبسوط»، در فقه حنفی و تشریع، در سی جزء؛ شرح «الجامع الکبیر» امام محمد شیبانی، در فروع فقه حنفی؛ شرح «السیر الکبیر» امام محمد سیبانی، در چهار مجلد؛ «الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «مختصر الطحاوی»؛ «ادب القاضی علی مذهب ابی‌حنیفه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۸/۶)، ریحانه (۱۲/۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۳/۲)، کشف الظنون (۱۶۲۸ ،۱۶۲۰ ،۱۵۸۰، ۱۴۵۲، ۱۴۱۴ ، ۱۰۷۹، ۱۰۱۴ ،۹۶۳، ۵۶۸، ۵۶۱، ۱۱۲، ۴۶)، لغت نامه (ذیل/ سرخسی) معجم المؤلفین (۲۶۸ -۲۶۷، ۲۳۹ /۸).

سرخه ای، احسان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احسان سرخه ای

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دروس مقدمات خدمت استاد محترم طالقانی و آدینه وند و امین شیرازی در درس فقه حضرت آیهٔالله استادی و عراقچی و اصول حجهٔالاسلام والمسلمین محمدی و خاتمی شرکت نمودم دروس مکاسب و رسائل را در خدمت استاد بزرگواری چون محقق داماد و پایانی و اعتمادی گذراندم و با درس کفایه استاد گنجی سطح را به پایان بردم.در دروس خارج حضرت آیات بهجت و فاضل لنکرانی و تبریزی و وحید خراسانی و سید احمد مددی

تاکنون شرکت داشته ام و پایان نامه سطح ۳ را ارائه نموده ام.

در سال ۶۹ با شرکت در دوره های آموزش کامپیوتر و مرکز تحقیقات به تدریس کامپیوتر دعوت و تا سال ۷۴ در سازمان کامپیوتر نور به تدریس دوره های ویژه طلاب اشتغال داشتم.در سال ۷۲ با مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث پژوهش های حدیثی را آغاز و در تدوین دانشنامه بزرگ میزان الحکمهٔ همکاری نموده و در زمینه حدیث و علوم حدیث تحقیقاتی را انجام داده ام.در سال ۷۸ برای اخذ مدرک کارشناسی (مهندسی) کامپیوتر وارد دانشگاه شده و این دوره را به پایان برده ام هم اکنون بعنوان مدیر فناوری اطلاعات و ارتباطات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث مشغول همکاری می باشم.

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تصحیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۳۴۰/۲، ۲۰۰ –۱۹۷ /۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴ –۲۷۳ /۶)، الذریعه (۲۸۳/۲۲، ۱۱۶/۲۱، ۴۶، ۱۷، ۱۱/۱۶، ۱۳۹، ۸۰ –۷۹ /۸، ۴۱۰، ۳۱۷، ۳/ ۳۶۶/۲، ۴۹۳، ۴۱۵ /۱)، ریحانه (۷ –۵ /۵، ۱۵ –۱۳ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹ –۶۹۳ /۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶ –۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ –۲۲۵ /۶).

سرشار تهرانی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباد الله سرشار تهرانی

محل تولد : میانه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب در یک خانواده مـذهبی و متدین در سال ۱۳۲۴ شمسـی، در یکی از روستاهای شهرستان میانه چشم به جهان گشودم. در همان سال های نخست پدرم را از دست دادم و تحت تفل دایی زحمتکشم بزرگ شدم، و در هفت سالگی بر اثر حادثه ای از ناحیه دست چپ معلول شدم. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در همان روستا، جهت فراگیری علوم آل محمد (علیهم السلام) و دروس حوزوی عازم شهرستان میانه شـدم، و پس از دو سال تحصیل در آن شـهر و علاقه زیاد به دروس حوزه، روانه شـهر خون و قیام قم شدم، و این سـفر مصادف با رحلت جانگداز مرحوم آیت الله العظمی بروجری (رحمه الله) بود. پس از وقوع پیوستن جریانات سال های ۴۱ ، حوادث خونین خرداد ۴۲، خروش مردم انقلابی و بازداشت امام خمینی (قدس سرّه) در تهران، بر اثر فعالیت های سیاسی و انقلابی مجبور شـدم برای ادامه تحصیل به نجف اشـرف هجرت کنم، مـدتی که در آن دیار بودم ـ یعنی : تا سال ۱۳۵۳ شمسی ـ همواره در درسـهای خارج حضـرات آیات عظام و مراجع عالی قـدر به ویژه امام امّت، خمینی کبیر (قدس سـره) و مرحوم آیت الله العظمی السـید الخوئی شرکت می کردم. در سال ۱۳۵۳ که رژیم ضد خدائی بعث، تصـمیم به بیرون راندن ایرانیان از عراق گرفت، اینجـانب به همراه عـده ای از فضـلا و علمـای ایرانی مقیم نجف اشـرف، از آن دیـار رانـده شـدیم، و از همان سال تاکنون در شـهر مقـدس قم سـاکن هسـتم. تـاکنون بیش از سـی و پنـج سـال است که به تحقیق علوم و احـادیث و اخبار ائمه اطهار (علیهم السـلام) مشغول ام، مـدت چهارده سال آن در مؤسـسه الامام المهـدی (عجل الله تعالی فرجه الشـریف) ، یک سال در بخش تحقیقات دفتر تبلیغـات اسـلامی قم، نوزده سال در مؤسـسه بنیاد معارف اسـلامی، مرکز تحقیقات حـج و بخش تحقیقات بنیاد جانبازان و تحقیقات متفرق دیگر به فعـالیت مشـغول بـودم، هم اکنون نیز در مرکز فقه الائـمه الاطهـار (علیهم السـلام) و مـدرسه امـام بـاقر العلوم (علیه السلام) به تحقیقات ادامه می دهم.

سروش، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سروش

محل تولد : قم

شهرت : سروش محلاتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از دروس سطح در خدمت حضرات آیات ستوده و سید علی محقق داماد، در درس خارج آیت الله حائری یزدی(ره) حاضر شدم ، همچنین مدت ۱۵ سال از درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی و برخی اساتید دیگر استفاده کردم. در همین مدت فلسفه و عرفان را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی ، جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کردم.حدود ۱۰ سال تدریس سطح عالی داشتم و سپس به تدریس خارج فقه واصول مشغول شدم که در مدرسه آیت الله گلپایگانی(ره) ، حدود ۱۰ سال است ادامه یافته است گرایش اصلی من در پژوهش ، فقه سیاسی است.

سعید العلماء، محمد سعید

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۰ ق)، فقیه، اصولی و مجتهد. از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم است. مقیم بارفروش بود. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول فقه به عراق رفت. او شاگرد برجسته شریف‌العلمای مازندرانی و معاصر شیخ انصاری و سید شفیع جاپلاقی و همدرس ملاـ آقا دربندی است. پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد از شریف‌العلماء به بارفروش بازگشت. ریاست علمی مذهبی وی مورد توجه همه حتی ناصرالدین‌شاه بود. خبرگان او را هم‌سنگ و عده‌ای وی را بر شیخ انصاری ترجیح می‌دادند. خود شیخ با وجود او فتوا نمی‌داد تا اینکه سعید العلماء در نامه‌ای نوشت که «اگر من در زمان اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لیکن اکنون در ایران تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم است و اینک او برای تقلید و فتوا متعین است». حاج ملا محمد اشرفی و حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی حایری از شاگردان بنام سعیدالعلماء بودند و دومی از وی روایت نیز کرده است. سید محمد بن ربیع تستری در حدود ۱۲۴۶ ق بعضی از «تقریرات» وی را نوشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ریحانه (۳۸/۳)، شرح حال رجال (۷۱/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۹/۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۱۴/۲)، مکارم الآثار (۱۹۷۱ – ۱۹۷۰ /۶).

سعید تهرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت: ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهل ستونی تهرانی و نوه آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعه قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فراگرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دورس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی به خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد تقریرات دروس آیت‌الله حلی به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهل ستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسه چهل ستون و گنجینه قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی مانده است. مهمترین آثار ایشان عبارتند از: اسلام از دیدگاه قرآن و عترت؛ اصول دین (آبان ۱۳۳۳)؛ افکار پریشان یا مقالات سعید (۱۳۲۶)؛ تقریرات علامه حلی؛ ترجمه نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۱۲ ق.)؛ حسین (ع) ازدیدگاه وحی (۱۳۹۶ ق.)؛ حکومت از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳۹۹ ق.)؛ حیات یابی (ترجمه احیاءالمیت به فضایل اهل‌بیت، ۱۳۶۷)، خدا و رمضان (۱۳۹۱ ق.)؛ خدا و ولی الامر (۱۳۹۲ ق.)؛ خدا و مهدی (۱۳۹۴ ق.)؛ دایرةالمعارف قرآن (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی) سیره رسول‌الله (ص) سنت الهی است (۱۴۰۶ ق.)، غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت (۱۳۶۱)؛ فاطمه زهرا (س)؛ دژ شکست ناپذیر وحی در طول زمان (۱۳۶۱)؛ ما با خدا کار داریم (۱۴۰۶ ق.)؛ مکتب امام حسن (ع) (۱۴۰۲ ق.)؛ مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع (۱۴۱۲ ق.)؛ مسئولیت (۱۴۰۹ ق.)؛ مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب (۱۴۰۴ ق.)؛ نگهبان مکتب توحید (کتابنامه مکتب مهدی عج) (۱۴۱۵ ق.)؛ نگهبان مکتب ما (۱۴۱۰ ق.)؛ نموداری از حکومت علی (ع) (۱۴۰۳ ق.)؛ ولایت فقیه ره‌آورد غدیر (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه (۱۳۸۰ ق.)؛ الرسول یحدثنا (۱۳۹۴ ق.) الرسول یدعوکم (۱۳۹۸ ق.)؛ الرسول الشیعه (۱۳۹۸ ق.)؛ دلیل عروالوثقی (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق. جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ شیعتنا (۱۴۰۲ ق.)؛ موسوعة المکاسب (تألیف شیخ مرتضی النصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ حسن سعید، چهار جلد با تفریط).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبره‌ی شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

حاج حسن آقا سعید بن العالم الجلیل آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه مسیح تهرانی از افاضل علماء معاصر تهرانست.

تولدش در تهران واقع شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و سطوح مهاجرت به نجف اشرف نموده و سطوح

را نزد مدرسین آنجا بپایان رسانیده آنگاه از محضر آیت‌اللَّه العظمی حکیم و آیت‌اللَّه العظمی خوئی و بالاخص آیت‌اللَّه حلی استفاده نموده تا بمدارج عالیه علم و کمال رسیده و تقریرات استاد حلی را در شرح عروه بنام مدارک العروه برشته تحریر و طبع درآورده و به تهران مراجعت و در مسجد جامعه بجای والد خود به اقامه جماعت و ترویجات دینی و تدریس پرداخته است. از آثار ایشان است تأسیس کتابخانه مسجد جامعه و نشریه‌های آن است.

(۱۴۱۶ –۱۳۳۸ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. او از فرزندزادگان میرزا مسیح تهرانی است. در تهران به دنیا آمد. پس از خواند دروس کلاسیک و مقدمات و ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح را در آن جا تکمیل نمود. سپس به محضر آیت‌اللَّه حیکم و آیت‌اللَّه خویی راه یافت. او به ویژه از آیت‌اللَّه حلی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علم و کمال رسید. آنگاه به تهران بازگشت و در مسجد جامع تهران به ترویج دین و تدریس پرداخت. در تهران درگذشت و در شیخان قم دفن شد. از آثار ایشان تاسیس کتابخانه مسجد چهلستون جامع تهران در ۱۳۸۰ ق و نیز گنجینه‌ی قرآن حاوی نسخ گوناگون کهن و جدید قرآن در همان جا. این کتابخانه هم‌اکنون با بیش از چهل هزار جلد کتاب یکی از ذخایر گران‌بهای کتب اسلامی است. از دیگر اقدامات وی انتشارات وسیع و گسترده به صورت نشریات متعدد به زبانهای مختلف برای کشورهای شرق و غرب جهان بود. از آثار علمی وی: «الرسول یحدثنا»؛ «الرسول یدعوکم»؛ «الرسول و الشیعه»؛ «شیعتنا»؛ «الفقه فی تشریعه و تبیینه و استنباطه» «دلیل العروه الوثقی»، تقریرات بحثهای استادش آیت‌اللَّه حلی؛ نشریه «دائرةالمعارف قرآن کریم»؛ «اسلام از دیدگاه قرآن و عترت»؛ «اصول دین»؛ «حسین از دیدگاه وحی»؛ «خدا و اولوالامر»؛ «فاطمه الزهرا (ع)»؛ «نموداری از حکومت علی (ع)»؛ «مهدی (ع) راهگشاری عالم غیبت».[۱]

حاج شیخ حسن فرزند عالم ربانی حجه‌الاسلام والمسلمین آیت‌اللَّه حاج میرزا عبداللَّه سعید تهرانی (معروف به جهل ستونی) ابن آیت‌اللَّه حاج میرزا مسیح که ترجمه‌اش اجمالا در جلد چهارم ص ۴۸۳ گذشت معظم‌له در سال ۱۳۳۷ قمری در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم در تهران مقدمات را خوانده وسپس در قم به تحصیل سطوح عالیه پرداخته و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محاضر آیات عظام حوزه علمیه نجف مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حکیم و شاهرودی و حاج شیخ حسین حلی و آیت‌اللَّه خوئی استفاده نموده و با مدارک عالیه علمی به زادگاه خود تهران مراجعت و در مسجد جامع به خدمات دینی و وظائف روحی و تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن و نشر معارف اسلامی و قضاء حوائج محتاجین حتی‌المقدور پرداخته و تا این تاریخ ۱۳۹۹ قمری به فعالیت اشتغال و سرپرستی عده‌ای از طلاب تهران را به عهده دارند و کتابخانه مسجد جامع که از تاسیسات معظم‌له است یکی از مجامع علمی تهران و پایگاه‌های خدمات اسلامی است آثار گرانقدری دارند که به آن اشاره می‌شود.

۱- دلیل‌العروه دو جلد مطبوع.

۲- شرح مکاسب سه جلد.

۳- اصول دین.

۴- افکار پریشان.

۵- همه در انتظار اوبند چاپ شده.

نویسنده گوید: آیت‌اللَّه سعید تهرانی دارای محامد آداب و محاسن اخلاق و بیانی شیوا می‌باشد در منزلش طبق سنت نیاکانش همه ساله از اول محرم تا سوم عاشورا مجلس تبلیغ و سوگواری منقد و گویندگان فاضل و دانشمند و آگاه در پیرامون معارف اسلامی و مکتب خاندان رسالت ایراد سخن نموده و طبقات مختلف و بالاخص علماء تهران که همه روزه شرکت می‌کنند زیب بخش مجلس ایشانند.

خدمات و فعالیتهای آقای سعید بسیار و این مختصر ظرفیت شرح آن را ندارد ادام اللَّه توفیقه همه ساله در ایام موالید ائمه معصوم علیهم‌السلام مخصوص حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و حضرت سیدالشهداء و حضرت بقیه‌اللَّه عجل اللَّه

فرجه جزوه‌هائی آموزنده به دان مناسبت طبع و نشر می‌نمایند جزاه‌اللّٰه عنهم خیرالجزاء.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] احوال و آثار حضرت آیت‌اللّٰه سعید (ره)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۳/ ۴).

سعید تهرانی، عبداللّٰه

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۰۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در تهران به دنیا آمد. مدتی در تهران نزد علمای دین چون شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح تهرانی و میرزا هاشم شفتی و حاج آقا بزرگ و حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تحصیل علوم دینی کرد. در ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه به نجف رفت و در آنجا از محضر آیت‌اللّٰه نایینی و آیهٔ‌اللّٰه شریعت اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید احمد کربلایی استفاده نمود. در ۱۳۳۳ ق به تهران مراجعت و بعد از فوت پدرش چند سالی مسجد جامع تهران را امامت می‌کرد. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و از آیت‌اللّٰه حائری و آیت‌اللّٰه کبیر بهره‌ها گرفت. در ۱۳۵۶ ق به تهران بازگشت و به تدریس و انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی: حاشیه بر «مکاسب»؛ هفت رساله در «مبداء و معاد» و جمع «کتاب و سنت و عقل تفسیر»؛ رساله‌ای در «مشتق»؛ «سنن النبی (ص)».[۱]

آیت‌اللّٰه مرحوم حاج میرزا عبداللّٰه ابن آیت‌اللّٰه حاج میرزا مسیح مشهور بحاج میرزا بزرگ ایلچی کش از طراز اول علماء معاصر تهران بوده است در سال ۱۳۰۵ ق در تهران متولد شده و نزد علماء تهران چون مرحوم آقای شیخ علی نوری و میرزا سید محمد تنکابنی و حاج شیخ مسیح طالقانی و میرزا هاشم شفتی و آقای حاج آقا بزرگ ساوجی و آقا شیخ باقر معزالدوله تلمذ نموده و در سال ۱۳۳۰ ق در مراجعت از مکه معظمه به نجف در آن سامان رحل اقامت افکنده و از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه نائینی و آیت‌اللّٰه شریعت و آیت‌اللّٰه آقا ضیاء عراقی و عالم ربانی حاج سید احمد کربلائی و غیر هم استفاده نموده و در سال ۱۳۳۳ ق مراجعت به تهران و پس از فوت مرحوم والدش (در سال ۱۳۳۴ ق) چند سالی امامت مسجد جامع تهران را نموده تا سال ۱۳۴۲ ق که آیات بزرگ و مراجع عالیقدر شیعه از عراق تبعید به ایران شدند وی باستقبال آنان شتافته و در خدمت آنان به قم آمده و بافاضه و استفاضه از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه حایری و آیت‌اللّٰه حاج شیخ ابوالقاسم کبیر پرداخته تا سال ۱۳۵۶ ق پس از فوت آیت‌اللّٰه حایری به تهران مراجعت نموده و تا سال ۱۳۹۱ قمری به اقامه جماعت و تدریس و وظائف دیگر دینی و اجتماعی اشتغال داشته تا در ذی‌الحجه سال مزبور در سن ۸۶ سالگی وفات نموده و جنازه‌اش حمل بشهر ری و در جوار حضرت امامزاده حمزه موسوی بعنوان امانت بخاک سپرده شد تا در شرایط مناسب و رفع موانع به نجف منتقل گردد. از آثار ایشان است:

۱- حاشیه بر مکاسب ۲- هفت رساله در مبدء و معاد و جمع کتاب و سنه و عقل و تفسیر ۳- اصول فلسفه ۴- رساله‌ای در مشتق ۵- سنن النبی (ص) ۶- متفرقات دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۵۸/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۹ -۲۰۸)، زندگینامه رجال و مشاهیر (۵۳/۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴/ ۴۸۲- ۴۸۳).

سعیدالعلماء مازندرانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مآثر و آثار ص ۱۵۰ گوید: سعیدالعلماء از افاضل مجتهدین بود و ریاستی معتدبها داشت و بعضی از اهل تحقیق او را با شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری هم سنگ میگرفتند. این بزرگوار بملاحت منطق و فصاحت بیان یگانه‌ی روزگار بنظر میآمد.

نگارنده گوید آنجناب مبارزات دامنه‌داری با فرقه ضاله بابیه و سران آنها ملاحسین بشروئی و قره‌العین نمود و نگذارده آنها وارد شهر بابل بشوند و در قلعه‌ای نزدیک بابل آنها را محاصره کرده و نابودنشان نمودند.

در ریحانه الادب گوید ملاـ محمد سعید العلماء مازندرانی بارفروشی از اکابر علماء امامیه قرن سیزدهم هجرت که از افاضل مجتهدین و در فصاحت و نطق و بیان یگانه‌ی زمان و با شیخ مرتضی انصاری معاصر و از تلامذه شریف العلماء مازندرانی است. ریاست علمی مذهبی معتدبه داشته و مورد توجهات ملوکانه ناصرالدین شاه قاجار بوده و بعضی از اهل خبره او را هم سنگ شیخ انصاری دانسته و بلکه گاهی ترجیحش میدهند و بالجمله فقه و اصول او مسلم اهل عصر خود بوده و شیخ انصاری با آن همه جلالت علمی که داشته با حضور وی فتوا نمیداده تا آنکه نامه‌ای از خود سعیدالعلماء در رسید که اگر من در اوقات اشتغال علمی اعلم از شیخ بوده‌ام لکن در بلاد عجم تارک شده‌ام ولی شیخ هنوز مشغول علم بوده اینک برای تقلید و فتوا معین میباشد.

شاگردان بزرگواری مانند حاج ملا محمد اشرفی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی دارد وفاتش در سال ۱۲۷۰ قمری اتفاق افتاد و در شهر در مقبره معروفه‌اش مدفون و اکنون قبرش یکی از بقاع متبرکه و مزارات مردم بابل است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

سلطان‌آبادی، محمدحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۴ ق)، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از کره رود، از توابع سلطان‌آباد بود. او داماد علامه اخلاق ملاـ فتحعلی سلطان‌آبادی است. وی در نجف اشرف در بهره بردن از مدرسین و عالمان مواظب و کوشا بود. به سامراء سفر کرد و نزد میرزای شیراز به تحصیل پرداخت و تا پایان عمر استادش ملازم وی بود. پس از درگذشت استاد به کاظمین رفت و دو سال بعد در آنجا درگذشت و در یکی از حجره‌های شرقی صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «اجوبه الاجوبه»؛ «الاشارات اللطیفه الحسان»، در احوال ابوحنیفه؛ «اشرف الوسائل»، در فهم «الرسائل»؛ «البحر المحیط»؛ «البیت المعمور»؛ «توضیح الدلائل علی ترجیح مسائل الرسائل»؛ «جامع‌الدین و الدنیا»؛ «حل المعقاد عن وجوه الفرائد» که حاشیه مبسوطی بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «فلک الشمحون»، کشکول مانند، در چهار مجلد که چون در نجف نگارش یافته به نام «الجاع الغروی» نیز نامیده شد، و مجلد پنجمی در سامراء به نام «الجامع العسگری» بر آن افزوده شده است؛ رساله‌ای در «فقه»؛ رساله‌ای در «کیمیا»؛ «سواء الطریق»؛ «الشهاب الثاقب»؛ «الصراط السوی و البرهان الجلی فی تعیین خلافه علی بعد النبی (ص)»؛ «الصوامع»؛ «منتهی الوصول الی علم الاصول»؛ «نخبه الادعیه»؛ «هدایه المجاهدین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۵۴/۹)، الذریعه (۳۱۳ –۳۱۲ /۱۶ ،۹۵ ،۳۳ /۱۵ ،۷۶– ۷۵ /۷ ،۶۴ ،۶۳ ،۵۳ /۵ ،۴۹۳ /۴ ،۱۸۵ ،۴۵ /۳ ،

۱۰۷، ۹۸ /۲، ۲۷۶ /۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۶۱ -۶۵۹ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۹).

سلطانی طباطبایی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۸ -۱۳۳۲ ق)، فقیه اصولی و مدرس. در بروجرد به دنیا آمد پس از طی مقدمات و فراگیری سطوح اولیه در ۱۳۴۸ ق به قم رفت از محضر آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه فیض و آیت‌اللَّه اراکی استفاده کرد. آنگاه به نجف مشرف و حدود دو سال حوزه درس آیاتی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آقا اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین اصفهانی استفاده نمود. پس از بازگشت به ایران، نزدیک یک سال، در مشهد از مباحثات آیت‌اللَّه میرزا مهدی اصفهانی بره‌مند شد. در ۱۳۵۹ ق رسما در قم سکنی گزید و به تدریس فقه و اصول و «کفایه» و «مکاسب» پرداخت. همزمان در درس فقه و اصول آیت‌اللَّه بروجردی شرکت می‌کرد. وی معقول را از آیت‌اللَّه شاه‌آبادی فراگرفت. از آثارش: رساله‌ای در «استصحاب»؛ رساله‌ای در «واجب مطلق و مشروط»؛ «الفوائد الفاطمیه»، در اصول؛ رساله‌ای در شرح «منظومه‌ی» میرزا محمد تنکابنی؛ رساله‌ای در «خیارات»؛ رساله‌ای در «ادبیات فارسی».[۱]

آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر بن العلامه العلام الحاج السید علی‌اصغر الملقب بسلطان العلماء المتوفی فی ۱۳۴۲ المدفون فی بلده قم ابن العلامه الحاج آقامهدی طباطبائی متوفی ۱۳۲۴ المدفون فی رواق الکاظمین علیهماالسلام عالمی عامل و فاضلی کامل و مدرسی محقق است در سال ۱۳۳۲ در بروجرد متولد شده و پس از رشد و طی مقدمات و سطوح اولیه در سال ۱۳۴۸ ق مهاجرت به قم نموده و تا سال ۱۳۵۵ ق از مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله فیض و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی استفاده نموده و در سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری مؤسس به نجف مشرف و حدود دو سال از محضر آیات عظامی چون آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و مقداری آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی استفاده نموده و پس از آن مراجعت به بروجرد و از آنجا به مشهد رضوی مشرف و حدود ده ماهی از مباحثات مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌مند شده و بعد از آن مراجعت به بروجرد نموده و در سال ۱۳۵۹ هجری مهاجرت به قم کرده و رسما رحل اقامت افکنده و به تدریس فقه و اصول و سطوح عالی (کفایه و مکاسب) پرداخته و مدتها درس سطح ایشان دائر و جمعیت زیادی از فضلاء محصلین شرکت کرده و استفاده می‌نمودند ولی دو سه سالی است که در مسجد امام علیه‌السلام خارج کفایه و عروه را شروع کرده و جماعتی را از بیانات خود بهره‌مند می‌کنند.

معظم‌له مضافا بر آن اساتید مذکوره معقول را از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی خوانده و از اول ورود آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراه هم تا آخر عمر ایشان بالغ بر ۱۸ سال به درس فقه و اصول آن مرحوم شرکت کرده و مورد توجه مخصوص ایشان بودند.

ایشان در نسب با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یکی هستند و در مرحوم حاج میرزا علینقی جد دوم آیت‌الله به هم می‌رسند و از دو جهت با آن مرحوم رحم و خویش بودند یکی از جهت پدری که پسرعمو بودند دیگر از جهت مادری که مادرشان خواهر مرحوم حاج‌آقا علی پدر آیت‌الله بودند و آیت‌الله پسر دائی ایشان می‌شدند، خلاصه آن بزرگوار جمع کرده میان نسب و حسب را و از طرف دیگر هم داماد مرحوم آیت‌الله العظمی آقای صدر می‌باشند و برادر خانواده ایشان است صاحب فضیلت و مکرمت علامه العلام و المجاهد الفهام حاج آقا موسی صدر رئیس مجلس اعیان و شیعیان لبنان در بیروت که امروز افتخاری برای عالم تشیع و اسلامند و خدماتی کرده و می‌کنند که در ترجمه ایشان خواهیم نوشت.

و از طرف دیگر هم جناب سید الافاضل الکرام آقای آقا احمد دومین فرزند برومند آیت‌الله العظمی امام خمینی داماد معظم ایشانست.

اما آثار مفیده و ارزنده مترجم معظم ما از این قرار است:

۱- رساله‌ای در استصحاب. ۲- رساله‌ای در واجب مطلق و مشروط.

۳- کتاب الفوائد الفاطمیه فی الاصول (که به نام فاطمه معصومه علیهاسلام نوشته و موسوم نموده است).

۴- رساله‌ای در شرح منظومه میرزا محمد تنکابنی ۵- رساله‌ای در خیارات.

۶- رساله‌ای در ادبیات فارسی و رسالات و کتب دیگر.

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۲۸ ق.، بروجرد.

درگذشت: ۳۱ خرداد ۱۳۷۶، قم.

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی، فرزند آیت‌الله آقای حاج سید علی‌اصغر سلطان العماء بروجردی از علما و بزرگان بروجرد بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه در شهر بروجرد، به سال ۱۳۴۸ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال از محضر حضرات آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، آقا سید محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمدعلی حایری قمی، حاج سید احمد خوانساری و میرزا محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفت. سپس در سال ۱۳۵۵ ق. رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف گردید و حدود دو سال از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برد و در ۱۳۵۷ ق. به بروجرد بازگشت. در ۱۳۵۸ ق. به مشهد مشرف شد و حدود ده ماه از بحث‌های فقهی، کلامی و تفسیری آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاده کرد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. سال ۱۳۵۹ ق. به قم رفت و به تدریس سطوح عالیه (رسائل، مکاسب و کفایه) پرداخت و در کنار آن در دروس فقه و اصول و جلسات استفتاء آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت جست.

ایشان در اولین دوره‌ی مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی مردم لرستان برگزیده شد.

برخی از تألیفات آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی عبارتند از: رسالهٔ فی الاستصحاب؛ رسالهٔ فی المطلق و المقید؛ رسالهٔ فی الخیارات؛ الفوائد الفاطمیهٔ فی الاوصل (که این کتاب را به نام حضرت فاطه معصومه نام نهاده است)؛ رساله در شرح منظومه فقهی علامه میرزا محمد تنکابنی؛ رساله در ادبیات فارسی.

حضرت آیت‌الله سلطانی طباطبایی پس از هشتاد و پنج سال زندگی در عصر روز شنبه سی و یکم خرداد ۱۳۷۶ (پانزدهم صفر ۱۴۱۸ ق.) بدرود حیات گفت و پیکرش، پس از یک تشییع در قم و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن، در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷۶ -۱۷۴ /۲).

سلم آبادی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا سلم آبادی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۶/۷

زندگینامه علمی

در شهریور ماه سال ۱۳۴۹ در روستای سلم آباد فراهان در استان مرکزی متولد شدم دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان جا با رتبه ممتاز طی نمودم همزمان با تحصیل در دبستان قرآن را نزد پدر بزرگم مرحوم محمد ابراهیم سلم آبادی فراگرفتم .

سپس برای ادامه تحصیل راهی قم شدم و در دبیرستان حضرت امام صادق (ع) مشغول به تحصیل دوره متوسطه شدم. با اصرار و تشویق پدرم در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه اراک شدم یکسال و اندی در مدرسه امام المهدی (عج) مشغول تحصیل بودم در سال دوم مدتی بنا به تکلیف توفیق حضور در جبهه را یافتم، بعد از بازگشت از جبهه جهت ادامه تحصیل به تهران و مدرسه علمیه امیرالمؤمنین (ع) رفتم، در طی یکسال و نیم پایه دوم و سوم را با موفقیت طی نمودم در همین زمان دروس پایه اول را تدریس می نمودم در ادامه تحصیل به همراه برخی دوستان به مدرسه علمیه مروی نقل مکان نمودیم و مدت یکسال و اندی در آن مدرسه مشغول تحصیل بودم و سپس در سال ۱۳۶۹ به حوزه علمیه قم عزیمت نمودم در سال ۱۳۷۳ پس از اتمام دروس سطح مدرک اتمام کفایتین را با موضوع پایان نامه بطلان عقد الصبی دریافت نمودم و از همان سال بصورت مداوم و مستمر تاکنون در درس های خارج فقه و اصول حوزه علمیه حضور یافته ام.

سلمانی آرانی، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله سلمانی آرانی

محل تولد : آران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۴/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه گذراندم . در سال ۱۳۴۸ شمسی به قم آمدم ؛ دوره دوم متوسطه را متفرقه خواندم و دیپلم ادبی گرفتم . دو سال در مدرسه جهانگیر خان سپس دو سال در مدرسه حقانی و پس از آن تا شروع انقلاب در مدرسه دارالشفاء و فیضیه سکونت و اشتغال به تحصیل داشتم و سطح را به پایان بردم . همزمان با نهضت در آران و سایر شهرهای ایران فعالیت در حد تبلیغ ، حضور و شرکت فعال در تظاهرات ، پخش اعلامیه و نوار امام(ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی داشته ام .

سپس در قم سکونت گزیده و به درس خارج فقه و اصول آیات عظام نوری همدانی ، ناصر مکارم ، منتظری و برخی دوره های تخصصی زبان و مکالمه عربی ، تربیت مربی دفتر تبلیغات ، تمرین نویسندگی و غیره اشتغال ورزیدم . یک سال در جبهه به کارهای فرهنگی مشغول بودم ؛ سالها با ستاد منطقه ۲ و ۶ سازمان تبلیغات در قسمت های اعزام مبلغ ، روابط عمومی فعالیت داشتم ؛ از سال

۷۲ با پژوهشکده باقر العلوم (ع) همکاری را آغاز و تا کنون ادامه دارد.

سلمانی کیاسری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سلمانی کیاسری

محل تولد : کیاسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از سیکل وارد حوزه شدم. در تهران حوزه حاج ابوالفتح و مروی تحصیل نمودم تا پایان سطح در تهران و خارج نیز تهران مشغول شدم. سپس به قم آمدم سال ۱۳۷۵ وارد قم شدم و در درس خارج حضرات آقایان فاضل و مکارم شرکت کردم. بیشتر تحقیقات در زمینه نهج البلاغه خصوصاً مسایل سیاسی و حکومتی و کتابم نیز در این زمینه چاپ شده. حکومت و رهبری در نهج البلاغه سال ۸۴ – مجموعاً ۴ اثر چاپ شده – ده ها مقاله در روزنامه و نشریات و کنگره ها ارایه شده. جوایزی نظیر سکه و لوح دریافت داشتم. ودر زمینه حکومت و مسائل سیاسی آشنایی در حد تخصص دارم. پاسخگوی سئوالات و محافل علمی خواهم بود. ۸ سال مسئول بررسی جراید مدیریت حوزه علمیه قم می باشم. در حال حاضر یک کتاب در حال تحقیق دارم. توجه به تحقیق بسیار ضعیف است. اگر حمایتی صورت گیرد رشد خواهد کرد.

سلیم زاده، خیرالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خیرالله سلیم زاده

محل تولد : تویسرکان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۵/۱/۱

سلیمی، عبدالحکیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحکیم سلیمی

محل تولد : نی قلعه قره باغ

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالحکیم سلیمی فرزند علی حسن در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مذهبی در ده بخشی نی قلعه قره باغ از توابع ولایت (استان) غزنی شهر حکیم سنائی غزنوی دیده به جهانی گشودم . آغاز حیات علمی ام در مکتب خانه روستا نزد روحانی محل و مدرسه ابتدایی نی قلعه بوده است . دوره متوسطه را تا صنف دوازدهم (دیپلم) در لیسه (دبیرستان) سنائی غزنی به پایان رساندم .

پس از روی کار آمدن حکومت دست نشانده شوروی سابق در سال ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار ارتش سرخ شوروی در سال ۱۳۵۸ به افغانستان ، من همانند بسیاری از هموطنانم به ناچار راهی دیار غربت شدم . هجرتم به ایران (در سال ۱۳۶۰) نقطه عطفی در زندگی ام به شمار می رود . در سال ۱۳۶۲ تحصیلات علوم اسلامی را در مدرسه میانچال کاشان شروع کردم . مدت دو سال و اندی که در کاشان بودم سرنوشت سازترین برهه ای از عمرم به حساب می آید . در این مدت تحصیلات کلاسیک من جهت پیدا کرد ، لطف و عنایت الهی را کاملا در لحظه لحظه زندگی ام احساس می کردم . استادان شایسته ، دوستان صادق ، فضای معنوی مدرسه ، کتب و منابع دینی و درس های اخلاقی مدرسه ، جلوه هایی از لطف پروردگار بود که شامل حالم گردیده بود .

در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم ؛ در سال ۱۳۶۹ در برنامه های آموزشی موسسه در راه حق شرکت کردم که اکنون با نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» فعالیت دارد . در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ مدرک علمی کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» گردیدم . در سال ۱۳۷۹ مدرک کارشناسی ارشد «حقوق بین الملل» را از همان مرکز علمی دریافت کردم .

از لحاظ دروس حوزوی در سطح چهار هستم . شش نوبت در مصاحبه شرکت کرده ام . از سال ۱۳۷۶ در کنار آموزش ، فعالیت تحقیقاتی را به طور جدی شروع کردم . ثمره آن یک کتاب با عنوان «نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل» و مقالات متعددی است که در نشریات معتبر ایرانی و افغانی به چاپ رسیده است و آثاری آماده چاپ می باشد .

هم اکنون بیشتر اوقاتم صرف تحقیق و تدریس می شود . در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس دارم . فصلنامه های «امت» و «در اندیشه فردا» با مدیر مسئولی بنده فعال است . با بعضی از مراکز علمی همکاری دارم .

سند، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.

در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاهٔ و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاهٔ و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاهٔ و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی ۱۲ سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سید کریمی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس سید کریمی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس سید کریمی مشهور به حسینی فررزند سبد افضل در سال ۱۳۳۸ شمسی در خرمدشت (نهاوند)از توابع قزوین دیده به جهان گشودم. بعد از پایان رساندن مقطع ابتدایی در زادگاه خود در سال ۱۳۵۰ شمسی برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیّه قم وارد شدم. مقطع سطح و دروس فقه و اصول را در مدّت بیست سال با جدیت کامل به پایان بردم. در کنار فقه و اصول به مدت شش سال از فلسفه و کلام نیز بهرمند شدم. علاوه بر دروس متداول حوزوی از اساتید اخلاق گوناگون به ویژه عارف وارسته حضرت آیت الله بهاء الدین- قدس سره- سالیانی چند بهرمند شدم همزمان با تحصیل توفیق تدریس دروس حوزوی به طور پیوسته نصیب اینجانب گردید که این توفیق به مدّت سی سال است ادامه دارد.

در حال حاضر در حوزه علمیّه قم مشغول به تدریس فقه در سطوح عالی هستم و نیز از اساتید تفسیر در مرکز تخصصی تفسیر می باشم. حاصل تدریس سالیان دراز وجود شاگرد فاضل در مراکز مختلف حوزه علمیّه قم و غیر آن می باشد. علاوه بر تدریس در حوزه توفیق تدریس فقه در دانشکده شهید محلاتی به مدّت هشت سال را داشته ام. بعد از گرفتن توشه سهل از علوم رائج حوزوی علاقه به قرآن موجب شد که به تفسیر قرآن رو بیاورم. از این رو در کنار تدریس فقه به فعّالیّتهای قرآنی اعم از مطالعه کتب تفسیری و تدریس و تألیف آن روی آوردم که حاصل آن کتابهای تفسیر و غیر آن است .

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و

دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیستانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله العظمی سید علی سیستانی : معظم له در روز ۹ ربیع الاول سال ۱۳۴۹ هـ. ق در شهر مقدس مشهد متولد گردید و پدرش به میمنت نام جدّش او را (علی) نام نهاد.

نام پدر گرامیشان مرحوم سید محمد باقر و نام جدّ ایشان که از بزرگان علم و زهد بوده سید علی میباشد. زندگینامه ایشان را مرحوم شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب (طبقات أعلام الشیعه قسمت چهارم ص ۱۴۳۲) ذکر نموده است. گفته شده در نجف از شاگردان مولا علی نهاوندی و در سامرا از شاگردان مجدّد شیرازی و از شاگردان خاص مرحوم سید اسماعیل صدر گردید و در سال ۱۳۰۸ هـ. ق به شهر مقدس مشهد بازگردید و در آنجا مستقر گشت، و از مهمترین شاگردانش، فقید بزرگوار شیخ محمد رضا آل یاسین (قدس سره) میباشد.

خاندان معظم له از سادات حسینی میباشند که در عهد صفوی در اصفهان میزیستند و از طرف سلطان حسین صفوی، جدّ اعلی ایشان سید محمد را به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب نمود و ایشان به آنجا منتقل شده و با خانواده شان در آنجا سکنی گزیدند.

از نوادگان ایشان سید علی جدّ معظم له، اولین شخصی بود که به شهر مقدس مشهد مهاجرت نمود و در مدرسه مرحوم ملا محمد باقر سبزواری مستقر گردید و از آنجا برای تکمیل درس خود به نجف اشرف مهاجرت نمود.

حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) در پنج سالگی به تعلیم قرآن کریم پرداخت، سپس وارد مدرسه دار التعلیم دینی به منظور آموزش علوم دینی شد که در این مدت نیز خوشنویسی را از استاد فن آموخت.

در سال ۱۳۶۰ هـ. ق به امر پدر بزرگوارشان شروع به آموختن مقدمات علوم حوزوی نمود که مجموعه ای از دروس ادبی همچون (شرح الفیه ابن مالک، مغنی ابن هشام، مطول تفتازانی، مقامات حریری و شرح نظام) را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و بعضی دیگر

از اساتید پرداخت. همچنین (شرح لمعه و قوانین) را نزد مرحوم سید احمد یزدی فرا گرفت و قسمتی از دروس سطوح مثل (مکاسب، رسائل و کفایه) را نزد عالم جلیل شیخ هاشم قزوینی خواند.

تعدادی از کتب فلسفی همچون (شرح منظومه سبزواری، شرح الاشراق و اسفار) را نزد مرحوم آیسی خوانده و (شوارق الالهام) را نزد مرحوم شیخ مجتبی قزوینی آموخت و از محضر علامه محقق میرزا مهدی اصفهانی و همچنین از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا هاشم قزوینی بهره های فراوان برده است.

پس از فراگیری (علوم ابتدائی، مقدمات و سطح) نزد برخی از اساتید و مدرّسان به فراگیری (علوم عقلیه و معارف الهیه) پرداخت. سپس در سال ۱۳۶۸ هـ. ق به شهر مقدس قم مهاجرت نموده و از محضر مرجع بزرگ آیت الله بروجردی (قدس سره) در درس فقه و اصول شرکت نمود و از دانش و معرفت فقهی او بویژه در علم رجال و حدیث استفاده بسیاری نمود. وی همچنین در دروس فقیه و عالم فاضل سید حجت کوه کمره ای (قدس سره) و تعدادی از علمای معروف آن دوره شرکت جست.

معظم له در مدت اقامت خود در قم مکاتباتی که با مرحوم سید علی بهبهانی (یکی از علمای برجسته اهواز و از تابعین مدرسه محقق شیخ هادی طهرانی) درباره بعضی از مسائل (قبله) داشته است، به طوری که در این مسائل مناقشات مفصلی حول آراء مرحوم محقق طهرانی داشته و مرحوم بهبهانی از آراء استاد خود دفاع می نمود، پس از مدتی مکاتبه، مرحوم بهبهانی نامه تشکری برای معظم له فرستاده و از ایشان تمجید و تقدیر کاملی نمود، و قرار بر آن شد که ادامه بحث در موقع تشرّف ایشان به مشهد انجام گیرد.

در سال ۱۳۷۱ هـ. ق معظم له از قم به نجف اشرف مهاجرت نمود، و در روز اربعین حسینی (علیه السلام) وارد کربلا گردید، سپس به نجف سفر نمود. به مدرسه بخارائی وارد شده و مستقر گردیدند، که در محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) در فقه و اصول به مدت طولانی حاضر گردید و همچنین در این مدت هم در دروس بزرگانی همچون آیت الله حکیم و آیت الله شاهرودی (قدس سرهما) حاضر گردید.

در سال ۱۳۸۰ هـ. ق معظم له تصمیم رجوع به موطن خود مشهد گرفت و با تصور اینکه در آنجا مستقر خواهد شد، لذا اساتیدشان آیت الله خوئی و شیخ حسین حلی (قدس سرهما) درجه اجتهاد وی را مکتوب نمودند. همچنین محدث بزرگ، آقا بزرگ طهرانی شهادت دیگری در تبحر ایشان به علم رجال و حدیث مکتوب نمود.

معظم له در سال ۱۳۸۱ هـ. ق بار دیگر از وطن خود به نجف بازگشت و با ورودشان شروع به درس (خارج فقه در باب مکاسب شیخ انصاری) و متعاقب آن (شرح عروه در باب طهارت) و بیشتر (کتاب صلاة) را تدریس نمودند، تا در سال ۱۴۱۸ هـ. ق بعد از آنکه (کتاب صوم) را به پایان رسانده بود، شروع به (شرح کتاب اعتکاف) نمود.

در این مدت در موضوعات مختلفی همچون (کتاب قضاء، ابحاث ربا، قاعده الالزام و قاعده تقیه) بحثهای فقهی داشته اند. همچنین در این مدت بحثهایی در (علم رجال) که شامل (حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، شرح مشیخهٔ التهذیبین و غیره) نیز داشته اند.

همچنین معظم له بحثهایی در علم اصول را در شعبان ۱۳۸۴ هـ. ق شروع نموده و دوره سوم تدریس را در شعبان ۱۴۱۱ هـ. ق به پایان رساندند و تمام درسهای ایشان در بحثهای فقه و اصول از سال ۱۳۹۷ هـ. ق تا به حال به صورت کاستهای صوتی موجود میباشد. و در این روزها (۱۴۲۳ هـ) مشغول به تدریس (کتاب زکات از شرح عروهٔ الوثقی) میباشند.

نبوغ علمی

معظم له همواره در بحوث اساتید خود استعداد و هوش فوق العاده ای داشته و برجسته تر از همه همشاگردانش بود. وی در کثرت تحقیق و تتبع در مسائل فقهی و رجال و تداوم فعالیت علمی و آشنائی با بسیاری از نظریه ها در میدانهای علمی گوناگون در حوزه، مهارت استثنائی نشان دادند.

شایان ذکر است که میان معظم له و شهید صدر (قدس سره) در حوزه نبوغ علمی، رقابت شدید بود. لذا می توان از گواهی اجتهاد

ایشان که دو تن از اساتید وی یعنی آیت اللّه العظمی سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) و علامه حسین حلی (قدس سره) نگاشته اند پی برد.

معروف است که آیت اللّه خوئی (قدس سره) به هیچ یک از شاگردان خود، به جز حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) و آیت اللّه شیخ علی فلسفی (یکی از علمای معروف مشهد) گواهی خطی ندادند. و نیز علامه آقا بزرگ تهرانی (قدس سره) برای معظم له در سال ۱۳۸۰ هجری قمری گواهینامه نوشته است و در آن از مهارت و درایت وی در علم رجال و حدیث تمجید نموده است . یعنی هنگامی که ایشان هنوز به سن ۳۱ سالگی نرسیده بودند حائز این مرتبه والا گردیده اند.

تألیفات و دستاوردهای فکری

نزدیک به ۳۴ سال پیش، ایشان تدریس بحث (خارج فقه، اصول و رجال) را شروع نمودند. و نیز بحثهایی پیرامون (مکاسب، طهارت، نماز، خمس) و برخی از قواعد فقهی مانند (تقیه، و الزام) به انجام رساندند. ایشان تدریس اصول را در سه دوره تمام نموده که بعضی از بحثهای این دوره، مثل بحثهای (اصول علمی، تعادل و تراجیح) و همچنین بعضی از مباحث فقهی و برخی از (ابواب نماز، قاعده تقیه و الزام) آماده چاپ است.

عده ای از فضلای معروف که هم اکنون بعضی از ایشان مدرّس بحث خارج می باشند مانند (علامه شیخ مهدی مروارید، علامه سید مرتضی مهری، علامه سید حبیب حسینیان، سید مرتضی اصفهانی، علامه سید احمد مددی، علامه شیخ باقر ایروانی) و تعدادی از اساتید حوزه های علمیه، بحث ایشان را به بررسی گذاشتند. معظم له همزمان با تدریس و بحث، مشغول تألیف و نگاشتن کتابهای مهم و چند رساله شدند. همچنین، ایشان کلیه تقریرات بحثهای اساتید خود را نیز به رشته تألیف درآورده اند.

روش بحث و تدریس

روش حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) از دیگر روشهای اساتید حوزه و ارباب بحث خارج تفاوت دارد. برای مثال: در زمینه بحث (علم اصول) به ویژگیهای زیر اشاره کرد:

الف ـ ذکر تاریخ بحث و شناخت اصول و پایه های آن:

مانند: سهولت و آسانی (مشتق) وترکیبات آن باشد، یا عقیدتی ـ سیاسی ، مانند: بحث تعادل و تراجیح، که در آن گفته است: (قضیه اختلاف احادیث نتیجه مبارزات و کشمکشهای فکری و عقیدتی آن زمان و نیز شرایط سیاسی زمان امامان علیهم السلام بود. و اندک اطلاعی از تاریخ این بحث ما را به گوشه و کنار آن مسئله و حقیقت افکار و آراء که در این باره مطرح است، می رساند).

ب ـ پیوند میان فکر حوزوی و فرهنگهای معاصر ضمن بحث از معنی الفاظ:

مؤلف کتاب (الکفایهٔ) عقیده خود درباره معانی الفاظ را بر اساس نظریه فلسفی معاصر، که به نام (نظریه تکثر ادراکی) در فعالیت ذهن بشری و خلاقیت آن است، ساخته است. به این معنی که ذهن ممکن است یک مطلب را با دو شکل مختلف تصور کند: یکی را با استقلال و دقت و وضوح ، که به او (اسم) گفته می شود و دیگری با انقباض یا گرفتگی ، که آن (حرف) نامیده می شود، و وقتی که وارد بحث (مشتق) می شود، ایشان از زمان، با بینش فلسفی جدید که در غرب رایج است، و اینکه باید زمان را از مکان به لحاظ تعاقب نور و ظلمت جدا کرد، سخن می گوید.

و ضمن بحث درباره (صیغه امر) و بحث از (تجری)، نظریه برخی از علمای جامعه شناسی را مطرح می کنند که بر این عقیده اند که سؤال ناشی از تداخل صفت درخواست کننده باید از حقیقت درخواست او تفکیک شود.

ملاک استحقاق عقوبت و جزا، یاغی شدن عبد بر علیه مولای خود است، و این حالت مبنی بر تقسیمات و طبقه بندی جوامع قدیم بشری است که سروران، غلامان، برتر، بدتر، و... داشته است. در واقع، این نظریه از بقای فرهنگهای دیرین، که با زبان رده بندی نه زبان قانونی که مبنی بر مصالح انسانی عام است تکلم می کردند.

ج ـ اهتمام نسبت به اصولی که با فقه ارتباط دارد:

یک طلبه می توانـد اغراق و تفصیل علماء را در بحثهای فقهی که هیچ ثمره علمی یا فایـده فکری ندارنـد، ملاحظه کنـد، مانند بحثهایی که درباره (وضع) می کننـد، و اینکه آیـا (وضع) یـک امر اعتبـاری یـا تکوینی ، یـا امری است که متعلق بـه تـعهـد یـا تخصیص است، یا بحثهایی که در بیان موضوع (علم) و برخی از عوارض ذاتی در تعریف موضوع (علم) و مانند آن می کنند.

امـا آنـچه کـه در دروس حضـرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) مشاهده می شود، کوشش فراوان و بذل نهایت زحمت برای به دست آوردن مبنـای علمی محکم و اسـتوار در بحثهـای اصولی در رابطه با روشـهای اسـتنباط، نظیر مباحث اصول عملی، تعادل و تراجیح، و عام و خاص، می باشد.

د ـ نوآوری:

بسـیاری از اساتید ماهر حوزه، روح یا فن نوآوری و تجدید را دارا نیستند، و همیشه سـعی ایـشان بر این بوده که تعلیقی یا حاشیه ای بر این کتـاب یـا آن رساله بنگارنـد، بـدون اینکه به جوهر بحث بپردازنـد، لـذا می بینیم که این نمونه از اساتیـد فقط آری موجود را بحث نموده و از بین آنـها یکی را انتخاب می کنند، و خود را با عباراتی مانند (فتأمل) یا (فأفهم) یا (در این اشـکال دو اشکال وجود دارد) و (باید در این دو اشکال تامل بخرج داد) و... مشغول می کنند.

هـ ـ نـکـاح اهل شرک جایز است:

ایشان این قاعده را که (تـزاحـم) نـام دارد، و فـقـهـا و اصولیین آن را به عنوان یک قاعده عقلی یا عقلائی صرف، مطرح می کـننـد، ضمن قاعـده (اضـطرار)، که یک قاعـده شـرعی و نصوص فراوانی درباره اش ذکر شـده ، مثل (هر چیزی را که خداونـد حرام کرده است برای مضـطر حلال کرده است)، می داننـد. در واقع ، قاعده (اضـطرار) همان قاعده (تزاحم) است . و یـا اینـکه فقها و اصولیین قاعـده ای را بیهوده طول می دهنـد، ماننـد آنچه در قاعـده (لا تعاد) مشاهده می کنیم، که فقها آن را، به دلیل وجود نص مخصوص نماز می دانند. در صـورتی کـه آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) روایت (لا تعاد الصلاهٔ الا من خمسهٔ) را مصداق کبری دیگری که شامـل نمـاز و واجبـات گونـاگون می باشـد، می شناسـند. ایـن کـبری در آخر متن روایت موجود است که عبارت است از (و لا تنقض السنهٔ الفریضهٔ)، پس آنـچه کـه مسلم است در نماز و غیره ترجیح فریضه بر سنت است، مانند ترجیح وقت و قبله، زیرا وقت و قبله از فرایض هستند نه سنت.

و ـ دیدگاه اجتماعی:

بعضی از فقها متون را تحت اللفظی ترجمه و معنی می کنند. به عبارت دیگر، خودشان را مقید به حروف متن می سازند بدون اینکه فراتر از آن بروند و به معانی وسیع آن متن، بپردازند.

بـعضـی دیـگـر از فـقـهـا شـرایطی که متن در آن گفته شـده است را مورد بحث و بررسـی قرار می دهند تا با حوادثی که بر دلالت آن متن تاثیر مستقیم می گذارند، آشنا شوند. بـه طور مـثال، اگر به حدیث پیغمبر گرامی، که در آن خوردن گوشت حمار اهلی را (در جنـگ خیبر) حرام کردنـد بنگریم، می بینیم که بعضـی از فقها به یکایک حروف این حـدیث عمل می کننـد، بـه ایـن معنی که گوشت حمار اهلی را، طبق این حدیث ، حرام می دانند، در صورتی که که اگر به شـرایط خاصی که این حدیث در آن گفته شده است توجه کافی مبـذول شود، به منظور اصلـی و هـدف اساسـی که پیغمبر گرامی می خواسـتند آن را در این حدیث پیاده کنند پی خواهیم برد، و آن این است که جنـگ با یهودیان خیبر نیاز مبرم به سـلاح و تجهیزات داشت، و سـلاح و تجهیزات، در آن زمان آن هم با آن شـرایط سخت که مسلمانها در آن بسر می بردند، به غیر از چهارپایان قابل حمل و نقل نبود. پـس، بـه ایـن نتیجه می رسیم که مراد از این حدیث نهی حکومتی بوده یعنی بری یک مصلحت خـارجی کـه شـرایـط آن روزها اقتضا می کرد، چنین دسـتوری صادر شده است و نباید به عنوان تشریع یا حرمت و یا کراهت تلقی شود.

ز ـ داشتن علم و درایت در استنباط:

معظم له بر این عقیده هستند که یک فقیه باید از زبان و دستور عرب اطلاع کامل داشته باشد، و با نثر، اشعار و مجازهای عربی آشنا باشد تا بتواند متون را بر طبق موضوع ، نه ذات ، درک و طبقه بندی کند. و نیز باید بر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و راویان آن، احاطه کامل داشته باشد زیرا معرفت علم رجال برای هر مجتهد واجب و ضروری است. همچنین ، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) آرای منحصر به فردی دارند که با آنچه مشهور و معروف است، تفاوت دارد.

مثل ایشان در مساله عدم اعتماد به توهین (ابن غضائری) نسبت به دیگران ، یا به خاطر توهین بیش از حد، و یا به خاطر عدم ثبوت نسبت کتاب به او، رأی مغایری دارند، و آن این است که ، کتاب مزبور تحقیقا به او برمی گردد، و غضائری بیش از نجاشی، شیخ، و غیره، مورد اعتماد می باشد. ایشان بر این عقیده اند که برای تعیین شخصیت راوی و تایید کردن او تا اینکه بتوان یک حدیث را، حدیث مسند یا مرسل نامید، باید به روش طبقات اعتماد کرد، و این همان روش مرحوم آیت اللّه بروجردی (قدس سره) بود.

معظم له باور دارند که فقیه باید از کتب حدیث و اختلاف نسخه ها با یکدیگر، و درک موقعیت و حال و احوال مؤلف، از لحاظ ضبط و صحت، و نیز روش تالیف که این مؤلف یا آن راوی به کار برده ، اطلاع کافی داشته باشد. به عنوان مثال ایشان این امر را که، صدوق در نقل اخبار، روایات و احادیث دقیقتر از دیگران می باشد قبول ندارد، بلکه شیخ را، طبق کتب موجود و بر اساس قرینه، ناقلی امین و قابل اعتماد می داند. و حال آنکه معظم له و شهید صدر در این باره کوشش و فعالیت بسیاری از خود نشان داده اند، و همواره نوآوری و تجدید را پیشه می گیرند. و وقتی که آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) وارد بحث (تعادل) و (تراجیح) می شوند به این نتیجه می رسند که راز این بحث، در علت اختلاف احادیث نهفته است. پس، اگر ما به علل اختلاف متون شرعی بپردازیم، آن مشکل بزرگ و به ظاهر حل نشدنی حل خواهد شد. و خواهیم دید که، از روایات (ترجیح) و (تغییر) که صاحب (کفایه) آنها را بر استحباب حمل کرده است، بی نیازیم . شهید صدر همین بحث را بررسی کرده است، لکن بر اساس عقل صرف، نه بر اساس ذکر شواهد تاریخی و حدیثی، و ارائه قواعد مهم برای حل اختلاف.

ح ـ مقایسه میان مکتبهای گوناگون:

همه می دانیم که بیشتر اساتید بحثها را از دید یک مکتب یا عقیده بررسی و مطالعه می کنند، ولی معظم له از این قبیل نیستند. وی میان حوزه مشهد، قم و نجف اشرف مقایسه می کند، و آرای میرزا مهدی اصفهانی (قدس سره) که یکی از علمای معروف مشهد بشمار می رود، آرای آیت اللّه بروجردی (قدس سره) که سمبل تفکر حوزه علمیه قم می باشد، و نیز آرای سه محقق معروف، آرای آیت اللّه خوئی (قدس سره) و شیخ حسین حلی (قدس سره)، به عنوان نمایندگان حوزه علمیه نجف اشرف را، همه با هم مطرح می کند. در حقیقت، این نوع روش، زوایا و گوشه های بحث را به نحو احسن به ما نشان می دهد.

و اما روش فقهی آن بزرگوار، در واقع چند ویژگی دارد، از جمله :

۱ ـ مقایسه میان فقه شیعه و فقه دیگر مذاهب اسلامی بدون تردید، آگاه شدن از تفکر فقهی اهل تسنن در عصر به وجود آمدن متن، مثل (موطا مالک) و (خراج ابو یوسف) و امثال آن، این امکان را به ما می دهد تا از مقاصد ائمه (علیهم السلام) و نظر ایشان هنگام گفتن این حدیث یا آن سخن، مطلع شویم.

۲ ـ بکارگیری علم حقوق معاصر در بعضی از موارد فقهی، مانند مطالعه قانون دولت عراق، مصر و فرانسه، هنگام بررسی (کتاب بیع و خیارات)، چرا که شناختن اسالیب قانونی معاصر به انسان تجربیات زیادی می بخشد، که بتواند در تحلیل قواعد فقهی و توسعه دادن به طرز تفکر او و موجبات تطبیق آن همه نکات مهم ، فعال باشد.

۳ ـ بیشتر علمای ما هیچ تغییری روی قواعد فقهی که از علمای گذشته به آنها رسیده انجام نمی دهند، در حالیکه می بینیم آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) سعی بر این دارد که به بعضی از قواعد فقهی تنوع بخشد. مثلا درباره قاعده (الزام) که بعضی

از فقها آن را به عنوان قاعده (مصلحت) می شناسند که بر اساس آن مسلماً حق دارند برای بدست آوردن منافع شخصی خود، گاهی از قوانین مذاهب دیگر اسلامی، ولو اینکه این قوانین با مذهب اصلی خود آنها سازگار نیست، تبعیت می کنند، در صورتی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) این وضع را قبول ندارند، و احترام هر مذهب و قوانین آن مذهب و مذاهب دیگر را، واجبتر و مقدمتر می دانند، همانند قاعده (لکل قوم نکاح) یعنی (هر ملت، نکاح و رسم ازدواج مخصوص به خود را دارد).

خصوصیات و ویژگیها

هر کس که از نزدیک با حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) معاشرت و رفت و آمد کند، به زودی به شخصیت ممتاز و روحیه ای ایده آل او پی خواهد برد. این شخصیت و روحیه ای که ایشان دارا هستند، وی را به یک الگوی برجسته و عالم ربانی مبدل کرده است. اکنون به بعضی از فضایل و مکارم اخلاقی آن بزرگوار، که از نزدیک شاهد آن بوده ایم، می پردازیم:

الف ـ انصاف و احترام به رأی دیگران:

ایشان عاشق علم هستند، و ارادت خاص نسبت به معرفت و رسیدن به حقایق دارند. همواره به رأی دیگران احترام می گذارند، همیشه کتاب به دست هستند، و هرگز خواندن، تتبع، بحث و آگاه شدن از آرای دیگر علما را فراموش نکردند. لذا گاهی اوقات، ایشان بحثهای برخی از علما که شاید هم به آن صورت معروف نباشند، مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. و این خودش نشانگر این است که، حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) توجه خاصی و احترام فوق العاده نسبت به رأی دیگران دارد.

ب ـ ادب و نزاکت در محاوره ها:

همینطور که همه می دانند، جلسات بحث و محاوره ای که بین طلبه ها یا میان یک طلبه و استادش ، بخصوص در حوزه علمیه نجف اشرف، انجام می گیرد، بسیار محکم و جدی می باشند. البته، در بعضی مواقع، این نوع روش برای طلبه ها مفید است، ولی در عین حال، همیشه تندی، روش صحیحی برای بحث و گفتگو نیست، و هرگز به هدف علمی مطلوب نمی رساند، و به غیر از تلف کردن وقت، و دور ساختن طلبه ها از روح مذاکره، چیز دیگری دربرندارد.

از جهت دیگر، همیشه درسها و بحثهایی که حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) با شاگردانشان برپا می کنند، بر اساس ادب و احترام دوجانبه میان شاگرد و استاد بوده و هست، گرچه حتی بسیاری از موضوعات یا بحثهایی که جلوی ایشان مطرح می شوند، ضعیف و بی پایه اند. یکی دیگر از خصوصیات ایشان این است که سعی دارند جوابی را که به شاگردانشان می دهند تکرار کنند، تا آنها مسأله مطرح شده را درک کنند. اما، اگر سؤال کننده روی نظر خود اصرار کند، ایشان سکوت را ترجیح می دهند.

ج ـ تربیت:

تدریس، یک وسیله برای کسب پول در مقابل آن، یا یک وظیفه رسمی که استاد را وادار به انجام آن کند، نیست. بلکه سعی یک استاد خوب، مهربان و دلسوز، باید بر این باشد که شاگردانش را تربیت کند، و آنان را به مقام علمی والا و پیشرفت دائم برساند. لذا محبت، لازمه این کار می باشد. گذشته از اینکه، همواره و در همه جا آدم بی خیال و وظیفه نشناس موجود است، ولی در کنار آن، اساتیدی هستند مخلص، دلسوز، رئوف و فهمیده، که هدف اصلی ایشان ادای رسالت تعلیم و تعلم به نحو احسن است.

شایان ذکر است که آیت اللّه حکیم (قدس سره) و آیت اللّه خوئی (قدس سره) همیشه سمبل اخلاق حسنه بودند، و آنچه که از آیت اللّه سیستانی (دام ظله) دیدیم و شاهد آن بودیم ، همان اخلاق اساتیدشان بوده است. ایشان همواره از شاگردانشان تقاضا می کنند که بعد از پایان درس، از ایشان سئوال کنند.

حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) همیشه به شاگردان خود توصیه می کنند که به اساتید و علما اعلام احترام بگذارند، و هنگام سئوال یا بحث هر موضوع با آنان، نهایت ادب را رعایت کنند. وی مدام از اساتید خود، و روحیه عالی ایشان اخبار و قصه

های فراوانی نقل می کند.

د ـ پارسائی و تقوا:

بعضی از علمای نجف اشرف خود را از دعوا و مرافعه دور می کنند، اما عده ای آن را گریز و فرار از واقعیت، یا هراس و ضعف در بیان می دانند. ولی اگر به این مسأله، از زاویه دیگری بنگریم، خواهیم دید که در واقع، این یک امر مثبت است، بلکه در خیلی از موقع ها، مهم و ضروری است. حال، اگر همان علما احساس کنند که امت اسلامی یا حوزه، به علت رویداد مهیج و یا ابهامی در بعضی از مفاهیم اسلامی در معرض خطر قرار گرفته است، بدون تردید، در صحنه خواهند بود، چرا که آنان خوب می دانند که هر عالم باید، در مواقف سخت و حساس، علم خود را اظهار کند.

نکته مهمی که نباید اینجا از یاد برد این است که ، همیشه ایشان در مواقع فتنه و آشوب، سکوت را رعایت می کردند، همانطوری که بعد از درگذشت آیت اللّه بروجردی (قدس سره) و آیت اللّه حکیم (قدس سره)، و بروز تعصبات شخصی و رقابت برای رسیدن به منصب و کرسی، حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) همان سیاست ثابت خود را دنبال کرد، و هیچگاه هدف خود را، رسیدن به لذتهای دنیوی، سلطه جوئی، یا مقام قرار نداد.

هـ ـ آثار فکری:

حضرت آیت اللّه سیستانی (دام ظله) تنها یک فقیه نیستند، بلکه ایشان یک شخصیت متبحر، دانا و داری یک بینش بالنده در حوزه اقتصادی و سیاسی است. ایشان نظرات ارزشمندی درباره اداره و جامعه شناسی دارد، و همواره از اوضاع معاصر که بر جامعه اسلامی حاکم است، مطلع و آگاه است.

قابل ذکر است که معظم له در عیادتی که از استادشان مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی (قدس سره) در ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۹ هـ . ق داشته اند استادشان از ایشان خواستند که به جای ایشان در مسجد خضراء امامت نماز جماعت را به عهده بگیرند که ایشان در بدو امر این موضوع را قبول ننمودند و لیکن آن مرحوم اصرار زیادی نموده و فرمودند: (اگر میتوانستم همچنانکه مرحوم حاج آقا حسین قمی (قدس سره) حکم میکرد شما را مجبور به قبول مینمودم) اما معظم له چند روز مهلت خواستند و پس از آن در ۵ جمادی الاول ۱۴۰۹ هـ . ق امامت نماز را قبول نموده و این کار تا آخرین جمعه ماه ذی الحجه سال ۱۴۱۴ هـ . ق که مسجد خضراء بسته شد، ادامه داشت.

معظم له جهت اداء فریضه حج در سال ۱۳۸۴ هـ . ق و دو بار متوالی در سالهای ۱۴۰۵ هـ . ق و ۱۴۰۶ به بیت الله الحرام مشرف شده اند.مرجعیت ایشان

بعد از فوت آیت اللّه سید نصراللّه مستنبط (قدس سره) عده ای از فضلا و علما از آیت اللّه خوئی (قدس سره) خواستند شرایطی را برای انتخاب جانشینی که دارای صلاحیت مرجعیت در حوزه علمیه نجف اشرف داشته باشد فراهم کنند. ایشان آیت اللّه سیستانی (دام ظله) را، برای علمشان و پاکی مسلکشان و نیز خط مشی استوارشان انتخاب نمودند.

معظم له ابتدا، نماز جماعت را در محراب آیت اللّه خوئی (قدس سره) برپا نمودند، سپس شروع به بحث و نگاشتن تعلیقات بر رساله و مسلک ایشان پرداختند. بعد از رحلت آیت الله خوئی (قدس سره) معظم له یکی از تشییع کنندگان جنازه آن مرحوم بوده و نماز میت نیز را بر او گذاردند. بعد از آن، زمام مرجعیت حوزه علمیه را بدست گرفتند، و شروع به فرستادن اجازات، تقسیم و پخش حقوق، و تدریس از روی منبر آیت اللّه خوئی (قدس سره) در مسجد (خضرا) نمودند. و به این صورت، آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) شهرت زیادی در عراق، کشورهای خلیج فارس، هند، آفریقا و... مخصوصاً در میان قشر جوانان پیدا کردند.

هم اکنون حضرت آیت اللّه العظمی سیستانی (دام ظله) یکی از علمای سرشناس و برجسته ای هستند که مشهور به اعلمیت هستند، و جمع کثیری از اهل علم و اساتید حوزه علمیه قم و نجف اشرف بر اعلمیت ایشان گواهی می دهند.

سیفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین سیفی

محل تولد : محمود آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۹/۱

زندگینامه علمی

این حقیر سوم راهنمایی را طی کرده بودم که خداوند توفیق داد وارد حوزه علمیه دماوند شوم. در دوران تحصیل علاوه بر درس آموختن طلاب جدیدی که وارد حوزه می‌شدند تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۰ بعد از طی کردن مقطع دروس حوزوی دماوند که پایان لمعتین بود وارد حوزه علمیه قم شدم، ابتداء در مدرسه آیت الله کوهستانی حجره‌ای به ما دادند حدود یکسال در آنجا بودم و دروس خود را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تحصیل می‌کردم. بعد از یکسال به مدرسه امام صادق(ع) چهارمردان رفتم. حدود دو سالی در آنجا حجره داشتم و مشغول درس و تحصیل بودم و از استادان بزرگ و دانشمندی همچون آیت الله محفوظی، آیت الله دوزدوزانی و آیت الله جوادی آملی کسب علم می‌کردم. در سال ۱۳۷۳ مصادف شد با سنین ازدواج این حقیر که یک سال و نیم بعد از ازدواج خداوند دختری به ما عنایت کرد و از آن سال تا سال ۱۳۸۲ از دروس اساتید حوزه و درس خارج بزرگان حوزه تلمذ می‌کردم. از سال ۱۳۸۲ به دعوت یکی از دوستان وارد موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) شدم. از آن سال تاکنون در قسمت دانش‌نامه موسسه مشغول تحقیقات علمی هستم که تا به حال بیش از چند مدخل که حضور ذهن ندارم تحول موسسه دادم که هر کدام تبدیل به مقاله و بعضی‌ها تبدیل به کتاب شدند. الان هم دو تا کلاس صبح می‌روم اول کلاس آیت الله جوادی آملی و دوم کلاس آیت الله مقتدایی و بعد از آن صبح ساعت ۱۰ و بعدازظهر ساعت ۳۰/۳ تا ساعت ۸ در موسسه مشغول تحقیقات هستم.

شاکری، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شاکری زواردهی

محل تولد : قم

شهرت : شاکری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شاکری زواردهی ،فرزند عیسی متولد ۱۳۴۵ محل تولد قم ،دوران دبستان و راهنمایی را در شهرستان بابل گذراندم و به خاطر فضای مذهبی خانواده روحانی بودن علاقه وافری به طلبه شدن پیدا کردم لذا در سال آخر سوم راهنمایی تصمیم گرفتم به حوزه بروم وارد حوزه شدم چند ماهی را در مدرسه علمیه صدر[خاتم الانبیاء] بابل گذراندم و از آنجائی که امکانات لازم فراهم نبود وارد حوزه علمیه قم شدم در سالهای اول در کنار دروس فقه در دبیرستان هم تحصیل می کردم و در این سالها توانستم دیپلم را اخذ نمایم ، با اخذ دیپلم تصمیم گرفتم در کنکور سراسری شرکت کنم ، با اینکه خیلی مطالعه نکرده بودم و بدون آمادگی قبلی در کنکور با رتبه عالی قبول شدم ، ولی پس از مدتی احساس کردم این کار ممکن است باعث دور شدن من از حوزه علمیه شود لذا با مشورت اساتید از دانشگاه صرف نظر کرده و در دروس حوزوی متمرکز شدم . دوره سطح را در نزد اساتید بزرگوارحوزه که خیلی از آنان در قید حیات هستند گذراندم اگر چه دو بزرگواری که بسیار بر بنده حق دارند و در شکوفایی فکر و اندیشه ام نقش داشته در قید حیات نیستند آیةالله وجدانی فخر که لمعه و شرح آن را محضر ایشان تلمذ کردم و دیگر مرحوم آیةالله پایانی که مکاسب را در نزد ایشان آموختم. با پایان یافتن سطح به دروس خارج فقه و اصول راه یافتم. خارج فقه را در نزد حضرت آیةالله العظمی شیرازی– مدظله – به مدت هفت سال استفاده بردم و خارج اصول را در نزد حضرت آیةالله العظمی سبحانی– مدظله – به مدت شش سال – یک دوره گذراندم .

به موازات درس خارج در رشته کلام اسلامی مقطع سطح چهار [دکتری] قبول شدم و به مدت چهار سال در این مراکز از اساتید بهره گرفتم،و بعد در آزمون تخصصی تربیت مدرس مهدویت حوزه علمیه قم با گرایشی کلامی قبول شدم و یک دوره مهدویت خواندم . دراین سال در کنار تحصیل به تدریس خصوصی گرفته با عمومی پرداختم و ده سا ل اخیر را مرتب به عنوان مدرس حوزه در مدارس برادران و خواهران و مراکزتخصصی مشغول و در دانشگاه هم درعلوم معارف اسلامی چند سال مشغول تدریس می باشم . یکی از رسالتهای مهم روحانی تبلیغ دین بود که به مدت ۱۵ سال به عنوان مبلغ از روستاها گرفته ،شهرها و تا دانشگاه ها ،ازتبلیغ سنتی ،غیر سنتی و کلاسیک توفیق داشته ام . درعرصه پژوهشی چند مقاله و کتاب دارم که برخی از آنان قبول درسی می باشند.

شاکرین، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال

۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲/۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شاه بیک، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شاه بیک

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

همزمان با دروس کلاسیک دوره دبیرستان ، دروس حوزوی را در مدرسه علمیّه اشتهارد آغاز نمودم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۰ در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و تحت برنامه های درسی آن مدرسه قرار گرفتم . همزمان از دروس آزاد حوزه نیز بهره می جستم و از محضر حضرات : مدرس افغانی ، طالقانی ، حسین بوشهری ، نظری ، وجدانی فخر، اشتهاردی ، اعتمادی ، صالحی مازندرانی و ستوده دروس سطح حوزه را تلمذ نمودم .

از سال ۱۳۶۷ درس خارج فقه را نزد حضرت آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی آغاز و سپس از دروس فقه آیات عظام تبریزی و جوادی آملی بهره مند گردیدم . یک دوره خارج اصول حضرت آیت الله تبریزی را طی ۱۱ سال به اتمام رسانده و از سال۱۳۷۵ مجددا دور دوم خارج اصول را در محضر حضرت آیت الله وحید خراسانی تا کنون تلمذ می نمایم . در کنار اشتغال به دروس اصلی حوزه ، به مدت ۱۰ سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم و در بخش فلسفه ، منظومه مرحوم سبزواری را نزد حضرت آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد حضرت آیت الله حسن زاده آملی و مباحث عرفان علمی را نزد حضرت آیت الله ممدوحی سپری نمودم .

اما در بعد تعلیم علوم اسلامی ، علاوه بر تدریس دروس سطح در حوزه علمیّه قم ، از طرف مدیّریت حوزه علمیّه قم به مدّت دو سالی دروس سطح را در مدرسه علمیّه امیرالمؤمنین تدریس نموده و همچنین مباحث فلسفه (بدایه) ، مبانی حقوق بشر اسلامی و مباحث کلامی را نیز در مرکز آموزش مبلغان خارج کشور با فضلاء غیر ایرانی داشته ام .

امّا در بعد تحصیلات کلاسیک پس از پایان دوره کارشناسی حقوق قضایی از دانشگاه تهران ، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی را نیز در این دانشگاه به اتمام رسانده و رساله ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی آزادی عقیده از حقوق اسلام و ایران با اسناد بین المللی حقوق بشر ، تالیف و تحقیق نمودم . در کنار تألیف برخی از موضوعات علوم اسلامی که هنوز موفق به چاپ آنها نشده ام ، در تألیف ۷۰ عنوان جزوه های آموزشی برای مبلغان اعزامی به خارج از کشور مشارکت داشته و در قالب گروه علمی بخش پژوهش های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تحقیق و تألیف موضوعات مختلف شرکت داشتم و همزمان به عنوان استاد راهنما و یا مشاور در تحقیق بیش از ۳۰ پایان نامه فارغ التحصیلان مرکز آموزش تخصصی مبلغان خارج از کشور مشارکت نمودم . در ضمن ، دوره های مختلف زبان عمومی انگلیسی و دوره عالی زبان انگلیسی را نیز در مرکز مربوطه گذرانده ام .

شاه عبدالعظیمی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقا شیخ حسن از علماء و فقهاء و اصولیین متبحرین زمان خود بوده اکثر تلمذش خدمت مرحوم علامه کبری آیت‌اللّه حاج سید حسین کوهکمری بوده و بسیاری از تقریرات او را هم نوشته که از آنهاست کتاب بزرگی در اصول فقه بنام (الذخیره) و با آن مقام علم و فقاهت حظی از ریاست و تدریس و حتی امامت جماعت نداشته و بعد از استادش در سال ۱۳۵۰ قمری تقریباً وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۹ -۱۲۹۲ ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[۱]

مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.

صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.

وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه آباد ساکن و از این رو بشاه آبادی معروف گردیده و در سال ۱۳۴۷ به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال ۱۳۵۴ ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در ۱۳۶۹ ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.

(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)

از آثار اوست: ۱- الانسان و الفطره ۲- الایمان و الرجعه ۳- القرآن و العتره ۴- حاشیه کفایه ۵- مرام اسلامی ۶- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.

از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:

۱- مرحوم حجهٔالاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.

۲- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص ۱۷۸ یاد نموده‌ام.

۳- حجهٔالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصراللّه که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.

۴- حجهٔالاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.

۵- حجهٔالاسلام آقای حاج شیخ روح‌اللّه شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.

۶- حجهٔالاسلام آقای حاج نوراللّه شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۱۸ -۲۱۷ /۱)، تذکره القبور (۱۱۹ -۱۱۸)، الذریعه (۵۹/۱۷)، ریحانه (۱۶۸ -۱۶۷ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷۱ -۱۳۷۰ /۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۵ -۴۸۳ /۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴ -۱۷۳ /۴)، معجم المؤلفین (۴۷/۱۱).

شاهچراغ، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سعید شاهچراغ

محل تولد : دامغان

شهرت : شاهچراغی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سید سعید شاهچراغی فرزند حجت الاسلام والمسلمین سید مسیح شاهچراغی در ۱۵ شهریور ۱۳۵۴ در دامغان به دنیا آمده و طی گذراندن دوران تحصیلی مقدماتی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه دماوند شدم . بعد از سه سال به قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتید بزرگواری چون طهماسبی ، آیت الله اعتمادی ، حسینی بوشهری و ... گذراندم.. در درس خارج فقه آیات عظام جوادی آملی (۶ سال) میرزا جواد آقا تبریزی (۱ سال) و آیت الله مومن سال) آیت الله مکارم شرکت نمودم و از درس خارج اصول آیت الله خاتمی (۶سال) و آیت الله وحید خراسانی استفاده نمودم. از فعالیتهای فرهنگی و پژوهشی اینجانب همکاری در تدوین دانشنامه مشاهیر و مفاخر دامغان که در سال ۱۳۸۴توسط بنیاد ریحانه الرسول یزد در دو جلد چاپ شده و نگارش بیش از ۶۰ مطلب تاریخی منتشره در هفته نامه کویر ویژه استان سمنان را می توان اشاره نمود...

شاهرودی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود بن السید علی بن السید عبداللّه حسینی شاهرودی اعلی اللّه مقامه یکی از مشاهیر مراجع تقلید معاصر ما و مفاخر بزرگ شهرستان شاهرود بودند این فقید سعید در سال ۱۳۰۱ قمری در یکی از قراء و مضافات شاهرود بنام قریه (آقا عبداللّه) در یک خانواده پاک و فضیلت به دنیا آمده و دروس ابتدائی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی اسلامی را در شهر بسطام که در آنروز حوزه قابل ملاحظه‌ای داشت فراگرفت.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای ادامه تحصیلات عالی به حوزه علمیه رهسپار شده یک سالی از محضر مرحوم علامه آخوند خراسانی صاحب کفایه و مرحوم آیت‌اللّه محقق نائینی کسب فیض و علم نموده و به زودی در ردیف علماء و مراجع بزرگ قرار گرفت.

نسب شریف آن بزرگوار به حضرت زید بن علی بن الحسین شهید منتهی می‌شود و جد گرامیش آقا سید عبداللّه از علماء موجه و جلیل‌القدر حومه شاهرود و مبلغ سیار آن منطقه بوده که برای ترویج دین و ارشاد مردم به قراء مجاور مسافرت نموده و ارشاد مردم می‌کرد و به زهد و تقوا و صلاح و سداد معروف به کرامت و به مقامات عالیه موصوف بود.

والد مبرورش مرحوم سید علی حسینی از کشاورزان صالح و پرهیزکار و دارای پنج فرزند ذکور بنامهای زیر بوده است.

۱- آیت‌اللّه آقا سید محمود (مترجم معظم ما)

۲- آقا سید صادق که به جود و سخاوت معروف آن منطقه بود

۳- آقا سید عباس

۴- آقا سید حسین

۵- آقا سید حسن

در میان فرزندان مرحوم آقا سید علی تنها آقا سید محمود فارس میدان علم و فضائل و قهرمان قدس و ورع و زهد و تقوا گردید تا به ذروه علیای آیت‌اللهی رسید.

آیت‌اللّه شاهرودی در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق والده ماجده‌اش و میل ذاتی خود اولیات را در قریه (آقا عبداللّه) زادگاه خود خوانده و بعد به شهر بسطام که آن روز حوزه علمیه‌اش دائر بود آمده و مقدمات و سطوح را خوانده و از آنجا به مشهد مقدس عزیمت نموده و سطوح عالی را به پایان رسانیده و خود در آنجا به تدریس (کفایهٔالاصول) پرداخته.

و در سال ۱۳۲۸ قمری برای وصول به مقامات عالیه و تحکیم مبانی علمی خود به عزم نجف اشرف به زادگاه خود آمده و با کسب اجازه از والده کریمه‌اش در سن ۲۷ سالگی مهاجرت به عراق و به باب مدینه علم رحل اقامت افکنده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند ملا کاظم خراسانی حاضر و مدت ۱۸ ماه از آن منبع علم استفاده نموده.

و بعد به درس مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق آقا میرزا حسین نائینی شرکت نموده و بیشتر به مرحوم نائینی اختصاص یافته و تقریرات هر دو را در فقه و اصول به رشته تحریر آورده.

و ضمناً خود حوزه تدریس رسائل و مکاسب و کفایه دائر و جمع کثیری از فضلاء و محصلین از درسش بهره‌مند تا اواخر مرحوم استادش نائینی که تشکیل درس خارج داده و حدود پنجاه سال تدریس خارج فقه و اصول نموده و هر کدام را چند دوره فرموده تا شهرت علم و ورعش به گوش شیعیان جهان رسیده.

بعد از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی اصفهانی بسیاری از مردم ایران و بلاد دیگر رجوع به معظم له نموده و پس از فوت مرحوم

آیت‌اللّه العظمی بروجردی اکثر مردم خراسان و مازندران و قاطبه مردم شاهرود و دامغان و کثیری از خواص مردم تهران و افغانستان و مناطق عربی مقلد ایشان گردیدند.

تا در ۱۸ ماه شعبان ۱۳۹۴ قمری که در سن ۹۳ سالگی در اثر ناراحتیها و اهانتهائی که از طرف دولت شوم بعث عراق به آن مجسمه علم و تقوا و پیکره زهد و ورع رسید از دنیا رفت و جهان شیعه را به مرگ و سوک خود قرین ماتم و عزا نمود

خدمات و آثار خالده آیت‌اللّه شاهرودی.

خدمات مغفور له به حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف و سایر حوزه‌های خراسان و شاهرود و... از دادن راتبه و شهریه و تقویتهای دیگر بسیار شمه‌ای از آن را استاد اشکوری در کتاب (حیاهٔ امام الشاهرودی) مذکور داشته است.

و اما آثار خالده آنجناب بر دو قسم است.

۱- تألیفات رشیقه در فقه و اصول بدین طریق.

۱- تقریرات بحث آیت‌اللّه الشیخ ضیاءالدین عراقی.

۲- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در اصول.

۳- تقریرات بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نائینی در فقه.

۴- کتاب طهارهٔ ۵- رساله تیمم ۶- رساله وضوء ۷- رساله‌ای در وقت.

۸- رساله در لباس مصلی ۹- رساله در قواطع نماز ۱۰- رساله در صلوهٔ مسافر.

۱۱- کتاب خمس ۱۲- کتاب الحج ۱۳- رساله‌ای در مواریث ۱۴- کتابی در زکاهٔ ۱۵- تعریف علم اصول فقه ۱۶- کتاب قضاء ۱۷- رساله‌ای در ضمان ۱۸- رساله‌ای در قطع ۱۹- رساله‌ای در قاعده ید ۲۰- رساله‌ای در قاعده لاضرر ۲۱- کتاب رجال ۲۲- کتاب فی النحو.

و حواشی دیگری بر کتب علمیه و رسائل علمیه عروهٔالوثقی و وسیلهٔالنجاهٔ و غیره.

و اما قسم دوم از آثار خالده و باقیات الصالحات معظم له سه فرزند دانشمند و برومند ایشانست.

(۱۳۹۴ -۱۳۰۱ ق)، مخرجع تقلید شیعه و فقیه اصولی. در آقا عبداللّه از دهات شاهرود به دنیا آمد. در اوان کودکی پدر را از دست داد ولی با تشویق مادرش به تحصیل روی آورد. دروس ابتدایی و مقدمات علوم دینی و سطوح عالی را در شهر بسطام فراگرفت. سپس به مشهد رفت و سطوح عالی را در آنجا آموخت و خود را به تدریس «کفایه» پرداخت. در ۱۳۲۸ ق برای تکمیل تحصلات عالی به حوزه‌ی علمیه نجف رهسپار شد و از محضر علامه آخوند خراسانی، صاحب «کفایه» کسب فیض کرد. پس از آن در درس آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه محقق نایینی شرکت نمود و بیشتر به آیت‌اللّه نایینی اختصاص یافت و «تقریرات» هر دو را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. ضمنا خود نیز حوزه‌ی تدریس «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» دایر کرد و جمع کثیری از فضلا و محصلین از درسش بهره‌مند شدند. پس از درگذشت آیت‌اللّه اصفهانی، بسیاری از مردم ایران و شهرهای دیگر و پس از درگذشت آیت‌اللّه بروجردی، اکثر مردم خراسان و مازندران و شاهرود و دیگر شهرها مقلد ایشان شدند. از آثارش: «تقریرات» آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی؛ «تقریرات» بحث آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی، در اصول و فقه؛ کتاب «طهاره»؛ رساله‌ی «تیمم»؛ رساله‌ی «وضو»؛ رساله‌ای در «وقت»؛ رساله‌ای در «قواطع نماز»؛ کتاب «الحج» کتاب «خمس»؛ کتابی در «زکاه»؛ کتاب «قضاء»؛ تعریف علم اصول فقه؛ کتاب «رجال»؛ کتابی در «نحو»؛ رساله‌ای در «قاعده لاضرر»؛ رساله‌ای در «مواریث»؛ رساله‌ای در «قاعده‌ی ید»؛ رساله‌ای در «قطع»؛ «جامع المقاصد»؛ «ذخیره المومنین»؛ رساله‌ی «توضیح المسائل».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶۹ -۳۶۴/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱ -۴۰/ ۶)، مستدرکات اعیان (۲۱۹/ ۱).

شایعی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شایعی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۵۸دیپلم گرفتم بلافاصله وارد دانشگاه شدم (رشته ریاضی دانشگاه تربیت معلم تهران) به علت تعطیلی دانشگاهها جهت تحصیل علوم حوزوی به دلیل علاقه ای که داشتم سال ۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوران مقدمات سطح عالی را در طی چهار سال گذراندم؛ به این صورت که مقدمات و ادبیات عرب و منطق مظفر را در طی یکسال تحصیلی نزد بعضی از طلاب فاضل خراسانی گذرانیدم و سال دوم لمعتین و معالم و اصول فقه مرحوم مظفر را و سال سوم و چهارم رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب و کفایه را نزد مرحوم آقای ستوده ودرسال ۶۳در درس خارج آقای وحید شرکت کردم اصول پنج سال و فقه یکسال و درس کتاب شریف رسائل شیعه را نزد (شامل فقه الحدیث مباحث رجالی و درایه)استاد بزرگوار جناب حاج سید احمد مددی در همان سال ۱۳۶۳آغاز کردم و بعدا در درس خارج فقه ایشان شرکت کردم و عمده فقه را با ایشان گذراندم همچنین از درس فقه مرحوم آقای حرم پناهی رضوان الله تعالی علیه نیز استفاده کردم و از ایشان اجازه اجتهاد گرفتم .

در سال ۶۸ وارد دانشگاه مفید قم رشته اقتصاد شدم و دو سال بعد انصراف دادم و مشغول کارهای حوزوی تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۷۵با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری کردم و تا به حال ادامه دادم در این موسسه ابتدا کتاب واجبات الصلاه مرحوم آقا مصطفی خمینی (ره) را تحقیق کردم و بعد از آن مسئولیت علمی آثار فقهی و اصولی حضرت امام به این حقیر داده شد و نیز مسئولیت علمی چاپ آثار مرحوم مصطفی خمینی را نیز ه عهده گرفتم و آثار ایشان و حضرت امام خمینی از سال ۷۵ تا تقریباً ۸۰ به چاپ رساندیم و الان برای چاپ مجدد آثار امام تحت عنوان مجموعه آثار امام خمینی بعنوان مشاور علمی و ناظر علمی در خدمت این موسسه می باشد

در ضمن به تدریس فقه و اصول در مدرسه علمیه معصومیه تقریباً از سال ۸۱ تا زمان حاضر مشغول می باشم سال ۷۹و ۸۰ را نیز در پژوهشگاه امام خمینی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به تدریس اصول در رشته کارشناسی ارشد فقه و حقوق اشتغال داشتم.

شب زنده دار، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی شب‌زنده‌دار

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام‌والمسلمین مهدی شب‌زنده‌دار در سال ۱۳۳۲ در داراب متولد شد؛ البته او بزرگ شده شهر قم است و پدرش که در کسوت مقدس روحانیت بود، در تابستان به همراه خانواده به داراب سفر کرده بود که فرزندش در همان جا متولد شد.حجۀالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار تحصیلات دورهٔ دبستان را به پایان رساند و یک سال نیز به دبیرستان رفت. پس از آن وارد حوزهٔ علمیه قم شد. او که قسمتی از دروس مقدمات و دورهٔ سطح را نزد پدر خود آیۀالله شیخ حسین شب‌زنده‌دار خوانده بود، مغنی را نزد آیۀالله جنتی، رسائل را نزد حضرات آیات مصلحی، طاهری و مؤمن آموخت و برای فراگیری مکاسب به نزد حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مؤمن، مشکینی و ستوده رفت. استادان او در کفایه حضرات آیات مؤمن و سبحانی بودند. حجۀالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار کشف المراد را نزد آیۀالله حسینی کاشانی، بخشی از شرح منظومه را نزد حضرات آیات مؤمن، مفتح و صالحی مازندرانی و بخش‌هایی از اسفار رانزد آیۀالله سید رضا صدر، آیۀالله امینی و آیۀالله انصاری شیرازی فرا گرفت. قسمتی از شفا را نزد آیۀالله جوادی آملی و بخشی از اشارات را نزد آیۀالله حسن‌زاده آملی آموخت.حجۀالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج آیات عظام شیخ کاظم تبریزی، شیخ مرتضی حائری، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی رفت و از محضر آنان بهره‌های بسیار برد. حجۀالاسلام‌والمسلمین شب‌زنده‌دار سالها به تدریس دروس دوره سطح پرداخته و شرحی نیز بر قسمتی از تحریرالوسیله نگاشته است. او مدیر مؤسسه و مدرسه بقیۀالله(عج) است. حجۀالاسلام والمسلمین شب‌زنده‌دار هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و علاوه بر عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نمایندگی شورای عالی در هیأت امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس خارج از کشور و نیز عضویت در مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان را به عهده دارد.

شرابیانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۲ -۱۲۵۴ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرابیانی. در شرابیان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود ۱۲۷۲ ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌اللّٰه کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول

استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (۲۲۳/۷)، اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۳۸۵/۴)، ریحانه (۱۸۴/۳)، شرح حال رجال (۲۰۰/۵)، علماء معاصرین (۸۰ -۷۶)، الکنی و الالقاب (۳۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵ -۶۶۴ /۵)، معجم المؤلفین (۱۲۹/۱۱)، مکارم الآثار (۱۲۵۸- ۱۲۵۶ /۴).

شرعی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شرعی

محل تولد : داراب فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله حاج شیخ محمد علی شرعی در اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در داراب فارس دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بخاطر تقوی و عشق و علاقه به اهل بیت (علیهم السلام) از محبوبیت خاصی در میان اهالی داراب برخوردار بود. پدرش مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین شرعی شیرازی که از علمای بزرگ و مبارز آن نواحی محسوب می‌شد تحصیلات خود را در نجف ادامه داده بود و پس از بازگشت به ایران ابتدا در داراب و بعد از چندی در قم ساکن گردید. مرحوم آیةالله حاج شیخ غلامحسین در قم نیز از اهتمام به تحصیل باز نماند و از محضر اساتیدی همچون آیات عظام مرحوم خوانساری، مرحوم صدر و مرحوم بروجردی بهره فراوان برد و تا پایان عمر به تدریس علوم حوزوی اشتغال داشت. عشق و علاقه این بزرگمرد به اهل البیت (علیهم السلام) بویژه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) زبانزد خاص و عام بود و در مصائب آن حضرت بسیار بی تابی می‌نمود بگونه‌ای که صفحات جلد دهم کتاب بحارالانوار که در باره حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است با قطرات اشک ایشان درآمیخته است.
از وی چند مرثیه و منقبت به زبان فارسی و عربی بر جای مانده است. حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در دامان چنین پدری پرورش یافت و در نخستین ماههای زندگی به همراه پدر در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و همزمان با فشار و اختناق حکومت رضاخان از داراب به قم آمدند. آیةالله حاج شیخ محمدعلی شرعی در پنج سالگی شروع به آموختن قرآن نمود و پس از آن گلستان سعدی و بخشی از کلیله و دمنه را نزد مرحوم حاج شیخ علی انصاری «دشتی» فرا گرفت سپس شرح امثله و صرف میر را نزد مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمود یثربی آموخت.
با تشویق و ترغیب پدر دانشور خود تمام نصاب الصبیان و تهذیب المنطق را حفظ نمود و عموم مطالب صمدیه و الفیه را نیز به خاطر سپرد سپس سیوطی را نزد حاج شیخ احمد زرندی و حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی فرا گرفت و بخشی از مغنی را نزد آقای ربانی خراسانی که از شاگردان مبرز مرحوم ادیب نیشابوری بود و معانی و بیان را از حاج شیخ رحمةالله فشارکی آموخت. علاقهٔ به ادبیات بویژه درک دقیق و درست از شعر و کاربرد آن در نشر مفاهیم مذهبی و اخلاقی موجب گرایش و بزرگداشت وی از هنر

منظوم متعهـد گردیـد و در این رویکرد که تـا هم اکنون باقی است بایـد تأثیر قریحـهٔ ادبی و علاقه و توجه پـدر وی ـ مرحوم آیـهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ را به شعر و فنون ادبی موثر دانست و لذا در تابستان برخی از سالها که به مشهد مقدس می‌رفت و از محضـر علمی و ادبی زنده یاد مرحوم ادیب نیشابوری بهره می‌برد. آیهٔالله حاج شیخ محمدعلی شرعی شرح لمعه را نزد آیهٔالله ستوده و آیـهٔالله شب زنـده‌دار و بخشـی از آن را نزد پـدر خود فرا گرفت وی چندی نیز آداب و فنون مناظره را به شـیوه متکلمان در معیت آیـهٔالله طاهری خرم آبادی و حجهٔالاسـلام شـهید حق دان و حجهٔالاسـلام مرعشـی از محضـر آیـهٔالله شب زنده‌دار آموخت و پس از فراگیری شرح تجرید از آیهٔالله شیخ ابوالحسن شیرازی، از درس آیهٔالله تقدیری برای آموختن شرح منظومه استفاده نمود.

سپس قسـمتی از رسائـل و مکـاسب را از محضـر آیـهٔالله مشـکینی و بخشـی از کفـایه را نزد آیـهٔالله منتظری و بیشـتر آن را از آیـهٔالله سلطـانی و آیـهٔالله حرم پنـاهی آموخت. بـا اتمـام این دوره در درس خارج حضـرت امام خمینی (قـدس سـره) حضور یافت و مسائل مسـتحدثه را از محضر ایشان فرا گرفت و همزمان در درس آیات عظام گلپایگانی و شریعتمداری و حاج شیخ کاظم فاروبی شرکت می‌نمود. ایشان در طی سالهای تحصـیلی خود با بسـیاری از شخصـیت‌های علمی و سیاسـی مراوده و دوستی داشـتند که از آن جمله می‌توان به حضـرات آیات احمدی میانجی، سـیدمهدی روحانی، راستی کاشانی، مظاهری اصـفهانی، عندلیب شـیرازی، شـیخ حسین امراللهی و مرحوم آیهٔالله صدرالدین حائری شیرازی و برادر ایشان آیهٔالله محی الدین و نیز آیهٔالله مجدالدین محلاتی اشاره کرد.

دامنهٔ ارتباطات مردمی آیهٔالله شرعی تا اقصی نقاط کشور گسترده است. ایشان با بسیاری از تجار متدین، کارمندان شریف و جوانان فعال و حق طلب از هر قشـر و طبقه‌ای ارتباط فکری و عقیـدتی داشت که غالباً به صـمیمیت وی و ارادت آنها منتهی می‌گردیـد. در این راه و روش به عنوان عـالمی روحـانی و مبـارزی پرتلاـش علیه نظـام منحوس پهلوی بـا عـده کثیری از علمای بزرگ شهرسـتانها ارتباط و آشـنایی پیدا نمود همچنان که رشـته مودّت میان وی و عموم دوستان پدرش ـ مرحوم آیهٔالله حاج شیخ غلامحسین شرعی ـ برقرار ماند که از آن جمله می‌توان به دوستی و مراودهٔ وی با آیهٔالله حاج شیخ محمدرضا کاظمی در کرمانشاه و آیهٔالله سیداسماعیل هاشمی در اصفهان اشاره نمود.

حضـرت آیـهٔالله حـاج شـیخ محمـدعلی شـرعی از معـدود دانشوران حوزوی است که عمر بـا برکت وی در نشـر و گسترش معارف خانـدان عصـمت و طهـارت : و ارائه خـدمات گونـاگون فرهنگی، علمی، سیاسـی و اجتمـاعی و تربیتی سپری شـده است که در این قسـمت به برخی از تلاشـهای علمی و فرهنگی این روحانی خسـتگی‌ناپذیر اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت. وی تدریس علوم حوزوی را از اولین سالهای طلبگی خود آغاز نمود و در این راه از تدریس هیچ درسـی اسـتنکاف نورزید. سیوطی، مغنی، حاشیه ملاعبدالله، لمعه، معالم الاصول و اصول مظفر و... را به شیوهٔ علمای سلف صالح تدریس نمود و برای تربیت شاگردان و طلبه‌های فاضل، مبارز، بـا اخلاق ازانجام هیـچ تلاشـی رویگردان نبود. وی به خوبی می‌دانست که نیروی انسانی در هر جامعه‌ای برترین و مهمترین سـرمایهٔ ارتقـا و اعتلاـی آن است بنـابراین تمـام تلاـش خویش را برای فراهم نمودن شـرایط مساعـد تربیت بکـار گرفت و پس از بازسـازی مدرسهٔ رضویه با پیشـنهاد شـهید آیهٔالله قدوسـی به اداره آن همت گماشت تا گوشه‌ای از نابسامانی‌های آموزشی و درسی طلاب را سامان دهد. از جمله فعالیت‌های ایشان در مدرسه رضویه افزون بر ارائه یک سیسـتم منظم آموزشـی، برگزاری سلسله جلسات علمی و اعتقادی بود. آیهٔالله شـرعی پس از آشـنایی با مرحوم شـهید مطهری در زندان ساواک به همراه تنی چند از فضلای حوزه توانست مقدمات حضور و تدریس ایشان را در قم و در مدرسه رضویه فراهم آورد.

سلسله دروس اعتقادی و فلسفی شهید مطهری دو روز در هفته برگزار می‌گردید. این درسها که با استقبال کم نظیر طلاب قم مواجه می‌شـد پاورقی‌هـای جلـد چهارم و پنجم کتاب «روش رئالیسم» را تشـکیل می‌دهـد. آیـهٔالله شـرعی با توجه به لزوم ایجاد تشـکیلات منسـجم در حوزه‌های علمیه برای ارتقای وضعیت علمی و آموزشی طلاب و فراهم نمودن زمینه‌های لازم در مبارزه با رژیم طاغوت، مدیریت مدرسه رضویه را بر عهده گرفت و سالهای متمادی در آنجا به کار و تلاش پرداخت. در آن ایام جریانهای انحرافی وابسته

به سیاستهای فرهنگی غرب و وهابیت قصد داشت با نفوذ به حوزه‌های علمیه اذهان طلاب جوان را منحرف سازد تا بتواند از آنها در مقاصد گوناگون استفاده نماید.

این جریانها توسط برخی روحانی نمایان در مدرسه رضویه رخنه کرده بود. آیهٔالله شرعی با هوشیاری و اشراف کامل، به مبارزه غیر علنی با آنها پرداخت و با بر پایی جلسات مناظره از فضلایی همچون آیهٔالله مصباح یزدی و حجج اسلام حاج شیخ محمدرضا آشتیانی و حاج شیخ جعفر امامی استفاده نمود تا شبهات ایجاد شده را پاسخ گویند. این جلسات به قدری مفید و جذاب بود که تحسین بسیاری از اساتید حوزه را برانگیخت. آیهٔالله شرعی پس از رفع شبهات از اذهان طلاب جوان به طرد و تصفیه عناصر التقاطی همت گماشت و مدرسه رضویه را از این بلیّه رهایی بخشید. در بررسی خدمات گوناگون آیهٔالله شرعی باید مجموعهٔ آنها را در دو دورهٔ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داد. اعتقاد راسخ وی به حقانیت مکتب اهل البیت (علیهم السلام) و پیروزی حق بر باطل در فرجام امور، رویکردی آینده شناسانه را به وی ارزانی داشته که براساس آن به بسیج تمامی نیروها و امکانات جامعه برای اعتلای کلمهٔ حق و امحاء باطل کوشیده است و در راه تحقق آرمانهای الهی و حفظ و گسترش ارزشهای دینی به انجام هر گونه خدمت و قبول هر رنج و مصیبتی دل می‌سپارد.

زندانی شدن در زندانهای ساواک، تلاش در هماهنگ سازی نیروهای طرفدار حق، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای آحاد مردم، تشویق و ترغیب قشرهای گوناگون به دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی، شهادت فرزندش حجهٔالاسلام شهید محمدتقی شرعی در جبهه‌های جنگ تحمیلی و... مجموعه‌ای از عملکردهای باورمند وی را نشان می‌دهد. بارزترین ویژگی آیهٔالله شرعی را باید در امیدواری و امیدبخشی نسبت به تحقق وعده‌های الهی دانست و ظلم ستیزی وی را نیز همدوش آن دید. آیهٔالله حاج شیخ محمد علی شرعی را می‌توان یکی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر دانست. جمع‌آوری مجموعه‌ای از خاطرات این دانشی مردنستوه می‌تواند بسیاری از زوایای سیاسی و اجتماعی دیروز و امروز ایران اسلامی را آشکار سازد. مبارزه مداوم وی بر علیه نظام طاغوت موجب شد تا در عاشورای سال ۱۳۴۲ که برای تبلیغ به مشهد اردهال رفته بود توسط ژاندارمری دستگیر و برای بازجویی به نراق منتقل گردد.

پس از چندی وی را در ساواک قم مورد بازجویی قرار دادند. سپس به پادگان عشرت‌آباد فرستادند و چندی او را در زندان انفرادی نگه داشتند. پس از انتقال به بند عمومی زندان از محضر عالمان مبارزی چون آیهٔالله بهاءالدین محلاتی، آیهٔالله خادمی اصفهانی، آیهٔالله قاضی تبریزی و... استفاده‌های فکری و معنوی نمود. آیهٔالله شرعی از زندان پادگان عشرت آباد به زندان شهربانی تهران منتقل گردید. در ایام پانزدهم خرداد این زندان محل بازداشت اهل منبر و وعاظ معروفی همچون حضرات آیات شهید مطهری، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی وآیهٔالله مکارم شیرازی و... بود.

آشنایی آیهٔالله شرعی در این زندان با شهید مطهری ثمرات بسیاری برای نهضت و مردم را در پی داشت. وی در این ایام با برخی از دوستان خود روزنامهٔ «انتقام» و «بعثت» را چاپ و منتشر می‌نمود که ماهیتی سیاسی داشت و مسائل مهم آن روزها را تحلیل می‌کرد تا حوزه و روحانیت را از آنچه در اطرافشان رخ می‌داد آگاه نماید. در ادامه اینگونه فعالیتهای سیاسی بود که آیهٔالله شرعی توانست با تهیه یک دستگاه چاپ و تکثیر، سخنرانیهای مرحوم امام (قدس سره) را در میان افراد انقلابی منتشر سازد که یکی از شاخص‌ترین این موارد چاپ و نشر سخنرانی مشهور حضرت امام (قدس سره) در پانزدهم خرداد سال ۴۲ می‌باشد. پس از موضع‌گیری صریح امام (قدس سره) در برابر کاپیتولاسیون، آیهٔالله شرعی با همکاری حجهٔالاسلام سیدمحمود دعایی اعلامیه آن مرجع نستوه را در اندک زمانی چاپ کرد و در کمترین زمان ممکن به صورت هماهنگ در سراسر کشور توزیع نمود. پی‌گیری ساواک برای جستن عاملان این حرکت انقلابی منجر به بازداشت آیهٔالله شرعی و جمعی از فضلا گردید.

وی را ابتدا به زندان قزل قلعه و سپس به زندان قصر منتقل نمودند. در گیرودار همین دستگیری بود که مأموران ساواک به

سرکردگی جلاد معروف آن یعنی سرهنگ ازغندی به خانهٔ آیهٔالله شرعی یورش بردند. جلاد ساواک قصد ورود به اطاقی را داشت که زنان خانواده در آن حضور داشتند و می‌کوشیدند تا اسناد مربوط به روحانیون مبارز را برای مصون ماندن از این هجوم ناگهانی به منزل همسایگان منتقل نمایند. سرهنگ ازغندی که قصد داشت با ایجاد ارعاب وارد اطاق شود با فریاد و سیلی خشم آهنگ آیهٔالله شرعی روبرو شد. همین ابراز شجاعت موجب شد تا فرصت کافی برای پنهان سازی اسناد انقلابی فراهم آید. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در سالها بعد می‌گفت: من شجاعت و شهامت را از آن سیلی که پدرم در حال اسارت به جلاد ساواک نواخت، آموختم. آیهٔالله شرعی در ایام هجرت حضرت امام (قدس سره) به نجف اشرف به سوریه رفت تا از آنجا به عراق برود و به دیدار امام (قدس سره) نائل شود.

هدف وی از این سفر پرسش از امام (قدس سره) در باره شرکت در انتخابات و چگونگی برخورد با این موضوع در ایران بود. وی که نتوانسته بود ویزای عراق را تحصیل نماید پرسش‌های خود را در سوریه در یک نوار ضبط نموده و آن را به همراه نامه‌ای که با همفکری آیهٔالله سیدمنیرالدین حسینی در قم تهیه و برای انتقال به سوریه در یک دستگاه رادیو جاسازی شده بود توسط آقای علی جنتی فرزند آیهٔالله جنتی به دست امام (قدس سره) در عراق رسانید و پس از مدتی کوتاه پاسخ امام (قدس سره) را مبنی بر تحریم انتخابات دریافت نمود. آیهٔالله شرعی با شروع سلسله دروس ولایت فقیه توسط مرحوم امام (قدس سره) در نجف، مجموعهٔ نوارهای این دروس را پس از انتقال به قم با جمعی از دوستان مورد مطالعه و مباحثه قرار داده آن را منتشر ساختند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و هجرت امام (قدس سره) از نجف به پاریس ارتباط تلفنی وی با امام (قدس سره) برقرار گردید و ایشان مطالب و نقطه نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به وسیله یک شبکه گسترده و سرّی به کلیه علما و فضلای مبارز در سراسر کشور منتقل می‌نمودند.

وی در هماهنگ سازی علمای بزرگ شهرستانها با نهضت اسلامی تلاش مضاعفی را بکار بردند که از آن جمله می‌توان به ملاقاتهای ایشان با آیهٔالله ارباب در اصفهان اشاره نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام تلاش آیهٔالله شرعی این مبارز خستگی‌ناپذیر به حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب اسلامی معطوف گردید و در مسؤولیت‌های گوناگون تصویر روشنی از فراست و شهامت و تلاش خداجویانه روحانیت حق طلب شیعی را به منصه ظهور رساند که در پی به برخی از آن خدمات اشاره می‌شود: الف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ستاد انقلاب اسلامی در قم ایجاد گردید که فرامین حضرت امام (قدس سره) را در رفع معضلات و مشکلات کشورابلاغ و پیگیری می‌نمود.

آیهٔالله شرعی با قبول ریاست این ستاد در روزهای بحرانی آغاز پیروزی، با همکاری آیهٔالله شیخ محمد یزدی به رفع مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور و دفع غائله‌های سیاسی از جمله در گنبد و کردستان همت گماشت. زنده یاد شهید چمران با حمایت همین ستاد مردمی و انقلابی آشوب کردستان را سامان بخشید و نیروهای اعزامی از جوانان غیور قم نیز غائله گنبد را پایان دادند آیهٔالله شرعی در این ستاد نمایندگانی را برای نظارت و تقویت عملکرد قوه قضائیه گسیل داشت و با صدور بیش از ۱۳ هزار حکم به عنوان بازوی اجرائی حضرت امام (قدس سره) در سراسر کشور عمل نمود. ب: عده‌ای از مدرسین و فضلای حوزه علمیه قم در دوران استیلای رژیم طاغوت با هدف حمایت از مواضع سیاسی حضرت امام خمینی (قدس سره) و نشر افکار و آثار آن قائد بزرگ به تأسیس جامعه مدرسین همت گماشتند. آیهٔالله شرعی در اولین سالهای تأسیس جامعه مدرسین به پیشنهاد و درخواست آیهٔالله ربانی شیرازی به عضویت آن درآمدند و در تمام فعالیت‌های سیاسی آن فعالانه شرکت داشتند. آیهٔالله شرعی تا هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین می‌باشند. ج: با شروع جنگ تحمیلی ایشان تمام توان و تلاش خویش را به تقویت جبهه‌های نبرد معطوف نمود و در تهیه تجهیزات انفرادی و جمعی برای رزمندگان و ارسال آنها به خطوط مقدم صمیمانه کوشید. فرزند ارشد وی حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی که از چهره‌های بسیار با استعداد و موفق حوزوی محسوب می‌شدند و از اوان نوجوانی در فعالیت‌های

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پدر خویش شرکت مؤثر داشتند در روز میلاد حضرت امام محمدتقی (ع) به فیض شهادت نائل آمدند.

حضرت آیةالله شرعی این داغ جانگداز را تحت‌الشعاع جشن شادی میلاد با سعادت حضرت جوادالائمه (ع) قرار دادند و در آن سال و هر سال جشن میلاد نهمین پیشوای معصوم (ع) را با شکوه خاصی برگزار نمودند بی گمان یکی از برازنده‌ترین القاب برای این عالم مجاهد عنوان «ابوالشهید» است و از همین حرکت عاشقانه و عالمانه میزان ارادت و اخلاص وی را به ساحت مقدس ائمه هدی (علیهم السلام) به خوبی می‌تواند دریافت. د: حضرت آیةالله شرعی برای دو دوره به عنوان نماینده مردم قم به مجلس شورای اسلامی راه یافتند. در دوره اول از اعضای کمیسیون دفاع مجلس بودند و در طی آن دوره با همکاری دیگر اعضای کمیسیون، اساسنامهٔ ارتش و سپاه را تدارک دیدند. در این دوره است که ایشان سعی بلیغی را برای حفظ و ارتقای جایگاه ولایت فقیه در اساسنامه‌های نیروهای مسلح بکار بردند و به این مهم توفیق یافتند. در دورهٔ دوم نمایندگی، وی به عضویت در کمیسیون اصل ۹۰ پیوست و ۲۳ هزار پروندهٔ راکد و جاری را در طی این دوره به فرجام رساند.

تغییر اساسنامهٔ کمیسیون اصل ۹۰ و اقتدار بخشیدن به این کمیسیون همراه با ساماندهی سیستم بایگانی و اداری آن از دیگر خدمات ماندگار ایشان محسوب می‌شود. حضرت آیةالله شرعی با توجه به توانایی و استعداد زنان در کسب علوم حوزوی و لزوم آموزش علمی و دینی برای آنان و نیز ارائه الگوی عینی در این امر، در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تأسیس مدرسه‌ای جهت آموزش حوزوی دختران دست یازیدند که این تلاش به رغم کارشکنی‌های رژیم طاغوت و بی اعتنایی برخی از علمای آن عصر با مساعدت و همکاری شهید آیةالله قدوسی به نتایج موفقیت‌آمیز رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (قدس سره) هیأت موسسی را برای تشکیل حوزهٔ علمیه خواهران تعیین فرمودند که حضرات آیات و حجج اسلام مشکینی ، فاضل، موسوی اردبیلی، جنتی، شرعی ، توسلی و شیخ حسن صانعی از زمرهٔ اعضای آن هیأت بودند. در این دوره تلاش آیةالله شرعی با پشتوانهٔ تجارب قبل از پیروی انقلاب و همفکری دیگر اعضای هیأت موسس به ایجاد جامعةالزهرا(س) انجامید.

همچنانکه کوشش پیگیر وی موجب ایجاد وحدت رویه و نظارت کامل شورای عالی حوزه علمیه بر حوزه‌های علمیه خواهران شد. و: حضرت آیةالله شرعی برای بی نیاز کردن جامعه زنان در مراجعه به پزشکان مرد و نیز ایجاد الگوی عینی در آموزش علوم پزشکی برای بانوان به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم مبادرت نمودند. ایجاد این دانشگاه نتایج گوناگونی را در پی داشت که از آن جمله می‌توان با جذب تخصص‌های پزشکی در قم، فارغ التحصیل شدن بیش از پانصد پزشک زن در تخصصهای گوناگون، ایجاد دانشگاهی تخصصی ویژهٔ بانوان به عنوان ایجاد نمونه عینی و تحقق امکان پذیری نظام آموزشی همگن اشاره نمود. ز: با مراجعت حضرت امام (قدس سره) به قم و ازدهام هر روزهٔ هزاران نفر از اقصی نقاط کشور، برای زیارت آن رهبر بزرگ در اطراف منزل ایشان، لزوم ایجاد مرکز و مکانی جهت پذیرایی و رفاه این زائرین، حضرت آیةالله شرعی را بر آن داشت تا به ایجاد فضایی مناسب برای اسکان و پذیرایی مردم اقدام نماید. به همین منظور با همکاری حجةالاسلام والمسلمین حاج سیدرضا برقعی «از مؤلفان کتب درسی آموزش و پرورش» به خریدن و مهیا نمودن زمین وسیعی با تأسیس امکانات رفاهی مبادرت ورزید. امکانات و اماکن فراهم آمده را که با گذشت زمان وسعت می‌یافت بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق (ع) نامید و به تهیه اساسنامه و تعیین هیأت امناء برای آن اقدام نمود.

این مؤسسه آموزشی و رفاهی تا هم اکنون در تهران، قم، مشهد و تنکابن منشأ خدمات فراوانی شده است. ح: مدرسه عالی قضایی قم که پس از چند سال به دانشگاه قم تبدیل گردید و با همت و پایمردی رجل علمی و دینی ایجاد شده بود با توجه به سوابق خدمات فرهنگی و تأثیرگذاری حضرت آیةالله شرعی درگسترش مراکز علمی و دینی، ایشان از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان یکی را از اعضای هیأت امنای این دانشگاه انتخاب شده و در طی ۴ سال از راهبردها و تجربه‌ها و تلاشهای مؤثر وی

بهره‌مند گردیدند. ط: اوایل پیروزی انقلاب اسلامی برخی از خیرین با مساعدت و همکاری آیهٔالله سیدعلی محقق برای تهیه مسکن جهت طلاب علوم دینی به تأسیس شهرک مهدیه اقدام نمودند. شورایعالی مدیریت حوزه‌های علمیه هیأت امنایی را از بازاریان متدین و روحانیون دلسوخته برای ایجاد این شهرک تعیین نمود که حضرت آیهٔالله شرعی از آن جمله می‌باشد این شهرک هم اکنون با بیش از هزار واحد مسکونی پذیرای طلاب ایرانی و خارجی است تا در دوران تحصیل با آرامش خاطر به کسب علوم دینی بپردازند. شهرک مهدیه با همت و تلاش هیأت امناء و پیگیری مداوم حجهٔالاسلام والمسلمین شیخ مهدی صباحی گسترش روز افزون داشته هم اینک دو هزار و هفتصد واحد مسکونی دیگر به همراه مراکز فرهنگی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در حال ساخت است. ی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نماز جمعهٔ قم در مسجد امام اقامه می‌گردید و پس از پیروزی و توجه روز افزون آحاد مردم به شرکت در این عبادت سیاسی، اقامهٔ نماز جمعه در حرم مطهر حضرت معصومه (س) و سپس در دبیرستان امام صادق(ع) انجام می‌پذیرفت.

لزوم ایجاد مصلای وسیعی برای اقامه این نماز عبادی و سیاسی حضرت آیهٔالله شرعی را بر آن داشت تا با همکاری و تلاش آقایان حاج حسن صبوری و حاج ابوالفضل عباسی به ایجاد مصلای بزرگ قم اقدام نماید. ایشان هم اکنون از اعضای هیأت امنای ستاد اقامه نماز جمعه قم می‌باشند. ک: جمعیت مبارزه با فقر که با نظارت آیهٔالله حاج شیخ مرتضی حائری در قم تأسیس گردیده بود و آیت الله موسوی همدانی و آقای سید محمود طباطبایی از اعضای بسیار فعال آن بودند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به وضع معیشتی فقرا و ایتام کمکهای شایانی می‌نمود. حضرت آیهٔالله شرعی که از اوایل تأسیس این جمعیت به همکاری با آن پرداخته بود و با سخنرانی‌های پرشور خویش آحاد مردم و خیرین را به یاری رساندن این جمعیت تشویق و ترغیب می‌کردند از آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری و سید محمود طباطبائی خواستند تا برای ایتام ویژگی خاصی را قائل شوند.

این پیشنهاد مورد قبول مؤسسین واقع گردید و در اولین قدم زیر نظر مرحوم آیهٔالله حائری به انتشار قبض‌هایی مبادرت نمودند که به جلب حمایت‌های مردمی برای ایتام اختصاص داشت. پس از آن، جمعیت سرپرستی ایتام قم توسط آقای زاهدی به تأسیس مدرسه‌ای برای ایتام اقدام نمود حضرت آیهٔالله شرعی که از اعضای هیأت امنای این جمعیت می‌باشند در جلب نظر شخصیت‌های علمی و دینی و مشارکت خیرین برای ساماندهی اوضاع معیشتی و تربیتی ایتام تلاش وافری را به منصه ظهور رسانده‌اند. ل: در اوایل جنگ جمعی از جوانان پرشور قم به تأسیس هیأتی برای عزاداری سالار شهیدان با عنوان حسینیه شهدا اقدام نمودند. این گروه با برپایی چادری در فضایی باز به انجام مراسم عاشورا مبادرت کردند. این حسینیه با حضور و مشارکت آیهٔالله شرعی و جمعی از جوانان پرشور و انقلابی و همکاری مداح اهل بیت (ع) سید احمد شمس از رونق خاصی برخوردار شد و هر ساله بر امکانات آن افزوده گشت. شهید حجهٔالاسلام محمدتقی شرعی در زمرهٔ جوانانی بود که در این حسینیه عاشقانه خدمت می‌نمود. در طی سالهای گذشته حسینیه شهدای قم موفق به ساختن بنایی مناسب در فضایی بسیار وسیع گردید و حضرت آیهٔالله شرعی با تعیین هیأت امنایی برای آن کوشیده‌اند تا این حسینیه نیز مرکزی برای تربیت جوانان در راه تعمیق و گسترش ارزشهای والای شیعی گردد. در سال ۱۳۷۰ حضرت آیهٔالله شرعی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را در مشهد مقدس تأسیس نمودند.

این مؤسسه که با انجام بیش از هشتاد پروژهٔ تحقیقاتی خرد و کلان یکی از فعال‌ترین دفاتر پژوهشی کشور در حوزهٔ علوم انسانی است در کارنامهٔ خود کارکرد بیش از یکصد و هفتاد نفر از اساتید حوزه و دانشگاه را در طی یک دهه نشان می‌دهد. پژوهشکده‌های معارف، جغرافیا، آینده‌شناسی، ادبیات و هنر از دفاتر اقماری این مؤسسه بودند که با تلاش پژوهشگران خویش به احیاء تراث ادبی و دینی و نقد و نظر در حوزهٔ جغرافیای انسانی و آینده‌شناسی ایران و جهان مبادرت می‌ورزید. هزاران برگه تحقیقاتی به همراه دهها مقاله و کتاب از خروجی‌های علمی این مؤسسه محسوب می‌شود. اهتمام حضرت آیهٔالله شرعی به ایجاد زیرساخت‌های علمی و فرهنگی و تهیه راهبردهای اجرایی در حفظ و نشر معارف علوم موجب پدید آمدن «کانون تفکر» در مؤسسه

پژوهش و مطالعات عاشورا گردید. اعضای این کانون که بطور موازی با شورای عالی پژوهش به تشکیل جلسه می‌پردازند از مبرزترین اساتید حوزه و دانشگاه می‌باشند پایگاه اینترنتی این مؤسسه برای پاسخگویی مستدل به شبهات معاندین مکتب علوی در شرف ایجاد است. حضرت آیةالله شرعی با تأسیس انتشارات تاسوعا زمینهٔ پشتیبانی چاپ و نشر آثار تحقیقاتی و فرهنگی مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا را فراهم نمودند. این انتشارات تاکنون آثاری از تراث ادبی و دینی را به جامعه علمی ارائه نموده است

شرف‌الاسلام شیرازی، ابوالقاسم عبدالوهاب

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۳۶ ق)، واعظ، فقیه اصولی، متکلم و محدث حنبلی. معروف به ابن حنبلی واعظ. اصل وی از شیراز است. از پدر فقه آموخت و از ابوطالب بن یوسف، حدیث. وی را شیخ حنبلیان دمشق گویند. از آثارش وقف مدرسه‌ی بزرگ شریفیه در کنار جامع دمشق است. از آثار علمی‌اش: «البرهان»، دراصول دین؛ «رساله فی رد الاشعریه»؛ «المفردات»؛ «المنتخب»، در اصول فقه حنابله.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۵۶۸، ۵۲۹/ ۲)، سیر النبلاء (۱۰۴ -۱۰۳ / ۲۰)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۶).

شرفی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین شرفی

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسین شرفی در سال ۱۳۳۸هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر نیشابور دیده به جهان گشود. وی دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۴ ، درست در سال های خفقان رژیم شاهنشاهی وارد حوزه علمیه نیشابور گردید.از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از مدتی در پی علاقه وافر خویش به ادامه تحصیلات و استفاده ازمحضر بزرگان علم و ادب مشهد وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگانی همچون آیت الله فاضل،آیت الله مکارم، آیت الله صالحی و آیت الله ستوده بهره ها برد. استاد ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد مشهد و... و پرداخت. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و

نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است و شاهد این مدعا مشغول بودن ایشان به امور پژوهشی در دانشگاه رضوی از سال ۱۳۶۱ تا کنون می باشد.

شریعت اصفهانی، فتح‌اللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۹ -۱۲۶۶ ق)، مرجع تقلید، فقیه اصولی، مفسر، متکلم و ادیب امامی. معروف به شیخ الشریعه اصفهانی. نسب وی به محمدعلی نمازی شیرازی می‌رسد. اصل وی از شیراز بود که در اصفهان به دنیا آمد. در اصفهان از ملا عبدالجواد خراسانی، مدرس کبیر، و ملا حیدر علی اصفهانی و ملا احمد سبزواری و ملا محمدصادق تنکابنی و حاج شیخ محمدباقر و ملا محمدتقی هروی اصفهانی درس خواند. سپسی به نجف سفر کرد و چندی از محضر حاج میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمین استفاده کرد. وی از دوستان و نزدیکان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. در نهضت استقلال، ضد انگلیسی، عراق در کنار آیت‌اللَّه میرزا محمدتقی شیرازی قرار داشت. در ۱۳۱۳ ق به حج رفت و بعد از مراجعت به درس و تالیف و فتوی پرداخت و مرجع تقلید اغلب شیعه‌ی امامیه‌ی گردید. وی از شیخ محمد طه نجف و سید مهدی قزوینی و صاحب «روضات الجنات» و برادرش میرزا محمدهاشم چهارسوقی و شیخ محمدحسین فقیه کاظمی اجازه‌ی روایت داشت. محدث قمی از شاگردان وی بود. شیخ فتحعلی بن گل محمد حکیم برادگاهی لنکرانی نیز از خواص شاگردان وی بود که «تقریرات» او را در چهار مجلد نگاشته است. از آثارش: «ابانه المختار فی ارث الزوجه من ثمن العقار»؛ «صیانه الابانه عن وصمه الرطانه»؛ «اصاله الصحه»؛ «افاضه القدیر فی حل العصیر»؛ «اناره الحالک فی قرائه ملک و مالک»؛ حاشیه «فصول»؛ «قاعده‌ی صدور» یا «قاعده‌ی الواحد البسیط»؛ قاعده‌ی «ضرر»؛ قاعده‌ی «طهارت»؛ رساله‌ای در «صحاح» ششگانه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۴ -۳۳۳ /۵)، اعیان الشیعه (۳۹۲ -۳۹۱ /۸)، الذریعه (۶/۲۵، ۱۰۴ -۱۰۳، ۴۴/۱۵، ۱۸۸/۱۰، ۱۹۵/۷، ۵۹/۱)، ریحانه (۲۰۷ -۲۰۶ /۳)، شرح حال رجال (۱۷۵/۶)، علماء معاصرین (۱۲۴ -۱۲۲)، فوائد الرضویه (۳۴۵)، معجم المؤلفین (۵۳ -۵۲ /۸)، مکارم الآثار (۱۸۱۹ -۱۸۱۶ /۵).

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۸ -۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در

بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالك فی ترکیب الفیه ابن مالك»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲ -۱۶۱ /۲۱، ۱۵ -۱۴ /۲۰، ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحانه (۲۱۱ -۲۱۰ /۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۲ -۳۹۱ /۱۴)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰ -۱۳۴۹ /۴).

شریعتمدار، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۲ ق)، فقیه، اصولی و هیوی. مشهور به مجتهد شریعتمدار. در محضر پدرش و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری در معقول و منقول تبحر یافت. چون هوش و ذکاوت و حافظه سرشار داشت، جامع انواع علوم و فنون اسلامی و اختراعات انواع صنایع و آلات بود. با وجود علم سرشار و نبوغ بسیار در تواضع و زهد و ساده‌زیستی ممتاز بود. ناظم‌الاسلام صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» از شاگردان اوست. شریعتمدار به گفته خود از دوازده سالگی شروع به نگارش کرده و بیش از هفتاد اثر علمی بر جاری گذاشته است. از آثارش: «البرد الیمانی فی الفاظ المعانی» در لغت؛ «مبدأ الآمال»، در قواعد علوم الحدیث و درایه و رجال؛ «غایه الآمال» در علم رجال؛ «بروج العروج»، در هیئت؛ «بروز الرموز»؛ «البروق اللامعه»، در شرح زیارت جامعه؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «آیینه‌ی جهان نما»، در تاریخ کره زمین؛ «درر الاحکام»، در پانزده علم: صرف، نحو، معانی، لغت، میزان، رجال، درایه، حدیث، اصول، تفسیر، تجوید، هیئت، حساب، کلام و فقه؛ «جامع ناصری» به سبك «جامع عباسی»، در فقه عملی که ناصرالدین‌شاه می‌خواست آن را قانون رسمی و جاری کشور نماید اما مخالفان استقرار قوانین اسلامی او را منصرف کردند؛ «منهاج الدرایه» رساله فقهی فارسی؛ «الجامعه النحویه و الصرفیه بین الترکیب و شرح الالفیه»؛ «مطالع البکور»؛ «رموز الاقوال»؛ «بوستان»، منظومه فارسی، در تجوید؛ «الدرر الایتام»؛ «نثر الدرر الایتام»؛ «انیس الغرباء»؛ «ایضاح التحریر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۰۹/۸)، الذریعه (۴۸/۱۹، ۶ -۵ /۱۶، ۲۵۱/۱۱، ۱۱۹، ۱۱۷ /۸، ۷۵/۵، ۱۵۶ -۱۵۵ /۳، ۴۹۳، ۴۶۳/۲، ۵۲ -۵۱ /۱)، ریحانه (۲۱۰/۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۶۵ -۱۳۶۱ /۱۴)، علماء معاصرین (۳۳۷)، لغت نامه (ذیل/ علی استرآبادی)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۸۸/۷)، مکارم الآثار (۱۱۷۲ -۱۱۶۹ /۴).

شریعتمداری تبریزی، کاظم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۶ -۱۳۲۲ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جد وی سید محمد اصلا اهل بروجرد بود که به تبریز مهاجرت کرده بود. خود وی در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. پس از فراگیری مقدمات قبل از بلوغ به درس «مکاسب» حاضر شد و در هیجده سالگی به حوزه‌ی درس خارج آیت‌اللّه آقا میرزا صادق آقا و آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن انگجی راه یافت. در ۱۳۴۲ به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری بهره‌ها برد و چند دوره اصول و عده‌ای از کتب فقه را در نزد ایشان استفاده کرد. وی اخلاق را در محضر حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و علم معقول و کلام و هیئت و اسطرلاب را نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در خلال تحصیل دو مرتبه به نجف مشرف و به درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه نایینی و آیت‌اللّه شیخ محمد اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی حاضر شد و سرانجام موفق به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آیت‌اللّه حائری و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه عراقی گشت. پس از آن به زادگاهش مراجعت کرد و ده سال در تبریز اقامت گزید و به تدریس و ترویج و ارشاد و هدایت پرداخت. آنگاه به قم بازگشت و از مراجع دینی مردم گشت. وی در قبرستان ابوحسین قم مدفون است. از آثار وی تاسیس مراکز تبلیغی و مساجد و مدارس در قم و تهران و تبریز و به ویژه دارالتبلیغ اسلامی قم بود. از آثار علمی‌اش: رساله‌ای در اجتماع «امر و نهی»؛ رساله‌ای در «نهی»، در معاملات؛ «خلاصه الاحکام»؛ «مناهج التقی»، حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «وسیله العباد لیوم المعاد»؛ «مناسک حج».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۶۱/۲)، علماء معاصرین (۲۸۶ -۲۸۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ -۱۲ /۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳ -۲۲ /۵).

شریعتمداری جهرمی، عبدالرسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرسول شریعتمداری جهرمی

محل تولد : جهرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۱/۹/۱

زندگینامه علمی

سیّد عبد الرسول حسینی شریعتمداری جهرمی در ۱۹ شوّال ۱۳۴۷ ق در شهر جهرم از توابع فارس چشم به جهان گشود پدرش سیّد محمد علی معروف به «جامی فاضل» از علماء معروف به تقوی در شهر جهرم بود که در سال ۱۳۵۲ ه ق در گذشت مادرایشان دختر سید عبد الحسن نجفی دزفولی معروف به سیّد عبد الحسین احدی در سال ۱۳۴۲ ه ق در جهرم در گذشت

ایشان درس را در ابتداء در جهرم نزد براد و بزرگوارش سید حسن شروع کرد و از جهرم به لار از لاربه شیراز برای طلب علم سفر کرد و در شیراز نزد شیخ ابن الحسن الاصطهبانی که از او تاد بود درس شرح لعمه و قوانین را شروع کرد و درسال ۱۳۶۶ ه ق به قم

مهاجرت کرد و در نزد شهید صدوقی درس شرح لمعه و قوانین را به اتمام رساند و در نزد شهید مطهری در سائل به شیخ مرتضی حائری یزدی مکاسب و شیخ عبد الجواد اصفهانی به کفایه را فرا گرفت و بعد از آن در دس خارج اصول رفته حضرت آیت الله بروجردی به مدّت ۳ سال شرکت کرد و در درس آیت حجهٔ کوهکردی به بیع مکاسب و امام خمینی«اصول فقه» و طباطبایی«تفسیر» حاضر شدند سپس در سال ۱۳۷۲ ه ق به نجف اشرف مشرف و در من حضراتی همچون آیهٔ سید محسن حکیم و سید ابولقاسم خوئی و شیخ میرزا باقر زنجانی و شیخ حسین حلّی و شیخ میرزا هاشم آملی شرکت کردند و در سال ۱۳۷۸ ه ق برای تکمیل استفاده از اساتید به قم بازگشتندو در درس آیت الله بروجردی و آیت الله و داماد و سیّد محمّد کاظم تبریزی حاضر شدند.

ایشان در سال ۱۳۷۸ ه ق از شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت حدیث گرفتند و نیز آیت الله شیخ میرزا هاشم آملی در سال ۱۳۹۸ ه ق به ایشان اجازه اجتهاد و روایت حدیث دادند.

شریعتمداری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا شریعتمداری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حمید رضا شریعتمداری فرزند حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد صادق شریعتمداری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در قم متولد شد. او پس از دو سال همراه خانواده به تهران عزیمت کرد و مقطع ابتدایی و راهنمایی را در تهران(مدارس ملی نو، اثنا عشری و مجاهدان)تمام کرد و در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی به حوزه علمیه قم (مدرسه حقانی و سپس شهیدین) وارد شد. در مدرسه شهیدین علاوه بر دروس متعارف حوزوی دروس دیگری را که اغلب در آن زمان در حوزه علمیه رایج نبودند فرا گرفت(نهایهٔ الحکمه، معارف قرآن ، حفظ قرآن تا ۲۰ جزء ، اقتصادنا، ادوار فقه ، ادوار تفسیر، دوره های مختلف عقائد و کلام اسلامی، تاریخ اسلام و ...)از آن جمله دوره کامل مکالمه عربی(در دانشگاه امام صادق تهران و در خود مدرسه شهیدین) و انگلیسی است که در آن مدرسه پشت سر گذاشت، به ادبیات فارسی و نویسندگی نیز در همین مدرسه علاقمند شد و در همین زمینه تدریس داشت. وی سالیان متمادی را در دروس خارج حوزه(در فقه و اصول) در محضر استادانی چون آیت الله سید کاظم حائری شرکت جسته است . در سال ۱۳۶۸ هجری شمسی هم نویسندگی و هم عربی جدید را با قوت تمام ادامه داد. سه سال مسؤول مکالمه عربی مدرسه معصومیه بود(با دو دوره تابستانی در دانشگاه رضوی مشهد و مدرسه امام صادق دماوند) در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی در دوره جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شرکت کرد(به مدت یکسال و نیم)پس از آن جهت مأموریت به نمایندگی از طرف سازمان تبلیغات اسلامی به کشورهای آلبانی و مقدونیه سفر کردبه مدت ۲ سال: ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ هجری شمسی) پس از بازگشت برای یکسال مسئول مکالمه عربی در مدرسه شهیدین بود ، با مجله حوزه و دانشگاه هم همکاری داشت. از سال ۱۳۷۰ هجری شمسی که اولین مقاله را در باب راه های سیاسی کردن دانشگاه ها در روزنامه جمهوری اسلامی نوشت تاکنون بیش از یکصد

مقاله در موضوعات عمومی(سیاسی و اجتماعی) و تخصصی(اسلامی شدن علوم، ادیان و مذاهب و..) نوشته است مثلا ۳۰ مقاله در مورد کشورآلبانی در روزنامه اطلاعات .در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی به خواست وکمک و با مدیریت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابوالحسن نواب و جناب آقای سید حمید کاظمی مرکز مطالعات ادیان و مذاهب را بنیان گذاشت، ۲ سال قائم مقام او و از سال ۱۳۷۸ هجری شمسی تا کنون سردبیر مجله هفت آسمان بوده است ایشان هم اکنون عضو هیأت علمی ، مدیر گروه شیعه شناسی و معاون ارتباطات مرکز ادیان است. اودر راه اندازی مجله نامه جامعه وابسته به جامعه الزهراء نقش داشت و در شماره های انتشار یافته دوره نخست آن سر مقاله نویس بود .در مراکز مختلف تدریس داشته و دارد (جامعهٔ الزهرا و دانشکده های، مدرسه شهیدین، دانشگاه مفید، دانشگاه امیر کبیر ، دانشگاه آزاد آشتیان، مدرسه امام خمینی و اخیراً مؤسسه آموزش عالی ادیان و مذاهب در مواد درسی حلقات الاصول، روش تحقیق، عربی جدید، متون تخصصی انگلیسی، متون عربی معاصر، مبادی العربیه، جواهر البلاغهٔ، تاریخ کلام اسلامی، متون اسلامی، منطق اشارات، منطق صوری ، ادبیات فارسی ، معارف اسلامی ، نهایه الحکمه ، تاریخ فلسفه غرب و تاریخ فلسفه اسلامی)با مراکز مختلفی از جمله مرکز تحقیقات امام موسی صدر(ترجمه بیش از ۲۰ مقاله از آثار و سخنرانی های امام موسی صدر)تنظیم و نشر آثار حضرت امام (در کنگره اخلاق عرفانی امام خمینی(ره) در ویراستاری مجله اشراق)، جامعهٔ الزهراء (امور پایان نامه ها و نشریه نامه جامعه)دبیرخانه خبرگان(با مجله حکومت اسلامی) موسسه گفت و گوی ادیان در تهران، دانشگاه مفید و مراکز دیگر همکاری داشته است.در زمینه تحصیلات دانشگاهی، کارشناسی ارشد را در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذرانده موضوع پایان نامه شان که به چاپ هم رسیده، سکولاریزم در جهان عرب است در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی در کنکور ورودی مقطع دکتری تخصصی (phd) در دانشکده الهیات و معارف و دانشگاه تهران رتبه اول را احراز کرد و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه خود تحت عنوان تفکر عقلی در قرن چهارم، از منظر ابوحیان توحیدی دفاع کرد. در سال ۱۳۸۵ به مدت دو ماه به عنوان محقق مدعو در دانشگاه هاروارد آمریکا به پژوهش اشتغال داشت.

شریعتمداری، نور الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدنورالدین شریعتمداری

محل تولد : شوشتر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی وارد حوزه شوشتر شدم و از مقدمات تا سطح عالی را در مدت ۷ سال در خدمت مرحوم آیت الله سید محمد حسن آل طیب و مرحوم آیت الله سید محمد موسوی جزائری به پایان برده و در سال ۱۳۴۷ وارد حوزه نجف اشرف گشته و در درس خارج امام خمینی (قدس سره) و آیت الله العظمی خوئی و سید عبدالاعلی سبزواری و سید محمد جعفر مروج مولف منتهی

الدرایه شرکت نمودم و در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و از دروس خارج اساتیدی مانند آیات عظام شیخ کاظم تبریزی و علامه فانی اصفهانی و وحید خراسانی و میرزا هاشم آملی بهره ها بردم . از سال ۱۳۷۲ شرکت در درس خارج را رها ساختم و در سال ۱۳۷۴ به اخذ اجازه اجتهاد از دو نفر از مراجع و بزرگان حوزه علمیه گشتم .

در سال ۱۳۵۰ شمسی که وارد حوزه علمیه قم شدم تدریس سطح را شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۶ تدریس سطح را به تدریس خارج فقه مبدل کردم و از همان سال تا امسال (سال ۱۳۸۴) به تدریس خارج فقه اشتغال دارم . تحقیق و نویسندگی را از همان دوران اشتغال به فراگیری سطح شروع کردم ؛ درس را پس از فراگیری از استاد خلاصه می کردم و می نوشتم و زمانی که در نجف اشرف به محضر اساتید می رفتم درس های خارج را به زبان عربی می نوشتم و تقریرات درس فقه و اصول اساتید را نگاشتم که اکنون موجود است .

بیش از ۶۰ مقاله علمی در علوم مختلف به زبان فارسی و عربی به مناسبت کنگره ها و همایش ها به نگارش درآمده که بسیاری از آنها در مجموعه مقالات به چاپ رسیده و در جلسه ارئه شده است و یا در برخی از مجلات و جزوه ها به چاپ رسیده است.

تدریس در دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام به مدت ۵ سال ، فقه سیاسی در کارشناسی ارشد ، تدریس در مرکز جهانی در مدرسه حجتیه ، سطح عالی مکاسب و کفایهٔ الاصول و تفسیر موضوعی به مدت ۶ سال ، ارزیابی بیش از صدها مقاله در ارتباط با کنگره ها و همایش ها و مجلات و موسسات پژوهشی ، همکاری با موسسه مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع فقه و فقه و حقوق وابسته به دفتر تبلیغات و موسسه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) و همکاری با نوشتن و ارزیابی مقالات فقهی و اصولی موسوعه فقه بر مذهب اهل بیت (ع) که ۵ جلد از آن تا کنون به چاپ رسیده است . نوشتن قواعد اصولی در یک جلد و قواعد فقهی در دو جلد قواعد اصولی صد قاعده و قواعد فقهی در بیست قاعده با همکاری برخی از محققین و فضلای حوزه علمیه قم ، همکاری با موسسه مجمع فقه به مدت ۱۰ سال ، عضو هیئت علمی و عضو هیئت تحریریه مجله فصلنامه علوم سیاسی و نگارش مقاله هایی در آن مجله ، تدریس فقه تطبیقی برای کسانی که به عنوان روحانی حج امتحان داده و برگزیده شده اند ، همکاری با موسسه نشر آثار امام خمینی (ره) با مقالات گوناگون و ارزیابی مقالات وارده در ارتباط با کنگره ها و نگارش مقالات علمی فقهی و اصولی ؛ تفسیر ، هر شب پس از اقامه نماز جماعت در مسجد تکیه یزدیهای بازار قم و استاد راهنما شدن در بسیاری از پایان نامه های مرکز جهانی و حوزه علمیه قم و دانشگاه امام محمد باقر علیه السلام از سال ۱۳۴۰ ، در آغاز در شوشتر اشتغال به امامت جماعت و تبلیغ در ایام ماه محرم وصفر و رمضان داشته و پس از ورود به قم نیز تا امسال ادامه داشته و در ضمن سپری کردن یک عمر در نگارش و تحقیق ، خداوند فیض اقامه جماعت و تبلیغ را نیز به من عنایت کرده است .

شریعتی نیا، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر شریعتی نیا

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر شریعتی نیا فرزند رمضانعلی معروف به شریعتی سبزواری در سال ۱۳۱۹ در صفی آباد متولد شدم و دوران تحصیلات مقدماتی را در سبزوار گذرانیدم و از سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه سبزوار مدرسه حاج ملاهادی سبزواری

شدم بحث ادبیات را پیش اساتید سبزوار مرحوم آقای فاضلی و شیخ عباسعلی خواندم پس از اتمام جامع المقدمات و منطق کبرا که غالبا درس خوانده شده برای همه شاگردان خودم تقریر میکردم.

سیوطی را در سبزوار تمام کردم سپس وارد حوزه علمیه مشهد شدم مطول را خدمت مرحوم ادیب نیشابوری به پایان رسانیدم. معالم را از محضر آیت الله دامغانی و هم چنین لمعه را خدمت مرحوم مدرس به پایان رسانیدم حاشیه ملاعبدالله را از محضر آقای آیت الله عیدگاهی بهره بردم در درس عقاید و اخلاق مرحوم آیت الله میرزا جواد آقای تهرانی شرکت جستم سپس راهی حوزه علمیه قم شدم سطوح عالی را خدمت مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله جعفرسبحانی و فاضل لنکرانی گذرانیدم و کفایه را از مرحوم آیت الله سلطانی استفاده نمودم و حدود ده سال درس آیت الله وحید اصول و فقه و دو سال درس مرحوم امام حاضر شدم چند سالی از مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی بهره برداری نمودم. در فلسفه اشارات را خدمت آیت الله جوادی و شفا را خدمت آقای حسن زاده آملی و منظومه را نزد آیت الله تقدیری سبزواری تلمذ داشتم و دو جلد اسفار را محضرعلامه طباطبائی خواندم و از محضر شهید مطهری نیز بهره بردم.

شریعتی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن شریعتی

محل تولد : نیاسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حسن آقا شریعتی در سال ۱۳۱۲ ش. در خانواده ای روحانی و تقوا پیشه در نیاسر کاشان دیده به جهان گشود. وی همچون بسیاری از نام آوران و بزرگان در کودکی پدر خویش را از دست داد و غم یتیمی بر سرش سایه افکند و ازتربیت و سرپرستی مادر فداکار و بزرگوارش بهره مند گردید. این مام مهربان در رشد و پرورش وی از هیچ کوششی دریغ نکرد و سرمایه عمر خویش را در راه تربیت فرزند نهاد و هیچگاه در مقابل سختی ها و تلخی ها ناتوان نشد و با ایمان کامل و توکل به خداوند سبحان، فرزندان را تربیت نمود.

هر آن مادر که وی را عفت و فضل و هنر باشد

توانا پرورد فرزند و از دامان گهر بارد

آموزش و تحصیل:

قهرمان گفتار ما روخوانی قرآن را نزد مادر گرامی خود آموخت و پس از آن قرائت و تجوید را در جلساتی که در منازل محترمین کاشان با حضور و نظارت آیت الله سیّد محمّد حسین رضوی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و دارای تالیفات متعدد، اداره می شد، با اشتیاق فراوان پی گیری نمود؛ تا آنکه در همان اوان کودکی تلاوت قرآن را به خوبی و زیبایی فرا گرفت.

او دوران خردسالی و نوجوانی را در همان منطقه سپری کرد و به آموختن و خواندن و نوشتن در مدارس آن زمان پرداخت و پس از سپری شدن مراحل ابتدایی آموزش که با تنگدستی و دشواری های مستمر همراه بود، به آموختن علوم دین روی آورد و با سفارش و معرفی آیت الله حاج میرزا مجدالدین نراقی (دایی مادرش که خود از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده است) برای تحصیل علوم دینی و حوزوی به مدرسه گذر بابا ولی در کاشان قدم گذاشت.

مدّتی بعد به همراه مادر ارجمندش رهسپار اراک گردید و در حوزه علمیّه آنجا که یادگار مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بود، تحصیل خود را پی گرفت و در مدرسه آقا ضیاء الدین عراقی و مدرسه حاج محمّد ابراهیم به خواندن مقدّمات دروس حوزوی پرداخت. او در این دوره از اساتید ممتاز و بنام آنجا چون حضرات آیات: حاج آقا اسماعیل نجم الاسلامی هفته ای ،آقا شیخ ذبیح الله ارضی و آقا شیخ قنبر رفیعی بهره برد. بخش زیادی از کتاب مطول را نزد آیت الله علی میریحیی در منزل وی آموخت و حدود یک دوره تفسیر عمومی قرآن را از محضر آیت الله آقا کاظم موسوی گلپایگانی که هر شب در مسجد ایشان معروف به «مسجد حاج تقی خان» برگزار می گردید، استفاده کرد. او از عالمان بزرگ اراک و شاگرد مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بود.

سپس به آشیانه آل محمّد علیهم السلام (قم) سفر کرد و چون در آن زمان مدرسه علمیّه بسیار کم بود و یافتن حجره دشوار، بناچار در مسافرخانه ای منزل گرفت. عشق به تحصیل چنان سراسر وجودش را فرا گرفته بود که فقر وسختی های طاقت فرسای آن روزها را به راحتی تحمل کرد و با جدیت تمام تحصیلات خود را ادامه داد.

زیب دانش در لباس فقر دارد جلوه ای

وقت من خوش کاین دو را کامل عیارم داده اند

در قم به خواندن ادامه کتاب مطول نزد اندیشمند توانا و مخلص: امام موسی صدر در یکی از حجره های صحن شریف حرم پرداخت. شرح لمعه را نزد شهید بزرگوار صدوقی در ایوان مدرسه فیضیّه و بخشی از آن را نیز نزد متفکر شهید مرتضی مطهری در حجره ایشان در مدرسه مزبور، و قوانین را نزد آیت الله شیخ محمّد لاکانی رشتی در یکی از حجرات صحن حرم و نیز آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی ـ دامت برکاته ـ در مسجد کچویی ها فرا گرفت. قسمتی از رسائل را نزد آیت الله حاج میرزا علی مشکینی ـ دام ظله ـ در مسجد عشقعلی، و کتاب کفایه را نزد آیت الله شیخ محمّد مجاهدی در یکی از شبستان های مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و نیز آیت الله شیخ عبدالجواد سدهی جبل عاملی آموخت. او نیز در مسجد عشقعلی تدریس می کرد.

در همین دوران در پی مسافرت چند ماهه به مشهد مقدّس، بخشی از رسائل و مکاسب را نزد استاد عالی قدر و با فضلیت آیت الله حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی از اساتید بسیار ژرف نگر، تحصیل نمود. وی در مدرسه نواب و باقریه تدریس می فرمود.

در تابستان ها که به ولایت خویش نیاسر عزیمت می کرد، بخش هایی از مباحث مشکل شرح لمعه و کفایه را به ترتیب با دو آیت بزرگ حاج میرزا مجد الدین نراقی و آقا میر سید علی یثربی کاشانی در میان گذشته، نزدشان فرا میگرفت. این دو از عالمان ممتاز زمان خویش بودند که از وجود پر ارج ایشان چنانکه باید بهره ای درخور گرفته نشد. اقامت گاه میرزا مجد الدین نراقی مزرعه روییده و منزل مرحوم یثربی مزرعه بللا در حاشیه نیاسر بود. ایشان با اشتیاق فراوان خدمت آن دو بزرگمرد شرفیاب می شد و آنان نیز که از شخصیت های علمی کم نظیر عصر خود بودند با فروتنی رموز و معضلات آن دو کتاب را به خوبی برای ایشان روشن می

نمودند.

محقق جوان ما پس از فراگیری درس های متداول حوزه در دوره های مقدّمات و سطح حدود یک سال در درس خارج پیشوای شیعه آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی حضور یافت و از درس فقه و اصول حضرت امام خمینی ره که به ترتیب در مسجد محمّدیه و سلماسی برگزار می گردید زمانی طولانی بهره برد. علاوه بر این، وی مدّتی نیز در درس خارج اصول آیت الله حاج شیخ محمّد تقی بروجردی از شاگردان و نگارندگان درس اصول آقا ضیاء الدین عراقی، در ایوان رو به روی کتابخانه در مدرسه فیضیّه شرکت جست. برخی مباحث اصول را از آیت الله حاج آقا مرتضی حائری یزدی در منزل حاج شیخ، و قاعده لا ضرر را از آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی در مسجد امام حسن عسکری استفاده کرد. در بحث خارج بیع و قسمتی از طهارت و مباحثی دیگر از آیت الله حاج سیّد کاظم شریعتمداری در مقبره مرحوم آقای حجت و مدرسه فیضیّه و تابستان ها در منزلش بهره مند شد.

ایشان با حضور در درس استاد علّامه سیّد محمّد حسین طباطبایی نیز که در مسجد سلماسی و مدرسه حجتیّه واقع می شد از مباحث فلسفی و تفسیری وی بهره گرفت. با استفاده از جلسات اساتید و مربیان بزرگ اخلاق چون حضرات آیات، عالمان ربانی: مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی، استاد بزرگ نهج البلاغه که به دعوت مرحوم بروجردی برای تدریس معارف و اخلاق به قم آمده بود و در مدرس مدرسه فیضیه افاضه می فرمود و نیز حاج شیخ عباس تهرانی در مدرسه حجتیه، تهذیب نفس و پاکسازی روح را پیشه خود ساخت. آن دو به حق از آیات بزرگ الهی و نوادر روزگار بودند و جلسات درسشان از معنویت بسیار والایی برخوردار بود و اندرزهایشان از جان برمی آمد و جان ها را صیقل داده، به تسخیر درمی آورد.

من الرجال المصابیح الذین هم

کانهم من نجوم حیه صنعوا

اخلاقهم نورهم، من ای ناحیه

اقبلت تنظر فی اخلاقهم سطعوا

مهاجرت به نجف:

استاد شریعتی پس از کسب موفقیت در اوّلین دوره امتحان درس خارج که از سوی آیه الله بروجردی رحمه الله علیه برگزار شده و با وفات آیت الله حاج سیّد محمّد تقی خوانساری مصادف گردیده بود، برای آستان بوسی پیشوایان معصوم علیهم السلام و ادامه تحصیل و درک محضر استادان و بزرگان حوزه مشهور نجف اشرف، در سال ۱۳۳۵ش. به مهد فقه و اجتهاد عزیمت کرده، در مدرسه تازه بنیاد آیت الله بروجردی اقامت گزید و حدود چهار سال در آن حوزه به تحصیل پرداخت.

وی در آنجا در درس اصول آیت الله سیّد محمود شاهرودی در مسجد هندی، و درس فقه آیت الله سیّد محسن حکیم در مسجد شیخ طوسی حاضر شده، از آنان بهرمند می گردید. همچنین از درس فقه و اصول آیت الله سیّد علی علّامه فانی اصفهانی بهره فراوان برد. این دو درس به ترتیب در مقبره میرزای شیرازی و مسجد کوچکی مقابل مسجد هندی که محل تدریس آیت الله العظمی شیخ محمّد حسین اصفهانی نیز بود، تشکیل می گردید. درس اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی، در مقبره میرزا از دیگر دروسی است که ایشان در آن شرکت نمود. اما به فرموده استاد بیشترین استفاده وی از درس های فقیه ژرفنگر علّامه فانی بوده است؛ چنانکه در جلسات تخصصی استفتا و بررسی مسایل فقهی ایشان که برای تعلیقه نگاری بر کتاب عروه ترتیب داده می شد با حضور آیت الله فانی و در کنار دیگر شخصیت های علمی آن دوره شرکت نموده، از ارکان مجلس استفتا به شمار می رفت.

در همان ایام که در نجف اشرف به سر می برد چندین بار به سامرا سفر کرد که گاه با نماینده مطلق آیت الله بروجردی و مدیر مدرسه ایشان در نجف، مرحوم آقا شیخ نصر الله خلخالی همراه بود. در یکی از ماه های مبارک رمضان که به سامرا مشرف گردیده بود آیت الله حاج شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی نیز در آنجا حضور داشت که با جمعی از طلاب، کتاب رحله المدرسیه استادش آیت

الله شیخ جواد بلاغی را نزد وی آموختند و در همین ایام بود که مطالعه دوره الغدیر را نیز با استخراج لغات و مشکلات آن به پایان رسانید.

بازگشت به ایران:

استاد بزرگوار پس از رحلت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی، به ایران بازگشت و به احترام مادر گرامی خود در تهران اقامت گزید.وی در تهران در درس آیت الله حاج شیخ محمّد تقی آملی در منزل آن بزرگوار شرکت می جست و اقامت وی در تهران حدود یک سال طول کشید.آرزو و شوق شدید استاد به کسب فضایل و کمالات بیشتر، او را واداشت تا پس از ازدواج برای ادامه و تکمیل تحصیلات عالی بار دیگر به شهر مقدّس قم بازگردد و برای همیشه در آنجا سکنی گزیند.

ایشان سال ها در دروس آیات عظام، آقایان: حاج شیخ محمّد علی اراکی در مدرس مدرسه فیضیه و حاج سیّد محمّد رضا گلپایگانی در مسجد اعظم شرکت جست و نیز چند سالی از درس آیت الله سیّد محمّد محقق داماد در مسجد موزه حرم مطهر تا پایان حیات آن بزرگوار بهره برد؛ ولی وی نسبت به درس های شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت الله العظمی اراکی علاقه و انگیزه بیشتری داشت و حتی در زمانی که عهده دار مشاغل اداری و قضایی در تهران بود، تا حد ممکن در درس وی حضور می یافت. پس از بازگشت به قم بود که در درس خارج مکاسب آیت الله حاج آقا حسن فرید محسنی عراقی در منزلشان شرکت نمود و ایشان تقلید را برای وی جایز ندانست؛ که این نشان از اجتهاد مطلق و توانایی دستیابی ایشان به احکام شرعی از منابع و ادله آن دارد.همان گونه که گذشت و در میان دوستان آن جناب نیز معروف است، آیت الله شریعتی در طول حیات علمی خود از استادان و بزرگان بسیاری بهره برده است که در افراد یاد شده خلاصه نمی گردد. آن جناب پیش از تشکیل شورای مدیریت حوزه علمیّه قم با آیت الله حاج سیّد عباس خاتم یزدی، از سوی امام راحل «قدس» چند سالی امتحان طلاب و فضلای حوزه در رتبه سوم (سطح عالی و درس خارج) را به عهده گرفته بودند.

حضور در جبهه:

آن جناب با اشتغالات فراوان، از مسایل جبهه و جنگ غافل نبود و برای تبلیغ دین و تحکیم مبانی فکری و عقیدتی نیروهای اسلام و تثبیت روحیه جهاد در آنها، دو نوبت در جبهه های نبرد شرکت نمود. در این فرصت ها ضمن فراگیری فنون نظامی، کلاس های اخلاق و تفسیر و احکام برای مربیان دایر کرده و در نمازهای جماعت، افراد را با وظایف خویش آشنا میساخت. نوبت نخست در سوسنگرد و سپس در تجمعگاه نیروها در گلف اهواز به انجام تکلیف می پرداخت. در این نوبت فرزند شهیدشان او را همراهی کرده بود.افزون بر آنچه ذکر شد برای کمک به نیروها با جمعی از فضلای محترم به شهرهای مختلف مرزی سرکشی می نمود و نیازهای آنان را در خوراک و پوشاک و وجوه نقدی تا حد تأمین برطرف می ساخت.

شریعتی، روح الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

روح الله شریعتی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روح الله شریعتی در سال ۱۳۴۷ شمسی در خانواده ای مذهبی در یکی از روستاهای شهرستان اردستان (روستای فران) دیده به جهان گشودم پدرم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر شریعتی از روحانیون با سابقه و از شاگردان حضرت امام خمینی ره می باشند که در ابتدای طفولیت بنده، با دعوت مردم اردستان از ایشان برای سکونت، به مقتضای انجام وظیفه، تحصیل و تدریس در قم را ترک و برای سکونت به شهر اردستان عزیمت نموده اند. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و یک سال متوسطه را در همان شهر گذراندم ولی شوق تحصیل در حوزه مرا از ادامه تحصیلات کلاسیک بازداشت و به دنبال آن در مهر ۱۳۶۲ برای تحصیل علوم دینی راهی قم شدم یک سال به صورت آزاد و سپس در مدرسه علمیه امام محمد باقر علیه السلام واقع در ابتدای نیروگاه به تحصیل مشغول شدم در این بین هر از گاهی در ظل عنایات حضرت حق توفیقی حاصل می شد و در جبهه های نبرد نیز حضور می یافتم تحصیلات بنده تا اتمام سطح تا سال ۱۳۷۱ به طول انجامید سپس در درس خارج آیت الله فاضل لنکرانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می شدم. پس از دو سال به درس خارج فقه آیت الله تبریزی رفته و در این درس تا ۶ سال به طور مرتب شرکت می جستم. سپس به طور متفرقه در دروس دیگر مراجع حاضر می شدم. بحمد الله در سال ۱۳۷۳ ازدواج کرده و صاحب دو فرزند می باشم.در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ سه سال باقیمانده تحصیلات متوسطه را به طور متفرقه به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنکور سراسری در دو رشته حقوق و مدیریت دولتی پذیرفته شدم، رشته حقوق را انتخاب کرده و همزمان با حضور در درس خارج دوره کارشناسی حقوق را عصرها در دانشگاه مفید قم گذراندم. پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ با شرکت در کنکور دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل را پشت سر گذاشته و در تابستان ۱۳۸۰ از پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع کردم.تحقیق و پژوهش را پس از اتمام دوره کارشناسی یعنی در سال ۱۳۷۵ به تشویق یکی از دوستان محقق شروع نمودم و در همین راستا اولین تحقیقات علمی خویش را در پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام که جزئی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به شمار می رفت به انجام رساندم تا به حال کتب و مقالات ناچیزی را برای آن مرکز یا مراکز دیگر به نگارش در آورده ام گفتنی است که پس از فراغت از تحصیل گاه در دانشگاه نیز به تدریس دروس حقوق پرداخته ام که همه را مرهون توجهات و الطاف حضرت حق، تشویق ها و دعاهای والد ارجمندم و مساعدت و بردباری خانواده ام می دانم.

شریف‌العلماء مازندرانی، ملا محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۵ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. ملقب به شریف‌الدین و مشهور به شریف‌العلماء. در کربلا به دنیا آمد و همان جا نشو و نما کرد و در محضر سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و فرزندش سید مجاهد شاگردی کرد. پس از چندی با پدر خود به ایران بازگشت، و در قم یک سالی به درس میرزای قمی رفت و مجددا به کربلا ـ مهاجرت کرد. او در کربلا ـ در مدرسه‌ی حسن خان مجلس درس معظمی پیدا کرد بگونه‌ای که زیاده بر هزار نفر در محضر درسش زانو می‌زدند. سعیدالعلمای بارفروش و شیخ مرتضی انصاری و ملا آقای دربندی و سید ابراهیم قزوینی حایری، صاحب «ضوابط»، و سید محمد شفیع جاپلقی و ملا اسماعیل یزدی و حاج سید حسین ترک و شیخ محمد آل‌یاسین از شاگردان وی در علم اصول بودند. شریف‌العلماء در کربلا به طاعون درگذشت و در نزدیکی صحن مطهر حسینی دفن شد. اشتغال بیش از حد وی به تدریس مانع از آن شد که آثار قلمی‌اش بسیار باشد. از آثار او:

رساله‌ی «جواز امرالامر مع العلم بانتفاء الشرط» که بسیار مبسوط است؛ «النسخ و اینکه آیا عقلا جایز است یا خیر؟»؛ «بیع المعاطات و الصرف و الخیارات».

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۶۵ -۱۴۶، ۲۴، ۲۴۲ /۵، ۱۹۴/۳)، روضات الجنات (۴۸ -۴۷ /۱)، ریحانه (۲۲۰ -۲۲۹ /۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲۰ -۶۱۹ /۱۳)، الکنی و الالقاب (۳۶۱/۲)، مکارم الآثار (۱۲۷۲ -۱۲۶۹ /۴)، هدیه الاحباب (۱۶۲ -۱۶۱).

شریفی اشکوری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد شریفی اشکوری

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد شریفی درسال ۱۳۶۲ وارد حوزهٔ علمیه قم ومشغول به تحصیل علوم دینی شدم و دورهٔ سه ساله مقدمات (صرف ونحوومعانی وبیان ...) را با موفقیت به پایان رساندم و سپس کتاب لمعه و اصول الفقه را نزد اساتید بزرگوار آقایان استادی وخاتمی شروع کردم .

بعضی از ابواب فقهی شرح لمعه را نزد اساتید ،مرحوم وجدانی و استاد اشتهاردی به اتمام رساندم و پس از اتمام لمعتین و اصول الفقه ،کتاب مکاسب و رسائل را نزد اساتید بزرگوار مرحوم وجدانی و استاد محترم آقای هادوی تهرانی و پس از آن کتاب کفایتین مرحوم اخوند خراسانی (کفایهٔالصول)رانزد استاد بزرگوارم فاضل گلپایگانی شروع نمودم و با موفقیت به اتمام رساندم و درامتحانات حوزه درسال (۷۰/۶۹) پایه نهم قدیم را با موفقیت کامل باتمام رساندم.

و درضمن درآن سال (۷۰) با مراکز تحقیقاتی مثل دفتر تبلیغات و مرکز کامپیوتری علوم اسلامی قم در بخش تصحیح کتب عرب فعالیت داشتم و درسال (۷۴) هم از طرف مقام معظم رهبری به امامت جمعه بخش هفتگل ازتوابع استان خوزستان منصوب شدم و پس از اتمام پایان مأموریت سه ساله ام به قم مراجعت نموده و به تحصیل خارج و تدریس مکاسب و کفایهٔالصول مشغولم و تألیفاتی را در زمینه اخلاق ،فقه،... دارم که درآخراین جزوه مکتوب نموده ام.

شریفی اقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود شریفی اقدم

محل تولد : شریف آباد قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

محمود شریفی اقدم در شریف آباد قزوین متولد شد، او دروس ابتدایی در همانجا خواند وسپس وارد حوزه علمیه قزوین شد، پس از خواندن جامع المقدمات در سال ۱۳۴۶ عازم حوزه علمیه قم شد، سال اول را درمدرسه علمیه مرحوم آیت الله گلپایگانی (ره) بود و سیوطی را همانجا خواند ، در همان سال وارد مدرسه منتظریه(حقانی) شد و سطح را در آنجا تمام کرد و درس خارج فقه و اصول رادر محضر اساتیدی چون حضرات آیات : مرحوم احمدی میانجی ،محمدی گیلانی ، شهید آیت الله قدوسی ، شهید مفتح ، جنتی ، صانعی ، آذری قمی ، مؤمن ، مصباح و راستی ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دعوت شهید آیت الله قدوسی(ره) به مدرسه رفاه و سپس به دادسرای انقلاب اسلامی مرکز رفته و به عنوان دادیار انقلاب مشغول خدمت شد. سپس به عنوان دادستان انقلاب اسلامی گنبد منصوب شد ، پس از حدود دو سال دوباره به تهران آمده و مسؤلیت گزینش دادستانی محل را پذیرفت، آنگاه به دعوت آیت الله جنتی وارد سازمان تبلیغات اسلامی شد، ابتدا به عنوان معاون فرهنگی آن سازمان مشغول کار شد و سپس در سال ۱۳۶۹ به قم منتقل شد و پس ازتاسیس پژوهشکده باقرالعلوم(ع) توسط ایشان وتعدادی از فضلاء مسئوولیت آن مرکز را پذیرفت، ایشان هم اکنون مشغول پژوهش در حدیث وامور فرهنگی هستند.

شفتی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

السید محمدباقر مشهور (به حجهٔالاسلام شفتی) صاحب (مسجد سید) اصفهان بن سید محمدتقی بن سید محمد زکی بن محمدتقی بن شاه قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم ابن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن ابی‌القاسم بن حمزهٔ بن الامام موسی الکاظم (ع) از فحول علماء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده است.

تولد آن بزرگوار در سال ۱۱۷۵ قمری در نواحی طارم علیاء زنجان در قریه‌ای که به آن (چرزه) می‌گویند در ده فرسخی شفت واقع شده و در سن هفت سالگی منتقل به شفت شده.

و پس از ده سال در سن ۱۷ سالگی و سال ۱۱۹۲ ق مهاجرت به نجف اشرف نموده و در کربلا به درس وحید علی‌الاطلاق و استاد اکبر علامه محمدباقر بهبهانی و پس از آن علامه سید علی صاحب ریاض استفاده کرده.

و بعد به نجف مشرف و از محضر علامه بزرگ سید مهدی بحرالعلوم و علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء بهره‌مند شده و مسافرتی به کاظمین نموده و از حضرت علامه سید محسن اعرجی مستفیض گردیده و پس از هشت سال توقف در عراق در سال ۱۲۰۰ ه به ایران برگشته و در قم از محضر مدقق بزرگوار میرزا ابوالقاسم قمی صاحب (قوانین‌الاصول) استفاده نموده.

و از آنجا به کاشان عزیمت و از محضر و دروس اخلاقی ملا مهدی نراقی صاحب (جامع‌السعادات) کامیاب شده و در سال ۱۲۰۶ ه

به اصفهان وارد و رحل اقامت افکنده و افاضل طلاب و علماء در گردش جمع و از درس و بحثش استفاده نموده و شهرت عالمی پیدا و به ریاست عامه و مرجعیت تامه رسیده و بسط یدش تا اجراء حدود الهی رسیده و شمشیری که با آن دهها حد الهی را جاری کرده است.

اکنون در بیت آن بزرگوار در دست حفیدش حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید رضا شفتی باقی و موجود است و تاریخ روحانیت شیعه یاد ندارد که این موقعیت برای احدی از علماء و مراجع شیعه غیر آنجناب پیدا شده باشد و این نبود مگر حسن باطن و سلامت نفسش (اللّٰه اعلم حیث یجعل رسالته).

از خصایص آن بزرگوار سخاوت وجودش بود که هیچ صاحب حاجتی به ایشان مراجعه نمی‌کرد مگر اینکه فوراً حاجتش را روا می‌ساخت و هیچ مستحقی نزد او نمی‌رفت مگر اینکه او را مستغنی و مستطیع و توانگر می‌کرد حکایاتی از کرم و عطاء او شنیده‌ام که اینجا مجال ذکر آن نیست.

از اقران و اصدقاء خالص او عالم ربانی و آیت سبحانی علامه بزرگ حاج ملا محمدابراهیم کلباسی بود که با آن همه عظمت سید را بر خود مقدم می‌داشت و حتی حکم او را بدون وضو نمی‌گرفت.

آن بزرگوار در یکشنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۲۶۰ هجری از دنیا رفت و در مقبره خودش در زاویه مسجدش (مسجد سید اصفهان) در محله بیدآباد مدفون گردید.

آثار خالده سید

۱- مسجد عظیم و زیبای او در در محله بیدآباد خیابان مذکور که از مساجد مهمه و معروفه اصفهان و بلکه ایرانست.

۲- کتاب (مطالع‌الانوار) در شرح شرایع که پنج جلد آن بیرون آمده

۳- جوابات المسائل در دو مجلد.

۴- تحفهٔالابرار رساله عملیه فارسی

۵- قضاء و شهادات.

۶- زهرهٔالباهره در اصول فقه و دهها رساله و تعلیقات دیگر.

دارای ۶ فرزند بزرگوار بودند که تمامی از علماء بزرگ عصر خود بوده‌اند.

۱- حجهٔالاسلام ثانی علامه جلیل‌القدر آیت‌اللّٰه العظمی حاج سید اسداللّٰه.

۲- آیت‌اللّٰه آسید ابوالقاسم شفتی

۳- آیت‌اللّٰه آسید محمدعلی

۴- آیت‌اللّٰه میرزا زین‌العابدین

۵- آیت‌اللّٰه آسید جعفر

۶- آیت‌اللّٰه آسید مؤمن.

در حال حاضر دو نفر از احفاد آن بزرگوار در قید حیاتند و در مسجد او (مسجد سید) بجای نیاکان خود اقامه جماعت می‌نمایند.

(۱۲۶۰ -۱۱۷۵ ق)، علام امامی، فقیه اصولی، ادیب نحوی و رجالی. معروف به حجهٔالاسلام. در قریه‌ای از قرای رشت از نواحی طارم علیا به دنیا آمد و در هفت سالگی به شفت منتقل شد. وی در اصفهان سکنی کرد. از شاگردان بهبهانی، بحرالعلوم، صاحب «ریاض»، کاشف الغطاء، ملا مهدی نراقی و میرزای قمی است. شفتی از بزرگان علمای امامیه بود که در فقه، اصول، ادبیات، رجال، حدیث، درایه، ریاضی و هیئت تبحر داشت و در اخلاقیات از نوادر بود. پس از سفر علمی طولانی به شهرهای مختلف در اصفهان مقیم شد و اهل علم و دانش‌پژوهان گردش جمع شدند و ریاست و زعامت به طور کامل به وی منتقل شد. حاج محمد ابراهیم

اصفهانی قزوینی و میرزا محمد رضوی و ملا محمدعلی محلاتی و سید فضل‌اللّٰه استرآبادی و شیخ علی نخجوانی و سید محمدتقی زنجانی و ملا محمد رفیع گیلانی و حاج عبدالباقی کاشانی و سید محمدعلی ابرقویی از شاگردان و راویان وی بودند. وی در اصفهان درگذشت و در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و به مسجد سید مشهور است، و دارای مدارس و حجره‌هایی برای طلاب می‌باشد، دفن شد. از آثارش: کتاب «السوال و الجواب»؛ «مطالع الانوار»، در فقه که شرح «شرایع» محقق است؛ «تحفه الابرار»، به فارسی، در احکام شرعیه؛ رساله‌ای در «مناسک حج»؛ رسائلی در «فقه» و «رجال» که بطور تحقیقی نگاشته شده است؛ «الزهره البارقه فی احوال المجاز و الحقیقه»؛ «قضاء و شهادات استدلالی»؛ «وجوب اقامه‌ی حدود در زمان غیبت بر فقها و مجتهدین»؛ «اصحاب الاجماع»؛ «تمییز مشترکات الرجال»؛ «الاجازات»؛ «آداب الصلاه اللیل و فضلها».[۱]

شفتی، سید محمدباقر بن تقی موسوی شفتی از بزرگان علمای امامیه (ف. اصفهان ۱۲۶۰ ه.ق.). وی فقیه اصولی، ادیب نحوی، رجالی و ریاضی و شاگرد بهبهانی و بحرالعلوم سید مهدی و کاشف الغطاء شیخ جعفر و ملا مهدی نراقی و میرزای قمی و غیره بود. آثار عمده او عبارتند از: آداب صلوهٔ الیل و فضلها، الاجازات، الاستقبال فی شرح مبحث القبلهٔ من التحفهٔ، اصحاب الاجماع، اصحاب العدهٔ للکینی، تحفهٔ الابرار در احکام شرعی (فارسی)، تمییز مشترکات الرجال و رساله‌های بسیار در تحقیق حال رجال حدیث امامی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۸/ ۹)، الذریعه (۱۴۹/ ۱۱، ۱۲/ ۲، ۸۱/ ۱)، روضات الجنات (۱۰۲ -۹۶/ ۲)، ریحانه (۲۶/ ۲)، شرح حال رجال (۳۰۵ -۳۰۴/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶ -۱۹۲/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۷۴ -۱۷۳/ ۲)، لغت نامه (ذیل/ حجهٔالاسلام)، معجم المؤلفین (۹۶/ ۹)، مکارم الآثار (۱۶۱۴/ ۵).

شفتی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی شفتی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در دی ماه سال ۱۳۵۵ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم کتب مقدمات حوزه را در نزد بعضی از اساتید مدرسه و عمده آن را در خدمت حضرت آیت الله آقای حاج سید حسن فقیه امامی خواندم. (معالم الدین ـ المنطق ـ حاشیه ملاعبدالله و شرح لمعه) دوره سطح (فرائد الاصول ـ مکاسب ـ کفایهٔ الاصول) و کتاب المطول را نزد حضرت آیت الله آقای حاج شیخ ابوالقاسم انصاری (از اسباط مرحوم شیخ اعظم انصاری) خواندم ناگفته نماند که بعضی از قسمت‌های این کتاب‌ها را نزد اساتید دیگری که در اصفهان بودند می‌خواندم و از محضرشان استفاده می‌بردم. دوره خارج فقه را در سال ۱۳۶۸ در محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی از کتاب الخمس شروع کردم و تا پایان عمر با برکت ایشان در بحث فقه و

درس‌های اخلاق ایشان شرکت کرده و استفادها می‌بردم تقریرات بحث فقه ایشان را نوشته‌ام و بحث‌های اصولی آن مرحوم را از کتاب الهدایهٔ فی الاصول استفاده و مطالعه می‌نمودم. در سال‌های اخیر که حضرت آیت الله مظاهری به اصفهان آمده‌اند فرصت را غنیمت شمرده و از بحث اصول ایشان که متن آن کتاب کفایه بوده شرکت کردم که تقریباً یک دوره کامل اصول بود خواندم و سپس در بحث‌های فقهی ایشان شرکت کردم و بعضی از ابواب فقهی را استفاده می‌بردم. در خلال سال‌هایی که در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل و تدریس کتب مختلف حوزوی بودم از نوارهای درس اساتید حوزه مشرفه و مبارکه علمیه قم استفاده می‌نمودم و درس خارج اصول مرحوم آیت الله تبریزی(ره) قسمت الفاظ آن را نوشته و مطالعه می‌کردم. در سال‌های مختلف تحصیلی بر تدریس کتاب‌های (جامع المقدمات ـ سیوطی ـ مغنی اللبیب ـ حاشیه ملا عبدالله ـ المنطق مرحوم مظفر و اصول الفقه ایشان و کتاب‌های شرایع الاسلام و شرح لمعهٔ) برای طلاب و محصلین علوم حوزه مشغول بوده و درس‌های مختلف و کتاب‌های غیردرسی را با بعضی از فضلای حوزه مباحثه داشته و دارم. این بود شمّه‌ای از گزارش تحصیلی و عملکرد علمی اینجانب در طول زندگی حوزوی اینجانب و اکنون کم و بیش مشغول تحصیل و بیشتر به تدریس در حوزه مشغول می‌باشم و در کنار آن به جمع‌آوری آثار و تألیفات سلف صالح خویش، علماء أتقیاء و صلحاء بزرگوار یعنی مرحوم آیت الله العظمی علامه بزرگوار السید محمدباقر الشفتی المعروف به (حجهٔ الاسلام) می‌باشم و تاکنون چندین مجلد از تألیفات آن بزرگوار و فرزند برومند و دانشمند ایشان یعنی مرحوم حاج سید اسدالله(ره) جدّ بزرگوار و عالی‌مقام حقیر که بعضی از تألیفات و آثار ایشان نیز به طبع رسیده است که در صفحه قبل مشروح آن نوشته شد.

شفقت، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی شفقت

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۵/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد علی شفقت در اول مرداد سال ۱۳۴۶هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان شیراز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شیراز گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح

عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مومن، آیت الله زبرجد، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۳از دانشگاه آزاد جیرفت فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"تطبیق و مقارنه فقهی ازدواج موقت در مذاهب خمسه "دفاع کرد استاد هم اکنون به امر تدریس در دانشگاه آزاد بندر عباس و دانشگاه هرمزگان اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" تطبیق مقارن فقهی ازدواج موقت "و"درختواره تاریخ فقه"را به رشته تحریر در آورده است.

شفیعی سروستانی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم شفیعی سروستانی

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ابراهیم شفیعی سروستانی در سال ۱۳۴۳هجری شمسی در شیراز به دنیا آمد. با پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۲، دروس حوزه را در همان شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۶۵ پس از گذراندن دروس مرحله اول سطح، برای ادمه تحصیل به شهر مقدس قم مهاجرت نمود. همزمان با گذراندن دوره اول خارج فقه و اصول و اخذ مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم(معادل دکترا) تحصیلات دانشگاهی را نیز تا مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی به پایان رساند.حوزه تخصصی مطالعه و پژوهش نامبرده،فقه جزایی اسلام، مباحث زنان و موضوع مهدویت است و در این زمینه ها تا کنون آثار متعددی به صورت کتاب و مقاله توسط ایشان تدوین و منتشر شده که چهار مورد از آنها به عنوان پژوهش برگزیده، تشویقی و برتر سال انتخاب شده است.

شفیعی همدانی، علی اصغر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در همدان متولد شد. در همان شهر در مهد تربیت پدرش، آقا شیخ ربیع همدانی، که از علمای همدان بود به تحصیل مقدمات و اصول پراخت. پس از پایان سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّٰه حائری و آیت‌اللّٰه حجت و آیت‌اللّٰه آقا شیخ محمدعلی حائری قمی استفاده برد. پس از دوازده سال اقامت در شهر قم و تحصیل علم به

زادگاهش بازگشت و به اقامه‌ی نماز جماعت و تبلیغ دین و تدریس فقه و اصول پرداخت. از آثارش: تفسیر و شرح «سوره مبارکه یس»؛ تفسیر «سوره الرحمان و سوره نبا»؛ «اسرار الصلاه»؛ کتابی در «اخلاقیات»؛ حواشی بر «عبادات عروه الوثقی» با ذکر ادله اجمالیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۴۱۲ -۴۱۱ /۷).

شفیعی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس شفیعی

محل تولد : سمیرم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ ـ ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شدم . در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا تحصیل حوزوی را آغاز نمودم . دو سال در کاشان در مدرسه آیت الله یثربی بودم و از افاضات اساتید آنجا استفاده نمودم . بعد وارد حوزه علمیه قم شده و الان مدت ۱۰ سال است که در دروس خارج فقه و اصول از آیات عظام سبحانی ، تبریزی و وحید خراسانی شرکت نموده و از فیوضات علمی این بزرگواران بهره مند می شوم . درسال ۱۳۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی شدم و در پایان نامه ارشد با عنوان "استراتژی رهبری امام خمینی (ره ")به عنوان پایان نامه برتر دانشجویی در هفدهمین حوزه پایان نامه سال دانشجویی پذیرفته شدم. تحقیقات خود را در زمینه علوم اسلامی و انسانی به ویژه در مدیریت اسلامی آغاز کردم و در زمینه شاخه های دیگر دینی مانند زندگانی ائمه اطهار (ع) و بیوگرافی علمای شیعه و مباحث تربیت دینی نیز مجموعه هایی را تدوین نموده و در مراکز مختلف از جمله بیمه ایران به چاپ رسانده ام .

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی

روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸ -۱۲۵۵ /۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳ -۲۰۲ /۶).

شمس الدین، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدحسن شمس الدین

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسن شمس الدین در سال ۶۴ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه مقدس در اراک شدم و دو سال مقدمات را در آنجا بودم و سال سوم یعنی ۶۷ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم تا بحال این توفیق را دارم در سال ۶۸ در مقطع کارشناسی به دانشگاه شهید بهشتی تهران رفته و با رشته ادبیات عرب را در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۵ موفق به سطح سه حوزه شدم و همزمان سال وارد دروس تخصصی حوزه شدم که ۲ سال آن در دفتر تبلیغات و چهار سال در مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآنی سطح چهار را با پایان نمه آفرینش در قرآن و عمدین به پایان رساندم در طول این سالها در مراکزی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد و پیام نور واحد نراق و ساوه و سپاه تدیس داشته ام و در بخش تحقیق و بررسی علمی در موسسه دائرهٔ المعارف فقه اهل بیت و پژوهش مرکز تحققاتی قضائی و مرکز تحقیقاتی امام حسن عسکری علیه السلام چند سالی مشغول بوده که حاصل آن کتب و مقالاتی بودکه نوشتم.

شمس الدین، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی شمس الدین

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد سید مهدی شمس الدین فرزند واعظ شهیر جناب حجهٔ الاسلام والمسلمین مرحوم حاج سید صادق شمس الدین در روز هفدهم دی ماه سال ۱۳۳۷ در استان قم متولد شد . پس از اتمام مقطع ابتدایی در دبستان امیرکبیر به حوزه علمیه قم وارد و همزمان با تحصیل در حوزه ، دروس متوسطه را نیز در دبیرستان صدوق قم ادامه داد . سالیان اولیه را در مدرسه علمیه حقانی و چند سالی هم در مدرسه آیه الله گلپایگانی ادامه تحصیل داد. و اینک بیش از بیست سال است در حلقه درس خارج حوزه مشغول تحصیل است . قبل از پیروزی انقلاب و سالهای اولیه انقلاب ، و نیز انجام وظیفه در صحنه تبلیغی داخل و خارج کشور ، سالهاست به امر نویسندگی و تألیف و تصنیف اشتغال دارد که حاصل آن دهها کتاب چاپ شده یا در شرف چاپ ، ونیز ارائه دهها مقاله است که در روزنامه ها و مجلات رسمی کشور به چاپ رسیده و یا در کنگره ها و سمینارهای مختلف عرضه شده است .

شمس ناتری، محمدابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم شمس ناتری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دکتر محمد ابراهیم شمس ناتری در سال ۱۳۵۸ در رشته ریاضی فیزیک در شهر چالوس فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۵۹ جهت تحصیل علوم حوزوی به قم مهاجرت کرد و در طول مدت ۷ سال دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه قم را نزد اساتیدی از قبیل حضرات آیات و حجج اسلام آل غفور ، اعتمادی، سید علی آقا محقق داماد و محفوظی با موفقیت به پایان برده و از سال ۱۳۶۶ به دروس خارج حوزه مشغول شدند. دروس خارج فقه و اصول را در محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات عظام منتظری، وحید خراسانی، سبحانی و مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی گذراندند.ایشان در سال ۱۳۶۷ با شرکت در کنکور سراسری دوره کارشناسی در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شده و دروس دانشگاه را در جنب دروس حوزوی گذراند و در

سال ۱۳۷۱ با کسب رتبه اول کنکور سراسری کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران به تحصیل مشغول گردید. در سال ۱۳۷۵ و با دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد در امتحانات ورودی دوره دکتری همین دانشگاه پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله دکتری تحت عنوان « سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین المللی » در رشته حقوق جزا و جرم شناسی فارغ التحصیل شده و با عنوان استادیاری به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران ـ پردیس قم ـ نائل گردید و هم اینکه عضو هیئت علمی دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران می باشد. دکتر شمس علاوه بر تدریس دروس حقوقی در دانشگاههای مختلف دارای آثار و تألیفات متعددی نیز بوده و در کنفرانسهای بین المللی متعددی نیز حضور فعّال داشته است.

شمس، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید شمس

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب سعید شمس فرزند محمد در سال ۱۳۴۵ در یکی از بزرگترین محله‌های شهرستان مسجد سلیمان به دنیا آمده خانواده ما از قشر کم در آمد و پایین‌تر از متوسط بود پدرم خیاط بود. دوران ابتدایی را در دبستان نوروز در همان محله گذراندم و دوران راهنمایی را در مدرسه ابو ریحان بودم که سال دوم راهنمایی درگیری‌های انقلاب آغاز شد با همان سن پایین در حد خودم در تظاهراتها شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۵۹ همزمان با آغاز جنگ تحمیلی وارد هنرستان فنی شریف واقفی شهرستان شده و در دوران دو سال تحصیل، عضو فعال انجمن اسلامی بودم. سپس جذب اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی که آن زمان کانون انجمن دانش‌آموزان بود شده و مسئولیت کتابخانه را عهده دار شدم. علت این علاقه وافر اینجانب از دوران کودکی به کتاب بود که برخلاف کودکان هم سن و سال خودم همواره از پدرم درخواست می‌کردم برایم کتاب بخرد. در سال ۱۳۶۱ هنرستان را رها کرده وارد حوزه علمیه المهدی در مسجد سلیمان شدم. ابتدا دروس مقدماتی را در این مدرسه فراگرفتم از جمله اساتید اینجانب استاد میری، واعظی، شیروانی، مهریزی و... بودند.

شمسی قارند، قدیرعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدیر علی شمسی قارند

محل تولد : اصفهان

شهرت : شمس

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذوالفقار) شدم. ادبیات و معالم و اصول الفقه و لمعتین و بخشی از مکاسب و رسائل را در محضر اساتید آن حوزه فرا گرفته و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و بقیه سطوح عالیه را در محضر اساتید بزرگوار حجج اسلام دوزدوزانی، اعتمادی، استادی، گنجی، به پایان رسانده و سپس در درس خارج استاد آیت الله تبریزی یک دوره کامل اصول و بخش های از کتاب الطهارهٔ و کتاب الصلاهٔ را حدود ده سال از محضر آن بزرگوار بهره بردم و در اواخر همین دوره در موسسه تحقیقاتی بقیهٔ الله در زمینه فقه و اصول از محضر اساتید راهنمای آن موسسه استفاده کرده و رساله های فقهی چند تالیف کردم.

همزمان در جلسات فقهی استاد گنجی دام ظله که جلسات گفتگو و مباحثه بود شرکت کرده . صلاهٔ مسافر بخشی از کتاب الصدم و تمام کتاب الحج و مضاربهٔ و اخیراً هم کتاب الاجارهٔ را به همراه بررسی مباحث حقوقی روز در محضر آن بزرگوار بررسی نموده و می نمایم.

در یکی دو سال اخیر در موسسه بقیهٔ اله به تدوین شرحی کامل بر وسائل الشیعهٔ زیر نظر استاد بزرگوار شب زنده دار مشغول بوده و در رابطه با شرح متن روایت همکاری می نمایم.اینجانب سالها به صورت موردی و برای نفراتی محدود به تدریس اصول الفقه ، رسائل، مکاسب ، لمعه اشتغال داشته و چندین سال است که در مدرسه فقهی امام باقر علیه السلام به تدریس مکاسب و همینطور بعنوان استاد راهنما همکاری دارم.

شهرستانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در نجف به دنیا آمد، و در همان شهر نشو و نما یافت. پدرش، سید علی‌اصغر، از علمای بزرگ نجف و از مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله‌ی شهرستانی بود. پس از گذراندن دوران سطوح از محضر آیت‌اللَّه شیخ ابوالحسین مشکینی و آیت‌اللَّه نایینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود تا به مدارج کمال رسید. وی از همه اساتیدش دارای اجازه اجتهاد بود. وی سالهای متمادی در مدرسه‌ی فیروزآبادی تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و در مسجد سنگی مولوی اقامه جماعت می‌نموده است. از آثار وی: «تقریرات» درس استادش مشکینی؛ شرح «وقت و قبله لمعه»؛ «تضویح الکفایه»، در شرح «کفایه الاصول»؛ رساله «الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم»؛ رساله‌ای در «عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری».[۱]

حاج سید احمد شهرستانی ابن العالم الجلیل آیت‌اللَّه حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء ابرار و دانشمندان اخیار و پرهیزکار معاصر تهرانست.

وی در ۱۹ ذیقعده‌الحرام ۱۳۲۴ قمری در نجف اشرف متولد شده و در مهد علم و تقوی پرورش یافته و پس از دوران سطوح از محضر مرحوم آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نموده تا بمدارج علم و کمال رسیده و از نامبردگان در سال ۱۳۵۰ مفتخر به دریافت اجازه اجتهاد گردیده و موفق بجمله‌ای از تحریرات و تألیفاتی که ذیلاً می‌نگارم گردیده است و آنها از این قرار است:

۱- شرح وقت و قبله لمعه که در سال ۱۳۴۶ قمری فارغ شده ۲- توضیح الکفایه شرح بر کفایه الاصول ۳- رساله الصراط الاقوم لبطلان الصلوه فی الخیط من الابریسم در سال ۱۳۵۲ قمری فراغت یافته ۴- رساله در عدم مشروعیت جمعه و عیدین در غیبت کبری در سال ۱۳۵۴ اتمام یافته است.

نگارنده گوید مترجم گرامی ما آقای شهرستانی از علماء با تقوا و فضیلت و دارای مکارم اخلاق و محامد آداب است و سالهای متمادیست که در مدرسه فیروزآبادی در خیابان سیروس بتدریس فقه و اصول اشتغال دارند و در مسجد سنگی واقع در خیابان مولوی اقامه جماعت نموده و بنشر معارف اسلامی و وظائف روحی و دینی موفق می‌باشند و بیت جلیل معظم له از بیوتات اصیله روحانیت و سر سلسله آنها مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا شهرستانی بزرگ بوده که بر جنازه مرحوم آیت‌الله علامه بحرالعلوم نماز خوانده و در سال ۱۲۱۶ وفات و ترجمه‌اش در اغلب کتب رجالی موجود و اعلام این طایفه ذکرشان در کتب تراجم منتشر و از آنها مرحوم والد ماجدش حجهٔ‌الاسلام والمسلمین علم الاعلام آیت‌الله حاج سید علی اصغر شهرستانی از علماء بزرگ نجف و مشاهیر دانشمندان عراق و سلسله شهرستانی بوده و ترجمه‌اش در اعیان الشیعه آیت‌الله حاج سید محسن امین و اعلام‌الشیعه آیت‌الله آقا بزرگ تهرانی و سایر کتب مسطور است.

فرزند آن بزرگوار جناب حجهٔ‌الاسلام آقای حاج سید احمد شهرستانی از افاضل این دودمانست که سالها در قم از محضر آیات کسب فیض و علم و کمال نموده و اکنون به انجام وظائف دینی و روحی اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/۱۵، ۱۷۰/۱۴، ۴۹۴/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۷۲/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۸ -۴۹۶ /۴).

شهرستانی، هبهٔ‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۶ -۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبهٔ‌الدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت

فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخسین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیة» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملك فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در ۱۳۴۰ ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در ۱۳۴۲ ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در ۱۳۵۲ ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبةالجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاك سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة والامة»؛ «الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة»؛ «الجان والجن»؛ «حکمة الاحکام»؛ «الشریعة والطبیعة»؛ «فغان اسلام» یا «دعوةنامه»؛ «ماهو نهج‌البلاغة»؛ «المعارف العالیة للمدارس الراقیة»؛ «ثقاة الرواة»؛ «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»؛ «نقض الفرض فی اثبات حرکة الارض»؛ «نهضة الحسین (ع)»؛ «الهیة والاسلام»؛ تفسیر سوره‌ی «الواقعة»؛ «توحید اهل التوحید»؛ «المرجانیة»، در تلخیص «دلائل الخیرات»؛ «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»؛ «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»؛ «اشاعة النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۶۱/ ۱۰)، الذریعه (۲۶۰ -۲۵۹/ ۲۵ ، ۴۳۰ ، ۲۹۰/ ۲۴ ، ۲۴۳ ، ۲۳۰/ ۲۳ ، ۳۰۲/ ۲۰ ، ۳۲/ ۱۹ ، ۲۷۸ ، ۲۷۷ ، ۱۰۶ -۱۰۵ ، ۳/ ۱۶ ، ۱۸۳/ ۱۴ ، ۱۰۱ ، ۳۸ -۳۷/ ۱۲ ، ۲۵۷ ، ۱۳۹/ ۱۱ ، ۱۸۹ ، ۴۴/ ۱۰ ، ۸۷/ ۸ ، ۳۷۸/ ۶ ، ۷۷ ، ۷۶ ، ۸/ ۵ ، ۴۸۴ ، ۲۲۹/ ۴ ، ۴۸۷ -۴۸۶ ، ۱۳۰ ، ۶۳/ ۳ ، ۴۸۱ ، ۲۱۴ ، ۹۹/ ۲)، ریحانه (۳۵۲ -۳۵۰/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴۱۸ -۱۴۱۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۱ -۲۰۱)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۷۶۲ -۷۶۱/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵ -۲۸۲/ ۴).

شهریاری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید شهریاری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیك، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره- جوائزی دریافت کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به

مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیة الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیة الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)،معاون پژوهشی آن سازمان ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می گوید.

شهشهانی اصفهانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۸۹/۱۲۸۷ ق)، عالم، فقیه، اصولی و شاعر امامی. وی از محله‌ی شهشهان اصفهان بود به همین جهت به شهشهانی مشهور شده بود. از معاصرین صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری و از شاگردان صاحب «ریاض» و فاضل اردکانی و سید مجاهد و حاجی کلباسی بود. میرزا محمدحسن شیرازی و سید محمدباقر خوانساری، صاحب « روضات الجنات»، و دیگران از شاگردان وی بودند. در عصر خود ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را بر عهده داشت و تدریس و فتوی آن شهر منحصر به او بود. وی در تخت فولاد اصفهان مدفون است از آثار وی: «الارجوزه الفقهیه»؛ «انوار الریاض» که حاشیه‌ی «ریاض المسائل» استادش، در هشت مجلد؛ «جامع السعاده» که رساله‌ی عملیه اوست؛ «جنه الماوی» که منظومه‌ایست در فقه، «العروه الوثق»، در فقه؛ «الغایه القصوی»، در اصول؛ «انیس المتقین»، در گناهان کبیره؛ حاشیه بر «قوانین» به نام «رضوان الاملین»، در دو مجلد؛ «عیشه الراضیه»، در فقه شیعه، به فارسی؛ «منظومه» عربی در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، تذکره القبور (۴۸۸ -۴۸۷)، الذریعه (۳۶۴/۱۵، ۲۴۰/۱۱، ۴۲۷/۲)، ریحانه (۲۷۵/۳)، فوائد الرضویه (۵۵۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۷ -۳۷۶ /۲)، معجم المؤلفین (۱۷۲/۱۰)، هدیه الاحباب (۱۶۵).

شیخ الرئیسی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد شیخ الرئیسی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد شیخ الرئیسی در سال ۱۳۲۰ در خانواده ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی و دوستدار خاندان پاک نبوت و امامت در کرمان دیده به جهان گشود ، دوران ابتدائی ، راهنمای و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاردند و در سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه کرمان گردید پس از مدتی تحصیل در کرمان در سال ۱۳۵۵ که اوج مبارزات مردم و روحانیت علیه رژیم ستم پیشه شاهنشانی بود وارد حوزه علمیه قم گردید تا در کنار تحصلات حوزوی به جرگه معترضین به رژیم شاه بپیوندد . در قم از محضر بزرگان علم و اخلاق همچون مرحوم آیت الله مشکینی و منتظری بهره ها برد.

در کنار تحصیلات حوزوی در سال ۱۳۷۸ در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد تهران فارغ التحصیل شد و از پایان نامه خویش با عنوان شعرای شیعه در اثر عباسی اول با موفقیت دفاع کرد، و در کنار تحصیل علاوه بر تدریس به امر پژوهش هم اشتغال دارد که در این زمینه آثاری را هم در مجلات و روزنامه های کشور به زیور طبع آراسته است.

شیخ‌الاسلام تبریزی، محمود

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۰ -۱۲۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مفسر، محدث و ادیب امامی. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری کتب مقدماتی، عربی و فارسی، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و در آنجا در نزد شیخ انصاری و حاج شیخ مهدی آل‌کاشف الغطاء و فاضل ایروانی و شیخ محسن خنفر و شیخ مشکور و دیگران درس خواند. پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش بازگشت و مورد توجه خاص و عام گردید. در ۱۲۸۲ ق پس از وفات برادرش میرزا شفیع به منصب شیخ‌الاسلامی رسید. شیخ‌الاسلام علاوه بر مراتب علمی قریحه‌ی شعری نیکویی داشت و اشعار لطیفی از خود بجای گذاشت. وی سفری از تبریز به نجف و از آنجا به مکه کرد و در حال حج‌گزاری از دنیا رفت و در قبرستان ابوطالب (ع) دفن شد. از آثار وی: «درایه الحدیث»؛ «دکه القضاء»، در شهادت و قضاء؛ «رساله‌ی مشتقات»؛ «حقایق القوانین» که حاشیه‌ی «قوانین الاصول» است؛ «تمییز الصحیح من الجریح»، در تعادل و تراجیح؛ حواشی بر «مجمع البحرین» طریحی؛ «کاشفه الکشاف»، حاشیه بر «کشاف» زمخشری؛ «مفتاح البسمله»؛ «منتهی المقاصد»، در علم نحو؛ «مواقع النجوم فی مشکلات العلوم» یا «غایه الاملین»، در حل مشکلات آیات؛ «المنهل الصافی»، حاشیه بر «تفسیر صافی»؛ رساله‌ای در «عدم حجیت اصول مثبته»؛ «عجب العاجب»، در مساله اجرت بر واجب؛ «ابداء البداء»، در حقیقت قدر و قضا.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۵۵/۸)، اعیان الشیعه (۱۰۷/۱۰)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۸)، الذریعه (۲۳۰/۲۳ ، ۴۱/۲۱، ۶/۱۶، ۲۲۰/۵ ، ۶۴/۱)، ریحانه (۲۹۸ -۲۹۶ /۳)، علماء معاصرین (۴۴ -۴۰)، معجم المؤلفین (۱۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۱۱۲۵ -۱۱۲۳ /۴).

شیخانی، علی باقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی باقر شیخانی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای استان گیلان در اطراف رشت به دنیا آمده و از سن هفت سالگی به مدرسه رهسپار گردیدم و در سال ۱۳۶۱ در رشته اقتصاد اجتماعی دیپلم گرفتم.

در سال ۱۳۶۱ برای فراگیری علوم دینی رهسپار شهرستان رشت شده و در حوزه علمیه امام صادق (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به تحصیل پرداختم اما پس از یک سال به شهر تهران رفته و در حوزه علمیه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شدم اما پس از یک سال به دلیل اختلاف در مدیریت مدرسه آن را ترک گفته وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) وابسته به برادران باقری بنابی شده و تا سال ۶۶ در آن حوزه علمی تا پایان جلد اول لمعه را فرا گرفتم

در سال ۱۳۶۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم وارد شدم و از محضر اساتید بزرگوار آن بهرهمند گردیدم و در ابتدا اصول فقه مرحوم مظفر را نزد استاد علی محمدی خراسانی فرا گرفتم همچنین برخی از ابواب جلد دوم لمعه را نزد ایشان و استاد شب زنده دار و استاد احمد خاتمی و مرحوم وجدانی فخر تلمذ نمودم پس از آن مکاسب محرمه و کتاب بیع را نزد مرحوم احمد پایانی و کتاب رسائل را نزد استاد اعتمادی فرا گرفتم و کتاب خیارات مکاسب را نزد استاد عباس محفوظی فرا گرفتم و پس از آن کتاب کفایه را نزد مرحوم صالحی مازندرانی و استاد مهدی هادوی آموختم.

در ضمن این سالها به دروس فلسفه منظومه استاد احمد بهشتی و درس اسفار استاد جوادی آملی و استاد حسن ممدوحی و استاد نکونام شرکت جستم.

از سال ۷۱ به بعدتا کنون در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت داشته و در دروس خارج فقه اساتید بزرگوار مشکینی ، بهجت ، محقق داماد ، موسوی اردبیلی ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی، و نوری همدانی شرکت جسته بهرهمند گردیدم.

همچنین در سال ۷۲ در اولین دوره رشته تخصصی تبلیغ شرکت جسته و با موفقیت به پایان رسانده و مشغول تالیف پایان نامه سطح چهارم آن می باشم همچنین در رشته تخصصی مذاهب اسلامی دوره پنجم آن شرکت جسته در سال ۸۱ به پایان رسانده ام.

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰ -۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[۱]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق./ ۱۵۴۶ م.- ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق./ ۱۶۲۲ م.) پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصهٔ‌الحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷ -۹۲۶ /۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹ -

۲۷۷ /۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷ -۱۰۳۹ /۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵ -۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲ -۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱ -۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۵۰۶ -۴۹۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳ /۹، ۲۴۱ -۲۴۰ /۶، ۲۲۵ -۲۲۴، ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۳۰۲ /۶، ۳۰۱ -۶۳، ۶۲ -۵ /۵، ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶ -۱۸۵ /۴، ۴۲۵، ۳۶ -۳۵ /۳، ۴۲/۲، ۱۱۸ -۱۱۷، ۱۱۵، ۸۵ /۱)، روضات الجنات (۸۰ -۵۴ /۷)، ریاض العارفین (۴۹ -۴۵)، ریاض العلماء (۹۷ -۸۸ /۵)، ریحانه (۳۲۰ -۳۰۱ /۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲ -۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴ -۳۸۳)، شخصیتهای نامی (۲۷۳ -۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸ -۸۵ /۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷ -۱۵۵ /۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱ -۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸ -۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱ -۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹ -۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵ -۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲ -۴۲۱ /۵)، مجمع الخواص (۴۱ -۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵ -۱۲ /۴)، مطلع الشمس (۳۸۸ -۳۸۶ /۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶ -۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵ -۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶ -۱۴۳).

شیرازی، ابومحمد، حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. مشهور به میرزای مجدد، زیرا که در آغاز قرن سیزدهم قمری مجدد مذهب جعفری بوده است. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی دایی خویش ، سید میرزا حسین موسوی مجد الاشراف، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمدتقی رازی، صاحب «حاشیه بر معالم»، و سید حسن مدرس بیدآبادی و حاج ابراهیم کرباسی استفاده نمود و قبل از بیست سالگی از مدرس بیدآبادی به دریافت اجازه نایل آمد. او مدتی در اصفهان به تدریس پرداخت و جماعتی از مجلس درس او بهره بردند. در ۱۲۵۹ ق به عراق رفت و در نجف در محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ حسن آل کاشف الغطاء، صاحب «انوار الفقاهۀ»، و در کربلا در محضر سید ابراهیم، صاحب «ضوابط»، تلمذ نمود. پس از درگذشت استادش، صاحب «جواهر»، در درس شیخ انصاری شرکت نمود و مدتها بحثهای او را در فقه و اصول ملازمت کرد و در بین چند صد نفر از شاگردان شیخ شاخص شد. پس از درگذشت شیخ انصاری در ۱۲۸۱ ق، وی عهده‌دار مرجعیت دینی گردید. در ۱۲۹۱ ق به سامرا رفت و در آنجا تشکیل حوزه‌ی درس داد. میرزا محمدتقی شیرازی، آخوند خراسانی، علامه سید محمدکاظم یزدی، حاج سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، میرزا محمدحسین نایینی، حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی، حاج آقا رضا همدانی، حاج سید اسداللّه اصفهانی، حاج شیخ فضل‌اللّه نوری، حاج میرزا ابوالفضل کلانتری، حاج شیخ احمد شانه‌ساز و سید میرزا حسین علوی از شاگردان او بودند. در اواخر عمرش، زعامت شیعه در او منحصر گشت و این امر برای کمتر زعیمی در طول تاریخ شیعه اتفاق افتاده است. وقتی در رجب ۱۳۰۸ ق، ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تنباکوی ایران را به تالبوت واگذار کرد و به خواسته مردم و رهبران دینی که خواستار لغو چنین امتیازی بودند وقعی ننهاد، میرزای شیرازی طی حکمی در چند کلمه استعمال دخانیات را تحریم کرد. این واقعه به نهضت تحریم تنباکو معروف گشت. میرزا در اثر بیماری سل در سامرا درگذشت و طبق وصیت او، پیکرش را به نجف منتقل و در حرم امیرالمؤمنین (ع) دفن کردند. از آثارش: حاشیه بر «نجات العباد» شیخ محمدحسن نجفی؛ حاشیه بر «النخبۀ» ملا محمد ابراهیم کرباسی؛ کتابی در «طهارت»؛ رساله در «رضاع»؛ کتابی در «فقه»، از اول مکاسب تا آخر معاملات؛ تلخیص «افادات» شیخ انصاری؛ رساله «اجتماع الامر

و النهی».[۱]

محمدحسن بن میرزا محمود بن میرزا اسماعیل بن السید فتح‌اللَّه بن سید عابد بن لطف‌اللَّه بن محمد مؤمن الحسینی الشیرازی نجفی اعظم و اشهر و اعلی مرجع امامیه در تمام بلاد اسلامیه در زمان خودش در ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۲۳۰ قمری در شیراز متولد شد و در آنجا مقدمات و ادبیات و سطوح وسطی را خوانده در سن ۱۷ سالگی به اصفهان آمده و به درس علامه بزرگ شیخ محمدتقی (صاحب حاشیه معالم‌الاصول) آمده و درین ۲۰ سالگی به درس علامه ورع شیخ محمدابراهیم کلباس شرکت نموده تا یکی از مدرسین فاضل اصفهان گردیده جماعتی از فضلاء از محضرش استفاده نموده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف در سال ۱۲۵۹ ق نموده و به درس صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف‌الغطاء مؤلف (انوارالفقاهه) حاضر شده و پس از آنها عمده استفاده‌اش از علامه شیخ مرتضی انصاری و در میان تلامذه شیخ موجه و مشار بالبنان بوده است و کراراً شیخ می‌فرموده من برای سه نفر مباحثه می کنم میرزا محمدحسن شیرازی (مترجم معظم ما) و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و آقا حسن تهرانی و بعد از فوت شیخ در سال ۱۲۸۱ ق مردم متوجه به میرزا شده و همه شاگردان شیخ وی را بر خود مقدم داشته تا زعامت عامه و ریاست عامه به آنجناب منتهی شده و در سال ۱۲۸۷ ق در عصر شریف عبداللَّه الحسنی مشرف به مکه گردیده و در خانه موسی بغدادی وارد شده و وقتی شریف مکه یعنی پادشاه حجاز از ورودش مطلع شد وقتی معین کرد که میرزا به ملاقات او برود. میرزا به او جواب داد: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله. (اذا رایتم العلماء علی ابواب الملوک فقولوا بئس العلماء و بئس الملوک و اذا رأیتم الملوک علی ابواب العلماء فقولوا نعم العلماء و نعم الملوک).

وقتی که دیدید دانشمندان و علماء را که به دربار سلاطین رفت و آمد می کنند. بگوئید که چه بد علمائی هستند و چه بد ملوکی می‌باشند و بالعکس هنگامی که دیدید پادشاهان به منزل علماء آمد و شد می کنند بگوئید چه خوب علماء و چه خوب سلاطینی هستند. پس وقتی این جواب به شریف رسید فوراً به زیارت آن بزرگوار مشرف شد.

آثار و خدمات آنجناب به عالم تشیع بسیار است یکی از آنها تشکیل حوزه علمیه و بناء مدرسه در سامره بود که این شهری که مدفن دو امام معصوم و خاندان جلیلشان می‌باشد و زادگاه حضرت ولی عصر عجل اللَّه فرجه الشریف است از ناامنی و خطر نواصب و متعصبین اهل سنت مصون شود و شیعیان با اطمینان خاطر برای زیارت و بیتوته در این مقام شریف مشرف شوند.

و دیگر از خدمات ایشان تحریم تنباکو و لغو شدن امتیازاتی که استعمارگران غربی از ناصرالدین شاه قاجار گرفته بودن و اثر این مسئله که کتابها در این موضوع نوشته شده و تفصیل این مطالب مربوط بکتب مبسوطه دیگر است و علامه تهرانی صاحب الذریعه کتابی بنام (هدیة الرازی الی مجدد الشیرازی) نوشته و در آن بسط کلام داده است. آن بزرگوار در شب چهارشنبه ۲۴ شعبان ۱۳۱۲ بکسالت سل از دنیا رفت و جنازه‌اش را مردم با دوش از سامره به نجف اشرف که بالغ بر چهل فرسخ است حمل کردند و در صحن شریف مقبره جنب باب طوسی دفن نمودند.

حاج میرزا محمدحسن بن میرزا محمود بن محمد اسماعیل حسینی شیرازی (ف. ۱۳۱۲ ه.ق)، از علمای عالیقدر شیعه. میرزا در اوایل زندگی در سال ۱۲۴۸ ه.ق از مولد خویش شیراز به اصفهان آمد و نزد علمای آن شهر به تحصیل علوم عقلیه و نقلیه پرداخت و از آنجا در ۱۲۵۹ ه.ق به عتبات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تلمذ پرداخت. در سال ۱۲۹۱ ه.ق در سامره اقامت نمود و در آنجا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا اینکه در ۱۳۱۲ ه.ق بدرود حیات گفت و جنازه‌اش را به نجف حمل کرده و به خاک سپردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۱۰ -۳۰۴/ ۵)، الذریعه (۹۱/ ۲۴ ،۲۲۷/ ۶)، ریحانه (۶۸ -۶۶/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۱ -۴۳۶/ ۱۴)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۹۳)، الکنی و الالقاب (۲۲۳ -۲۲۲/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ حسن شیرازی)، معجم المؤلفین (۲۹۳ - ۲۹۲/ ۳)، مکارم الآثار (۸۹۰ -۸۸۳/ ۳)، میرزای شیرازی.

شیرازی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله شهید سید حسن شیرازی : سال ۱۳۴۵ قمری با ولادت طفلی مبارک از این نسل پاک خاندان شیرازی ها با ریگر به خود بالید و مردمان بسیاری را به دعای شکر وادار کرد .

پس از گذراندن دوران کودکی در جوار بارگاه امیرالمومنین علیه السلام عشق به مکتب اهلبیت علیهم السلام سید حسن را به تحصیل در علوم حوزوی کشانید تا با اقتدا به اجداد پاک و مطهرش آینده ای روشن را برای خود رقم زند . سالها گذشت و او روح و جانش را با اشتیاق در زیر آّبشار علوم آل الله شستشو داد تا مفتخر به اجتهاد گردید آن شهید والا مقام در حیات پر افتخارش در ممالک متعددی از جمله سوریه و لبنان و عراق و مصر سعی وافر در خدمتی خالصانه به اسلام نمود و سالیانی دراز دلیرانه به مبارزه با ظلم وستم پرداخت و بارها تا مرز شهادت پیش رفت

او در عراق با انتشار مجلات و تالیف کتب مختلف به زبان عربی ضمن ایجاد تحول در نحوه فراگیری ادبیات عرب نقشی سبز در اعتلای سطح فرهنگی مردم شیعه عراق ایفا نمود در همین سالها به مخالفت با جریانهای ضد دینی که در عراق شکل میگرفت میپرداخت و مقالالت کوبنده ای را منتشر میساخت.

در سوریه با تاسیس حوزه علمیه زینبیه خدمت بزرگی به مسلمانان این کشور نمود و در همین راستا توانست با فعالیتهای گسترده و نگرشی عالمانه در راستای اصلاح فرقه های علی اللهی و اهل حق که از عقاید منحرفی برخوردار بودند خدمت شایانی از خود به یادگار گذارد .

ایشان در لبنان با تاسیس پایگاه علمی و فرهنگی و سازمانی به ام جماعهٔ العلما برگ زرین دیگری بر افتخارات خود افزود و همچنین تاسیس مدرسه الام المهدی از دیگر اقدامات ایشان بود در لبنان.

چندی بعد به دعوت بازرگان مهاجر لبنانب به کشور ساحل عاج رفته و در اندک زمان توقف خود در انجا اقدام به ساهت بنای مرکز اسلامی نمود

ایشان همچنین در نبرد با حزب بعث که در سوریه شکل گرفته بود به مبارزه علنی و آگاهی بخشی به توده های مردم روی آورد و در این راهم متحمل سختیهای بسیار گشت . اما سرانجام در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت سال ۵۹ انگاه که تصمیم داشت در مجلس یادبود شهید محمد باقر صدر شرکت کند مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر ایشان پس از انتقال به قم و خواندن نماز توسط آیت الله العظمی مرعشی نجفی در صحن حرم حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد

شیرازی، سید عبدالهادی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرحوم آیت الله حاج سید عبد الهادی شیرازی فرزند حجت الاسلام حاج میرزا اسماعیل یکی از علما و مراجع بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. معظم له فقیهی محقق مجتهدی اصولی و عالم به علم رجال و حدیث بود. در سال ۱۳۰۵ در عتبات متولد

شد و در طفولیت از فیض پدر مرحوم گردید. در شهر سامرا منزل میرزای بزرگ عموی پدرش نشو و نما نمود و از کودکی با مبانی اسلامی آشنا شد. در نوجوانی سالها از حضور حاج میرزا علی فرزند امام مجدد مدارج علمی و معنوی را پیمود و از سن بیست سالگی رهسپار نجف اشرف گردید و سالها از کرسی درس پر برکت آخوند خراسانی، علامه یزدی، آقا شریعت اصفهانی و در سامرا از محضر حاج میرزا محمد تقی شیرازی استفاده می نمود وخود به مراتب علمی و عملی و اخلاقی ارتقاء یافت.
مرحوم آیت الله شیرازی حدود سی سال در رأس اساتید بزرگ حوزه نجف معاصر با مرحوم آیت الله اصفهانی بود که پس از فوت وی در جمله مراجع و علمای بزرگ قرار داشت و بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی زعامت ومرجعیت شیعیان جهان و تصدی حوزه چندین ساله نجف به معظم له منتهی شد. مرحوم آیت الله شیرازی رسائلی در فروع و عبادات و کتابی به نام دار السلام و رساله برای عمل مقلدین خویش به رشته تحریر برد و در سال ۱۳۶۹ جهت معالجه چشم سفری به ایران نمود که مورد استقبال علما و مراجع قرار گرفت و بعد از یک عمل جراحی مجددا به نجف اشرف مراجعت نمود. معظم له در اواخر عمر به علت مطالعه و تحقیق زیاد متأسفانه بینائی خود را از دست داد و بعد از سالها تحقیقات علمی و خدمت به اسلام و مسلمین سرانجام در دهم صفر سال ۱۳۸۲ چند ماه بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی جهان فانی را وداع نمود. برگرفته از کتاب :پایگاه شهیر

شیرازی، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابومحمد، محمد حسن بن محمود بن اسماعیل حسینی شیرازی معروف به میرزای مجدد، معزّالدین و میرزای بزرگ شیرازی، مرجع تقلید شیعیان زمان خود و فقیه امامی بود که در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ ق در شیراز متولد گردید. وی قبل از ۲۰ سالگی، صاحب اجازه از سیدمحقق میرسید حسن بیدآبادی شد و در اصفهان به تحصیل پرداخت. از جمله استادان وی صاحب جواهر و صاحب انوارُ الفِقاهَه، محمد ابراهیم کلباسی، محمدتقی اصفهانی و علی تُستَری بودند. میرزای شیرازی پس از شیخ مرتضی انصاری، مرجع عالم اسلام گردید و در حدود سی سال این سمت را به عهده داشت. شاگردان زیادی در مکتب میرزا کسب علم کرده‌اند که از آن میان حضرات آیات عظام: علامه سیدمحمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شیخ‌فضل‌اللّه نوری، میرزا حسین نوری، سیدحسین صدر، ابراهیم دامغانی، سید اسماعیل شیرازی و شریف جواهری را می‌توان نام برد. از کارهای بزرگ میرزای شیرازی، صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اولین مقاومت منفی مردمی در ایران علیه بیگانگان بود که باموفقیت انجام شده است. از آثار این مرجع بزرگ: کتابٌ فی الطَّهارَه، نِجاةُ العِباد، رسالةٌ فی الرَّضاع و رسالَةٌ فی المُشْتَق می‌باشد. میرزا در سال ۱۳۱۲ ق در ۸۲ سالگی در سامرا فوت نمود و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیرجعفری، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم شیر جعفری

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۶۵هجری شمسی پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی از تهران برای ادامه تحصیل وارد قم شدم و دروس مقدمات را تا سه سال در مدرسه علمیه امام محمد باقر (ع) طی نمودم و سپس تا اتمام کفایتین را به صورت آزاد با دروس جنبی سپری کردم و پس ازآن چندین سال در دروس خارج فقه واصول اساتیدی چون :آیت الله جعفر سبحانی ،آیت الله مکارم شیرازی ،آیت الله شیخ جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم .

صابری، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صابری

محل تولد : همدان

شهرت : صابری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله احمد صابری همدانی در سال ۱۳۰۲ روستای بیوک آباد از توابع همدان و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. نام پدرش غیاثعلی بود و روستای او همواره زیستگاه علمای بزرگ بوده یکی از اجداد مادری ایشان حاج محمد شفیع بیوک آبادی که رساله‌ای در عرفان نوشته و همچنین عارف بزرگ و فقیه بزرگوار مرحوم حاج محمد جعفر مجذوب در آنجا می‌زیسته است. آیةالله صابری همدانی تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از آن به دبستان رفت. دورهٔ دبیرستان رانیز تا کلاس چهارم گذراند و کتب گلستان، کلیله و دمنه و... را به خوبی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۹ به حوزه علمیه همدان عزیمت کرد و در مدرسهٔ آخوند سکونت داشت. او دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در همدان به پایان برد و سپس به علت تعطیلی بسیار حوزه علمیه همدان و کمبود استاد به حوزه علمیه مشهد رفت. در مشهد به نزد مرحوم حاج شیخ کاظم دامغانی رفت و نامهٔ استاد خود حاج میرزامحمدعلی دامغانی را به او نشان دهد. در آن نامه درخواست شده بود که وی در مدرسه مرحوم دامغانی به تحصیل ادامه بدهد. حاج شیخ کاظم دامغانی نیز وی را مورد احترام قرار داد و به او سفارش کرد به حوزه علمیه قم برود؛ زیرا آن حوزه برای ترقی او مناسب‌تر بود. او نیز مدتی در مشهد ماند تا اینکه مقدمات سفر او به قم فراهم آمد. او در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم وارد شد و از محضر استادان آن دیار عالم خیز در رشته‌های فقه و اصول و فلسفه و تفسیر و عرفان و... بهره‌های بسیار برد. او در سالهای تحصیل خود بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه را حفظ کرده بود. همچنین به ادبیات علاقه ویژه‌ای داشت و بسیاری از اشعار فارسی و عربی را از بر کرده بود.آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل به محضر استادان بسیاری

شرفیاب شد. او دروس مقدمات و سطح خود را در حوزه علمیه همدان در محضر استادانی چون حاج سید مصطفی هاشمی، حاج میرزا محمدعلی دامغانی، حاج شیخ محمد حسین بهاری، حاج میرزا ابوالقاسم ربانی شاهنجرانی، حاج میرزا اسدالله حجت و حاج شیخ علی انصاری به پایان برده بود. مدتی در مشهد به درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی رفت و سپس در قم در درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره)، آیةالله العظمی بروجردی(ره)، آیةالله العظمی امام خمینی(ره)، آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و آیةالله العظمی محقق داماد(ره) حاضر شد و از آن بهره‌های بسیار برد وی همچنین مدت قابل توجهی از محضر حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری کسب فیض نمود. او در زمینهٔ علوم عقلی نیز به محضر علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) رفت. همچنین او در سالهای تحصیل خود در دروس اخلاق امام خمینی(ره)، حاج آقا حسین قمی(ره)، حاج آقارضا بهاءالدینی(ره)، علامه طباطبایی(ره) و آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) شرکت می‌کرد تا همواره علم خود را با عمل توأم سازد. همچنین همنشینی با شهید آیةالله مدنی در شکل‌گیری شخصیت او بسیار موثر بود. آیةالله صابری همدانی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و دروسی را که آموخته بود، با آنها مباحثه می‌کرد که از میان آنها از مرحوم آیةالله احمدی میانجی می‌توان یاد کرد.آیةالله صابری همدانی تا به امروز خدمات بسیاری در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او از نخستین سالهای تحصیل خود، به امر تدریس اشتغال داشت و در حوزه علمیه همدان و قم، شاگردان بسیاری را تربیت کرد. او کتب دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده است.او در ایام تبلیغ، به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و ضمن ارشاد گروههای گوناگون مردم، در بسیاری از مناطق مسجد یا حسینیه بنا کرده است. همچنین برای تبلیغ به کشورهای استرالیا، آذربایجان، ترکیه، انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان، آلمان، هلند، ژاپن، چین، پاکستان، هندوستان و روسیه سفر کرده و در مجامع گوناگون به سخنرانی پرداخته است. بسیاری از این تألیفات ایشان به زبانهای لاتین و روسی ترجمه شده است.او همچنین مقالات فراوانی به زبانهای گوناگون و در زمینه‌های مختلف نگاشته که برخی در مجله «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده است وی تقریرات زیادی از اساتیدش نوشته که به چاپ رسیده است. آیةالله صابری همدانی همواره در صحنه‌های گوناگون مبارزه با رژیم شاه حضور فعال داشته است. او در جوانی با شخصیت نواب صفوی و واحدی آشنا شده بود، همواره می‌کوشید که روحیهٔ آن مبارزان را در خود بپروراند و حماسهٔ دینی و مذهبی را با علم توأمان سازد. کتاب «از فیضیهٔ ۴۲ تا فیضیه ۵۷» از جمله کتابهایی است که نقش بسزایی در نهضت اسلامی داشته و پس از پیروزی انقلاب بارها تجدید چاپ شده است. آیةالله صابری دراین کتاب وقایع پانزده خرداد ۱۳۴۲ و بسیاری دیگر از وقایع را با قلمی حماسی نگاشته، به گونه‌ای که هر خواننده‌ای با خواندن آن احساس شور و شعف بسیار می‌کند. آیةالله صابری همدانی در سالهای مبارزه بر ضد رژیم شاه، همواره از خط امام خمینی(ره) دفاع می‌کرده و در راه تحقق نظام اسلامی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیده است. او پس از انقلاب نیز خدمات شایانی را به انجام رسانده است

صابونی نیشابوری، شیخ الاسلام، ابوعثمان اسماعیل

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۴۹ -۳۷۳ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، خطیب و واعظ. در بوشنج به دنیا آمد.نه ساله بود که به دنبال قتل پدرش، که از وعاظ بزرگ نیشابور بود، اولین مجلس وعظ را برقرار کرد. از ابوسعید عبدالله بن محمد رازی و ابوبکر بن مهران و ابومحمد مخلدی و زاهر بن احمد فقیه سرخسی و ابوحسین خفاف و ابوالعباس تابوتی و ابوسعید سمسار و ابوبکر احمد بن ابراهیم بن فرات و

دیگران حدیث روایت کرد. او در نیشابور و هرات و سرخس و حجاز و شام و جبال حدیث شنید و در خراسان و هند و گرگان و شام و حجاز و فلسطین حدیث گفت. صابونی در معره‌ی نعمان با ابوالعلاء معری ملاقات کرد. کتانی و علی صصری و بیهقی و محمد فراوی از وی روایت کرده‌اند. ابوبکر بیهقی او را امام مسلمین تعریف می کند و دیگران قدرت او در تفسیر و حافظه‌ی سرشارش را تحسین کرده‌اند. به قول عبدالغافر، در «السیاق» هفتاد سال وعظ گفت و بزرگان زمان همچون ابوطیب صعلوکی و استاد ابواسحاق اسفراینی و استاد ابوبکر بن فورك در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او بیست سال در جامع شهر خطبه خواند و اقامه‌ی نماز کرد.سرانجام در نیشابور درگذشت. وی تصانیف بسیاری از خود بجای گذاشته است. از آثارش: «عقیده السلف»، «الفصول فی الاصول»، «الاربعین»، در حدیث.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اسرار التوحید، تعلیقات (۶۸۸)، الاعلام (۱۹۸ / ۷)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۹۹ / ۱)، انساب سمعانی (۵۰۶ / ۳)، ریحانه (۱۹۸ / ۷)، سیر النبلاء (۴۴ -۴۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۲۸۳ -۲۸۲ / ۳)، العبر (۲۹۴ / ۲)، الکامل (۸۱ / ۸)، کشف الظنون (۵۳)، لغت نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۹ -۱۶ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۷۶ -۲۷۵ / ۲)، النجوم الزاهره (۶۳ / ۵)، الوافی بالوفیات (۱۴۴ -۱۴۳ / ۹)، هدیه العارفین (۲۱۰ / ۱).

صاحب ریاض، علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۱ -۱۱۶۱ ق)، علامه کبیر، فقیه اصولی و عالم دینی. اصلش از اصفهان بود که در کاظمین به دنیا آمد و در کربلا نشوونما یافت. او خواهرزاده، شاگرد و داماد محقق بهبهانی است و رد کنار وی در کربلا مدفون است. سید محمد باقر حجه‌الاسلام و حاجی کرباسی و ملا محمد تقی برغانی و ملا صالح برغانی و شریف العلمای مازندرانی و شیخ احمد احسایی و سید ابراهیم قزوینی، صاحب «ضوابط»، و شیخ ابوعلی رجالی از شاگردان وی بودند. وی در اصول پیشگام بود، ولی کتاب فقه او یعنی «ریاض المسائل» معروف به «شرح کبیر» که شرح «مختصر نافع» محقق حلی است، شهرتی همه‌گیر پیدا کرد. از دیگر آثار وی: تکلیف الکفار بالفروع»؛ حاشیه‌ی «حدائق» شیخ یوسف بحرانی، حاشیه‌ی «مدارك الاحکام»؛ حاشیه‌ی «معالم الاصول»؛ شرح «مفاتیح» ملا محسن فیض؛ «حجیت الاجماع و الاستصحاب».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۳۶ / ۱۱، ۲۶۹، ۲۰۸، ۱۹۸، ۸۱ / ۶، ۴۰۷ / ۴)، ریحانه (۳۷۲ -۳۷۰ / ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۴ / ۶).

صاحب ضوابط الاصول، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۱۴- وف ۱۲۶۴ -۱۲۶۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در قزوین به دنیا آمد. با پدرش، که از علمای بنام آن دوره بود، به کرمانشاه رفت و در آنجا مقدمات علوم دینی را آموخت. سپس عازم کربلا شد و نزد سید علی صاحب «ریاض» و ملا محم شریف

العملای مازندرانی درس اصول را فرا گرفت. پس از آن به نجف رفت و در محضر شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ موسی کاشف الغطاء فقه آموخت. آن‌گاه به کربلا و نزد شریفه العلما بازگشت و علاوه بر حضور در درس ایشان خود نیز به تدریس مشغول شد و گویا بین هفتصد تا هزار نفر در نز او تلمذ می‌کردند. از جمله مشهورترین شاگردان ایشان: شیخ زین‌العابدین بارفروشی مازندرانی و آقا جمال محلاتی و سید اسدالله شفتی حجه‌الاسلام اصفهانی و شیخ مهدی کجوری و سید حسین کوه‌کمری و میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و حاج محمد کریم لاهیجی و شیخ عبدالحسین تهرانی و ملا علی کنی و میرزا محمد حسن اردبیلی بوند. او بر اثر وبا درگذشت.قبر وی در نزدیکی مشهد شریف حسینی است. از آثار وی: «ضوابط الاصول»، در دو مجلد؛ «نتایج الافکار فی الاصول الفقه»؛ «رساله فی حجیه الظن»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام»، در فقه از طهارت تا دیات؛ «مناسك الحج»؛ «رساله فی الغیبه»؛ «رساله فی صلاه الجمعه»؛ «رساله فی القواعد الفقهیه»؛ «رساله‌ی عملیه»، در طهارت و نماز.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۶۶/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۰۵ –۲۰۴/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۰۵/ ۲)، الذریعه (۴۳ –۴۲ / ۲۴ ،۱۱۹ / ۱۵ ،۲۱۲ ،۱۸۸/ ۱۱ ، ۲۴۰ –۲۳۹/ ۸ ،۲۷۶/ ۶)، روضات الجنات (۵۱ –۴۷ / ۱)، ریحانه (۳۷۷ –۳۷۶ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه ۰ قرن ۱۱ – ۱۰/ ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم قزوینی)، معجم المؤلفین (۸۷/ ۱)، مکارم الآثار (۵۲۶ –۵۱۸/ ۲)، هدیه الاحباب (۱۷۶)،

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر صاحبی فرد

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و درسال ۱۳۵۲ بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم ؛ تا سال ۱۳۵۷ در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری ، اسلامی تبار ، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی ، علم الهدی ، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم . در سال ۱۳۵۷ به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان ۱۹ دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی ، مرحوم آیت الله حرم پناهی ، مرحوم آیت الله ستوده ، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم .

در ضمن در سال ۱۳۵۹ به مدت یك سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم .حدود سال ۱۳۶۱ به درس خارج فقه و اصول رفتم و یك دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی

چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال ۱۳۶۰ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم .فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم .از سال ۱۳۶۳ در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنه این کار که باید حدود ۱۳۷۰ به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال ۱۳۷۳ به انجام رسید .

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی درسال ۱۳۷۴ به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر درآوردم .

به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال ۱۳۸۱ از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال ۱۳۷۹ به نام امیر مومنان سلام الله علیه ، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت .

در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلبیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلبیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد . این کتاب درسال ۸۲ در شبکه اینترنت ، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد .

و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت ۱۳۵ آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و مبرات از منظر قرآنی که تقریبا حدود ۸۰٪ کار آنها نیز انجام شده است .

اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صادقی اردستانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد صادقی اردستانی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

صادقی فدکی، غلام عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید غلامعباس صادقی فدکی

محل تولد : فدک شهرستان خواف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید غلامعباس صادقی فدکی به شهرت سید عباس رضوی در فروردین ۱۳۳۹ در روستای فدک از توابع شهرستان خواف (خراسان رضوی) در خانواده‌ای کشاورز متولد شدم. پس از پایان تحصیلات ابتدائی پدرم مرحوم کربلائی سید حسین مرا برای تحصیل علوم دینی به شهرستان تربت حیدریه آورد و در مدرسه هراتی به سرپرستی شیخ عبدالله امامی از علمای دانشمند و خلیق مشغول شدم. نزدیک به یک سال در تربت بودم. مرحوم امامی بیشتر به تربیت و تهذیب اخلاق طلاب توجه داشت و به مناسبتها طلاب را از درسها و اندرزهای اخلاقی مستفید می ساخت. بخشی از ادبیات از جمله: نصاب الصبیان و بخشی از جامع المقدمات را نزد استاد مرحوم شیخ حسن کله از علمای خلیق و مهربان این شهر خواندم. در سال ۱۳۵۰ به مشهد آمدم.

سکونتم به ترتیب در منزل آقای قطمیری شیرازی، مدرسه حاج حسن و مدرسه نواب بود و عمده درسها را در مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول بودم. مدرسه موسوی نژاد واقع در کوچه میر علم خان از مدارس منظم و تحت برنامه بود که افزون بر برنامه های درسی برنامه های جنبی سودمندی را مانند درس اخلاق، عقاید، حدیث، در آن گنجانده بود. مدت دو سال۱۳۶۵ الی ۱۳۶۷ در پژوهش تفسیر راهنما شرکت داشته و به همراه آقای محمدحسن نجفی، محمد صادق مزینانی، سید عباس میری دو دفتر از دفاتر آقای رفسنجانی از سوره یونس الی سوره احزاب و سبا را تنظیم کرده‌ایم.از سال ۱۳۶۴ با موسسه امیرالمومنین(ع) به سرپرستی آیت‌الله موسوی اردبیلی در کار پژوهشهای علوم قرآنی مشارکت داشته‌ام. کار این موسسه تصحیح و تکمیل پژوهشهای قرآنی بود که پیش از انقلاب توسط آقای بهشتی، مهدوی کنی، زنجانی، موسوی اردبیلی و... انجام یافته و پس از انقلاب آقای اردبیلی فیش‌های کار شده را به قم آوردند و ما با مشارکت گروهی از فضلا از جمله آقای امیرعلی خادم علیزاده و آقای عادل نیا آن را کامل کردیم. از سال ۱۳۶۱ تاکنون به همراهی برادران محمد حسن نجفی، سید عباس میری، محمد صادق مزینانی، عبدالرضا ایزد پناه و سید عباس صالحی و... مجله حوزه را بنا نهاده و تا کنون در این مجله پژوهشی، تبلیغی به کار تحقیق و تالیف مشغول هستم و تاکنون چندین مقاله از اینجانب در مجله حوزه، مجله فقه و دیگر مجلات به چاپ رسیده است.

صالحی مازندرانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیة اللّه حاج شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی در سال ۱۳۱۲ ش. در یکی از روستاهای قائم‌شهر در خانواده‌ای روحانی متولد شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : اسماعیل صالحی مازندرانی فرهیختگان پرهیزکار

بودنـد.پـدر بزرگوارشـان، مرحـوم ملّـا رحمـت اللّـه، یکی از روحـانیون شـریف و مـورد احـترام اهـالی بـود که برای امرار معـاش به کشـاورزی هـم مشـغول بـود. او در سـال ۱۳۵۸ ش. در سـن ۷۲ سـالگی دار فـانی را وداع گفـت و در زادگـاهش «لَفُور» مـدفون گردید.مادر مکرّمه وی، عمّه خانم کُجوری، زنی باتقوا و وارسته بود که در تاریخ ۱۳۷۷ / ۲ / ۶ ش. به رحمت ایزدی پیوست و در زادگاهش به خاک سپرده شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل صالحی مازندرانی در سن پنج سالگی، با هدایت پدرش با کتاب عزیر خـدا «قرآن مجیـد» آشـنا شـد و قسـمتی از قرآن را نزد وی آموخت و قسـمت عمـده آن را بدون معلّم فرا گرفت و حتی بخش‌هایی از کلام الهی را حفظ نمود.ایشان در این باره می‌گویـد:«به خاطر دارم که در همان دوران کودکی، آیاتی از قرآن کریم را برای بعضـی از روسـتاییان از حفظ می‌خواندم و مورد تشویق آن‌ها قرار می‌گرفتم.» پس از آموختن قرآن مجید و بعضـی از کتب مـذهبی و تـاریخی و مقـداری از جـامع المقـدّمات از محضـر پـدر بزرگوارشـان، برای ادامـه تحصـیل علـوم اسـلامی بـا اشتیـاقی وصف‌ناپذیر، عازم «بابل»، یکی از شـهرهای مازندران، شد و صـرف و نحو و منطق را از اساتید بزرگوار مدرسه «صدر» آموخت.آن گاه به تهران عزیمت کرد و حـدود دو سال در تهران مشـغول تحصـیل بود. سـپس عازم قم شـد و حدود هفت ماه در مدرسه فیضیّه اقـامت داشت. عشق به تحصـیل چنـان او را فراگرفته بود که فقر و سـختی‌های طاقت‌فرسای آن روزها را به راحتی تحمّل می‌کرد.در این بـاره می‌گویـد:«ایّامی بر ما گـذشت که امکان به دست آوردن نان، حتّی به انـدازه رفع گرسـنگی هم، فراهم نبود؛ امّا تحمّل آن برای کسانی که شـیدای تحصـیل علوم و معارف دینی بودند، چندان مشکل نبود.»تلاش و جدّیت در تحصیل و مطالعه مداوم، غالب اوقـاتش را پر کرده بـود؛ به گونه‌ای که زمـان تحصـیل و تـدریس در شـبانه روز به بیست سـاعت می‌رسـید.اسـتعداد سـرشار و روح کنجکـاوش به حـدّی بود که از محضـر اسـتادی به محضـر اسـتادی دیگر حاضـر می‌شـد تا مراحل کمال و معرفت را با اخلاص طی کنـد.دقّت نظر وی به گـونه‌ای بـود که یکی از مـدرّسان بزرگ حـوزه، فرمـوده است: «من در عمرم طلبه‌ای دقیق النّظرماننـد ایشـان ندیـدم.» این زمـانی بود که به تحصـیل درس منطق مشـغول بود و بـا سؤال‌های پی در پی اسـتاد را به اعجاب وامی‌داشت.اوایل سال تحصیلی ۱۳۳۳ ش. عازم مشهد مقدّس شد و سطح عالی و مقداری از دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید و بزرگان حوزه علمیه مشـهد فرا گرفت؛ از جمله اساتیـد وی، اسـتاد عالی‌قـدر و صاحب فضائل، حضـرت آیهٔ اللّه حاج شـیخ هاشم قزوینی (ره) بود. مرحوم آیـهٔ اللّه قزوینی علاوه بر این که در فقه و اصول، اسـتادی مـاهر و خبیر بود، در تربیت و تزکیه شـاگردان نیز نقش به سـزایی داشت.پس از حـدود شـش سال تحصـیل و اقامت در جوار بارگاه حضـرت علی بن موسـی الرّضا(علیه آلاف التحیّهٔ والثناء) در سال ۱۳۳۹ ش. برای ادامه تحصـیل عازم قم شـد و در حوزه مقـدس آن جا در جوار مرقد مطهّر حضـرت فاطمه معصومه (س) تحصـیل و تـدریس را پی گرفت.خـاطرات و وقـایع تحصـیل : اسـماعیل صالحی مازنـدرانی درباره اتفاقات دوران تحصـیلیش این چنین فرموده است:«هنگـامی که به سنّ ده سالگی رسـیدم، در خود احساس عجیبی یافتم که هر طور شـده به مناطق بزرگ‌تری رفته و به فراگیری علوم اسـلامی بپردازم. و خود را در راهِ رسـیدن به علم مشتعل یـافتم و به همین مقصود به اصـرار، از پـدرم خواسـتم که مرا به بابل، شهری که در آن زمان در حدّ خودش دارای حوزه علمیه نسبتاً بزرگی بود، ببرد. پدرم وقتی دید که تمام وجودم از عشق به تحصیل شعله‌ور شده است و حتی یک لحظه تاب توقف ندارم، مرا به بابل برده و نزد مرحوم آیهٔ اللّه شـیخ امان اللّه کریمی (ره) ، که عالمی زاهد و وارسته بودند، سپرد. مرحوم آیهٔ اللّه کریمی (ره) چون عالمی عامل بودند، در تربیت من نقش مهمّی ایفا کردند و بسیاری از احکـام اسلامی و دینی که مـورد نیـازم بود، به من یـاد دادنـد.» فعالیتهـای ضـمن تحصـیل : اسـماعیل صـالحی مازنـدرانی (ره) ، به مناسبت‌های مختلف بارها اظهار می‌داشت که اگر علما و روحانیّون عذری ندارند، خود را با پوشیدن لباس مقدّس روحانیّت مزیّن کنند؛ زیرا این لباس و عمامه، خود به خود اثر دارد و دیگران را به مسیر حق هدایت می‌کند. از این رو، خود وی در سال ۱۳۳۲ ش. در حـالی که کمتر از بیست سال داشت، لباس مقـدّس روحانیت را پوشـید و به کسوت عالمان دین در آمـد.اسـتاد آیـهٔ اللّه صالحی مازنـدرانی طبق معمول حوزه علمیه قم، هر چهارشـنبه، در پایـان درس خـارج فقه و اصول بـا بیان آیه‌ای از قرآن مجیـد یا روایتی از

امامـان معصـوم (ع) ، نکـات بسـیار آموزنـده اخلاقی را متـذکّر می‌شـد و راه تهـذیب و تزکیـه نفس را در کنـار تحصـیل دانش، به شاگردان می‌آموخت.استادان و مربیان : اسـماعیل صالحی مازندرانی علاوه بر اساتیدی که در بابل و تهران و مشـهد مقدس داشت، در حوزه علمیه قم نیز از محضر حضرات آیات و اساتید گرانقدر بهره‌مند شد که بعضی از آن بزرگان عبارتند از:.۱ حضرت آیهٔ اللّه العظمی بروجردی (ره) ؛.۲ مجاهـد بزرگ، حضـرت آیهٔ اللّه العظمی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسـلامی ایران؛.۳ حضرت آیهٔ اللّه حاج میرزا هاشم آملی (ره) ؛.۴ حضرت آیهٔ اللّه العظمی گلپایگانی (ره) ؛.۵ علّامه بزرگوار حضرت آیهٔ اللّه حاج سید محمد حسین طباطبائی (ره) ؛.۶ حضـرت آیهٔ اللّه محقّق داماد (ره).همسـر و فرزندان : در سال ۱۳۳۸ ش. در حـالی که کمتر از ۲۶ بهار از عمر شـریف اسـماعیل صـالحی مازنـدرانی می‌گـذشت، بـا خـانواده‌ای نجیـب، متـدین و اهـل علـم از اقـوام نزدیـک خـود وصلت کرد.همسرش زنی مؤمن، فداکار، متدین، صبور و عاشق اهل بیت (ع) است؛ به گونه‌ای که وی بارها می‌فرمود: «من به عشقی که او به اهل بیت عصمت و طهارت دارد، رشک می‌برم.»آنچه شایان ذکر است، همراهی دلسوزانه همسرش در مراحل مختلف زندگی با او است؛ چه در دوره ستم شـاهی که ایشان گاهی در زنـدان و گاهی در تعقیب بود؛ چون علاوه بر وظیفه مهم خانه‌داری و دفاع از هجوم دژخیمان ساواک، نگهداری و تربیت فرزندان را در آن برهه حساس بر عهده داشت و در برابر مشـکلات ایسـتادگی می‌کرد؛ و چه در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که همواره یار و مددکار همسر خود بود.حضرت آیهٔ اللّه صالحی مازندرانی پس از ازدواج، بـا این که مـدّت زیـادی در منزل استیجاری زنـدگی می‌کرد و برای امرار معاش در مضـیقه بود، با جـدّیت بیشتری به ادامه تحصـیل پرداخت و هیـچ مشـکلی او را از هـدف باز نـداشت.یکی از فرزنـدانشان می‌گویـد: به یاد دارم در یکی از سـفرهای ایشان به مناطق مختلف شـهری و روسـتایی، که با او همراه بودم، در یکی از مناطق هنگام نماز، ایشان از امام جماعت مسجد - که یک طلبه جوانی بود - با اصـرار خواست که امامت جماعت را بر عهـده بگیرد و او به همان طلبه اقتـدا کرد و با این عمل، موقعیّت آن روحانی را در آن محل بالا برد؛ و بدین وسیله به دیگران فهماند که روحانی محلّ، عزیز و مورد احترام است.زمان و علت فوت : اسماعیل صالحی مازندرانی پس از عمری تلاش و کوشـش در راه تعلیم، تربیت، تهذیب و تزکیه نفس، احیای دین و قرآن و فقاهت، سـرانجام صـبح جمعه ۹ شهریور ۱۳۸۰ ش. در سن ۶۸ سالگی در زادگاهش دعوت حق را لبّیک گفت و به ملکوت اعلی پیوست. فقدان او شکافی در عالم اسـلام و روحانیّت پدیـد آورد که پر شـدن آن آسان نیست.پیکر مطهّر وی روز یک شـنبه، ۱۱ شهریور ۱۳۸۰ (۱۳ جمادی الثانی ۱۴۲۲ ق.) با حضور هزاران تن از مردم مسـلمان ساری تشییع شد.در قم نیز پیکر پاک آن عالم ربّانی و فقیه صمدانی در میان جمع زیادی از علما و فضـلا و طلّاب و مردم اندوهگین قم با عظمت و احترام زیادی از مسـجد امام حسن (ع) تا حرم مطهّر حضـرت معصومه (س) تشییع و در صـحن مطهّر با حضور انبوهی از علما و مردم به امامت آیـهٔ اللّه جوادی آملی بر پیکر پاکش نماز خوانده شد و در سـمت قبله مسـجد طباطبائی نزدیک در ورودی به خاک سپرده شد.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : از آن جا که «دیانت عین سـیاست و سـیاست عین دیانت است»، اسـماعیل صالحی مازندرانی در کنار تحصیل و تدریس و تألیف، در فعالیت‌های سیاسی نیز حضور داشت؛ بلکه آن را وظیفه شرعی خود می‌دانست و از همان دوران جوانی، یعنی در سال‌های ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ ش. با رفت و آمـد به منزل مرحوم آیـهٔ اللّه کاشانی در تهران، با مسائل سیاسـی کشور آشـنا شـد.در بعضـی از جلسات مخفی، که شـهید بزرگوار نوّاب صـفوی (ره) سـخنرانی می‌کرد، حاضـر بود و نیز در متن مبـارزات مردمی علیه رژیم سـتم شـاهی پهلوی قرار گرفت. خاطرات خوبی از کودتای ننگین آمریکایی ۲۸ مرداد و خیانت ملّی‌گرایان را در ذهن داشت. با شـروع نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ در صف مبـارزان و روحانیـان وفـادار امـام خمینی قرار می‌گیرد و در این راه رنـج‌ها و تلخی‌هـای فراوانی را به جـان می‌خرد؛ امّا هرگز خسـتگی به خود راه نمی‌دهـد.بـا شـرکت فعّال در حرکت‌های سیاسـی و مبارزاتی و حضور در بعضـی از جلسات مخفی علمای آن زمان، بسیاری از اعلامیه‌هایی را که بر ضد رژیم ظالمانه پهلوی بود، امضا کرد.سال ۱۳۵۳ ش. هم زمان با دستگیری و تبعید عدّه‌ای از مـدرّسان عالی‌قدر، ایشان نیز دسـتگیر و راهی زندان شد. در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ ش. در زنـدان‌های مختلف، از جمله: زندان

ساواک و شهربانی قم، قزل قلعه(انفرادی و عمومی)، اوین و قصر، زندانی می‌شود.آیهٔ اللّه صالحی مازندرانی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سمت‌های مختلفی، چون: دو دوره نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان مازندران و حضور در مسئولیت قضاوت در برهه‌ای از زمان، در خدمت نظام جمهوری اسلامی بودند. علاوه بر این، هیچ گاه از تعلیم و تربیت و هدایت مردم در مسیر انقلاب غافل نبود و در مناسبت‌های مختلف با صدور اطلاعیّه و یا به حضور پذیرفتن اقشار مختلف مردم و بیانات و رهنمودهای سازنده، نقش مهمّی در رشد و تعالی و هدایت آن‌ها در این راه ایفا نمود.فعالیتهای آموزشی : اسماعیل صالحی مازندرانی حدود ۴۰ سال در حوزه علمیه قم به تدریس فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی مشغول بود.بعضی از کتاب‌ها یا علومی که تدریس نمود، عبارتند از:.۱ کفایهٔ الاصول، از آخوند خراسانی (ره) ؛.۲ شرح تجرید الاعتقاد(کشف المراد علّامه حلی (ره))؛.۳ دو دوره کتاب حکمت شرح منظومه ملا هادی سبزواری (ره) ؛.۴ نهایهٔ الحکمهٔ، از علامه طباطبائی (ره) ؛.۵ برخی از مجلّدات اسفار ملّا صدرا (ره) ؛.۶ یک دوره خارج قضا، خمس، وکالت و کفایت، از کتاب «تحریرالوسیله» تألیف امام خمینی (ره) ؛.۷ و از سال ۱۳۵۸ ش. تا آخر عمر شریفشان به تدریس «خارج فقه و اصول» اشتغال داشت و بعضی از روزها را به تدریس «تفسیر قرآن» و «اخلاق» اختصاص داده بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اسماعیل صالحی مازندرانی با شروع مجدّد و اوج‌گیری نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۶، ایشان نیز با صدور اطلاعیه‌ای در همان ایّام به مناسبت حمله ددمنشانه رژیم منحوس پهلوی به حوزه علمیه قم، حمایت بی‌دریغ خود را از انقلاب بی‌نظیر امام خمینی و عشق سوزانی که به شخصیت والا و بی بدیل امام داشت، آشکار نمود.ایشان در طول بیش از بیست سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هرگز خود را از نظام مقدس جمهوری اسلامی جدا ندانست؛ بلکه با حمایت‌های خود و پشتیبانی از ولایت فقیه، موجب تقویت نظام بود.شاگردان : اسماعیل صالحی مازندرانی در مدت تدریس، شاگردان زیادی پرورش داد که بیشتر آن‌ها در قید حیات هستند و در مسئولیت‌های مهمّ دینی و کشوری مشغول به خدمتند.بعضی از شاگردان وی عبارتند از:.۱ حجهٔ الاسلام و المسلمین محمّدی گلپایگانی، مسئول دفتر مقام معظّم رهبری؛.۲ حجهٔ الاسلام و المسلمین محسن قرائتی؛.۳ حجهٔ الاسلام و المسلمین مروی؛.۴ حجهٔ الاسلام و المسلمین ناطق نوری..۵ حجهٔ الاسلام و المسلمین سید حمید روحانی، مؤلّف محترم کتاب «نهضت امام خمینی (ره).»آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل صالحی مازندرانی از همان ابتدا، همگام با تحصیل، در تهذیب و تزکیه نفس نیز کوشا بود و از اساتید برجسته اخلاق کسب معنویت می‌کرد و بر ملکات خوب نفسانی خود می‌افزود.وی به گونه‌ای خود را با ادب اسلامی مزیّن نموده بود که هر کس با او همنشین می‌شد، به یاد خدا می‌افتاد و رنگ الهی می‌گرفت.بعضی از سیره عملی و اخلاقی وی از این قرار است:الف) توکّل به خدا و توسل به اولیای خدا :ایشان در تمام مراحل زندگی، بویژه در ایامی که در زندان‌های رژیم منحوس پهلوی بود، به خدا توکّل داشت. ب) برپایی مجالس مذهبی: ایشان به سبب باورهای دینی که در عمق جانش ریشه داشت و عشق وافرش به اهل بیت (ع) ، در ایّام شهادت هر کدام از ائمه بویژه ایّام شهادت حضرت زهرا (س) در منزل خود مجلس عزا برپا می‌نمود و خطبا و مرثیه خوانان به سخنرانی و مرثیه خوانی می‌پرداختند. ج) عطوفت و مهربانی‌ایشان با همه مردم مهربان بود، امّا با کودکان عطوفت خاصی داشت.احترام به همسایه:او برای همسایه‌ها احترام ویژه‌ای قائل بود و همیشه با گرمی از آن‌ها استقبال می‌کرد و در شادی و غم آن‌ها حتی‌الامکان شرکت می‌نمود. اگر مصیبتی برای یکی از همسایگان پیش می‌آمد، برای عرض تسلیت به منزلشان می‌رفت و در مجلس ختم آن‌ها شرکت می‌نمود.احترام به روحانیّت: استاد آیهٔ اللّه صالحی، برای همه مردم بویژه برای محصّلین علوم دینی و طلّاب احترام زیادی قائل بود.تواضع و وقار: آیهٔ اللّه صالحی در عین تواضع، بسیار با وقار بود؛ به طوری که نه در دام هزل و شوخی‌های ناروا گرفتار آمد، نه در ورطه خودپسندی و کبر سقوط کرد.اعتدال در غذا و استراحت:ایشان در خوردن و خوابیدن بسیار کم مؤونه بود؛ همیشه کم غذا می‌خورد؛ با این که هیچ بیماری نداشت. معتقد بود که بسیاری از بیماری‌ها از زیاده‌روی در خوردن پیدا می‌شود.وارستگی: تمام سعی و کوشش ایشان این بود که به تمام احکام نورانی اسلام، عمل کند و لذا همیشه بهداشت و نظافت فردی را به خوبی مراعات

می کرد.آثار : احکام جوانان و نوجوانان ، استفتاءات ، رساله توضیح المسائل ، مفتاح البصیرة فی فقه الشریعة(شرح عروة الوثقی ، مناسک حج

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1kz - /www.hawzah.net

صالحی نجف آبادی، نادعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نادعلی صالحی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب ناد علی صالحی فرزند حیدر علی به شماره شناسنامه ۹۱۰متولد ۱۳۳۷در نجف آباد به دنیا آمدم. تا ششم ابتدائی قدیم را خواندم.از سال ۱۳۵۰وارد حوزه علمیه شدم و در مدرسه الحجه نجف آباد به تحصیل علوم دینی پرداختم در آن حوزه ادبیات و صرف و نحو را در محضر آیهٔ الله ایزدی رحمهٔ الله علیه فرا گرفتم و پس از شرکت در امتحان عمومی حوزه علمیه قم و قبولی در رتبه یک درسال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و شرح لمعه را در محضر حجهٔ السلام مروی و رسایل را در محضر آیهٔ الله صالحی نجف آبادی در مدت چهار سال به اتمام رساندم و هم چنین کفایهٔ را نزد آیهٔ الله ستوده و استاد بزرگوار جناب آقای باقری حاجی آبادی به اتمام رساندم. از سال ۱۳۵۷، سال پیروزی انقلاب تا ۱۳۵۹باز به تحصیل بعضی از بخش های مانده از درسهای قبل پرداختم و ضمنا به درس آیهٔ الله نوری همدانی از قبل از ۱۳۵۷ به بررسی مسایل اقتصادی مربوط می شد نیز حاضر می شدم وسال ۱۳۶۰به عنوان مدیر مدرسه الحجهٔ نجف آباد به تحصیل و تدریس و مدیریت مدرسه اشتغال داشتم از ۱۳۶۱به بعد تا ۱۳۷۲به ترتیب به درس خارج مشغول بودم و از محضر اساتیدی هم چون:

۱-آّیهٔ الله منتظری ۲-آیهٔ الله فاضل لنکرانی ۳-آیهٔ الله صانعی ۴-آیهٔ الله صالحی نجف آّبادی استفاده کردم ضمنا در درس تفسیر آقای جوادی آملی نیز حاضر می شدم. از سال ۱۳۶۹تاکنون به کار تحقیقی روی آورده ام نتیجه آن تاکنون هفت جلد کتاب بوده و حدود شصت مقاله در زمینه های مختلف و نیز ارائه مشاوره در مجله معارف اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که در حدود ۲۰شماره چاپ شده است. هم اکنون نیز به دنبال تدوین کتابهای دیگر مانند خانواده بهتر زندگی بهتر، گنجینه حکمت ج ۲ ، بازکاوی اعتقادات شیعه در منابع عامه و غیره هستم. در سال ۱۳۷۱مدارج علمی خارج یک را گرفته ام در رتبه ۲ شهریه می گیرم و بیشتر از راه فروش کتاب ارتزاق می کنم.

صالحی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس صالحی

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه مشهد شدم . دروس مقدماتی ، سطوح مقدماتی و عالی را در حوزه علمیه مشهد گذراندم . از سال ۶۰ به حوزه علمیه قم عزیمت کردم و دروس خارج را تا سال ۶۸ در آن حوزه گذرانیده مجددا به مشهد عزیمت داشته و در دروس خارج اساتید مشهد ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۶ مجددا به حوزه علمیه قم مراجعت تحصیلی و علمی داشتم .

دروس مقدماتی را در مدرسه آقای موسوی نژاد و دروس سطح را در خدمت آقایان حضرات صالحی ، مدرسی و فلسفی گذرانیدم . در حوزه علمیه قم از دروس حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی بهره مند شدم . پس از عزیمت از مشهد در دروس حضرات آیات زنجانی و علم الهدی شرکت کرده ام .

در مباحث فلسفی از حضرات اساتید ابراهیمی دینانی ، انصاری شیرازی و حسن زاده آملی بهره بردم .

از ابتدای ورود در حوزه ، فعالیت های تدریس داشته ام از جمله مکرر اصول فقه ، شرح لمعه ، معالم و مکاسب را تدریس کرده ام .

در سال ۶۷ ـ ۶۵ سردبیر مجله حوزه و در سال ۷۶ ـ ۷۳ مسئول دفتر تبلیغات اسلامی خراسان بوده ام . از سال ۷۶ تا کنون در سه دوره متوالی عضو هیات مدیریه دفتر تبلیغات اسلامی (و سپس عضو هیات امنای آن) بوده ام .

از سال ۷۶ مدیر مسوول نشریه پژوهش های قرآنی و از همان سال عضو هیات تحریریه نشریات فقه اهل بیت و کاوش فقه در فقه اهل بیت بوده ام .

هم چنین از سال ۷۸ مدیر مسوولی و سردبیری نشریه پگاه را بر عهده داشته ام که تا کنون ۱۷۶ شماره از آن منتشر شده است .

از سال ۶۱ در مجله حوزه به عنوان یکی از نویسندگان آن مشغول به فعالیت بوده ام همچنین از همکاران تفسیر راهنما از ابتدای فعالیت تا مراحل پایانی آن بوده ام ضمنا در پاره ای از پروژه ها و فعالیت های علمی ، در مدیریت و یا در طراحی آن نقش هایی داشته ام چون : کاربرد دانش اصول در فقه و ...

صحتی سردرودی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صحتی سردرودی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پدرم عبدالعظیم صحت ، پسر حاج الله وردی خان مشهور به حاج آقا عمو ، معلم اول نگارنده ، عارفی است ، پاکباخته که دراین سرای خاکی جز عبادت خدا کس و کاری ندارد . سال ۱۳۴۳ شمسی درسردرود تبریز زاده شدم، از هفت سالگی همراه با آموزش

رسمی، قرائت قرآن، آداب و اخلاق را از دانشوران دینی سردرود و بیش از همه از محضر محمدتقی محمدی و میرزا مجید قنادی که روزانه درس ترجمه قرآن داشت یاد گرفتم. سال ۵۶ هنگام تعطیلات نوروزی به قم آمدم تا در«دارالتبلیغ» اسم نویسی کرده مشغول تحصیل دروس حوزوی شوم، اما چون خرد سال بودم و سال تحصیلی هم رو به پایان بود به تبریز برگشتم تا یکی دو سال در آنجا ادامه تحصیل دهم.در تبریز و بناب «مقدمات» و اندکی از «سطح» را پیش استادان بزرگوارم ابراهیم وثوقی و سید مهدی مرعشی و عبدالمجید بنابی آموختم و بیشتر از استاد سید مهدی مرعشی بهره بردم در همان ایام تا جاییکه می توانستم با نهج البلاغه انس و الفتی داشتم و چندین سال در برخی جلسات مذهبی آن را ترجمه و توضیح می دادم. کم کم عاشق نهج البلاغه شدم و همیشه می گشتم که استادی پیدا کنم تا چنان که بایسته است با نهج البلاغه آشنا شوم در تبریز و بناب پیدا نکردم و با همین آرزو درسال ۱۳۶۹ به شهر قم هجرت کردم. اما افسوس که در قم هم نهج البلاغه متروک و غریب است و تا حال ندیده ام که کسی آن را جدی بگیرد و تدریس کند.در قم به هر درسی سری زدم و پس از اتمام «سطح» در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات پایانی و اعتمادی، مدت سه سال از درس «اصول» آقای مکارم شیرازی و اندکی از درس «فقه» میرزا جواد تبریزی و ... بهره مند بودم، بیش از پنج سال در تفسیر آقای جوادی آملی و یکسال در درس استاد حسن زاده آملی که در مسجد معصومیه کتاب «مصباح الانس» را شرح می داد شرکت جستم.از نوجوانی گاه گاهی شعر می سرودم و هنگامی که در تبریز بودم، به طور مرتب در جلسات هفتگی انجمن ادبی شهریار، و دیگر انجمنها شرکت می کردم و اشعارم را می خواندم و گاهی نیز مورد تشویق برخی از اساتید واقع می شدم و از آرا و اندیشه های آنها همواره راه می جستم که باید از استادان بزرگوارم در این وادی نیز یاد کنم که هر یک زمانی ماه مجلس بودند. از آن میان نام و یاد استاد دکتر پدیده (ره) و استاد یحیی شیدا و استاد محمد عابد را همیشه در خاطر دارم.

صحفی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد صحفی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره مقدماتی (ادبیات عرب ، منطق و معانی بیان) را در مدرسه ناصریه مقابل مسجد جمعه قم نزد اساتید متعدد و مختلف گذراندم . قسمتی ازفقه را از محضر استاد فقید شهید صدوقی و سپس از محضر استاد آیت الله مشکینی و بخشی از اصول را از محضر استاد شهید امام موسی صدر و آیت الله سلطانی و دیگر اساتید استفاده نمودم . دردروس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و دیگر مراجع را شرکت داشته ام . از تفسیر علامه فقید طباطبایی و دروس علامه بزرگوار نیز استفاده کردم .

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰ -۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰ -۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵ -۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵ -۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹ -۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵ -۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰ -۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹ -۲۰۱۵ / ۶).

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و

شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴ -۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱ ،۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰ -۶۴۹ / ۱).

صدراللهی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن صدرالهی

محل تولد : دامغان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

ایجانب حسن صدراللهی در سن ۸سالگی به مدرسه ابتدای رفتم و در روستای صالح آباد و وکلاء محمد آباد دوران ابتدائ را سپری کردم وچند سالی در محیط روستا (حاجی آباد)مشغول کارهای روستای شدم در همان ایام اشعاری را سرودم .اشتیاق زیادی به طلبه شدن داشتم و بارها مطرح می کردم ولی موافقت نمی کردند تا اینکه روزی اشعاری در رابطه با حضرت امام حسین (ع)و حضرت مسلم سرودم شب امام را در خواب دیدم به من فرمود:اگر می خواهی موفق به طلبگی شوی برو در اخر مفاتیح دعای حاجت را عمل کن ،صبح که بیدار شدم نمی دانستم مفاتیح چه کتابی است از روحانی محل به نام آقای راسخی سئوال کردم فرمودند:همین کتاب دعا است .مفاتیح تهیه کردم درآخر آن دعائی است که هر کس حاجتی دارد بنویسد ودر رقعه ای از گل بگذارد ودر آب جاری بیاندازد خداوند حاجت اورا روا می کند .

آنچه در مفاتیح دستور داده شده عمل کردم ،پس از مدتی پدرم بر اساس اصرار بنده رفت خدمت یکی از علماءشهر ،به نام خدائی استخاره کرد آن عالم فرمود آیه علم آمده سریع اقدام کن ،پدرم دست مرا گرفت ودردست آن عالم فاضل گذاشت .مدت چهار سال در دامغان مدرسه حاج فتحعلی بیک مشغول تحصیل شدم آن عالم خیلی به بنده احترام می گذاشت .پس از دوسال روانه قم شدم ودرمدرسه حجّتیه در پارک ۸اطاق ۷۳با آقای رفیعی که از طلاب فاضل ومتدین بود هم حجره شدم .در واقع او مربی خوبی برای من بود شخصیت طلبگی من درآن زمان شکل گرفت .خاطرات خوشی از آن دوران دارم خداوند جزای خیر به آقای رفیعی دهد.

زمانیکه در قم بودم دوران پرفرازو نشیبی داشتم گاه مریضی وگاه بی پولی ،تا جائی که برای امرار معاش در تهران بعضی از تعطیلات کارگری می کردم .وایام هفته درقم درس می خواندم .روزگار سختی بود.در دوران قبل از انقلاب شور خاصی در رابطه با نشر احکام اسلامی داشتم لذا در قم وشهرستانها کلاسهای قرآن . عقائد سیاسی برگزار می کردم همین امر باعث شد که ساواک مرا تعقیب کند در کرمانشاه، دزفول، دامغان مورد تعقیب قرار گرفتم تا اینکه در یزد خدمت شهید محراب صدوقی رفتم مشکل را

بیان داشتم که امنیت نـدارم ایشان پرونده ای ترتیب داد که طلبه یزد هستم این کار در واقع راه گم کردن برای ساواک بود وهمین کار باعث شد که ساواک نتواند مرا دستگیر کند در این دوران خاطرات تلخ و شیرینی دارم که مجال نوشتن نیست .پس از پیروزی انقلاب احساس می شـد که وضـعیت تغییر کرده .دیـدگاههای انحرافی به وجود آمـده وروزبه روز رشـد می کنـد .لذا به فکر افتادم مطالعه عمیقی راجع به کمونیسم واصطلاحات سیاسی داشته باشم .این کار انجام گرفت .دفترهای مخصوصی در این زمینه ها نوشتم درسالهـای اول انقلاب ،موسسه در راه حق یک گروه هفتاد نفره به نام گروه (دال)گزینش کردنـد که دوران بسیار خوبی بود. تا حدودی با ادبیات فارسی ،تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق،فلسفه غرب اشنا شدم .با دیدن این دوره وتکمیل ان با مطالعه ، وارد عرصه تحلیل مسائل سیاسی ،اقتصاد،جامعه شناسی ،حقوق وغیره شـدم .وهمین مطالعات باعث شد به دانشگاه راه پیدا کنم .

مدّت ۱۳سـال در دانشـگاه حقوق ،فقه ،اصول ،ادبیّات عرب تـدریس کردم تا این که در سال ۷۸همسـرم دچار عارضه قلبی شد لذا نتوانستم به دانشگاه ادامه دهم .د رحوزه مشغول تحقیق شدم وبعضی از نقدهای اینجانب به دیدگاها در حوزه نشر شد.تا اینکه دفتر حضـرت آیت الله فاضـل لنکرانی (محمـد جـواد فاضـل)از بنـده دعوت کرد که بخشـی درمرکز فقهی راه انـدازی کنم تحت عنوان شبهات فقه واصول .

این کار ابتکاری را شـروع کردم شـبهات ابواب فقه بر اساس کتاب شـرایع جمع اوری شد به اضافه شبهات جدید .شبهات در اختیار دانش پژوهـان قرار میگیرد .پس از بررسـی خلاـصه جواب به نـام محقق ثبت می شود وهم اکنون عضو گروهی هستم که در زمینه های علمی فعّالیّت دارند ودر کنار جامعه مدرسین هستم .

صدیقی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل صدیقی

محل تولد : خشکبیجار رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسـماعیل صدیقی متولد ۱۳۴۳ در شـهر خشـکبیجار رشت به دنیا آمـدم و از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیّه شـدم و مشـغول تحصیل در حوزه ،پس از اتمام سطح به مدّت ۷ سال در دروس خارج محضر آیات عظام تبریزی ، فاضل لنکرانی ، سبحانی ، مکارم شیرازی حفظهم الله شرکت کردم و تا حال ۶ کتاب تألیف نموده ام در انتشاراتی های مختلف قم به چاپ رسیده است .

صرامی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیف الله صرامی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی با دیپلم ریاضی فیزیك وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه ذوالفقار شدم. تا حدود شش ماهی که در آنجا بودم مقدمات را از سیوطی و المنطق که در فاصله دو سال آخر دوره دبیرستان به آن رسیده بودم تا مغنی و اصول استنباط رساندم. اواخر سال ۶۰ توفیق حضور در حوزه علمیه قم ، مدرسه امام صادق(ع) را یافتم. در آنجا حدود یک سال بقیه مغنی، مختصر المعانی و تا اواسط شرح لمعه و اصول فقه را تمام کردم.

تا اواخر سال ۶۶ دروس مقدمات و سطح را تقریبا به اتمام رساندم و توفیق متناوب و البته جسته و گریخته ای در تدریس همان دروس تا سطح شرح لمعه را داشتم. از اواسط سال ۶۸ شاگرد درس خارج فقه و اصول بودم، در حالی که در خلال دروس مقدمات و سطح چند دور درس فلسفه را هم تجربه کرده بودم بدایه الحکمه، نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه اسفار را هم در حد ج ۱ و ۶ در سال های ۶۷ تا ۶۹ خواندم.سال ۶۹ دوره فوق لیسانس تربیت مدرس دانشگاه قم را در الهیات و معارف اسلامی آغاز کردم که در سال ۷۳ به پایان رسانیدم.از سال ۶۹ با شرکت در تهیه برخی فیش های بحار الانوار برای تدوین نرم افزار های مربوط در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی همکاری خود را با مرکز تحقیقاتی، با پیش زمینه ای در برخی از کارهای تحقیقاتی شخصی آغاز کردم. پس از مدت کوتاهی با تشکیل معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیك ریاست جمهوری محترم به آن پیوستم. حاصل کار با آن معاونت تا سال ۶۷ غیر از مدیریت گروه فقه دو کتاب احکام حکومتی و مصلحت و احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر بود.

از سال ۷۵ همکاری با پژوهشکده فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (ابتدا با عضویت در شورای علمی آن و از سال ۷۶ تاکنون به عنوان مدیر گروه مسائل فقهی حقوق آن) را آغاز کردم .

از اساتید حوزوی بیش از همه از محضر حضرت آیت الله استاد شیخ جواد تبریزی (مد ظله العالی) و پس از ایشان حضرت آیت الله استاد سید کاظم حائری (مد ظله العالی) بهره برده ام. از محضر اساتید گرانقدر حضرت آیت الله مددی و حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ مهدی گنجعلی نیز در درس هایی با روش مباحثه و گفتگو بهره های فراوان برده ام. توفیق تدریس دروس سطح را نیز به تناوب و البته به شکل خصوصی داشته ام.

صفار نیشابوری، مجدالدین، ابوسعد عبدالله

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۰۰ -۵۰۸ ق)، اصولی، فقیه و محدث شافعی. از جد مادریش، ابونصر ابن قشیری، و پدرش، علامه عمر بن احمد، و عمه‌اش، عائشه، و جده‌اش، دردانه خواهر عبدالغافر، و هبه‌الله سیدی و سهل بن ابراهیم مسجدی حدیث شنید. وی «صحیح» مسلم را از فراوی و «سنن» دارقطنی را از فضل بن حمد ابیوردی و «سنن کبیر» را از زاهر بن طاهر و «سنن» ابی‌داوود را از عبدالغافر و «سنن» و «الآثار» را از عبدالجبار خواری استماع کرد. پسرش، قاسم بن ابی‌سعد صفار، و بدل تبریزی و نجم‌الدین خیوقی و ابورشید غزال و اسماعیل بن ظفر و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. عبدالرحمان بن ابی‌عمر و ابن‌بخاری از وی اجازه‌ی روایت داشتند. او را از پیشگامان فقه و حدیث و عالم به اصول به شمار آورده‌اند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (۴۰۴ / ۲)، سیر النبلاء (۴۰۴ -۴۰۳ / ۲۱)، العبر (۱۲۹ / ۳)، النجوم الزاهره (۱۶۶ / ۶).

صفایی بوشهری، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی صفائی بوشهری

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۸ در بوشهر به دنیا آمدم ، پدر و مادری مهربان و متدین متکفل تربیت بنده بودند که با تمام تلاش به این مهم پرداختند و هم اینک در جوار حق آرمیده اند. دوران ابتدائی در مدرسه باقری دبیرستان در دبیرستان سعادت سپری کردم. از کودکی با حضور در مسجد و آشنائی با مبانی دین و ولایت خاندان پیامر علیهم السلام بافت روحی مذهبی در وجودم شکل گرفت به همین جهت در تمامی مراسم در مسجد حضور فعال داشتم و با شکل گیری شکوهمند انقلاب اسلامی به فعالیتهای انقلابی از قبیل تشکیل گروه مطالعه و آموزش و پخش اعلامیه های حضرت امام ره نوارهای سخنرانیهای ایشان ، ایجاد نمایشگاه کتاب و عکس و همراهی با نیروهای انقلابی اصیل به رهبری روحانیت و شکل دهی به راهپیمائیها پرداختم و بعد از پیروزی انقلاب با خدمت در جهاد سازندگی و اندکی در کمیته انقلاب اسلامی توفیق داشتم و به تشخص نیاز انقلاب و منطقه و علاقه وافری که به تحصیل در حوزه داشتم در سال ۱۳۶۱ به قم و تحصیل مشغل شده ام ، با جدیت و تلاش وافر به تحصیل پرداختم و با دقت به این مهم مشغول شدم به طوری که در سال سوم دعوت به تدریس شدم و تا کنون به این موهبت الهی اشتغال داشته و در همه سطوح تدریس کرده ام ، قریب به هفده سال در مدارس سپس در مدرسه دارالشفاء به آموزش معارف و علوم اسلامی مشغولم درهمین اوان متأهل و دارای دو دختر و یک پسر می‌باشم . با آشنائی با اساتید تزرگ معارف و اخلاق اسلامی با مبانی اصیل عرفانی و اخلاقی پرداختم و از اساتید عالی مقالم حوزه علمیه حظ وافر بردم سالها تدریس ادبیات ، اصول و فقه داشته و دروس اخلاق و صحیفه سجادیه در مدارس ، مرکز تربیت مدرس حوزه و منزل از دیگر توفیقات اینجانب است. پس از چندی از طرف دفتر تدوین و نشر متون حوزه جهت تالیف کتب آموزشی حوزه دعوت به همکاری شده و کتب آموزشی حوزه مثل آموزش صرف ، بدایه

النحو ، نهایه النحو ،مغنی الادیب و طراحی جدیـد آموزش ادبیات عرب را آغاز و به سـرانجام رسانـدم . هم اینک مشـغول تـدریس خاج اصول و معارف اخلاقی و صحیفه سجادیه می‌باشم خداوند همه ما را عاقبت به خیر نماید.

صفایی خوانساری، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در خوانسار به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت و مقدمات را از آقا سید علی خوانساری، دایی خویش، فرا گرفت. سـطوح را نزد پـدرش آموخت. در ۱۳۴۰ ق به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حـایری حاضـر شـد و چنـدین دوره فقه و اصول را نزد ایشـان خوانـد و مقـام اجتهاد و اسـتنباط را حائز شـد. وی از آیت‌الله اصـفهانی و آیت‌الله نایینی، آن مـدتی که آن دو در قم بودند، بهره‌مند گردید. همچنین مدتی از آیت‌الله قمی و آقازاده‌ی خراسانی و آقا رضا مسـجد شاهی و میرزا محمـد صـادق اصـفهانی اسـتفاده کرد. بـا ورود آیت‌الله بروجردی به قم از اصـحاب اسـتئفاء و خـواص حواریـون ایشـان گشت و به تـدریس فقه و اصول اشـتغال یـافت. او از نوزده تن از مراجع عظـام نجف و قم و مشـهد و اصـفهان و تهران اجـازه اجتهـاد و روایت داشت. وی در قم درگذشت و در مسـجد بالای سـر حضرت معصومه (ص) دفن شد. او دارای تصنیفات و تألیفات بسیاری است که از آن جمله: «الدیانه الاسـلامیه و معتقدات الامامیه»، در اصول اعتقادات؛ «تقریرات» درس آیت‌الله حایری، رد اصول و صلاه و نکاح و مکاسب؛ «الجواهر المودعه»؛ رساله‌هایی در تفسیر آیات «مبداء و معاد».[۱]

عالم علوم دینی.

تولد: ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱.

درگذشت: ۲۴ مهر ماه ۱۳۷۱.

حضـرت آیت‌الله حاج سـید مصـطفی صـفایی خوانساری، فرزند آیت‌الله حاج سید احمدحسین صفایی صاحب کتاب کشف الاستار عـن وجه الکتب و الاسـفار، بـود. مقـدمات و سـطوح و مقـداری از فلسـفه و حکمت را نزد دایی و پـدرش و دیگر اساتیـد خوانسـار فراگرفت. در سال ۱۳۴۰ ق. به شوق فراگیری علوم اسـلامی به قم آمد و در درس آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری حضور یافت و چنـدین دوره فقه و اصول را در محضـر ایشـان فراگرفت. همزمـان در محضـر حضـرت آیت‌الله سـید ابوالحسن رفیعی قزوین، کتـاب اسـفار را و در محضـر حضـرت آیت‌الله شاه‌آبادی، کتاب مصابح الانس و شـرح فصوص قیصـری را فراگرفت. از اساتید دیگر ایشان می‌توان از آیـات عظام سـید ابوالحسن اصـفهانی و میرزا حسـین نایینی (که در توقف هشت ماه آنان در قم از حضورشان بهره برد)، میرزا محمد آقازاده، حاج شـیخ مرتضـی آشتیانی، حاج شـیخ محمدرضا مسـجدشاهی، میرزا محمدصادق احمدآبادی اصـفهانی نام برد.

آیـت‌الله خوانسـاری از آیت‌الله حـائری اجـازه اجتهـاد و از حضـرات آیـات عظـام، حـائری، اصـفهانی، بروجردی، آقـا ضـیاء عراقی، آشتیانی، ابوالمجد مسـجدشاهی، شیخ محمدتقی خوانساری، میرزا محمد فیض، محدث قمی، میرزا محمد عسگری تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مرعشی نجفی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و میرزا رضی تبریزی و برخی دیگر اجازه‌ی روایات دریافت کرده است. از آثـار وجودی ایشـان کتابخانه‌ای بزرگ- که دارای صـدها نسـخه خطی است- و بنای مسـجدی در خوانسار و مسـجدی در قم را می‌توان نام برد. تألیفات وی عبارتنـد از: حاشـیه بر وسـیلهٔ النجاهٔ، تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله حائری، حاشـیه بر دررالاصول،

رسائل، مکاسب، کفایه، قوانین و شرح لمعه، الدیانة الاسلامیة (در اصول عقاید)، الجواهر المودعة، تفسیر مبدأ و معاد و...
حضرت آیت‌الله صفایی خوانساری صبح روز جمعه بیست و چهارم مهر ۱۳۷۱ (هیجدهم ربیع‌الثانی ۱۴۱۳) در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۲۹۳ –۲۹۱، ۷۷ –۷۶ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۳۷ –۲۳۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۹ –۱۳۸ / ۲).

صفایی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی صاحب حاشیه بر «کفایه» بود. در سامراء به دنیا آمد و تحصیلات خود را بیشتر در محضر پدر فرا گرفت و در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید. او همچنین از حوزه‌ی درس آیت‌الله حایری یزدی بهره‌ها گرفت. بعد از پدر در مسجد نو قم به انجام خدمات دینی مشغول شد و تا آخر عمر به تدرس و تألیف اشتغال داشت. از آثارش: «تاریخ شخصیت و صفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله»، در دو جلد؛ «تاریخ زندگانی امیرالمومنین علی علیه‌السلام»، در سه جلد: جلد اول در ایام خلفا، جلد دوم از خلافت تا شهادت در دو بخش: جمل و صفین، جلد سوم شرح فضایل و مناقب آن حضرت؛ کتابی درباره «زندگانی امام حسین (ع)»؛ «تاریخ سیدالشهداء»، در دو جلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :آثار الحجه (۵۶ –۵۵ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۰ –۱۸۹ / ۲، ۳۳۶ / ۱).

صفائی حائری، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌اللّه علی صفائی حائری در سال ۱۳۳۰ ه . ش (۱۳۷۰ ق) در بیت علم و تقوا و در مهد دانش، در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدرعلی صفائی حائری ، حضرت آیت‌اللّه آقای حاج شیخ عباس صفایی حائری (ره) از افاضل علمای زمان خود به شمار می‌رفت. پدر بزرگش مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج شیخ محمد علی صفایی حائری قمی (ره) ، از فحول علمای نجف بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی صفائی حائری پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.وی ادبیات و بخشی از سطح را نزد مرحوم حاج شیخ نصرت میانجی و آیت‌اللّه جلیلی آموخت. شرح لمعه را نزد شهید محراب، مرحوم آیت‌اللّه مدنی و آیت‌اللّه میرزا ابوالفضل موسوی تبریزی و آیت‌اللّه موسوی اردبیلی، کتاب رسائل را نزد حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید مهدی روحانی و مکاسب و کفایه را نزد آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری و آیت‌اللّه فاضل لنکرانی فرا گرفت.مرحوم صفایی از استعدادی فوق العاده و هوشی سرشار برخوردار بود؛ به همین جهت در مدتی کوتاه توانست مدارج ترقی را پیموده، دروس سطح را با فراست و دقت پشت سر گذاشته و به درس خارج فقه و اصول راه پیدا کند. اساتید او در درس خارج فقه و اصول، حضرات آیات عظام آقایان: مرحوم محقق داماد؛ و حاج آقا

مرتضـی حـائری؛ و مرحوم پـدرش آیت‌اللّه حاج شیخ عباس صـفایی حائری بودنـد. وی مراحل عالی فقه و اصول را با کنجکاوی و ذکـاوت خـاص خود در محضـر پـدر طی نمود، تا آن جا که به حلقه مباحثات علمی ایشان راه پیـدا کرد. شوق زایـد الوصف او در فراگیری علوم و عشق و علاقـه‌اش به راهی که انتخـاب کرده بود، از عواملی بودنـد که لحظه‌ای او را آرام نگذاشـتند و هیـچ مـانعی بـاعث نشـد که او از فراگیری دانش و معرفت غافـل شود. او لیـاقت خود را در درک عمیق و صـحیح مبـانی فقه و اصول به همگـان نشـان داد و به عنوان یکی از اساتیـد صـاحب نـام و طراز اوّل حوزه علمیه، درخشـید و در عنفوان جوانی به مقـام شامـخ اجتهاد نایل آمد.اسـتادان و مربیان : از اسـتادانی که علی صـفایی حائری درمحضـرشان کسب فیض نموده به شـرح زیر است: حاج شـیخ نصرت میـانجی و آیت‌اللّـه جلیلی، مرحـوم آیت‌اللّـه مـدنی ، آیت‌اللّه میرزا ابوالفضـل موسـوی تـبریزی ، آیت‌اللّه موسـوی اردبیلی،حضـرت آیت‌اللّه آقای حاج سـید مهدی روحانی ، آیت‌اللّه ستوده (ره) ، آیت‌اللّه میرزا حسین نوری ، آیت‌اللّه فاضل لنکرانی ، مرحوم محقق دامـاد، حـاج آقـا مرتضـی حـائری و عمـده‌ترین اسـتاد او در این مقطع، مرحوم پـدرش بود.زمـان و علت فوت : علی صـفائی حائری سرانجـام این مشـعل فروزان در سـحرگاه روز سه شـنبه بیست و دوم تیر ماه ۱۳۷۸ در حـالی که طبق عادت همیشـگی با تنی چنـد از دوسـتان و شـاگردان خود عـازم زیـارت مرقـد مطهر حضـرت ثـامن الائـمه (ع) بود، در سـانحه تصـادف جـان به جان آفرین تسـلیم کرد.پیکر آن فقید سـعید به قم منتقل شد و روز پنجشـنبه بیست و چهارم تیرماه پس از اقامه نماز توسط حضـرت آیت‌اللّه آقای حاج سیـد مهـدی روحـانی، در میان موجی از غم و انـدوه و بر روی دوش دوسـتان و شاگردانش با حضور جمعی از علما، فضـلا، اساتید حوزه علمیه و اقشـار مردم قم از حرم مطهر حضـرت فـاطمه معصومه (س) تـا گلزار شـهدای قم بـا شـکوه تمام تشـییع و در جوار قبر فرزند شـهیدش محمد صـفایی به خاک سپرده شد.مشاغل و سـمتهای مورد تصدی : علی صـفایی حائری در حمایت از نظام مقدس اسـلامی تا بدانجا پیش رفت که در این راه فرزندش نیز به شهادت رسید. آیت‌اللّه صفایی حائری در سال ۵۹ طرح حمایت ازنظام را مطرح می‌کردند و در مقابل دوسـتانی که اعتراض می‌کردند این چه حکومت اسـلامی است که در یک سو بازرگانی است که ملی گراست و دیگران به صورت دیگر؟! ایشان می‌فرمودنـد: وقتی اهـداف مقـدس است، باید کمک کرد.» و این عبارت قصار معروف ایشـان است که:«تضـعیف خیانت است، توجیه حماقت است و تکمیل رسالت. با کمبودها بایـد ساخت. اگر نیرو نیست، تربیت کن؛ اصـلاً خود تو نیروی خوبی باش...»شاگردان : علی صـفائی حائری در انتقال معارف کسب کرده خود هیـچ بخلی به خرج نمی‌داد و آنچه را که خود آموخته بود، در کمـال اخلاص همواره به دیگران نیز می‌آموخت و از این رهگـذر شاگردان زیادی را تربیت کرد. روش او در تربیت شاگردان، سنّت فراموش شده علمای سلف را زنده کرد، او با اقتدا به شیوه پر بار گذشته حوزه‌های علمیه، افرادی را تربیت کرد که از ابتدایی‌ترین مراحل تحصـیلی تا دروس ادبیات و سـطح را به آنها آموخت و همگام با آنان و در کنارشان تا آن جا این روش را ادامه داد که درس‌های خارج حوزه را با آنها به مباحثه نشـست و نه تنها در کارهای علمی که در همه امور زنـدگی در کنار آنها بود و به حل مشـکلاتشان پرداخت.آثار : آرامش (مجموعه شـعر) از زلال ولایت (بررسـی چهل حدیث از سخنان امام حسـین (ع)) چاپ انتشارات مسـجد جمکران قم. از معرفت دینی تا جامعه و حکومت دینی (در دست چاپ) اسـتاد و درس و روش تـدریس اسـتاد و درس، ادبیات، هنر و نقـد انسان در دو فصل (اشاره به دو دوران قبل از بلوغ و بعـد از بلوغ) انفاق (نگاهی به بحث انفاق و اثرات سازنـده آن) ای قامت بلنـد امامت (تحلیلی کوتاه از مسأله انتظار در زمان غیبت) بررسـی (مباحث این کتاب عمدتاً به نقد مکتب مارکسـیسم می‌پردازد و ضمن بیان مسائلی درباره تاریخ، طبیعت، آزادی، زن، حجاب و مالکیت اسلامی، پاسخ‌های لازم را در مورد این زمینه‌ها بیان می‌کند.) بشـنوازنی (بحثی در مورد دعا، زیارت و شرحی بر دعای ابوحمزه ثمالی) پاسخ به پیام نهضت آزادی / انتشارات هجرت. پنج نامه بلند به فرزندانش قبل از بلوغ. پیروز (مجموعه شعر) تابوت (مجموعه شعر) تطهیر با جاری قرآن، جلد تفسیر سوره توحید تطهیر با جاری قرآن، جلد (۴) تفسیر سوره نصر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۵) تفسیر سوره کافرون تطهیر با جاری قرآن، جلد (۶) تفسـیر سوره کوثر تطهیر با جاری قرآن، جلد (۷) تفسـیر سوره‌های همزه، فیل، قریش و ماعون تطهیر با جاری

قرآن، جلد تفسیر سوره‌های فلق و ناس تطهیر با جاری قرآن، جلدتفسیر سوره تبت تفسیر سوره‌های بقره، انعام، آل عمران، لقمان، مدثرو علق (دنباله مباحث تطهیر با جاری قرآن که آماده چاپ است.) تقریرات درس اصول تقریرات درس فقه دفتر اول: تعریف انقلاب اسلامی و آرمان انقلاب دفتر پنجم: میزان دفتر چهارم: مسئله انتظار دفتر دهم: موارد تقیّه و احکام تقیّه دفتر دوازدهم: قیام دفتر دوم: بینات دفتر سوم: بینش و آگاهی دفتر ششم: ولایت فقیه دفتر نهم: ضرورت تقیّه دفتر هشتم: مفهوم تقیّه دفتر هفتم: عمل در ارتباط با معرفت و محبت دفتر یازدهم: ائمه و تقیّه ذهنیّت و زاویه دید (این اثر به نقد ادبیات داستانی معاصر می‌پردازد و در آن مجموعاً ۱۱ اثر از نویسندگانی چون: حسن عابدینی، سیمین دانشور، محمود دولت‌آبادی، رضا براهنی، اسماعیل فصیح، شهرنوش پارسی‌پور، تقی مدرسی و گابریل گارسیامارکز مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. این کتاب از طرف انتشارات کوبه در تهران با نام علی حائری در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۵۵۰۰ نسخه انتشار یافته است.) ، رشد (دیداری با سوره والعصر) ، روش برداشت از قرآن ، روش نقد، جلد (۱) نقد هدف‌ها و مکتب‌ها ۴۱ روش نقد، جلد (۲) نقد مکتب‌ها، آرمان آزادی ، روش نقد، جلد (۳) نقد مکتب‌ها، آرمان آگاهی و عرفان، روش نقد، جلد (۴) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، مارکسیسم ، روش نقد، جلد (۵) نقد مکتب‌ها، آرمان تکامل، اگزیستانسیالیزم ، شعرهای شهادت (مجموعه شعر) ، صراط (دیداری با سوره حمد) ، طرحی در زمینه روحانیت، مسائل حوزه و تبلیغ. ، طرحی در زمینه مسائل فقه. عاشورا (نگاهی به مسأله قیام امام حسین (ع) ، غدیر (بحثی فشرده در زمینه مسأله ولایت و رهبری) ، فریاد (شعری بلند در زمینه توحید و خداشناسی) ، فقر (مباحثی در زمینه اقتصاد اسلامی) ، مسئولیت و سازندگی ، نزدیک به ۳۰۰ نوارکاست و ویدیویی از سخنرانی‌های مختلف او درباره مباحث کلامی، اخلاقی، تاریخی، تفسیر و فقه ، نوشته‌ای در ۴۶ صفحه دست نویس که قبل از رفتن به جبهه در سال ۱۳۶۵ نوشته و طرح‌های کلی و آراء و عقاید خود را در آن بیان داشته است. ، وداع (مجموعه شعر) ، وصیت نامه او

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

صفرعلی پور، حشمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حشمت الله صفرعلی پور

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران ابتدائی و راهنمایی از محضر پدر روحانی آیت الله سیدمجتبی میبدی (که خداوند درجات ایشان را متعالی فرماید) بهره‌ها گرفتم و قبل از انقلاب از امام خمینی(ره) تقلید می‌نمودیم دو رساله بدون جلد ایشان را داشتیم. دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به صورت پاره‌وقت در حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه از محضرات آیات و از جمله آیت الله اشرفی اصفهانی شهید محراب در معارف و اخلاق و تفسیر بهره‌مند می‌شدم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش به طور رسمی تحصیل علوم حوزوی را در قم آغاز نمودم و تمامی کتابهای درسی اصلی سطح و جنبی مرسوم در حوزه را نزد اساتید برجسته و مشهور فراگرفتم و در ادبیات از مدرس

افغانی و صنایع بدیع و منحصر المعانی و مطول از حاج آقای علوی گرگانی و ادیب دوم حجت هاشمی (به مدت شش ماه در مشهد مقدس) تلمذ نمودم و در منطق و فلسفه بدایهٔ الحکمه و منطق مظفر و حاشیه را نزد آیت الله ربانی گلپایگانی و نهایهٔ الحکمه و شرح منظومه را نزد آیت الله ممدوحی آموختم و باب حاوی عشر را تلمذ نموده و شرح تجرید را مطالعه و گاهی بحث می‌نمودم و تابستانها گاهی به تدریس ادبیات و اصول اشتغال داشتم و در تفسیر از محضر آیت الله جوادی آملی، معارف و نهج‌البلاغه از آیت الله مکارم شیرازی و در دروس اخلاق از محضر آیات عظام همچون آیت الله بهاء الدینی(ره) و آیت الله مظاهری بهره می گرفتم. شرح لمعه را نزد آیت الله شب زنده‌دار، محامی، استادی و سید احمد خاتمی آموختم و رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیت الله اعتمادی، پایانی و استادی فراگرفتم. رجال و ملل و نحل و درایه را نزد آیت الله سبحانی و علم حدیث و سیره رانزد آیت الله سید احمد خاتمی بهره گرفتم. در سال ۶۶ به دست آیت الله بهجت حفظ الله ملبس شدم و در این میان به صورت تبلیغی در جبهه‌های نبرد غرب و جنوب حضور پیدا می‌نمودم. دروس خارج فقه و اصول را بیشتر از محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و وحید خراسانی تلمذ نمودم برقی از کتابهای مباحث خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی(ره) و آیت الله جوادی آملی استفاده نمودم.از سال ۷۰ با مراکز تحقیقاتی قم همکاری داشتم و در کنار دروس حوزه به تحقق و تألیف در زمینه عقائد و امامت و ولایت پرداختم و آثاری را تألیف و به چاپ رسانیدم و در زمینه کتاب‌شناسی اختصاصی امام حسین(ع) به صورت گزارشی، تخصصی و کاربردی بیش از دو سال در کتابخانه‌ها و مراکز تخصصی تحقیق نمودم و کتاب «کتابشناسی اختصاصی امام حسین(ع) را تدوین و در اختیار علاقمندان و محققان قرار دادم و ثواب معنوی آن را هدیه به مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نمودم. پایان‌نامه سطح سوم به عنوان معادل فوق لیسانس در موضوع خیار عیب در سال ۷۳ و پایان‌نامه سطح سوم به عنوان مدرک رسمی کارشناسی ارشد در موضوع نقش علم اجمالی در اصول را در سال ۸۱ به پایان رسانیدم و هم اکنون پایان‌نامه مقطع دکتری و سطح چهارم در دست تدوین دارم. در ضمن چند سال در ایام تبلیغ از طرف نهاد رهبری در دانشگاهها توفیق حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای دولتی و آزاد مختلف تهران و شهرستاها را پیدا نموده‌ام و از معاونت امور اساتید در دانشگاهها مجوز تدریس دارم.

صلواتی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود صلواتی

محل تولد : خمینی شهر اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم اسلامی پرداختم . پس از اتمام دروس مقدمات برای ادامه تحصیل از اصفهان به قم آمدم. درسهای فقه و اصول و منطق و فلسفه را در قم آموختم. در سال ۱۳۵۱ بازداشت و به سربازی اعزام شدم آنگاه به زندان افتادم در سربازی و زندان مطالعات و تحقیقات خود را ادامه دادم بیشترین رشد علمی من در زندان بود که یک دوره

کتابهـای ملاصـدرا را مباحثه کردم به صورت منظم روی قران و نهـج البلاغه کار کردم و آنها را برای هم زنـدانیان تـدریس کردم. آشنایی با علوم روز مطالعه تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ جهان و ... رجعون ایام فراغت دوران زندان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی مراکز تحقیقات عقیدتی سیاسی سپاه را در قم راه اندازی کردم که وظیفه آن تهیه جزوات آموزشی برای سپاه در سراسـر کشور بود و در این ایام کتابها و جزوات بسـیاری تـدوین و منتشـر شـد ، کتاب روش تحلیلی مسائل سیاسـی ، تداوم انقلاب بر اساس ایمان ، هجرت ، جهاد. شرح بسیاری از خطبه های نهج البلاغه ، رمضان ماه خدا، و ... در سال ۱۳۵۹ مدرسه رسول اکرم و آنگـاه امـام باقر و سـپس دارالشـفاء را زیر نظر آیت الله العظمی منتظری راه انـدازی کردم که بیش از دو هزار طلبه در این مدارس به تحصـیل مشـغول شدند. در کنار کارهای اجرایی به پژوهش و تالیف پرداختم. که هشت مجله سیاسی فقهی حکومت اسـلامی، تقریر و ترجمه درسـهای استاد بزرگوار آیت الله منتظری نتیجه این دوره از زندگی است. ترجمه قران و صحیفه سجادیه را از زنـدان آغـاز کردم بـا شـیوه ای نوین (مسـجع و موزون) آنگاه به ویرایش و تکمیل آن پرداختم تا به چاپ رسـید.هم اکنون نیز با یاری خداوند متعال به پژوهش و تدریس مشغولم و با مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم همکاری دارم.

صمدی شاه آباد، اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اکبر صمدی شاه آباد

محل تولد : تفت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۷

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علیمه یزد شـدم پس از گذرانـدن مقـدمات و مقداری از سـطح در سال ۱۳۵۸ به حوزه علمیه قم مشـرف شـدم و نزد اساتید ذکر شده بهره مند شدم. از آنجا که از ابتدا به امر منبر و تبلیغ علاقه زیادی داشـتم به این امر مقدس روی آموردم که به لطف خداوند در این زمینه موفق بودم به گونه ای که در شهرهای مختلف کشور منبر رفته و می روم و گاهی ایام تبلیغی را از یکسال قبل وعـده می دهم . در قم نیز در بیوت رهبری ، آیت الله فاضل و مکارم نیز گاهی منبر رفته و می روم ۰ سفرهایی به خارج از کشور مثل امارات بحرین جهت تبلیغ رفته ام۰ سفرهایی از طرف بعثه مقام معظم رهبری به عربستان و سوریه جهت تبلیغ رفته ام . در کار تالیف نیز علاقه دارم که تا کنو ۵ جلد کتاب و ده ها مقاله نوشته ام و تالیفاتی نیز در دست دارم

صنعتگر، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل صنعتگر

محل تولد : کامو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر برجسته اساتید مدرسه امثال حضرات حج اسلام، خراسانی،حسینی،بار فروش تحصیل نمودم.در سال ۱۳۵۷ در نیمه دوم آن وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از پیروزی انقلاب از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله نورانی،ستوده ، علوی گرگانی،محفوظی، سطح را به اتمام رساندم و در ادامه جهت درس خارج از محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام مکارم شیرازی،سبحانی،نوری همدانی،تلمذ نموده ام و همچنین دو سال متوالی از درس تفسیر ارزشمند حضرت آیت الله جوادی کسب فیض نموده ام .در کنار درس اصلی حوزه آشنایی با مبانی اهل سنت و حوزه تخصصی مذاهب اسلامی را گذرانده که به علت بعضی تغییرات در حال طی نمودن مقدمات پایان نامه آن می باشم .دوره زبان عربی را در سال ۱۳۶۰ و انگلیسی را در سال ۱۳۷۲ گذرانده ام.

ضیائی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللّه ضیایی از چهره‌های برجسته‌ای بود که علاوه بر دروس حوزه، دروس عالیه دانشگاهی را آموخت و در حقیقت جامع علوم دینی و کلاسیک بود. معظم له در سال ۱۳۰۲ ش در روستای دریاکنار شهرستان لنگرود از شهرهای قدیمی استان گیلان، در بیت سیادت و فضیلت پای به عرصه وجود گذاشت. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : سید حسین، پدر بزرگوار سید عبداللّه ضیایی مردی متدین و شب زنده‌دار بود و به همان شیوه نیاکان و اسلاف گرامی‌اش به کشاورزی (برنج‌کاری) و نوغان داری (پرورش کرم ابریشم) مشغول بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعبدالله ضیایی در سن پنج سالگی برای آموختن قرآن به مکتب رفت و چند سالی را در آنجا نزد معلمان طالقانی - که از طالقان برای تعلیم و تربیت اطفال بدان نواحی می‌آمدند - قرآن و برخی از کتب متداول آن زمان، همانند «احسن المراسلات»، «سید الانشاء نوظهور»، «کلیله و دمنه» و «بوستان سعدی» و همچنین طرز نوشتن سندِ اجاره و فروش و انواع نامه نگاری، را فرا گرفت. او به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی و سرشارش، در مراکز تجمع همانند مسجد، میدان کُشتی‌گیریِ گیل مردان حاضر می‌شد تا معلم مکتب خانه از حافظه و استعداد او در فراگیری قرآن و درس، برای جذب اطفال اهالی آن سامان در مکتب خانه استفاده نماید. آیت اللّه دکتر ضیایی پس از تحمل سختی‌های فراوان موفق به اخذ پایان نامه کلاس ششم ابتدایی از مدارس دولتی شد و آن گاه در سال ۱۳۲۳ ش عازم حوزه علمیه قم گردید. دکتر ضیایی هر قدر که برای فراگیری علم و دانش تلاش می‌کرد، به همان اندازه نیز متخلّق به آداب و اخلاق نبوی و سیره عملی معصومین (ع) بود. او علم و تعهد و معنویت را با هم آمیخته بود.آیت اللّه دکتر ضیایی، پس از اقامت در قم، به درس

خارج آیت اللّه بروجردی و نیز به درس فلسفه و حکمت حضرات: علامه طباطبایی و امام خمینی حاضر و تنها از این بزرگواران بهره‌مند شد.اقامت آیت اللّه ضیایی در قم، چندان دوامی نیافت و پس از چندی به ناچار به تهران رفته، در مدرسه علمیه مروی تهران به تحصیل خود ادامه داد و در درس خارج «کفایه»و «رسائل» و «مکاسِب» آیات عظام: حاج سید احمد خوانساری، حاج عمادالدین غروی رشتی، آقا باقر آشتیانی و آقا میرزا هاشم آملی۴ شرکت جست. وی در این باره می‌نویسد:«من نیز دروس آیات عظام: خوانساری، غروی رشتی – که شاید در علم اصول بی‌نظیر بود – ، آقا میرزا هاشم آملی و آقا باقر آشتیانی را فرا گرفته و در مدرسه شیخ عبدالحسین سمت مدرسی داشتم و نیز به دعوت آیت اللّه خوانساری در جلسه استفتای معظم له حضور می‌یافتم. تا این که پس از چند سالی به اتفاق عده زیادی از فضلای تهران و قم – که از آن جمله شهید مطهری بود – در امتحان تصدیق مدرسی، که برای اولین بار تشکیل شده بود، شرکت کردیم.»خاطرات و وقایع تحصیل : سید عبداللّه ضیایی درباره مسافرت خود به حوزه علمیه قم می‌نویسد:«من به همراه عدّه‌ای که عازم کربلا بودند، با مختصر اثاثیه زندگی مجرّدی و مبلغ ۳۵۰ تومان، که شاید ۷۰ تومان هم خودم داشتم، به طرف قم حرکت کردیم. اما از رشت تا قم دو شب و یک روز طول کشید تا وارد قم شدیم.در سال ۱۳۲۳ ه . ش بود. فردای آن روز، وارد یکی از حجرات مدرسه فیضیه، که سه نفر از طلاب گیلان سکونت داشتند، شدیم. با آنها در آن حجره بودیم و مشغول درس شدیم. تا یکی از روزها بعضی از بزرگان علما از من دیدن کردند و پس از چند سؤال از صرف میر و امثله از ما چند نفر، خطاب به حاضرین کرده و فرمودند: هر چه زودتر برایش لباس روحانیت تهیه کنید تا در نرود!». دکتر محمدضیایی در مورد تحصیل در آن دوران اینگونه می گوید که: «تمام افرادی که با من بودند، استخدام شدند و من جرأت دخول در جرگه ظلمه را نداشتم و شبهه رکون به ظالم و معاونت ظلمه در نزد من قوی بود و زندگی برای من بسیار سخت شده بود. روزی از آیت اللّه خوانساری پرسیدم که طلبه‌ای چنین و چنان است و می‌گوید اگر در دستگاه دولتی قرار بگیرم ممکن است داد مظلومی و یا جای یک بهایی یا کمونیست را بگیرم، آیا جایز است؟ فرمودند: «این همه، وسوسه‌های شیطانی است و شیطان قوی است.» و قصه‌ای نقل کردند که شیطان از طریق حمایت از دین مرجعی را گول زد و دیگر راه جبران نداشت که شرحش مفصل است. «و بعد فرمودند: «اگر روزگار خیلی سخت می‌گذرد، چرخ دستی بگیرید و سیب زمینی بفروشید.» بالاخره به مدت دو تابستان در روستای ما، دریاکنار لنگرود، مشغول پرورش کرم ابریشم شدم؛ اما چون نابلد بودم خیلی بر من سخت گذشت، به پای خداوند متعال محسوب داشتم.»دکتر ضیایی با همه سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، لحظه‌ای از کسب علم و دانش غافل نماند. ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس، به تحصیلات دانشگاهی ادامه داد تا موفق به اخذ دکترا در رشته علوم تربیتی از دانشگاه تهران شد. وی در این باره خاطره‌ای نقل می‌کند:«در دوره دکترا مبصر کلاس بودم، آخر سال‌ها بود، یعنی در حدود سال ۱۳۳۵ ش، که مرحوم «آقای مشکاة» حُسن ظنّی به من داشت، در حضور جمعی از اساتید از من خواست که استخدام شوم؛ اما من این کار را حرام می‌دانستم، به تعلّل متوسل شدم. بالاخره استدلال آنها قوی بود و من جرأت نمی‌کردم که بگویم من حرام می‌دانم. تا آنجا که مستأصل شدم، گفتم استخاره می‌کنم. قرآن گرفتم و استخاره کردم. از باب اعجاز قرآن، این آیه در اول صفحه دست راست قرآن، بعد از گشودن، نوشته شده بود: (اهم یقسمون رحمهٔ ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم.)وقتی این آیه را دیدند، کانّه علی رؤوسهم الطیر!! در مورد عدم قبول استخدام دولتی خیلی حرف‌ها خوردم؛ اما همه را به پای خدا محسوب داشتم که ان شاء اللّه همان طور که در دنیا پاداش مضاعف داده، در آخرت نیز عطا فرماید.»استادان و مربیان : از استادانی که سید عبداللّه ضیایی در محفلشان کسب فیض نمود می توان به : آیت الله بروجردی، طالقانی، حاج سیداحمد خراسانی، حاج عماد الدین غروی رشتی، آقا باقر اشتیانی، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی اشاره کرد.وقایع میانسالی : با توجه به سابقه طولانی و خدمات بی‌نظیر سید عبداللّه ضیایی، مردم منطقه به محض اطلاع از رحلت ایشان، جامه عزا به تن کردند و همه جا را سیاهپوش نمودند. مجالس مختلف و متعددی در همه شهرها، بخش‌ها و روستاهای کوچک و بزرگ منعقد گردید. مجالس متعددی نیز از سوی بزرگان در تهران، قم

و... منعقد شد.فرزندان آیت اللّه ضیایی نقل کرده‌اند که: در شب وفات، حالت بیهوشی به آن مرحوم دست داد ؛ به طوری ما خیال کردیم از دنیا رفته است. لذا شروع به گریه و زاری کردیم؛ ولی پس از چندی، ایشان به هوش آمدند و فرمودند: چرا مرا برگرداندید؟ آن گاه فرمودند: من نماز نخوانده‌ام. سپس با همان حالت ضعف و ناراحتی تیمّم نمودند، نماز به جا آوردند و با خنده فرمودند: گلاب بپاشید، مگر نمی‌بینید؟! و چندین بار این جمله را تکرار کردند. ما نیز این کار را انجام دادیم. در این هنگام نیم قامت برخاستند و در حالی که می‌خندیدند و کلماتی زیر لب زمزمه می‌کردند، چشم از جهان فرو بستند و ما به یاد جمله امیرالمؤمنین (ع) افتادیم که فرمود:یا حار هَمْدانِ مَنْ یَمُتْ یَرَنی‌مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُنافِقٍ قُبلًازمان و علت فوت : سید عبداللّه ضیایی، که به امراض معده و سرطان مبتلا شده بود و پس از معالجات ممتد در ایران و خارج (اتریش و انگلیس) در شب شام غریبان حضرت ابی‌عبداللّه (ع) در بیست و سوم مرداد ۱۳۶۸ ش دار فانی را وداع گفت و به عالم بقا شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید عبداللّه ضیایی ، بعد از اخذ مدرک دکترا و اخذ اجازات اجتهاد از آیات عظام، به امر مراجع تقلید، تهران را به قصد توطن در گیلان ترک کرد و در آستانه اشرفیه رحل اقامت افکند. وی به مدت ۱۷ سال، یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش، به امر آیات عظام، بویژه حضرت امام خمینی (ره) ، مأمور به امامت جماعت مسجد جامع و مدیریت حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه گردید.دکتر ضیایی مبارزه را از هنگام ورود به دانشگاه آغاز کرد و با مباحث و مناظرات علمی با چهره‌های منحرف و وابسته به رژیم طاغوتی و استخدام نشدن در دوائر دولتی - که نشانه مشروع ندانستن حکومت طاغوت بود - ، در عرصه‌های مختلف به مصاف طاغوت و اندیشه‌های منحرف رفت. زمانی که به آستانه اشرفیه بازگشت، باز هم از مبارزه باز نایستاد و در منابر و سخنرانی‌ها، در مناسبت‌های مختلف، به شدت از رژیم طاغوتی انتقاد می‌کرد؛ به طوری که یک سال قبل از انقلاب ممنوع المنبر شد و چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، منزل او به دست عوامل مزدور ساواک به آتش کشیده شد که بر اثر آن، بسیاری از نوشته‌ها، کتب و تقریرات درسی مربوط به حوزه و دانشگاهش از بین رفت. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از خبرگان از استان گیلان به منظور تدوین قانون اساسی انتخاب گردید و سپس به طور موقت به تهران رفته، پس از چندی هم در قم مقیم شد. ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، در شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سمت دبیر شورا هم انجام وظیفه می‌کرد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم سید عبداللّه ضیایی از جمله شخصیت‌های برجسته و شاخصی بود که با توجه به تحصیلات دانشگاهی و تسلط و احاطه بر مبانی مسلک‌ها و شناخت عناصر منحرف و عقاید آنان، منزل خود را پایگاه پاسخ‌گویی به سؤالات علمی و شبهات گوناگون اساتید دانشگاه‌ها، فرهنگیان، گروه‌های مختلف از قبیل توده‌ای‌ها، بهایی‌ها، کمونیست‌ها و جوانان مسلمان دانشجو و... قرار داده بود. او نقش به سزایی در روشن شدن اذهان مردم در برابر این انحرافات داشت. او کانون توجه و مراجعه روشنفکران بود.وعظ و خطابه او باعث بیداری نسل جوان در برابر تهاجمات و خطرات فکری، فرهنگی، عقیدتی، علمی و... می‌شد ؛ در یک کلمه، گرچه او در شهر کوچک آستانه اشرفیه سکونت داشت، ولی در حقیقت مرکز هدایت فکری و فرهنگی تمام گیلان و غرب مازندران به شمار می‌رفت و در این راستا با عده‌ای از واعظان و نویسندگان منطقه، همانند مرحوم آیت اللّه احسان‌بخش، آیت اللّه قربانی و...، همکاری داشت. به همت ایشان و جمعی از بزرگان حوزه علمیه و مدرسین عالی مقام، نخستین برنامه جهت ساماندهی و قانون‌مندی دروس و امور مربوط به طلاب تدوین شد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید عبداللّه ضیایی جزو معدود عالمانی بود که توفیق یافت منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی و آثار و برکات معنوی گردد؛ از جمله خدمات وی است:.۱ بازسازی و احیای حوزه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه، با تجهیزات کامل..۲ تربیت و پرورش صدها نفر طلبه که بسیاری از آنان در سمت امامت جمعه و جماعت و مناصب دولتی و قضایی به نظام اسلامی خدمت می‌کنند..۳ احیای مسجد جامع آستانه اشرفیه با گنبدی بسیار زیبا..۴ احداث بیمارستان در آستانه اشرفیه..۵ احداث و مرمت مساجد و حسینیه‌های فراوان در منطقه..۶ احداث پمپ بنزین..۷ احداث ساختمان‌های فراوان وقفی از قبیل حمام و... .. ۸ اعزام مبلغ به روستاهای گیلان و مازندران، یکی از روش‌های

پسندیده و موفق وی در این باب بود.از آنجا که ایشان با روحیه و آداب و رسوم مردم منطقه کاملاً آشنایی داشت، اول ماه محرم یا رمضان، مبلغان اعزامی از قم و مشهد وقتی وارد استان گیلان می‌شدند، ابتدا به منزل وی در آستانه می‌آمدند. ایشان در منزل از آنان امتحان منبر به عمل می‌آورد و بعد به تناسب نوع سخنرانی و لحن و معلومات طلبه، می‌فهمید که او را به کدام محل بفرستد تا هر دو راضی باشند. مردم منطقه از این روش همواره رضایت کامل داشتند و از او به نیکی یاد می کنند.چگونگی عرضه آثار : سید عبداللّه ضیایی از طبع شاعرانه هم بی‌بهره نبود و اشعاری از ایشان به یادگار مانده است. از باب نمونه، غزلی را که ایشان به سال ۱۳۵۴ ش در مدح حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – سروده است.

بر گرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

طارمی زنجانی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۵ -۱۲۶۳ ق)، عالم، فقیه امامی، اصولی، متکلم و نحوی. در آب‌بر، از نواحی طارم، به دنیا آمد. وی ابتدا در زنجان به تحصیل پرداخت، سپس به قزوین رفت و در خدمت علامه‌ی وقت سید علی قزوینی، صاحب حاشیه‌ی «قوانین». مقدمات و مراتب علمی را فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات به عتبات مشرف شد. در حوزه‌ی درس حاج سید حسین کوه‌کمری و فاضل ایروانی و فاضل مامقانی و میرزای شیرازی حاضر شد و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرد. در حالی که از بزرگان علماء شده بود. به زنجان بازگشت و به تدریس و تألیف و امامت جماعت پرداخت. وی رد زنجان درگذشت و در جوار سید ابراهیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاصول الجعفریه». در عقاید، به فارسی؛ «افضل المجالس فی المواعظ و المصائب»، که مقتلی است به فارسی؛ «تکمیل الایمان نی اثبات وجود صاحب الزمان». به فارسی؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ مرتضی انصاری؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «ربیع المتهجدین»، در نماز شب؛ «الارث» و «الدیات»، به فارسی؛ «شرح الاحتشام»، در شرح «نهج‌البلاغه»؛ «مشکل الرجال فی منتهی المقال»؛ «شرح الصمدیه»؛ «منتخب العلوم». در صرف و نحو؛ شرح «الدره» سید مهدی بحرالعلوم.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷۹ / ۴). الذریعه (۲۸۵ / ۸ .۴۱۸ / ۴ .۲۵۹ .۱۸۰ -۱۷۹ / ۲ .۴۴۳ / ۱). ریحانه (۳۸۶ -۳۸۵ / ۲). طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۹ / ۱۴). علماء معاصرین (۸۹). معجم المؤلفین (۱۶۸ -۱۶۷ / ۳). مکارم الآثار (۱۷۱۷ / ۵).

طارمی زنجانی، عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۹۵ ق). فقیه، اصولی و شاعر. اهل طارم سفلی. بین قزوین و زنجان، است. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۱۷ ق به نجف رفت و از محضر شیخ‌الشریعه اصفهانی و آخوند خراسانی و علامه یزدی استفاده نمود. تا عالمی فرزانه گشت. آن‌گاه به زنجان بازگشت و باری مدتی مرجع امور دینی مردم شد. وی در تهران از دنیا رفت و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری دفن

شد. از آثارش: «قاعده لاضرر»؛ کتاب «منجزات المریض»؛ «کتاب فی الاصول»؛ «کتاب الوقف»؛ «نتیجه الحیاه»؛ «دیوان» شعر به عربی و فارسی؛ «ذخیره الممات»، در مواعظ و مصائب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۱۳ -۱۰ / ۱۲ / ۱۴). معجم المؤلفین (۶۲ -۶۱ / ۵).

طالقانی اصفهانی، هدایت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هدایت الله طالقانی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۵/۲۸

زندگینامه علمی

اینجانب سید هدایت الله طالقانی اصفهانی در ۲۸/۵/۱۳۳۱ در اصفهان متولد شدم. در خرداد ۵۰ دیپلم ریاضی از دبیرستان حکیم سنائی اصفهان گرفتم و در همان سال مهر ۵۰ وارد دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) رشته فیزیک شدم و لیسانس فیزیک دریافت نمودم و مقداری دبیر دبیرستانها سپس مدرس مرکز تربیت معلم بودم. دروس حوزوی را در اواخر دوران دبیرستان در اصفهان شروع کردم سپس بطور جدی در مهر ۶۳ دروس را در اصفهان پی گرفتم و از سال ۶۵ در حوزه علمیه قم مشغول بوده ام. پس از گذراندن ۱۳ سال درس خارج و دریافت مدرک سطح چهار از مهر ۷۹ پای درسی شرکت ننمودم و صرفاً به کارهای تحقیقاتی پرداختم.

طالقانی، علی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۲ -۱۲۳۳ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نوجوانی به نجف رفت و چند سال در درس و بحث شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، شرکت کرد. سپس به زادگاهش بازگشت و پس از چندی برای بار دوم به نجف رفت و در محضر شیخ انصاری و ملا آقای دربندی و شیخ راضی نجفی حاضر شد تا به مدارج عالی فقه و فقاهت دست یافت و در ایام غیبت شیخ انصاری به جای او اقامه‌ی نماز کرد. در ۱۲۸۸ ق به ایران بازگشت و ساکن تهران شد و به تدریس و انجام سایر وظائف دینی پرداخت و تا پایان این عمر به تدریس و تصنیف مشغول بود. از آثارش «تقریرات» بحث استادانش صاحب «جواهر» و شیخ انصاری می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱۹ -۱۶۱۸ / ۱۴).

طالقانی، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ محمدحسن طالقانی بن العالم الجلیل آخوند ملا عبداللَّه طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بودند. در سال ۱۲۸۷ ق متولد شده و در سن ده سالگی باتفاق والد ماجدش به تهران منتقل و در مدرسه حاج رجبعلی خان مشغول بتحصیل شده و پس از خواندن مقدمات واجبات در سن ۱۶ سالگی باصفهان مسافرت نموده و در آنجا از محضر و درس مرحوم آیت‌اللَّه حاج محمدباقر درچه‌ای (استاد مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی) و آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده نموده و دروس عقلی و فلسفی را از مرحوم میرزا جهانگیرخان حکیم قشقائی و مرحوم حجهٔالاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شده و بعد از بیست سال توقف در آن سامان برای دیدار والدین مسافرتی به تهران نموده سپس مراجعت به اصفهان و بعد از چند سال توقف ثانی و تدریسی و تدرس در اوائل مشروطیت به تهران رحل اقامت افکنده و در مدرسه دارالشفا و محمودیه مشغول بتدریس فقه و اصول گردیده و در مسجد سیف‌الدوله که اکنون به مسجد طالقانی معروف است در خیابان شاه‌آباد به اقامه جماعت و ترویجات دینی پرداخته تا در سال ۱۳۷۱ ق که دعوت حق را در سن ۸۴ سالگی لبیک گفته و جنازه‌اش با تجلیل فراوان حمل بقمر و در مسجد بالا سر در جوار حضرت معصومه علیهاسلام بخاک سپرده شدند.

نگارنده گوید: مرحوم آیت‌اللَّه طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران بالاخص محیط شاه‌آباد محبوبیت خاصی داشته و مورد توجه و علاقه مردم بودند.

از آثار علمی ایشان رساله‌ای در لباس مشکوک و رساله‌ای در غصب بیادگار مانده است.

(۱۳۷۱ -۱۲۸۷ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در ده سالگی به اتفاق پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج رجبعلی‌خان مشغول تحصیل شد و پس از خواندن مقدمات،در شانزده سالگی به اصفهان رفت و از محضر درس آیت‌الله محمد باقر درچه‌ای، استاد آیت‌الله بروجردی، و آیت‌الله ابوالمعالی کرباسی و دیگران استفاده‌ها نمود. دروس عقلی و فلسفی را از میرزا جهانگیرخان حکیم قشقایی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی بهره‌مند شد. بعد از بیست سال توقف در آن سامان، برای دیدار والدین به تهران آمد. سپس به اصفهان مراجعت کرد و بعد از چند سال تدرس و تدرس به تهران بازگشت و در مدرسه‌ی دارالشفاء و محمودیه مشغول به تدریس فقه و اصول گردید و در مسجد سیف‌الدوله (طالقانی) نیز به اقامه‌ی جماعت و ترویجات دینی پرداخت. فضائل اخلاقی وی مورد توجه خاص و عام بود. پس از درگذشت، پیکرش در مسجد بالاسر قم در جوار حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ای در «لباس مشکوک»؛ رساله‌ای در «غصب».[۱]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۷ -۵۰۶ / ۴).

طالقانی، نظر علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۶ -۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوهٔ والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشتراط الحس فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیهٔ الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیهٔ‌اللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیهٔ‌اللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نموده و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظرعلی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.

و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد. پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بینند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع

حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می کند قبله گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴- یک کالسکه... سومی می گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

بر گرفته از کتاب :اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۷۸ / ۲۲، ۲۳۴ / ۱۷، ۱۵۹ / ۱۵، ۶۲ / ۱۶، ۲۶۹ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸ -۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷ -۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۱۱۲۹ / ۴).

طاهر خرسندی، عسگر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عسگر طاهر خرسندی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عسگر طاهر خرسندی در سال ۱۳۴۲هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهررشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه رشت به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله فاضل ،آیت الله جوادی آملی، مرحوم آیت الله جواد تبریزی و دیگر ستارگان درخشان

حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه دولتی گیلان و دانشگاه آزاد واحد رشت به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امرنگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل" مقایسه آرای تطبیقی فارابی و بوعلی سینا و دانشمندان غربی"و" مفاهیم قرآن"را به رشته تحریر در آورده است.

طاهری آزاد، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر طاهری آزاد

محل تولد : بردسیر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر طاهری آزاد در سال ۱۳۳۵ در بردسیر کرمان متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۶۰ شروع به درس خارج نمودم که از محضر اساتید حضرات آیات وحیدخراسانی ، فاضل لنکرانی، و مکارم شیرازی بهره جستم .

طاهری، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد علی طاهری

محل تولد : قم

شهرت : طاهری قمی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۴/۱/۱

زندگینامه علمی

احمـد علی طاهری قمی فرزند آیه الله العظمی آخوند ملامحمد طاهر اشـعری قمی اعلی الله مقامه شـریف می باشم درسن ده سالگی پـدرم را ازدست دادم و تحت کفـالت مادرم به درس خوانـدن خود ادامه دادم .تحصـیلات ابتـدائی را درمکتبی که متعلق به مرحوم سیـد هاشم میر شـجاعی قمی رحمته الله علیه بود به سـر بردم سپس در مـدرسه رشـدیه چند سالی نزد پیر معارف مرحوم حاج میرزا حسن رشـدیه تحصـیلات کلاسـیک را فرا گرفتم آنگاه اساتیـد بنده درتکمیل دروس مقدماتی صـرف و نحو و منطق و معنی بیان و هیئت و گاهنامه عبارتنـد از(که درصـفحه بعـد به انها اشاره شـده است)ازبرخی ازاین بزرگان تقریراتی درفقه و اصول نوشـته ام که اگر توفیق نصیب شود آنها را تنظیم نموده و به چاپ خواهم رساند

طاهری، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله طاهری

محل تولد : نکاء

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

او در روسـتایی به نام آکرد، واقع در هزار جریب از توابع شهرستان نکاء در مازندران در خانواده‌ای روحانی درشهریور ۱۳۲۸ متولد شـدم. و در سن پنـج سالگی قرآن را در مـدت دو ماه در محضـر پـدرش شـیخ حسـین طاهری فرا گرفت، و سـپس به خواندن کتب فارسی در نزد پدر ادامه داد.

تا اینکه در تیرماه ۱۳۴۲ پدرش به رحمت ایزدی پیوست. او به همت مادرش در ۲۳ آذر همان سال به حوزه علمیهٔ شهرستان نکاء در مازندران که زیر نظر حضـرت آیهٔ الله حاج شیخ علی لیموندهی بود، رفت و در سال ۴۳ به حوزهٔ علمیهٔ کوهستان رفته و در سال ۴۵ به حوزه علمیه مشهد و از سال ۴۸ به حوزهٔ علمیه قم وارد شده که تاکنون در آنجا هست.

اساتید فقه و اصول: در سطوح عالیه در قم بسیارند از جمله آنها: آقایان: صلواتی اعتمادی، فاضل لنکرانی و نوری همدانی و.... و در خارج آیات عظام:میرزا هاشم آملی سید محمد رضا گلپایگانی، محمد فاضل لنکرانی، ناصر مکارم شیرازی و......

اساتید فلسفه و عرفان: آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی و......

در دانشگاه: در سال ۱۳۶۷ موفق به اخذ دکترا رتبه: اسـتاد یاری شدم.و در همان سال به عنوان عضو هیأت علمی در دانشـگاه تهران برگزیده شدم و در ۲۵ اسفند ۱۳۸۳ موفق به اخذ و دانشیاری از دانشگاه تهران شدم.

تـدریس: علاـوه بر تـدریس به صورت خصوصـی از همـان اوایـل طلبگی، در سال ۱۳۶۷ در حـوزه علمیه قم به صـورت عمـومی به تدریس فلسـفه و اصول (کتابهایی مانند نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی و شـرح منظومه سبزواری و رسائل شیخ انصاری) مشغول شدم و سپس مکاسب شیخ انصاری در فقه و کفایهٔ الاصول آخوند خراسانی را مکرر تدریس کردم و همچنان این تدریس ادامه دارد.در

دانشگاه نیز گرایشهای مختلف علوم انسانی مانند(عقاید، تاریخ اسلام، فقه، قواعد فقه اصول فقه، منطق، تفسیر، علوم قرآنی، اخلاق، انقلاب و ریشه‌ها و...) را تدریس می کنم.

طاهری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن طاهری

محل تولد : خرم‌آباد

شهرت : طاهری خرم آبادی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی در روز اول خرداد ماه ۱۳۱۷ هجری شمسی در خرم‌آباد به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حیدر طاهری خرم‌آبادی از شاگردان برجستهٔ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از دوستان نزدیک حضرت امام(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) بود که پس از سالها تحصیل و بهره بردن از محضر عالمان بزرگ حوزه علمیه اصفهان، مشهد و قم با درخواست مردم شریف خرم آباد به زادگاه خود بازگشت و تا آخر عمر به رتق و فتق امور مردم همت گماشت. از ویژگیهای بارز مرحوم حاج سید حیدر برخورداری از محبوبیت فراوان بین مردم و علمای شهر، حلم و بردباری و عدم علاقه به زخارف دنیا و مادیات بود. آیهٔالله سید حسن طاهری خرم آبادی که شیفتگی زائدالوصفی به پدر داشت، در سن ۹ سالگی مجبور به بردوش کشیدن داغ هجرت پدر شد و این یتیمی زودهنگام در پرورش و استواری آیندهٔ او تأثیر بسزایی داشت. وی از خاطرات شیرین همراهی با پدر، خاطره سفر به عتبات عالیات را ذکر می کند که در آن، ضمن باریابی به حرم ملکوتی ائمهٔ هدی، به محضر علمای بزرگ آن دیار نیز شرفیاب شدند. مادر او نیز که زنی پاکدامن و از طائفهٔ اشعریون قم بود، در حدود سال ۱۳۶۰ شمسی دار فانی را وداع گفت. آیهٔالله طاهری خرم آبادی تحصیلات خود را در یکی از دبستانهای خرم آباد آغاز کرد. وی اصرار داشت که با لباس روحانیت به مدرسه برود؛ اما بسیاری از معلمان شدیداً با این مسأله مخالف بودند که پشتیبانیهای مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج سید احمد طاهری، عموی ایشان، آنها را وادار به سکوت می کرد. وی در همان دورهٔ دبستان، با دیگر شاگردان مدرسه به مناظره در باره مسائلی چون علم و ثروت می‌پرداخت و گاهی که نماز جماعت برپا می‌شد، امامت آن را به عهده می گرفت. با پایان یافتن دوره ابتدایی، به مدرسه علمیه کمالیه رفت و طی دو سال جامع المقدمات و سیوطی را فرا گرفت. سپس به همراه مادر خود، به قم عزیمت کرد تا تحصیلات حوزوی خود را در آن دیار عالم پرور ادامه دهد. در نخستین روز سکونت در قم، به حرم مطهر حضرت معصومه(س) آمد و در کنار صحن بزرگ، مشغول وضو گرفتن شد که ناگاه چهره‌ای ملکوتی، او را به خود جلب نمود که در حال بازگشت از حرم بود. بی اختیار از یکی از طلاب پرسید: این آقا کیست؟ و او پاسخ داد: حاج آقا روح الله خمینی! بدین ترتیب از همان آغاز ورود به قم، شیفته امام(ره) شد و بعدها، به سبب رفاقت نزدیک امام(ره) با پدرش، مورد تفقد و عنایت ویژه ایشان قرار گرفت. در همان سال اول ورود به قم، مغنی، حاشیه ملاعبدالله و مقداری از سیوطی که باقی مانده بود فرا گرفت. در سال بعد معالم الاصول و شرح شمسیه و در دو سال بعد از آن، لمعه، قوانین و مطول را آموخت و در سال پنجم رسائل و

مکاسب شیخ انصاری را آغاز کرد. ظرف سه سال آن کتابها را به همراه جلد اول کفایه به پایان برد و جلد دوم کفایه را هم زمان با رفتن به درس خارج امام(ره) شروع نمود. مقداری از درس خارج قضا را در محضر آیهٔالله العظمی بروجردی فرا گرفت که به دلیل فوت ایشان، از ادامهٔ آن باز ماند. هم زمان در درس بیع امام شرکت می‌جست و پس از تبعید امام نیز به درس مرحوم آیهٔالله داماد و آیهٔالله حاج آقا مرتضی حائری یزدی رفت. حضرت آیهٔالله طاهری خرم آبادی در دورهٔ تحصیل خود از محضر استادان و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود که حوزه‌های علمیه خاطرهٔ مبارزات و مجاهدتهای آنان را هرگز از خاطر نمی‌زداید. وی با ورود به قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد آقای هاشمی رفسنجانی فرا گرفت. برای تحصیل معالم الاصول و مطول به نزد آقای شب زنده‌دار رفت و لمعه را نزد مرحوم حاج آقا حسین جزایری از فضلای خرم‌آباد، آقایان باقری کنی و ستوده خواند و رسائل شیخ انصاری را نزد آقایان مکارم شیرازی، شب‌زنده‌دار، مشکینی و سبحانی فرا گرفت و برای آموختن مکاسب محرمه با آقای حاج سید علی محقق داماد به مباحثه پرداخت کتاب بیع را نیز نزد آیهٔالله خزعلی فرا گرفت. کفایهٔالاصول را نیز در محضر مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی (جبل عاملی) و مرحوم سلطانی (طباطبایی) آموخت. برای تحصیل درس خارج، به درس مرحوم آیهٔالله بروجردی و مرحوم امام خمینی رفت. ایشان در باره ویژگی علمی امام(ره) می‌فرماید: «بحث ایشان، شاگرد پرور بود و فکر را به کار می‌انداخت. تنها نقل عبارت دیگران نبود. درس ایشان تفاوت زیادی داشت با کل درسهایی که ما تا آن موقع در حوزه دیده بودیم. الان هم معتقدم که نوشته‌های فقهی و اصولی ایشان قابل طرح و استفاده و درخور دقت است. البته نمی‌خواهم بگویم که نظری فوق نظرات ایشان نیست. شاگردان ایشان همان موقع به نظرات ایشان اشکال می‌گرفتند و خود ایشان هم مشوّق بود؛ اما نظرات ایشان در همهٔ ابعاد به قدری عمیق و دقیق است که همیشه قابل طرح و بحث خواهد بود. از نظر علمی می‌توان گفت که حضرت امام در ابعاد مختلف فقهی، اصولی، فلسفی و عرفانی در عصر خویش فقیه و اندیشمندی استثنایی بود. حضرت امام از یک نبوغ و استعداد بالایی برخوردار بود. بدون هیچ گونه مبالغه‌ای می‌توانم بگویم بعد از معصومین(ع) حضرت امام یک انسان استثنایی بود». آیهٔالله طاهری خرم آبادی، پس از تبعید امام، در درس آقایان گلپایگانی، شیخ مرتضی حائری و داماد شرکت نمود و از محضر مرحوم حاج آقا حسن فرید اراکی بهره‌های فراوان برد. در بخش فلسفه نیز، ایشان منظومه ملاهادی سبزواری را نزد مرحوم آیهٔالله حاج آقا مصطفی خمینی و آیهٔالله امینی آموخت. اشارات و الهیات شفا را نزد آیهٔالله جوادی آملی و مقداری از اسفار را نزد مرحوم علامه طباطبایی فرا گرفت. بخشی از اسفار را نیز در محضر آیهٔالله شهید مطهری خواند. ایشان در دوره سطح با آقایان سید احمد مرعشی، سید علی محقق، عمید زنجانی به مباحثه می‌پرداخته است و از هم مباحثه‌ایهای دورهٔ تحصیل درس خارج، از آقایان مؤمن، حسینی کاشانی، ربانی املشی و حاج حسن تهرانی نام می‌برد. آیهٔالله طاهری خرم آبادی، در سالهای متمادی حضور در حوزه علمیه قم، خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به این حوزهٔ سترگ تقدیم داشته است. در بخش تدریس، ایشان بسیاری از کتب دوره سطح را به نوآموزان حوزه درس داده است و هم اکنون نیز به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول است و طلاب و فضلای بسیاری را به جامعهٔ علمی و فقهی کشور ارزانی داشته است. در کنار تدریس، از سالهای پیش از انقلاب تاکنون، در نشریات گوناگونی، مقاله‌های جامع علمی و سیاسی خود را به چاپ رسانده است که برخی از آنها به صورت کتاب منتشر شده است.برخی از کتب ایشان در دست چاپ است که از آنها می‌توان به کتابی در ردّ شبهات وهابیهٔ و کتابهایی چون منابع مالی اسلام در حکومت اسلامی و کتاب الخمس و ذبایح اهل کتاب و کتاب ولایهٔ الفقیهٔ اشاره کرد. زندگی عالمان مجاهد در عصر ما، همواره با مبارزه با رژیم منحوط پهلوی همراه بوده است. آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز، چون دیگر عالمان عصر خویش و مانند پیر و مراد و مقتدای خویش، حضرت امام خمینی(ره) حکومت ننگین پهلوی و سکوت در مقابل ستمهای آن را برنمی‌تابید و روز و شب را به مبارزه با آن می‌گذراند. سخنرانیها، نامه‌ها و اعلامیه‌ها، به زندان رفتنها و شکنجه شدنهای وی نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و پیروزی آن ایفا می‌کرد که ذکر نمونه‌ها و شرح آن، در این مختصر نمی‌گنجد. در سال ۱۳۴۱، شاه و عوامل آن، لوایح ششگانه‌ای را با ظاهر

اصلاحات و ایجاد رفاه برای مردم تدوین کردند و می‌خواستند آن را به رفراندوم بگذارند. امام(ره) که به خوبی از حیله‌ها و عوامفریبی‌های شاه اطلاع داشت، مخالفت خود را با لوایح اعلام نمود و به آیهٔالله طاهری خرم آبادی نیز دستور داد که به خرم آباد برود و مسائل مطرح شده را با علما و مردم آن دیار در میان بگذارد. تلاش آیهٔالله طاهری خرم آبادی در آن روزگار برای رساندن پیام امام(ره) و گرد هم آوردن علمای خرم آباد و تصمیم‌گیری برای مسائل پیش آمده، نقطهٔ عطفی در مبارزات ایشان می‌باشد. همچنین ایشان پس از مدتی به قم رفت و گزارش مذاکرات علما و جریانهای پیش آمده در شهر را به اطلاع امام(ره) رساند. وی در اوایل سال ۱۳۴۲ به منظور تبلیغ و در آستانه ماه محرم، تصمیم به عزیمت به کاشان گرفت و آن را با امام(ره) در میان گذاشت. امام(ره) موافقت فرمودند و پیامهایی برای علمای کاشان با موضوعیت جریانهای پیش آمده و ضرورت مبارزه با رژیم شاه، دادند. وی ضمن رساندن این سخنرانیهای مهم و افشاگرانه‌ای را در ایام ماه محرم انجام داد که شور عجیبی در مردم کاشان ایجاد کرد و ساواک و عوامل رژیم پهلوی را هراسناک ساخت. همچنین سخنرانی وی پس از حادثه پانزدهم خرداد در حرم مطهر حضرت معصومه(ع) در حمایت از امام(ره) و محکوم کردن جنایات رژیم، در کارنامه مبارزاتی او می‌درخشد. در طول سالهای مبارزه، آیهٔالله طاهری خرم آبادی، بارها و بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفت و بارها تبعید یا زندانی شد. اما بینش صحیح وی از انقلاب و همچنین اطاعت محض از امام(ره) و علاقهٔ وافر به ایشان، تبعید و زندان و... را بر ایشان هموار می‌ساخت. ایشان هدف امام خمینی(ره) از نهضت را اینگونه بیان می‌کند: «از پای درآوردن حکومت سلطنتی در حد ساقط کردن آن و یا ضعیف کردن آن، به عنوان هدف میان مدت برای همه روشن بود. اما هدف نهایی نمی‌خواهم بگویم برای همه، ولی برای بسیاری از مبارزان نیز مجهول بود. به هر حال تا قبل از مطرح شدن مباحث ولایت فقیه حضرت امام، بحثی در مورد نظام جایگزین رژیم شاهنشاهی نشده بود. مباحث امام افق مبارزه را وسیع‌تر کرد و یک هدف مشخص و روشن را برای نهضت ترسیم کرد و آن، حکومت اسلامی و مسأله ولایت فقیه بود». آیهٔالله طاهری خرم آبادی، در حدود سال ۵۶ به عضویت رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد، هر چند پیش از آن نیز در فعالیتهای مبارزاتی با اعضای این مرکز همکاری داشت. فعالیتهای سیاسی آیهٔالله طاهری خرم آبادی به پیش از انقلاب محدود نیست. ایشان پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز در مسؤولیتهای گوناگون به ایفای نقش پرداختند و خدمات ارزشمندی را در عرصه‌های گوناگون به انجام رساندند

طاهری، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین طاهری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای سید حسین طاهری شهرت طاهری وحدتی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مؤمن و پای بند به مسائل دینی در مشهد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ به دنبال اشتیاق فراوان به تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد. ادبیات عرب را از محضر حجةالاسلام آقایان رضوانی و حجت هاشمی آموخت. سطح را در محضر اساتید مبرز مشهد از جمله مرحوم بنی هاشمی، مرتضوی و رضازاده سپری کرد و خارج فقه و اصول را نزد آیات علم‌الهدی، زنجانی و مرحوم فلسفی تلمذ کرد. عشق ایشان به بارگان ملکوتی امام رضا(ع) مانع از آن شد تا به حوزه‌ای علمیه و دیگر شهرها از جمله قم وارد شود و لذا در همان جا در حین تحصیل به تدریس علوم دینی و غیردینی پرداخت و در این رهگذر شاگردان بارزی جهت خدمت به انقلاب و مردم و... را تربیت کرد.

طاهری، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود طاهری

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردیبهشت سال ۱۳۴۸ به دنیا آمدم. دروس جدید را تا سوم راهنمایی به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیه رستم کلای (بوشهر) شدم و سالها از محضر حضرت آیت الله ایازی استفاده کردم. در سال ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل وارد حوزه علیمه قم شدم و بعد از اتمام دوره سطح حوزه، اکنون هفت سال است که به درس خارج مشغول می باشم.اساتیدی در دوره درس سطح حوزه قم از آنها استفاده بردم عبارتند از: ۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- حجت الاسلام حبیب الله طاهری.اساتیدی که در درس خارج از آنها بهره برده و می برم عبارتند از:۱- آیت الله العظمی علوی گرگانی ۲- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ۳- آیت الله احمدی یزدی ۴-آیت الله مصطفوی ۵- آیت الله سبحانی اکنون نیز به مدت تقریبا ۱۵ ماه است که سردبیری ماهنامه طوبی را به عهده دارم.

طاهریان، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل طاهریان

محل تولد : سمنان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زنـدگینامه علمی اینجانب جلیل طاهریان در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای مـذهبی در جنوب شـهر دیه به جهان گشودم. پدر بزرگوارم جهت کسب روزی حلال به کفش دوزی و والـده مکرمه‌ام به پخته نـان در منازل مشـغول بودنـد. که هر دو از دنیا رفته و روحشان شاد باد. بعد از دوران ابتدائی پدرم مرا به حوزه علمیه صادقیه سمنان هدایت نمود. که دوره مقدمات و سطح یک و دو را گذراندم. آنگاه جهت درس خارج نزد اسـتاد حضرت آیهًالله عالمی که به درجه اجتهاد نائل شده بودند، رفته و همزمان درس کلاسیک را در شبانه و دانشـگاه ادامه دادم. تا سال ۱۳۷۱ از دانشـگاه آزاد اسـلامی موفق به کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق در آمده و در سـال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی سـاعتی در دانشگاه آزاد اسـلامی فعـالیت علمی و پشـتکار بـاعث گردیـد. که در سال ۱۳۸۰ امام جمـاعت نمونه کشور در سـال ۱۳۸۱ پژوهشـگر برتر در حوزه فرهنـگ و دین و در سـال ۱۳۸۲ نیروی فرهنگی ممتـاز از سوی نهـاد نمایندگی ولی فقیه و همچنین در سال ۱۳۸۴ مبلغ برتر از سوی صدا و سیما حوزه علمیه دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات اسلامی شده و همچنین در سال ۱۳۸۵ پژوهشـگر برتر از دانشـگاه آزاد اسلامی انتخاب شده، و در حال حاضر مدیریت حوزه علمیه و تدریس در دانشـگاه آزاد اسـلامی را دارم. اولین مقاله‌ای که نوشـتم درباره نقش ورزشـکاران در احیاء نماز بود که مورد پذیرش قرار گرفت و این خود عاملی بود که دست به قلم زده و کتاب رازها و رمزها نماز را که با رهنمود اسـتادم که درس خارج فقه را بر عهده داشتند. تحریر نموده و بحمدالله مورد پذیرش قرار گرفتند کار مطالعاتی و تحقیقاتی را استمرار داده. که آخرین تحقیقات حقیر پیرامون تهی کردن دین از بصـیرت ترویـج خرافه پرستی. و ترویـج ابتذال تحت عنوان آزادی و مدعیان دروغین در ارتباط با حضـرت ولی عصـر بوده اخیراً گوشه‌آی از فعالیت‌هـای علمی را که من جمله درباره حضـرت معصومه(س) با عنوان بانوی مهر و همچنین مقالات چاپ شـده در ارتبـاط بـا اتحـاد ملی و انسـجام اسـلامی و موعود باوری عاملی در ایجاد اتحاد ملی و انسـجام اسـلامی بود در حوزه علمیه صادقیه که در زمان بازدید اسـتاندار سـمنان صورت گرفت به نمایش گذاشتند که موجب تعجب علماء و طلاب گردیده بود. انجام امور پژوهشـی و تحقیقاتی و چاپ مقالات متعدد باعث گردید که اجرای برنامه‌های زنده در صداوسیما را به عهده حقیر گذاشتند و بحمدالله با ارائه بحث‌های جدید علمی من جمله ازدواج- آفات زندگی – سـنگ صبور بحث حوزه و دانشگاه جایگاه علمی خوبی را پیـدا نموده و عضو پژوهشـگران کشوری شدم و در نمایشـگاه پژوهشـگران راه یافتم. همچنین با شـناختی که مسـئولین پیدا نموده برگزاری همایش‌هـای بزرگ از قبیـل عفاف و حجاب، مـدیریت و رهبری، تولیـد علم و نهضـتف، نرم‌افزاری و برگزاری نمایشـگاه نغمه دل که ویژه نمـاز بـود به حقیر محـول نمـوده که آقـای قـداستی بصـورت مکتوب این جمله را نوشـتند که اولین کـار علمی در کشور به صورت نمایشگاه مجازی به ثمر رسید و قدردانی نمودند.

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در روزهای پایانی صـفر ۱۲۹۲ ق . خانه حجهًْ الاسـلام حاج سـید علی بن سـید احمـد طباطبایی با تولـد نوزادی که ((حسـین)) نام گرفت. غرق درذکر و سپاس پروردگار شد.

سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات ، سیوطی ، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوربخش به تکمیل اندوخته ها و تهذیب نفس پرداخت . نحو، صرف ، بدیع ، عروض ، منطق ، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت .

آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین ، پسر عمو سید حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .

زیر باران

سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست .

دانشور درچه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیهٔ الله ملاـ محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.

استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول ۱۳۱۴ سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.

هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در ۲۲ سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.

نامه سرنوشت

۱۳۱۹ ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.

برادران بروجردی در ۱۳۲۰ به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که ۲۸ سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیهٔ الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تاءمل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟

اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس

وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.

آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت ، سر انجام در اواخر ۱۳۲۸ به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در ۱۳۲۹ با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.

او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر سفرش را به تاءخیر انداخت . در این سوگ نامه صاحب کفایهٔ الاصول سبب تسلای خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.

این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت : مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از ۶ ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.

خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترد. اندک اندک مؤ منان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیهٔ الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت .

در برابر شب

در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤ ولان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت ، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاده ، خواستار برکناری مسؤ ولان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت .

پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤ ولان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤ منان به شهر بازگشت .

سفر سبز

از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.

چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤ منان به بروجرد گام نهاد.

او سپس راه عراق پیش گرفت ، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت ، چندی در حریم امیرمؤ منان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.

در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤ منان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم ، سرور فقیهان بروجرد به مرز

ایران گـام نهـاد. مزدوران دربـار، که از پیوسـتن او به مهاجران و رسانـدن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصـر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.

در تهران رضاخان به دیدارش شـتافت . او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده ، گفت : چیزی از من بخواه .

فقیه بروجردی اظهـار بی نیـازی کرد ولی در برابر پافشـاری شـاه ناگریز لب گشاده ، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقـدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم ، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.

آنگاه در پاسخ رضا خان ، که مساءله نادیـده گرفتن جایگاه آیـهٔ الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهـد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم .

آنگـاه وی را به همراهی بـا روحانیت و عمل به دسـتورات الهی فرا خوانـده ، چون می دانست اجازه سـفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود برآنم به مشهد سفر کنم .

انـدکی پس از خروج رضـا خـان تیمورتـاش پنجـاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسـته آورد. فقیه بروجردی از پـذیرش هـدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت .

دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش ، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشـهای سیاسـی آشـکار کشانـد. او که چون آیهٔ الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دسـتورات الهی می اندیشـید بر آن شـد سمت تهران رهسپار شود ولی بسـتگان ، وی را از این کـار بـاز داشـتند. فقیه روشن بین از رؤ سـای عشـایر خواست بـا تهران تماس گرفته ، حمایت عشایر از پیشـنهادهای حاج آقا حسـین قمی را به پایتخت گزارش دهنـد. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که ، اگر دولت سخن آیهٔ الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد رفت و مسؤ ولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است .

در سایه تلاشـهای آن راهبر سـخت کوش سـرانجام دربار خواسـتهای حاج آقا حسـین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شـمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.

چون او از بنـد بیماری رهایی یافت ، با دو پیشـنهاد روبرو شـد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می شـتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضـرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقـامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت . آیـهٔ سوره مؤ منون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشـمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.

بـدین ترتیب آفتـاب رخشان فقاهت در چهاردهم محرم ۱۳۶۴ ق .از افق قم بر آمـد و جهـان را از نـور دانش گرمـای معنویت خود سرشار ساخت .

در تابش آفتاب توس

مـدتی پس از اقـامت در قم سـتاره تابناک مرجعیت رهسـپار توس شـد تا در پناه خورشـید ولایت جام وجودش را از امـدادهای سبز پیشوای هشـتم شـیعه آکنده سازد. در این سـفر دانشور وارسـته حضرت آیهٔ الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.

استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.

مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیهٔ الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤ منان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.

ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت . برای مثال حضرت آیهٔ الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .

مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیهٔ الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :

شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.

علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:

۱- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسرت را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .

دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیهٔ الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :

استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.

دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.

۲- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :

وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است . پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده ، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم ، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد.

من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم ؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت : این را آقا برای شما فرستاده .

به پاکت نگریستم ، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم . چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود.

شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت .

سالهای درخشان

حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءیید الهی حوزه مقدس قم را که ، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.

مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید.

ساماان دادن به وضعیت درسی حوزه .

رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، بر قرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ،گسیل کردن نمایندگانی به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.

ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.

او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤ منی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مساءله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤ من را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیة الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟

مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .

آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .

سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.

دانشور جامع

یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیهٔ الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحبنظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:

۱. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ، اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .

آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .

هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .

۲. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاهت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.

میراث ماندگار

مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .

ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:

۱. تجرید اسانید الکافی

۲. تجرید اسانید التهذیب

۳. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه

۴. اسانید رجال کشی

۵. اسانید استبصار

۶. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق

۷. اسانید کتاب امالی

۸. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق

۹. تجرید فهرست شیخ طوسی

۱۰. تجرید رجال نجاشی

۱۱. حاشیه بر کفایه الاصول

۱۲. حاشیه بر نهایه شیخ طوسی

۱۳. حاشیه بر عروهٔ الوثقی

۱۴. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی

۱۵. حواشی کتاب مبسوط

۱۶. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

۱۷. اصلاح و مستدرك رجال طوسی

۱۸. بیوت الشیعه

۱۹. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت .

فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت . کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت

دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکراءی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم وزنامه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال ، نخست وزیر وقت ، گفت : پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت . اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مساءله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت :... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسی بسیار دقیق داشت . او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ ق . فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت . در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند.استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت : خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم . یکی از حاضران گفت : آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم .

فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز

بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است .)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش ، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم ، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبایی فر، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس طباطبایی فر

محل تولد : نطنز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید عباس طباطبایی فر درسال ۱۳۴۱درروستای اوره از شهرستان نطنز درخانواده ای روستایی به دنیا آمدم ودرسال ۱۳۵۹ از دبیرستان امام خمینی نطنز دیپلم گرفتم ویک سال بعد با مشورت بعضی بستگان روحانی ام (که بین سپاه پاسداران و حوزه مردد بودم) عازم قم شدم یک سال بطور آزاددرس خواندم یرا هنوز حوزه مدیریت منسجم نداشت سال بعدمدارس حوزه وطلاب تحت پوشش مدیریت حوزه قرارگرفت ومن نیزدرمدرسه مبارکه رضویه مشغول شدم وپس ازاتمام مقدمات وشروع سطح ،درردرس اساتیدی مانند آیت الله راستی کاشانی (شرح لمعه) وجدانی فخر – محامی– واستاد علوی سرشکی(خصوصی) بهره بردم وعلم اصول را نیز نزد آقایان هادوی تهرانی وصالحی مازندرانی وسپس مکاسب رانزد مرحوم آیت الله پایانی شروع کردم ورسائل را نزد آیت الله راستی وپس ازبیماری وتعطیلی درس ایشان از اساتید دیگرازجمله استاد محمدی خراسانی استفاده نمودم ودرکفایه آیت الله قدیری شرکت نمودم وضمناً برای اینکه ازتعطیلات سود برده باشم بعضی از قسمتهای رسائل کفایه ومکاسب را ازطریق نوار مرحوم آیت الله ستوده استفاده وبا دوستان بحث میکردیم .درس خارج رانیز یک سال اصول آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم وبا ورودبه رشته تخصصی کلام که عصرها بزگزار می شد از درس ایشان محروم شدم لذا مدتی اصول آیت الله وحید رفتم ومقداری نیزآیت الله سبحانی وحدود هفت سال فقه آیت الله مکارم ویک سال آیت الله سبحانی نیز شرکت کردم سه سال نیز از بحث خارج اصول استاد علوی سرشکی استفاده نمودم (نصف دوره)که بسیار برای من پربهره بود اما ایشان فقه واصول را رها نمودند وبه مباحث فلسفی وکلام جدید پرداختند واین درس نیز تعطیل شد اما بحث خارج ایشان (هفته ای یک جلسه)دارند که شرکت مینمایم وبحث ها نوشته وچاپ میشود .صمناً ازپایه چهارم درایام تبلیغی خصوصاً محرم ورمضان به امر تبلیغ میپردازم درزمان جنگ برای تبلیغ به جبهه ها نیزرفتم که امیدوارم خداوند توفیق تبلیغ دین را برایم حفظ نماید .مدتی پس از اتمام تخصصی کلام تدریس مباحث اعتقادی درمدارس را شروع کردم وچند سالی است (هفت یا هشت سال)که این برنامه را دارم والان نیز درجامعةالزهرا(سلام الله علیها)به تدریس مباحث کلامی مشغولم .

طباطبایی نسب، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا طباطبائی نسب

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد رضا طباطبائی فرزند شهید حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن طباطبایی نسب که در تاریخ ۱/۱۲/۶۴ همراه با شهید آیت الله محلاتی به شهادت رسیدند. ایشان بعد از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده، دوره مقدماتی را در مدارس علمیه رضویه و المهدی گذرانید. دوره سطح را در محضر اساتید برجسته همچون حضرات آیات: احمدی میانجی، کریمی جهرمی، اعتمادی ، وجدانی، شیخ احمد عابدی، سید احمد خاتمی بهره های فراوان برد. دوره عالی حوزه ، دروس خارج فقه و اصول را به مدت ۱۰ سال در محضر حضرات آیات عظام: خامنه ای ، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی دنبال نمود و هم اینکه در درس خارج فقه مقام معظم رهبری اشتغال به تحصیل دارد، در همین راستا از سوی کمیته علمی معاونت امور حوزوی دفتر مقام معظم رهبری (طی نامه شماره ۲۰۱۳/۳۰ مورخ ۳۱/۶/۱۳۸۰) مقرر گردید ایشان پیرامون موضوع « حکمت جعل قوانین جزائی» کاری علمی و تحقیقی تدوین نمایند که بعد از تحقیق و تکمیل ، پذیرفته و مورد تأیید آن معاونت محترم قرار گرفت.

در عرصه تحقیقات و تألیف کتاب از ایشان تا به حال ۳۵ عنوان در موضوعات مختلف در تیراژ صدها هزار جلد توسط مؤسسه فرهنگی نورالائمه علیهم السلام منتشر گردیده است که از آن جمله می توان به کتابهای (برکرانه ها جلد ۱ و ۲ ، پرسش از خدا، حج میثاق بندگی، سیمای امام مهدی علیه السلام، جلوه هائی از نور، چشمه های معرفت پیرامون زندگانی ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرد و در خصوص موضوعات علمی و حوزوی تا به حال چندین اثر تدوین شده از جمله شرح رسائل ـ آشنایی با ابواب فقه (شرح لمعه) و ... که هنوز منتشر نگردیده است. در عرصه فرهنگی با تأسیس و مدیریت مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی نورالائمه علیهم السلام تا کنون ۱۹ طرح عظیم فرهنگی را برای بیش از صدها هزار نفر بویژه جوانان با همکاری دستگاههای مختلف فرهنگی برگزار نموده است که گزارش آن کتباً به استحضار مقام معظم رهبری رسید و معظم له نیز طی نامه ای شماره ۸۱۶۱۳۴ مورخه ۵/۳/۱۳۸۳ اقدامات و خدمات این مؤسسه را مورد عنایت ویژه و تقدیر قرار دادند.

طباطبایی یزدی، محمد کاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷ -۱۲۵۶/ ۱۲۴۷ ق)، عـالم دینی، فقیه، اصـلوی، لغوی، شـاعر و مرجع بزرگ. در کسـنویه از قراء یزد به دنیا آمـد. مقـدمات و سطوح را نزد علمای اصـفهان فراگرفت و تحصـیلات خود را نزد علمای اصفهان فراگرفت و تحصیلات خود را نزد علمای طراز اول آنجا همچون صاحب «روضات الجنات» و شیـخ محمـد باقر بن محمـد تقی اصـفهانی نجفی و میرزا محمـد هاشم چهار سوقیان ادامه داد، تا به درجه‌ی اجتهاد رسـید. سـپس برای تکمیل معلومات به نجف رفت و در حوزه‌ی درس شـیخ راضی نجفی و میرزای بزرگ شیرازی حاضـر شد، پس از درگذشت میراز به تدریس علوم اسـلامی پرداخت و سالها حوزه‌ی درسش از مهمترین حوزه‌های نجف بود. علامه یزدی در سـرودن شـعر به فارسی و عربی مهارتی تمام داشت. او در نجف درگذشت در جنب در طوسی صحن علوی به خاک سپرده شـد. از آثارش، احـداث ابنیه خیریه و مـدارس و مساجـد است. مـدرسه سـید در نجف از جمله‌ی آثار او است. از آثار علمی‌اش: «العروه الوثقی»، که رساله‌ای است فتوایی، مشـتمل بر سه هزار و دویست و شـصت مسأله که در عراق و ایران و هندوستان به چاپ رسید و حاج شیخ عباس محدث قمی آن را به فارسی ترجمه نموده و «غایه القصوی» نامیده و بسیاری از مراجع تقلید بر آن حواشـی نوشـته‌اند؛ رساله‌ای در «اجتماع امر و نهی» و «تعادل و تراجیـح»، حاشـیه بر «متاجر» یا «مکاسب» شـیخ انصاری؛ رساله‌ای در «احکـام ظـن»؛ رسـاله‌ای در «منجزات المریض»؛ «السـؤال و الجـواب»، در فقه؛ «الاستصـحاب»؛ «الصـحیفه الکـاظمیه»؛ «بسـتان نیـاز و گلستان راز»، در مناجات، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۳۴ / ۷)، الذریعه (۲۵۲ / ۱۵، ۱۰۸ / ۳، ۲۵ / ۲)، ریحانه (۳۹۳ -۳۹۱ / ۶)، شرح حال رجال (۲۵۱ -۲۵۰ / ۶)، علماء معاصـرین (۱۱۴ -۱۱۳)، فوائـد الرضویه (۵۹۷ -۵۹۶)، لغت‌نـامه (ذیل/ یزدی)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۳۲۴ -۱۳۲۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰ -۲۶ / ۵).

طباطبایی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل طباطبائی

محل تولد : بابلسر

شهرت : طباطبائی اشکذری

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

جناب آقای سـیدابوالفضل طباطبائی مشـهور به طباطبائی اشکذری پس از طی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی در شهرستان بابلسر، در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شـهر فریـدونکفار شد و تحصـیلات مقدماتی تا رتبه اول سـطح را زیر نظر حضـرت آیت الله باکویی از اساتیـد بزرگ حوزه علمیه به اتمام رسانـده پس از آن جهت تکمیل تحصـیلات حوزوی خویش رهسپار قم گردید. این هجرت در

سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد و سپس در قم دوره سطح عالی را در محضر اساتیدی همانند آیت الله وجدانی فخر، اعتمادی، تهرانی و... در مدت ۳ سال سپری نمود و در سال ۱۳۷۰ رسماً تحصیلات خارج را شروع کرد که به مدت ۵ سال در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی و ۱۳ سال در درس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد. در کنار فقه و اصول برخی علوم دیگر را نزد آیت الله جوادی آملی و معرفت آموخت و در سال ۱۳۷۲ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قران فارغ التحصیل گردید آغاز به کار تحقیقات و پژوهش از سال ۱۳۷۰ در قالب همکاری با مؤسساتی چون مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج) شروع گردید، محصول این همکاری‌های تألیفات فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی می‌باشد.

طباطبایی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می‌گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نورالله طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می‌گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نوراللّه طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی‌گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و

فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و فداکارانه خشم و نفرت خود را از تبهکاری‌های ستمکاران بروز می‌داد.آن شهید سعید همواره در ایام تبلیغی در نقاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند اسلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضرب و شتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعا بر می‌داشت، به دست مأموران پهلوی مورد هتک و شتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارها نه تنها هیچ گونه تأثیر منفی در اراده استوارش – که از قلبی لبریز از ایمان و تقوا نشأت می‌گرفت.– نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هدف جدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضربات کوبنده‌تر به ریشه پوسیده استبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت.در منطقه اردستان و زواره، اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تا بتواند به کمک این سلاح سازنده، راه خویش را در جهت محو ستم ادامه دهد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل

رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواستند سر از کارش درآورند، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حالت کاملاً ـ عادی، طوری که شک مأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کنند. ایشان در شهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبارزان و مخالفان رژیم، بدترین نوع توهین‌ها را نسبت به حامیان امام (ره) و نهضت اسلامی، روا می‌داشتند؛ اما او با حفظ مصلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کنند؛ یا در فعالیت‌های سیاسی این نیروها اختلال به‌وجود آورند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نمایندگان آن روز را نوکر اجانب خواند. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردستان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودند، به ساواک مرکزی اصفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکار عمومی و تغذیه فکری نسل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تا آن که در سال ۱۳۵۶ ش، به دست عوامل رژیم دستگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زندان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضرت حجة الاسلام و المسلمین کرباسی – روحانی اعزامی از قم – در مسجد پامنار زواره (واقع در شمال اردستان) به مناسبت سالروز ولادت با سعادت حضرت مهدی (عج) جشنی بر پا کرده بود. شهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضت اسلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پدر و اساتید وارسته خود، با فضایل و مکارم آشنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداوند در جهت کسب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشید و به صفات نیک و خصال پسندیده آراسته گردید، از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نداشت او رابه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسی بدی می‌دید، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشم می‌پوشید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشها تمام می‌شد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصبانیت این شهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسی انتقادی نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می‌کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می‌کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می‌کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاً ـ می‌شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می‌کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید

بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرک و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنورالله طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پرکند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

طباطبایی، نورالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در یکی از روزهای سال ۱۳۱۹ ه . ش در خانواده روحانی و مبارز، حاج میرزا علی آقا طباطبایی، در این آبادی با صفا، کودکی دیده به جهان گشود که پدر نام سید نور اللّه را برایش برگزید. این غنچه نو رسته از همان آغازین روزهای حیات، تحت تربیت پدری متدین و فاضل و پرورش مادری پاکدامن، دانش دوست و علاقه‌مند به خاندان رسالت بالندگی یافت.چون فضای خانه‌ای که سید نور اللّه دوران طفولیت را در آن می گذارنید به علم و ایمان و پارسایی آراسته بود، از همان اوان شیرخوارگی، دانش‌طلبی در پرتو معنویت، با جان این نوباوه عجین گشت و تا آخر با او بود. او پویش علمی و عمل صالح را از پدری عالم و عامل و مادری فضیلت پرور، در کلاس تربیت خانوادگی آموخت و بی آن که پایش بلغزد، در طریق صلاح و فلاح گام نهاد و از پی تحصیل معرفت و مکارم به حریم مردان خدا، راه یافت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نام پدر سید نورالله طباطبایی ، حاج میرزاآقا است. حاج میرزا علی طباطبایی در عمل، اخلاق و تقوا انسانی نمونه بود و در منطقه اردستان با فرقه ضالّه بهائیت به مبارزه برخاست، مردمان این سامان پس از سال‌ها که از غروب آن ستاره فروزان می گذرد، زحمات وافر و تلاش‌های ارزشمند آن مرد بزرگ را در راه نشر معارف اسلامی و قلع و قمع تبه کیشان تبه ساز و خدمت به مردمان محروم روستاها، از یاد نبرده‌اند و خود را رهین کوشش‌های او می‌دانند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نورالله طباطبایی آموزش قرآن و مقدمات علوم دینی را نخست نزد پدر فاضل و خوش‌نامش آموخت.پس از تحصیلات ابتدایی برای افزایش دانسته‌ها و آشنایی هر

چه بیشتر با معارف قرآن و عترت (ع) به توصیه پدر، ظفرقند (زفرقند) را به قصد اقامت در شهر مقدس قم ترک کرد و در سنین نوجوانی رهسپار این دیار شد. در آنجا نزد مدرسان خبره و استادان برجسته، با ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت، فلسفه و تفسیر قرآن آشنا شد. اخلاص این نوجوان به همراه صفای خانواده موجب آن گردید که خداوند لطفش را شامل حال او کند و از استعدادی سرشار و ذوقی عالی و همتی وافر، بهره‌مندش سازد؛ در نتیجه دوره مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه و با سرعت فرا گرفت و از عهده کلیه امتحانات به خوبی برآمد.پس از پشت سر نهادن این دوره‌ها به دوره خارج فقه و اصول راه یافت و این لیاقت را به دست آورد تا به محضر پرفیض حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی (ره) راه یابد. وی با کوششی پی گیر، عزمی استوار و اراده‌ای خستگی‌ناپذیر، مراحل علمی را در چنین محفلی طی کرد و به کمالات علمی دست یافت.در آن زمان، آیت اللّه گلپایگانی با تلاشی مجدّانه روح فقاهت را در کالبد شاگردانی چون سید نوراللّه می‌دمید و امثال او را به عنوان پیشتازان فکری و طلایه‌داران اندیشه‌های دینی پرورش می‌داد. وی در ضمن فراگیری علوم نزد آن فروغ فقاهت، موفق گردید بیش از گذشته بذر مکارم و فضایل را در مزرعه وجود خویش بیفشاند و با احترام به آراء بزرگان بر کشتی نقد و پژوهش نشسته و اقیانوس معارف غنی تشیع را به غواصی پرداخته و صید گوهرهای ثمین و دُرهای گرانبها، به دست آورد.شهید سید نوراللّه طباطبایی نژاد به محفل نورانی عالم ربانی، متفکر شهید و فیلسوف عالیقدر، آیت اللّه مرتضی مطهری (ره) راه یافت. انس وی با این دانشمند به خون خفته، سرچشمه‌ای مهم در برنامه‌های درسی، پژوهشی و نیز تحولی شگرف در شیوه‌های تبلیغی، رفتاری و اخلاقی او به حساب می‌آید.به برکت این ارتباط علمی، شهید طباطبایی‌نژاد (ره) در حراست از مرزهای عقیدتی، حفاظت از حصن حصین اسلام، التقاط زدایی و زدودن خرافه‌ها از فرهنگ مردم، نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد. آن شهید با مبانی فکری و آراء فلسفی شهید مطهری آشنا شد و در کنار فراگیری فقه و اصول، آموختن مضامین فلسفی و حکمی را پی گرفت و در این بوستان از خرمن دانش آیت اللّه مطهری (ره) خوشه‌ها چید.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالله طباطبایی (ره) به موازات بیست سال تحصیل و تدریس و در اثنای این تلاش‌ها از کاوش و تتبع در منابع قرآنی غافل نشد. چه شب‌های زیادی، که آنها را با بحث و تحقیق در آیات قرآنی احیا می‌کرد! ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهای آن عصر، مسائلی را طرح می‌نمود که نشان می‌داد از پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی افراد، سرچشمه می‌گیرد. شهید طباطبایی نژاد (ره) از آن دسته روحانیانی بود که این مسائل و تحولات را درک کرد و با احساس وظیفه فهمید، نمی‌توان در برابر این دگرگونی‌ها خاموش و بی‌تفاوت نشست و با بدگویی از زمانه، فقط بر اوضاع تأسف خورد یا در انزوا فرصتی طلایی را انتظار کشید.استادان و مربیان : از استادان سید نورالله طباطبایی بعد از پدرش می توان به آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله مرتضی مطهری اشاره کرد.همسر و فرزندان : از سید نورالله طباطبایی چهار فرزند باقی مانده که فرزند کوچکش در زمان شهادت وی چهار ساله بود.زمان و علت فوت : سیدنورالله طباطبایی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ه.ش به همراه سالار شهیدان انقلاب اسلامی در کربلای سرچشمه به شهادت رسید و پیکر پاکش را در شیخان قم دفن گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالله طباطبایی (ره) از وقتی که به حوزه علمیه قم راه یافت با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا گردید و در پرتو افکار تابناک آن روح قدسی، ستیز با استبداد و نفی هر گونه ستم را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های خود قرار داد. وی از هیچ تهدید و خطری نهراسید و هر چه شب‌پرستان تاریک دل و خفاش صفت محیط فعالیت را برایش تنگ کرده و او را از سنگری محروم می‌نمودند، به عرصه دیگری می‌شتافت و چون آذرخش، کویر جهل انسانها را روشن کرده و آنها را از خواب غفلت بیدار می‌ساخت. خطابه‌های آموزنده این شهید برفراز منبر و نیز سخنان روشنگرش در جمع دوستان و جلسات خصوصی، ضمن بیان حقایقی از تعالیم اسلامی و ترسیم فضیلت‌ها، در اوج فصاحت و شیوایی بر دل‌ها می‌نشست. سخنرانی‌های وی این خصوصیت را داشت که با ارائه نمونه‌ها، اشاره به مصادیق و تطبیق اختناق رژیم پهلوی با دوران خفقان عباسیان و امویان، فساد و تباهی اعوان و انصار استبداد را برملا می‌کرد. هر کجا رژیم شاه حرکتی را بر ضد باورهای مذهبی مردم مرتکب می‌گردید، با افشای آن، استوار و

فـداکارانه خشم و نفرت خـود را از تبهکاری‌هـای سـتمکاران بروز می‌داد.آن شـهید سـعید همواره در ایـام تبلیغی در نقـاط مختلف کشور به هدایت و ارشاد مردم می‌پرداخت. ایشان در راه به ثمر رسانیدن انقلاب شـکوهمند اسـلامی بارها در قم و منطقه اردستان و زواره مورد ضـرب و شـتم دشمنان اسلام قرار گرفت. در آن دوران خفقان چندین مرتبه اتفاق افتاد که بعد از نماز مغرب و عشا، در حرم مطهر حضـرت فاطمه معصومه (س) در قم، وقتی سـخنان و بیانات امام خمینی (ره) را برای مردم تشریح می‌کرد و برای آن مرد بزرگ، دست به دعـا بر می‌داشت، به دست مـأموران پهلوی مورد هتـک و شـتم قرار می‌گرفت؛ ولی این فشارهـا نه تنها هیـچ گونه تـأثیر منفی در اراده اسـتوارش – که از قلبی لبریز از ایمـان و تقوا نشـأت می‌گرفت.– نمی‌نهاد؛ بلکه او را در راه هـدف جـدی‌تر هم می‌ساخت و برای وارد آوردن ضـربات کوبنـده‌تر به ریشه پوسـیده اسـتبداد بیش از پیش توان خویش را به کار می‌گرفت.در منطقه اردسـتان و زواره، اطلاعیه‌های حضـرت امام (ره) را با شگرد خاص خود توزیع می‌کرد و در ضمن مبارزه شدید، تقیه را هم در نظر داشت، تـا بتوانـد به کمـک این سـلاح سازنـده، راه خویش را در جهت محو سـتم ادامه دهـد. او در واقع مأموران ساواک و عوامل رژیم را که با مراقبت دائمی، می‌خواسـتند سـر از کارش درآورنـد، غافل می‌ساخت. مثلاً ایشان، ماشـین حامل اعلامیه امام (ره) را با فاصله‌ای نسبتاً طولانی، از مسجد یا محل دیگر که می‌خواست آنها را در آنجا توزیع کند، پارک می‌کرد؛ سپس از کوچه‌های فرعی به حـالت کاملاًـ عـادی، طوری که شـک مـأموران را برنینگیزد، به آن مجلس وارد می‌شـد و اطلاعیه‌ها را به افرادی می‌سپرد تا آنها خود، آن را پخش کننـد. ایشان در شـهر زواره، از دست طرفداران شاه به تنگ آمده بود؛ زیرا هر وقت او را می‌دیدند با بدگویی از مبـارزان و مخالفـان رژیـم، بـدترین نـوع توهین‌هـا را نسبت به حامیـان امـام (ره) و نهضت اسـلامی، روا می‌داشـتند؛ امـا او بـا حفظ مصـلحت‌های لازم ضمن تعریف از مبارزین، مراقب بود تا بهانه‌ای دست این افراد ندهد، برای این که مبادا برای آنان زحمتی ایجاد کننـد؛ یـا در فعالیت‌های سیاسـی این نیروها اختلال به‌وجود آورنـد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سـیدنورالله طباطبایی در سال ۱۳۴۹ ش، در آن بحبوحه که مجلس فرمایشی رژیم پهلوی، هر روز قوانینی جدید در مخالفت با اسلام و تشیع و معارضت با قرآن و عترت وضع می‌کرد، شـهید طباطبایی‌نژاد (ره) با قاطعیت تمام در یکی از مجالس عمومی و بر فراز منبر، نماینـدگان آن روز را نوکر اجانب خوانـد. به دنبال این افشاگری، در منطقه اردسـتان و توابع ممنوع المنبر گشت و با پرونده‌ای حجیم که مأموران امنیتی برایش تنظیم کرده بودنـد، به ساواک مرکزی اصـفهان منتقل گردید. با این همه پس از آزادی، مجدّداً به تلاش‌های روشـنگرانه خود ادامه داد و در جهت تنویر افکـار عمومی و تغـذیه فکری نسـل جوان لحظه‌ای آرام نگرفت تـا آن که در سـال ۱۳۵۶ ش، به دست عـوامل رژیم دسـتگیر و روانه زندان شد؛ اما در روز بیست و ششم دی ماه در سال ۱۳۵۷ که مقارن با فرار شاه مخلوع بود، از زنـدان رهایی یافت.در حدود سالهای ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ ش بود که حضـرت حجهٔ الاسـلام و المسلمین کرباسی – روحانی اعزامی از قم – در مسجد پامنـار زواره (واقع در شـمال اردسـتان) به مناسبت سـالروز ولادت با سـعادت حضـرت مهـدی (عـج) جشـنی بر پا کرده بود. شـهید طباطبایی‌نژاد در این مراسم سـخنرانی کرد. حداقل در منطقه اردستان و زواره ایشان بود که برای نخستین بار از رهبر و قائد نهضـت اسـلامی ایران، به عنوان «امام خمینی» اسم برد.آرا و گرایشـهای خاص : سـید نورالله طباطبایی (ره) از همان اوان کودکی، در مکتب پـدر و اساتیـد وارسـته خود، بـا فضایـل و مکارم آشـنا گشت و خود نیز با تزکیه نفس، عبادت و ارتباط با خداونـد در جهت کسـب خوی عالی و نیل به خوبی‌ها کوشـید و به صـفات نیک و خصال پسـندیده آراسـته گردیـد، از مهم‌ترین خصوصـیت‌های اخلاقی او، فروتنی بود که در لحظه‌های متفاوت زندگی او نشانه‌های آن را می‌توان دید. وقتی می‌خواست در مجلسی بنشیند، هر کجا را که جا بود، انتخاب می‌کرد؛ با هر کسـی که روبرو می‌شد، در سلام کردن از او پیشی می‌گرفت؛ در گفتگوهایش، اهل جدال نبود؛ دوست نـداشت او رابه تقوا و ایمان بستایند. اگر از کسـی بـدی می‌دیـد، تا آنجا که به خودش مربوط می‌شد، با عفو و نیکی، از آن چشـم می‌پوشـید؛ اما اگر آن عمل خلاف، به بهای هتک ارزشـها تمام می‌شـد؛ یا اگر با از بین بردن آبروی مؤمنی ملازم بود؛ به شـدت بر افروخته می‌شد. در واقع خشم و عصـبانیت این شـهید سعادتمند، در احیای فضایل و میراندن رذائل تجلی می‌کرد. اگر کسـی انتقادی

نسبت به رفتار او یا برخی مسائل دینی داشت، او را به نحوی متقاعد می کرد که آن طرف مقابل، آن مسائل را نه به عنوان جواب انتقاد بلکه به عنوان حقایقی روشن در کام می کشید. آن شهید فروتنی در مقابل اهل کبر و غرور را روا نمی‌دید؛ مخصوصاً نسبت به افراد وابسته به طاغوت سعی می کرد با این گونه اشخاص، از موضع صلابت و قدرت رفتار کند. یکی از اعضای شورای شهر اردستان (در زمان رژیم گذشته) حاج آقا نوراللّه طباطبایی (ره) را کاملاً ـ می شناخت. طباطبایی‌نژاد (ره) به علت برخورداری از مواهب الهی، از خشونت روحی بیزار؛ و اهل صفا و صمیمیت بود. از آنجا که او خویش را از زندان «خود» و «نفس» رهانیده بود، بر اساس مهر و محبتی که داشت، به راحتی با دیگران پیوند قلبی بر قرار می کرد؛ اما این عاطفه و احساسات، هم با ایمان تلطیف شده و هم به کمک دیگر فضایل، از جمله تقوا، جهت دار و دارای مقاصد الهی گشته بود. همین ویژگی موجب جذب افراد به سوی او گردید و سبب می‌شد اظهارات و توصیه‌هایش ثمر بخش گردد. نگارنده که از دوران نوجوانی و جوانی، با شرکت در محافل عمومی و برخی جلسات خصوصی، افتخار آشنایی، با حالات اخلاقی آن شهید را داشته، ناظر صفا، صداقت و اخلاص آن شهید بزرگوار بوده است. من به خوبی می‌دیدم که چگونه حرارت و نورانیت وی، حاضران را به تحرک و جوشش وا می‌داشت، آنان را برای گوش دادن به سخنان آموزنده‌اش مهیا می کرد.این سید بزرگوار، با آن که با استفاده از میراث خانوادگی، می توانست زندگی مادی مناسبی را برای خود فراهم کند؛ اما در نهایت ساده زیستی و اکتفا به تأمین حداقل مایحتاج خانواده، روزگار می گذرانید. طباطبایی‌نژاد ضمن آن که خود را به صداقت آراسته بود، عقیده داشت مسؤولان نظام اسلامی همه باید بر این اساس انتخاب شوند و بر این باور بود که جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیش برود.چگونگی عرضه آثار : سیدنوراللّه طباطبایی با هوشیاری کامل این خلاء فکری و اجتماعی را دریافت و تصمیم گرفت آن را به شکلی صحیح پر کند و از چشمه‌ای حیات بخش و جاویدان، جرعه‌هایی جانبخش در کام نسل تشنه و عطشان جامعه بریزد؛ لذا با وجود گرفتاری‌ها و اشتغالات بسیار و نیز اختناق سیاه در رژیم شاهی ناگهان به عنوان روزنه امیدی، به فکر او و برخی از دوستان فاضلش رسید تا به همراه سایر پژوهشگران با اخلاص و آگاه، زیر نظر حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نگارش و تفسیر نمونه را آغاز نمایند. تلاش شبانه روزی آنان در مدت کوتاهی به ثمر نشست و بسیار زودتر از آنچه تصور می گردید، جلد اولش به طبع رسید. این تفسیر به دلیل شیوایی نثر، محتوای مفید و پاسخگویی به نیازها و سؤالات نسل جوان و رفع برخی اشکالات و ایرادهایی که در خصوص اصول و فروع دین مطرح می گردید، با استقبال فوق العاده‌ای مواجه شد؛ و به زودی برای تدوین کنندگان فاضل این مجموعه، مشخص گشت که عطش جامعه به تفسیری که در عین سادگی عبارات مباحث فراگیر علمی، کلامی، اجتماعی و توأم با مسایل روز و طرح موضوعات مستحد باشد، تا چه اندازه شدید است؛ لذا کوشیدند تا تمام توان خود را به پای تکمیل آن مباحث بریزند. شهید سید نور اللّه طباطبائی‌نژاد (ره) تا جلد یازدهم با تلاش زیاد و همه جانبه برای نگارش این اثر ارزنده و آموزنده، همکاری داشت.

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz – /www.hawzah.net

طباطبائی بروجردی، علینقی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۹ –۱۱۸۸ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. از علمای امامیه قرن سیزدهم و از شاگردان محقق قمی بود. فرزندش، سید میرزا محمود طباطبائی، در حاشیه‌ی شرحی که بر «منظومه‌ی» بحرالعلوم نگاشته درباره‌ی پدرش گوید که او با دانش فراوانی که داشت هیچ گاه فتوائی نداد و قضاوتی نکرد گر چه پاره‌ای از علما مردم را به رجوع به او سوق می‌دادند. او در بروجرد درگذشت و در

کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. از آثار وی: حاشیه بر «زبده الاصول فی اصول الفقه» شیخ بهایی؛ حاشیه بر «قوانین الاصول فی اصول الفقه» میرزای قمی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۷ / ۸)، الذریعه (۱۷۸، ۱۰۳ / ۶)، ریحانه (۳۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ طباطبایی)، معجم المؤلفین (۲۵۵ / ۷)، مکارم الآثار (۱۳۴۲ / ۴).

طباطبائی فشارکی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد طباطبائی فشارکی معروف به (سید استاد) بن امیر سید قاسم طباطبائی از اساتید بزرگ و اعاظم علماء و مجتهدین و مدرسین عالیمقام و شاگردان برجسته و میرز مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای میرزا محمدحسن مجدد شیرازی و بنابر نقل بزرگان اعلم وافقه و اورع تلامذه میرزاء بزرگ بوده است.

مراجع بزرگ و آیات عظامی چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللّه العظمی آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی و امثالهم از شاگردان او بوده‌اند.

آن بزرگوار با آن مقام علمی و فقاهت که داشت معرض از ریاست و مرجعیت بود و هرچه از شاگردان و تلامذه او مانند مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی و آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و دیگران به ایشان اصرار می‌کردند که رساله بنویس و فتوا بده قبول نمی‌کرد.

مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی از مرحوم والدش و آیت‌اللّه حایری نقل کرد که روزی در خدمت آن مرحوم از درس برمی‌گشتند و در راه به ایشان می‌گفتند چرا رساله نمی‌نویسید و چرا خود را در معرض قرار نمی‌دهید مگر از اقران خود کمتر هستید تا رسیدند درب منزلشان آن مرحوم وارد منزل شده و برگشت دو طرف درب منزل را گرفته و گفت شیخ عبدالکریم و سید محمدرضا و... خودم را از رفقایم اعلم و... می‌دانم.

ولی در خود را معرض ریاست و مرجعیت قرار نمی‌دهم زیرا خداوند فرموده (تلک الدار الاخرهٔ نجعلها للذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساد او العاقبهٔ للمتقین) پس وارد منزل شده و در را بست.

مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا حسن فرید محسنی از قول مرحوم حجهٔ‌الاسلام آقا شیخ محمدرضا ازقدانی اراکی نقل کردند که وقتی مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزاء بزرگ شیرازی در سامره وفات کرد همه یقین داشتند که سید استاد بر جنازه میرزا نماز خواهد خواند و مرجعیت او مسلم خواهد بود.

پس دیدند سید نیست هرچه تفحص کردند سید را نیافتند و چند ساعت جنازه را معطل عاقبت مأیوس شدند و بر جنازه نماز خواندند و حرکت دادند برای نجف پس دیدند سید پیدا شد در حالی که آنقدر گریسته که چشمانش سرخ شده گفتند آقا کجا بودید و چرا نیامدید که بر جنازه میرزا نماز بخوانید و تکلیف معلوم شود.

گفت من خود این حساب را کرده بودم و دیدم دلم هم بدش نمی‌آید از اینکه من رئیس شوم.

پس رفتم در جائی و به حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه توسل جستم و قسمش دادم که این هوا از سرم برداشته شود پس لطف فرمودند و پذیرفتند حالا هر که می‌خواهد مرجع و رئیس باشد باشد.

آثار علمی معظم له وجود شاگردان بزرگواری مانند آیت‌اللّه العظمی حایر یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و آیت‌اللّه حاج سید محمدرضا یثربی کاشانی و ده‌ها نفر دیگر است مضافاً دارای دو فرزند دانشمند و متقی.

۱- بنام مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی‌اکبر طباطبائی (داماد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی آشتیانی).

۲- آیت‌اللّه حاج سید عباس طباطبائی (داماد آیت‌اللّه حاج میرزا احمد آشتیانی) می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طباطبائی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منتشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی) (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛

رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[۱]

صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه الحکمه در فسلفه ۱۴- نهایه الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹(۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه

داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایهٔ الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایهٔ الحکه و نهایهٔ الحکمه (کتاب بدایهٔ الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایهٔ الحکمهٔ به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالهٔ الولایهٔ؛ رسالهٔ النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰ –۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶ –۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶ –۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷ –۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۶۳ / ۲)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبرسی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدره فی صلاه الجمعه» را به وی نسبت داده است.[۱]

شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.

۱– حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است ۲– حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی

۳- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی ۴- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب ۵- سراج الامه فی شرح اللمعه ۶- شرح تصریف ملاسعد ۷- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال ۱۳۴۵ قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۵۹/۹)، الذریعه (۵۰/۲۴، ۱۴۹/۱۳، ۱۵۶/۱۲، ۳۸۷، ۱۵۶/۶)، ریحانه (۳۳۱/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۰۴/۱۴)، فوائد الرضویه (۴۵۲)، المآثر و الآثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳ -۵۸۲ /۲)، معجم المؤلفین (۱۹۵/۹).

طبری، ابوطیب طاهر

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۵۰ -۳۴۸ ق)، قاضی، محدث، فقیه، اصولی، ادیب و شاعر شافعی. در آمل به دنیا آمد. چهارده ساله بود که فقه آموخت. در آمل از ابوعلی زجاجی و در گرگان از ابواحمد بن غطریف و در نیشابور از ابوالحسن ماسرجسی و در بغداد از دارقطنی و علی سکری و شیخ ابوحامد اسفراینی حدیث شنید. ساکن بغداد شد و در آنجا به تدریس و افتاء و قضاوت مشغول گردید. ابواسحاق شیرازی که از شاگردان اوست گوید که در تحقیق و اجتهاد و فکر و نظر بالاتر از ابوطیب ندیده است و خطیب بغدادی گوید که استاد ما ابوطیب شخصی پرهیزگار، عارف به اصول و فروع، محقق و خوش‌برخورد بود. گویند که او و برادرش فقط یکدست لباس داشتند و هرگاه یکی از آن دو از منزل خارج می‌شد دیگری مجبور می‌شد در منزل بماند. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب حرب دفن شد. اغلب اشعارش به طریقه‌ی فقه و مسائل فقهی می‌باشد. وی در اصول و مذهب و علم خلاف و جدل کتابهای بسیاری تألیف کرد.از آثارش: شرح «مختصر» المزنی، در یازده جزء، در فقه شافعی؛ شرح «فروع» ابن‌حداد مصری؛ کتابی‌در «طبقات الشافعیه».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۲۱ / ۳)، انساب سمعانی (۴۷ / ۴)، تاریخ بعداد (۳۶۰ -۳۵۸ / ۹)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۵ / ۲)، روضات الجنات (۱۴۶ -۱۴۵ / ۴)، ریحانه (۴۶ -۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۷۱ -۶۶۸ / ۱۷)، العبر (۲۹۶ / ۲)، الکامل (۸۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۶۳۸، ۱۶۳۵، ۱۲۵۷، ۱۱۰۰، ۴۲۴) ، لغت‌نامه (ذیل/ طاهر)، معجم المؤلفین (۳۷ / ۵)، النجوم الزاهره (۶۵ / ۵)، الوافی بالوفیات (۴۰۴ -۴۰۱ / ۱۶)،وفیات الاعیان (۵۱۵ -۵۱۲ / ۲)، هدیه العارفین (۴۲۹ / ۱).

طبری، ابوعلی حسن

قرن:۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۰۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه شافعی. در بغداد سکنی گزید و فقه را نزد ابوعلی بن ابی‌هریره فراگرفت و پس از استادش به تدریس پرداخت و کتاب «المحرر فی النظر» را که اولین کتاب در خلاف مجرد است، تصنیف کرد که در «کشف الظنون»به نام

«المجرد فی النظر» نیز آمـده است. از دیگر آثـارش: کتـاب «الافصـاح»، در فروع فقـه شـافعی، کـه شـرح «مختصـر المزنی» است؛ «الایضـاح»، در فروع فقه شافعی؛ کتاب «العـده»: در فقه، در ده جزء؛ کتابی در «جـدل»؛ کتابی در «اصول الفقه». خطیب بغـدادی در «تاریخ» خود نام وی را حسین و تاریخ وفات وی را ۳۵۰ ق ذکر کرده است، و در «الاعلام» دو مدخل یکی به نام حسن و دیگری به نام حسین با اشتراکات و اختلافات آورده شده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۴، ۲۲۷ / ۲) تاریخ بغداد (۸۷ / ۸)، رجال الطوسی (۳۷۴)، روضات الجنات (۵۶ / ۳)، ریحانه (۴۵ / ۴)، سیر النبلاء (۶۳ -۶۲ / ۱۶)، کشف الظنون (۱۶۳۵، ۱۶۱۲، ۱۵۹۳، ۲۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۶ -۴۴۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۰ / ۳)، الوافی بالوفیات (۲۰۵ -۲۰۴ / ۱۲)، وفیات الاعیان (۷۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۷۰ / ۱).

طبری، عمادالدین، عماد الاسلام حسن

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۶۹۸ ق)، عالم امامی، محـدث، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به عماد طبرسـی یا عماد طبری. از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم و از معاصـرین محقق حلی و خواجه نصـیرالدین طوسـی (م ۶۷۲ ق) است. در فقه و حـدیث و تحقیـق حقـایق اصول مـذهب و دیگر فنون تصنیفات سودمندی دارد. فتاوای وی در کتب فقهی متأخرین نقل شده است. در ۶۷۰ ق مناظره‌ای- در تنزیه خداوند از تشبیه- با اهل بروجرد کرد. در ۶۷۲ ق به دسـتور وزیر خواجه بهاءالدین محمد از قم به اصفهان رفت و هفت ماه در اصفهان اقامت گزید و علمای اصـفهان و شـیراز و ابرقو و یزد و شـهرهای آذربایجان بر گردش جمع شدنـد و علوم دینی را نزد وی تکمیل کردنـد. از آثار وی:«الاربعون حـدیثا فی فضائل امیرالمومنین (ع) و اثبات امامته» یا «اربعین بهائی »؛ «کامل السـقیفه» یا «کامل بهائی»، که در ۶۷۵ ق تألیف شـده و دوازده سال جمع‌آوری آن به درازا کشیده است. چون این دو کتابه به خواهش و نام وزیر بهاءالـدین محمد بن وزیر شمس‌الـدین محمـد جوینی معروف به صـاحب دیوان تـألیف شـده بهـائی نام گرفته است. از دیگر آثارش: «اسـرار الائمه» یا «اسـرار الامامه» یا «الاسرار فی امامه الاطهار»، که در ۶۹۸ ق تألیف شـده؛ «جوامع الدلائل»؛ «الکافیه فی الامامه»؛ «تحفه الابرار»؛ «العمده»، در اصول دین و فروع آن؛ «المنهـج»، در فقه عبادات و ادعیه؛ «معارف الحقائق»؛ «نهـج الفرقان الی هدایه الایمان »؛ «نقض معالم التنزیل» فخر رازی؛ «عیون المحاسن»؛ «بضاعه الفردوس».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۴ -۲۱۲ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴، ۱۵۳)، الذریعه (۲۵۳ -۲۵۲ / ۱۷، ۳۳۳ / ۱۵، ۴۰۵ / ۳، ۴۱ - ۴۰ / ۲، ۴۱۴ / ۱)، روضات الجنات (۲۶۰ -۲۵۶ / ۲)، ریاض العلماء (۲۷۴ -۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۱۹۹ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱ / ۷)، فوائد الرضویه (۱۱۷ -۱۱۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۳ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن و حسین طبری)، معجم المؤلفین (۲۶۲ - ۲۶۱ / ۳)، هدیه العارفین (۲۸۲ / ۱).

طرفه، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی طرفه

محل تولد : دشت آزادگان

شهرت : طرفی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفه مشهور به شیخ علی طُرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به ۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلیمن حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت ا لله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان

سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: · شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. · تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. · تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان · تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. · سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. · سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. · تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طُرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: · تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. · حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. · مبارزه با قاچاق. · مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. · مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. · تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. · تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. · تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. · راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: · حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی · بیش از ۱۲ سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). · تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. · حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. · رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. · نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. · نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. · رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. · رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه

دشت آزادگـان. ٠ سـرپرست امور فرهنگی جهادسازنـدگی آبـادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسـی حجت الاسلام طُرفی: ٠ بیش از ۳۰ سال تحصـیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سـطوح نزد استادانی چون: مـدرس افغانی، تهرانی، سـید علی علوی، شـیخ حسـین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سـید کـاظم حـایری. ٠ بنای بیش از ۴۰ بـاب مسـجد و بنـای حوزه علمیه و مصـلای دشت آزادگـان. ٠ مسـئول بخش عربی رادیوهای اسـتان خوزستان. ٠ مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. ٠ سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. ٠ رئیس شورای حـل اختلاـف دادگستری آبـادان. ایشـان صـاحب تألیفات متعـددی هسـتند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسـلامی» و «مساجـد آبـادان» به چـاپ رسـیده است. و تألیفـات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السـلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسـلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمـد لله ربّ العـالمین و الصّ‍لاهٔ و السّ‍لام علی سیّدنا و نبیّنـا أبی القـاسم محمّ‍د و علی أهـل بیته الطّیّبین الطّ‍اهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طرقی اصفهانی، ابوالعباس احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حافظ و محـدث. وی از اهالی طرق از روسـتاهای اصـفهان است. در فقه و اصول و ادب و نویسـندگی مهـارت داشـت. وی در اصــفهان از عبــدالوهاب بـن منـده و مطهر بـن عبدالواحـد بزانی و عثمـان بـن محمـد محمی و در هرات از ابواسـماعیل انصـاری و در بغـداد از ابوالقـاسم بن بسـری و در بصـره از ابـوعلی تسـتری و در اهواز ابوسـعید اهوازی و همطبقه آنـان حـدیث شـنید. ابوالعلاء احمد بن محمد اصـفهانی و ابوالفرج عبدالخالق بن احمد از وی حدیث شـنیدند. او را تصانیف نیکوئی بوده است. سمعانی گوید گه وی در «قدم ورح» تصنیفی داشته است. ابن‌النجار کتاب «اللوامع فی اطراف الصحیحین» را از جمله کتابهای زیبای وی ذکر کرده است. ابن‌حجر کتاب «اطراف الکتب الخمسه» را از جمله تصنیفات وی می‌داند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :انساب سمعانی (۶۳ / ۴)، سیر النبلاء (۵۲۹ –۵۲۸ / ۱۹)، لسان المیزان (۲۱۴ –۲۱۳ / ۱)، معجم المؤلفین (۱۸۱ / ۱)، الوافی بالوفیات (۲۸۲ / ۶).

طسوجی، عبدالنبی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۳ –۱۱۱۷ ق)، فقیه، اصولی، ریاضیدان، ادیب و شاعر. پدر وی بنا به روایتی اوجاق قلی از نوادر عهد شاه سلطان حسین صفوی بود. ملاعبـدالنبی در خوی متولـد شـد. علوم عقلیه، فنون عربیه و ادبیه را در لاهیجـان نزد سـید محمـد لاهیجانی فراگرفت. به مشـهد رفت و نزد ملارفیع گیلانی علوم فقه و اصول و ریاضـی و معقول را تکمیل نمود. سـپس به نجف رفت و در آنجا ساکن شـد. میرزا حسن در فوت او ماده تاریخی سـروده بود. از جمله آثار وی: «تفسیر قرآن»؛ «شرح نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه‌ی تفسیر تونی»؛ «شرح معانی

الاخبار»؛ «الردعلی نواقض الرافض»؛ «تحفهٔ السالکین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۶ /۸)، دانشمندان آذربایجان (۲۶۷)، الذریعه (۱۳۴، ۷۲ /۱۴، ۲۳۳ /۱۰، ۲۸۱ /۴)، ریحانه (۵۷ -۵۶ /۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴ /۶)، معجم المؤلفین (۲۰۱ /۶)، مکارم الآثار (۱۵۱ -۱۵۰ /۱).

طوسی بتارکانی، علاءالدین علی

قرن:۹

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۸۷۷ ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح‌حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از ۸۶۰ ق تا ۸۸۷ اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب « تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن‌رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شر عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۶۲ / ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲ / ۴)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۹۲، ۱۸۵۶، ۱۷۱۶، ۱۴۷۹، ۱۱۴۴، ۸۲۵، ۵۱۳، ۴۹۷)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین)، معجم المؤلفین (۱۸۵ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴ -۳۰۳ / ۴)، هدیه العارفین (۷۳۷ / ۱).

طوسی، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله طوسی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر آموزش قرآن کریم را نزد پدر بزرگوارم آموختم آنگاه برای تحصیل وارد مدرسه ابتدایی واقع در محل تولدم در یکی از

روستاهای ییلاقی در مناطق جنگلی و خوش آب و هوای مازندران , بخش هزار جریب ساری شدم تا پایه سوم ابتدایی را گذراندم سپس توسط برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام شیخ محمد علی طوسی به شهر مقدس قم آمدم از پایه چهارم ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در این شهر مشغول به تحصیل بودم خرداد سال ۱۳۶۲ موفق به اخذ دیپلم شدم و سال بعد یعنی ۱۳۶۳ به حوزه علمیّه قم وارد شدم . شروع به تحصیلات حوزوی از برکات زندگی حقیر بود . آشنایی با مراکز علمی حوزوی و اساتید و کارشناسان حوزوی و افتادن در وادی علم و تحصیل و تحقیق برای بنده بسیار مغتنم بود .

سال ۱۳۶۷ یعنی وقتی مشغول به گذراندن سطح ۴ حوزه بودم وارد بخش آموزش مؤسسه در راه حق شدم که بعدها به بنیاد باقر العلوم (ع) و سپس به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت . پس از اتمام دوره عمومی در سال ۱۳۷۱ دوره تخصصی در رشته تربیتی را آغاز کردم . پس از اتمام دوره تخصصی در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی با عنوان روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن با نمره عالی ۵/۱۸ دفاع کردم . فراغت از تحصیلات دوره های مؤسسه همزمان بود با درخواست های برخی دوستان و نیز اساتید برای فعّالیّت در بخش های مختلف آموزشی و پژوهشی که حقیر با فعالیت در مراکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه قم موافقت کردم و بعنوان مسئول گروه تربیت و مشاوره ادامه داشت . همزمان به اتفاق یکی از دوستان دست به ترجمه مجموعه مقالات تخصصی علوم تربیتی از یکی از منابع خارجی شدیم به صورت کتاب با عنوان گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی چاپ و منتشر گردید .

با افتتاح واحد تربیت مربی اخلاق در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به سرپرستی و هدایت حضرت استاد حاج آقای دکتر تهرانی ، حقیر جذب آنجا شدم و از اولین گروه آموزشی آن واحد بودم سال بعد از آن خود نیز بنا به درخواست و لطف و عنایت استاد وارد فعّالیّت های واحد شده و سپس به عنوان مسئول واحد تربیت مربی اخلاق تا کنون مشغول به انجام وظیفه هستم . همزمان با فعال بودن در واحد تربیت مربی اخلاق فعالیت هایی نیز در حوزه آموزش و پرورش داشتم.

طهرانی عسکری، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۱ -۱۲۸۱ ق)، فقیه اصولی و محدث. در تهران به دنیا آمد. بعدها مقیم سامرا گشت و تحت نظر میرزا محمد حسن شیرازی تربیت یافت. وی اجازه‌ی اجتهاد خود را از میرزا محمد تقی شیرازی دریافت کرد و بیش از شصت سال در سامراء به تحصیل و تدرس و تألیف مشغول بود. ابتدا کتاب «مصابیح الانوار» را، در فهرست ابواب مجلدات «بجارالانوار»، نگاشت. سپس به تصنیف «مستدرک بحارالانوار» پرداخت و در بسیاری از ابواب به استدراکاتی دست یافت و تصنیفات خود را در این زمینه به چنیدن مجلد بزرگ رسانید. از دیگر آثار وی «الصحیفه المهدویه»، حدود شصت دعاء، از ادعیه حضرت حجت (عج)، که از انشاآت آن حضرت می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۸۶، ۴ / ۲۱، ۲۴ / ۱۵)، علماء معاصرین (۲۸۳ -۲۷۷).

ظهیری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس ظهیری

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ در اصفهان به دنیا آمدم و پس از سپری کردن درسهای کلاسیک در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم البته در مدرسه ذوالفقار اصفهان. در سال ۱۳۶۱ درس خارج را شروع کرده و از محضر حضرات آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی، بهجت و فلسفه و تفسیر را نیز در محضر اساتید معظم آیات جوادی و حسن زاده کسب فیض نمودم و در حین تحصیل به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مراکز مختلف مشغول بودم و در عین حال به تالیف نیز پرداخته ام که نام آنها را در صفحه آثار نوشته ام .

عابدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عابدی

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

بسمه تعالی

تولد و تحصیلات

در سال ۱۳۵۲ ش در روستای کندوان از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی متولد شدم پدرم بنا و مادرم خانه دارو از خانواده اهل علم بود. از جمله آیت الله شیخ نصرت الله بناروانی که دایی آنان شمرده می شد. بعد از چند سالی به میانه نقل مکان کردیم و دوره ابتدایی، راهنمایی و اول دبیرستان را همان جا خواندم و وارد حوزه علمیه میانه شدم و به فاصله کمتر از چند ماه در سال ۶۹ به حوزه علمیه مسجد الدوله تهران رفتم. در تهران در مدارس ایلچی بیک (شهید باهنر) و رضائیه و در نهایت مروی هم تحصیل کردم و تا لمعتین را در این مدارس خواندم. استادان دوره مقدمات آقایان میرحسینی، فاضل، عبدالمجید رشیدپور (استاد اخلاق) و... بودند لمعه را هم با اساتیدی چون مرحوم پاکتچی، تقوایی و ... خواندم.ظاهرا در سال ۷۳ به حوزه علمیه قم آمدم. در

مدرسه فیضیه و آنگاه دارالشفا ساکن شدم با حضرات اساتید اعتمادی، وجدانی فخر، موسوی تهرانی، دریاباری، رمضانی، و.... دروس را تا سطح خارج ادامه دادم. در سال ۸۱ وارد رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن شدم. و از محضر اساتیدی چون آیت الله معرفت، بهشتی، و آقایان فاضل گلپایگانی، عبدالهی (همکار تفسیر نمونه) دکتر رضایی اصفهانی، نصیری و نعمتی پورفر و .... در دروس مختلف تفسیر استفاده بردم همزمان به درس خارج آیات مکارم و سبحانی حاضر شدم و ۲ سال به درس خارج ادامه دادم. ۲.۵ سال هم درس خارج جناب استاد سروش محلاتی حاضر شدم و درس خارج فقه امر به معروف و نهی از منکر و بخشی از قصاص را خواندم.آنگاه به درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی حاضر شدم و درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی هم توفیق حضور یافتم.و اینک هم در دروس آیات مکارم، وحید و جوادی توفیق حضور دارم.در طی سالهای حضور در حوزه به امر تبلیغ هم اهتمام دانسته ام و در داخل و خارج قم به تبلیغ پرداخته ام. و همزمان فعالیتهایی در حوزه کتاب و مطبوعات هم داشته ام.

عابدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عابدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مقدّسه قم شدم. ابتدا مقدّمات را به طور آزاد و در ادامه در مدرسه مبارکه رضویه در حضور اساتید؛ حضرت حجهٔ الاسلام آقای کاشانی، حاج آقا هادوی تهرانی، حاج آقا علوی و... استفاده نمودم. معالم، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید محترم؛ استادی، اعتمادی، مرحوم حاج آقا پایانی و در ادامه در محضر استاد حاج آقا حضرت آیهٔ الله عبدالله جوادی آملی دام عزّه در کلاس درس استاد، محضر قرآن بودم و در خارج فقه کتاب صوم و مکاسب تلمذ نموده ام. در زمینه تخصصی نسبت به فراگیری اصول و روش تربیت کودکان و نوجوانان در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم بخش مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان در محضر اساتید محترم؛ حاج آقا محمّد حسن راستگو سعد آبادی، مهاجرانی، یحیی کبیر و.... اشتغال داشته و دارم. در این زمینه به مدّت ۱۵ سال با سایر دوستان محقق و نویسنده در تهیه و تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور ویژه دو مقطع ابتدایی و راهنمایی تحصیلی فعّالیّت و همکاری نزدیک دارم. هم چنین در گروه های تخصصّی بخش تحقیقات مرکز کودکان و نوجوانان از جمله؛ گروه های تحقیقی اخلاق، قرآن، معارف و ... شرکت جسته و سرگروهی گروه اخلاق را به عهده دارم. با تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان، در زمینه ی اخلاق اسلامی ویژه کودکان و نوجوان چه در ره توشه راهیان نور و چه به طور مجزا فعّالیّت های نوشتاری داشته ام. در گروه قرآن هم در طول سالیان متمادی به بررسی آیات قرآنی از جزء اول تا جزء ۳۰ قرآن نسبت به طرح استفاده کودکان و نوجوانان از معارف قرآنی به زبان آنان به بررسی و طرح آیات قرآنی به صورت ۴ گزینه ای فعّالیّت نمودم. البته این فعّالیّت در قالب گروهی بوده که با مهارت های مختلف ارائه شده است. جزء اول این فعّالیّت به صورت کتاب منتشر شده است و ۶ جزء دیگر آن به صورت آماده و قابل چاپ و در مراحل نهایی می باشد و مابقی

اجزاء قرآن در حال بررسی و آماده سازی نهایی است.

عابدینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عابدینی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد عابدینی فرزند یدالله متولد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان در خانواده ای کشاورز متولّد شدم از طرف مادرم نسبم به مرحوم آیةالله میر سیّدعلی آیت نجف آبادی می رسد. به همین جهت مادر و دایی هایم که نوادگان مرحوم میر سیّدعلی بودند به درس خواندن من اصرار داشتند، از جهت دیگر کشاورزی و رسیدگی به اموری از این قبیل مطرح بود به همین جهت معمولاً درس خواندن منحصر به مدرسه بود و بیشتر وقت خارج از مدرسه به کمک پدر در امر کشاورزی می گذشت معمولاً شبهای زمستان را در جلسات قرآن و حضور در مسجد و خواندن مقدمات صرف کردم. در سال ۱۳۵۶ دیپلم گرفتم و در کنکور شرکت کردم و پس از قبولی در دانشگاه در رشته فیزیک به تحصیل پرداختم. در همان تابستان اولین کلاس آموزش قرآن را تشکیل دادم و تمامی دوستانی که با هم درس می خواندیم و دیپلم گرفتیم در آن کلاس شرکت کردند و روخوانی قرآن را فرا گرفتند. پس از ورود به دانشگاه نیز بنده خود را به دفاع از قرآن و اسلام می دانستم. جو خاص آن زمان و وجود جوانان فراوانی که کمونیست شده بودند و بنده و دوستانم با آنان بحث می کردیم و نا توانی از پاسخ به شبهات آنان، نیاز به خواندن فلسفه را برایمان یقینی ساخت ولی مبارزه با شاه به شکلهای گوناگون از جمله تشکیل نمایشگاه های کتاب در شهرهای مختلف از جمله شهرهای استان چهارمحال و تدارک تظاهرات و نیز درسهای دانشگاه فرصت پرداختن به فلسفه را از ما گرفت با پیروزی انقلاب و افتادن بیشتر دانشگاه ها به دست کمونیستها و التقاتیها به منظور انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل شد و بنده فرصت را برای فلسفه خواندن غنیمت شمردم با چند تن از دوستان خدمت مرحوم آیةالله ایزدی امام جمعه نجف آباد که از شاگردان خاص مرحوم آیةالله علامه طباطبائی و از هم دوره ای های مرحوم شهید مطهری بود رسیدیم و تقاضای فلسفه کردیم و ایشان نپذیرفت و فهم فلسفه را منوط به خواندن منطق دانست.

از روی ناچاری به قم رفتیم که روز ورود به قم مصادف شد با حمله عراق به ایران. در درسهای فلسفه نظیر منظومه شرکت می کردیم ولی کامل نمی فهمیدیم، یکی از استادان حاضر شد تنها پنجشنبه ها چهار ساعت برایمان فلسفه بگوید که باز مناسب نبود و ذهنمان کشش نداشت. شروع جنگ و بی برنامگی ما و تعطیل شدن هر روزی درسهای حوزه و بی پولی و ... دوباره ما را به نجف آباد کشاند این بار استاد حاضر شد برای ما بدایة الحکمه بگوید و ما نیز تصمیم به خواندن منطق گرفتیم و منطق مظفر را شروع کردیم. کم کم برای فهمیدن درست عربی به خواندن کتابهای مقدماتی صرف و نحو مشتاق شدیم و کم کم دروس حوزوی را به سبکی که طلاب می خواندند شروع کردیم، ولی بنده با سرعت بیشتر و اشتیاق فراوان آنها را بسیار زودتر از دیگران به پایان بردم.

برخی کتابها را با استاد خواندم و برخی را خودم مطالعه کردم، برخی را با مباحثه و برخی را ضمن تدریس فرا گرفتم.

از جمله اساتیـدمان مرحـوم شیخ محمّـدعلی صـفر نـورالله بـود که هـدایه، عوامـل ملامحسن، مقـداری سیوطی و مغنی و مقـداری تحریرالوسیله را نزد او خوانـدم. در عرض این دروس، بدایـةالحکمه، منطق مظفر، مقـداری اصول فلسـفه و روش رئالیسم با مقداری نهایةالحکمه را نزد مرحوم آیةالله ایزدی فرا گرفتم. نجف آباد برایم بسیار مناسب و خوب بود زیرا برخی درسها را که نمی توانستم شرکت کنم دوستانم برایم نوار می گرفتنـد و آن را گوش می دادم هرگـاه خبردار می شـدیم که عملیـات است و جبهه رفتن لازم است با توافق یکدیگر درس را تعطیل می کردیم و پس از بازگشت از جبهه از همانجا شروع می کردیم.

در سال ۱۳۶۱ دوباره به قم وارد شـدم و در ایام تحصـیل با عشق و علاقه به درس خوانـدن پرداختم. بقیه اصول و لمعه را نزد آقایان کوه کمره ای، احمـدی میانجی، محامی، و مرحوم وجدانی فخر خواندم و در همان زمان سیوطی و هدایه را تدریس کردم و بعد به رسائل و مکاسب مشغول شدم و از درسهای آقایان اعتمادی تهرانی و مرحوم پایانی و مرحوم ستوده استفاده کردم و کفایتین را تنها نزد مرحوم آیةالله سـتوده خواندم. در طی این مدت تلاش کردم در درس منظومه آیةالله انصاری شیرازی و صبح های زود در درس اسفار جلد ۹ آیةالله جوادی شرکت کنم.

زمـانی که در نجف آباد بودم گاهی در درس تفسیر آیـةالله ایزدی شـرکت می کردم ولی این شـرکت مرتب نبود اما در قم پس از اینکه حضـرت آیةالله جوادی آملی تفسیر قرآن را در مسجد محمدیه شروع کردند در آن شرکت کردم، کم کم جمعیّت زیاد شد و درس به مسـجد اعظم انتقال یافت و بنده همچنان در آن شـرکت می کردم. بالاخره در خرداد ۱۳۶۵ دروس سطح کاملاً تمام شد و در امتحان کفایه شـرکت کردم در واقع شـروع رسـمی طلبگی بنده اواخر شـهریور ۱۳۵۹ بود که تـا خرداد ۱۳۶۵ که حـدود ۶ سال میباشد طول کشـید. بنده علاوه بر درسهای رسمی حوزه که امروزه طی ۱۰ سال می خوانند مقدار زیادی فلسفه و تفسیر نیز اندوخته داشتم و با طلاب مباحثه کرده بودم.

از خاطرات به یاد مانـدنی آن دوران یکی آنکه شبی هنگام مباحثه کفایه به دوسـتان گفتم هرجا مطلب مشـکل است و خود صاحب کفـایه نمی فهمـد می گویـد خـالی از دقـت نیست، دقت کن و ... در اثر همین تـوهین به ایشـان یـک مرتبه تیز فهمیم از بین رفت و فردای آن روز هرچه کردم متن کفـایه را نمی فهمیـدم. فردا شب در سر مباحثه پیش دوسـتان خود به گناه خود اعتراف کردم و در حرم حضـرت معصومه (س)نیز توبه و انـابه کردم تـا مقـداری از آن فهم و حـافظه برگشت ولی خوب روشن است که پارچه کثیفِ شسـته شـده هیـچ گاه مثل پارچه نظیف نیست. از آن زمان تصـمیم گرفتم به علما و بزرگان اهانت نکنم و به جای اتهام به آنان فهم خود را مورد اتهام قرار دهم.

از خـاطرات آن دوران اینکه گروهی بودیم که در تمـام درسـها تلاـش می کردیم قبل از درسـها پیش مطالعه کنیم و به همین جهت تنها خارج درس را گوش میـدادیم و نیازی نمی دیـدیم که تطبیق مطالب با متن را گوش دهیم و به همین جهت از درس خارج می شـدیم، روزی مرحوم آیـةالله پایـانی در ضـمن توضیـح خارج مکاسب به برخی غلطهای چاپی کتاب اشاره کرد و فرمود می خواهم کسانی که تطبیق با متن را نمی نشینند به دردسر نیفتند از اینکه استاد کار مارا به رسمیت شمرده بود خوشحال بودیم. در تابستانها و ایام تعطیل دروس، برنامه های دیگری داشتیم. تابستان ۱۳۵۶ قبلاً بیان شد. تابستان ۱۳۵۷ را در شهر کرد صرف کردیم. در آن وقت و در ایـام تعطیـل دانشگاه در جاهای مختلف نمایشـگاه کتاب می زدیم. تابسـتان ۱۳۵۸ را در جهاد سازنـدگی اسـتان چهارمحال و بختیاری شهرسـتان جونقان و روستاهای اطراف آن به سر بردم و به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. تابستان سال ۱۳۵۹ در بخش اردل و نوقان و روستاهای آن به کارهای فرهنگی و عمرانی اشتغال داشتم. پس از شروع جنگ بیشتر تابستانها یا ایام تعطیل یا ایّام عملیات در جبهه می گذشت.

تابستان سال ۱۳۶۰ به سـر پـل ذهـاب رفتیم ، خوب به یـاد دارم که صـبح زود هوا هنوز تاریک بود و ما سه نفر طلبه در کوچه های

کرمانشاه قدم می زدیم تا به ستاد اعزام نیرو برسیم که خبر شهادت ۷۲ تن را از رادیو شنیدیم و خبر شهادت رجائی و باهنر را نیز در سر پل ذهاب و قبل از عملیّات معروف بازی دراز شنیدیم. تلاش می شد اوقاتمان در جبهه به بطالت نگذرد ، مباحثه تحریر الوسیله، حفظ قرآن، خواندن کتابهایی نظیر پرواز در ملکوت از امام امت محصول تلاش آن دوره است. اگرچه اکنون که به گذشته ها می نگرم باز بسیار وقت تلف کرده ام که امکان بهره برداری بهتر از آنها وجود داشت.

در تابستان ۱۳۶۴ کلاسهایی از سوی شورای سرپرستی طلاب خارجی گذاشته شد و بنده در آن کلاسها شرکت کردم و در امتحان نمره خوبی آوردم و روزی در حظور استادهای عربی و محضر مرحوم استاد آیةالله ایزدی به عربی سخن گفتم که اثر شادابی آن به خوبی در چهره استادانم ظاهر بود. به همین جهت و برای کامل شدن تکلم به عربی در تابستان ۱۳۶۵ و اتمام دروس سطح، چهار نفر از آن کلاس به لبنان فرستاده شدیم، ورود ما به لبنان مصادف بود با شروع درگیری های حرکت امل و فلسطینیان. مدرسه رسول اکرم در حومه جنوبی بیروت و در سر راه فرودگاه که محل استقرار ما بود درست در منطقه وسط درگیری بود و خمپاره های طرفین از بالای مدرسه عبور می کرد و چندین مرتبه به مدرسه اصابت کرد.

همه فکر آن جمع چهار نفری این بود که در ضمن کار و فعالیت، تمرین زبان کنیم. از جمله آن کارها ایجاد نمایشگاه کتاب بود که یکی از آنها در جلوی مسجد امام رضا(ع)(محل اقامه نماز توسط آیةالله سید محمدحسین فضل الله) به مدت ۱۰ روز برگذار شد.

هرهفته بنده جدا از دوستان به جنوب لبنان، حوزه صدیقین می رفتم و با طلاب آنجا جلسه داشتم و گاهی به روستاهای اطراف نیز می رفتم، در ضمن برخی دروس را برای طلاب تدریس می کردم.پس از پایان تابستان مسئولان مدرسه از بنده و یکی از دوستان خواستند که برای تدریس آنجا بمانیم و خودشان با ایران هماهنگ کردند و زن و فرزندانمان را به لبنان آوردند و یک سال تحصیلی در آنجا ماندیم.

در آنجا صبح ها خدمت آیةالله سید محمدحسین فضل الله درس خارج فرا می گرفتم و بقیه روز را به تدریس مشغول بودم روزهایی که درگیری شدید بود و یا روزهای یکشنبه که تعطیلی رسمی لبنان بود و اساتید در دروس خود حاضر نمی شدند من خودم را موظف می دانستم درس آنان و یا درسی جایگزین را تدریس کنم، گاهی اوقات تدریسها به ۱۱ عدد می رسید که ۲ تا ۳ تا از آنها در مدرسه خواهران بود که همسرم مسئولیتش را بر عهده داشت و یکی از آنها درس عدل الهی بود که پس از نماز مغرب و عشا برای دانشجویان می گفتم.

بله از امور بسیار جالب در لبنان این بود که یک کلاس برای دانشجویان هفته ای سه شب گذاشته بودم و کتاب عدل الهی استاد مطهری را توضیح می دادم. حدود ۳۰ تا ۴۰ دانشجو در آن کلاس شرکت می کردند این مقدار دانشجو در آن شرایط بد امنیتی و استمرار آن، چشم همه افراد را خیره کرده بود و می گفتند این گونه کلاسها با این تعداد دانشجو بی سابقه است.

در بین تمامی این برنامه ها از برنامه برای ایرانیان قافل نشدیم و محرم در آنجا منبری گذاشتیم و جلسه ای به زبان فارسی، سخنرانی و مداحی به سبک ایرانی برای مجموع ایرانیهای موجود در بیروت اعم از سفارتی ها یا غیر از آنها داشتیم که بسیار جالب بود و مورد استقبال واقع شد. شب شام غریبان دسته عزاداری به سبک ایرانی با شمع و ... به راه انداختیم و با نوحه سرائی به زبان فارسی به پشت درهای مسجد امام رضا(ع) و سپس مسجدی که مرحوم شمس الدین در آن اقامه جماعت می کرد رفتیم. هر دو مسجد بسته بود و کسی در آنجا نبود، اما جالب اینکه بنده در طول راه زنان بی حجاب زیادی را دیدم که می آمدند روسری از یکی از خانم ها قرض می گرفتند و به سر می کردند و مقداری دسته عزاداری را همراهی می کردند و سپس روسری را تحویل می دادند و می رفتند. این نشان می داد که بی حجابها ضد دین نیستند بلکه علاقه زیادی به دین دارند و شرایط زندگی، آنان را به این وضع در آورده است.

اوایل تابستان ۶۶ لبنان را به قصد ایران ترک کردیم تا دوباره اوایل مهر به آنجا بر گردیم ولی دیگر توفیق یار اینجانب نشد. پس از چند ماهی از ورود به ایران با گروه تفسیر دفتر تبلیغات آشنا شدم و به کار تحقیق در قرآن پرداختم و یکی از پژوهشگران تفسیر راهنما گشتم که بحمدالله در ۲۰ جلد به چاپ رسیده است. از آن زمان تا سال ۷۷ به مدت ۱۲ سال در تفسیر راهنما بودم و گاهی اوقات بخصوص تابستانها روزها یا هفته ها می گذشت که تنها قرآن و تفسیر مطالعه می کردم و خداوند را بر این نعمت بزرگ شاکرم. در این مدت درسهای خارج زیادی از مراجع معظم قم را شرکت کردم.نوارهای درسهای اصول و رجال را گوش دادم و مباحثه کردم نوارهای جلدهای ۶و ۷و ۸ اسفار را گوش دادم و مباحثه کردم،دو دوره رسائل و زیادی از مکاسب را تدریس کردم و . ...

در سال ۷۰ با باز شدن دوباره راه خانه خدا و شروع مجدد حج در امتحان زبان دانها شرکت کردم و پس از قبولی ، در همان سال به حج مشرف شدم_ البته پول حج را خودم پرداخت کردم و در واقع امتحان، اولین سفر را بی نوبت کرد_در مسیر بین مکه و مدینه اتومبیل حامل ما به سختی تصادف کرد و چند نفر از زبان دانان شهید و بنده نیز به شدت از ناحیه پاها ضربه دیدم. پس از مراجعه به ایران و بدتر شدن روز به روز کوفتگی پا، مجبورم کرد که چند ماهی در خانه بمانم و هیچ راه نروم این زمان فرصت خوبی بود برای شروع به نوشتن که اولین مقاله عربی در مورد طهارت اهل کتاب نوشته شد. پس از خوب شدن و فعالیتهای دوباره بیرون از خانه، دیگر نوشتن رها نشد و در هر فرصتی قلم بر کاغذ رفت و مقاله های متعدد نوشته شد که از سال ۷۴ یکی پس از دیگری در مجله کاوشی نو در فقه و سایر مجلات به چاپ رسید که لیست ناقصی از آنها تهیه شده است.

در دوره چهارم تربیت مدرس دارالشفاء شرکت کردم و مدرک کارشناسی ارشد دریافت کردم و در همان زمانها و شروع اعطای مدارج علمی از سوی مدیریت حوزه قم در آنجا نیز امتحان دادم و مدرک سطح چهار گرفتم. در سال ۷۷ با به پایان رسیدن تقریبی کار تفسیر راهنما از رفتن به آنجا خود داری کردم و پس از چند ماهی توفیق راه اندازی «مرکز تحقیقات طب اسلامی امام صادق(ع)» نصیب این جانب شد و توفیق یار شد تا یک دور کتب اربعه حدیثی شیعه را با دقت بخوانم که برایم بسیار مفید بود و نزدیک است که مسیر آینده تحقیقات و تألیفاتم را رقم بزند.

در تابستان ۸۱ و تقریباً تمام شدن دور فیش برداری از کتب اربعه و اصرار خوانواده برای ترک قم و هجرت به اصفهان و بسیار خوب بودن استخاره های فراوان در این رابطه علی رغم میل باطنی، راهی اصفهان شدم و از اوّل مهر ۸۱ در اصفهان به تدریس در حوزه پرداختم تا خداوند چه بخواهد. برخی از مراجع معظم تقلید بنده را با ورقه اجتهاد، وکالت و امثال آن مورد لطف قرار دادند. تا کنون شش جلد کتاب از این جانب به چاپ رسیده است و امیدوارم بتوانم مقاله های چاپ شده ام را با اصلاح و اکمال برای چاپ آماده سازم، زیرا اکثر مقالات از نوآوری بهره مند است، بویژه مقالات فقهی که شرطش نوآوری همراه با استدلالهای محکم است و به همین جهت برخی از آنها در جشنواره ها برنده شده و جایزه ای نظیر عمره برایم به ارمغان آورده است. برخی مکرر در جاهای مختلف چاپ شده و برخی دستمایه محققان برای طرح های تحقیقاتی گشته است. و خداوند را برای همه این نعمتها شاکرم. و اکنون نیز به طرحی پیرامون احادیث اهل بیت می اندیشم.

شاید بتوان روحیه نو آوی این جانب را – اگر واقعاً موجود باشد– ناشی از دانشجو بودن قبل از انقلاب و برخورد با افکار مختلف در دانشگاه و نیز سفر به لبنان در سخت ترین شرایط و برخورد و تضارب آرا با اکثر گروه های موجود در صحنه و بودن در حوادث گوناگون دانست. از ناکامی های این جانب نداشتن هم مباحثه دائم است، در دوران جنگ با هرکسی هماهنگ و هم طراز شدم تا با هم پرواز کنیم به جبهه رفت و به پروازی دیگر مبادرت ورزید. پس از آن نیز هم مباحثه ها، تدریس در دانشگاه ها،ورود به ارگانها و ...را بر طلبگی صرف و کمی امکانات ترجیح دادند و به همین جهت کارهای تحقیقاتی این جانب به تنهایی انجام می پذیرد و به همین جهت از نظر کیفیت و کمیت روند مطلوبی که خودم آن را می پسندم ندارد و به ویژه که گاهی ویراستاران نیز به

ویرانگری می پردازند و غلط گیران نیز بی دقتی می کنند و ناگهان مقاله ای منتشر می شود که ... .
از خداوند منان عاجزانه تقاضا دارم که توفیقی عنایت کند که مجموعه حدیثی مورد نظر بدون هر اشکالی به پایان رسد. از مهر ماه ۸۳ شروع به تدریس ترتیبی قرآن مجید و نوشتن آن به عربی کردم که الحمدلله اکنون یک جزء از قرآن به اتمام رسیده و بیش از دو جلد دست نویس تفسیر موجود است که امید است با توفیق خداوند بتوانم یک دوره تفسیر را به آخر برسانم و در معرض نظر علاقه مندان قرار دهم.

عارف کشفی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر عارف کشفی

محل تولد : استهبان فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۳/۱۵

زندگینامه علمی

آقای سید جعفر عارف کشفی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای پاک، باصفا، متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان استهبان استان فارس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود وارد حوزه علمیه شیراز گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۴ به حلقه دروس خارج راه یافت و از محضر درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله صالحی ، آیت الله حسن آیت اللهی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۹از دانشگاه فردسی مشهد تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" مقایسه آراء شیخ طوسی و ابن ادریس در احکام قضاۀ " دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ تدریس در دانشگاه فردوسی، دانشگاه امام صادق تهران ، دانشگاه پیام نور تهران ، دانشگاه آزاد قسمت جنوب ، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ، دانشگاه آزاد مشهد ، دانشگاه پیام نور مشهد ، دانشگاه شیراز و.... را در کارنامه خود دارد.
ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های " پیرامون سیره رسول خدا و اهل کتاب " ، " اولیاء بنی اسرائیل " ،" آثار اهل کتاب در آثار اسلامی " و... از جمله آثار ایشان است.

عالمی، محمدضامن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ضامن عالمی

محل تولد : سراب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱۲/۱۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد ضامن عالمی متولد ۱۴/۱۲/۴۸ در یک خانواده متدین و مذهبی متولد شدم به خاطر علاقه وافر پدرم و توجیه ایشان به روحانیت به درس حوزوی توجه خاص پیدا کردم که در سال ۶۳ با ورود به حوزه علمیه امام هادی (ع) درس حوزوی رسماً آغاز و بنده به عنوان طلبه مشغول فراگیری دروس حوزوی شدم.

بعد از مدتی به خاطر ادامه تحصیلی راهی جمهوری اسلامی ایران شدم و در ابتدا ورود به حوزه علمیه صادقیه سمنان رفتم که با راهنمای دلسوزانه و پدرانه جناب استاد نصیری در پذیرش سال ۶۸ که از طرف مرکز جهانی علوم اسلامی برگذار شد شرکت کردم و در مرحله اول قبول شدم و بعد از این سال درسهایم جدی تر شروع شد و با علاقه شدید که داشتم در مدتی بسیار کوتاهی دروس سطح تمام شد و یک سال درس خارج خوانده بودم که از طرف مرکز جهانی سازمان مدارس خارج از کشور و مجمع روحانیون غزنی به عنوان مدرس عازم افغانستان شدم و از سال ۷۳ تا اواخر ۷۵ مشغول تدریس و نظارت بر مدرسه و حل دعاوی مردم بودم و در سال ۷۶ دوباره به حوزه مقدسه قم برگشتم و درسها کمافی السابق با جدیت شروع شد و سال دوم خارج را با درسهای فقه آیهٔ الله العظمی تبریزی قدس سره الشریف و اصول آیهٔ الله وحید خراسانی آغاز گردید.

و همزمان با درسهای که می رفتم کارهای تحقیقاتی در موسسه دارالصدیقهٔالشهیدهٔ که زیر نظر آیهٔ الله العظمی تبریزی اداره می شد شروع کردم. و در سال ۱۳۸۴ با معرفی مرکز جهانی به موسسه عالی علوم انسانی فعلاً مشغول تحصیل آخرین ترم از روانشناسی می باشم. این بود اجمالی از گذشت روزهای که در آن مشغول به تحصیل بوده ام که بطور فشرده و خلاصه خدمت تقدیم شد شاید بتوان گفت زندگی علمی.

این شعار هر مسلمانی است که به عزت اسلامی می اندیشد. خدایا این یگانه آرزوی ما است تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محاظفت بفرما خامنه ای رهبر به لطف خود نگهدار. آمین یا رب العالمین.

عالیشاهی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد عالیشاهی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۸۸/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال۱۳۵۳وارد حوزه علمیه مشهد شدم و دروس سطح مانند ادبیات عرب و بخشی از تفسیر قرآن و کلام و فقه و اصول را در آنجا ادامه دادم و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸وارد حوزه علمیه قم شده ام تا الان در این حوزه مقدسه مشغول درس و تدریس و تحقیق می باشم.

مراحل فراگیری علوم حوزوی را از ابتداء با دروس خارج فقه و اصول در صفحه مخصوص این مطالب یاد آور شدم

اما تدریس بنده عبارتند از: بخشی از ادبیات عرب در حوزه علمیه مشهد و یکسال تدریس دروس سطح در حوزه علمیه دامغان (۱۳۶۴تا۱۳۶۵)و سه سال تدریس در حوزه علمیه مسجد سلیمان (۱۳۶۹تا ۱۳۷۰)از ادبیات عرب با دروس رسائل و مکاسب مشغول بوده ام و حدود سه سال در بخش حوزه علمیه خواهران مربوط به دفتر تبلیغات در قم دروس فقه و اصول را تدریس نمودم (۱۳۷۷تا ۱۳۸۰)و از سال ۱۳۷۲تا ۱۳۸۰در مرکز جهانی بخشی از دروس فقه و تفسیر و علوم قرآن طلاب خارجی را به عهده داشتم .

البته خداوند عنایت نمود که از سال ۱۳۷۲تا اوائل سال ۱۳۷۵قرآن کریم را هم حفظ نمودم و مباحثه حفظ ما همچنان ادامه دارد.در ایام تبلیغی هم بنده از سال ۱۳۵۷که ملبس به لباس مقدس روحانیت شده ام تا الان برای تبلیغ معارف دینی به جاهای مختلف کشور اعم از ارگانها وغیر آن حضور پیدا کردم و می کنم و از سال ۱۳۷۵به این طرف غالبا به دانشگاههای مختلف کشور از طریق دفتر اعزام مبلغ رهبری در دانشگاهها اعزام شده ام و در سالهای ۱۳۶۴و ۱۳۷۰در تبلیغات خارجی حج هم به مکه و مدینه اعزام شدم ،جهت تبلیغ حجاج خارجی از سا ل۱۳۷۶به این طرف در شبکه حج به عنوان روحانی کاروان در خدمت زا ئران حج وعمره بوده ام .

عبادی حویزی، عبدالقاهر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۱۰۰ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، نحوی، عالم امامی و شاعر. اصل وی از آبادان بود لذا به عبادی مشهور است و چون ساکن حویزه بوده شهرت حویزی نیز داشته است. او از علمای بزرگ اواخر قرن یازدهم یااوایل قرن دوازدهم است. شیخ حر عاملی در «امل الآمل» چند شعر از او نقل کرده و سپس گوید که وی را در حدود ۱۱۰۰ ق در مشهد رضوی ملاقات کرده است. از آثار وی: حاشیه بر «تفسیر»بیضاوی؛ «الفرائد الصافیه علی الفوائد الوافیه»، در نحو، که حاشیه بر «شرح» جامی است؛ «ریاض الجنان و حدائق الغفران»، در فقه؛ «المستمسکات القطعیه الیقینیه»، در کلام؛ «خبر/ خیر الزائر المبتلی بالبلاء فی طریق النجف و کربلا»؛ «صفو صفوه الاصول و نفی هفوه الفضول»، در اصول فقه؛ «العقائد الدینیه»، با براهین عقلی؛ «رفع الغوایه لشرح الهدایه»؛ رساله «النیلوفریه»؛«دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۲ / ۸)، ایضاح المکنون (۱۸۳، ۱۰۳، ۶۸، ۲۶ / ۲ ، ۵۸۰، ۴۴۱ / ۱)، الذریعه (۴۳۸ / ۲۴، ۱۴ / ۲۱، ۱۳۸، ۲۸۳، ۵۱ / ۱۶، ۱۵ / ۲۲۷، ۱۲ / ۳۲۱، ۲۴۳، ۱۱ / ۶۹۲، ۹ / ۱۳۸، ۷ / ۴۳، ۶)، روضات الجنات (۲۱۶ -۲۱۵ / ۴)، ریحانه (۹۳ -۹۲ / ۴)، فوائد الرضویه (۲۳۸)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالقاهر)، معجم المؤلفین (۳۱۰ -۳۰۹ / ۵)، هدیه العارفین (۶۰۷ / ۱).

عبادی، جلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جلیل عبادی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم ولکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب وکارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح استصحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایهٔ الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد ولکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است ولکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عباس زاده، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید عباس زاده

محل تولد : اهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۵

زندگینامه علمی

در دی ماه سال ۱۳۴۵ در شهرستان اهر متولد شدم و درس ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود فرا گرفتم و سال ۶۱ به تبریز منتقل شدم و همزمان با دوره دبیرستان وارد مدرسه دینی تبریز شدم. مدت ۸ سال در مدرسه دینی طالبیه تبریز ماندگار شدم و با وقفه هایی که به جهت حضور در جبهه ها پیش آمد در این مدت سطح حوزه را به اتمام رساندم.

در سال ۷۰ به شهرستان قم رفتم و دروس حوزه را در حوزه علمیه قم ادامه دادم و موفق شدم یک دور خارج فقه و یک دور خارج اصول را در محضر اساتید بزرگ فرا بگیرم. در سال ۷۲ همزمان با تحصیل فعالیت های پژوهشی را نیز آغاز کرده و مدت ۱۴ سال با مرکز تحقیقی همچنان همکاری دارم و آثار متعدد از جمله نزدیک به ۶۰ مقاله در زمینه های متعدد ثمره این سال ها بوده است.

عباس زاده، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدجواد عباس زاده

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۶ در خرم آباد و مشغول تحصیل شدم و در کنار تحصیل به کار ادامه دادم در سال ۱۳۶۴ به علت علاقه به تحصیل درمراکز دینی وارد حوزه علمیه کمالیه شدم و نزد اساتید مبرز آن حوزه مشغول شدم و تاکنون سال ۱۳۸۷ ادامه دارد. از اساتید

بزرگواری همچون حضرت آیت الله صادقی رئیس حوزه علمیه و استاد اصول و فقه استفاده نمودم. همچنین جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر حمید عیدی – حاج آقا سید شکرالله طاهری – حاج آقا ساکی و سایر اساتید استفاده نمودم و هم اکنون بعنوان مسئول آموزش حوزه علمیه در خدمت طلاب هستم و در ضمن با کمیته امداد در بحث احیای زکات همکاری می نمایم بعنوان مسئول اجرایی ستاد احیای زکات و بعنوان مبلغ در محافل و مساجد مشغول هستم و در مراکز آموزش عالی به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز جماعت مشغول می باشم و امیدوارم خداوند توفیق خدمت به اسلام را عنایت فرماید.

عباسی فردویی، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه علمی

اینجانب غلامعلی عباسی فردویی درسال ۱۳۳۴شمسی در یکی از روستاهای قم به نام فردو به دنیا آمده و پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در سال۱۳۵۱به حوزه علمیه وارد شده و د ر مدرسه حضرت آ یت الله العظمی گلپایگانی به تحصیل مشغول شدم. سطح را در محضر حجج اسلام و آیات بزرگوار چون :میر احمدی معروف به طالقانی ،حججی ،نکونام ،حاج آقاحسن تهرانی ، صلواتی ، حاج شیخ مهدی بیگدلی ،امینیان ، مقتدائی ،رضا استادی ،اعتمادی و ستوده به پایان رساندم. فلسفه را نزد اساتید معروف حکمت و فلسفه حضرات آیات :انصاری شیرازی،مصباح یزدی ،صالحی مازندرانی ،و امینی فرا گرفتم .و نیز از سال ۶۴در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات :فاضل لنکرانی ،مکارم شیرازی ،و جعفر سبحانی شرکت نمودم. د رسال ۱۳۶۰موفق به اخذ مدرک کارشناسی شده و در سال ۱۳۷۱با ارائه پایان نامه خود باعنوان(سیر علم کلام تا قرن سوم) مدرک کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را از دانشگا ه تربیت مدرس دریافت نمودم.

از فروردین ۱۳۷۳تا آغاز مهر ۸۵ به عنوان مدیر مسئول فرهنگی آستانه مقدسه به خدمت مشغول و از آغاز مهر سال ۸۵ به عنوان مدیریت پژوهشی این آستان مشغول به خدمت در این عرصه نورانی هستم. دو سال تبلیغ سیار در مناطق عشایری استان فارس از سال ۵۸-۵۹ از ارزشمندترین سنوات عمر اینجانب بوده است . و نیز د وسال ازسال ۶۱تا ۶۲در منطقه شازند به عنوان کارشناس امور تربیتی در آموزش و پرورش به خدمت مشغول بودم.

تا کنون موفق به تالیف :فروغ آفتاب ،تاریخ علم کلام تا قرن چهارم ،قم در عصر حضور ائمه ،تذکره مشایخ قم ،فلسفه بست و بست نشینی، در پرتو مکتب زهرا (س) و مشروطیت و عبرتها شده ام . امید است با توجها ت حضرت ولی عصر (عج)بتوانم دراین عرصه خدماتی را داشته باشم.

عباسی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی عباسی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم . دوره سطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم . از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی , تبریزی , فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم . در سال ۱۳۶۷ همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره , جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه "به تنهایی بیش از ۵ مجلد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است. از سال ۱۳۸۱ در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عباسی، یعسوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعسوب عباسی علی کمر

محل تولد : اردبیل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۱۴ در روستای علی کمر از توابع اردبیل بدنیا آمده‌ام تحصیلات اولیه در زادگاهم بوده سپس عازم حوزه‌های علمیه اردبیل، قم، مشهد و تا سطح عالی (کفایتین از دروس حوزوی از اساتید بزرگوار بهره‌مند شدم و مدت ۶ ماه از درس خارج فقه مرحوم آیت الله میلانی استفاده کردم در سال ۱۳۴۵ به اخذ دیپلم درسی رشته منقول و در سال ۱۳۵۱ دیپلم ادبی نائل آمدم در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه شدم در سال ۱۳۵۶ به اخذ کارشناسی ارشد ادبیات عرب و در سال ۱۳۶۴ کارشناسی ارشد فقه و مبانی اسلامی از دانشگاه فردوسی نائل گردیدم از سال ۱۳۶۴ کار تحقیق و پژوهشی را در گروه حدیث بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی زیر نظر مرحوم استاد شانه‌چی شروع و حاصل فعالیتم ترجمه کتاب الفتره وسائل الشیعه شیخ قرّ عاملی به نام (آداب معاشرت از دیدگاه معصومین(ع) به اتفاق مرحوم محمدعلی فارابی بوده که فعلاً به تجدید چاپ دهم رسیده است.

عبدالله آبادی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سلیمان عبدالله آبادی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قزوین شدم و نزدیک به دو سال که در آن حوزه بودم علم صرف و نحو را آموختم و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون استاد باکویی استاد لمعه و مرحوم عرفانیان (اصول فقه) و اعتمادی (رسائل) و مرحوم ستوده (مکاسب و کفایه) و ممدوحی (بدایه الحکمه) و انصاری شیرازی (شرح منظومه) فرا گرفتم و در حدود سال ۶۳ وارد درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی شدم و در حدود ۱۵ سال به درس خارج ایشان رفتم و در کنار درس خارج کتاب اسفار و بعد از آن کتاب تمهید القواعد و مصباح الانس را نزد استاد انصاری شیرازی فرا گرفتم. در سال ۱۳۷۶ رسما وارد حوزه تحقیقات شدم که تحقیقات انجام شده را در بخش وضعیت آثار پژوهشی توضیح خواهم داد. لازم به تذکر است که در کنار خواندن دروس تدریس هم داشتم، کتاب هایی که تدریس کردم عبارتند از صرف ساده (دو دوره) خلاصه المنطق (دو دوره) منطق مظفر (یک دوره) بدایه الحکمه (پنج دوره) اصول استنباط (یک دوره) روش تحقیق (یک دوره) و همچنین در ایام تبلیغ به مناطق مختلف کشور برای تبلیغ می رفتم و هم اکنون ۱۰ سال است که پشت سر هم از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ایام تبلیغ به دانشگاه می روم.

عبداللهی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عبداللهی

محل تولد : ماکو

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۰ / ۷ / ۱۳۴۵ در روستای قره تپه از توابع شهرستان ماکو استان آذربایجان غربی چشم به جهان گشودم .تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود، و دبیرستان را تا سوم نظری در شهر ماکو به اتمام رساندم . مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل در کنار یاوران خمینی کبیر (ره) به جهاد مشغول بودم و در این مدّت دو بار از چند ناحیه ی بدنم مجروح شدم و جانباز ۴۰٪ هستم .پس از برقراری صلح در سال ۱۳۶۷ تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولی عصر (عج) تبریز شروع کردم.

در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس ده ساله حوزه را در مدت شش سال به اتمام رساندم. یک دور کامل درس خارج اصول فقه و مدتی درس خارج فقه را از افاضات علمی حضرت آیت الله فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، جوادی آملی و جعفر سبحانی استفاده نمودم . نیز دوره چهار ساله سطح ۴ تخصصی علم کلام را به پایان رساندم و رساله سطح ۳ حوزه را در موضوع قاعده لا ضرر و لا ضرار با موفقیت دفاع کردم .

در سال ۱۳۷۷ در امتحانات کتبی اجتهاد مجلس خبرگان رهبری با معدل ۵/۱۷ قبول شدم .مدتی است تحقیقات گسترده ای در موضوع علم رجال انجام داده ام و اکنون مشغول تالیف کتابی در موضوع تحول در علم رجال هستم .ویژگی بارز این کتاب این است که با شواهد و دلائل محکم ثابت می کند اقوال رجالیون (توثیقات و تضعیفات آنها) شرایط حجیت را دارا نیستند و ایرادات و اشکالاتی بر آنها وارد است به طوری که بی اساس بودن عقیده طرفداران علم رجال آشکار است . و هم چنین این حقیقت را روشن می کند که وجود روایت در یکی از کتب معتبر قدماء اصحاب بی اشکال بودن آن از جهت سند را می رساند و دیگر نیازی نیست که اسناد آن روایت با عنایت به اقوال رجالیون بررسی شود .

عبداللهی، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر عبداللهی

محل تولد : اردستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده محمدباقر عبداللهی فرزند رمضانعلی به سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در روستای نیسیان برزاوند اردستان به دنیا آمدم. پدرم کشاورزی خداشناس و دینداری بصیر بود، که به خاطر کردار حکیمانه و رفتار خردمندانه اش مورد تکریم و اعتماد اهالی محل بوده رویاهای صادقه و نمازهای عارفانه اش اسراری بود که کمتر آن را ابراز می کرد یا کسی از آن خبر داشت، مادرم سیده طباطبایی مریم بیگم معلم قرآن بود که از پدر و مادرش که آنها نیز از سلسله جلیله روحانیت و سادات و دارای درجات و کمالات بودند به ارث برده بود.در سال ۱۳۵۳ پس از پایان دوره متوسطه و دبیرستان در رشته ریاضی، برای آغاز دور جدید زندگی و سرنوشت، وارد حوزه علمیه قائم(عج) در ...... تهران به اشراف روحانی عالی مقام حاجی سید علی اصغر هاشمی شدم و در آنجا با اساتید بزرگوار علم و اخلاق و مبارزه همچون شهید مفتح، شیخ علی اندرزگو، حاج شیخ مصطفی ملکی و... آشنا شدم و پس از مدت کوتاهی اقامت برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت نمودم.در این زمان، قرآنواسلام و روحانیت بسیار غریب و مظلوم و منزوی بودند. چون از طرفی مکتب الحادی مارکسیستی، کمونیستی پرچم مبارزه علیه استکبار جهانی را بلند کرده بود و خود را طرفدار طبقه محروم و مستضعف قلمداد می کرد و خدا را ساخته ذهن بشری و دین را افیون جامعه معرفی می کرد که ساخته و پرداخته زورمداران می باشد، و از سوی دیگر استکبار جهانی و رژیم طاغوت مانع مهم و سد اصلی در برابر خود را برای چپاولگری منابع ملت ایران را اسلام و روحانیت می دانست. لذا به انواع ترفندها و به هر بهانه ای حوزه و روحانیت را تضعیف می کرد، تا با خاطری جمع و فراغ بال به اهداف استکباری خود جامه عمل بپوشاند. در چنین شرایطی طلبه شدن و به حوزه آمدن یک جهاد بزرگ بود که شهامتی عظیم و ایمانی قوی می طلبید. به هر صورت درسهای حوزه را با حفظ روحیه مبارزه ادامه دادم. درسهای لمعه، اصول، رسائل، مکاسب، کفایه را نزد اساتیدی بزرگواری همچون وجدانی فر، فاضل هرندی، بنی فضل، اعتمادی، پایانی، آل عصفور، رضازاده و... تلمذ کردم. دروس خارج اصول و فقه را در پای کرسی تدریس آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، وحیدخراسانی و فقه القضای اردبیلی و... زانو زدم.و از درسهای تفسیر استاد جوادی آملی توشه ها برگرفتم و از درسهای اسفار و مصباح الانس استاد ذوالفنون حسن زاده آملی نیز خوشه ها چیدم. البته در حاشیه درسهای حوزه به حسب نیاز و ضرورت زمان، مطالعات جانبی و پی گیر و فشرده ای در زمینه های اعتقادی، کلامی، فلسفی، اجتماعی و غیره داشته ام و ضمناً علاوه بر اتمام دروس کلاسیک دوره عالی زبان خارجی (انگلیسی) را گذرانده ام. در کنار دروس حوزه، دروس تخصصی تبلیغی را در گرایش ادیان شناسی به پایان بردم، و در سال ۱۳۸۴ از رساله علمی سطح چهار خود با امتیاز خوب دفاع کردم.کار تحقیقی و پژوهشی خود را از سال ۱۳۷۶ با چندین سوال شروع کردم که ضروری ترین و فوری ترین آنها که باید پاسخ داده می شد این بود که: چرا ملتی که اعتقاد به خدا یگانه با چنین اسمای حسنایی دارد و پیامبری همچون محمد امین(ص) و رهبران معصومی همچون علی(ع) و فرزندانش دارد از نظر اجتماعی، اخلاقی، روابط خانوادگی و... در سطح ملتهای کفر و شرک یا کمتر از آنها باشد. لذا در این زمینه پژوهش و تحقیقی چندین ساله برای یافتن ریشه و علل آن انجام گرفت که نمره آن کتاب ۵۳۰ صفحه ای به نام «بهانه راز» پیرامون ذکر و نقش فردی و اجتماعی آن شد. البته ذکر به معنای قرآنی آن، یعنی حضور و توجه دائمی به خدای متعال، که با این معنی خود قرآن، نماز، پیامبر(ص) و همه چیز می تواند ذکر باشد و انسان را به خدا توجه دهد و به دنبال این کتاب تحقیقی، ده جلد کتاب پالتویی با چشم انداز اعتقادی اخلاقی تألیف گردید که ویژه ائمه جماعات می باشد که ترتیب و تنسیق آنها بر حسب

معیارهای حساب شده و دقیق چینش یافته اند که به شرح ذیل می باشند.

۱. صبای وصال (نماز)

۲. گنجی پنهان (آشنایی و دولتی با خدای مهربان)

۳. مراد دل (در جستجوی حق تعالی)

۴. عیار (به معیار و میزان ایمان می پردازد)

۵. طلعت یار (که جهان همه طلعت و جلوه و چهره اوست می پردازد)

۶. محک تجربه (ادعای اسلام و ایمان موقعی سودمند است که در مرحله عمل با احکام پنجگانه به اثبات برسد، می پردازد).

۷. رندان بلاکش (مؤمن بیدار و هوشیار و دورنگر، همیشه در تاب و تب و بی قراری است).

۸. جاودانگی و خلود (بزرگترین دغدغه و آروزی انسان، فرار از نابودی و رسیدن به جاودانگی است).

۹. جان عبادات (ذکر به معنی قرآنی که حضور و توجه دائمی به خدای عزوجل می باشد، جان و روح تمامی عبادات و کارهای مؤمن است)

۱۰. سنتهای الهی (به بیش از چهل سنت و قوانین ثابت و فراگیر و تبدیل و تحویل ناپذیر الهی که در همه زمانها، مکانها و اقوام جاری و ساری است می پردازد).

سه کتاب اول چاپ شده اند و هشت مجلد دیگر آن انشاء الله حداکثر تا دو ماه دیگر به زینت طبع آراسته خواهند شد.

ضمناً مقالات و جزوه های دیگری نیز آماده و یا در حال تألیف می باشند که انشاء الله امید است تا پایان سال جاری به مرحله طبع سپرده شوند.

عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود عبداللهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سال ۱۳۲۶ در اصفهان در خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر اسلام(ص) چشم به جهان گشود. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی پس از طی کردن دورهٔ دبستان، برای کسب علوم دینی به قم آمد. مشوق اصلی او در این راه، مادر وی بود و نیز برادران وی در کسوت روحانیت به سر میبردند. او با ورود به قم، به مدرسه علمیه علوی رفت. آن مدرسه متعلق به بیت‌آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) و با سرپرستی و اشراف آیةالله شهید بهشتی و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی اداره می‌شد. وی در آنجا به تحصیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و پس از آن برای آموختن دروس دورهٔ سطح در درس استادان مشهور دورهٔ خود حاضر شد.

با اتمام دورهٔ سطح نیز به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم راه یافت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای تحصیل خود از استادان برجسته‌ای بهره‌مند شد. او که سیوطی و مغنی را نزد آیةالله شیخ حسن تهرانی و حجةالاسلام والمسلمین یثربی فراگرفته بود در درس منطق استاد نحوی حاضر می‌شد و مختصر را نزد آیةالله دوزدوزانی آموخت. شرح لمعه را نزد آیةالله صلواتی فرا گرفت. رسائل را نزد آیةالله شاه‌آبادی، آیةالله اعتمادی و آیةالله العظمی نوری همدانی و نیز مکاسب را نزد آیةالله ستوده آموخت و در درس کفایهٔ الاصول آیةالله العظمی فاضل لنکرانی حاضر شد. همچنین او در بخش علوم عقلی، فلسفه را نزد آیةالله شهید مفتح، شهید استاد مطهری و اسفار را نزد آیةالله جوادی آملی و کلام را از محضر آیةالله شیخ محمد شاه آبادی فرا گرفت. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج آیات عظام شیخ مرتضی حائری، شریعتمداری، منتظری، اراکی و میرزاهاشم آملی رفت اما بطور عمده در حدود دوازده سال از محضر آیةالله شیخ مرتضی حائری بهره برد.

در طی این سالها از شرکت در درسهای تفسیر نیز غافل نماند و در درس تفسیر حضرت آیةالله خزعلی شرکت جدی داشت. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی دارای فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری است. او ضمن تدریس کتب دوره سطح، سالها به تدریس تفسیر برای دوره‌های عمومی حوزه اشتغال داشته و نیز در مرکز تخصصی تفسیر و تبلیغ، به آموزش تفسیر موضوعی پرداخته است. همچنین وی در دانشگاهها فعالیتهای علمی بسیاری از خود برجا نهاده که از جمله آنها تدریس او در دانشکده‌های شهید بهشتی و شهید محلاتی (سپاه پاسداران) را می‌تواند نام برد. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی از کسانی است که در تدوین تفسیر نمونه همکاری داشته است. تفسیر نمونه تفسیری است که در طول سالیان دراز و با اشراف علمی آیةالله مکارم شیرازی و با همکاری بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم تدوین و نگاشته شده است و امروزه در اختیار بسیاری از مردم و جوانان کشور قرار دارد.

همچنین وی تاکنون کتابهای بسیاری نگاشته که از جمله آنها می‌توان به «توحید و توسل» «اخلاق برای همه»، «۲۵ داستان»، در سالهای پیش از انقلاب و نیز کتاب «مبانی فقهی اقتصاد اسلامی» که از جمله تألیفات وی در سالهای اخیر به شمار می‌رود، اشاره کرد. از وی مقالات بسیاری در زمینه‌های گوناگون در مجله نور علم به چاپ رسیده است. همچنین مباحث متعددی در موضوعات عقیدتی که به صورت تفسیر موضوعی در قالب جزوه‌های درسی تهیه و در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. حجةالاسلام‌والمسلمین عبداللهی در سالهای پیش از انقلاب و پس از آن همواره از فعالیتهای سیاسی غافل نمانده است. از فعالیتهای سیاسی وی در پیش ازانقلاب می‌توان به همکاری او با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اشاره کرد. او در شهرهای مختلف ایراد سخنرانی کرد.با حضور در فعالیتها و حرکتهای سیاسی به اطلاع رسانی و توزیع رساله و بیانیه‌های حضرت امام پرداخته که از این رو در یکی از سفرهای تبلیغی دستگیر و بازداشت گردید.

عراقی، ضیاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آقای آقا ضیاءالدین عراقی نابغه علم اصول و فقه در عصر اول نگارنده که صیت و صوتش مستغنی از توصیف و تعریف ماست و بعد از مرحوم استادش آیه‌الله العظمی آقای آخوند ملامحمد کاظم خراسانی حوزه درسی مانند حوزه وی نیامده و بلکه قبل از مرحوم آخوند هم یا نبوده یا کم بوده است، در ماه ذی‌الحجه ۱۳۵۹ ق در نجف اشرف از دنیا رفته و در صحن مطهر مقبره شخصی

مدفون گردیده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

عرب محفوظی، محمدمهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی عرب محفوظی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۰/۳/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمدمهدی عرب محفوظی در سال ۱۳۷۴تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ابا صالح(عج) آغاز کردم و از همان سالهای آغازین تحصیل، به تدریس علوم حوزوی از ادبیات عرب گرفته تا منطق و...پرداختم. همچنین به خاطر علاقه قبلی به ادبیات فارسی در کلاسهای درس استاد سیدابوالقاسم حسینی شرکت کردم و دست به قلم بردم. در طول این سالها در برخی نشریات داخلی مدرسه قلم زدم و چند شماره از نشریه قلم را نیز به همکاری دوستان منتشر کردم. در سالهای پس از مدرسه در ضمن ادامه جدی فقه و اصول در محضر اساتید فن به موسسه امام صادق رفتم و به تحصیل در علم کلام پرداختم و این رشته تخصصی را تا انتهای سطح سه در سال ۱۳۸۵دنبال نمودم و در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ به سمت استادی در این موسسه انتخاب شدم. همچنین به مدت یک و نیم سال در موسسه تربیت مدرس حوزه تدریس نمودم و همچنان در برخی از مدارس حوزوی اشتغال به تدریس دارم. در طول این سالها مقالات و نوشته های متعددی را ویرایش نمودم و در زمینه مباحث اعتقادی و کلامی و ادبی تحقیقاتی انجام دادم و مقالاتی نگاشتم و اکنون نیز مقالاتی در دست نگارش دارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

عرفانی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فاضل عرفانی

محل تولد : عراق- کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۳ در شهر مقدس کربلا می‌باشم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر اهواز گذراندم و از همان سنین نوجوانی و دوره راهنمایی جذب جلسات مذهبی و علمی شدم و در سال ۱۳۵۷ رتبه نخست قرائت قرآن در مقطع مدارس راهنمایی استان خوزستان را کسب کرده و برای مسابقات کشوری به شهر مقدس مشهد اعزام شدم. در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه اهواز شدم. سپس در سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل شده و از اساتید حوزه بهره‌مند شدم در مقطع سطح از اساتیدی همچون حضرات آقایان: پایانی، ستوده، اعتمادی، دوزدوزانی، صالحی مازندانی بهره بردم. و در دوره خارج از حضرات آیات: وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی، فاضل لنکرانی، صافی گلپایگانی.دروس معقول را نزد حضرات آقایان: انصاری شیرازی، مصباح یزدی، حسن‌زاده آملی گذراندم.در اولین دوره چهار ساله تخصصی علم کلام زیر نظر آیت الله جعفر سبحانی شرکت کردم و با معدل ۲۵/۱۹ با رتبه ممتاز در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

عزیزاللهی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا عزیزالهی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. عشق به تحصیل بر تمامی مشکلات زندگی غالب گردید و از ابتدا به تحصیل جدی علوم دینی پرداختم. در سال ۱۳۶۸ در کنار تحصیل و تدریس دروس حوزوی به تحصیل علم حقوق در مجتمع آموزش عالی قم وابسته به دانشگاه تهران پرداختم. در سال ۱۳۷۲ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۴ در همانجا به فوق لیسانس مشغول شدم و در سال ۱۳۷۶ فوق لیسانس در رشته حقوق خصوصی گرفتم. در کنار آن پس از اولین سالی که وارد حوزه شدم از سال دوم تدریس در حوزه به تدریس جامع المقدمات شروع کردم و سپس سیوطی و حاشیه و معالم در مسجد فاطمیه به صورت عمومی داشتم و حتی به خاطر دارم که مسجد از طلاب پر می شد. سپس تدریس رسائل و مکاسب و اکنون مشغول تدریس خارج بیع میباشم. در ضمن تالیف یک دوره فقه برای کتب درسی نیز در برنامه کاری می باشد. در سال ۱۳۷۹ در رشته دکتری فقه و حقوق خصوصی در مدرسه عالی شهید مطهری پذیرفته شدم در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان «بیع متقابل از دیدگاه فقه و حقوق» فارغ التحصیل شدم.

عزیزکیا، غلامعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامعلی عزیزکیا

محل تولد : بندر آباد یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۴/۲۳

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی را در دبستان همام روستای بندر آباد در ۳۰ کیلومتری یزد گذراندم سپس در مدرسه راهنمایی طراز یزد و یکسال نیز در دبیرستان ۱۷ شهریور یزد تحصیل نمودم. در مهر ۱۳۵۷ به حوزه علمیه یزد وارد شده و مدت دو سال دروس مقدمات ادبیات و منطق را نزد استادان حوزه از جمله مفیدی فر، حجهٔ الاسلام علاقه بند، میر حسینی، مفیدی، معالی، عجمین فرا گرفتم. در مهر ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و باقیمانده دروس مقدماتی و سطح عالی را گذراندم. در این دوران از اساتیدی چون آقایان اشتهاردی، عبایی، صالحی افغانی، اعتمادی، موسوی تهرانی، ستوده، علوی گرگانی محقق، طاهری حسن آبادی بهره بردم. از سال ۱۳۶۱ هم زمان با دروس حوزوی از برنامه های علمی موسسه در راه حق نیز بهره بردم و از درس های آیهٔ الله مصباح مدظله و دیگر استادان آنجا از جمله آقایان فیاضی، رجبی، میرسپاه استفاده کردم در این سال ها به طور متناوب در درس اخلاق جناب آیهٔ الله مظاهری نیز شرکت می کردم.

در سال ۱۳۶۷ در درس خارج فقه آیهٔ الله میرزا جواد آقا تبریزی(ره) حاضر شده و بیش از هفت یا هشت سال از محضر ایشان بهره بردم. هم زمان طی ۶ سال یک دوره خارج اصول جناب آیهٔ الله مکارم مدظله را درک نمودم، در همین ایام(از ۱۳۶۷– ۱۳۷۳) در دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) شرکت کردم و با معدل ۳۳/۱۸ از پایان نامه حوزه با موضوع آثار اجتماعی دین از دیدگاه قرآن دفاع نمودم.

پس از آن در مؤسسه پژوهشی حوزه دانشگاه طرح پژوهش روش شناسی تفسیر قرآن را با همکاری استادان آن مؤسسه اجرا نموده (در سال ۱۳۷۹ این کتاب منتشر شد.) سپس طرح مکاسب تفسیر را ارائه که با همکاری جناب استاد بابایی اجرا شد(بنده در این طرح حدود پنج مقاله کوتاه و بلند ارائه کردم که در جلد اول مکاسب تقریر در مقاله کوتاه آن منتشر شد و بقیه در آینده منتشر خواهد شد.در سال ۱۳۷۸ در مؤسسه امام خمینی(ره) طرح پژوهشی زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی را اجرا نمودیم که حاصل آن یک جلد کتاب جستاری درهستی شناسی زن در سال ۱۳۸۲ منشر شد. در سال ۱۳۷۹ در آزمون ورودی دوره دکترای علوم و قرآن و تفسیر موسسه، شرکت و به این دوره راه یافتم و اکنون در حال تدوین رساله پایان نامه این مقطع به عنوان نقش حدیث در تفسیر قرآن هستم. در طی سال های گذشته آثار ناچیزی در زمینه تفسیر و علوم قرآنی به صورت مقاله نگاشته ام. هم چنین دو اثر از مباحث جناب آیهٔ الله مصباح یزدی دام ظله را تحقیق و تدوین نمودم و در زمینه اعجاز قرآن/ مبانی و قواعد تفسیری/روایات تفسیری/متون تفسیری در مؤسسه، مرکز جهانی، جامعهٔ الزهرا، مرکز تحقیق تفسیر،مرکز سید الشهداء در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدوین نمودم. نه شکوفه ای نه برگی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کشت ما را

عشاقی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین عشاقی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه وا صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص

یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نموده ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرهٔ المعارف علوم عقلی و غیره

عصار لواسانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۶ / ۱۳۵۵ -۱۲۶۴ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت،در ۱۲۹۶ ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در ۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهولت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالبا به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائد» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قمستی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛

«الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بابیان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۲۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ»؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۱۲ / ۷)، اعیان الشیعه (۵۵ / ۱۰)، الذریعه (۵ / ۲۴، ۲۳۹، ۱۱۵ / ۲۳، ۳۰۹ / ۱۸، ۲۷۰ / ۱۳، ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹، ۱۸۶، ۱۷۳ / ۶، ۴۸۵ / ۴، ۴۶۸، ۳۰۲، ۱۸۳ / ۳، ۳۷۷-۳۷۶، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۳۱۸ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۷۶۶ -۱۷۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸ -۵۹۶ / ۵).

عطاری طوسی، مجدالدین، ابومنصور محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۳ / ۵۷۱ -۴۸۶ ق)، فقیه، اصولی و واعظ شافعی. معروف به حفده. اصلش از طوس است و در نیشابور برآمد. از ابوبکر محمد بن منصور سمعانی در مرو و از ابوحامد غزالی در طوس و از محیی السنه ابومحمد حسین بن مسعود بغوی در مروروود فقه آموخت. از بغوی دو کتابش «معالم التنزیل» و «شرح السنه» را شنید و کتابت کرد. در بخارا نزد علامه برهان‌الدین عبدالعزیز بن مازه حنفی تحصیل نمود. سپس به مرو بازگشت و در آنجا ملجس وعظ آراست و مدتی در آنجا مقیم شد تا در فتنه‌ی غز (۵۴۸ ق) به عراق و از آنجا به آذربایجان و جزیره سفر نمود و به وعظ و تذکار پرداخت و مورد توجه قرار گرفت و به علت حسن وعظش همه بر گرد او جمع شدند. ابوسعد سمعانی گوید: او فقیه و واعظ و فصیح بود واز عبدالغفار شیروی و حافظ ابی لفتیان رواسی و نصار بن احمد عیاضی حدیث شنیده بود. من هم در مرو و نیشابور از او حدیث نوشتم. ابواحمد بن سکینه و ابن‌الاخضر و شمس‌الدین عبدالغفور بن بدل تبریزی بزوری و ابوالمواهب بن صصری و قاضی بهاءالدین یوسف بن شداد و ابوالمجد محمد بن حسین قزوینی از وی حدیث شنیده‌اند. وی در تبریز درگذشت. در «شذرات الذهب» نام وی به غلط عطاردی ذکر شده است. از آثارش: «اجویه مسائل»، در فقه و تصوف، که در جواب سؤالهای یوسف بن مقلد دمشقی نگاشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۶ / ۶)، سیر النبلاء (۵۴۰ -۵۳۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۲۴۰ / ۴)، العبر (۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۵۰ / ۹)، النجوم الزاهره (۷۱ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۰۳ -۲۰۲ / ۲)، وفیات الاعیان (۲۳۹ -۲۳۸ / ۴).

عطایی کوزانی، عنایت

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عنایت عطایی کوزانی

محل تولد : فومن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عنایت عطائی فرزند محمّد دوران متوسطه را در رشته ریاضی فیزیک، در سال ۱۳۷۱ به پایان رساندم، و در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیهٔ قم شدم، که تا کنون مشغول تحصیل فقه، اصول و فلسفه هستم.

عظیمی، شمس الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید شمس الدین عظیمی

محل تولد : بروجرد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱ زندگینامه علمی

از روحانیون قبل از انقلاب و طلاب مدرسه حقانی (به مدیریت شهید قدوسی) و بعد از آن مؤسسه مرحوم آیت الله گلپایگانی (المهدی فعلی) بوده و همان زمان در کنار دروس حوزوی به تدوین و نوشتاری و مقاله‌نویسی مبادرت می‌نمودم به کتب آن زمان استاد محقق و آیت الله فعلی مکارم شیرازی و مدرس آن موقع حوزه و آیت الله فعلی نوری همدانی علاقه زیادی داشتم روش رئالیسم مرحوم مطهری و ماتریالیسم و دیالکتیک استاد آیت الله فعلی جعفر سبحانی را مطالعه می‌نمودم به مراکز مختلف اعم از روستاها و شهرهای کشور نیز جهت انجام خدمات تبلیغی مهاجرت می‌نمودم دروس سطح را قبل از انقلاب اتمام نموده مدتی در کرمانشاه در درس خارج فقه مرحوم آیت الله میبدی شرکت می‌کردم یک دوره شرح تجدید نزد مرحوم حقی سرابی در مسجد فاطمیه گذرخان (قبل از انقلاب) تلمذ نمودم. سه سال بحث مسیحیت را نزد استاد عبدالقائم شوشتری (الأن از ائمه جمعه هستند) برادر وزیر سابق دادگستری تعلیم گرفتم نزد ایشان دو سال هم تصوف خواندم، یکسال هم مبحث بهائیت و ردّ آن را نزد استاد قدرت الله نجفی خواندم پیوسته از شاگردان ممتاز استاد شوشتری بودم الان بسیاری از شاگردان آن موقع و همدرسان حقیر از مسئولین طراز اول نظام هستند اوائل انقلاب به تهران هجرت نمودم مدتی درس خارج فقه جواهر مرحوم حقی سرابی در مدرسه و مسجد امام حسین(ع) فعلی شرکت نمودم آنگاه در میدان بهارستان (دبیرستان شریعتی روزانه) به تدریس عربی و دینی چهارم دبیرستان و در دبیرستان شهید رجائی و شبانه ابتدایی پاسداران به همان دروس پرداختم مدتی در مرکز نشر دانشگاهی زیر نظر دکتر پورجوادی مصحح کتب و مقابله کتب دینی و غیردینی بودم همان زمان از سری دوازده گانه کتب محمدعلی دخیل از علمای نجف جلد اول آن یعنی الأمام امیرالمؤمنین علی(ع) را به فارسی ترجمه کردم و به بنیاد بعثت تحویل دادم سپس وارد ارتش شدم و ضمن قبول مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر به تدریس اصول عقاید و ماتریالیسم و ریشه‌های انقلاب و خدمات متقابل اسلام و ایران

اشتغال داشتم از اساتید مرکز آموزشهای هوایی بودم پس از ارتش به سپاه رفتم و آنجا نیز ضمن داشتن مسئولیت عقیدتی سیاسی بیشتر مربی و مدرس بودم یکسال ورامین، یکسال نقده، یکسال سقز بودم و سپس به خدمت در سازمان تبلیغات اسلامی درآمدم در دانشگاه خواجه نصیر استاد اخلاق و ریشه‌های انقلاب شدم امام جماعت نیز بودم در سازمان هم ضمن داشتن مسئولیت به نوشتن مقاله و همکاری فرهنگی و تبلیغی ادامه دادم.

پس از ۲۰ سال متارکه رسمی دروس حوزوی مجدداً به قم برگشتم و ضمن انتقال کار اداری از تهران به طور موقت به قم شروع به تجدید و مرور به دروس قبل از انقلاب نمودم سطح ۲ و سطح ۳ را گرفتم و چون فرصت خوبی برایم پیش آمد و تدریس در دانشگاه‌ها هم نیاز به مجوز پیدا کردم مبادرت به امتحان و مصاحبه علمی معاونت اساتید معارف دانشگاه‌ها را نمودم و موفق به اخذ دو مجوز تدریس اخلاق اسلامی و معارف (اندیشه ۲) گردیدم هم اکنون در تهران در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی طی ۱۲ ساعت در هفته (بعد از ظهرها) اشتغال به تدریس دارم هفته‌ای سه روز یعنی روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه در درس خارج فقه (مکاسب محرمه) مقام معظم رهبری شرکت می‌کنم تدوین پایان‌نامه با عنوان (حکمت الهی در ادیان توحیدی) دارم که قائل ارائه می‌باشد جزوه دیگری آماده چاپ تحت عنوان ۱۴ درس اخلاق برای دانشجویان که تقریباً تدریس برای یک ترم دانشگاهی است دارم با هیئت رزمندگان اسلام در تهران در بخش فرهنگی آن همکاری فرهنگی دارم که مصاحبه اخیر حقیر در مجله ماهانه آنها چاپ می‌گردد با مرکز مشاوره جناب دکتر افروز در ارتباط هستم و بیش از ۵ سال است که به بصورت تجربی و روانشناسی و دعا درمانی اسلامی و سنتی خانواده‌ها را سرویس‌دهی مشاوره‌ای می‌نمایم و اخیراً با مرکز مشاوره جهت اخذ مجوز ارتباط برقرار نموده‌ام ناشر نیز هستم تحت عنوان انتشارات مه‌رویان و کتاب شرح کامله کلیله و دمنه را که بیش از هزار صفحه و در یک مجلد و تألیف ۱۴ ساله حجت الاسلام دکتر موسوی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب می‌باشد حدود ۵ الی ۶ ماه است که چاپ و نشر نموده‌ام و آماده عرضه می‌باشد و در پایان باید بگویم که هم‌اکنون در تهران و قم (بیشتر تهران) اشتغال به کار اجرایی، مشاوره، دعا درمانی، شرکت در درس خارج فقه رهبر انقلاب، تدریس در هفته در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و... دارم.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرحیم فرزند حاتم، معروف به «عقیقی بخشایشی»، در سال ۱۳۶۱ ه.ق (مطابق با ۱۳۲۰ ه.ش) در قصبه «بخشایش» (زادگاه مادر پروین اعتصامی، شاعره نامدار) در ۶۵ کیلومتری شرق تبریز، در یک خانواده کشاورز پا به عرصه حیات نهاد. با داشتن علاقه وافر به

تحصیل، زادگاه خویش را به عزم تبریز ترک گفته و در مدرسه طالبیه دروس ادبی و مقدماتی را فرا گرفت؛ تا اینکه درسال ۱۳۷۸ ه .ق به قصد ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم گردید. در آن حوزه مبارکه، از محضر اساتید معروف روز، بهره مند شد. دروس سطح را از اساتید هم زبان خویش، آقایان حجج اسلام: شیخ احمد پایانی، حاج میرزا یدالله دوز دوزانی، و استاد جعفر سبحانی و دروس عالیه فلسفه و حکمت و فقه را از محضر اساتید بزرگوار، شادروان علامه طباطبایی و معلم شهید مرتضی مطهری و آیت الله سلطانی، اصول فقه را از محضر امام خمینی (ره) و خارج فقه را از محضر آیت الله العظمی گلپایگانی و برخی دیگر از مراجع معروف و دروس اخلاق و معارف عالیه را، ازمحضر آیت الله العظمی آخوند ملا علی معصومی همدانی، کسب نمود، و از محضر ایشان موفق به اجازه روایتی در مسیر اجازات حاج آقا بزرگ تهرانی گردید.

هم زمان با تحصیلات حوزوی، در دروس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، شاخه فقه و مبانی حقوق اسلامی، و دروس دارالتبلیغ اسلامی قم شرکت جست، تا درسال ۱۳۹۱ ه.ق (۱۳۴۹ ه.ش) موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران و پایان نامه تحصیلی از این موسسه اسلامی گردید. پس از کسب تحصیلات عالیه حوزه و دانشگاه، زندگی او در دو کلمه خلاصه میشود: قلم و قدم،با توجه به شوق و علاقه خاصی که در خود میدید، رشته نویسندگی و خلق آثار قلمی را تعقیب نمود و تاکنون لحظه ای قلم را ترک نگفته است. این رشته را رسما از سال ۱۳۴۰ ه . ش با جراید معروف آن روز، مانند هفته نامه ندای حق، وظیفه، مجله نور دانش و ... آغاز کرده و نخستین تالیفات خود، «نظری به انجیل و تعلیمات مسیحیت» و «همسران رسول خدا (ص) » را در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ نگاشت و در جلسات اسلام شناسی زیر نظر دکتر مفتح به چاپ رسید تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عضویت هیات تحریریه نخستین مجله اسلامی حوزه علمیه قم، «درسهایی از مکتب اسلام» برگزیده شد و مقالات مختلفی در زمینه های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی منتشر ساخت.

محصول این همکاری، پدید آمدن خمیر مایه آثار چاپی متحددی است که تعداد آنها، هم اکنون به ۱۱۰ جلد بالغ می شود.که برخی از این آثار به زبانهای زنده جهان، مانند انگلیسی، عربی، فرانسه و اردو و ترکی نیز ترجمه و منتشر شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲ سال، در دانشکده های مختلف کشور، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی، در مرحله کارشناسی ارشد تدریس داشته و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تهران و مدرس دروس معارف اسلامی می باشد. اخیرا در پی نگارش کتاب «دیداری با مسلمانان جمهوری آذربایجان»، موفق به دریافت درجه «دکترا» از آکادمی علوم آن جمهوری گردیده که از طریق سفارت ایران به صورت رسمی به ایشان اعطا شده است. او در تعدادی از کنگره های بزرگ علمی و ادبی شرکت جسته و مقالاتی را ارائه داده است. ازآن میان کنگره عاشورا، کنگره اوحد الدین مراغه ای و کنگره شیخ شهاب الدین اهری را می توان نام برد. نویسنده کتاب، بر این اعتقاد است که فلسفه وجودی افراد و زکات حیات و بقای آنان، آثار خیر و باقیات صالحاتی است که ازآنان به یادگار می ماند، و اگر جامعه بشری چنین انگیزه ای را در خود حس ننماید، زندگی او بهره روحی و نشاط معنوی نخواهد داشت.

از این رو، به برکت انقلاب اسلامی و خونهای گرانبهای شهیدان، و با همکاری مردم خوب و متدین و فداکار، چند اقدام عملی و قدم خیر فرهنگی و عمرانی را با فضل الهی به مرحله عمل درآورده است، که محض تشویق دیگر عزیزان، در این وجیزه مبادرت به درج آنها می گردد: ۱. احداث دو باب دبیرستان ۱۲ کلاسه به نام دبیرستان امام امیرالمومنین (ع) با همکاری مردم، در سال ۱۳۶۶ ه. ش، در زادگاه خویش، بخشایش که اکنون با فضل الهی جمعی از فارغ التحصیلان آن به دانشگاه راه یافته اند. ۲. احداث یک دستگاه پل بزرگ، به طول صد متر (۱۰ دهنه)، به نام «پل عباسیه» در سال ۱۳۷۰ ه. ش بر روی رودخانه «اوجان چای» در زادگاه خویش، با هزینه بالغ بر یکصد میلیون ریال آن روز، که مسیر عبور بخش نو، جانقور، شیخ رجب تا جاده اهر را تامین می نماید. ۳. احداث و مرمت جاده شوسه ۱۴ کیلومتری در مسیر بخشایش به جاده اهر، در سال ۱۳۶۷ که هم اکنون مورد بهره برداری می باشد.

۴. فراهم آوردن مقـدمات جاده کشـی ۱۲ کیلومتری راه کردکنـدی، اشـتلق علیـا و سـفلی و تـازه کنـد، به بخشایش، در محور جاده سراب و اردبیل که در عبور و مرور مردم آن منطقه تاثیر بسـزایی دارد. ۵. خرید زمین، به مساحت ۴۰۰۰ متر و پی ریزی دبیرستان ۸ کلاسه به نام «دبیرسـتان صـدیقه طاهره ع» در بخشایش جهت تحصـیل دختران، که هم اکنون از سوی اداره کل نوسازی آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، مشغول تکمیل آن می باشند. ۶. ایجاد و احداث یک باب مسـجد به نام مسجد عباسیه (ع) در آذربایجان غربی، در محوطه نیروی انتظامی پادگان جلدیان در حومه نقده، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی. ۷. اداره انتشارات «نوید اسلام» در قم که تا کنون حدود ۲۵۰ عنوان کتاب در عرصه های تاریخی، اجتماعی،آموزشـی فرهنگی، تربیتی و دروس حوزوی، چاپ و نشر داده است و اخیرا مجهز به چاپخانه ای با همان نام (نویـد اسـلام) گردیده است. ۸. مفروش نمودن حرم مطهر و نوبنیاد حضـرت رقیه (س) در سوریه، به عنوان روحانی کاروان، از طریق جلب کمکهای زایران، در سفرهایی که به آن کشور داشته است. ۹. توجه دادن جمعی از مردم شـریف جمهوری آذربایجان، به احکام دینی و وظایف الهی و فرایض مذهبی، در سفرهای متعددی که به آن کشور آزاد شده از چنگال کمونیسم داشته است. و چاپ بیش از ۱۵ عنوان کتاب تربیتی و معرفی ائمه اطهار(ع) به زبان کریل نیز داشته ام.

علامه

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(علامه دوم) محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به آقای بهبهانی، اسـتاد اکبر، سـید البشر، محقق ثالث، از بزرگان علمای امامیه (و. اصفهان ۱۱۱۶ یا ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸ ه.ق.- ف. ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ یا ۱۲۰۸ ه.ق.). وی از شاگردان سـید صدرالـدین قمی بود، و مدتی در بهبهـان سـکونت گزیـد و اواخر عمر را در کربلا گذرانیـد.اوراست: ابطال القیاس، الاجتهاد والاخبار در رد اخباریان، احکام العقود، الاستصحاب، اصالهٔ البراءهٔ اصول الاسلام والایمان، الامامهٔ.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

علامی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علامی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مقدمات را تا مغنی و مطول پیش آقای انصاری که مدرس برجسته مقدمات در حوزه تبریز بود خواندم. مغنی و مطول را از

محضـر آقای شیخ علی اکبر ادیب معروف و متخصص فن و لمعتین را از محضر آیت الله آقای حاج سید مهدی انگجی فرا گرفتم و مکـاسب را از محضـر حضـرت آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شـهیدی (ره) صاحب کتاب «هـدایه الطالب الی اسـرار المکاسب» که مجتهـد معروف حوزه علمیه تبریز بود و فرائد را محضـر حضـرت آیت الله مرحوم آقایی حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی خواندم و آن زمان از اساتیـد معروف مطول و مغنی بودم جمع کثیری در درس مطولم حاضـر می شدند چون عبارات را صـحیح و با دقت می خوانـدم الان هم تدریسم در حوزه علمیه قم از نظر خوب عبارت خواندن مورد تحسـین فضـلای حوزه است و فضـلا بارها گفته اند عبارت خواندن شما در مقام تدریس بی نظیر است.

کفایتین را از محضـر حضـرت آیت الله آقای مرعشـی نجفی (ره) استفاده کردم ، منظومه حکمت و اسفار را از محضر حضرت آیت الله علامه طباطبایی (ره) فرا گرفتم دوازده سال حکمت خوانده ام به منظومه حکمت شـرح نوشـته ام درعلم حکمت خیلی کار کرده ام فضـلای حوزه می گویند درس حکمت در حوزه شـروع کنید بی میلی نیسـتم اگر توفیق رفیق شد درس حکمت در حوزه شـروع کنم انشاء الله در درس خارج فقه حضـرت آیت الله العظمی آقای بروجردی و حضرت آیت الله آقای حجت کبیر پانزده سال شرکت و استفاده کامل نموده ام بعد از وفات این دو بزرگوار باقی دوره درس خارج را از محضر مبارک امام رضوان الله تعالی علیه و آیت الله گلپایگانی و آیت الله داماد تکمیل نموده ام بیش از بیست سال درس خارج فقه خوانده ام.

علوی قزوینی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی علوی قزوینی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجه الاسـلام سیّد علی علـوی قزوینی فرزنـد مرحـوم آیت الله حـاج سـیّد جواد علوی قزوینی ره در سـال ۱۳۴۲ هجری شمسـی در شهرسـتان قزوین در یک خانواده اصـیل و ریشه دار علمی متولـد شـد پدر و اجداد نامبرده همگی از علماء و دانشـمندان عصـر خود بشـمار می رفتند، جد پدری وی مرحوم علامه سـید علی موسوی قزوینی (متوفی ۱۲۹۸ ه.ق) از فقها و اصولیین نامدار قرن سـیزدهم هجری، و صـاحب تالیفـات فراوان در فقـه و اصـول می باشـد از جملـه حاشـیه معروف وی بر قـوانین الاـصول میرزای قمی است. او خواهر زاده مرحوم سـید ابراهیم موسوی قزوینی صاحب ضوابط الاصول می باشد. حجه الاسلام علوی پس از اتمام تحصیلات مقطع ابتـدایی و راهنمایی، همزمان با تحصـیل در دوره متوسـطه دروس مقدماتی علوم دینی را در نزد والد بزرگوار خود فرا گرفت و پس از اخـذ دیپلم ریاضـی فیزیک در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیّه قزوین شـد و در نزد اساتیـد آن حوزه به تحصـیل علوم اسـلامی (فقه، اصول، فلسفه) پرداخت.

اهم اساتیـد وی درحوزه علمیّه قزوین در زمینه های فقه و اصول عبارتند از مرحوم آیت الله میرزا عبدالرحیم سامت قزوینی، آیت الله

مرحوم شیخ محمد مظفری، مرحوم آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی و در فلسفه (منظومه سبزواری) نیز از محضر حکیم متاله آیت الله شیخ محمد حسین اویسی قزوینی بهرمند گردید. وی در سال ۱۳۶۳ برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات و اساتید این حوزه بهره های فراوان برد و بالاخص در درس خارج اصول حضرات آیات سیّد محمّد روحانی (ره)، سیّد محمود هاشمی شاهرودی، وحید خراسانی، و نیز از درس خارج فقه حضرات آیات منتظری، شبیری زنجانی، تبریزی و فاضل لنکرانی بهره مند گردید، همچنین دروس عالی فلسفه و عرفان (اشارات، اسفار، مصباح الانس) را در محضر حضرات آیات: انصاری شیرازی، حسن زاده آملی و حاج آقا محمد شاه آبادی تلمذ نمود.

ایشان از برخی اساتید خود از جمله حضرات آیات شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی، و نیز آیت الله سیستانی مفتخر به اخذ اجازه روایت و امور حسبیه است او همچنین به مدت ۸ سال توفیق مراوده و درک محضر عرفانی و اخلاقی عارف کامل مرحوم آیت الله علامه سیّد محمّد حسینی تهرانی را یافت. ایشان همزمان با تحصیلات علوم اسلامی به تحصیلات دانشگاهی نیز همت گمارد و در سال ۱۳۶۲ در مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۶ با احراز رتبه ممتاز و اخذ لوح تقدیر فارغ التحصیل شد و در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته و در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید، و در سال ۱۳۸۲ دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران ارتقاء یافت نامبرده در سال ۱۳۷۰ به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران (گروه حقوق ـ پردیس قم) در آمد و تاکنون در این دانشکده و نیز دانشگاه مفید قم در رشته های حقوق مدنی، فقه به امر تدریس اشتغال دارند ایشان با برخی مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بنیاد دایره المعارف جهان اسلام، دانشگاه مفید و ... همکاری علمی داشته است و نیز مسئولیت مشاوره پایان نامه های تعدادی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته حقوق را نیز بر عهده داشته است. وی با برخی از زبان های خارجی، عربی، انگلیسی، فرانسه نیز آشنایی دارد. مقالات و تحقیقات متعددی نیز از ایشان به چاپ رسیده است.

علوی گرگانی، محمد علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حضرت آیت‌اللّه العظمی آقای حاج سید محمد علی علوی حسینی گرگانی : خاندان : پدر بزرگوار ایشان، آیت‌اللّه آقای حاج سید سجاد علوی گرگانی – طاب ثراه – نخستین شخصیت علمی منطقه »گرگان و دشت« و از مشهورترین علمای استان مازندران به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۲۲ق در یکی از روستاهای گرگان – النگ – در خانه آقا سید قاسم – که مردی دائم الذکر و متهجد و مؤمن و متدین بود و پسر دار نمی‌شد و با توسلات و ادعیه و اذکار فراوان، خداوند این پسر را در ۶۵ سالگی‌اش بدو بخشید و پس از چند سال هم چشم از جهان فرو بست – به دنیا آمد. در حالیکه نوجوان بود، تندباد اجل، گوهر پدر و مادرش را به فاصله سه روز از کَفَش ربود و سرپرستی وی را مرحوم آیت‌اللّه حاج ملا محمد هاشم کبیر کردکویی به عهده گرفت و مقدمات و ادبیات و بخشی از علوم دینی را از او آموخت. در سال ۱۳۴۴ق، به مشهد مقدس عزیمت نمود و نزد اساتید بنامِ حوزه علمیه آن شهر مانند حضرات آیات: میرزا مهدی اصفهانی، ملاـ هاشم خراسانی، فاضل بسطامی و ادیب نیشابوری اوّل، سطوح عالیه را فرا گرفت. در ۱۳۴۷ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در محضر آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، حاج شیخ محمد علی حایری

قمی، حاج میرزا محمد فیض قمی، حاج شیخ ابوالقاسم قمی، میرزا محمد علی شاه آبادی و میرزا محمد ثابتی همدانی – قدس اللّه اسرارهم – زانوی ادب به زمین زد و فقه و اصول و حکمت و کلام را فرا گرفت در سال ۱۳۵۳ ق، به توصیه استاد بزرگوارش آیت‌اللّه حایری یزدی به نجف اشرف رفت و مبانی علمی خویش را نزد آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، محقق اصفهانی و آقا ضیاء عراقی استوار ساخت و سخت مورد توجه آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت و همزمان به تدریس سطوح عالیه پرداخت)که از جمله شاگردانش در نجف، حضرات آیات: شیخ محمد ابراهیم و شهید شیخ مرتضی بروجردی – فرزندان آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ علی محمد بروجردی – ، و حاج میرزا علی محدث زاده و حاج میرزا محسن محدث‌زاده – فرزندان محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی)ره(و مرحوم شهید نواب صفوی بودند(وی، پس از ۱۲ سال اقامت در نجف، بنا به تقاضای فراوان مردم گرگان از آیت‌اللّه سید ابوالحسن اصفهانی و امر معظم له، در ۱۳۶۵ق رهسپار ایران شد و در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکند و به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخت)که از جمله شاگردانش مرحوم آیت‌اللّه حاج آقا شهاب اشراقی بوده است(. پس از چندی، با اصرار مردم متدین گرگان و امرِ آیت‌اللّه العظمی بروجردی، در ۱۳۶۶ق به گرگان بازگشت و به اقامه جماعت و تبلیغ دین)در مسجد جامع(، تدریس علوم دینی)در مدرسه عمادیه(– که از جمله شاگردانش فهرست‌نگار مشهور مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، و فرزندان بزرگوارش، و حضرات آیات: طاهری گرگانی و جناتی شاهرودی بوده‌اند ، بنای حسینیه‌ها و مساجد و امامزادگان)که تعداد آنها به ۲۰۰ بنا می‌رسد(، تفسیر قرآن – که چهار بار آن را به صورت کامل تفسیر نمود – و گره‌گشایی از مشکلات مردم و حلّ و فصل امور عامه پرداخت. وی به واسطه دارا بودن ملکات فاضله اخلاقی و مقام علم و دانش و تقوا، و بیان شیوا در مواعظ و نصایح و تفسیر قرآن، مورد توجه علما و مردم آن منطقه – از شیعه و سنّی – قرار گرفته و در فقه و تفسیر و اخلاق، گوی سبقت را از همگنان ربوده بود. او در پنجم ربیع الثانی ۱۴۰۷ق بدرود حیات گفت و جهانی از علم و معرفت را با خود به خاک برد.(۱) فرزندان ایشان، به غیر از آیت‌اللّه العظمی علوی، حجج اسلام آقایان حاج سید محمدحسن و حاج سید محمد حسین علوی می‌باشند و دامادهای معظم له نیز حضرات آیات: حاج سید حبیب‌اللّه طاهری گرگانی و حاج سید حسن سبط احمدی می‌باشد. والده ماجده معظم له، صبیه مرحوم آقا شیخ علی اصغر مؤیّد الشریعه شاگرد و محرّر مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد حجت کوهکمری، داماد مرحوم حجهٔ‌الاسلام ملا محمود زاهد قمی(۱۳۲۵ – ۱۲۶۶) (۲ق(نماینده مردم قم در اولین دوره مجلس شورای ملّی – در زمان مشروطیت – و همشیره‌زاده مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی بوده است. ابوالزوجه آیت‌اللّه العظمی علوی هم، ادیب نامی قم، شارح و ناظم نهج البلاغه و شاعر اهلبیت – علیهم‌السلام – مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی انصاری قمی(۱۴۰۵ – ۱۳۲۸) (۳ق(– صاحب کتابهای متعدد در دفاع از حریم تشیع – بوده است که او و برادرانش حضرات آیات: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری، همه از مشاهیر علما و خطبای قم و نجف اشرف بوده‌اند. ولادت : آیت‌اللّه العظمی علوی، در خجسته ایّام ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام اللّه علیها در سال ۱۳۵۹ق)خرداد ۱۳۱۸ ش(در نجف اشرف، در بیت فضیلت و تقوا زاده شد. این ولادت، موجی از شادی و سرور در دل پدر بزرگوارش برانگیخت، چه تا آن زمان چند پسر برای وی متولد شده بودند امّا همگی در همان کودکی، از دنیا رفته بودند. لذا وی به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السّلام متوسل شد و از آن حضرت، درخواست فرزندی عالم و صالح نمود. رویای صادقه : آیت‌اللّه حاج سید سجاد علوی، شبی در عالم خواب به محضر امیرمؤمنان علیه‌السّلام مشرّف شد و حضرت، بدو مژده ولادت پسری را در آینده نزدیک داد و از او خواست تا فرزندش را به نام »علی« نامگذاری نماید. هنگامی که این پسر به دنیا آمد، پدرش برای رعایت استحباب او را بنام »محمد« و برای قولی که به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام داده بود، او را به »علی« نامگذاری کرد. پدرش، بارها بدو می گفت: محمدعلی! تو با دیگر برادرانت تفاوت خواهی داشت و در آینده به مقامات عالیه خواهی رسید. چون تو را با توسل به ذیلِ عنایت امیرالمؤمنین، از خدا گرفته‌ام. معظم‌له،

در دامان پاک پدر و مادرش - رحمهٔالله علیهما - بالید و پرورش یافت و بسیاری از مسائل دین و خواندن و نوشتن را در محضر پدرش بیاموخت. تحصیلات : آیت‌اللّه العظمی علوی، هفت ساله بود (۱۳۶۵ق(که همراه پدر بزرگوارش به ایران باز آمد و به قرائت قرآن مجید و آموختن نصاب و حساب و گلستان و پس از آن به یادگیری فنون ادب و علوم عرب نزد ایشان پرداخت. نخست، ادبیات و مغنی و مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد والدش بیاموخت و در سنّ شانزده سالگی (۱۳۷۴ق(، همراه با معظم له و گروهی از همشهریانش به زیارت عتبات عالیات، بیت اللّه الحرام و بیت المقدس و شامات نائل آمد)و در طول مسیر به بازگویی مسائل شرعی و خواندن کتابهای دینی برای کاروانیان می‌پرداخت(، در بازگشت از سفر حج، قصد ماندن و تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف را داشت که مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم)ره( )در زمانی که به دیدار پدر بزرگوارش آمده بود، و از قصد ایشان آگاه شد(فرمودند: اگر ایشان در حوزه علمیه قم به تحصیل بپردازد بهتر است، چون حوزه قم واجد دو ویژگی است: فنّ تدریس و فنّ سخنوری، شخصی که در آن حوزه تحصیل نماید هر دو را فرا می‌گیرد، هم درس می‌خواند و هم درس می‌دهد و هم به تبلیغ دین می‌پردازد، و لذا رهسپار حوزه علمیه قم شد و در محضر درس اساتید بزرگ همانند حضرات آیات: مجاهدی تبریزی، سلطانی طباطبایی و ستوده اراکی، زانوی ادب به زمین زد و باقیمانده سطوح را فرا گرفت و این همه، ۴ سال به طول انجامید.)که نشانگر استعداد بسیارش در کسب معلومات و ضبط محفوظات است(. اساتید : معظم له، در خلال تحصیل خویش توفیق یافت از دانش سرشار استوانه‌های علم و فقاهت، توشه‌ها برگیرد و مبانی علمی‌اش را استوار سازد. آنان عبارتند از: ۱. زعیم بزرگ شیعه آیت‌اللّه العظمی بروجردی، که سه سال از درس فقه ایشان بهره برد. ۲. رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه العظمی امام خمینی، که هشت سال از درس اصول ایشان استفاده کرد. ۳. آیت‌اللّه سید محمد محقق احمدآبادی یزدی - مشهور به محقق داماد - که دوازده سال از درس فقه و اصول وی بهره برد. ۴. آیت‌اللّه العظمی سید محمدرضا موسوی گلپایگانی. ۵. آیت‌اللّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی. ۶. آیت‌اللّه حاج شیخ محمدعلی اراکی. ۷. آیت‌اللّه حاج آقا مرتضی حایری یزدی - که مدّت ۱۵ سال در درس فقه ایشان شرکت جُست و مورد توجه فراوان معظم له بود. همچنین، معظم له در ایام تعطیل حوزه علمیه قم در فصل تابستان به مدت هفت سال، به نجف اشرف می‌رفت و علاوه بر زیارت عتبات عالیات، به درس علمای بزرگ نجف رفته و از آنان بهره‌ور می‌شد. ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، آقای خویی، آقای شاهرودی و میرزا باقر زنجانی قدّس اللّه اسرارهم. تدریس : استاد معظّم آیت‌اللّه العظمی علوی مدظلّه العالی، عمر پر بار خویش را به تألیف و تدریس و تبلیغ دین گذرانیده است. ایشان از همان اوانِ تحصیل، به تدریس کتب ادبیات و سطوح پرداخت. (۱۳۳۴ش(بارها سیوطی و مغنی و مطوّل، شرح شمسیه و شرح نظّام را تدریس کرد و در همان زمانِ نوجوانی (۱۶ سالگی(کتاب »کشف الغاشیهٔ عن وجه الحاشیه« را تألیف نمود. از سال ۱۳۸۲ ق به تدریس سطوح)معالم، قوانین، شرح لمعه و شرح تجرید(و سطح عالی)رسائل، مکاسب و کفایه و شرح منظومه(پرداخت و گاه روزانه، چهار درس را تدریس می‌کرد و درسهایش، در زمره معروفترین و چشمگیرترین درسهای حوزه علمیه قم بود. یکی از مورخین حوزه علمیه قم - بیش از ۳۰ سال پیش (۱۳۵۰ش(درباره ایشان، نوشت: معظم له از فضلاء و مدرّسین و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه است، که به زیور علم و تقوا و متانت و بزرگواری آراسته است.(۴) جناب استاد، در سال ۱۴۰۵ق بود که بنا به تقاضای گروهی از فضلاء تدریس خارج فقه)بر اساس کتاب شرایع الاسلامِ ابوالقاسم نجم الدین جعفرِ محققِ حلّی(را آغاز کرد و تاکنون کتابهای: طهارت و زکات را به پایان برده و هم اکنون شرح کتاب صلاهٔ را ادامه می‌دهند و همزمان خارج اصول را نیز بر پایه کفایهٔ الاصول آغاز نمود که دوره کامل آن ۱۵ سال به طول انجامید و به پایان رسید و هم‌اکنون دومین دوره آن، آغاز شده است. وی در طول ۴۰ سال تدریس خویش، فضلای بی‌شماری را از سرچشمه زلال علوم اهلبیت علیهم‌السلام، بهره‌مند ساخته که بسیاری از آنان، هم اینک در شهرهای مختلف و سمَتهای گوناگون مانند: تدریس در حوزه و دانشگاه، امامت جمعه و جماعت، قضاوت و نمایندگی مجلس به خدمت به اسلام و مسلمین اشتغال دارند. تبلیغ دین : قرآن مجید، یکی از وظایف فقیهان و عالمانِ دین را انذار مردمان و

تبلیغ رسالات خداوند بر می‌شمرد. آیه شریفه «نَفْر» وظیفه یکایک اندیشمندان را تعیین نموده و آن «ابلاغ تکلیف» است. آیت‌اللَّه العظمی علوی هم بر طبق عمل به وظیفه خویش، از همان اوان طلبگی‌اش به تبلیغ دین پرداخت و سالیان فراوان در ایام ماه مبارک رمضان و محرّم و صفر بر مسند وعظ و ارشاد تکیه زده و هزاران نفر را با بیان شیوا و سخنان زیبای خویش از آبشخور علوم اهلبیت – علیهم‌السلام – سیراب نموده است و این شیوه پسندیده، حتی پس از مرجعیت معظم له ادامه دارد. ایشان، به جز این ایام، سالیان فراوان، قبل از رسیدن به مرجعیت (۱۸ سال متمادی(در گرما و سرما، در تابستان و زمستان هر پنجشنبه و جمعه به تهران می‌رفت و پیرامون معارف دین در مسجد فاطمیه سخن می گفت و در همین راستا، هیئت محترم وحدت فاطمیه و صندوق قرض الحسنه آن را هم تأسیس نمود و همزمان به تدریس شرح منظومه و شرح تجرید و اصول اعتقادات به گروهی از اساتید دانشگاه و دانشجویان محترم می‌پرداخت. شیوه تدریس : درس معظم له از ملاحت گفتار، تتبع اقوال و دقّت و بررسی آنها، تحقیق مبسوط در روایات)فقه الحدیث(و جمع بین اخبار متعارضه و بررسی رجال حدیث برخوردار است. ایشان، با نظر افکندن در کتابهای متداول و غیر متداول)همانند: غنائم الایام میرزای قمی، وسیلهٔ المعاد ملا اسماعیل عقیلی نوری، جامع المدارک آیت‌اللَّه خوانساری(و نقد و بررسی آنها و کاویدن ادلّه، سرانجام قولی را برگزیده، که گاه این سخن با سخنِ دیگر فقیهان منطبق بوده و گاه متفرّد است. ایشان، به حضور منظّم و بدون تعطیل در ایّام درسی و سرِ ساعت، بدون‌اندکی‌تأخیر – مقیّد بوده، و در روزهای چهارشنبه به شرح و توضیح حدیثی از فرمایشات پیامبر اکرم)ص(می‌پردازد – و اگر روزی چهارشنبه، تعطیل باشد این کار را در روز پیشین آن انجام می‌دهد – و از این رهگذر تاکنون به شرح وصایای رسول خدا)ص(به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام، ابوذر غفاری و عبداللَّه بن مسعود توفیق یافته است.)که شرح وصایای پیامبر اکرم)ص(به ابوذر به نام انوار اخلاقی «ره‌توشه پارسایان» چاپ رسیده است(. معظم له در طول درس، به یکایک پرسشها و اشکالات – هر چند سست و بی‌پایه – شاگردان خود گوش فرا داده و با خوشرویی و اخلاق حسنه به پاسخ آنها می‌پردازد و از شاگردان سخت‌کوش خویش به شایستگی تقدیر به عمل می‌آورد و بر فراز منبر تدریس، از آنان احترام می‌نماید. ایشان در خلال درس، نیز به ذکر مطالب مناسب از تاریخ و تفسیر و رجال و مواعظ نیز پرداخته و درسش، آمیزه‌ای از مطالب گرانقیمت و ارزشمند است، که نتیجه سالیان فراوان مطالعات مختلف و تجربه‌های بسیار معظم له می‌باشد. مرجعیّت : معظم له، یکی از چهره‌های مشهور علم و تقوا و فقاهت در حوزه علمیه قم بوده و در زمان مرجعیت آیاتِ عظام و مراجع تقلید پیشین، چشمهای بسیاری به سویش دوخته شده بود، پس از ضایعه وفات آنان بود که بسیاری از مردم مؤمن و متدین – به ویژه اهالی مازندران و گیلان – از جنابش تقاضای رساله عملیه نمودند، که معظم‌له در سال ۱۴۱۲ق، فتاوای خویش را در اختیار همگان قرار دادند – که به زبانهای عربی و اردو نیز ترجمه شده – و بسیاری از مؤمنان در داخل و خارج کشور تقلید ایشان را پذیرفته و بخشی از شهریه طلّاب حوزه علمیه قم، همه ماهه توسط ایشان پرداخت می گردد تالیفات : استاد بزرگوار ما، آیت‌اللَّه العظمی علوی به جز تدریس منظّم فقه و اصول)که صدها نوارِ آن موجود است(، تبلیغ و ترویج شعائر دینی، پرورش شاگردان فراوان و راهنمایی مردمان و مقلّدان، دارای تألیفات متعدد فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی است، که نام آنها عبارتند از: الف. آثار چاپی: ۱. توضیح المسائل)به اردو ترجمه شده است(. ۲. اجوبهٔ المسائل یا پاسخ به جدیدترین استفتائات (۲ ج(. ۳. مناسک حج.)آداب، اعمال و استفتائات حج(. ۴. منهج الصالحین)رساله توضیح المسائل عربی(. ۵. منهج الناسکین)مناسک حج عربی(. ۶. نورالهدی)تعلیقه بر عروهٔ الوثقی(. ۷. المناظر الناضرهٔ فی احکام العترهٔ الطاهرهٔ)ج ۱. بخشی از کتاب الطهارهٔ(. ۸. تعلیقه بر تحریرالوسیله (۲ ج، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)ره((. ۹. گلچینی از انوار اخلاقی)برگزیده درس اخلاق روز چهارشنبه(. ۱۰. ره‌توشه پارسایان، انوار اخلاقی)ج ۱، شرح وصایای پیامبر اکرم به ابوذر غفاری(. ۱۱. توحید از دیدگاه علم)یکی از سخنرانی‌های معظم له(. ب. آثار غیر چاپی: ۱. المناظر الناضرهٔ)ج ۲ تا ۱۰. شرح مفصّل ابواب طهارت، صلاهٔ و زکات شرایع الاسلام(. ۲. لئالی الاصول (۱۰ جلد. از مباحث الفاظ تا پایان استصحاب(. ۳. زبدهٔ اللئالی – تلخیص کتاب فوق. ۴. القواعد الفقهیهٔ)قاعده‌های: ضمان، لا ضرر، تقیه،

عـدالت، میسور و اصالهٔ الصحهٔ(. ۵. رساله در فروع علم اجمالی. ۶. رساله در تعادل و تراجیح. ۷. رساله در اجتهاد و تقلید. ۸ . تقریرات درس فقـه آیـت‌اللَّه العظمی بروجردی)بحث: طهارت و قضا(. ۹. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه محقق داماد)کتاب صلاهٔ وحج(. ۱۰. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه حاج شیخ عباسعلی شاهرودی)کتاب طهارت(. ۱۱. تقریرات درس فقـه آیـت‌اللَّه اراکی)بحث صلاهٔ الجمعهٔ(. ۱۲. تقریرات درس فقه آیت‌اللَّه حاج آقا مرتضی حایری)کتاب طهارت و خمس(. ۱۳. تقریرات درس اصول آیـت‌اللَّه العظمی امـام خمینی)از بحث مقدمهٔ واجب تـا آخر قطع و ظن(. ۱۴. تقریرات درس اصـول آیت‌اللَّه محقـق دامـاد)دوره کامل(. ۱۵. تعلیقه بر وسیلهٔ النجاهٔ. ۱۶. تعلیقه بر منهاج الصالحین. ۱۷. کشف الغاشیهٔ عن وجه الحاشیهٔ)توضیح مشکلات حاشیه ملا عبـداللَّه، اولین تألیف معظم له(. ۱۸. نورالبیان فی تفسیر القرآن. ۱۹. طبقات الرجال. ۲۰. ره‌توشه پارسایـان انوار اخلاقی)ج ۲ و ۳. شرح وصایای پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین و عبداللَّه بن مسعود(. بناهای ماندگار: آیت‌اللَّه‌العظمی علوی، احداث و بنیاد بناهای خیریه و عام‌المنفعه را وجهه همّت خویش ساخته و تاکنون در ساختمان - کلّی یا جزئی - چندین بنای خیر، نقش اساسی و سهم چشمگیر داشته است. معظم له، علاوه بر اجازه مصرف بخشی از وجوه شرعیه برای احداث بناهـای عـام المنفعه، خود نیز به بنیادِ مسجد، حسینیه، درمانگاه و صندوق قرض الحسنه در نقاط مختلف اقدام فرموده است. تعمیر بخشی از مسجد جامع گرگان، تأسیس و تعمیر چند مسـجد در گرگان و روستاهای اطراف، مسجد اعظم(۵) و درمانگاه آیت‌اللَّه حاج سید سجاد علوی در روستای النگ، حسینیه سیّدالشهداء در مهدی شهر سمنان، صندوق قرض الحسنه و هیئت محترم »وحدت فاطمیهٔ« در خیابان هفده شهریور جنوبی)تهران(- از آن جمله است. همچنین دفتر معظم له در قم و مشهد مقدس، در ایّام ولادت و شهادتِ ائمهٔ اطهار - علیهم‌السلام - و روزهای پنجشنبه هر هفته، شاهد برگزاری مجالس معظم و بـا شکوهی است که خطبا و وعاظ محترم پیرامون معارف شیعی و احیای امر اهلبیت علیهم‌السلام، به سخنرانی می‌پردازنـد و نام و یاد اهلبیت عصـمت و طهارت را گرامی می‌دارنـد. خداوند بر دوامِ توفیقات و صحّت و خدمات ایشان بیافزاید و به آمال و مقاصدش در اجرای فرامین الهی، جامه عمل بپوشاند.

------------ ۱) آثار الحجهٔ ۳۴۲/۲؛ گنجینه دانشمندان ۴۱۵ - ۴۱۳/۶؛ آینه دانشوران /۲۷۲؛ مجله مسجد، ش ۳۵، ص ۸۷ - ۸۲.

۲) رجال قم/۱۶۲؛ گنجینه دانشوران /۲۰۳؛ گنجینه آثار قم ۳۷۱/۱؛ اختران تابناک، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳) گنجینه دانشمندان ۳۴۳ - ۳۳۹/۲؛ اثرآفرینان ۳۲۱/۱؛ سخنوران نامی معاصر ۴۰۴ - ۴۰۱/۱؛ مؤلفین کتب چاپی ۱۹۲/۴؛ الذریعه ۱۰۸/۹ و ۱۰۰۰؛ کتابنامه حضرت زهرا /۲۸ - ۲۳؛ فرهنگ رجال و مشاهیر ۱۸۶-۱۸۵/۲.

۴) گنجینه دانشمندان)شریف رازی(، ج ۲، ص ۲۰۶؛ اختران تابناک)محلاتی(، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵) این مسجد عظیم - که در نوع خود بی‌نظیر است و در آن نواحی به سان گوهری‌می‌درخشد - در سال ۱۳۵۰ش ساخته شد. ماده‌تاریخ ساختمان آن را مرحوم حجهٔ‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمدعلی انصاری قمی چنین سروده است:

این مسجد اعظم که درش بر همه باز است

ستوار چو کعبه که در مُلک حجاز است

از همت مردان خدا طی شد و تاریخ

تا روز جزا قبله گه اهل نماز است (۱۳۹۰ق(

علوی، سلیمان

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سلیمان علوی

محل تولد : سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۴/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید سلیمان علوی در سن بزرگ‌سالی پس از معاف شدن از سربازی در سال ۱۳۴۹ به طور رسمی در سبزوار تحصیلات حوزوی را آغاز و در سال ۲۲/۶/۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و ادبیات را از جامع المقدمات آغاز نمودم دروس معمول حوزه سطح را گذراندم سپس درس خارج آغاز و تاکنون شرکت در درس فقه و اصول ادامه دارد.و در سال ۱۳۶۵ در امتحان پایه ۹ قدیم حوزه موفق شدم.

کاری علمی:

مدتی با دایرهٔ المعارف قرآن و دائرهٔ المعارف فقه فارسی حضرت آیت الله حاج سید محمود شاهرودی همکاری داشتم.مدتی در نهاد مقام معظم رهبری به سوالات شرعی دانشجویان پاسخ می‌دادم.همچنین به سوالات اینترنتی مرکز اینترنتی حوزه پاسخ کتبی می‌دادم.از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه آزاد اراک شدم و به عنوان کارشناس از دفتر فرهنگ مشغول و از آن تاریخ تا سال ۱۳۸۰ به تدریس مشغول و نیز از مهرماه سال ۱۳۸۵ دوباره به تدریس متون مشغول شدم.و از سال ۱۳۷۸ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی تهران به طور حق التدریس مشغول تدریس می‌باشم.

تالیف:

تاکنون به لطف الهی موفق کتابی با نام «آوای ملکوتی» تفسیر چهل پیام از زیارت عاشورا تألیف نمایم که در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

علی اکبری، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین علی اکبری

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

به سال ۱۳۳۲ در روستایی به نام تقی آباد، از توابع شهر بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) در خانواده ای مذهبی به جهان دیده

برگشودم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. دوران کودکی را در مهد مهر و محبت مادر و سایه رافت پدر گذراندم و پس از آن برای فراگیری علم و ادب اجتماعی قدم به دبستان نهادم. به لحاظ اینکه در آن زمان بسیاری از روستاهای کشور ما از جمله روستای ما فاقد دبستان بود، هر روزه دوره ابتدایی را از طی مسافت شش کیلومتر، فاصله تا دبستان را در فصل سرما و گرما ناگزیر بودم. پس از پایان مقطع یاد شده مقدّمات ورود به حوزه علمیّه فراهم گردید و علیرغم همه وسوسه ها و موانع با عنایت الهی حدود سال ۱۳۴۵ هجری شمسی به حوزه علمیّه شهرستان بیرجند راه یافتم و ادبیات عرب و اخلاق را در کنار حوزه مقدّسه از محضر استاد فرزانه حضرت آیت الله شیخ جواد عارفی (ره) فرا گرفتم. سرانجام بعد از قریب پنج سال تلمذ با استیذان و مشورت از استاد به منظور ادامه تحصیل عازم شهر مقدس قم گردیده به حوزه مقدّسه قم راه یافتم. البته در آغاز ورود به حوزه مشکل حجره و شهریه وجود داشت که پس از مهمانی یک ماهه در مدرسه فیضیه و موفّقیّت در آزمون خوابگاه، حجره ای در مدرسه مؤمنیه حضرت آیت الله نجفی مرعشی(ره) به بنده و یکی از دوستانم تحویل و مشکل حجره برطرف گردید، چنانکه موضوع شهریه نیز، پس از یک سال کوشش و تلاش و شرکت در آزمون و موفقیت درآن مرتفع شد گر چه به حق در آن یک ساله خدا یار بود و نه تنها در آن ایام بلکه پیش از آن کمک هزینه تحصیل فراهم گردید. حدود پنج سال در مدرسه یاد شده سکونت داشته و هر روز آن را صبح و شام، برای حضور در حوزه های درسی و تلمذ از محضر اساتید، با پای پیاده، مسافت تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) را می پیمودیم و به وقت آمدن به حجره با خستگی از راه و درس و بحث می بایست به تهیه غذا بپردازیم. زیرا بر خلاف این زمان و امکانات آن در آن روزها نه چیزی از آشپز و آشپزخانه در مدارس بود نه از ماشین لباسشویی و غیره. البتّه جد و جهد و تهجد، مباحثه های از پیش مطالعه و جدی حتی گاهی پیش از اذان صبح بود حرم و زیارت شب های جمعه و تشرف به مسجد جمکران با پای پیاده از یاد نرفته ترک نمی شد.

چنانکه امروزه هم برای بسیاری از طلاب حوزه علمیّه بحمد الله آن شور و نشاط و اخلاص و گرایش به تزکیه و طهارت هست. به هر حال در این مقطع تحصیلی، در معانی و بیان از محضر استاد گرانمایه، امین شیرازی، در اصول از اساتید بزرگواری همانند استاد عرفانی و سلیمی و در فقه از محضر اساتیدی همچون استاد گرانقدر فاصل هرندی و عندلیب شیرازی و در منطق نیز از محضر استاد ارزشمند دیگری چون جناب استاد فقیهی بهره وافر بردم. پس از گذر از این مرحله به حوزه فقه و اصول استدلالی راه یافته مکاسب و رسائل را در محضر اساتیدی فرهیخته حضرات آیات سیّد علی محقق داماد و شیخ علی کرباسی فرا گرفتم.

در تفسیر قرآن کریم پای کرسی فرزانه زمان حضرت آیت الله جوادی آملی زانوی ادب زدم و در عرفان و کلام و فلسفه از اساتید کم نظیر و یا بی بدیل فرهیخته ای همچون آیت الله علامه حسن زاده آملی و انصاری شیرازی بهره ها و نکته ها آموختم و به اندیشه و جانم حیات بخشید. و هم اکنون که بیست و ششمین سال از انقلاب شکوهمند اسلامی را پشت سر می گذاریم، می توان گفت بیست و پنجمین سالی است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات، آیت الله العظمی وحید خراسانی، و شیخ جواد تبریزی و برخی دیگر از اساتید حضور داشته و از محضر پر فیض و دانش بی کران آن برجسته فرزانگان عرصه علم و تقوی همواره روح تشنه ام را سیراب می کنم.

شایان ذکر است که در همه مقاطع تحصیلی جز چند سال نخست آن امر مهم تبلیغ را به یاد داشته، ایفای مسئولیت کرده ام همچنان که از حضور در عرصه تحقیق و پژوهش غفلت نورزیده آن را وظیفه ای در راه جبران کاستی های حوزه های علمیّه شیعی و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی جامعه، بلکه جوامع بشری می دانسته ام.

از همین رو است که از سال ۱۳۷۰ فعّالیّت خویش را در این حوزه نیز آغاز کرده، تا سال ۱۳۷۴ به فیش برداری از منابع اوّلیه حول موضوع تاریخ و سیره اهل بیت اشتغال داشته و پس ازآن با عنایات الهی و قرین شدن توفیق، قلم برداشته، ـ هر چند با بضاعت اندکی علمی ـ در پاره ای از موضوعات صفحاتی را به رشته تحریر درآورم.

علیاری تبریزی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۷ -۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛ شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵ ، ۴۱۰ / ۲۴ ، ۶۴ / ۲۱ ، ۲۵۰ / ۱۳ ، ۷۶۰ / ۹ ، ۱۶۰ -۱۵۹ / ۳ ، ۴۹۶ / ۲)، ریحانه (۱۹۳ -۱۹۲ / ۴)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲ -۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹ -۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷ - ۹۶)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علیان

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی

در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم.

در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مدرسه آیة الله گلپایگانی شرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیزشرکت کردم و قبول شدم.

در امتحان رتبه سوم بعد از شرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مدرسه فیضیه بدست دژخیمان شاه دستگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم .

بعد از انقلاب اسلامی با جهاد سازندگی شهرستان فریدن همکاری داشتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تدریس همکاری داشتم بعد از آن مشغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیان، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین علیان

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۷/۲

زندگینامه علمی

در یکی از دهکده های شهرستان فریدن در یک خانواده کارگر متولد شدم و تا کلاس پنجم ابتدائی در آنجا مشغول تحصیل بودم و در سن چهارده سالگی وارد حوزه علمیه نجف آباد اصفهان شدم مقدمات و سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه را به اتمام رسانیدم. و سپس در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم.

در حوزه علمیه قم در امتحان حوزه در رتبه یک در امتحانات مدرسه آیة الله گلپایگانی شرکت کرده و قبول شدم و بعد از دو سال در رتبه دوم نیزشرکت کردم و قبول شدم.

در امتحان رتبه سوم بعد از شرکت در امتحان کتبی در فاجعه مرحله دوم مدرسه فیضیه بدست دژخیمان شاه دستگیر و به زندان اوین در تهران همراه گروه زیادی از طلاب منتقل شدیم .

بعد از انقلاب اسلامی با جهاد سازندگی شهرستان فریدن همکاری داشتم. و همینطور حدود دو سال در تهران با عقیدتی سیاسی ارتش در پادگان لویزان و پادگان حر در تدریس همکاری داشتم بعد از آن مشغول به تحقیقات در رابطه با فقه آل محمد (ص) شدم و تاکنون حدود شانزده جلد کتاب مقاله با هشت مذهب نوشته ام.

علیدوست، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم علیدوست

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالقاسم علیدوست در تاریخ ۱۳۴۰ در شهرستان ابرکوه (از توابع استان یزد) متولد شدم.

در سن هفت سالگی به مدرسه رفتم. دوران دبستان را در پنج سال به پایان رساندم. حدود سه الی چهار ماه قبل از پایان یافتن دوران تحصیل در دبستان شوق عجیبی به طلبه شدن و ورود به حوزه علمیه در من پیدا شد. در تابستان همان سال روزی در عبور از مجلس روضه ای به طور اتفاقی با پدرم در آن مجلس شرکت کردیم. واعظ آن مجلس (مرحوم آقای شیخ علی اسلامی) در پایان سخنرانی اظهار داشت که ما تصمیم داریم در شهرستان ابرکوه حوزه ای تشکیل دهیم. در مدرسه ساده ای که به همین منظور ساخته شد ما با ۲۲ نفر دیگر تحصیل را شروع کردیم. (حوزه علمیه ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به نبود استاد و مدیریت قوی ، عدم مساعدت جو و شرکت برخی افراد بدون ذوق و شناخت، در ادامه از این مجموعه ۱۴ نفر بیرون رفتند و حوزه با ۹ نفر به فعالیت خود ادامه داد. عده ای هم در سال دوم از حوزه بیرون رفتند و در پایان سال دوم ۲ نفر ماندیم. حقیر برای سال تحصیلی ۵۵ -۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه شیراز شدم. در آن جا آیت الله شهید دستغیب (ره) ما را با گرمی پذیرفتند. در مدرسه (ایمانیه) شیراز با مدیریت خود شهید تحصیل را شروع کردم و در درس اخوی ایشان استاد آیت الله سید مهدی دستغیب شرکت کردم. در همان زمان هم نزد حاج آقا سید هاشم (فرزند شهید) در مدرسه حکیم تحصیل می نمودم. با این احوال سال ۱۳۵۵ به شهر مقدس قم مهاجرت کردم. فعالیت سه ساله تحصیلم در ابرکوه و شیراز فقط مرا در سال دوم حوزه علمیه در مدرسه الوندیه از مدارس حضرت آیت الله گلپایگانی نشاند، اما سال ۵۶ -۱۳۵۵ دوم و سوم حوزه و سال بعد چهارم و پنجم و ششم حوزه را جهشی گذراندم. و سه سال مافات گذشته را جبران نمودم. در سال ۵۷ دو جلد شرح لمعه را تمام نمودم و در همان حال ۴۰ تا ۵۰ درصد درسها را خود مطالعه می کردم. دروس رسائل، مکاسب و کفایه را عموما نزد مرحوم آیت الله ستوده تلمذ نمودم و کمی از آن را هم نزد آیات کریمی، جهرمی، و صلواتی گذراندم. که با اتمام سطح همراه بود. سال ۶۰ یا ۶۱ بود که تحصیل دروس خارج را شروع کردم که با ۲ سال درس خصوصی مرحوم آیت الله خاتم یزدی در اصول همراه بود. درس آیات عظام مکارم شیرازی ،

فاضل لنکرانی ، جواد تبریزی و سبحانی را درک و عمده دروس خارج فقه واصول را خدمت حضرت آیت الله استاد وحید خراسانی تلمذ نمودم که ۱۱ سال ادامه داشت. فلسفه را با شرح منظومه سبزواری خدمت آیت الله گرامی و سپس آیت الله انصاری شیرازی و اسفار را نزد علمائی چون مصباح یزدی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، انصاری شیرازی و محمدی گیلانی و نکونام تلمذ نمودم. در همان حال بدایه و نهایه راخودم مطالعه نمودم. ابتدای شروع به تحصیل ، تدریس را در همان مدارس شیراز شروع کردم، یعنی کتابی را که تحصیل می کردم، اوایل آن را تدریس می نمودم. این وضع برایم جذابیت خاصی داشت. بر همین منوال از سال ۶۲ رسما در مدرسه (المهدی) قم – که زیر نظر حضرت آیت الله گلپایگانی (قدس سره) اداره می شد تدریس سیوطی را شروع کردم و این اولین تدریسم به صورت رسمی بود. بعد از آن در مدارس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، رضویه، عترت، معصومیه و . . . درسهای سیوطی، مغنی و عموم کتب سطح را تدریس کرده ام (برخی را ۵ یا ۶ بار) تقریبا ۱۰ سال بعد یعنی سال ۷۱ یا ۷۲ تدریس رسائل را در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی شروع کردم و سپس مکاسب را که تا کنون ۳ دوره تدریس داشته ام. تفسیر را به صورت درس تخصصی از سال ۷۷ در مرکز تخصصی تفسیر شروع نمودم. تدریس خارج اصول را در سال ۱۳۷۵ و خارج فقه را در سال ۱۳۸۲ شروع کردم و تا کنون ادامه دارد.

علیزاده، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین علیزاده

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین علیزاده فرزند حجّت بعد از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه بابل مدرسه خاتم الانبیاء مشغول به درس شدم و بعد از اتمام ادبیّات عرب و منطق و معالم و قسمتی از کتاب مختصر المعانی در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیّه قم مدرسه المهدی زیر نظر آیه الله العظمی گلپایگانی (قده) به مدت سه سال مشغول به درس بودم بعد از اتمام دو جلد لمعه و اصول فقه در درس رسائل حضرت آیت الله اعتمادی شرکت و در فقه مکاسب حضرت آیت الله بنی فضل و کفایه را از محضر آیت الله فاضل و علوی گرگانی استفاده کردم و درس شرح منظومه از محضر حضرت آیت الله گرامی و فلسفه جلد اول اسفار را از محضر حضرت آیت الله جوادی آملی و شرح اشارات را از حضرت علّامه حسن زاده آملی استفاده کردم . در درس خارج از اساتید معظم حوزه همچون حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در دوره اصول و در درس خارج فقه در بحث طهاره حضرت آیت الله العظمی تبریزی و همچنین حدود و قصاص و شهادت را از معظم له بهره مند شدم در رجال از محضر حضرت آیت الله زنجانی استفاده کردم.

در بخشی از الفاظ اصول (خارج) از محضر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بهره مند شدم . در دوره تخصصی تفسیر زیر

نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت کردم و بعد از اتمام و ارائه پایان نامه ، مشغول تحقیق در حوره تفسیر هستم. در ضمن تحصیل و تحقیق همکاری با مؤسسه ولی عصر و مرکز دائره المعارف اسلامی و جامعه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی برای تحقیق و تدریس داشتم و مقالاتی برای کنگره تمدن دانشگاه علّامه طباطبائی و طرحی برای کنگره اخلاق و عرفان حضرت امام (ره) ارسال نمودم

عماد، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی عماد

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و فقه و اصول مقدماتی را در مدسه علمیه رسالت گذراندم در این اثناء بلحاظ ضرورت های انقلاب برای مدتی کوتاه عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران (۱۳۵۸) برضد و عضو مستشار حقوقی (۱۳۵۹) دادگاه انقلاب بیرجند شدم.

سپس تحصیلات حوزوی را در فقه و اصول ادامه دادم در این اثناء به فلسفه و علوم قرآن و تفسیر نیز اهتمام ورزیدم. سال ۱۳۶۴ وارد درس خارج شده و تاکنون نیز به درس و بحث و مطالعه و تحقیق در این رشته می پردازم . چندین سال نیز به عنون تدریس دروس تخصصی گروه علوم قرآن دانشگاه تربیت معلم تبریز به صورت پروازی در دانشکده الهیات آن دانشگاه تدریس داشته ام . مدتی نیز به ضرورت به حوزه مدیریت پژوهش اعم از صف های پژوهش و ستاد پژوهش (معاونت پژوهشی حوزه) سر کسب می کشم.

مهمترین بخش دغدغه های فقهی حقیر گذشته از مطالعه پیرامون سامان یای علوم به چگونگی توسعه و رشد علوم برتر فقه اختصاص می یابد.

طراحی و مطالعه در راستای تدوین کار مجموعه ای فقه القرآن به صورت گسترده وفراگیر نیز بخش قابل توجه مطالعات را در بر می گیرد.

عمادی چاچکامی، کمال الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کمال الدین عمادی چاچکامی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۰ در روستای چایکام از توابع شهرستان ساری متولد شدم دوران ابتدایی در روستای خود و روستاهای همجوار طی کردم، برای ادامه تحصیل به ساری هجرت کردم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۱ وارد دانشکده تربیت معلم در رشته زبان شدم. بعد از مدت ۵ ماه به دلیل علاقه شدید از آن انصراف داده به حوزه علمیه امامیه ساری نزد آیت الله صدوقی مشغول به تحصیل شدم. سال دوم تحصیلی ۱۳۶۲ به قم هجرت نمودم تا سال ۱۳۷۰ مقدمات و سطح را به پایان رساندم از سال ۱۳۷۰ به درس خارج راه یافتم در این مقطع از افاضات آیات عظام صالحی مازندرانی و جوادی آملی و دیگر اساتید بهره بردم به مدت ده سال از خرمن پرفیض اساتید خارج استفاده کردم در این مدت تحقیقات مهم فقهی زیر نظر استادم انجام دادم که مورد عنایت استادم قرار گرفت.در رشته فلسفه ابتدا بدایهٔ الحکمهٔ را نزد آیت الله ممدوحی کرمانشاهی خواندم. سپس منظومه منطق و حکمت را نزد آیت الله طاهری مازندرانی خوانده و در پایان در درس اسفار حکیم عالی‌قدر جوادی آملی شرکت نمودم که بیش از ۲ سال موفق به ادامه آن نشدم. درس عرفان را با اشاره حکیم متاله عارف بزرگ حسن‌زاده آملی آغاز نمودم با آنکه مقدمات را نخوانده بودم به تشخیص استاد در درس مصباح الانس ایشان شرکت نمودم که به مدت دو سال فیض برده‌ام. سپس به دلیل بیماری استاد به امر ایشان نوار درس فصوص را پیگیری نمودم.از ابتدای ورود به حوزه مقدس قم علاقه به تحقیق و نوشن داشتم. لذا در موضوعات گوناگون تحقیقاتی انجام داده‌ام که برخی از آنها چاپ و برخی به صورت مقاله در همایش‌های علمی ارائه گردیده است که لیست تفصیلی آن در ص ۸ ارائه گردیده است.به دلیل شرکت فعال در درس خارج حضرت استاد آیت الله صالحی مازندرانی و تالیف مقالات علمی متعدد زیر نظر آن استاد به دریافت گواهی اجتهاد در سال ۱۳۷۴ نائل شده‌ام.اکنون بیشتر اوقات سرگرم تحقیقات قرآنی و فقهی و کلامی هستم در ضمن تحصیل به تدریس دانشگاهی و همچنین علوم حوزوی پرداختم. کتاب بدایه الحکمه برای جمعی از طلاب دو دوره تدریس نمودم و همچنین کتاب اصول الفقه و مکاسب محرمه شیخ انصاری برای برخی از طلاب تدریس کرده‌ام.

عمومی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد عمومی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد:۱۳۴۳ دیپلم:۱۳۶۱ ورود به دانشگاه:۱۳۶۲ و ۲ سال تحصیل رشته ریاضی کاربردی دانشگاه صنعتی اصفهان تحصیل دروس حوزوی به صورت متفرقه از سال ۱۳۶۱ اشتغال رسمی به دروس حوزه از سال ۱۳۶۴ اشتغال به خارج فقه و اصول از سال ۱۳۷۱ در اصفهان هجرت به قم در سال ۱۳۷۴ تحصیل در رشته تخصصی فقه و اصول در موسسه بقیه الله از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ بیش از ۱۸ سال سابقه تدریس در حوزه همکاری علمی پژوهشی با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه از سال ۱۳۸۰همکاری علمی با پژوهشکده باقرالعلوم(ع) تدریس در برخی از موسسات آموزش عالی و بیش از ۱۳ سال حضور تبلیغی در دانشگاهها موفقیت در آزمون علمی شورای نگهبان برای انتخابات خبرگان و در سال ۱۳۸۵ همکاری علمی و هنری با صدا و سیما در تهیه برنامه های قرآنی را دارم

عمیدی سمرقندی، رکن الدین، ابوحامد محمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۶۱۵ ق)، متکلم، اصولی و فقیه حنفی. وی در علم خلاف و مناظره ماهر بود و در مباحثه روشی مشهور داشت. او یکی از چهار تن شاگردان معروف رضی‌الدین نیشابوری است که شهرت بسیار داشتند. نظام‌الدین احمد ابن شیخ جمال‌الدین محمود حصیری از شاگردان و ملازمان اوست. گفته‌اند که او دارای حسن اخلاق و تواضع بسیار بود. وی در بخارا درگذشت. از آثارش: «الجست»؛ کتاب «الارشاد»، در علم خلاف و جدل، که گروهی از جمله: قاضی دمشق، شمس‌الدین احمد خویی، و بدرالدین مراغی و اوحدالدین دونی و نجم‌الدین و ابن‌مرندی به شرح آن پرداخته‌اند؛ «الطریقه فی الخلاف و الجدل» یا «الطریقه العمیدیه»؛ «النفائس»،در جدل، که قاضی شمس‌الدین خوبی آن را مختصر کرد و «عرائس النفائس» نامید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :سیر النبلاء (۹۸ -۹۷، ۷۷ -۷۶ / ۲۲)، شذرات الذهب (۶۴ / ۵)، العبر (۱۶۷ / ۳)، کشف الظنون (۱۹۶۶، ۱۱۱۳، ۶۹)، معجم المؤلفین (۲۸۷ / ۱۱).

عیسی نیا، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا عیسی نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

رضا عیس نیا،فرزند در مهر ۱۳۴۳ از شهرستان رودسر استان گیلان،در روستای قاسم آباد سفلی واقع در چند کیلومتری دریای خزر و جنگل های گیلان،در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم و در دامن پدر و مادری زحمت کش و پرتلاش و کشاورز و مسلمان مسئول،تربیت یافتم؛دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای قاسم آباد سفلی شروع کرده و مدرک ابتدایی را با معدل ۵۲/۱۵ و راهنمایی را با ۱۷ در خرداماه به پایان رسانیده و پس از اتمام تحصیلات دوره راهنمایی برای ادامه تحصیل به خاطر فقر اقتصادی خانواده و تبلیغات زیاد مرکز آموزش کشاورزی در اذهان کشاورزان به رشته کشاورزی پرداختم. دبیرستان را که از سال های ۵۷ تا ۶۱-۶۰ که دوران انقلاب و جنگ بود،را با معدل ۸۸/۱۷ به پایان رساندم و با حضور در جبهه های جنگ بمدت ۱۴ ماه و آشنایی با طلبه های جوان با دعوت آنها مسافرتی به قم کردم که در این سفر بود(سال ۶۲)که تشویق به علم آموزی در حوزه های علمیه شدم مصادف با این پیشنهاد در سطح کشور اعلام شد که حوزه علمیه قم از میان فارغ التحصیلان در مقطع دیپلم طلبه جهت تربیت کادر قضایی می پذیرد بنابر این در امتحان ورودی حوزه علمیه قم جهت گذراندن دوره قضاوت که ۶ سال پیش بینی شده بود شرکت کردیم و از میان داوطبان ۳۰۰ نفر برگزیده شدیم اما متاسفانه پس از چند ماه تحصیل در مدرسه رضویه مسئولین حوزه علمیه اعلام کردند که به خاطر مشکلاتی قادر به ادامه کار خود جهت پرورش قضات نیستند بنابراین پذیرفته شدگان در صورت تمایل می توانند دروس حوزوی را ادامه دهند لذا کسانی که مایل نبودند انصراف دادند،اما بنده دروس مقدمات تا لمعه را در مدرسه رضویه و المهدی به پایان رسانده و در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه باقر العلوم(ع) قم شده و در کنار دروس حوزوی به تحصیل در رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی پرداخته و این دوره را با معدل ۸/۱۶ به پایان رسانده و سپس کارشناسی ارشد را هم با معدل ۲۶/۱۶ و با ارائه پایان نامه«دو دوره تجربه نواندیشی و نوسازس سیاسی در ایران» با نمره الف، به پایان رساندم پس از فارغ التحصیل شدن در مقطع کارشناسی ارشد با مدرک ۵ سال حضور در درس خارج فقه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پذیرش در گزینش اساتید قم،برای تدریس دروس عمومی (انقلاب اسلامی)وارد دانشگاه شدم. در کنار تدریس در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی مشغول کارهای تحقیقاتی می باشم.

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای

مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکره القبور (۲۸۷ -۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴، ۱۰۸۳ - ۱۰۸۱، ۲۴۷ / ۹، ۱۸۷، ۱۴۸ / ۶، ۴۸۳، ۲۷۱ / ۱)، ریحانه (۹۳ - ۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷ -۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲ -۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱ -۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷-۷۲۶ / ۲).

غروی بروجردی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۴ -۱۲۷۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در بروجرد به دنیا آمد. مدقمات و سطوح را از استادان همان شهر فراگرفت. بعد از ۱۳۰۰ ق برای تکمیل تحصیلات خود به عراق رفت و در سامراء در محضر درس میرزای بزرگ شیرازی شرکت کرد. او همچنین از بزرگان حوزه‌ی سامراء به ویژه آیت‌الله سید محمد اصفهانی فشارکی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی نهایت استفاده را برد. در ۱۳۱۲ ق پس از وفات میرزای بزرگ شیرازی به نجف رفت و در بحث آخوند خراسانی شرکت کرد، تا این که یکی از شاگردان مبرز ایشان شد. او همچنین از آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی نیز بهره برد. غروی بر اثر کسالت به ایران بازگشت و مدتی در تهران به معالجه پرداخت. سپس در بروجرد ساکن شد و زعامت امور دینی مردم آنجا را بر عهده گرفت. او مدت یکسال و چند ماه نیز در مشهد رضوی به تدریس مشغول گشت، اما همان بیماری او را ناچار به بازگشت به تهران و سپس به بروجرد نمود. آقا ابوتراب شیخ الاسلامی و آقا سید ابوالحسن قدغونی و حاج سید ابوالفضل مجاهدی و شیخ حسن کمره‌ای خاتمی و شیخ محمد رضا خاتمی و سید محسن شریعتمداری و شیخ محمود جبرئیلی و بسیاری دیگر از شاگردان وی بودند. او در بروجرد درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در قبرستا نو دفن شد.از آثار وی: مجموعه‌ای در «اخلاق»، در شرح صفات و فضائل یک انسان نمونه و حقیقی، متشمل بر نظرات فلاسفه‌ی شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر و کلمات بزرگان و آیات و اخبار وارده؛ مجموعه‌ای در «فقه استدلالی»، شامل معارف فقهی با ذکر فتاوای علمای مذاهب مختلف؛ مجموعه‌ای در «شرح مصائب سیدالشهداء (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (۵۷۶ -۵۶۱ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۶ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۹۳ / ۳).

غروی تبریزی، میرزا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شهیـد آیةالله العظمی میرزا علی غروی تبریزی سال ۱۳۰۵شمسـی در خانواده ای متدین وتجارت پیشه در شهر پرآوازه تبریز چشم به جهان گشود دو ساله بود که غبار دردناك یتیمی برسرش فرو نشست وبدین ترتیب اولین جام بلا را درمیدان زندگی سرکشید.

در شـش سالگی به فرا گیری علوم دینی روی آورد ومقدمات را در آنجاگذراند سـپس رحل سـفر را در قم افکند تا در اقیانوس بی کران علم ودانش گوهر کمیـاب اجتهـاد را صـید کنـد ووجود فرشـی اش را به عطر دلربای کلام معصوم عرشـی نمایـد. چنـدی بعد بـاکوله بـاری از علوم اکتسـابی از فقیهـانی همچون حضـرات آیـات بروجردی حجت کوه کمره ای خوانسـاری وشاهرودی از قم به نجف کوچید تا بابهره گیری از حلقه های درس آیةالله العظمی خوئی وشـیخ حسین حلی ومحمد باقر زنجانی روح کمال جویش را کمی آرام کند اما او که نیلوفر جان را به دور عمود ایستادگی بالا می برد آنگاه که ذرات درخشان خورشید راستی و حقیقت را در حریم امیرالمومنین ع در آغوش کشـید دریافت که در وادی عشق راحتی نیست. لذا پس از درگذشت استادش آیةالله العظمی خوئی بر کرسـی تـدریس می نشـیند وبـا شوقی وصف ناپـذیر ونظمی کم نظیر به تـدریس وتـالیف وتحقیق می پردازد تـا اینکه طلاب بی شماری که از کوثر کلام گهر بارش سـیراب شده بودند اوراچون نگینی ارزشـمند در برمی گیرند. عالمی که در نظم وترتیب زبانزد همگان بود وهیچگاه مطالعه وعبادت واقامه نماز در حرم امیرالمومنین ع وپاسخ به اسـتفتائات اورااز رسیدگی به امورمردم غافل نمی کرد. نجوای زیارت عاشورا بر لبهای حق گویش آن هم درهر صـباح شـعله های عشق رادر دلش روز به روز فروزان تر می کرد وبر افروختگی صورتش رازیباوزیباتر می کرد. او جان رابه زیارت مولا ومقتـدایش آقا حسـین بن علی ع پرواز داده ودل در کمند گنبد نورانی وحرمی پر حرمت وضریحی که مهبط پر نشاط ملائکه است بسته بود. چه بسیار لیالی جمعه ای که در جستجوی پرنده زیبای شهـادت رهسـپار کعبه دلهـا می شـد تـادر قنـوتی عارفـانه شـهادت را به میهمـانی دسـتهایش فرا خوانـد. سـرانجام در شامگـاه جمعه ۲۹خرداد ۱۳۷۷ش ۲۴صفر ۱۴۱۹ق دررجوع از زیارت آن حرم باصفا گلوله ای آتشین فراق جانکاه را به وصال دلربا مبدل می کند وعطر وصال را به مشام جان بیـدارش می رساند وهمراه با داماد وراننده اش باغروری بهت آور به اسـتقبال شـهادت می روند تازنده بودن را برای همیشه تفسیر کنند.

غروی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد غروی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد غروی در سال ۱۳۲۹ در تهران در خانواده‌ای از سلسـلهٔ جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمـد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام(ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلیـد بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشـد و به تـدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازنـد. غروی تحصـیلات حوزوی

خود را در تهران در مدرسهٔ حاج ملا محمد جعفر که به مدرسهٔ آقای مجتهدی معروف است در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجستهٔ حوزهٔ علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعّال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجستهٔ حوزه بشمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی وحاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتا خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزهٔ علمیه قم در سال ۴۸ باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی(ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.

با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید.او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نهایة الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفهٔ غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت‌الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت،و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (۱۳۴۸ ـ ۱۳۴۱) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول ، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی(ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی(ره) دارای تدریس است.

ایشان در سال ۵۴ ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اوّلین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفهٔ و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذراند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیّت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال ۱۳۶۱ که به امر حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (۱۰) اثر ارزشمند در زمینهٔ روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو

جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (۲۰) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال ۶۰ تا ۷۹ یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح ۳ و ۴ بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی(ره) را بعهده دارد. از مسؤولیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غرویان، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن غرویان

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۵۸ رسما شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی

به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کناراشتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زبانداان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زبانداان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است. محسن غرویان یکی از داوران و صاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی – اعتقادی می کند و با شماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزنوی کاشانی، جمال‌الدین احمد

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۵۹۳ ق)، فقیه و اصولی حنفی. از علمای قرن ششم بود که در حلب درگذشت. از آثارش: «روضه اختلاف العلماء»، در اصول فقه؛ «المقدمه الغزنویه» یا «المقدمه المختصره»، در فروع فقه حنفی؛ «روضه المتکلمین فی اصول‌الدین»، در کلام؛ «مختصر روضه المتکلمین»؛ «عقائد الغزنوی»؛ کتاب «الاصول»، در فقه؛ «الحاوی القدسی»، در فروع؛ «النتف فی الفتاوی».[۱]

(ع. منسوب به غزنه: غزنی: غزنین) احمد بن محمد بن سعید، فقیه و اصولی (ف. حلب ۵۹۳ ه.ق/ ۱۱۹۷ م.). او راست: روضهٔ اختلاف الفقهاء، المقدمهٔ المختصرهٔ در فقه، روضهٔالمتکلمین در اصول دین.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۰۹ / ۱)، ایضاح المکنون (۵۷۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۳۸، ۱۸۰۳– ۱۸۰۲، ۹۳۲)، معجم المؤلفین (۱۵۶ / ۲).

غفرانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد غفرانی

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۶/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمد غفرانی فرزند خیرالحاج جناب آقای حاج حسین غفرانی از معتمدین شهر خرم آباد کرالان مجاور حضرت رضا(ع) هستند در سال ۶۳ عازم شهر مقدس قم شده تا در جوار حرم حضرت معصومه (س) و حوزه کریمه علمیه به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزم. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه الهادی تحت اشراف حضرت آیهٔ الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری آغاز کردم. به لحاظ نظارت آیهٔ الله مشکینی بر مدرسه زمینه ارتباط بیشتر با ایشان میسر شده و حضرت آیهٔ الله مشکینی حفظه الله کفایت اخلاقی را نیز از مدّنظر نمی گذرانند و تذاکراتی در خلال ارتباط بیان می فرمودند و می توان گفت ایشان استاد اخلاق سالیان ابتدای تحصیل اینجانب است. کتب سطح را نزد عالمان دینی از جمله استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام ابوالقاسم علی دوست ، استاد عالی قدر حجهٔ الاسلام علی نکونام، استاد عالی قدر جناب حجهٔالاسلام حاج آقا موسوی تهرانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام فتوحی همدانی، آیهٔ الله استاد عراقچی همدانی، جناب استاد حجهٔ الاسلام هادوی تهرانی به پایان رسانده و درس حدیث شناسی را نزد آیهٔ الله احمدی یزدی و کتب خارج خمس و حج را نزد آیهٔ الله سبحانی و کتب مکاسب ، و حج مختصراً نزد آیهٔ الله گرامی و کتاب قضا و تکمله قضاء را نزد آقایان آیهٔالله سبحانی و گرامی فراگرفتم.در خلال تحصیل پاره ای از کتب مقدماتی و تفسیر را نیز به جمعی از دوستان منتقل کردم.

از جمله علاقه ای که در طول تحصیل داشتم، پژوهش و تحقیق و نوشتن مقالات بود که این امر منجر به تدوین جزوات احکام که قابل تدریس است گردید. در این میان مقالاتی اخلاقی و حقوقی و اعتقادی از سال ۷۴ تا به حال به رشته تحریر در آمد و در رسانه های کثیرالانتشار چاپ گردید. این مهم با همکاری مرکز پژوهشها و مطالعات حوزه علمیه قم صورت گرفته است. از دیگر فعالیتهای علمی ، همکاری با شبکه سراسری رادیو معارف است که از سال ۸۱ تا به حال ادامه دارد و در برنامه مشکاهٔ هدایت به عنوان کارشناس به تکلیف خود عمل می کنم. تدریس البته الفیه ابن مالک از دیگر کارهای ماندگار است که برای سایت بنیان انجام گرفت. همکاری با سایت اندیشه وابسته به حوزه علمیه قم نیز از دیگر فعالیتها است. مرکز جهانی علوم اسلامی نیز به لحاظ تکمیل بانک سؤالات و نیز ارزیابی طلاب سطح ۲ به عنوان کارشناس جلساتی دعوت نموده که در این جا نیز به اداء تکلیف اقدام شده است.از دیگر خدمات علمی حضور در حوزه علمیه کوتاه مدت است که از سال ۸۱ تا ۸۵ به عنوان استاد ادبیات اشتغال داشتم. و در این مدت مدیر گروه علمی ادبیات بودم. و عضو شورای عالی حوزه علمیه کوتاه مدت از سال ۸۵ به عنوان کارشناس فقه مرکز پاسخ گویی تلفنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به اداء تکلیف مبادرت می ورزم. مدارسی که به عنوان استاد تدریس داشته ام مدرسه سفیدان، الهادی، معصومیه است.

غفوری، حبیب الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حبیب الله غفوری بارجینی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حبیب الله غفوری بارجینی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۴۸۷ و متولد سال ۱۳۴۱ دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای بارجین و فیروز آباد میبد به انجام رساندم و از مهرماه ۱۳۵۶ ش در مدرسه قدیری قم که شعبه شماره ۲ مدرسه کرمانیها محسوب می شد شروع به تحصیل علوم دینی نمودم در حالیکه نوجوانی بیش نبودم دروس حوزه را به همراه جریانات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گذراندم که شرح آن مفصل است تا سال ۷۱ به درس و بحث در حوزه علمیه قم مشغول بودم که در ضمن آن آموزش نظامی ، زبانهای عربی و انگلیسی و دوره دبیرستان را نیز به انجام رساندم. از سال ۷۱ تاکنون توفیق داشته ام مراکز متعدد و مهم علمی را تاسیس و اداره نمواه ام که بحمدالله ثمره آن دهها طلبه فاضل و توانمند است.

در این مدت کتب حوزوی را تا سائل و مکاسب تدریس نموده ام و دروس اعتقادات و اخلاق دانشگاه را نیز بارها تدریس کرده ام و زبان انگلیسی دبیرستان را نیز در این دوره تدریس نموده ام. با توجه به اصرار رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تحول در نظام آموزشی حوزه های علمیه کشور نمظام آموزشی خاص حوزه ها بر اساس دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری را با همکاری جمعی از دوستان فاضل و دلسوز طراحی و در مدرسه علمیه علوی قم اجرا نمودیم که بحمدالله ثمره آن تربیت دهها نفر طلبه فاضل و پژوهشگر شده است که امید آینده حوزه علمیه قم می باشند.علیرغم عنایت الهی در داشتن قلمی روان که اساتید معظم همواره مشوق اینجانب بوده اند به علت اشتغال زیاد در امور مدیریتی و اجرایی متاسفانه تاکنون نتوانسته ام از آن بهره مطلوبی ببرم و حاصل کارهای پژوهشی متفرقه اینجانب تعدادی مقاله ، جزوه و ۲ کتاب در دست تالیف است که به صورت نیمه کاره مانده است.

غلام جمشیدی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق غلام جمشیدی

محل تولد : دماوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق غلام جمشیدی در سال ۱۳۴۰ درخانواده ای متدین، دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و متوسطه را در زادگاهم شهرستان دماوند با موفقیت سپری کردم. پس از آن به خاطر عشق فراوان به ذی طلبگی، تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه تهران و مدرسه آیت الله مجتهدی شدم. در محضر اساتید تهران، مخصوصاً آیت الله مجتهدی بهره های علمی و اخلاقی فراوان بردم، شوق زیارت آستان ملکوتی بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه سلام الله از یک سو و کسب تحصیلات بالاتر از سوی دیگر مرا به قم کشاند.

البته ذکر این نکته لازم است که سال ورودم به حوزه علمیه سال ۵۴ بود سالی که استبداد رژیم شاهنشاهی بیداد می کرد، حوزه های علمیه در فشار و اختناق شدید از سوی حکومت بودند اما تنها چیزی که مرا به این سمت کشاند شوق فراوان به دروس دینی بود. مدتی که در قم بودم از محضر بزرگان حوزه علمیه قم آیت الله وحید خراسانی، میزرای تبریزی و فاضل لنکرانی بهره های فراوان بردم. و هم اکنون در تهران مشغول به پژوهش و تدریس در دانشگاههای مختلف تهران هستم که حاصل این زحمات پرورش دانشجویان فراوانی می‌باشد.

فارسی مهر، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی فارسی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ دیپلم ریاضی در تهران گرفته در همان سال در دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی بابلسر در رشته اقتصاد قبول شدم . بعد از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها به سپاه پاسدارن پیوستم . در سال ۱۳۶۱ در تهران طلبه شدم و در سال ۱۳۶۳ به قم آمدم، مقدمات و سطح را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از دروس آقای مکارم شیرازی استفاده کردم و چند سال نیز از درس خارج فقه آقای جوادی آملی و آقای سید محمود هاشمی بهره بردم . در حال حاضر قدرت استنباط از دلائل شرعی را دارم . در سال ۱۳۶۲ کتاب جامع المقدمات را اصلاح و نو نویسی و زیبا کاری کردیم که چاپ شد و تا چاپ ششم هم رفت . و سپس کتاب تجارب و نکات تبلیغی را نوشتم که حاوی تجربیات تبلیغی خود و مبلغین دیگر بود، چون هیچ کس نبود که اشتباه کاریها و قدرتهای تبلیغی آقایان مبلغین را به دیگران منتقل کند . سپس تجارب مبلغان هنرمند را نوشتم و بعد روش مدیریت و تبلیغ در مناطق تسنن را نوشتم زیرا مناطق تسنن، نیازها و مشکلات و ساز و کارهای دیگری را میطلبد . در زمینه معالجات پزشکی از راه طبیعت

تجربیات خوبی دارم، در زمینه روان شناسی به اذن خدا کارآمدی بالایی دارم، در زمینه عرفان عملی هم می توانم نیازمندیها را اشباع کنم . کتابهایی که در حال حاضر نیمه تمام دارم در زمینه نماز و عرفان عملی و تجربیات پزشکی و تجربیات روان شناسی و ... می باشد.

فاضل ایروانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و مجتهد. اصلش از ایروان بود. در چهارده سالگی وارد کربلا شد و چهار سال نزد صاحب «ضوابط» تلمذ نمود. سپس به نجف مهاجرت کرد و در محضر صاحبان «جواهر» و «انوار الفقاهه» شاگردی کرد، و بعدها از محضر شیخ انصاری استفاده بسیار نمود و بعد از ایشان و علامه کوه‌کمری در ۱۲۹۹ ق به تدریس و تألیف مشغول شد و مرجع تقلید گشت. ریاست دینی و شهرت فراگیرش در ایران و روسیه و ترکیه و هند سبب شد تا عالمان بزرگی بر گردش جمع شده و در محضرش شاگردی نمایند. وی در مدرسه‌ی معروف خودش در نجف اشرف دفن شد. از او تألیفات و رسائل بسیار در فقه و اصول باقی مانده است. از آثار وی: تعلیقه بر «رسائل» استادش، علامه انصاری؛ حاشیه بر «قواعد»؛ حاشیه بر «تفسیر» بیضاوی؛ «رساله‌ی عملیه»، فارسی، در جمیع فقه، مجلد اول در عبادات و دوم در معاملات؛ رساله‌ای در «اجتماع الامر و النهی»؛ «المکاسب المحرمه»؛ کتاب «البیع» استدلالی؛ «اصول الفقه»؛ «الاجتهاد و التقلید»؛ «الاجزاء»؛ «الاستصحاب»؛ «اصاله البرائه»؛ «التعادل و التراجیح»؛ «حجیه المظنه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۰ / ۹)، الذریعه (۱۵۱ / ۲۲، ۶۲ / ۱۵، ۲۱۸، ۳۰ / ۱۱، ۲۷۸، ۱۷۳، ۴۳ / ۶، ۲۰۴ / ۴، ۱۹۲ / ۳، ۲۰۹، ۱۱۵، ۲۵ / ۲، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۶۸ / ۱)، ریحانه (۲۷۸/ ۴)، علماء معاصرین (۲۲ –۲۱)، فوائد الرضویه (۶۰۱)، الکنی و الالقاب (۹–۸ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل ایروانی)، المآثر و الآثار (۱۵۲)، معجم المؤلفین (۱۹۷ / ۱۱).

فاضل قندهاری، عبدالله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ / ۱۳۱۱ –۱۲۲۷ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، ریاضیدان، مدرس و شاعر، متخلص به وصال. اصلش از قندهار و سکونتش در مشهد بود. نزد پدرش ملا نجم‌الدین که از علمای معروف افغانستان و از مراجع آن دیار بود، مشغول به تحصیل گردید و علوم گوناگون از قبیل تفسیر، حدیث، اصول، فقه، کلام، حکمت و اخبار را در نزد وی آموخت، تا به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از وی نایل شد. سپس در محضر حاج سید محمد باقر اصفهانی شفتی معروف به حجه‌الاسلام حاضر شد. پس از آن به نجف رفت و در سلک شاگردان شیخ انصاری درآمد. در بازگشت به ایران در مشهد ساکن شد. او در ۱۲۵۷ ق پس از اشغال قندهار توسط نیروهای انگلیس به کابل رفت و توانست اتحادی بین فرقه‌های شیعه و سنی ساکن آنجا پدید آورد و بر ضد انگلیسی‌ها قیامی تدارک کند. در ۱۲۷۱ ق به مشهد بازگشت و تا آخر عمر در آنجا زیست و به عنوان مرجعی بزرگ و مدرسی

توانا کرسی تدریس فقه و اصول و حدیث و تفسیر و کلام و عقاید و حکمت و تاریخ و ادبیات را اداره و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. نامبرده علاوه بر این که جامع معقول و منقول بوده، طبع شعر نیز داشته است. در اوایل مهجور تخلص می‌کرد و در اواخر وصال را برای تخلص خویش برگزید. در ده سال آخر عمر زمین‌گیر شد. او در دارالضیافه آستان رضوی مدفون است. از آثار وی: «حل العقال فی خلق الاعمال»؛ «الفرائد البهیه»،در شرح «العقاید» شیخ بهائی؛ «محل الطرف فی علم الصرف»؛ «الهدایه فی تفسیر آیه الولایه»؛ شرح «مشکاه الانوار»؛ «البرهان فی قطع شبه الشیطان» یا رساله‌ی «برهانیه»، در کلام؛ ترجمه‌ی «تفسیر العسکری (ع)»؛ «تحریر الاصول»، در اصول فقه؛ «تذکره العلماء»؛ «دلاله السالکین فی قواعد العارفین»؛ «کشف الغطاء عن مسئله البداء»؛ «خوان الوان»، در متفرقات، به سبک کشکول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۸۷ / ۸)، الذریعه (۱۸۷ / ۲۵، ۴۵ / ۱۸، ۲۸۵ / ۱۷، ۱۳۴- ۱۳۳ / ۱۶، ۲۵۵/ ۸، ۲۷۵- ۲۷۴، ۷۱ / ۷، ۹۰-۸۹ / ۴، ۳۷۹، ۹۰ / ۳)، ریحانه (۳۲۱ -۳۲۰ / ۶)، شرح حال رجال (۱۴۶ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۱۹ -۱۲۱۸ / ۱۴)، مکارم الآثار (۸۵۰ -۸۴۶ / ۳).

فاضل لنکرانی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق با ۱۳۴۹ قمری و ۱۹۳۱ میلادی در شهر قم دیده به جهان گشود. او تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه قم سپری کرد و در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . آیت الله لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است . ایشان در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفتند.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیوالدین و انساب : نام پدر محمد فاضل لنکرانی، عبدالله می باشد.آیت‌الله عبدالله فاضل لنکرانی مجتهد بود.وی با دختر آیت الله سیدعباس فیض برقعی ازدواج کرد که حاصل آن ۴ پسر و ۵ دختر بود و محمد فاضل موحدی لنکرانی چهارمین فرزند او بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد فاضل لنکرانی از اساتید و علمای حوزه علمیه قم به شمار می آمد. او در حوزه علمیه قم تحصیلات دینی را پی گرفت . تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد فاضل لنکرانی دوره‌ی ابتدایی را در قم گذراند. پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به دلیل علاقه به دروس دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت ودر مدرسه‌ی فیضیه به تحصیل علوم دینی پرداخت.وی قسمتی از مطوّل و بخشی از شرح لمعه را نزد آیت‌الله حسنعلی منتظری و قسمتی دیگر را نزد شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی خواند، رسایل و مکاسب را نزد چند تن از اساتید حوزه چون، پدرش آیت‌الله فاضل موحدی، آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد جبل عاملی سدهی و آیت‌الله شیخ مرتضی حائری بهره برد. آیت‌الله لنکرانی به دلیل شور و علاقه به تحصیل علوم دینی در زمان کوتاهی دوره‌های ادبیات عربی و سطوح را که معمولاً طلاب دیگردر ۸ یا ۹ سال به پایان می‌رسانند در مدت ۶ سال گذراند، لذا در سن ۱۹ سالگی وارد آخرین مرحله‌ی تحصیلات حوزوی یعنی درس خارج فقه گردید.پس از تشکیل کلاسهای آیت‌الله بروجردی در قم، وی در درس خارج فقه ایشان شرکت جست و این درحالی بود که هنوز قسمتی از کفایه را به اتمام نرسانده بود . به این دلیل صبح‌ها اول وقت در مسجد عشقعلی دروس کفایه را نزد آقا شیخ عبدالجواد می‌خواند و پس از پایان درس همراه استاد در درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کردو از جوانترین

شاگردان استاد بود. پس ازتشکیل کلاسهای درس اصول امام خمینی، آیت‌الله لنکرانی از همان ابتدا در کلاسهای ایشان حاضر شده و هر روز دو نوبت در درس امام شرکت کرده و مباحث اجتهاد و تقلید را به طور کامل با ایشان گذراند. مبحث طهارت در فقه را نیز نزد امام فراگرفت و مطالب دروس امام را نیز تقریر می‌کرد. فاضل لنکرانی خیلی زود به درجه اجتهاد رسید. در زمان حیات آیت‌الله بروجردی و سالهای مرجعیت ایشان به تقلید از وی پرداخت. در ۲۵ سالگی به اجتهاد رسید و این امر مورد تأیید آیت‌الله بروجردی قرار گرفت. پس از وفات آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۰ ش. وی در سن ۳۰ سالگی به استنباط خود مسایل دینی را اجتهاد می‌کرد. ایشان علاوه بر دروس فقه و اصول، در درسهای فلسفه و حکمت علامه طباطبایی نیز شرکت جسته و قسمتی از مباحث منظومه سبزواری و کتاب اسفار ملاصدرای شیرازی را از ایشان آموخت.استادان و مربیان : از استادان محمدفاضل لنکرانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: استاد آیت الله عبدالله فاضل موحدی لنکرانی(پدرشان) استاد آیت الله حسنعلی منتظری شیخ اسدالله نوراللهی نجف آبادی علامه طباطبایی شیخ عبدالجواد جبل عاملی آیت الله بروجردی هم دوره ای ها و همکاران : . از هم مباحثه‌ایهای محمدفاضل لنکرانی در مدرسه فیضیه حاج سیدمصطفی خمینی بود که نقش مهمی در پیشرفت علمی ایشان داشت.زمان و علت فوت : محمد فاضل لنکرانی سرانجام پس از مدتی عارضه‌ی قلبی در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفت و پیکر آن مرحوم روز ۲۸ خرداد مصادف با شهادت حضرت زهرا (س) طی تشییع جنازه‌ی باشکوهی در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد فاضل لنکرانی پس از انقلاب اسلامی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و بیش از ده سال ریاست عالی شورای مدیریت حوزه علمیه قم را عهده دار بود . وی از همان ابتدای مبارزات امام خمینی در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش از اقدامات ایشان حمایت می‌کرد و به عنوان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شناخته گردید. این تشکل روحانیون سیاسی در موارد مختلف به حمایت از امام خمینی پرداخت. او درحمایت از نهضت امام خمینی در اکثر اعلامیه‌هایی که در این باره منتشر می‌شد مشارکت داشت و در این رابطه چند بار توسط ساواک دستگیر و سپس تبعید شد. ابتدا چهار ماه دوران تبعید را در بندر لنگه با تحمل رنج و ناراحتی بسیار گذراند، و پس از آن به مدت دو سال و نیم به یزد تبعید شد. وی در آن شهر با آیت‌الله صدوقی آشنا گردید و با کمک آیت‌الله صدوقی به طور مخفیانه با مردم یزد دیدار داشته ودر روشنگری مردم نقش فعالی ایفا نمود. فاضل لنکرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدتی مسئولیت دادگاه انقلاب شهرستان قم را به امر امام خمینی بر عهده گرفت. سپس به عنوان نماینده‌ی استان مرکزی ر نخستین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری حضور یافت. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی کمتر به فعالیتهای سیاسی روی آورد و بیشتر هم خود را به تقویت نهاد حوزه پرداخت، لذا در ارتباط با مراجع تقلید به عنوان ارشد شورای مدیریت حوزه علمیه قم مطرح شد و به مدت ده سال ریاست عالی این شورا را بر عهده داشت. پس از رحلت آیت‌الله اراکی به عنوان مرجع اعلم، جامعه روحانیت مبارز او را به عنوان یکی از سه مرجع مسلم تقلید در کنار آیت الله خامنه‌ای و میرزا جوادتبریزی معرفی کرد. همچنین جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ایشان را در زمره‌ی هفت مرجع پیشنهادی خود به مردم معرفی کرد. آیت‌الله لنکرانی پس از این فقط در جایگاه مرجعیت تقلید قرار گرفت و تدریس حوزوی را در فعالیتهای خود قرار داد و دیگر در مدیریت حوزه و فعالیت جامعه مدرسین نقشی ایفا نکرد.فعالیتهای آموزشی : محمدفاضل لنکرانی در نخستین سالهای تحصیل در حوزه‌ی علمیه قم، در سالهای سوم و چهارم، زمانی که هنوز شانزده سال نداشت، ضمن تحصیل، تدریس نیز می‌کرد.نخستین تدریس وی مربوط به کتاب حاشیه‌ی ملاعبدالله و معالم بود. بعدها شرح لمعه را شروع کرد و طلبه‌های بیشتری در درس وی حاضر می‌شدند. او لمعه را در دو دوره و کتاب ارث را در سه دوره تدریس کرد. سپس به تدریس رسائل و مکاسب مشغول شد. مکاسب را پنج دوره و کفایهٔالاصول را شش دوره تدریس کرد. از آخرین دوره‌ی درس کفایهٔالاصول وی، نوار تهیه شد و طلاب در قم و شهرستانهای دیگر از آن بهره می‌بردند. بسیاری از شاگردانش از نظر سنی بزرگتر از استاد خود بودند و در بیشتر اوقات صدها نفر در کلاسهای درس ایشان شرکت می‌جستند. آیت‌الله لنکرانی از سال ۱۳۶۰

ش به تدریس درس خارج فقه و اصول پرداختند و در مدت ۲۵ سال گروه کثیری از طلاب از محضر وی بهره‌مند شدند. این درس از رادیو معارف نیز پخش می‌شـد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شـمار می آیـد : محمد فاضل لنکرانی علاه بر تأسیس مرکز اعزام مبلغ برای ترویج مکتب تشیع و تربیت فقیهان و مجتهدان، مرکز فقهی ائمه اطهار که مرکزی آموزشـی و پژوهشـی است، را تأسیس کرد که در این مرکز علاوه بر آموزش محققان و تألیف کتابها، کتابخانه تخصصـی فقه را راه‌انـدازی کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد فاضل لنکرانی در کنار تدریس و تربیت طلاب علوم دینی کتابهای بسیاری به رشته تحریر در آورده است .

ایشان در ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ در قم رحلت نمودند و در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها آرام گرفتند.

آثار : ۱ آیین کشـورداری از دیـدگاه امـام علی (ع) ۲۰ ائمـه اطهـا ر(ع) یـا پاسـداران وحی در قرآن کریم (این دو کتـاب را به همراهی آیة الله اشـراقی نگاشته اند) ۳۰ احکام الحج , حاشـیه بر کتاب حج تحریر الوسیلة (عربی) ۴۰ احکام عمره ۵ ۰ استفتاءات حج ۶ ۰ استفتاءات حول الحج ۷۰ الاحکام الواضحه (فتاوای عربی) ۸۰ القواعد الفقهیة (عربی) ۹۰ المسائل المستحدثه (عربی) ۱۰۰ اهل البیت (ع) یا چهره های درخشان د رآیه تطهیر ۱۱ ۰ تبیان الاصول - تقریرات درسی ایشان - در چهار جلد (عربی) ۱۲ ۰ تفسیر سوره حمد (عربی) ۱۳ ۰ تقریرات الاصول - تقریرات درس امام خمینی - در پنـج جلد (عربی) ۱۴ ۰ تقریرات الاصول - تقریرات درس آیـة الله بروجردی (عربی) ۱۵ ۰ تقریرات درس خـارج اصول ایشان در هشت جلـد (فارسـی) ۱۶ ۰ تقیه مداراتی (فارسی) ۱۷ ۰ جامع المسائل (مجموعه ای از استفتاءات). ۱۸ ۰ حاشیه بر کتاب الطهارة مصباح الفقیه محقق همدانی (عربی) ۱۹ ۰ حاشـیه بر کتاب عروة الوثقی (عربی) ۲۰ ۰ رساله ۲۱ ۰ رسـاله ای در حکم نماز در لباس مشـکوک (عربی) ۲۲ ۰ رساله ای در خلل حج و عمره (عربی) ۲۳ ۰ رساله ای در قاعده فراغ و تجاوز (عربی) ۲۴ ۰ رساله توضیح المسائل (فارسی) ۲۵ ۰ شرح فروع (الاجتهاد و التقلیـد) از کتاب العروة الوثقی (عربی) ۲۶ ۰ عصمت انبیاء ۲۷ ۰ کتاب الصوم (عربی) ۲۸ ۰ کتاب القضاء (عربی) ۲۹ ۰ کتاب تفصـیل الشریعه (عربی - شرحی است بر کتاب تحریر الوسیله امام خمینی در ۱۳ مجلد) ویژگی اثر : شرحی است عربی بر کتاب تحریرالوسـیله‌ی امام خمینی که ۲۵ جلـد آن چاپ شده و ۵ جلـد دیگر آماده چاپ است. پنج جلد اول این شـرح در زمان تبعیـد آیـت‌الله لنکرانی در یزد نوشته شـده،است. ایـن کتـاب یـک دوره‌ی کامـل فقـه است و جدیـدترین آراء فقهی در آن آمـده است.۳۰ ۰ مجمع الفهـارس - مجموعه فهرسـتهای بحارالانوار ء الغـدیر و المیزان ۳۱ ۰ مختصرالاحکام ۳۲ ۰ مدخل التفسیر د رعلوم قرآن (عربی) ۳۳ ۰ مناسک الحج (عربی) ۳۴ ۰ مناسک حج (فارسی) ۳۵ ۰ نهایة التقریرات درس آیة الله بروجردی د ربحث نماز (عربی - دو جلد)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

فاضل لنکرانی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد فاضل لنکرانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی در سال ۱۳۴۱ در قم و در میان خانواده‌ای از سلک روحانیت به دنیا آمد. پدرش آیـةالله العظمی فاضل لنکرانی (ره)است. او پیش از تولد فرزند خود در خواب دیده بود که خدا به او پسری عطا می‌کند که به بدن او متصـل است که آن را به روحـانی شـدن فرزنـد خود تعبیر کرده بود. مـادر او نیز از سادات مکرّم قمی است که نقش بسـیاری در تربیت و پیشـرفت وی داشته است. حجةالاسلام والمسلمین محمد جواد فاضل لنکرانی تحصیلات خود را در قم آغاز کرد و تا پنجم ابتدایی به پایان برد. پس از آن به دلیل تبعید پدرش به یزد، دروس خود را در آنجا پی گرفت و سپس به قم باز گشت. او پس از به پایـان بردن سـال اول دبیرسـتان، بـا مشورت بـا بزرگـان و به دلیـل شوق بسـیار برای تحصـیل علوم دینی به حوزه علمیه قم پـا نهاد و همزمـان دروس دبیرسـتان را نیز پی گرفت تـا موفق به کسب دیپلم شـد. سالهای نخستین تحصـیل او در حوزه علمیه قم با راهپیمایی ملت ایران برای سـرنگونی رژیم شاه مصادف شـده بود و او که از طلاب مدرسه رسالت بود نیز از خیل عظیم ملت ایران باز نماند و هماره با مبارزه همراه بود. او پس از سالهای اندکی دروس دورهٔ سـطح را به پایان برد و به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حـوزه علمیه قم، از جمله پـدر گرامی خود راه یـافت. حجةالاسـلام والمسـلمین فاضـل لنکرانی در سالهـای تحصـیل خود به محضـر عالمان بسـیاری شـرفیاب شـد. او دروس دورهٔ ادبیات را نزد اسـتاد بیگـدلی که هم اکنون نیز از اسـتادان برجسـته دورهٔ سـطح است، گذرانـد و در رسائـل، به درس آیـةالله سـید رسول تهرانی و آیـةالله مصـطفی اعتمادی راه یافت. برای فراگیری مکاسب نیز به درس آیـةالله پایـانی (ره) رفت. بـا پایـان یافتن دوره سـطح به درس خارج فقه و اصول پـدر گرامی خود ـ حضـرت آیـةالله العظمی فاضـل لنکرانی ـ راه یـافت و حـدود ۱۵ سـال از محضـر ایشـان بهره برد. همچنین در حـدود هفت سـال در درس خارج فقه و اصول آیـةالله العظمی وحیـد خراسانی و در حـدود دو سال در درس آیةالله سـید کاظم حائری شـرکت کرد. در بخش دروس عقلی نیز اشارات را نزد آیـةالله حسن زادهٔ آملی و اسـفار را نزد آیـةالله جوادی آملی فرا گرفت. او در طی این سالهـا بـا فضـلای بسـیاری رابطـهٔ دوسـتی داشت و دروس فرا گرفته را بـا آنان مباحثه کرد که از میان آنها می‌توان به شـیخ عبـدالله اسـلامی و شـیخ علی حکیم را می‌توان نام برد. حجةالاسـلام والمسلمین فاضل در طول سالهای تحصیل خود هماره به امر تدریس نیز عنایت ویژه‌ای داشت به گونه‌ای که ۵ بار کتاب معالم، ۴ بار کتاب اصول فقه، چند بار کتاب شـرح لمعه، ۳ بار کتاب مکاسب و بیش از ۵ بار کتاب کفایه را تدریس کرد و هم اکنون هشت سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشـتغال دارد. او در طی این سالها مقالات فراوانی در زمینه‌های فقهی و اصول و... نگاشـته که برخی در کنگره‌هایی همچون کنگره شیخ انصاری و مرحوم نراقی و مقدس اردبیلی ممتاز شناخته شده است. همچنین بر کتابهای اصول فقه، مکاسب و کفایه حاشیه‌هایی نگاشـته که هنوز به چاپ نرسـیده است. از فعالیتهای مهم ایشان در این عرصـه، ادارهٔ مرکز فقهی ائمـه اطهـار اسـت که در آن طلاـب و فضـلای بسیاری به تحصـیل و پژوهش می‌پردازنـد و تـاکنون کتب بسـیاری در آنجا به چاپ رسـیده است. از کارهای مهم این مرکز برگزاری لجنه‌های فقهی گسترده است که سهم بسزایی در پیشبرد مبـاحث فقهی و اصولی داشـته است. حجةالاسـلام والمسـلمین محمـد جواد فاضل، در طول سالهای مبارزه ملت ایران، هماره با آنان همگام بوده است. او در سـنین نوجوانی در روز عاشورا در محفلی مقاله‌ای در باره نهضت امام حسـین (ع) و اهـداف آن خوانـد که در همـان زمـان رئیس سـاواک را که خود در جلسه حاضـر بود، به خشم واداشت. او که در سالهـای تبعیـد بـا پـدر خود همراه بود، همـواره از مسائـل مهم نهضت آگـاه بـود و ظلم رژیم شـاه را به چشم خود می‌دیـد. حجةالاسلاموالمسـلمین فاضـل، پس از پیروزی انقلاـب نیز همـاره مـدافع نظـام وانقلاـب بـود و در سالهـای جنـگ تحمیلی و پس از آن، به حراست از دسـتاوردهای نظـام، اهمیت ویژه‌ای می‌داد. او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در شهر قم به تدریس و تربیت طلاب می‌پردازد.

فاضل مراغی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۰ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، متکلم، ادیب و شاعر. مشهور به فاضل و فاضل مراغی. اصل وی از مراغه و ساکن تبریز بود. وی در نجف از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج سید حسین کوه‌کمری و دیگر بزرگان بود، و تقریرات استادش، انصاری، را در فقه نوشت. به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و کلام پرداخت. در تبریز به بیماری وبا درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «التحفه المظفریه»، به فارسی، در در رد حاج محمد کریم‌خان قاجاری کرمانی؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «صیغ العقود»؛ حاشیه بر «تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه»؛ حاشیه بر «صمدیه»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول» میرزای قمی؛ «تفسیر قرآن»؛ «نکات القرآن و بیان دقائقه»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۱ / ۳)، الذریعه (۱۰۸ / ۱۵، ۱۱۵ / ۱۴، ۲۰۲، ۱۷۴، ۱۵۳، ۳۴ / ۶، ۴۷۰ -۴۶۹ / ۳)، ریحانه (۲۸۲ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴ / ۱۴)، علماء معاصرین (۴۵)، لغت‌نامه (ذیل/ فاضل مراغی)، معجم المؤلفین (۳۱۹ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۰ / ۱).

فاضل میبدی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد تقی فاضل میبدی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. اساتید سطح بنده آقایان: باکوبی، دوزدوزانی، موسوی تبریزی و صانعی. اساتید فلسفه آقایان انصاری شیرازی، جوادی آملی بودند. خارج اصول: ۶ سال درس آقای مکارم شیرازی خارج فقه: ۶ سال درس آقای منتظری و تدریس دروس شرح لمعه، حاشیه منطق، بدایهٔ الحکمه، اصول فقه و کفایه را نیز داشته ام.

فاضل هرندی، محی الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محی الدین فاضل هرندی

محل تولد : هرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۱۳ شمسی در شهر «هرند» از توابع استان اصفهان در خانواده ای روحانی و مذهبی متولد شدم. پدرم از علمای بنام و مدرسان معروف اصفهان به شمار می آمد و از مجتهدانی بود که در احاطه به فقه و اصول و ادبیات عرب زبانزد علمای اصفهان بود. تا سال ۱۳۲۲ شمی در «هرند» زندگی می کردم و در مدت سه سال، خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را در مکتب خانه های هرند فرا گرفتم و از سال ۱۳۲۲ شمسی در پی مهاجرت پدر بزرگوارم به اصفهان مهاجرت کردم و تا سال ۱۳۳۰ شمسی در اصفهان، ادبیات فارسی، دوره ابتدایی و مقدمات را فرا گرفتم و از سال ۱۳۳۰ شمسی به قم عزیمت نمودم و تا سال ۱۳۳۷ شمسی در این شهر مقدس دوره سطح را طی کردم و در همان سال از عهده امتحان رتبه سوم حوزه برآمدم و در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و بحث خارج اصول حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت می نمودم و از سال بعد در بحث خارج فقه حضرت امام خمینی «قدس سره» نیز شرکت کردم و در شمار یکی از شاگردان رسمی خارج فقه و اصول حضرت امام «قدس سره» به حساب می آمدم. هم بحثهای من به ترتیب عبارت بودند از: آیت الله مومن، آیت الله گرامی و آیت الله مقتدایی اصفهانی که حدود ده سال با ایشان هم بحث بودم.

بعد از تبعید حضرت امام «قدس سره» در بحث خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله محقق داماد «قدس سره» شرکت کردم و پس از ارتحال ایشان در بحث خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی «قدس سره» و اصول حضرت آیت الله اراکی «قدس سره» شرکت می کردم. به دلیل قریحه سرشار و بیان شیوا، از ابتدای اشتغال در حوزه علمیه به تدریس مقدمات، ادبیات، معانی، بیان، منطق مشغول شدم. در سال ۱۳۴۰ شمسی به تدریس سطح از کتاب شرح لمعه و سپس رسائل و مکاسب مشغول گردیدم. در کنار تحصیل و تدریس به کار تبلیغ نیز اشتغال داشتم و در ایام تبلیغی در شهرهای مختلف ایران از جمله شهر مقدس قم به وعظ و ارشاد مردم اشتغال داشتم.

هم چون پدرم از رژیم پهلوی متنفر بودم و با خاندان ستمگر آن، دشمنی خاصی داشتم و لذا با هر کس که مخالف رژیم بود، دوستی ایجاد می کردم. خصوصا اگر این مخالفت نشأت گرفته از مذهب بود. فعالیتهای من به عنوان ایفای وظیفه نهی از منکر و مبارزه با بدعت صورت می گرفت. براین اساس، بعد از علنی شدن فعالیت گروه مخلص و متعهد فدائیان اسلام به رهبری شهید بزرگوار مرحوم نواب صفوی «قدس سره» رسما به عضویت این گروه مذهبی ـ سیاسی درآمدم و از یاران نزدیک مرحوم «نواب» و «واحدی» قرار گرفتم. بعد از رحلت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی «قدس سره» و مسئله انجمن های ایالتی و ولایتی و قضیه رفراندوم شاه و مسئله «کاپیتولاسیون» برای انجام هر کاری در جهت گسترش انقلاب اعلام آمادگی کردم. بعد از تبعید حضرت امام «قدس سره» و ترور «منصور» برای ادای وظیفه اسلامی گاه از سوی شهدای بزرگوار باهنر و سعیدی، سفرهایی خطیر و پر خطر

را انجام دادم. بعد از شهادت مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی «قدس سره» که مبارزات رنگ دیگری به خود گرفت و نقطه عطفی در انقلاب اسلامی بود. بنده نیز مثل سایر هم سنگران خود به افشاگری علیه رژیم ستم شاهی پرداختم. در نتیجه این فعالیتهای سیاسی و انقلاب در اوائل سال ۱۳۵۷ شمسی دستگیر و زندانی و در تیرماه همان سال به علت خون ریزی شدید از زندان به بیمارستان شماره چهار شهربانی منتقل و پس از آن آزاد گردیدم. در همان سال پس از آزادی از زندان، ماه مبارک رمضان را در شهر «سیرجان» به سر بردم و مبارزات و راهپیمایی مردم را سامان دادم و در روز عید فطر بزرگترین و بی نظیرترین راهپیمایی را در آن شهر رهبری کردم.

در محرم همان سال به اهواز رفتم و به دلیل سخنرانیهای روشن گرانه ام، مرا ممنوع المنبرکردند. از آنجا به سنندج رفتم و به جمع متحصنین در مسجد جامع سنندج که به حمایت از دو طایفه شیعه ـ که دستگیر شده بوند ـ پیوستم. بعد از ورود حضرت امام «قدس سره» به کشور در ستاد استقبال مستقر در مدرسه رفاه با مرحوم آیت الله ربانی شیرازی و مرحوم ربانی املشی همکاری می کردم. به دنبال این همکاریها، در اواخر بهمن ۱۳۵۷ برای تأسیس کمیته های انقلاب اسلامی به شهرهای شمال کشور مسافرت نمودم. در اسفند ماه همان سال، بعد از مراجعت حضرت امام «قدس سره» به قم برای بررسی مسائل کردستان، دو دفعه از جانب حضرت امام «قدس سره» به کردستان سفر کردم. از اوایل سال ۱۳۵۸ شمسی از سوی حضرت امام «قدس سره» به عنوان قاضی شرع شهر قائن منصوب گردیدم که ماههای شعبان و رمضان را در آن جا به سر بردم و بعد از مراجعت به قم به عنوان قاضی شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان منصوب گردیدم. در اواخر همان سال به دنبال محاصره زندان خرم آباد به وسیله گروههایی از مردم سفری به آن شهر کردم و معترضان را به آرامش دعوت کردم و بحمد الله به دست اینجانب غائله ختم گردید. از سال ۱۳۵۹ شمسی که ستاد مرکز هیئت های هفت نفره کار خود را شروع کرد، به نمایندگی ولی فقیه در ستاد مزبور منصوب شدم و تا کنون با حکم مقام معظم رهبری مد ظله العالی در این سمت به خدمت مشغول هستم.

در تیر ۱۳۶۰ به دنبال شهادت مرحوم آیت الله دکتربهشتی به همراه ۲۸ نفر از نمایندگانی مجلس، در انتخابات میان دوره ای از سوی مردم اقلید فارس به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و از بدو ورود به مجلس کار خود را در کمیسیون کشاورزی شروع کردم و طولی نکشید که از سوی اعضای محترم کمیسیون کشاورزی به ریاست کمیسیون برگزیده شدم. در دوره های دوم و سوم مجلس شورای اسلامی هم از سوی مردم شریف اصفهان انتخاب و به مجلس راه یافتم. مجموعا هشت سال به ریاست کمیسیون کشاورزی و یک سال به ریاست کمیسیون امور اقتصاد و دارایی مجلس برگزیده شدم.

در مدت نمایندگی، علاوه بر تصدی ریاست کمیسیونهای مذکور، در کمیسیونهای ویژه مجلس که به صورت اضطراری تشکیل می شد، گاه ریاست آن کمیسیونها را نیز عهده دار بودم از جمله کمیسیون ویژه تدوین و بررسی اساس نامه جهاد سازندگی، کمیسیون خاص ادغام یا تفکیک وظایف وزارت خانه های جهاد سازندگی و کشاورزی، کمیسیون خاص بررسی طرح قانونی بخش تعاون در نظام جمهوری اسلامی را نام برد

فاضل، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد هادی فاضل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۸/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد هادی فاضل پس از دوره راهنمائی در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه شدم و پس از یک سال تحصیل دروس ابتدائی در نجف اشرف به ایران عزیمت کرده و تا سال ۵۶ در بابل در حوزه مدرسه صدر آن شهر ادامه دادم و از سال ۵۶ وارد حوزه مقدس قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ سطح را به پایان رسانده و از آن سال در درس خارج آقای وحید خراسانی شرکت کردم (در فقه واصول) و تا سال ۱۳۷۲ از محضر ایشان استفاده نمودم در کنار این درسها منظومه سبزواری را خدمت آقایان گرامی و انصاری شیرازی خواندم وا شارات را خدمت آقای ممدوحی و مقداری از اسفار را خدمت آقای احمدی یزدی و نیز از نوارهای منطق (برهان شفا) و فلسفه استاد مصباح یزدی (شفا و نهایه و مباحث متفرقه فلسفی دیگر) و استاد جوادی آملی (اسفار جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و کتاب شرح فصوص الحکم قیصری و قبل از ان تمهید القواعد ابن ترکه) بهره بردم و در درس مصباح الانس استاد حسن زاده آملی شرکت کردم.

در فقه و اصول حدود ۶ سال در درسهای مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و سه سال در درس مکاسب (خارج) آقای هاشمی شاهرودی و از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز در درس آقای شبیری زنجانی شرکت می کنم . مطالعات تاریخی، تفسیری، علوم سیاسی، کلامی، اخلاقی و عرفانی نیز داشته و دارم.

بیشتر فعالیتهای اینجانب تدریس کتب حوزوی و درس بوده و از سال ۶۴ تدریس را به طور رسمی از کتب ادبیات و فقه و اصول آغاز نموده و تا به حال همچنان مشغول تدریس سطوح عالی فقه و اصول (مکاسب، کفایتین، جواهر الکلام) و عرفان نظری (شرح فصوص قیصری) هستم. این درسها به طور آزاد و یا در مدارس قم عرضه شده و از سال ۷۲ تا ۷۸ در حوزه فیضیه مازندران واقع در شهر بابل به عنوان مدرسی مشغول بودم و در سال ۸۵ و ۸۶ نیز در امتحانات شفاهی مدارس برای پایه های مختلف سطح یک و دو به عنوان ممتحن خدمت کرده ام.

فاضلی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فاضلی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از به پایان رساندن دبیرستان در رشته ریاضی، فیزیک سال ۶۹ – ۷۰ وارد حوزه شدم و سه سال در مدرسه معصومیه از محضر بعضی اساتید مانند آقایان عاملی، نائینی، حیائی و حسینی ادبیات عربی را فرا گرفتم و سه سال بعد در مدرسه رضویه از محضر اساتیدی چون استاد علی دوست و قاروبی لمعتین را خواندم و اصول مرحوم مظفر را نیز به پایان رساندم. پس از این شش سال با گذراندن دوره سطح وارد درس خارج شدم و خارج اصول را نزد آیت الله کرباسی شروع کردم و دو سال از محضر ایشان بهره بردم در همین سال خارج فقه آیت الله جوادی آملی را نیز شروع کردم و با شرکت در درس ایشان از وجود درس وی نیز بهره بردم. علاوه بر استفاده از محضر این دو استاد درس خارج فقه آیت الله زنجانی نیز در دروسی بود که در دو سال با شرکت در آن درس استفاده لازم از درس ایشان نیز بردم. سال ۱۳۸۴ در درس مرحوم آیت الله العظمی تبریزی حاضر شدم و از وجود با برکت ایشان نیز بهره بردم تا اینکه ایشان به رحمت ایزدی نائل گشت. در این سالها یعنی از سال ۱۳۸۰ تاکنون مشغول انجام کارهای تحقیقی و احیاء آثار بعضی از دانشمندان و بزرگان گذشته شدم و با تصحیح و تحقیق در حدود ۱۰ رساله قرآنی و شرح صحیفه سجادیه شیخ علی اصغر از نوادگان شهید ثانی مشغول فعالیت هستم.

فاکر، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا فاکر

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام محمدرضا فاکر در سال ۱۳۲۴ در مشهد مقدس و در میان خانواده‌ای متدین و ارادتمند به ساحت بلند علی بن موسی الرضا (ع) چشم به جهان گشود. حجۀالاسلام فاکر به دلیل شغل پدرش، به اتفاق دیگر اعضای خانواده مدتی به اصفهان آمد و در آنجا ضمن طی نمودن دروس دورهٔ ابتدایی، با بخشی از دروس دورهٔ مقدمات حوزه آشنا شد. سپس به مشهد بازگشت و تحصیلات خود را به صورت جدی در کنار مرقد علی بن موسی الرضا (ع) پی گرفت و پس از چندی دورهٔ مقدمات را در خدمت ادیب نیشابوری به پایان برد. او در سال ۱۳۴۳ پس از طی نمودن بخشی از دروس دورهٔ سطح به قم آمد. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را خواند و سپس در دروس رسائل، مکاسب و کفایهٔ استادان مشهور زمان خود شرکت کرد. سپس به درس خارج رفت و در این میان از شرکت در دروس جنبی، همچون تفسیر نیز غافل نماند. حجۀالاسلام فاکر در طول سالهای تحصیل به خدمت استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس مقدمات را بیشتر نزد مرحوم ادیب نیشابوری فرا گرفته بود، برای فراگیری شرح لمعه به نزد مرحوم مدرس یزدی رفت و بخشهایی از شرح لمعه را نزد او آموخت. در قم، باقیماندهٔ شرح لمعه را نزد حضرات آیات صلواتی و دوزدوزانی آموخت و در درس مکاسب آیۀالله خزعلی و آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی شرکت کرد، ضمن اینکه رسائل را نزد آیۀالله العظمی نوری همدانی می‌خواند. حجۀالاسلام فاکر در درس کفایه الاصول مرحوم آیۀالله سلطانی طباطبایی و آیۀالله العظمی

فاضل لنکرانی شرکت کرد و سپس به درس خارج فقه و اصول راه یافت. او در این دوره بیشتر در درس آیـﺔالله العظمی گلپایگانی (ره) و آیـﺔالله العظمی وحیـد خراسانی شرکت کرد. همچنین در زمینـﻪٔ تفسیر، به درس آیﺔالله مشکینی می‌رفت. او در طی سالهای تحصیل در دروس اخلاق استادان خود نیز شرکت جدی داشت. حجﺔالاسلام فاکر در طی سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله شهید شیخ عباس شیرازی و حجج اسلام هادی مروی، آقا ضیاء مسجد جامعی و محمد حسین امراللهی را می‌توان نام برد.

حجﺔالاسلام فاکر در سالهای تحصیل خود، بسیاری از دروسی را که آموخته بود، تدریس می‌کرد و پس از آن نیز، سالها به این امر مهم در حوزه‌های علمیه اشتغال داشت. او تقریرات دروس خارج را نگاشته و در طول سالهای تحصیل و پس از آن بارها به مناطق مختلف سفرهای تبلیغی و سیاسی کرده است. حجﺔالاسلام فاکر از مبارزان خستگی‌ناپذیر سالهای پیش از انقلاب و از مدافعان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. او مبارزات خود را در دوره‌ای آغاز کرد که در مشهد به خواندن ادبیات مشغول بود. در آن زمان او بسیاری از اعلامیه‌های امام (ره) را در حجرهٔ خود تکثیر و یا از روی آن می‌نوشت و سپس آن را به طور مخفیانه بر در و دیوار شهر نصب می‌کرد یا به اطلاع دیگر هواداران انقلاب می‌رساند. او نخستین بار در سال ۱۳۴۱ دستگیر و روانهٔ زندان شد و دومین بار در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بازداشت شد و در زندان با حضرت آیﺔالله خامنه‌ای، آشنا شد. رژیم شاه آنها را به بیگاری کشیده بود تا آنها ضمن این کارها، تحمل و صبر خود را از دست بدهند. او دیگر بار در اوایل سال ۱۳۵۲ دستگیر و روانه زندان شد. و تا آخر سال ۱۳۵۵ در زندان بسر برد علت آن هم سخنرانی وی در نهاوند بر ضد رژیم شاه و افشاگری عملکرد آن رژیم مزدور و همکاری با گروه ابوذر بود.

رژیم شاه پس از انتقال وی از مشهد به تهران او را روانه زندان کرد. از فعالیتهای مهم حجﺔالاسلام فاکر طرح مرجعیت امام (ره) به همراه بسیاری از استادان و فضلای حوزه علمیه قم، پس از درگذشت آیﺔالله العظمی حکیم(ره) بود. او در این زمینه، تصمیم گرفت طی سفری به خرمشهر و آبادان و زاهدان و... علمای آن دیار را با تصمیم فوق آشنا کند و برای این کار عزم سفر کرد و ضمن ارائه آخرین اطلاعات و اخبار در بارهٔ نهضت مردم ایران، آنان را از تصمیم علمای حوزه علمیه قم آگاه ساخت. فعالیتهای وی به پیش از انقلاب منحصر نماند. پس از انقلاب نیز وی همواره مدافع نظام بود و مدتی نیز به عنوان نمایندهٔ امام (ره) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ایفای نقش می‌پرداخت. او چند دوره به نمایندگی از مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و در سالهای ظهور خط نفاق و لیبرالیسم، همواره به افشای ماهیت پلید آنان می‌پرداخت که از این رهگذر، بارها مورد حمله گروههای به اصطلاح اصلاح طلب قرار گرفت او پس از انقلاب لااقل سه بار مورد سوء قصد ضدانقلاب قرار گرفت که از همه آنها جان سالم به در برد. حجﺔالاسلام فاکر در پیش و پس از انقلاب با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده است و امضاء او در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز به چشم می خورد

فانی اصفهانی،علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۰ -۱۳۳۳ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. در اصفهان به دنیا آمد. از ۱۳۴۲ ق شروع به تحصیل مقدمات نمود. سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر عده‌ای از علماء بزرگ اصفهان خواند. «قوانین» را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی و «فرائد» شیخ انصاری

را در خدمت سید مرتضی خراسانی و «متاجر» و دو جزء «کفایه» و قسمتی از خارج را نزد آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را در خدمت آیت‌الله میر سید علی نجف‌آبادی مدت سیزده سال فراگرفت. بعد از درگذشت استادش، میر سید علی نجف‌آبادی، در ۱۳۶۲ ق، به نجف مهاجرت کرد و در حوزه‌ی علمیه آنجا به تدریس فقه، اصول، تفسیر، کلام، اخلاق و بحث در متن و حواشی «عروه‌الوثقی» پرداخت. در ۱۳۹۳ ق به ایران بازگشت و در قم مقیم شد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. آثار باقیمانده از وی متجاوز از هشتاد جلد می‌باشد که عموما در علوم اسلامی چون فقه، اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و غیره نگاشته شده است، که از آن جمله‌اند: «تقریرات»، دوره‌ی کامل اصولی که جزئی از آن به نام «المختار فی الجبر و الاختیار» به چاپ رسیده؛ شرح «شرایع»، در فقه، در دوازده جزء؛ «زکوه» و «خمس» و «صوم» و «اجاره» و «وصایا» و «اجرت بر واجبات» و «قرعه» و «منجزات مریض» و «مکاسب» به روش «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «وسیله النجاه» آیت‌الله اصفهانی؛ «قبسات العقول فی الفروع و الاصول»، به فارسی، در شرح «اربعین حدیث»؛ ترجمه‌ی «نصایح الهدی»؛ رساله «توضیح المسائل»، به فارسی، به عربی و اردو؛ ترجمه‌ی «تقویم المحسنین» فیض؛ «مناسک حج»؛ تعلیقه بر «عروه‌الوثقی»؛ «دیوان» شعر، در مواعظ، حکم، مدایح و مراثی اهل‌بیت (ع)»؛ «فوائد رجالیه»، در بیان احوال اصحاب اجماع و جماعتی از روات؛ «معارف العلویه»، در کلام؛ «غایه البیان فی عم تحریف القرآن»؛ رساله‌ای در «معاصی کبیره»؛ رساله‌ای در «ذباحه»؛ رساله‌ای در «معاملات الربویه»؛ رساله‌ای در «مقدمات التفسیر»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی جمعه»؛ رساله‌ای در تفسیر «سوره‌ی فاتحه»؛ رساله‌ای در «بداء».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۸ خرداد ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی در سال ۱۳۴۲ ق. شروع به تحصیل مقدمات نمود و سطوح و خارج فقه و اصول را در محضر برخی علمای اصفهان بدین ترتیب خوانده است: قوانین را نزد افرادی چون محمد حکیم خراسانی و فرائد شیخنا الانصاری را خدمت آیت‌الله مرتضی خراسانی و دو جزء کفایه و قسمتی از خارج را خدمت آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را خدمت آیت‌الله العظمی سید علی نجف‌آبادی، سپس به نجف مهاجرت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در ماه رجب ۱۳۹۳ ق. پس از سی و یک سال توقف در نجف اشرف به ایران مراجعت و دارالمؤمنین قم اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.

از جمله تألیفات ایشان است: تقریرات دوره‌ی کامله اصول که جزیی از آن را در جبر و اختیار به نام المختار فی الجبر و الاختیار در سال ۱۳۷۵ ق. به طبع رسانید و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را در الذریعه ذکر کرده است؛ شرح شرایع در فقه (دوازده جزء در طهارت و صلوهٔ که جزء اول طهارت آن در سال ۱۳۸۲ ق. و جزء دوم آن در سال ۱۳۵۸ ق. به طبع رسید)؛ زکوهٔ و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرهٔ بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی، حاشیه بر وسیلهٔ النجاهٔ آیت‌الله العظمی اصفهانی و حاشیه بر صراط النجاهٔ در سال ۱۳۸۰ ق. طبع شد؛ قبسات العقول فارسی در شرح اربعین حدیث از اصول و فروع (۱۳۷۵ ق.، علامه تهرانی در الذریعهٔ از آن یاد کرده است)؛ ترجمه نصایح الهدی (آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، ۱۳۷۰ ق.، اصفهان)؛ رساله توضیح المسائل فارسی (۱۳۸۲ ق.)؛ رساله توضیح المسائل عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ ترجمه تقویم المحسنین فیض (۱۳۶۸ ق.با قرآن به چاپ رسید)؛ مناسک حج عربی (۱۳۸۴ ق.)؛ دستور حج و عمره (۱۳۸۵ ق.)؛ تعلیقهٔ بر عروهٔ الوثقی (۱۳۴۹، ایران)؛ رساله‌های متعدد دیگر در موضوعات مختلف که ازآن‌هاست: رساله در علم امام (ع) دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل‌بیت؛ توضیح المسائل به زبان اردو و مناسک حج به زبان اردو؛ فوائد رجالیه؛ رساله‌ای در کلام به نام بالمعارف العلویهٔ رساله‌ای در تحقیق عدم تحریف قرآن موسوم به غایهٔ البیان فی عدم تحریف القرآن، رساله‌ای در امر به معروف و نهی از

منکر؛ رساله‌ای در معاصی کبیره؛ رساله‌ای در ذباحه؛ رساله‌ای در جوائز سلطان؛ رساله‌ای در معاملات الربوبیه؛ رساله‌ای در احکام خراج؛ رساله‌ای در تفسیر سوره جمعه، رساله‌ای در تفسیر سوره فاتحه؛ رساله‌ای در مقدمات التفسیر، رساله‌ای در بداء.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۴ / ۱۷)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۱۲ – ۲۱۰ / ۲).

فتونی عاملی نباطی اصفهانی، ابوالحسن علی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۰۷۰– ح ۱۱۳۹ ق)، فقیه، اصولی، مفسر و شاعر. معروف به شریف، چون مادرش خواهر میرمحمد صالح خاتون‌آبادی بود. پدرانش همگی از علما بودند. وی در محله‌ی درب امام اصفهان به دنیا آمد. بدین دلیل به او امامی نیز می‌گفتند. در نجف ساکن بود. او شاگرد علامه مجلسی ثانی و از ایشان و از علمای دیگری از جمله احمد بن محمد بن یوسف بحرینی و قاسم بن محمد کاظمی و محمد حسین بن حسن میسی و صفی‌الدین بن فخرالدین طریحی و عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی و محمد صالح خاتون‌آبادی و محمود میبدی صاحب اجازه بود. فرزندش، ملا ابوطالب فتونی، و محمد بن علی بن حیدر عاملی و احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان وی بودند و از او اجازه داشتند. عبدالله ابن کرم‌الله حویزاوی و نصرالله شهید حائری نیز از جانب وی به دریافت اجازه نائل شدند. فتونی جد مادری شیخ باقر، پدر صاحب «جواهر»، است. از آثار وی: شرح «الکفایه» سبزواری؛ «شرح الصحیفه»؛ «شریعه الشیعه و دلائل الشریعه»؛ «الفوائد الغرویه و الدرر النجفیه»، در اصول دین و اصول فقه؛ «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار فی تفسیر القرآن» یا «مشکاه الانوار فی تفسیر القرآن»؛ «الرساله الرضاعیه»؛ «الانساب»؛ رساله در «حقیقه مذهب الامامیه»؛ «نصایح الملوک و آداب السلوک»، در شرح «عهدنامه مالک اشتر»؛ «ضیاء العالمین»، در امامت؛ «تنزیه القمیین»؛ «معراج الکمال»؛ «الکشکول»؛ «دیوان» شعر، در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۸۷، ۴۸ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۴۳ –۳۴۲ / ۷)، تلامذه العلامه المجلسی (۱۳ –۱۲)، خاتمه مستدرک الوسائل (۵۶ –۵۴ / ۲)، الذریعه (۱۷۱ / ۲۴، ۲۳۳ –۲۳۲، ۲۱ / ۵۳، ۲۶۵ –۲۶۴، ۲۰ / ۷۰، ۱۸ / ۳۵۴ –۳۵۳، ۱۶ / ۱۲۴، ۱۵ / ۱۸۷ –۳۶، ۱۴ / ۳۵ –۳۴۶، ۱۳ / ۱۸۹ –۱۸۸، ۱۱ / ۵۰ –۴۹، ۷ / ۴۵۷، ۴ / ۳۷۲ –۳۷۱، ۲ / ۲۴۹، ۲۲۷ –۲۲۶، ۱۹۹،۲۰۸، ۱ / ۱۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۵ –۱۷۴ / ۱۲)، معجم المؤلفین (۲۰۵ –۲۰۴ / ۷)، هدیه العارفین (۷۶۶ / ۱).

فرهنگ، ناصرالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر الدین فرهنگ

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۴/۳

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر فرهنگ (ناصرالدین انصاری قمی) در اول ربیع الثانی ۱۳۸۸ ق- سوم تیرماه ۱۳۴۷ ش- در شناسنامه ۵ مرداد ۱۳۴۶ ثبت است. در بیت علم و فضیلت زاده شدم. پدرم شارح و ناظم نهج البلاغه، و شاعر اهلبیت مرحوم حجهٔ الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری قمی و عمو هایم حجج الاسلام: حاج شیخ مرتضی، حاج شیخ احمد و حاج شیخ محمود انصاری از علمای قم و نجف بوده اند. کودکی را در دامان پدرم پشت سر نهادم و از او درس قرآن و نهج البلاغه و ادبیات آموختم و در ۱۴ سالگی به طلبگی روی آوردم و در اندک مدتی مقدمات را آموختم و به فراگیری سطوح پرداختم. از همان اول به تدریس و تالیف علاقمند بودم و چند بار جامع المقدمات و بعد معالم و شرح لمعه را تدریس کردم، سپس در سال ۱۳۷۷ تدریس نموده ام. از سال ۱۳۶۸ ش، مقالاتم در مجله نور علم و مشکاهٔ به چاپ رسید که تاکنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۶۵ ش، به تبلیغ دین و منبر در شهرها و روستاهای مختلف پرداختم که تا کنون هم ادامه دارد. از سال ۱۳۷۵ ش به امامت جماعت در مسجد شاه خراسان (قم) هر دو وعده اشتغال دارم و از سال ۱۳۷۷ عضو مجلس استفتای آیت الله العظمی علوی گرگانی بوده ام و از سال ۱۳۸۴ به عنوان نماینده طلاب و فضلای قمی به خدمت اشتغال داشته ام. در سال ۱۳۸۵ ش به عنوان کاندیدای مجلس خبرگان رهبری از استان قم ثبت نام کردم که بعد، انصراف دادم. در کنگره های مختلف با ارائه مقالات و سخنرانیها شرکت داشته ام: ۱. کنگره جهانی امام رضا (ع) - مشهد (۲ بار) ۲. کنگره کتاب و کتابخانه در اسلام- مشهد (۲ بار) ۳. کنگره کتاب میرزا محمد حسن آشتیانی- آشتیان ۴. کنگره سید عبد الله بلادی بوشهری- بوشهر ۵. کنگره سید جعفر اعرجی- ایلام ۶. کنگره شیخ انصاری - قم ۷. کنگره شیخ مفید- قم ۸. کنگره محقق اردبیل- قم۹ . کنگره علامه مجلسی- اصفهان ۱۰. کنگره آقا جمال خوانساری- خوانسار ۱۱. کنگره محقق نراقی- کاشان ۱۲. کنگره فیض الاسلام- خمینی شهر ۱۳. کنگره حضرت عبد العظیم- شهر ری ۱۴. کنگره شیخ خطی- تهران ۱۵. کنگره شیخ فضل الله نوری- نور و دهها همایش و کنگره دیگر ۱۶. کنگره شرف الدین – قم ۱۷. کنگره علامه بلاغی – قم ۱۸. همایش مدرس خیابانی- تهران ۱۹. همایش شیخ محمد تقی آملی- تهران ۲۰. کنگره حضرت زینب – همدان. ضمنا از آیات عظام (مذکور در ذیل) اجازه روایت و امور حسبیه دارم:۱. آیت الله علوی گرگانی (روایت و حسبیه) ۲. آیت الله فاضل لنکرانی (روایت و حسبیه) ۳. آیت الله صافی گلپایگانی (روایت و حسبیه) ۴. آیت الله مظاهری اصفهانی(روایت و حسبیه) ۵. آیت الله سبحانی (روایت) ۶. آیت الله نجومی(روایت) ۷. آیت الله پایانی ادربیلی (روایت) ۸. آیت الله نجفی مرعشی(روایت) ۹. آیت الله گلپایگانی (روایت)۱۰. آیت الله شیخ بشیر نجفی (روایت)

فشارکی، محمد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله العظمی محمدحسین فشارکی فرزند ملا جعفر و از علمای بنام اصفهان بوده‌اند.

شرح حال وی به تفصیل در کتب رجال شیعه از جمله اعلام‌الشیعه و مکارم‌الاثار و ده‌ها کتاب دیگر ثبت شده و جمعی کثیر از علما عصر از آن مرحوم روایت می‌کنند و اجازاتی که نوشته بسیار است و ضمنا چند رساله فتوایی را تحشیه فرموده است.

و در محضـر اسـتادان نامداری همچون: میرزا حبیب اللّه رشتی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی و میرزا محمد حسن شیرازی زانوی ادب زد.

ایشان فرزند:محمدجعفر.متوفی ۱۳۵۳ق.عـالم فقیه و از مجتهـدین صـاحب فتوی.در فقه و اصول اسـتاد و در تقوی و زهـد نزد مردم مشـهور بود.او در اواخر عمر از علمای با نفوذ ومعروف اصـفهان گردید.از شاگردان برجسـته ی او می توان به حاج میرزا ابوالحسـن تویسـرکانی.شـیخ محمـد باقر قزوینی.شـیخ محمود مفیـد اشاره نمود.از آثار وی:حاشـیه بر رسایل و حاشـیه بر طهارت شـیخ انصاری است.(مهدوی:دانشمندان وبزرگان اصفهان.ص۲۸۵)

آخونـد ملا محمـد حسین بن محمـد جعفر فشارکی از اکابر علمای امامیه نیمه اول قرن چهاردهم است تولـد او به سال ۱۲۶۶ اتفاق اقتـاده ،وی از شاگردان شـیخ زین العابـدین مازنـدرانی ،حاج میرزا حبیب الله رشتی ،و حاج میرزا محمـد حسن شـیرازی بوده است . پس از مراجعت از نجف به اصـفهان آمده و بتدریس و ارشاد اشتغال یافت ،در مسجد سلام امامت می نمود محضرش مرکز فضلا و اهل دانش بود و در اواخر عمر مرجعیت تامه پیدا نمود.

مرحوم فشارکی در فقه و اصول اسـتاد بود و در این اواخر مردم اصـفهان مسائل خود را از او استفتاء می نمودند، زهد و تقوای او نیز بین مردم این سامـان مشـهور است ، آخونـد فشـارکی سـرانجام در ۲۳ بهمن ۱۳۱۳ ش برابر بـا ۸ ذی‌قعده ۱۳۵۳ ق در ۸۵ سالگی درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون شد.

تالیفات

از تالیفات اوست:

۱–حاشیه رسائل .

۲– حاشیه طهارت شیخ انصاری

برگرفته از کتاب :پایگاه روستای فشارک

فقهی، محمود

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

استاد فقه و اصول

تولد ۱۳۰۹ شمسی (شناسنامه ۱۳۱۲) ۵ رجب المرجب ۱۳۴۹ قمری – در شـهر علم و هنر، اصـفهان فرزند: سـید جعفر نوه‌ی مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی.

اسـتاد فرزانه جناب مسـتطاب آقای سـید محمود فقهی یکی از برجسـتگان و مـدرسان شـهیر حوزه علمیه‌ی اصـفهان خاصه در فقه و اصول می‌باشـند معظم له از سالهـای گذشـته تاکنون علی رغم اصـرار شاگردان و ارادتمنـدان از ارائه زنـدگینامه و تهیه‌ی گزارش و مصاحبه دوری جسـته‌اند، تا آنجا که به فراز شاگردان نزدیک ایشان به تولیـد کننـدگان نرم‌افزار مشاهیر ایران، توصـیه می‌کردند که: تلاش شـماره به جائی نمی‌برد و ایشان به جهت عدم علاقه به اشـتهار دعوت شـما را اجابت نمی‌کنند ولی به لطف استاد در یکی از روزهای بهار، سال ۱۳۸۵ که به جهت تفرج رد یکی از باغات اطراف اصـفهان در محضر ایشان شرف حضور داشتیم توفیقی حاصل شد و ایشان به سؤالات ما با حوصله و بزرگواری پاسخ فرمودند و این موجب خرسندی و مباهات ماست. آنچه در ادامه خواهد آمد حاصل آن گفتگوی کمتر از یک ساعت است که قلمی گردیده است.

جد ایشان مرحوم سید عبدالکریم خواجوئی در عداد شاگردان برجسته مرحوم آخوند ملا محمدباقر فشارکی بودند (مرحوم فشارکی شاگرد شیخ اعظم انصاری بوده و ایشان از تکیه‌ی خوانساری در تخت فولاد اصفهان است) هم چنین بسیار مورد احترام مرحوم آقا نجفی بودند و بنابر پدر استاد فقهی مرحوم آقا نجفی در تشییع جنازه‌ی مرحوم سید عبدالکریم شرکت نموده و بسیار متأثربودند.

مرحوم خواجوئی گر چه عمری در طلب علم و دانش بود ولی به جهت بی‌توجهی اهل زمانه به اهل علم و مشکلات شدید مالی چندان رغبتی به طلبه شدن فرزندانش نداشت فلذا پدر استاد فقهی گرچه بسیار متدین بود ولی به کسب و کار مشغول بود و برای فرزندان از مشکلات مالی دوران پدر بسیار گفته بود، مرحوم سید جعفر در میان فرزندان به سید محمود عنایت ویژه‌ای داشت لذا ابتدا وی را به یکی از مکتبخانه‌های قدیمی در محله خواجو، محله‌ی چهارسوق آجری به تحصیل گماشت و پس از مدتی وی به مدرسه‌ی هدایت از مدارس جدید انتقال داد ولی به جهت هوش سرشار و تحصیلات گذشته در مکتبخانه او را در کلاس دوم ثبت نام کرد با این حال سید محمود شاگرد برجسته‌ی کلاس دوم شد درسال ۱۳۲۴ کلاس ششم ابتدائی را به پایان رساند ولی پس از آن تحصیل را ادامه نداد. و سپس وارد بازار کار شد.

در ۱۲ سالگی ابتدا در میدان امام، در یک مغازه‌ی خرازی با حقوق روانه ۷ ریال مشغول گردید و پس از چند سالی مستقلا وارد بازار کار شد و به خرید و فروش سهام مشغول شد در آن مقطع زمانی خرید و فروش سهام کارخانه‌های ریسباف شهرضا، زاینده‌رود و پشم‌باف که از کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی اصفهان بودند رایج بود، محل معامله در ابتدایی بازار قیصریه و همچنین قهوه‌ی خانه محمود در میدان امام بود - خواننده‌ی گرامی مستحضر است که در آن زمان قهوه‌خانه‌ها محل گفتگو و معامله بوده و فضای آن با قهوه‌خانه‌های دهه‌های به متفاوت. استاد فقهی هنوز به یاد دارد که شاعر شهیر مرحوم صغیر اصفهانی به آن قهوه‌خانه می‌آمد و گهگاهی قلم و کاغذ از جیب بیرون آورده و قطعه شعری انشاء می‌کرد.

تا سال ۱۳۳۴ فعالیت ایشان در بازار سهام ادامه داشت و اکنون وی به سن ۲۲ سالگی رسیده بود. در آن زمان عالم ربانی و مرد الهی آیةالله میرزا علی آقا شیرازی که مورد احترام آیةالله العظمی بروجردی بوده و مرحوم شهید علامه مطهری نیز مدتی در اصفهان از محضر ایشان استفاده کرده بودند و اکنون از قبرستان شیخان قم فراز ایشان محل درود و فاتحه‌ی اهل دل است - در مدرسه‌ی صدر اصفهان به تدریس و بیان معارف مشغول بوده، یکی از شاگردان یشان مرحوم استاد حسین شفیعی بود که با سید محمود آشنائی داشت. استاد شفیعی شرحی بر خطبه‌ی همام نهج‌البلاغه نوشته بود و یک نسخه از آن را به سید محمود داد، ایشان پس از یکبار مطالعه بدون سابقه‌ی ذهنی و تحصیلات حرف و نحو آن را به حافظه‌ی خود سپرد روز بعد هنگامی که استاد شفیعی را دید، سید محمود به ایشان گفتند می‌خواهم خطبه‌ی همام را بخوانم - استاد شفیعی گفت: کتاب کو، سید محمود گفت: از حفظ می‌خوانم و پس خطبه را تمام و کمال قرائت نمود. این قدرت حافظه استاد شفیعی را متعجب کرد فلذا گفت: تو باید درس بخوانی و در ابتدا باید یک جامع المقدمات بخری و این ابتدای مسیری تازه در زندگی سید محمود بود.

ایشان جامع المقدمات را به قیمت ۵ ریال ابتیاع نمود و هر روز صبح نزد استاد شفیعی جامع المقدسات را درس گرفت و سپس به بازار می‌آمد. رفته رفته بر فراز کتابهای جامع المقدمات را با استاد شفیعی فرا گرفت و به فراز خود مطالعه می‌کرد سپس تحصیل سیوطی را با ایشان شروع کرد و تا اواسط سیطی را با ایشان و مابقی را مطالعه و تدریس کرد. بدینسان به جهت قوه‌ی تحلیل و حافظه‌ی قوی بسیاری از کتب را بدون آنکه نزد استاد خوانده باشد مطالعه و تدریس می‌کرد.

پس معنی در شرح لهمه را از محضر مرحوم حجةالاسلام والهی شیخ مرتضی فقیهی درس گرفت پس از آن فرائد الاصول را از محضر فقیه وارسته و پاك سیرت مرحوم آیت‌الله سید علی مشکوة فرا گرفت و سپس مکاسب محرمه و کفایة الاصول را نزد عالم ربانی مرحوم آیت‌الله شیخ احمد فیاض (استاد شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی) آموخت.

در مقطع دروس عالمی فقه و اصول در حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول مرحوم آیـةالله سـید حسـین خادمی، فقیه مبارز و مجاهـد و پیشـگام نهضت روحانیت اصـفهان در انقلاب اسلامی حاضر گشت و پس از آن به هنگامی که هر ساله ۶ ماه از سال حوزه‌ی علمیه و شـهر اصـفهان میزبان فقیه مدقق و محقق اهل بیت و بنا به فرموده‌ی امام خمینی (س) ابوالفقهاء با آیةالله العظمی سـید علی بهبهانی بود، در محضـر ایشان تتلمذ می‌نمود که این علم اندوزی ۹ سال دوام داشت. پس از رحلت آیـةالله العظمی بهبهانی رابطه‌ی ایشان با حوزه‌ی علمیه قطع شـده و در پـائیز سال ۱۳۶۲ مجددا ایشان به تدریس مشـغول گردیدند. اسـتاد فقهی سـفرهائی به شهر مقدس قم داشـته و دیـدارهائی بـا فراز علمـاء همچون آیـةالله العظمی فاضـل لنکرانی، آیـةالله مشـکینی، و مرحوم آیـةالله روحانی داشـته‌اند که گفتگوی آن جلسات در این مقال نمی‌گنجد ولی در جای خود شنیدنی است.

جناب اسـتاد فقهی اگر چه بنابر روش و منش خاص خود هیچگاه ملبس به لباس روحانیت نشده‌اند ولی از دید زمان تا بدعی هنگام شـاگردان بسیاری از محضـر ایشـان کسب علم نموده‌انـد از جمله جنابـان مسـتطاب آقایـان: دکتر جواد اژه‌ای، حجـةالاسـلام شـیخ علی‌اکبر فقیه که حجةالاسـلام و المسـلمین محمـد عمومی – شـیخ سالـک، جنـاب آقـای معصوم زاده، جناب آقای محسن کاظمی، جناب آقای سید اصغر حجازی و...

معظم له تمام مقاطع دروس سـطح حوزه از مقـدمات، لمعه، رسائل، کفایه را به دفعات تدریس نموده و پس از به تدریس قواعد فقه – متمسـک نموده و پرداخته‌انـد و همچنین بنـابر درخواست شـاگردان به بیـان شـرح نهـج‌البلاغه و به فراز کتابهـایی مربوط به مبانی علمی مرحوم بهبهانی پرداخته‌اند و هم اکنون نیز علی‌رغم تنهائی و سن پیری پیوسته به تدریس مشغولند.

محضـر ایشان بسـیار دوست داشتنی و صراحت لهجه و مطایبه گوئی و بیان تمنیلات خاص، شگفت‌آور و بی‌مانند شهره‌ی حوزویان است و در گذشته‌ی نه چندان دور به فراز مثالهای علمی ایشان از فرط خاص بودن به حوزه‌ی نجف نیز رسیده است.

از خداوند متعال و ائمه اطهار و حضـرت سیدالشـهداء که مورد ارادت و محبت ایشان است عمر با برکت و صـحت و سلامت بر این استاد گرامی و گرانقدر مسئلت داریم.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

فقیه ایمانی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عـالم جـامع زاهـد و فقیه متبحّر کامل آیت اللّه میرزا محمـدباقر فقیه‌ایمانی در حـدود سال ۱۲۹۰ق. در شـهر اصـفهان دیده به جهان گشود. پدرش حجت الاسـلام والمسـلمین شیخ حسین‌علیشریف، از علمأ و فضلای تهران، بود که با توجّه به مرکزیت علمی اصفهان به ویژه رونق حوزه‌ی علمیّه‌ی این شهر در آن دوران، به اصفهان آمد و

مشغول به تحصـیل و تعلیم شـد. نامبرده خواهر زاده‌ی دانشـمند منجّم مرحوم میرزا عبـدالغفار نجم‌الدوله،نجم‌الدوله متوفی ۱۳۲۶ق. بود.

رحلت پدر، همت مادر

میرزا محمّـدباقر فقیه‌ایمانی در دوران کودکی، پـدر دانشـمندش را از دست داد ولی با بهره‌مندی از تربیت مادری علویه و باتقوی و نیز تلاش‌های بسیار در مطالعه و تحقیق توانست مراحل عالی علمی و معنوی را با موفّقیت طی کند و پشت سر گذارد.

ورود به حوزه اصفهان و استادان

وی در نوجوانی و جوانی به آموختن رشته‌ی عربی و منطق و ادبیات پرداخت که از جمله اساتید ادبی ایشان ادیب متبحّر مرحوم سیّد محمود کلیشادی معروف به سیّد مغنی گو(متوفی ۱۳۲۴ق.) بود. مرحوم میرزا محمّدباقر شرح لمعه و قوانین را از محضر عارف ربانی آخوند کاشی، (متوفی ۱۳۳۳ه‌.ق.) فرا گرفت. از جمله اساتید دیگر وی در فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردیطباطبایی ، بود که در ایام اقامت ایشان در اصفهان از مجلس درس ایشان بهره برد. وی فرائد و مکاسب را نزد عالم ربانی و فقیه عالیقدر آخوند ملاّ عبدالکریم گزی فرا گرفت.

حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی مراحل عالیه فقه و اصول و نیز علم رجال را از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج آقا منیرالدین بروجردی، (۱۲۶۹ – ۱۳۴۲ق.) که از چهره‌های مبرّز علمی زمان خود و پدر عیالش بود بهره برد. همچنین از دروس فقه، اصول و کلام آیت‌اللّه محقّق شیخ عبدالحسین محلاّتی (متوفی ۱۳۲۳ه‌.ق.) صاحب«مغتنم الدرر» بهره‌برداری نمود. تا این که به مقام اجتهاد رسید و به تألیف و تدریس پرداخت.

خصوصیات عبادی و اخلاقی

از جمله ویژگی‌های ایشان تقیّد به نماز شب و توسّلات به ساحت مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام عصر علیه‌السلام که ذکر آن خواهد آمد. نسبت به مردم با حُسن خلق و مدارا رفتار می‌کرد و با اهل علم و یا عوام متواضع بود.

اقامه‌ی جماعت در قدیمی‌ترین مسجد اصفهان

مرحوم فقیه ایمانیاز ائمه‌ی جماعت مشهور اصفهان بود که در مسجد امامزاده اسماعیل مسجد امامزاده اسماعیل، واقع در خیابان هاتف اقامه‌ی جماعت می‌نمود. بنا به نوشته‌ی برخی از منابع تاریخی این مسجد(امامزاده اسماعیل) که به مسجد شعیا نیز معروف است اوّلین مسجد بزرگی است که در اصفهان ساخته شده و این مسجد در زمان خلافت امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بنا شده است. در قرون اوّلیه هجری از مسجد مذکور به جامع خشینان مسجد جامع خشینان، یاد شده است.

عشق به ولایت و اشتیاق به دیدار حجت خدا

آنچه بیش از هر چیز قابل ذکر است، توجّه و علاقه خاصی بود که به اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام در رفتار و گفتار ایشان آشکار بود و در تمام عمرش در انتظار فراق حضرت حجّ بن الحسن العسکری ولی عصر عجل‌اللّه تعالی فرجه‌الشریف سوخته و اشکی ریزان داشت و در منابر و مجالس و هر فرصتی در طول سال مردم را به ساحت قدس آن حضرت توجّه و تنبّه می‌داد و با آن حال معنوی خاصی که در ایشان بود تأثیر خاصی در حال اشخاص می‌گذاشت. مثلاً روزهای جمعه با حال گریه و شور و اشتیاق چند مرتبه دعای ندبه را در طول روز قرائت می‌کرد. عنایت و اهتمام زایدالوصفی به ذکر فضایل و مناقب حضرت بقیْ‌اللّه الاعظم امام زمان »عجل‌اللّه تعالی فرجه‌الشریف» داشت چنان که تمام منبرهای او در ایّام مختلف سال چه در مسجد محل اقامه‌ی نماز جماعتش یا مکان‌های دیگر و یا مجالسی که در تمام روزهای سال قبل از ظهر در منزل شخصی خود منعقد می‌نمود به وعظ و ارشاد می‌پرداخت و منحصر به امام زمان –عجل‌اللّه تعالی فرجه- بود و آغاز و انجامش در شرح زندگی و دیگر شئون حیاتی و امامتی آن حضرت برگزار می‌گردید. و کسانی هم که برای حل و فصل هرگونه مشکل مادی و معنوی از قبیل شفای بیماری، ادای دین و بدهی مالی، پیدا شدن گمشده، رفع دیگر گرفتاری‌های شخصی و اجتماعی به آن مرحوم مراجعه می‌نمودند، جنابش قبل از هر چیز او را به نوعی توسّل‌های ذکری و زیارتی و مالی و نمازی و دیگر طرق مناسب به عنوان توسّل به ساحت قدس حضرت مهدی علیه‌السلام راهنمایی و تشویق می‌کرد وی را با این طرق رهایی از مشکلات می‌داد.

همواره در یاد او

آیت‌اللّه حاج شیخ محمّدباقر فقیه‌ایمانی حتّی در سال‌های آخر عمر که بخاطر ابتلأ به کسالت و ناتوانی قادر به بیرون رفتن از منزل

نبود و یا ایام زمستان که به دلیل سردی هوا خانه‌نشین می‌شد دائماً مشغول ذکر و توسّل به آن حضرت بود و یا اشتغال به نوشتن اوراق و مطالبی به ویژه درباره‌ی وجود و برکات و آثار امام عصر علیه‌السلام جست. فرزند ایشان فاضل ارجمند حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی فقیه ایمانی می گوید: خاطره جالبی از مرحوم والد بنظرم رسید که یکی از اشعار ایشان درباره‌ی حضرت بقیه اللّه الاعظم عجل اللّه تعالی فرجه‌الشریف شعری مندرج در «مطلع‌الانوار» ص ۲۳۵ است بدین مضمون:

لا سیّما امامنا الثانی عشرمَن حاضِرٌ فینا و عنّا مُسْتتر

که بیانگر حاضر بودن امام زمان علیه‌السلام در بین مردم و در نزدیکی آنها است، اما بطور نادیدنی و ناشناختنی که حاضرین در خدمتش حضرتش را نمی‌بینند یا نمی‌شناسند.

یکی از علمای تهران که دورا دور مرحوم والد را با ویژگی‌ها و راه و رسم علاقه به آن حضرت و ذکر فضایل و مناقبشان شناخته بود به منزل ایشان در اصفهان وارد شد و با ابراز راه و رسم ایشان درباره آن حضرت، از ملاقات آن بزرگوار سراغ گرفت و با اصرار خواست اگر خاطره‌ی ملاقاتی دارند توضیح دهند. ایشان(آیت اللّه فقیه ایمانی) گفتند: من ادعای ملاقات با آن بزرگوار را ندارم امّیا خاطره‌ای برای من پیش آمده که فکر می کنم لطف امام شامل حالم شده و بی‌ارتباط با شعری که درباره آن حضرت سروده ام نیست. و قضیه بدین شرح است که در شبی از شب‌های ماه مبارک رمضان(شب پانزدهم) مشغول سرودن شعر فوق و اشعار قبل و بعد از آن بودم، پس کم‌کم دچار خستگی شدم که دیگر نشاط ادامه دادن به شعر و گفتن نداشتم و تصمیم به خوابیدن گرفتم، امّا نتوانستم به خواب بروم، آنگاه متوجه شدم که در شب‌های ماه رمضان غسلش مستحب است و به نظرم رسید به حمّام نزدیک منزل بروم، غسل شب نیمه‌ی ماه رمضان را بجا آورم. پس برخواستم به حمّیام نو مجاور مسجد خواجه اعلم نزدیکی سبزه‌میدان(میدان کهنه) رفتم و چون به سمت خزینه‌ی معمولی رفتم متوجه شدم آن قدر آب آن کثیف و آلوده است که نمی‌توانم رغبت به وارد شدن در آن خزینه نمایم. آن گاه به سراغ خزینه کوچکتری رفتم که آبش بسیار تمیز و زلال بود ولی همین که پا را در آن خزینه گذاردم آنچنان احساس حرارت شدید از آب خزینه کردم که دیدم طاقت وارد شدن در آن خزینه و غسل کردن در آن را ندارم. رفتن در آن غیر قابل تحمّل]با آب زلال[پس متحیّر شدم چه کنم که آن خزینه است و چگونه بدون غسل و انجام یک امر مستحب ارزشمند از حمّام خارج شوم. ناگهان متوجّه شدم مرد بزرگواری وارد گرمخانه شد و بطور عادی مستقیماً وارد

خزینه‌ی کوچک که از گرمی شدید برخوردار بود شد بدون آن که احساس گرمی نماید. در این موقع من با حالت فراموشی گرمی شدید آن خزینه به دنبال آن مرد بزرگوار وارد خزینه شدم و با احساس ملایمت آب خزینه مشغول غسل شدم ولی ناگهان آن شخص ناشناس از خزینه خارج شد و همین که پا از خزینه بیرون نهاد من

مثل قبل از آمدن آن مرد محترم، که احساس گرمی غیر قابل تحمّل می‌نمودم دیگر قوت و توانایی ماندن در خزینه برای تکمیل غسل نداشتم و با زحمت و سوختن از خزینه خارج شدم و تازه به فکر افتادم مگر نفهمیدی چند لحظه پیش آب خزینه آنقدر گرم و سوزنده بود که پا بیرون نهادی، و این مرد کیست که با وارد شدن در

خزینه آن قدر آبش ملایم شد که بدنم را حال آورد و با بیرون نهادن او، همانند دفعه‌ی اوّل که امتحان نمودم آب خزینه غیر قابل تحمّیل گردید. آن گاه به فکر افتادم بروم بیرون گرمخانه، بفهمم آن مرد چه کسی بود، که آمدنش در خزینه و بیرون رفتنش این گونه آب را تغییر داد و چون بیرون رفتم، متوجّه شدم فقط متصدّی حمّیام در آن جا است و دیگر کسی نیست. پس سراغ آن شخص را گرفتم، پاسخ داد در حال حاضر کسی غیر از شما در حمّام نیامده و مثلاً یک ساعت قبل فلان کاسب آمد و رفت. در این موقع متحیّر شدم که این شخص کجا رفت و این قضیه چگونه پیش آمد، و به ذهنم خطور کرد که شاید آن بزرگوار، آقا امام زمان علیه‌السلام بودند که با آمدن و رفتن این چنانی خواستند شعری را که من سروده بودم عملاً به تجلّی درآورده و نشان دهند که در محوطه‌ای که هستیم حاضر شده‌اند و من در نزدیکی ایشان قرار گرفتم امّا حضرتش را نشناختم و ترتیب اثری به حضور مبارکش

ندادم.

آثار قلمی و تألیفات آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانی بیش از هشتاد مورد است که تنها چند جلد آنها به همّت فرزند فاضل ایشان(حاج شیخ مهدی فقیه‌ایمانی) طبع و منتشر گردیده است.

تألیفات ایشان دو دسته عمده است یکی زمینه های مختلف عقیدتی، فقهی، اخلاقی و تاریخی، دیگری تحقیقات و نوشته‌هایی در باره‌ی امام عصر صلوات‌اللّه علیه –

ارتحال و مدفن

تاریخ وفات این عالم جلیل‌القدر در سن حدود هشتاد سالگی و در شب جمعه بیستم ماه ذی قعده سال ۱۳۷۰ه‍.ق. بوده است، قبر شریفش در اتاق شرقی تکیه‌ی کازرونی است.

در تاریخ فوتش مرحوم میرزا حبیب‌اللّه نیّر، میرزا نیّر(متوفی ۱۳۷۹ق.) سروده است:

لهفی لفقدان ذی علم و ناشره‌فقیه مذهب اسلام و ناصره

محمدباقر راوی الاحادیث‌تألیف سبعین جلداً من مفاخره

زد واحداً ایها النّیر تؤرخه‌توقّف العالم من فقد لباقره(۳۹۸)

بر سنگ قبر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر فقیه‌ایمانیچنین نگاشته شده است:

قال الصادق علیه‌السلام خیرالناس من بعدنا من ذاکر بامرنا و دعا الناس الی ذکرنا مرقد شریف عالم جلیل و فقیه نبیل، یگانه موالی و مروّج رسم و آثار اهلبیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مؤلف و نویسنده هفتاد و شش جلد کتاب و رساله‌ی عربی و فارسی بنظم و نثر پیراُمن مسائل علمی و عقیدتی و تاریخی و اخلاقی که بیست و شش جلد آنها در شئوون مختلف حضرت بقیْ‌اللّه الاعظم امام مهدی منتظر عجّل‌اللّه تعالی فرجه اختصاص یافته

مرحوم مغفور جنّت مکان آیْ‌اللّه شیخ محمّدباقر بن شیخ حسینعلی فقیه‌ایمانی بتاریخ ذیقعده سال ۱۳۷۰ه‍.ق. برابر با شهریور سال ۱۳۳۰ ه‍ . ش. دعوت حق را لبیک گفت.

فقیه قمی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی، در قم به دنیا آمد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت. او دخترزاده‌ی آیت‌الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی بود. پس از طی مقدمات و ادبیات، سطوح را نزد آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاـ علی همدانی و حجت‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی صغیر و آیت‌الله میرزا محمد همدانی خواند و خارج «عروه» را از محضر آیت‌الله فیض استفاده نمود و همچنین مدتی از محضر آیت‌الله حایری بهره‌مند شد. وی عمده دروس تحلیلی خود را از محضر آیت‌الله حجت استفاده نمود. بعد از ورود آیت‌الله بروجردی در شمار اصحاب وی درآمد و حدود هیجده سال از محضر بحثهای فقه و اصول ایشان مستفیض شد و دروس معقول را از محضر آیت‌الله سید ابوالحسین رفیعی قزوینی و امام خمینی بهره‌ها برد. او چندین سال در درس فقه آیت‌الله مرعشی نجفی نیز شرکت کرد. از آثارش: «تقریرات» درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) آیت‌الله حجت.[۱]

حاج سید مرتضی فقیه بن العلامه الورع حاج آقا عباس برقعی رضوی قمی از علماء حوزه علمیه و شهرستان مذهبی قم سبط مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا احمد طباطبائی برادر بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی حاج‌آقا حسین طباطبائی قمی و برادر متعلقه حضرت آیت‌الله العظمی آقا شهاب‌الدین مرعشی نجفی مدظله یکی از سه زعیم معاصر حوزه علمیه است.

آن جناب در سال ۱۳۲۱ ق در قم متولد شده و در مهد علم و تقوا پرورش یافته و پس از رشد و طی مقدمات و ادبیات سطوح را نزد مرحوم حجه‌الاسلام آقا شیخ حسین علامه و آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مرحوم حجه‌الاسلام شیخ ابوالقاسم قمی معروف (به صغیر) و مرحوم آیت‌الله میرزا محمد همدانی خوانده و خارج عروه را از محضر مرحوم آیت‌الله فیض استفاده نموده و نیز مقداری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری بهره‌مند شده و عمده دروس تحلیلی خود را از محضر سیدنا الاستاد مرحوم آیت‌الله حجت قدس‌الله سره استفاده نموده و از موقع ورود آیت‌الله العظمی بروجردی نورالله مضجعه در شمار اصحاب آن جناب درآمده و بالغ بر ۱۸ سال از محضر و ابحاث فقه و اصول آن مرحوم کامیاب و مستفیض شده و دروس معقول را از محضر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت‌الله العظمی... موسوی مدظله استفاده نموده و هم چندین سال به درس فقه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله شرکت نموده و در حال حاضر با چند نفر از علماء حوزه حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عباس مستقیم و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا اسماعیل رحمت‌خواه تبریزی و حجه‌الاسلام آقای حاج میرزا حسن غفاری‌نژاد مباحثه کمپانی دارند و ظهرها هم در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام اقامه جماعت دارند.

از نوشته‌های ایشان است: تقریرات درس اصول و فقه (مکاسب و خمس) مرحوم آیت‌الله العظمی حجه طاب ثراه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار الحجه (۱۲۳ –۱۲۲ / ۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۸۲ –۲۸۱)، گنیجینه‌ی دانشمندان (۲۲۰ –۲۱۹ / ۲).

فقیهی، محمدتقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدتقی فقیهی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمدعلی فقیهی فرزند حجهٔ السلام آقا مصطفی فقیهی ازروحانیون محله برزان اصفهان و امام جماعت مسجد امام زاده عبدالله و حسینیه آفاران واقع درخیابان شهیدان. نامبرده نوه دختری مرحوم آیهٔ الله سید علی اصغر ازمجتهدینی که دارای اجازه اجتهاد از آیا ت عظام سید ابوالحسن اصفهانی وآغا ضیاء عراقی ومحمد حسین فشارکی بوده اند. آقای فقیهی داماد مرحوم آیهٔ الله سیدعلی اکبرواعظ است، وی درسادات حسینی که نسب او با ۳۵ واسطه به امام زین العابدین علیه السلام میرسد. وی درسال ۱۳۴۲ شمسی

درخانواده ای با ایمان درشهر اصفهان دیده به دنیا گشود، تحصیلات جدید را دراصفهان گذراند وپس ازاخذ دیپلم درسال ۱۳۶۱جهت تحصیل علوم دینی وحوزوی به شهر مقدس قم هجرت نمود ابتدا درمدرسه علمیه رسالت وپس ازآن درمدرسه امام مجتبی (ع) تحت اشراف آیهٔ الله مکارم شیرازی به تحصیل دروس حوزوی مشغول بود دروس سطح را تا سال۱۳۶۹ به پایان رساند ودرتمام مقاطع تحصیلی ازطلاب ممتاز بود وپس ازآن دردرس خارج فقه واصول مراجع عظام شرکت نمود و مدت ۹سال مؤسسه تحقیقاتی بقیهٔ الله (ع) زیرنظر آیهٔ الله طاهری خرم آبادی دررشته تخصصی فقه واصول اشتغال به تحقیق داشته وچند رساله فقهی واصولی درموضوعات مختلف به رشته تحریر درآورده است. ایشان علاوه برفقه واصول در دروس تفسیر عقائد وفلسفه شرکت نموده ودرکنارتحصیل سالیانی به تدریس دروس مختلف ادبیات عرب (صرف ساده- جامع المقدمات – سیوطی – مغنی – تجزیه وترکیب) عقائد (آموزش عقائد آیهٔ الله مصباح بدایهٔ المعارف الالیه) منطق وفقه (شرح لمعه) واصول (رسا ئل– اصول فقه مظفروحلقات شهید صدر) درمدارس علمیه معصومیه ورضویه وشهیدین مشغول بود. درهنگام تدریس با طلاب صمیمی بود وبا آنها به گفتگو می پرداخت وبرای آنان مشاور مطمئنی درامور درسی وغیر درسی بود. ایشان درکنار تدریس وتحصیل وتحقیق تقریرات دروس آیات عظام فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی رابه رشتهٔ تحریرآورد.

فکری فلاح، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر فکری فلاح

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه شدم و پس از سالهای اولیه تحصیل علاقه مند به پژوهش شدم و در کنار تحصیل به کارهای تحقیقی نیز پرداختم و سرانجام به همکاری با پژوهشگاه علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی و نیز مرکز پژوهشهای اسلامی و نیز به عنوان عضو هیات تحریریه مجله با معارف اسلامی ادامه دادم و این فعالیت علمی و فرهنگی به فضل الهی ادامه دارد و امیدوارم بتوانم منشأ اثری در خدمت به اسلام و مسلمین باشم.

فگار شیرازی، لطفعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۶ ق)، فقیه، اصولی و شاعر، متخلص به فگار. پس از تحصیل مقدمات در خدمت حاجی محمد حسن قزوینی به تکمیل علم فقه و اصول پرداخت و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی در خوشنویسی و سرودن انواع شعر مهارت داشت. در شیراز از دنیا رفت. اثر وی «دیوان» شعر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (۱۳۸۳ -۱۳۸۱ / ۲)، الذریعه (۸۴۴ / ۹)، طرائق الحقائق (۳۴۸ -۳۴۷ / ۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۲ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۱۸)، مرآت الفصاحه (۴۸۳ -۴۸۲)، مکارم الآثار (۱۸۴۵ / ۵).

فلاح تفتی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا فلاح تفتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

پدرم اصالتا اهل یزدند؛ تفت یزد. اما پیش از انقلاب برای تحصیل علوم حوزوی به قم آمدند و چنین شد که من شدم قمی. ابتدایی را در مدرسه خدیوی و راهنمایی را در مدرسه علامه حلی و دبیرستان را در هدایت گذراندم. سال ۷۶ دیپلم ریاضی گرفتم. معدلم ۹۸/۱۸ بود. دبیران مدرسه تشویقم می کردند که دانشگاه بروم .اما من می خواستم در فضای حوزه رشد کنم.فضای خانواده و بویژه شخصیت پدرم مرا شیفته حوزه کرده بود. همان سال وارد حوزه شدم و در مدرسه معصومیه درس را شروع کردم.مقررات مدرسه سرعت بیش از حد را اجازه نمی داد ولی با استفاده از تبصره ها و الحاقیه ها پنج ساله دروس مقدمات را گذراندم و سال ۸۱ وارد دروس سطح شدم. سال ۸۴ هم آخرین امتحان شفاهی پایه ده را دادم و از همان سال وارد دروس خارج شدم که این مقطع هم چنان جاری است.

فلاح زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین فلاح زاده

محل تولد : ابرکوه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ ه.ش دروس حوزوی را در مدرسه علمیه حکیم شیراز که زیر نظر شهید محراب، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب اداره می شد شروع کردم. یک سال بعد به قم آمدم و در مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) که به مدیریت شهید آیت الله قدوسی اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم. دروس سطح را خدمت اساتید محترم آن مدرسه و برخی دیگر از اساتید حوزه به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۹ دروس دبیرستان را به طور جهشی به صورت شبانه در کنار دروس حوزه امتحان دادم و دیپلم اقتصاد گرفتم. پس از دروس سطح، درس خارج فقه و اصول را به مدت بیش از ده سال خدمت اساتید بزرگ حوزه علمیه قم گذارندم. در کنار دروس فقه و اصول، علوم حدیث، منطق و فلسفه و کلام را نیز به طور متداول در حوزه خدمت اساتید این فن فرا گرفتم. از سال ۱۳۵۸ تحقیق، بازنگری، بازنویسی و تدریس احکام دین را به صورت تخصصی آغاز کردم، تمام ابواب فقه را به سبک جدید بازنویسی و تنظیم و دسته بندی کردم و در کنار آن تدریس احکام را در مدارس علمیه قم و برخی از دانشگاهها آغاز کردم که این روش جدید آموزشی مورد استقبال قرار گرفت و در نتیجه، نگاشته های خود را برای استفاده بیشتر علاقه مندان به چاپ رساندم که با عنایت الهی تا کنون بیش از ۲۰ نمونه آن منتشر شده و برخی از آنها در تیراژ بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون نیز به امر تبلیغ و نگارش و نیز تحصیل مسائل دینی مشغول و از خدای بزرگ آرزوی توفیق و قبولی اعمال و حسن عاقبت را دارم. انه ولی التوفیق

فلاح نژاد، عبدالحمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید فلاح نژاد

محل تولد : خرم آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شدم و دروس مقدماتی را همراه با سال سوم راهنمائی شروع کردم درسال ۵۸ به مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد عزیمت کردم. در سال ۵۹ به حوزه علمیه مقدسه قم منتقل شدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال ۶۰ وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بودم سپس وارد درسهای عمومی حوزه شده وتا سال ۱۳۶۸ دوره سطح عالی گذراندم. در سال ۶۸ در درس اصول آیت الله فاضل لنکرانی شرکت کردم و ازسال ۶۹ در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت ۲سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال ۷۲

تاکنون دردرس خارج فقه واصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد۱اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات ۲ تا ۹ اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده بردم. در سال ۷۰ به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال ۷۶ در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده ودر سال ۸۰این دوره را به پایان رساندم ودر حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح ۴حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می باشم. در سال ۸۰ در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسی ارشد شرکت کردم و بارتبه دوم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ این مقطع را به پایان رساندم و پایان نامه ای تحت عنوان مبانی ولایت از دیدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم . از سال دوم طلبگی تدریس دروس مقدماتی را آغاز کردم و در سال ۷۴ در دانشگاه مشغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال ۷۵ در مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم تدریس ادبیات عرب شدم و سپس فقه و اصول را شروع کردم از سال ۸۰ تاکنون نیز دروس سطح عالی حوزه را تدریس می کنم. چند مقاله در موضوعات ارتداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسلامی به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاح، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد فلاح سلوکلائی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۴

زندگینامه علمی

مشخصات فردی: محمد فلاح سلوکلایی ـ تاریخ تولد ۴/۱/۱۳۴۹ ـ شهرستان ساری

سابقه تحصیلات:

از دبستان تا پایان دبیرستان را در شهرستان ساری گذراندم.

سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه معصومیه سلام‌الله‌علیها مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۱ ملبس به لباس روحانیت شدم.

در سال ۱۳۷۲ برای انجام خدمت سربازی به خدمت رفتم و به عنوان مربی عقیدتی ـ سیاسی در پادگان ولی‌عصرعجل‌الله‌فرجه شهرستان ساری مشغول بودم و در سال ۱۳۷۴ مجدداً به قم بازگشتم.

در سال ۱۳۷۹ دروس سطح را تمام کرده و وارد دروس خارج فقه و اصول شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: حجج اسلام موحدی، علیدوست، رضوانی و آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی.

در سال ۱۳۷۸ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس‌سره شده و در رشته حقوق مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ مقطع کارشناسی را به پایان رساندم.

در همان سال در مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی در مؤسسه پذیرفته شده و در سال ۱۳۸۸با معدل کل ۲۱/۱۸ فارغ‌التحصیل شدم. موضوع پایان‌نامه «سازوکارهای نظارت بر حکومت در اسلام و لیبرال‌دموکراسی» بود که با نمره ۲۰ دفاع نمودم و به عنوان دانش‌پژوه ممتاز معرفی شدم.

بعضی از اساتیدی که از محضرشان بهره‌مند شدم: آیت‌الله کعبی، آیت‌الله عمید زنجانی، دکتر کدخدایی، دکتر مکرمی، دکتر راعی.

سابقه کار و فعالیت:

در سال ۱۳۶۶ به جبهه اعزام شدم و نزدیک به شش ماه در جبهه حضور داشتم.

از همان سال‌های آغازین طلبگی برای تبلیغ به شهرستان‌های مختلف و نیز به چند دانشگاه اعزام شدم.

در سال ۱۳۸۶ به مدت دو ماه معاون آموزش مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی بودم. از ۱/۲/۸۷ تا۱/۲/۸۸ نیز به عنوان مدیر آموزش نیمه‌حضوری مؤسسه اشتغال داشتم.

چند سالی هم به عنوان کارشناس در واحد مشاوره معاونت فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه و نیز در مرکز مطالعات فرهنگی حوزه مشغول بوده و به سؤالات مختلف در حوزه حقوق زن، فلسفه احکام، حکومت اسلامی و حقوق و سیاست، پاسخ می‌دادم.

چند ترم هم به تدریس «اخلاق اسلامی» در دانشگاه و نیز «درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام» در طرح ولایت دبیران و دانشجویی مشغول بودم.

مقالات چاپ شده:

حکمت‌های تفاوت قصاص مرد و زن در اسلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۸۵ چاپ شد؛ این مقاله در همایش حقوق زن در دانشگاه مازندران نیز ارائه شد؛

سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی علیه‌السلام. این مقاله در مجله معرفت شماره ۹۳ به چاپ رسید؛

تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن از منظر قرآن و نهج‌البلاغه. این مقاله در شش شماره در هفته نامه پرتوسخن چاپ شد. (شماره‌های ۱۲۵ به بعد).

فلاحتی، احمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدحسین فلاحی

محل تولد : سربند اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم در یکی از روستاهای سربند اراک سپری و در سال ۱۳۶۷ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه اراک و همزمان تا دیپلم تحصیلات را ادامه دادم در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح را در محضر اساتیدی همچون مرحوم شیخ حسن تهرانی، موسوسی تهرانی، بیگدلی ، فقیهی، آل غفور و .... گذراندم و در سال ۱۳۷۶ وارد درس خارج و از محضر حضرات آیات: آیهٔ الله سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، وحید خراسانی و سید احمد خاتمی بهره مند شدم. یک دوره درس خارج اصول را از محضر آیت الله سبحانی و ۸ سال خارج فقه آیت الله مکارم و ۲ سال خارج فقه آقای خاتمی و مدتی کمتر از یک سال هم از محضر حضرات آیات جوادی آملی و وحید خراسانی بهره بردم. در سال ۷۶ همزمان با درس خارج وارد موسسه کلام اسلامی شدم و دوره سطح ۴ را در آنجا سپری کردم و از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله سبحانی و ربانی گلپایگانی بهره مند شدم با فارغ التحصیل شدن از آنجا همزمان با تدوین پایان نامه سطح ۴ دوره تخصصی مذاهب اسلامی و اهمیت اطلاعات بیشتر در سطح ۳ گذراندم و مدت دو سال بعنوان پژوهشگر با مرکز مطالعات حوزه و موسسه مذاهب و موسسه تنظیم آثار امام همکاری داشتم. با دفاع از پایان نامه در سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه پیام نور شدم و با عضویت هیئت علمی تاکنون در استان همدان مشغول فعالیت بوده و از حوزه علمیه همدان هم در سطح حوزه مشغول تدریس می باشم.

فلاحتی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول فلاحتی

محل تولد : صومعه سرا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رسول فلاحتی فرزند معصوم متولد سال ۱۳۴۲ شمسی در یکی از روستاهای شهرستان صومعه سرا در سال ۱۳۵۷ با معدل ۱۷ و اندی در دبیرستان بازرگانی رشت سال اول دبیرستان را سپری کردم و با شروع سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد حوزه مقدسه قم شدم و دوم دبیرستان را در این شهر خواندم البته همراه با دروس حوزه. دروس مقدمات را در مدرسه امام صادق (علیه السلام) به اتمام رسانده و شرح لمعه را نزد حضرات آیات وجدانی فخر قدس سره، اشتهاردی و شب زنده دار و اصول فقه را از آیت الله صالحی بهره بردم. رسائل شیخ اعظم را از استاد آیت الله اعتمادی و مکاسب را از حضرات آیات صلواتی، بنی فضل و دوزدوزانی استفاده بردم. کفایه جلد اول را از آیت الله دوزدوزانی، تبریزی و جلد دوم را از حضرت آیت الله ستوده بهره مند شدم. فلسفه را از حضرات آیات جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کرده ام و درس خارج فقه و اصول را به محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی، تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، باریافته و استفاده کرده ام که بیشتر این ایام در محضر حضرت آیت الله فاضل سپری گردیده است که مباحث خارج حج و اصول ایشان را به عربی به رشته تحریر درآورده ام. حدود سه سال نیز در مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام با اشراف آیت الله العظمی فاضل لنکرانی کار فقهی تخصصی انجام داده ام که حاصل آن طرح مباحثی

پیرامون مسائل مستحدثه حج بود که مجموعه ای بنام نور الفقه تنظیم گردید. از سال ۱۳۶۵ به تدریس سطوح درسی حوزه مانند شرح لمعه و رسائل و مکاسب و کفایه تا کنون مشغول می باشم. البته به صورت خصوصی بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را نیز تدریس داشته ام و هم اینک نیز مشغول تدریس سه کتاب رسائل، مکاسب و کفایه هستم.

فورانی مروزی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۶۳ / ۴۶۱ -۳۸۸ ق)، محدث، فقیه شافعی، اصولی و مصنف. در مرو به دنیا آمد. وی در فقه شاگرد ابوبکر قفال شاشی بود و از او و از علی بن عبدالله تیسفونی حدیث شنید. عبدالرحمان بن عمر مروزی و عبدالمنعم بن ابی‌القاسم قشیری و زاهر بن طاهر و محیی‌السنه بغوی و دیگران از وی حدیث شنیدند. او پیشوای فقهای مرو و شیخ شافعیان بود. وی استاد ابوسعد/ ابوسعید متولی صاحب «التتمه» (یعنی تتمه کتاب «الابانه» که شرح گونه‌ای است بر کتاب استادش) بود. امام الحرمین جوینی در کتاب «النهایه» خویش در باب اذان جمله‌ای در تخفیف فورانی گفته که تمامی علما این مطلب را بر امام الحرمین عیب گرفته‌اند، زیرا که فورانی از ستونهای مذهب به شمار می‌آمده است. او در مرو درگذشت. فورانی دارای مصنفات بزرگ و بسیاری در اصول و خلاف و جدل و ملل و نحل می‌باشد. از آثار وی: «الابانه»، در فقه شافعی؛ «العمده»، در فقه؛ «اسرار الفقه»؛ «کتاب العمل»؛ شرح «الفروع» ابن‌حداد، در مذهب شافعی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۰۲ / ۴)، انساب سمعانی (۴۰۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۶۵ -۲۶۴ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۰۹ / ۳)، الکامل ۱۱۰۸)، کشف الظنون (۱۴۴۱، ۱۲۵۷، ۸۴، ۱)، لسان المیزان (۳۰۳ -۳۰۲ / ۴)، معجم المؤلفین (۹۲ / ۸، ۱۶۹ / ۵)، وفیات الاعیان (۱۳۲ / ۳)، هدیه العارفین (۵۱۷ / ۱).

فهیم، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی فهیم

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب روز چهار شنبه ۱۲/۶/۱۳۳۰هجری در کرمان وارد حوزه علمیه آنجا شدم و مشغول تحصیل علوم دینی گشتم، بعد از مدت ۸ سال با اینکه خودم ادامه تحصیل می دادم روزانه حدود ۵ الی ۶ درس به افراد تازه وارد مجوزه می گفتم پس از ده سال تحصیل و اتمام دوره سطح در سال چهل فوت آقای بروجردی وارد قم شدم در قم به درس مرحوم امام خمینی (ره) داماد، حائری یزدی، و دیگران شرکت می کردم و از آن سال به بعد در قم ماندگار هستم و برای رفاه حال طلاب استان کرمان مدرسه کرمانیها را در قم و سپس مدرسه ای در کرمان تأسیس نمودم که هم اکنون مورد بهره برداری و از بهترین مدارس علمی بشمار می روند...

فهیمی، عزیزالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عزیزالله فهیمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب عزیز الله فهیمی در سال ۱۳۴۰ در بخش خلجستان قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در قم و تهران سپری نمودم و تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در تهران گذراندم. بعد از اخذ دیپلم و خدمت سربازی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام صادق (ع) مقدمات را گذراندم و سطح ۲ و ۳ و ۴ را از دروس آزاد حوزه استفاده کردم که نام اساتید محترم حوزه را در جدول آتی ذکر کرده ام. از سال ۱۳۷۰ مشغول درس خارج شدم و پس از ده سال درس خارج رساله سطح ۴ خود را با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در حوزه علمیه قم تدوین نمودم که این رساله در بهار سال ۱۳۸۵ دفاع گردیده است. همزمان با دروس حوزه از زمان اشتغال به سطح ۳ حوزه وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته حقوق قضایی در سال ۱۳۷۱ لیسانس گرفتم و در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه شهید بهشتی در همین رشته فوق لیسانس گرفته و رساله علمی خود در زمینه ارث اقلیتهای دینی ایران در مقایسه با قوانین اسلام را تدوین نمودم که بعدها به صورت کتاب مستقل چاپ شد. در سال ۱۳۷۷ بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه شهید بهشتی به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه قم مشغول تدریس شدم که منافاتی با تحصیل حوزوی هم نداشت. در سال ۱۳۸۱ برای تکمیل تخصص دانشگاهی وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران شدم و در رشته دکترای حقوق خصوصی مشغول تحصیل شدم که تا کنون ادامه دارد. تا کنون دهها پایان نامه علمی حوزوی و دانشگاهی زیر نظر اینجانب تدوین شده است و دهها مقاله علمی و نشریات معتبر علمی چاپ گردیده است و پایان نامه علمی سطح ۴ اینجانب نیز با عنوان مبانی و قلمرو اصل حجت در معاملات در دست چاپ می باشد. در دانشگاه در رشته حقوق قضایی در سطوح لیسانس و فوق لیسانس در دروس مختلف تدریس داشته ام. در حوزه نیز دروس مختلف فقهی و اصولی مثل لمعه و اصول و مکاسب را تدریس نموده ام.

فیاض سرخه دیزجی زنجانی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۰ -۱۲۸۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مرجع تقلید. در قریه‌ی سرخه دیزج زنجان به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدرش، آخوند ملا محمد سرخه دیزجی، که از شاگردان آخوند ملا علی قارپوزآبادی بود، خواند. سپس به زنجان رفت و متون فقه و اصول را نزد علمای آنجا قرائت کرد، آن‌گاه به تهران آمد و معقول را در محضر میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی و فقه و اصول را در محضر آیت‌الله میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگران فراگرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. سپس به نجف مهاجرت کرد و نزد علمای آنجا، و به طور عمده در محضر آقا شیخ هادی تهرانی، تلمذ کرد. پس از درگذشت علامه تهرانی در ۱۳۲۶ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت، و مرجع تقلید مردم آن دیار شد. وی در زنجان درگذشت و در مقبره‌ی آخوند ملا علی قار پوزآبادی دفن شد.از آثارش: «کتاب الاجاره»؛ کتاب «الخمس»؛ کتاب «الزکاه»؛ «ذخایر الامه»؛ رساله در «ماهیت وجود»؛ تقریر بحث استادش علامه تهرانی؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۲۲ / ۱)، علماء معاصرین (۱۸۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۱ / ۵).

فیاضی، غلامرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامرضا فیاضی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀالاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی در سال ۱۳۲۸ در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج اسدالله، به بنایی اشتغال داشت و از همان راه روزگار می‌گذراند. حجۀالاسلام والمسلمین فیاضی پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب خانه فرا گرفت، با پدر خود به بنایی ساختمان میرفت. در یکی از روزها که با پدر خود به منزل روحانی جلیل القدری برای تعمیر ساختمان رفته بود، مورد عنایت آن روحانی جلیل‌القدر قرار گرفت و با عنایت او و رخصت پدر به امر اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را نیز در نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه‌ای که بعدها خود به تدریس آن دروس

رو آورد و درس او در زمره بهترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجهٔالاسلام والمسلمین فیاضی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجستهٔ بسیاری شرفیاب شد. او جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ محمد حسن قاضی‌زاده که همانا مشوق اصلی او برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین باکویی امام جمعه فریدون کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیهٔالله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجهٔالاسلاموالمسلمین باکویی و مختصر را نزد آیهٔالله دوزدوزانی و معالم را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین فاضل هرندی خواند و سپس به دروس لمعه آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری رفت. استاد او در رسائل آیهٔالله العظمی نوری همدانی و آیهٔالله مؤمن، در مکاسب آیهٔالله شیخ علی پناه اشتهاردی و آیهٔاللهالعظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیهٔالله العظمی نوری همدانی و آیهٔالله العظمی فاضل لنکرانی بود. وی از سال ۵۱ به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات آیات آقایان گلپایگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیهٔالله گرامی، بدایه را نزد آیهٔالله جوادی آملی، نهایه را نزد آیهٔالله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیهٔالله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین او تمهیدالقواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیهٔالله جوادی آملی آموخت. از دوستان او در سالهای تحصیل، حجهٔالاسلام والمسلمین غروی را می‌توان نام برد. حجهٔالاسلاموالمسلمین فیاضی در سالهای متمادی و ازسالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه‌ای داشت. او در دروس مختلف دورهٔ مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهایه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی از ویژگیهای اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از حجهٔالاسلاموالمسلمین فیاضی تعلیقه‌ای بر نهایهٔ الحکمه علامه طباطبایی به چاپ رسیده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه امام خمینی (ره) می پردازد.

فیروزآبادی شیرازی نجفی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه اصولی و عالم امامی. پدرش از مراجع تقلید و فقهای بزرگ نجف بود، که بسیاری از مراجع دوره‌ی بعد از او افتخار شاگردی وی را داشتند. سید مرتضی در نجف به دنیا آمد و نشوونما یافت. سطوح را از محضر آیت‌الله میرزا علی ایروانی، صاحب حاشیه بر «مکاسب»، و آیت‌الله میرزاابوالحسن مشکینی،صاحب حاشیه بر «کفایه»، و آیت‌الله شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. بعد از فوت آن استاد به تدریس فقه و اصول در سطح و خارج پرداخت و شاگردانی را تربیت نمود.در ۱۳۹۱ ق، به قم مهاجرت و به تدریس خارج فقه و اصول و تألیف و تصنیف کتب علمی اشتغال ورزید.از آثارش: «فضائل الخمسه من الصحاح السته من الکتب العامه»، در سه مجلد؛ «السبعه من السلف من الکتب العامه»، در مطاعن هفت نفر از صحابه؛ «عنایه الاصول»، در شرح «کفایه»،در شش جلد؛ «الفروع المهمه فی احکام الامه»، در سه مجلد؛ «خلاصه الجواهر مع البیان الظاهر»، متن و شرح «منتخب المسائل» از اول طهارت تا آخر زکوه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه دانشمندان (۱۲۴ / ۶، ۲۲۵ -۲۲۴ / ۲).

فیروزآبادی شیرازی، جمال‌الدین، ابواسحاق ابراهیم

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۷۶ -۳۹۳ ق)، فقیه اصولی شافعی، محدث، متکلم، مدرس، عارف و شاعر. در فیروزآباد فارس به دنیا آمد. از ابوعبدالله بیضاوی و عبدالوهاب بن رامین در شیراز و از خزری در بصره فقه آموخت. در ۴۱۵ ق به بغداد رفت و در آنجا ساکن و ملازم قاضی ابوطیب طبری شد و از او بهره‌ها برد تا در فقه سرآمد شد. او از ابوعلی حسن بن شاذان و ابوبکر احمد برقانی و محمد بن عبیدالله خرجوشی حدیث شنید. آنگاه در بغداد و همدان و نیشابور حدیث گفت. او مرجع دانش‌پژوهان و مفتی امت در زمان خود بود و توانمندی او در جدل و مناظره مشهور همگان. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوالولید باجی و حمیدی و اسماعیل ابن سمرقندی و ابوبدر کرخی و زاهد یوسف بن ایوب و ابونصر احمد بن محمد طوسی و ابوالحسن بن عبدالسلام احمد بن سهل مسجدی و ابوبکر فارمذی و شیب بن حسین بروجردی از وی حدیث شنیدند. احمد بن نصر بن حمان همدانی آخرین کسی است که از وی روایت کرده است. فیروزآبادی معاصر امام الحرمین و ابوالقاسم قشیری بود. خواجه نظام‌الملك وزیر مدرسه نظامیه‌ی بغداد را در ۴۵۹ ق برای وی بنا کرد و او اولین مدرس آنجا بود. وی در بغداد درگذشت و خلیفه مقتدای عباسی بر پیکرش نماز خواند و در باب ابرز دفن شد. به روایتی او مدفون در شیراز است. از آثار وی: «التنبیه فی فروع الشافعیه» و «المهذب فی الفروع»، در فقه شافعی که از کتابهای مهم در این زمینه است؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اللمع» و «شرح اللمع»، در اصول فقه؛ «المعونه فی الجدل»؛ «التبصره»؛ «الملخص» یا «التلخیص»؛ «النکت فی علم الجدل»؛ «تذکره المسؤلین فی الخلاف بین الحنفی و الشافعی»؛ «الطب الروحانی».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۵ -۴۴ / ۱)، انساب سمعانی (۴۱۸ -۴۱۷ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۴، ۲۳۸ -۲۳۷ / ۲)، روضات الجنات (۱۸۱ -۱۷۹ / ۱)، ریحانه (۱۲ -۱۱ / ۷)، سیر النبلاء (۴۶۵ -۴۵۲ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۱ -۳۴۹ / ۳)، صفه الصفوه (۲۸۰ / ۲)، الکامل (۱۳۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۱۲، ۱۸۱۸، ۱۷۴۳، ۱۵۶۲، ۱۱۰۵، ۱۱۰۰، ۴۸۹، ۳۹۱، ۳۳۹)، الکنی و الالقاب (۸ -۷ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابواسحاق شیرازی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۴۶ -۴۲ / ۱۹)، معجم البلدان (۴۳۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۶۹ - ۶۸ / ۱)، النجوم الزاهره (۱۱۶ / ۵)، الوافی بالوفیات (۶۶ -۶۲ / ۶)، وفیات الاعیان (۳۱ -۲۹ / ۱)، هدیه العارفین (۸ / ۱).

فیض، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی فیض

محل تولد : لاهیجان

شهرت : فیض گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـۀ الله محمـدعلی فیض گیلانی در سال ۱۳۰۳ هجری شمسـی در یکی از روسـتاهای لاهیجـان و در میان خانواده‌ای متـدیّن به دنیا آمـد. پـدرش دروس حوزوی را تـا لمعتین به پایـان رسانیـده بود و به دلیـل عـارضه لکنت زبـان، به کار کشاورزی می‌پرداخت و از همـان راه روزگـار می‌گذرانـد. او که به اخلاـص و پرهیزگـاری مشـهور بـود مـورد اعتمـاد مردم روسـتا و مرجـع حـل مشـکلات و اختلافات آنان بود. اسـتاد فیض گیلانی تحصـیلات خود را از مکتب خانه شروع کرد و پس از به پایان بردن آن به دبستان رفت. در دبسـتان به دلیـل هوش سـرشار و توانایی بسـیار، مورد اسـتقبال معلمان قرار گرفت و با تصـمیم آنان تحصـیلات خود را از سال سوم دبستان آغاز کرد. او سه سال نیز به دبیرستان رفت و پس از آن به تحصیل علوم حوزوی رو آورد. او که تحصیلات حوزوی خود را در سال ۱۳۲۲ آغاز کرده بود، در مـدت کوتاهی دروس مقـدمات را به پایان رسانیـد و در محضـر اسـتادان بزرگواری دروس دوره سطـح را پی گرفت و پس از اتمام سـطوح عالی به درس خارج اسـتادان مشـهور آن روزگار راه یافت. او در سالهای تحصـیل خود، همواره در دروس اخلاـق شـرکت جـدی داشت و می‌کوشـید علم خود را بـا عمـل درهم آمیزد و نیز به مطالعه کتابهای جنبی علاقۀ بسـیار داشت. اسـتاد فیض در سالهای تحصـیل خود به محضـر عالمان بسـیاری راه یافت. او مطوّل را در محضر شهید آیۀ الله مطهری (ره) و سـیوطی را نزد شیخ اسدالله اصفهانی آموخت. شرح لمعه را در محضر شهید آیۀ الله صدوقی (ره) و شیخ حسن علی اصفهانی فرا گرفت. دروس رسائل و مکاسب و کفایه را نیز در نزد آیۀ الله سلطانی طباطبایی (ره) که از استادان بنام آن روزگار بود آموخت. با پایان یافتن دروس سـطح و نیز اندکی پیش از آن، به درس خارج آیۀ الله العظمی بروجردی (ره) رفت و همزمان در دروس خارج امام خمینی (ره) نیز شـرکت داشت. اسـتاد اصـلی او در دروس خارج امام (ره) بود؛ اما با تبعیـد آن مرجع حماسه آفرین، وی مجبور شـد در دروس دیگر شـرکت کنـد که از جمله آنان درس آیـۀ الله العظمی محقق(ره) بود. اسـتاد فیض، در طی این سالها در دروس اخلاـق امـام خمینی (ره) شـرکت جـدّی داشت و بـا بسیاری از فضـلای آن روزگار، رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجـۀ الاسـلام و المسـلمین امینیان ـ امام جمعه آسـتانه اشـرفیه است. اسـتاد فیض گیلانی در سالهای عمر پربرکت خود، خدمات فرهنگی بسـیاری را به انجام رسانیده است، از جمله آن می‌توان به ساخت چند مسجد در مناطق محروم اشاره کرد که خود باعث تحولات عظیمی در آن مناطق شـد، او پیش از انقلاب و پس از آن در ایام حـجّ در بعثه امام (ره) خدمات بسـیاری را برای حجّاج فراهم آورده و در ساماندهی امر حجّ و آشـنایی واقعی با احکام و اهداف آن نقش مهمی را ایفا کرده است. او سالهـا در دانشـگاهها به تـدریس علوم و معـارف اسـلامی می‌پرداخته، و مـدتی نیز نماینـده امام (ره) در دانشـگاه الزهرا(س) بوده است. اسـتاد فیض چنـد کتـاب تـألیف نموده که هنوز به چاپ نرسـیده است؛ از جمله آنان تاریـخ و زنـدگی عالمان لاهیجان است. اسـتاد فیض گیلاـنی در سالهـای حکـومت خانـدان پهلـوی، فعالیتهـای مبـارزاتی بسیاری را بـه انجـام رسانیـده است. او که خـود از شاگردان امام (ره) بود همچون دیگر شاگردان آن مرجع بزرگ و نیز همچون مردم ظلم ستیز ایران در مبارزات و تظاهرات بسـیاری شرکت کرده است. او در زمـان رژیم طاغوت منزلی را که در قم به تازگی خریـده بود، به درخواست اطرافیان امام (ره) در خـدمت امام (ره) قرار داد. این قضـیه، مدتی پس از تبعید امام(ره) به تهران بود. فعالیتهای سیاسی استاد فیض به پیش از انقلاب محدود نشد. وی پس از انقلـاب نیز در عرصه‌هـای گونـاگونی به خـدمت پرداخت. او در طول سالهـای دفـاع مقـدس، بارهـا در جبهه‌های جنگ حضور یافت و ضمن تبلیغ مبانی اعتقادی اسلام، انگیزه و شعف رزمندگان را دو چندان می‌ساخت.

قابل، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قابل

محل تولد : تربت جام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۵

زندگینامه علمی

مختصر از زندگی علمی و سیاسی آقای هادی قابل (جامی) در پنجم تیرماه ۱۳۳۴ شمسی در خانواده مذهبی و روحانی متولد شد. پدر ایشان از علمای مشهد مقدس و امام جمعه شهرستان فریمان بود. در سال ۱۳۴۹ پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی وارد حوزه علمیه مشهد شد. دروس مقدماتی تا شرح لمعه را در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی گذراند. سپس با هجرت به قم تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. اساتید ایشان در ادبیات، حضرات آیات و حجج اسلام حجت هاشمی، رضوانی، ذاکری، اسلامی (در مشهد مقدس) و منطق، شرح نظام و منظومه، واعظی، آقا شیخ یحیی انصاری، نعیم آبادی و در اصول، شهید حاج شیخ عباس شیرازی، احمد بهشتی، دوزدوزانی، ستوده، موسوی تهرانی، سید علی محقق و در فقه، فاضل هرندی، علوی گرگانی، ستوده، دوزدوزانی، طاهری خرم آبادی و در خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: منتظری، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، موسوی اردبیلی و یوسف صانعی بوده اند. همچنین از محضر اساتید بزرگوار، مشکینی، جوادی آملی، شهید حقانی و... دروس تفسیر قرآن، اخلاق و فلسفه را فرا گرفت. از آغاز طلبگی با مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آشنا شد. از سال ۱۳۵۳ که منبر و تبلیغ را آغاز کرد به بیان اندیشه های امام و مبارزانی همچون مرحوم طاقانی، آیت الله منتظری، بازرگان و شریعتی پرداخت. در خرداد سال ۱۳۵۴ در مدرسه فیضیه پس از مضروب شدن، توسط مأموران گارد دستگیر و روانه زندان اوین شد. سپس به سربازی اعزام گردید که تا سال ۱۳۶۵ ادامه یافت. پس از مراجعه مجدد به حوزه علمیه و ادامه تحصیل، مبارزات خود را با جدیت بیشتری پیگیری کرد. در زمان اوج گیری مبارزات ملت ایران در سالهای ۵۶ و ۵۷ در شهرهای قم، نایین، تربت جام، فریمان و مشهد، هم پای ملت بزرگ ایران در تمامی صحنه ها حاضر بود.

قاسملو خویی، یعقوب

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یعقوب قاسملو خویی

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

حقیر در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی متولد شدم وپس از دوران کودکی در مدرسه بابالو شهانق تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را به اتمام رساندم با توجه به اینکه در سوم راهنمایی شاگرد ممتاز شده بودم برادرانم پشنهاد دادند که در رشته ریاضی فیزیک مشغول تحصیل شوم ولی برادر بزرگم چون فنی بود و در رشته برق استاد بود به من گفت که در هنرستان شهید رجایی خوی مشغول تحصیل شوم بنده نیز حرف او را گوش دادیم و در رشته برق در هنرستان مشغول شدم و در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دیپلم فنی شدم با توجه به اینکه برادرم در سال ۱۳۶۴ به فیض شهادت نایل شده بود و مادر مرحومه ام همیشه به من می گفت که تو باید راه برادرت را ادامه بدهی این فرمایش او همیش در ذهنم بود وهنوز هم هست. باعث شد که ما جذب حوزه علمیه بشویم ابتدا تا پایه ششم در حوزه علمیه تبریز مشغول تحصیل شدیم از اساتید بنده در تبریز می توانم حجه الاسلام والمسلمین پور محمدی و حجه الاسلام وثوقی را نام ببرم که هردو آدمهای اخلاقی و ملایی بودند. سپس در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان در دانشگاه مفید مشغول تحصیل در رشته فلسفه محض شدم و دانشگاه از محضر اساتیدی همچون حجج الاسلام دیوانی، انتظام، کاملان و ادیب بهره های فراوانی بردم و در رسائل و مکاسب از محضر استاد بزرگوار حجه الاسلام ولمسلمین محمد باقری شاهرودی بهره بردم و کفایه را نیز از محضر آیت الله اعتمادی بهره بردم سپس در سال ۱۳۸۵ به قصد تبلیغ در وزارت دفاع مشغول شدم همزمان در درس خارج فقه حضرت آیت الله خامنه ای و در خارج اصول حضرت آیت الله شاهرودی به مدت دو سال استفاده های معنوی و علمی بردیم و با توجه به اتمام ماموریت در وزارت دفاع به قم باز گشتم و به امر تبلیغ و تالیف و تحصیل مشغول هستم اینجانب دارای تالیفات زیر می باشم. ۱. دین و آزادی ۲. طبیب عاشقان (خاطرات و اشعار علامه طباطبایی) ۳. فروغ دانایی (خاطرات علامه جعفری) ۴. خلاصه الغدیر ۵. گامی به سوی تدوین منشور وحدت اسلامی ۶. مقاله در زمینه اشعار علامه طباطبایی در کتاب مرزبان وحی چاپ د فتر تبلیغات اسلامی.

قاضی القضاه همدانی اسدآبادی، ابوالحسن، ابوالحسین عبدالجبار

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۱۵ / ۴۱۴ ق)، عالم امامی، قاضی، متکلم، مفسر، فقیه شافعی و اصولی معتزلی. وی شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب قاضی القضات ملقب ساخته بودند. از علی بن ابراهیم بن سلمه قطان قزوینی و از عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی در اصفهان استماع حدیث کرد و همچنین از زیبر بن عبدالواحد اسدآبادی حفاظ و عبدالرحمن بن حمدان حدیث شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آن جا حدیث گفت. ابوالقاسم تنوخی و حسن بن علی صیمری فقیه و ابویوسف عبدالسلام قزوینی مفسر و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. او از استادان سیدرضی و با یک واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره‌ی شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر و اصحاب جمل مشهور است که در پایان مفید را به جای خود بر مسند نشاند و گفت حقا که تو مفیدی. او به دعوت صاحب بن عباد و وزیر از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همان جا نیز درگذشت. مصنفات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است و گویند که هزاران ورق بوده است. از آثار وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»؛ «علم الکیمیا»؛ «العمده فی اصول الفقه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «دلائل النبوه»؛ «امال» یا «الامالی»، در حدیث؛«طبقات المعتزله»؛ «المجتبی فی القراآت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الاعلام (۴۷ / ۴)، انساب سمعانی (۱۳۷ -۱۳۶ / ۱)، ایضاح المکنون (۴۳۰ / ۲ ،۴۷۸، ۳۲۹ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۹ ،۲۷۹ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۱۵ -۱۱۳ / ۱۱)،روضات الجنات (۱۸ -۱۶ / ۵)، ریحانه (۴۱۶ -۴۱۵ / ۴)، سیر النبلاء (۲۴۵ - ۲۴۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۰۳ -۲۰۲ / ۳)، العبر (۲۲۹ / ۲)، الکامل (۳۱۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۱۰۷)، الکنی و الالقاب (۵۳ / ۳)، لسان المیزان (۲۱۳ -۲۱۱ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالجبار)، معجم المؤلفین (۷۹ -۷۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۴ -۳۱/ ۱۸)، هدیه العارفین (۴۹۹ -۴۹۸ / ۱).

قاضی زاده، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

کاظم قاضی زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد و در سال ۱۳۵۶ (۱۶ سالگی) به دانشگاه و در رشته فیزیک مشغول تحصیل شـد. همراه بـا انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه قم آمـد دروس سطح را نیز در حدود شش سال فرا گرفت و ازسال ۱۳۶۶ به درس خارج اساتیـد حوزه حاضر شـد. وی تا سال ۱۳۸۰ (به مـدت ۱۵ سال) از دروس خـارج حـوزه بهره برد. اهـم اساتیـد وی به ترتیب استفاده زمانی بیشتر عبارتند از: آیت الله تبریزی، آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله منتظری، آیت الله سید محمود هاشمی، آیت الله جوادی آملی (در تفسیر)، آیت الله سید موسی شبیری، آیت الله محمـد فاضـل لنکرانی و آیت الله وحیـد خراسانی. گرچه وی اقدامی جهت اخـذ مـدرک رسمی از حوزه علمیه نکرده است اما در امتحان کتبی و شفاهی مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷ که در سطح تاییـد تجربی در اجتهاد داوطلبان شرکت و در نامزدی مجلس خبرگان رهبری برگزار می شـد شرکت کرده و با درجه عالی موفق به قبولی در امتحانات مربوطه شـد. وی درسال ۱۳۷۱ همزمان با تحصیلات فردی در دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس قم تحصیل کرد و با ادامه آن در مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث در این رشته نیز موفق به اتمام شد. اهم فعالیتهای علمی وی تدریس در حوزه و دانشگاه بوده است. از سال ۱۳۶۰ تـدریس حوزوی را با تدریس ادبیات و منطق شروع کرد و در ادامه با تدریس فقه و اصول ادامه داد. در آغاز مدارس رضویه و رسالت محل تدریس وی بود ولی در سطوح عالی حوزه در مدرسه آیت الله گلپایگانی، مسجد امـام زین العابـدین و مـدرسه آیت الله بروجردی مشغول به تـدریس بوده و هست. هم اکنون پنـج سال است که به تـدریس خـارج فقه اشـتغال دارد. از سال ۱۳۸۰ نیز تـدریس در دانشگاه را آغـاز کرد و هم اکنون در مقـاطع دکتری و کارشناسـی ارشـد به تدریس تفسیر و علوم قرآن، حدیث و رجال نیز اشتغال دارد.

قاضی زاهدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم قاضی زاهدی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابراهیم فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا علی قاضی زاهدی متولد سال ۱۳۳۳ شمسی تحت تربیت والد معظم پرورش یافته پس از خواندن دروس ابتدائی و اولیه در گلپایگان برای تحصیل علوم دینیه در سال ۱۳۴۹ شمسی به قم هجرت نموده و مقدمات و سطوح وسطی را در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در خیابان تهران نزد جمعی از فضلاء و علماء خوانده و بعد از چند سال به مدرسه خان مدرسه آیت الله العظمی مرحوم بروجردی قدس سره رفته و سطوح نهائی فقه واصول را از آیات عظام و حجج الاسلام مرحوم آیت الله ستوده اراکی و سید ابوالفضل موسوی نیریزی (ره) و صلواتی و فاضل لنکرانی و نوری همدانی و سبحانی به تکمیل رساندم و سپس شرکت در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره و مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی قدس سره و نجفی مرعشی تا پایان عمر شریفشان از ابحاث فقهی مستضعفین و اکنون از دراسات آیت الله وحید خراسانی مدظله العالی استفاده و تقریرات ایشان را به رشته تحریر در آورده و از غالب نامبردگان اجازات روایتی و غیره دریافت نموده و اکنون به عنوان یک واعظ نامی کشور در اکثر شهرهای ایران منبر می روم و مورد تشویق مؤمنین در مجالس سنگین ادای وظیفه اسلامی نمایم و از طریق منبر و خطابه خدمات ارزنده و چشمگیری نموده چند سالی هم در یکی از حجرات صحن تدریس لمعه و مکاسب داشتم و کتابهای خطی نوشتم که امید است بتوانم آنها را به چاپ برسانم.

قاضی طباطبایی، باقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۶ -۱۲۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. در تبریز به دنیا آمد و مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علمای زادگاهش همچون آقا میرزا محمود اصولی و حاج میرزا محمدعلی قراجه‌داغی و آقا سید علی یزدی تحصیل کرد. در ۱۳۰۸ ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات عالیات رفت و در محضر میرزای بزرگ شیرازی در سامراء حضور یافت، سپس وارد نجف شد و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل شرابیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی و آخوند ملا اسماعیل قراباغی شرکت کرد. درس اخلاق را نزد آخوند ملا حسینقلی همدانی فراگرفت. سرانجام به تبریز بازگشت و بعد از چند سال اقامت به نجف عودت نمود و از درس و بحث آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی استفاده کرد، تا در

۱۳۲۴ ق به تبریز مراجعت نمود. به مدت چهل سال در نهایت عزت و احترام به خدمات دینی مشغول بود. قاضی طباطبائی از آیت‌الله علامه‌ی یزدی و فاضل شرابیانی اجازه‌ی اجتهاد داشت و از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی روایت می‌کرد. وی در تبریز وفات یافت و در قم دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری، به نام «مخزن الفوائد فی حاشیه الفرائد»؛ «الدرر الغرویه فی الفوائد العلمیه»؛ حاشیه بر «فصول الاصول»؛ «التقریرات» اساتیدش: میرزای رشتی، سید یزدی طباطبائی و شیخ الشریعه اصفهانی؛حواشی بر «مکاسب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۳۴ –۵۳۳ / ۳)، الذریعه (۲۲۸ / ۲۰ ،۱۲۸ / ۸ ،۱۶۵ / ۶ ،۳۷۱ / ۴)، ریحانه (۴۰۵ –۴۰۴ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷ / ۱۴)، علماء المعاصرین (۲۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۶ –۳۲۵ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی)، معجم المؤلفین (۳۶ / ۳).

قاضی عسکر، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی قاضی عسکر

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۳/۵

زندگینامه علمی اینجانب سید علی قاضی عسکر در روز پنجم خرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و سه شمسی برابر با ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۷۳ هجری قمری در یک خانواده مذهبی در خیابان مسجد سید اصفهان متولد شدم. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان جعفری وابسته به تعلیمات اسلامی که در محله بیدآباد اصفهان واقع شده بود سپری کردم و دوره راهنمائی را نیز در مدرسه احمدیه که مدیریت آن را یک نفر روحانی به نام حجت الاسلام آقای سید ابوالحسن بدری بعهده داشت گذراندم. پدرم آقای حاج سید مصطفی قاضی عسکر که کارمند کارخانه صنایع پشم اصفهان و از مقلدان حضرت امام خمینی (ره) بود بسیار علاقه داشت تا یکی از فرزندان خود را به حوزه فرستاده تا دروس حوزوی بخواند، از این رو در سن ۱۵ سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و جامع المقدمات را آغاز کرده از اساتید بزرگوار آن حوزه بهره مند شدم. سپس با گذشت یک سال به دلیل آوازه و شهرتی که قم داشت تصمیم گرفتم به قم آمده و در حوزه کهن قم ادامه تحصیل دهم در قم به ترتیب در مدرسه مومنیه واقع در خیابان چهارمردان، مدرسه آیت الله نجفی مرعشی واقع در خیابان ارک قم، مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه سکونت داشتم. دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگواری از جمله مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کافی اصفهانی، مرحوم شهید حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن بهشتی طاب ثراه امام جمعه موقت اصفهان پس از انقلاب که به دست منافقین به شهادت رسیدند، حجت الاسلام و المسملین آقای حجازی اصفهانی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای یحیی سلطانی و ... فرا گرفتم. سپس به درس مرحوم آیت الله ستوده، آیت الله خزعلی، آیت الله انصاری شیرازی حاضر شدم و مکاسب را در درس آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی و کفایه را در محضر حضرت آیت الله فاضل لنکرانی بهره گرفتم. و سپس در دروس خارج آیت الله

فاضل لنکرانی، آیت الله منتظری، آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی حاضر شده سالها از محضر این اساتید بهره مند شدم در دروس تفسیر و اخلاق از محضر آیت الله مشکینی استفاده کردم در دروس تخصصی مرحوم شهید آیت الله مرتضی مطهری که در مسجد ارک قم برگزار میشد شرکت داشتم و بخشی نیز از محضر آیت الله جوادی آملی استفاده کرده ام و بر اساس تاییدیه مکتوبی که از اساتید بزرگوار و اعزه همچون حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت الله سبحانی، حضرت آیت الله خاتم یزدی، حضرت آیت الله محمد حسن قدیری و ... دارم بیش از ده سال از دروس خارج حوزه استفاده کردم. بنده از ابتدای تکلیف مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودم و از آنجا که پدرم درحادثه ۱۵ خرداد در قم حضور داشت و شاهد حمله کماندوهای رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و شهادت و مجروحیت طلاب و روحانیون حوزه علمیه بود و با روحانیون مبارزه و تلاشگر مانوس بود بطور طبیعی اینجانب از همان سال اول تحصیل با قیام حضرت امام همراه شدم، در همان سال اول طلبگی در مدرسه ملا عبدالله گاهی شبها نوارهای کاست که از نجف ارسال شده بود را همراه با تنی چند از طلاب آن روز مدرسه که حاوی سخنرانیهای امام خمینی (ره) بود استماع و در توزیع اعلامیه های ایشان مشارکت داشتم، و پس از آنکه به قم آمدم این فعالیتها ادامه یافت و با اکثر چهره های انقلابی حوزه آشنا و همراه شدم.

قاضی، علی آقا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجهٔ الحرام سال ۱۲۸۲هـق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.

در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.

درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.

یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می شود، می گویند:

« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مراوده دارند. » تحصیلات سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.

پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجهٔ الاسلام» و متخلص به « نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می خواند.

ایشان در سال ۱۳۰۸هـق. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد.

آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال ۱۳۳۰هـ ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید

ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرابیانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد.

آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می کند:

« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می کرد و او را به نیکی نام می برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می شد به او حالت بهت و سکوت دست می داد و غرق تأملات و تفکرات می شد! »

ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی(ره) بودند.

درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست ۳۰۰ نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ... .

سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می رسد.

آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحدالعین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء أبرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.

آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می فرماید:

« شبی از شبها را به مسجد سهله می گذارنیدم- زاده الله شرفاً- به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید. »

آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:

« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:

قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا

هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! » درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شربیانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. جامعیت علمی

آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:

« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقاهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »

آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:

کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!

مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند سراینده این شعر عجمی(غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی(ره) به ایشان می گوید:

من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند: « این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث» گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان

آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:

آیت الله شیخ محمد تقی آملی(ره)

آیت الله سید محمد حسین طباطبائی(ره)

آیت الله سید محمد حسن طباطبایی(ره)

آیت الله محمد تقی بهجت فومنی(حفظه الله)

آیت الله سید عباس کاشانی(حفظه الله)

آیت الله سید عبد الکریم کشمیری(ره)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب(ره)

آیت الله علی اکبر مرندی(ره)

آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی

آیت الله علی محمد بروجردی(ره)

آیت الله نجابت شیرازی(ره)

آیت الله سید محمد حسینی همدانی

آیت الله سید حسن مسقطی(ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری(ره)

حاج سید هاشم حداد(ره)

و ... در پی محبوب

ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.

ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.

می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.

چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!

خود ایشان می گوید:

« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقیّد تام به آداب شرع

برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:

« قاضی که این قدر خود را مقیّد به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »

و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.

یکی از مخالفین ایشان می گوید:

« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »

خود ایشان می گوید:

« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »

و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:

« اذا تقرب الیّ شبراً تقربت الیه ذراعاً:

و هرگاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»

این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.

« او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید! »

و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:

« اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، وگرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آ برایت فوران می کند. »

آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:

« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. » صبر و استقامت چهل ساله

بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:

و لا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج

والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج

اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.

و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.

و می گوید:

« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم. »

اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد. »

و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:

« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون:

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه ۳۰ ». فتح باب

آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از

عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.

در راه سیّد ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سیّد علی، سیّد علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.

آیت الله نجابت می گوید:

« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »

آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.

می گوید:

« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. ابن فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »

« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »

آیت الله نجابت نقل می کند:

دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:

« ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت

به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد.

مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.

ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:

« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »

و دائم با خود تکرار می کند:

گفت من مستقی ام آبم کشد

گر چه می دانم که هم آبم کشد

طبیبش به وی می گوید:

« آقا من طبیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی ۳-۲ لیوان آب بخورید. »

و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:

« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »

لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای عارف است.

آیت الله کشمیری می فرمودند:

هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:

« این دارد می رود. »

و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.

باز آیت الله کشمیری فرمودند:

« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم خیلی مقام والایی دارد. »

سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:

« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان ۲۰ ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم متوجه نمی شود که جریان چیست.

ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.

پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.

آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.

من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »

او که عمری با عشق و سر سپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد.

آیت الله بهجت می فرمودند:

« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولیّ الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان

مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استادم مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:

« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.

مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی

استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قافی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین قافی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۴ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم و از سال ۶۵ به همراه خانواده به شهر یزد عزیمت نموده و تحصیلات خود را تا سال ۷۲ در حوزه علمیّه آن شهر ادامه دادم و اکثر دروس صرف و نحو و معانی و بیان و دوره مقدّماتی فقه و اصول را نزد اساتید مبرز حوزه یزد گذراندم در کنار تحصیلات حوزوی از سال ۶۸ به صورت متفرقه در امتحانات دوره متوسطه شرکت کرده و در سال ۷۲ موفّق به اخذ دیپلم علوم انسانی گردیدم. در همان سال در کنکور سراسری دانشگاه شرکت نموده و در همان سال در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی تهران و نیز رشته های حقوق و فلسفه دانشگاه مفید قم (به صورت نیمه متمرکز) پذیرفته شدم. در نتیجه از بهمن ماه ۷۲ به قم مراجعت نموده و همزمان با تحصیلات حوزوی در رشته حقوق دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و دوره لیسانس را ظرف سه سال و نیم به پایان رساندم. قابل ذکر است که کلاسهای دانشگاه نوعا عصرها برگزار می گردید و صبح ها به دروس حوزوی اشتغال داشتم. در سال ۷۶ پس از اخذ مدرک لیسانس در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته حقوق خصوصی دانشگاه مفید پذیرفته شدم و در سال ۷۹ موفّق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد گردیم. از سال ۷۴ تا کنون در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، شبیری، سبحانی و قافی یزدی (ابوی محترم) دامت برکاتهم شرکت داشته ام. از الطاف بزرگ خداوند نسبت به اینجانب، این بوده که در تمام مراحل تحصیلی جزء ممتازین بوده ام به گونه ای که موفّق به احراز رتبه اول پایه دهم حوزه و نیز رتبه اول فارغ التحصیلان رشته حقوق دانشگاه مفید (سال ۷۶) گردیدم. در حال حاضر چندین سال است که به پژوهش و تحقیق در زمینه مسائل حقوق، فقهی و اصولی و نیز تدریس در این زمینه ها اشتغال دارم و با مراکز پژوهشی و آموزشی همچون پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بنیاد دائره المعارف اسلامی، دانشگاه یزد و دانشگاه قم همکاری دارم.

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۳۰- شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را

همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملاـ عبدالحسین قاینی و نجف بن علی‌اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خمسه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۴ / ۲)، بزرگان قائن (۹۱ -۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۲ -۲۸۱)، الذریعه (۲۹۱ -۲۹۰ / ۲۵ ،۲۵۴ - ۲۵۳ ، ۱۵۰ / ۲۲ ،۲۸۸ / ۲۰ ،۱۸ -۱۷ / ۱۹ ،۸۳ / ۱۵ ،۲۴۲ / ۱۲ ،۱۴۴ ، ۹۰ ،۸۸/ ۸)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲- ۴۰ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳ -۱۳۲ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳ -۱۸۲ / ۱).

قاینی، علی‌اکبر

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۳۰ -۱۲۲۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و نویسنده. از روستای آفریز قاین بود، که پس از فراگیری مقدمات علوم به تحصیل در حوزه‌های علمیه معروف پرداخت و با استعداد و ذوق سرشار به مدارج عالی و فقهی نایل آمد. وی مدتی در کربلا ساکن بود و یکی از آثارش را در آن شهر نگاشت. از آثارش: «کتاب الطهاره»، در فقه استدلالی به سبک «مدارک الاحکام»؛ شرح «معالم الاصول» شیخ حسن عاملی که جلد اول آن تا مبحث «مجمل و مبین» در کربلا به پایان رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :بزرگان قائن (۲۴۰ -۲۳۹)، الذریعه (۱۸۶ / ۱۵ ،۷۱ / ۱۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله نجفی مرعشی (۳۱۹ / ۱۰).

قائمی مقدم، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا قائمی مقدم

محل تولد : اسفراین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمـد رضا قائمی مقـدم فرزند محمد در بهمن ماه ۱۳۴۴ در روسـتای روئین از توابع شهرسـتان اسفراین در خراسان شمالی در خانواده ای روحانی متولـد شـدم. پـدرم را در سه سالگی از دست دادم و تحت حمایت مادرم و پدر بزرگم که روحانی و منبری محل بود بزرگ شـدم. تحصـیلات ابتـدائی و نیز آشـنایی با قرآن و عربی را در روسـتا گذرانـدم و تحصـیلات راهنمایی را در شـهر اسفراین به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۰ برای تحصـیلات حوزوی وارد قم شده و در مدرسه حقانی (شهیدین) پذیرفته شدم تا سال ۱۳۷۰ کلیه دروس سطح و نیز چنـد سالی از درس خارج را زیر نظر مـدرسه شـهیدین گذرانـدم و سـپس به صورت آزاد در دروس خارج حوزه شـرکت می کردم و از محضـر اساتیدی چون آیات عظام استادی، خرازی، سید کاظم حائری، سبحانی، مرحوم آیهٔ الله تبریزی و...غیره بهره می بردم. دیپلم را نیز همزمـان در طول تحصـیل گرفتم در سـال ۱۳۷۰ همزمان با دروس حوزه برای گذرانـدن تحصـیلات دانشـگاهی وارد برنـامه هـای پژوهشـگاه حوزه و دانشـگاه (دفتر همکـاری حوزه و دانشـگاه سـابق) شـدم که همزمـان با تحصـیل به کار تحقیق نیز مشـغول شـدم و در نهایت در سال ۱۳۷۹ از مقطع کارشناسـی ارشد با گرایش تاریخ و فلسـفه آموزشی و پژوهشـی فـارغ التحصـیل شـدم و هم اکنـون نیز به تحقیـق و بررسـی در حوزه تعلیم و تربیت اسـلامی به ویژه در خصوص روشـهای تربیت در قرآن کریم مشغول هستم. و همزمان مسؤلیت واحد تحقیقات و پایان نامه های جامعهٔ الزهرا(س) را بعهده دارم. دوره های تربیت مربی دفتر تبلیغـات، روش تحقیق دکتر فرامرز فرا ملکی و آشـنایی بـا دوره هـای کـامپیوتر IcdL را نیز گذرانـده ام. بیشترین تـدریس بنـده در جامعـهٔ الزهرا (س) بوده است که شامـل دروس ادبیـات عرب، اخلاـق اسـلامی، درایه رجـال، روانشاسـی عمومی، اصول (طبقـهٔ اولی) الموجزئی علم الاـصول و... می شود. راهنمـایی چنـدین پایـان نامه را نیز در مرکز جهانی و جامعه الزهرا بعهـده داشته و دارم.

قبیسی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قبیسی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : لبنان

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی قبیسی تبعه لبنان دارای پرونده مرکز جهانی (۱۵۳۵۲) که در سال ۱۳۶۴ ش تشکیل شد و از آن تاریخ شروع به تحصیل علوم حوزوی نموده ام. برنامه تحصیلی اینجانب طبق روش حوزه های عربی بود که از متن الاجرومیه و قطر الندی و شرح ابن عقیل شروع شد و ادامه تحصیل منطق مظفر حاشیه ملا عبدالله، بعد به مرحله چهارم و پنجم لمعتین و اصول فقه مظفر، و بعد از آن رسائل و مکاسب شیخ انصاری و کفایتین و بدایه الحکمه تا مرحله درس خارج رسید درس آیت الله وحید خراسانی فقه و اصول شروع نموده ام و درس فقه آیت الله تبریزی. اما مرحله تحقیق متون تراثی و مشارکت در نوشته های علمی بعد از پایان درس سطح و شروع به درس خارج بود و آن زیر نظر مرحوم سید عبد العزیز طباطبائی نسبت به آشنائی با روش تحقیق متون و نسخه های خطی. اما تدریس از زمان اشتغال به درس سطح شروع به تدریس مقدمات و غیره و تا الان تدریس قطع نشده است، در مدارس زیر نظر حوزه تدریس نموده ام مثل مدرسه الهادی آیت الله مشکینی، مدرسه دائره المعارف آقای مالکی، مدرسه منتدی جبل عامل طلاب لبنانی، مدرسه علمیه مرکز السجاد طلاب کویتی، مدرسه مهدی موعود (عج) غیر از برنامه های درسی مستقل از این مدارس. در سال ۱۳۷۳ حائز به جایزه تحقیق از وزارت ارشاد برای مسابقه سراسری با همکاری موسسه آل البیت(ع).

قدرتی، حسینعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسینعلی قدرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در روستای حسینبان از توابع شاهرود در خانواده ای مستضعف متولد شدم تحصیلات ابتدائی را در روستا گذراندم و برای ادامه تحصیل به سمنان عزیمت کردم و دوران راهنمائی و دبیرستان را در سمنان سپری کردم و پس از اخذ دیپلم به دلیل علاقه شدید به قم عزیمت نمودم و مدت ۱۲ سال در قم بودم و دروس مقدماتی و شرح لمعه را در مدرسه رسول اکرم (ص) خواندم و در مدت در قم از دروس آقای محمدی خراسانی، حسینی، تهرانی، فیاضی، اعتمادی، نکونام، خاتمی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و وجدانی فخر بهره مند شدم و در سال ۷۳ به کار اجرایی مشغول شدم و ارتباط با حوزه نیز دارم.

قدیری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن قدیری سال ۱۳۱۵ در اصفهان دیده به جهان گشود و پس ازگذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. آیت‌الله محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن قدیری پس ازگذراندن تحصیلات متوسطه و دروس مقدماتی حوزه در سال ۱۳۳۷ برای طی سطوح عالی حوزه به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی چون آیت الله خویی بهره‌مند شد. علت فوت : محمدحسن قدیری ۸۷/۷/۲۶ در سن ۷۲ سالگی درگذشت و پیکر ایشان صبح شنبه از مسجد امام حسن عسگری(ع) تا حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشیع خواهد شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسن قدیری با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و تبعید به عراق از همان ابتدا در زمره یاران و نزدیکان ایشان درآمد و ضمن تلمذ در محضر آن حضرت در برخی فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم منحوس پهلوی فعالانه شرکت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عضویت هیات استفتاءات حضرت امام خمینی(ره) درآمد و این مسئولیت را تا زمان ارتحال ایشان بر عهده داشت. امامت جمعه بخش رویدشت استان اصفهان، عضویت در هیات استفتاءات مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی و دفتر مقام معظم رهبری، تدریس دروس خارج فقه اصول درحوزه علمیه قم و عضویت در شورای نگهبان قانون اساسی از دیگر فعالیت ها و خدمات این عالم ربانی در طول ۷۲ سال عمر پر برکت وی محسوب می‌شود.آثار : البحث فی الرسلات عشر ، البیع تقریرات درس حضرت امام (ره) ، التیمم ، الحاشیه علی العروه الوثقی ، المباحث فی علم الاصول ، رساله فی الوضع والاستعمال

قربانی، ولی الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ولی الله قربانی

محل تولد : فاروج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱۲/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب ولی الله قربانی فرزند علی محمد اهل خراسان شمالی متولد ۱۰/۱۲/۱۳۲۶(فاروج) از سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۳ به مدت یک

سال به مکتب رفته و در حوزه علمیه شهرستان قوچان تحصیلات حوزوی را در محضرحضرات اساتید: شیخ غلامحسین احمدی (جامع المقدمات) ۲. سلامی (سیوطی) شیخ عبد الله ابراهیمی (شرح النموذج منطق) ۳. محمود موقر (عقائد باب حادی عشر) ۴. شیخ حسین حسین زاده (مغنی) و در سال ۱۳۴۷ به صورت قاچاق از طریق آبادان در آغاز حکومت حزب بعث به عراق رفتم و ادامه مغنی و سیوطی را در محضر حضرت استاد شیخ محمد علی مدرس افغانی و اصول (معالم، اصول مظفر) در حضور آقایان قاضی زاده و عزیز و قاهانی استفاده بردم و شرح لمعه جلد اول را در حضور آقای مصطفوی کاشانی و جلد دوم شرح لعمه در محضر حضرت آیت الله شهید مدنی خوانده و کتابهای متداول حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان لنکرانی و بعضی آقایان دیگر خوانده ام. در سال ۱۳۴۹ از عراق اخراج شدم و مدت کوتاهی در مشهد بودم و مقداری از بقیه درس لمعه در محضر آقای محامی خواندم و بعد از چندی به قم آمدم و درس اصول و فقه را مثل کفایه جلد اول و دوم و رسائل و مکاسب را در محضر حضرات آقایان اعتمادی و مظاهری اصفهانی، آیت الله فاضل لنکرانی و قدیری اصفهانی خواندم. در درس خارج آقای میرزا جواد تبریزی (خارج فقه، مکاسب) یک دوره حاضر شده و در برخی درسهای متداول حوزوی از محضر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی، مکارم شیرازی و غیره استفاده نمودم. مقداری نهج البلاغه از درس آیت الله حسین نوری استفاده نمودم و در تفسیر آقای خزعلی نیز متناوباً حاضر بودم. در سال ۱۳۵۹ وارد مدرسه عالی قضائی شدم و از محضر حضرات آقایان: سید محمود شاهرودی (اقتصاد غرب)، استاد فیاضی (فلسفتنا)، آقای ممدوحی (بدایة الحکمه) و تفسیر را از آقای رضا استادی استفاده بردم و درس اخلاق توسط استاد مظاهری و روانشناسی دکتر اهری و در اقتصاد اسلامی از آقای حسینی استفاده بردم. در درس ادبیات فارسی از مرحوم آقای ناظمی بهره مند بودیم. پس از دریافت مدرک لیسانس در الهیات مشغول به کارهای تحقیقی (إحیاء آثار) شده و اولین کار تألیف معجم الفاظ احادیث بحار الأنوار به صورت گروهی که حدوداً ۱۴سال طول کشید،آغاز شد. و اینجانب عضو هیئت علمی بوده و چند گروه به نام گروههای مقابله را اداره و کارها را کنترل نموده و آماده چاپ می نمودیم و در سال ۱۳۷۳ به واحد احیاء آثار اسلامی منتقل شدم و اولین کار در واحد مزبور کار در غایة المراد شهید اول بود و هم زمان منتقد المنافع آقای شریف کاشانی را انجام می دادیم و بعد از آن کتاب روضه الجنان را شروع کردیم و پس از آن کتاب انیس المجتهدین آقای نراقی را کار کردیم. همزمان آثار آقای بلاغی و شرف الدین را تحقیق نمودیم و چندین رساله تفسیری و هلالی را به دست گرفتیم. رسائل شهید را نیز تحقیق نمودیم. رساله ای در حلق اللحیه تحقیق نمودم که چاپ شده. کتاب قواعد و فوائد شهید را نیز در دست اقدام داریم. چهار جلد کتاب حدود الشریعه آقای محسنی آصفی را تحقیق و اصلاح نموده ام، همچنین کتاب الفقه و مسائل طبیه ایشان را و کتاب الحکم الزاهره آقای صابری یزدی را اصلاح نمودم.

قرشی، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی قرشی

محل تولد : شهرضا قمشه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱۲/۵

زندگینامه علمی

در پنجم اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در شهرضای اصفهان متولد شده ام با گذراندن تحصیلات ابتدائی و اول راهنمائی به دلیل علاقه مندی به دروس حوزوی و جو مذهبی خانواده در سال ۱۳۵۴ در مدرسه علمیه صاحب الزمان شهرضا به تحصیل علوم حوزوی مشغول شدم حدود یک سال ادبیات و احکام قرآن خواندم و پس از آن به قم سفر کرده و در مدرسه آیه الله گلپایگانی به ادامه تحصیل پرداختم و بخشی از ادبیات (سیوطی، مغنی، مبانی بیان، منطق، عقائد، عروق الوثقی، لمعتین، بخشی از مکاسب شیخ انصاری و رسائل) را در آن مدرسه خواندم. در ایام تحصیلات تابستان در شهرضا به فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی و تدریس احکام و روش قرائت قرآن مشغول بودم با آغاز مبارزات در حد توان به صورت مخفی و گاهی عملی در حد توان در مبارزه با رژیم شاه شرکت و فعالیت داشتم ودر سالهای اولیه پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۴ مکاسب و رسائل (که بخشی از آن را خوانده بودم) مجددا از ابتدا نزد اساتید بزرگ حوزه آقایان ستوده و اعتمادی و کفایتین را نزد استاد ستوده خواندم و به لحاظ شرایط خاص کشور و جنگ تحمیلی عراق و دستور امام اعلام نیاز قوه قضائیه به کمک طلاب حوزه از طریق دفتر تبلیغات اسلامی پس از قبولی در آزمون ورودی و معرفی به قوه قضائیه و گذراندن دوره آموزشی علمی و عملی از اواخر سال ۱۳۶۰ همکاری خود را با قوه قضائیه و در دادگاههای انقلاب آغاز نمودم. اما این همکاری تا حدود ده سال اکثرا به صورت چند ساعت در روز همزمان اشتغال به تحصیل ادامه یافت و در این اثناء با پایان دروس سطح و اشتغال به درس خارج فقه و اصول نزد اساتید حوزه آیات فاضل لنکرانی، موسوی اردبیلی، منتظری، مکارم شیرازی، سبحانی و تبریزی مشغول بودم از سال ۱۳۶۹تا ۱۳۷۳ از طرف قوه قضائیه به استانهای کردستان و خوزستان اعزام شده و پس از پایان و انجام وظایف محوله که به فعالیتهای تبلیغی و فرهنگی و تدریس نهج البلاغه و احکام و باز خوانی دروس حوزه (کفایتین) پرداختم از سال ۱۳۷۳ تا۱۳۷۹ مستمراً در درس خارج فقه و اصول آیه الله سبحانی شرکت کرده و در سال ۱۳۷۵ بخشی از تقریرات درس ایشان را به نام (رساله فی الجبر و الاختیار) به زبان عربی نگاشته و با تقریظ استاد به چاپ رساندیم و همزمان کتاب دیگری را به نام صلاحیتهای قانونی دادگاههای انقلاب تدریس نموده و چاپ و منتشر نمودم. با ثبت نام در قسمت مدارج علمی حوزه مقطع سطح چهار وتصویب موضوع پایان نامه به نام « رساله فی علم القاضی » چندین ماه به تحقیق و نگارش آن مشغول شده و پس از اتمام آن و دفاع از رساله در حضور آیه الله معرفت و سایر اساتید موفق به اخذ مدرک سطح چهار شدم و یکی از اساتید حوزه آیت الله لاجوردی نیز با ملاحظه آن رساله و مطالعه آن اجازه روائی و اجتهاد نویسنده را گواهی فرمود در سال ۱۳۸۱ در آزمون سراسری دانشگاه آزاد در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نموده و در رشته مذکور در دانشگاه قم دائر شده لذا آن را گذرانده و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته شدم. موضوع پایان نامه به پیشنهاد اساتید تکمیل تحقیقات در زمینه اعتبار علم قاضی و جایگاه آن در فقه و قوانین جزائی ایران بود که با نگارش و دفاع از آن به عنوان پایان نامه برتر و به قول اساتید درحد پایان نامه مقطع دکترا انجام شده و پایان پذیرفت در سال ۱۳۸۲ با شرکت در آزمونی دیگر در رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه دولتی قم قبول شده و در آن رشته مشغول تحصیل شدم و تمامی تحقیقات و مقالات مربوطه به علوم قرآن و حدیث که نام آنها در صفحات قبل ذکر شده در ظرف زمانی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ نگارش یافته و بعضا پس از تکمیل به صورت کتاب قابل ارائه و انتشار است این دوره نیز با انتخاب موضوع در بررسی تحلیل علوم قرآنی در تفسیر نمونه به عنوان پایان نامه و دفاع از آن پایان پذیرفت سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در آن رشته نیز شدم از سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ علاوه بر اشتغالات قضائی و درسی با مرکز مشاوره حوزه علمیه قم در زمینه مشاوره حقوقی و با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه واحد تدوین متون همکاری و در تدوین برخی از کتب نظیر قتل عمد و محاربه و افساد فی

الارض و برخی موضوعات دیگر نظارت و دخالت داشتم و از آن پس تاکنون نیز به تکمیل برخی از تحقیقات گذشته مشغول می باشم و ما توفیق الا با الله العزیزالحکیم و الحمدلله رب العالمین.

قریشی کوه کمره ای، عبداللطیف

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای

محل تولد : کوه کمره

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج سید عبداللطیف قریشی کوه کمره ای فرزند سید علی اکبر فرزند سید جلیل فرزند سید حسین در تاریخ ۱۴ صفر الخیر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۳۱۰ ش در روستای « کوه کمر» در بیت سیادت و معنویت به دنیا آمد. نسب شریفش از طریق سیّد تاج الدین حسن معروف به « سید حسن بابا » صاحب آرامگاه معروف در روستای کوه کمر به امام زین العابدین حضرت سید الساجدین علیه السلام می رسد. علوم مقدماتی را از عالم زاهد آقا میر رسول بن سید عبد الله کوه کمری فرا گرفت و سپس درمعیت پدرش به شهرستان خوی مهاجرت نمود و در مدرسه نمازی سکونت نمود و آنگاه در پیش استادانی همچون : حاج میر علی محدث (مطول)، حاج شیخ جابر فاضلی خویی، حاج شیخ علی مجتهدی خویی، عالم زاهد حاج شیخ حبیب فیاضی خویی، حاج شیخ ابوالفتح خویی (حاشیه و معالم)، آیت الله شیخ صادق خویی (قوانین و رسائل) و آیت الله سید ابراهیم علوی خویی به تحصیل دروس حوزوی همّت گماشت و پس از آن به شهر عش آل محمّد علیهم السلام مهاجرت نمود و دروس فقه اصول و درس خارج را از محضر فرزانگان حوزه علمیّه قم مانند : آیت الله شیخ محمد مجاهدی تبریزی، آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، علامه سید محمد حسین قاضی طباطبایی، آیت الله سید حسن حجت، آیت الله سید محسن حجت، آیت الله شیخ احمد کافی الملکی (رسائل و مکاسب)، آیت الله شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی (رسائل و مکاسب و کلام)، آیت الله سید حسین مشهور به « حاج آقا حسین بروجردی »، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله حاج سید روح الله خمینی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی فرا گرفت و خود به تحقیق و تالیف پرداخت.

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۰ -۱۲۲۲ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد »، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقفال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۵ / ۷)، اعیان الشیعه (۱۴۶ -۱۴۵ / ۱۰)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۳۶ -۱۲۷ / ۲)، الذریعه (۶۲ / ۲۵ ، ۲۳۹ / ۲۴، ۲۹۲، ۲۳۸، ۱۲۲ / ۲۳، ۲۹۹، ۱۳۴- ۱۳۳، ۳۳ / ۲۱، ۱۶۱ / ۱۷، ۳۱۴- ۳۱۳، ۱۳۳- ۱۳۲ / ۱۶، ۳۱۷، ۹۳ / ۱۵، ۳۲۹ / ۱۳ ، ۸۳ / ۷، ۲۱۰ / ۶، ۴۰۵، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۶ / ۴، ۱۲۵، ۴۰ / ۳، ۳۸۹، ۲۷۴، ۶۸، ۳۴، ۶ / ۲، ۴۸۵، ۴۶۲، ۴۴۹، ۴۹، ۴۸ / ۱)، ریحانه (۴۵۷ -۴۵۶ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱ -۶)، لغت‌نامه (ذیل/قزوینی)، معجم المؤلفین (۵۶ / ۱۲)، مینو در (۹۷۴، ۹۶۳، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۲۱- ۹۲۰، ۹۱۸، ۸۶۰- ۸۵۹، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۴۰، ۸۲۱، ۸۰۴، ۷۷۶، ۳۱۱- ۳۱۰، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۳۵، ۱۱۴- ۱۱۳، ۹۴، ۸۴، ۸۱، ۶۸، ۶۳، ۱۰ -۸ / ۲).

قزوینی حلی، ابوموسی، ابوالهادی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۸ / ۱۲۹۷ -۱۲۵۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، کاتب، ادیب لغوی و شاعر. در حله به دنیا آمد. جد مادری‌اش شیخ علی بن جعفر کاشف الغطاء است. در مقدمات شاگرد پدرش، سید مهدی بود. آن‌گاه به نجف رفت و فقه را در محضر دایی‌هایش شیخ مهدی و شیخ جعفر، فرزندان علی بن جعفر کاشف الغطاء، و اصول را در محضر شیخ مرتضی انصاری و ملا محمد فاضل ایروانی فراگرفت.. پس از فراگیری فقه و اصول و فلسفه و حکمت و تاریخ و لغت به حله بازگشت و در کنار پدرش به امور دینی پرداخت و در نزد او به تکمیل تحصیلات مشغول شد تا از وی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نایل گشت. او به نوبه‌ی خود مجلس درسی بنا نهاد و شاگردانی تربیت کرد. در حله درگذشت و پیکرش به نجف منتقل شد و در صحن شریف دفن گشت. در سوک او بیست و دو

شاعر بزرگ عرب مرثیه سرودند و سید حیدر حلی تمام آنها را در کتابی به نام «الاحزان فی خیر انسان»، گردآوری کرده است. از آثار وی: کتاب «اشراقات»، در منطق؛ «التلویحات الغرویه»، در اصول فقه، با عنوان مختصر «تلویح- تلویح».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشعیه (۱۸۸ / ۴)، الذریعه (۴۳۰ / ۴)، ریحانه (۴۴۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۱ -۲۶۹ / ۱۳)، لغت‌نامه (ذیل/قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۵۱ / ۳)،مکارم الآثار (۱۴۲۷ -۱۴۲۵ / ۴).

قشقاوی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی قشقاوی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم در طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت ۳ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیهٔ الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سپس در قم در دروس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از ۱۲ سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسفه، بدایهٔ الحکمهٔ، نهایهٔ الحکمهٔ اشارات شواهد الربوبیهٔ، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات آیهٔ الله مصباح، حجهٔ الاسلام میانجی، استاد حشمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتا به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال ۱۳۶۸ تاکنون به تدریس دروس مقدمات و سطح از ادبیات و منطق، فقه و اصول کتابهای سیوطی، حاشیه ملاـ عبدالله، معالم الاصول،اصول فقه،شرح لعمه،مکاسب و رسائل و کفایه مشغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۱ به تهیه و تنظیم و تالیف و بازنویسی مقالات فقهی در مورد امام می‌باشم، موضوعات فقهی چون اتلاف، اجهاض (سقط جنین)،استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائرهٔ المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قلی بیگیان، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی قلی بیگیان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ درتهران متولـد شدم و در سال ۱۳۵۸ از دبیرسـتان دارالفنون در رشـته ریاضی فیزیک فارغ التحصیل گردیدم وسپس در همان سال در مدرسه عالیه شـهید مطهری مشـغول به تحصـیل در رشته علوم دینی گردیدم و درسال بعد به موسسه مجتهدی (ملا جعفر) درتهران ادامه داده و درسال ۶۵-۶۴ به قم منتقل گردیدم ودر دروس اساتید پایانی وسـتوده وحاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی به دروس سـطوح و خارج مشغول شده ودر ضمن به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم، اشتغال به تدریس شامل تدریس در دبیرسـتان وحوزات علمیه تهران و قم میباشـد در ضـمن حـدود ۱۰ سـال به کـار تحقیقات در مؤسـسه نشـر آثار مشـغول بوده ودوره تخصصـی فقه واصول را در موسسه ائمه اطهار که زیر نظر اقای فاضل لنکرانی می باشد به مدت ۵ سال په پایان رساندم و پایان نامه اینجانب تحت عنوان پیوند اعضا می باشد.

قلی زاده مشکول، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجتبی قلی زاده مشکول

محل تولد : خلخال

شهرت : قلی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۳/۷

زندگینامه علمی

اینجانب مجتبی قلی زاده در تاریـخ ۷/۳/۱۳۵۳ در یکی از توابع شهرسـتان خلخـال در یک خانواده کشاورز و معنوی به دنیا آمـدم و تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را درآن محل پشت سر گذاشتم و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه خلخال شدم که چون حوزه علمیه در حال ساخت و توسعه بود نتوانستم خوب بهره علمی بگیرم لذا هجرت کردیم و به حوزه علمیه کاشان وارد شدیم. و پس از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۹ وارد حوزه علمیه قم شـدم و پس از سپری کردن پایه‌های تحصـیلی در سال ۱۳۸۴ از محضر مراجع گرانقدر درس خـارج فقه اصـول بهره می گیرم. «و من الله التوفیـق» و اکنـون مشـغول تحقیق و یـادداشت برداری هسـتم. امیـدوارم توفیق الهی

همراه من و شما عزیزان باشد.

قمی، جواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرونمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال ۱۳۰۳ قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع اللّه درجته.

فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته:

الحاج سید جواد قمی اعلی اللّه مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمدتقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ برسید جلیل و عالم نبیل سید محمدباقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدرة الباهره فی احکام العترة الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینابیع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمهٔ‌اللّه علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد والبکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی‌حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه ۱۳۰۳ رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن قمی

محل تولد : مامازند ورامین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال ۱۳۵۰ ودر سن ۱۱ سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجهٔ الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجهٔ الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قوامی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی قوامی

محل تولد : شهرری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر ری در خانواده روحانی چشم باز کردم؛ پدرم حضرت آیت الله میرزا محمد حسن قوام الشریعه. (که این لقب را مرحوم آیت الله حکیم، مرحوم آیت الله شوانی و مرحوم آیت الله دکتر مشکاهٔ به ایشان داده اند). سطح را در محضر بزرگانی چون آیت الله علامه شوانی و همچنین آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی که شاگرد مرحوم آخوند بودند گذراندم؛ همچنین از حضرت آیت الله العظمی سلطانی طباطبایی، بروجردی وآیات عظام: خوانساری، گلپایگانی و مرعشی نجفی استفاده کرده و تا زمان این بزرگواران به مباحثه بحث خارج فقه و اصول جمعی اشتغال و پس از درگذشت این عزیزان درس خارج فقه و اصول و تفسیر می گویم و چند سالی است که برای تبلیغ داخل و خارج کشور به تربیت مبلغ مشغول هستم. منظومه هایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بصورت فکاهی و در ذم طاغوت به چاپ رسیده است.

قوامی، صمصام الدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید صمصام الدین قوامی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات من در تهران تا اخذ دیپلم ریاضی، سال ۱۳۵۲ بوده است و سال ۱۳۵۶ فارغ التحصیل کارشناسی رشته مدیریت صنعتی از مدرسه عالی مدیریت گیلان شدم (شهر لاهیجان) که پایان نامه ای تحت عنوان کتاب و کتابخوانی تنظیم کردم که مورد توجه قرار گرفت. در حالیکه ۲۳ سال داشتم از من برای تدریس دعوت به عمل آمد که توفیق نشد. در همان سال ۱۳۵۶ در فوق لیسانس مدیریت صنعتی در مرکز مدیریت صنعتی تهران پذیرفته شدم ولی در مصاحبه شفاهی به علت اینکه فرزند روحانی بودم و خودم هم به شدت مذهبی بودم مردود شدم. بعد از انقلاب از من برای ادامه تحصیل دعوت به عمل آمد که به علت فرو رفتن در فعالیتهای انقلابی در آموزش و پرورش و سپس در سپاه ترجیح را به خدمت دادم. در سپاه در عین حال که مشغول پذیرش سپاه تهران بودم سخنرانیهای علمی و کلاسهای عقیدتی را برگزار کردم و به من به عنوان یک نیروی علمی نگریسته می شد و بعد که دبیرستان سپاه را طراحی کردیم و دو سال مدیر آن بودم (در لانه جاسوسی آمریکا، سال۶۲ تا ۶۳) تدریس معارف دینی و اخلاق داشتم. قبلا هم در آموزش و پرورش مسئول تربیتی دبیرستانهای ناحیه ۹ بودم که برای دبیران کلاس اسلام شناسی داشتم و جزوه ای هم در توحید و نبوت نگاشتم. از سال ۶۲ به حوزه بازگشتم و ۲ سال مدیر و مدرس حوزه علمیه محمودیه کرمان شدم و ادبیات عرب تدریس کردم و سال ۱۳۶۵ وارد قم شده، دروس خارج را شروع کردم و در عین حال مدیریت مدرسه علمیه بعثت را در سال ۱۳۶۶بعهده گرفتم که تدریس اخلاق و ادبیات داشتم و در سلسله های بعدی مدیریت، مدارس علمیه رسول اکرم (ص) و امام محمد باقر (ع) را بعهده گرفتم؛ همزمان تدریس فقه و اصول را مشغول شدم که اکنون یک دوره فقه و اصول سطح را تدریس کرده ام و مشغول تدریس کفایه الاصول هستم. در سال ۱۳۷۳به دبیرخانه مجلس خبرگان پیوستم و در مرکز تحقیقات علمی آنجا مشغول شدم که حاصل آن پژوهش و مدیریت از منظر کتاب و سنت شد که پژوهش برتر سال ۸۲ از دبیرخانه دین پژوهان گردید با لوحی از رئیس جمهور؛ در همین دبیرخانه عضو هیئت علمی فصلنامه حکومت اسلامی شدم که چندین مقاله در آن نوشتم و ارزیابی کردم که یکی از مقالات تحت عنوان ساختار حکومت پیامبر (ص) در سال ۸۲ مقاله برتر از طرف وزارت ارشاد شد و در حاشیه آن مقالات زیادی در نشریات گوناگون نگاشته ام (در فصلنامه انتظار، ماهنامه پیام زن، نشریه پگاه و مقالاتی در کنگره های حکومت اسلامی مخصوص اندیشه امام و کنگره نراقی و کنگره اندیشه های اخلاقی عرفانی امام و غیره.) اکنون کتاب دوم من تحت عنوان نظریه خدمت به شورای سیاستگذاری ائمه جمعه که به شکل پروژه بوده است، آماده چاپ است در حالیکه کتاب اول اکنون در آستانه چاپ سوم می باشد. پروژه پژوهش (شیوه رهبری امام خمینی (ره)) از طرف دبیرخانه مجلس خبرگان سومین کتاب من خواهد بود، که به شدت و سرعت مشغولم و تا حداکثر ۲ سال به مثابه یک پروژه علمی چاپ خواهد شد. این اثر با تاکید اکید حضرت آیت الله ابراهیم امینی انجام می گیرد. و دست یارانی هم مرا کمک می کنند. من صاحب امتیاز و مدیر مسئول دو فصل نامه نخل شهداد و زیره کرمان هستم که از طرف هیئت نظارت مطبوعات مجوز رسمی کشوری دارد. در نخل شهداد بعد از حدود ۱۰ شماره اجتماعی

و بعد از آنکه کتاب مدیریت پژوهشی برتر شد با سفارش نخبگان تبدیل به ارگان مدیریت اسلامی شده است که مرتب منتشر می شود و به علت موفقیت از حمایتهای وزارت ارشاد بهره مند شده است. اینجانب رسما با انتخاب مدیریت پژوهشی حوزوی در سال جاری به عنوان رئیس مجمع عمومی انجمن علمی مدیریت اسلامی برگزیده شدم که آرمان و رسالت آن تولید دانش مدیریت اسلامی و برنامه نهضت مدیریت اسلامی است. این انجمن زیر نظر معاونت پژوهشی حوزه است و دارای هیئت مدیره و بازرس و ارکان رسمی دیگر است. علت انتخاب اینجانب دارا بودن کتاب و مجله مدیریت و رشته مدیریت است؛ در ضمن در مباحث رسانه ای شرکت دارم مدتهاست که مهمترین آن، شرکت در میزگرد نقد و نظر در رشته مدیریت اسلامی است که در بیش از ۲۰ جلسه در رادیو معارف با محققان عالی مدیریت شرکت کردم که هنوز ضبط و پخش آن ادامه دارد. در ضمن حدود ۲۰ جلسه برنامه عرفانی سحرهای رادیو معارف در برنامه در خلوت یار از من ضبط و پخش شده است که مورد استقبال واقع شده البته برنامه های پراکنده زنده و غیر زنده در مناسبتهای مختلف از صدا و سیما منتشر شده است. اینجانب طی سالهای ۷۸ تا ۸۱ مدیر کل آموزش حوزه های خارج از کشور بودم که در خلال آن عضو هیئت علمی نشریه بین المللی الرشاد شدم که به زبانهای مختلف چاپ می شود و ارگان سازمان حوزه های خارج از کشور است. من در حوزه بین المللی هم تا به حال به کشورهای زیادی برای بازرسی از حوزه های خارج از کشور سفر کرده ام و بیش از ده سال است که در مدرسه امام خمینی (ره) تدریس دارم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد آنجا حلقه ثالثه از شهید صدر را تدریس می کنم و قبل از حلقات قبلی مباحث اخلاق و تعلیم و تربیت و عقائد تدریس کرده ام و سخنرانیهای زیادی برای طلاب غیرایرانی دارم و نیزمشاور اخلاقی طلاب غیر ایرانی در مدرسه المهدی (عج) هستم. من در ضمن عضو هیئت علمی دائره المعارف فقه اهل بیت (ع) که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تدوین می شود هستم و تا بحال مقالات زمان و مکان، خطوط کلی اقتصاد اسلامی و سلیقه های مختلف اجتهادی را تنظیم کرده ام که در جلدهای اول و دوم آن چاپ می شود. نام من در فهرست صاحبان و تدوین کنندگان مقاله در این دائره المعارف ثبت می شود.

کاردن سلمانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا کاردان سلمانی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا کاردان سلمانی در سال ۱۳۱۹ در مشهد مقدس به دنیا آمدم. برخی از کتب ادبیات عرب را در مشهد نزد استاد معروف مرحوم «ادیب نیشابوری (ره)» خواندم و حدود سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم و کتاب شرح لمعه را نزد استاد مرحوم آقای «ستوده (ره)» و مکاسب را از استاد آقای «خزعلی» و رسائل را از استاد آقایان «نوری و اعتمادی» و کفایه را از آقایان «سلطانی و فاضل لنکرانی» بهره گرفتم و نزدیک یک دوره درس خارج اصول مرحوم «حاج شیخ هاشم آملی (ره)» شرکت کردم و

درس خارج فقه «آیـهٔ الله گلپایگانی» و «حضـرت امام» (قـدس سرهما) و بیش از یک دوره خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» و خارج فقه مکاسب ایشان نیز شرکت کردم.

کاشانی نجفی، مصطفی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۷/ ۱۳۳۶ -۱۲۶۸/ ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهـد، مفسر، ریاضـیدان، ادیب و شاعر. در کاشان به دنیا آمد. بعد از گذرانـدن مقـدمات، فقه و اصول و معقول و منقول و ریاضیات را در حوزه‌ی درس پـدرش فراگرفت. سپس به اصـفهان رفت و از محضـر شیخ محمد تقی، صاحب حاشیه «معالم»، بهره گرفت، تا به درجه‌ی اجتهاد رسید. در ۱۲۹۲ ق در حالی که جامع جمیع علوم و ماهر در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و ریاضی بود به تهران آمد. در ۱۲۹۶ ق پس از فوت پدرش قائم مقام منصب او گشت و چندین سال ریاست علمی و مرجعیت مذهبی مردم را عهده‌دار بود. در ۱۳۱۳ ق حج گزارد و در بازگشت در نجف سکنی گزید و از علمای آنجا بهره برد و خود حوزه‌ی درس و بحث مستقل تشکیل داد و یکی از علمای بزرگ نجف به شمار آمد. در ۱۳۳۳ ق به همراه علمای مجاهـد قیام مردمی ضد انگلیس را اداره و رهبری کرد. او سـپس تا پایان عمر در کاظمین ماند و در آنجا درگذشت و همان جا دفن شد. از آثارش: «التجری»، پیرامون مسائل اصول فقه؛ «الاجزاء»؛ «رسالهٔ فی منجزات المریض»؛ «الاستصحاب»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.[۱]

(حاج سیـد) مصـطفی بن (حاج سید) حسین کاشانی‌الاصل تهرانی المسکن، از بزرگان علمای امامی (ف. ۱۳۳۷ ه.ق). وی سالها در تهران ریاست علمی و مرجعیت عمومی داشت. او بعد از تحصیل مقدمات متداول، فقه و اصول و معقول و منقول و اخلاق و کلام و ریاضیات و رجال را در جوزه‌ی درس پـدر خود تکمیل کرد و بعـد از وفات او به اصـفهان رفت ولی حوزه‌ی علمی آنجا را فراخور استعداد خود ندیـد. پس عزیمت نجف کرد و در آنجا یکی از مراجع علمی گردید و حوزه‌ی دینی او مرجع اسـتفاده‌ی افاضل بود. وی قریحـه‌ی شـعر نیز داشـت و دیـوانی هم در منـاقب و مراثی معصـومین دارد. او در استصـحاب و تجزی و تفسـیر مختصـر قرآن و حاشیـه‌ی ارشاد علامه و حاشـیه‌ی شـرایع و علامت ظن و قاعده‌ی لاضـرر و منجزات مریض، تألیفاتی داشته ولی اکثر آنها تلف شده (ریحانهٔالادب، لغ.).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۱۳۳ -۱۳۲/ ۸)، اعیان الشیعه (۱۲۸ -۱۲۷/ ۱۰)، الذریعه (۱۹/ ۲۳ ،۱۰۵۵/ ۹ ،۱۰۲/ ۶ ،۲۵/ ۲ ،۳۵۰/ ۳ ، ۲۷۵ -۲۷۴/ ۱)، ریحانه (۲۱/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (۴۱۳/ ۱۳)، علماء معاصرین (۱۱۲ -۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل/ مصطفی)، المآثر و الآثار (۱۶۰)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۳۱ -۱۰۳۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۴۸/ ۱۲).

کاشانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابـوالقاسـم کاشانی در سال ۱۳۰۰ هـق در تهران دیده به جهان گشود. او پس از انجام مناسک حج به عتبات مقـدسه رفته و در نجف اشـرف اقامت گزید و علـوم مختلف دینـی را در محضر پدرخود و سایر بزرگان علما فراگرفت و در سـن ۲۵ سالگی به درجه اجتهـاد رسـیـد. پس از آن وی بـا الهـام از تعلیمـات دینی به مبـارزه با اسـتبداد و اسـتعمار پرداخت و در این راه متحمل مشـکلات و مصائب بسیار شد. او از جمله کسانی بود که همراه و همدوش دکتر مصدق، نقش خود را در ملی شدن صنعت نفت ایفاء کرد و در راس مبارزات ضـد اسـتعماری قرار گرفت. آیت الله کاشانی سـرانجام در سـحرگاه سال ۱۳۸۱ هـق مطـابق با ۲۳ اسـفنـد ماه ۱۳۴۰ هـش چشـم از جهان فـرو بست.گروه : علوم انسانیرشـته : علوم اسـلامیوالدین و انساب : پدرسـید ابـوالقاسـم کاشانی ، آیهٔ الله حاج سید مصـطفی کاشانی ، از علما و مراجع بزرگ شـیعه در عصـر خویش بود که در سال ۱۲۸۰ ش . از ایران به نجف اشـراف هجری کرد و به تحقیق و تدریس پرداخت .تحصـیلات رسـمی و حرفه ای : سید ابـوالقاسـم کاشانی که در این هنگام ، جوانی شانزده ساله بود – همراه پدر عازم نجف اشـرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقه درس پدر و دیگر اساتید، دوره سطح را به پایان برد و سـپس در درس آیـهٔ الله میرزا محمـد تقی شیرازی و آیهٔ الله آخوند خراسانی شـرکت جست .اسـتادان و مربیان : سـید ابـوالقاسـم کاشـانی علـوم مختلف دینـی را در محضـر والـد معظم خود و آخـونـد ملا محمـد کاظم خراسانـی ، حاج میرزا حسـین ، حاج میرزا خلیل(ره) و آیـهٔ الله میرزا محمد تقی شیرازی بزرگان علما تلمذ نموده است.هم دوره ای ها و همکاران : سـید ابـوالقاسـم کاشانی در نهضت مشـروطه ، مشاور شخصـیتی چون آیـهٔ الله آخوند خراسانی (از رهبران اصـلی نهضت) بود و او را در تصـمیم گیری ها و تنظیم اعلامیه هـا یـاری می داد.وقایع میانسالی : سـید ابـوالقاسـم کاشانی از همان اوان جـوانی، انسانـی دور انـدیـش و شـجاع و با شهامت بـود و در کنار تحصـیل علوم اسـلامی، تـوجه خاصـی به اوضاع مسـلمیـن داشته و چهره کـریه و زشت استعمار و مخصوصا اسـتعمار بریتانیا را که دهان بـرای فـرو بـردن کشـورهای اسلامی و اقتصاد آنها باز کرده بود به خوبی شناخته بـود. درجنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ هـق مـوقعی که انگلیسـی ها با نیروی عظیمـی به قصـد تسلط بـر عراق و مناطق شرقـی از راه خلیج فارس حمله ور گردیدنـد، سـید ابوالقاسم کاشانی در کنار پـدر بزرگـوار و جمعی دیگـر از علمـای مجاهـد شـیعه بـا بسـیج ملت مسـلمان عراق دلاورانه پیشـروی نیروهای انگلیـس را سد نموده و حدود ۱۸ ماه در منطقه حساسـی از جبهه با اسـتقامت و پا فشاری فوق تصـور در مقابل آن همه تجهیزات نـویـن اروپایی مقاومت کرده و مانع تحرکات آنها شده اند. در جنگ جهانی دوم با ورود متفقیـن به ایران، انگلیسـی ها در صـدد انتقام جـویی از کاشانـی بر آمده وی را دسـتگیر و به زندان ارتـش انگلیـس در اراک اعزام مـی دارند. پـس از هشت ماه که کاشانی در اراک زنـدانی بـود، وی را تحـویل سـتاد ارتـش شـوروی در رشت مـی دهند و روسـها پس از محاکمه مرحوم کاشانی تصـمیـم به آزادی وی مـی گیرند ولـی انگلیسـی ها پیشدسـتـی کرده وی را دو باره تحـویل گرفته در اراک زندانی می نماینـد پس از ۹ مـاه حبس در زنـدان اراک وی را به زنـدان انگلیسـی هـا در کرمانشـاه منتقل می کننـد وی از همین زنـدان به فـرمانـده قوای انگلیـس در ایران می نویسـد : اگر در زنـدان شـما بمیرم ننگ ابـدی بر شـما خـواهد بـود و اگر از زندان شـما سالـم بیرون آیم ترتیبی خواهم داد که انگلسـتان از نفت ایـران بـی نصیب بمانـد. سید ابوالقـاسم کاشانـی در یک دادگـاه انگلیسـی در عراق غیابا محکـوم به اعدام شــد. پـس از محاصـره نجف و کـربلا تـوسط ارتـش اشغالگـر انگلیس، ایشان به پیشنهاد روحانیـون عراق برای جلـوگیری از گرفتاری ناچار گردیـد مخفیانه و با لباس مبـدل از طـریق پشـتکوه به ایران آیـد. سال ۱۳۳۹هـق در تهران مـورد تجلیل و احتـرام مردم پایتخت و اولیاء امـور وقت واقع گردیـد حکـم اعـدام کاشانـی تا انقلاب ۱۹۵۸ میلادی عراق که منجـر به تغییر رژیـم عراق شــد دارای اعتبـار بـود. در دوران دیکتـاتـوری رضاخـان مرحوم کاشـانی حـوزه علمیه تهران را اداره مـی کـرد کاشـانـی در دوران دیکتـاتـوری رضاخـان هیچگـاه تسلیـم نبـود و در جـواب (تیمـور تـاش) وزیـر در بـار وقـت که به وی پیشـنهاد ریاست مدرسه عالـی سپهسالار را می نماید مـی نـویسـد : طلاب و علمایی که من تربیت کنم به کار حکومت شما نخواهد خورد. به هنگام تشـکیل مجلـس مؤسـسان که زیر بـرق سـر نیزه و به منظور افزایـش قـدرت شاه انجام می شد کاشانی پیامـی از بیروت به

تهران فرستاده و در قسمتی از این پیام می گوید : تبعید این خادم اسلام و ملت با آن وضع فجیع برای تغییر قانون اساسی و انتخابات فرمایشی و سوار کردن خیانتکاران به گرده ملت و مسأله نفت و تجدید امتیاز بانک شاهی است. در کشاکش مبارزه مردم تهران، مرحوم کاشانی را به نمایندگی دوره شانزدهم انتخاب نموده و او پس از یک سال و ۴ ماه تبعید با استقبال بی نظیری به تهران وارد می شود. مرحوم کاشانی پس از باز گشت به ایران، رهبری مردم را در مبارزه با استعمار انگلستان بار دیگر به عهده گرفت و پیامی به مجلس شانزدهم که اساسی ترین کارش تعیین تکلیف لایحه الحاقی نفت بود فرستاد. کاشانی به محض صدور فرمان نخست وزیری (رزم آرا) طی اعلامیه ای که عینا توسط دکتر مصدق در جلسه علنی مجلس قرائت شد مخالفت قطعی و شدید خود را با حکومت (رزم آرا) بیان نمود. کاشانی طی اعلامیه ای در مورد ملی شدن صنعت نفت می نویسد : ملی شدن صنعت نفت در ایران تنها چاره بیچارگی های ماست زیرا به این وسیله اولا: ثروت بیکرانی که خداوند به ملت ایران عطا فرموده از دست دشمنان بشر که هدفی جز منفعت طلبی و مکیدن خون ملل ضعیف ندارند بیرون آمده به صاحبان حقیقی و مستحق آن می رسد و ثانیا : با عملی شدن حاکمیت ملی دیگر شرکت های غاصب نمی توانند عمال خود را به جان و مال و ناموس مردم مسلط کنند و به این وسیله مقاصد پلید خود را انجام دهند. زمان و علت فوت : سید ابوالقاسم کاشانی در سحرگاه سال ۱۳۸۱ هـ‌ق مطابق با ۲۳ اسفند ماه ۱۳۴۰ هـ‌ش چشم از جهان فرو بست و پیکرش درمیان انبوه مشتاقان تا حرم عبدالعظیم علیه السلام تشیع گردید و بین مزار آن حضرت و امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدابوالقاسم کاشانی در انقلاب ۱۹۲۰ عراق، آیهٔ الله کاشانی به منظور آماده کردن ، مردم و سران عشایر برای مبارزه با سلطه استعمار، از نجف به کاظمین رفت و آنجا را برای شروع یک حرکت انقلاب برگزید.با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین ، استعمار انگلیس که از مبارزات آیهٔ الله کاشانی در عراق ضربات سختی خورده بود با شایع کردن همکاری او با آلمانیها، تصمیم به دستگیری اش گرفت تا بدون مزاحمت وی بتواند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس دخالت کند. به همین منظور در خرداد ۱۳۲۲ چند افسر انگلیسی برای دستگیری آن روحانی مجاهد به منزلش هجوم بردند. اما بر اثر هوشیاری و فداکاری یارانش تا کام ماندند آیهٔ الله کاشانی به ناچار مخفی گردد.کاشانی مدت یک سال ، مخفیانه به مبارزه اش ادامه داد تا این که انگلیسیها در هنگام انتخابات مجلس از محل اقامتش در تهران (امامزاده قاسم شمیران) با خبر شده و او را دستگیر کردند. با وجود اینکه وی از سوی مردم تهران به عنوان نماینده انتخاب گردیده بود، به دستور فرستاد ارتش متفقین ، از لیست اسامی نمایندگان حذف شد و به زندان روسها در رشت فرستاده شد. او پس از چندی به زندان انگلیسیها در اراک و سپس به زندانی در کرمانشاه منتقل گردید.سرانجام پس از تحمل یک سال و چهار ماه زندان در سخت ترین شرایط، در ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ آزاد گشت و روز جمعه ، سی و یکم شهریور، میان انبوه استقبال کنندگان وارد تهران شد. کاشانی یک سال در تبعید بسر برد تا این که بر اثر فشارهای سیاسی از سوی علما و مردم ، در ۲۱ خرداد ۱۳۲۶ آزاد گردید و دوباره به تهران برگشت وبعد از آن به مخالفت با عبدالحسین هژیر که در صدد رای اعتماد مردم بود برآمد.فعالیتهای آموزشی : سیدابوالقاسم کاشانی از همان آغاز جوانی به نکته سنجی و دقت نظر مشهور شده و در دانش سر آمد بود؛ بطوری که در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد دست یافت و بزرگانی مانند آیهٔ الله شیخ الشریعه اصفهانی ، آیهٔ الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیهٔ الله صدر در نوشته های خود، مقام علمی اش را با القابی نظیر ((شکافنده دریای علم))، ((کلید در گنجهای دقیق)) و... ستودند و آیهٔ الله میرزا محمد تقی شیرازی ، تقلید از وی را تاءیید می نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : -سایر فعالیتهای سید ابوالقاسم کاشانی به شرح زیر می باشد: - تشکیل مجلس موسسان برای تغییر قانون اساسی که با دستگیری وی صورت گرفت و با ترور کارگردان تقلب درآرا به نام هژیر مجددا کاشانی به وطن بازگشت -مخالفت کاشانی از روی کار آمدن رزم آرا برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت - وی در سی ام اردیبهشت ۱۳۲۷ بار دیگر مردم را به تظاهرات بر ضد اسرائیل فراخواند و خود در اجتماع پر شور تظاهر کنندگان سخنرانی نمود و وضع

نابسامان مسلمانان را نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد و دوری از احکام اسلام دانست . - کاشانی مسلمانان مصر را نیز در مبارزات استقلال طلبانه آنان ، مورد حمایت قرار و در بحران کانال سوئز، پیام تاءییدی خطاب به جمال عبدالناصر (رئیس جمهور مصر) فرستاد و در مسجد ارک تهران مراسمی برای گرامی داشت یاد شهدای مصر و ارج نهادن به فداکاریهایشان برپا کرد. - او در جریان مبارزه مردم مسلمان تونس برای رهایی از سلطه استعمار فرانسه ، بیانیه ای صادر کرد و تنفر شدید خود را نسبت به بر قراری جو ترور و وحشت توسط فرانسه در خاک تونس ، بیان داشت . - کاشانی در سال ۱۳۳۱ ش . پس از بازگشت از مراسم حج ، نامه ای به تمام کشورهای اسلامی فرستاد و از آنها خواست برای شرکت در کنگره اسلامی و تبادل نظر درباره اتحاد جهان اسلام ، نمایندگانی به ایران بفرستند

کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در سال ۱۳۴۹ هجری قمری برابر با ۱۳۰۹ هجری شمسی در محله گذر حاجی، یکی از محله‌های قدیمی دارالمؤمنین کاشان خانه محمد حسین و بتول آغا از ارادتمندان آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی، پسری به دنیا آمد که او را علی نام نهادند .اطلاعات وسیع از مسائل و موضوعات فقه، اصول و کلام و عرفان، طریقه نقد و بررسی آراء و نظریات فقیهان و اصولیان در مناظره‌های علمی و استدلالی او با مخالفان دارا بودن کمالات و فضایل معنوی، او را در شمار نوابغی قرار داد که در آغاز جوانی به رتبه عالی و قله رفیع اجتهاد در آورد .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : نهادند بیش از شش روز از ولادت شیخ علی کاشانی نگذشته بود که مادر را از دست داد ، نام پدرش هم محمد حسین است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی کاشانی در نه سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فرا گرفت. در آستانه سیزدهمین بهار زندگی به توصیه پدر و تشویق آیت الله رضوی، برای کسب معارف دینی، عازم اصفهان گردید. در آنجا نیز اساتید گرانمایه دروس حوزوی را، تا مرحله سطح، گذراند. آنگاه برای بهره وریهای علمی بیشتر و کسب کمالات بیشتر راهی آستان قدس رضوی (ع) شد و در مدرسه علمیه نواب ساکن شد.مدت اقامتش در مشهد چهار سال بود که در این دوره از محضر اساتید بزرگی همچون؛ آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی، آقا سید محمد یزدی و در کوهستان اطراف بهشهر نزد عالم مهذب حضرت آیت الله سید محمد کوهستانی استفاده‌ها برد. شیخ علی ضمن کسب در مدرسه میرزا جعفر که اسم اکنون بخشی از دانشگاه علوم رضوی تبدیل شده است، به تدریس و تعلیم طلاب و مشتاقان علم و در همان دوران جزو چهره‌های سر شناس علمی مردان با تقوای حوزه به شمار آمد.پس از اقامتی کوتاه در مشهد آهنگ هجرت به حوزه علمیه قم کرد. در قم امامت مسجد کیهان را به عهده داشت و در منزل جنب مسجد، با شهید هاشمی نژاد و... به سر برد بعد از آن در یکی از حجره‌های قست شرقی مدرسه حجتیه سکنی گزید. با جدیت تمام در سالهای ۱۳۲۵ ش در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی شرکت کرد و در کنار آن در مسجد کوچک گذر خان به تدریس دروس سطح عالی و درس خارج خصوصی برای شهید هاشمی نژاد پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : نامادری شیخ علی می‌گوید: چند ماهی پس از در گذشت مادر شیخ من به عقد پدرش در آمدم در حد توان کارهای او را انجام می‌دادم ولی پدرش بیشتر مواظب او بود.آن موقع‌ها که برای تحصیل به مشهد و قم می‌رفت گاهی به کاشان می‌آمد و از زمان آشنایی شیخ با آقای هاشمی نژاد با هم به کاشان می‌آمدند و بیشتر ماه مبارک یا محرم مدتی می‌ماندند شیخ در خانه به مطالعه و عبادت مشغول بود و آقای هاشمی نژاد منبر و جلسه داشت.آقا شیخ علی به آیت الله رضوی علاقه بسیار داشت و به

دیدن او می‌رفت.استادان و مربیان : شیخ علی کاشانی، نزد اساتید و بزرگان سه حوزه مهم، اصفهان، مشهد و قم، به تحصیل پرداخت. برخی از اساتید او عبارتند از :آیت الله آقا سید محمد حسین رضوی کاشانی؛ آیت الله سید محمد علوی بروجردی معروف به باغ ؛آیت الله آقا میرزا محمد هاشم قزوینی؛ آیت الله شیخ محمد کوهستانی؛ آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی؛ امام خمینی؛زمان و علت فوت : شیخ علی کاشانی در مسافرتی که محرم سال ۱۳۷۴ به رودسر کرده بود در شب ۱۴ آن ماه پس از ادای فریضه مغرب و عشاء در منزل یکی از آشنایان دچار سکته قلبی گردید و ندای ارجعی را لبیک گفت. جنازه آن مرحوم را به قم آورده‌اند و پس از تشییع در قسمت جنوبی قبرستان نو به خاک سپردند.شاگردان : از شاگردان معروف فریدهٔ الاسلام کاشانی که بیشترین بهره‌های علمی و معنوی را در مکتب وی کسب کردند؛ شهید والا مقام حجت الاسلام و المسلمین سید عبد الکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش) است. در بین دیگر شاگردان می‌توان از وی حجت الاسلام و المسلمین سید حسن ابطحی خراسانی، سید حبیب الله اهری گرگانی، حاج شیخ غلامرضا عرفانیان خراسانی، حاج شیخ علی اصغر مسلمی کاشانی، حاج شیخ حسن شریعتی نیاسری، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نام برد.آرا و گرایشهای خاص : شیخ علی شانزده سال زندگی طلبگی را با پشتکار تمام در کسب علوم و فضائل و در نهایت سادگی و بی آلایشی سپری کرد. او نسبت به دنیا و امور دنیوی بی توجه بود، در ارتباط با خالق و اولیای الهی آنچنان عاشق بود که سر از پا نمی‌شناخت.او عاشق عبادت، تهجد و سجده‌های طولانی، ناله و زمزمه‌های شبانه بود لباسها ساده و وصله دار و حرراش معمولی بود برای خود خانه نخرید و زن اختیار نکرد. در مباحثات و مناظرات علمی با جرئت و درود یافت مطالب و سرعت انتقال قوی و پر استعداد بود.آثار : تعلیقه بر فرائد الاصول شیخ انصاری ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۲ رساله و جزواتی در مبحث فقه و اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۳ رساله‌ای در لباس مشکوک ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۴ مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۵ منظومه مجمع الفرائد ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۶ منظومه‌ای در علم اصول ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی۷ منظومه‌ای در علم کلام ویژگی اثر : کتابها به صورت چاپ شده یا خطی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

کاشف‌الغطاء

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ع. برطرف‌کننده‌ی پرده) لقب (شیخ) جعفر بن (شیخ) خضر بن (شیخ) یحیی حلی جناحی‌الاصل و نجفی‌المسکن والمدفن معروف به شیخ اکبر و شیخ نجفی، از بزرگان علمای امامیه و فقیه و مجتهد (ف. نجف ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸ ه.ق) وی شاگرد آقای بهبهانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید صادق فخام و جز ایشان بود؛ و صاحب جواهر و حجهٔالاسلام رشتی و شیخ محمدتقی صاحب هدایهٔ المسترشدین و سید صدرالدین موسوی عاملی و سید جواد صاحب مفتاح‌الکرامهٔ و شیخ عبدالحسین اعسم و حاجی کلباسی و گروهی دیگر از شاگردان اویند و از او روایت دارند. او راست: اثبات الفرقهٔ الناجیهٔ من بین الفرق الاسلامیهٔ، احکام الاموات، بغیهٔالطالب فی معرفهٔ المفروض والواجب (رساله‌ای است عملیه و مطلب اول آن در اصول عقاید و مطلب دوم در احکام طهارت و نماز است)، الحق المبین فیتصویب المجتهدین و تخطئهٔ جهال الاخباریین (که در آن حقیقت مذهب طرفین را نگاشته و گوید که هر

دو در اصول دین متحد و در فروع نیز مرجع هر دو فرقه، روایات ایمه ۴ است و در حقیقت مجتهد اخباری و اخباری نیز مجتهد و فضلای طرفین ناجی و طعن‌کنندگان در هلاکتند)، شرح قواعد علامه (که در آن بعضی از ابواب مکاسب را تا مبحث خیارات شرح کرده)، العقائد الجعفریة، کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (این کتاب حاکی از کثرت اطلاع و فهم و جودت فکر و حسن سلیقه‌ی او و حاوی اصول و فروع دینی است. شهرت شیخ جعفر به کاشف‌الغطاء به مناسبت نام همین کتاب است). وی نزد بزرگان عصر محترم بود و ریاست علمی داشت و بسیار حلیم و متواضع بود. مدفن او در نجف در محله‌ی عماره در مقبره‌ی مخصوص خانواده‌ی اوست. خاندان او را به نام آل کاشف‌الغطاء می‌نامند و هر یک از آنان را نیز به لقب کاشف‌الغطاء می‌خوانند، از آن جمله کسان ذیل از آن نامبردارند:

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کاظمی خوانساری اصفهانی، محمد مهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۹۱ -۱۳۱۹ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. وی در محله‌ی قطانه کاظمین به دنیا آمد و پس از نشو و نما به تحصیل پرداخت. مقدمات و ادبیات و منطق و سطوح وسطی و نهایی را از علمای کاظمین، همچون میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و آیت‌اللّٰه شیخ حسین رشتی کاظمی، فراگرفت. سپس به نجف مهاجرت کرد و چند سالی از محضر آیت‌اللّٰه سید ابوتراب خواسناری و آیت‌اللّٰه شیخ علی مازندرانی و دیگران بهره‌ها جست و از سید ابوتراب خوانساری و میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی و شیخ علی مازندرانی و شیخ اسداللّٰه زنجانی و سید محمد کاشانی حایری و شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و شیخ علی شاهرودی و شیخ ضیاءالدین عراقی و سید محسن عاملی، صاحب «اعیان الشیعه»، و شیخ کاظم شیرازی نجفی و سید میرزا هادی خراسانی حایری اجازه گرفت. آن‌گاه به کاظمین بازگشت و به وظائف دینی و تألیف و اقامه جماعت پرداخت تا در همان شهر درگذشت و در جوار قبر امام موسی بن جعفر (ع)، به خاک سپرده شد. از آثارش: «احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة» یا «الباقیات الصالحات»، در تتمیم «روضات الجنات»؛ «صرف العنایة فی حل معضلات الکفایة»؛ «نزهة المرتاض فی شرح طهارة الریاض»؛ «القول المقبول فی مباحث الاصول»؛ «جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات»؛ «نفایس الکلام فی شرح اسماء اللّٰه العظام»؛ «زبدة الکلام فی المنطق و الکلام»؛ «بغیة اللبیب و غنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب»؛ «الانوار الکاظمیة فی احوال السادات الموسویة»؛ «النقد و البیان فیما یتعلق بکتب الاعیان»؛ «مطلع الشمسین فی الدفاع عن السیدین»؛ «البرهان الجلی فی احوال زید بن علی (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۴۲، ۱۲۴ / ۲۴، ۳۱ / ۱۲، ۴۳۹ / ۲، ۲۸۹ / ۱)، ریحانه (۱۹۱ -۱۹۰ / ۲)، علماء معاصرین (۲۴۴ -۲۴۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰ -۳۰۹/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷ -۳۶۵/ ۶).

کاویانی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد کاویانی ارانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هستم، در سال ۱۳۶۰ با دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم، طی شش سال دروس سطح را تحصیل و بعضاً تدریس کردم. از سال ۱۳۶۷ به صورت رسمی در دروس خارج فقه، اصول فقه، تفسیر و فلسفه شرکت کردم. ضمن دروس رسمی حوزه علمیه، در دروس معارف اسلامی موسسه در راه حق (موسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی) شرکت کردم و فوق لیسانس دریافت کردم.

دوره آموزش زبان انگلیسی را طی یکسال به طور فشرده در دفتر تبلیغات اسلامی قم گذراندم. در کنار دروس حوزه و پس از اتمام درس های موسسه در راه حق، به گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پیوستم، پس از اتمام دروس فوق لیسانس، در رشتهٔ «روانشناسی بالینی»، برای ادامهٔ تحصیل در دکترای روانشناسی، به دانشگاه اصفهان وارد شدم. هم اکنون در حال نوشتن پایان نامه دکترای روانشناسی هستم.

در ضمن تحصیلات مختلفی که داشتم تدریس های متعدد نیز به صورت دائم در حوزه و دانشگاه و مجموعه های جانبی حوزه علمیه قم داشته ام و دارم. اکنون عضو هیئت علمی «گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» هستم. تألیفات و ترجمه ها از نوع کتاب و مقاله و پژوهش داشته ام که اطلاعات مفصل آن در پرونده ضمیمه درج شده است. اکنون روحانی کاروان حج نیز هستم و ۸ سفر مشرف شده ام.

کبیر قمی، محمد نجفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۶۹ -۱۲۹۰ ق)، فقیه، اصولی و مدرس. در قم به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را نزد ملا محمد تقی نحوی و حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را در خدمت حکیم یزدی فراگرفت. آن‌گاه به تهران آمد و از محضر حاج شیخ فضل‌اللّٰه نوری و آقا سید عبدالکریم گیلانی و حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ علی نوری و آقا میرزا محمود قمی بهره گرفت و فقه و اصول و حکمت را تکمیل کرد. پس از آن به نجف مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّٰه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود. در ۱۳۳۸ ق پس از نیل به درجه‌ی عالی اجتهاد به قم بازگشت و به تدریس و تربیت محصلین و دانشجویان علوم دینی همت گماشت. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده‌ی گروهی از فضلاء بود. او از طرف آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی مرجع در احتیاطات گردیده بود. وی در مناسبت‌های ویژه چون اعیاد و سوگواری‌ها منبر می‌رفت و به موعظه‌ی

مردم می‌پرداخت. در قم از دنیا رفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: حاشیه بر «جواهر»؛ حاشیه بر «عروة»؛ «مشارق الشموس»، در اصول، تعلیقه‌ای بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی؛ «منتخب الرسائل».[۱]

مرحوم مبرور شیخ الفقهاء والمجتهدین حاج میرزا محمد کبیر قمی از آیات عظام و علماء کرام و مراجع والامقام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده است. تولدش در سال ۱۲۹۰ قمری در قم واقع شده و مقدمات و سطوح وسطی را خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین قمی و معقول را خدمت مرحوم حکیم یزدی خوانده آنگاه به تهران مسافرت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ فضل‌اللّه شهید نوری و آیت‌اللّه آقا سید عبدالکریم گیلانی استفاده نموده و پس از آن مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحومین علمین آیتین آخوند خراسانی و علامه یزدی و آیت‌اللّه حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نموده و در سال ۱۳۳۸ قمری به قم مراجعت و به تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین و طلاب و هم اقامه جماعت در مسجد امام علیه‌السلام پرداخته است.

وی منبری شیرین داشت و در منزل خود در اعیاد و سوگواریها منبر می‌رفت و مردم را به موعظه حسنه خود بهره‌مند می‌نمود. درس خارج فقه و اصولش مورد استفاده جمعی از فضلاء بوده و با حکماء و فلاسفه مخالفت علنی داشت و مانند مرحوم آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی مشهد می‌فرمود این فلسفه‌بافی‌ها مردم را از آل محمد صلوات اللّه علیهم اجمعین و اخبار و احادیث اهل‌بیت دور ساخته است. در سال ۱۳۶۹ قمری از دنیا رفت و در قبرستان شیخان جنب مقبره زکریا بن آدم اشعری در مقبره خصوصی خود مدفون گردیده است.

آثار قلمی ایشان از این قرار است ۱- حاشیه بر جواهر ۲- حاشیه بر عروه ۳- مطالع الشموس در اصول ۴- رساله‌های علمیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۵۰ -۱۴۸)، الذریعه (۳۶/ ۲۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۴۳ -۳۴۲/ ۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴۵/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۱ -۶۹۰/ ۵).

کرباسی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۰۸ ق)، فقیه، اصولی و عالم دینی. معروف به شیخ العراقین. نوه‌ی دختری سید حجهٔ الاسلام بود. در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش به نجف مهاجرت کرد و از محضر علامه انصاری و پس از او از شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد. آن‌گاه خود به تدریس پرداخت. او در نهایت احترام در نجف باقی ماند. در آنجا درگذشت و هما جا دفن شد. از آثار وی: «اصول الفقه»، در دو مجلد بزرگ، شرح کتاب «اصول» پدرش، آقا شیخ محمد مهدی کرباسی؛ «کتاب الصلاهٔ»، که در آن از کتاب «الجواهر» و نیز از استادش شیخ انصاری بسیار نقل کرده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۱۷ -۴۱۶/ ۲)، تذکرهٔ القبور (۵۰۸)، الذریعه (۵۴/ ۱۵ ،۲۰۳ -۲۰۲/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷ -۷۶/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۶/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۲۴/ ۸)، مکارم الآثار (۲۱۹۹/ ۶).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۵ -۱۲۴۷ ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهشهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌اللّٰه بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»؛ «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیۀ»؛ «الاستیجاریۀ»؛ «الاستشفاء بالتربۀ الحسینیۀ»؛ «شرح زیارۀ عاشوراء»؛ شرح «الکفایۀ» سبزواری، در فقه؛ «حجیۀ المظنۀ»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالۀ الصحۀ»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۴۷۵)، تذکرۀ القبور (۱۰۶ -۱۰۵)، الذریعه (۳۶/ ۱۴ ،۳۰۸/ ۱۳ ،۲۷۶/ ۶ ،۸۳/ ۵ ،۱۱۰/ ۳ ،۵۷ ،۳۵ ، ۲۳ ،۱۹ -۱۸/ ۲)، ریحانه (۲۷۰ -۲۶۹/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰ -۷۹/ ۱۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۹/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۳/ ۲).

کرباسی، رضا، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر علمای آنجا استفاده نمود. سپس به تهران آمد و در درس علمای تهران شرکت کرد. در ۱۳۲۳ ق به نجف مهاجرت کرد و از شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی به دریافت اجازه نایل شد. آن گاه به اصفهان بازگشت و سالها به ترویج دین و نشر احکام و احیای مساجد مخروبه پرداخت. وی سپس به مشهد مهاجرت نمود و در آنجا ساکن گردید و به انجام وظائف دینی و تدریس پرداخت. او در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انیس اللیل»، در شرح «دعای کمیل»؛ «مکیال الیقین فی اصول الدین»؛ «ایقاظات الاصول»؛ «مقامات العارفین فی بیان منازل السالکین»، به فارسی؛ «هدایۀ السالکین لعموم المؤمنین»، به فارسی؛ «دعوۀ الحسینیۀ»؛ حواشی بر کتب مختلف فقهی و اصولی؛ «مرآت المصنف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرۀ القبور (۳۳۱)، الذریعه (۱۷۶/ ۲۵ ،۱۸۲ ،۱۲/ ۲۲ ،۲۸۷/ ۲۰ ،۴۶۴/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۹/ ۱۴).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۵۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و

عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود ۱۳۲۰ ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف‌آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدر التمام و البحر الطمطام»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفة الی سلالة النبوة»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملة من المصنفات و المصنفین»؛ «درة البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سماء المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۵۳/ ۲)، تذکرة القبور (۱۰۷ -۱۰۶)، الذریعه (۳۳۷/ ۱۶ ،۳۴/ ۱۵ ،۲۲۹/ ۱۲ ،۶۴ -۶۳/ ۸ ،۴۰۳ ،۶۷/ ۳)، ریحانه (۳۰۰ -۲۹۸/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۴۴/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۸ -۱۰۶۷/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۴۶/ ۱۳)، مکارم الآثار (۱۳۰۴/ ۴) ، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸ -۳۰۷/ ۱).

کرباسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۱۸۶/ ۱۱۸۰- وف ۱۲۶۲ -۱۲۶۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، زاهد و عابد. اصل او از حوض کرباس هرات است. پدرش از هرات به کاخک خراسان منتقل شد و بدین جهت به کاخی یا کاخکی معروف شد. ابراهیم در اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عتبات رفت. او محضر وحید بهبهانی را درک کرد و فقه و اصول و علوم دینی را از حوزه‌ی اساتیدی چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و آقا سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، و سید محسن مقدس کاظمی و دیگر علمای وقت فراگرفت. سپس به ایران بازگشت. در قم از محضر محقق قمی، صاحب «القوانین»، و در کاشان از محضرت ملا محمد مهدی نراقی بهره برد. آن گاه به اصفهان بازگشت و در مسجد حکیم آنجا حوزه‌ی درس تشکیل داد. کرباسی از میرزای قمی و شیخ جعفر نجفی و شیخ احمد احسائی و شیخ عبدعلی خطی بحرانی و شیخ حسین ماحوزی و شیخ سلیمان بحرانی اجازه داشت و از آنان روایت می‌کرد. میرزا زین‌العابدین خوانساری و آقا سید حسن مدرس و سید حسن مجتهد موسوی و آقا میر سید محمد شهشهانی از شاگردان وی بودند. او در اصفهان درگذشت و در جوار مسجد حکیم دفن شد. از آثار وی: «اشارات الاصول»، در دو مجلد بزرگ؛ «الایقاظات»، در اصول فقه؛ «شوارع الهدایة»، در شرح «الکفایة» محقق سبزواری؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «منهاج الهدایة الی احکام الشریعة و فروع الفقه»؛ «مناسک الحج»، به فارسی؛ «نقد الاصول»؛ «نخبه»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹۵/ ۶)، اعیان الشیعه (۲۰۷ -۲۰۶/ ۲)، ایضاح المکنون (۵۸/ ۲ ،۸۳ ،۶۴/ ۱)، تذکرة العلماء (۲۱۷ -۲۱۶)، تذکرة القبور (۴۸ -۴۷ ،۴۶)، الذریعه (۲۷۲/ ۲۴ ،۱۸۰ -۱۷۹/ ۲۳ ،۲۵۳/ ۲۲ ،۲۳۷/ ۱۴ ،۵۰۷ ،۹۸ -۹۷/ ۲ ،۵۲۱ -۵۲۰/ ۱)، روضات الجنات (۴۷ -۴۴/ ۱)، ریحانه (۴۴ -۴۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵ -۱۴/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۱۲ -۱۰)، الکنی و الالقاب

(۱۰۹/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم کرباسی)، معجم المؤلفین (۹۱/ ۱)، مکارم الآثار (۱۶۴۶ -۱۶۴۳/ ۵)، هدیة العارفین (۴۲/ ۱).

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبداللّه یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۹۷/ ۹)، الذریعه (۲۹۸/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۰/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۵/ ۹)، وحید بهبهانی (۳۳۷).

کرمانشاهی، محمد جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۵۴ -۱۱۷۸ ق)، فقیه، اصولی، محقق، مجتهد و زاهد. نوه‌ی وحید بهبهانی است. برادرش آقا احمد در «مرآت الاحوال» گوید که او در عراق به دنیا آمد و همراه پدرش به ایران آمد. مدتی در قم از محضر میرزای قمی استفاده کرد. سپس از محضر پدرش آقا محمد علی بهبهانی بهره برد. او مدتی نیز در حوزه‌ی درس سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، حضور یافت تا سرآمد اقران شد. آن گاه حج گزارد و به کرمانشاه رفت و در آنجا به انجام وظائف شرعی پرداخت. او در تحقیق اصول فقه معروف بود و در برآوردن حاجات مردم مشهور. از آثارش: «شرح مختصر النافع»؛ «مصابیح»، شرح «مفاتیح» فیض؛ حاشیه شرح عمیدی بر «هذیب الاصول»؛ حاشیه «معالم الاصول»؛ «انیس الطلاب»، در مسایل متفرقه از فقه و اصول و غیره، به عربی و فارسی؛ «تکمله»، در شرح «تبصره‌ی» علامه‌ی حلی؛ «الجواهر البهیة»، در فقه، به فارسی؛ «نهج الرشاد فی ارشاد العباد»، اصول دین؛ «تحفة الابرار»؛ «منتخب الاصول»، در علم اصول.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۰۲/ ۹)، الذریعه (۵۸/ ۱۴، ۲۰۵، ۱۲۰/ ۱۳، ۴۰۵ -۴۰۴/ ۳، ۴۶۰ -۴۵۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۶۴ -۲۶۳/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۵۷۵، ۴۴۹)، مرآت الاحوال (۱۶۳ -۱۶۲)، وحید بهبهانی (۳۳۷ -۳۳۴).

کرمانی، جمال‌الدین محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۲ / ۱۳۵۱ -۱۲۹۲ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. وی از دانشمندان برجسته‌ی قرن چهاردهم قمری و مؤلف کتاب «أسس الاصول» یا «اصول بی نقطه»، شکل گرفته از حرف مهمله، در ۱۶۵۰ سطر، در مباحث «الفاظ» از علم اصول می‌باشد که در حدود ۱۳۱۸ ق تألیف و در ۱۳۱۹ ق به همراه چند خطبه‌ی مؤلف چاپ شده است. او در کتاب خود با چهارده حرف بی نقطه مطالب اصولیه را بیان کرده و در آخر نسخه چند خطبه آورده است: اول «خطبه‌ی حسدیه»، که فقط از حروف مهمله بی نقطه ترکیب یافته و دوم «خطبه‌ی اثنی عشریه» که فقط از دوازده حرف بی نقطه، غیر الف و همزه، ترکیب یافته، و سوم «خطبه‌ی منقوشیه» که برخلاف خطبه‌ی پیش فقط از حروف منقوطه ترکیب یافته و چهارم «خطبه‌ی معکوسه» که هر یک از فقرات آن را از راست به چپ و از چپ به راست به یک نحو می‌توان خواند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعلام (۲۱۷/ ۷)، الذریعه (۵۸ -۵۷/ ۲)، ریحانه (۴۲۶/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ جمال‌الدین کرمانی)، معجم المؤلفین (۱۱۲/ ۱۱).

کرمانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۸۶ -۷۱۷ ق)، فقیه شافعی، اصولی، محدث، مفسر، متکلم و نحوی. اصل وی از کرمان است. مدت سی سال در بغداد به نشر دانش مشغول بود و در آنجا صاحب نام و آوازه گشت. مدتی نیز در مکه اقامت کرد. در راه بازگشت از مکه به بغداد درگذشت. جنازه‌اش به بغداد منتقل و در آنجا دفن شد. از آثار وی: «الکواکب الدراری»، در شرح «الجامع الصحیح» بخاری، بیست و پنج مجلد کوچک و یا چهار مجلد بزرگ؛ «ضمائر القرآن»، و مختصر آن؛ «النقود و الردود فی الاصول»؛ شرح «مختصر» ابن‌حاجب، به نام «السبعة السیارة»، که در آن هفت شرح جمع‌آوری شده است؛ شرح «اخلاق» قاضی عضدالدین ایجی؛ در معانی و بیان، که آن را «تحقیق الفوائد» نامید؛ شرح «المواقف» قاضی عضدالدین ایجی، در علم کلام؛ حاشیه بر «انوار التنزیل» بیضاوی، در تفسیر، در چهار مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۸ -۲۷/ ۸)، کشف الظنون (۱۸۹۱، ۱۶۶۲، ۱۲۹۹، ۵۴۶، ۱۸۹، ۳۷)، معجم المؤلفین (۱۳۰ -۱۲۹/ ۱۲)، هدیة العارفین (۱۷۲/ ۲).

کرمی، رضاعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاعلی کرمی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا علی کرمی در سال ۱۳۳۹ در خانواده مذهبی و علاقمند به پیامبر و اهل بیتش (صلوات الله علیهم) متولد شد. ایشان در کنار دروس جدیده، دروس حوزوی را دنبال کردند. وی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و دروس سطوح را به سرعت گذراند و پس از آن، در دروس خارج آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت می نماید و دروس تفسیر قرآن کریم حضرت «آیت الله جوادی آملی» و فلسفه «آیت الله علامه حسن زاده» را فرا گرفته است.

ایشان تدریس، تألیف و تبلیغ را در همان اوایل تحصیل آغاز کردند که هم زمان با فعالیت های علمی با توجه به وظایف شرعی و انقلابی خود قبل از انقلاب اسلامی، جزء فعالان انقلابی و بعد از انقلاب اسلامی و با همکاری جدی با نهادهای انقلاب اسلامی، همواره تلاش مجدانه داشتند. موضوعاتی که توسط ایشان از سال ۱۳۶۷ تاکنون تدریس می شود:

۱. فقه و مکاسب

۲. اصول و کفایه

۳. کلام (فرق و مذاهب ـ ادیان و مکاتب)

۴. روش تبلیغ

۵. روش های مطالعه و تحقیق

۶. اخلاق و تربیت اسلامی

۷. تعلیم و تربیت اسلامی

۸. روان شناسی تربیتی

۹. راهنمایی و مشاوره

۱۰. روش های جذب جوانان

۱۱. اصول و فنون مناظره

۱۲. تفسیر قرآن

۱۳. روش تدریس

۱۴. روان شناسی تبلیغ

۱۵. روان شناسی عمومی

۱۶. روان شناسی کودک و نوجوان

۱۷. روش ذکر مصیبت

۱۸. مهارتهای زندگی در اسلام

کرمی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی کرمی

محل تولد : فریدن

شهرت : کرمی فریدنی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرمی فریدنی، در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در منطقه ی فریدن از استان اصفهان دیده به جهان گشودم و پس از تحصیلات ابتدایی به فراگیری علوم حوزوی گرایش یافته و با ترغیب دایی بزرگوارم مرحوم آیت الله فرهادی به آموزش آن پرداختم. مقدمات را نزد آن مرحوم آموختم، آنگاه با راهنمایی او در سال ۱۳۴۸ به مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی در قم آمدم و ادامه ادبیات و بخشی از سطح را در آنجا خواندم و بخش دیگر را نزد اساتید بزرگوار و آیاتی چون: شهیدی، شبستری، باکویی، وجدانی، ستوده، صلواتی، پایانی، دوزدوزانی، اعتمادی، سید ابوالفضل موسوی، نوری، فاضل، سبحانی، احمد بهشتی و ... فرا گرفتم.

همزمان با ادامه درس و بحث، برای فراگیری دیگر معارف اسلامی و دانش روز پس از مشورت با بزرگانی همچون: استاد مطهری، گلسرخی و محقق به دارالتبلیغ اسلامی رفتم و دوره کارشناسی آنجا را با موفقیت و دریافت جوائز متعدد به پایان رسانده و به عنوان دانشجوی ممتاز برای ادامه تحصیل و پژوهش برای اعزام به خارج برگزیده شدم که متأسفانه رحلت نابهنگام پدر و مسئولیت اداره خانواده و خردسالی برادران و خواهران و تنگنای اقتصادی، اجازه رفتن نداد.

همزمان قرآن و نهج البلاغه را که مرحوم آیت الله فرهادی، استاد شهیدی و بلاغی جرقه اش را در اندیشه و جانم زده بودند از آغاز با شماری از دوستان به مباحثه و حفظ برخی خطبه ها و نامه ها و قصار آن نشستم و این گام ابتکاری و مبارك، به لطف خدا با شوق و پشت کار خستگی ناپذیری ادامه یافت و اندوخته های آن، همراه ره توشه این نویسنده و سخنور ناچیز در راه پژوهش و نگارش و نیز سخنرانی ها و نشست های علمی و یکی از رازهای احساس رضایت و موفقیت او در زندگی است.

اینجانب بخش هایی از فقه استدلالی را در دارالتبلیغ اسلامی و بخش های دیگر را در درس برخی از آیات همچون: فاضل، سبحانی، شیرازی و دیگران گذراندم اما عمده ترین استادم در (خارج فقه و اصول، تفسیر، عقاید، معارف اسلامی و هنر نویسندگی)؛ آیت الله مکارم شیرازی بود که چیزی حدود یک دهه یا یک دوره کامل در درس های متنوع ایشان به ویژه خارج فقه و اصول شرکت نموده و مباحث را خلاصه نگاری و با دوستان مباحثه کردم و به استاد ارائه دادم و بارها مورد تشویق کتبی و شفاهی او قرار گرفتم. دوره ی نویسندگی و ترجمه را از دارالتبلیغ آغاز نمودم و همزمان با تلاش و تمرین بسیار دوبار دوره تخصصی ترجمه را گذراندم و آن گاه به ترجمه مقالات و کتاب ها پرداختم که اینك به لطف خدا دهها اثر مطرح به صورت تألیف و ترجمه از اینجانب چاپ شده و برخی از آنها رتبه اول را آورده است.

فراتر از یک دهه پیش، توفیق پژوهش های قرآنی روزی این بنده ناچیز شد و از سوی برخی از مراکز قرآنی از جمله دارالقرآن آیت الله گلپایگانی به همکاری دعوت شدم. این راه نیز تاکنون به صورت تلاش فردی و گروهی ادامه یافته است که ره آورد آن چندین کتاب و مقاله چاپ شده و نیز ترجمه وزینی از قرآن است که از نظر دقت در ترجمه و انتخاب واژه ها و زیبایی جمله ها در همایش اهل قلم رتبه نخست را آورده است.

کرمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره ۶ ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیهٔ الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کریمی، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جعفر کریمی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید جعفر کریمی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای دیوکلا از توابع بابل و در میان خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید رضا کریمی، که به درخواست والده فاضله‌اش و تشویق دایی خود مرحوم آیهالله العظمی حاج سید احمد استاد مصمم بود به تحصیل علوم دینی مشغول شود. در اثر فوت والده و نیز پیش آمد مشکلات دیگر ناگزیر به پیشینه کشاورزی روی آورده و از تحصیل بازماند. مادرش نیز زنی پاکدامن و روحانی زاده بود که نقش بسزایی در تربیت فرزند خود ایفا می‌کرد.

اقوام آیت الله کریمی بیشتر از طبقهٔ برجسته و بنام روحانیان بودند و برای اشتغال به تحصیل علوم دینی ارزش فراوان قائل می‌شدند. دوران کودکی آیت الله کریمی با اوج ستم رضا خانی همراه بود. او تا پایان شهریور ۱۳۲۰ تنها به فراگیری قرآن در مکتب خانه بسنده کرده بود و از سال ۱۳۲۱ برای فراگیری مقدمات، به نزد ثقهٔ الاسلام سید محمود موحدی رفت و بخشی از جامع المقدمات را فرا گرفت. از مهرماه ۱۳۲۳ به حوزه علمیه بابل رفت و تا مهر ۱۳۲۶ در محضر استادان و عالمان آن حوزه به فراگیری ادبیات عرب اشتغال داشت. در مهرماه ۱۳۲۶ عازم قم شد تا در حوزه علمیه قم و در محضر استادان و عالمان آن دیار، پله‌های پیشرفت علمی و عملی را بپیماید. دروس دوره سطح را تا سال ۱۳۳۲ در محضر استادان برجسته قم به پایان برد و سپس به درس خارج علمای بزرگ حوزه علمیه قم مشرف شد.

در دی ماه سال ۱۳۳۳ به سفارش پدر، به نجف اشرف، مشرف شد تا به محضر استادان آن حوزه عظیم نیز شرفیاب شود. حضور او در نجف تا سال ۱۳۵۷ ادامه پیدا کرد. در طی سالهایی که امام (ره) در نجف اشرف حضور داشت، همواره به درس ایشان می‌رفت و هنگامی که دولت عراق به محاصره بیت ایشان پرداخته و آن مرجع بزرگ را به خروج از عراق وادار کرده بود، او با گروهی، امام (ره) را تا مرز صفوان بدرقه کرد. او در طی این سالها، خود نیز به تدریس دروسی که آموخته بود پرداخت و نیز از محضر دروس اخلاق استادان خود بهره‌مند بود. آیت الله سید جعفر کریمی در سالهای تحصیل خود، به محضر استادان گرانقدر بسیاری شرفیاب شد. او که بخشی از جامع المقدمات را نزد ثقهٔ الاسلام سید محمود موحدی در زادگاه خود آموخته بود، در حوزه علمیه بابل، دروس مقدمات را نزد حجج اسلام حاج سید حسن استادزاده، حاج شیخ علی موحد، حاج سید محمد محقق، حاج شیخ محمد علی طبرستانی و آیت الله حاج شیخ ولی اللّه مدرس آموخت. در قم نیز دروس سطح را نزد حضرات آیات: صدوقی، شیخ محمد فکور یزدی، طباطبایی و ... به پایان رساند. سپس حدود یک سال در درس خارج آیت الله العظمی حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) و مدتی در درس خارج فقه آیت الله العظمی بروجردی (ره) شرکت کرد. وی در حوزه علمیه نجف نیز، از محضر استادان بسیاری بهره برد.

او مدت هشت سال در دروس خاج فقه و اصول آیت الله العظمی آملی (ره) شرکت کرد. او مدت ۲۴ سال در درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی خویی (ره) حضور داشت و مدت ۱۲ سال نیز در درس خارج فقه آیت الله العظمی شاهرودی (ره) شرکت جست. در میان سالهای یاد شده، مدت چهار ماه به بحث خارج فقه آیت الله العظمی اصطهباناتی (ره) و مدت شش ماه به درس خارج اصول آیت الله العظمی یزدی (ره) رفت. او از مهر ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ در درس خارج فقه آیت الله حلی شرکت کرد و مدت ۳ سال در درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) حاضر شد.

آیت الله سید جعفر کریمی، با ورود حضرت امام خمینی (ره) به نجف اشرف، از سال ۱۳۴۴ تا تیرماه ۱۳۵۷ یعنی آخرین سال حضور امام (ره) در نجف، در درس خارج فقه ایشان، حضور مستمر داشت. آیت الله سید جعفر کریمی، در سالهای تحصیل و پس از آن با بسیاری از طلاب و فضلای آن روز رابطه دوستی و رفاقت داشت که از میان آنها می‌توان از مرحوم آیت الله سید عباس

خاتم یزدی نام برد.

زندگی آیت الله کریمی، تاکنون از خدمات علمی و فرهنگی بسیار سرشار بوده است. او در سالهای تحصیل خود تقریرات درس استادان خود را نگاشته است که از میان آنها می‌توان به تقریرات درس خارج فقه حضرات آیات عظام: (حلّی و حکیم) و تقریرات درس اصول آیت الله العظمی خویی اشاره کرد. جلد چهارم تقریرات درس فقه آیت الله العظمی آملی نیز با عنوان «کشف الحقائق عن الفقه الجعفری» به چاپ رسیده است. آیت الله سید جعفر کریمی تا به حال دروس منطق، ادبیات عرب، فقه و اصول تا سطوح عالی را چندین بار تدریس فرموده است و به مدت یک سال در مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم و دو سال در مدرسه عالی شهید مطهری و مدرسه علوم قضایی تهران (دانشکدهٔ علوم قضایی) تدریس داشته است. آیت الله کریمی از سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه قم به تدریس خارج فقه قضا اشتغال ورزید و هم اکنون نیز چندین سال است به تدریس خارج فقه عبادات و معاملات می‌پردازد.

امام خمینی (ره) پس از ورود به نجف و ملاحظه نابسامانیهای موجود در آن حوزهٔ شریف، به آیت الله کریمی و دو تن از فضلای حوزه دستور دادند که با مذاکره با بیت آیت الله العظمی خویی (ره)، هیأت مشترکی برای تنظیم برنامه و امتحانات تشکیل دهند که این امر، با کارشکنی برخی از آقایان روبرو شد. از این رو امام (ره) تصمیم گرفت خود، به این امر اقدام نماید و مسئولیت برگزاری امتحانات طلاب و نظارت بر دفتر شهریه را به آیت الله کریمی واگذاشت. در سال ۱۳۴۵، تحقیق و بازنگری و تصحیح رساله عملیهٔ عربی زبدهٔ الاحکام و رسالهٔ فارسی توضیح المسائل را امام (ره) به آیت الله کریمی واگذار کرد و در سال ۱۳۴۶، آیت الله کریمی با همکاری آیت الله خاتم یزدی (ره) کتاب البیع امام (ره) را تحت نظارت و اشراف ایشان، در بهترین اسلوب و در پنج جلد در نجف اشرف به چاپ رسانید. او کتاب خلل صلات امام را نیز به امر معظم له در نجف اشرف تحقیق و تصحیح کرد که بعدها در ایران به چاپ رسید.

آیت الله کریمی از سال ۱۳۴۷ تا پایان مدت حضور امام (ره) در نجف، نوشتن پاسخ استفتائات تحت نظارت امام (ره) را در بیت ایشان به عهده داشت. این مسئولیت در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا پایان عمر آن مرجع بزرگ، در قم به عهدهٔ ایشان بود. او بارها برای استعلام نظر مبارک امام (ره) در زمینه‌های گوناگون به تهران سفر می‌کرد و با استاد و مراد خود دیدار می‌نمود. با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، و در مرداد همان سال، آیت الله کریمی عهده دار پاسخ دادن به استفتائات ایشان شد که پاسخها با نظارت ایشان، هم اکنون نیز ادامه دارد. از مهر ماه ۱۳۶۸ تاکنون شورای افتای رهبری، غالباً هفته‌ای یک بار با حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود که آیت الله کریمی همواره در آن حضور دارند. مباحث فقهی و مسائل مستحدثه به صورت استدلالی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری تنظیم استفتائات در قالب کتاب را نیز بر عهدهٔ آیت الله کریمی نهادند که تاکنون دو جلد آن به چاپ رسیده است. او از زمان حضور امام خمینی (ره) تاکنون در جلسات استفتای بعثهٔ او و بعثهٔ مقام معظم رهبری حضور دارد و همواره به زائران بیت الله الحرام در مدینه و مکه خدمت می‌رساند. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۹ در شورای عالی حوزه علمیه قم حضور داشت و به برنامه ریزی درسی و اخلاقی برای طلاب و نیز برقراری جلسات امتحان نهایی طلاب می‌پرداخت.

آیت الله سید جعفر کریمی، از سنین نوجوانی تا به امروز در عرصه‌های گوناگون سیاسی، به انجام دادن وظیفه می‌پرداخته است. او که در سنین کودکی و نوجوانی طعم تلخ استبداد رضاخانی را چشیده بود و حس مبارزه و انگیزه برچینی بساط ظلم در وجودش جوانه زده بود، در سال ۱۳۲۷ به جمع فدائیان اسلام به رهبری شهید مجتبی نواب صفوی پیوست و در صحنه‌های گوناگون مبارزه حضور فعال داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد و اقدام جدّی حکومت ستم‌شاهی بر تعقیب و دستگیری اعضای جمعیت فدائیان اسلام به سفارش پدر برای ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف رفت. در سال ۱۳۴۸ رژیم بعثی عراق، قصد انحلال حوزه علمیه نجف را در سر می‌پروراند و امام (ره) تصمیم گرفت با ازدیاد شهریه، طلاب را به درس خواندن و پایداری در برابر رژیم بعثی، تشویق کند؛ اما در

حوزه علمیه نجف، افراد مشکوک و ناصالحی وجود داشتند که گاه وابسته به حزب بعث بودند و امام (ره) خوش نمی‌داشت که سهم امام را نصیب آنان کند. از این رو به آیت الله سید جعفر کریمی دستور داد که به پاک سازی حوزه از عناصر وابسته به رژیم بپردازد. این امر باعث شد که آیت الله کریمی با سازمان امنیت عراق درگیر شود و مورد احضار قرار گیرد.

از دیگر فعالیتهای وی در نجف اشرف، ورود به جمع حامیان آیت الله العظمی حکیم (ره) در مبارزه با حزب توده بود. او در کنار بارگاه مقدس علوی همواره یار و مدافع امام (ره) بود و پس از تبعید امام به ترکیه، همواره در معیت دوست دیرین حضرت امام مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ نصرالله خلخالی با برقراری جلسات توجیهی در نجف اشرف به حمایت از اهداف امام (ره) در تشکیل حکومت اسلامی می‌پرداخت. و با تنظیم تلگراف و ارسال آن به سفارتخانه‌های دولتهای اسلامی در بغداد آنان را از حوادث دنیای اسلام آگاه می‌ساخت. در سال ۱۳۵۶ اخبار جسته گریخته‌ای مبنی بر سوء قصد به جان امام (ره) به گوش می‌رسید. این اخبار را بیشتر عمال رژیم شاه پخش می‌کردند. امام در تاریخ ۲۷ ذی حجه ۱۳۹۷ هجری قمری، آقایان سید جعفر کریمی، شیخ حبیب الله اراکی، سید عباس خاتم یزدی و رضوانی خمینی را وصی خود قرار داد و وصیت نامه را در پاکتی سر بسته تحویل آنان داد و پشت پاکت نوشته بود: این پاکت نزد جناب آقای سید جعفر کریمی محفوظ باشد و پس از فوت این جانب آن را باز کنند و مطالعه کنند.

آیت الله کریمی، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، در مسؤولیتهای گوناگونی به انجام وظیفه پرداخت. او در مرداد سال ۱۳۵۸ با فرمان امام (ره)، داوطلب نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی شد که با رأی مردم مازندران به آن مجلس راه یافت و در پاره‌ای از موضوعات رابط مجلس و امام (ره) بود. در سال ۱۳۶۰، آیت الله کریمی به نمایندگی از سوی امام (ره) به همراه آیت الله احمدی میانجی (ره) در شورای عالی اقتصاد، بر لوایح قانونی و تنظیم برنامهٔ متناسب با نظام در زمان دولت آقای میر حسین موسوی حضور داشت و در همان سال، با عضویت در دادگاه عالی انقلاب، به بازنگری پرونده‌های محاکم می‌پرداخت. آیت الله کریمی از سال ۱۳۵۸ به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در آمد و در طی این سالها، نقش مهم و مثبتی در احیای حوزه‌های علمیه و اعتلای اسلام ناب محمدی ایفا کرده است. او هم اکنون در قم به تدریس بحث خارج فقه معاملات اشتغال دارد و در دفتر مقام معظم رهبری به پاسخ استفتائات و خدمت‌رسانی به مردم انقلابی می پردازد.

کریمی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مصطفی کریمی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

مصطفی کریمی در سال ۱۳۴۸ در روستای «دستجرد» از استان همدان متولد شد. دوره ابتدایی را در روستای خود و دوره راهنمایی

و دبیرستان را در شهرستان گذراند. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شد. حدود هفت سال در دروس خارج فقه و اصول از محضر: «آیت الله سبحانی»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «حجت الاسلام و المسلمین لاریجانی» و در تفسیر از محضر: «آیت الله جوادی آملی» و در علوم قرآنی از محضر: «آیت الله معرفت» (حفظهم الله) بهره برد و در کنار دروس حوزه از سال ۱۳۶۹ دوره عمومی پنج ساله موسسه امام خمینی (قدس سره) را گذراند و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰، دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآنی (کارشناسی ارشد) را به پایان رساند. در مراکز حوزوی و دانشگاهی فعالیتهای علمی وی در سه بخش: مدیریت علمی – آموزشی، پژوهش و تدریس در مراکز حوزوی و دانشگاهی بوده است.

کشفی دارابی بروجردی، جعفر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۲۶۷ –۱۱۸۹ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، محدث، مفسر، متکلم، نحوی، عارف، ادیب و شاعر. نسب وی با سی و چهار واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد. چون اهل عرفان و ریاضت‌های شاق و کشف و شهود بود به سید کشفی معروف شد. اصل وی از داراب شیراز بود. تحصیلات مقدماتی را در اصطهبانات گذراند. در ۱۲۰۸ ق به نجف رفت و از محضر اساتید وقت استفاده نمود و در فقه و حدیث برآمد. به تدریس و تصنیف پرداخت و مدت‌ها از مدرسین حوزه‌ی نجف بود. وی به اصرار محمد تقی میرزا حسام‌السلطنه، پسر فتحعلی شاه، حاکم بروجرد به بروجرد رفت و در آنجا به تدریس پرداخت. وی همچنین در شهرهای اصفهان، یزد و اصطهبانات نیز چند سالی تدریس کرده است. او با صاحب «جواهر» و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی معاصر بود. سید حسین بروجردی، صاحب «نخبهٔ المقال» و حاج میرزا صالح لرستانی و اورنگ زیب میرزا، فرزند حسام السلطنه محمد تقی میرزا حاکم بروجرد، و ملاـ عبداللّه بروجردی از شاگردان وی بودند. در بروجرد درگذشت. از آثار وی: «اجابهٔ المضطرین»، در اصول دین، حاوی تحقیقات عرفانی؛ «البلد الامین»، منظومه‌ای به عربی، در علم کلام و اصول دین؛ «تحفهٔ الملوک»، در سیر و سلوک و عقل و جهل و تعدیل قوا؛ «جمع الشتات»؛ «الرطب الیابس»؛ «الرق المنشور»؛ «الشریفیهٔ»، در منطق؛ «الشموس و العکوس»؛ «صید البحر»؛ «کفایهٔ الایتام»، در فقه، در سه جلد؛ «میزان الملوک»، در عدالت سلطان؛ «نخبهٔ العقول فی علم الاصول»؛ «سنابرق فی شرح البارق من الشرق»، در شرح دعای رجب؛ «برق و شرق» که به آن «شرق و غرب» نیز گفته‌اند، در شرح بعضی از احادیث عرفانی؛ «دیوان» شعر.[۱]

مرحوم سیّد جعفر کشفی دارابی از اعاظم علماء قرن ۱۳ سیزدهم (۱۲۶۷–۱۱۹۱ هجری قمری) و دارای تألیفات متعدد و بسیار مشهور است که یکی از آنها کتاب معروف «میزان الملوک و الطوایف و صراط المستقیم فی سلوک الخلایف» در اندیشه سیاسی اسلام و از نشریات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی قم در سال ۱۳۵۷ می‌باشد. که یکی از آثار بی بدیل در روند تحولات اندیشه سیاسی در حوزه تفکر اسلامی‌بوده و از میراث گرانبهای سیاسی دانشوران سلف و به عنوان گنجینه‌ای پر ارج از دانشوران دوره قاجار تلقی می گردد.

باید دانست که مرحوم علامه سیّد جعفر کشفی تحصیلات مقدماتی را نزد مادر فاضل خویش آموخته و مدتی در یزد به تحصیل مقدمات مشغول و بعداً رهسپار نجف اشرف و در آنجا از محضر اساتیدی نظیر مرحوم سیّد محمّدمهدی بحرالعلوم استفاده کرده و رفته رفته به عنوان فقیه اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان، شهره آفاق گردید. از علمای جامعین مابین علم و ایقان و ذوق و عرفان شناخته شده و در اجتهاد و فتاوی شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی‌نظیر و در ردیف اعاظم علمای امامیه در قرن ۱۳

هجری محسوب می گردد و تا آنجا که آقا بزرگ تهرانی در اعلام الشیعه او را «هو من اعاجیب الزمان و اغالیط الدهر» خوانده است. در اواسط سلطنت فتحعلی شاه قاجار در بروجرد مقیم بوده و در سال ۱۲۶۷ در همان جا وفات و مدفون گردیده است. از سایر بزرگان این سلسله سیّد علی عارف کشفی و سیّد موسی نجل مرحوم سیّد جعفر کشفی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد حجت کشفی از فقیهان حوزه علمیه قم و استاد خط ثلث در قید حیات می‌باشند. از بزرگان دیگر این خانواده، مرحوم محمّد صالح کشفی خوشنویس قرن ۱۱ هجری که در صفحه ۷۱ کتاب خوشنویسان اصفهان به قلم مرحوم منوچهر قدسی از او نام برده شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آثار عجم (۱۰۳)، اعیان الشیعه (۸۵/ ۴)، ایضاح المکنون (۶۳۱، ۵۸، ۴۸/ ۲ ،۲۵۹/ ۱)، تاریخ بروجرد (۳۰۶ - ۳۰۳، ۲۹۶ - ۲۸۰، ۲۷۳ -۲۷۲/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۹۰ -۸۸/ ۲)، الذریعه (۹۷/ ۲۴ ،۳۲۷ -۳۲۶، ۴۹/ ۲۳ ،۲۲۵/ ۲۱ ، ۸۹ -۸۸/ ۱۸ ،۱۰۵/ ۱۵ ،۲۵۹/ ۱۴ ،۲۳۲/ ۱۲ ،۱۷۷ -۱۷۶/ ۱۰ ،۹۱۱/ ۹ ،۴۷۱ ،۸۷/ ۳ ،۱۲۱ -۱۲۰/ ۱)، ریحانه (۶۱ -۶۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۲ -۲۴۱/ ۱۳)، طرائق الحقائق (۴۵۵/ ۳)، فارسنامه (۱۲۶۰/ ۲)، لغت‌نامه (ذیل/ دارابی)، المآثر و الآثار (۱۵۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۳)، مکارم الآثار (۱۸۵۸ -۱۸۵۵/ ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۳ -۳۳۲/ ۲)، هدیهٔ العارفین (۲۵۶/ ۱).

کعبی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کعبی

محل تولد : اهواز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در منطقه «لشکرآباد اهواز» و در میان خانواده‌ای متدین و معتقد به مبانی مستحکم اسلام به دنیا آمد. عشق به اهل بیت (ع) و روحانیت شیعه از وی انسانی متدین و مجاهد ساخته و در همان دوران نوجوانی او را به خدمت در راه تعالی اسلام و تشیع علاقه‌مند ساخته بود. حجهٔالاسلام و المسلمین کعبی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مدارس اهواز سپری نمود. شرکت وی در مجالس و محافل مذهبی و حضور علمایی همچون: «حاج شیخ صالح طرفی» و «مرحوم حاج سید عبدالمطلب جزایری» در مسجد جامع لشکرآباد سبب شد تا در سن سیزده سالگی و بنا به توصیه پدر، همزمان با تحصیل در مقطع دبیرستان به مدرسه علمیه «آیهٔالله کرمی» رفته، دروس حوزوی را فرا گیرد.

وی در سال ۱۳۵۵ به حوزه علمیه اهواز رفته به صورت رسمی تحصیلات حوزوی خود را پی می گیرد. با اوج گیری انقلاب و حضور جدی در مبارزات پیش از انقلاب و نیز فعالیتهای پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی وقفه‌ای چند ساله در سیر درسی ایشان ایجاد می‌شود اما در سال ۱۳۶۰ مجدداً تحصیلات حوزوی را پی گرفته برای استحکام بنیهٔ علمی خود، دروس مقدمات را در مدرسه علمیه امام خمینی اهواز بازآموزی می کند. در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت کرده و پس از اتمام دوره سطح در درس خارج

حضـرات آیات: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «صافی گلپایگانی»، «جعفر سبحانی»، «سید کاظم حائری» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شرکت کرد.

حجهٔالاسـلام و المسـلمین کعبی بـا اهتمـام ویژه‌ای کـه بـه مبـاحث تفسـیری و معـارف اسـلامی داشـت از محضـر حضـرات آیـات: «مشـکینی»، «جوادی آملی»، «مصـباح یزدی» و «مظـاهری» کسب فیض نمود. وی در طول سالهای تحصـیل خود در درسـهای اخلاق شرکت می‌جست و به تهـذیب نفس (به عنوان مهمترین دغدغه درسـی خود) اهمیت بسـیار می‌داد. حجهٔالاسـلام و المسـلمین کعبی همزمان به تحصـیل در دانشـگاه نیز پرداخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مجتمع آموزش عالی قم و مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را به پایان رساند.

حجهٔالاسـلام و المسـلمین کعبی فعالیتهای بسـیاری را در زمینه تـدریس و تألیف به انجام رسانـده است. او تـدریس علوم دینی را از آغازین سالهای طلبگی شـروع کرده و تاکنون به تدریس دروس بسیاری از جمله تدریس کتابهای: (لمعه، رسائل، مکاسب، حلقات اصول شـهید صـدر و نیز شـش سال خارج فقه و اصول) توفیق یافته است. همچنین مباحثی نظیر: (علوم حـدیث، درایه، نهـج البلاغه، تاریـخ اسـلام، ولایت فقیه، فلسـفه و فقه روابط بین‌الملل) را بارها تدریس فرموده‌اند. اسـتاد کعبی در دانشـگاه نیز دروسـی همچون: (فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، نظام حقوقی در اسلام، دولت و نظام سیاسی در اسلام، حقوق کار و ...) را بارها تدریس کرده است. وی همچنین بیش از پنجاه دوره حقوق اساسی را تدریس کرده است.

او در زمینـه مبـاحث فقهی و حقـوقی دارای تألیفـات بسیاری اسـت کـه از آن جمله می‌تـوان به کتـاب: «الحصـیله فی حکم الجهـاد الابتدائی فی عصـر الغیبهٔ»، «احکام المیت»، «النظام القانونی فی الاسـلام مقارناً بالنظم الوضـعیهٔ المعاصرهٔ»، «فلسفه سیاست» و ... اشاره کرد. بسـیاری از جزوات و دست نوشـته‌های ایشـان به عنـوان کتب درسـی در مراکز حـوزوی و دانشـگاهی در حـال تـدریس است. جزواتی نظیر: «علوم الحـدیث و الدرایـهٔ»، «مصادر الحـدیث»، «مجموعه درسـهایی از نهج البلاغه»، «ضـمانت اجرائی قانون اساسـی»، «تبیین ولایت فقیه از منظر فقهی، حقوقی و سیاسـی». ارائه مقالات علمی در همایشـها، ضـمن طرح راهکارهای مناسب در حل برخی معضـلات و پرسشـهای فقهی و حقوقی از ویژگیهـای بارز اسـتاد کعبی است. بیشترین این مقالات در زمینه‌های فقهی و حقوقی بوده که از جمله آنها می‌توان به «نوآوریهای فقهی آیـهٔالله نائینی و آیـهٔالله شـیخ فضل الله نوری»، «کنکاشـی در اختیارات رهبری»، «شـیوه مجـازات اسـلامی و اجرای علنی حـدود» و «دبیر علمی همـایش مردم سالاـری دینی» کـه مجمـوعه مقالاـت آن در دو مجلـد منتشـر گردید، اشاره کرد.

او در کارنامه خود، سـفرها و مصاحبه‌های علمی بسیاری را به ثبت رسانده که «حضور در کنفرانس دین و توسعه دانشگاه بیروت» و «انجـام مصـاحبه و منـاظره بـا آقای تیموتی ویلیام واترز اسـتاد دانشـگاه هاروارد در کنفرانس حقوق بشـر» از آن جمله‌انـد. فعالیتهای علمی و فرهنگی، اسـتاد کعبی را از فعالیتهـای گونـاگون در عرصه سیاست بـاز نداشـته است. او که همواره پایبنـدی خود را به امام (ره)، نظام و ارزشـهای انقلاب اعلام داشته از سنین نوجوانی در فعالیتهای مبارزاتی پیش از انقلاب حضوری جدی داشته است. پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی در زمینه محرومیت زدایی و توزیع زمین برای خانه سازی محرومان و نیز مبارزه با گرانفروشی حضوری جدی داشت.

با شـروع جنگ تحمیلی وارد سپاه پاسـداران انقلاب اسـلامی شد و فعالیت‌های فرهنگی و نظامی خود را در بخش عربی سپاه آغاز کرد. در سـال ۱۳۶۰ بـه لبنـان رفـت و همراه بـا شـهید سید عبـاس موسـوی دبیرکـل سـابق حزب الله لبنـان و سـیدحسن نصـرا... به سازماندهی تشـکیلات حزب الله پرداخت. او مدت ۴۶ ماه از عمر خود را در جبهه‌های دفاع مقـدس گذرانـده و دو بار نیز در مناطق عملیـاتی مجروح شـده است. از جمله فعالیتهای حجهٔالاسـلام و المسـلمین کعبی در این عرصه، عضویت در مجلس خبرگان رهبری، مخبری کمیسـیون سیاسـی ـ اجتماعی، نائب رئیسـی کمیسـیون حراست و پاسداری از ولایت فقیه و نیز عضویت در کمیسیون تحقیق

است. استاد کعبی هم اکنون عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از حقوقدانان شورای نگهبان است.

کلانتری تهرانی، ابوالقاسم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۲ -۱۲۳۶ ق)، عـالم امـامی و فقیه اصولی. اصـلش از نور مازنـدران است. به دلیـل انتسـاب به دایی خود، محمود خـان کلانـتر (کلانتر تهران که در سال قحطی، ۱۲۸۸ ق، به امر ناصـرالدین شاه مصلوب گشت)، به کلانتری شهرت یافت. در تهران به دنیا آمد. فراگیری مقـدمات را در تهران آغاز کرد و در خلال سـفر چنـد ساله با عمویش به اصـفهان مقدمات را تکمیل کرد. در بازگشت به تهران به عراق عزیمت نمود تـا دروس عـالیه را در آنجـا فراگیرد ولی به علت عـدم امکانـات مـالی به تهران بـازگشت و در مدرسـه مروی معقول را در محضـر ملا عبداللّه زنوزی و فقه و اصول را نزد شـیخ جعفر کرمانشاهی خواند. آن گاه برای ادامه تحصـیلات به عراق رفت. فقه و اصول را از سـید ابراهیم قزوینی صاحب «ضوابط» و شـیخ انصاری به طور کامل فراگرفت. وی مدت بیست سال از حوزه‌ی شـیخ انصـاری اسـتفاده نمود و بیانـات اسـتاد را تقریر نمود و یکی از ارکـان حوزه‌ی شـیخ انصاری و از جانب او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شـد. در ۱۲۷۷ ق به تهران آمـد و به انجام وظائف دینی و افتاء و تـدریس فقه و اصول پرداخت. در محضـر درس او، فرزنـدش، علامه میرزا ابوالفضل تهرانی و امیر سـید حسـین ابن صـدر الحفاظ قمی از شاگردان برجسته به حساب می‌آمدند. ملا فتحعلی نهاونـدی نیز از شـاگردان اوست. وی در تهران درگـذشت و در مقبره‌ی شـیخ ابوالفتوح رازی، در شـهر ری به خاک سپرده شـد. او در فقه و اصول صـاحب تألیفات است. از آثارش: «مجموعه رسائل»، در فقه؛ «مطارح الانظار»، در اصول فقه، تقریرات درس شیخ انصاری؛ «الاستصحاب»، از مباحث اصول فقه؛ «الرسالهٔ فی المشتق»؛ رساله‌ای در «ارث».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۹ -۱۸/ ۶)، اعیان الشیعه (۴۱۴ -۴۱۳/ ۲)، الذریعه (۱۳۶/ ۲۱ ،۱۹۶/ ۱۰ ،۲۴/ ۲ ،۴۰۳/ ۱)، ریحانه (۷۱ - ۷۰/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۱ -۵۸/ ۱۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۴/ ۱)، لغت نامه (ذیل/ ابوالقاسم)، معجم المؤلفین (۱۲۰/ ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۸۵/ ۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۶۸ -۳۶۴/ ۲).

کلباسی، ابوالمعالی محمّد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرزند مرحوم [آیهٔ الله]حاج محمّد ابراهیم.

عـالم فاضـل محقّق، مجتهـد جـامع، فقیه اصولی، جـامع معقول و منقول، از اکابر علما و مجتهـدین، محقّق مـدقّق و دقیق الفکر، کثیر التتبع، در غایت زهد و تقوی؛ درباره زهد و ورع ایشان بین الخواص و العوام حکایاتی منقول است که همگی دلالت بر عظمت مقام او می کند.

در شـب ۴ شـنبه ۷ شـعبان ۱۲۴۷ متولّـد، و شـب ۴ شـنبه ۲۷ مـاه صـفر المظفر سال ۱۳۱۵ وفـات یـافته، در تخت فولاـد، در تکیه‌ای

مخصوص مدفون گردید.

در تذكرهٔ القبور درباره او فرمايد: مجلس آن مرحوم، مصداق حديث حواريين و عيسى عليه السلام بود كه عرض كردند: مَن نُجالس ّ فرمود: مَن يُذَكر كم الله رويته، و يزيدكم فى العلم منطقه، و يرغبكم فى الآخره عمله.

در اصفهان خدمت آقا مير سيد حسن مدّرس تحصيل نموده. كتب و رسائل زيادى تأليف فرموده كه از آن جمله است:

۱- استخارات ۲- الاستشفاء بالتربهٔ [مطبوع] ۳- الاستجاريّهٔ ۴- الاسرافيّهٔ ۵- بشارات، در اصول، سه مجلد ۶- تعارض استصحاب و اصالهٔ الصحّهٔ ۷- جبر و تفويض ۸- حجّيّت مظنّه ۹- رساله در تزكيه ى اهل رجال ۱۰- رساله در نيّت ۱۱- رساله در مفطر بودن قليان ۱۲- سند صحيفه ى كامله ۱۳- شرح خطبه ى شقشقيه ۱۴- شرح زيارت عاشورا ۱۵- شرح كفايه سبزوارى، در فقه ۱۶- متجاوز از بيست رساله در شرح حال روات و علما [مطبوع] ۱۷- متجاوز از سى جلد كتاب و رساله ى ديگر در فقه و اصول و رجال ۱۸- شرح زيارت جامعه.

(مجموع كتب و رسائل تأليفى ايشان متجاوز از هشتاد مجلد مى‌شود).

جمعى كثير از بزرگان علما و مجتهدين از شاگردان ايشان مى‌باشند كه معروف تر از همه ى آنها مرحوم آيت اللَّه العظمى مرحوم حاج آقا حسين بروجردى رحمهٔ اللَّه عليه مى‌باشد.

در شرح زندگانى مرحوم بروجردى چندين مجلّد كتاب، و چند شماره مجلّه نوشته شده است كه از جمله ى آنها كتابى است كه نگارنده تأليف نموده و به ضميمه ى تاريخچه ى شهر سامراء به طبع رسيده است.

بر گرفته از كتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

كلباسى، كمال الدين ابوالهدى

قرن:۱۴

جنسيت:مرد

مليت:ايران

فرزند ميرزا ابوالمعالى. عالم فقيه زاهد مجتهد اصولى، در زهد و تقوى مانند پدر بزرگوار و برادر عالى مقدار خود بى مثل و مانند بود، در مكارم اخلاق و صفات و حالات روحانى كم نظير.

در اصفهان نزد پدر خود و عدّه‌اى ديگر تلمّذ فرموده، و جهت تكميل به نجف اشرف مهاجرت فرموده، و در آنجا از محضر مرحوم آقا سيد محمّد كاظم يزدى و آخوند خراسانى استفاده نموده، و پس از وصول به مقامات عاليه اجتهاد با اخذ اجازات از علماى وقت به اصفهان مراجعت نموده و به درس و بحث و تدريس اشتغال جسته، حوزه ى درس ايشان خصوصاً در قسمت رجال مورد نظر و عنايت اهل فضل بوده.

كتب و رسائلى تأليف فرموده كه از آن جمله است:

۱- البدر التمام، در احوال پدر و جدّ والا مقام خود به طبع رسيده.

۲- التحفه الى سلالهٔ النبوّهٔ، و آن اجازه‌اى است كه جهت آيت اللَّه العظمى آقاى آقا سيد شهاب الدين نجفى مرعشى مرقوم فرموده‌اند.

۳- حاشيه بر كفايهٔ الاصول استادش.

۴- الدّر المثين فى جملهٔ من المصنّفات و المصنّفين.

۵- درّهٔ البيضاء، در اجازه روايت.

۶- زلّات الاقدام، در اشاره به اشتباهات رجالی برخی از اعلام.

۷- سماء المقال فی تحقیق علم الرجال، در دو مجلّد که به سعی فرزند دانشمندش عالم فاضل آقای آقا محمّد کلباسی در قم به طبع رسیده است.

۸- الصراط المستقیم فی التمییز ین الصحیح و السقیم.

۹- القواعد الرجالیّهٔ، حاوی سی فایده؛ و غیره.

صاحب عنوان در شب ۳ شنبه ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۳۵۶ در اصفهان وفات یافته، در مقبره پدر مدفون گردید.

مادّه تاریخ وفات ایشان را مرحوم حاج میرزا حسن خان ضمن قطعه‌ای فرموده است.

جاءَ البشیر مُهنّیاً و مورّخاً

اتل السلام علی مَن اتّبع الهدی

برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد ابراهیم کلباسی

محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسی فقیهی جامع و مجتهدی کامل بود. در مواظبت به انجام و آداب و سنن دینی و اسلامی خیلی کوشا بود. کرباسی دانشمندی محتاط بود و با آنکه به مراتب علمی و کمال فقاهت رسیده بود از نوشتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسی سالها در عتبات از محضر سید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضر آنها توشه ها اندوخت. نوشته اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام فقاهت و اجتهاد وارد اصفهان شد. مرحوم کلباسی با حجهٔ الاسلام اصفهانی معاصر بود و به همدیگر صمیمیتی وافر و خلوصی کامل داشتند. مرحوم کرباسی برای فرامین و دستورات سید محمد باقر شفتی احترام قائل بود و نوشته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجهٔ الاسلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجهٔ الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسجد حکیم می خزید، و به دنبال حاجی سری به خاک می سائید. و به زعم بعضی خود افضلی زبان آرا بود.» مرحوم حاجی از خالق خویش خیلی خائف بود. دستورات و موازین شرع اسلام را مو به مو رعایت می کرد. در انجام فرائض، نوافل و مستحبات جدیتی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابو المعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبها به کلی نخوابید تا به فیض شب قدر نایل آمد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسی دشوار بود. شهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسی مشکل بود. نوشته اند وقتی غسالی درباره موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و

آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسال بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می کنند که غسال به حاجی آقا گفت گذشته از این مسائل جمله ای نیز به گوش میت می خوانیم. پرسید چه جمله ای؟ غسال جواب داد به میت می گوئیم خوشا به حال شما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسی سالها غیر از خدمت دینی و رسیدگی به امور مردم، فضلائی چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایهٔ در فقه، و شوارع هدایت در شرح کفایه. او کتابی فارسی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سرانجام در سال ۱۲۶۲ در اصفهان وفات نمود و در مسجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می رسیم.

کمال عزت، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی کمال عزت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ – ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در

سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمال عزت، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

هادی کمال عزت

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم در مشهد گذرانده و پس از آن در آبان سال ۱۳۷۴ با توجه به علاقه ای که به دروس حوزه و جهان طلبگی پیدا کردم، شروع به خواندن این دروس کرده و پس از اتمام دروس اصلی مانند ادبیات، اصول فقه و ... در سال ۱۳۷۶ موفق به شرکت در امتحانات حوزه علمیه قم و قبولی پایه ۶ شدم. از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۷۶ دروس سطح ۲ را با سری درسهای مدرسه حضرت «آیت الله گلپایگانی» آغاز کرده و هم زمان به تدریس دروس (الموجز، اصول فقه، لمعه، مباحث طهارت، نماز، حدود، قصاص، دیات، متاجر، صوم، خمس، زکات، ارث، امر به معروف و نهی از منکر، منطق، ادبیات، ابن عقیل، صرف ساده، نحو مقدماتی، هدایه، صمدیه و مختصر) به صورت آزاد و خارج از مدارس پرداختم.

پس از اتمام دروس سطح در سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰، جهت تدریس به مدرسه «امام موسی بن جعفر (ع) تهران» دعوت شدم و پس از یک سال تدریس دروس ادبیات، فقه و اصول به قم بازگشته و در مدرسه «انوار الرسول» به عنوان مربی و مدرس دعوت به همکاری شدم و تا سال ۸۲ — ۸۳ در آن مدرسه مبارکه مشغول به فعالیتهای علمی بودم و پس از آن در سال ۸۳ همزمان با خدمت در مدرسه معصومیه به تدریس (درس احکام) برای طلاب پایه ۱ و (الموجز) برای طلاب پایه ۴ پرداختم.

دروس خارج را از سال ۱۳۸۰ (همزمان با تدریس)، در تهران با شرکت در درس فقه [قصاص] مقام معظم رهبری آغاز نمودم و در سالهای بعد در محضر «حضرت استاد شهیدی» در درس فقه و اصول افتخار تلمذ پیدا کردم. هم اکنون افتخار تدریس در مدرسه امام مهدی (عج) از مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی و همزمان تدوین دو عنوان کتاب احکام ۱ و ۲ (احکام تمهیدیه) جهت ترم ۱ و ۲ دانشستان امام خمینی (دانشگاه مجازی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی) را دارم.

کمره‌ای، خلیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۵ -۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللّٰه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللّٰه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّٰه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللّٰه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللّٰه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللّٰه طالقانی، آیت‌اللّٰه کاظم گلپایگانی، حجهٔالاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللّٰه کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌اللّٰه سید محمود طالقانی و آیت‌اللّٰه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللّٰه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللّٰه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقهٔ الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷ قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل

شـده و سه سـال تمـام در اراک علوم فقه و اصول را در خـدمت حـاج شـیخ عبـدالغنی و حاج شـیخ عباس ادریس‌آبادی و مقـداری حکمـت و فلسـفه را نزد آقـای سـید محمـد بروجردی و هـم چنین درس خـارج را در سـال ۱۳۴۰ قمری از محضـر مرحـوم آیت‌اللّه العظمی حاج شـیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع اسـتاد فسـلفه و حکمت قم مرحوم حـاج میرزا علی اکبر یزدی مـدرس و همـدرس مرحوم فیلسوف شـهیر میرزا جهانگیر خان قشـقائی که در عصـر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکـدوره درس خـارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللّه حـایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللّه حایری و اصـول اصـحاب نجـف را بوسـیله دیگران ماننـد آیت‌اللّه میرزا سـید علی یـثربی کاشـانی فراگرفته و از مقـایسه بین دو طرز اصـول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمـد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشـرف شـده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شـعوب المسـلمین پاکسـتان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسـلامی بیانـاتی ایراد نمـوده که موجب اعجـاب همگی گردیـده و نیز سـفری به بیت المقـدس نموده و در مؤتمره اسـلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشـمندان بزرگواریست که بسـهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصـنیفات آموزنـده‌ای شاهـد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسـیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسـلام ۳- علی و الزهراء- سـرچشمه آب حیات ۴- ملکه اسـلام فاطمه زهراء علیهاسلام ۵- ترجمه قصـیده النبی محمـد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم ۶- نهج‌البلاغه السـماء و العالم آسـمان و جهان ۷- نهج‌البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السـلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السـلام ۱۰- نامه کودک در مسـجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصـر شـجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلـد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصـر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسـین ۱۷- تاج مأمون‌الرشید ۱۸- مجلس مبـاحثه امـام رضـا علیه‌السـلام با عمران صابی ۱۹- فلسـفه غیبت امـام زمـان عجـل اللّه فرجه ۲۰- امامزاده عبداللّه علیه‌السـلام در ری ۲۱- شـرح حال محمد بن ابی‌بکر ۲۲- پیام ایران بنجـد و حجاز و مصـر ۲۳- امناء الهی در کتاب سـلمان فارسـی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السـلام ۲۵- قبله اسـلام کعبه یا مسجدالحرام ۲۶ - بیت المقـدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صـلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حـج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع پیرامون خانه تقـدیس ۳۵- اسـرار حج ۳۶- تفسـیر سوره نور ۳۷- نـدای اذان و ثواب آن بفارسـی ۳۸- دروس متون احـادیث ۳۹- الحـدیث عند الشـیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصـحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در انـدلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقـدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشـیه رساله لقاء اللّه ۴۵- تصـحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعـد الشده (بعربی)

۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّه علیه و آله ۵۰- آل رسول‌اللّه ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می گیرد.

علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷(۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراك (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراك به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدهٔالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدهٔ (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاهٔ نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه دانشوران (۴۹۳ -۴۹۱، ۱۸۸ -۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/ ۲۲، ۴۴/ ۱۷، ۳۵۲/ ۱۵، ۱۲۶ -۱۲۵/ ۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵ -۷۰۴/ ۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲ -۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/ ۵، ۵۴۰ -۵۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵ -۳۲/ ۳).

کمونه بروجردی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۶ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در بروجرد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات نزد پدر، از محضر سید ریحان‌اللّه موسوی بروجردی و دیگران استفاده نمود و به تقلید از ملا علی کنی، به شرح بعضی از ابواب «الدرهٔ» پرداخت. در ۱۲۹۸ ق به نجف رفت و از حوزه‌ی درس شیخ محمد حسین کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی بهره برد و ملتزم وی گشت. کمونه از استادش کاظمی و ملا لطف‌اللّه مازندرانی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی

و میرزا حسین نوری حدیث روایت می‌کند. او از فقیهانی بود که عمرش در تألیف و تصنیف سپری شد. جایگاه علمی‌اش نزد خواص و علما رفیع بود. او در نجف درگذشت و در صحن شریف مرتضوی به خاک سپرده شد. آثار علمی بسیاری در زمینه‌های گوناگون از وی باقی ماند. از آثارش: «اصول الفقه»، در دو مجلد؛ «حواش الریاض»، حاشیه بر «الریاض»؛ «نور الهدایهٔ»، در تفسیر آیه‌ی نور؛ «شرح خطب الحسین (ع) و کلماته القصیرهٔ و اشعاره»؛ «الرسالهٔ الکعبیهٔ»، در تحقیق معنی کعبین؛ « رسالهٔ فی قاعدهٔ الید»؛ «رسالهٔ فی تحقیق المکاسب المحرمهٔ»؛ «رسالهٔ فی ماهیهٔ المحرمات»؛ «رسالهٔ فی اصالهٔ الصحهٔ»؛ «رسالهٔ فی حمل فعل المسلم علی الصحهٔ»؛ «الرسالهٔ فی المعاملات»؛ «رسالهٔ فی نسب آل کمونهٔ بالنجف».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۲/ ۷)، تاریخ بروجرد (۵۲۱ -۵۱۹/ ۲)، الذریعه (۱۳۶/ ۲۴، ۲۸۷/ ۱۶، ۲۰۶ -۲۰۵/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۶ -۱۰۵۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۵ -۱۰۹۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۸/ ۵)، مکارم الآثار (۱۹۰۹ -۱۹۰۸/ ۶).

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶ -۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸ -۲۷/ ۱۸، ۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶ - ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل/ اعجاز)، معجم المولفین (۳۰۳/۲).

کنی، ملا علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الحاج ملا علی کنی عطراللّٰه مرقده، تولدش در سال ۱۲۲۰ ق در قصبه کن در شمال غربی تهران واقع شده و با این که پدرش باغ دار و غیر روحانی بوده خود علاقه مفرط و شوق بسیاری به تحصیل علوم و فنون داشته و در کودکی مخفی از پدر دروس مقدماتی را خوانده و با استعداد ذاتی و نبوغ فطری که داشته از کتب سطحی فقه و اصول فارغ شده و مهاجرت به نجف اشرف نموده و در درس مرحوم علامه فقیه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و آیت‌اللّٰه العظمی شیخنا الانصاری شرکت کرده و در نزد این دو فحل بزرگ باوج کمال علم و فقاهت رسیده و در فقه و اصول و حدیث و رجال و غیره مهارت تامی پیدا کرده و بتصنیف اصول شروع نموده و جمله از مباحث الفاظ آن را نوشته تا در سال ۱۲۲۴ ق که طاعون عظیم واقع گردید ناچار مانند دیگران از اهل فضل

حرکت بـاین طرف و آن طرف نموده تا خداونـد منان توفیق داده و ثانیا مراجعت و مجاورت عتبات عالیات را موفق گشـته و در نزد فحول و ارباب معقول و منقول بتکمیل فقه و اصول مشغول شد تا بمنتهای کمال و مبلغ رجال فایز و نایل آمده و به تهران مراجعت و در جمیع بلاد با نهایت بزرگواری و جلالت اشـتهار معروف و مشهور گشت و بمقامی رسید که روحانیون بزرگ کمتر به آن پایه و مقام رسیدند تا جائی که شاه مقتدر وقت مرحوم ناصرالدین شاه قاجار با تمام قدرت و عظمت همواره از وی خائف و ترسناک بود و می‌گفت اگر آیت‌اللَّه کنی مرا از سلطنت خلع کنـد چه می‌توانم بکنم، در سـال چنـدین بار با کسب اجازه قبلی بمنزل آن مرحوم شرفیاب شده و دست آن بزرگوار را بوسیده و اظهار انقیاد و اطاعت می‌کرد.

مآثر و آثار ص ۱۳۸ گوید: حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسـلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان وی را رئیس المجتهدین می‌نوشتند و حق تعالی آن عالم و فقیه کامل را بفرط ثروت و طول عمر و نفاذ امر اختصاص بخشیده بود.

اکثر علماء و رؤساء تهران بتربیت و ترویج او اعتبار و بمقامات رسیدند، عمده تلمذ او بر شیخ‌الطائفه انصاری و صاحب جواهر بوده و در فقه و اصول و رجال و غیره‌ها تصـنیفات فرموده و جامع تافقی را که در علم درایه و حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار و اعتبـار این بزرگوار در دین و دولت و ملـک و ملت باعلا درجه کمال بود وصیت بزرگی و عظمت شأنش از آسـیا بقسـمتهای کره ارض نیز رفته و همه جـا را فراگرفته بود احترام و اکرامی که این پادشـاه (ناصـرالدین شـاه) بـاین عـالم عامـل و فقیه کامل می‌فرمود کمتری از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی و قوامی بود و شرع شریف را استظهاری و استحکامی.

احسن الودیعه (ج ۱- ص ۱۰۱) گوید شیخنا و مولانا حاج ملا علی کنی تهرانی از اعاجیب دهر و اکابر علماء خود بود ماهر بر علوم عربیه و لغت و قرائت جامع بین روایت و درایت عالم تفسیر و مناعت حـدیث حافظ رجال و انساب عارف معقول و مجتهد در فروع و اصول واسع المعرفه غزیر العلم صـاحب اختراعات و اسـتنباط و تحقیقات رایقات محبوب خاص و عام مرجع فتاوی و احکام معظم در عیون اعـاظم و حکـام غیور در امر بمعروف و نهی از منکر لاـ تاخـذه فی اللّه لومه لائم و بالجمله فهو آیت‌اللّه العظمی بلا کلام و النائب المرضـی عن الامام علیه‌السلام بوده... تا در صبح روز پنجشنبه بیست و هفتم محرم الحرام ۱۳۰۶ در سن هشتاد و شش سالگی در تهران از دنیا رفته و سه روز جنازه‌اش برای تشییع و تجلیل و غیره مانـده و روز یکشـنبه غره صـفر سال مذکور حمل بشـهر ری و جوار حضـرت عبـدالعظیم حسـنی علیه‌السـلام بـا ازدحـام عام و احترام تمام گردیـده و در مسـجد عتیق بین الحرمین که اکنون مقبره ناصـرالدین شاه معروف است دفن گردیـد و در رثاء او شـعراء عرب و عجم قصائـدی سـروده و ماده تاریخ مناسبی سـرودند منجمله مجد الادباء میرزا حیدر علی تهرانی سرود

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد بخلد کرد مقام

و دیگری گفت:

ز جنت شد یکی حورا برون با جلوه و گفتا

علی در جنه الماوی علی را میهمان دارد

آثار علمی آن بزرگوار از این قرار است:

۱- رساله‌ای در اوامر و نواهی و مفاهیم و استصحاب ۲- کتاب طهاره ۳- کتاب صلوه ۴- کتاب بیع ۵- کتاب قضاء و شهادت که در ۱۴۰۴ ق در تهران چاپ سـنگی شده ۶- توضیـح المقال فی علم الرجال که در پشت منتهی المقال شیخ ابوعلی رجالی مشهور کرارا بطبع رسیده ۷- تحقیقات الوسائل فی شرح تلخیص المسائل.

نگارنـده گویـد: شـرح احوال محامد خصال آن نادره دوران و آثار و خدماتش در خور کتاب بزرگی خواهد بود ولی برای اختصار

این اندازه قناعت. فهرستی از خاطرات عجیبه آن بزرگوار نگاشته و اشاره بخاندان علمی و روحی او می‌نمائیم.

نوادر خاطرات حاجی کنی- ره-

۱- تشرف آن مرحوم با میرزا شیرازی بزیارت حضرت زینب علیهاالسلام در شام و نظافت کردن وی و میرزا آن حرم مطهر را و توجه مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه باین عمل آن دو عالم ربانی و آن قصه از این قرار است:

حکایت کرد برای نگارنده مرحوم حجهٔالاسلام حاج شیخ ابراهیم شریفی اسدآبادی همدانی که در نجف اشرف خدمت مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا علی آقا شیرازی فرزند مرحوم آیت‌اللّه علی الاطلاق میرزاء بزرگ (مجدد) شیرازی قدس اللّه اسرارهم شرفیاب شدم و از محضرشان استفاده‌ها نمودم و از نوادر خاطرات مرحوم والدشان قضایائی نقل کردند که از آنها این بود:

مردی تهرانی مشرف به نجف خدمت مرحوم والدم شد (قبل از هجرتش بسامرا و گفت من مکه مشرف بودم و در آنجا زاد و خرج خود را تمام و یا گم کردم. و در مسجدالحرام بحق تعالی متوسل و التماس می‌کردم و حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف را واسطه می‌نمودم که فرجی برایم بشود که در مکه ویلان و معطل نمانم.

پس رزوی که پرده خانه را گرفته و تضرع می‌نمودم دستی بشانه‌ام خورد و گفت چه حاجت داری مطلب و نیازم را گفتم چند لیره بمن داد و گفت با این وجه خود را به نجف رسانیده و در آنجا خدمت میرزا محمدحسن شیرازی برو و بگو سید مهدی گفت باین نشانی که باتفاق حاج ملا علی کنی در مراجعت از مکه بشام بزیارت حضرت زینب علیهاسلام رفتید و دیدید حرم را گرد و غبار گرفته مشغول نظافت شدید و با گوشه‌ی عباء خود خاک و خاشاک را بیرون بردید بیست اشرفی بتو بدهد.

و تا آن مرد این نشانی را به مرحوم والدم گفت دیدم بسیار متغیر شد و برخاست مبلغ بیست اشرفی به آن مرد داد.

نگارنده گوید: که از بعضی شنیدم که آن شخص وقتی به تهران آمد خدمت مرحوم آیت‌اللّه علامه کنی رسید جریان را گفت آن مرحوم فرمودند آیا حواله‌ای آن آقا بمن نداد. گفت: خیر. پس آن مرحوم بسیار گریسته و فرمودند: چون مرحوم میرزا بسیار در تنظیف حرم حضرت زینب علیهاسلام کوشش می‌کرد و این عملش توجه آن حضرت قرار گرفته است.

۲- مکاشفه آن مرحوم برای فتحعلی شاه قاجار در حرم منور حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و وفات شاه مزبور در همان روز و همان ساعت.

۳- مداومت ایشان بزیارت حضرت امامزاده ابوالحسن شهر ری و این که بریاست و ثروت کذائی نرسیده مگر برای این عمل.

۴۴- توسل مخصوص در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام برای قضاء حوایج و کیفیت آن باین طریق است.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب حجهٔالاسلام حاج سید مصطفی علوی الاری در دوحه قطر از بعضی از ثقات آن مرحوم علامه کنی- ره- که مجرب است برای قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت خواندن در حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و بعد چهارصد صلوات هدیه گفتن و هدیه نمودن به حضرت امام علی النقی علیه‌السلام استاد حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام باین طریق بعد از آن نماز صد صلوات در قسمت شمالی غربی حرم فرستادن و بعد جلو رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوبی غربی حرم گفتن و بعد بسمت شرق حرم رفتن و صد مرتبه صلوات در جنوب شرقی حرم گفتن و بطرف عقب برگشتن و صد مرتبه در قسمت شمال شرقی حرم فرستادن.

نگارنده گوید: البته در جائی نرسیده اگر کسی بخواهد بجا آورده رجاء این عمل را بجا می‌آورد انشاءاللّه حاجتش برآورده خواهد شد انشاءاللّه.

(۱۳۰۶ -۱۲۲۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، رجالی، محدث، ادیب و مرجع تقلید. اصلش از آمل مازندران است. جدش در قریه کن از توابع تهران سکنی کرد و ملاـ علی در آنجا به دنیا آمد. پس از طی مراحل مقدماتی و فراگیری ادبیات به عتبات رفت و در حوزه‌ی درس صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و سید اسداللّه بن سید محمد باقر و شیخ مشکور حولاوی حاضر شد و در لغت،

فقه، اصول، حدیث، رجال و تفسیر متبحر گشت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس و زعامت امور دینی پرداخت. میرزا حسین نایب‌الصدر و ملا محمد علی خوانساری از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در بین الحرمین، در جوار حضرت عبدالعظیم (ع)، دفن شد. از آثارش: «الاستصحاب»؛ «الاوامر»؛ «ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلهٔ القرآنیهٔ»؛ «توضیح المقال فی علم الدرایهٔ و الرجال»؛ «تلخیص المسائل»، در فقه؛ «تحقیق الدلائل فی شرح تلخیص المسائل»؛ «القضاء و الشهادات»؛ «احکام العقود و الخیارات»؛ «البیع»؛ «الطهارهٔ»؛ «الصلوهٔ»؛ رساله «ارشاد الامهٔ»، رساله‌ی عملیه، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه :[۱]الاعلام (۱۳۸/ ۵)، اعیان الشیعه (۳۰۲/ ۸)، الذریعه (۵۷/ ۱۱، ۴۹۹ -۴۹۸، ۴/ ۴۲۷، ۴۸۳- ۴۸۲/ ۳، ۴۹۹/ ۲)، ریحانه (۹۸ -۹۷/ ۵)، شرح حال رجال (۳۵۲ -۳۴۹/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۰۷ -۱۵۰۴/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۷ -۲۵)، فوائد الرضویه (۲۹۹ -۲۹۸)، قصص العلماء (۱۲۲)، المآثر و الآثار (۱۳۸)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۹۸/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۷۱/ ۷)، مکارم الآثار (۶۹۹ -۶۹۷/ ۳)، یادداشتهای قزوینی (۲۱۳/ ۸).

کوثری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس کوثری

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۴۸ وارد حوزه علمیه هراتی شهرستان «تربت حیدریه» شدم و جامع المقدمات، سیوطی، بخشی از مغنی اللبیب (که در ادبیات عرب است) را نزد اساتید آن حوزه فراگرفتم. سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار حوزه علمیه مشهد شدم و ادبیات تکمیلی، منطق، معانی بیان و بدیع را در محضر اساتید بزرگوار آن سامان به ویژه آقای: «واعظی» و آقای «حجت هاشمی» به پایان رساندم. پس از اتمام معالم الاصول و شرح لمعه، کتاب مکاسب شیخ انصاری را (که در معاملات نگاشته شده) در نزد «آیت الله میرزا علی فلسفی» شروع نمودم و در سال ۱۳۵۴ به قم آمدم. جهت ادامه مکاسب در درس «آیت الله ستوده» حاضر شدم، کفایهٔ الاصول مرحوم آخوند خراسانی را نزد اساتید معروف قم از آن جمله: «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله سلطانی» خواندم و سال ۱۳۵۶ برای خارج فقه و اصول در درس «آیت الله وحید خراسانی» حاضر شدم و حدود بیست سال، آن را ادامه دادم و مدت حدود دو سال نیز از درس خارج فقه و اصول «آیت الله تبریزی» نیز استفاده بردم.

در کنار درس های فقهی و اصولی، کتابهای فلسفی را از محضر اساتید فلسفه آموختم: (شرح منظومه) را نزد «آیت الله انصاری شیرازی»، (نهایهٔ الحکمه) را نزد «آیت الله مصباح» و (اسفار ملاصدرا) را از محضر «آیت الله جوادی» بهره مند شدم. این در حالی است که در کنار تحصیل، همواره به تدریس، اشتغال داشته ام که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: (مکاسب، کفایهٔ

الاـصول، تـدریس ادبیـات، فقه و اصول). همچنین در زمینه هـای مختلف به ویژه موضوعـات قرآنی دارای تالیفـاتی که در قبل ذکر شده می‌باشم.

کوشا، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی کوشا

محل تولد : بیجار گروس- سیرلان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۳۳۱/۱/۱ در یکی از روسـتاهای توابع شهرستان «بیجار گروس» واقع در استان «کردستان» به نام «دولت آباد» به دنیا آمده ام که به گفته مرحوم پدرم پس از ۱۴ روز به روستای «سیرلان» کوچ می کنند و تا کلاس ششم ابتدایی در سیرلان تحصیل نمودم و پس از آن وارد دبیرسـتان در شـهر بیجار شـدم. تا کلاس یازده نظام قـدیم در بیجار و سال آخر دبیرسـتان را در شهرسـتان «سـقز» به پایان رسانـدم و سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه قم شـدم و در مـدرسه آیت الله گلپایگانی مقـدمات را خوانـدم و سـپس در حلقه های دروس دیگر تا شـروع لمعه شـرکت کردم و سـپس دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به پایان بردم و آنگاه در درس خارج شرکت کردم.

پا به پای دروس سـطح عالی در مدرسه «الهادی» و «امام عصـر» حدود ۱۲ سال یا بیشتر تدریس نمودم و در زندانهای سیاسـی کشور از جملـه «اویـن» در تهران و نیز «سـاحلی» در قم و همچنین در اراک و همـدان برای افراد سـطح عـالی به تـدریس عقایـد پرداختم و اکنون مدت ۱۰ سالی است که به کار تحقیق و نوشـتن مشغول هستم. جمعاً ۲۶ اثر تألیفی، تحقیقی و تصـحیحی را ارائه نموده ام که عمده آنها به چاپ رسـیده است. اخیراً به علوم قرآنی بیشتر توجه نموده ام و ترجمه های قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده ام که کتاب معروف اینجانب به نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» مورد توجه محافل ادبی و دانشگاهی به ویژه قرآن پژوهان، با اسـتقبال خوبی مواجه بوده است و حدود ۱۱ مجله مثـل آیینه پژوهـان، ترجمان وحی، بینات و ... مقالات این بنـده را در موضوعات کتابشناسـی، نقـد، ترجمه و ... چاپ کرده انـد و همچنین با شـماری از روزنامه ها و هفته نامه ها مصاحبه داشـته ام و مقالاتی نیز در آنها به چاپ رسانده ام.

هـدف اصـلی من از طلبه شـدن «فهم اسـلام و فهمانـدن آن» بوده و چیزی جز این هم از خـدا نخواسـته ام به هر حال (از خدا جوییم توفیق ادب - بی ادب محروم مانـد از لطف رب). ضـمناً در ایـام تعطیلی برنامه های وسـیع تبلیغی در پیش و پس از انقلاب اسـلامی داشـته ام که می توانم بگویم در تمـام آنهـا موفق بوده ام. از جمله: در شـهرهای سبزوار، نیشـابور، تربت جـام، آبادان، زابل، شـیراز، فیروز آباد فارس، همـدان، تویسـرکان، نهاونـد، ملایر، بیجار و لار علاوه بر سـخنرانی، کلاسـهای تـدریس اصول عقایـد و پاسـخ به پرسش ها و تفسیر قرآن را نیز برقرار نموده و در همه آنها موفقیت چشمگیری داشته ام.

کوه کمره ای، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمدلله المفیض علی الاطلاق المتّجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوهٔ و السلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همهٔ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقدهٔ علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمهٔ الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید

حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیـة الله العظمی بروجردی (رحمـة الله علیه) به حوزه مقـدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانـده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مّلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیة الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورهٔ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرهٔ دل آرای او لذت می بردم؛ شخیصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و ارادت بی‌شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفهٔ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل‌های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کوه کمری، حسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، عالم امامی و فقیه اصولی. معروف به سید حسین ترک. در ارونق تبریز به دنیا آمد. نسبش با بیست و چهار واسطه به امام حسین (ع) می‌رسد. پس از تحصیل مقدمات، در تبریز نزد میرزا احمد مجتهد تبریزی و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه و در عراق در محضر صاحب «فصول» و صاحب «ضوابط» و صاحب «جواهر» و شریف العلمای مازندرانی و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نمود تا به درجات عالی علمی رسید و بعد از وفات استادش، شیخ انصاری، مرجعیت یافت و به تدریس پرداخت. حوزه‌ی درس وی از پررونق‌ترین حوزه‌های زمانش بود. حاج میرزا موسی تبریزی، صاحب «اوثق الوسائل»، و شیخ حسن مامقانی و ملا محمد شرابیانی و ملا احمد شبستری از شاگردان وی بودند که بحث استاد را تقریر می کردند. از دیگر شاگردان وی سید عبدالمجید گروسی، سید عزیزاللّه تهرانی، ملا علی دماوندی، ملا علی علیاری تبریزی، میرزا جواد آقا تبریزی، شیخ عبداللّه مازندرانی، سید حسن طالقانی، میرزا محمد علی چهاردهی و بسیاری دیگر را می‌توان نام برد. در نجف درگذشت و در مقابل مقبره‌ی صاحب «جواهر» به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستصحاب»؛ «المواریث»؛ «القضاء»؛ «الصلاة»؛ «الزکوة»؛ «الاجارة»، «تقریرات» درس استادش صاحب «ضوابط»؛ رساله در «مقدمة الواجب».[۱]

عموی بزرگوار مرحوم حجت است که در ج ۴ مشاهیر دانشمندان ص ۱۴۶ (ترجمه الکنی والالقاب محدث قمی) این نگارنده ترجمه نمود و در ذیل آن از مترجم عظیم‌الشأن خود هم ذکر کرده‌ام.

مرحوم علامه سید حسین کوه کمره‌ای فرزند سید محمد بن سید حسین است که با بیست و پنج پشت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام منتهی می‌شود وی برادر مرحوم سید علینقی پدر سید علی کوه کمره‌ای سابق‌الذکر است و آنجناب از نوابغ و نوادر زمان خود بوده و به گفته صاحب مجله المرشد در ج ۴ ص ۲۴ در اواخر قرن سیزدهم هجری چند تن از علماء اعلام و مجتهدین عظام طلوع کردند که عالم به نور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجد و بزرگواری و مساعی جمیله خود را حیازت کردند و ایشان آیت‌اللّه العظمی سید حسین کوه کمره‌ای و رئیس‌الامه آیةاللّه میرزا محمدحسن شیرازی اعلی‌اللّه مقامهما بودند.

در قریه ارونق تبریز متولد شده و پس از نشو و نما در دامن والده ماجده و صالحه‌اش در تبریز شاگردی میرزا احمد مجتهد و پسرش حاج میرزا لطفعلی امام جمعه دو شاگرد صاحب ریاض و در کربلا بر جنابان صاحب ضوابط و صاحب فصول و مرحوم شریف

العلماء و در نجف الاشرف بر شرفاء آن عصر شیخ علی آل کاشف‌الغطا و صاحب جواهر و شیخ‌الطائفه انصاری رضوان اللّه علیهم اجمعین تلمذ نموده و بحث شیخ را برای شاگردان شیخ تقریر می‌فرمود و افاضل برای حضور پای منبر از یکدیگر سبقت می گرفتند که عدد آنها چهارصد نفر فاضل می‌شد.

دارای کتب علمیه بسیاریست لکن آنها برای نقصان خط او و نبودن روابط در ذیل صفحات تدوین آنها بسیار مشکل بود و برای همین باد حوادث بر آنها وزید و ضایع نمود تنها رساله‌هائی که مانده به شرح زیر است:

۱- رساله در استصحاب ۲- رساله‌ای در مقدمه واجب ۳- رساله‌ای در خلل ۴- رساله در حج ۵- اجاره ۶- ارث ۷- قضاء ۸- نماز ۹- زکوهٔ و از تقریر بحث او در اصول اوثق الوسائل حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و بشری الوصول الی علم الاصول مانده است، و تمام کتب و مؤلفات او بالارث منتقل به مرحوم آیت‌اللّه حجت برادرزاده گرامش گردید.

در ۲۳ ماه رجب ۱۲۹۹ وفات نمود و در بقعه معروفه در نجف مدفون گردید و ادباء زمان که از آنهاست سید محمد سعید حبوبی (استاد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم) و شیخ کاظم سبتی و غیر آنها درباره او مرثیه گفتند:

و ما کان قیس هلکه هلك واحد

ولکنه بنیان قوم تهدما

و به فارسی برایش گفته‌اند:

مقدار آفتاب ندانند مردمان

تا نور او نگردد از چشمها جدا

تفصیل ترجمه معظم له را در ج ۱ ص ۹۵ تا ص ۹۸ کتاب آثارالحجه نگارش داده‌ام رجوع به آنجا شود.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۴۷ -۱۴۶/ ۶)، ریحانه (۱۰۶ -۱۰۵/ ۵)، شرح حال رجال (۴۰۵/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲۳ -۴۲۰/ ۱۳)، علماء معاصرین (۶ -۳)، الکنی و الالقاب (۱۲۷ -۱۲۶/ ۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰۹ -۳۰۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین ترک)، المآثر و الآثار (۱۴۸)، معجم المؤلفین (۴۷/ ۴).

کوه کمری، محمد حجت

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۲ -۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از شاگردان حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی بود. اصل وی از کوه کمر تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیك و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در ۱۳۳۰ ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت . وی همچنین از محضر آیت‌اللّه شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به

تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبداللّه مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمهٔ فی حکم عمل الصور المجسمهٔ»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایهٔ»؛ «الصلوهٔ»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویهٔ فی مرسلات الآثار النبویهٔ»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۶۵ / ۴، ۱۹۳ / ۳، ۲۵ / ۲)، ریحانه (۲۵ -۲۳ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۲ -۸۱ / ۳)، علماء معاصرین (۲۱۶ -۲۱۴، ۱۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰ -۳۰۹، ۳۰۶ -۳۰۵ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ حجت کوه کمری)، معجم المؤلفین (۱۷۷/ ۹).

کیاالحسینی، ضیاءالدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ضیاء الدین کیا الحسینی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید ضیاء الدین کیا الحسینی در مرداد ماه سال ۱۳۴۰ در خانواده ای متوسط در روستا به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در گرگان به سال ۱۳۵۸ به اتمام رسانده و در همان سال برای تحصیلات عالیه در یکی از مراکز عالی مشهد در رشته تأسیسات حرارتی قبول شده و مشغول به تحصیل شدم. با شروع انقلاب فرهنگی در خرداد سال ۱۳۵۹ به کارهای فرهنگی دینی در شهرستان «کردکوی» مشغول بودم.

در سال ۱۳۶۰ با شرکت در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم و موفقیت در آنان (که از قبل علاقه مندی به این دروس در اینجانب وجود داشته و با مطالعه آثار شهید مطهری بیشتر شد)، وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه (امام صادق علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۷ دوره سطح را تمام کرده و مشغول درس خارج گشتم که عمده اساتید سطح اینجانب در شرح لمعه «حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر مدنی» و در رسائل از محضر استاد «مصطفی اعتمادی» و در مکاسب از محضر مرحوم

استاد «احمد پایانی» و در کفایه و خیارات مکاسب از محضر استاد «محمد حسن قدیری» بهره بردم. خارج اصول را عمدتاً از محضر اساتید: «وحید خراسانی» و «تبریزی» بهره بردم. و این حضور به مدت ۷ سال ادامه داشت.

با اتمام دروس سطح و تاسیس دانشگاه مفید توسط «حضرت آیت الله موسوی اردبیلی»، در آنجا مشغول به تحصیل رشته «اقتصاد» در مقطع کارشناسی شدم و در سال ۷۳ با اتمام مقطع کارشناسی وارد مقطع کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۷۷ با نوشتن پایان نامه خود با عنوان: «زکات در قرآن و تخمین تابع آن در ایران» مطالعه موردی سال های ۷۵ ـ ۱۳۶۱ فارغ التحصیل شدم و به عنوان عضو هیئت علمی در آنجا مشغول به فعالیت علمی شدم. در طی این مدت به تدریس و تدوین بعضی از مقالات و آثار علمی پرداخته و در سال ۱۳۸۰ در امتحان ورودی اولین دوره دکتری این دانشگاه قبول و در حال حاضر (۱۳۸۴) امتحانات آموزشی و جامع را پشت سر گذاشته و مشغول تدوین پایان نامه می باشم.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد : شمیران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم.

همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال

داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

کیمیا، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد کیمیا

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد کیمیا در سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه شدم و در ۱۳۷۷ وارد شهر مقدس قم و حوزه علمیه گردیدم. از سال ۷۷ بود که علاقمند به تحقیق و نوشتن مقالات علمی شده و از همان زمان بود که تحقیق در موضوعات مختلف اعم از فقهی، کلامی و تحقیق در نهج البلاغه را شروع نمودم که تعدادی از مقالات و تحقیقات اینجانب در مجلات و هفته نامه های داخلی و استانی به چاپ رسیده است.

گرجی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در ۱۳۲۲ ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌اللّه خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت‌اللّه آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در ۱۳۳۰ ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۲ ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در ۱۳۳۵ ش لیسانس منقول و در ۱۳۳۸ ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا ۱۳۴۷

ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از ۱۳۴۸ ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ « مسائل حامهٔ من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق « الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین‌الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد.[۱]

سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۲، ص ۱۶ -۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۰۸/ ۳).

گرم آبدشتی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد گرم آبدشتی

محل تولد : گرم آبدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد گرم آبدشتی متولد ۱۳۵۰ در روستای گرم آبدشت شهرستان رودسر متولد شدم. دوران ابتدائی وراهنمائی را در روستای همجوار سپری کردم. بعد از آن در آزمون سراسری حوزه علمیه شرکت کردم وپذیرفته شدم. دوران مقدمات حوزه را به ترتیب در مدارس حقانی، الهادی و رضویه شهر مقدس قم به پایان رساندم ودرسهای پایه هفت تا ده را به صورت آزاد گذراندم. درکنار تلمذ دروس خارج فقه واصول مدیریت معارف اسلامی حوزه را هم به عهده دارم و در کنار آن تدریس نیز می نمایم. در روش کلاسداری برای دانش آموزان در سال ۱۳۷۹به عنوان مدرس نمونه کشوری انتخاب شدم.

گلپایگانی، محمد رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۴ -۱۳۱۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. در روستای گوگد گلپایگان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و مقداری از سطوح نزد علمای آنجا در ۱۳۳۶ ق به اراک رفت. پس از تکمیل سطوح در ۱۳۳۷ ق در درس فقه و اصول آیت‌اللّٰه حایری حاضر شد. در ۱۳۴۰ ق به همراه استادش به قم رفت و از محضر ایشان و آیت‌اللّٰه شیخ محمد رضا نجفی استفاده نمود و خود به تدریس سطوح پرداخت. با درگذشت آیت‌اللّٰه حایری او تدریس خارج فقه و اصول را شروع نمود. پس از

درگذشت آیت‌اللّه بروجردی بخش عمده‌ای از اداره‌ی حوزه‌ی علمیه قم به او واگذار شد. از اقدامات مهم وی: اعزام مبلغ به خارج از کشور و نیز در داخل به شهرستان‌ها و روستاها، اهتمام به تألیف کتب دینی به زبان‌های مختلف و نشر آن در کشورهای خارجی به طور رایگان، ایجاد زمینه و تشویق برای حفظ قرآن کریم در حوزه‌ی علمیه قم. از آثارش: احداث ساختمان وضوخانه، حمام، رختشویخانه و سالن قرائت برای مدرسه‌ی فیضیه؛ تأسیس بیمارستانی در قم؛ تأسیس مدارسی در قم؛ تأسیس حوزه‌ی علمیه در سنقر؛ تأسیس حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج؛ ساختمان حسینیه در مریوان؛ ساختمان مسجد و مدرسه علمیه و خانه علم در قروه کردستان؛ ساختمان مسجد جامع و مدرسه علمیه در الیگودرز؛ ساختمان مسجد و تأسیس کتابخانه در فریدونکنار. از آثار علمی وی: «بلغة الطالب فی التعلیق علی المکاسب»؛ کتاب «القضاء»؛ کتاب «الشهادات»؛ کتاب «الحج»، تقریرات خارج فقه در مسأله ولایت فقیه؛ کتاب «الطهارة»؛ «نائج الافکار فی نجاسة الکفار»؛ «لدر المنصود فی احکام الحدود»؛ حاشیه بر «درر الفوائد»؛ حاشیه بر «عروة الوثقی»؛ حاشیه بر «وسائل»؛ «توضیح المسائل»؛ «مناسک حج».[۱]

مرجع تقلید، فقیه، عالم روحانی.

تولد: ۱۲۷۷(۸ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق.) قریه گوگد گلپایگان.

درگذشت: ۱۸ آذر ۱۳۷۲ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی، فرزند سید محمدباقر از علمای گلپایگان بود. نه ساله بود که پدرش از دنیا رفت. وی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله و به ویژه علوم دینی پرداخت و پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح را نزد علمای آن دیار، در اوایل سال ۱۳۳۶ ق. به شهر اراک که به مناسبت اقامت آیت‌الله العظمی حائری یزدی در آن شهر مرکزیت یافته بود، مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۳۷ ق. در کلاس‌های فقه واصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. در شعبان ۱۳۴۰ ق. آیت‌الله العظمی حائری به قم رفت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه مبادرت کرد و شخصا از آیت‌الله گلپایگانی دعوت نمود و ایشان در شوال همان سال به قم عزیمت و تدریس سطوح را آغاز کردند. پس از فوت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله گلپایگانی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در سال‌های آخر عمرش که درس خارج وی در مسجد اعظم قم تشکیل می‌شد، نزدیک به هشتصد تن از فضلاء علما و طلاب در آن کلاس شرکت می‌جستند.

بعد از فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی که سرپرستی حوزه‌ی علمیه به عهده آیت‌الله العظمی گلپایگانی و علمای دیگر قرار گرفت و جمعیت طلاب رو به افزایش گذارد. وی مدارس خیابان تهران، خیابان چهارمندان و خیابان صفائیه را تأسیس نمود که در این مدارس گذشته از دورس قدیمه عربی و نحو و منطق و غیره دروس جدید ادبیات فارسی و علوم روز هم به انظمام دروس اخلاق و عقاید و تفسیر تدریس می‌شد.

آثار به جای مانده از وی همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز تبلیغی خارج از کشور بسیار بوده است. مهم‌ترین آنها مدرسه عظیم و مجهز به دستگاه کامپیوتر در قم، مرکز تبلیغی لندن، مسجد جامع گلپایگان و بیمارستان در قم بوده است.

از جمله کتاب‌ها و مکتوبات برگرفته از تقریرات درسی وی، می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: مختصر الاحکام؛ مناسک؛ بلغة الطالب فی التعلیق علی المکاسب (تقریرات درس خارج فقه براساس بیع مکاسب شیخ (انصاری) که فقط بخشی اندکی از آن تقریر شده است؛ کتاب القضاء (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در باب قضاء) کتاب الشهادات (تقریرات درس خارج فقط در باب شهادات)؛ کتاب الحج (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در مسأله ولایت فقیه)؛ الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریر درس خارج فقه در باب حدود)؛ نائج الافکار فی نجاسة الکفار (تقریر درس خارج فقه در مسأله نجاست کفار)؛ کتاب الطهار (تقریر درس

خارج فقه و باب طهارت).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۹۸ –۱۹۷، ۸۹ –۸۸)، الذریعه (۲۶۷/ ۲۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۲/ ۱۴)، کلك (س ۴، ش ۴۵ و ۴۶، ص ۳۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۰، ش ۹، ص ۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۶ –۳۱/ ۲ ،۶۲ –۶۱/ ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۶ –۱۹۵/ ۳).

گودرزی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود گودرزی

محل تولد : ملایر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبیّنا محمد و آله الطاهرین و لعنهٔ علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اینجانب محمود گودرزی پس از گذراندن دوران ابتدائی در سیزده سالگی به سال ۱۳۴۷ خورشیدی وارد حوزه علمیه قم شدم و از همان ابتدا به مدرسه روزانه مرحوم آیت الله العضمی گلپایگانی رضوان الله تعالی علیه که در آن زمان تنها مرکز علم ای بود که با برنامه ای جامع و حساب شده و نظم و انضباطی در خور توجه با حضوراساتیدی مجرب و شناخته شده همچون آقایان صلواتی، حاج حسن آقا تهرانی، مقتدائی، بنی فضل، طالقانی و .... اداره می شد، راه پیدا کردم و بمدت هفت سال آنجا بودم و دروس اصلی حوزه را از امثله تا مقدار قابل توجهی از رسائل و مکاسب را در این مرکز مقدس فرا گرفتم، باقی مانده رسائل و مکاسب و جلدین کفایه و شرح تجرید را در خارج از آنجا گذاراندم سپس در حلقه دروس خارج فقه و اصول و درسهای جنبی دیگری مانند شرح منظومه حاج ملا هادی ره و اسفار اربعه شرکت می کردم تقریبا در سالهای ۵۶ و ۵۷ بود، امتحانات کتبی شفاهی:در سال ۱۳۵۰ رتبه اول و در سال ۱۳۵۳ رتبه دوم و در سال ۵۶ یا ۵۷ امتحانات رتبه سوم را با موفقیّت به پایان رساندم. نا گفته نماند که در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا شرح لمعه و مقداری از رسائل نیز می پرداختم تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در امتحانات مقطع دوم جهت تدریس شرکت نمودم و پس از قبولی کتبی و شفاهی از سوی مرکز مدیریت حوزه در زمان آقای استادی برخی حوزهای شهرستانها مانند نطنز و دامغان اعزام شدم و درس تا پایه پنجم را تدریس می کردم در سال ۱۳۷۷ به مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم دعوت شدم و تاکنون در این مرکز مقدس و پر برکت قرآن کریم افتخار خدمت و بهره وری از خرمن پر فیض معارف والای قرآن را دارم امید است مورد قبول و رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد و تا آخرین نفس هم ادامه دهنده این را بوده باشم. و آخر دعولنا الحمد لله رب العالمین.

گوگدی گلپایگانی، محمد باقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۲ ق)، عـالم دینی و فقیه اصولی. اصـل وی از گوگـد گلپایگان بود. از شاگردان برجسـته‌ی آخونـد خراسانی بود. بعـد از تکمیل مراتب علمی به تهذیب نفس و عبادت و ریاضت مشـغول شد. سـید صادق بن سید عباس لشت نشائی رشتی از شاگردان وی بود، که کتب وی را در اختیـار داشت. در کربلا از دنیا رفت و در آنجا دفن شـد. از آثارش: کتابی در اصول، در دو مجلـد، فراگیر: «الاستصحاب»، «التعادل و التراجیع»؛ کتابی در «فقه»، در دو مجلد، به ضمیمه‌ی بحث «الخلل»، در نماز و «الخیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۲۷۹، ۲۴۷ / ۷، ۲۰۳ / ۴، ۲۴ / ۲)، طبقـات اعلام الشـیعه (قرن ۱۹۰ / ۱۴)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۴۲۰ / ۶)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۲ -۱۱۱۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۹۰ -۸۹/ ۹).

گیلانی نجفی، یوسف

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۲۹۱ ق)، عـالم دینی، فقیه اصولی و شـاعر. در نجف به دنیـا آمـد. سـطوح را در محضـر شـیخ محمـد علی چهـاردهی گیلانـی فراگرفت. او همچنین مـدتی در محضـر میرزای شـیرازی و میرزا حبیب‌اللَّه رشتی و نیز آیت‌اللَّه شـریعت اصـفهانی تلمذ نمود. پس از اتمـام تحصـلات به رشت رفت و در آنجـا به تـدریس و تحقیق پرداخت. از آثارش: «آیات البینات» یا «بیان الآیات بالزبر و البینات»؛ «اصول العقائـد الدینیـهٔ»؛ «حـل العقود»؛ «مختصـر المجمـل»؛ «تـذکرهٔ المؤمنین»، در فضایل علمای عاملین؛ «کار در اسـلام»؛ «لایحه‌ی ملیه‌ی اسلامیه»، در رد فرقه‌ی بابیه و بهائیه؛ «وسیلهٔ العفایف» یا «طومار عفت».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زنـدگینامه :الذریعه (۸۰/ ۲۵ ،۱۸۳/ ۱۵ ،۷۲/ ۷ ،۴۹/ ۴ ،۱۷۵/ ۳ ،۴۷/ ۱)، معجم رجـال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۱۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۲ -۹۰۱/ ۶).

لاریجانی مازندرانی، لطف‌اللَّه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۱۱ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. اهل اسک لاریجان است، لذا به ملا لطف‌اللَّه اسـکی لاریجانی نیز مشـهور است. وی از شاگردان شـیخ محمد حسن، صاحب «جواهر»، و شیخ مرتضی انصاری بود. در نجف مستقلا به تدریس فقه و اصول پرداخت و بسـیاری از افاضل به درسـش حاضـر شدند. او از مشایخ روایتی علامه سید ابوتراب خوانساری بود. وی در صحن غروی به اقامه‌ی

جماعت می‌پرداخت. در نجف درگذشت و در صحن غروی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح المضامین»، حاشیه بر «قوانین الاصول»، که به «ایضاح القوانین» نیز معروف است؛ «ذریعهٔ الاعتماد»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» استادش علامه انصاری؛ رساله در «بطلان دلیل الانسداد»؛ شرح «قواعد الاحکام» علامه حلی، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «حجیهٔ الظن» علامه انصاری.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۲۲/ ۱۴ ،۲۹/ ۱۰ ،۱۶۰/ ۶ ،۵۰۰ ،۴۹۷/ ۲)، علماء معاصرین (۴۶ -۴۵)، فوائد الرضویه (۳۶۸ -۳۶۷)، المآثر و الآثار (۱۵۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۵۵/ ۸).

لاریجانی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق لاریجانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبهٔ اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Apostol . Tom و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده بردهام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.

۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.

۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.

۴. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰

۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲

۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴

۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،

کتابهای زیر در حال تدوینند:

۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوهٔ مسافر» به شکل شرحی بر عروهٔ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...

ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لشکری، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا لشکری

محل تولد : بهبهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ مدرک دیپلم مشغول به تحصیل در علوم حوزوی در حوزه علمیه امیریه خوزستان شدم. سال ۱۳۶۲ به قم مهاجرت کرده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه مقدس دنبال کردم. تحصیل در دانشگاه: از سال ۱۳۶۹ در دانشگاه مفید قم آغاز به تحصیل در رشته اقتصاد نمودم و در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل شده و بلافاصله در همان رشته مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده و در سال ۱۳۷۷ فارغ التحصیل شدم. در سالهای ۷۷ و ۷۸ با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همکاری علمی داشتم و از سال ۱۳۷۸ به بعد همکاری خود را با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه آغاز نمودم و هم اکنون این همکاری ادامه داشته و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد این پژوهشگاه می باشم.

لشگری آهنگرانی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر لشگری آهنگرانی

محل تولد : اراک

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۶۴-۶۳ به حوزه علمیه قم مشرف شدم. بعد از تحصیل مقدمات و سطح در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۱ در درس خارج آیات عظام شرکت کردم در فقه درس آیت الله مکارم به مدت ده سال، آیت الله کریمی جهرمی به مدت ۴ سال و آیت الله بهجت شرکت کردم. در اصول مدتی درس خارج آیت الله مظاهری در قم و مدتی کم درس آیت الله وحید خراسانی و یک دوره کامل اصول که تقریبا ۷ سال به طول انجامید را در خدمت آیت الله سبحانی بودم. که از اساتید محترم گواهی گرفته و تمام تقریرات را در فقه و اصول نوشتم. همزمان با تحصیل به تدریس در حوزه علمیه قم نیز اشتغال داشته و بحمد الله تا کنون نیز ادامه دارد در مدرسه علمیه رسالت ادبیات و همچنین در مدرسه آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب مشغولم. اولین تالیف حقیر در سال ۱۳۷۱ بوده تا کنون ۵ مورد از تالیفات این حقیر به چاپ رسیده و اکنون نیز به توفیق الهی به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارم. از نظر اجازات نیز از حضرت آیت الله صافی گلپایگانی اجازه کامل در امور حسبیه را دارم و از آیت الله مکارم نیز اجازه تدریس رسمی کتاب رسائل و مکاسب را دارم.

لطیفی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود لطیفی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۳سال ورود اینجانب به حوزه علمیه قم است. اوائل سال تحصیلی ۴۷-۴۶ به حوزه علمیه نجف اشرف منتقل شدم و ادامه تحصیل تا پایان سطح در محضر استاد بزگوارم مرحوم سید ابوالقاسم حصاری ارومی بوده ام. هم چنین یک دوره تفسیر قرآن، تفسیر صافی، نیمی از نهج البلاغه، یک دوره ریاضیات، هیئت، خلاصه الحساب، شرح چفمینی، شرح منظومه منطق و نیمی از فلسفه

در محضر ایشان بوده ام. سال تحصیلی ۵۱-۵۲ به خاطر برخی از مشکلات خانوادگی به ایران آمدم و در آن سال تنها به تکمیل باقی مانده کفایه در محضر آیهٔ الله فاضل موفق شدم. از سال ۵۲-۵۳ نخست برای مدتی در درس آیهٔ الله میرزا هاشم آملی و مکارم شیرازی رفته و سپس بصورت منظم در درس فقه و اصول آیهٔ الله ملکوتی تا پیروزی انقلاب اسلامی بودم. پس از پیروزی انقلاب و مدتی ترک تحصیل در سال ۶۰-۶۱ در محضر آیهٔ الله وحید خراسانی شرکت نموده و پس از آن با اشتغال درحوزه تبریز عملا موفق به بهرمندی از اساتید نشدم. ضمنا ادامه حکمت منظومه را در محضر آیهٔ الله انصاری شیرازی و مجلدات اسناد را از محضر شهید بزرگوار مطهری و حاج آقا رضا صدر و آیهٔ الله یزدی و صالحی مازندرانی خوانده ام. تمهید القواعد راaز محضر آیهٔ الله جوادی و شرح فصوص قیصری را در محضر آیهٔ الله حسن زاده بوده ام.

لک علی آبادی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد لک علی آبادی

محل تولد : درود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

با عنایت حضرت حق و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام در سال ۱۳۶۸وارد حوزه علمیه قم شده و پس از گذراندن دوره مقدمات در مدرسه حقانی ادبیات عرب را گذراندم.سطح۱حوزه قم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام با رتبه ممتاز طی کرده و وارد دروس سطح۲حوزه قم شدم واز محضر اساتید محترم اقایان علی دوست و حسینی خراسانی وحسینی بوشهری استفاده کردم.دروس خارج فقه و اصول را از حضرات ایات بهجت ومبشرکاشانی و علوی بروجردی کسب فیض کردم و همچنان خوشه چین محضر مبارك اساتید بزرگوارم هستم.از محضر ایت الله جوادی املی در علم تفسیر قران بهره مند شده و در زمینه اخلاق و عرفان افتخار استفاده از محضر استاد معظم شیخ عبد القائم شوشتری و مرحوم ایت الله لنگرودی را دارم. ۵ سال در امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران در واحدهای مختلف انجام وظیفه کرده و۲سال در مسئولیت سازمان تبلیغات شهرستان دورود مشغول بوده ام.در کنار تحصیل همواره به امر تبلیغ و تدریس ارج نهاده و هم اکنون غیر از تکمیل دروس خارج فقه و اصول به تحقیق و تالیف و راه اندازی مرکز پژوهش انتشارات هنارس مبادرت کرده ام که از جمله فعالیت های این مرکز مجموعه ۲۰جلدی مهارت های زندگی است که مزین به دو هزار روایت می باشد که در سال نواوری وشکوفایی منتشر گردید.تحقیقات و تالیفات اینجانب بیشتر در زمینه سیره اهل البیت علیهم السلام و اخلاق وعرفان می باشد که از ان جمله است مجموعه هوای وصل در۷جلد وصاحب دلان در۵جلد

لنکرانی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۰ ق) فقیه اصولی، عالم دینی، مجتهد و مدرس. وی در نجف از بحث درس اساتید زمانش استفاده نمود و تقریرات آنها در فقه و اصول را نگاشت و خود از اساتید و پیشوایان تقلید و اجتهاد گشت. او از میرزا حسین خلیلی و سید محمد علی شاه عبدالعظیمی و سید حسن صدر روایت کرد. شیخ محمد علی اردوبادی از وی روایت کرده است. از آثارش: حاشیه بر رساله شرابیانی؛ حاشیه بر «طهاره» کتاب «الریاض» حاشیه بر «نجاه العباد»؛ «نتائج الافکار»، در فهم کلمات ائمه اطهار (ع)؛ «الملهمات الغرویه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۵/ ۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۰ -۱۱۲۹/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۳۰/ ۳).

لنگرودی، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۰۶ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مجتهد. در یکی از روستاهای لنگرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در ۱۳۲۳ ق به رشت رفت. پس از چند سال به قزوین رفت و سطوح اولیه را در خدمت آقا شیخ یونس و ملا علی طارمی فراگرفت. بعد از چندی به تهران آمد و سطوح وسطی و نهایی را از آیت‌اللّٰه سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا نوری و معقول را از شیخ علی نوری و میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّٰه اصفهانی و علامه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّٰه عراقی و آیت‌اللّٰه شیخ مهدی مازندرانی بهره برد و در تفسیر از محضر آیت‌اللّٰه شیخ جواد بلاغی استفاده نمود. در ۱۳۴۲ ق به ایران آمد و مجددا در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و به تدریس و شرکت در بحث اساتید و آیات عظام آنجا مشغول شد. در ۱۳۶۱ ق به علت بیماری به ایران مراجعت نمود و تا ۱۳۷۲ ق در مسجد و مدرسه‌ی حاج ابوالفتح به اقامه‌ی جماعت و تدریس پرداخت. در ۱۳۷۲ ق به زیارت عتبات رفت. پس از بازگشت در قم اقامت گزید و به تدریس فقه و اصول پرداخت. وی در قم درگذشت و در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتیق حضرت معصومه (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «تقریرات» درس آیت‌اللّٰه نایینی، در اصول؛ «المتاجر» و «الصلوهٔ» و «الطهارهٔ» تقریرات درس آیت‌اللّٰه نایینی؛ «الخمس»؛ «منجزات المریض»؛ شرح بر «طهارت عروهٔ الوثقی»؛ «حدوث العالم»؛ رساله در «فضاء»؛ رساله در مبحث «اجتهاد»؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ رساله در اثبات «اصول و عقاید»؛ رساله در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی».[۱]

آیت‌الله فی العالمین حاج سید مرتضی بن سید حسین بن میرسعید قاضی محله‌ی مرتضوی لنگرودی از آیات عظام و علماء اعلام شهرستان قم و حوزه علمیه بوده‌اند.

در سال ۱۳۰۶ قمری در یکی از قراء لنگرود متولد شده و پس از نشو و نما و فراگرفتن فارسی به مدرسه جامع لنگرود رفته و پس از مدتی از آنجا در حدود سال ۱۳۲۳ قمری به رشت و پس از چند سالی به قزوین و در آنجا در خدمت آشیخ یونس و ملاعلی طارمی سطوح اولیه را دیده و بعد از چندی به طهران آمده و سطوح وسطی و نهائی را نزد مرحوم آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آقا شیخ محمدرضا نوری و معقول را خدمت مرحوم حاج شیخ علی نوری و مرحوم میرزا هاشم اشکوری و میرزا حسن کرمانشاهی خوانده و در سال ۱۳۳۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محاضر آیات عظام اصفهانی و نائینی و عراقی و حاج شیخ مهدی مازندرانی و تفسیر را از مرحوم حاج شیخ جواد بلاغی استفاده کرده و در سال ۱۳۴۲ قمری مسافرت به ایران و در سال ۱۳۴۴ قمری برای بار دوم به نجف مهاجرت و مدت ده سال توقف و به تدریس و شرکت در ابحاث آیات عظام و مراجع بزرگ نجف اشتغال داشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و مدت ۱۳ ماه در قم توقف و در سال ۱۳۵۵ ق باز مشرف و مدت شش سال دیگر به تدریس مشغول گشته و در سال ۱۳۶۱ به واسطه کسالت به ایران بازگشت نموده و بنابر تقدیر پروردگار تا سال ۱۳۷۲ قمری در تهران اقامت و در مسجد و مدرسه حاج ابوالفتح واقع در میدانشاه تهران به اقامه جماعت و تدریس و تربیت عده‌ای از محصلین پرداخته و در آن سال به زیارت اعتاب عالیات مشرف و در مراجعت رجل اقامت به قم انداخته و به تالیف و تدریس فقه و اصول مشغول گردیده تا در روز پنج‌شنبه ۱۹ صفر الخیر ۱۳۸۳ قمری دعوت حق را اجابت گفته و با تشییع کم‌نظیری در یکی از ایوانهای شمالی صحن عتین حضرت معصومه علیهاسلام به خاک سپردند.

ترجمه مفصل و مبسوط آن عالم بزرگوار و مرجع عالیمقدار را یکی از افاضل شاگردان و تلامذه آن مرحوم به نام جناب آقای شیخ محمد واصف نوینده محترم که ترجمه‌اش خواهد آمد در یک رساله مستقلی به نام چهره‌ای از زندگانی آیت‌الله لنگرودی تالیف و منتشر نموده که این حقیر خلاصه آن را با آنچه که در ص ۷۴ ج ۲ کتاب آثارالحجه نگاشته‌ام در اینجا آوردم.

۱- تقریرات در اصول مرحوم آیت‌الله نائینی دوره کامل.

۲- کتاب المتاجر تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۳- کتاب الصلوه تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۴- کتاب الطهاره تقریر درس آیت‌الله نائینی.

۵- کتاب الخمس.

۶- رساله‌ای در منجزات مریض

۷- شرح مبسوطی بر طهارت عروةالوثقی

۸- رساله‌ای در توسط ارض غصبیه.

۹- رساله‌ای در حدوث عالم

۱۰- رساله‌ای در فضاء ناتمام

۱۱- رساله‌ی در اثبات اصول و عقاید.

۱۲- رساله‌ای در تفکیک بین اراده استعمالی و جدی

۱۳- کتاب الصوم تقریر درس، ناقص است.

۱۴- رساله‌ای در مبحث کر چاپ شده.

۱۵- رساله‌ای در مبحث اجتهاد چاپ شده.

۱۶- رساله‌ای در حرمان زوجه از بعض ارث.

۱۷- حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ، انصاری، ناتمام.

۱۸- حاشیه‌ای بر رسائل شیخ، ناتمام.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰ -۲۴۸/ ۲)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۲/ ۳).

لواسانی، عیسی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۴ -۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی استفاده نمود. سپس به نجف رفت و نزد شیخ محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین خلیلی و شیخ الرشیعه اصفهانی تلمذ نمود و یکی از برجستگان علم و فقاهت شد و خود مستقلا به تدریس و تألیف پرداخت. سپس به تهران بازگشت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف دینی مشغول گردید. او در تهران درگذشت. از آثارش: «انیس العارفین»؛ «جلاء الابصار»؛ «تحفة الاحباب»؛ «میزان الاخوة»؛ «الشیخ و الشیخة».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۵/ ۲۳، ۲۶۶/ ۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۶/ ۳).

لواسانی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۷ -۱۲۶۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از علمای تهران بود که در مسجد سرپولک اقامه جماعت می‌کرد. پس از فراگیری مقدمات و تکمیل سطوح در خدمت پدرش و آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی به نجف رفت و در خدمت میرزا حبیب‌اللّه رشتی و شیخ میرزا حسین خلیلی شاگردی نمود. پس از رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد به بحث و تدریس پرداخت. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی خودش در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «اجتماع الامر و النهی»؛ «تقریرات استادانش، در فقه و اصول؛ «الفقه الاستدلالی»، در سه مجلد، در «متاجر»؛ مجلدی در «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵۹/ ۹)، الذریعه (۲۹۰/ ۱۶، ۳۸۴/ ۴، ۲۶۸/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۲۱۳/ ۸).

ماتریدی سمرقندی، ابومنصور محمد

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۳۳ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. مشهور به امام المتکلمین. نسبتش به ماترید می‌رسد که به گفته‌ی سمعانی ماترید یا ماتریت از محلات سمرقند بوده است. ماتریدی از پیشگامان علم کلام بود. وی با سه واسطه از ابوحنیفه روایت کرده است. در سمرقند درگذشت. از آثارش: «تأویلات اهل السنة»؛ کتاب «التوحید و اثبات الصفات»؛ «اوهام المعتزلة»؛ «الرد علی القرامطة»؛ «الدرر فی اصول الدین»؛ «مأخذ الشرائع»، در اصول فقه؛ «تأویلات القرآن»؛ شرح «الفقه الاکبر» ابوحنیفه؛ «کتاب الجدل»؛ ردی بر «تهذیب» کعبی، در «الجدل».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۴۲/ ۷)، انساب سمعانی (۱۵۵/ ۵)، ریحانه (۱۴۲/ ۵)، کشف الظنون (۱۷۸۲، ۱۵۷۳، ۱۴۰۸، ۱۴۰۶، ۷۵۱، ۵۱۸، ۳۳۶- ۳۳۵، ۲۶۲)، لباب الالباب (۲۹۲، ۱۸/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ماتریدی)، معجم المؤلفین (۳۰۰/ ۱۱)، هدیة العارفین (۳۷- ۳۶/ ۲).

ماماقانی، ابوالقاسم

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱- ۱۲۸۵ ق)، عالم دینی و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، از حوزه‌ی درس پدرش و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره برد. سپس خود مستقلا به بحث و تدریس پرداخت. او در اخلاق از محضر ملا اسماعیل قره باغی استفاده کرد. او در نجف درگذشت و در صحن شریف به خاک سپرده شد. از آثارش: «غایة المأمول فی علم الاصول»، از مباحث الفاظ تا آخر تعادل و تراجیح؛ شرح «دعای کمیل»؛ «مقباس الکرامة»، در شرح «التبصرة» علامه حلی، در فقه. این کتاب در «معجم رجال الفکر» تحت نام «مصباح الکرامة» ذکر شده است.[۱]

ابوالقاسم بن آیت‌اللّٰه العظمی آقا شیخ محمدحسن مامقانی نجفی متولد ۱۲۸۵ و متوفی ۱۳۵۱ ق عالمی موثق و مقدسی بزرگوار از شاگردان والد ماجدش و علامه خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی و در اخلاق ملا اسماعیل قره‌باغی بوده و دارای تألیفاتی در فقه بنام (مقباس الکرامه) در شرح تبصره بوده است.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۶/ ۲۲، ۱۶- ۱۵/ ۱۶، ۲۵۸/ ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۵/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴- ۱۱۴۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۷/ ۸).

مامقانی، عبدالله

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱- ۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم اورنقی ملکی و شیخ

غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروع»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[۱]

عبداللّه بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱- ارشاد المستبصرین ۲- تحفة الخیره ۳- تحفة الصفوة فی الحیوة ۴- تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود ۶- سراج‌الشیعه ۷- السیف البتار ۸- مرآت الرشاد ۹- مرآت الکمال ۱۰- مطارح الافهام ۱۱- مقباس الهدایه ۱۲- مناهج المتقین ۱۳- منتهی مقاصد الانام ۱۴- نتایج التنقیح ۱۵- نهایة المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۷۳/ ۲۵ ،۱۵۹/ ۲۳ ،۳۴۹ ،۱۸/ ۲۲ ،۳۳۹ ،۳۳۸ ،۳۳۶ ،۲۸۴- ۲۸۳ ،۲۷۲ ،۲۳۰ ،۲۲۹ ،۲۷/ ۲۰ ،۳۶ ،۱۲ - ۱۱ / ۱۸ ،۱۶۱/ ۱۷ ،۳۴۶ ،۲۲ ،۱۳/ ۱۶ ،۲۸۶ ،۱۵۷/ ۱۲ ،۱۳۷ ،۷۸ -۷۷/ ۸ ،۱۴۹/ ۶ ،۲۱۶ ،۲۱۵/ ۵ ،۴۶۷ -۴۶۶/ ۴ ،۴۴۷ ،۴۳۲/ ۳ ، ۵۲۸ ،۵۲۰ ،۱۲۰ ،۱۱۸/ ۱)، ریحانه (۱۵۹ -۱۵۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹ -۱۱۹۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹ -۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۱۳۴/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۶ -۱۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۱۶/ ۶).

مامقانی، محمد حسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، لغوی و ادیب. در مامقان آذربایجان به دنیا آمد و در کربلا نشو و نما یافت و در نجف ساکن گردید. در محضر ملا علی خلیلی و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تلمذ نمود. پس از درگذشت سید حسین کوه کمری به تدریس و تصنیف پرداخت. وی در صحن

حیدری به اقامه‌ی جماعت می‌پرداخت. پس از وفات میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ ق مرجعیت مردم آذربایجان را در امور مذهبی عهده‌دار شد. مامقانی در نهایت پرهیزکاری زندگی می‌کرد و عملا مروج دین بود. فرزندش، شیخ عبدالله، و شیخ ابراهیم سلیمانی و سید مصطفی نخجوانی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و شیخ محمد علی گنجی و سید علی نخجوانی و میرزا فرج‌الله تبریزی و سید میرزا ابوالحسن تبریزی از شاگردان وی بودند. در نجف درگذشت و در مقبره‌ی مخصوص خود به خاک سپرده شد. از آثارش: «بشری الوصول الی اسرار علم الاصول»، در هشت مجلد؛ «ذرائع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام»؛ «غایة الآمال»، در شرح «المکاسب» شیخ انصاری؛ «اصالة البرائة»؛ «الرسالة العملیة».[۱]

محمدحسن بن ملا عبدالله بن محمدباقر مامقانی الاصل از متبحرین علماء امامیه و از اعاظم فقهاء عصر و اکابر مراجع تقلید متولد ۱۲۳۸ و متوفی ۲۹ محرم ۱۳۲۳ قمری عالمی ربانی و فقیه کامل صمدانی از شاگردان بزرگ علامه شیخ مرتضی انصاری و علامه سید حسین کوه‌کمری و بعض اکابر دیگر و صاحب تألیفات عدیده بنام ۱- بشری الوصول الی اسرار علم الاصول ۸ مجلد ۲- ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام ۳- غایة الامال حاشیه بر مکاسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۳۲۴/ ۶)، اعیان الشیعه (۱۵۱ -۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۴۰۸/ ۲۴، ۵/ ۱۶، ۲۱۴/ ۱۱، ۲۴/ ۱۰، ۱۲۱ -۱۲۰/ ۳، ۱۱۴/ ۲)، ریحانه (۱۶۰ -۱۵۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۱ -۴۰۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۳ -۸۰)، الکنی و الالقاب (۱۳۴ -۱۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۴۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۸ -۱۹۷/ ۹)، مکارم الآثار (۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۴).

متقی زاده، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد متقی زاده

محل تولد : سربند اراک

شهرت : متقی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد۱۳۴۲ دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزۀ علمیه بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جواهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را درحوزۀ علمیه قم نزد اساتید حوزۀ علمیه قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصولً به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی ، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کار شناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم . بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاههای

تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و.... هستم.
مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها : ۱-مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشی تالیفات: ۱-کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع ان ۲-تجزیه و ترکیب قرآن کریم ۳-تاریخ تحول دولت در اسلام ۴-آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵-یکصد و چهل حدیت اخلاقی از رسول اعظم ۶-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متقی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

تقی متقی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

«تقی متقی » هستم ؛ یعنی «مختصر » آنچه در شناسنامه ام به طور «مطوّل » آمده : محمد تقی پور متقی آلمانی. اشتباه نکنید ! این « آلمان » ، سرزمین معروف ژرمنها نیست. بلکه نام روستای زادگاهم در بخش « خشکبیجار » از توابع شهرستان «رشت » است. طبق روایات حسن – اسم برادر بزرگترم در بهار سال ۱۳۴۰ به دنیا آمدم. به جان شما من که اصلا یادم نیست، اجازه بدهید از سر دبستان و راهنمایی و دبیرستان بپریم، بلکه پرش طول و عرضمان بهتر شود. پس از اخذ دیپلم متوسطه در رشته حسابداری، با همه بی حساب شدم، که چند و چونش بماند برای روز مبادا. از سال ۱۳۶۲ رسما فراگیری دروس حوزوی را در قم آغاز کردم : مدرسهٔ رسالت، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، درست در همین ساختمانی که هم اکنون دفتر حضرت آیت الله العظمی اردبیلی است؛ البته قدیمها این همه جدید نبود! تا یادم نرفته عرض کنم که در سالهای پایانی دبیرستان، فرشته شعر – و علی ما قیل : شیطان شعر به سراغم آمد؛ نه در دامن کوه و جنگل یا ساحل دریا بلکه در اوج امتحانات آخر سال، وسط درس و درس و درس و درست موقعی که رادیو را روشن کردم و مجری برنامه، شعری را زمزمه می کرد. همین زمینه شد تا من نیز جسارت سرودن از سر و کولم بالا برود. و چنین، شعر رفیق گرمابه و گلستانم شد. به همین سادگی.
بازگردیم به اصل مطلب. « مقدمات » را در مدرسه رسالت، امام حسن عسکری (ع) فعلی خواندم و « مؤخّرات » را « خارج » مدرسه، در محضر اساتید و ایات عظام : وجدانی فخر، رحمه الله علیه، موسوی تهرانی، استادی، موسوی تبریزی، محقق داماد،

اعتمادی، سبحانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و ... در کنار چهار یار همیشگی ام، شعر، نگارش، ترجمه و ویرایش، به عنوان پژوهشگر با « مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی » همکاری و سردبیری فصلنامه « فرهنگ جهاد » را به عهده دارم. علاوه بر عضویت در « انجمن نویسندگان کودک » و « انجمن قلم حوزه » و سرگروهی بخش شعر « مرکز تربیت مربی » ، مدیریت « کتابخانه تخصصی ادبیات » نیز بر دوش ناقابل بنده است. از این میان، البته با شعر، صمیمی تر و خودمانی ترم : شعر خردسال، کودک، نوجوان، بزرگسال؛ یعنی شعر در همهٔ سایزهای آن. تا کنون افزون بر ۱۰ عنوان کتاب، تعداد زیادی مقاله از این رهین بی ناصر و معین به چاپ رسیده که در ادامه بر خواهم شمرد. صاحب این قلم اعنی خودکار محترم در بسیاری از کنگره های سراسری « شعر و ادب دانشجویان » ، « شعر و قصه طلاب » و « شعر و قصه کودک مسلمان بلوچ (چوکان انقلاب) » حضور داشته و به ارائه اثر یا داوری آثار پرداخته است.

متولی نیشابوری، ابوسعد عبدالرحمان

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۴۲۷-۴۷۸/ ۴۲۶ ق)، عالم اصولی، فقیه شافعی و متکلم. او شیخ شافعیان بود. در نیشابور به دنیا آمد و در خراسان علوم اسلامی را فراگرفت. وی فقه را در مرو از ابوالقاسم عبدالرحمان فورانی و در مرورود از قاضی حسین بن محمد مروزی و در بخارا از ابوسهل احمد بن علی ابیوردی فراگرفت و در فقه و اصول و خلاف برآمد و سرآمد اقران خود شد. او از ابوالقاسم قشیری و ابوعثمان صابونی و ابوحسین عبدالغافر بن محمد فارسی و ابوعبداللّه طبری و ابوعمرو محمد بن عبدالعزیز قنطری و دیگران حدیث شنید. در نظامیه بغداد پس از درگذشت ابواسحاق شیرازی تدریس کرد تا اینکه در ۴۷۶ ق عزل گردید و ابن‌صباغ، صاحب «الشامل»، جای او را گرفت. در ۴۷۷ ق با عزل ابن‌صباغ مجددا منصوب گردید و تا زمان وفات به تدریس در آنجا مشغول بود. در بغداد درگذشت و در مقبره‌ی باب ابرز دفن شد. از آثارش: «الغنیهٔ فی الاصول»؛ «تتمهٔ الابانهٔ»، در تکمیل «الابانهٔ» استادش، ابوالقاسم فورانی؛ کتابی مختصر در فرائض، به نام «فرائض المتولی»؛ کتابی بزرگ در «خلاف»؛ کتابی مختصر در «اصول‌الدین».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۹۸/ ۴)، ایضاح المکنون (۱۵۰/ ۲)، ریحانه (۱۷۵ -۱۷۴/ ۵)، سیر النبلاء (۵۸۶ -۵۸۵/ ۱۸)، شذرات الذهب (۳۵۸/ ۳)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۰۸ -۱۰۶/ ۵)، العبر (۳۳۸/ ۲)، الکامل (۱۳۹/ ۸)، کشف الظنون (۱۲۵۱، ۱)، الکنی و الالقاب (۱۴۵/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۵)، المنتظم (۵۸۹/ ۹)، الوافی بالوفیات (۲۲۵ -۲۲۴/ ۱۸)، وفیات الاعیان (۲۷۷/ ۱)، هدیهٔ العارفین (۵۱۸/ ۱).

مجاهد، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۱۸۰-۱۲۴۲ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی و متکلم. معروف به آقا سید محمد مجاهد (به جهت صادر کردن حکم جهاد در جنگ

ایران و روس، در زمان فتحعلی‌شاه قاجار) و مشهور به صاحب «مناهل». او دخترزاده‌ی وحید بهبهانی است. در کربلا به دنیا آمد. وی از محضر پدرش، سید علی صاحب «ریاض»، و سید مهدی بحرالعلوم استفاده نمود. او داماد سید بحرالعلوم بود. در زمان حیات پدرش به اصفهان رفت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. چون خبر وفات پدرش رسید عازم عراق شد و در کاظمین مقیم گشت و به انجام وظائف علمی پرداخت. در جنگ ایران و روس همراه با محقق نراقی به ایران آمد و مورد عنایت عام و خاص قرار گرفت. وی در قزوین به هنگام مراجعت از جنگ روس درگذشت و پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. مؤلفات وی متجاوز از هفتصد هزار سطر است. از آثارش: «المناهل»، در فقه؛ «مفاتیح الاصول»؛ «الوسائل الی النجاة» یا «وسائل الاصول»، در اصول فقه؛ «المقلاد»، رساله ای در «حجیة الظن المطلق»؛ «اصلاح العمل»، در فقه عبادات؛ «الجهادیة»؛ «المصابیح»، در فقه؛ «عمدة المقال فی تحقیق احوال الرجال»، در حدود یکصد شرح حال؛ «جامع العبائر»، در فقه؛ «جامع المسائل»، سؤال و جواب فقهی؛ کتاب بیان «اغلاط مشهوره».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۴۳/ ۹)، الذریعه (۷۰ -۶۹/ ۲۵ ،۳۵۳ -۳۵۲ ،۱۱۹ -۱۱۸/ ۲۲ ،۳۰۰ ،۸۰/ ۲۱ ،۳۴۱ -۳۴۰/ ۱۵ ،۲۷۹ ،۲۷۲ ،۲۰۸/ ۶ ،۲۹۷ ،۷۰/ ۵ ،۲۵۳ ،۱۷۱ -۱۷۰ ،۲۵/ ۲)، روضات الجنات (۱۴۰ -۱۳۸/ ۷)، ریحانه (۱۷۶/ ۵ ،۴۰۲ -۴۰۱/ ۳)، فوائد الرضویه (۵۸۲ -۵۷۹)، معجم المؤلفین (۵۶/ ۱۱)، هدیة العارفین (۳۶۳/ ۲).

مجتهد تبریزی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۶۵ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی، مرجع تقلید و شاعر. چون پدرش در اواخر عهد زندیه از کارگزاران و نزدیکان دربار بود، وی در ابتدا کارمند دولت شد، سپس از مقام رسمی انصراف داد و برای تحصیل علوم دینی ابتدا به اصفهان و از آنجا به عتبات رفت و در کربلا از محضر سید علی طباطبائی، صاحب «ریاض»، استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد به تبریز بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت و مرجع مذهبی مردم گشت و عهده‌دار حکومت شرعیه سراسر آذربایجان شد. میرزا احمد تبریزی از صاحب «ریاض» و ملا محمد سعید دینوری قراچه‌داغی روایت کرده است. او شاعر ماهری بود و به عربی شعر می‌گفت. فرزندانش: میرزا لطفعلی، میرزا محمدجعفر و میرزا محمدباقر همگی از علمای برجسته بودند و وی «اجازه‌ی» مبسوطی در ۱۲۵۳ ق به آنان داد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در مقبره‌ی مخصوص خود، مقابل مرقد شیخ طوسی، دفن شد. از آثارش: کتاب «منهج الرشاد فی شرح الارشاد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۶۹/ ۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵)، الذریعه (۱۸۸ -۱۸۷/ ۲۳ ،۱۴۲/ ۱)، ریحانه (۱۷۷ -۱۷۶/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۵۴۷ -۵۴۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۳ -۱۰۲/ ۱۳)، علماء معاصرین (۳۴۵)، المآثر و الآثار (۱۷۴ -۱۷۳)، مکارم الآثار (۱۷۹۱ -۱۷۹۰/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۲/ ۱)، معجم المؤلفین (۵۴/ ۲).

مجتهد تبریزی، حسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و ادیب. در خانواده‌ی علم و تقوا در تبریز به دنیا آمـد. پس از فراگیری مقدمات به نجف رفت. گفته‌اند که او چون به نجف وارد شد محضر علامه شیخ انصاری را درک کرد. او همچنین از محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی و ملا محمد شرابیانی و ملا محمد ایروانی و سید حسین کوه کمری و میرزا محمدحسن شیرازی و ملا علی نهاوندی استفاده نمود و به دریافت اجازه از آنان نایل آمد، اخذ اجازه از استادش ملا علی نهاوندی نیز پس از پنج سال ملازمت حاصل شد. آن گاه به آذربایجان بازگشت و چندین سال در تبریز به تدریس پرداخت و منصب اجدادش را عهده‌دار گردید و مرجع دینی مردم آن دیار شد. او در همان جا درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «تشریح الاصول»، که این نام برگرفته از نام کتاب استادش نهاوندی است؛ رساله‌ای در «مقدمهٔ الواجب»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۷/ ۵)، الذریعه (۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۱۷۸ -۱۷۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۸ -۳۸۷/ ۱۴)، لغت نامه (ذیل/ حسن مجتهد)، معجم المؤلفین (۲۷۶، ۲۰۹ -۲۰۸/ ۳).

مجتهد تبریزی، صادق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۵۱ -۱۲۷۴/ ۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید و شاعر. در تبریز به دنیا آمـد. پس از فراگیری مقدمات در نوزده سالگی به همراه برادرش، میرزا محسن مجتهد، به نجف رفت و از محضر ملا محمد فاضل ایروانی و شیخ محمدحسن مامقانی و ملا محمد فاضل شرابیانی و شیخ هادی تهرانی و در کربلا از محضر ملا حسین فاضل اردکانی استفاده نمود. تا در فقه و اصول برآمد. در ۱۳۱۱ ق به تبریز بازگشت و مرجعیت دینی مردم را عهده‌دار شد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در اواخر عمر پس از کوشش بسیار برای رهایی شیخ محمدتقی بافقی از زندان رضا شاه مسافرتی به سنندج کرد و مورد تکریم بیش از حد عام و خاص اهل سنت قرار گرفت. بعد از اقامت کوتاهی در آنجا به قم رفت و چند سالی در آنجا ماند و در همان جا درگذشت. آیت‌اللّه کبیر بر وی نماز خواند و در رواق حضرت معصومه (ع) دفن شد. از آثارش: «المقالات الغرویه» یا «المقالات الغریهٔ»، در مباحث الفاظ، در اصول؛ «کتاب الصلاهٔ»؛ شرح «تبصره» علامه حلی؛ «الفوائد»، در مسائل متفرقه فقه؛ «طریق النجاهٔ»؛ «رسالهٔ فی المشتق»؛ رساله‌ای در «شرائط العوضین»؛ حاشیه بر «وسیلهٔ النجاهٔ»؛ حاشیه بر «منهج الرشاد»؛ «واجبات الاحکام»، رساله عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۶۷ -۳۶۶/ ۷)، الذریعه (۳۹۲، ۴۱/ ۲۱، ۳۲۰/ ۱۶، ۱۳۵، ۴۵/ ۱۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۵۱ -۲۵۰/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۷۴ -۸۷۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۷، ۱۵۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۸ -۲۳۶/ ۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۱/ ۱)، مکارم الآثار (۲۰۶۵/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۲ -۴۸۱/ ۳).

مجتهد تبریزی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، متکلم، مفسر، عروضی و زاهد. اصلش از قره‌داغ تبریز (ارسباران فعلی) بود. به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری اصول و در محضر شیخ مهدی کاشف الغطاء فقه را تلمذ نمود و به درجه‌ای عالی در اجتهاد رسید و با اجازه از استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء، روایت کرد. سپس به تبریز بازگشت و متصدی بحث و تألیف و تدریس و افتاء گردید. او در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم عربی و فنون ادبی متبحر بود و تألیفاتش گویای مراتب علمی اوست. از آثارش: «اللمعة البیضاء»، در شرح «خطبة الزهراء (ع)»، و این شرح گستردگی اطلاعات و مهارت وی را در علوم عربی می‌رساند؛ «الاربعین»؛ «اسرار الحج»؛ «الاصول المهمة»، در اصول دین؛ «الامر بین الامرین»؛ «البداء»؛ تفسیر «سوره‌ی یس» یا «تفسیر قراچه‌داغی»؛ «تفسیر الکبیر»؛ «التنقیحات الاصولیة»؛ حاشیه بر «فرائد الاصول»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه بر «الفصول»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»، به نام «حدیقة البساتین فی شرح القوانین»؛ حاشیه بر «الروضة البهیة»، به نام «حدیقة الروضة»، که حاشیه‌ی «شرح لمعه» است؛ شرح «اخبار الطینة»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «الفتوحات الرضویة»، در احکام فقهی؛ رساله‌ای در علم «العروض و القافیة»؛ «التحفة المحمدیة»، در عربیت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۵/ ۱۰)، الذریعه (۳۵۰/ ۱۸، ۲۷۳/ ۱۶، ۲۵۹، ۱۹۷، ۳۶/ ۱۵، ۳۶۳/ ۱۳، ۳۸۲، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۵۹، ۱۰۱، ۹۵، ۶۱/ ۶، ۴۶۸، ۳۴۴، ۳۰۱/ ۴، ۲۱۳/ ۲، ۴۲۲/ ۱)، ریحانه (۴۳۹ -۴۳۸/ ۴)، علماء معاصرین (۳۴۵ -۳۴۳)، المآثر و الآثار (۱۷۶ - ۱۷۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۸۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۳۵/ ۱۱).

مجتهد تبریزی، مصطفی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۸/ ۱۳۳۷ -۱۲۹۷/ ۱۲۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، منجم، ریاضیدان، ادیب و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و فقه و اصول را در تبریز در محضر پدرش و علماء دیگر فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیلات به عتبات عالیات رفت و از حوزه‌ی درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و سید محمدکاظم طباطبائی یزدی و میرزا ابوالقاسم اردوبادی و محقق نهاوندی و دیگر علما استفاده نمود و چون عالمی برجسته شد به تبریز بازگشت. مراسلات و مکاتباتی منظوم و منثور بین او و شیخ آقا محمدرضا اصفهانی و شیخ جواد شبیبی وجود داشت. در اواخر عمر به بیماری فلج مبتلا شد. در تبریز درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و در آنجا دفن شد. او رسائلی گوناگون در فلکیات و ریاضیات و موضوعات مختلف فقهی نگاشت. از آثارش: «ارجوزه»، در عروض و قافیه، به عربی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» استادش ملا محمدکاظم آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «لسان الخواص» علامه رضی‌الدین قزوینی؛ «العروض»؛ «قاعدة الخطائن»؛ «اللباس المشکوک».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۲۷ -۱۲۶/ ۱۰)، الذریعه (۴۸۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۹ -۱۷۸/ ۵)، علماء معاصرین (۱۱۸ -۱۱۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۲۹۰/ ۱).

مجتهدقمی، محمدجواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ محمد جواد مجتهد قمی در سال ۱۲۹۵ ه.ق در شهر نجف اشرف به دنیا آمدند، وی از هفت سالگی وارد شهر قم شدند و تحصیلات مقدمات را آغاز و در حضور اساتید آن زمان مشغول فرا گیری علم شدند. از وی آثار متعددی به جا مانده است . قمی در سال ۱۳۷۵ ه.ق در شهر قم دار فانی رو وداع گفتند .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد جواد مجتهد قمی فرزند ارشد ملا غلامرضا آخوند قمی می باشد .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فرزند محمد جواد مجتهد قمی آقای حاج محمد حسن اعرابی - داماد امام خمینی ۱ می‌باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد جواد قمی که پس از تولد در نجف اشرف، در هفت سالگی به قم آمد و پس از تحصیل مقدمات، سطوح فقه و اصول را در محضر پدر بزرگوارش و آیت الله حاج آقا احمد قمی - برادر آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی - فرا گرفت و در ۲۰ سالگی به اشاره پدرش به تهران ره سپرد و نزد حضرات آیات: میرزا محمد حسن آشتیانی (فقه و اصول)، و حاج شیخ علی نوری، میرزا محمود حکمی و شیخ عبد الکریم سبزواری (حکمت و کلام) زانوی ادب به زمین زد و بهره‌های علمی بسیار برد و پس از سه سال توقف، به قم بازگشت و یک سال دیگر از پدرش بهره برد. در سال ۱۳۱۹ ق، به نجف رفت و در درس آیات عظام: محقق خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حاضر شد و مبانی علمی خود را استوار ساختاستادان و مربیان : از اساتید حاج شیخ محمد جواد مجتهد قمی می توان به موارد زیر اشاره کرد: حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی آقای حجت سید محمد تقی خوانساری میرزا محمد حسن آشتیانی آیت الله بروجردی حاج شیخ علی نوری میرزا محمود حکمی شیخ عبدالکریم سبزواری محقق خراسانی سید محمدکاظم یزدی وقایع میانسالی : محمود جواد قمی مشغول نگارش کتاب «حادی عشر» - یازدهمین تألیفش - بود که ندای حق را لبیک گفت. کتابخانه ایشان - به همراه کتابخانه پدرش که به سفارش مرحوم حاج آخوند به وی واگذار شده بود. - پس از وفاتش، به آیت الله العظمی بروجردی واگذار و به دستور ایشان به کتابخانه مدرسه فیضیه تحویل داده شد.زمان و علت فوت : محمدجواد قمی در سال ۱۳۷۵ ق (۱۳۳۳ ش) درگذشت و پس از یک تشییع با شکوه و نماز آیت الله العظمی بروجردی بر پیکرش، در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه ۳ مدفون شد. و نخستین مجلس بزرگداشت او از سوی آیت الله بروجردی در مدرسه فیضیه برگزار شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیخ محمد جواد مجتهد قمی پس از ۱۴ سال، چند ماه پس از وفات پدر بزرگوارش در ربیع الاول سال ۱۳۳۳ ق به درخواست عموم مردم قم - که از ایشان بازگشت به قم را خواسته بودند. - در میان ابراز احساسات عموم اهالی که به مناسبت ورود ایشان شهر را تعطیل عمومی کرده و تا چند کیلومتری به استقبال رفته بودند، به زادگاه پدرانش بازگشت و به تدریس، تألیف، وعظ و ارشاد پرداخت و به جای پدرش، تصدی امامت مسجد امام حسن عسکری (ع) را بر عهده گرفت.آثار : آیینه حق نما ویژگی اثر : در اثبات ولایت عامه و خاصه۲ تقریرات درس فقه آیت الله سید محمد کاظم یزدی. توحید قمی ویژگی اثر : در دو جلد به چاپ رسیده است۴ سعادت بشر ویژگی اثر : در اثبات نبوت عامه و خاصه.۵ صراط المستقیم ویژگی اثر : این کتاب چهار جلد می باشد: جلد اول - در اثبات صانع و توحید، جلد دوم - در فروع دین، جلد سوم - در معاملات، و جلد چهارم - در عدم جواز تقلید میت.۶ کتاب کیمیاء ویژگی اثر : در اثبات معاد جسمانی،که در سال ۱۳۶۴ ق به چاپ رسیده است.۷ یاقوت ویژگی اثر : ردّبر مادّیین و دهریّون

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k - /www.hawzah.net

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللَّه صدوقی یزدی و آیت‌اللَّه سلطانی و آیت‌اللَّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللَّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللَّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللَّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللَّه ظله و مرحوم آیت‌اللَّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملاـ محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمةالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد

مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.

آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجیدی، غلامحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسین مجیدی

محل تولد : خوانسار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۳/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین مجیدی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان خوانسار متولد شدم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه ولی عصر (ع) آن شهرستان گردیدم که دروس سطح را تا ابتدا درس خارج در آن شهرستان با استادانی همچون تقدیری و رفیعیان گذرانده و درعرض تحصیل در آن حوزه مشغول به تدریس دروس مقدماتی گردیدم و از سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه شهر مقدس قم گردیدم و در درس خارج حضرت آیهٔ الله فاضل و مکارم شیرازی شرکت کرده و از سال ۱۳۷۵ ادامه تحصیل را با درس فقه میرزا جواد تبریزی (ره) و اصول حضرت آیهٔ الله وحید ادامه دادم و در عرض تحصیل به تحقیق کتاب اشتغال یافتم که ابتدا در تاریخ ۱۳۷۳ کار تحقیق را با مؤسسه دار الحدیث شروع نمودم. که با همکاری گروهی چندین اثر به چاپ رسیده و نیز چندین اثر بطور مستقل از بنده به چاپ رسیده که یکی از آنها در سال ۱۳۸۲ کتاب سال ولایت شمرده شد. در ادامه همکاری با دار الحدیث اکنون

مدیر گروه حکمتنامه ها و فرهنگنامه های این مؤسسه می باشم که تاکنون چندین حکمتنامه و فرهنگنامه از این گروه به چاپ رسیده است. مثل، حکمتنامه بسیج حکمتنامه، کودک حکمتنامه جوان- و غیره...

محبی پروشی، صاحب علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صاحب علی محبّی پروشی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۳/۲

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳، در روستایی به نام : «پروش» از توابع شهرستان «لنگرود» استان «گیلان» در خانواده‌ای که در دوران خفقان، از خانواده‌های مذهبی محسوب می‌شد، به دنیا آمد. و از وجود دو نعمت پدر و مادر در دوران کودکی و دبستان تا چهارم ابتدائی در همان روستا بهره‌مند بود. در بین خانواده که همگی مذهبی و متدّین بودند، یکی از دو برادرهای ایشان به نام مرحوم «قربان»، بسیار مشتاق آموختن مسایل دینی و مذهبی بود، ولی از این‌که به دلیل مشکلات زندگی، نتوانست به خواسته‌اش دست یابد، سخت ناراحت بود؛ ازاین رو با توجّه به علاقه و زمینه بسیار مساعدی که در ایشان ملاحظه می کرد، به اهل خانواده، پیشنهاد کرد که حدّاقل، من که این توفیق را نیافتم، «صاحب» را برای آموختن دروس طلبگی، به حوزه بفرستیم، که در اصل آن (طلبگی)، جملگی، اعم از پدر، مادر و برادر بزرگ که اکنون نیز در قید حیات هستند، موافقت کردند، تنها یک نظر هم این بود که پس از اخذ دیپلم برای این رشته بروند که این نظر نیز از سوی همان برادر «قربان»، به این دلیل که چون محیط امروز بسیار نامساعد است و اگر ایشان تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه دهد، ممکن است ذوق و علاقه فعلی مورد تهدید قرار گیرد، ردّ شد. در اینکه چه کسانی در تشویق ایشان یا خانواده برای روی‌آوردن ایشان به دروس علمی و مذهبی نقش داشتند، باید گفت که این بیت در آن روستا، پاتوق علماء، فضلا و روحانیون معزّزی بود که برای امر تبلیغ به آنجا می‌آمدند؛ لذا رفتار عملی و انس آنان با خانواده از نزدیک و نیز ارتباط ایشان با آنها، نه فقط این شوق را در ایشان، بلکه در مجموع خانواده، به ویژه در برادر بزرگتر از خودش (قربان) ایجاد کرد، تا جایی که بحمدالله این تشویقها و این انسها، منجر به یک تصمیم جدّی شد که مایه خیر و برکت الهی در دنیا و آخرت شد. البته ناگفته نماند، از بین روحانیونی که به این بیت رفت و آمد داشتند، یکی از آنها به نام حاج آقای رضائی (که اکنون پدر عیال ایشان می‌باشند)، نقش فوق‌العاده‌ای داشت؛ زیرا ایشان نه تنها در ایّام تبلیغ، بلکه به‌طور مستمر با خانواده، در ارتباط بودند، تا جائی که در آن زمان، ایشان هر هفته از راه دور، برای ذکر مصایب اهل‌بیت در شبهای جمعه، به آن بیت دعوت می‌شدند؛ ازاین‌رو این ارتباط مستمر ایشان، و نیز تشویقهای پی‌درپی ایشان نسبت به نماز و عبادت و روی آوردن به دروس علمی و حوزوی، در بین نقش سایر عزیزان برجسته‌تر و بهتر و بیشتر بوده است. آغاز دروس حوزوی

ایشان پس از اخذ مدرک چهارم ابتدایی، به حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) لنگرود برای شروع دروس دینی در سال ۱۳۵۳، رفتند و تا چهار سال تمام در این مدرسه مشغول درس و هم‌زمان تدریس در سطحی که خوانده بودند مشغول بودند و در ۱۷شهریور سال ۱۳۵۷، هم‌زمان با جنایت رژیم پهلوی در جمعه سیاه در میدان ژاله سابق تهران و میدان شهدای فعلی، با نهایت سختی، وارد «حوزه علمیه قم» شدند. اساتید

در لنگرود، نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علیرضا ممجّد، حدود چهار سال دروس پایه و بعداً پس از مراجعه به قم، در ایّام تعطیلی و مأموریتهای تبلیغی در آن دیار، دروس سطح را نزد ایشان خواندند؛ وی استاد برجسته و متبحری بودند و نسبت به ایشان نیز، با توجّه به ویژگیهایی که ملاحظه کرده بودند، علاقه خاصی داشت. تلاش این استاد نیز، نسبت به ایشان، تلاش ویژه‌ای بود. که بعدها، در مورد این استاد، ایشان، مصاحبه‌ای با رادیو گیلان در سالهای گذشته انجام دادند که اکنون در برخی از سایت‌ها، موجود است. همچنین در قم نزد آقایان: صلواتی، نیکونام، عالمی، شوشتری، استادی، جلال طاهر شمس، مرحوم آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله منتظری، مرحوم آیت‌الله ستوده، مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله شب‌زنده‌دار، آیت‌الله مصباح یزدی، آقای فیاض، آیت‌الله وحید خراسانی، آقای سیّدی، مرحوم آیت‌الله تهرانی، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، آیت‌الله مظاهری، آیت‌الله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه)، آیت‌الله مرحوم سید محمد شیرازی، مرحوم آیت‌الله وجدانی، آقای شمّاعی و... سالهاست که تلمّذ کرده‌اند و دروسی که نزد مجموع این بزرگواران طی شده عبارتند از: فقه و اصول سطح و خارج و تفسیر، اخلاق، فلسفه، اقتصاد، کلام، ادیان و... .

محرمی، غلامحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

غلامحسن محرمی

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسن محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال ۱۳۴۷ متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه بر گشته ایم و سال ۶۳ وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا ۱۳ سال در درس خارج شرکت کردم.اساتید اینجانب در دو سطح عبارتند از :آیه الله وجدانی فخر ، استاد صالحی افغانی ، آیه الله اشتهاردی ، استاد طالقانی ، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی ، آیه الله اعتمادی ، استاد محقق داماد ، آیه الله دوزدوزانی ، استاد صلواتی ، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی ، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردمعرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستم.

همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی ، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است.همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی ، وحید خراسانی ، هاشمی شاهرودی ، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی شرکت داشته ام .و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهابیه (مرکز جهانی علوم اسلامی) ، مدرسه شهیدین ، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام . و از سال ۷۶ در دانشگاههای آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته ام.

محسنی نیا، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا محسنی نیا

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ پس از اخذ دیپلم تجربی از مدرسه اسلامی زرگران در یزد از طریق مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در مدرسه علمیه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم از سال ۱۳۶۸ در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگوار آقایان وحید خراسانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سید کاظم حائری، هاشمی شاهرودی، بهجت، شبیری زنجانی و ... شرکت کردم از سال ۱۳۷۱ با برخی از مراکز علمی از جمله مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی همکاری علمی داشته ام و به مدت ۵ سال در مدرسه علمیه المهدی به تدریس اشتغال داشته ام .

محفوظی، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس محفوظی

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله عباس محفوظی در سال ۱۳۰۷ هجری شمس در یکی از روستاهای شهرستان رودسر و در میان خانواده‌ای مذهبی و دوستدار خاندان پاک پیامبر(ص) به دنیا آمد. تولد او با شب ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع) مصادف شده بود. پدرش پیشه کشاورزی داشت و گاه نیز به تجارت می‌پرداخت. آیت‌الله محفوظی دروس دورهٔ ابتدایی را در رودسر به پایان برد و سپس به دبیرستان رفت. امّا حدود یک سال بعد به سبب اشتیاق فراوان به تحصیل دروس دینی، به حوزه علمیه رودسر وارد شد. حوزه علمیه رودسر در آن روزگار رونق چندانی نداشت و استبداد رضا خانی باعث شده بود که مردم کمتر به تحصیل علوم دینی رو آورند. استاد محفوظی پس از حدود ۲ سال اقامت در حوزه علمیه رودسر به این نتیجه رسید که برای یافتن استادانی بهتر و شرایط تحصیلی مناسب‌تر به قم آید. این در حالی بود که دروس دورهٔ مقدمات تا سیوطی را در حوزه رودسر به پایان رسانیده بود. با ورود به حوزه علمیه قم، به محضر استادان مبرّز و صاحب نام آن دیار مشرف شد و در زمانی کوتاه دروس مقدمات و سطح را به پایان برد و به درس خارج علمای بنام آن روزگار همچون آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) و امام خمینی(ره) راه یافت. او مدتی نیز برای تحصیل به نجف اشرف رفت. قصد او برای این سفر، آشنایی با سبک تدریس علمای آن دیار و سنجش شرایط تحصیل بود؛ امّا پس از بازگشت با مخالفت خانواده رو به رو شد و از سفر به نجف منصرف شد. آیت‌الله عباس محفوظی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان بسیار را درک کرد. تنها استاد او در حوزه علمیه رودسر آقاسید هادی روحانی بود که دروس مقدمات تا سیوطی را نزد او به پایان برد. با ورود به قم در سال ۱۳۲۴ به درس استادانی همچون آقامیرزا علی راسخی، آقا شیخ حسین زرندی و آقا شیخ نعمت‌الله صالحی رفت و مطول را نزد آیت‌الله مشکینی و شرح لمعه را نزد آیت‌الله صدوقی، آقا سید محمد حسین درچه‌ای و شهید آیت‌الله بهشتی و آیهٔ‌الله منتظری آموخت. برای فراگیری رسائل به نزد آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی رفت و مکاسب را نزد مرحوم شیخ مرتضی حائری و مرحوم مجاهدی تبریزی فرا گرفت. استاد او در کفایه، مرحوم سلطانی طباطبایی بود. او با اتمام دوره سطح به دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی(ره)، آیت‌الله العظمی امام خمینی(ره)، آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی(ره)، آیت‌الله العظمی محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) رفت و از محضر آن بزرگواران بهره‌های بسیار برد. امّا استاد اصلی او در فقه و اصول، امام خمینی(ره) بود. او در بخش حکمت نیز از محضر علامه طباطبایی(ره) بهره‌مند شد شرح منظومه حکمت را نیز از آیهٔ‌الله منتظری آموخت. او در درسهای اخلاق استادان خود نیز حاضر می‌شد. آیت‌الله محفوظی در سالهای تحصیل خود با فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و درسهای آموخته را مباحثه می‌کرد که از آن میان می‌توان آیت‌الله محمدی گیلانی، شهید هاشمی‌نژاد و شهید شیخ عبدالحسین رضایی و شیخ محمدباقری طاهری شاهرودی را نام برد. آیت‌الله عباس محفوظی تا به امروز، تلاشهای فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او که از نخستین سالهای تحصیل به تدریس می‌پرداخته، بارها و بارها کتب دوره مقدمات و سطح را به طلاب مستعدّ و فضلای بسیاری درس داده است؛ و سالهاست که به تدریس خارج فقه می‌پردازد و طلاب بسیاری را از درس و اخلاق خود بهره‌مند می‌سازد. او در زمینه علوم عقلی نیز به تدریس کتب فلسفی، از جمله شرح منظومه سبزواری پرداخته است که این تدریس، تا هم اکنون نیز ادامه دارد. همچنین وی کتابی در زمینه ولایت فقیه نگاشته است و کتابهای بسیاری نیز در دست چاپ دارد. آیت‌الله محفوظی در کنار تحصیل و تدریس، همواره از مبارزه بر ضد رژیم پهلوی باز نمانده است و ضمن شرکت در جلسات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، زیر

بسیاری از اعلامیه‌های افشاگرانهٔ آن مرکز را امضا کرده است. او در رژیم گذشته بارها مورد تعقیب، بازجویی و تبعید قرار گرفته است و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز همواره مدافع و یار امام(ره) و رهبر معظم انقلاب بوده است. آیت‌الله محفوظی هم اکنون در قم به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

محقق خوانساری، حسین

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۹/ ۱۰۹۸ -۱۰۱۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الکل فی الکل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملاـ محمدتقی مجلسی و خلیفهٔ‌السلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌اللّه جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سورهٔ الفاتحهٔ»؛ ترجمه‌ی «صحیفهٔ السجادیهٔ»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ وفیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمهٔ الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبههٔ الایمان و الکفر»، «شبههٔ الطفرهٔ» و «شبههٔ الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۵۰ -۱۴۸/ ۶)، ایضاح المکنون (۴۸۵/ ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶ -۳۱۴/ ۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۶ -۲۳)، تذکرهٔ القبور (۲۹۸ -۲۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۳ -۱۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۳، ۵۱/ ۲)، الذریعه (۱۰۶/ ۲۲، ۳۶/ ۲۱، ۱۳۳ -۱۳۲/ ۲۰، ۲۴۴، ۹۱، ۲۵/ ۱۳، ۲۴۷/ ۹، ۱۹/ ۷، ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۱۱، ۶۸/ ۶، ۸۱/ ۵، ۳۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲/ ۴)، روضات الجنات (۳۴۷ -۳۳۹/ ۲)، ریاض العارفین (۱۸۷)، ریاض العلماء (۶۰ -۵۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲ -۲۳۹/ ۵)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۸ -۴۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۷ -۱۶۶/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۸ -۲۳۴)، فوائد الرضویه (۱۵۵ - ۱۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۹ -۱۵۸/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (۴۸/ ۴)، مواد التواریخ (۱۷۴ -۱۷۳)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۵ -۲۳۴)، هدیهٔ العارفین (۳۲۴/ ۱).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن:۱۱

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۰۹۰ -۱۰۱۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزوار بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میر فندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملاـ حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبداللّه شوشتری به وی تفویض شد. وی همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبداللّه اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان درگذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایة الاحکام» یا «کفایة الفقه» یا «کفایة المعتقد» یا «کفایة المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبله»؛ شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ «رسالة الخلافیة»، در عبادات؛ «روضة الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاة»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲/ ۶)، ایضاح المکنون (۵۴۲/ ۱)، الذریعه (۲۵۶/ ۲۲ ،۳۰۸/ ۲۱ ،۲۱ ،۹۹ ،۹۶ ،۸۸/ ۱۸ ، ۲۹۰ -۲۸۹/ ۱۱ ، ۱۹/ ۱۰ ،۲۳۹/ ۷ ،۱۴۱ ،۱۱۰/ ۶ ،۵۷/ ۵)، روضات الجنات (۷۶ -۶۷/ ۲)، ریحانه (۲۴۲/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲ -۷۱/ ۱۱)، فقهای نامدار شیعه (۲۳۲ -۲۳۰)، فوائد الرضویه (۴۲۶ -۴۲۵)، الکنی و الالقاب (۱۶۱ -۱۵۹/ ۳)، لغت نامه (ذیل/ سبزواری)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹ -۶۷/ ۲)، هدیة العارفین (۲۹۷/ ۲).

محقق کرکی، زین‌الدین، نورالدین ابوالحسن علی

قرن:۱۰

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۹۴۰/ ۹۳۸/ ۹۳۷ -۸۶۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، مجتهد و محقق. معروف به محقق کرکی و محقق ثانی و موصوف به شیخ علائی و مروج المذهب و مولای مروج و عالم ربانی. عده‌ای او را به جدش عبدالعالی منسوب کرده و علی بن عبدالعالی خوانده‌اند. وی از علمای بزرگ عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ -۹۳۰ ق) بود، که او را مجدد مذهب شیعه نامیده‌اند. در جبل عامل شامات به دنیا آمد. سپس به مصر رفت و از علمای آنجا اخذ علم نمود. سفری هم به عراق نمود و بعدها در ایران مستقر گردید و نزد شاه تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را بدو تفویض کرد و خود را یکی از عمال شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد. محقق از شاگردان علی بن هلال جزایری (از شاگردان و راویان احمد بن فهد حلی) و محمد بن خاتون عاملی و دیگر بزرگان بود و از آنها روایت می‌نمود. او از علی بن هلال جزایری و

ابن المؤذن دارای اجازه بود. علی بن عبدالعالی میسی (و از او شهید ثانی) و پسرش، ظهیرالدین ابراهیم میسی، و شیخ زین‌الدین فقعانی و شیخ احمد ابن ابی‌جامع و شیخ عبدالنبی جزایری از وی روایت کرده‌اند. شیخ علی منشار و شیخ کمال‌الدین درویش و سید امیر محمد استرآبادی و سید شریف‌الدین علی استرآبادی از شاگردان محقق کرکی بودند. در نجف درگذشت و در همان جا به خاك سپرده شد. پدر شیخ بهائی فرموده که محقق کرکی را به زهر شهید کردند. در «شهیدان راه فضیلت» تاریخ شهادت وی ۹۴۵ ق ذکر شده است. از آثارش: «اثبات الرجعهٔ»؛ «احکام الارضین» یا «اقسام الارضین»؛ «جامع المقاصد»، در شرح «القواعد» علامه حلی، در شش مجلد؛ حاشیه بر «ارشاد الاذهان» علامه حلی؛ حاشیه بر «الفیه‌ی» شهید اول؛ حاشیه بر «الدروس» و «الذکری» شهید اول؛ حاشیه بر «شرایع الاسلام»؛ «صیغ العقود و الایقاعات»؛ «قاطعهٔ اللجاج فی تحقیق حل الخراج»؛ «النجمیهٔ»، در کلام؛ «نفحات اللاهوت» یا «اسرار اللاهوت»؛ رساله‌ی «الجعفریهٔ»؛ رساله‌ی «العدالهٔ»؛ رساله‌ی «الغیبهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاع»؛ ترجمه‌ی «الجزیرهٔ الخضراء» فضل بن یحیی طیبی، که در هند به چاپ رسیده است.[۱]

شیخ زین‌الدین ابوالحسن علی بن حسین معروف به محقق کرکی (ف. نجف.۹۴۰ ه.ق) از علماء معروف، معاصر شاه طهماسب صفوی، سمت شیخ‌الاسلامی داشت و قاضی‌القضاهٔ ایران بود. تألیفات بسیار دارد، از جمله‌ی آثارش جامع‌المقاصد فی شرح‌القواعد، حاشیه‌ی شرایع‌الاسلام، شرح الفیه‌ی شهید اول. حاشیه‌ی تحریر علامه است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۹۱/ ۵)، اعیان الشیعه (۲۱۳ –۲۰۸/ ۸)، حبیب السیر (۶۱۰ –۶۰۹/ ۴)، خاتمه‌ی مستدرك الوسائل (۱۷۸ ،۱۶۵ ،۱۶۰/ ۲)، الذریعه (۲۵۱ –۲۵۰، ۷۲/ ۲۴ ،۷/ ۱۷ ،۱۱۰/ ۱۵ ،۱۰۷، ۲۴، ۱۶– ۱۵/ ۶ ،۷۳ –۷۲/ ۵ ،۲۷۱، ۵۵/ ۲ ،۲۹۳، ۹۳/ ۱)، روضات الجنات (۳۵۹ –۳۴۶/ ۴)، ریاض العلماء (۴۶۰ –۴۴۱/ ۳)، ریحانه (۲۴۹ –۲۴۴/ ۵)، شهیدان راه فضیلت (۲۱۷ –۱۹۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۱ –۱۶۰/ ۱۰)، عالم آرای عباسی (۱۴۵۸، ۱۵۴، ۱۴۶، ۱۴۴/ ۱)، فقهای نامدار شیعه (۱۸۴ –۱۷۶)، فوائد الرضویه (۳۰۶ –۳۰۳)، قصص العلماء (۳۴۸ –۳۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۸۷ –۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۶۲ –۱۶۱/ ۳)، معجم المؤلفین (۷۴/ ۷)، وقایع السنین و الاعوام (۴۶۲)، هدیهٔ الاحباب (۲۳۶)، هدیهٔ العارفین (۷۴۴/ ۱).

محققان گورتانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا محققیان گورتانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۴/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب شیخ رضا محققیان گورتانی فرزند حاج اسماعیل در تاریخ ۱۰/۴/۱۳۴۸ در اصفهان متولد شده و پس از سپری کردن دوران دبستان و راهنمایی به سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان شده و دروس مقدمات و مقداری از سطح را در حوزه علمیه اصفهان در مدرسه ذوالفقار فرا گرفته و در اصفهان در دروس حضرات آیات مرحوم سید احمد امامی و حاج سید حسن امامی و

حاج آقا حجت ابطحی و شیخ علی اکبر فقیه و... شرکت نمودم.

در سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و دروس خارج را در محضر آیات عظام آیت الله میرزا جوادآقای تبریزی و آیت الله وحید خراسانی و... فرا گرفتم و در این مدت رشته تخصصی تفسیر سطح چهار را سپری نموده و موفق به حفظ کامل قرآن کریم شدم و قریب به ۱۰ سال است که به تدریس علوم حوزوی و تدریس مکاسب و رسائل و... اشتغال دارم.

هم اکنون در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه مشغول به باز نویسی و باز نگری قانون مجازات اسلامی قصاص و دیات می باشم.

محلاتی شیرازی، ابراهیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. وی سالها از شاگردان برجسته‌ی میرزای شیرازی در نجف بود. سپس به همراه میرزا به سامراء رفت و «تقریرات» استادش را نگاشت. او سه سال بعد از وفات میرزای شیرازی در سامرا باقی ماند و در حدود ۱۳۱۵ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت دینی مردم شد. آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم یزدی از شاگردان او بود و قسمتی از اصول را نزد وی فراگرفت. در شیراز درگذشت و در مقبره‌ی سید علی بن حمزهٔ بن موسی الکاظم (ع) در خارج شهر به خاک سپرده شد. شعرا و ادبای عصرش مانند فرصت شیرازی و فصیح‌الزمان و شعاع الملک در سوگ او مرثیه گفتند و ماده تاریخ ساختند. از آثارش: «التقریرات» استادش، میرزای شیرازی، در فقه و اصول؛ حاشیه بر مبحث «الاستصحاب» از «فرائد الاصول» شیخ انصاری؛ «الخیارات»؛ «درر الافکار فی صلح حق الخیار»؛ رساله در «رد حاج محمدکریم خان کرمانی»، رد بر شیخیه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۲۱۳/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۰ -۴۹/ ۱)، الذریعه (۲۲۰/ ۱۰، ۱۱۹ -۱۱۸/ ۸، ۱۵۲/ ۶، ۳۶۸/ ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۱ -۱۱۶۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۰۳/ ۱)، میرزای شیرازی (۹۹ -۹۸).

محلاتی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۴۳ -۱۲۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. در محلات به دنیا آمد. در تهران و بروجرد از محضر پدرش و چند تن از علما استفاده نمود. سپس به عراق رفت و یک سال در سامرا ملازم بحث میرزای شیرازی شد. سپس به نجف رفت و نزد میرزا حبیب‌اللّه رشتی مدتی تلمذ نمود. او همچنین از میرزا ابوالقاسم کلانتری و سید حسین کوه کمری بهره برد تا به مراتب علمی عالی رسید. آنگاه خود مستقلا به بحث و تدریس فقه و اصول و تصنیف پرداخت. او در نجف درگذشت و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از وی تصانیف بسیاری در فقه و اصول و اشعار زیادی در مدایح و مراثی ائمه (ع) باقی مانده است. از آثارش: «تنقیح الابحاث»؛ «نفائس الفوائد»، در مهمات اصول فقه؛ «لباب الاصول»؛ حاشیه بر «الملل و النحل»؛ «اللآلی المربوطهٔ»؛ «انوار العلم و المعرفهٔ»، در اصول دین که نخست نام آن «نور العلم و المعرفهٔ»، بود؛ «الدرر اللوامع»، در فقه و اصول و رجال؛

«الکلمات الموجزة»، در کلام، سیاست و تاریخ؛ حاشیه بر «المکاسب»؛ حاشیه بر «الرسائل»؛ «دیوان» شعر.[۱]

اسماعیل بن محمدعلی بن زین‌العابدین محلاتی نجفی عالمی کبیر و محققی دقیق متولد ۱۲۶۹ و متوفی ۱۳۴۳ قمری از شاگردان میرزا شیرازی بزرگ و میرزا حبیب‌اللّه رشتی دارای تالیفاتی عدیده مانند تنقیح الابحاث ۲- نفائس الفوائد ۳- لباب الاصول ۴- اللئالی المربوطه ۵- انوار العلم و المعرفه ۶- نور العلم و الایمان ۷- الدرر اللوامع ۸- الکلمات الموجزه بوده است.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۲۴/ ۹، ۴۰۵- ۴۰۴/ ۳)، تاریخ بروجرد (۵۲۳/ ۲)، الذریعه (۲۷۶، ۲۶۳، ۱۲۰/ ۱۸، ۱۳۴/ ۸، ۲۲۱/ ۶، ۴۶۰- ۴۵۹/ ۴، ۴۴۴/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴ -۱۶۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/ ۷)، معجم المؤلین (۶۱/ ۹، ۲۹۳ - ۲۹۲/ ۲)، مکارم الآثار (۱۹۱۷/ ۶)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

محلاتی، بهاءالدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۰۱ -۱۳۱۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. در هفت سالگی به همراه پدرش به شیراز رفت و پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را در محضر پدرش و آیت‌اللّه میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی فراگرفت. مدتی نیز حکمت الهی را در محضر سید علی حکیم کازرونی آموخت. سپس به نجف مهاجرت کرد و مدتی ده سال از محضر آقا شیخ ضیاءالدین عراقی و آخوند ملا- محمدکاظم خراسانی و علامه نایینی استفاده نمود تا به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۹ ق به شیراز بازگشت و عهده‌دار تدریس و مرجعیت امور دینی مردم گشت. وی تا پایان عمر خویش در ایجاد مؤسسات خیریه کوشا بود.

از آثارش: تألیفاتی در فقه و اصول؛ «رهنمای حق»؛ «اصول العقائد»؛ «خطبات جانسوز».[۱]

بهاءالدین بن العلامهٔ الورع حاج شیخ جعفر مجتهد محلاتی از مشاهیر دانشمندان و علماء بزرگ معاصر شیراز است.

وی در سال ۱۳۱۴ ق در نجف اشرف متولد شده و در هفت سالگی در خدمت مرحوم والدش به شیراز رفته و پس از فراگرفتن دروس مقدمات و ادبیات هشت سالی از محضر پدر بزرگوارش و مرحوم آیت‌اللّه آمیرزا محمدصادق مجتهد فقه و اصول را خوانده است.

آنگاه مدتی نیز حکمت الهی را در خدمت مرحوم حاج سید علی حکیم کازرونی تلمذ کرده و بعد از آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و در مدت ده سال متوالی از محضر علمین آیتین آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نائینی استفاده نموده تا به مقام رفیع اجتهاد رسیده.

و در سال ۱۳۴۹ ق به شیراز برگشته و به وظائف دینی پرداخته و بعد از فوت مرحوم والدش در مسجد مولی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ و ترویج دین و تدریس علوم دینی اشتغال و تا هم‌اکنون اول عالم و مرجع دینی و علمی استان فارس و شیراز می‌باشد.

تألیفاتی در اصول دین و فقه و اصول دارد و در زهد و تقوا و فضل و دانش به پدر بزرگوارش آیت‌اللّه حاج شیخ جعفر مرحوم اقتدا نموده و در حال حاضر که هشتاد سال از عمر شریفش می‌گذرد به خدمات دینی و روحی و اعانت به درماندگان اشتغال دارد.

عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۵(۱۳۱۳ ق.) نجف.

درگذشت: ۲۷ مرداد ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله بهاءالدین محلاتی، فرزند جعفر محلاتی، در همان کودکی مادر خود را از دست داد و در مدرسه‌ای به نام شریعت تحت نظارت آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی و به سرپرستی آقا شیخ محمدحسین حیات، به مدت شش سال بسیاری از علوم مقدماتی را آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی و دروس مقدماتی به مدت هشت سال نزد پدر خود و آیت‌الله میرزا محمدصادق مجتهد شیرازی سطوح رفته و اصول و در محضر علامه سید اسماعیل کازرونی حکمت و فسلفه را فراگرفت.

در بیست سالگی قصد عزیمت به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف را داشت و چون در بحبوحه جنگ جهانی اول، عراق هم مانند ایران صحنه‌ی تاخت و تاز نیروهای انگلیسی قرار گرفت. مراجع نجف برای بیرون راندن متجاوزان حکم جهاد صادر کردند. در پی این فتوا، پدرش و او نیز رهبری حرکت را بر عهده گرفته و لباس رزم بر تن کرد و همراه با ۷۰۰ مجاهد، به طرف برازجان حرکت کردند. این مبارزه ادامه داشت تا انگلیسی‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. در سال ۱۳۴۲ ق. رهسپار نجف شد و مدت چند سال به تحصیل پرداخت. سپس از سوی محقق عراقی و محقق شیرازی برای وی اجازه اجتهاد صادر شد. برخی از استادان ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، اشرف عبارتند از: آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمدکاظم شیرازی.

پس از رسیدن به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۴۹ ق. به شیراز برگشت. در سال ۱۳۴۹ ق. به ساماندهی حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز، تدریس و دیگر مناصب روحانی خویش پرداخت. با درگذشت پدرش در ۱۳۵۸ ق. رسما ریاست حوزه‌ی علمیه‌ی شیراز را عهده‌دار شد. وی همچنین در مسجد مولاـ نیز به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. از دیگر اقدامات آیت‌الله محلاتی تشکیل جلسات منظم بحث و بررسی اصول عقاید بود که در حدود سال های ۱۳۳۹ –۱۳۳۸ و با شرکت دانشگاهیان و فرهنگیان، در شب‌های دوشنبه و پنجشنبه برگزار می‌شد. بعدها این گردهمایی نام «انجمن دین و دانش» به خود گرفت و آن درس‌ها به نام راهنمای حق، به عنوان یازدهمین نشریه‌ی انجمن منتشر شد.

تا قبل از وفات آیت‌الله سید حسین بروجردی، آیت‌الله محلاتی از چاپ و نشر رساله‌ی علمیه خودداری می‌ورزید و مردم را به مراجع قم و نجف ارجاع می‌داد. اما پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم، توضیح المسائل خود را منتشر کرد. آیت‌الله محلاتی به غیر از تقریرات درس فقه و اصول استادان خود و رساله‌های فتوایی مانند رساله عملیه، مناسک حج، و حاشیه‌ی عروۀ الوثقی، نوشتارهای دیگری مانند اصول عقاید (شیراز، ۱۳۲۵)؛ راهنمای حق (تهران، جلد اول چاپ دوم، ۱۳۲۹)؛ و خطبات جانسوز (شیراز، ۱۳۳۸)؛ را تألیف کردند. آیت‌الله محلاتی به تأسیس بنیادهای عام‌المنفعه و مؤسسه‌های خیریه اهتمام می‌ورزید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: درمانگاه خیریه حضرت ولی عصر (۱۳۴۶، شیراز)؛ مؤسسه خیریه قائمیه (۱۳۵۴)؛ کوی امام علی (شیراز).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۱۲/ ۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۹ –۴۵۸/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۷۸۳/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۲۷ –۱۲۶/ ۲).

محلاتی، عبدالحسین

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۱۳۲۳ –۱۲۷۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و شاعر. گفته‌اند که از فرزندزادگان آخوند شفیعا است. جد مادریش آقا ابراهیم خان از اعیان کرمان بود که به لطفعلی‌خان زند پناه داد، لذا آقا محمدخان پس از فتح کرمان او را کور و با خانواده روانه

محلات کرد. شیخ عبدالحسین در محلات به دنیا آمد. او در قم و اصفهانی تحصیل و از محضر علما استفاده نمود. آنگاه برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و در محضر میرزا حبیب‌اللّه رشتی تلمذ نمود و پس از رسیدن به درجه اجتهاد و مراتب عالی به اصفهان بازگشت و به تدریس و بحث و تألیف پرداخت. او در مدرسه صدر درس خارج می گفت و شاگردان فاضل بسیاری به درس او حاضر می‌شدند. در اصفهانی درگذشت و در حوالی قبر فاضل هندی دفن شد. از آثارش: «مغتنم الدرر و منتخب الغرر»؛ حواشی «الرسائل»؛ شرح «کشف الغطاء»؛ حواشی «القوانین»؛ «تسلیت نامه»؛ رساله‌هایی در: «اللباس المشکوک»، «زیارت عاشورا»، «العدالهٔ»، «صلاهٔ الجماعهٔ»، «قاعده‌ی بینه»، «اصل تعارض»، «اصل برائت»، «قاعدهٔ اشتغال» و «تعریف علم اصول»؛ «دیوان» شعر، به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :تذکرهٔ القبور (۴۰۹)، الذریعه (۲۹۳/ ۲۱ ،۶۸۴/ ۹ ،۱۰۳، ۹۸/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۵۸ -۱۰۵۶/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۶۴ -۱۱۶۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۸/ ۵).

محمدبدیعی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمد بدیعی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد بدیعی متولد سال ۱۳۲۹ تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کردم، و در سال ۱۳۵۰ برای تحصیل علوم دینی به قم هجرت نموده و در مدرسه علمیه آیت الله گلپایگانی مشغول به فراگیری ادبیات شدم. پس از یک سال در امتحان ورودی مدرسه حقانی که با مدیریت آیت الله شهید قدوسی اداره می شد شرکت کرده و پس از قبول مشغول به تحصیل شدم. یکی از افتخاراتم این است که علاوه بر تعلیم در چنین مدرسه ای که با برنامه ریزی شهید بهشتی اداره می گردید در کلاس هایی شرکت می کردم که استادش خود آن شهید بزرگوار بود. اگر چه زمان تحصیل بنده در آن مدرسه مبارکه خیلی به درازا نکشید، ولی از استاد های بزرگی بهره ها بردم و سرانجام به مدرسه فیضیه رفته و در آنجا ساکن شدم و به تحصیل ادامه دادم تا اینکه در ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ که برای سالگرد شهدای ۱۵ خرداد مراسمی بر پا شده بود با حدود چهار صد طلبه دیگر پس از ضرب و شتم بسیار دستگیر و به زندان اوین در تهران منتقل شدیم. پس از یک ماه بازجویی با عده ای از طلاب برای گذراندن سربازی به شهر بیرجند اعزام شدیم و البته بعد از چهارماه از سربازی فرار کردم تا اینکه در سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و پس از محاکمه به دوسال زندان محکوم شدم و سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی آزاد و به صف مردم پیوستم و پس از مدتی به تحصیل در محضر آیات جوادی

آملی و حسن زاده آملی و سعادت پرور و ... ادامه دادم. در کنار تحصیل به احیاء و نشر آثار اسلامی همت گماردم، و مؤسسه انتشارات تشیع را تأسیس نمودم و تاکنون آثار بسیاری را به چاپ رساندم و نیز مقالات بسیاری را تحریر و در نشریات گوناگون به چاپ رسانده‌ام و نیز ویرایش کتاب‌های بسیار زیادی را به عهده گرفته‌ام و تاکنون همواره به تحقیق و پژوهش اشتغال دارم. حدود ده سال مدیر داخلی و ویراستار مجله علمی کیهان اندیشه بودم. ضمناً در اوائل انقلاب و نیز قبل از انقلاب به امر تبلیغ مشغول بودم و از طرف دفتر تبلیغات اسلامی قم به شاه زند اراک اعزام شده و نزدیک یک سال در آنجا به تبلیغ اشتغال داشتم.

محمدی عراقی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن محمدی عراقی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال ۱۳۴۸ تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم . مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم . قسمتی دیگر از سطوح را نزد آیات : خاتم یزدی ، سید کاظم حائری ، سید محمود هاشمی شاهرودی ، مرتضوی ، روشنی ، رضوانی ، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم . در تفسیر از محضر آیات : سید محمد باقر حکیم ، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده بردم . در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم . پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم .

در آغاز سال ۱۳۵۴ پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود ۴ سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره) . قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم . در خارج فقه نیز صلاه ، مکاسب محرمه ، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی ، کتاب الاجاره ، کتاب الخمس ، فقه العقود ، کتاب القضاء ، اجتهاد و تقلید ، حکومت اسلامی ، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم . در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم . نهایه الحکمه را خدمت استاد آیت الله مصباح یزدی گذراندم . و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم . در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید

بهشتی استفاده کردم . در مجموع از ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۴ از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم .

در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم . از سال ۱۳۴۹ تدریس مقدمات را آغاز نمودم . از سال ۱۳۵۱ به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم . از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس : حقانی ، آیت الله گلپایگانی ، رضویه و سپس در مدارس شهیدین ، باقرالعلوم(ع) ، الهادی و غیر آنها تدریس کردم . سال ۱۳۵۸ حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد . از سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم . در سال ۱۳۶۵ که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم .

در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه ، رسائل ، مکاسب ، کفایه ، اشارات شیخ ، شرح منظومه ، شرح تجرید ، خارج فقه و اصول ، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم . در سال ۱۳۶۶مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال ۱۳۷۳ کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می کردم، و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم . از جمله : مرکز اسلامی انگلیس ، کالج اسلامی لندن ، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان Azad univercity فعالیت می کند ، موسسه بوک اکسترا و ... در سال ۱۳۷۶ دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است .

محمدی فتیده، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا محمدی فتیده

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای رضا محمدی فتیده در سال ۱۳۰۷هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در لنگرود دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۲۲وارد حوزه علمیه گردید. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۳۲به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل علوم حوزوی از محضر بزرگانی چون مرحوم امام خمینی(ره)، مرحوم آیت الله بروجردی(ره)، مرحوم آیت الله زاهدی(ره) و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشرف و قم کسب فیض کرد. وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی در حوزه علمیه نجف اشرف و قم، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش

به زادگاهش بازگشت. و هم اکنون علاوه بر امامت جمعه موقت لنگرود به تدریس و پژوهش در دانشگاه سراسری و پزشکی رشت ، مشغول تدریس می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل " جاذبه هستی " ، " گفتگوی مستقیم با ارواح "، "شناخت وجودی خدا "و"دیوان اشعار "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

محمدی کرمانشاهی، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

محل تولد : صحنه کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اسماعیل محمدی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در کرمانشاه متولد شدم. در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه امام صادق (علیه السلام) کرمانشاه شدم. از سال ۱۳۶۸ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدارس رسول اکرم (ص)، شهید صدوقی، امام صادق علیه السلام و رضویه (ع) تحصیل کردم. پس از آن در مدارس دار الشفاء و خان ساکن شده و در مدرسه مرحوم آیهٔ الله گلپایگانی (ره) ادامه تحصیل دادم. از محضر اساتیدی چون : آقای صفائی بوشهری، حاج آقای علی محمدی خراسانی، حاج آقای حسینی بوشهری درسهایی را فرا گرفتم و نیز آیهٔ الله طاهری خرم آبادی ، حاج آقای احمد عابدی ، آیهٔ الله وحید خراسانی، آیهٔ الله سبحانی ، آیهٔ الله مکارم شیرازی ، و آیهٔ الله جوادی آملی از بزرگوارانی بوده اند که از محضر آنها استفاده علمی برده و توفیق حضور در مکتب درسی آنان را داشته ام. ابتدای شرکت در درس خارج فقه از سال ۱۳۷۴ و از محضر آیهٔ الله طاهری خرم آبادی بود. از سال ۱۳۷۴ بطور غیر رسمی با پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام) همکاری علمی خود را آغاز کردم. شرکت در جلسات مجمع اهل قلم بطور مستمر در همان سال با همکاری جمعی از دوستان حدود ۶ ماه بطور متناوب به تهران رفته و فهارس نسخ خطی مجلس شورای اسلامی مجلدات ۲۵ و ۲۶ و ۳۵ توسط مجموعه ای از دوستان و زیر نظر ا ستاد عبدالحسین حائری تهیه گردید. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به صورت ساعتی و متناوب با مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری همکاری داشتم. کنترل پروژه رایانه ای ساختار درختی حکومت اسلامی و کتابشناسی عدالت اجتماعی و حکومت امام علی (ع) محصول آن سالها بود. حداقل به مدت ۶ ماه از نیمه سال ۷۸ تا نیمه اول سال۷۹ مدیریت اجرایی مجله مبلغان را به عهده داشتم. (از ابتدا تا شماره ۴) از خرداد سال ۷۹ تا تیر ۱۳۸۵ مدیریت داخلی مجله فرهنگ کوثر را به عهده داشته ام. (از شماره ۳۹ تا ۶۴)در سال ۱۳۸۱ حدود ۶ ماه سردبیر نشریه پیام آستانه بودم. از ابتدای سال ۸۱ تا پاییز ۸۳ مدیریت داخلی مجلات حوزه و فقه را عهده دار بودم. در سال ۱۳۸۳ به عنوان خادم فرهنگی برگزیده آستانه مقدسه از سوی جشنواره رضوی معرفی و موفق به دریافت لوح تقدیر از رئیس جمهور شدم. در این سالها حدود ۵۰ کتاب و مقاله از اینجانب از سوی دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم (ع) (انتشارات نور السجاد(ع)) ، انتشارات فقه، انتشارات پارسایان و انتشارات نبوغ و نیز در نشریات مبلغان، حضور، حکومت اسلامی، فرهنگ کوثر و

برخی روزنامه ها و نشریات استانی مقالاتی منتشر شده است. در ضمن در سال ۱۳۸۲ با موافقت مدیر محترم فرهنگی آستانه مقدسه کتابخانه تخصصی چهارده معصوم(س) با پیشنهاد و پیگیری و مسئوولیت اینجانب تأسیس شده که در حال حاضر به محققان و پژوهشگران پیرامون اهل بیت علیهم السلام سرویس میدهد.

محمدی نیا، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسد الله محمدی نیا

محل تولد : روانج دلیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر سال ۶۰ وارد حوزه مبارکه علمیه قم شدم اگر چه قبل از آن مشغول تحصیل درس‌های حوزوی بودم اما به طور مرتب و رسمی سال ۶۰ بود با توجه به اینکه ایام جنگ بود در ضمن تحصیل به مناطق جنگی و برای کمک به رزمندگان و کارهای تبلیغی ایام تابستان به ویژه از سال ۶۳ به مناطق ویژه کرند غرب می‌رفتم تا اینکه سال ۶۷ ـ ۶۶ به مدت یک‌سال و اندی مسئول عقیدتی سیاسی تیپ یک لشکر ۹۲ و جانشین عقیدتی لشکر بودم و مجدداً به قم برگشته و در سال ۷۰ به خاطر اصرار زیاد و احساس نیاز قرار بر این شد یک سال دیگر در دزفول مسئول عقیدتی سیاسی تیپ ۲ شدم که این یک سال تبدیل به سه سال و نیم شد و مجدداً با اصرار زیاد از جانب ارتش به خاطر علاقه‌ای که به تدریس و درس و تحصیل داشتم به قم برگشتم و در سال ۷۳ تا امروز سال ۸۶ در قم مشغول تحصیل و تدریس هستم و تا احساس نیاز شدید نکنم تدریس و تحصیل و تحقیق را بر همه چیز ترجیح می‌دهم و ناگفته نماند از ابتدای پیروزی انقلاب هم تا قبل از آن در کمیته‌ی جماران مشغول کار به ویژه کارهای فرهنگی بودم. و عذرخواهی می‌کنم چون حقیر حوصله پر کردن این فرم‌ها را ندارم.

محمدی، ابراهیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابراهیم محمدی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۶۲ وارد حوزه علمیه نجف آباد شدم و پس از ۵/۱ سال به قم آمدم و دروس سطح را در سال ۶۹ به پایان رساندم و در درس خارج آیت الله العظمی منتظری ، آیت الله العظمی تبریزی، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی مکارم و آیت الله حسین شمس خراسانی ، آیت الله محقق داماد شرکت کرده و در ضمن تحصیل بعضی از کتب را نیز تدریس نموده ام و در ضمن آن به تحقیقات علمی روی کتاب شرح لمعه و .... همت گماشتم از سال ۷۲ با مرکز تحقیقات کامپیوتری نور همکاری کرده ام در این مدت با بیش از چند هزار جلد کتاب اعم از تصحیح مقابله ای عترت ، آیات ، برخورد داشته ام سفرهای تبلیغی زیادی داشته ام و از آن جمله چندین سفر بعنوان معین و روحانی کاروان به مکه مشرف شده ام.

الان نیز ضمن شرکت در دروس خارج به حاشیه بر کتاب تحریر الوسیله و عروۀ نزد بعضی از اساتید مشغول می باشم. در ضمن به مدت ۲۸ ماه در ۱۶ نوبت در جبهه های جنگ شرکت کرده ام و ۳ بار نیز مجروح گردیده ام.

محمدی، رحیم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحیم محمدی

محل تولد : دره شهر ایلام

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال۱۳۴۱در مرکز بخش بدره از توابع استان ایلام در خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمدم و به دلیل مشکلات معیشتی در سن ۴ سالگی به همراه خانواده به خرمشهر مهاجرت نمودیم و تا سال ۱۳۵۸ درآنجا ماندیم. با شروع جنگ تحمیلی در حالی که تمام دارایی و خانه و کاشانه خود را از دست داده بودیم مجدداً به موطن اصلی خود یعنی ایلام بازگشتیم و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه تازه تأسیس شهرستان دره‌شهر شدم و در کنار درس دبیرستان به تحصیل در آن حوزه مشغول بودم. اساتید اینجانب در آنجا امام جمعه محترم جناب آقای صالحی و مرحوم فقیهی افغانی بودند. در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه المهدی اراک تحت نظر حضرت آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری امام جمعه وقت اراک وارد شدم و در آنجا ضمن تحصیل علوم روز حوزوی و حفظ قرآن و حفظ اشعار سیوطی و... به تدریس در سطوح پایینتر حوزه در همان حوزه مبارکه و در حوزه علمیه حاج محمد ابراهیم و حاج آقاضیاء اراک مشغول بودم و در اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه مبارکه قم شدم و در طی تحصیل و تدریس هیچ وقت ارتباطم با

جبهه و جنگ و وعظ و خطابه و منبر قطع نشد.

در جنگ تحمیلی مجروح شدم و تا مرز شهادت نیز پیش رفتم اما لیاقت آن برایم حاصل نشد در حوزه مبارکه قم ضمن تحصیل هیچ وقت از تدریس در سطوح مختلف غافل نبودم و سعی بر آن داشتم یا در مطالعه باشم یا مباحثه یا تحصیل یا تدریس و دل‌مشغولی‌ای جز این نداشتم. همیشه یک ساعت یا بیشتر قبل از طلوع فجر بیدار بودم و بسیار پابند به ادای واجبات و مستحبات و پرهیز از مکروهات داشتم، که متأسفانه هم اکنون آن حالات آنچنان که باید وجود ندارد و غبطه آن ایام را می‌خورم. در حوزه اراک سیوطی و مغنی و مختصر و قسمت عمده ای از مطول و معالم را نزد آقا شیخ مهدی عظیمی خواندم و تحریر الوسیله حضرت امام(ره) را نزد آقای رجایی و گلستان سعدی را نیز نزد آقای خوش گفتار و حفظ قرآن را نیز تحت نظارت آقای هجرتی و تاریخ اسلام و اعتقادات را نیز نزد مرحوم آقای شیخ محمدحسن خوانساری و حاشیه حاج ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر را نیز نزد آقای فرجی و عظیمی تلمذ نمودم در حوزه مبارکه قم شرح لمعه را نزد حضرات آیات و حجج اسلام الهامی، وجدانی فخر، راستی کاشانی و نکونام و اصول فقه را نزد آقای حسینی بوشهری و رسائل را نزد آقای اعتمادی و مکاسب را نزد آقای ستوده و دوزدوزانی و پایانی و کفایه را نزد آقای اعتمادی و قسمتی را نزد آقای گنجی گذراندم. اساتید درس خارج فقه و اصول این حقیر حضرات آیات مکارم شیرازی، وحید خراسانی، تبریزی و فاضل لنکرانی(ره) بودند.

دوره چهار ساله تخصصی علم کلام اسلامی را در موسسه امام صادق(ع) در سال ۱۳۷۴ به پایان بردم در این دوره اسفار را نزد آیت الله دکتر بهشتی، سبحانی، گرامی و نهایة الاصول را نزد آقای فیاضی و اشارات و تنبیهات ابن سینارا نزد استاد گرامی و ممدوحی و سبحانی و شناخت مکتب ماتریالیسم و نظریة المعرفه و کشف المراد را نزد آیت الله سبحانی و قسمتی را نزد آیت الله دکتر بهشتی و مسائل جدید کلامی را نزد استاد ملکیان و مباحث توحید و شرک در قرآن و نهج‌البلاغه و مباحث مربوط به امامت و اصالة الفطرة و... نزد استاد ربانی گلپایگانی تلمذ نمودم. در مدرسه حضرت بقیة الله حاجی آباد لک‌ها صبح‌ها به تدریس ادبیات عرب و منطق و لمعه و عصرها در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بودم و در سال ۱۳۷۷ با شرکت در امتحان اجتهاد توسط شورای نگهبان و وارد شدن در مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده استان ایلام به ایفای وظیفه مشغول شدم و همچنان تدریس در حوزه مبارکه قم در سطح کفایه و خارج فقه و اصول در یکی از مدرس‌های حرم مطهر و مدرسه خان را ادامه دادم و هیچوقت به خود اجازه ترک تدریس و تحصیل را نداده و نمی‌دهم و امیدوارم در این راه در حالی که خداوند از این بنده حقیرش راضی باشد جهان را ترک نمایم. در طول مدت حضور در حوزه دست نوشته‌هایی فراهم شده که صلاح ندانسته‌ام چاپ شوند و یا هزینه آنها نبوده و امیدوارم آنچه خیر است همان اتفاق بیفتد به مدت چندین سال است که در دانشگاه مشغول تدریس هستم تا بدین وسیله ارتباطم با فرهیختگان غیرحوزوی و دانشجویان قطع نشود و در تأسیس بعضی ساختمان‌های دانشگاه آزاد اسلامشهر نیز کمک‌های فراوانی نمودم و در سال امام علی(ع) به اتفاق دو نفر از دوستان به نام‌های آقایان حجت الاسلام علی انصاری‌نیا و پیمان به تأسیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی اقدام نمودیم که هم‌اکنون تحت مدیریت آقای انصاری به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد. جزاه الله خیر الجزاء.

محمدی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی محمدی جورکویه

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی محمدی جورکویه در سال ۱۳۴۳در روستای جورکویه از بخش خشکبیجار از توابع شهرستان رشت در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات ابتدائی را در روستای جورکویه و دوره راهنمائی را در بخش خشکبیجار گذراندم و تحصیلات دبیرستان را تا سال سوم دبیرستان در بخش خمام خواندم و آنگاه وارد حوزه علمیه بندر انزلی شدم. از سال ۱۳۶۱ دروس حوزوی را در مدرسه قائمیه بندر انزلی آغاز کردم. در سال۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم آمدم و در مدرسه علمیه امام باقر(ع) دروس حوزوی را پی گرفتم.

همزمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، دوره دبیرستان را به اتمام رساندم و دیپلم گرفتم. از سال ۱۳۶۷ در مرکز آموزش عالی دفتر تبلیغات دوره معارف اسلامی گذراندم و در سال ۱۳۷۰ از آن مرکز مدرک معادل لیسانس گرفتم. درسال ۱۳۷۲ در کنکور سراسری در رشته حقوق پذیرفته شدم و در کنار دروس حوزه، به تحصیل در دانشگاه پرداختم. سال ۱۳۷۶ از دانشگاه مفید لیسانس حقوق گرفتم و همان سال در دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در رشته حقوق جزا پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس گردیدم. از سال ۱۳۶۹ فعالیت تحقیقاتی خود را در مرکز تحقیقات سپاه شروع کردم و آنگاه فعالیت خود را در پژوهشکده باقرالعلوم سازمان تبلیغات دنبال کردم.

از سال ۱۳۷۸ همکاری خود را با مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه آغاز نمودم و مدتی در سمت معاون پژوهشی مرکز مذکور بوده ام. در کنار فعالیت در مرکز تحقیقات قوه قضائیه، به همکاری با دفتر پژوهشهای اسلامی سازمان زندانها پرداختم و مدتی به عنوان مدیر پژوهش این دفتر انجام وظیفه نمودم. از سال ۱۳۸۳ به عنوان عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پذیرفته شدم که تا کنون ادامه دارد و به عنوان مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه(دفتر قم) و عضو هیئت علمی آن به فعالیت مدیریتی و پژوهشی اشتغال دارم. در کنار فعالیتهای مدیریتی و پژوهشی، فعالیت آموزشی نیز در برخی دانشگاهها در رشته حقوق داشته ام. پس از سالها حضور در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگ حوزه همچون آیات عظام اردبیلی، مکارم شیرازی و سبحانی اکنون به نوشتن رساله سطح چهار حوزه اشتغال دارم.

محمدی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا محمدی

محل تولد : کرمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اواخر سال ۱۳۶۹ تحصیل علوم حوزوی و معارف اسلامی را در مدرسه علمیه سلیمانیه مشهد مقدس آغاز نمودم و پس از اتمام دروس مقدماتی در سال ۱۳۷۲به حوزه علمیه قم وارد شده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار اقایان حسینی بوشهری، محمدی خراسانی، حسینی خراسانی، سید احمد خاتمی اشتهاردی، ربانی گلپایگانی گذراندم و از سال ۱۳۷۶تاکنون در دروس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی و خارج اصول ایت الله سبحانی بهره مند شده ام. به موازات دروس حوزه در سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه مفید قم شده و در رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی به تحصیل مشغول بودم و درسال ۱۳۷۱در کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران پذیرفته و این مقطع را گذراندم .علاوه بر تحصیل در حوزه و دانشگاه از سال ۱۳۸۰تاکنون در مرکز مشاوره معاونت تبلیغ و آموزش نهاد رهبری در دانشگاهها، در حوزه های مختلف اندیشه سیاسی اسلام وغرب، فقه سیاسی، مسائل روز و تاریخ تحولات ایران و جهان، معضلات سیاسی اجتماعی و فرهنگی جامعه و موضوعات متعدد دیگر، به تحقیق و پژوهش مشغول می باشم.

محمدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد محمدی

محل تولد : رودسر

شهرت : محمدی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـﺔالله محمد محمدی دعوی‌سرایی مشهور به گیلانی در سال ۱۳۰۷ در روستای دعوی سرا از توابع شهرستان رودسر در استان گیلان در میان خانواده‌ای متدین و دوستدار خاندان پاک پیامبر به دنیا آمد. پدر او محمدجعفر نام داشت و در همان روستا زندگی می‌کرد و از راه کشاورزی روزگار می‌گذرانید. آیـﺔالله محمدی گیلانی در شش سالگی به مکتب خانه رفت و قرآن مجید و کتابهای معمول در ادبیات فارسی را فرا گرفت. سپس با تأسیس نخستین دبستان دولتی در نزدیکی روستای دعویسرا در سال ۱۳۱۵ به دبستان رفت و در کلاس سوم دبستان پذیرفته شد. با به پایان بردن دورهٔ دبستان و شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ مجبور به ترک مدرسه شده، به خدمت پدر رفت و چند سال به کشاورزی مشغول شد. در سال ۱۳۲۳ همزمان با تأسیس حوزه علمیه رودسر توسط مرحوم حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد هادی روحانی به حوزه علمیه رودسر رفت و جامع المقدمات

را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۲۵ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس دوره سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیـۀالله العظمی بروجردی(ره) راه یافت و در مدت دوازده سال کتاب صلوهٔ را در محضر ایشان به اتمام رسانـد. به موازات آن در درس اصول فقه امام خمینی(ره) نیز حضور پیـدا کرد و از آن بهره‌های بسیار برد. در طول این مـدت در درس اسفار و شـفای علامه سید محمدحسین طباطبایی نیز به مـدت هفت سال شرکت نموده است. او در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطهٔ دوستی داشته که برخی از اعضای جامعه مدرسین از آن جمله‌اند. آیهٔالله محمدی گیلانی در سالهای عمر خود تا به امروز خدمات فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دورهٔ سطح در فقه و اصول و حکمت و تفسیر را بارها تـدریس کرده است و هم اکنون نیز در تهران به تـدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارد. از این رهگذر شاگردان بسیاری تربیت و به عالم اسلام تقدیم شده‌اند. آیهٔالله محمدی گیلانی از فعالان سیاسی در پیش از انقلاب و پس از آن بوده است. او با حضور در جلسات جامعه مدرسین و امضای اعلامیه‌ها و نامه‌های آن و نیز سخنرانیها و افشاگریها سهم بسزایی در پیروزی انقلاب داشته است. پس از انقلاب نیز به دستور امام تشکیل دادگاه انقلاب را بر عهده گرفت و پس از تشکیل شورای عالی قضایی به عضویت این شورای در آمد.

محمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا محمدی

محل تولد : بیرجند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

با سلام و درود به روح بلنـد امام راحل و شـهدای گرانقدر اسلام که با نثار جان خویش زمینه ترویج فقه آل محمد (ص) را فراهم آوردنـد ، یادشان گرامی و راهشان مستدام حقیر درسال ۱۳۵۴ وارد حوزه عمليه بیرجنـد شـدم . مقـدمات را در آنجا فرا گرفتم و همزمان با اوج انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به قصد ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم .(البته آن روزها، قم سخن از انقلاب و نهضت داشت نه تـدریس و تـدرس) از آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۸ وارد مـدرسه تحت برنامه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) شدم و تا سطح را از محضر اساتید ارجمندی همچون حضرات آقایان : طالقانی ، عالمی ، نکونام ، مسعودی کاشانی ، صلواتی ، ابراهیم جناتی ، و استادی (ادام الله بقائهم) حظ وافری بردم .

پس از آن وارد دروس آزاد حوزه شـدم و از محضر اساتیـد گرانقـدری همچون حضرات آقایان : اعتمادی ، خرازی و مرحومان مغفوران پایانی و ستوده سطوح عالیه را فرا گرفتم .

پس از آن از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام : وحیـد خراسانی ، فاضل لنکرانی ، ناصر مکارم ، میرزا جواد آقای تبریزی ، و غیرهم (ادام الله ظلهم) بقـدر وسع خوشه چیده و اگر توفیق حاصل آید در صدد استفاده هستم . در بحث تفسیر از محضر آیات و

اساتید ارجمند آقایان : مشکینی و جوادی آملی (ادام الله بقائهم) بی بهره نمانده ام.چند صباحی را هم افتخار تلمذ فیلسوف فرزانه حضرت آیت الله حسن زاده آملی را در بحث فلسفه داشته ام .

محمدی، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد علی محمدی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی محمدی آن گونه که در شناسنامه ام آمده در سال ۱۳۴۶ در روستای ابرسج از توابع شهرستان شاهرود به دنیا آمدم تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا گذراندم و بعد از آن که یک سال در دبیرستان مشغول تحصیل بودم در سال ۱۳۶۲ راهی حوزه علمیه شدم سال ۱۳۶۲ را در حوزه علمیه بسطام(حوزه علمیه شاهرخیه یا باقر العلوم) گذراندم آن حوزه تحت زمامت حضرت حجهٔ السلام و المسلمین حاج شیخ عبد الرسول حسنی (قدس سره) بود. ایشان به راستی اسوه اخلاق بود به گونه ای که به راستی هنوز نیز به شدن تحت تأثیر افطار آن مرد بزرگ قرار دارم و محاسن اخلاقی آن بزرگ را هیچ گاه فراموش نمی کنم و اگر توفیق دعا برای اساتیدم را داشته باشم آن بزرگوار از اولین افرادی است که برایش دعا می کنم. در سال ۱۳۶۳ و پس از شهادت برادر عزیزم راهی حوزه علمیه شاهرود(مدرسه بازار) شدم در آن حوزه مبارکه از محضر اتاتید زیادی بهره مند بودم که برخی از آن ها عبارتند از:حضرت آیت الله اشرفی(دام ظله) ، حضرت حجهٔ السلام و المسلمین شیخ احمد داوری(زید محب) حضرت حجهٔ السلام و المسلمین سید ولی الله حسینی(زید توفیقه).

در سال ۱۳۶۵ برای اولین بار راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل شدم و در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام لمعتین و دو جلد اصول فقه مرحوم مظفر راهی حوزه علمیه مبارکه قم شدم حضرت حجهٔ السلام و المسلمین حاج سید احمد خاتمی (زیدعزه) اولین استادم بودند که قسمت های زیادی از رسائل و مکاسب را خدمت ایشان تلمذ کردم چنان که در همین سال ها مدتی نیز از درسهای آیت الله خرم آبادی و حجهٔ السلام و المسلمین علی محمدی نیز استفاده می کردم شاید اولین سالهایی که می خواستم در درس خارج شرکت کنم خدمت حاج آقا خاتمی می رسیدیم؛ جمع چند نفر (شاید ۶ الی ۸ نفر) بودیم. آن درس با درس خارج مصطلح نیز تفاوتهای داشت. از محضر استاد خاتمی نیز استفاده های فراوانی برده ام خداوند بر توفیقاتش بیفزاید از دیگر اساتید که از درس خارج آنها استفاده کردم می توان به این عزیزان اشاره کرد: حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ،حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی حضرت آیت الله العظمی سبحانی ، حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی وقتی مشغول تحصیل سطوح علیه بودم با مراکز تحقیقاتی نیز همکاریم شروع شد حاصل اولین همکاری ها کتاب های زندگی نامه آیت الله دستغیب و میرزا شیرازی دوم بود که چاپ هم نشد. اولین کتابی که نوشتم«آسمان عرفان و سپس«نگین قرآن» و آن گاه«شیخ شریعت» و اخیراً دو جلد سر سفره خدا

و با بهار دلها است. چندین مقاله نیز نوشته ام که از جمله می توان به مقالات اسماء الحسنی.ادراک عالمی حیلهٔ العدر، روشهای تبلیغی پیامبر اکرم و... اشاره کرد که دو مقاله اول را برای دانشنامه کلام نوشته ام. از اولین سالهای ورود به حوزه علمیه به تدریس نیز اشتغال داشته ام که هم اکنون نیز در حوزه علمیه سفیران هدایت به تدریس اشتغال دادم. چند سالی است که مسئولیت واحد و گروه پاسخ به سؤالات و شبهات را نیز به عهده دارم که حاصل این کار پاسخ دهی کتبی به بیش از پنجاه هزار سئوال است هزار پاسخ تلفنی و .... می باشد برای گروه فوق با کمک دیگر مسئولان مرکز فرهنگ و معارف قرآن چندین وبلاگ و دو و سه سایت نیز تحصیل کرده ایم .

محمودی اصل، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید محمودی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

من در شهر تبریز مدرسه طالبیه از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شده ام.بعد از یک سال و نیم وارد حوزه علمیه قم شدم. سطح را تا سال ۱۳۶۸ تمام کردم.در کنار دروس معمول حوزه از اساتید برجسته اخلاق همچون آیت الله مشکینی، امینی و کربلائی و مظاهری بهره جستم. درس خارج را از سال ۱۳۷۴ در خدمت استاد سبحانی (اصول) و استاد مکارم (فقه) بودم. فلسفه بدایه و نهایه را با آقای ممدوحی و مقداری از منظومه را از استاد شیرازی تلمذ کرده ام. فلسفه غرب را از استاد خاتمی و ملکیان استفاده کرده ام. شرح تجرید و کلام جدید را به ترتیب در حوزه و دانشگاه قم (تربیت مدرس) خوانده ام مطالعات زیادی (ده سال) در زمینه روانشناسی رفتاری شروع کرده ام و الان تحقیقات و تدریس و سمینارهای فراوان در تبریز برگزار می کنم.در حوزه هنر فیلم بینی و مطالعات سینمایی را از سال ۱۳۷۵ در حوزه هنری قم شروع کردم و الان نیز با کارگردانهای جهان همچون اسکوریزی و کوبریک ارتباط فکری دارم. الان در تبریز مورد مشاوره سازمانهای صنعتی و کارشناس کلینیک خانواده و مشاوره جمعیت هلال احمر در حوزه مهارتهای زندگی در خدمت جوانان هستم. عمده دغدغه من استخراج از منابع دینی در خصوص مهارتهای رفتاری می باشد.

محمودی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد محمودی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید احمد محمودی در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده روحانی و اهل علم که پدر و اجداد همه روحانی و مبلغ دین بوده‌اند در محلی به نام جزه کوهپایه چشم به جهان گشودم و پس از گذراندن دوران تحصیلات کلاسیک در حوزه علمیه اصفهان مشغول به تحصیلات حوزوی شدم و پس از گذراندن چهار سال تحصیلی در حوزه علمیه اصفهان، جهت ادامه تحصیلات در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل شدم و ضمن تحصیلات به تدریس ادبیات، اصول، منطق، فقه پرداختم و از اساتید بزرگوار حوزه علمیه قم در رشته‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام، عرفان و غیره بهره فراوانی گرفتم به ویژه از درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله فاضل لنکرانی حدود پانزده سال بهره علمی بردم و هم‌زمان نیز از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی مشغول تدریس معارف اسلامی می‌باشم. در سال ۱۳۸۱ موفق به مرتبه استادیاری مدرک (دکترا) در رشته معارف اسلامی از وزارت علوم و تحقیقات و فناوری شدم و دارای تألیفات و مقالات متعددی می‌باشم و اینک به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان و نیز امام جمعه شهرستان کوهپایه مشغول خدمت به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌باشم امید است مورد رضایت خداوند متعال و صاحب حوزه‌های علمیه حضرت بقیهٔ الله اعظم بوده است.

محمودی، امیرملک

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

امیر ملک محمودی

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب امیر ملک محمودی فرزند جواد شماره شناسنامه: ۱۳۴۷ متولد ۱۳۵۱ صادره از الیگودرز لرستان پس از تحصیلات دوره

راهنمایی در روستای «مغانک سفلی» از توابع شهرستان الیگودرز در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی به درس‌های کلاسیک نیز ادامه دادم و نیز کلاسهای کامپیوتر، ورزش، نویسندگی، روش تحقیق و نگارش، دوره‌های تربیت مربی کودکان و نوجوانان، دوره تربیتی مربی قرآن و مهارتهای تبلیغ و تخصصی تبلیغ را نیز با موفقیت طی نمودم.

در کنار تحصیل با جدیّت و در حدّ توان به تبلیغ علوم اسلامی در سطح شهرستانها مساجد، روستاها، مدارس، دبیرستان‌ها، دانشگاهها، زندانهای مختلف در سراسر کشور پرداخته و سپس به عشق و علاقه‌ای که به نوشتن داشتم از سال ۱۳۶۰ تاکنون به کارهای مقاله نویسی و نوشتن ادامه داده که در سال ۱۳۷۴ با جدیت به کار چاپ و نشر روی آوردم که تاکنون به لطف الهی توفیق داشته‌ام بیش از پنجاه اثر در زمینه‌های مختلف: دینی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناسی، جوانان تألیف نمایم.

اکثر کتب اینجانب به بیش از بیست بار تجدید چاپ شده‌اند و بعضی از تألیفات اینجانب در سطح کشور در وزارت خانه های مختلف و سایر مراکز به صورت کتاب مسابقه انتخاب شده است و فعلاً نیز با عنایت باری تعالی و عشق و علاقه‌ای که به کار علمی، پژوهشی و تألیف دارم با تمام توان مشغول به کار نوشتن و تألیف هستم.

محمودی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن محمودی

محل تولد : کرج

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

. اینجانب حسن محمودی متولد۱۳۵۶درمحمدشهر کرج می باشم درسال ۱۳۷۶بواسطه اشنایی بااقای محسن عباسی راهی حوزه علمیه اصفهان شدم ودرانجا از محضر اساتید بزرگوارچون ایت الله مظاهری وایت الله ناصری دولت ابادی وایت الله مهدوی وحجج اسلام اقایان عبودیت وکشکولی ومعمارمنتظرین ودیگربزرگان بهرهها بردم

محمودی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد رضا محمودی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیدمحمدرضا محمودی در سال ۱۳۴۱ هجری ـ شمسی مطابق با ربیع الاول ۱۳۸۲ هجری ـ قمری در خانواده روحانی در روستای جزه از بخش کوهپایه اصفهان دنیا آمده و تحت تربیت و نظر والد معظم مرحوم آیت الله حاج سید حسین محمودی (فقیه) دوره صباوت و کودکی را طی و دوره نوجوانی و تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در آن منطقه سپری و سپس مقطع دبیرستان را در اصفهان گذرانده و بعد وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه علمیه حقانی با مدیریت مرحوم شهید آیت الله قدوسی مشغول به تحصیل علوم دینی شدم و با حادثه مهم (۱۹ دی ۱۳۵۶) و در پی آن تعطیلی دروس حوزه علمیه قم و در نهایت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی طبق تقدیر و خواست الهی ادامه تحصیل را در حوزه علمیه اصفهان (مدرسه علمیه ذوالفقار) با مسولیت آیت الله حاج سید حسن امامی تا مقطع اتمام لمعتین (پایه ۶) گذراندم و در سال ۱۳۶۲ دوباره به قم مراجعت و دروس سطوح عالیه (رسائل ـ مکاسب ـ کفایه ـ فلسفه ـ تفسیر) را نزد اساتید بزرگواری همچون آیات آقایان (جوادی آملی ـ اعتمادی ـ ستوده(ره) ـ پایانی(ره) ـ بنی‌فضل ـ محقق داماد) گذرانده و سپس در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی آقای فاضل لنکرانی (دامت برکاته) شرکت و مدت ده سال تلمذ نموده و همچنین در دروس فقه حضرات آیات عظام آقایان تبریزی(ره) و مکارم شیرازی و نوری همدانی دامته برکاتهم شرکت و استفاده لازم برده شد.

در این مدت (قریب ۳۰ سال) تحصیل در حوزه علمیه قم و اصفهان از همان ابتدا (بعد از اتمام کتاب جامع المقدمات و سیوطی) بنا به امر و سفارش اساتید محترم وقت تدریس را شروع و بحمدالله تا هم اکنون ادامه دارد.تدریس در حوزه‌های علمیه: حوزه علمیه اصفهان (۵ سال) تدریس ادبیات عرب (جامع المقدمات سیوطی، مغنی فقه مختصر النافع مرحوم محقق حلی) پایه‌های ۱ تا ۳.۲. حوزه علمیه القائم(عج) محلات: (۱۲ سال تدریس و مدیریت آن حوزه طبق حکم و مأموریت مدیر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم) تدریس دروس فقه و اصول (لمعه ـ اصول الفقه ـ رسائل ـ مکاسب ـ کفایه).۳. حوزه علمیه قم: ده سال تدریس دروس سطوح عالیه رسائل ـ مکاسب ـ کفایه الاصول پایه‌های ۷ تا ۱۰.لازم به ذکر است در زمان جنگ تحمیلی ۹ سفر تبلیغی به جبهه‌های جنگ داشته که حدود ۷ ماه می‌باشد. یادآور می‌شوم که رساله علمی (سطح ۴ ـ دکتری) با موضوع قمسهٔ الخمین نگارش، دفاع و مورد تایید هیئت داوران قرار گرفت و اخذ شده است و هم‌اکنون با اشتغال به تدریس سطوح عالیه در حوزه علمیه قم قریب به سه سال است در دانشگاه امام علی(ع) (دانشکده عقیدتی ـ سیاسی) مشغول به تدریس دروس گروه الهیات و معارف اسلامی به ویژه دروس تخصصی (فقه ـ مبادی ـ معانی بیان) می‌باشم.

محمودی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی محمودی

محل تولد : محلات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی محمودی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه شدم و تا اتمام در حوزه علمیه امام صادق(ع) ورامین تحصیل کردم و سپس به قم هجرت نمودم. در سال ۱۳۷۲ دوره سطح حوزه را به اتمام رساندم و سپس به درس خارج فقه و اصول مراجع معظم تقلید شرکت نمودم به مدت ۳ سال و در سال ۱۳۷۶ جهت تدریس و مدیریت به حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام ورامین اعزام گردیدم و تاکنون در همین حوزه به تدریس و مدیریت اشتغال دارم. در زمینه هنری از سال ۱۳۵۹ امر خوشنویسی را شروع نمودم و در سال ۱۳۶۵ از انجمن خوشنویسان ایران در دوره ممتاز فارغ التعلیم شدم و در خطوط چهارگانه نستعلیق و نسخ و ثلث و شکسته خوشنویسی می‌کنم و آثار متنوعی را در همه خطوط ارائه نموده‌ام.

مدبری، مختارعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مختار علی مدبری

محل تولد : سکردو پاکستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۶۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۹۸۳ در سکردو پاکستان متولد شدم و در یک خانواده مذهبی پرورش یافتم و در ۶ سالگی آموختن قرآن مجید نزد پدر بزرگم را شروع کردم، حدودا یک سال قرآن را تمام کردم و در هشت سالگی در مدرسه دولتی ثبت نام کردم و همراه درس دولتی باد حمد که مشتمل بر اشعار منظوم در بیان احکام و عقاید است در پیش آخوند محلی به نام اخوند احمد خواندم و در مدرسه هم فعالیت می کردم ویک مسابقه سخنرانی در مدرسه به موضوع درخت کاری نفر دوم شدم این اولین گامی بود که باعث شد بنده به این فعالیت انگیزه بیشتری پیدا کنم. یک روز در مدرسه رهبر پاکستان ساجد علی نقوی برای دیدار با مردم آمده بود بنده در آن محفل که حدودا صدها نفر آمده بود بنده از طرف مدرسه برای تلاوت قرآن مجید معرفی کردند و در این محفل بنده تلاوت کردم و این روز برای من یک روز مانگار بود ونیز بنده در امور مذهبی مثل شرکت در نماز جماعت و دعا و مراسم های مذهبی شرکت و فعالیت می‌کردم. مردم و هم خانواده درباره من خوب فکر می‌کردندو بنده نیز به این امرپائین بود تا که نظر مردم

به اینجانب باقر اماند و انگیزه بنده نیز در بحث حوزوی بیشتر بود و ما درابتدا مستقیما حوزه علمیه قم آمدیم و حدودا سه سال بدون اقامه درس اصول و فقه و عقائد خواندم و بعد امتحان مرکز جهانی علوم اسلامی شرکت کردم و همان بار اول قبول شدم و الان در مدرسه تخصصی فقه واصول مشغول هستم. غیر از این در علوم تجوید و قرائت فعالیت دارم و بنده در منطقه خودم به نوجوانان درس قرائت و تجوید مقدماتی درس داده ام. از طرف نوجوانهای خیلی خوشحال و انگیزه بیشتری وجود داشت تا این برنامه باقی بماند و علاوه بر این تبلیغ حمایت از ولایت فقیه مشغول بودم. در منطقه ماحدودا ۷۵ درصد از جوانهای مرید رهبری انقلاب وجمهوری اسلامی ایران هستند وما خواستاریم این سازمان برای منطقه ما یک برنامه ویژه و مخصوص باشد زیرا منطقه ما حدودا ۹۷ درصد شیعه هستند واز طرف وهابی و آغاخانی دراین منطقه همه وجود جودشان را صرف میکنند و گفتنی های زیادی داریم که در این محفل نمی گنجد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصفهان و از خانواده‌ی میر محمدحسین خاتون‌آبادی، سبط مجلسی بود. فلسفه را از ملا اسماعیل خواجویی و شیخ آقا محمد بیدآبادی و فقه و اصول را از سید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تا پایان عمر در مدرسه‌ی چهار باغ مدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری، جد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سید بحرالعلوم که خود از اساتید فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شاگردان وی به حساب می‌آید. در اصفهان درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»، به فارسی؛ شرح «نهج‌البلاغة»؛ حاشیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۴۰۵/ ۲)، تذکرة القبور (۹۰)، ریحانه (۲۶۷ –۲۶۶/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱ –۵۰/ ۱۳)، معجم المؤلفین (۱۱۴/ ۸)، مکارم الآثار (۱۳۳ –۱۲۹/ ۱).

مدرس رضوی، محمدعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۱۱ –۱۲۳۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در ۱۲۶۳ ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ

انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافهٔ، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رسالهٔ فی الدرایهٔ و الرجال»؛ «رسالهٔ فی الهیئهٔ»؛ شرح «الشرایع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمهٔ الواجب»؛ رساله در «اقسام الولایات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمهٔ».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۱۶/ ۱۰)، الذریعه (۲۵۵/ ۲۵، ۴۴/ ۲۴، ۳۲۶/ ۱۳، ۱۷۷، ۹۵/ ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵۴ - ۱۴۵۳/ ۱۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۶۰۴ -۶۰۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۷/ ۱۱)، مکارم الآثار (۱۰۷۹ -۱۰۷۸/ ۴).

مدرسی یزدی، یحیی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در یزد به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، سطوح عالیه را در خدمت سید حسین باغ گندمی و سید احمد مدرس و سید علی‌رضا حایری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به قم رفت و چندین سال در محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و آیت‌اللّٰه آقا سید علی یثربی کاشانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر شیخ آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّٰه سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّٰه شیخ محمدحسین نایینی استفاده نمود. پس از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد خود به بحث و تدریس پرداخت. وی در ۱۳۸۳ ق به قصد بازگشت به ایران، در کرند کرمانشاه درگذشت و پیکرش به قم منتقل و در قبرستان شیخان به خاك سپرده شد. از آثارش: «الاجتهاد و التقلید»؛ «قاعدهٔ لا ـ ضرر»؛ «منجزات المریض»؛ حاشیه بر «عروهٔ الوثقی»؛ «تقریرات» اساتیدش علامه نایینی و شیخ عراقی، در فقه و اصول؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (۲۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۸۷ -۲۸۶/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۳۶۲ - ۱۳۶۱/ ۳).

مدرسی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد : یزد

شهرت : مدرسی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار

خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیهٔ الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیهٔ الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرهٔ علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیهٔ الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزهٔ علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیهٔ الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیهٔ الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسهٔ معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورهٔ مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورهٔ مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیهٔ الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورهٔ مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیهٔ الله صلواتی و آیهٔ الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیهٔ الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیهٔ الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیهٔ الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیهٔ الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیهٔ الله شهید مطهری و نیز آیهٔالله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیهٔ الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورهٔ مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایهٔ الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیهٔ الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دورهٔ دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است. او در

خانواده‌ای رشـد یافته که پـدری مبارز در آن حضور داشـته است؛ آیة الله سـید جواد مدرسـی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیـة الله سـید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیة الله العظمی گلپایگـانی را از نقشه سـاواک در سوء اسـتفاده از مجلسـی که برخی از علما و فضـلا قرار بود در آن حضور یابنـد، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسـی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور اسـتان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیـة الله مدرسـی در سالهای دفاع مقـدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیة الله مدرسـی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاـب می‌پردازد و همزمـان از فقهـای شورای نگهبـان قانون اساسـی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مدنی بجستانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مدنی بجستانی

محل تولد : بجستان

شهرت : مدنی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ متولـد شـدم . پدرم مرحوم آیت الله مدنی از شاگردان آیت الله میلانی و آیت الله میرزا جواد تهرانی و آیت الله شـیخ هاشم قزوینی و از ائمه جمعه بود . دوران تحصـیلات ابتـدائی را در بجسـتان به پایان رساندم و پس از پایان سال اول دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۱۳۸۳ به صورت مستمر به تعلیم و تدریس و تالیف و تحقیق و تبلیغ مشغول بودم . سه سال در حوزه علمیه مشـهد بودم و سـپس در سـال ۱۳۵۸ به قم هجرت کردم و از دروس حضـرات آیـات سـتوده ، پایـانی ، اعتمـادی و بنی فضـل اسـتفاده بردم . در مقطع خارج از حضـرات آیات عظام تبریزی «فقه ۱۲ سال اصول ۸ سـال» ، وحیـد خرسانی «فقه یک سال و نیم و اصول هشت سال» ، مکارم شیرازی «اصول یک سال» ، منتظری «فقه ۴ سال» بهره مند شدم .

مدنی کاشانی، رضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۳ -۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مجتهد. جدش ملا محمد شیرازی در ۱۲۰۰ ق از شیراز به کاشان رفت. او در کاشان به دنیا آمد. وی نخست علوم قدیمه را در حوزه علمیه فراگرفت. سپس به فراگیری علوم جدید پرداخت. ادبیات را در محضر ادیب فرزانه سید محمود علوی و فقه و اصول و صرف را در محضر پدرش ، ملاـ عبدالرسول، و جد مادری‌اش ملاـ حبیب‌اللَّه شریف کاشانی و سید محمد علوی و شیخ محمود نجفی فراگرفت. در زمان آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رفت و از درس عمومی و خصوصی فقه و اصول ایشان استفاده نمود. علمایی چون آیت‌اللَّه سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللَّه سید احمد خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و آقا میرزا محمد همدانی و حاج آقا روح‌اللَّه کمالوند با وی هم مباحثه بودند. وی از آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری و آیت‌اللَّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد گرفت. سپس به امر پدر و خواست مردم به کاشان بازگشت و به تأسیس حوزه‌ی علمیه و تدریس پرداخت و مرجع امور دینی مردم گشت. از جمله آثار خیروی احداث مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها می‌باشد. از آثار علمی وی: «منتخب الاحکام»؛ «کشف الحقائق»؛ «توضیح التقریرات»، در بحث؛ «الخیارات» از «مکاسب»؛ حاشیه بر «الکفایهٔ»؛ حاشیه بر «العروهٔ الوثقی»؛ حاشیه بر «ذخیرهٔ العباد»؛ کتاب «الربا»، «عملیات بانکی»؛ رساله‌ی «الحجابیهٔ»؛ رساله‌ای در «الاوانی»؛ «براهین الحج للفقهاء و الحجج»؛ «الخلافهٔ»، در اثبات خلافت بلافصل امیرالمؤمنین (ع) بر طبق روایات اهل سنت؛ «القصاص للفقهاء و الخواص»؛ «کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار»؛ رساله‌ای در «احکام حدود»؛ «من ولی السفهاء»؛ «اصول مذهب تشیع».[۱]

عالم دینی.

تولد: ۲۳ محرم ۱۳۲۱ ق.، کاشان.

درگذشت: ۶ تیر ۱۳۷۱.

آیت‌الله رضا مدنی کاشانی، فرزند عبدالرسول کاشانی، از همان اوان کودکی تا حدود بیست سالگی در زادگاه خود کاشان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این سال‌ها از محضر کسانی چون پدرش آیت‌الله محمدعبدالرسول مدنی و جدش آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف بهره برد. با آمدن آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و در حوزه‌ی درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. طولی نکشید به مقام اجتهاد دست یافت. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برحسب دستور پدر خود و درخواست برخی از اهالی کاشان به وطن خود بازگشت. از آثار اوست: توضیح التقریرات فی بحث الخیارات (عربی، شرح بر خیارات متأجر شیخ مرتضی انصاری، تقریر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، جزء اول)؛ الدرهٔ المضیئهٔ فی احکام انیهٔ الذهب و الفضهٔ، رساله در حجاب زنان؛ فارئض المقلدین (۱۳۷۶ ق.)؛ کتاب ربا؛ کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار (۱۳۷۵ ق.)؛ کشف الحقایق عن الرد علی الزندیق و المنافق (دو جلد، ۱۳۷۳ -۱۳۷۱ ق.)؛ منتخب الرسائل؛ رساله‌ی عملیه.

رضا مدنی کاشانی بن العالم العابد والفقیه الزاهد حجهٔالاسلام والمسلمین آخوند ملا عبدالرسول مدنی از علماء بزرگ حوزه علمیه قم و مشاهیر فقهاء و مراجع معاصر شهرستان کاشانست.

وی در سحرگاه شب چهارشنبه محرم ۱۳۲۱ قمری هجری در کاشان به دنیا آمده و پس از رشد مقدمات و سطوح را از مرحوم والد و جدامی خود مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا حبیب‌اللَّه و مرحوم آیت‌اللَّه آسید محمد علوی کاشانی فراگرفته و در شوال ۱۳۴۰ قمری به قم آمده و مجلس درس عمومی و خصوصی مرحوم آیت‌اللَّه المؤسس حایری فقهاً و اصولا حاضر و استفاده نموده و هم خود تدریس و مباحثه گذارده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری هجری حسب‌الامر مرحوم والد و درخواست بعضی از اهل کاشان مراجعت به کاشان نموده و تا اکنون به تدریس و اقامه جماعت در مسجد میانچال و مرجعیت مردم کاشان اشتغال دارد.

آیت‌اللَّه مدنی علاقه تامی به تألیف و تصنیف دارند و از غالب اجتماعات و رفت و آمدها منزوی و برکنار و به مطالعه کتب علمی و نوشتن پرداخته و آثار علمی ارزنده‌ای از خود به یادگار گذارده که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- کتاب براهین الحجج للفقهاء والحجج که تا به حال دو جلد آن به طبع رسیده و در حوزه‌های علمی قم و نجف و مشهد بین فضلاء اهل علم معروف و مشهور و از آن استفاده می‌نمایند.

۲- کتاب الخلافهٔ که از بهترین کتابهای مربوط به اثبات خلافت بلافصلی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است بر طربق روایات علماء اهل سنت.

۳- کتاب کشف‌الحقایق فی الرد علی الزندیق والمنافق که بهترین رداست بر زنادقه این زمان.

۴- رساله حجابیه ۵- حاشیه بر کفایه ۶- حاشیه بر خیارات متاجر شیخ ۷- رساله در نکاح و رضاع استدلالی ۸- حاشیه بر عروهٔالوثقی و سایر رسائل ۹- الدرهٔ المضیئه فی احکام آنیهٔ الذهب والفضه ۱۰- رساله‌ای در احکام حدود ۱۱- کتاب الرباء در مسائل ربای قرضی و معاملات و سایر احکام متعلقه آن و بعض مسائل دیگر.

معظم له اکنون در کاشان حوزه درس خارج دارند و جمعی از دانشمندان و فضلاء از محضرشان استفاده می‌نمایند.

آثار خیر بسیاری مانند مساجد و مدارس و حسینیه‌ها و حمام‌ها در شهر و دهات بنا نموده و به بسیاری از مستمندان و بیچارگان مساعدت کرده و می‌نمایند.

مکرر بعضی از فضلاء حوزه علمیه قم و نجف و مشهد و غیره درخواست نمودند که معظم له را برای تدریس نگاه دارند روی بعضی از موانع شرعیه نپذیرفتند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۶۰ -۷۵۹/ ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۴، ص ۱۵ -۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۲ -۲۶۰، ۲۵۹/ ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۹ -۱۹۸/ ۳).

مدنی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مدنی

محل تولد : گیلان

شهرت : مدنی گیلانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب «محمد» فرزند «حسین» فرزند «حاجی» با نام خانوادگی «مدنی»، ملقب به «عبد الزهراء» که از عطایای ملوکانه ملکه عالمین حضرت صدیقه اطهر سلام الله علیها در یک عالمی به این احقر بوده، در یکم تیر ماه سال ۱۳۴۷ شمسی مطابق با بیست و پنجم ربیع الاول ۱۳۸۸ هجری قمری در دهستان نوخاله اکبری از توابع شهرستان صومعه سرا از شهرهای غربی استان گیلان از مادری متدینه به نام «فرخنده رمضانی پور» فرزند«محمدجان» فرزند «کربلایی طوفانعلی» که با پای پیاده از گیلان تا کربلای معلی مشرف شده بود، متولد شدم. دوران کودکی را تحت الطاف الهی و کنف محبت پدر و مادرم که به حلال و حرام الهی اهمیت خاصی می دادند گذراندم و تا آنجایی که به یاد دارم در یک خانواده شلوغ و پر جنب و جوش و زحمتکش و دین باور پرورش یافتم.

بر اساس فضای حاکم در روستا که معمولا کارها به صورت دسته جمعی انجام می پذیرد. من نیز در کارهایی که محول می شد کوشا بودم. در عین حال به مدرسه می ر فتم و دوره های ابتدایی و راهنمایی را به سختی گذراندم.

یادم می آید کلاس سوم ابتدایی را می گذراندم که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری منادی و احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) حضرت امام خمینی رضوان الله علیه آغاز شد و در جنب و جوش و فعالیت های دانش آموزی، راهپیمایی های محلی که به تهییج دلباختگان امام صورت می گرفت و در پخش پوسترها و اعلامیه ها با عده ای از دوستان هم سن وسال شرکت می نمودیم. اولین بار که عکس دلربای حضرت امام خمینی رضوان الله علیه را دیدم چنان مات آن چهره ملکوتی شدم، تو گویی از خود بی خود، اشک محبت از دیده ام جاری شده بود. آتش این اشتیاق روز به روز برافروخته تر می شد. هیبت و هیئت آن فرزانه مرد در آن سنین خردی چنان در دل نشست که بیرون کردنش مشکل می نمود (آنچنان جای گرفته است که مشکل برود) لا-جرم روش و منطق او، در روحیه من تاثیر عمیق گذاشته و چراغ عشق راه روحانیت شیعی در دلم روشن گشت و خدا را شکر بدین طریق مایل شدم.

زندگینامه علمی:

پس از پایان دوره راهنمایی با همه مشکلاتی که سر راهم ایجاد شده بود، در اواخر ۱۳۶۳ رسما طلبه شدم و به خیل سلسله طلاب علوم دینیه پیوستم.

جامع المقدمات و سیوطی (الفیه ابن مالک) و حاشیه ملا عبدالله و مغنی اللبیب که کتب مقدماتی بودند را در شهرستان رشت، مدرسه علمیه «حاج حسن» معروف به صالح آباد (که بسیاری از بزرگان از جمله مجاهد فی سبیل الله میرزا کوچک جنگلی از ثمرات آن مدرسه اند) در نزد عالم ورع و اخلاقی کامل مرحوم حجت السلام و المسلمین الحاج شیخ محمد حسن مهدوی تولمی که از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسن بحر العلوم و آیت الله سید محمود ضیابری رحمت الله علیهما بود و مدیریت حوزه علمیه صالح آباد را نیز بعهده داشت، تعلیم گرفتم و کتاب صمدیه را برای مرور در محضر حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبدالرحیم اخوان توکلی تولمی که جلیس آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی در نجف اشرف بوده، تلمذ نمودم. معالم الاصول و مختصر المعانی را در محضر پر فروغ عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله مستقیم عربانی که اجازه اجتهاد مطلق از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی داشت، تلمذ نمودم.

اصول المظفر را از محضر عالم تقی و اخلاقی کامل سید العلماء الربانیین آیت الله حاج سید مجتبی رودباری دام ظله فرزند آیت الله حاج سید حسین رودباری که از شاگردان بنام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خوئی و بسیاری از بزرگان دیگر در نجف اشرف و قم بودند و همچنین حجت الاسلام و المسلمین یعسوبی آموختم.

لمعتین را از محضر نورانی حضرات آیات حاج شیخ مختار ظهیری رحمت الله علیه و حاج شیخ محمد علی احمدی اشکوری و حاج سید مجتبی رودباری فرا گرفتم.

رسائل و مکاسب شیخ انصاری و جلد اول کفایتین و منظومه سبزواری و شرح تجرید را در محضر نورانی فقیه صمدانی استاد الاعاظم و شیخ الافاخم آیت الله العظمی علامه حاج شیخ محمد ازهدی لاکانی رضوان الله علیه که اجازه اجتهاد مطلق از آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقای حجت کوه کمره ای، حاج آقا حسین بروجردی و بسیاری دیگر از مراجع را داشت، که در متن اجازه آقای بروجردی آمده می خوانیم:«حری بان یجیز اجل شانا ان یستجیز» به شاگردی نشستم و سپس به دار العلم قم وارد شدم و جلد دوم کفایتین را از محضر مرحوم آیت الله وجدانی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی خراسانی تعلیم دیدم.تفسیر را از محضر علامه نحریر آیت الله جوادی آملی و اخلاق را از آیات عظام مشکینی و مظاهری بهره گرفتم.درس خارج را فقها و اصولا در محضر آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، صانعی، خلخالی و جوادی آملی در قم و

ازهدی لاکانی در رشت جمعا به مدت پنج سال تلمذ نمودم.
البته ناگفته نمانـد به طور مقطعی از عرفان علامه ذوالفنون حسن زاده آملی بهره بردم و سـپس به امر آیت الله العظمی بهجت و آیت الله لاکانی، در رشت رحل اقامت افکنـده و به تـدریس، تبلیغ، تالیف و تصـنیف مشـغول شـدم و چنـد اثر را از آثار قلمی خویش به یادگار نهاده تا در صحیفه عملم برای« یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» ذخیره باشد.

مراغه‌ای، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ز ۱۲۷۴ ق)، عـالم دینی و فقیه اصولی. نسـبت وی به مراغه آذربایجـان می‌رسـد. در نجف به دنیـا آمـد. پس از اسـتفاده از محضـر علمـای آنجـا به بحث و تـألیف و تـدریس پرداخت. او برای خـود کتابهـایی از جمله «قـوانین» را اسـتنساخ کرد. از آثـارش: «جواهر الاصول»، در اصول فقه، در دو مجلد، که در ۱۲۷۴ ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (۲۶۳/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۷ –۱۷۶/ ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۶۸/ ۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۸۳/ ۳)، معجم المؤلفین (۸۵/ ۹).

مرتضوی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عبدالهادی مرتضوی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۷/۱

زندگینامه علمی
آقای سـید عبدالهادی مرتضوی مشـهور به حسینی شاهرودی در سال ۱۳۲۹هجری شمسـی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام در نجف اشـرف دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش بـا موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسـلامی وارد حوزه علمیه نجف گردیـد. پس از گذرانـدن سـطوح عالی به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصـیل در نجف از محضـر بزرگانی چون مرحوم آیت

الله صـدر، آیت الله سـید محمد شاهرودی، مرحوم آیت الله خوئی و دیگر سـتارگان درخشان حوزه علمیه نجف اشـرف کسب فیض کرد و پس از سالها تلاش به درجه اجتهاد نائل آمد.

پس از اتمام تحصیلات در نجف اشـرف رهسپار قم و وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود ضـمن انس با آسـتان ملکوتی کریمه اهـل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و شاگرد پروری پرداخت.پس از سالها تلاش و علم انـدوزی در نجف اشـرف و قم، جهت خـدمت علمی و فرهنگی به مردم دیـار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون علاوه بر تـدریس در دانشگاه علی آبـاد کتول، در حوزه علمیه علی آباد نیز مشغول تـدریش می باشـد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافـل نمانـده است و از سال ۱۳۷۰ تـا کنون در دانشـگاه علی ابـاد کتول به امر پژوهش مشغول می باشـد و آثاری از قبیل "اخلاق اسلامی۱،۲ و۳ " و "اخلاق اسلامی۴ "را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مرتضوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد مرتضی

محل تولد : لبنان

شهرت : محمد حسین

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد محمّد مرتضـی نام پدرحسین در ۲۰ شعبان سال ۱۳۸۳ هـ. ق در شـهر تمنین التحتا واقع در ۲۵ کیلومتری بعلبک دیده به جهان گشود و در سـایه پـدری و مادری مهربان تعلیم و تربیت یافت، تحصـیلات ابتـدایی، راهنمایی ، و متوسـطه را شـهر ریاق سپری نمود پس از آن در شوال سـال ۱۴۰۳ هـق وارد مـدرسه علمیّه إمام المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشـریف بعلبک شـد، دوران مقدمّات را طی ۳ سال و أندی پشت سـر گذاشت از محضـر أساتیدی چون شـهید سیّدعباس موسوی شیخ محمّد مقداد شیخ محمّد یزبک شیخ علی عفّی شیخ محمّـد خاتون و شـیخ علی خاتون و .... بهره ها برد. در ماه صـفر سال ۱۴۰۷ هـ ق جهت تکمیل دروس دین کسـب فیض أخلاقی وارد حوزه علمیّه قم گردید و دروس سطح را نزد أساتید بزرگی بهره برد از جمله:

ـ شیخ حسین نجاتی (قسمتی از شرح لمعه)

ـ شیخ مصطفی قصیر (قسمتی از شرح لمعه)

ـ سیّد رضا حسینی نسب (أصول فقه، رسائل، و قسمتی از کفایه، هیئت، و قسمتی از إشارات)

ـ سیّد عادل علوی (باب حادی عشر علم کلام و شرح التجرید)

ـ سیّد کمال حیدری (فلسفه)

ـ سیّد أحمد مددی (مکاسب)

ـ آیت الله جوادی آملی ۱۲ سال است که تقریباً درس تفسیر ایشان را شرکت می کند و هنوز هم ادامه دارد.

پس از آن در درس خارج حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی سیّد محمود هاشمی شاهرودی جوادی آملی شرکت کرد. البته در کنار این دروس به تدریس بعضی از دروس مانند شرح اسفار و ... پرداخت و بر گنجینه علمی و معنوی خود افزود در خلال سالها تلاش علمی تحقیق مطالعه مباحثه وظیفه مهم تبلیغ و تدریس نیز غافل نشده است و به تدریس دروسی مانند:
عقاید ، نحو، بلاغت، فقه، کلام و فلسفه، تفسیر ، أصول فقه مقارن، کتاب حکومت إسلامی تألیف امام راحل (ره) پرداخت. در حال حاضر نامبرده در شهر خودشان حوزه و کتابخانه برای مطالعه و تحقیق عموم مردم و طلاب آن شهرستان تأسیس نموده اند.

مرعشی شوشتری، محمدحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران فقیه فرزانه، استاد حکمت و فلسفه سید محمد حسن مرعشی یکی از چهره های علمی و اساتید مدرسه عالی شهید مطهری در پی بیماری در ۷۳ سالگی به دیدار معبود شتافت.

سید محمد حسن فرزند حجةالاسلام سید سلطان محمد و نوه میرزا عبدالوهاب، فرزند میرزا سلطان محمد، فرزند میرزا تقی، فرزند میرزا اسدالله، فرزند میرزا اسحاق مرعشی شوشتری بود. پدرش از فضلا و ائمه جماعت شوشتر بود که تحصیلاتش را در همان شهر نزد ملاجعفر شرف الدین و سید بزرگ آل طیب به پایان برد و در صفر ۱۳۷۰ق/آذرماه ۱۳۲۹ ش در شوشتر رحلت کرد و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. پدر بزرگش میرزا عبدالوهاب از اشراف و اعیان بود و مدت ها سمت نائب الحکومه شوشتر را بر عهده داشت.

سید محمد حسن در سال ۱۳۵۶ق/۱۳۱۶ش در شوشتر استان خوزستان پا به عرصه گیتی نهاد. مقدمات اولیه را نزد پدر خود و ملا شکر علی معنوی فرا گرفت و سطوح را نزد عالمانی چون محمد تقی حکیم، سید محمد موسی جزائری و سید محمد حسن آل طیب به پایان رساند و خارج فقه و اصول را از محضر استادش موسوی جزائری و شیخ محمد تقی شوشتری فرا گرفت. البته سفرهای کوتاهی به نجف اشرف داشت و همان جا در درس آیة الله سید ابوالقاسم خوئی شرکت می نمود. خدمات ایشان در خطه شوشتر بسیار است که می توان به تجدید بنای حوزه علمیه جزائریه واداره و تدریس در این حوزه، تأسیس حوزه علمیه خواهران، تجدید بنای مقام صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تجدید بنای مسجد شیخ علی که سال ها در آن جماعت اقامه می کرد، اشاره کرد، در ضمن به ایجاد حوزه ی علمیه ای در گتوند دست زد که تاکنون نیمه تمام مانده است.

مرعشی در سال ۱۳۶۱ ش وارد تشکیلات قضایی اهواز شد و ابتدا سمت حاکم شرع داشت و بعداً ریاست دادگاه را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۶۳ ش به دیوان عالی کشور-تهران ملحق شد و ابتدا در شعبه ۱۹ دیوان عالی خدمت کرد، سپس در شعبه ۲۰و سرانجام به عضویت شورای عالی قضایی منصوب شد و یکی از پایه گذاران اصلی دستگاه قضایی به شمار آمد.

نبوغ و استعداد، همت و تلاش بسیار از او فقیهی کم مانند ارائه نمود. تواضع، مناعت طبع، بی توجهی به امور دنیا، روشن بینی اجتماعی، آفرینش آثار علمی و پژوهشی از جمله ویژگی های بارز ایشان بود. وی علاوه بر عضویت در هیئت علمی مدرسه عالی شهید مطهری و تدریس در این مدرسه، منزل ومراکز دانشگاهی عضو چهارمین دوره مجلس خبرگان گردید.

مرعشی در پی بیماری کلیوی عاقبت در صبح روز دوشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۲۹ق/۲۸ مرداد ۱۳۸۷ ش در سن ۷۳ سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش صبح سه شنبه در تهران و صبح روز چهارشنبه در شوشتر تشییع و در بقعه صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خاک سپرده شد. آثار علمی ایشان:

۱-شرح الفیۀابن مالک؛

۲-شرح تلخیص مختصر المعانی؛

۳-شرح بدایۀالحکمۀ(اثر علامه طباطبائی)؛

۴-شرح نهایۀالحکمۀ(اثر علامه طباطبائی)؛

۵-شرحی بر تهذیب المنطق (اثر تفتازانی-فارسی)؛

۶-حاشیۀ علی الرسائل؛

۷-حاشیۀ علی کفایۀ الاصول؛

۸-شرح منظومۀالتحفۀالقوامیۀ فی الفقه؛

۹-شرح منظومۀ تحفۀالحکیم فی الحکمۀ (اثر شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)؛

۱۰-تعلیقات علی تمهیدالقواعد فی الفلسفۀ(اثر ابن ترکه)؛

۱۱-شرح حلقات الاصول (المرحلۀ الثالثۀ - اثر شهید صدر)؛

۱۲-اصول الفقه؛

۱۳-شرح کتاب التعلیقات فی الفلسفۀ (اثر ابن سینا)؛

۱۴-شرحی بر قانون مجازات اسلامی، چاپ شده؛

۱۵-سبیل الرشاد الی شرح الارشاد(اثر علامه حلی)، چاپ شده؛

۱۶-ترجمه کتاب فلسفتنا (اثر شهید صدر)، چاپ شده؛

۱۷-دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ شده؛

۱۸-حاشیۀ التلخیص فی الاصول.

همچنین از این دانشمندان فقید ده ها مقاله در مجلات علمی و پژوهشی کشور چاپ شده است.

نویسنده:عبدالحسین جواهر الکلام

منابع زندگینامه :آینه پژوهش شماره ۱۱۲.

مرعشی کرمانی، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۶- ح ۱۳۴۲ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. در رفسنجان به دنیا آمد. برای فراگیری علوم به یزد و از آنجا به نجف رفت. پس از فراگیری متون فقه و اصول، در محضر آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ محمدکاظم خراسانی و آیت‌اللّه شریعت اصفهانی تلمذ نمود و به مقام اجتهاد نایل آمد. آنگاه به تدریس و تصنیف پرداخت. پس از درگذشت آیت‌اللّه میرزا محمدتقی شیرازی، به مقام مرجعیت رسید و مدت دو سال متصدی منصب افتاء گردید. در نجف درگذشت و در جوار جد بزرگوارش دفن شد. از آثارش: رساله‌ی «الکریۀ فی تحقیق مسألۀ الکر»؛ «جوابات المسائل الاسلامبولیۀ»؛ «جوابات المسائل الامتحانیۀ»؛ «جوابات المسائل الکرمانیۀ»؛ «جوابات المسائل الیزدیۀ»؛ «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول.[۱]

مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدرضا بن سید محمدباقر بن سیدعلی بن سیدحسن بن سید علی‌المنتهی الی سلطان العلماء از احفاد

ملوك طبرستان که سر سلسله آنان صاحب سیف و قلم علامه الکبری میر قوام‌الدین مرعشی (جد هیجدهمی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی) می‌باشد که در سبزه میدان آمل قبر شریفش گنبد و بارگاه دارد. و تمام سلسله ابا و جدا از علماء برجسته و صاحب تالیف و تصنیف بوده‌اند مگر جناب سید حسین بن سیدعلی (جد دوم) وی که از اشراف بوده است.

وی مقدمات را در یزد نزد علماء آنجا خوانده آنگاه مسافرت با عتاب عالیات نموده و در کربلا سطوح را تکمیل و پس از آن به نجف اشرف مشرف و از محاضر دروس مرقومین علامه خراسانی و علامه یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی استفاده نموده و در اثر جدیت و ذکاوت مخصوص حائز مقام فقاهت و مرجعیت شده و پس از فوت مرحوم آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی گروهی از مردم به آن جناب رجوع نموده و مدت دو سال تقریبا متصدی مقام افتاء شده ولکن در سن ۵۶ سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری بدرود حیات گفته و در آن ارض مقدس به خاك رفته‌اند. و مرحوم آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی پسر خاله متعلقه ایشان و والده ماجده اخوان مرعشی مذکور فرزندان آن مرحوم می‌باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۲۹۳/ ۱۷ ،۲۴۰ ،۲۳۱ ،۲۱۴/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۴۳ -۷۴۲/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۰۴ -۲۰۳/ ۵)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۸۷ -۱۱۸۶/ ۳).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۴۱۱ -۱۳۱۸/ ۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّٰه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّٰه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّٰه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ

الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛ «مصباح الهدایهٔ فی شوارع الکفایهٔ»، که حاشیه مختصر بر «کفایهٔ الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمهٔ التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایهٔ»، در شرح «الکفایهٔ»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیهٔ»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالرمح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و

ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایهٔ حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن

آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- الشیخ هادی آل کاشف الغطاء ۹- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- الشیخ محمدجواد البلاغی ۱۱- الشیخ محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحرالعلوم ۱۳- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند ۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶(۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹(۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید

و از آن پس به عنوان یکی از ارکـان اصـلی حوزه و جهـان تشیع درآمـد و به سـهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شـرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شـرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضـی نورالله مرعشـی شوشتری شـهید که بیست و هفت جلد آن منتشـر شـده و تـا پنجاه جلـد می‌رسـد، مشـجرات آل رسول‌الله الا‌کرام (ص)، شـرح و حاشـیه بر عمـدهٔ المطالب (در چنـد مجلـد)، طبقات النسابین، الهدایـهٔ فی معاضل الکفایـهٔ، حواشـی رسائل شـیخ مرتضـی انصاری، المسلسـلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلهٔ الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایهٔ القوی، سلوهٔ الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خـدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشـی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مـدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شـهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشـیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارسـتان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشـفای آل محمـد (ص) نیز نامیـده می‌شود، تأسـیس کتابخانه با خریـد قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشـیه در خیابان آیت‌الله مرعشـی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنـج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسـعه‌ی جدیـد ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتـاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشـریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشـی نجفی پیش از فوت چنـد بـار در بیمارسـتان‌های قم و تهران بستری شـد و دوبـار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شـش سـالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نمـاز جمـاعت در صـحن حضـرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱ –۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/ ۲۳ ،۲۷۶/ ۲۱ ،۳۷۶/ ۲۰ ،۳۵۵ ،۲۶۴/ ۱۸ ،۱۸۶/ ۱۶ ،۸۸/ ۱۵ ،۲۱۵ ،۱۴۰/ ۱۲ ،۳۷۸/ ۶ ،۲۶۰/ ۲)، ریحانه (۱۳۴ –۱۲۹/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸ –۸۴۷/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹ –۲۱۷)، گلزار معـانی (۷۰۲ –۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشـمندان (۵۲ –۳۷/ ۲ ،۲۱۵ –۲۱۱ ،۵۶ –۵۱/ ۱)، معجم رجـال الفکر و الاـدب فی النجف (۱۱۹۰ –۱۱۸۹/ ۳).

مرعشی نجفی، مرتضی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۱۳۳۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس و مجتهد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات، سطوح و حکمت را از آیت‌اللَّه آقا سید حسین بادکوبه‌ای و آیت‌اللَّه ایروانی و آیت‌اللَّه سید محمود شاهرودی فراگرفت. آنگاه به ایران آمد و در قم سطوح را در محضر برادرش آیت‌اللَّه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تکمیل نمود. سپس به نجف بازگشت و درس خارج را از آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه نایینی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی فراگرفت تا به مدارج عالیه‌ی اجتهاد رسید و از آنها به دریافت اجازه نایل آمد. او سالها در نجف به تدریس فقه و اصول پرداخت. در مسافرتی که به قصد زیارت حضرت امام رضا (ع) به ایران آمد، به اصرار علما و مردم تبریز در آن شهر سکنی گزید و به اقامه‌ی جماعت و انجام امور دینی پرداخت. از آثارش: «شمس الضحی»، در مناقب ائمه (ع)؛ «روضهٔ الاحباب»؛ «کشکول»؛ «ریاض الصالحین»؛ «تقریرات» استادش آیت‌اللَّه نایینی در «خیارات».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۹ -۳۲۸/ ۳).

مرعشی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۸۰ -۱۱۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، ادیب و شاعر. از فرزندزادگان علامه سید حسین سلطان العلماء (خلیفه سلطان) بود. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»؛ شرح «زبدهٔ الاصول»؛ شرح «تشریح الافلاک»؛ «سفرنامه‌ی هندوستان»؛ کتاب «اجازات»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (۳۸۲/ ۹)، تذکرهٔ القبور (۴۸۸)، معجم المؤلفین (۱۸۸/ ۱۰).

مرعشی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرعشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تاکنون بیش از ۶۰ مقاله در زمینه کتابشناسی نسخه شناسی ، کتاب پژوهی ، رجال و تراجم و انساب نگاشته ام و تمامی آنها تاکنون چاپ و منتشر شده است همچنین نظربه اینکه از سنین نوجوانی در کنار پدر بزرگوارم کتابشناسی مخطوطات را فرا گرفته ام و با اشتیاق در کنار دروس حوزوی خود ادامه دادم اکنون بیش از نیم قرن است که تجربه اندوخته ام و اینجانب را در

بیشتر مراکز علمی و کتابخانه ها و دانشگاههای جهان به عنوان یکی از بزرگترین کتابشناسان معاصر کتابهای اسلامی جهان می شناسند.

اینجانب چند جلد تالیف نیز دارم که بیشتر آنها چاپ و منتشر گردیده است .جز آن، دهها کتاب را تحقیق و تحصیح و چاپ کرده ام و بسیاری دیگر نیز زیر نظر اینجانب منتشر شده است . همچنین کتبا دارای چند اجازه اجتهاد و روایتی و امور حسبیه از مراجع گذشته و حال می باشم از جمله حضرات آیا ت عظام :اراکی ، مرحوم والدم ، مکارم شیرازی ، بهجت ، فاضل لنکرانی ،سید محمد شیرازی، سیستانی و غیره و نیز از مرحوم آیه الله العظمی شیخ عبد النبی اراکی اجازه اجتهاد گرفتم و از مرحوم آیت الله سید محمد صادق بحر العلوم نجفی و مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و مرحوم آیت الله علیاری تبریزی و غیر آنان اجازه روایتی در یافت نموده ام . به منظور اطلاعات بیشتر به مجله کیهان فرهنگی شماره ۲۰۴ که ویژه اینجانب و نیز کتابخانه می باشد همچنین مقاله ای که محقق و پژوهشگر پر تلاش آقای علی رفیعی در مورد زندگینامه اینجانب نگاشته و در فصلنامه میراث شهاب کتابخانه چاپ شده و هر دو آنها ضمینه این برگه ها می باشد مراجعه شود .

و نیز از مفتی بزرگ یمن محمد بن زباره و مرحوم شیخ محمد غزالی بزرگترین متفکر جهان عرب و صاحب بیش از ۵۰۰ تألیف در موضوعا ت گوناگون اجازه کتبی اخذ نموده ام .اینجانب همچنین افزون بر ۵۰ سال است که شرعا و قانونا متولی و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی می باشم و نیز متولی ۳ مدرسه علمی والدم که در قم بنیاد کرده اند برای طلاب به عهده دارم نیز مسئول دفتر پدر بزرگوارم بوده و می باشم اینجانب چند پروژه تحقیقاتی با برخی از اسلام شناسان خارجی دارم که در حال انجام است و به زودی منتشر می شود همچنین کتاب عظیم : موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه در کلام و فضائل ائمه اطهار علیهم السلام که از تألیفات پدر عزیزم و به عربی می باشد زیر نظر و با اشراف اینجانب در حال انتشار است که ۵ جلد نخست آن منتشر شده و ۱۵ جلد دیگر تا اواخر سال جاری ۱۳۸۶ و ۲۵ جلد دیگر تا دو سال بعد منتشر خواهد شد و جمعا ۴۵ جلد خواهد بود این کتاب تاکنون ۳ بار جایزه بهترین کتاب سال در حوزه دین شناخته شده و دریافت نموده است .

مروجی طبسی، محمدجعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جعفر مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد جعفر مروجی طبسی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی درسال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شد،

دروس مقدمات حوزه را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی گذراند. و سطوح عالیه را نزد آقایان: مرحوم حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی و مرحوم آقای وجدانی فخر و مرحوم حاج شیخ احمد پایانی و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و جناب محقق داماد و جناب شیخ محمد کلباسی و جناب آقای فیاضی به پایان رساند و حدود ۱۵ سال در درس خارج حضرات آیات عظام آقایان: حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حضرت آیت الله سید ابوالقاسم کوکبی، حضرت آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودند.

مروجی طبسی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد مروجی طبسی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی بنده در نهم ماه ذی الحجه ۱۳۷۲ هجری قمری مطابق با ۲۸/۱۲/۱۳۳۱ هجری شمسی در نجف اشرف در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد رضا طبسی است که ظاهرا در سال ۱۳۴۵ هجری قمری از قم به حوزه نجف اشرف هجرت فرمود تا از محضر پر فیض بزرگانی همچون مرحوم نایینی و آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بهره جوید.پس از گذشت دوران کودکی به تحصیل در مدارس دولتی تا کلاس ششم نظام قدیم پرداخته و پس از آن با تشویق جدی و پی گیر مرحوم والد تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کردم چرا که مدتی از رحلت برادر بزرگم مرحوم شیخ محمد علی طبسی در تهران می گذشت و چون فرزند دیگری که جای او را پر کند نداشت، تلاش فراوان می کرد تا مرا به سلک روحانیت درآورد.بدین جهت از دوران کودکی ونوجوانی که همراه پدرم پیش از اذان صبح به حرم مولی امیرالمومنین می رفتم در بین راه او نمازهای مستحبی می خواند و من نیز احساس می کردم که این حالت معنوی و عرفانی که اوداشت در من در حال شکل گرفتن است زیرا من نیز به توصیه وی وادار می شدم به برخی اذکار و اوراد در بین راه بپردازم. یادم هست که گاهی بر اثر کم خوابی سجاده پدرم را که می بایست برای نماز جماعت ایشان در رواق مطهر علی بن ابی طالب(علیه السلام) پهن می کردم و برای ایشان تکبیر می گفتم، زیر سر گذاشته و در کنار قبر علامه حلی در راهرو به خواب می رفتم.پدرم به مناسبتهای گوناگون از محاسن ورود به حوزه علمیه و قرار گرفتن در ردیف علماء و اینکه ملائکه و فرشتگان زیر پای جوینده علم ودانش بالهای خود را می گسترانند بنده را بسیار تشویق می فرمود. تا اینکه در اول سال ۴۶ هجری شمسی بدست مبارکشان در روز اول فروردین معمم شدم. چند سالی که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم از استادان محترم و عالیقدری بهره جسته از جمله اولین استاد ومربی خودم یعنی مرحوم پدرم بود که وی را به حق استادی بزرگ و مربی شایسته ودلسوز یافتم که در تمام مقاطع سنی یار و پدری مهربان برایم بود.او با اینکه اشتغالات علمی و تالیفی ودرسی وتدریسی ومراجعات مردم فراوان داشت اما هرگز فرصتها را از دست نداده و شبانه روز وقت خود را در اختیار من قرار داده بود. حتی آخرین لحظات عمر مبارکش زیر نظر او بوده و از خوان علم و معرفت و اخلاق و صفات حمیده اش پیوسته بهره می جستم.او بحق فقیهی بود بزرگوار و دائره المعارف بزرگی بود که نظیر

و مانندش را در بین آیات عظام کم دیده بودم.چنانکه عرض کردم از دوران کوکی و نوجوانی تحت تربیت و مراقبت وی قرار گرفته وهر روز صبح پس از برگشتن از حرم مطهر امیرالمومنان از من می خواستند تا قرآن مجید رانزد او بخوانم و سپس به شرح و تفسیر برخی از آیات و کلمات آن که در خور فهم بود می پرداخت. ودر اولین گام پس از فراگرفتن قرآن کریم مرا به احکام و مسائل آشنا ساخته وآنها را از حاشیه بر طریق النجاه که در حقیقت رساله عملیه پدرم بود از او تلقی کردم وسپس برخی کتاب¬های جامع المقدمات از قبیل امثله و شرح امثله و عوامل جرجانی و شرایع الاسلام و شرح باب حادی عشر را نزد او خواندم.و پس از مدتی که بدنبال یک استاد خصوصی برایم بود سرانجام با استاد دیگری به نام حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین کشمیری (ره) آشنا شده و بنا به توصیه و سفارش پدرم کتاب های دیگری از جامع المقدمات از قبیل کتاب المنطق و شرح النموذج و سپس مقداری از حاشیه ملا ـ عبد الله را در نزد او خواندم.و استاد سوم و چهارم اینجانب در مقدمات و ادبیات عرب مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای حجتی بروجردی بود که جلد اول شرح ابن عقیل را نزد او خوانده و همچنین مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ محمد علی مدرس افغانی که بخشی از سیوطی را نزد او خواندم.پنجمین استادی که در نجف اشرف داشتم جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی قائنی (سلمه الله) بود که با عده ای از دوستان مقداری از شرح لمعه را در نزدش تلمذ نمودم.پس از مدتی که از تحصیلاتم گذشت ملاحظه کردم که منزل مرحوم پدرم بسیار پر رفت و آمد است.اینجا بود که برای اولین بار به محیط مدارس علمی رفته و در مدرسه خلیلی با یکی از دوستان به نام شیخ ابوالقاسم نظرپور هم حجره شدم.پس از مدتی به علت کوچک بودن حجره به توصیه پدرم و به سفارش مرحوم آیه الله زاده کفایی به مدرسه مرحوم آخوند بزرگ که در آن روز تازه تجدید بنا شده بود راه یافتم.اما دیری نگذشت که تصمیم جدی گرفته و با پدر ومادرم مسئله رفتن به حوزه علمیه قم را مطرح کردم تا با خیالی آسوده و دور از خویشان به تحصیل ادامه دهم. اما آنها صلاح دانستند که فعلا به تحصیلات ادامه داده و رفتن به قم را به سالهای بعد موکول کنم.اما دیری نگذشت که در اوایل ماه ذی القعده سال ۱۳۵۰ توسط عوامل بعثی دستگیر شده و پیش از هجرت عمومی سال ۱۳۵۰ به همراه گروهی از علماء و روحانیون به ایران فرستاده شدیم.از سال ۱۳۵۰ هجری شمسی که وارد قم شدم به ادامه تحصیل پرداخته و از محضر اساتید بزرگواری در سطوح مختلف بهره برده که به شرح زیر می باشد:

۱. جناب آقای لطفی کاشانی در مقداری از حاشیه ملا عبد الله

۲. آقای شیخ عبد الله اصفهانی در مقداری ازکتاب سیوطی

۳. آقای شیخ مهدی مجیدی کتاب مغنی

۴. آقای سید نور الدین شریعتمدار جزائری ، مقداری از شرح لمعه و جواهر البلاغه

۵. مرحوم آقای فخر وجدانی مقداری از شرح لمعه

۶. سید محمد رضا طباطبائی یزدی در مقداری از شرح لمعه و مقداری از باب حادی عشر

۷. حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در مقداری از شرح لمعه و شرح تجرید

۸. سید نور الدین حسینی اشکوری، المنطق مرحوم مظفر

۹. سید احمد حسینی اشکوری، جلد دوم شرح ابن عقیل

۱۰. شیخ حسین کورانی، بخشی از المنطق مرحوم مظفر

۱۱. آقای جلیلی در بخشی از شرح لمعه

۱۲. مرحوم عرفانی خراسانی در مقداری از معالم

۱۳. آقای شیخ احمد امین بخشی ازمعالم

۱۴. استاد شیخ مصطفی اعتمادی در رسائل شیخ انصاری

۱۵. استاد میرزا محسن دوزدوزانی در قوانین و مکاسب محرمه و جلد دوم کفایه و تفسیر برخی از سور قرآن کریم

۱۶. مرحوم آیه الله حقی در بخشی از شرح تجرید و درس تفسیر قرآن

۱۷. استاد حاج شیخ عباس نائینی در بخشی از شرح تجرید

۱۸. مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی ستوده در بخشی از بیع و خیارات مکاسب شیخ انصاری

۱۹. مرحوم آیه الله شیخ احمد پایانی در بخشی از خیارات مکاسب شیخ و کفایه جلد اول.

۲۰. مرحوم شیخ عبدالرحمن حیدری ایلامی در بخشی از شرح لمعه

۲۱. مرحوم آیه الله شیخ ابوالقاسم محمودی اشتهاردی در باب مفاهیم کفایه الاصول

۲۲. حضرت آیت الله حاج سید کاظم حائری در بخشی از بیع مکاسب

۲۳. سید محسن موسوی تبریزی در قسمتی از بدایه الحکمه

۲۴. حضرت آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی

۲۵. حضرت آیه الله العظمی شیخ هاشم آملی

۲۶. حضرت آیه الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی

۲۷. حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۲۸. حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم کوکبی

۲۹. حضرت آیه الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی

۳۰. حضرت آیه الله جعفر سبحانی یک دوره اصول

۳۱. حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی یک دوره اصول

مروجی، محمدکریم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدکریم مروجی

محل تولد : کوهدشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد کریم مروجی بروجردی در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده کشاورز متولد و بعد از مکتب و دبستان در سال ۴۲ رسما وارد حوزه علمیه شدم و بعد از دو سال تحصیل در بروجرد و خرم آباد در سال ۴۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در خدمت آقایان و آیات صلواتی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره) شرح لمعه و از آقای دوزدوزانی مختصر و آقای اعتمادی قوانین و آقایان اعتمادی و سبحانی رسائل و آقایان فاضل لنکرانی و مرحوم ستوده مکاسب و آقایان مرحوم سلطانی و ستوده کفایه را تلمذ کردم. و

در سال ۴۷ وارد درس خارج شده و عمدتا در فقه و اصول مرحوم آقای آمیرزا هاشم آملی(ره)حدودا ۱۲ سال شرکت کردم و در این مدت از فقه و اصول مرحوم آقای آشیخ مرتضی حائری تا اندازه ای بهره بردم و تا حدودی از آقایان دیگر نیز استفاده کردم. در خلال درس خواندن مشغول تدریس هم بودم و تقریبا کتابهای سطح را چند بار یا لا اقل یک بار تدریس کردم و از سال ۱۳۷۱تا به حال یک بحث فقه دارم و چند سال قبل یک دور کلیات رجال را نیز تدریس کردم.

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۸ /۱)، اعیان الشیعه (۳۲۰ -۳۱۹ /۳)، الذریعه (۲۵۲ /۲۳، ۷۹ /۱۹، ۶۷ /۱۶، ۲۹ /۱۲، ۲۶/۷، ۱۰۷ -۱۰۶ /۳)، ریحانه (۱۱۲ /۳)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰ -۱۴۲ /۶)، معجم المؤلفین (۲۶۶ /۲)، هدیة العارفین (۲۱۱ /۱).

مرویان حسینی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود مرویان حسینی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۴ در مشهد در خانواده مؤمن و متعهد و دلسوز خداوند به آن خانواده فرزندی به نام «محمود» اهداء نمود. پس از گذراندن تحصیلات دوران ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مشهد گردید. تحصیلات مقدماتی و رتبه اول سطح را از محضر حجهٔالاسلام رضوانی و ناطقی فیض برد، سپس مکاسب و کفایه را از نزد اساتیدی بزرگ چون استاد امیری و استاد رضا زاده تلمذ کرد. ورود به درس خارج ایشان در سال ۱۳۷۳ بود که خارج فقه را نزد آیت الله فلسفی و خارج اصول را نزد آیت الله مرتضوی گذراند آغاز کار پژوهشی ایشان در سال ۱۳۷۶ بود که همکاری با مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی را شروع کرد. در کنار پژوهش به امر تدریس و تربیت در حوزه علمیه مشهد و دانشگاه های این شهر اشتغال دارد.

مزینانی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مزینانی

محل تولد : مزینان سبزوار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی اینجانب محمد صادق مزینانی در سوم فروردین ۱۳۳۶ در مزینان بدنیا آمدم . پس از دوره ابتدایی بر اثر تشویق خانواده بویژه مرحوم پدرم به تحصیل علوم حوزوی روی آوردم . پس از چند ماه تحصیلی در حوزه علمیه مزینان در سال ۱۳۴۸ به حوزه علمیه مشهد مشرف شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی میلانی ثبت نام و از محضر اساتید بزرگواری چون : حجت هاشمی ، ناطقی ، اختری ، محقق و بنی هاشمی بهره گرفتم . برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۶ به قم مهاجرت کردم و از اساتید محترم همچون : اعتمادی ، فاضل هرندی ، ستوده ، صانعی و فاضل لنکرانی در درس های رسائل ، کفایه و مکاسب بهره بردم .درس خارج را از سال ۵۸ از محضر آیات عظام آیت الله فاضل لنکرانی ، نوری همدانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، هاشمی شاهرودی و ... بهره بردم .تفسیر ، فلسفه و رجال را نیز از محضر حضرات آیات : مشکینی ، جوادی آملی ، انصاری شیرازی و آقا موسی زنجانی و... استفاده کردم .پس از انقلاب اسلامی مسافرت های تبلیغی بسیاری به استان های کشور داشتم. با توجه به خلاء فرهنگی و نیاز منطقه سیستان و بلوچستان به آن منطقه رفتم و در نیروهای سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، رادیو و تلویزیون و

حوزه علمیه کارهای گوناگون فرهنگی و تدریس داشتم . در سال ۱۳۵۹ به عنوان نماینده ولی فقیه و حاکم شرع هیات واگذاری زمین در استان سیستان و بلوچستان منصوب شدم .از سال ۱۳۶۱ به بعد ضمن کارهای فرهنگی و تبلیغی در استان یاد شده در ایام تعطیل حوزه ، با عده ای از دوستان در مجله حوزه و سپس مجله فقه مشغول پژوهش و نگارش مقاله در زمینه های گوناگون به صورت جمعی و فردی شدم . محصول این همکاری حدود ۱۰۰ مقاله است . این همکاری به صورت عضویت در طرح و برنامه و هیات تحریریه و نگارش مقالات همچنان ادامه دارد .از سال ۱۳۷۰ به بعد ، ضمن شرکت در همایش ها و کنفرانس های علمی و ارائه مقاله در چند کنفرانس به عنوان مقاله برگزیده به ارائه مقاله خود پرداختم .چندین لوح یاد بود و تقدیر از سوی جشنواره مطبوعات ، جشنواره هنری ، فرهنگی اشراق ویژه صدمین سال امام خمینی (ره) دریافت داشته ام .در سال ۷۹ به درخواست دبیرخانه مرکز علمی خبرگان طرحی را درباره اندیشه های سیاسی ملا احمد نراقی ارائه دادم که مورد پذیرش قرار گرفت و کار نگارش آن در سال ۸۰ به پایان رسید و پس از چاپ به کنگره نراقیین ارائه شد . همین کتاب در پنجمین همایش کتاب سال حوزه به عنوان یکی از آثار برگزیده معرفی و جایزه ای نیز به آن تعلق گرفت و به همین مناسبت در کتابی که به منظور معرفی آثار برگزیده و پدید آورندگان از سوی دبیرخانه نگاشته شده در ص ۵۶ و ۵۷ معرفی اثر و شرح حال مختصری از مولف آمده است .

مسجدی، حیدر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حیدر مسجدی

محل تولد : کاظمین عراق

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حیدر مسجدی متولد ۱۳۴۶ در شهر کاظمین متولد شدم. و پس از تحصیلات ابتدائی و راهنمایی، توسط ساواک رژیم بعث همراه خانواده دستگیر شدیم و به زندان روانه شدیم. دو برادرم زیر شکنجه های وحشی شهید شدند و ما به سوی ایران روانه شدیم. از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس مقدماتی را در مدرسه شهید صدر گذراندم. سپس دروس سطح و خارج رااز محضر اساتید بزرگوار استفاده کردم از جمله آیه الله احمدی یزدی، آیه الله حسین نجاتی، آیه الله هادی آل راضی، آیه الله احمد مددی، که بخش مهمی از علوم حدیث و نکات بسیار ظریف فقهی و اصولی را از محضر استاد بزرگوار آیه الله احمد مددی استفاده کردم، که لازم می دانم از ایشان تشکر کنم و از او به نیکی یاد کنم. در سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ در موسسه (دائره المعارف فقه اسلامی) مشغول تحقیقات اسلامی شدم، ودر تالیف کتاب (معجم فقه الجواهر) شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث شدم و در رشته حدیث مشغول تحقیق شدم.

مسعودی، اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اصغر مسعودی

محل تولد : نی ریز فارس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تصحیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درسهایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح ، دروس را به صورت جهشی گذراندم.

متاسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال ۷۲ مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج ، وضعیت فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری ۱۹۴۶ را به رشته تحریر در آوردم.

مدتی در قم در ستاد منطقه ۲ کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره ، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم.در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال ۱۳۸۴ در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم.و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف ، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را تدریس نمودم.

مسعودی، عبدالهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالهادی مسعودی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی به مدرسه رفتم و در ۱۳۶۲ هجری شمسی دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و پس از یکسال درس مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف، کلیه درس های جدید را رها کرده و به درس حوزه که از دبیرستان آغاز کرده بودم به صورت تمام وقت پرداختم و از محضر اساتیدی همچون پدرم ، مرحوم روشنی ، آیت الله قدیری ، مرحوم پایانی ، آقای نیری همدانی و مرحوم آیت الله زاده اراکی سود بردم پس از اتمام تحصیلات سطح در سال ۱۳۶۹هجری شمسی به درس خارج آیت الله شیخ جواد تبریزی حاضر شدم و دو سال اصول فقه و ۵ سال فقه طهارت و حدود را نزد ایشان تلمذ کردم و سپس به مدت ۸ سال درس اصول آیه الله وحید خراسانی و ۵ سال فقه استاد آیت الله شبیری زنجانی شرکت جستم. از سال ۱۳۶۹ هجری شمسی کار بر روی حدیث را به صورت جدی و رسمی آغاز کردم و تاکنون به صورت مطالعه و فیش برداری موضوعی کتب حدیث، تبویب و دسته بندی احادیث شیعه و اهل سنت، ترجمه، تلخیص و ... تدوین رساله ها، مقاله ها و کتاب های مربوط به حدیث ، کارهایی ارائه داده ام. همچنین با مراکز مختلف علمی و پژوهشی ارتباط مشورتی داشته و سالهاست در دو حوزه فقه و حدیث، در حوزه و دانشگاه تدریس می کنم . اینجانب در کنار دروس اصلی فقه و اصول اندکی فلسفه و منطق نیز خوانده ام و با کلام نیز به گونه ای مختصر آشنا هستم. همچنین سالهاست که به دلیل ارتباط کاری از قرآن و تفاسیر آن نیز استفاده می برم و به همین دلیل و به دلیل مطالعه احادیث اخلاقی و نه عمل به آن، مطالبی را در رادیو معارف و رادیو قرآن و نیز سیمای جمهوری اسلامی ارائه داده ام. زندگی علمی من در مطالعه حدیث و علوم جانبی آن ، نشر مقالات حدیثی و تدریس فقه و حدیث و سخنرانی و نیز ترجمه احادیث و تلخیص بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد

مسعودی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مسعودی

محل تولد : خمین

شهرت : مسعودی خمینی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله علی اکبر مسعودی خمینی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خمین متولد شد. پدرش ـ مرحوم غلامعلی مسعودی ـ به پیشهٔ قنّادی روزگار می‌گذراند. جدّ وی به دلیل اینکه گلپایگان دچار قحطی شده بود، به خمین هجرت کرده و در آنجا ازدواج نموده بود. در خلال این سالها، خداوند به وی فرزندی به نام غلامعلی اعطا می‌کند که در خمین به زندگی می‌پردازد. خانوادهٔ آیهٔ الله مسعودی خانواده‌ای ساده و در حدّ متوسط مردم، بلکه پایین‌تر از آنها در زندگی و معیشت بود که در محلّهٔ سبزی کارها می‌زیسته است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در شش سالگی به امر پدر راهی مکتب خانه شد. در خمین مکتب داری زندگی می‌کرد که نام او،

شیخ ابوالقاسم بود و حضرت امام خمینی (ره) نیز نزد ایشان درس خوانده بود. در مقطعی که آیهٔ الله مسعودی به نزد ایشان می‌رفت، وی هشتاد ساله بود. حضور در مکتب خانه دو یا سه سال به طول انجامید و پس از آن، وی در مدرسهٔ شش کلاسه‌ای در خمین نام نویسی کرد و چون، سال اوّل را در مکتب گذرانده بود، در پایهٔ دوم به تحصیل پرداخت. از جمله کسانی که در آن دوره در آن مدرسه درس می‌خواندند، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله جلالی خمینی بودند که تا پایهٔ پنجم با آیهٔ الله مسعودی، همراه بودند. وضعیت نابسامان معیشتی خانواده، او را بر آن می‌داشت که در کنار درس، به کار نیز بپردازد؛ امّا این مسئله با مخالفت پدر و مادر وی همراه بود. ایشان با وجود کمبودهای مالی، علاقه داشتند که فرزندشان به تحصیل علوم دینی بپردازد و به مسلک روحانیت درآید. علاقهٔ خانوادهٔ ایشان به روحانیت به حدی بود، که با آن وضع اقتصادی، هر شب جمعه از مرحوم سید محمدتقی خوانساری پدر آیت الله حاج سید مهدی خوانساری غضنفری دعوت می‌کردند تا به منزل ایشان بیاید و آبگوشت و نان و پنیری با هم تناول کنند. وارستگی و زهد مرحوم خوانساری، در آیهٔ الله مسعودی تأثیر به سزایی داشت و او را بیش از پیش، به در پیش گرفتن مسیر عالمان ربّانی تشویق می‌کرد. از دیگر کسانی که انگیزهٔ ایشان را برای ورود به حوزه فزونی بخشید، مرحوم حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم عارف واصل آخوند کاشانی در اصفهان بود که برای اقامه نماز و پیشوایی مردم به خمین آمده بود. رفتار و سخنان دلنشین ایشان، کودکِ خردسالِ آن روز را شیفته و حیران خود کرده بود. وی، بعدها جامع المقدمات را نزد ایشان فرا گرفت. با پایان یافتن جامع المقدمات، در سن پانزده سالگی، به اراک رفت و به تحصیل سیوطی و حاشیهٔ ملّاعبدالله پرداخت. با پایان یافتن کتاب معالم، راهی قم شد تا از محضر عالمان آن دیار کسب فیض کند. در قم، مدرسه «دارالشفاء» ساکن شد و با جدّ و جهد دروس سطح را به پایان برد. سپس برای تحصیل درس خارج، از محضر علمای بزرگی همچون امام خمینی (ره) و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ اولین آشنایی با امام (ره) می‌گوید: «یک بار بنده از خیابان ارم قم عبور می‌کردم. وقتی از کنار مسجد محمدیه رد شدم، صدای غرّایی به گوش من رسید. نگاهی به داخل مسجد افکندم و دیدم که آقایی در حال تدریس است و شاگردان زیادی هم دارد. در کنار در ایستادم تا درس استاد تمام شد. بعد از یکی از شاگردان ایشان پرسیدم که ایشان کیست؟ گفت: حاج آقا روح الله خمینی است». آیهٔ الله مسعودی، در کنار تحصیل فقه و اصول، دروس دیگر حوزوی از جمله فلسفه و تفسیر را در محضر عالمان وارسته‌ای همچون علامه طباطبایی می‌آموخت و در جلسات اخلاقی، استادان بزرگ حوزه همچون حاج آقا حسین فاطمی که شبهای پنج شنبه در منزل جلسه‌ای اخلاقی داشت با جدّیت شرکت می‌نمود تا علم را با عمل توامان سازد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در دوران تحصیل خود، به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. ایشان در خمین، جامع المقدمات را نزد مرحوم شیخ احمد آل طاهر فرا گرفت و بخشی از «صمدیه» را که به دلیل برخورد با فصل تابستان باقی مانده بود، نزد آقای صدر که از اقوام امام (ره) بود، خواند. در اراک، حاشیه ملاعبدالله را نزد سید علی اراکی آموخت و مطول را نزد استاد ارجمند میرزا جعفر سبحانی آموخت و بخشی دیگر آن را نزد آقا شیخ حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت. با آمدن به قم، معالم را که در اراک فرا گرفته بود، دیگر بار نزد میرزا جعفر سبحانی آموخت مقداری از شرح لمعه را نزد امام موسی صدر و بخشی را نزد آیت الله شیخ جواد تبریزی خواند و نیز رسائل و مکاسب را نزد آقایان مشکینی، شیخ اسدالله اصفهانی و شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی فرا گرفت. قسمت عمدهٔ کفایه را نیز نزد شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی آموخت. برای فراگیری منطق، به نزد آقای سید جلال آشتیانی رفت و منظومه را نزد آقای فکور و ملکوتی و نیز حاج آقا رضا صدر فرا گرفت. برای تحصیل اسفار و تفسیر نیز در درس علامه طباطبایی شرکت نمود. وی برای تحصیل درس خارج از محضر عالمان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و آیهٔ الله بهجت بهره برد. وی دربارهٔ درس امام (ره) می‌گوید: «یکی از خصوصیات حضرت امام این بود که شاگردان خود را وادار به مطالعه می‌کرد. دلیل آن هم این بود که حضرت امام در خلال درس از کلمات بزرگانی همچون آقایان نائینی، آقاضیاء عراقی و آقای کمپانی استفاده می‌کردند و لازم بود که شاگردان ایشان به منابع و مأخذ مربوطه رجوع کرده و خود، عین عبارت بزرگان یاد شده را ملاحظه کنند.

از دیگر خصوصیات امام این بود که شاگردان را وادار به اظهار نظر می‌کرد و معتقد بود هر یک از آقایان در موردی از موارد که دیدگاهی دارد، باید زمینه را برای اظهار آن مهیا ببینند». دربارهٔ شیوهٔ تدریس آیهٔ الله بهجت نیز می‌گوید: «در خصوص شیوهٔ تدریس آقای بهجت باید بگویم که ایشان بر خلاف سایر آقایان، این گونه نیست که در درس خارجشان، به نقل و نقد نظرات امثال مرحوم نائینی و آقاضیاء عراقی و مرحوم آخوند و مرحوم فشارکی و مانند آن بپردازند. ایشان شیوهٔ دیگری دارند و آن، این است که ایشان بحث را شروع می‌کنند و دیدگاه خود را مطرح می‌کنند و برای آن استدلال می‌کنند. در این حال خود شاگرد باید بررسی کند که دلایل استاد، ردّ نظریهٔ کدام یک از علماست». آیهٔ الله مسعودی خمینی، از محضر چند تن از علما برای امور حسبیّه، اجازه دریافت نمود. اولین اجازهٔ ایشان، از حضرت امام (ره) بود. پس از ایشان نیز، از آقایان گلپایگانی و بهجت نیز اجازه دریافت کرد. وی در دوران تحصیل، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستانه داشت که از آن میان می‌توان آیهٔ الله جلالی خمینی، آیهٔ الله رضوانی و آیهٔ الله مصباح یزدی را نام برد. آیهٔ الله مسعودی خمینی در پیش و پس از انقلاب خدمات علمی و فرهنگی شایانی را به جامعه علمی و فرهنگی کشور ارزانی داشت. وی، در حین تحصیل در حوزه علمیه، کتابهایی را که از پیش فرا گرفته بود، تدریس می‌کرد. از جمله کتاب جامع المقدمات را به طلاب نوآموز یاد می‌داد و به تدریس کتاب حاشیه ملاعبدالله در مسجد محمدیه قم می‌پرداخت که با استقبال فراوان طلاب روبه رو شد، به گونه‌ای که مسجد، مملوّ از جمعیت می‌شد. از دیگر کتابهایی که ایشان سالها به تدریس آن مشغول بودند، کتاب شرح لمعه و معالم بود که ثمرهٔ این تلاشها، تربیت طلاب فاضل و با تقوا در حوزه علمیه قم بود. همچنین ایشان در طول این سالها، تألیفات و یادداشتهای فراوانی نیز داشته که از جمله کتاب «خمس» را می‌توان نام برد که بخش عمدهٔ آن در حادثه‌ای از بین رفت و دیگر «تقریر مبحث دماء ثلاثهٔ» امام خمینی (ره) است که به چاپ رسیده است. از خدمات مهم فرهنگی آیهٔ الله مسعودی خمینی، تصدی تولیت آستانه مقدسهٔ حضرت معصومه سلام‌اللهعلیها و خدمات فراوان به آن است. بارگاه ملکوتی حضرت معصومه سلام الله علیها که در روایات آشیانهٔ آل محمد(ص) معرفی شده، یکی از مهم‌ترین پایگاههای شیعه است. عنایت کریمهٔ اهل بیت و فیض حضور او در شهر قم، این شهر را به شهری عالم پرور و سرچشمه مبارزات برای تحقق جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و خدمت به این مرکز مهمّ، خدمت به شیعه، حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و پاسداشت خون شهیدان راه استقلال و آزادی است. آیهٔ الله مسعودی خمینی، پس از تصدی تولیت آستانهٔ حضرت معصومه سلام الله علیها که با حکم مقام معظم رهبری همراه بود، به عمران و گسترش آن همت گماشتند و با بازسازی و مرمّت بخشهایی از آن، میراث فرهنگی بزرگ شیعه را پاس داشتند. ایشان در طی این سالها، موقوفات آستانه را که بخشی از آن به دلیل اهمال از دست آستانه مقدسهٔ خارج شده بود، به حرم مطهّر باز گرداندند. همچنین با گسترش کتابخانهٔ حرم، هم از نظر مساحت و هم از نظر تعداد کتب پرداختند، به گونه‌ای که کتابخانه را به مکان شایسته‌تر و تعداد کتب را از حدود بیست و دو هزار به شصت و پنج هزار جلد رساندند و حدود پانصد نسخهٔ کتاب خطی نفیس برای آن تهیه کردند. با تلاش و پیگیری ایشان گنبد مطهر حرم پس از دویست و ده سال تعویض و با بهترین طلا ـ بازسازی گردید همچنین صحن و مسجد جدید در جوار حرم مطهر که از پروژه‌های معظم در توسعه حرم می‌باشد توسط ایشان بنا گردید. از دیگر خدمات ایشان در این عرصه، راه اندازی انتشارات حرم و چاپ کتب مذهبی متعدد و نیز چاپ نشریه‌ای به صاحب امتیازی آستانه مقدسه بود که زائران حرم مطهّر، از آن بهره می‌برند. حرمی که آشیانهٔ آل محمد(ص) می‌باشد، باید به پیروی از اهل بیت علیهم السلام، رسیدگی به حال محرومان و مستضعفان را سرلوحهٔ کارخویش قرار دهد و پناهگاه نیازمندان و درماندگان باشد. در این زمینه، حرم مطهر، طرحهای گسترده‌ای را به انجام رسانده است که همه حکایت از تلاش بی وقفهٔ مسؤولین آن، بویژه آیهٔ الله مسعودی دارد. از تلاشهای دیگر ایشان در امور فرهنگی آستانهٔ مقدسه، فراهم آوردن زمینه برای بهره مندی زائران از سخنان علماء و واعظان و مداحان برجسته و نیز برگزاری جلسات مختلف، از جمله دعای ندبه، کمیل و توسل بوده است. همچنین ایشان به نگهداری و بهینه سازی موزهٔ حرم مطهر همت ویژه‌ای گماشته، آن را به مرکزی

دیدنی و یادگار عشق مردم ایران به خاندان پیامبر گرامی اسلام (ص) تبدیل نموده است. او همچنین اشیاء گران قیمت که در رژیم سابق پراکنده شده بود را به موزه آستانه مقدسه عودت داد. آیهٔ الله مسعودی خمینی، در پیش و پس از انقلاب خدمات سیاسی فراوانی را برای تحقّق انقلاب اسلامی و تداوم آن انجام داده است که ذکر همهٔ آنها در این مختصر نمی گنجد. او مانند بسیاری دیگر از عالمان و مجاهدان قرن اخیر، تفکر و خط مشی امام خمینی (ره) را در مبارزه سرلوحهٔ خویش قرار داده و در مواقع حساس و مهم، تابعیت خود را از زعیم عالیقدر شیعه به اثبات رسانده است. شخصیت امام (ره) و شجاعت و صلابت او به حدّی بود که اطرافیان و دیگر مبارزان را سخت تحت تأثیر خود قرار می‌داد. وی دربارهٔ شجاعت امام (ره) می گوید: «بنده در مدتی که خدمت ایشان بودم، هرگز مشاهده نکردم که بی دلیل و صرفاً از سرهوای نفس، عصبانی شوند. در عوض هر جا که پای دین و دیانت و حفظ ارزشهای انسانی و اسلامی به میان می‌آمد، رگهای گردنشان متورم می‌شد و فریاد می کشیدند. در سنوات مبارزه، شدیدترین اعتراضات را به شاه آمریکایی نمودند؛ امّا در قبال بی مهری دوستان صبور و حلیم بودند. اگر کسی ایشان را آن گونه که در خورشان بود، تعریف نمی کرد یا برای مثال به ایشان آیهٔ الله العظمی نمی گفت، ایشان به اندازهٔ سرسوزنی دلگیر نمی‌شد و تغییری در رویّه شان مشاهده نمی گردید». همچنین دربارهٔ ساده زیستی امام (ره) می گوید: «به خاطر دارم که در سنهٔ چهل، و چهل و یک، حضرت امام مُهری در اختیار داشتند که در ذیل جواب به استفتائات و مانند آن، مورد استفاده قرار می‌دادند، منتها برای آغشته کردن قسمت برجستهٔ مُهر به جوهر، به علت نداشتن استامپ همواره مشکل داشتند و این مشکل را به نحوی تحمل می کردند تا اینکه یک بار بنده به ایشان عرض کردم که اگر اجازه بدهید، من کاری می کنم که زحمت شما کمتر شود. فرمودند: چه کار می کنی؟ عرض کردم، شما اجازه بدهید. مطمئناً راضی خواهید شد. ایشان هم اجازه دادند. بنده استامپی تهیه کردم و در اختیار ایشان گذاشتم. امام از قیمت استامپ سؤال کردند و نگران قیمت بالای آن بودند؛ ولی در نهایت مورد قبول واقع شد و ایشان از آن به بعد، مهرشان را که در سینه آویز کرده بودند، در می‌آوردند و به استامپ می‌زدند و استفاده می کردند». آیهٔ الله مسعودی خمینی از سالهای اولیه مبارزهٔ امام (ره) بر ضد رژیم شاه، با ایشان همراه بود و در سخنرانیهای خود همواره شاه و دار و دسته‌اش را منکوب می کرد. وی، پس از هجرت امام به نجف، با زحمت فراوان از مرز ایران خارج شد و با تحمل مشقّات در نجف به دیدار امام (ره) شتافت سپس به بیان مشکلات موجود در راه و توسل به امام زمان (عج) برای رهایی از آن مشکلات و رسیدن به نجف پرداخت. امام نیز با شنیدن سخنان او، فرمودند: «هر کس را بخواهند، به مقصد می‌رسانند». پس از بازگشت از نجف، به دستور امام خمینی (ره) عازم سیرجان شد تا به حل مشکلات مردم و آماده‌سازی آنان برای انقلاب بپردازد که این اقامت، چهار سال به طول انجامید. از اقدامات مؤثر ایشان در سیرجان، تأسیس حوزه علمیهٔ آن شهر و نیز دعوت از طلاب و مبلغین قم برای سخنرانی در سیرجان در ایام ماه رمضان، محرم و صفر بود. خدمات ایشان و نیز افشاگریها و سخنرانیهای حماسی، منجر به بازداشت، ممنوع‌المنبر شدن و حتی ممنوع الکلام شدن ایشان شد. از این رو وی را به کرمان برده با آرشام رئیس ساواک وقت روبرو شدند. چند روزی در زندان کرمان مانده لیکن با راهپیمائی مردم سیرجان آزاد شدند و تعهد گرفتند که در سیرجان نمانند. بخشی از فعالیت سیاسی آیهٔ الله مسعودی در دههٔ پنجاه، به مبارزات با جریانات انحرافی و التقاطی معطوف بود. در این دوره آیهٔ الله مسعودی با همراهی آیهٔ الله مصباح یزدی، به افشای طرح دشمن برای تحریف جریان مبارزه و حمایت از تز اسلام منهای روحانیت می‌پرداخت و بر پیروی از خط مرجعیّت و روحانیّت و انقلاب صددرصد اسلامی پای می‌فشرد. از فعالیتهای مهم ایشان در آستانه پیروزی انقلاب، شرکت در تحصن علما در دانشگاه تهران و نیز عضویت در کمیتهٔ استقبال از امام (ره) بود. همچنین آیهٔ الله مسعودی، از افرادی است که در تشکیل جامعه مدرسین و سازماندهی مجدد آن نقش بسزائی داشته است. وی درباره چگونگی تشکیل جامعه مدرسین، می گوید: «تاریخچهٔ جامعه مدرسین بسیار جالب است و باید در فرصت مقتضی بدان پرداخته شود. شاید پیش از این گفته باشم که هستهٔ اصلی جامعه، قبل از نهضت امام خمینی نهاده شد. عدّه‌ای از دلسوزان دور هم جمع شدند و در این باره صحبت کردند که حوزه

بایستی درب و دروازه داشته باشد و صاحب نظم و انتظامی شود. این هسته عبارت بودند از آقایان: مصباح، رشیدپور، سید ابراهیم خسروشاهی، امینی، مرحوم شیخ محمدعلی قمی و بنده. حدود ده جلسه در خصوص ضرورت تشکیل جامعه مدرسین بحث و تبادل نظر شد و تصمیم بر این شد که نزد بزرگان حوزه و مراجع برویم و به خصوص دربارهٔ سطح پایین اخلاق در حوزه گلایه کنیم و بخواهیم که برای رفع این مشکل اقدامی کنند از این رو چند نفر خدمت حضرت امام و سایر مراجع رسیدند که تنها از سوی حضرت امام جواب مثبت شنیدند... در روز اوّل که بنا شد جلسه جامعه تشکیل شود، به هزار تومان پول نیاز داشتیم و جمع ما که مرکب از حدود چهل تن از علمای بزرگ بود، این وجه را در اختیار نداشتند. آقای مؤمن ابراز کرد که خوب است از شهریهٔ خود آقایان این وجه تهیه شود. هر کدام از اعضا مقداری از این وجه را تقبّل کردند و کار را با هزار تومان شروع کردیم. بحث درباره کارهای مثبت جامعه مدرسین در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب بسیار مفصل است». در آن سالها، جامعه مدرسین اقدامات مهمی را بر ضد رژیم شاه به انجام رساند که از جمله می‌توان به خلع ید شاه از حکومت اشاره کرد که موجبات شادی دلِ امام (ره) را فراهم نمود. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، آیهٔ الله مسعودی، در مدرسهٔ رفاه، در خدمت امام بود و با تشریف فرمایی امام به قم، به همراه ایشان به قم آمد. آیهٔ الله مسعودی در طول سالهای دفاع مقدس، بارها در کنار رزمندگان حضور یافت و همواره مدافع اسلام و انقلاب بود. ایشان هم اکنون تولیت آستانهٔ مقدسهٔ حضرت معصومه را بر عهده دارد و به خدمت به زائران کریمهٔ اهل بیت می پردازد.

مسعودیان، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد مسعودیان

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه امام خمینی(ره) مشغول تحصیل جامع المقدمات شدم و تا پایان پایه سوم در آن مدرسه حضور داشتم. پس از پایان پایه سوم درس لمعه و اصول فقه را در درسهای استاد محمدی شرکت کردم و سپس رسائل را خدمت همان استاد و مقداری را خدمت استاد اعتمادی تمام نمودم. مکاسب را در درسهای استاد پایانی، استادی، محقق داماد و عراقی‌همدانی و نکونام شرکت کردم.همچنین درسهای لعمه را خدمت اساتید معظم طالقانی، سعیدی، خاتمی، درس کفایه را خدمت استاد موسوی تهرانی و اعتمادی تلمذ نمودم. سپس در سال ۷۱ یا ۷۲ در درس خارج آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) شرکت کردم. همچنین در درس اساتید محترمی همچون آیت الله وحید خراسانی و سبحانی نیز شرکت داشته ام. از سال ۱۳۷۶ کار خود را در واحد پاسخ به سوالات (نهاد رهبری دردانشگاه) آغاز نمودم و از سال ۱۳۷۹ (سال تاسیس) واحد پاسخ به سوالات ستاد اقامه نماز را تحت اشراف حاج آقای کلباسی راه اندازی نموده و تاکنون(۲۴/۱۰/۸۵) مشغول خدمت می باشیم.

مسلم ملکوتی، عبدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالله مسلم ملکوتی

محل تولد : سراب

شهرت : ملکوتی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیهٔ الله میرزا مسلم ملکوتی، در پانزدهم خرداد سال ۱۳۰۳ در حومهٔ شهرستان سراب، واقع در ۱۳۰ کیلومتری تبریز به دنیا آمد. پدرش به شغل کشاورزی روزگار می‌گذراند و دارای تحصیلاتی نیز بود. اشتیاق خانواده آیهٔ الله ملکوتی و نیز علاقه پدر، او را به تحصیل علوم دینی وا داشت؛ به گونه‌ای که در پنج یا شش سالگی نزد عالم محل که خود از منسوبین او بود، توانست نوشتن و خواندن را فرا گیرد و با قرآن مجید و معارف آن آشنا شود و بخشی از قرآن را حفظ کند. آیهٔ الله ملکوتی، با فرا گرفتن قرآن در زادگاه خود به سراب آمد و در آنجا به فراگیری کتابهای متداول ادبی حوزه علمیه، همانند جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، مطول، منطق و اصول فقه پرداخت و در هفده سالگی برای ادامهٔ تحصیل، به تبریز رفت. در حوزه علمیه تبریز، به مدت چهار سال اقامت داشت و از محضر استادان گرانمایه آن دیار همچون مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی، مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی. بهره برد و کتابهای شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به پایان رساند. ایشان در طی این سالها، کتابهایی را که پیش‌تر فرا گرفته بودند، به طلابی که تازه وارد حوزه شده بودند، تدریس می‌کردند. با اتمام دوره سطح، در سال ۱۳۲۱ به منظور ادامهٔ تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و در علوم معقول و منقول، از محضر بزرگانی چون امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی بهره برد. سپس به حوزه علمیه مشهد عزیمت کرد و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) از درس بزرگان آن دیار، همچون آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود. شوق فراگیری علوم دینی، آیهٔ الله ملکوتی را در سال ۱۳۳۴ به سمت نجف اشرف کشاند. انوار علوی چنان بر سر ایشان سایه افکند که توانست در آن دیار، به درس بزرگانی چون آیهٔ الله سید ابوالقاسم خویی، آیهٔ الله سید محسن حکیم راه یابد و کسب فیض نماید؛ همچنین در این مدت از تربیت شاگردان ممتاز در فقه، اصول، فلسفه، کلام، ریاضی و ... غافل نماند و بدین ترتیب، دین خود را به حوزه علمیه آن دیار نیز ادا کرد. اقامت دوازده ساله ایشان در نجف، در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید و ایشان برای سپری کردن اوقات فراغت در تابستان، به ایران آمد. با به پایان رسیدن تابستان، بار دیگر قصد نجف اشرف نمود؛ اما درگیریهای آن روز دولت ایران و عراق که به نا امن شدن مرزها انجامیده بود، او را از تصمیم خود بازداشت و دیگر باز، عازم شهر مقدس قم شد. آیهٔ الله ملکوتی، با ورود به شهر قم، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد که با استقبال فراوان طلاب مستعد روبرو شد و نیز ایشان در کنار آن به تدریس فلسفه می‌پرداخت که حاصل آن، ظهور طلابی فرهیخته در حوزه علمیه امروز ماست. دوران تحصیل آیهٔ الله ملکوتی، در محضر بزرگانی سپری شده است که نام

هر کدام، همچون ستاره‌ای در آسمان تشیع می‌درخشد. ایشان در تبریز، دروس سطح را نزد مرحوم آیهٔ الله میرزا فتاح شهیدی، مرحوم آیهٔ الله سید کاظم شریعتمداری، مرحوم آیهٔ الله میرزا محمود دوزدوزانی و مرحوم آیهٔ الله سید مهدی انگجی آموخت. با ورود به قم، در درس خارج فقه و اصول آقایان مرحوم حاج میرزا محمد فیض قمی و سید محمد حجت شرکت نمود. با ورود آیهٔ الله بروجردی به قم از درس ایشان نیز بهره برد و در علوم عقلی به درس حضرت امام خمینی(ره) رفت. ایشان از امام(ره) به دقت، جدیت و همت بلند معظم له یاد می‌کند و از سجایای اخلاقی ایشان، حضور دائمی در نماز جماعت را بر می‌شمرد. همچنین ایشان در علوم عقلی از میرزا مهدی مازندرانی، شیخ ابوالقاسم اصفهانی، میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی نیز بهره برده است. در مشهد نیز به درس فلسفه شیخ سیف الله ایسی میانجی و هیأت و ریاضیات شیخ محمد رضا کرباسی رفت و نیز از محضر آیهٔ الله میرزا مهدی اصفهانی بهره‌های فراوان برد. استادان ایشان در نجف، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی و شیخ حسین حلی‌بودند که در درسهای خارج فقه آنان شرکت می‌نموده است و نیز در درس خارج فقه و اصول آیهٔ الله ابوالقاسم خویی حضور مداوم داشته است. ایشان از دوستان دوره طلبگی خود به شیخ اسدالله اصفهانی و آقا سعید اشراقی اشاره می‌کند که همواره با آنها به مباحثه دروس فرا گرفته شده، می‌پرداخته است. آیهٔ الله مسلم ملکوتی طبق سنت حوزه‌های علمیه، هم زمان با تحصیل به تدریس دروس به طلاب بعد از خود می‌پرداخت و در فقه و اصول، فلسفه، کلام، هیأت، ریاضی و ... صاحب شاگردانی زبده بود و سه حوزه قم، نجف و مشهد خاطرهٔ سالها تدریس ایشان را در ذهن دارد. زندگی آیهٔ الله ملکوتی همچون بسیاری دیگر از علمای راستین، با مبارزات و فعالیتهای سیاسی بسیاری همراه بود. در زمان سلطه حکومت ستمشاهی، ایشان لحظه‌ای از مبارزه با آن رژیم سرباز نزد و حتی دیگران را به فعالیت و مبارزه بر ضد شاه تشویق می‌کرد. آیهٔ الله مسلم ملکوتی با تأسیس کتابخانه و صندوق قرض الحسنه المهدی در شهر سراب، زادگاه خود، بر آن شد که با جذب جوانان متدین، آنها را برای مبارزه بر ضد رژیم شاه منسجم و متشکل سازد و در ضمن، مبانی اعتقادات آنها را نیز تقویت کند. از فعالیتهای دیگر ایشان در پیش از انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. در آن روزگار، جلسات جامعه مدرسین به صورت مخفی و در خانهٔ افراد عضو، برگزار می‌شد. آیهٔ الله ملکوتی با حضور مستمر در جلسات جامعه مدرسین، امضای نامه‌های آن مرکز در حمایت از نهضت امام خمینی(ره) و تبادل نظر با گروهها و جناحهای سیاسی برای وحدت هر چه بیشتر، نام خود را در شمار یاران باوفای انقلاب و امام(ره) رقم می‌زد. افشاگری‌های ایشان در آن سالها، باعث شده بود که ساواک بارها ایشان را در قم و آذربایجان تحت تعقیب قرار دهد. حضرت آیهٔ الله ملکوتی، در سالهای مبارزه بر ضد رژیم با تبعیت و پیروی محض از فرمانهای حضرت امام خمینی(ره) در برابر گروهها و دسته‌های انحرافی و التقاطی ایستاد و بر اسلامی بودن حرکت، پافشاری نمود. فعالیتهای سیاسی ایشان به پیش از انقلاب محدود نشد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، حضور سبز و پر صلابت ایشان در عرصه‌های گوناگون انقلاب، به بسیاری از مبارزان، امید می‌بخشید. ایشان با شرکت مستمر در دفتر استفتائات امام(ره) به مستحکم کردن پیوند امام و امت و نیز به حل مشکلات فقهی مردم می‌پرداخت و نیز به نمایندگی از طرف امام(ره) برای حل مشکلات مردم آذربایجان و زنجان، به آن دیار شتافت. با شهادت آیهٔ الله مدنی، امام جمعه تبریز، در سال ۱۳۶۰، امام خمینی(ره) آیهٔ الله ملکوتی را به نمایندگی خود در آذربایجان و نیز به عنوان امام جمعه تبریز برگزید. تبریز در آن سالها دست خوش نزاعها و تحریک گروهکهای ضد نظام برای ایجاد یأس از انقلاب اسلامی بود. آیهٔ الله ملکوتی با افشای این دسیسه‌ها و دعوت مردم و گروه‌های هوادار انقلاب به وحدت و یکپارچگی، دشمنان را از رسیدن به اهداف خود مأیوس نمود. ایشان بارها و بارها در خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها، مردم را به حضور پر شور در جبهه‌های جنگ و کمک به رزمندگان دلیر اسلام فرا خواند و خود نیز از حمایت مادی و معنوی رزم آوران دفاع مقدس دریغ نورزید. همچنین آیهٔ الله ملکوتی در دورهٔ اول و دوم مجلس خبرگان رهبری، به نمایندگی از طرف مردم آذربایجان شرقی عضویت داشت و خدمات شایانی را در این عرصه نیز به انجام رساند. آیهٔ الله ملکوتی در سال ۱۳۷۳، با دعوت

برخی بزرگان حوزه علمیه قم و نیز موافقت مقام معظم رهبری از تبریز به قم آمـد و با بر پا کردن درس خارج فقه و اصول، بسیاری از طلاب علوم دینی را شیفتهٔ درس خویش ساخت و بدین وسیله، سیرهٔ علما و دانشمندان این حوزه سترگ را پاس داشت.

مسیبی، رضوانعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضوانعلی مسیبی

محل تولد : بابلسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضوانعلی مسیبی قبل از هفت سالگی شروع به تحصیل قرآن کریم نموده و بعد از ۷ سالگی وارد مدرسه ابتدایی در شهر بابلسر – مازندران شدم و تا مقطع دیپلم را در همان رشته علوم تجربی به پایان رساندم. سپس در تاریخ ۲۱/۱۰/۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مـدرسه حقانی) شدم و به مدت ۵ سال و نیم کل دروس مقدمات و سطح را تمام کردم و وارد درس خارج شدم تا الان . از همان اوایل تحصیل درحوزه علمیه قم مشغول تدریس ادبیات شده و سپس به فقه و اصول و ... تا الان که مکاسب، رسائل و کفایه را تدریس می کنم . و چون علاقه وافر به قرآن داشتم از همان اوائل تحصیل در حوزه در جلسه تفسیر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کرده و بهره ها بردم تا الان که مشغول تلمذ در این درس هستم . از طرفی علاقه به معقولات ، اینجانب را به حضور در دروس فلسفه و عرفان کشانده و از این رهگذر حضرت آیت الله حسن زاده آملی بعضی از مجلدات اسفار و مصباح الانس در عرفان را تلمذ کرده و بعضی از مجلدات اسفار را هم نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. بعد از سالها تدریس در فکر قلم زدن در وادی مسائل مبتلا به شدم تا اینکه در تالیف اول (بازگشت به خویشتن یا توبه نصوح) که جنبه تفسیری آن بر اخلاق برتری دارد را ارائه کردم . سپس در مقالات شخصی که بر متون اهل سنت در فقه و حدیث – تاریخ داشتم کتاب دوم را تالیف نمودم . در رهگذر این تدریس و تلمذ و تدریس ، به حفظ قرآن پرداخته و سالها در کتاب شریف نهج البلاغه و صحیفه سجادیه سپری کردم و موضوعات زیادی را یادداشت و جمع آوری کردم که با اندك زحمتی هر كدام به تالیف تبدیل می شوند. تا اینکه پسر ارشدم را در سن ۷ سالگی حافظ کل قرآن – صحیفه – نهج البلاغه (نامه – کلمات قصار) شده است که از قبل دعوت ایشان به داخل و خارج کشور اجرای برنامه های قرآنی – اینجانب هم راهی تبلیغ در این وادی شده واکثر اوقاتم در این مسیر سپری می شود.

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم مسیح شرقیان

محل تولد : سادات شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیهٔالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادهٔ ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً ـ آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیهٔ الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: ۱- معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی ۲- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی ۳- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی ۵- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیهٔ الله آقا سید محمد تنکابنی ۶- مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود ۷- و رسائل شیخ را نزد آیهٔ الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸- جلدین کفایهٔ الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی

را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیهٔ الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. ۹- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیـهٔ الله العظمی رفیعی قزوینی خوانـدم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شـدت ضـعف نماز خوانـدن بر من سـخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمـول آن شب به طلبه هـای مـدرسه چلوکبـاب می داد و از من هم دعوت شـد ولی من بـا این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری نـدارد!... در ضـمن تحصـیلات قـدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و شـشم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصـیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شـیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضـی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصـیه مرحوم شـیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضـرت آیهٔ الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیهٔ الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیهٔ الله وحید گیلانی امتحان شـفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شـیخ انصاری انجام شـد و قبول شـدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاهٔ یک ماه اخیر آیـهٔالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لـذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشـتم و به نظر آقای بروجردی رسـید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصـد و چهل تومان تعیین کردنـد و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسـهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضـرت آیـهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیهٔ الله العظمی امام خمینی (ره) در مسـجد سلماسـی و فلسـفه و حکمت را هم در مسـجد سلماسـی نزد علامه طباطبایی خوانـدم و پس از فوت آیـهٔ الله بروجردی فقه را نزد آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و آیهٔ الله العظمی مرعشـی نجفی و آیـهٔ الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعیـد حضـرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیـهٔالله العظمی میرزا هـاشم آملی لاریجـانی شـرکت کردم و ضـمناً در دروس آیـهٔالله العظمی محقق دامـاد در درس خارج فقه نیز شـرکت کردم. و مـدتی نیز در درس آیهٔالله العظمی حاج شـیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده اسـتادم حاج شـیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شـیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با اسـتخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشـته فلسـفه و حکمت اسـلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱-دکتر مصطفی محقق داماد ۲- حجهٔالاسلام ناطق نوری ۳- حجهٔالاسـلام مهـدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مـدرک کارشناسـی لیسانس معقول و منقول شـدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصـیل شـدم و شاگرد ممتاز شـدم و از ۲۰ واحـد دروس دانشـگاهی نمره الـف گرفتم و بعنـوان تشویق بورس مصـر را به من دادنـد ولی رابطه دولت ایران و مصـر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشـکلات منصـرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن اسـتاد معارف اسـلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضـمن تدریس بعنوان جزوه درسـی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشـکده پرسـتاری بودم و در سال ۱۳۸۲ بازنشـست شـدم و همزمان ۵۲ سـال در مساجـد رامسـر و حـومه به تبلیغ دین مشـغول بودم و منـبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مـدت ۴ سال بعنوان اسـتاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مسـتقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشـگاه شاهـد رامسـر تـدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سـال قبل در دوران کودکی با خـدای خود بسـته بودم و ان

شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمهٔالله.

مشایخی، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله مشایخی

محل تولد : گلپایگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قدرت الله مشایخی در سال ۱۳۴۲ بعد از تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه علمیه خوانسار شدم و کتاب جامع المقدمات را نزد مرحوم آیت الله حاج آقا حسن علوی فرا گرفتم و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه اراک و سیوطی و حاشیه را نزد آقای رفیعی در مدرسه آقا ضیاء الدین گذرانده و در سال ۱۳۴۵ وارد حوزه علمیه قم و کتاب مغنی را نزد حاج سید حسن درچه ای و آقای فشارکی و معالم الاصول را نزد آقای اشکوری و مطول را نزد آقای دوزدوزانی و شرح لمعه را نزد آقای ستوده و سید ابوالفضل موسوی و قوانین را نزد آقای اعتمادی مکاسب را نزد آیت الله سلطانی و آیت الله فاضل لنکرانی و رسائل را نزد آیت الله سبحانی گذرانده و کفایه را نیز نزد آیت الله سلطانی و آیت الله مشکینی . سپس درس خارج حوزه را مدتی در خدمت مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حاج آقا مرتضی حائری گذرانده و مدتی نیز درس اصول آیت الله حاج شیخ هاشم آملی و آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی و خارج فقه را سال های متمادی نزد حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفتم . در درس فلسفه مدت ۸ سال خدمت آقای حسن زاده آملی اسفار شرکت کردم . مدت کوتاهی در یک تابستان مسائل مستحدثه را نزد حضرت امام خمینی رحمه الله علیه آموختم .

در خلال این سنوات همیشه در ماه های تبلیغ محرم و صفر و رمضان را مشغول منبر و تبلیغ در شهرهای مختلف کشور و در حدود چند سالی اداره کلاسهای فن خطابه دفتر تبلیغات اسلامی را به عهده داشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها از سال ۱۳۶۲ بنا به دعوت شورای انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه الزهراء شدم چند سالی را به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول بودم و بنا به تقاضای دانشگاه از سال ۱۳۷۰ از طریق شرکت درخبرگان بی مدرک جزء هیئت علمی دانشگاه الزهراء ، دانشکده الهیات در گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی قرار گرفتم و اکنون هم جزء هیئت علمی این دانشکده در دانشگاه الزهراء می باشم و تقریبا اوقات درسی نیمی ازهفته را در آنجا و نیمی ازهفته را نیز در حوزه علمیه قم اشتغال دارم . در دوران تحصیل درحوزه گذشته از اداره کردن کلاس های فن خطابه درس های اعتقادی مدرسه حقانی و همچنین درس لمعه و عروه الوثقی را در مدرسه آیت الله گلپایگانی تدریس داشتم و در مدرسه فاطمیه درس هائی ازنهج البلاغه را تدریس می کردم که جزوه های آن را هر هفته بین طلاب تقسیم می کردند و در این بحث ها نامه امام به مالک اشتر و وصیتنامه آن حضرت به امام حسن

مجتبی علیه السلام مورد بحث و تدریس قرار می گرفت .
در حال حاضر در دانشگاه قواعد فقه ، احادیث فقهی ، مبادی فقه ، مبادی اصول و فقه تطبیقی که عبارت از فقه مذاهب خمسه می باشد را تدریس می کنم و در بسیاری از این درس ها مثل تاریخ اسلام ، معارف اسلامی و سوره های متعددی از تفسیر قرآن جزو ه هایش موجود است . روزهایی را که در حوزه هستم در درس فقه آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی شرکت می کنم و مشغول تکمیل جزوه های گذشته و بحث هائی در نهج البلاغه هستم .

مشتاقی نیا، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مشتاقی نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۷/۵/۵

زندگینامه علمی

اینجانب سید حمید مشتاقی نیا درسال ۱۳۷۶ وارد مدرسه علمیه روحیه شهرستان بابل گردیدم .این مدرسه تحت اشراف حضرت آیت الله محمدی ازعلمای گراسنگ وگمنام خطه مازندران اداره میشود .بنده ۶ سال دروس عقائد ومنطق سال اول حوزه را تدریس می نمودم . یک سال نیزبه عنوان طلبه ممتاز بسیجی انتخاب گردیدم . سال ۱۳۸۰ وارد قم شده و بعد از اتمام دروس سطح، خارج فقه و تفسیر را نزد اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی و توکل آغاز نمودم .تا کنون بیشتر کتب منتشر شده این جانب درارتباط با دفاع مقدس بوده وبا برخی مؤسسات دراین خصوص ارتباطات کوتاهی داشته ام .آرزوی بنده این است که بتوانم باحمایت مسئولین امر بیشتر توان خود را در راه حفظ و ترویج فرهنگ والای جهاد و شهادت مصروف دارم انشاءالله.

مشکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مشکی

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم و در حقیقت کارهیا علمی نوشتاری از سال ۱۳۷۲ شروع شد کتب و مقالات و تحقیقات زیادی دارم که بعضی چاپ و بعضی در دست اقدام می باشد. همراه با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دکتری در رشته حقوق خصوصی شدم و تحصیلات حوزوی هم اجتهاد می باشد. و فعلا به عنوان عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه آزاد مشغول به تدریس هستم.

مشکینی، ابوالحسن

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالحسن بن عبدالحسین مشکینی اردبیلی نجفی عالمی فاضل و فقیهی تحریر و مدرسی بزرگ و خوش تقریر بوده است ولادت ایشان در سال ۱۳۰۵ قمری در یکی از دهات مشکین شهر اردبیل واقع شده و از آنجا برای تحصیل در سال ۱۳۲۰ به اردبیل آمده و در سال ۱۳۲۸ ق مهاجرت به نجف اشرف و مدت کوتاهی درک بحث آخوند خراسانی را نموده و پس از فوت وی خدمت مرحوم آقا شیخ علی مدرس قوچانی تلمذ کرده و در سال ۱۳۳۷ ق به کربلاء عزیمت و از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و پس از فوت ایشان به نجف مراجعت و به تدریس و تصنیف پرداخته و از مدرسین درجه یک اصول گردیده و جمع کثیری از فضلاء که امروز از آیات عظام قم و نجف و سایر بلاد و از مراجع تقلید عصر حاضرند از محضرش استفاده نموده‌اند.

مرحوم آیت‌اللّه مشکینی در اواخر مبتلا به کسالت گردیده و برای معالجه به بغداد آمده و در روز دوشنبه بیست و هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۵۸ ق در سن پنجاه و سه سالگی وفات و جنازه‌اش حمل به نجف و در جنب مقبره مرحوم علامه یزدی آقاسید محمدکاظم در مقبره صحن شریف مدفون گردیدند.

آثار علمی ایشان از این قرار است.

۱- الفوائد الرجالیه ۲-المناسك ۳- حاشیه کفایه که مطبوع با کفایه می‌باشد ۴- حاشیه عروۀالوثقی ۵- کتاب الصلوه ۶- کتاب الزکوۀ ۷- کتاب الطهاره ۸- رساله در ترتب ۹- رساله‌ای در کر ۱۰- رساله در رضاع ۱۱- رساله در معنای حرفی و غیره

(۱۳۵۸ -۱۳۰۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. نسبتش به مشگین، از توابع اردبیل، می‌رسد. برای فراگیری علوم به اردبیل رفت و در ۱۳۲۸ ق به نجف مهاجرت کرد. او در محضر آخوند خراسانی و شیخ علی قوچانی و شریعت اصفهانی و آقا سید محمدکاظم یزدی تلمذ نمود. در ۱۳۳۷ ق به کربلا رفت و در حوزه‌ی درس و بحث میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد. پس از درگذشت استادش، میرزای شیرازی ثانی، به نجف بازگشت و به تدریس اصول و تصنیف پرداخت. وی سرانجام در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاك سپرده شد. از آثارش: «الفوائد الرجالیۀ»؛ «المناسك»؛ حاشیه بر «کفایۀ الاصول» آخوند خراسانی؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «العروۀ الوثقی»؛ کتاب «الصلاۀ»؛ کتاب «الزکاۀ»؛ کتاب «الطهارۀ»؛ حاشیه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله‌ی «الترتب»؛ رساله‌ی «الرضاع».[۱]

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۳۳۶/ ۲)، الذریعه (۳۳۷ -۳۳۶/ ۱۶ ،۱۸۶/ ۶)، ریحانه (۳۲۰ -۳۱۹/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷۵ -۷۴/ ۷)، معجم المؤلفین (۲۹۵/ ۳).

مشکینی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیهٔ الله علی اکبر فیض معروف بـه مشـکینی در سـال ۱۳۰۰ هجری شمسـی در روسـتایی از توابع بلـوک مشـکین شـهر و در میـان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحـانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیـهٔ الله مشـکینی هنگـامی که همراه با پـدر در نجف اشـرف مقیم بود، به مکتب خـانه رفت. هنوز بیش از دو سـال از اقامت خانواده آیـهٔ الله مشـکینی در نجف نگذشـته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیـهٔ الله مشـکینی به همراه پـدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مـدتی پـدر را نیز از دست داد. خود می گویـد ": پس از فوت پـدرم مـا یتیم بودیم و هیـچ چیز نـداشتیم ".ایشان با وجود سـختی و مرارت و فقر، عزم سـفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شـد و پس از انـدکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سـخت دوران یتیمی خویش می گوید": با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بـود که در آن پـای نهـاده بـودیم. هر چنـد در این غربت و تنهـایی سـایه پـدر و مـادر نبوده لکن همواره خـدا بود و بـاور این حضور، ما را از یاس و ناامیـدی نجات می داد ".وی برای تحصـیل علوم دینی به شهرسـتان اردبیل سـفر کرد و مقداری از صـرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سـپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسـجد گوهرشاد مشـهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمـد و در آن دیار به تحصـیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سـفارش پـدرش برای تحصـیل علم می گویـد": پـدرم در آخرین لحظـات عمرش تنهـا سفارشـی که برای من کرد این بود که فرمود: پسـرم! در روز قیـامت به پیش من رو سـیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسـیر را فرا نگرفته باشی ".این بود که آیهٔ الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشـید و در این علوم نیز تبحر خاصـی به دست آورد. او در حضور اساتیـد بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضـر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شـیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مسـتولی و تحصـیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایـان رسانـد و در درس خارج فقه و اصول اسـتادان مشـهور دوره خود، حاضـر شـد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشـرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بـازگشت به ایران شـد. آیـهٔ الله علی اکـبر مشـکینی در سال‌هـای تحصـیل خود، به محضـر عالمـان بسـیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیهٔ الله العظمی بروجردی (ره) و آیهٔ الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضـر عالمـان و اسـتادان آن دیـار شـرفیاب می‌شـد و در درس خـارج امـام خمینی(ره) شـرکت جـدی داشت. آیـهٔ الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیهٔ الله جوادی آملی و آیهٔ الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیـهٔ الله مشـکینی در سال‌هـای عمر بـا برکت خود منشـأ خـدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسـیاری بود. او طی سال‌ها تـدریس مقدمات، سـطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسـیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسـیر آیـهٔ الله مشـکینی از دروس مشـهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌هـای مهم وی در این عرصه، تأسـیس مؤسسـه الهادی است که به چاپ کتب مفیـد و اسـلامی برای سـطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسـلامی آشـنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱ـ اصطلاح الاصول ۲ـ مصطلحات الفقه ۳ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) ۴ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵ـ ازدواج در اسلام ۶ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) ۷ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصـباح المنیر) ۸ـ المواعظ العددیه ۹ـ واجـب و حرام احکـام الزامی (دوره فقه) ۱۰ـ قصـار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴ـ واجبـات و محرمـات (اسـتقصاء آنچه در شـرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵ـ تفسـیر سوره (ص) ۱۶ـ بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷ـ مسـلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸ـ زمیـن و آنچه در آن است ۱۹ـ تقلید چیست؟ ۲۰ـ رساله خمس ۲۱ـ حاشـیه توضـیحی بر کتـاب مضاربه، عروهٔالوثقی ۲۲ـ نهـج البلاـغه موضوعی ۲۳ـ تحریرالمواعظ ۲۴ـ تحریرالمعالم ۲۵ـ الرسائل الجدیده ۲۶ـ تلخیص المکـاسب (در دست چاپ) ۲۷ـ تفسـیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتـاب مضـاربه، مزارعه و شـرکت در عروهٔ الوثقی (در دست چـاپ) همچنین از وی مقالاـت بسیاری در نشـریات نور علم، پاسـدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیهٔ الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امـام خمینی(ره) پیوست. مشـکینی در جلسـات مخفی مبـارزان شـرکت می‌کرد از این رو حـدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سـپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دسـتگیر شد و ساواک از او خواسـته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه مـاه ساواک وی را دسـتگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعیـد کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشـمر تبعیـد شـد و در طول دوره تبعیـد نیز دست از مبـارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که سـاواک او را به مکـان دیگری منتقـل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسـین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسـلامی ایران، آیهٔ الله مشـکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسـی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امـامت جمعه قم بـا حکم امـام(ره) و رهبر انقلاـب، عضویت در جـامعه مدرسـین حوزه علمیه قم و ریـاست شورای بازنگری قانون اساسـی. آیت الله مشـکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مصباح زاده، اسدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسدالله مصباح زاده

محل تولد : کرمانشاه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱۲/۵

زندگینامه علمی

اینجانب اسد الله مصباح زاده درسال ۱۳۴۲ درشهر کرمانشاه با تلاش و کوشش فراوان طلبه شده و مدت دو سال در مدرسه آیت الله العظمی بروجردی (ره) مشغول به تحصیل مقدمات و ادبیات بوده و پس از این مدت وارد حوزه علمیه قم شدم .مدتی در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی در خیابان امام خمینی(ره) و تهران آن روز در مدرسه علوی و بعد از آن با تلاش حقیر و دوستان وارد مدرسه حقانی شدم .و بعد دوباره به کرمانشاه برگشته پس از ازدواج و تشکیل خانواده خداوند یاری کرد دوباره به شهر اهلبیت(ع) قم برگشتم و از محضر مبارک اساتید معروف حوزه علمیه تلمذ نموده و اکنون نیز ادامه دارد .

مصدق کهنمویی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مصدق کهنموئی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد مصدق مشهور به مهدوی در سال ۱۳۴۱هجری شمسی در خانواده ای پاک و با صفا،متدین، مذهبی و دوستدار خاندان پاک عصمت و طهارت علیهم السلام در تبریز دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافرخویش به فراگیری علوم اسلامی در سال ۱۳۵۶که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد وارد حوزه علمیه تبریز گردید. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه تبریز به شوق زیارت حضرت معصومه سلام علیها و ادامه تحصیل رهسپار قم گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه قم ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل و علم اندوزی پرداخت. وی در مدت تحصیل در قم از محضر بزرگانی همچون آیت الله جوادی، مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی کسب فیض برد.

وی درکنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مدرسی الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شد و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "تحلیل و بررسی صلح امام حسن علی السلام " دفاع کرد و سالهای متمادی است که در قوه قضائیه به امر پژوهش، تحقیق و تدریس مشغول می باشد وآثاری متعددی از جمله " نگرش علمی کاربردی جرم کلاهبرداری "،" مسوولیت مرتکب به پرداخت هزینه های درمانی مازاد بر دیه "و... را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایهٔ الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ

کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطبعه چی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی مطبعه چی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سیّد مصطفی مطبعه چی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. دروس ابتدایی و کلاسیک را دراصفهان گذراند و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیّه شد. پس از مدّتی به قم هجرت نمود و دوره سطح و خارج را در آنجا سپری کرد و از محضر اساتیدی چون اعتمادی، دوزدوزانی، تهرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و ... استفاده نمود. وی در کنار دروس حوزوی به تحصیلات کلاسیک هم پرداخت. در سال ۱۳۷۵ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و فوق لیسانس شرق شناسی را در دانشگاه مقاصد بیروت در سال ۲۰۰۰میلادی به اتمام رساند. وی هم اینک در قم مشغول تحقیق و پژوهش می باشد.

مطلبی، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن مطلبی

محل تولد : اسفیدواجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۲

زندگینامه علمی

این کمترین، سید ابوالحسن مطلبی ، فرزند سید کاظم ، دوم فروردین ۱۳۳۸ هجری شمسی طبق شناسنامه در یک خانواده روحانی و در روستای اسفیدواجان از منطقه تیران و کرون از توابع اصفهان به دنیا آمدم . مرحوم پدرم که در پارسایی مقامی بس ارجمند و به حق رتبه ای بالاـ و والاـ داشت زبانزد خاص و عام بود . در آن منطقه اطلاق لفظ «آقا» به ایشان منصرف بود و هم اکنون نیز این خانواده به خانواده آقا معروفند. هیچ یک از معاصران مرحوم آقا نیست که ایشان را نستوده باشد و یا خاطره اخلاقی زیبایی را از او به یاد نداشته باشد. استاد اخلاق ایشان مرحوم آیت الله حاج آقارحیم ارباب بود .حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری حفظه الله رئیس حوزه علمیه اصفهان از جمله بزرگانی است که با مرحوم پدرم نشست و برخاست داشته و همواره از او به نیکی و پارسایی یاد میکند حضرت استاد میفرمود: هیچ روزی نیست که برای مرجوم پدرت قرآن نخوانم . در ده سالگی ۲۷/۳/۴۷ با رحلت پدر این نعمت بزرگ الهی را از دست دادم. بنده تحصیلات ابتدایی را در روستایمان به پایان بردم و ناگزیر برای گذراندن دوره دبیرستان چون در روستا دبیرستان نبود به اصفهان و تهران رفته روزها کار می‌کردم و شب‌ها در دبیرستان شبانه تحصیل تا به اخذ دیپلم نائل آمدم که آن روزها در حد خود قیمت و منزلتی داشت. در سال ۱۳۵۶ پس از دریافت دیپلم طبیعی بر حسب توصیه و علاقه مرحوم پدرم که بسیار مایل بود که فرزندانش به مسلک روحانیت درآیند، و علاقه ای که خود به معارف اسلامی داشتم به حوزه مقدسه علمیه قم رهسپار شدم و تا کنون در قم اقامت دارم و به تحصیل ، تحقیق ، تالیف و در مقاطعی تدریس و تبلیغ ،نگارش مقالات ، تصحیح متون کهن واحیا آثار سلف ، ویرایش ، ارزیابی کتب و مقالات ودر موارد اندکی به ترجمه می‌پردازم . در تحصیلات حوزوی از محضر آیات عظام و حجج اسلام ، اساتید گرانقدر آقایان اعتمادی ، پایانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، حسینی بوشهری ، ستوده ، شب زنده دار ، صلواتی ، طالقانی ، فاضل(ره) ، فشارکی ، وجدانی فخر ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی بهره جسته ام.

مطهری، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید مطهری

محل تولد : چالوس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

درسال ۱۳۴۵ درتهران متولد شدم وپس از گذراندن دوره دبستان وراهنمایی وقبول دراول دبیرستان(رشته علوم تجربی) درسال

۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شهید بهشتی نوشهر شدم وپس از آن درسال ۱۳۶۴ برای ادامه تحصیل راهی شهر مقدس قم شدم ودروس سطح را نزد اساتیدی ازجمله محمدی قوچانی، حسینی بوشهری،اعتمادی،محقق داماد ،پایانی،بیگدلی،عرقچی، کوهمره ای،صالحی مازندرانی، قدیری،موسوی تبریزی،و... گذراندم وپس ازآن توفیق شرکت دردروس خارج فقه واصول آیات عظام ازجمله مکارم شیرازی ،وحید خراسانی ،سبحانی،سید جعفر کریمی گذاراندم ودرطی این مدت کارهای تحقیقی وپژوهشی را آغاز کردم ومقالاتی راتألیف نمودم وهمچنین به عنوان استاد دانشگاه به مدت ۳سال تدریس کردم ودر همین مدت هم درحوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) چالوس مشغول تدریس بودم وپس ازآن به مدت ۳ سال به عنوان استاد داور درجلسات دفاع پایان نامه های حوزه های علمیه خواهران شرکت نمودم وهمچنان بااین مرکزهمکاری دارم.

مطهری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید رضا مطهری

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیدرضا مطهری فرزند علی‌محمد تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاوند) گذرانده و در سال ۱۳۶۷ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فراگرفتم.همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) پذیرفته شدم.

پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این دانشگاه دریافت کردم وعلاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مطهری، مرتضی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجهٔالاسـلام و اسـتاد عالیمقـام جنـاب حـاج شـیخ مرتضـی مطهری فریمـانی از دانشـمندان و افاضـل مدرسـین و گوینـدگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حـدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولـد شـده و دروس ابتـدائی را در آنجا خوانـده انگاه به مشـهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسـمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سـطوح نهائی فرائـد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسـین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسـفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصـول را از محضـر مرحـوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللّه العظمی آقـای آمیرزا سـید علی یـثربی کاشـانی و آیت‌اللّه موسوی مـذکور مـدظله و مرحوم آیت‌اللّه خونساری و آیت‌اللّه صـدر بهره‌منـد شـده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به تهران منتقل و به تـدریس و تألیف کتب مفیـده و تبلیغ دین و نشـر معارف تا حال حاضـر اشـتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داسـتان راستان ۶- عـدل الهی ۷- علـل گرایش به مـادی‌گری ۸- مسـئله حجاب ۹- نظـام حقـوق زن در اسـلام ۱۰- سـیری در نهج‌البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸- شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسـنده و اسـتاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یـک خـانواده‌ی اصـیل و روحـانی بـه دنیـا آمـد. پـدرش کـه مردی باایمـان و بـاتقوا بـود در تربیـت وی نهـایت کوشـش را نمـود و ویژگی‌هـای عقیـدتی خـود را به فرزنـدش سـپرد. در دوازده سـالگی به مشـهد عزیمت نمود و به تحصـیل مقـدمات علوم اسـلامی و قسـمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجـده سالگی برای تکمیل تحصـیلات به قم رفت و حـدود پانزده سال در آنجا مانـد و سطوح نهـایی را از آیت‌اللّه محقق دامـاد و امـام خمینی و منظومه و اسـفار و تفسـیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهـدی آشتیانی و علامـه طباطبـائی و امـام خمینی و خـارج فقه و اصول را زا محضـر آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه یـثربی کاشـانی و آیت‌اللّه حجت و آیـت‌اللّه خوانسـاری و آیت‌اللّه صـدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضـر آقای حاج میرزا علی شـیرازی با نهـج‌البلاغه آشـنا شـد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیسـتها آشـنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسـفه مادی فلسـفه کسـی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصـی علامـه طباطبائی که برای بررسـی فلسـفه مادی تشـکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهـای اول مهـاجرت به تهران به تحقیق بیشتر دربـاره‌ی این موضوع پرداخت و تـا پایان عمر مبارزه با انـدیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به مـوازات تـدریس و تـألیف، در تهران، سـخنرانی‌های تحقیقی خـویش را در دانشـگاه‌ها، انجمن‌هـای اسـلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشـکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیـق را در آنجـا ادامه داد. اسـتاد مطهری متخصـص فلسـفه مشـاء بود. او به کتب ابن‌سـینا احـاطه کامـل داشت و متن «شـفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تـدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شـیخ، «شـرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیهٔ» ملا صـدرا را نیز تـدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عـده‌ای از علمـا و روحـانیون مـدتی به زنـدان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسـلامی از ارکـان فکری نهضت به حسـاب می‌آمـد. اسـتاد مطهری کمتر از سه مـاه پس از پیروزی انقلاـب به دست گروه فرقـان به شهادت رسـید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسـلامی»؛ «آشـنایی با قرآن»؛ «اسـلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و

روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجهٔالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان را اداره می کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجهٔالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری

شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم اللّه الرحمن الرحیم.

انا لله و انا الیه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مهیا هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌اللّه الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳ -۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴ - ۱۹)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱ -۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۸/ ۶)، مصلح بیدار (۴۲ -۲۳)، یادنامه (۲۶ - ۹).

مظاهری اصفهانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری اصفهانی

محل تولد : تیران استان اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۷ ه.ش در تیران (استان اصفهان) زاده شدم. نامم را «علی» نهادند؛ اما «علی اکبرم» خواندند. اکنون نیز نامم در شناسنامه علی است، اما علی اکبر می خوانندم. خاندانم متد ین بودند. کار پدر، نانوایی بود و کشاورزی. پدر و مادر هر دو از فامیل «مظاهری» ها هستند. منسوب به جناب حبیب ابن مظاهر ـ رضوان الله علیه ـ شجره نامه انتسابمان به آن جناب موجود است.نهال خدا دوستی و دین گرایی را که دست حکمت آفریدگار در وجودم نشانده بود، به دست والدین ام به خصوص مادرم، که از خاندان روحانی بود، آبیاری و باغبانی می شد و پرورش می یافت و آن فطرت الهی، که همه آدمیان بر مبنای آن آفریده می شوند، بالنده می گشت. صوت قرآن پدرم و زمزمه مناجات مادرم، جانم را می نوازاند.

پنج ساله بودم که مادرم دستاری بر سرم می بست و منبری از متکا برایم می ساخت و می فرمود که به گونه عالمان دین بر کرسی خطابه بنشینم و برایش سخن گویم و موعظه نمایم و احکام و معارف شریعت را بیان کنم! تمرین عالم شد نم می داد.

کلاس اول و دوم ابتدایی را در تیران گذراندم و در هر دو سال شاگرد اول بودم حتی معلممان را در تصحیح درس ها و برخی از امور شاگردان یاری می کردم.ادامه زندگانی در تیران به خاطر تنگنای معیشتی بسیار سخت بود و یا ناممکن می نمود؛ از این رو همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کردیم.

اگر چه از دبستان تیران، گواهی درسی و مدارك لازم برای ادامه تحصیل در اصفهان را گرفتم اما ادامه تحصیل ممکن نشد زیرا مرا به کار نانوایی گماشتند و حتی فراغت ادامه تحصیل شبانه نیز برایم باقی نماند. همواره عطشناك درس خواندن و مطالعه کردن بودم و در فراغ آن می سوختم.

چنـد سال که بزرگتر شدم به مدرسه شبانه (اکابر) رفتم و هر شب حدود دو ساعت درس خواندم. کلاس سوم را دو ماهه خواندم و چهارم را نخوانده امتحان دادم و به کلاس پنجم رفتم و چند ماهی دوره باقی مانده ابتدایی را به پایان رساندم و باز از ادامه تحصیل بازمانـدم. هزینه زندگی بیشتر می شد و پدر پیرتر و مسئولیت من سنگین تر.نوجوان بودم و کار یک مرد را در نانوایی می کردم و بخشـی از هزینه های زنـدگانی را تامین می نمودم.علاقه به مطالعه همواره همراهی ام می کرد. اگر چه نه کتاب مناسب و نه فراغت لازم را داشتم اما کتاب های گوناگون را به گونه های مختلف به دست می آوردم و می خوانـدم. مطالعه کتابم فراتر از سطح تحصیلات مـدرسه ای ام بـود. و نیز همیشـه در صـدد یافتن فرصت برای ادامه تحصیل بـودم این شـوق و انگیزه هرگز در وجـودم خاموش و آرام نشد و هرگز خاموش و آرام مبادا انشاء الله.

پس از حدود یک سال که نزد برادرم نجاری می کردم او به ایران بازگشت و من مسوول کارگاه نجاری شدم اما دل و اندیشه ام به سوی مدرسه بود. کم کم اهداف و اندیشه هایم را با سرپرست حوزه علمیه آنجا (که در بیوگرافی تفصیلی، درباره او سخن خواهم گفت) در میان گذاشتم و از او یاری طلبیدم. وی راهنمایی و مساعدت کرد و من کارگاه نجاری را که حدود یک و سال و نیم اداره کرده بودم به کسانی واگذار کردم و به حوزه علمیه در آمدم و طلبه شدم! نانوا، نجار، طلبه! و الحمد لله نانوایی، نجاری، طلبگی! و الحمد لله.

سال ۱۳۵۶ بود نزد یک شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، و من پس از حدود هشت سال نانوایی و دو سال و نیم نجاری، اکنون محصل علوم اسلامی شده بودم و به قلمرو آرمانی اهدافم وارد شده بودم. درسها و مطالعاتم گام هایی بودند به سوی کلمه کمال و رسیدن به وصال و وصول به مقصود عالم شدن، نویسنده شدن، سخنران شدن، و از همه بالاتر، تکامل اخلاقی و معرفتی و نیل به قرب الهی.

درس ها و نیز مدرسان آنجا هم عربی بودند و هم فارسی و من نیز هم فارسی می دانستم و هم عربی. آن مدت که در کویت کار می کردم مکالمه عربی را فرا گرفتم و کمی ینز خواندن و نوشتن عربی را. از این رو هم درس های عربی را می خواندم و هم درس های فارسی را. هم به درس استادان عرب می رفتم و هم به درس استادان فارسی. درس ها و کتاب هایی که به درس در آن حوزه خواندم برخی شان مطابق برنامه های درسی حوزه های علوم اسلامی در ایران بود و برخی دیگر شان متفاوت بود. مثلا کتا ب ها و درس های «شرایع الاسلام»، «العروة الوثقی» «المنهاج، فی قواعد و الاعراب» ، «التدبر فی القرآن»، جزو دروس اصلی حوزه های علمیه ایران نبود و نیست اما از درس های اصلی حوزه علمیه کویت بود و ما می خواندیم و برخی از درس های حوزه های ایران نیز در حوزه کویت، تدریس و خوانده نمی شد. هم در مواد درسی و هم در شیو ه های درسی، تفاوت هایی و اشتراک هایی میان حوزه کویت و ایران بود (که باید در مجالی دیگر بیان شود)

نهضت اسلامی خیز برداشت و بر اثر حوادث پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی کوره انقلاب اسلامی داغ و داغتر شد. ما که کویت بودیم و به نجف نزدیکتر بودیم و نیز محدودیت های ایرانیان را کمتر داشتیم گاهی می شد که زودتر و آسانتر به نجف وصل می شدیم و سفیران امام خمینی راحت تر به ما می رسیدند و آقای سید عباس فهری که نماینده حضرت امام در کویت بود بی مشکل و یا با مشکل کمتر با امام ارتباط می گرفت و به ما می رساند.من وظیفه انقلابی خویش را در میان ایرانیان مقیم کویت، ایفا می کردم در منازل کارگران می رفتم برای شان جلسه می گذاشتم. محصولات انقلابی (کتاب، بیانیه، اعلامیه، نوار ...) به آنان می رساندم. کار آسانی نبود زیرا برخی از ایرانیان در کویت به خاطرضعف فرهنگ و نیز تعصب به مملکت خویش و به هم آمیختن وطن دوستی با شاه دوستی به آسانی به نهضت اسلامی نمی پیوستند و از حکومت پهلوی نمی بریدند. گاه می شد که مرا طرد می کردند و از خود می راندند، و حتی تهدید به مرگم می کردند اما من که تکلیف خویشتن را می شناختم و علل قصور و تقصیر آنان را نیز می دانستم، به گونه های گوناگون ادامه طریق می دادم، تا آنکه خداوند، نصرت و فتح خویش را کرامتمان

فرمود و طلیعه پیروزی نمایان گشت و سپاس خدای را که عکس منحوس شاه ملعون به دست من از سر در سفارت ایران درکویت کنده شد و تمثال مبارک امام خمینی ـ سلا م الله علیه ـ به جای آن نصب گردید.

مظاهری، حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یکی از این عالمـان بزرگ و سالکـان مسـلک دوست، معلم اخلاـق و مرجع عالیقـدر حضـرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مـد ظله العـالی است که از محضـر عالمـانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمـای حیـات‌بخش معنوی گرفته‌اند.

تولد جسمانی و روحانی:

آیهٔ الله مظاهری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال ۱۳۲۶ شمسـی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمـام دروس مقـدمات، مقـداری از دروس سـطح حوزوی در بخشـهای فقه، اصول و فلسـفه را در محضـر حضـرات آیـات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمهٔ الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.

ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:

در سـال ۱۳۳۱ شمسـی حـوزه‌ی علمیـه‌ی اصـفهان را بـه قصـد حـوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جـوار مرقـد کریمه‌ی اهـل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حـاج شـیخ مرتضـی حـائری، و حاج شـیخ عبـد الجواد جبل عاملی «رحمـهٔ الله علیهم» اسـتفاده کرده و سـپس در دروس خارج فقه و اصول حضـرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قـدس سـرهم» حاضـر می‌شوند. اسـتفاده‌ی بیش از هشت سال از محضـر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شـیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضـرت امـام خمینی در طول نزدیـک به ده سـال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمـل مرحوم آیـهٔ الله العظمی سـید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجهٔ الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب اسـتحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیـهٔ الله العظمی مظاهری شـده است. ثمرات این اسـتفاده‌های ارجمنـد، صدها صـفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در ۱۵ عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:

افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشـد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد اسـتقبال گسترده علاقمنـدان به علم اخلاق و خصوصـا نسل جوان واقع شده است.

فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:

۳ جلـد در زمینه‌ی علم فقه، ۲۵ جلـد در زمینه‌ی علم اخلاق، ۵ جلـد در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۳ جلد در زمینه‌ی اعتقادات، ۲ جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.

همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:

۱۷ عنوان در زمینه‌ی فقه، ۳ عنوان در زمینه‌ی علم اصول، ۲۴ عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، ۸ عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، ۵ عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، ۴ عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۷ عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.

استاد در کرسی تدریس:

آیهٔ الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال ۱۳۵۶ شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی،فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.

هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».

افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:

همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجهٔ الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزهم، پیش از پیروی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.

آیهٔ الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.

پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.

در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی«دام ظله» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.

هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:

یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیهٔ الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی مطابق با شعبان ۱۴۱۶ قمری واقع شد.

این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».

باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاهت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می‌گردد.

اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیتهای برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیهٔ الله العظمی مظاهری.

علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیهٔ الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکنند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیهٔ الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال ۱۳۷۴، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحاوی کلام حضرتعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیهٔ الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمهٔ الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».

در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیهٔ الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.

بالاخره، آیـة الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان و نیز اسـتقبال و علاقمندی‌بسـیار زیـاد همراه با تواضع و صـفای باطن مقام معظم رهبری «مـد ظله العالی» در این زمینه، متقاعـد شـده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌انـدوزی و تـدریس، یکی از زیبـاترین صـحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصه‌ی ظهور وبروز درآورند.

پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۷۴ طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیـة الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسـلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی والامقـام قـم و بـه طلاب و جوینـدگان علـم و معرفت و اخلاق می‌باشـید، و سال‌هـای متمـادی پس از آنکـه حـظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصـفهان که در میـان آنـان شخصـیتهای برجسـته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارنـد و همواره مـایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان بوده‌انـد، در نـامه‌ای این را از اینجـانب درخـواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌انـد. لـذا اینجـانب مقتضـی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شـرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوسـت و هوشـمند اسـتان و شـهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».

پیام عـدیم النظیر ولی امر مسـلمین و مقام معظم رهبری «مـد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیة الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت.

دو روز پس از صـدور این پیـام مهم، آیـة الله العظمی مظاهری در روز یکشـنبه ۷۴/۹/۱۲ مصادف با ۱۰ رجب ۱۴۱۶ میلاد پربرکت حضـرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.

تبیین حوادث مبـارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصـفهان رخ داد مجـالی واسع می‌طلبـد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گـذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلنـد علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسـلامی و ولی امر مسـلمین «مد ظله العـالی» بـه مرحله‌ی بروز و ظهـور رسیده است و امیـد است بـا استمرار برکـات این هجرت شـکوهمند، حـوزه‌ی علمیه‌ی اصـفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.

حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:

حرکت عظیمی که بـا این هجرت تحت حمایتهـای مقـام معظم رهبری آغـاز شـد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.

این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد: در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.

در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:

۱- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.

۲- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام تشکیلاتی این حوزه.

۳- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.

۴- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۵- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۶- تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.

۷- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورود در سال‌های تحصیلی ۷۶-۷۷ و ۷۷-۷۸.

۸- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.

۹- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیهٔ الله العظمی مظاهری.

۱۰- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...

۱۱- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به ۴۰۰ واحد مسکونی.

هجرت در بعد فراحوزوی:

در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیتهای مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:

۱- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.

۲- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالیرتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.

۳- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیهٔ الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.

این همه از دولت لطف خداست:

بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالیه‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.

از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.

انه ولی النعم و التوفیق.

آذر ماه ۱۳۷۷

شعبان المعظم ۱۴۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم

مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با

مرجع عالیقدر

حضرت آیهٔ الله العظمی مظاهری

«مد ظله العالی»

منتشر شده در:

مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).

شماره‌ی ۶۸-۶۹ (خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴)

ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.

در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.

حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.

به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشانده می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیهٔ الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.

امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد.

حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید، لطفا، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقدهٔ من لسانی یفقهوا قولی.

خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد.

البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمهٔ ربک فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:

در سال ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال ۱۳۲۶ شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.

حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقه فعلی، هماهنگ نیست. در سال ۱۳۲۶، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گر چه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت. تقریبا، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.

من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجهٔ الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.

ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.

سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.

منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.

این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدرس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده بردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.

از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.

منظومه، نهایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.

و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.

حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیهٔ الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.

-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیهٔ الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:

مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.

ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.

بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.

می‌فرمود:

«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.

طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».

گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:

أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسهٔ فی خمسهٔ، و الناس یطلبونها فی خمسهٔ غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی الجوع و الجهد و هم یطلبونه فی الشبع و الراحهٔ فلا یجدونه،...

بحار، ج ۴۵۳/۷۸

خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...

می‌فرمود:

«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».

ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال ۱۳۸۲ ه.ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.

چنین انسانهایی بیقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:

«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیهٔ مرضیهٔ فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی».

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی.

حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفا بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.

عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:

۱. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.

این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.

۲. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاهٔ» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصا به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.

۳. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.

۴. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»، اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.

اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:

۱. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصا در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.

۲. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.

۳. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.

این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟

۴. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالا خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.

۵. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.

خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.

اما شیوه درس آیهٔ الله العظمی داماد:

۱. مرحوم آقای داماد، حقیقتا، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».

۲. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می کرد.

اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.

حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.

حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.

-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال ۴۱، ۴۰ در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.

این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»

تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.

حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.

-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.

در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:

۱. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».

۲. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.

۳. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.

۴. نظم.

استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می گردید و می‌فرمود:

«من نمی گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»

نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.

۵. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.

حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.

-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،

اولاً استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصا در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.

این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.

ثانیا، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول ودیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.

افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.

بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.

البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.

حوزه: لطفا شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:

– حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتا باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.

۱. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۲. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.

از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:

«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».

و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیهٔ الله مؤسس یا آیهٔ الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»

۳. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفض جناح می‌فرمودند.

۴. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه

زبـانزد بود. از تشـریفات و تجملات، حقیقات رنـج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهـد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.

۵.خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسـلام (ص) نقل شـده است ایشان چنان با اصـحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است اسـتاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.

۶. ویژگی دیگر ایشـان که برای خود من اعجـاب‌انگیز و پنـد بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسـی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شـد و هر کس به فراخـور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنهـا اگر از ایشـان اظهـارنظری می‌خواسـتند، صـحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هنیئا لارباب النعیم نعیمهم.

۷. از ویژگیهـای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنـان درکی را جز به متخلقـان اخلاـق الهی نمی‌دهنـد. شـما اگر به کتب عرفـانی امـام و شـروحی که بر ادعیه و روایـات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشـنه‌ای که تشـنگی را با سراسـر وجود خود دریافته. هنیئا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسـفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.

به هر صورت مجموعه‌ی این خصائـل و صـفات بـارز دیگر موجب شـد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیـدا کنـد. این مطلب در قرآن شـریف و روایـات معصـومین (ع) به صـراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

مریم، ۹۶

و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جنادهٔ بن ابی امیه می‌فرماید:

«و اذا اردت عزا بلا عشیرهٔ و هیبهٔ بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیهٔ الله الی عز طاعهٔ الله عزوجل».

بحارالانوار، ج ۱۳۹/۴۴

امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.

حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.

– مسأله تهـذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شـریف، به این مسأله، بسـیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.

«هو الـذی بعث فی الاـمیین رسولا من انفسـهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضـلال مبین.»

جمعه؛ ۲

اوست خـدایی که به میـان مردمی بی‌کتـاب، پیـامبری از خودشـان مبعوث داشت، تـا آیـاتش بر آنـان بخوانـد و کتـاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:

«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید:«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر وبالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود.

امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:

«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.»

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.

پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی،در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی‌آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقایی آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.

یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:

«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.

امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».

این، نشاندهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.

بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم. به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:

«می گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».

واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.

حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.

– در حال حاضـر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسـته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید.

فراموش نمی کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.

بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.

ایشان، با خونسردی فرمود:

«غم این که حوزه در مخاطره است، نخوریـد. در زمان رضا شاه، وضع به قـدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:

«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می کنم.»

به بنده فرمود:

«برو خدمت آقای گلپاییگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»

شب، بـا آیـهٔ الله مصـباح یزدی، خـدمت آیـهٔ الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضـر ایشان هم، من از وضـعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»

ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.

این که بنـده عرض می کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسـیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می کنم: توجه به اخلاـق و فقه و اصول، کم رنـگ شـده است و گرنه کارهـای جنبی که اکنون در حوزه برای حفـظ نظـام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضـرت امام، به تهـذیب و اخلاق و تأکیـد ایشان بر فقه و اصول را نبایداز یاد ببریم لذا توصیه می کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگـان و اساتیـد گذشـته است، نه فرو رفتن در مسائـل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گونـاگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...

مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چنـد، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضـرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنـج – شـش سال به پایان می‌رساندنـد، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.

امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.

به قول مرحوم آیهٔ الله العظمی بروجردی:

«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»

امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:

«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»

در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی ۱۳۷۴، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:

«هـذا، تمام الکلام فی حجیـة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماعات و المشـهورات و حیث ان العمر قصـیر و لکل شـی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»

نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج ۳۱۷/۱).

بنـابراین، به جـای چنـدین سـال معطـل مانـدن در اصول و طرح مباحث صـرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسـلامی بالاخص علم اخلاق بپردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.

من دو سـال پیش، در جواب درخواستی از مـدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنـج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضـی فقهی و بعضـی اصولی و بعضـی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم بپردازند.

حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.

- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:

فقهی:

۱. بررسی تحلیلی «تغریرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.

۲. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».

۳. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.

۴. حدود اختیارات ولی فقیه.

۵. برسی تحلیلی«قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.

۶. بررسی مسائل مستحدثه حج.

۷. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.

۸. بررسـی تحلیلی آراء و انظـار امـام خمینی و سـیر تحولات این دیـدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشـکیل حکومت اسلامی شدند».

۹. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...

۱۰. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...

۱۱. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).

۱۲. بررسـی فقهی معضـلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...

۱۳. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.

۱۴. فقه دفاع و امور نظامی.

۱۵. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).

موضوعات اقتصادی:

۱. بررسی معاملات ارزی.

۲. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.

۳. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.

۴. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.

۵. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.

۶. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.

۷. نگرش فقهی به مسأله زمین.

۸. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.

۹. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.

۱۰. بازنگری فقهی باب مزارعه.

۱۱. بازنگری فقهی باب مضاربه.

۱۲. بازنگری فقهی باب اجاره.

۱۳. بازنگری فقهی باب رهن.

۱۴. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.

۱۵. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

۱. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.

۲.جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.

۳. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.

۴. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.

۵. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.

۶. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.

۷. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.

۸. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.

۹. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.

۱۰. نگرش روش شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.

۱۱. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.

۱۲. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)

۱۳. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.

۱۴. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتا، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود.)

۱۵. تفکیک و تعیین مباحث کم فایده و بی‌ثمر در علم اصول.

حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.

- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.

پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:

«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذبی باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.

مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.

سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.

این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.

حوزه: از حضرت عالی، اخیرا اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمهٔ العملیهٔ» لطفا بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.

- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلا، «احیاءالعلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در محتوا و هم در روش.

مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجهٔ البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاءالعلوم» است.

من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.

بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاءالعلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاءالعلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمنا متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.

معراج السعادهٔ هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.

دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارهٔ الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.

ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را

برطرف سازند.

تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.

– در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیهٔ الله العظمی بروجردی و آیهٔ الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.–

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.

– به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می کنم: اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:

«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».

امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:

«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:

یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»

راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.

متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.

من، این توصیه امام را تکرار می کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:

۱. تهذیب نفس.

۲. عمل به وظیفه.

اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:

«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».

بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:

«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.»

این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.

مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:

«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»

توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.

یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.

و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.

این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.

از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.

حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مظاهری

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۷/۱

زندگینامه علمی

پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۳ تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است :

۱. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم .

۲. از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی ، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری ، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم .

۳. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی ،در مشهد مقدس تلمذ نمودم .

۴. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و مکاسب محرمه کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم . به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و

نمره داده می شد .

۵. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیک را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم .

۶. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده ام .

۷. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی ، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۸. از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم انتقال یافتم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .

۹. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .

۱۰. از ۱۳۶۲ پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجهٔ الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا ۱۳۷۸ به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .

۱۱. در اوقات حضور در اراک با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراک همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته ام .

۱۲. از ۱۳۷۸ پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از ۱۳۷۱ شروع و تا کنون ادامه دارد .

مظفر، محمدرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

در جنوب شرقی نجف اشرف و در مجله براق ، منزل آیهٔ الله شیخ محمد رضا مظفر واقع بود، پنج ماه پس از درگذشت شیخ ، در پنجم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری آخرین یادگار آن مرد حق دیده به جهان گشود و ((محمد رضا)) نامیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : مادر محمد رضا دختر علامه شیخ عبدالحسین طریحی (۱۲۳۵-۱۲۹۳ ق .) است و او در دامان آن زن با فضیلت و با سرپرستی برادر بزرگش شیخ عبدالنبی مظفر(۱۲۹۱-۱۳۳۷ ق .) رشد کرد. پس از درگذشت شیخ عبدالنبی برادر دیگرش شیخ محمد حسن (۱۳۰۱ - ۱۳۷۵ ق .) سرپرستی او را به عهده گرفت و راهنمایی زندگی اش گردید.محمد

رضا از خاندان علمی و ادبی بنام و معروف شیعی موسوم به ((آل مظفر)) برخاسته است . این خاندان از نیمه سده دوازده قمری در حوزه نجف اشرف شناخته شد و چهره های نامدار و متکبر آن در عرصه های متعدد و رشته های متنوع علوم اسلامی درخشید و شعاع پرتو نورشان گسترده مراکز علمی – تحقیقی شیعه و غیر آن را در نور دیدتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا پس از فراگیری خواندن و نوشتن ، در سیزده سالگی راهی مکتب علوم دینی شد و به آموختن مبانی و اصول ادبیات عرب پرداخت و در این مقطع از استاد شیخ محمد طه حویزی بسیار بهره برد.(۴۰۸)او سپس با عزمی راسخ دوره سطح فقه و اصول را سپری کرد و آنگاه در جلسات دروس عالی این دو علم و همچنین حکمت و فلسفه و عرفان که از سوی اساتید بنام تدریس می شد، حاضر گشت.سرانجام پس از تلاش پی گیر، حضور در محفل اساتید فن و امداد پروردگار، شیخ محمد رضا به مقام والای اجتهاد رسید و حضرات آیات شیخ محمد حسین اصفهانی ، شیخ محمد حسن مظفر و سید عبدالهادی شیرازی اجتهاد او را گواهی کردند.مظفر در سیر کسب دانش ، علاوه بر علوم دینی به فراگیری دانشهایی چون حساب ، هندسه ، جبر، هیئت و عروض روی آورد و در ۲۱ سالگی کتابی در علم عروض به رشته تحریر درآورد.خاطرات و وقایع تحصیل : استاد مظفر، خطابه و تبلیغ متداول در نجف را در شاءن آن حوزه کهن نمی دانست ، زیرا امروزه هیچ خطیبی بدون آگاهی از افکار زمان و مسائل و موضوعات علوم جدید از یک طرف و احاطه کامل به تعالیم و معارف اسلامی از فقه تفسیر و حدیث و تاریخ از سوی دیگر نمی تواند رسالت اسلامی خود را در سطح عالی و وسیع انجام دهد. او خطابه حسینی را یکی از مهم ترین وسائل تبلیغ می شناخت و وضع موجود حوزه را رسا نمی دانست و افتتاح مؤ سسه و مدرسه ای برای تربیت خطیب را یگانه راه نجات از آن نارسایی تلقی می کرد.گشودن دانشکده وعظ و ارشاد از آرزوهای شیخ بود. در سال ۱۳۶۳ ق . مجموعه ای به ریاست خطیب برجسته عراق ((شیخ محمد علی قسام)) و با نظارت آیهٔ الله مظفر تشکیل شد و کار آزمایشی خویشی را – قبل از افتتاح رسمی دانشکده – با برپایی یک کلاس آغاز کرد و درسهایی چون فقه ، علوم عربی ، اصول دین و اصول حدیث (علم درایه) در آن تدریس می شد. مدت کوتاه از عمر آن نگذشته بود که حملات پیاپی بر آن وارد آمد و اتهامات ناروایی بر آن زده شد، در حالی که این مؤ سسه با اهدافی عالی و انگیزه ای مخلصانه تاءسیس شده بود هدفی جز زدودن پیرایه ها نداشت .اما افسوس که مصلحان همیشه در معرض اتهام اند و ناآگاهان سدی در مقابل اندیشه های والای ایشانفعالیتهای ضمن تحصیل : شیخ محمد رضا مظفر در کنار تحصیل ، مطالعه و تحقیق ، به تدریس معارف حوزه علمیه اشتغال داشت و نخست به تدریس کتاب مکاسب (در فقه) و رسائل (در اصول) پرداخت و آنگاه به تدریس دوره خارج فقه و اصول اهتمام ورزید. او همچنین فلسفه اسلامی را به طالبان این فن آموخت و از آن جمله کتاب اسفار اثر ملاصدرا را در منزل خود تدریس می کرد.استادان و مربیان : ۱. شیخ محمد حسن مظفر، شیخ محمد رضا به همراه برادر دیگرش شیخ محمد حسین در درس بردار بزرگشان شرکت می کردند.۲. میرزا محمد حسین نایینی (متوفای ۱۳۵۵ ق .)۳. شیخ آقا ضیاء الدین عراقی (۱۲۷۸–۱۳۶۱ ق .)۴. میرزا عبدالهادی شیرازی (۱۳۰۵–۱۳۸۲ ق .)۵. سید علی قاضی طباطبایی (۱۳۸۵–۱۳۶۶ ق .)۶. شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۹۶–۱۳۶۱ ق .)این شخصیت را می توان معماران بزرگ علمی شیخ محمد رضا دانست که در شکل دهی شخصیت او تاءثیر بسیاری داشت ، بدان حد که خط مشی اصولی ، فقهی و فلسفی او بیشتر متاءثر از دیدگاههای این استاد است . احترام و تجلیل فراوان مظفر از مقام شیخ محمد حسین گواه ارتباط تنگاتنگ و علاقه بی حد اوست .زمان و علت فوت : آیهٔ الله شیخ محمد رضامظفر در شانزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۳، در سن ۶۲ سالگی مرگ را در آغوش کشید و پرستوی آسمان گردید و به سوی حق پرواز کرد و پیکر مطهر او با حضور مراجع بزرگ ، علما و مردم تشیع شد و در مقبره خانوادگی واقع در جاده کوفه ، در کنار مرقد برادرش شیخ محمد حسن مظفر به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیهٔ الله مظفر زندگی اش را تنها به فعالیتهای فرهنگی و علمی حوزه محدود نساخت ، بلکه اندیشه نافذش ، مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی جامعه و امت اسلامی را درنوردید و هر پدیده مهم را به دقت دنبال می کرد. بحرانها و مشکلات تحمیل شده بر مسلمانان ، او را بیشتر تحت

تاءثیر قرار می داد و استاد را به تلاش وامی داشت .فشارهای روزافزون فرانسویان بر مردم الجزیر و نامردمیهای صهیونیستها نسبت به مردم فلسطین ، حوادث ناگواری است که از دید نافذ او پنهان نبود و آن فقیه فرزانه را در رنج فرو می برد و گاهی در برخی از نشریات مقالات مفیدی می نگاشت . وی همچنین در جنگ بین مصر اسرائیل در سال ۱۹۵۶ م . تلگرافی خطاب به شیخ الازهر فرستاد و همدردی خود را با ملت مصر اعلام داشت .آن استاد صهیونیسم را خطر بزرگ برای جامعه اسلامی می دانست و اصولا انحراف سردمداران کشورهای اسلامی از حق و مسامحه ایشان با دیوسیرتان غرب را عامل بدبختی مسلمانان و ریشه رشد صهیونیستها می دانست .آیهٔ الله مظفر با همکاری گروهی از اندیشمندان مسؤ ولیت شناس ، برای مقابله با افکار الحادی ،((جماعهٔ العلماء)) را در نجف اشرف پی نهاد تا این نهاد برخاسته از حوزه مبارزه با بی دینی و تهاجم فرهنگی دشمنان را پی گیرد و جلوگیری از گسترش افکار کمونیسم را رهبری کند. بیانیه های منتشره این گروه ، گواه بینش و بلند نظری مؤ سسان آن است .در پی مخالفت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع بزرگ ایران با فعالیت های ضد اسلامی شاه ایران ، علمای نجف همچون آیهٔ الله مظفر با ایشان همصدا شده ، از حرکت انقلابی روحانیون حوزه علمیه قم حمایت و پشتیبانی کردند و ضمن صدور چندین اطلاعیه ، مخالفت خود را با تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار داشته و انزجار خود را از اقدام ظالمانه رژیم پهلوی در فاجعه خونبار مدرسه فیضیه اعلام کردند.فعالیتهای آموزشی : شیخ محمد رضا خود در دانشکده به تدریس فلسفه اسلامی می پرداخت و مجلات کتاب ((اصول الفقه)) را آماده میکرد تا در دانشکده فقه تدریس شود او همچنین به سرپرستی دانشکده و نظارت بر کارهای تاءلیفی آن می پرداخت . وی زندگی خود را بطور کامل در اختیار این مرکز علمی گذارد و به شجره جان و روان آن را مستحکم و پایدار کرد و همه تواناییها و امکاناتش را در این دانشکده بذل نمود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : برنامه ها و فعالیت های اصلاحی استاد نام او را در زمره یکی از احیاگران عصر حاضر، در تاریخ کهن حوزه علمیه نجف اشرف جاودان ساخت ، اقدامات اصلاحی آیهٔ الله مظفر به قرار ذیل است :الف - جمعیت منتدی النشراین نهاد - که در سال ۱۳۵۳ هجری مجوز تاءسیس را دریافت کرد - بهترین وسیله برای تحقق اهداف اصلاحی در پی نشر فرهنگ دینی و ایجاد روح اسلامی در مردم و استحکام اخلاق بود. ب - دانشکده منتدیآیهٔ الله مظفر در سال ۱۳۵۵ ق . به دنبال تحقق اهداف جمعیت منتدی النشر، یک مدرسه عالی علوم دینی و به عبارتی ((دانشکده اجتهاد)) را تاءسیس کرد و در دوره اول چهار ماده درسی همچون فقه استدلالی ، تفسیر، علم اصول و فلسفه به دانش پژوهان ارائه می شد. علامه شیخ محمد جواد بلاغیت شیخ عبدالحسین دشتی و شیخ عبدالحسین حلی از اساتید این دانشکده بودند. ج - مدارس منتدیتاسیس مدارس منتدی النشر گام بعدی استاد مظفر بود که با استقبال بزرگان حوزه نجف و خاندانهای مشهور این شهر مواجه شد و این اقبال عمومی در توسعه اش کارگشا بود. د- دانشکده فقهآیهٔ الله مظفر در سال ۱۳۷۶ ق . دانشکده فقه را در نجف اشرف تاسیس کرد و وزارت فرهنگ عراق در سال ۱۳۷۷ آن را به رسمیت شناخت . مواد درسی این دانشکده عبارت بودند از: فقه امامیه ، فقه تطبیقی ، اصول فقه ، تفسیر و اصول و مبانی تفسیر، حدیث و اصول حدیث (درایه)، علوم بیتی و روان شناسی ، ادبیات و تاریخ ادبیات ، جامعه شناسی ، تاریخ اسلام ، فلفسه اسلامی ، فلسفه جدید، منطق ، تاریخ جدید، اصول تدریس ، نحو، صرف و یک زبان بیگانه .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : در قرن اخیر جمعی از اندیشوران حوزه ، تغییر برخی متون درسی و کوتاه کردن طور مدت آموزش را به منظور دستیابی سریع به اهداف متعالی پیشنهاد کرده اند و برخی از مصلحان نیز تحدید بنای علمی و تدوین کتابهای روز آمد را - با توجه به حفظ عمق و اصالت مطالب آنها - وجهه نظر خود قرار داده اند که این تغییر و جایگزینی همواره با مقاومت برخی دیگر مواجه بوده است .آیهٔ الله مظفر در میان دو دوره سطح و خارج ، دوره نخست را به دلیل نقص در موارد درسی و سبک تحصیل و تدریس - نیازمند اصلاح می دانست و از این رو در پی تاءسیس منتدی النشر و دانشکده فقه ، تنظیم وضعیت آموزشی و افزودن متون آموزشی جدید را هدف کار خویش قرار داد. تدوین کتابهای ((المنطق))، ((اصول الفقه)) و ((عقاید الامامیه)) یک نوسازی در نگارش کتابهای درسی به شمار می آید که هم اکنون

دو کتاب نخست از متون درسی حوزه های علمیه بخصوص حوزه مقدس قم می باشد.استاد مظفر از جوانی به شعر روی آورد و جرقه های آغازین آن نزد شیخ محمد طه حویزی افروخته شد و در پرتو راهنماییهای استاد به سرودن شعر پرداخت و بخوبی از عهده ظرافتها و نکات دقیق آن برآمد. هرکس به سروده های او نظر بنماید در آن فنون شعر لطیف و ظریفی می یابد و به افقهای ادبی نوی برخورد می کند.شاگردان : استاد مظفر در دوره حیات علمی خود، دانش پژوهان بسیاری را در سایه تربیت و تدریس قرار داد و آنان را با معارف دین آشنا ساخت . اسامی برخی از شاگردان آن عزیز را – چه در داخل منتدی النشر و دانشکده فقه و چه بیرون از آن – مرور می کنیم :شیخ احمد قبیسی ، شیخ احمد وائلی ، سید جواد شبر، شیخ جواد قسام ،سید حسین خرسان ، شیخ صالح آل شیخ راضی ، سید عبدالکریم قزوینی ، شیخ عبدالهادی فضلی ، سید عبدالهادی محسن حکیم ، شیخ غلامرضا عرفانیان ، دکتر سید محمد بحرالعلوم ، سید محمد تقی طباطبایی تبریزی ، سید محمد جمال هاشمی ، شیخ محمد حسن طریحی ، سید محمد حسن قاضی ، سید محمد صدر، شیخ محمد علی ایروانی ، شیخ محمد علی تسخیری ، شیخ محمد مهدی آصفی ، دکتر محمود بستانی ، دکتر محمود مظفر، سید مرتضی حکمی ، سید هادی فیاض ، شیخ یونس مظفر و...چگونگی عرضه آثار : آیهٔ الله محمد رضا مظفر یکی از نویسندگان چیره دست و نامدار معاصر است که زیبایی تعبیر، رسایی متن ، حسن انسجام و بیان جذاب همراه با استحکام مطالب و دقت نظر در نوشته هایش هویداست . این امتیاز مرهون تلاشهای دوران جوانی او در آشنا شدن با متون ادبی و ادبیات معاصر و ممارست بر روز آمد کردن تالیفاتش می باشد بدان حد که آثار هم آمیخته دانش و ادبیات وی ، عقل را اشباع می سازد و عاطفه را آرامش می بخشد.ساده نویسی در مطالب علمی از هنرهای ادبی اوست و آن بر بال قلم نشسته ، شیفتگان علم را به آسمانهای فلسفه و منطق و اصول و کلام پرواز می داد و دانشهای دقیق را به شیوه ای روان به ایشان عرضه می کرد و بر خلاف دیگران که به شیوه سنتی انس داشتند، او مرحله جدید تدوین آثار اسلامی ، با بهره گیری از اسلوب نثر فنی جدید را به حوزه ارائه داد.استاد همچنین مقدمه هایی بر آثار مکتوب دیگران نوشته اند:از آیهٔ الله مظفر مقالات متعددی – با نام صریح یا مستعار – در مجله هایی چون ((العرفان)) در صیدا، ((الدلیل))، ((الهاتف)) و ((النجف)) در نجف ، ((الکحلاء)) در عماره ، ((المرشدالعربی)) در لاذقیه ، ((الفکر)) در بغداد و ((الرسالهٔ)) در مصر به چاپ رسید.آثار : احلام الیقظه ، اصول فقه ویژگی اثر : این اثر زیبا به حقیقت نوعی نوسازی در نگارش کتابهای درسی دوره سطح محسوب می شود و مؤ لف فرزانه ، آن را به منظور تدریس در دانشکده فقه نجف نوشته است . نوآوری علمی ، اتقان و عمق مطالب ، اصول فقه را اثری جاودان و ماندنی ساخته و استاد به منظور رفع خلاء موجود بین دو کتاب ((معالم)) و ((کفایه)) و با تاسی از ابتکار استاد خویش شیخ محمد حسین اصفهانی – در دسته بندی مباحث – آن را تنظیم کرده است .۳ الزعیم الموهوب السید ابوالحسن اصفهانی ، السقیفهٔ ، الفلسفهٔ الاسلامیهٔ ، المثل الافلاطونیهٔ عند ابن سینا ، المنطق ویژگی اثر : این اثر مجموعه درسهای ارائه شده ایشان از سال ۱۳۵۷ ق . در دانشکده منتدی النشر می باشد و به عنوان متن مهم درسی جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است۸ النجف بعد نصف قرن ، تاریخ الاسلام ، تتمه احکام الیقظه ، حاشیه مکاسب ، حریهٔ الانسان و ارتباطها بقضاءالله ، دیوان شعر ، رسالهٔ عملیهٔ فی ضوء المنهج الحدیث ، شرح حال شیخ حسین اصفهانی ، شرح حال شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) ، شرح حال صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) ، شرح حال مولا محمد مهدی نراقی، شیخ الطوسی مؤسس جامعهٔ النجف ، عقاید الامامیه ویژگی اثر : این کتاب ، مجموعه ای از عقاید اسلامی بر اساس روش اهل بیت علیه السلام می باشد که به صورتی فشرده و رسا تنظیم شده است ، اثری که از هرگونه پیچیدگی های رایج کتب کلامی عاری بده و برای همگان در خور فهم است . استاد پیشتر این مطالب را در سال ۱۳۶۳ ق . در دانشکده دینی منتدی ارائه کرده بود و سپس آن را بدنی نام و همچنین به نام ((عقاید الشیعه)) به چاپ رساند و هدف عالی او از نگارش آن تقریب بین مذاهب اسلامی بود.۲۱ علی هامش السقیفهٔ ، فلسفهٔ ابن سینا ، فلسفه الامام علی علیه السلام ، فلسفه الکندی ، مجموعه ای از رسائل در علم کلام ،مجموعه ای اشعار (در کتاب شعراء الغری) ، مذاکرات الشیخ

منابع زندگینامه : سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

معتمد خراسانی، اسماعیل

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۷۹ –۱۲۹۶ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، نویسنده و واعظ. در محله‌ی پایین خیابان مشهد به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. ادبیات را از محضر محقق نوغانی و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و سطح فقه و اصول را از آیت‌اللّه شیخ کاظم دامغانی و آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و آیت‌اللّه شیخ مجتبی تنکابنی و آیت‌اللّه شیخ حسن طبرسی و آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر نوغانی و خارج اصول را در حوزه درس آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی کفایی گذراند و در درس معارف از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود و معقول را نزد آقا بزرگ حکیم و فرزندش میرزا مهدی فراگرفت. آنگاه به نجف رفت و از درس آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و از آنان به دریافت اجازه نایل آمد. سپس به تهران بازگشت و در مدرسه مروی سکنی گزید و از طرف آیت‌اللّه میرزا احمد آشتیانی عهده‌دار رسیدگی به امور کتابخانه‌ی مدرسه گردید. او از این زمان به تألیف رسالات پرداخت و همزمان به وعظ و خطابه نیز مشغول شد. وی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. از آثارش: «خورشید تابان در نبوت قرآن»، در علم و ادب و تاریخ و اجتماع؛ «اسلام شناسی»؛ «تاریخ ادوار اسلام»، شامل سه دوره: «از بعثت تا آخر تشریع قوانین»، «عهد خلفا و اجرای قوانین» و «عهد بنی‌امیه و انحراف از دین تا قیام امام حسین (ع)»؛ «حکومت عباسیان در پیشگاه تاریخ»؛ «فلسفه غیبت امام زمان (عج)»؛ «شرح دعای ابوحمزه ثمالی»؛ «مبدأ و معاد»؛ «اخلاق در مکتب اهل‌بیت (ع)».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۰۷/ ۱)، مبدا و معاد (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۴/ ۱).

معدل، قاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قاسم معدل

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در شهر نجف اشرف در خانواده ای متعهد و فرهنگی چشم به دنیا گشودم. همراه با سایر افراد خانواده صبح ها در جلسات درسی فقه (رساله عملیه)، اخلاق، تفسیر و غیره که توسط پدر اینجانب تدریس می شد شرکت می کردم. تحصیلات ابتدایی (۱۳۴۷ ـ ۱۳۵۳) و راهنمایی (۱۳۵۳ ـ ۱۳۵۶) با موفقیت پشت سر گذراندم که همزان با آن پاره ای از تحصیلات حوزوی نزد محقق عزیز جناب آقای سید محمد حسین رضوی کشمیری شروع کرده بودم. اما بعد از مدت کوتاهی به علت شرایط نامساعد حاکم بر کشور عراق مجبور به ترک آن شده ام.

در سال ۱۳۵۹ تحصیلات دبیرستانی خود را به اتمام رسانده ام و موفق به گرفتن مدرک دیپلم شده ام.با به دست آوردن مدرک دیپلم و پیروزی انقلاب اسلامی ایران اینجانب سعی بر این داشته ام که به تحصیلات حوزوی و کلاسیک (دانشگاهی) خود در ایران ادامه دهم اما با آغاز جنگ علیه ایران توسط رژیم سابق عراق (صدام) ، دولت عراق اینجانب را از خروج به خارج عراق ممانعت کرد که با توجه به این امر و به جهت امتناع از مشارکت در جبهه های جنگ عراق علیه کشور مسلمان ایران وارد تحصیلات کاردانی دررشته تاسیسات شده ام که در سال ۱۳۶۱ ه.ش آن را به اتمام رسانیده و در اواخر سال ۱۳۶۲ با تلاش های بسیار موفق به ورود کشور جمهوری اسلامی ایران از راه غرب شده ام که بلافاصله ضمن اشتغال در تقویم متون کتاب های منتشر شده معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی تحصیل حوزوی خود را در مرحله مقدمات با مطالعه کتاب هایی مانند المنطق ، شرح ابن عقیل و سایر کتب درسی آغاز نموده ام و تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت.

در سال ۱۳۶۴ کتاب های معالم الدین و شرح لمعه را نزد استادان بزرگوار مقدس و رحیمی تلمذ نموده ام.

جهت ادامه تحصلات خود در سطوح عالیه در سال ۱۳۶۶ وارد دانشسرای علوم اسلامی که تحت نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (دام ظله) بود شده ام که درس های معارف القرآن و بحث های اقتصادی و نزد استاد حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی، فقه مقارن نزد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم جناتی، مکاسب شیخ نزد اساتید بزرگوار آیت الله راضی، سید علیرضا حائری و شیخ حسن جواهری، اصول (کفایه و حلقه سوم) نزد آیت الله شیخ باقر ایروانی و فلسفه نزد آیت الله سید کمال حیدری خوانده ام.با اتمام سطوح عالیه سال ۱۳۷۱ در بحث خارج اصول حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی و بحث خارج فقه حضرت آیت الله سید کاظم حائری شرکت داشته ام.

همچنان در سال های ۱۳۷۲ ـ ۱۳۷۴ در حلقه مباحثه خصوصی بحث های فقهی تحت نظارت حضرت استاد بزرگوار جناب شیخ باقر ایروانی و در حلقه مباحث بحث های اصولی برای مدتی کوتاهی تحت نظارت استاد بزرگوار جناب شیخ محمد هادی آل راضی شرکت داشته ام.از اوایل تحصیل خود و همزمان با ادامه تحصیلات با موسساتی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، دانشکده امام حسین(ع) قم، انتشارات دارالقلم، مجله التوحید، نمایندگی ولی فقیه همکاری علمی داشته ام.

در سال ۱۳۷۲ مسئولیت تدوین متون درسی مدارس خارج از کشور سازمان تبلیغات اسلامی بعهده داشته ام و از سال ۱۳۷۴ با موسسه دائره المعارف فقه اسلامی تحت نظارت رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای و به ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی (دام ظلهما) شروع به همکاری نموده ام که تا بحال ادامه دارد و در این مدت مسوولیت هایی مانند سرگروهی جلدهای ۳، ۸ موسوعه الفقه السلامی عضو شورای تحقیقات، و عضو هیات علمی موسسه دائره المعارف بعهده داشته ام. همچنین اینجانب در سال ۱۳۷۶ به عضویت هیئت تحریریه فصلنامه فقه اهل بیت (ع) درآمده ام.

معلمی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن معلمی

محل تولد : فریدن

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن معلمی در سال ۱۳۳۸ در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (۱۳۵۶) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال ۱۳۵۶ در مدرسه رضویه شروع کردم

مفتح، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی مفتح

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۲۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۲ تحصیلات ابتدایی را در دبستان نیکان تهران آغاز نموده و تمامی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دبستان راهنمایی و دبیرستان نیکان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۴ مدرک دیپلم در رشته ریاضی فیزیک با معدل ۱۹.۵ اخذ کردم.

ورود من به دانشگاه در سال ۱۳۶۴ و در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه تهران می باشد که با توجه به حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و بروز مشکلاتی همچون تعطیل ترم دانشگاه ها بر اثر موشک باران در آبان ماه سال ۱۳۷۰ مدرک مهندسی برق و الکترونیک را از دانشکده فنی دانشگاه تهران اخذ نمودم.

در کنار تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به طی مدارج علمی حوزوی و حضور در دروس حوزه های علمی تهران پرداختم به نحوی که در سال ۱۳۷۰ همزمان با اخذ مدرک دانشگاهی لیسانس، دروس حوزوی را نیز تا مکاسب محرمه و قطع و ظن رسائل به انتها رسانده بودم.

پاره ای از اساتید دروس حوزوی اینجانب تا این مرحله عبارتند از: آیت الله سید علی هاشمی گلپایگانی اصول فقه (مظفر) ؛ پاره ای

از کتب شرح لمعه

آیت الله سید حسین مصطفوی عمده کتابهای شرح لمعه

آیت الله سید حسن مصطفوی شرح تجرید

دکتر ابوالقاسم گرجی مکاسب محرمه

آیت الله سید رضی شیرازی قطع و ظن (رسائل) ؛ شرح منظومه سبزواری (حکمت)

پس از حضور در حوزه علمیه قم دروس سطح عالی را تکمیل نمودم که اساتید این دوره تخصصی عبارتند از: استاد علی محمدی: برائت (رسائل)

استاد اعتمادی: استصحاب (رسائل)

آیت الله رضا استادی: بیع (مکاسب)

آیت الله سید علی محقق داماد: خیارات (مکاسب)

آیت الله قدیری: کفایه

با اتمام دروس سطح عالی و بجهت گذراندن دوره خدمت سربازی به تهران بازگشته و با حکم مأموریّت از سپاه پاسداران به عنوان کارشناس کامپیوتر در وزارت صنایع و شرکت شیشه قزوین مشغول گشتم. و نیز مسئولیت گروه معارف صدای جمهوری اسلامی را به مدت قریب دو سال عهده دار بودم. در این دو سال از دروس خارج فقه و اصول تهران استفاده می نمودم که اساتید این دروس عبارتند از:

آیت الله خامنه ای: خارج فقه (جهاد)

آیت الله مجتبی تهرانی: خارج اصول، خارج فقه (ولایت فقیه ومکاسب محرمه)

آیت الله محمدی گیلانی: خارج فقه (صلاه مسافر)

پس از بازگشت به قم در دروس خارج فقه و اصول و فلسفه شرکت نمودم که اساتید این دوره عبارتند از:

آیت الله فاضل لنکرانی: خارج اصول

آیت الله شبیری زنجانی: خارج فقه (خمس، نکاح)

آیت الله مومن: خارج اصول

آیت الله جوادی آملی: خارج اسفار (فلسفه تخصّصی)

از سال ۱۳۷۵ و پس از شرکت در آزمون مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته علوم قرآن و حدیث به تحصیل در این رشته در دانشکده اصول الدین پرداختم که این دوره تحصیلی با ارائه پایان نامه و کسب نمره نهایی ۱۹ در سال ۱۳۷۸ پایان یافت.

سال ۱۳۸۳ پس از قبولی در کنکور سراسری مقطع دکتری در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشکده اصول الدین به تحصیل اشتغال یافتم، که با دفاع از رسالْ دکتری در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۷، و با کسب درجه عالی و نمره ۱۹ بابت این رساله، دوره تحصیل دکتری را به پایان رساندم.

در کنار ادامه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و اشتغال به مسئولیت های اجرائی و علمی مختلفی همچون تاسیس و راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف طراحی و ادامه تولید سیستم جامع مکانیزه مدیریت حوزه علمیه قم و ... به تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی پرداختم، که در این زمینه تا کنون دروس بدایه الحکمه؛ اصول فقه (مظفر) ، مکاسب (محرمه، بیع، خیارات) هرکدام یک دوره، کفایه (اوامر، نواهی، اصول عملیه) دو دوره ، و رسائل (قطع و ظن، برائت، استصحاب) سه دوره تدریس شده اند.

و نیز دروس دانشگاهی تحریف قرآن، رابطه قرآن وسنت، تفسیر موضوعی ، اعجاز قرآن ، روش شناسی استنباط از متون دینی ،

تفسیر فقهی ، تفسیر عقلی ، تفسیر روائی ، قرائت و درک متون عرفانی ، منطق ، علوم قرآنی۱ ، علوم قرآنی۲ ، علوم قرآنی۳ ، و ... تدریس شده اند.

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در

حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشـنایی با تاریخ ارشاد شـیخ مفید را گفتم و در همین راسـتا جذب دانشـگاه شدم و یک ترم در دانشـگاه کرج تاریـخ گفتم امـا به دلیل نامساعـد بودن فضای دانشـگاه انصـراف دادم و به عنوان تـدریس نرفتم.مـدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مقتدایی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مرتضی مقتدایی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـةالله مرتضـی مقتـدایی در سـیزدهم رجب ـ روز ولادیت امام علی(ع) ـ سال ۱۳۱۴ هجری شمسـی در محله مسـجدحکیم اصفهان چشم به جهان گشود. پـدرش مرحوم آیـةالله حاج میرزا محمود مقتدایی از بزرگان و دانشـمندان مشـهور اصـفهان بود که از مرحوم آقاسـید محمـد نجف آبـادی اجازه اجتهاد داشت و مـدت کوتاهی از محضـر مرحوم حاج شـیخ عبـدالکریم حائری ـ مؤسـس حوزه علمیه قم ـ بهره برده بود و با امام(ره) و مرحوم آیـةالله محقق داماد و مرحوم آیـةالله سـید احمـد زنجانی جلسات مشترکی برپا نموده بود. جدش مرحوم ملامحمد باقر از زاهدان و عالمان عصـر خود بود که در امامزاده اسـحاق ـ برادر امام رضا(ع) ـ در پنج کیلومتری اصـفهان مـدفون است. هنگـامی که برای تعمیر حرم امامزاده، قبر او خراب شـد، جنازهٔ او در حالی که کاملاً سالم و تازه بود، نمایان شد! مادر آیةالله مقتدایی نیز زنی پاکدامن و مؤمن و صبیّه مرحوم آیةالله العظمی حاج میرزا جمال الدین کلباسی بود. خانوادهٔ آیةالله مقتـدایی، زنـدگی سـاده و بی آلایشـی داشـتند و از ویژگیهـای پـدرش این بود که هیـچ گـاه از وجوهات شـرعی برای امرار معاش اسـتفاده نمی‌کرد، با اینکه هر ماه مبالغ بسـیاری از وجوهات را از مردم دریافت می‌کرد. کودکی آیةالله مقتدایی، با استبداد رضاخان و مسـأله کشـف حجـاب و ممنوعیت پوشـیدن لبـاس روحانی، همزمان بود. البته پـدر او جزو کسانی بود که در امتحانات رسـمی آن دوره، شـرکت کرده بود و اجازه تدریس و بر سـر نهادن عمامه داشت؛ اما به دلیل ممنوع بودن حجاب برای زنان، با خانوادهٔ خود به روسـتای «خوراسـگان محله پزوه» رفت تـا ضـمن آزادی بیشـتر، به رتـق و فتـق امور مردم نیز بـپردازد. آیـةالله مقتـدایی در همـان جا تحصـیلات ابتـدایی را آغاز کرد و پس از به پایان رسانـدن دوره ابتـدایی، نزد پـدر، شـرح نصاب، جامع المقـدمات، سـیوطی، منطق کبری و بخشـی از شـرح نظام را خوانـد. در سال ۱۳۳۱ وارد حوزه علمیه اصـفهان شـد و ادامـهٔ دروس مقدمات و دوره سـطح را نزد

بزرگان آن دیار فرا گرفت. دو سال هم در درس خارج شرکت کرد و در سال ۱۳۳۸ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. سبب عزیمت او به قم این بود که در تابستان، چند تن از طلاب فاضل حوزه علمیه قم به اصفهان آمده بودند و در حجرهٔ آیهٔالله مقتدایی در مدرسه صدر سکونت داشتند. آنها پس از آگاهی از وضعیت درس و بحث طلبه جوان، او را به حضور در قم تشویق کردند و ویژگیهای درس امام(ره) را برای او برشمردند و بیان داشتند که دوره دوم خارج اصول و خارج مکاسب امام(ره) به تازگی آغاز شده است. این مژده، شور و شوق او را برای حضور در قم دو چندان ساخت. در قم نیز در درس خارج امام(ره) و دیگر بزرگان شرکت نمود و در این میان، از تحصیل علوم عقلی نیز باز نماند. در سال ۱۳۴۰ نیز به کلاسهایی که شهید دکتر بهشتی برای آشنایی فضلای قم با علوم جدید، ازجمله فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی بود، راه یافت. این کلاسها در شبهای پنج شنبه و جمعه و عصرهای جمعه برگزار می‌شد. آیهٔالله مقتدایی در طی این سالها از شرکت در دروس اخلاق و تهذیب نفس غافل نمی‌ماند و همواره پندهای عالمان و استادان خود را به گوش جان می‌سپرد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی در سالیان علم آموزی، با استادان بسیاری انس داشت. او که بخشی از مقدمات را نزد پدر خود آموخته بود، باقیماندهٔ آن و بخشی از دروس سطح را نزد مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی و نیز مرحوم آقای فیاض و شهید شمس آبادی فرا گرفت. او منظومه را نزد مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی و تفسیر، نهج البلاغه و اخلاق را نزد مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی و خلاصهٔ الحساب و تشریح الافلاک را نزد مجدالعلما فرزند مرحوم حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی فرا گرفت. همچنین مکاسب را نزد مرحوم آیهٔالله خادمی آموخت و دو سال نیز در درس خارج آن مرحوم شرکت نمود. با ورود به حوزه علمیه قم، به درس خارج امام خمینی(ره) شرفیاب شد و همزمان در درس آیهٔاللهالعظمی بروجردی نیز شرکت می‌کرد. همچنین از درسهای خارج مرحوم محقق داماد و مرحوم گلپایگانی و مرحوم اراکی نیز بهره می‌برد. در بخش فلسفه نیز به درس اسفار مرحوم علامه طباطبایی می‌رفت. آیهٔالله مقتدایی در سالهای تحصیل خود با بسیاری از فضلا دوست بود و به مباحثه علمی در زمینه‌های گوناگون می‌پرداخت که از جمله آن در اصفهان می‌توان آقایان حسن امامی، شیخ صفرعلی شریعت فلاورجانی، عبودیت، کمال فقیه ایمانی و در قم آقایان فاضل هرندی، مؤمن، طاهری خرم‌آبادی، مصلحی و الهی قمی را نام برد. آیهٔالله مرتضی مقتدایی، تاکنون فعالیتهای علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او از سالهای آغازین اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، به تدریس دروس آموخته، می‌پرداخت و کتب دورهٔ سطح و نیز سطوح عالی را بارها تدریس نموده است وی چند سال به تدریس خارج فقه در مدرسه مروی تهران و پس از آن در حوزه علمیه قم اشتغال داشته که این تدریس تاکنون ادامه دارد و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند که وجودشان، تداوم بخش راه اجتهاد در حوزه‌های علمی و عملی خواهد بود. همچنین وی تقریرات درسهای آیات عظام بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و گلپایگانی را نگاشته است که تاکنون به چاپ نرسیده است. آیهٔالله مقتدایی، پس از فوت پدر، هنگامی که با اصرار و استقبال اهالی «خوراسگان» مبنی بر حضور دائم در آن مکان مواجه شد، با صلاحدید امام(ره) در ایام تعطیلی به آنجا می‌رفت و به حل مشکلات دینی و دنیوی مردم می‌پرداخت. تأسیس صندوق قرض‌الحسنه حجهٔابن الحسن العسکری(عج) با همت برخی دیگر، تأسیس مدرسه علمیه امام صادق(ع) و حوزه علمیه خواهران و ایجاد انجمن حمایت از ایتام از جمله خدمات وی در آنجا بود. آیهٔالله مقتدایی در سنگرهای سیاسی گوناگونی در سالهای پیش از انقلاب و نیز پس از آن شرکت فعال داشته است. او آشنایی و انسش با امام در زمان تحصیل آغاز شد، هر صبح و عصر در درس آن مرد بزرگ حاضر می‌شد و نماز مغرب و عشاء را به امامت او می‌خواند. عشق و علاقهٔ زائدالوصف او به امام(ره) و راه او باعث شد همواره اطاعت از او را بر خود واجب بشمارد و هیچ گاه از مسیر او که همانا مسیر واقعی اسلام است منحرف نشود. آیهٔالله مقتدایی در موقعیتهای گوناگون به نشر اعلامیه‌ها و رسالهٔ عملیه امام(ره) و قدردانی و تجلیل از او در سخنرانیها می‌پرداخت و در داستان رفراندوم شاه که علما، از جمله امام(ره) آن را تحریم نمودند، پیام امام(ره) را به علمای اصفهان، از جمله آیهٔالله خادمی اصفهانی و آقای ارباب رسانید که در پی

آن، بازار اصفهان تعطیل شد. از دیگر فعالیتهای مهم وی در پیش از انقلاب اسلامی، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شرکت در جلسات آن بود که حضور وی در آن زمان در این عرصه، شجاعت و اعتقاد راستینی را گواه است. امضای وی در زیر بسیاری از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مهم آن مرکز، به چشم می‌خورد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، حضور آیهٔ‌الله مقتدایی در صحنه‌های سیاسی، کم رنگ نشد و وی با صلابت و شجاعت در عرصه‌های گوناگون، بویژه در قوه محترم قضائیه، به فعالیت پرداخت. در اسفند همان سال، یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب، با ابلاغ قضایی که برخی از اعضای جامعه مدرسین آن را صادر کرده بودند، معظم له بر قضاوت در دادگاههای انقلاب منصوب شد. در فروردین ۱۳۵۸ امام(ره) او را برای امر قضا به خرمشهر، آبادان و نیز ملایر و زنجان اعزام کرد. او همچنین در دادگاههای تهران و قم، به طور موقت، مشغول به کار شد. در کنار تمام این مسئولیتها، ایشان به تدریس دروس سطح و خارج نیز می‌پرداختند بگونه‌ای که اشتغال در مسئولیتهای اجرائی هیچگاه وی را از تدریس باز نداشته است.

مقدسی شیرازی، ابوالفرج عبدالواحد

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۴۸۶ ق)، فقیه حنبلی، اصولی، واعظ و مفسر. در عراق به مقدسی معروف بود. اصلش از شیراز است. در حران به دنیا آمد. وی به بغداد رفت و ملازم ابویعلی بن فراء قاضی شد و از او فقه آموخت و خود به تدریس و وعظ پرداخت. آنگاه به شام رفت و در بیت‌المقدس سکنی گزید و در همان جا به ترویج مذهب امام احمد حنبل پرداخت و تصانیفی در فقه و اصول نگاشت. از ابوالحسن بن سمسار و شیخ‌الاسلام ابوعثمان صابونی و عبدالرزاق بن فضل کلاعی و جماعتی دیگر در دمشق حدیث شنید. او شیخ شام و شیخ‌الاسلام زمان خویش بود. در دمشق درگذشت و در مقبره‌ی باب الصغیر دفن شد و قبرش مزاری مشهور گردید. از آثارش: «الجواهر»، در تفسیر قرآن؛ «المبهج» و «الایضاح»، در فروع فقه حنفی؛ «التبصرهٔ»، در اصول دین؛ «مختصر فی الحدود»؛ «مختصر فی اصول الفقه»؛ «مسائل الامتحان».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۴۲۵، ۲۸۷/ ۲، ۱۵۵/ ۱)، تذکرهٔ الحفاظ (۱۱۹۹/ ۳)، ذیل طبقات الحنابله ابن رجب (۷۳ -۶۸/ ۳)، سیر النبلاء (۵۳ -۵۱/ ۱۹)، شذرات الذهب (۳۷۸/ ۳)، طبقات الفقهاء الحنابلهٔ (۳۳۴ -۳۳/ ۲)، طبقات المفسرین داودی (۳۶۲ - ۳۶۰/ ۱)، العبر (۳۵۲/ ۲)، الکامل (۱۶۹/ ۸)، معجم المؤلفین (۲۱۲/ ۶)، هدیهٔ العارفین (۶۳۴/ ۱).

مقدسی، یدالله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

یدالله مقدسی

محل تولد : نکا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله مقدسی، تحصیلات خواندن و نوشتن را در زادگاهم نزد پدر بزرگوارم آغاز نموده و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مرحوم آیت الله کوهستانی در روستای کوهستان رفته و با شکل گیری بنیاد روحی و تحصیلی در آن حوزه مقدسی و در حالی که مشغول تحصیل کتاب سیوطی بودم به سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و نزد اساتید بزرگوار ادبیات تلمذ کرده و با شرکت در امتحان عمومی حوزه در رتبه ۱ آن دوران (پایان ادبیات) با معدل ۵/۱۹ پذیرفته شده و به تعلّم فقه و اصول پرداختم در آغاز این دوره بود که به سال ۴-۱۳۵۲ به سربازی برده شدم و پس از بازگشت به حوزه به ادامه آن و تکمیل جلد ۲ شرح لمعه و رسائل شیخ اعظم پرداختم و نزد اساتید گرامی سطح عالی آن دوران بهره‌ها بردم و در امتحان نهایی شرکت جسته که البته بخشی از این دوران، زمان شکوفایی مبارزات امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بوده که حدود ۲ سال، تحصیل و درس متوقف بوده و در این فرصت به مبارزات علیه رژیم شاه به فعالیت می‌پرداختم، پس از پیروزی مدتی را در سازماندهی گوشه‌ای از امور انقلاب و در حفاظت از امام خمینی عمر گذراندم، پس از آرامش سپس در کشور و آغاز درس‌های حوزه به مؤسسه راه حق -که در آن دوران زیر نظر استاد مصباح بوده- جهت گذراندن دوره فشرده معارف اسلامی رفته و در یکی از دوره‌ها بهره جستم و در دوران دفاع مقدس گاهی به یاری رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق شناخته که خداوند قبول فرماید پس از دوران دفاع به پژوهش‌های حدیثی و تاریخی، در کنار درس‌های فقه و اصول و فلسفه و هیئت پرداخته که آشنایی کافی و تخصصی به زندگی و سیره معصومان(ع) برآیند این پژوهش است، در این میان از پژوهش‌های فقهی و تدریس نیز بیگانه نبوده و در صورت آزاد در حوزه و نیز در برنامه‌های تحت مدیریت در مدرسه‌ها، به تدریس قواعد فقه، اصول، تفسیر و گاهی اخلاق اشتغال داشته (بخشی در مرکز جهانی برای طلاب خارجی و بخشی برای طلاب ایرانی) و البته در کنار مطالب یاد شده از تبلیغ معارف دینی (در مناسبت‌های تبلیغی) نیز بدور نبودم.به امید آن که خدای بزرگ و مهربان همگان و این ناچیز را از لطف و رحمتش محروم نداشته و تمامی فعالیت‌ها را پذیرفته و حضرت ولی الله الأعظم(ع) ارواحنا فداه را یاورمان قرار داده و همه ما را در ردیف سهام داران مکتبش گزینند و نظام اسلامی به رهبری ولایت فقیه را تا ظهورش مستدام بدارد. انشاءالله

مقدم، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر مقدم

محل تولد : خوی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۴/۲۰

زندگینامه علمی

حجت الاسلام شیخ محمد باقر مقدم در سحرگاه بیستم تیرماه ۱۳۴۱ در شهر خوی دیده به جهان گشود . در خانواده ایی مذهبی رشد کرد و به مدرسه رفت . ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش خواند . آنگاه برای تحصیل علوم دینی عازم قم و مستقیما وارد حوزه علمیه شد .در سال تحصیلی ۵۶ ، دورس حوزوی را آغاز کرد . ادبیات را از استاد مدرس افغانی ، منطق را از شیخ عبد الصمد خلیل زاده ، لمعتین را از آیت الله وجدانی فخر، مکاسب را از آیت الله پایانی، رسائل و کفایه را ازآیت الله اعتمادی فرا گرفت .

سپس مدت دو سال در حلقه درس آیت الله گلپایگانی و آیت الله مرعشی نجفی زانو زد تا از برکات آن دو مجمع علمی سود جوید . در ادامه درس خارج ، مدت ۱۰ سال پای درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی حاضر شد .دوران جنگ تحمیلی چند بار توفیق حضور در جبهه دست یافت و در چند عملیات شرکت کرد . با پایان دفاع مقدس ، به سنگر پژوهش روی آورد و همزمان با تحصیل، تحقیقات غیر درسی خود را گسترش داد . نخستین کار گروهی را با سمت معاونت پژوهشی در سال ۶۹ ، برای معجم فقهی آیت الله گلپایگانی انجام داد .

از آن تاریخ به آموزش و پژوهش در مراکز و موسسات متعددی همت گماشت . در حال حاضر به عنوان کارشناس و مشاور اطلاع رسانی، با چند مرکز پژوهشی همکاری دارد .

مقری مؤذن، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل مقری مؤذن

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۳ سالی خوش یمن و مبارک برای خاندان مقدس مؤذن بود، در این سال خداوند به خانواده حسن مقری مؤذن کودکی هدیه داد که بعدها اسماعیل نام گرفت. حضرت آیت الله اسماعیل مقری مؤذن دوران کودکی و تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در زادگاه خویش نیشابور سپری کرد پس از آن با تشویق خانواده در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه نیشابور گردید. ادبیات را از محضر استاد برجسته ادبیات آن زمان ادیب نیشابوری فرا گرفت سپس برای ادامه تحصیلات حوزوی به دیار مشهد هجرت کرد، در آن دیار از محضر آیت الله هاشمی خراسانی معانی بیان، در نزد آیت الله صالحی شرح لمعه و مکاسب کفایه را از محضر برجسته گان حوزه علمیه مشهد آیات رضازاده و صالحی کسب فیض نمود و ایشان پس از طی تحصیلات عالی سطح حوزه در سال ۱۳۵۷ وارد حلقه درس خارج فقه و اصول آیات مرتضوی و میرزا علی آقا فلسفی گردید. پس از پیروزی انقلاب تاکنون در

جهادسازندگی و... مشغول تدریس علوم معارف الهی به تشنگان این علوم می‌باشد.

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان ۱۳۷۰ قمری به قم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.

استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.

جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهائی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب‌ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم .

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.

مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.

۲- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.

۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.

۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.

۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.

۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.

۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.

۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.

۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.

۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.

۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.

۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.

۱۳- این است آئین ما، مطبوع.

۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.

۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.

۱۶- ده درس خداشناسی، مطبوع.

۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.

۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.

۱۹- ده درس عدل شناسی، مطبوع.

۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.

۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.

۲۲- جلوه حق، مطبوع.

۲۳- معمای هستی، مطبوع.

۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.

۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.

۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.

۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.

۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.

۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.

۳۰- تقلید یا تحقیق، مطبوع.

۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.

۳۲- مساله انتظار، مطبوع.

۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.

۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.

۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.

۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.

۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.

۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.

۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.

۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.

۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.

۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.

۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.

۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.

۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.

۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.

۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.

۴۸- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.

۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.

دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.

مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.

مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.

این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در

آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملاباشی شیرازی، محمدباقر

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۲۴۰ ق)، فقیه و اصولی. جامع معقول و منقول بود. چون معلم حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر فتحعلیشاه قاجار، بود به ملاباشی ملقب گردید و سلسله‌اش به این نام معروف شدند. در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی خواجه حافظ دفن شد. از آثارش: «بحر الجواهر الخاقانی»؛ «انوار الحقائق»؛ «مقاصد الصالحین»؛ «لوامع الانوار»، در شرح «الصحیفة السجادیة»، شرحی عرفانی، در دو مجلد بزرگ؛ «انوار القلوب»، در اخبار و مواعظ و اخلاق، به فارسی.[۱]

(تو ۱۲۸۵ ش)، نویسنده. در ارومیه متولد شد. پس از فراغت از تحصیل دوره‌ی متوسطه به تهران آمد و در دانشسرای عالی در رشته‌ی ریاضی و علوم تربیتی لیسانس گرفت و بعد وارد خدمت وزارت فرهنگ گردید و عهده‌دار مشاغل ذیل شد: دبیر و بازرس فرهنگ اصفهان، رییس دانشسرای مقدماتی پسران تبریز، رییس فرهنگ ارومیه، مامور مطالعه به اروپا در سال ۱۳۲۶ ش به مدت یکسال، رییس دبیرستان قریب، رییس تعلیمات متوسطه، رییس فرهنگ آذربایجان و استاندار آذربایجان شرقی. از آثار وی: «تربیت معلم در کشورهای فرانسه و انگلستان و ایران»؛ «تعلیم و تربیت در فرانسه».[۲]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان الشیعه (۱۸۹، ۱۸۵/ ۹)، الذریعه (۳۸۱/ ۲۱، ۳۶۳- ۳۶۲/ ۱۸، ۳۵- ۳۴/ ۳، ۴۳۸/ ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۱ -۱۹۰/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۲۵)، مجمع الفصحا (۱۸۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۹۵/ ۹).

[۲] مؤلفین کتب چاپی (۲۴۱ -۲۴۰/ ۴).

ملک زاده، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسّمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنّ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری– با صرف نظر از عنوان و موضوعشان– کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور– به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده– سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی– سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی– تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و

تربیتی شکل گسترده‌تری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سنّ ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیـﺔالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحهٔ قرآنِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴– ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعهٔ الکعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعهٔ الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعهٔ الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعهٔ الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیﺔاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاﺓ، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاﺓ، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیﺔاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاﺓ، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیﺔاللّه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیـﺔالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیﺔاللّه شیخ عبداللّه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی

همچون حضـرات آيات شـيخ ناصر مكارم شيرازي و مرحوم شيخ محمد هادي معرفت هم حاضر شده، بهرههاي فراواني برد. فلسفه، اخلاـق و عرفـان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسـفار آيـهٔاللّه شـيخ يحيي انصاري شـيرازي نيز اسـتفاده نمـود. مـدت كوتـاهي هـم در درس اشـارات شـركت كرد.علاـوه بر اينهـا در برخي دوره هـا و درس و بحـث هـاي فلســفي كـه به موضوعـاتي خاص در فلسـفه مي پرداختنـد نيز مشاركت داشته است. همچنين در زمينه اخلاق نيز از پيش از ورود به حوزه تا كنون محضـر پر فيض اساتيد و فرهيختگان متعددي از جمله حضـرات آيات شـيخ محمد تقي مصباح يزدي ، شيخ جواد كربلايي ، مرحوم شيخ علي پناه اشتهاردي ، مرحوم حاج آقاي مجتهدي و برخي بزرگان ديگر را درك كرده است . البته استفاده وي از آيهٔالله مصباح يزدي منحصـر به شـركت در درس هـاي اخلاـق ايشان نبوده بلكه طي ساليان متمادي از بسياري از مباحث فلسـفي و كلامي و ساير بحث هـاي ايشـان در زمينه انـديشه و معـارف اسـلامي – به صورت محض و يا به صورت تطبيقي با مكاتب ديگر – بهره هاي قابل توجهي برده است. از ديگر اساتيـد وي ميتوان به پـدر بزرگوار ايشـان اشاره كرد كه علاوه بر مراتب علمي، از نظر معنوي و روحاني نيز داراي مقام رفيعي ميباشـند و بدين جهت هم در زمينه فقه، اصول و فلسـفه و هم در زمينه اخلاق و عرفان– از مقدمات تا خارج- به تـدريس و راهنمـايي فرزنـد خويش پرداختهانـد. اجـازات وي تـا به حـال موفق به اخـذ چنـدين اجـازه مختلف– و از جمله اجازه اجتهاد- از علماء و مراجع عظام تقليد در قم و مشـهد شده است. جوانترين طلبه نويسـنده در اين سالها كار نگارش كتاب را نيز ادامه داد و در اولين دوره انتخـاب كتاب سال حوزه علميه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترين طلبه نويسـنده انتخاب شده، موفق به اخذ جايزه و لوح تقـدير گرديـد. زبانهـاي ديگر و فعـاليت در خـارج از كشور بـا تسلط بر زبانهاي عربي و انگليسـي و انـدكي آشـنايي با زبان فرانسوي و چنـد زبـان ديگر، توانست به كشورهاي زيادي سـفر كنـد و در سـطح بينالمللي به فعاليتهاي علمي، فرهنگي و اسـلامي و تبليغ دين مبين اسلام و معرفي مكتب اهلبيت(ع) بپردازد. حضور در دانشـگاهها طيّ اين سالهـا به دانشـگاههاي بزرگ و معتبري در داخـل و خـارج از ايران دعوت شـده و در اين دانشـگاهها به تـدريس، سـخنراني، برگزاري جلسـات پرسـش و پاسـخ و يا برگزاري كارگاههاي علمي و آموزشـي پرداخته است. مطالعات تاريخي افزون بر تحصـيل و تدريس علوم مختلف اسـلامي، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشـته تخصصـي تاريخ كه براي اولين بار در حوزه علميه قم تأسيس شده بود شـركت نمود و مطالعات زيادي را در زمينه تاريـخ اسـلام و فلسـفه تاريـخ از ديـدگاه قرآن به انجـام رسانـد. مسائل جديـد به مـدّت يك سال در دوره «شبههشناسـي و پاسـخگويي به شبهات» كه به وسيله مؤسسه «در راه حق» و با تدريس جمعي از صاحبنظران و اساتيد برجسته، برگزار گرديد شركت كرد و با رتبه اول فارغالتحصـيل شـد. مسائل و شـبهاتي كه در اين دوره مورد بحث قرار گرفتنـد در دو زمينه «كلام قـديم» (با توجه ويژه به عقايد وهّابيّت) و «كلام جديد، فلسـفه دين و معرفتشناسـي» بودند. البته آشـنايي وي با بعضـي از مكاتب فلسـفي غرب، كلام جديـد، معرفت شناسـي، برخي از فلسـفههاي مضاف و مباحث و مسائلي كه در دوران جديد در حوزه دينپژوهي مطرح شده است به سالهايي پيشتر از شركت در اين دوره بازميگردد. و همچنان كه قبلاً نيز اشاره شد از نوجواني به مطالعاتي از اين دست علاقه خاصي داشـته و علاـوه بر مطالعـات منظمي كـه به صـورت شخصـي در اين زمينههـا داشـته است، همايشـها، جلسـات بحث، سـخنرانيها و يا مناظرههـايي درباره اين مسائل را هم پيگيري كرده و در برخي از كلاسـها يا دورههايي كه با موضوع علوم جديـد از منظر اسـلام– همچون دروس جامعه شناسـي اسلامي - يا معرفتشناسي و كلام جديد برگزار ميشده است نيز شركت كرده است. و همين آشنايي با مبـاحث فكري و فرهنگي جديـد يكي از مهـمترين عوامـل مـوفقيت وي در پاسـخگويي بـه پرسشــهاي نسـل جـوانِ تحصـيلكرده و دانشـگاهي در داخـل و خـارج از كشـور بـوده است. تـدريس مبـاحث حـوزوي در زمينه تـدريس دروس حوزوي برنـامه وي بـدين صورت بوده است كه تـا پيش از ورود به درس خـارج به تـدريس ادبيـات و منطق و همچنين اصول (البته فقط حلقه اولي از حلقات اصول شـهيد صـدر)، پرداخته و از هنگـام ورود به درس خـارج تـاكنون به تـدريس شـرح لمعه، اصولاـلفقه، حلقات اصول، رسائل، مكاسب و كفايهٔ الاصول اشـتغال داشـته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضـمن ادامه حضور در دروس خارج

فقه و اصول علمای اعلام، تـدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقـد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغـاز نموده است. همکـاری تحقیقی بـا مؤسسات و نگـارش دانشنامه از دیگر کارهـای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعهٔ الکعبه) میتوان به همکـاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مـدت کوتـاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنـامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تـدریس یـک دور مبـاحث تفسیری (از ابتـدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سـال ۱۳۷۵ تـا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسـات «مطالعات اسـلامی» (بررسـی مباحث کلیـدی و چارچوبهای اساسـی در تفکر اسـلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیـهٔ جامعـهٔالکعبه برگزار میشـد، به تـدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشـریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تـدریس یـک دور تفسیر قرآن کریم شـد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضـروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شـده در مطبوعات و یا ارائه شـده به همایش های متعـدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سـالگی، بیش از هفتاد جلـد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلـد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشـی از سـخنرانیها یـا تدریسـهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شـده و نرمافزارهـایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملکوتی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی ملکوتی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هشتم مرداد در قم به دنیا آمدم که (سال اول) ابتدائی را در قم و بقیه دوره دبستان و تا کلاس ۹ را در نجف اشرف خواندم. سال ۴۳ وارد حوزه علمیه نجف شدم (در جامعهٔ الزالجف) دروس سطح را از ابتدا تا تقریبا آخر خواندم. سال ۴۹، ۵۰ به قم در خدمت والد منتقل شدم. درس خارج اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان را در محضـر اساتید تحصیل کردم. طبق معمول حوزه های علمیه در کنـار تحصـیل، مشـغول تـدریس ادبیات، منطق، شـرح لمعه، مختصـر، معانی بیان و غیره در مـدرسه فیضـیه، حجتیه و مقابر

صحن بودم.

از حوالی سال ۵۶ همراه با هرج و مرج مردم و انقلاب به رهبری حضرت امام (ره) در کنار مردم مشغول مسائل انقلاب شدم. مسئولیت کمیته شهرستان سراب برای مدتی بعد از انقلاب به عهده این جانب بود و در دوره اول و دوم به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی مشغول خدمت بوده (عضو بانیان کمیسیون ارشاد بودم). بعد از دو دوره باز به قم برگشتم. مشغول تدریس و تحصیل شدم.

ضرورت اقتضاء کرد تا برای مدتی در تبریز در خدمت حضرت والد باشم. در آنجا مشغول تدریس رسائل، مکاسب و درس دیگر شدم. در ضمن مسئولیت احداث دوره دانشگاه در واحد سراب را هم به عهده داشتم. حدود ۱۲، ۱۳ سال مشغول آن واحد (البته به صورت کنترل از راه دور) به عهده داشتم. سال ۷۳ باز همراه والد به قم مراجعه و در قم مشغول به تدریس: فلسفه، فقه و اصول و در واحد قم هم به عنوان عضو هیئت علمی تدریس می کنم.

ملکی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود ملکی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اگر چه این جانب نقطه قابل ذکر در زندگی خود مشاهده نمی کنم که لازم بدانم آن را به عنوان شرح حال مطرح کنم، چرا که آنچه ما انجام داده ایم قطره ای در مقابل دریاهایی است که بزرگان و گذشتگان از خود بجا گذاشته اند و با وجود عدم امکانات در آن زمان ها کارهای علمی شگفت آوری انجام داده اند. به هر حال، گویا به درخواست آن مرکز محترم ناگزیر از نوشتن جملاتی به عنوان زندگی نامه هستم.

در سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده ای روحانی متولد شدم. پدرم مرحوم حجهٔالاسلام و المسلمین حاج شیخ کاظم ملکی از روحانیان باتقوا و باسابقه و سرشناس در منطقه و حوزه علمیه و مورد اعتماد مراجع بزرگوار تقلید بود. مهمترین نقش را در زمینه تربیت و پروش علمی و اخلاقی این جانب ایشان داشته و در واقع زندگی خود را مرهون خدمات و هدایتها و راهنماییهای ایشان می دانم.

تحصیلات ابتدایی و راهنمائی را در زادگاه خود به پایان رساندم. اگر چه در همان زمانها علاقمند به علوم حوزوی بودم ولی مرحوم پدرم معتقد بود روحانی در این زمان باید از علوم جدید نیز آگاهی داشته باشد لذا به اصفهان آمده و تا مقطع دیپلم در رشته ریاضی فیزیک ادامه تحصیل دادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم شدم. از آن پس به حوزه علمیه اصفهان وارد شده حدود یکسال در آنجا تحصیل کردم.

سپس در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل ادامه دادم. دروس مقدمات تا سطح عالی را از اساتیدی چون: «مدرس افغانی (ره)»، «ذهنی تهرانی (ره)»، «وجدانی (ره)»، «پایانی (ره)»، «اشتهاردی (ره)» و اساتید دیگر استفاده کردم. سپس در درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» شرکت کرده و چند سالی از دروس خارج «آیت الله فاضل لنکرانی» و «آیت الله تبریزی» استفاده کردم.

از اوایل شروع به تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشته ام و تاکنون تدریس را ادامه داده ام. دروس مختلف حوزوی از مقدمات تا سطوح عالی را تدریس کردم و در حال حاضر نیز به تدریس فقه، اصول و تفسیر اشتغال دارم. از جمله دغدغه های اینجانب متون درسی حوزه بوده است، زیرا بازنگری در آنها و روز آمد شدن آنها را امری ضروری و اجتناب ناپذیر می دانستم، لذا درصدد تالیف کتابهایی به عنوان کتب درسی بر آمدم که اولین اثر این جانب در سال ۷۲ با عنوان: «نحو مقدماتی» به چاپ رسید. سپس کتابهای دیگری نیز با همکاری برخی دوستان تالیف نمودیم که در صفحه آثار پژوهشی مطرح می گردد.

ملکی تبریزی، جواد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عالمی عامل و عارفی کامل عابدی یگانه و سالکی فرزانه از شاگردان مرحوم جمال السالکین و قطب العارفین صاحب نفس قدسیه آخوند ملا حسینقلی همدانی رحمهٔ اللّٰه علیهما بود. آن مرحوم دارای علوم و معارف و معنویات کامله بود ولادش در تبریز واقع شد و پس از دیدن مقدمات و سطوح به عتبات عالیات و نجف اشرف عزیمت نمود وفقه را از مرحوم حاج آقا رضای همدانی صاحب مصباح‌الفقیه در سامری فراگرفت و اصول را از مرحوم آخوند خراسانی و علم حدیث و درایه را از خاتم المحدثین مرحوم حاجی نوری و در همان اوقات ملازمت و مصاحبت مرحوم جمال الصالحین صاحب النفس الزکیهٔ والاخلاق الملکوتیه مولینا آخوند ملا حسین قلی همدانی را که شهرت و فضائلش نزد ارباب علم و دانش و عرفان و بینش بسیار و مستغنی از توصیف نالایق ماست و در رساله التقوا اشاره‌ای به مقام ایشان و شاگردانش نمودم اختیار کرده و نفس خود را مهذب و مکمل نموده و در حدود سال ۱۳۲۱ به ایران مراجعت و اولا ـ در تبریز سکنی نمود و در قضیه انقلاب مشروطه سال ۱۳۲۹ هجری از آنها به حرم اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام شهرستان قم مهاجرت و مشغول به تدریس (فقه که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بود) و تربیت شاگردان مکتب جعفر بن محمد علیهماالسلام شدند و سه ماه رجب و شعبان و رمضان را متوالیاً روزه گرفته و در مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی می‌گفتند و اکنون نزدیک پنجاه سال است از فوت آن عالم ربانی می‌گذرد در و دیوار مدارس و فضاء مدرسه صدای حزین و گریان و ناله‌های پرشوق و سوزان او را که می‌گوید اللهم ارزقنا التجافی عن دارالغرور والانابهٔ الی دارالخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت به گوش ارباب هوش می‌رساند فضائل و کرامات آن مرحوم بیشتر از آنست که در این کتاب توان آورد درباره اخلاق و زهد و تقوا و عشق و عرفان او شاگردان او که از علماء معروف حاضرند داستانهائی گفته و او را از بکائین این زمان آورده‌اند نماز جماعتش در مسجد بالاسر و گاهی در مدرسه فیضیه و درس گفتنش شاهد این مدعاست

ارتباط و مراوده‌اش با حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء بسیار ملازمتش به تقوا و ورع بی‌اندازه و مراقبتش به نوافل و حضور و توجه دائمی، آنی غافل نبود و لحظه‌ای از یاد خدا بیرون نمی‌رفت.

حکایت کرد برای این نگارنده جناب آیت‌اللّٰه حاج سید جعفر شاهرودی که از شاگردان خاص آن مرحوم و علماء مبرز فعلی تهرانست مکاشفه مفصلی را که مجمل آن اینست فرمود که شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرائی حضرت صاحب‌الامر

عجل‌اللّه فرجه الشریف با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستاده‌اند نزدیک رفتم که جمالش را زیارت کنم و دست مبارکش را ببوسم شیخ بزرگواری را دیدم که متصل به آن حضرت و آثار جمال و وقار و بزرگواری از سیمایش پیداست چون بیدار شدم در اطراف آن شیخ فکر کردم که کیست که تا این حد نزدیک و مربوط به مولای ما امام زمان علیه‌السلام است از برای یافتن او به مشهد مشرف شدم وی را ندیدم در تهران آمدم نیافتم به قم مسافرت کردم او را در حجره‌ای از حجرات مدرسه فیضیه مشغول تدریس دیدم پرسیدم این آقا کیست گفتند آقای حاج میرزا جواد آقای تبریزی است.

خدمتش رسیدم تفقد زیادی کردند و فرمودند کی آمدی گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند پس ملازمتش را اختیار نموده و چنان یافتم که او را دیده بودم و می‌خواستم تا شب یازدهم ذی‌الحجه ۱۳۴۳ که نزدیک سحر در بین خواب و بیداری دیدم درهای آسمان به روی من گشوده و حجابها مرتفع گشته تا زیر عرش الهی را مشاهده کردم و دیدم که آن مرحوم را که ایستاده و دست به قنوت گرفته و مشغول تضرع و مناجات و گریه است و من از مقام و قرب او به حق تعالی تعجب می‌کردم که صدای کوبه در خانه را شنیدم فوراً برخاستم و درب را باز کردم دیدم یکی از دوستان است گفت فلانی بیا منزل آقا گفتم چه خبر است؟ گفت تسلیت می‌گویم شما را آقا از دنیا رفت

پس تشییع عجیبی از آن مرحوم شد و در مقبره شیخان و در نزدیکی قبر مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین مدفون گردید ماده تاریخ آن بر سنگ قبرش به عربی چنین است (رفع العلم و ذهب الحلم) و در قصیده‌ای که به فارسی در مرثیه ایشان گفته شده این بیت (از جهان جان رفت و از ملت پناه) ۱۳۴۳ قمری هجری.

تألیفات آن مرحوم متعدد است از جمله اسرار الصلوهٔ که در سال ۱۳۲۸ به طبع رسیده و دیگر مراقبات السنه که در چند سال قبل در تهران منتشر شد و دیگر کتاب سیر و سلوک که نسخه خطی آن نزد مرحوم مغفور رسید الزاهدین و سندالسالکین آقای حاج آقا حسین فاطمی قمی که از خواص شاگردان و ملازمین دائمی ایشان بود و نیز حضرت آیت‌اللّه آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و بعضی از تلامذه دیگر ایشان است.

شاگردان مبرزی در اخلاق سیر و سلوک و معارف الهی دارد که بعضی از دنیا رفته و بعضی در قید حیات و از مراجع بزرگ عصر حاضرند.

(وف ۱۳۴۴/ ۱۳۴۳ ق)، فقیه اصولی، عالم دینی و مدرس. به جهت انتساب به خانواده‌ی ملک‌التجار تبریزی به ملکی معروف شد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات علوم به نجف رفت و در محضر شیخ آقا رضا همدانی، صاحب «مصباح الفقیه»، فقه و آخوند ملا محمدکاظم خراسانی اصول، و محدث نوری علم حدیث و درایه را فراگرفت و از آخوند ملا حسینقلی همدانی تهذیب نفس آموخت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در ۱۳۲۱ ق، به ایران بازگشت و در تبریز سکنی گزید و عهده‌دار تدریس فقه و اصول و اخلاق و تفسیر گردید. در جریان نهضت مشروطه از تبریز به قم مهاجرت نمود و در آنجا سالها به تدریس پرداخت و در مدرسه‌ی فیضیه درس اخلاق عمومی گفت. حاج آقا حسین فاطمی قمی، آیت‌اللّه خویی، امام خمینی و آیت‌اللّه مرعشی نجفی و آقا سید محمود یزدی از جمله شاگردان وی بودند. وی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «اسرار الصلاهٔ»؛ «المراقبات السنه»؛ رساله «لقاءاللّه» یا «رساله‌ی لقائیه»، در سیر و سلوک، به فارسی.[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه :[۱] آینه‌ی دانشوران (۱۴۴ -۱۴۱)، اعیان الشیعه (۲۵۴/ ۴)، تاریخ قم (۲۵۶)، الذریعه (۳۳۸ -۳۳۷/ ۱۸ ،۴۷/ ۲)، ریحانه (۳۹۷/ ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۳۰ -۳۲۹/ ۱۴)، علماء معاصرین (۱۳۷)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۴۳ -۱۲۴۲/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۶۶/ ۳).

ملکی متهور، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید ملکی متهور

محل تولد : کبوتر آهنگ همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ موفّق به اخـذ دیپلم تجربی از دبیرسـتان امام خمینی (ره) همدان شدم. در همان سال وارد حوزه علمیّه «آیت الله مجتهدی تهران» شـدم. و پـایه اوّل را در آنجا خوانـدم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیّه قم شـدم و دروس مقـدّمات و ادبیّات عرب را از محضـر اساتیدی چون: «طالقانی»، «موسوی گرگانی»، «فتوحی»، «مدرس افغانی» و ... بهره بردم.

دروس لمعه و اصول را از محضـر اساتیـدی چون: «آیت الله شب زنـده دار»، «آیت الله اسـتادی»، «آیت الله وجـدانی فخر» و «صالحی افغانی» و ... اسـتفاده کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد اساتیـدی چون: «آیت الله پایانی»، «آیت الله طاهری خرم آبادی» و «آیت الله اعتمادی» زانو زدم. درس کفایتین را از محضـر «آیت الله سـتوده» خوشه چینی کردم. سال ۱۳۶۸ دروس سطح را به پایان رساندم و وارد مقطع خارج شدم.

قابـل ذکر است که حقیر از سال دوم طلبگی مشغول تـدریس به صورت آزاد نیز بودم که تا کنون نیز ادامه دارد. علاوه بر تـدریس مشغول تبلیغ و سخنرانی در مناسبت های تبلیغی در جوامع مختلف می باشم. حدود ۱۰ سال در درس خارج آیات عظام: «تبریزی»، «مکارم»، «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «سبحانی» شرکت کردم. حدود ۷ سال است که در درس خارج خصوصـی «آیت الله معرفت» شـرکت می کنم. در کنار دورس فقه و اصول حوزه در رشته تخصصی تفسیر نیز شرکت کردم و بحمد الله با موفّقیّت آن را به اتمام رساندم که موضوع پایان نامه «عصمت انبیاء در قرآن» می باشد.

ملکی میانجی، محمدباقر

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمـدباقر ملکی میانجی فرزنـد عبـدالعظیم فرزنـد حاج علیمرادی از علماء متقی معاصـر در میانج آذربایجان می‌باشـند، که در سال ۱۳۲۴ قمری در قصـبه ترک (بفتح تاء و سکون راء و کاف) از محال گرمرود شهرستان میانه به دنیا آمده و بعد از تحصیلات فارسی ادبیـات و قسـمتی از قـوانین و ریـاض را در زادگـاهش خـدمت آقـا سـید واسـع کـاظمی ترکی (ره) که از شـاگردان مرحوم آخوند خراسانی بوده فراگرفته است.

سپس در سال ۱۳۴۹ قمری به مشهد رضوی عزیمت نموده و در حوزه علمیه مشهد اشتغال به تحصیل رسائل و کفایه از مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در حضور مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی و قسمتی از خارج فقه را از مرحوم حاج میرزا محمد آقازاده خراسانی و همچنین قسمتی از خارج فقه و اصول و یک دوره کامل معارف اسلامی را از محضر عالم ربانی و علامه سبحانی آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی فراگرفته و در سال ۱۳۶۳ قمری از آن مرحوم دریافت اجازه اجتهاد و روایتی نموده و سپس به سوی آذربایجان و قصبه ترک زادگاهش که مرکز محال گرمرود میانه است عزیمت و در آنجا سکونت نموده و به خدمات دینی از امامت و تفسیر قرآن و معارف اسلام و ترویج دین و درس اخلاق پرداخته و خدمات شایانی نموده و در اواخر ۱۳۷۸ قمری به قم آمده و در حوزه به تدریس خارج اصول و تفسیر و معارف اسلامی اشتغال یافته است.

آثار علمی ایشان از این قرار است

۱- تفسیر آیات الاحکام

۲- بدایع الکلام به طبع رسیده است.

۳- یکدوره معارف اسلامی تا آخر معاد (مخطوط).

۴- تفسیر قرآن از اول تا سوره نساء و از سوره مزمل تا آخر قرآن.

۵- یکدوره تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی (مخطوط).

(تو ح ۱۳۲۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مفسر. در ترک از توابع میانه آذربایجان به دنیا آمد. در همان جا ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه را در محضر سید واسع کاظمی ترکی، که از شاگردان برجسته‌ی آخوند خراسانی بود، فراگرفت. در ۱۳۴۹ ق به مشهد رفت و در سطوح عالی نزد آیت‌اللّه شیخ هاشم قزوینی و در فلسفه و کلام نزد آیت‌اللّه شیخ مجتبی قزوینی و در درس خارج نزد زعیم حوزه‌ی علمیه مشهد، آیت‌اللّه میرزا محمد آقازاده‌ی خراسانی، تلمذ کرد. او همچنین یک دوره اصول فقه و یک دوره‌ی کامل اصول عقاید و معارف اسلامی را از محضر آیت‌اللّه میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده نمود و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد و نقل حدیث نایل آمد، اجازه‌ای که آیت‌اللّه حجت کوه کمری نیز آن را تأیید کرد. او از معتقدان به مکتب تفکیک محسوب می‌شد. بعدها در قم مورد توجه آیت‌اللّه بروجردی قرار گرفت و پس از سکونت در آنجا عهده‌دار تدریس خارج اصول و تعلیم تفسیر و معارف اسلامی گردید. او در طول عمر خویش تلاش بسیاری برای کمک به محرومان و اقدامات زیادی در امور عام المنفعه نمود. از آثارش: «بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام»؛ تفسیر «فاتحهٔ الکتاب»؛ «مناهج البیان»، در تفسیر قرآن؛ «تفسیر القرآن الکریم»؛ «الرشاد»، در توحید و معاد؛ دوره‌ی کامل درس «اصول» آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی اصفهانی؛ رساله در «حبط و تکفیر»؛ رساله در «خمس».[۱]

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه :[۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۴۱ –۴۰).

ممجد لنگرودی، علیرضا

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

شیخ علیرضا ممجد لنگرودی به سال ۱۲۹۳ شمسی در خاندان تقوا و فضیلت و فقاهت در شهرستان لنگرود دیده به جهان گشودند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : خاندان حضرت آیت اللّه ممجّد لنگرودی همگی

در سلک روحانیت و فقاهت بوده‌اند. والد بزرگوارش مرحوم آیت اللّه حاج شیخ عبداللّه لنگرودی یکی از عالمان برجسته شهرستان لنگرود به شمار می‌رفتند. او که از شاگردان آخوند خراسانی، و شریعت اصفهانی، میرزای نائینی و... به شمار می‌رفت، بعد از اخذ حدود ۱۴ اجازه اجتهاد به قصد صله ارحام به لنگرود آمده و در این شهر مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت و به اصرار مرحوم آیت اللّه حاج شیخ علی اکبر لنگرودی که اعلم علمای لنگرود به شمار می‌رفت، در لنگرود ماندگار شد و در این مدت علاوه بر تدریس، مشغول وعظ و خطابه و ارشاد و هدایت مردم گردید.آیت اللّه شیخ عبداللّه لنگرودی دارای دو فرزند عالم و دانشمند بوده است.خاطرات کودکی : شیخ عبدالله از دوران کودکی خود اینطور می گوید که: «من کمتر از ده سال داشتم که عمامه می‌گذاشتم، این در روزگاری بود که مأموران رضاخان عمامه‌ها را برمی‌داشتند و من هم خیلی علاقه داشتم که عمامه داشته باشم. از این روی آن قدر نماز جعفرطیّار خواندم که خداوند عنایتی بفرماید و مأموران عمامه مرا برندارند که برنداشتند. در آن روزگار سخت با همه مشکلات آنچه بیش از همه مرا رنج می‌داد و در ابتدای تحصیل، خوب نفهمیدن درس‌ها بود. چندین درس می‌رفتم و هر چه زحمت می‌کشیدم و به خود فشار می‌آوردم آن گونه که باید درس‌ها را نمی‌فهمیدم تا این که روزی از شدت ناراحتی به حرم حضرت معصومه (س) مشرف شدم و بسیار گریستم به گونه‌ای که چشم‌هایم می‌سوخت. برگشتم به حجره مدرسه خان و دراز کشیدم که یک مرتبه به قلبم الهام شد که این طوری نباید درس بخوانی، روزی دو درس، یکی صبح و یکی بعدازظهر کافی است و با هر جان کندنی باید آن را یاد بگیرم. احساس کردم سوزش چشمم خوب شده با نشاط بلند شدم و همین شیوه را به کار بستم. شش ماه درس خواندم، کار به جایی رسید که پس از شش ماه، تدریس هم می‌کردم و از همان زمان به بعد این شیوه را به کار بستم، هم درس می‌گفتم و هم درس می‌خواندم و در همه امتحانات رایج حوزه با نمره عالی قبول می‌شدم.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شهرستان لنگرود در ۶۰ کیلومتری رشت، در شرق استان گیلان واقع شده است. این شهرستان به علت مزایای فراوان (کوه و جلگه و دریا و جنگل و...) یکی از زیباترین و دلپذیرترین شهرهای شمال ایران است.از لحاظ جغرافیایی، منطقه آبادی است که امن و آرام و مطمئن بوده و روزیش به وفور از هر سو و مکانی فرا می‌رسد و از لحاظ فرهنگی، شخصیت‌های فراوانی را در دامن پُرمهر خود پرورش داده است که شرح بسیاری از آنان در کتب تراجم و رجال مفصل آمده است. مرحوم آیت اللّه ممجّد در این باره می‌فرمود: «لنگرود در اوائل حکومت رضاخان، سه مدرسه علمیه داشت؛ یکی در کنار مسجد جامع، یکی در کنار بقعه آقا سید حسین کیا و سومی در کنار مسجد گلشن.در دوران رضاخان هر سه مدرسه را خراب کردند و به خانه روستا تبدیل کردند و همه موقوفات مدرسه‌ها هم از بین رفت. لنگرود با این که شهر کوچکی بود امّا هفتاد، هشتاد عالم برجسته داشت که بیش‌تر آنان، مجتهد مسلم بودند. رضاخان بیش‌تر علمای بزرگ این شهر را به روستاها و اطراف تبعید کرد و بعضی هم به شهرهای بزرگ رفتند و بیش‌تر به لاهیجی و رشتی ملقّب شدند و به این لقب شهرت یافتند. زیرا رشت و لاهیجان در آن زمان و هم اکنون نیز از شهرهای بزرگ گیلان هستند و حتی بسیاری از علمای رودسر، اشکور، املش و حتی تنکابن و رامسر، فامیلی آنان پسوند لاهیجی و رشتی داشت.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عبدالله از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵ برای ادامه تحصیل راهی مشهد شد و طی این سالها تحصیلات خود را ادامه داد. در سال ۱۳۲۵ شمسی آیت اللّه ممجّد دوباره راهی حوزه علمیه قم شد. در این دوران، تحول در حوزه قم نسبت به گذشته چشم‌گیرتر بود. وی پس از ورود به حوزه علمیه قم در امتحانات حوزه شرکت جسته و در نزد مرحوم آیت اللّه حاج شیخ مرتضی حائری امتحان داده و معظم‌له در ذیل ورقه امتحانی ایشان نوشته بود: «آقای ممجّد از عهده امتحان خوب برآمده و شایستگی تدریس دارد».خاطرات و وقایع تحصیل : به خاطر سخت‌گیری کارگزاران رضاخانی بر حوزه قم و آزار و اذیت‌ها، مرحوم والدش پیشنهاد کرد: اگر بخواهی، می‌توانی به حوزه مشهد بروی و در آن جا ادامه تحصیل بدهی.آیت اللّه ممجّد در این باره می‌گوید: «به یاد دارم پیش از عزیمت به مشهد مقدس، در لنگرود خدمت مرحوم والد بودم و عده‌ای دیگر هم حضور داشتند. به ایشان گفتم: آقا! من مشهد رفتم چقدر برایم شهریه خواهید فرستاد. مرحوم والد از این سخن من خیلی عصبانی شد و

گفت: من خیال می کردم در این مدت که در قم تحصیل می کردی، چیزی یاد گرفتی. معلوم شد چیزی نفهمیدی؟ گفتم: آقا! من که چیز بدی نگفتم! گفت: چطور؟ تو داری می‌روی خدمت امام رضا (ع) ، امام واسطه فیض خداوند به مخلوقات است؛ آن وقت تو چشم طمع به من داری که برای تو چقدر شهریه خواهم فرستاد! من چه کاره‌ام همه چیز آن جاست. آری ایشان درست می گفت و من اشتباه کرده بودم».وقایع میانسالی : حجهٔ الاسلام عباسی – مدیر حوزه علمیه لنگرود به نگارنده فرمود: در سالی آقا در ماه رمضان در بیمارستان بستری بودند. یک شب به عیادت ایشان رفتم و ایشان تازه عمل جراحی نموده بودند. دیدم خیلی ناراحت است و اشک از دیدگانش جاری است؛ شروع کردم ایشان را دلداری دادن که ان شاءاللّه عمل مهمی نیست، به زودی خوب می‌شوید و دوباره مشغول تدریس خواهید شد، ناراحت نباشید؟ یک نگاهی به من کرد و فرمودند: ناراحتی من برای عمل جراحی نیست بلکه فردا شب، ۱۹ ماه رمضان شب احیاء و شب ضربت خوردن مولایمان علی (ع) است و من می‌بایست در آن مراسم شرکت می کردم، در حالی که نمی‌دانم چه خطایی از من سرزده است که دارم این گونه تنبیه می‌شوم. امسال از گریه کردن در عزای آن حضرت محروم شده‌ام! و این جملات را وقتی می‌فرمود، اشک در صورتش جاری بود.زمان و علت فوت : آیت اللّه ممجّد لنگرودی در سال ۱۳۷۴ شمسی در حالی که مشغول تدریس بود، دچار سکته مغزی شد و بعد از قریب به سه سال از این بیماری در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۶ در شهرستان لنگرود دار فانی را وداع گفت و با شرکت انبوهی از مردم متدین لنگرود، علما ائمه جمعه و جماعات استان، تشییع و پیکر پاکش به قم انتقال یافت و بعد از نماز توسّط حضرت آیت اللّه آقای بهجت – دامت برکاته – در قبرستان آیت اللّه حائری (قبرستان نو) در جوار قبر پدر بزرگوارش به خاك سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : آیت الله لنگرودی اشتغالات دیگری همچون حضور مستمر در شورای روحانیت شهر، اعزام نیروهای رزمنده به جبهه، سخنرانی‌ها و شرکت در محافل گوناگون مذهبی در سطح شهر و یا شهرهای دیگر استان، لحظه‌ای از طلاب غافل نبود. او به طلاب درس‌خوان عشق می‌ورزید و همواره آنان را نصیحت می کرد و از ضعف و سستی و از به هدر دادن عمر و نشاط جوانی و غفلت از این موقعیت استثنایی و خدادادی، آنان را بیم می‌داد.فعالیتهای آموزشی : مرحوم آیت اللّه ممجّد لنگرودی از سال ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۵ در این حوزه به تحصیل و تدریس اشتغال داشته است. خود وی در این باره می‌فرماید:«من حدود شش سال در حوزه مشهد ماندم؛ در این مدت، کار اصلی من، تدریس بود. عده‌ای از طلبه‌ها خدمت آقا شیخ مجتبی قزوینی رفته بودند که درس مکاسب برای آنان شروع کند. ایشان گفته بود: اگر آقای ممجّد هم در درس شرکت کند، من برای شما مکاسب می گویم. اینان پیش من آمدند و گفتند: آقا چنین گفته است. به این آقایان عرض کردم اگر آقا برای من شوارق بگوید در مکاسب ایشان شرکت می کنم. آقا پذیرفت که برای من شوارق بگوید و من هم در مکاسب ایشان شرکت کردم.»(۹)آیت اللّه ممجّد درس شوارق و قسمتی از مکاسب را در نزد آیت اللّه حاج شیخ مجتبی قزوینی، و مابقی مکاسب را در نزد آیت اللّه حاج شیخ هاشم قزوینی و جلد اول کفایه را در نزد آیت اللّه حاج شیخ علی‌اکبر نوقانی تلمّذ کرده و خود نیز لمعه را برای عده‌ای تدریس می کردند. ورود معظم‌له به قم در سال ۱۳۲۵ شمسی بود که تا سال ۱۳۴۵ شمسی به مدت ۲۰ سال ادامه داشت. در این دوران باشهریه ماهی صد تومان تدریس می کرد. او در سال ۱۳۴۵ شمسی تا آخر عمر شریف‌شان در لنگرود ساکن و مشغول تدریس سطوح مختلف، تألیف، تربیت شاگرد، ارشاد و هدایت مردم و... بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ایت الله لنگرودی با کمک‌های متولیان مدرسه لنگرود حضرات آیات: فقیهی رشتی (ره) و سید محمدحسین لنگرودی (مدّظله العالی) مدرسه را بازسازی و حجرات زیادی احداث کردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آیت الله ممجد لنگرودی از اوّل بنای سکونت در آن شهر را نداشتند و به علت مسائل پیش آمده و تأکید فراوان بزرگانی همانند آیات عظام: گلپایگانی، نجفی مرعشی و فقیهی رشتی که معظم‌له تا آخر عمر در شهرستان لنگرود ماندند. او درباره هجرتش به لنگرود فرمود: «مرحوم آیت اللّه آقا شیخ یحیی ذکّی مدرسه‌ای را در لنگرود بنا کردند و بنده تابستان‌ها وقتی به لنگرود می‌رفتم در همین مدرسه برای طلاب درسی را شروع می کردم. یک سال دیدم طلبه‌ها خوب درس

نمی‌خوانند و روش درستی در فراگیری ندارند تصمیم گرفتم چهار ماهی بمانم و اینان را وادارم که با روش درستی درس بخوانند؛ همین کار را کردم. شاگردان مدرسه را تا کتاب صمدیه رساندم خواستم به قم برگردم، رفتم با متولّی مدرسه خداحافظی کنم. یکی از متدیّنان در آن جا حضور داشت و ناراحت شد از این که من دارم مدرسه را با این وضع ترک می‌کنم و آن را به حال خود رها می‌سازم. رو به من کرد و گفت: «آقای ممجّد! من با هزینه خودم برای شما ماشین کرایه می‌کنم و شما را به قم می‌فرستم ولی شما جواب امام زمان(عج) را چه خواهی داد؟!» چنان این سخن از سر سوز و اخلاص بود که مرا به شدت منقلب کرد و هنوز هم هر وقت یادم می‌آید، گریه‌ام می‌گیرد. از این روی قول دادم یک سال دیگر هم بمانم تا وضع مدرسه سر و سامان بیابد.آرا و گرایشهای خاص : حضرت آیت اللّه ممجّد (ره) یکی از استوانه‌های علمی استان به شمار می‌رفت که به برخی از ویژگی‌های آن استاد فرزانه اشاره می‌کنم.۱ – روش تدریس ایشان در زمان تصدّی‌شان، زبانزد عام و خاص بوده است.۲ – شاگردان ایشان از جمله کسانی بوده‌اند که به ثمره و نتیجه خوبی رسیده‌اند. موفقیت‌هایی که اکنون خودم دارم، مرهون زحمات ایشان می‌دانم.۳ – ایشان هم مدرس بود و هم به منزله پدر و برادر طلبه. زیرا مسائل گوناگون یک طلبه را زیر نظر داشت؛ در واقع هم مدرّس، هم مربّی و هم مشاور بود ایشان معتقد بود که برای به نتیجه رسیدن یک طلبه باید تا سطح به طور دقیق، روش خاصی را با استاد راهنما طی کرد.۴ – ایشان از نظر علمی مسلط بر تدریس بودند، گاهی کتابهایی چون مکاسب را بدون مطالعه قبلی تدریس می‌کردند... من مکاسب محرمه را در فصل تابستان که در سپاه لنگرود مشغول بوده‌ام، پیش ایشان خوانده‌ام و این نکته را در آن‌جا از ایشان دیدم.۵ – ایشان برای پذیرش طلبه یک دوران آموزشی داشتند که پس از آن دوران به او یا ولیّ او تذکر می‌دادند که ایشان استعداد این رشته تحصیلی را دارند یا نه؟ در صورت منفی بودن، رشته دیگری را که وی استعداد و زمینه آن را داشته به او متذکر می‌شد.۶ – ایشان تأکید داشتند هر طلبه‌ای که مثلاً مشغول پایه دوم هست پایه اول را به دیگران تدریس نماید.۷ – سفارش و تأکید فراوان به مباحثه کردن هر یک از دروس به صورت دو نفری یا سه نفری را داشتند.۸ – سعی می‌کرد شاگردان را ضمن آموزش قرآن و تجوید آن‌ها را با مباحث کلی مربوط به قرآن آشنا نمایند و هر روز اول صبح جلسه‌ای با همه طلاب در همه سطوح در زمینه قرآن داشتند؛ از آموخته‌های ادبی و نحوی طلاب در آن جلسه به صورت تجزیه و ترکیب امتحان عملی می‌گرفتند و آیاتی را در زمینه‌های گوناگون و مناسب و مورد نیاز روز طلاب، برای آنان توضیح و تفسیر می‌کردند.۹ – در ضمن تدریس دروس اصلی، درس اصلی‌تر از همه، یعنی اخلاق را نیز خود به عهده داشتند و آن را در ضمن دروس مختلف به مناسبت‌هایی که پیش می‌آمد، مطرح می‌کردند.۱۰ – یکی از روش‌های بسیار جالب ایشان که من در این حد از کسی سراغ ندارم، نظارت دقیق و مستمر بر دروس و اخلاق طلاب بود. گاهی از شب‌ها به مدرسه سرکشی می‌کرد که نکند طلاب مشکلاتی داشته باشند.۱۱ – نقش ایشان در جبهه و جنگ ارادت و عشق به خاندان پیامبر (ص) : یکی از صفات برجسته و بارز آیت اللّه ممجّد)، عشق و اخلاص آن مرد بزرگ به خاندان عصمت و طهارت بود.آثار :شرح بر رسائل ، شرح بر مکاسب ، شرحی بر قوانین ، شرحی بر کفایه ، شرحی بر لمعتین

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱k – /www.hawzah.net

ممدوحی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تولد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در کرمانشاه در خانواده‌ای متدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا با مخالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شرح لمعه بود؛ امّا سفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج استادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با استادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسیاری از آن بزرگواران در سینه داشته باشد. همچنین در دروس اخلاق آن روزگار شرکت ویژه داشت و از این رهگذر، به تهذیب نفس و کسب ملکات فاضله می‌پرداخت. او در این سالها، از تدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تدریس فرمود. استادان و دوستان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، محضر عالمان بسیاری را درک کرد. او که شرح لمعه را نزد «آیت‌الله ستوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفایه را خدمت «آیت الله سلطانی» فرا گرفت. با اتمام دورهٔ سطح و ورود به درس خارج، در درس فقه مرحوم «محقق داماد» شرکت کرد و مدت چهارده سال به درس آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) رفت و تا دو سال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسفار علامه عظیم الشأن سید محمد حسین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوک او بهره‌های فراوان می‌برد.

با رحلت علامه طباطبایی، در درس اسفار و فصوص الحکم «آیت‌الله جوادی آملی» شرکت نمود و بعدها به درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضر این دو عالم بزرگوار نیز به بهترین وجه استفاده می‌نمود. آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصیل خود با طلاب و فضلا مباحثه، مرافقت و دوستی داشت که از جمله آنان به آیت‌الله سید محسن خرازی، آیت‌الله رضا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس

کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآهٔ العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم فرآورده آن مباحث خواهد شد ان شاءالله. به امید آنکه در آینده تدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

حسن ممدوحی

محل تولد : کرمانشاه

شهرت : ممدوحی کرمانشاهی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۸/۱/۱

تصویر بزرگتر

آدرس اینترنتی

پست الکترونیکی : myname@site.com

بستن[X]زندگینامه علمی

تولـد و دوران کودکی: آیت‌الله ممدوحی در سال ۱۳۱۸ هجری شمسـی در کرمانشاه در خانواده‌ای متـدین و دانش دوست چشم به جهان گشود. پدرش به پیشه تجارت اشتغال داشت و خود، تا شرح لعمه را خوانده و بر آن مسلّط بود. خانه ایشان در کرمانشاه محل رفت و آمد روحانیان و علماء شهر بود. دوران تحصیل: آیت‌الله ممدوحی در هفت سالگی به دبستان رفت و پس از اتمام تحصیلات کلاسیک به تحصیل علوم دینی روی آورد، امّا این مسأله ابتدا بـا مخـالفت خانواده‌اش رو به رو بود. از این رو، وی چهل زیارت عاشورا در حالت ایستاده نذر کرد. عازم شدن او به قم در زمانی بود که بخشـی از دروسِ دورهٔ مقدمات را به پایان برده بود. در قم به تکمیل دروس دورهٔ مقدمات پرداخت و سپس به درس شـرح لمعتین رفت. حجرهٔ او در قم در مدرسه علمیهٔ حجتیه قرار داشت و شرط ورود به آن، امتحان دادن شـرح لمعه بود؛ امّا سـفارش ویژه آیت‌الله العظمی سید احمد زنجانی (ره) باعث شد که وی را بدون امتحان به آن مـدرسه بپذیرند. با پایان یافتن دورهٔ سـطح، به درس خارج اسـتادان برجستهٔ دورهٔ خود رفت و در کنار آن از تحصـیل علوم عقل و حکمت نیز باز نماند و از شاگردان دروس عمومی و خصوصـی علامه طباطبایی (ره) به شمار می‌آمد و مدت زیادی از وقت خود را به مباحثه، دقت و ملازمه با اسـتادان خود می‌پرداخت که باعث شد خاطرات بسـیاری از آن بزرگواران در سـینه داشـته باشـد. همچنیـن در دروس اخلاـق آن روزگـار شـرکت ویژه داشـت و از ایـن رهگـذر، بـه تهـذیب نفس و کسـب ملکـات فاضـله می‌پرداخت. او در این سالهـا، از تـدریس آنچه آموخته بود، دریغ نکرد برخی از کتب را بارها تـدریس فرمود. اسـتادان و دوسـتان: آیت‌الله ممدوحی در سالهای تحصـیل خود، محضـر عالمان بسـیاری را درک کرد. او که شـرح لمعه را نزد «آیت‌الله سـتوده» خوانده بود، برای خواندن کتاب مکاسب به درس «آیت‌الله مشکینی» رفت و رسائل را نزد «آیت الله نوری همدانی» و «مرحوم آیت‌الله آذری قمی» و کفـایه را خـدمت «آیت الله سـلطانی» فرا گرفت. بـا اتمـام دورهٔ سـطح و ورود به درس خـارج، در درس فقه مرحـوم «محقق دامـاد» شـرکت کرد و مـدت چهـارده سـال بـه درس آیـت‌الله العظمی گلپایگـانی (ره) رفـت و تـا دو سـال پیش از رحلت آن مرجع بزرگ، در درس او حاضر می‌شد. در این سالها، برای تحصیل اصول فقه نیز به درس خارج «مرحوم میرزا هاشم آملی» رفت و سالها از محضـر او کسب فیض کرد. آیت‌الله ممـدوحی در سالهای تحصـیل خود، علوم عقلی و حکمت را نیز به خوبی فرا گرفت و مدتها در درس اسـفار علامه عظیم الشأن سـید محمد حسـین طباطبایی (ره) حاضر می‌شد. علاوه بر آن در جلسات خصوصی علامه که در شبهای پنج‌شنبه و جمعه تشکیل می‌شد، شرکت داشت و نیز از شیوهٔ اخلاقی و برنامه‌های سیر و سلوك او بهره‌های فراوان می‌برد.

بـا رحلـت علاـمه طباطبـایی، در درس اسـفار و فصـوص الحکـم «آیـت‌الله جـوادی آملی» شـرکت نمـود و بعـدها بـه درس «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» نیز می‌رفت و از محضـر این دو عـالم بزرگـوار نیز به بهـترین وجه اسـتفاده می‌نمود. آیت‌الله ممـدوحی در سالهـای تحصـیل خـود بـا طلاـب و فضـلا مبـاحثه، مرافقت و دوسـتی داشت که از جمله آنـان به آیت‌الله سـید محسن خرازی، آیت‌الله رضـا استادی و آقای شیخ قدرت اللّه نجفی اشاره کرد. وی بسیاری از دروس آموخته را با این بزرگواران مباحثه می‌نمود.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: زندگی آیت‌الله ممدوحی سرشار از تلاشـهای علمی و فرهنگی است. این عالم بزرگوار در سالهای عمر

خود بارها کتب درسی فقهی و اصولی تا سطح کفایهٔ الاصول را تدریس کرده است و از این رهگذر شاگردان بسیاری را تربیت نموده است؛ امّا با توجه به نیاز حوزه‌های علمیه به آشنایی با علوم عقلی و با توجه به ضرورتهای موجود در جهان اسلام و با سفارش آیت‌الله جوادی آملی، به تدریس علوم عقلی روی آورده است و پس از بارها تدریس کتب بدایهٔ الحکمهٔ و نهایهٔ الحکمهٔ علامه طباطبایی، شرح اشارات ابن سینا و شرح منظومه سبزواری، هم اکنون به تدریس کتاب اسفار می‌پردازد. او چندی است به تدریس کتاب شریف توحید صدوق با روش کارشناس و تحقیق در متن و انطباق با براهین فلسفی و کلامی اشتغال دارد. آیت‌الله ممدوحی در طی این سالها کتب فراوانی را تألیف و به عالم اسلام ارزانی داشته است که از آن میان می‌توان به شرح صحیفه سجادیه، شرح نهج‌البلاغه، شرح رسالهٔ الولایهٔ علامه طباطبایی، رساله‌ای در علم امام، حقوق اساسی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، اجتهاد و تقلید، حکمت حکومت فقیه و شرح رسالهٔ الوجود کاشف الغطاء اشاره کرد. او بارها در مجامع عمومی و در شهرهای گوناگون به سخنرانی و تبلیغ مبانی اسلام و شیعه پرداخته است که همواره با استقبال اقشار گوناگون، به ویژه جوانان برومند رو به رو شده است. فعالیتهای سیاسی: آیت‌الله ممدوحی با نخستین بارقه‌های مبارزه با رژیم طاغوت، به صف مبارزان پیوست و در طول سالیان حکومت خاندان پهلوی از هیچ تلاشی در راه مبارزه با آن حکومت خائن فروگذار نکرد که بر اثر آن، بارها مورد تعقیب و تهدید قرار گرفت. او همکاری خود با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را از همان سالها آغاز کرد و در امور گوناگون به برنامه ریزی برای مبارزه منسجم می‌پرداخت. او در اماکن و شهرهای گوناگون سخنرانیهای تندی علیه رژیم شاه انجام می‌داد که گاه به دستگیری و بازداشت او می‌انجامید. علاوه بر آن، آیت‌الله ممدوحی با شناخت هجمه‌های فرهنگی و ضرورت تلاش فرهنگی برای خنثی کردن شبهه‌های مارکسیسم و کمونیسم به تلاش برای آشنایی جوانان با مبانی اسلام و نقد دیدگاههای مکاتب التقاطی می‌پرداخت. آیت‌الله ممدوحی پس از انقلاب نیز به حمایت خود از امام (ره) و رهبر معظم انقلاب ادامه داد و در مسائل گوناگون همواره مدافع انقلاب بود. او هم اکنون در قم به تدریس و تربیت شاگردان مکتب امام صادق (ع) اشتغال دارد و چند سالی است که به عنوان نماینده خبرگان رهبری از شهر کرمانشاه در مجلس خبرگان رهبری اشتغال دارد.

ایشان شرح زندگی خود را به طور مختصر چنین می نگارد: اینجانب حسن ممدوحی پس از گذراندن ۱۴ الی ۱۵ سال درس خارج فقه و حدود ۷ سال خارج اصول روی به تدریس متون عالیه از رسائل، کفایه و غیره آورده و چندین بار دوره های آن کتب علمی را در عرصه تدریس خود داشته ام. با اضافه تعلیقه و حواشی بر تمامی کتب مزبور همزمان به تحصیل علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان نظری) پرداخته و تمامی دوره های فلسفه مشاء و متعالیه را با طی کتب مرسوم به پایان رسانیده و سپس به تدریس جملگی آنها پرداختم و با تدریس و شرح و حواشی و تعلیقه شاگردان توان مندی را بحمدالله به عرصه مسائل عقلی عرضه داشته ایم که خود موجب گسترش فن عقلائی علوم حوزوی در نسل آتی حوزه علمیه خواهد بود.

در حین اشتغال به دروس فوق الذکر از تالیف و تصنیف خودداری نکرده و بیش از سی اثر علمی را به رشته تالیف و تحریر کشانده که بعضی مطبوع و اکثر آنها غیر مطبوع است و در طی دوران زندگی علمی خود به شغل دیگری هرگز مبادرت ننمودم و بلکه به خاطر پیشبرد دروس و استفاده بیشتر هم بحثان از مسافرت های بسیاری عبادی تفریحی که بحمدالله با دل و جان به تمام لوازم این تضلع ملتزم شدیم.

از اولین سالهای تحصیلی پیوسته به تدریس اشتغال داشته از ادبیات و منطق و علوم بلاغی تا عالی ترین سطوح و سپس تدریس خارج فقه را مدتی شروع کردیم که پس از مدتی روایات قیمه معجزه آسا که در رابطه با عقائد و معارف توحید صدوق بود با مراجعه شروح روائی موجود: شرح توحید قاضی سعید قمی، شرح بر اصول کافی آخوند ملاصدرا و مرآهٔ العقول علامه مجلسی جملگی را به رشته بحث در آوردیم که همراه آن رسائل سبعه علامه طباطبایی: رسالهٔ الانسان قبل الدنیا و الانسان بعد الدنیا و الانسان فی الدنیا. رساله توحیدیه: اسماء، صفات، وسائط، افعال را نیز به ضمیمه آنها نمودیم که بحمدالله مجموعه ای بس عظیم

فرآورده آن مباحث خواهـد شـد ان شاءالله. به امیـد آنکه در آینـده تـدریس این منابع عظیم علمی نیز در سلک دروس حوزوی در آمده و در پر بارتر شدن مکتب علمی حوزه اثر بسیار چشم گیری بگذارد.

منتجب نیا، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول منتجب نیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۴/۲۲

زندگینامه علمی

رسول منتجب نیا مشهور به «منتجب» متولـد ۲۲ تیرماه ۱۳۲۴ شمسی در شیراز در خانواده ای مـذهبی و از نظر اقتصادی در سطح متوسط رشـد و نمو نمود. وی پس از پایان مقطع ابتـدایی همزمان با خواندن دروس دبیرسـتانی وارد حوزه علمیه شیراز شد و حدود ۲/۵ سال در مدارس آقا بابخان مقیمه و امامزاده ابراهیم شیراز نزد اساتید و علماء معروف تا بخشی از شرح لمعه شهیدین، تلمذ کرد و در سال ۴۴ به حوزه علمیه قم عزیمت نمود و ما بقی دروس سطح را تا پایان مکاسب شیخ انصاری و کفاتین آخوند خراسانی نزد مدرسان بزرگ قم چون حضـرات آیات آقایان: «خزعلی»، «نوری همدانی»، «فاضل لنکرانی»، «جعفر سبحانی» و «مکارم شیرازی» به اتمام رساند و جمعا طی ۴/۵ سال کلیه کتابها و دروس سطح را نزد اساتید تلمذ نمود و سرانجام در امتحان عمومی حوزه علمیه قم شرکت و موفقیت خوبی کسب کرد.

از سال ۴۶ وارد دوره درس خارج فقه و اصول گردیـد و حدود ۹ سال شـرکت در درس اساتید بزرگی از قبیل آیات عظام: «نجفی مرعشی»، «مکارم شیرازی»، «آقا مرتضی حائری یزدی»، «محقق داماد»، «اراکی»، «هاشم آملی» و «وحید خراسانی» موفق به رسیدن به مرتبه اجتهاد شـد و علاوه بر شـرکت در امتحان خارج مـدیریت حوزه و کسب موفقیت از سه تن از مراجع عظیم الشان اجازه اجتهاد دریافت نمود. او همزمان با تدریس و تلمذ در مکتب اساتید بزرگ همواره به تدریس طلاب اشتغال داشت.

فلسـفه اسلامی «منظومه حاج ملاهادی سبزواری» و بخشی از اسفار اربعه «صدرالمتالهین» را نزد اساتید عالیقدر چون حضرات آیات: آقـای یحیی انصـاری شـیرازی، آقای مفتح و آقای مطهری تلمـذ کرد. وی در سال ۷۰ با شـرکت در امتحانات عمومی و تخصصـی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری «خبرگان بدون مدرک» و کسب موفقیت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، در سال ۸۲ پس از توفیق در امتحان دکترای تخصصی با موفقیت هیئت ممیزی مرکزی، نسبت به تهیه رساله دکتری تحت عنوان «خیار تبعضی صفقه در معاملات معاوضی» اقدام و در سال ۸۴ با طرح و دفاع آن نزد داوران هیئت ممیزی موفق به اخذ مدرک دکتری «استاد یاری» در فقه و اصول گردیـد. وی از سال ۷۴ به عضویت رسـمی هیئت علمی دانشـگاه شاهد در آمد و هم اکنون مدیریت گروه فقه و اصول آن دانشگاه را بر عهده دارد.

سوابق مبارزاتی:

او از سال ۴۰ با افکار و انـدیشه های انقلابی امام خمینی (ره) آشـنا شد و همواره در جلسات انقلابیون شـیراز چون حضـرات آیات:

دستغیب و محلاتی شرکت می کرد و در راهپیمایی عظیم ۱۵ خرداد ۴۲ شیراز حضور فعال داشت. و پس از آن همچنان در جرگه طلاب انقلابی و مبارز قلمداد می شد و بدین جهت بارها به ساواک و شهربانی شیراز، فیروزآباد، داراب و قم احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت.

از سال ۵۵ به دستور وکیل تام الاختیار امام خمینی (ره) مرحوم حاج پسندیده به شهر خمین زادگاه امام مهاجرت کرد و بلافاصله نماز جمعه را با شمشیر برهنه اقامه کرد و آن شهر را به صورت کانون انقلاب و تجمع و هدایت نیروهای انقلابی شهرستانها و استانهای مجاور در آورد. بارها او را دستگیر کرده و به زندان خمین و اراک انداختند و نیز او را ممنوع المنبر نموده و به تبعید به یکی از نقاط دور دست کشور محکوم کردند و سرانجام در اوائل سال ۵۷ یکی از ماموران ساواک را جهت ترور و انتقال او به خمین اعزام کردند که در یک اقدام تروریستی یکی از روحانیون قم را به جای او هدف گلوله قرار داد.

با کشف این توطئه، حدود ۵ ماه متواری و مخفی بود و در عین حال با لباس مبدل و نام مستعار در تهران و شیراز به سخنرانی و اداره جلسات توجیهی و آموزشی نیروهای انقلاب می پرداخت و پس از قیام یکپارچه مردم خمین و تحصن چند شبانه روز جلوی فرمانداری، رژیم شاه ناچار به تسلیم در برابر مردم و موافقت با بازگشت او به خمین گردید. او تا پیروزی انقلاب در خمین به هدایت انقلابیون و مدیریت جریان انقلاب پرداخت.

در سال ۵۷ در کنار سایر علماء و انقلابیون در تحصن دانشگاه تهران شرکت داشت و در مراسم استقبال از حضرت امام (ره) با جمع عظیمی از مردم خمین حضور یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر سال ۵۸، مسئولیت عالی نهادها و جریانات انقلابی منطقه را عهده دار بود و نماز جمعه را همچنان اقامه می کرد، و با کسب اجازه از امام خمینی (ره) به قم مراجعت کرد. و پس از کمتر از یکماه اقامت به دستور امام به پایگاه وحدتی دزفول جهت اقامه نماز جمعه، مدیریت امور فرهنگی و قایی نیروهای مسلح منطقه عزیمت نمود. او از اواخر ۵۸ تا اوایل سال ۶۰ در آن منطقه انجام وظیفه کرد و در آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال و مؤثر در امور مختلف جنگ داشت و پس از اختلاف شدید او با بنی صدر به تهران مراجعت نمود.

مسئولیتهای او:

علاوه بر نمایندگی حضرت امام (ره) در خمین و دزفول، پس از واقعه دردناک ۷ تیر به دعوت مردم اندیمشک و شوش کاندیدای نمایندگی مردم آن منطقه در مجلس شد و بدین ترتیب دوره اول مجلس را به انجام وظیفه نمایندگی آن مردم جنگ زده و مظلوم پرداخت. برای دوره دوم نمایندگی به دعوت علماء، نخبگان و مردم شیراز کاندیدای زادگاه خود شد و دوره دوم و سوم را به انجام وظیفه نمایندگی مجلس پرداخت. او در دوران دفاع مقدس مسئولیتهای مهمی از امور جنگ چون: ریاست کمیسیون امور دفاعی، مسئولیت دفتر مشاورت حضرت امام (ره) در منطقه خلیج فارس، قائم مقام ستاد قرارگاه خاتم و ستاد کل پدافند و ... را بر عهده داشت.

سال ۶۷ به حکم حضرت امام خمینی (ره) به نمایندگی ایشان در شهربانی کل کشور منصوب گردید که تا سال ۷۰ یعنی زمان ادغام نیروهای انتظامی این وظیفه را از سوی مقام معظم رهبری عهده دار بود و در سال ۶۸ به نمایندگی ولی فقیه در انجمن اسلامی معلمان ایران منصوب شد. و در دورا ن ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین آقای خاتمی، سمت مشاورت ریاست جمهوری را بر عهده داشت.

فعالیت سیاسی و تشکیلاتی:

او از آغاز حزب جمهوری اسلامی به عضویت آن تشکل در آمد و سپس در کنگره اول حزب به عنوان عضو ذخیره شورای مرکزی حزب انتخاب شد و علاوه بر آن مسئولیت واحد روحانیت حزب به او واگذار گردید. در سال ۶۶ و آغاز تشکیل مجمع روحانیون مبارز به عضویت هیئت مؤسس و شورای مرکزی آن تشکیلات در آمد. و از ابتدای تاسیس حزب اعتماد ملی، تاکنون به عنوان

عضو هیئت مؤسس و شورای مرکزی و قائم مقام دبیر کل حزب، به وظایف تشکیلاتی خود می پردازد.

فعالیت های فرهنگی:

وی حدود ۴۰ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاههای کشور را دارد و طی دوران تحصیل، مبارزه، مسئولیت خود تا امروز همواره به فعالیت فرهنگی تبلیغی ادامه داده و به تربیت جوانان می پردازد، پایگاه فعالیت فرهنگی او عمدتا در مسجد امام جعفر صادق (ع) و واحدهای مختلف تابعه آن و نیز در سطح جامعه و به ویژه دانشگاههای کشور متمرکز می باشد.

فعالیت های تحقیقی و پژوهشی منتجب نیا:

او تاکنون کتابهای: (اصول فقه و مبانی حقوق اسلام)، (جمال شریعت) و (خاطرات انقلاب) را تالیف و منتشر نموده است و کتابهای: (خرافه ستیزی) و (آموزه های وحیانی) و رساله دکترای تخصصی او زیر چاپ می باشد و چند کتاب دیگر او در دست تالیف است. وی مقالات علمی پژوهشی متعددی را تهیه و تالیف و در مجلات علمی پژوهشی و یا اجتماعی منتشر کرده و بسیاری از مقالات او در کنگره بین المللی و یا سراسری کشور قرائت شده است و هم اکنون چند طرح پژوهشی کارساز و ارزشمند را در دست اجرا دارد.

منتظری مقدم، حامد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید

علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منتظری مقدم، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجةالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و

ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجهٔالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ – ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجهٔالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجهٔالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

موحدطاهر، محمدباقر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد باقر موحد طاهر

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۴ بعد از گذراندن کلاس ۴ متوسطه آن زمان به خاطر عدم پذیرش عضویت حزب رستاخیز وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال اول ادبیات عرب را در مدرسه رضویه که می شود گفت از لحاظ برنامه درسی شعبه ای از مدرسه حقانی محسوب می شد؛ گذراندم و سال بعد یعنی سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه حقانی که توسط مرحوم شهید قدوسی اداره می شد، شدم و با شروع نهضت فراگیر انقلاب اسلامی ضمن همراهی و شرکت در تظاهرات و سایر برنامه ها به عنوان یکی از طلاب جوان اداء دین نموده و در ضمن، دروس حوزه را به صورت خصوصی در زمانی که حوزه تعطیل بود خواندم.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دروس مکاسب و کفایه را در سال ۱۳۵۸ خواندم و سال بعد در درس خارج آیات عظام: وحید خراسانی (مکاسب محرمه) و نوری همدانی (اقتصاد اسلامی) و منتظری (حدود) را خواندم و در سال ۱۳۶۰ در برنامه یکساله ای که در موسسه در راه حق تحت عنوان «گروه دال» به منظور آموزش اساتید معارف اسلامی دانشگاه در آن موسسه برگزار می شد؛ شرکت نمودم لکن بعد از پایان این دوره چون برنامه های آموزشی در حال ارائه موسسه در راه حق توسط استاد مصباح برایم جذاب بود، شرکت در آن برنامه ها را قطع نکردم و تا سال ۱۳۶۴ این کار ادامه پیدا کرد.

در کنار این برنامه ها دورس حوزه را با شرکت در درس خارج «آیت الله وحید» که شامل دو درس اصلی حوزه یعنی اصول و فقه می شد؛ برنامه ها را ادامه دادم و شرکت در درس خارج سایر آقایان که در یک مقطع یک ساله دیگر از «آیت الله مظاهری» و «آیت الله تبریزی» هم استفاده نمودم که بیش از یک سال طول نکشید ولی شرکت در درس فقه و اصول آیت الله وحید به مدت ۱۴ سال ادامه پیدا کرد. ضمن اینکه در این مدت، برنامه های دیگر حوزه مانند شرکت در دروس تفسیر و فلسفه «آیت الله جوادی» و «آیت الله مصباح» را تعقیب می نمودم. علاوه بر برنامه های حوزوی، تدریس معارف اسلامی دانشگاه را هم داشتم و همین طور به مدت یک سال برنامه تدریسی مبانی اعتقادی اسلام را برای برادران سپاه در شمال کشور را هم به عهده داشتم.

در سال ۱۳۶۴ که برنامه تحقیقاتی موسسه باقرالعلوم (ع) توسط «آیت الله مصباح یزدی» شکل گرفت؛ در گروه فلسفه شرکت نمودم که تا سال ۱۳۷۲ این کار ادامه داشت. در سال ۱۳۷۳ به مدت دو سال و اندی برای اداره رایزنی فرهنگی به پاکستان اعزام شدم و بعد از اتمام این دوره به قم بازگشتم. در خلال این مدت تا حال ضمن تدریس دروس اصلی حوزه فقه و اصول و فلسفه در سطح عالی و همینطور ارائه مقالات در زمینه های تاریخی، فقهی و فلسفی انجام وظیفه نمودم و در سال ۱۳۸۰ با ارائه پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه با موضوع: «اصالت وجود» از موسسه امام خمینی (ره) مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم.

موحدی کرمانی، محمد علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اینجانب محمد علی موحدی (مشهور به موحدی کرمانی) متولد ۱۳۱۰ بشماره شناسنامه ۳۲۵ صادره کرمان فرزند عباس (واعظ معروف کرمان بود)

تحصیلات مقدماتی در حوزه کرمان سپس در حوزه علمیه قم وسپس در حوزه علمیه نجف.

اساتید در کرمان آیت الله صالحی و شیخ الرئیس و در قم مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی داماد و آیت الله العظمی امام خمینی و در نجف مرحوم آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی و آیت الله العظمی میرزا باقر زنجانی و چند ماهی در مشهد از محضر آیت الله میلانی استفاده کردم.

پس از مراجعت از نجف و قم سنواتی در کرمان بشئون روحانی پرداختم و سپس به تهران آمدم. در تهران در دوران انقلاب و مبارزه به تربیت جوانان در مسجد پرداختم و بهمین دلیل مسجد در شرق تهران یکی از پایگاهای مبارزه � بود.

اینجانب در تشکیلات جامعه روحانیت مبارز تهران بعنوان یکی از اعضای شورای مرکزی و دبیرجامعه در شرق تهران فعالیت داشتم.

همچنین در حزب جمهوری اسلامی بعنوان عضو شورای مرکزی و عضو داوری حزب حضور داشتم. پنج دوره نمایندگی در مجلس شورای اسلامی داشتم که دوره اول از کرمان و بقیه ادوار از تهران بود.(البته دوره سوم میاندوره ای بود)

همچنین پس از شهادت شهید اشرفی اصفهانی در باختران«کرمانشاه» بامر امام رضوان الله تعالی علیه مسئولیت امامت جمعه را داشتم. همچنین مدت چهارده سال نماینده مقام معظم رهبری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودم. ایضا عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستم.

ایضا از طرف مردم کرمان سه دوره نمایندگی مجلس خبرگان را داشتم.

در مجلس رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس و رئیس کمیسیون امور دفاعی بودم.

در مقطعی نائب رئیس مجلس بودم. ایضا رئیس هیات اجرائی بین المجالس بودم. از توفیقات دوران مبارزه و انقلاب تشرفی بود که به عتبات عالیات در اول سال ۵۷ داشتم که دیدارهای متعددی در نجف و کربلا بطور خصوصی با حضرت امام داشتم که برنامه های جامعه روحانیت مبارز را خدمت امام عرض کردم و هم حامل دستورات مهمی برای جامعه مذکور و حزب جمهوری داشتم.

همچنین میتواند حضور در جبهه و انس با رزمندگان را در دوران امامت جمعه باختران از توفیقات دوران انقلاب باشد. شاهد بمباران‌ها و موشک خوردنهای مردم و مقاومت آن دلیران بودم که در این زمینه خاطرات فراوان دارم.

مباحثات اینجانب در دروس قم با آیات: آقای هاشمی رفسنجانی، مرحوم آقای ربانی املشی، و آقای قربانی لاهیجانی بود و بیشتر با حضرات آیات: آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای مومن، آقای جنتی، آقای طاهری خرم آبادی و آقای مهدوی کنی و آقای انواری مانوس بودم.

موسوی اصل، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مهدی موسوی اصل

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از پایان تحصیلات کلاسیک در حد دوم راهنمایی شروع به تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه تبریز کردم و مقدمات علوم اسلامی را تا حد لمعتین در آنجا به اتمام رساندم. پس از آن به مدت یک سال در تهران به تحصیل رسائل و مکاسب و نیز تدریس مقدمات مشغول بودم. در سال ۱۳۶۴ به قم آمدم. پس از پایان تحصیلات سطح در قم، در درس خارج فقه و اصول (عمدتاً در درس آقایان آیت الله مکارم و سبحانی) شرکت کردم. همزمان در دوره آشنایی با علوم جدید در موسسه در راه حق مشغول تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره موسسه در راه حق، به عضویت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در آمدم و دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد «روانشناسی» را در آنجا گذراندم. ضمنا همزمان با تحصیل روانشناسی در دفتر همکاری در درس خارج نیزشرکت کردم. پس از پایان تحصیلات کارشناسی ارشد «روانشناسی» در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مشغول به تحقیق در مسائل مربوط به «علوم اسلامی و روانشناسی» شدم.

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت

معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

گرایش : فقه و اصول

والـدین و انساب : پـدر معظم سـید محمـد موسـوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سـید حسن بجنوردی ، صـاحب کتـاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسـمی و حرفه ای : سـید محمـد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشـته فقه و اصول از نجف اشـرف از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است.

فعالیتهای ضـمن تحصـیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جـامع نجف اشـرف (هنـدی) رسائـل, مکـاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شـیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می‌کردند.

اسـتادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سـید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی : سـید محمـد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر اسـتفتائات حضـرت امام مشـغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عـالی قضـایی درآمدنـد که تـا ارتحال حضـرت امام و تغییر در قانون اساسـی (که منجر به حـذف شورای عـالی قضـایی شـد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تـدوین قوانین و اصـلاحیه های مربوط به قانون مـدنی, آیین دادرسـی کیفری, قـانون مجـازات اسـلامی و نظارت مسـتقیم براحکام همـهٔ دادگاهها بر عهـدهٔ ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبهٔ دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغـل و سـمتهای مورد تصـدی : سوابق شـغلی (آموزشـی ـ اجرایی) سـید محمـد موسوی بجنوردی به شـرح زیر است: اجرایی : – عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) – رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی – رئیس شعبه دیوان عالی کشور – عضو هیـات عفو حضـرت امـام خمینی (ره) – عضو کمیته کشوری اخلاـق پزشـکی – عضوهیئت علمی موسسه عـالی بانکـداری – ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی – عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی – عضو هیات علمی دانشگاه خـوارزمی (تربیت معلم) – رئیس گروه حقـوق و علـوم سیاسـی تربیت معلم – رئیس گروه دین و فلسـفه – مـدیر گروه فقه و حقوق پژوهشـکده امـام خمینی (ره) و انقلاـب اسـلامی – عضـو هیـات امنـای مرکز بین الملـل گفتگوی فرهنگهـا و تمـدنها – عضو کمیته کشـوری اخلاـق پزشـکی – عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبـار – عضو هیئت امنـای مرکز بین المللی گفتگوی تمـدنها – عضـو کمیتـهٔ کشـوری اخلاـق پزشـکی – عضو شورای دانشـگاه تربیت معلم – عضو هیئت ممیزه دانشـگاه تربیت معلم – مـدیر گروههـای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) – مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) – مدیر گروه حقوق و علوم سیاسـی (تربیت معلم) – عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم – عضو هیئت تحریریه مـتین پژوهشـکده امـام خمینی (ره) – عضو هیئت تحریریه مجله نـامه الهیـات دانشـگاه آزاد اسـلامی – عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسـی آموزشـی ـ آموزش از سـال ۶۰ تا کنون: – دانشـگاه شـهید بهشتی – دانشـگاه تربیت مدرس – دانشگاه تهران – دانشـگاه آزاد اسـلامی – مدرسه عالی شـهید مطهری – موسـسه عالی بانکداری ایران – دانشـگاه خوارزمی (تربیت معلم) –

دانشگاه قم

فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کرد که مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت???? آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه – حقوق – اصول – فلسفه – عرفان – کلام

چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله درمجلات علمی و ۱۵جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتهٔ حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. – عقد ضمان – علم اصول – فقه تطبیقی – فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) – قواعد فقهیه جلد ۱, ۲ – مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی۱،۲،۳،۴،۵،۶ – مصادر التشریع عندالامامیة و السنة (به زبان عربی)؛ – مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی =

۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسـی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر –

آثار :

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر : انتشـارات پژوهشـکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ منتشـر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج۱)

ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی برزکی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مدرسه رسالت قم مشغول به تحصیل علوم حوزوی و دینی شدم. پس از اتمام مقدمات در فیضیه و مسجد اعظم و ... تحصیلات خود را ادامه دادم. کتاب شرح لمعه را در محضر «آیت الله استادی» و «وجدانی‌فخر» و رسائل و کفایه را در محضر «آیت الله اعتمادی» و مکاسب را در محضر «آیت الله پایانی» بوده‌ام.

دروس خارج فقه و اصول را از خرمن علم آیات عظام: «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی» و «شیخ جواد تبریزی» خوشه‌چینی نمودم و تفسیر و فلسفه را از محضر «آیت الله جوادی آملی» پس از ده سال حضور در دروس خارج و احساس با نیازی از حضور در سر کلاس آیات عظام به تدریس دروس حوزوی از مقدمات تا کفایه مشغول شدم.

همچنین در دانشگاه آزاد تدریس دروس عمومی را مثل معارف اخلاق وصیت نامه امام (ره) تفسیر به عهده گرفتم. همچنین در کنار تدریس، پژوهش و تحقیق در موضوعات مختلف را آغاز نمودم و هم‌اکنون امامت جمعه شهرستان اردستان را داشته و در کنار آن تدریس کفایهٔ الاصول (حوزه) و دروس عمومی دانشگاه، تالیف مقالات، کتاب و اداره مدرسه علمیه زینبه را به عهده دارم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ - ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیهٔ الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیهٔ الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیهٔ الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول

کفایه نزد استاد «آیهٔ الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوهٔ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیهٔ الله پایانی (رحمهٔ الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ – ۷۴ در درس «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرهٔ المعارف علوم عقلی مؤسسه آیهٔ الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرهٔ المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پشنهاد مدیریت دائرهٔ المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ – ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیهٔ الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیهٔ الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیهٔ الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیهٔ الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوهٔ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیهٔ الله پایانی (رحمهٔ الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ – ۷۴ در درس «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرهٔ المعارف علوم عقلی مؤسسه آیهٔ الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرهٔ المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پیشنهاد مدیریت دائرهٔ المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی حجازی، جمال

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جمال موسوی حجازی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ شمسی پس از ورود به حوزه مشهد در کنار تحصیل دروس حوزوی، علاوه بر تدریس همان دروس به اشتغالات علمی در موضوع کلام، حدیث و تاریخ پرداخته و از این تحقیقات، تألیفاتی ارائه گردیده و چاپ شده است. ضمناً در محافل گوناگون مذهبی به سخنرانی پرداخته و در مناسبتهای مذهبی در جوامع مختلف منبر رفته ام. علاو ه بر آن، در مواقع مختلف، سفرهای متعدد تبلیغی به شهرهای خراسان و مازندران داشته ام.

همچنین در ایام ممنوعیت مرحوم شهید هاشمی نژاد از منبر، در کانون و بحث و انتقاد دینی شعبه قوچان به جای ایشان عهده دار پاسخ به سوالات مذهبی بوده ام. در سال ۱۳۵۵ به قم مهاجرت نمودم و تاکنون در این شهر مقدس سکونت دارم. در طی این سالها به تحصیل، تدریس، تحقیق، تالیف و تبلیغ پرداخته ام. تألیفات اولین کتابم در مشهد، تالیف و چاپ شد به نام: «عقده ها و مشکلات مذهبی» که نسخه های این از چاپخانه توسط ساواک جمع آوری شد و از بین رفت. سپس کتاب «مشکلات مذهبی جوانان» را نشر نمودم و پس از آن، تألیفات متعددی چاپ و بعضی از آنها مکرر طبع و نشر نمودم که فهرست آنها در قسمت تألیفات آمده است. غیر از کتب منتشره، تحقیقات و نوشته هایی شامل مباحث فقه، اصول، تفسیر، مباحث مهدویت، حدیث و کلام به صورت مخطوط و در دست تألیف دارم. تحصیل و تدریس: تحصیلات خود را در قم پی گرفتم و عمدتاً از محضر «حضرت آیت الله وحید خراسانی» استفاده نمودم. در کنار تحصیل به تدریس فقه و اصول و کلام در قم و تهران پرداختم. در بعضی از ایام هفته در موسسه اسلامی نارمک در تهران به تدریس لمعه و رسائل و در قم به تدریس سطوح عالی اصول پرداختم. تبلیغ:عمدتاً در تهران و بعضاً در شهرستانها به تبلیغ پرداخته و بعضی ایام هم در کشورهای عربی منبر رفته ام برای فارسی زبانان.

موسوی دریاباری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی موسوی دریاباری

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله سیدعلی موسوی دریاباری مشهور به دریاباری در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده پاک و متدین، در شهرستان آمل از توابع استان مازندران دیده به جهان گشود. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدائی، راهنمائی و متوسطه در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه آمل گردید. تحصیلات مقدماتی را در همان دیار و زیر نظر استاد ابراهیمی گذراند.

برای تکمیل تحصیلات حوزوی و گذراندن دوره سطوح عالی حوزه علمیه در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و در درس «حضرت آیت الله صالحی» حاضر گردید. در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه حلقه درس خارج فقه و اصول «آیت الله اشرفی شاهرودی» گردید و تا کسب رتبه اجتهاد دست از تلاش و کوشش جهت کسب و علم اندوزی دست بر نداشت.

ایشان اکنون علاوه بر اینکه در حوزه علمیه مشهد مشغول تدریس و پرورش طلاب جوان می‌باشد؛ در حرم رضوی نیز پاسخگوی شبهات زائران حضرت امام رضا (ع) می‌باشد. در ضمن نامبرده دارای تألیفاتی در زمینه‌ای مختلف می‌باشد که در روزنامه قدس و ... به چاپ رسیده است.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت‌الله سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری، فقیه، مفسر و قرآن‌پژوه بزرگ جهان تشیع و از مفاخر علمی و برجسته اسلام در دوره معاصر است که عمر شریف خویش را در نشر و گسترش معارف اسلام و قرآن مصروف داشت. وی در ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هـق، مصادف با عید غدیر خم، در سبزوار دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی پدر بزرگوارش طی کرد و مقدمات ادبیات عرب، فقه، اصول و ... را از پدر و عمویش، آیت‌الله «سیدعبدالله برهان» (م ۱۳۸۴ هـق) فراگرفت و تا سن چهارده سالگی در زادگاه خود به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و عربی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ هـق به مشهد مقدس رفت و در آن‌جا از محضر بزرگانی چون علامه میرزا «عبدالجواد ادیب نیشابوری» (م ۱۳۴۴ هـق)، میرزا عسکر شهیدی، معروف به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۴ هـق)، آیت‌الله سیدمحمد عصار لواسانی (م ۱۳۵۶ هـق) و شیخ علی‌اکبر نهاوندی (م ۱۳۶۹ هـق) بهره برد. مرحوم آیت‌الله سبزواری پس از حدود هشت سال اقامت در مشهد، برای تکمیل دروس سطح فقه و اصول و نیز فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی عزم سفر نجف اشرف کرد و در آن شهر در درس آیات عظام مرحوم نائینی (م ۱۳۵۵ هـق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ هـق)، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۶۱ هـق)، سیدابوالحسن اصفهانی و سیدحسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸ هـق) شرکت و آموخته‌های فقهی و فلسفی خویش را تکمیل کرد. وی تفسیر قرآن و مناظره و کلام را با حضور در جلسات تفسیری علامه «محمدجواد بلاغی» فراگرفت. او هم‌چنین از علامه مامقانی (م ۱۳۵۱ هـق) و شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـق) و دیگر مشایخ و استادان خود اجازات روایتی و اجتهادی کسب کرد و در حالی که ۳۶ سال داشت، در سال ۱۳۶۵ هـق خود عهده‌دار تدریس خارج فقه و اصول شد و به تربیت شاگردان و دانشوران پرداخت. آیت‌الله سبزواری در کنار فقیه برجسته اهل بیت(ع)، آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ هـق) خدمات شایانی به حوزه نجف اشرف کرد و چراغ فقاهت را در آن حوزه نورانی نگه داشت و

خود چیزی کمتر از یک سال ـ بعد از آیت‌الله خوئی ـ عهده‌دار ریاست آن حوزه علمی شد. سرانجام این فقیه فرزانه و مفسر عالی‌قدر تشیع و عالم وارسته، بعد از عمری تدریس و تحقیق و تألیف و مجاهدت در روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۷۲ هـش (۲۷ صفر ۱۴۱۴ هـق)، مصادف با شب رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در نجف اشرف درگذشت و به دیدار حق شتافت که البته برخی معتقدند که وی توسط رژیم بعث عراق مسموم و شهید شده است.

برگرفته از کتاب :راسخون

موسوی فراز، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمدرضا موسوی فراز

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اتمام دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن درس های حوزه، دروس دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک ادامه دادم و همزمان با جنگ بحمدالله به اتمام رسید. حدود سال ۶۷ مقدمات را که در مدرسه رضویه مشغول بودم تمام شد. و برای درس های سطح در درسهای عمومی شرکت می کردم. در سال ۷۱ همزمان با درس رسائل و مکاسب، تحصیل در دروس «موسسه در راه حق» (نام سابق موسسه امام خمینی) را شروع کردم و مقطع کارشناسی در سال ۷۶ به اتمام رسید.

سپس کارشناسی ارشد در رشته «دین شناسی» را آغاز کردم و در مهر ۱۳۸۲ پایان نامه را دفاع کردم. در سال ۱۳۸۵ از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها مجوز تدریس در دروس «گرایش مبانی نظری اسلام» را دریافت کردم. از سال ۱۳۸۲ تاکنون در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجتیه) در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس ادیان، کلام، آشنایی با عرفان، شبهات کلامی و ... مشغول هستم. و در این مدت راهنمایی، مشاوره و داوری چندین پایان نامه را به عهده گرفته ام.

زمان تحصیل در مقطع سطح دروس حوزه به عللی از جمله تأمل روی دروس، طولانی شد و حدود سال ۱۳۷۹ در درس خارج «آیهٔ الله مرحوم میرزا جواد تبریزی» به مدت یکی، دو سال شرکت کردم. ولی به علت اشتغال به پایان نامه و کارهای تحقیقی نتوانستم درس خارج را ادامه دهم. در سال ۱۳۸۶ در مقطع دکتری رشته «ادیان» موسسه امام خمینی پذیرفته شدم و مشغول تحصیل و تحقیق هستم.

موسوی قافله باشی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد هادی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۴۹ ابتداء در مدرسه آیت الله گلپایگانی و در ادامه مدرسه رضویه و حقانی ادامه دادم. دروس سطح را در محضر اساتید بزرگوار چون: «حضرت آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی»، «وجدانی»، «اعتمادی»، و ستوده و دروس خارج فقه، اصول، منظومه، حکمت و تفسیر در محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «مشکینی»، «جوادی آملی»، «خزعلی» و مدتی در محضر «آیت الله تبریزی» و «وحید خراسانی» تلمذ نمودم و سفرهای تبلیغی فراوان قبل از انقلاب و در دوران مبارزات به نقاط مختلف کشور داشته ام. و چندین بار در خمین و دلیجان پس از منبر و خارج شدن از مسجد تحت تعقیب مأموران نظام شاهنشاهی قرار گرفتم که با کمک مردم فرار نمودم و یکبار در درگیری خیابانی مجروح و به بیمارستان منتقل و مدتی در بیمارستان، پس از عمل جراحی بستری بودم، تهیه و توزیع رساله، نامه ها، نوارهای سخنرانی و عکس امام (ره) که دو بار در همین رابطه دستگیر گردیدم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۲ سال در جبهه های نبرد شرکت نمودم و چند سفر تبلیغی به خارج از کشور از جمله جمهوریهای شوروی سابق در زمان قبل از فرو پاشی داشته ام. تعدادی مقاله برای همایشهای مختلف ارسال داشته ام و از فعالیت های حوزوی بنده مدتی تدریس و تأسیس مدرسه علمیّه امام هادی (ع) در اسفرورین قزوین برای برادران و مدرسه علمیّه الزهراء (س) برای خواهران و مدیریت آن بوده است. حاصل مدرسه علمیه امام هادی (ع) طلابی بوده است که اینک به عنوان روحانی مستقر در نقاط مختلف در خدمت اسلام و انقلاب می باشند. از فعّالیّت های عمرانی و فرهنگی ساخت چندین مسجد، کتابخانه، سالن ورزشی، مصلای بزرگ امام خمینی (ره) اسفراین، مدرسه و ... بوده است. که امیدوارم مورد رضای خاطر شریف امام عصر(عج) واقع گردد و مایه نجات و عاقبت بخیری و عافیت دین و دنیای آخرت ما قرار بگیرد. انشاءالله.

موسوی قافله باشی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی موسوی قافله باشی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم علوم تجربی به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شده و پس از طی دوره ادبیات در مدرسه «ابوالصدق» دوره سطح را در محضر اساتیدی چون آیات: «استادی»، «اشتهاردی»، «عراقچی» و «وجدانی فخر» کتاب شرح لمعه و «سید احمد خاتمی» اصول فقه و درس عقاید را نزد «حضرت آیت الله سبحانی» و «آیت الله خرازی» و ملل و نحل و رجال را نزد «آیت الله سبحانی» و دروس علوم قرآنی را نزد «آیت الله معرفت» تلمذ نمودم.

سپس مکاسب را نزد «آیت الله پایانی» و رسائل را نزد «آیت الله اعتمادی» تحصیل کردم. سپس دروس تفسیر «آیت الله جوادی آملی» و در درس خارج فقه «حضرت آیت الله تبریزی» و خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» (حفظه الله) شرکت می کنم. از سال ۶۸ به تدریس ادبیات و از سال ۷۱ به تدریس فقه و اصول و تفسیر در مدارس طلاب غیر ایرانی و در مدرسه علمیه «الهادی» علیه السلام مشغول هستم.

موسوی گرگانی، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی لاری، مجتبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مجتبی موسوی لاری

محل تولد : لار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای سیّد مجتبی موسوی لاری فرزند مرحوم آیت الله سیّد علی اصغر لاری، در سال ۱۳۱۴ در شهر لار متولد شد؛ تحصیلات ابتدایی و مقدّمات علوم اسلامی را در لار فرا گرفت و در سال ۱۳۳۲ برای ادامه تحصیل علوم اسلامی راهی قم گشت و در آنجا دروس سطح را نزد اساتید و علماء حوزه علمیّه قم آموخت و سپس دروس خارج خود را دنبال کرد و از محضر مراجع و بزرگان حوزه استفاده نمود.

از سال ۱۳۴۱ همکاری خود را با نوشتن یک سلسله مقالات اخلاق اسلامی با مجله دینی و علمی مکتب اسلام آغاز کرد که مجموعه مقالات یاد شده به صورت کتابی تحت عنوان «مشکلات اخلاقی و روانی» چاپ و منتشر گردید که تا به حال فارسی آن برای چهاردهمین بار تجدید چاپ شده است و نیز تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده است.

در سال ۱۳۴۲ به علّت ادامه بیماری، مسافرتی به آلمان کرد و پس از چند ماه معالجه به ایران بازگشت و به تالیف کتابی به نام «اسلام و سیمای تمدن غرب» پرداخت؛ در این کتاب به بحث پیرامون ابعاد تمدن غرب و اسلام پرداخته شده و در مقایسه ای جامع و مستدل و دقیق برتری تمدن جامع و چند بعدی اسلام بر تمدن غرب به اثبات رسیده است که چاپ فارسی آن ۸ بار تجدید چاپ شده است. کتاب یاد شده در سال ۱۳۴۹ توسط یکی از شرق شناسان انگلیسی به نام پروفسور فرانسیس گلدین به زبان انگلیسی ترجمه شد و مورد استقبال فراوان اروپاییان قرار گرفت به طوری که تعدادی از مطبوعات غربی مقالاتی پیرامون انتشار این کتاب نوشتند.

رادیو انگلستان نیز مصاحبه ای با مترجم ترتیب داد و درباره علت ترجمه و مسائل و مباحث کتاب با وی به گفتگو نشست. تا این زمان ترجمه انگلیسی کتاب سه بار در انگلستان، ۲۲ بار در ایران ۳ بار در آمریکا تجدید چاپ شده است. پروفسور گلدین از ایشان جزوه ای نیز تحت عنوان (خداشناسی) ترجمه کرده که تا کنون به ۸ زبان ترجمه گردیده و ۱۱ بار تجدید چاپ شده است. تقریبا سه سال پس از انتشار ترجمه انگلیسی آن یکی از اساتید دانشگاه آلمان به نام «دکتر رولف سینگلر» آن را به زبان آلمانی برگرداند که آن هم اثر عمیقی در میان آلمانی زبانان گذاشت حتی یکی از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان طی نامه ای به مترجم نوشت: «مطالعه این کتاب تاثیر عمیقی در من بخشید و دیدگاه مرا نسبت به اسلام عوض کرد و من دوستانم را به مطالعه این کتاب دعوت خواهم کرد».

همزمان با انتشار ترجمه آلمانی کتاب یاد شده، یکی از دانشمندان مسلمان هندوستان به نام «مولانا روشن علی» آن را به اردو ترجمه کرد که پس از چاپ در هندوستان و پاکستان انتشار یافت و تاکنون پنج بار تجدید چاپ شده است. این کتاب تا کنون به

این زبان ها ترجمه شده: انگلیسی، آلمانی، اردو، فرانسه، ژاپنی، عربی، اسپانیولی، تایلندی، روسی، مالایایی، کردی و بوسنیایی، تاجیکی، سیفهالی، آذری، ترکی، ایتالیایی.

در سال ۱۳۴۳ دفتر خیریه ای در شهر لار تاسیس کرد و برای تبلیغات اسلامی و آشنا ساختن نوجوانان روستایی به مبانی اسلام و کمک به قشر مستمند خدماتی از سوی دفتر آغاز شد و تا سال ۱۳۴۷ کار خود را دنبال کرد. خلاصه کار این دفتر اعزام طلاب به روستاها برای تعلیم مسائل اسلامی به کودکان و نوجوانان روستایی و تشکیل کلاس های دینی و تامین لباس و لوازم التحریر هزاران دانش آموز مستمند و اقدام به برگزاری نماز جماعت در سطح مدارس لار بود؛ از جمله خدمات بنیادی این دفتر: احداث تعدادی ساختمان مسجد و حسینیه و مدرسه و درمانگاه در سطح روستاها بود و همچنین خدمات متنوع دیگری از ناحیه این دفتر خیریه صورت گرفت.

ایشان به تهیه و تنظیم مقالات اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ مجموعه آن مقالات با تجدید نظر و اضافات به صورت کتابی تحت عنوان: «رسالت اخلاق در تکامل انسان» انتشار یافت؛ که شش بار در ایران تجدید چاپ شده است.

در سال ۱۳۵۷ به دعوت یکی از سازمان های اسلامی آمریکا و همچنین ادامه معالجات سفری به آن دیار کرد و ضمنا با صاحب نظران در زمینه ضرورت نشر مسائل اعتقادی اسلام به زبان های خارجی به مشاوره و گفتگو پرداخت و سپس به انگلستان و فرانسه رفت و پس از بازگشت به نوشتن یک سلسله مقالات ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت، این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را در بر می گرفت، تحت عنوان: «مبانی اعتقادات در اسلام» در چهار جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود؛ انتشار یافت. کتب یاد شده تاکنون به زبان های انگلیسی، روسی، فرانسه، اردو و اسپانیایی ترجمه شده و بعضی از مجلدات آن نیز به زبان های ژاپنی، بلغاری، رومانیائی، بنگالی و آلمانی ترجمه شده است.

ایشان در سال ۱۳۵۵ در قم دفتری به نام «دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور» تاسیس کرد که بعداً به عنوان «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تغییر نام یافت. این مرکز به نشر آثار اسلامی به خصوص آثار ترجمه شده ایشان پرداخت، اقدامی با هدف گسترش تعالیم اسلامی و مفاهیم قرآنی در اقصی نقاط دنیا. کتب منتشر شده از سوی این مرکز تبلیغاتی برای درخواست کنندگان مشتاق و تشنگان حقایق اسلامی اعم از افراد و یا هزاران موسسه و مدرسه و گروه ها و جمعیت های اسلامی از سراسر جهان به صورت اهدایی ارسال می شود که ثمرات و نتایج خدمات اسلامی و فرهنگی این مرکز در روشن ساختن اذهان انبوه عظیمی از مردم جهان نسبت به حقایق نورانی اسلام و جذب افراد بسیاری، از غیر مسلمانان به سوی اسلام ضمن هزاران نامه دریافتی از ملیت های مختلف مردم انعکاس یافته و میلیون ها نفر را تغذیه فکری و معنوی کرده است. و هم اکنون ده ها هزار نامه در بایگانی این مرکز نگهداری می شود و همچنان کار تبلیغات اسلامی در سطحی گسترده در مناطق مختلف جهان ادامه دارد.

همچنین این مرکز اقدام به چاپ قرآن کریم با ترجمه انگلیسی و فرانسه و اسپانیایی و روسی نموده که به متقاضیان از کشورهای مختلف اهداء می شود. در سال ۱۳۷۲ به لحاظ تاثیری که نشر کتب روسی ایشان در جمهوری آذربایجان به جای گذاشت، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان در باکو دکترای افتخاری به عنوان ایشان صادر کرد. و به همین مناسبت مراسمی در دانشگاه باکو برگزار نمود.

موسوی مطلق، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد : لرستان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال ۷۱ – ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موسوی وارقانی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد موسوی وارقانی

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۴ در خانواده ای مذهبی در روستای «قمصر» از توابع شهرستان ری متولد شد. دوران تحصیل خویش را با موفقیت گذرانید و در سال ۱۳۳۵ در محضر «آیت الله مجتهدی تهرانی» به تحصیل علوم حوزوی پرداخت. پس از معمم شدن به دست مبارک مرحوم «آیت الله خوانساری (ره)» به شهر قم هجرت نمود و از محضر اساتید بزرگ از جمله آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «بهجت»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «ستوده»، «اعتمادی» و ... کسب فیض نموده و در سال ۱۳۷۸ از سوی مقام معظم رهبری «حضرت آیت الله العظمی خامنه ای» به امامت جمعه باقر شهر منصوب گردید.

مدارج علمی:

۱. اجتهاد در علوم حوزوی.

۲. مدرس فقه و اصول.

۳. محقق در تاریخ اسلام و تشیع.

۴. مفسر قرآن و نهج البلاغه.

۵. مولف کتب و مقالات علمی، تاریخی و بین المللی.

موسوی، رسول

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رسول موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس ادبیات را نزد اساتید: «مدرس افغانی»، «موسوی گرگانی»، «طالقانی»، منطق و معالم را با استاد «خسروشاهی»، شرح لمعه را با استاد «شب زنده دار»، رسائل را با استاد «اعتمادی»، «مکاسب» را نزد آقای «مصلحی اراکی» و کفایه را با استاد گنجی خواندم.

در سال ۱۳۷۰ با دارالحدیث همکاری در حدیث را آغاز کردم و در تالیف کتابهایی مانند: «موسوعه میزان الحکمه» نقش داشتم و بعضی کارهای مستقل آنها مثل اهل البیت را با نظارت آقای محمدی ری شهری انجام دادم. در دوره آموزش فلسفه اخلاق دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان شرکت کردم و اکنون در حد مراجه زبان تخصصی اخلاق آشنائی دارم.

در سال ۱۳۷۵ بعد از ورود «آیت الله مظاهری» به اصفهان به توصیه ایشان مسئولیت مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان را به عهده گرفتم و تا سال ۱۳۸۳ ادامه داشت و همزمان به تدریس عقاید، فلسفه، اصول و فقه در دروس سطح حوزه اشتغال داشتم که اکنون نیز ادامه دارد.

موسوی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید رضا موسوی

محل تولد : گرگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

عالم بزرگوار، اندیشمند گرانقدر حضرت آیت الله سید رضا موسوی مشهور به استاد موسوی در روستای «کردکوی» از توابع گرگان در خانه‌ای کشاورز و در سال ۱۳۲۶ دیده به جهان گشود. شور و شوق زایدالوصف ایشان به تحصیل علوم دینی و تشویق خانواده ایشان از سوی دیگر سبب شد تا در سال ۱۳۲۶ وارد حوزه علمیه مشهد گردید و توسط «مرحوم آیت الله فشارکی» ادبیات عرب را فرا گرفت. آنگاه در سال ۱۳۴۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت. با پایان یافتن دوره سطح به درس خارج «آیت الله گلپایگانی (ره)» و «مرحوم آیت الله میلانی (ره)» راه یافت و از محضر اساتید بزرگ خویش بهره‌ای فراوان برد. ایشان طی سالهای عمر خویش خدمت بسیاری انجام داده است. همچنین از وی کتب بسیاری با عناوینی چون: «آشنایی با مبادی فقه»، «آشنایی با آئین دادرسی و داوری اسلامی»، «آشنایی با نهضت حسینی» و ... به چاپ رسیده است. نامبرده پس از تحصیل دوره خارج، طاقت دوری از بارگاه ملکوتی امام هشتم (ع) را نتوانست تحمل کند و لذا دوباره برای پابوسی امام رضا (ع) و خدمت به مردم آن دیار به مشهد مقدس بازگشت.

موسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی موسوی

محل تولد : خدا بنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سّید علی موسوی فرزند سیّد آقا در سال ۱۳۲۶ در شهرستان خدابنده از شهرستانهای استان زنجان به دنیا آمدم. در سال ۱۳۴۱ وارد قم شده و در کلاس چهارم ابتدائی مشغول درس شدم. و کلاس پنجم دبستان را در تهران و ششم ابتدایی قدیم را در قم به پایان رسانیدم و کلاس هفتم و هشتم نظام قدیم را هم متفرقه خواندم و در سال ۱۳۴۴ احتمالاً وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس سطح آن روز را در پیش اساتید آن زمان مانند: «مرحوم آقای سیّد ابوالفضل موسوی تبریزی»، «آقای میرزا محسن دوزدوزانی»، «آقای استادی»، «آقای ستوده»، «آقای پایانی»، «مرحوم آقای معرفت» و غیره شرکت نمودم.

در سال ظاهراً ۶۸ در امتحان ورودی مجتمع قضائی و فرهنگی طلاب شرکت نمودم و قبول شدم و موفق به اخذ مدرک معادل لیسانس آن روز شدم و دو سال بعد به استخدام آموزش و پرورش در آمدم به عنوان «استاد تربیت معلم» که بعداً منصرف شدم. و در سال ۷۱ ظاهراً به عنوان «مدرس» از طرف شورای عالی حوزه علمیه به لردگان یکی از شهرستانهای چهارمحال بختیاری اعزام شده و مشغول شدم و پس از یک سال به قم برگشته و حدود یک سال در جامعه مدرسین و دائرهٔ المعارف به تحقیقات مشغول شدم و از آن زمان تا به حال در این دو مؤسسه، مشغول تحقیق فقه می باشم، (گرچه بیش از یکسال در مجمع اندیشه مشغول روایات معاد و دسته بندی آن از کتاب بحار الانوار بودم) که فعلاً یکی دو ماه است کارم در مجمع اندیشه تعطیل شده است. و فعلاً در دائرهٔ المعارف مشغول تدریس و تألیف مقالات عربی می باشم.

موسوی، فاضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید فاضل موسوی

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. به دلیل فرهنگ مذهبی خانواده علاقه به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص پدر بزرگوارم و رفت و آمد روحانیون بزرگوار به منزل ما و پیشنهاد آنها به من در جهت تحصیلات حوزوی در من انگیزه و علاقمندی فراوانی در جهت کسب علوم دینی ایجاد نمود. پس از پایان دوره ابتدایی و راهنمایی جهت ادامه تحصیل به استان گیلان شهر رشت هجرت کردم. در دبیرستان علوی که بوسیله یک روحانی اداره می شد؛ درسم را شروع کردم. سال دوم دبیرستان مصادف با اوج گیری خیزش انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بنده نیز همانند دیگر دانش آموزان در اولین راهپیماییها شرکت و در طول مبارزه ضد شاه به طور فعال اقدام کردم.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هنوز دانش آموز دبیرستان بودم. و در جهت دفاع از آرمان های دینی و ارزشهای اسلامی و انجام وظیفه شرعی، ابتدا کتابهای استاد مطهری، نوارهای جهان بینی و ... استاد مطهری را مطالعه و از آثار قلمی آیت الله سبحانی، حجت الاسلام قرائتی، آثار قلمی دکتر شهید بهشتی و ... که در کتابخانه های بزرگ رشت مثل کتابخانه ملی و کتابخانه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش آموزان که بنده معاون فرهنگی آن بودم؛ بهره های فراوانی بردم و در دفاع از آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی مقالاتی را نوشته و در جمع دانش آموزان قرائت می کردم. و در مناسبت ها به صورت بیانیه انجمن های اسلامی دانش آموزان پخش می گردید. در دوره دبیرستان با حجت الاسلام مصطفوی نماینده دوره هایی از مجلس، امام جمعه انزلی آشنا شدم.

بلافاصله بعد از اخذ دیپلم (سال ۶۰ – ۵۹) با مشورت و تایید و تشویق حجهٔالاسلام مصطفوی که در دوره دبیرستان با بنده و فعالیت

های علمی و مذهبی من آشنا بود؛ وارد حوزه علمیه رشت شدم. در همان سال های اولیه تحصیل حوزوی، جهت تدریس در دوره دبیرستان به صورت حق التدریس در دبیرستانها بعد از ظهری و شبانه به تدریس فرا خوانده شدم. در سال ۱۳۶۴ جهت رسیدن به مدارس بهتر و کسب بیشتر علم و دانش و تهذیب به شهر اراک هجرت کردم و در مدرسه خوب مهدیه زیر نظر «آیةالله خوانساری» به کسب علم مشغول گردیدم. در شهر اراک از محضر اساتیدی چون: «استاد فرجی»، «استاد آشتیانی» مفسر نمونه استفاده نمودم.

در همان یک سال که در اراک بودم؛ به قم رفت و آمد نموده در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. از مظهر اساتیدی چون: استاد طباطبائی در صرف و نحو و از استاد ظهیری در معانی و بیان و بدیع و در فقه از اساتیدی چون: استاد ناصری، استاد مدنی، استاد اشتهاردی، احمدی فقیه یزدی، استاد دوزدوزانی، و از اساتید مدرسه لبنانیها (در منتدی البنانیین) از کتابهای لمعه و مکاسب استفاده برده و سطح به پایان رسانده و خارج فقه را از محضر اساتیدی چون: استاد احمدی فقیه یزدی، استاد بمالیی خراسانی، استاد «آیةالله مکارم شیرازی» و «آیةالله سبحانی» استفاده بردم. و در مباحث اصول از محضر اساتیدی چون: «آیت الله سید احمد خاتمی» و «علی محمدی خراسانی» کتابهایی چون: معالم، اصول مظفر، رسائل و کفایه الاصول را استفاده بردم و در خارج اصول از محضر «آیة الله سبحانی» بهره مند شدم.

بیش از پنج سال در مرکز تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی در جهت سامان بخشی به امر تحقیقات مثل نمایه سازی، سامان دهی به آرشیو مطبوعات، شناسایی مراکز تحقیقاتی، کتابخانه های مهم ایران و شخصیت شناسی و در پایان بخش اندیشه سیاسی به مدت ۷۰۰۰ ساعت مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بودم. از سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش استخدام شدم و در مدارس و سپس در مراکز تربیت معلم مشغول به کار می باشم و اکنون از سال ۱۳۷۹عضو هیئت علمی مرکز تربیت معلم آیة الله طالقانی می باشم و در برگزاری همایش های علمی که از طرف مرکز تربیت معلم از جمله: همایش سال امام علی (ع) به عنوان هیئت نظارت بر تحقیقات نقش مؤثری داشتم.

چندین سال است که به عنوان عضو فعال بسیجی در گروههای علمی (گروه علمی مطالعات فرهنگی و قرآن و ...) بسیج اساتید استان قم فعالیت دارم و در تمامی فعالیتهای علمی، تحقیقی محوله در حد توانم ایفای نقش می نمایم. از خداوند توفیق روز افزون در جهت خدمت بیشتر خواهانم.

موسوی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد موسوی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد محمّد موسوی در سال ۱۳۳۳ در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در این شهر گذرانده، سپس حدود سال ۴۷ جهت تحصیل علوم دینی وارد مدرسهٔ مرحوم آیت الله گلپایگانی شدم. بخشی از دروس سطح را مثل ادبیات، منطق، معانی

بیان و مقداری از اصول فقه تا شرح لمعه را در آنجا به پایان رسانده و بخش دیگر از سطح را مانند: رسائل و مکاسب به طور آزاد نزد بعضی از اساتید محترم خواندم.

پس از آن در درس خارج فقه یا اصول تعدادی از آیات اعظام مانند: «تبریزی (ره)» و «حضرت آیت الله وحید خراسانی» شرکت نمودم، تا اینکه جریان انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رخ داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی (۷۰ – ۶۴) به عنوان امامت جمعه در استان کرمان اشتغال داشته و در سال ۱۳۷۰ شمسی مجدداً به قم آمدم و حدود دو سال اوراق امتحانات مرکز مدیریت حوزهٔ علمیه قم را تصحیح نموده و به کار تحقیق و تألیف در برخی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی پرداخته و تاکنون نیز اشتغال دارم.

موسوی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود موسوی

محل تولد : میبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۵۶ ـ ۵۵ تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریبا یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفا جرعه هایی از آن نوشیده است.

در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم درسال ۶۹ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال ۷۲ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب ایتن ژیلسون را انتخاب کردم

که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.

دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارتهای زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت ۴۵ روز بوده است.

درسال ۷۷ در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی انگلیسی ـ فارسی ؛ فارسی ـ انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موسوی، مصطفی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مصطفی موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت : موسوی اصفهانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین موسوی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان و در میان خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید اکبر هوایی از کسبهٔ اصفهان بود و به پارچه فروشی روزگار می‌گذرانید. او به دلیل علاقهٔ فراوان به روحانیت، فرزند خود را به رو آوردن به علوم دینی بسیار تشویق می‌کرد. حجةالاسلام و المسلمین موسوی پس از اینکه دبستان را به پایان رسانید، در چهارده سالگی، تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد. او که حدود سه سال درحوزه علمیه اصفهان درس می‌خواند، از مواهب معنوی «حاج آقا مصطفی بهشتی» بهره‌های بسیار می‌برد.

او در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم آمد تا از محضر استادان آن دیار بهره ببرد و در مدت کوتاهی دروس دورهٔ سطح را به پایان رسانید. سپس به درس خارج بزرگان آن روز حوزه علمیه قم رفت؛ البته در طی این سالها از علوم عقلی نیز غافل نماند و نیز در درس اخلاق استادان خود همواره حاضر بود. حجةالاسلام و المسلمین موسوی بخشی از دروس دورهٔ مقدمات را در اصفهان نزد آقا شیخ عبدالعلی عرب و حاج آقا مصطفی بهشتی گذراند. در قم، حاشیه ملاعبدالله را نزد حجةالاسلام و المسلمین «فاضل هرندی»، مختصرالمعانی را نزد «آیت‌الله صالحی»، معالم را نزد «آیةالله اشکوری»، قوانین را نزد «آیةالله سید اسدالله خراسانی» و لمعتین را نزد

«آیـةالله صـلواتی» و «مؤمن» بـه پایـان برد. او رسائـل را نزد «آیـةالله اعتمـادی» و مکـاسب را نزد حضـرات آیـات: «سـتوده، فاضـل و مظاهری» فرا گرفت. کفایه را نیز در محضر «آیةالله سلطانی طباطبایی» آموخت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح، به درس خارج فقه و اصول «آیةالله العظمی شیخ مرتضی حائری»، «آیةالله العظمی مکارم شیرازی»، «آیةالله العظمی گلپایگـانی»، «آیـةالله العظمی وحیـد خراسانی» و «آیـةالله العظمی شـیخ جواد تبریزی» رفت و سالها از محضـر آن بزرگواران بهره‌مند شد. از دوسـتان و هم مباحثه‌ای های او (حجةالاسـلام و المسـلمین شـهید حسن بهشتی، حجةالاسلام و المسلمین سید محمد تقی دیباجی و حجةالاسلام و المسلمین قرائتی) را می‌توان نام برد.

حجةالاسـلام و المسـلمین موسوی از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس اشتغال داشت و سالها در حوزه علمیه خواهران قم و نیز حـوزه علمیـه برادران به تـدریس دروس دورهٔ سـطح پرداخته و از این رهگـذر، شـاگردان بسـیاری را تربیت کرده است. او تقریرات دروس خارج اسـتادان خود را نگاشـته است. حجةالاسـلام و المسـلمین موسوی، همگام با نهضت اسـلامی امام (ره) خدمات سیاسی بسیاری بر جای نهاده است.

او در سالهای پیش از انقلاب به اطراف شـهر بهبهان مسافرت کرده و مردم آن نواحی را از مسائل سیاسـی و عقیدتی آگاه می‌ساخته است. همچنین در تحصـنی که علماء و طلاب اصـفهان در منزل «آیةالله خادمی اصـفهانی» به راه انداخته بودند، شرکت جدی داشته است. او پس از انقلاـب نیز مـدتی به همراه «آیـةالله محمـد مؤمن» در قوهٔ قضـائیه به رتق و فتق امور دادگاههـا اشـتغال داشـته است. حجةالاسـلام و المسلمین موسوی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در همدان به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

موسوی، میر محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

میر محمود موسوی

محل تولد : زاویه سفلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب میر محمـود موسوی فرزنـد میر علی اکـبر به سـال ۱۳۴۴ شمسـی در روسـتای «زاویه سـفلی» از توابع شهرسـتان «چالـدارن آذربایجـان غربی» به دنیـا آمـدم. تحصـیلات دوره ابتـدائی را در همـان محـل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرسـتان خوی و دبیرسـتان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شـیخ عبدالحسـین» تهران مقدمات و بخشـی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و

کفایهٔ الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمائی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضر حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (۲۸ – ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ – ۳۷) با همکاری حجهٔ الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

موسویان، ابوالفضل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالفضل موسویان

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سیّد ابوالفضل موسویان فرزند حسن در سال ۱۳۳۴ در شهر مقدّس مشهد دیده به جهان گشودم. پس از دوران ابتدائی، وارد حوزه شده و مقدّمات را از برخی از فضلای مشهد و عمدتا از مرحوم ابوی آموختم. مختصر المعانی را از استاد «حجت هاشمی»، معالم را از استاد «بنی هاشمی» و لمعتین را در محضر والد به پایان رساندم. سپس راهی قم شدم و رسائل را از محضر اساتید: «اعتمادی» و «دوزدوزانی»، مکاسب را از مرحوم استاد «ستوده» و کفایه را از استاد «سبحانی» استفاده کردم.

از اوائل سال ۱۳۵۲ درس خارج اصول و فقه را شروع کردم و از آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، و عمدتاً از «آیهٔ الله منتظری» بهره بردم. در کنار فقه و اصول، به فراگیری فلسفه نیز مشغول شدم و از اساتید بزرگوار «انصاری» و «جوادی آملی» استفاده کردم. منظومه و برخی از جلدهای اسفار را خواندم. سپس التمهید قیصری و فصوص الحکم را با استفاده از آیهٔ الله معرفت، اخلاق را از آیهٔ الله حسن زاده آملی فرا گرفتم.

اینجانب بعد از چند سال تحصیل، همانند دیگر حوزویان، درسهای پائین تر را به دیگران می آموختم. لذا از حوزه علمیّه مشهد تاکنون به تدریس اشتغال داشته ام. و دروس عمومی را در دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مفید تدریس کرده و می کنم. و اکنون عضو هیئت عملی دانشگاه مفید هستم. در کنار تدریس و تبلیغ، مکتوباتی نیز داشته ام ومقالاتی را در مجلات و روزنامه ها به

چاپ رسانده ام.

موسی زاده، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حافظ موسی زاده

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۲ در شهرستان خلخال (کوثر فعلی) در بخش سنجبد به دنیا آمدم. در آغوش خانواده، قرآن را فرا گرفتم. سپس تا سیکل اول دوره دبستان و دبیرستان را به پایان رساندم. تاریخ ۱۳۴۰ بود برای تحصیل علوم دینی به اردبیل رهسپار شدم و از آنجا سال ۱۳۴۳ شمسی به قم آمدم و مدت ۶ سال در دارالشفاء و فیضیه مشغول به فراگیری دروس حوزه گردیدم.

در سال ۱۳۴۹ خارج مدرسه ساکن شدم. در این مدت علاوه بر تحصیلات حوزوی از اساتید بزرگوار همچون آیات: اعتمادی، صلواتی، گرامی، انصاری، فاضل، تبریزی، سبحانی، سلطانی، مشکینی و دیگران (ادام الله فضلهم) مشغول تبلیغات در شهرها و روستاها شدم و مدت ۱۵ سال دانشگاه تهران و اصفهان رفتم و در عین حال در مراکز تحقیقاتی در مکتب امیرالمومنین ۳ سال و تحقیقات قضائی ۲ سال و مجمع فتر اسلامی ۸ سال مشغول تحقیقات شدم. از جمله: در کتب شیخ انصاری از جمله مکارج الانظار و شرح لمعه شهید ثانی و مراجعه به مصادر موسوعه المیرهٔ الوجههٔ از جلد ۴ الی ۷ (۴ جلد) شرکت داشتم و ... .

مولانا تبریزی، محمد

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۳ -۱۲۹۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در ۱۳۱۲ ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرابیانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در ۱۳۲۱ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدرایهٔ»؛

«مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۳۴۹، ۱۲۲، ۱۰۹، ۱۰۲/ ۲۱، ۱۷۱ –۱۷۰/ ۱۵، ۸۳/ ۳)، ریحانه (۲۸/ ۶)، علماء معاصرین (۱۹۳ –۱۹۱)، مستدرکات اعیان الشیعه (۲۳۳/ ۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۱ –۱۲۵۰/ ۳)، معجم المؤلفین (۱۹۱/ ۱۰).

مومن، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن در سال ۱۳۳۲ در قم و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و برادرش (حضرت آیهٔالله محمد مؤمن) از استادان حوزه علمیه قم بود. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن با به پایان رساندن دورهٔ دبستان، در خرداد ماه ۱۳۴۵، به حوزه علمیه قم وارد شد.

او جامع المقدمات را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین طباطبایی خواند. سیوطی را نزد حجهٔالاسلام و المسلمین شایسته گلپایگانی، مغنی را نزد آقای طالقانی، معالم را نزد «آیهٔالله مقتدایی» و مختصرالمعانی را نزد «آیهٔالله تهرانی» فرا گرفت. منطق را نزد حجهٔالاسلام والمسلمین امینیان، شرح لمعه را نزد حضرات آیات: «تهرانی، شب زنده‌دار، صلواتی، تقوی اشتهاردی، فاضلی اشتهاردی و ...» آموخت. برای آموختن رسائل به نزد «آیهٔالله طاهری» و برادرش (آیهٔالله مؤمن) رفت. ضمن اینکه بخشهایی از مکاسب و کفایه را نزد برادر خود می‌آموخت به درس مکاسب آیهٔالله ستوده و درس کفایه آیهٔالله سلطانی طباطبایی نیز می‌رفت.

با پایان یافتن دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «شیخ کاظم تبریزی»، «شیخ مرتضی حائری»، «سید محمد رضا گلپایگانی»، «حسینعلی منتظری»، «وحید خراسانی» و «محمد مؤمن» و ... رفت و از دروس ایشان بهره‌های بسیار اندوخت. او بخشی از اسفار را نزد «آیهٔالله امینی» آموخت و شرح تجرید را نزد «آیهٔالله حسینی کاشانی» فرا گرفت.

از دوستان و هم مباحثه‌های او می‌توان حجج اسلام رجبی، شب‌زنده‌دار و عندلیب را نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن از نخستین سالهای تحصیل به امر تدریس همت گماشت و تا به امروز بیشتر کتب دوره سطح را تدریس کرده و از این رهگذر، شاگردانی را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او به همراه برخی از استادان حوزه، به امر بررسی و تدوین میراث فقهی همت گماشته و در این زمینه، تحقیقات بسیاری را به انجام رسانده است. حجهٔالاسلام و المسلمین علی مؤمن از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و در آن مرکز مقدس، فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است

مومن، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مومن

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۶/۱۰/۲۳

زندگینامه علمی

آیـهٔالله محمد مؤمن، در روز پنج شـنبه، دهم ذی‌القعدهٔ سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر بـا ۲۳ دی ۱۳۱۶ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به خاندان مکرم پیامبر اسـلام (ص) در شـهر قم چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم حاج عباس مؤمن که فردی سرشـناس و مورد اعتمـاد مردم بود، با پیشـهٔ کشاورزی روزگار می‌گذرانـد و نزدیک به صـد سال زیست و سـرانجام در سال ۱۳۷۷ هجری شمسـی دار فانی را وداع گفت. مادر او نیز زنی پاکدامن و وارسـته بود که چهار سال پیش از پدرش یعنی در سال ۱۳۷۳ در گذشـته بود. پـدر و مادر ایشان نیز متولـد قم بوده‌انـد و تا آنجا که خود از آن اطلاع دارد، خانـدانش حـدود ۲۰۰ سـال است در قم سکونت دارند.

کودکی آیهٔالله مومن با تنگی معیشت خانواده همراه بوده، به گونه‌ای که ایشان را برای آینده‌ای پر از جهاد و مبارزه آماده می‌ساخته است. تحصـیلات خود را در هفت سالگی آغاز نمود و در مکتب خانه‌ای واقع در محلهٔ «باغ پنبه» قم، به فراگیری قرآن مشـغول شـد پس از آن به مکتب دیگری رفته در آنجا کتاب «نصاب الصبیان» و برخی از کتب دیگر را آموخت. پس از مـدتی با سـفارش برخی به پدر ایشان و موافقت پدر، تحصـیلات خود را در مدارس اسـلامی، ملی آن زمان، به تحصـیل علوم دبستانی اشتغال پیدا کرد و در مدت دو سال تا کلاس شـشم ابتدائی تحصـیل کرد. بعد از آن سال اول دبیرستان را خواند اما به دلیل کم بودن سن قانونی نتوانست در آزمون پایان سال شرکت کند.

در سال ۱۳۳۲ به تحصـیل علوم دینی روی آورد و طی دو سال، ادبیات عرب، بخش بسیاری از «مطوّل» و همه «معالم الاصول» را فرا گرفت و هـم زمـان، بـه دلیـل تنگی معیشت خـانواده، بـه آموزگـاری نیز می‌پرداخـت. پس از آن، بـا توسـل بـه حضــرت علی بن موسـی‌الرضا (ع) و امام عصـر (عج) توانست رضایت پدر خود را جلب نماید و صـرفاً به تحصیل علوم دینی بپردازد. «شـرح لمعه» و «قوانین الاصول» را در طی یک سال فرا گرفت و «مکاسب» و «رسائل» شـیخ انصاری را پس از دو سال به اتمام رساند و در شـشـمین سال تحصـیل، جلد اول «کفایه» را آموخت و در درس خارج اصول و فقه شـرکت جُست. هم زمان با تحصیلات فقهی و اصولی، به تحصیل حکمت الهی و فلسفه نیز می‌پرداخت و «شرح منظومه» سبزواری و «الهیات شفا» و بخش عمده «اسفار» را فرا می‌گرفت.

در اواخر سال ۱۳۴۲ برای تحصـیل، عازم نجف اشـرف شد و به مدت شش ماه از محضر استادان حوزه علمیه بهره‌های فراوان برد و سپس به ایران بـازگشت و تا سال ۱۳۵۳ به تحصـیل خود ادامه داد. حضـرت آیت‌الله مؤمن در دوران تحصیل خود از محضر استادان برجسـته‌ای بهره برده است؛ از جمله شـرح منطق حاجی سبزواری را نزد «حاج شیخ محمد واعظ زاده» و مکاسب شیخ انصاری را نزد «آیت الله مشـکینی»، «آیت الله شـاه آبـادی»، «شـیخ ابوالفضـل خوانسـاری» و دیگر اساتیـد آن زمان فرا گرفت. همچنین رسائل شیخ

انصاری را نزد «آیةالله حاج شیخ محمد شاه آبادی» و جلد اول کفایة الاصول را نزد مرحوم «آیةالله سلطانی» و مقداری از جلد دوم آن را نزد مرحوم «آیةالله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی» فرا گرفت.

وی در درس اصول حضرت امام خمینی (ره) شرکت نمود و چند ماهی نیز در درس فقه «آیةالله بروجردی» حاضر شد و سپس به درس خارج فقه امام (ره) که درباره «مکاسب محرمه و بیع» بود، رفت و پایه‌های استنباط فقهی خود را نزد آن بزرگوار مستحکم کرد. پس از تبعید امام (ره) در سال ۱۳۴۲، به درس فقه و اصول «آیة الله محقق داماد» رفت و پس از آن مرحوم، از درس خارج فقه «آیةالله حاج آقا مرتضی حائری» بهره برد. استاد او در «فلسفه» و «شرح منظومه» سبزواری، مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) بود و بعد از آن برای تحصیل الهیات «شفا» و «اسفار» به درس «علامه سید محمد حسین طباطبایی» (ره) رفت و سالها به حضور در درس تفسیر ایشان نیز توفیق یافت.

ایشان عمده استادان خود را در حوزه: مرحوم امام، مرحوم محقق داماد و مرحوم شیخ مرتضی حائری می‌داند و در باره آنها می‌گوید: «این سه بزرگوار، صرف بازگو کردن در نظرشان نبود؛ بلکه تحقیقی بحث می‌کردند؛ مخصوصاً امام که وقتی مسأله‌ای را می‌خواست طرح بکند، مانند این بود که اصلاً خودش می‌خواهد این مسأله را عنوان کند. با کمال دقت مطرح می‌کردند و حرفهای علمای دیگر را مطرح می‌کردند و نقض و ابرام می‌کردند و طلبه را اجتهادی بار می‌آوردند».

از هم مباحثه‌ای های آیةالله مؤمن، می‌توان از «آیةالله حاج میرزا ابوالحسن مصلحی اراکی» (فرزند آیةالله اراکی)، «آیةالله طاهری خرم آبادی»، «آیةالله حاج سید محمد حسینی کاشانی»، «مرحوم ربانی املشی»، «شهید حیدری نهاوندی» و «استاد حاج شیخ حسن تهرانی» نام برد. همچنین شاگردان بسیاری از محضر ایشان، کسب فیض نموده‌اند که در بین آنها، می‌توان از «دکتر حسن روحانی»: دبیر شورای امنیت ملی، «حجةالاسلام و المسلمین فیاضی»، «حجةالاسلام و المسلمین ناظم زاده»، «حجةالاسلام و المسلمین برهانی» و «حجةالاسلام و المسلمین اختری»: سفیر ایران در سوریه نام برد. اینان برخی از شاگردان وی بوده که در مباحث سطح عالی از تدریس وی بهره بردند. همچنین در درس خارج اصول و فقه ایشان، فضلای متعددی شرکت کرده‌اند که عده‌ای از آنها هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و سطوح عالی حوزه اشتغال دارند.

زندگی آیةالله محمد مؤمن با تلاشهای علمی و فرهنگی فراوانی همراه است. ایشان در طی سالهای متمادی به تربیت طلاب جوان همت گماشته است و در این میان، شاگردان ممتازی را به جامعهٔ علمی و سیاسی کشور تقدیم داشته است. ایشان پس از فراگیری یک دورهٔ کامل اصول، به تدریس چند دوره «رسائل» شیخ انصاری، مقداری از «مکاسب» و «شرح تجرید الاعتقاد»، «بدایةالحکمه» و «نهایةالحکمه» و بخشی از «اسفار و عرشیه» نائل آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی و کم شدن حجم مسؤولیتها، در سال ۱۳۶۲ به تدریس درس خارج اصول پرداخت که هم اکنون به تدریس دورهٔ سوم آن اشتغال دارد. تدریس بحث معاملات «تحریرالوسیله» حضرت امام خمینی(ره)، کتاب قضا و شهادات و عمدهٔ حدود و مسائل مستحدثه در قالب درس خارج فقه از دیگر برنامه‌های درسی ایشان برای پرورش طلاب جوان و طالب اجتهاد بوده است ایشان هم اینک به تدریس مبحث حکومت اسلامی نیز مشغول است. از آیةالله مؤمن، آثار فراوانی در مطبوعات به چاپ رسیده است. همچنین ایشان در زمینه علوم اسلامی کتب شایان توجهی به جامعه علمی کشور تقدیم نموده است؛ از دیگر فعالیتهای علمی و فرهنگی ایشان می‌توان از تدوین و تنظیم آیین نامه‌های داخلی شورای مدیریت حوزه علمیه قم یاد کرد که در دوره تصدی ایشان انجام گرفت و هم اکنون با همت مسؤولان آن مرکز سیر تکاملی خویش را می‌پیماید.

دفتر زندگانی آیةالله محمد مومن، پیش و پس از انقلاب، سرشار از مبارزه و هدایتهای سیاسی است. در حدود سال ۱۳۴۳ در مجلس آن روز، لایحهٔ کاپیتولاسیون مطرح شد. به دنبال این قضیه، امام خمینی (ره) در نطقهای آتشین خود، ضمن محکوم کردن این مسأله، همهٔ مسلمانان و علمای اسلام را به مبارزه با آن دعوت کردند. رژیم شاه که از افشاگریهای امام خمینی (ره) می‌هراسید؛

ایشان را دستگیر و پس از دو ماه آن بزرگوار را در منزلی در قیطریه تهران محصور و ممنوع الملاقات می کند. در اواخر سال ۱۳۴۲ به قصد زیارت عتبات عالیات و حضور در درس خارج علماء نجف اشرف به عراق مشرف شد و نزدیک ۶ ماه این سفر به طول انجامید. پس از آن در مرداد ماه ۱۳۴۳ به ایران مراجعت می کردند.

به دنبال دستگیری مجدد حضرت امام (ره) و تبعید به ترکیه، آیت الله مؤمن به عنوان سفر زیارتی قصد تشرف به نجف اشرف را داشت که مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری از ایشان خواست تا پیامی را به «آیهٔالله سید محسن حکیم» ابلاغ نماید. قرار بود آیهٔالله مؤمن این پیام را از طریق امام موسی صدر (ره) یا حاج شیخ نصرالله خلخالی (ره) به سمع آیت‌الله حکیم برساند. پیام این بود که هم اکنون، حاج آقا روح‌الله (حضرت امام خمینی) در صف مراجع تقلیدند و دستگیری و تبعید ایشان، در واقع، توهین به مرجعیت شیعه خواهد بود. از این رو، لازم است آیهٔالله سید محسن حکیم، نسبت به این مسأله واکنش نشان داده، خواستار بازگشت ایشان و رفع تبعید معظم له شوند.

از فعالیتهای دیگر که در کارنامهٔ مبارزاتی آیهٔالله مؤمن می‌درخشد، رساندن مفاد نامهٔ تعدادی از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، مبنی بر اعلام مرجعیت امام خمینی (ره) به دست امام خمینی (ره) بود. مفاد این نامه را آیهٔالله مومن، در نجف اشرف به محضر امام (ره) تقدیم نمود. امام خمینی (ره) که همیشه از قبول مرجعیت و عناوینی این گونه سرباز می‌زد، ابتدا بدان اعتراض می کند. آیهٔالله مومن با بیان وضعیت حساس آن دوره، جنبه‌های سیاسی و مبارزاتی این تصمیم را خدمت امام (ره) عرض می‌نماید و به ایشان عرض می کند: «علت تصمیم اعضاء جامعه مدرسین مبنی بر اعلام مرجعیت این است که آنها تنها حضرتعالی را برای مقابله با رژیم فاسد شاه صالح می‌دانند؛ از این رو وظیفه خود دانستند تا حضرتعالی را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنند. بدین گونه امام (ره) در برابر این اعلام مرجعیت، سکوت می‌فرماید.

حضور ایشان در جلسات جامعه مدرسین، در پیش از انقلاب، و پی گیری مصوبات و بیانیه‌های آن از فعالیتهای درخشان ایشان است که سرانجام به دستگیری و تبعید ایشان در سال ۱۳۵۳ منجر شد. ایشان به سه سال اقامت اجباری در شهداد کرمان محکوم شد که پس از گذراندن هفت یا هشت ماه اقامت در شهداد، بقیه مدت را در تویسرکان به تبعید گذراند اما تبعید ایشان باعث نشد که افشاگریها و مبارزات سیاسی ایشان پایان یابد؛ بلکه در آنجا نیز با بیان احکام اسلامی و در لابلای آن، مسائل مهم انقلاب، ماهیت رژیم شاه را برای مردم آشکار می کردند و آنها را به تقلید و پیروی از مرجعیت شیعه، به ویژه امام خمینی (ره)، که در آن زمان پرچمدار مبارزه بود، دعوت می کردند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، فعالیتهای آیهٔالله مؤمن در قالب مسؤولیتهای اجرایی و روشنگریهای درسی و اخلاقی ادامه یافت. آیهٔالله مؤمن هم اکنون به تدریس در حوزهٔ علمیه قم اشتغال دارد و در مکتب اجتهاد و فقهاهت، شاگردان مفیدی را به عالم اسلام تقدیم می دارد.

مومنی، ستار

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ستار مومنی

محل تولد : مرند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۸ وارد حوزه علمیه خوی شدم. در مدرسه ای به نام مدرسه نمازی مشغول تحصیل گردیدم. مدتی در محل فوق الذکر ادامه تحصیل دادم. مقدمات را در آن مدرسه به اتمام رساندم. پس از آن زمان کم به مدرسهٔ «طالبیه» واقع در شهرستان تبریز هجرت نمودم و در مدرسه طالبیه مشغول شدم. باز به حوزه علمیه خوی برگشتم و کتابهای لمعتین، معالم و حاشیه را خواندم و در ضمن در همان مدرسه یکی از استادان حوزه خوی معرفی شدم و مشغول تدریس.

مهدوی، رضاعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضاعلی مهدوی

محل تولد : دامنه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات مقطع ابتدایی و راهنمایی را در شهر «دامنه» گذراندم و در مقطع راهنمایی از محصلین ممتاز منطقه شناخته شدم. بعد از ورود به دبیرستان نگاهم به خویشتن خویش و جهان اطرافم دگرگون شد و گویا می شنیدم که هاتفی از درونم فریاد می زند که جهان طبیعت با تمام وسعتش حتی برای یک لحظه تو را اکتفا نمی کند و همچنین افکار مرا دنبال حقایق یا حقیقتی می کشاند که نتیجه اش هجرت به شهر مقدس قم شد.

اول سال تحصیلی ۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۸ برای تحصیل علوم دینی وارد شهر مقدس قم شدم اما به جهت مسائل انقلاب و تعطیلی مدارس حوزه علمیه قم و عدم آشنایی با امکانات و نحوه های تحصیل در حوزه علمیه قم، حدود دو سه سال توفیق چندانی در تحصیل نداشتم و بعد از مدت کوتاهی که در مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودم؛ درس هایم را به طور جدی به صورت آزاد شروع کردم.

حدود پنج یا شش سال درس های سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون آقایان: «جزائری»، «محامی»، «دوست محمدی خراسانی»، «موسوی»، «صلواتی»، «اعتمادی»، «ستوده»، «صفایی»، «شیخ علی مومن» و بیش از همه استاد معزز جناب آقای «علی رضا اسلامیان (ادام الله ظلهم)» به اتمام رساندم.

سپس درس خارج اصول را یکی دو سال در محضر «آیت الله العظمی فاضل لنکرانی» و بعد از آن درس اصول را در محضر «آیت الله العظمی وحید خراسانی» و درس فقه را در محضر «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» تا الان بهره مند شده ام.

مهدوی، مجید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مجید مهدوی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید مهدوی فرزند حسن متولد ۱۳۴۸ صادره از تهران تحصیلات ابتدائی خود را از تهران شروع و دوران راهنمائی و دبیرستان را در اصفهان ادامه دادم. در سال دوم دبیرستان موفق به حضور در کردستان در بسیج دانش آموزی سنندج تحت گروه هجرت دانش آموزی شدم که در آنجا به کارهای فرهنگی و علمی در بین دانش آموزان سنی در سنندج می پرداختم که در حدود ۲ سال این برنامه ادامه داشت و بعد از آن توفیق حضور در جبهه های جنوب را در مدت کوتاهی پیدا کردم و در این اثناء موفق به دریافت دیپلم شدم.

پس از آن در سال ۶۸ به توفیق الهی و بدون آنکه آشنایی قبلی نسبت به حوزه علمیه داشته باشم و یا حتی کسی مشوق بنده باشد؛ به صورت بسیار غیر منتظره که البته معتقدم به واسطه عنایات ویژه بود؛ وارد حوزه علیمه اصفهان در مدرسه علمیه ذوالفقار شدم. مقدمات و سطح خود را نزد اساتید بزرگواری همچون: «حاج آقا صادقی»، «بهرمن»، «کشکولی»، «مهدوی»، و استاد بسیار عزیز و بزرگوار و کم نظیر خویش جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین «آقای سید محمد فقیه ایمانی (دام عزه): که قریب هفت ۷ سال درس مختلفی از قبیل مطول، منطق، بخشهایی از لمعه، اصول فقه، رسائل و مکاسب را نزد وی تلمذ کرده و بهره فراوانی از حضور در محضر نورانی ایشان که حقیقتا هم علم بود و هم اخلاقی» به صورت مستمر بردم که خداوند انشاء الله بر بقاء عمر باعزت و سلامتی وی بیافزاید و همچنین استاد عزیز و نورانی دیگری که انصافا از اعجوبه های نهان است جناب «آیهٔ الله محزونیه (دام عزه)» بخشهای مهم کفایه را به ضمیر کتاب اخلاقی تهذیب الاخلاق ابن مسکویهٔ در طول بیش از ۲ سال تلمذ نمودم و بسیار زیبنده است که از استاد دیگر خودم در لمعه «حضرت آیهٔالله عبودیت (زید عزه العالی)» نیز یادی کنم که هم مجسمه اخلاق بود و هم مملو از معارف و علوم که خداوند به همگی ایشان سلامتی روز افزون عنایت نماید.

در مدت زمان شروع به تحصیل یعنی از سال ۶۸ تا ۷۳ به مدت ۵ سال چنان مشغول به درس و مباحثه بودم که به هیچ چیز و هیچ کس فکر نمی کردم حتی از ضوابط و قوانین حوزه هم بی اطلاع بودم که مدتها بعد یکی از دوستان بسیار نزدیک به بنده گفتند که آیا معافیت از تحصیل را گرفته ای؟! که در پاسخ گفتم مگر معافیت تحصیلی هم وجود دارد. این در حالی بود که سه از حضور من در حوزه علمیه گذشته بود؛ به صورت شبانه روزی بدون وقفه مشغول به تحصیل در دروس حوزوی بودم و روزانه حداقل ۸ کلاس را شرکت می کردم به ضمیمه مباحثات، آن چنانکه در طول ۵ سال موفق به اتمام کفایه شدم و از سال ۷۴ وارد درس خارج شدم و در این مدت علاوه بر تحصیل از سال ۷۰ عملا وارد عرصه تدیس نیز شدم که خوشبختانه به لطف خدای متعال و توجهات

خاصه اولیاء دین خاصه بقیهٔ الله الاعظم تا این زمان نیز ادامه دارد یعنی نزدیک به ۱۶ سال است و خودم در حال تدریس می باشم. لازم به ذکر است که در این مدت ۵ سال از مقدمات تا پایان سطح علاوه بر شرکت در کلاسهای رسمی حوزه و سپری کردن دروس متعارف در آن و مباحثه جدی آنها دروس دیگری که در حوزه از رونق افتاده همچون مطول و معالم الاصول و حاشیه ملاعبدالله و ... را نیز در محضر اساتید بزرگوارم از ابتدا تا انتها خواندم. حتی به یاد دارم که مطول را در طول ۴ سال در محضر «آیهٔ الله فقیه ایمانی (دام عزه)» خواندم و بعد از آن دو دوره تدریس آن را داشتم و شرحی نیز بر آن نوشته ام.

از سال ۷۴ تا ۸۲ در درس خارج «حضرت آیهٔالله مظاهری (دام عزه)» اعم از فقه و اصول به صورت مدام شرکت کرده که محصول آن تقریرات درس معظم له است که به صورت مکتوب وجود دارد و همچنین در این زمانها در درس درایهٔ «حضرت آیهٔالله مجلیسی (دام عزه)» و درس جواهر «آیهٔالله سید حسن فقهی امانی (دام عزه)» و ... نیز شرکت کرده و بهره های علمی فراوانی بردم.

از همان سال ۷۴ بود که رسما در ادامه تدریس در سطوح پایین حوزه شروع به تدریس در دروس رسائل و مکاسب نمودم که تا این زمان نیز ادامه دارد: «منطق بیش از ۱۰ بار»، «لمعه بیش از ۶ بار»، «اصول فقه بیش از ۵ سال»، «بدایهٔالمعارف بیش از ۷ بار»، «رسائل بیش از ۴ بار»، «مکاسب بیش از ۴ بار»، «کفایه بیش از ۳ بار».

از سال ۸۳ به پیشنهاد ریاست محترم حوزه و حکم معظم له «حضرت آیهٔالله مظاهری (دام عزه)» مدیریت «مدرسه علمیه جده بزرگ»: که از مدارس قدیمی این استان می باشد؛ به بنده واگذار شد که تا این زمان ادامه دارد. در سال ۸۶ مجددا به حکم ریاست محترم حوزه و به پیشنهاد مدیر اجرائی حوزه علیمه اصفهان: «حضرت آیهٔالله طباطبایی (دام عزه)»، معاونت آموزشی مرکز مدیریت حوزه علیمه اصفهان نیز به مسئولیتها افزوده شد که مدت ۸ ماه در این بخش توفیق انجام وظیفه پیدا کردم. از سال ۸۴ نیز مدیر گروه کلام در رشته تخصصی حوزه علمیه اصفهان در سطح ۲ به اینجانب محول گردید و از سال ۸۵ علاوه بر مدیر گروه سطح ۲ کلام، مدیریت گروه سطح ۳ کلام نیز به آن افزوده شد که تا حال حاضر ادامه دارد.

مهدی پور، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر مهدی پور

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر مهدی پور در روز سه شنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۶۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۲۴ هجری شمسی در محله «باغشیمه تبریز» زادگاه «آیت الله ابوالقاسم کوکبی» از مراجع قم به دنیا آمدم. آغاز به تحصیل ۱۳۳۱ شمسی دبستان ممتاز تا کلاس چهارم ابتدایی، آغاز به تحصیلات حوزوی ۱۳۳۱ شمسی در نزد آموزگار خود «مرحوم حاج ابوالقاسم دهخدا»: گلستان، نصاب و خلاصه الصرف. ترک تحصیل مدرسه دولتی و ادامه تحصیلات حوزوی ۱۳۳۵ هجری شمسی.

اساتیـد سـطوح عالیه در قم، «آیت الله حاج شـیخ جعفر سـبحانی»، «شـهید مفتح»، «آیت الله میرزا یدالله دوزدوزانی»، «آیت الله شـهید مطهری»، «مرحوم آیت الله پایانی»، «آیت الله حاج شـیخ جعفر سبحانی»، «مرحوم آیت الله میبدی کرمانشاهی»، «مرحوم آیت الله سید جواد خطیبی تبریزی»، «آیت الله مکارم شـیرازی»، «مرحوم آیت الله سـید کاظم شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «مرحوم آیت الله حاج سید محمد روحانی»، «آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی»، «مرحـوم آیـت الله سـید حسـن الهی»: (برادر علامـه طباطبـایی)، «مرحـوم آیـت الله سـید مرتضـی شـبستری»: (برادر مرحـوم آیـت الله وحیدی)، «مرحوم آیت الله سید صادق شریعتمداری»، «مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی» و ... .

بر اساس دعوت شـیعیان اسـتانبولی برای تصدی امور شیعیان آن زمان رمضان ۱۳۹۵ هجری قمری برابر بـا ۲۴ شهریور ۱۳۵۴ هجری شمسـی از طرف حوزه علمیه قم راهی اسـتانبول شده، به مدت ۵ سـال تمـام در آنجا اقامت نموده، به اقامه نماز جمعه و جماعت در مسـجد ایرانیان مقیم اسـتانبول واقع در محله «چاکما کچیلار» در سـرای بیوک والده خان که بیش از ۲۰۰ سال سابقه دارد و همواره یک روحانی ایرانی با اطلاع دولتین از حوزه علمیه قم در آن جا انجام وظیفه می کرد؛ پرداختم.

با توجه آشنایی با قلم و ضرورت خدمات فرهنگی و آزادی بیش از حد مطبوعات در آن زمان، به تاسیس انتشارات زمان پرداخته و در حـدود ۶۰ مجلـد کتـاب، جزوه، بروشور به زبان ترکی منتشـر نمودم. در طول اقامت در اسـتانبول با ۸۴ روزنـامه و مجله مصاحبه مطبوعـاتی انجـام دادم. در این مصاحبه ها به معرفی نکات برجسـته تفکر شـیعی توجه می دادم و گروه بسـیاری از روشـنفکران اهل سنت را با معارف شیعی آشنا و جذب نمودم که هرگز در مسجد دیگری به جمعه و جماعت حاضر نمی شدند.

علاوه بر اسـتانبول به دهها شـهر دیگر برای سـخنرانی و کنفرانس دعوت می شـدم و منحصـرا روزهای یکشـنبه به این دعوتها پاسـخ مثبت می دادم که روز تعطیـل رسـمی و کثرت شـرکت کننـدگان در مساجـد و مجالس بود که به تعـدادی از این شـهرها اشاره می شود: «اولو جامع»: در شـهر بورسا که تعداد شـرکت کننده ها را روزنامه ها ۴۰۰۰۰ نفر ذکر کردند. «مسـجد امام جعفر صادق (علیه السـلام)» در ازمیر که مکرر انجـام شـد. بزرگترین سـینمای «تورگوتلو» که به جهت ازدحـام بیش از حـد و عـدم گنجایش مساجـد، بزرگترین سینمای شهر را اجاره کرده بودند. «مسجد بزرگ ازمیت»، «آق شهیر»، «ادرنه» و ...

مهدی پور، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود مهدی پور

محل تولد : طبس

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در یکی از روسـتاهای شهرسـتان طبس پا به عرصه عالم گذاشـتم و شـش کلاس ابتـدایی را گذرانـدم. کودکی حدود چهارده ساله بـودم که ادبیـات عرب را در مشـهد مقـدس حـدود سـال ۴۶ ش آغـاز کردم، از محضـر اساتیـدی همچون: «اسـتاد حجت هاشـمی

خراسانی»، «مهاجریان طبسی» و «مرحوم غضنفری» و سپس در مدرسه «مرحوم آیت الله میلانی» از استادان گوناگون: «بنی هاشمی»، «ایمانی» و «مدرس غروی» تا حدی فرا گرفتم.

در حدود مغنی و معالم بودم که به قم هجرت کردم و در مدرسه حقانی پذیرش شدم. دروس دبیرستان را همراه دروس حوزوی در قم ادامه دادم و از مدرسه حکیم نظامی (امام صادق کنونی) دیپلم ادبی گرفتم. در مدرسه حقانی از محضر آیات و بزرگان: «شهید قدوسی»، «آیت الله جنتی»، «سید حسن طاهری خرم آبادی»، «آیت الله محمد مؤمن قمی»، «شیخ یوسف صانعی» و «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم. برنامه درسی مدرسه را تا یک سال درس خارج در همان مدرسه ادامه دادم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در بندر عباس مسئول دفتر شهید حقانی بودم. در تأسیس مدرسه مسجد سلیمان با جناب آقای سید حسن ربانی و مرحوم محمدی نجات همکاری داشتم. از سال ۶۱ در حوزه قم درس را ادامه دادم و تا سال ۶۵ یکسره به تحصیل مشغول بودم. در درس «آقای منتظری، آشیخ جواد تبریزی، آیت الله مؤمن قمی، اندکی درس آقای وحید خراسانی و آیت الله فاضل لنکرانی» شرکت کردم. همچنین مدتی در درس «آیت الله صانعی» حضور یافته و استفاده کردم. زندگی معنوی حقیر مدیون اخلاص و جهاد «حضرت آیت الله جنتی» است و در تفسیر قرآن از محضر «آیت الله مصباح یزدی» بهره مند شدم.

تاریخ اسلام، حکومت اسلامی، روشهای تدریس، تحقیق و تبلیغ را در مدارس گوناگون به ویژه مدارس مرکز جهانی علوم اسلامی تدریس کرده ام. معارف اسلامی ۱ و ۲، متون و ریشه های انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام را هم در برخی مدارس دانشگاهی در سالهای ۶۲ الی سال ۶۴ درس گفته ام. علاقه ام بیشتر به تاریخ و سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمینه مباحث اخلاق و مدیریت هم آثار مختصری دارم.

حقیر بیش از پژوهش شخصی به مدیریت پژوهشی اشتغال داشتم که در سری «چهل حدیثهای سازمان تبلیغات اسلامی سری دیدار با ابرار، دیار ابرار، دولت ابرار، گلشن ابرار، ستارگان حرم و طلایه داران تقریب» هدایت و نظارت کار با بنده بوده است و امیدوارم خداوند به لطفش کار را بپذیرد و توفیق خدمت به همه عنایت فرماید و کمبودها را جبران و لغزش ها را غفو کند.

مهدی زاده، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین مهدی زاده

محل تولد : فارسیان گنبدکاووس

شهرت : مهدی زاده

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ (ه . ش) پس از اخذ دیپلم تجربی به دلیل علاقه فراوان به علوم دینی بدون اینکه منتظر شرکت در کنکور باشم وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیل در مرحله مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه منتظریه (حقانی) آغاز نمودم و درس های مقدماتی حوزوی مثل: صرف، نحو، معانی، بیان، منطق و ... را فرا گرفتم.

تحصیل در مرحله سطح دروس حوزوی را در مدرسه شهیدین با مدیریت توانا و با تجربه جناب استاد سید محمد رضا طباطبایی

(حفظه الله تعالی) ادامه دادم. اسامی برخی از دروس مرحله سطح به همراه نام استادانی که این دروس را نزد آنان فرا گرفته ام عبارتند از: کتاب شرح لمعه استادان: «شب زنده دار»، «اشتهاردی»، «مؤمن» و «طباطبایی». اصول (برخی حلقات شهید صدر ره) استادان: «شب زنده دار» و «اسلامیان». رسائل شیخ انصاری استادان: «اعتمادی» و «استادی». کفایهٔ الاصول استادان: «ستوده» و «گنجی». مکاسب شیخ انصاری استادان: «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «طبسی» و «مروجی».

مجموعه تحصیلات بنده در دو مرحله مقدماتی و سطح تقریباً تا سال ۱۳۷۰ (ه . ش) طول کشید و از سال ۱۳۷۰ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت نمودم که اسامی برخی از دروس به همراه نام بعضی استادان این دروس عبارتند از:

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه «آیت الله خرازی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «عندلیب همدانی».

•بخشی از درس خارج اصول فقه استاد «لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (خمس) «آیت الله سید کاظم حسینی حائری».

•بخشی از درس خارج فقه (بیع) «آیت الله وحید خراسانی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجاره، صوم و مکاسب محرمه) «آیت الله جوادی آملی».

•بخشی از درس خارج فقه (اجتهاد و تقلید) استاد «صادق لاریجانی».

•بخشی از درس خارج فقه (قضاء) استاد «لاریجانی».

علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، در سال های۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در برنامه تحقیق فقهی مدرسه شهیدین که با نظارت و راهنمایی های «آیت الله خرازی» و «آیت الله استادی» برگزار می شد؛ شرکت کردم. در برنامه یاد شده که کمتر از دو سال طول کشید، بنده موفق به نگارش حدود ۱۰ مقاله علمی، فقهی در موضوعات مختلف شدم.

همچنین به دلیل گستردگی علوم دینی و به خاطر ضرورت آشنایی با برخی از علوم دیگر حوزوی (غیر از فقه واصول) در دروس دیگر حوزه نیز شرکت کرده ام که اسامی برخی از آنها به همراه نام استادان آنها عبارتند از: درس اسفار «آیت الله جوادی آملی»، درس درایه و رجال «مرحوم آیت الله ابوطالب تجلیل»، درس اخلاق استادان «مرحوم آیت الله احمدی میانجی»، «مرحوم آیت الله بهاء الدینی»، «آیت الله شب زنده دار»، «آیت الله مصباح»، «آیت الله مظاهری» و «آیت الله محفوظی».

در کنار درسهای حوزوی به دلیل علاقه به مباحث اخلاقی و تربیتی، در مقطع کارشناسی ارشد رشته «علوم تربیتی» موسسه امام خمینی نیز تحصیل نمودم تا اینکه در آخر دوره در سال ۱۳۷۷ از پایان نامه خود با محوریت «روایت تربیتی هشام بن حکم از امام موسی کاظم (علیه اسلام)» دفاع نمودم که در سال ۱۳۸۳ با عنوان «آیین عقل ورزی» چاپ شد.

مهرگان مسعودی، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا مهرگان مسعودی

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم به حوزه علمیه رشت وارد شدم و دروس پایه و سطح را در این شهرستان تحت اشراف استاد بزرگوار «آیت الله سید مجتبی رودباری» که خود از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله خوئی (ره) بودند؛ با شاگردی در محضرشان به اتمام رساندم. در سال ۱۳۶۹ پس از قبولی در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم، توفیق ورود به این حوزه مبارك و حضور در جوار حضرت معصومه (س) را پیدا کردم.

ادامه دروس سطح را در خدمت برخی از عزیزان دانشمند و روحانی این شهر مقدس بودیم و سپس از سال ۷۴ در درس‌های خارج فقه و اصول بزرگانی چون: «آیت الله ناصر مکارم شیرازی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله جعفر سبحانی» و «آیت الله میرزا محمد حسن فقیه یزدی» شرکت یافته و از محضر این عزیزان استفاده کردم. علومی چون فلسفه، کلام و عرفان نظری را نیز به طور پراکنده از محضر علمای قم بهره‌مند گردیدم. اشتیاق به آشنایی بیشتر با قرآن کریم و معارف مربوط به علوم قرآنی سبب گردید تا در حال حاضر بیشتر مطالعه‌ام در مسیر علوم قرآنی و حدیث باشد

مهری، سید عباس

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آیت اللّه سید عباس مُهری در سال ۱۲۹۴ ش (۱۳۳۳ق) در شهر مُهر واقع در استان فارس به دنیا آمد و پس از طی دروس مقدمات در زادگاهش، راهی نجف اشرف شد. وی در نجف از محضر عالمانی همچون سید محمود شاهرودی، سید محمدباقرمحلاتی و سید محمدتقی بحرالعلوم استفاده کرد و بنا به اصرار جمعی از مؤمنان، برای تبلیغ دین و ارشاد مردم به کویت رفت. آیت‌اللّه مهری در طول سالیان اقامت در کویت و در جریان نهضت اسلامی مردم به رهبری امام خمینی، با برپایی مجالس سخنرانی به مناسبت‌های گوناگون و با ارسال نامه و تلگراف به محضر علما و مراجع و با پخش اعلامیه، پیام و نوار سخنان حضرت امام و دیگر بزرگان، لحظه‌ای از قیام و فعالیت باز نایستاد و علیه جور شورید. در این میان، سفارت ایران در کویت، فعالیت گسترده‌ای علیه ایشان شروع کرد و مردم را با تهدید و تطمیع و با پخش شایعه‌های گوناگون، وادار به دوری جستن از او و مسجد و مجلسش می‌نمود؛ این در حالی بود که بارها ایشان را تهدید به ترور می‌کردند. آیت‌اللّه مهری اولین مؤید امام از علمای خارج از کشور بود که پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲، تلگراف تند و آتشینی به محمدرضا پهلوی فرستاد که با این عمل، وی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، ممنوع الورود به ایران شد. منزل او در کویت علاوه بر این که به عنوان کانون تبادل نظر درباره شیوه‌های مبارزه با رژیم ستمشاهی بود، به عنوان واسطه‌ای بین امام در نجف اشرف و پیروان ایشان در ایران، اروپا و سایر نقاط عمل می‌کرد. وی از زمان آشنایی با امام تا واپسین دم حیات، دم از امام و راه او برنداشت و پیرو ایشان بود. حتی وقتی که امام قصد داشتند نجف را به مقصد کویت ترک نمایند، قرار بود که در منزل آیت‌اللّه مهری اقامت کنند که با ممانعت دولت کویت مواجه گردید و این امر، عملی نشد. پس از

پیروزی انقلاب، حضرت امام، آیت‌اللَّه مهری، را به امامت جمعه کویت منصوب کردند که با تبعید آیت‌اللَّه مهری، نماز جمعه برگزار نگردید. این عالم بزرگوار سرانجام پس از عمری مجاهده در راه اسلام، در ۲۶ بهمن ۱۳۶۶ ش برابر با ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۸ ق در ۷۲ سالگی درگذشت و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) مدفون شد.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مهریزی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی مهریزی

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

مهدی مهریزی در سال ۱۳۴۱ در شهر مقدس مشهد متولد شد. پس از گذراندن دروس عمومی دوره ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد. آنگاه پس از اتمام دروس مقدمات در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شد و به مدت بیست سال در دروس فقه و اصول و فلسفه حضور یافت.

اساتید سطح ایشان حجج اسلام و حضرات آیات: «ستوده»، «پایانی»، «اعتمادی»، «موسوی تهرانی» و «سید علی محقق داماد». اساتید دروس خارج آیات عظام: «وحید خراسانی»، «تبریزی» و «فاضل لنکرانی». اساتید فلسفه حضرات آیات: «محمد علی گرامی»، «حسن زاده»، «جوادی آملی»، و «انصاری شیرازی».

وی همزمان با تحصیل، به تدریس دروس حوزه تا رسائل و مکاسب اشتغال داشته است و از سال ۱۳۶۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال دارد، همچنین نامبرده در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بسیاری به ارائه مقاله و سخنرانی پرداخته است.

میر سید

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از خدام والامقام بضعه احمدی و از علماء و مجتهدین و فقهاء و اصولیین بود از شاگردان مرحوم علامه ثانی ملا محمدکاظم خراسانی است. شرحی به کفایه استاد خود نوشته که یک جلد آن به طبع رسیده در اواخر عمر به تهران منزل گزید در آنجا مشغول تدریس فقه و اصول بود و هم آنجا مرحوم و در قم مدفون گردید.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

میر عبداللهی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمود میر عبداللهی

محل تولد : چادگان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود میرعبداللهی شهرت حسینی به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از چادگان متولد ۱۳۲۵ از منطقه فریدن هستم. اینجانب در سال ۱۳۳۷ در سن ۱۲ سالگی در اصفهان مشغول تحصیل علوم دینی شدم و بعد از گذراندن دو سال در سال ۱۳۳۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. مدت پنج سال در مدرسه «جانی خان» واقع در خیابان آذر میدان کهنه روبروی مسجد جامع قم، ادبیات را خدمت آقای نحوی و مختصر المعانی را خدمت آیت الله دوزدوزانی و معالم و قوانین الاصول را خدمت آقای اعتمادی و فرائد الاـصول را خدمت آقای نوری و مکاسب را خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و جلدین کفایهٔ الاصول را خدمت آیت الله سلطانی خواندم.

مدت ۱۵ سال درس خارج فقه «حضرت آیت الله العظمی مرحوم آقای گلپایگانی» شرکت می‌کردم و مدت ۱۵ سال درس خارج فقه و اصول «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری» شرکت داشتم و لمعتین را خدمت آقای ستوده خواندم و در سال ۱۳۶۰ از طرف دفتر حضرت امام خمینی (ره) به امامت جمعهٔ شاهین شهر منصوب شدم و قبل از پیروزی انقلاب مدتی را در پیروزآباد شیراز تبعید بودم.

در سال ۱۳۶۲ در شاهین شهر به وسیله یک نفر منافق به نام «کریم» اهل شهرضا مورد ترور قرار گرفتم. نام برده دستگیر و اعدام شد. چون شخص نام برده در اصفهان شخص به نام آقای بهشتی نژاد را با فرزندش جلو درب خانه‌اش ترور کرده بود. در سال ۱۳۶۵ از شاهین شهر به شهرستان لُردگان که از توابع شهر کرد است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال آنجا به ابوان غرب از توابع ایلام است؛ منتقل شدم. بعد از سه سال از آنجا به میمه اصفهان منتقل شدم. در این مدت که امام جمعه بودم؛ تدریس هم داشتم. دروس حوزوی و هم در دانشگاه‌ها: معارف اخلاق و تفسیر تدریس می‌کردم و فعلاً هم در قم مشغول تدریس هستم.

این بود خلاصه از زندگی اینجانب و ضمناً کتاب‌های حقیر چاپ نشده. «تبیین منابع فلسفه»، «سعادت و شقاوت از دیدگاه فلاسفه»، «تلخیص اخلاق فرانکنا»، «سؤال و جواب از علوم قرآنی»، «سوال و جواب درباره مهدویت و اسلام». ضمناً اضافه می‌کنم که در سال ۱۳۶۲ که مورد ترور منافق قرار گرفتم؛ چند روز که گذشت یک شب ساعت ۲ بعد از نصف شب منزل بنده را به رگبار بستند از طرفداران سید مهدی هاشمی. و همینطور قبل از اینکه مورد ترور قرار بگیرم در سال ۱۳۶۱ درب منزل اینجانب مواد منفجره گذاشته بودند که در این چند جا خداوند نجاتم داد. در تمام این جریانات حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای نمازی که در آن وقت فرمانده سپاه اصفهان بودند به من کمک کردند و آقای نمازی فعلاً امام جمعه کاشان می‌باشند.

میراشرفی، هادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هادی میر اشرفی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هادی میر اشرفی از استان گیلان شهر استان لنگرود روستای «دریا سر» در سن ۱۲ سالگی پس ازاتمام دوره ابتدائی بر اثر علاقه شدید به علوم دینی و فراگیری آن، راهی حوزه علمیه فقیه (حاج ابوالفتح) در تهران به مدیریت «حضرت آیة الله مرتضوی لنگرودی» شده و در آن حوزه مقدسه در سال ۱۳۶۰ اشتغال به تحصیل پیدا نمود و دروس پایه تا اتمام لمعتین را در آن حوزه مقدسه به اتمام رسانیدم.

سپس راهی حوزه مقدسه قم کنار بارگاه مقدس حضرت فاطمه معصومه (علیها سلام) شدم و در دروس رسائل و مکاسب شرکت نمودم که رسائل را خدمت حجهٔ الاسلام موسوی تهرانی در حوزه آیهٔ الله العظمی گلپایگانی و بیع مکاسب حضرت حجهٔ الاسلام جناب آقای نکونام در مسجد مقدس امام رضا (علیه السلام) در گذرخان حاضر شده و پس از آن دروس کفایه آیات عظام و حجج اسلام شرکت نمودم و به اتمام رسانیده و راهی دروس خارج مراجع بزرگوار که خارج فقه «حضرت آیهٔ الله مکارم شیرازی» و اصول «حضرت آیهٔ الله وحید خراسانی» را درک کرده و از آن اساتید بهره ها برده و به تحقیقات در حوزه دین ادامه داده تا انشاءالله تعالی صاحب دین امام زمان (علیه السلام وعجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور بفرماید.

میرجلیلی، کاظم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید کاظم میرجلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید کاظم میرجلیلی در سال ۱۳۳۴هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان یزد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه یزد گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.

از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام علیها) او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۳ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون: «مرحوم آیت الله فاضل»، «آیت الله مکارم»، «آیت الله خاتم یزدی»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «فلسفه و کلام» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «مشکلات و موانع خلافت حضرت علی علیه السلام از دیدگاه تاریخ» دفاع کرد. استاد در ایام تحصیل در قم از امر تدریس در زادگاه خویش غافل نماند و در مراکزی چون دانشگاه یزد و ... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی در زندگی سراسر علمی خود از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل: «صداقت حضرت علی (علیه السلام) در سیاست و حکومت» و ... را به رشته تحریر در آورده است.

میرحسینی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر حسینی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۹ وارد حوزه علمیه یزد گردیدم. سه سال را در یزد و مابقی را در قم بودم. در این مدت به عنوان طلبه ای محضر بزرگانی را درک کردم که حتی حضور در محضر آنان بالاترین خیر و برکت را القاء می کرد.

میرخلیلی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید احمد میر خلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در مدارس تهران و دوره متوسطه را در مدرسه دهخدای شهرستان دهخدا گذرانده ام. در سالهای اولیه انقلاب دیپلم خود را گرفته و رهسپار حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه «حضرت آیت الله گلپایگانی» مشغول دروس حوزه علمیه شده ام. صرف و نحو، معانی و بیان را نزد استادانی مانند: «صالحی اصفهانی»، «عالمی»، «طالقانی» و «شب زنده دار» خوانده ام. دروس سطح حوزه را نزد استادانی نظیر حضرات آیات: «صلواتی»، «خرازی»، «حیاتی»، «استادی»، «ستوده» و «نکونام» فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۶ در درس خارج حوزه شرکت نمودم و درس اساتید بزرگوار: «آیت الله علوی گرگانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «وحید خراسانی» شرکت کردم. در ضمن زبان های عربی و انگلیسی را به صورت تخصصی در مرکز زبان های خارجی دفتر تبلیغات اسلامی آموختم. در سال ۱۳۶۹ در دوره دوم تخصصی کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم به عنوان نفر اول برگزیده شدم و در سال ۱۳۷۲ با پایان نامه «مثل در قرآن کریم» فارغ التحصیل شدم. در سال ۷۳ در دوره دکتری دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در همین سال به عنوان عضو هیئت علمی ـ پژوهشی کنگره نقش زمان و مکان حضرت امام (ره)، ۳ جلد متون فقه پژوهشی با کمک سایر همکاران فراهم آوردیم. همچنین در این سال در مرکز تحقیقات اسلامی وابسته به دفتر در بخش اصطلاح نامه به فعالیت پژوهشی مشغول شدم که تاکنون اصطلاح نامه های علوم قرآن، اصول فقه، دانش نامه اصول فقه، منطق و کلام اسلامی منتشر شده که در هر یک به نحوی همکاری داشته ام. در سال ۱۳۷۸ در مرکز اندیشه اسلامی در گروه فقه به عنوان عضو هیئت علمی شرکت کردم و در نشست های علمی و ارزیابی های اندیشه سازان شرکت داشته ام و در ضمن مقالات: «فقه و حقوق خانواده»، «فقه و ملاکات احکام» و «اندیشه های فقهی امام خمینی (ره)» محصول این دوره است.

در ضمن کتاب: «فقه و قیاس» در این دوره تنظیم و تالیف شده است. درسال ۱۳۷۹ دوره دکتری را با دفاع از رساله: «جایگاه قیاس و استحسان در منابع استنباط» به پایان رساندم و در مدرسه امام خمینی (ره) به تدریس فقه و اصول پرداختم و به مدت سه سال مدیریت گروه فقه و اصول را به عهده داشته ام. در سال ۸۰ در دانشگاه تهران در دانشکده های مختلف به تدریس متون اسلامی و در سال ۱۳۸۱ در یزد به عنوان عضو هیئت علمی به تدریس دروس فقه وحقوق مشغول شده ام.

در ضمن در مدرسه امام خمینی (ره) درس های فقه و اصول و فقه و اصول مقارن، با فقه و اصول سمیناری در درایه و رجال، نقد حدیث و منابع حدیثی مشغول تدریس بوده ام. تاکنون راهنمایی و مشاوره تعدادی از رساله های فوق لیسانس و دکتری در مراکز مختلف علمی بر عهده داشته ام نظیر مدرسه امام خمینی (ره)، حوزه علمیه خواهران، دانشگاه آزاد اسلامی. همچنین برای پیشبرد اهداف اطلاع رسانی در دانشگاه یزد و مرکز تحقیقات در میز گردهای علمی، نقد کتاب و کارگاه های پژوهشی کاربردی شرکت کرده ام.

میرخلیلی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدجواد میرخلیلی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱۰/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید جواد میرخلیلی، فرزند سید محمد علی میرخلیلی، متولد دوم دی ماه ۱۳۵۶ در روستای زردین از توابع استان یزد هستم. دوره ابتدایی خود را در مدرسه شهید مطهری زردین به پایان برده و بعد از آن وارد مدرسه شهید حسن زارع زردینی شدم و دو سال دوره راهنمایی خود را در آنجا سپری کردم. بعد از آن برای ادامه تحصیل در کلاس سوم راهنمایی وارد شهر یزد و مدرسه راهنمایی انبیاء شدم. بعد از اتمام دوره راهنمایی، برای ادامه تحصیل به همراه خانواده به تهران آمدیم و مدرسه دولتی علمیه، محل تحصیلم در چهار سال تحصیل در آن جا بود.

بعد از پایان دبیرستان و اتمام دوره نظام قدیم رشته علوم تجربی، وارد حوزه علمیه امام حسین (ع) تهران شدم و سطح یک خود را در محضر اساتید بزرگواری چون: «مرحوم آیت الله حقی، مرحوم آیت الله سید عباس ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید علی اکبر ابوترابی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید بهاءالدین موسوی زاده، حجج اسلام: موسوی، عالمی، شریفی، یوسفی، سید محمد حسن ابوترابی، علمداری، معراجی، وحیدی، گنجی، افضل نژاد، رضا بابا اکبری ، خوش نما» و سایر اساتید گذراندم.

آن گاه در سال ۱۳۸۱ برای ادامه تحصیل در مقطع سطح دو حوزه وارد مدرسه قدیری قم شدم و از محضر اساتیدی چون حجج اسلام: «جلالی، ظهیری، قوامی، هاشمی، سرافراز، و ...» بهره بردم. بعد از اتمام سطح دو، مقطع کارشناسی علوم سیاسی را با معدل ۴۵/۱۷ در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم به پایان رساندم. سپس در کنار ادامه تحصیل در سطح سه حوزه و بعد از کسب مدرک علمی سطح دو حوزه، رشته ادیان شرق را در دانشگاه ادیان و مذاهب قم ادامه داده و پایان نامه کارشناسی ارشدم را با موضوع: «رابطه دین و سیاست در ژاپن معاصر» تدوین کردم.

همچنین در سالیان اخیر به دلیل علاقه وافر به رسانه و ارتباطات و با توجه به این که سردبیری برخی از مجلات مختلف علمی را در سطح قم بر عهده داشته ام و حتی با فصلنامه ظهور وابسته به بسیج دانشجویی دانشگاه باقرالعلوم (ع) توانستم مقام دوم سردبیری و نشریات برتر استان را کسب کنم، به تحصیل در رشته ارتباطات دانشکده صدا و سیمای قم در کنار پژوهش در مراکز مختلف علمی پرداختم و این دوره را نیز با موفقیت به پایان رساندم.

هم اکنون در کنار تحصیل در درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، به نویسندگی در نشریات و مجلات علمی مشغول هستم. ضمن این که سال ها تجربه و مطالعه، سیر مطالعاتیم را به سمت حوزه های اختصاصی پیش برده است؛ به گونه ای که هم اکنون

تنها در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و شرق باستان می نویسم و ارتباطات و رسانه نیز دل مشغولی دیگرم است.

میرخندان، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حمید میر خندان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده تحصیلات ابتدایی را در شهر تهران در دبستان عاصمی (مقابل دانشگاه صنعتی شریف) گذراندم. دوره راهنمایی را در مدرسه «مازیار» در همان محله خواندم و دوره دبیرستان را در دبیرستان خوارزمی شماره ۱ (مقابل دانشگاه تهران) تحصیل نمودم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در همان سال به حوزه قم آمدم.

مقدمات را تا پایه سوم در مدرسه رضویه خواندم. اساتید بنده در ادبیات آقایان: گرگانی و طالقانی بودند و در معالم آقای خسرو شاهی. اصول فقه را خدمت آقای صالحی افغانی و لمعه را نزد آقایان علی پناه اشتهاردی، جدانی فخر و ... خواندم. رسائل را خدمت آقای اعتمادی و مکاسب را خدمت آقایان: قدیری، طاهری خرم آبادی و ستوده تحصیل کردم و کفایه را خدمت آقای ستوده خواندم.

درس خارج اصول را نزد آقایان: «مکارم شیرازی (۲ سال)»، «وحید خراسانی (۴ سال)»، «شبیری زنجانی (۱ سال)» تحصل نمودم. و پس از آن در جلسه ای محدود با تعدادی محدود از دوستان به مباحثه خارج فقه تحت نظر دوست فاضل و ارجمند آقای امیر غنوی ادامه می دهم. در کنار درس های رسمی حوزه به مدت حدودا چهار سال علوم قرآنی و سپس تفسیر (در جلسه ای خصوصی و با تعدادی محدود از دوستان) مطالعه و تامل داشته ام. همچنین به مدت سه سال در گروهی از دوستان به مباحث روانشناسی و تعلیم و تربیت اسلامی پرداختم. نیز به تحصیل فلسفه (بدایه، نهایه و جلد اول اسفار) پرداختم و در کنار آن کتاب های فلسفی از فلاسفه مسلمان و غرب را مطالعه نمودم.

حقیر دوره زبان انگلیسی را در تهران در موسسه ملی زبان تا اتمام دوره: (۱۲ ترم) گذراندم و در قم نیز در مرکز آموزش زبان های خارجی باقرالعلوم (ع)، دوره زبان انگلیسی را تا یک ترم به پایان مانده شرکت کردم. حدودا چهار سال (۲ سال در جلسه حزب الله و ۲ سال در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) سازمان تبلیغات قم) در زمینه تراجم و شرح حال علماء و اصحاب تحقیق و تالیف داشته ام. به مدت شش سال در زمینه فیلم و سینما (۲ سال درحوزه هنری تهران و ۴ سال در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما) مطالعات نظری دارم. نتیجه فعالیت های پژوهشی حقیر درباره تراجم و هنر فیلم کتاب ها و مقالاتی است که در آثار از آنها یاد شده است. اکنون با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همکاری پژوهشی ام ادامه دارد. ضمن آن که مباحث خارج فقه و تفسیر کماکان برقرار است.

میرزاپور، محسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محسن میرزاپور

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۷۹ در حالی که مشغول به تحصیل در دبیرستان بودم از محضر عالم بزرگوار «حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)» بهره مند شدم و دروس ادبیات را آغاز کردم. پس از اخذ دیپلم حدود هفت ماه در مدرسه «بقیهٔ الله» شهرستان خوانسار اشتغال به تحصیل کردم که در واقع شروع رسمی دوران طلبگی من از همان زمان آغاز شد که در سال ۱۳۷۱ بود. بعد به شهر خودمان دزفول مراجعت کردم و بعد از تمام کردن ادبیات و منطق، دروس فقه و اصول را در محضر حضرت شیخ محمد کاظم انصاری (ره)، حاج آقا سید حسن آقا میری و حاج آقا مقامی به اتمام رساندم

و در سال ۱۳۷۶ به قم آمدم. ابتدا درس حاج آقا عالی رفتم و مباحث قطع و ظن را تا حدودی گذراندم ولکن به سبب مشکلاتی بعد از ۵ ماه دوباره به شهرستان دزفول مراجعت کردم و سال هفتم حوزه را به اتمام رسانده، در سال ۱۳۷۷ به قم مراجعت کردم و با جدیت بیشتری کتاب رسائل را با استفاده از محضر دو استاد عزیز و ارجمندم حاج آقای کریمی و صادر به اتمام رساندم. پس از آن مکاسب را در محضر استاد نکونام (بخش شرائط العوضین) بودیم، و با تشکیل جلسات خصوصی که هر هفته برگزار می شد بهره های خوبی بردیم.

کفایه را در محضر استاد ارجمند حاج آقا تهرانی بودیم. و همچنین عمده کتاب کفایه را در محضر استاد عزیز حاج آقا صادر بهره های فراوانی بردیم. در طی این سالها نیمی از سال ۷۷ را کاملا توفیق شرکت در درس تفسیر آیهٔ الله جوادی آملی داشتم. سال ۱۳۸۰ به توصیه استاد خودم حاج آقا صادر به درس خارج اصول «آیهٔ الله وحید خراسانی» شرکت کردم و درس فقه خود را با کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی که از کتب بسیار مهم فقهی به شمار می رود؛ طی دو سال در محضر استاد عزیز و اخلاقی خودم حاج آقا هاشمی بهره بردم.

سال ۱۳۸۰ سال ورود ما به مؤسسه امام صادق (ع) متعلق به آیهٔ الله سبحانی بود و آغاز دوره تخصصی ما در همان سال بود. سه سال در خدمت استاد بسیار گرانقدری همچون: «حاج آقا ربانی گلپایگانی»، «حاج آقا مومنی»، «حاج آقا قدوسی»، «ملک حسینی» و «حاج آقا خسرو پناه» بودیم و استفاده های فراوانی در این چند سال بردیم و اکنون هم مشغول تمام کردن پایان نامه سطح ۳ خود هستم که مربوط به بخشی از مباحث امامت است که با راهنمائی های اساتید حاج آقا اسدی و سلیمانی رو به اتمام می باشد.

میرصانع، محمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد علی میرصانع

محل تولد : الیگودرز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد علی میرصانع در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه شهرستان خوانسار شدم و تا سال ۱۳۶۳ در آنجا مشغول تحصیل و لمعتین را در آنجا به پایان رساندم. پس از آن وارد حوزه علمیه قم شدم و به ادامه تحصیل در این حوزه مقدسه پرداختم. فرائد الاصول مرحوم شیخ را در محضر استاد «آیت الله راستی کاشانی» و نیز قوانین الاصول میرزای قمی، و مکاسب مرحوم شیخ را در محضر اساتید «آیت الله سید علی محقق داماد» و «شیخ محسن دوزدوزانی» فرا گرفتم و دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید معظم حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» تلمذ نمودم و در ضمن این مدت در مراکز فقهی علمی حوزه به تناسب مشغول کار و تدریس و غیره بوده ام.

میرمعزی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسین میر معزی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم و در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه پلی تکنیک قبول شدم پس از دو ترم با انقلاب فرهنگی دانشگاه ها تعطیل شد. در سال ۱۳۶۲ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه علمیه مبارکه قم شدم سال ۶۸ دروس سطح را تمام کردم و از آن زمان تا کنون در درس خارج فقه و اصول اساتیدی چون آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله وحید خراسانی، آیت الله زنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی شرکت نمودم.در سال ۶۸ همزمان با شروع

درس خارج در رشته اقتصاد در دانشگاه مفید مشغول به تحصیل شدم و سال ۷۲ لیسانس و سال ۷۶ فوق لیسانس گرفتم.
از سال ۷۲ تا ۷۵ در بخش فرهنگی جامعه مدرسین به عنوان محقق در اقتصاد اسلامی و به ویژه موضوع بانکداری اسلامی و موضوعات مرتبط با آن به تحقیق پرداختم، سال ۷۵ در گروه فقه و نظام اقتصادی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به تحقیق مشغول شدم و از سال ۷۷ عضو رسمی هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد واز اواخر سال ۸۳ ریئس پژ وهشکده نظام های اسلامی در این پژ وهشکده میباشم ، از سال ۷۸ تدریس لمعه، اصول فقه و سپس مکاسب را شروع کردم و اکنون نیز در کنار کارهای دیگر به تدریس مکاسب می پردازم.

میرموسوی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید علی میر موسوی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر اصفهان انجام دادم و پس از اتمام سال دوم دبیرستان در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه اصفهان مدرسه «ذوالفقار» شدم. کتابهای ادبیات حوزه را از مقدمات، سیوطی و مغنی را در یکسال خواندم و همچنین منطق، معانی و بیان و در همان سال سطح را آغاز کردم و بخش هایی از لمعتین و معالم را نیز در اصفهان خواندم.
در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و ابتدا در مدرسه بعثت که از مدارس آیهٔ الله منتظری بود؛ ثبت نام و سپس به مدرسه فیضیه نقل مکان کردم. در آن هنگام، همزمان تحصیلات علوم اسلامی و دبیرستان را دادم و در جبهه نیز حضور می یافتم. در سال ۶۸ همزمان سطح را به پایان رسانیدم و وارد دانشگاه تهران در رشته «علوم سیاسی» شدم. از سال ۶۹ درس خارج را آغاز کردم و بیشتر در درس خارج فقه «حضرت آیهٔالله العظمی منتظری» و «آیهٔالله تبریزی» شرکت کردم.
در سال ۷۲ تحصیلاتم در مقطع کارشناسی به پایان و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته «روابط بین الملل» در همان دانشگاه ادامه دادم و پایان نامه ام را با عنوان: «عوامل موثر چالشهای حقوق بشر در ایران» نوشته و دفاع کردم. در سال ۷۴ در مقطع دکتری «علوم سیاسی» دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۸۱ از پایان نامه ام با عنوان: «اسلام، سنت و دولت مدرن» با راهنمایی آقای دکتر بشریه و مشاوره دکتر فیرحی و آقای حمید زنجانی دفاع کردم.
تاکنون آثارعلمی زیادی اعم از مقاله و کتاب نگاشته ام که در بخش مربوطه ذکر شده. از سال ۷۹ به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مفید حضور داشته ام و از سال ۷۵ تاکنون درسهای رشته علوم سیاسی را در این دانشگاه و در دانشگاه باقرالعلوم (ع) تدریس کرده ام. از فاصله سال ۸۰ تا ۸۴ مدیریت گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید را نیز عهده دار بوده ام.

میری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید عباس میری

محل تولد : خضری قائنات

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۳۵ شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال ۱۳۵۰ شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.

در سال ۱۳۵۲ شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیهٔالله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیهٔالله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیهٔالله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیهٔالله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیهٔالله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیهٔالله اعلم» استفاده کرد.

به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر «مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیهٔالله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال ۱۳۵۴ شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیهٔالله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیهٔالله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.

مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیهٔالله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیهٔالله نوری همدانی» و «آیهٔالله سید

محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاهٔ، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیهٔالله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیهٔالله مکارم شیرازی»، «آیهٔالله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیهٔالله جعفر سبحانی»، «آیهٔالله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.

دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیهٔالله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیهٔالله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیهٔالله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهایه را از استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیهٔالله مصباح یزدی»، و منظومه ملاهادی سبزواری را از آیهٔالله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیهٔالله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیهٔالله حسن زاده آملی» فرا گرفت.

از درس تفسیر «آیهٔالله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیهٔالله ملکوتی» و «آیهٔالله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیهٔالله بهاءالدینی»، «آیهٔالله مظاهری» و «شب زنده دار» آموخت. مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیهٔالله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیهٔالله سید محمد شیرازی» و «آیهٔالله مشکینی» آموخت و چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیهٔالله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت.

در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال ۱۳۶۱ با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود ۳ سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزانگان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.

گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود ۲ سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال ۱۳۷۱ به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

میقانی، رضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا میقانی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۵/۱

زندگینامه علمی

اینجانب رضا میقانی از سال ۱۳۵۰ وارد حوزه مقدسه قم شدم و در مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی که در آن دوران اولین مدرسه به سبک روز و استاندارد بود مشغول تحصیل گردیدم و در سال ۵۶ به مدت شش ماه در درس مرحوم استاد مطهری ره شرکت کردم ایشان در حوزه امتحان از سطح برای طلاب گذاشتند و در آن موفق شدم و ممتاز گردیدم بنا داشتند گروه های تحقیق در حوزه ایجاد نمایند که انقلاب اسلامی شروع و دیگر به قم تشریف نیاوردند و در همان سال ها از محضر دکتر مفتح در فلسفه و سید کاظم حائری که کتب شهید صدر را تدریس می کردند بهره ها بردم و از سال ۵۸ دردرس خارج استاد وحید خراسانی و تبریزی و لنکرانی شرکت کردم و حدود ۲۰ سال از خرمن پر فیض فقهای بزرگ استفاده کردم و در ضمن تحصیل در سال ۵۴ به حوزه تبلیغ وارد شدم و تا کنون به اکثر استان های کشور برای ترویج مکتب اهل بیت سفر داشته ام و در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق وارد شدم و پس از سه سال آموزش به کارهای پژوهشی پرداختم و در خدمت استاد مصباح سالیان طولانی استفاده کردم از جمله کارهای پژوهشی معجم موضوعی قرآن بود که چند صد هزار فیش برداری گردید . و از آن تحقیقات اکنون یکی دو جلد در زمینه اسماء و صفات و معاد و برزخ به زیور چاپ آراسته شده است و مقالات فراوان در زمینه قرآن پژوهی در اطراف کتاب فصل الخطاب حاجی نوری انجام دادیم .

و در همان سال ها چند سال در کنفرانس های دار القرآن مرحوم آیت الله گلپایگانی در محضر استاد سبحانی بوده و نتیجه آن کتاب روش اهل بیت در تفسیر قرآن است که دار القرآن چاپ کرده و در مدارس علمیه حجتیه و مومنیه و معصومیه تدریس داشته ام . حدود ۱۵ سال هم به زائران خانه معبود به عنوان روحانی کاروان اداء وظیفه می کنم . و در جهت خدمت به طلاب وظیفه نمایندگی طلاب شهرستان شاهرود را به عهده دارم .

میلانی، محمدهادی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدمحمد هادی حسینی میلانی بن العلامه الحجهٔ آیت‌اللَّه آقا سید جعفر بن العلامه الورع آیت‌اللَّه آقا سید احمد حسینی میلانی از مراجع تقلید بزرگ و آیات عظام معاصر است در مشهد مقدس؛ معظم‌له در شب هفتم ماه محرم هزار و سیصد و سیزده قمری در خاندان بزرگ علمی در نجف اشرف متولد شد و در مهد تربیت والد ماجدش که داماد گرامی علامه فقیه آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بوده پرورش یافته است والد ماجدش مرحوم آیت‌اللَّه آقا سید جعفر حسینی از علماء جلیل‌القدر نجف اشرف و از شاگردان مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقاشیخ حسن مامقانی به شمار می‌رفت و مردی بود که در زمان خود به علم و تقوا شهرتی داشت قبل از اینکه مردم از فضائل اخلاقی و مقامات علمی آن بزرگوار برخوردار گردند در سن جوانی از دنیا رحلت نمود و در رواق شمالی مرقد مطهر حضرت موسی بن جعفر و جواد الائمه علیه‌السلام دفن شد.

وی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه آقا سیداحمد حسینی میلانی که از شاگردان آیت‌اللَّه العظمی آقاشیخ محمدحسن صاحب کتاب جواهر و

در آذربایجان مرجع تقلید و پناهگاه مسلمانان بود.

مرحوم آقا سید احمد فرزند حجهٔالاسلام آقاسید مرتضی حسینی بن رکن‌الاسلام آقاسید علی‌اکبر که مورد علاقه مردم بودند بوده و او فرزند آقا سید اسداللَّه حسینی بود و این دو بزرگوار ساکن قصبه میلان بودند و پدران بزرگوار آنان از شرفاء سادات مدینه طیبه محسوب می‌شد. پدر بزرگوار آقا سید اسداللَّه به حسب تقاضای اهالی آذربایجان متوجه به آن سامان شده و در آنجا از دنیا رفت مرقد او هم اکنون زیارتگاه عموم می‌باشند.

والده ماجده حضرت آیت‌اللَّه میلانی صبه مرحوم آیت‌اللَّه العظمی حاج شیخ محمدحسن مامقانی بودند و آن بزرگوار در سال ۱۳۲۳ قمری از دنیا رفت و کانون علم و تقوا و از مراجع بزرگ شیعه به شمار می‌رفت و آثار علمی وی هم اکنون در حوزه‌های علمی مورد استفاده عموم می‌باشند.

در زمان معظم‌له نام دوازده هزار نفر از طلاب علوم دینیه در دفتر او مرقوم بود و حقوق آنان از ناحیه وی پرداخت می‌شد.

و در هر سال بیش از پنجاه هزار تومان از باب وجوهات به ایشان می‌رسید و آنها را میان مستحقین و اهل علم تقسیم می‌کرد و درهمی برای خود و عیالات خود باقی نمی‌گذارد و اگر شب می‌رسید تا صبح نمی‌گذارد همان ساعت به اهلش می‌رسانید.

دائی و پدر همسر کریمه ایشان مرحوم آیت‌اللَّه عالم بزرگوار و شیخ العلماء حاج شیخ عبداللَّه مامقانی قدس‌اللَّه سره صاحب تنقیح المقال در علم رجال و مرات الکمال و مرآت الرشاد و غیره از آیات عظام و مراجع انام عصر خود بوده است.

معظم‌له در سن کودکی پدر بزرگوار خود را از دست داده ولی در همان اوان دارای شوقی وافر به تحصیل علوم و مقدمات را تا سن دوازده سالگی نزد مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملامحسن تبریزی و دیگران خوانده و سطح را نزد مرحوم آیت‌اللَّه آقا شیخ ابراهیم سالیانی و مرحوم حجهٔالاسلام آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و کفایه و تالیفات دیگر) و مرحوم حجهٔالاسلام آقا شیخ غلامعلی قمی سامرائی و مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین دائی بزرگوارشان آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی که در زهد و تقوا مانند پدر معظم خود آیت‌اللَّه مامقانی بودند تکمیل نموده آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از علماء بزرگ و نوابغ عصر خود مانند مرحوم آیت‌اللَّه شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آیت‌اللَّه آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و مرحوم آیت‌اللَّه آقا ضیاء عراقی استفاده نموده و فلسفه و کلام را از مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و علم مناظره را از مرحوم حجهٔالاسلام علامه مجاهد حاج شیخ جواد بلاغی صاحب کتاب الهدی الی دین المصطفی و الرحله المدرسیه و آلاء الرحمن در تفسیر و غیره فراگرفته‌اند.

مشایخ اجازه روایتی ایشان

۱- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید حسن صدر ۲- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید عبدالحسین شرف‌الدین ۳- مرحوم ثقه‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی ۴- مرحوم حجهٔالاسلام والمسلمین حاج شیخ آغابزرگ تهرانی.

آیت‌اللَّه میلانی در ادبیات فارسی و عربی حظ وافری دارند و با ادباء معاصر خود مانند مرحوم آقای شیخ محمد سماوی و آقای شیخ جعفر نقدی و حجهٔالاسلام آقا میرزا محمدعلی اردوآبادی مطارحات ادبیه داشتند و اشعاری که در جوانی به زبان عربی سروده‌اند شاهد زنده‌ی بر این مدعی است.

آیت‌اللَّه میلانی بیش از پنجاه سال در نجف اشرف و کربلا و مشهد مقدس به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته و تربیت‌شدگان علمی و اخلاقی ایشان در اکناف و اطراف ممالک و شهرهای اسلامی بسیارند که به وظائف دینی خود مشغول می‌باشند. و معظم‌له در تشویق و تکریم فضلاء و محصلن کوشا می‌باشند.

آثار علمی او عبارت است از نوشته‌های بسیار که درباره علم و فقه و اصول و تفسیر نگاشته‌اند و آنها را بعضی از فضلاء که در حوزه درس کربلای وی حضور داشته نوشته است.

معظم‌له درباره قسمتی از علوم اسلامی مطالعات دقیق و نظریه‌ای قوی دارد که از آن جمله علم حدیث است.

وی مدت هشت سال با مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی قمی درباره علم حدیث مذاکراتی داشته است.

او نسخه کتاب وسائل خود را به نسخه‌ای که به خط مرحوم شیخ المحدثین شیخ حر عاملی نوشته شده مقابله و به مدارک آن مراجعه نموده است.

بیشتر افرادی که زندگانی علماء و رجال معاصر را نگاشته و به صورت کتاب منتشر نموده‌اند از قبیل: صاحب کتاب معارف الرجال و صاحب کتاب معجم رجال الفکر و الادب و صاحب کتاب ماضی النجف و حاضرها شخصیت و زندگانی آقای میلانی را نوشته‌اند.

در بسیاری از مجله‌های کشورهای اسلامی به مناسبتهائی راجع به معظم‌له مقالاتی درج نموده‌اند که از جمله در مجله: العلوم بیروت در سنه ۱۱ عدد ۱۸ به مناسب تاریخ مشهد مقدس و مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و خلیفه عباسی هارون الرشید مقاله‌ای نوشته تا آنجا که رسیده به مدرسه‌های قدیمه ارض اقدس می‌نگارد.

امروز چنانکه قبلا- یادآور شدیم تعداد طلایی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل و تحقیق هستند قریب دوهزار و پانصد نفر (۲۵۰۰) می‌باشد که در حوزه‌های متعدده علمیه تقسیم شده‌اند و آنان درباره تحصیل هر موضوع و علمی از قبیل علم فقه و علم اصول و لغت و حکمت و امثال ذلک دارای اسنادهای متعددی هستند.

ولی ریاست و زعامت کلیه آن حوزه‌های علمیه به عالم ربانی و دانشمندان صمدانی علامه بزرگوار سید محمدهادی میلانی می‌باشند که بزرگ استادهای علم فقه و علم اصول به شمار می‌رود.

وی همان کسی است که قریب چهارصد نفر از افرادی که قریب‌الاجتهادند در مجلس درسش حاضر می‌شوند.

آیت‌اللَّه میلانی در سال ۱۳۷۰ قمری به حج مشرف شده و یک سفر هم در سال ۱۳۵۹ ق به سوریه و لبنان نمودند و ایشان شش مرتبه هم به ایران مسافرت نمودند که سفر ششمین ایشان در روز عرفه ۱۳۷۳ ق بود که به قصد زیارت ارض اقدس و حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء بود.

وی در خانه مرحوم آیت‌اللَّه حاج شیخ علی‌اکبر نوغانی وارد شده و از روز ورود ایشان حوزه علمیه مشهد و علماء اعلام و طبقات مختلف مردم تقاضا و اصرار نمودند که معظم‌له برای تدریس و تربیت محصلین علوم دینیه در مشهد مقدس اقامت نمایند وی قبول ننمود تا اینکه ملزم به استخاره شد.

پس از استخاره این آیه شریفه آمد. واتبع ما یوحی الیک من ربک واصبر حتی یحکم اللَّه و هو خیر الحاکمین.

پس از این استخاره قبول نمود که مدت سه ماه در خراسان توقف و شروع به تدریس نماید وقتی که فضلاء برجسته حوزه علمیه مشهد مقدس وضع تدریس و مطالب دقیق ایشان را دیدند و شنیدند علاقه بیشتری پیدا کردند لذا با عزمی راسخ و اصراری بیش از پیش خواستار توقف حضرتش گردیدند.

آن بزرگوار به ناچار تقاضای آنان را پذیرفت و عزم رحیلش بدل به اقامت گردید و در مسجد جامع گوهرشاد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و صدها نفر از فضلاء و علماء مشهد به محضرش حاضر و بهره‌مند می گردند.

آثار و باقیات الصالحات آیت‌اللَّه میلانی مدظله.

آن جناب در این مدتی که در مشهد مقدس اقامت دارند در اغلب موسسات خیریه بناهای دینی سهیم و شریک بوده و اشخاص شایسته‌ای از روحانیین را برای تبلیغ و ارشاد مردم به اطراف اعزام نموده و هم اکنون می‌نمایند.

ایشان همیشه در نظر داشته و دارند که حوزه‌ها باید دارای نظم و برنامه مخصوص باشد و لازم است که کلیه علوم اسلامی در آنها تدریس و خوانده شود و لازم است که محصلین علوم دینیه درباره سایر علوم نیز دارای مطالعاتی باشند.

آیت‌اللّه میلانی در سال ۱۳۸۳ ق در شهرستان قم مدرسه‌ای به نام مدرسه منتظریه (حقانی) تأسیس و تعداد صد نفر دانشجو پذیرفته که تحت تعلیم و تربیت می‌باشند.

جناب ایشان در مشهد مقدس نیز مدرسه‌ای دو طبقه تأسیس کرده که دارای پانصد نفر محصل است (متأسفانه در این ایام آن مدرسه خراب و جزو فلکه آستانه گردید).

مدرسه مدرن و زیبای دیگری به نام امام جعفر صادق (ع) در جنب مسجد شاه مشهد و نزدیکی (مدرسه سلیمان‌خان) بنا نموده‌اند که از جهت معماری و زیبائی از مدارس نمونه علمی معاصر محسوب می گردد.

در این ایام که مشغول به تحریر این سطور می‌باشم معظم‌له مبتلا به کسالت شدیدی شده که برای معالجه به تهران آمده ولی موثر واقع نشده به مشهد مراجعت و در یکی از دهات اطراف مشهد بستری و دوران نقاهت و بیماری را می گذرانند. من اللّه علی المسلمین بشفاء وجوده انشاءاللّه.

آثار علمی آن جناب از این قرار است.

۱- شرح استدلالی به کتاب صلوه شرایع ۲- کتاب استدلالی در اجاره.

۳- کتاب استدلالی در مزارعه و مسافات ۴- کتاب در مبحث اوامر تا آخر استصحاب.

۵- کتاب در مضاربه استدلالی ۶- کتاب در تفسیر جزو عمه آخرین جزو از قرآن.

۷- رساله در بحث مشتق ۸- رساله در تحقیق صلوه جمعه.

۹- رساله در منجزات مریض ۱۰- رساله در تأمین والیا نصیب (قرعه‌کشی)

۱۱- رساله در احکام جلود و غیره ۱۲- حواشی بر کتاب الهدی الی دین المصطفی.

۱۳- حاشیه بر وسیله النجاه ۱۴- حاشیه بر عروۀالوثقی و غیره.

آیت‌اللّه میلانی دارای دو برادر به نام حاج سید موسی و حاج سید کاظم و سه پسر به نام ۱- حجۀالاسلام حاج سید نورالدین مقیم شهر ری ۲- حجۀالاسلام حاج سید عباس مقیم نجف ۳- آقای حاج سید محمدعلی مقیم مشهد و یک دختر می‌باشند.

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نادری، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نادری

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ در روستای «متیان شاهرود» متولد ابتدا در آنجا راهنمایی و دبیرستان را در علی آباد گرگان و دیپلم در آنجا اخذ نمودم. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی عازم قم شده، سال ۱۳۵۹ علوم قم و تا سال ۱۳۶۸ سطح را به پایان رساندم و

همزمان ۲ سال در جبهه بودم. سال ۱۳۷۲ وارد تخصصی حوزه شدم با دو تا گواهی درس خارج ، سال ۷۶ فارغ التحصیل شدم. ۷۸ – ۷۷ پایان نامه را نوشتم. سال ۱۳۸۰ دفاع کردم. سال ۸۱ – ۸۰ سطح چهار حوزه را اخذ نموده در کنار آن از سال ۱۳۷۲ مشغول تدریس در دانشگاه علوم انتظامی بوده و تالیفاتی نیز داشتم.
سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی درآمدم و یک مقاله علمی در نشریه علمی و ترویجی فصل نامه دانشگاه علوم انتظامی چاپ شد. دو تا گرایش درسی معارف، تاریخ اسلام و اخلاق را اخذ نمودم و دو مقاله ارائه نمودم. اکنون نیز حدود ۳۰ – ۲۵ اثر چاپ شده دارم. فعلاً مشغول تدوین مقاله و کتاب جدید نیز می باشم. ضمناً به عنوان استاد راهنما در موضوعات معارفی نیز می باشم. اکنون نیز مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی می باشم

نادم، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نادم

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیهٔ الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایهٔ، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیهٔ الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.
در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیهٔ الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.
بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم

مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.
با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناصر حسین، حامد حسین

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۶۱ -۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس‌العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آنگاه به لکنهو هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج‌البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنهو درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیرالمؤمنین (ع) و دفع ما اورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عبقات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السورة»؛ «مسند فاطمة بنت الحسین (ع)»؛ «اسباغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۲۰۱ -۲۰۰ / ۱۰)، الذریعه (۲۴۶ / ۲۴، ۱۱۵۴ / ۹)، ریحانه (۹۸ -۹۷ / ۶)، فوائدالرضویه (۹۲)، هدیةالاحباب (۱۷۷).

نامدار جویباری، عباس

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عباس نامدار جویباری

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس نامدار جویباری در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از یک سال به حوزه علمیه مشهد مقدس عزیمت نمودم و در مدت پنج سال، سطح مقدماتی و متوسطه را در جوار حضرت ثامن الائمه با استفاده از اساتید به نام آن سامان به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم گردیدم.

پس از اتمام سطح عالی نزد اساتید حوزه علمیه قم، در درس های خارج فقه و اصول اساتید و مراجع عالیقدر شرکت نموده ام و همزمان از محضر اساتید کلام و فلسفه نیز بهره برده ام. ضمن اینکه در تمام طول سنوات تحصیل قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب اسلامی از فعالیتهای مثبت سیاسی غافل نبوده ام .

از سال ۱۳۶۳ هجری شمسی عملا و به صورت آزاد وارد حوزه تدریس در حوزه علمیه قم شدم و ابتدا از اولین کتابهای حوزوی: «جامع المقدمات» شروع به تدریس نموده و در طول سنوات در همه مراحل و پایه های درسی حوزه به تدریس پرداختم و هم اکنون چند سال است که به تدریس درس خارج مشغولم.

نجاتی، صادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

صادق نجاتی

محل تولد : نجف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب صادق نجاتی در سال ۱۳۳۲ در شهر مقدس «نجف اشرف» متولد شدم و مرحوم پدرم نیز متولد نجف بوده است. پدر بزرگم از شهر کاشان جهت تحصیل به حوزه نجف رفته و آنجا زندگی تشکیل داده و مسکن وی آنجا بوده است و ما چون ایرانی بودیم و شناسنامه ایرانی داشتیم؛ در سال ۱۳۵۰ در برج ۱۰، توسط صدام خبیث اخراج شدیم که اینجانب از دبیرستان علاقه وافری پیدا کردم به ورود به حوزه که کلاس دهم بودم و کلاس یازدهم و دوازدهم را متفرقه خواندم و دیپلم را در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان شرافت بغداد گرفتم و همان سال اخراج شدیم و به حوزه علمیه قم آمدیم که بیشتر لمعه را در قم خواندم. چون در نجف اشرف (معالم، شرح باب حادی عشر، منطق مظفر، شرح ابن عقیل، مقداری از سیوطی، بحث باب تراجیح رسائل و اصول مظفر) را خوانده بودم.

درس رسائل نزد چند نفر از اساتید که عمده بحثهای آن، نزد حجةالاسلام و المسلمین مرحوم آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی خوانده ام و کفایه نزد آیات: حائری، مرحوم پایانی، آیت الله محمدی گیلانی و آیت الله سبحانی خواندم و مکاسب را نزد مرحوم آیت الله موحدی حجتی نجفی و آیت الله معرفت خواندم و یک مقدار اسفار نزد آیت الله گرامی و آیت الله جوادی آملی و تفسیر

نزد آیت الله خزعلی و درس خارج اصول و فقه نزد آیت الله العظمی وحید خراسانی و مقداری نزد آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله سبحانی و آیت الله مظاهری خواندم. مدتی در مدرسه شهید صدر به تدریس اصول فقه و حلقه اولی شهید صدر و لمعه مشغول بودم.

از سال ۱۳۵۰ برای تبلیغ به مناطق مختلف، اعم از روستا و شهر کشور رفتم و چند سالی به لبنان و کشور سوئد و فنلاند جهت تبلیغ برای عراقیهای مقیم آن دو کشور اعزام شدم و در سال ۱۳۶۱ به قضاوت در اهواز تا سال ۱۳۶۵ مشغول بودم و با اصرار خودم استعفا نمودم و دوباره در سال ۱۳۸۱ به قضاوت برگشتم و فعلاً در قم مشغول هستم و چند سالی در انتشارات جامعه مدرسین قم در بخش عربی مشغول به کار شدم و کار تحقیق شروع کردم. مسئول بخش عربی شدم و چند سالی در مجمع الفکر اسلامی نیز مشغول به تحقیق شدم و این توفیق را داشتم که مثل سایر برادران دیگر محقق در تحقیق کتابهای شیخ مرتضی انصاری از مکاسب و رسائل و صلاهٔ و سایر کتب ایشان مشغول شدم.

نجف‌آبادی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف بعد از ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. اهل نجف‌آباد اصفهان و از شاگردان شریف‌العلماء حایری بود. شیخ محمد نبی تویسرکانی، صاحب کتاب «لآلی الاخبار»، از شاگردان او بود که در ۱۲۷۹ ق از وی اجازه‌ی اجتهاد دریافت نمود. از آثارش: «حقائق‌الاصول» که در روزگار مؤلف، در ۱۲۸۶ ق به چاپ رسید.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۱۲۲ / ۴)، اعیان‌الشیعه (۴۶۹ / ۷)، الذریعه (۳۰ / ۷)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۲۷ -۷۲۶ / ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۲۰۸/ ۵).

نجفی راد، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسن نجفی راد

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ شمسی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه مقدسه مشهد شدم و تا سال ۵۶ تا پایان

سطوح عالی از محضر اساتید بزرگوار آن حوزه حضرات آیات و حجج اسلام آقایان: «موسوی نژاد»، «رضا زاده»، «فلسفی»، «مقام معظم رهبری» و ... استفاده کردم. از ابتدای سال ۵۷ برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه قم آمدم که با توجه به فضای انقلابی و درگیری های جاری، توفیق چندانی حاصل نشد و عملاً پس از پیروزی انقلاب و شروع درسهای حوزه، به درس خارج رفتم و از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات: «فاضل»، «وحید»، «منتظری»، «نوری» و ... بهره گرفتم.

از سال ۶۱ همزمان با تشکیل گروه های تحقیقی (مجله حوزه) به جمع دوستان پیوستم و در گروه معارف آن نشریه به عنوان مسئول گروه به فعالیت های پژوهشی و مطبوعاتی پرداختم که حاصل آن بیش از ۳۰ مقاله گروهی است. مدتی بعد مسئول گروه های پژوهشی مجله حوزه شدم و به عضویت هیئت تحریریه درآمدم. از سال ۷۶ به عنوان: «مسئول شورای سردبیری مجله حوزه و جانشین مدیر مسئول»، مسئولیت آن نشریه را عهده دار شدم.

از سال ۷۲ در کنار فعالیت در نشریه حوزه به همراه دیگر دوستان، نخستین نشریه نقد را با عنوان «کاوشی نو در فقه» راه انداختیم و سردبیری آن نشریه نیز به این جانب واگذار شد که نتیجه آن بیش از بیست مقاله و سرمقاله تخصصی بوده است. از سال ۷۸ به عنوان قائم مقام و معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) دفتر تبلیغاتی اسلامی مشغول به کار شدم و همچنان ادامه دارد.

نجفی قمشه ای، قدرت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

قدرت الله نجفی قمشه ای

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در شهرستان شهرضا (قمشه) در محله «فضل آباد» چشم به جهان گشودم. فرزند هفتم والدینم بودم. دوران کودکی را در دامن پر مهر مادری مؤمنه و سایه لطف پدری باتقوا و محب اهل بیت سپری کردم. در سن شش سالگی به مدرسه «خیام شهرضا» رفتم. شش کلاس ابتدایی را خدمت آموزگارانی دیندار و ارزشمند گذراندم. اولین انگیزه مهم و سرنوشت ساز طلبه شدنم؛ علاقه وافر پدرم به علماء و روحانیت بود. آن مرحوم هر ساله دهه آخر ماه صفر در منزلمان، عزاداری خامس آل عبا (علیهم السلام) را بر پا می کرد. آشنایی من با روحانیون اینگونه آغاز شد. همان وقت بعضی از آن عالمان راستین بنده را به آمدن در راه طلبگی تشویق می کردند. پدرم نیز نوع مواعظی را که از اهل منتبر می شنید برای ما بازگو می کرد؛ بدین ترتیب بنده عاشق طلبگی شدم و به ویژه بسیار به عرفان و فهم قرآن علاقه مند شدم.

این انگیزه ها در جانم بود تا بعد از طی کلاس ششم. روزی مغازه پدرم نشسته بودم که امام جماعت محلمان مرحوم «حاج آقا میرزا نصرالله زارعان» به انجا آمد و به پدرم گفت چند پسر داری؟ پدرم گفت: پنج پسر. ایشان گفت: دوست داری خمسش را به امام

زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بـدهی؟ پدرم گفت: حرفی ندارم. اگر همین «قدرت الله» تمایل داشـته باشد او را ببرید. ایشان به بنـده گفت: می آیی طلبه شوی؟ بنـده که جـانم منتظر جرقه ا ی بود فوراً گفتم: بلی. ایشان فرمود: فردا صـبح هنگام بین الطلوعین برای درس عربی به منزل ما بیا. و این آغاز طلبگی من بود.

تحصـیل در حوزه علمیه شـهرضا: پس از درک حضور حاج آقا زارعان و تلمذ خدمت ایشان، محضر بزرگان دیگری چون: «حجت الاسـلام حاج سـید فضل الله حجازی» و دیگر علمای محلی، دروس مقدمات: (سیوطی، مغنی، معراج السعادهٔ، منطق کبری و قانونچه طب ابن سینا) را به پایان بردم. تابسـتان ها که مفسـر، شاعر و عارف نامی مرحوم «محی الـدین الهی قمشه ای» به شـهرضا می آمـد؛ بنده که از شعر و عرفان، تفسیر و حالات ایشان بسیار متأثر بودم؛ «فصوص فارابی» را محضرشان تلمذ کردم. از همان زمان بود که آتش عشق به عرفان، حکمت و اخلاق در جانم شعله ور شد.

حـدود پنج سال در شـهرضا و در حجره ای از مـدرسه علمیه «حسـینیه سادات» به سـر بردم و در این میان گاهی به پدرم کمک می کردم تا آنکه انـدک انـدک عشق دارالعلم قم به دلم افتاد. اما کمیِ سن و تنگـدستی مادی قدری مردّدَم کرده بود تا آنکه روزی به پیشـگاه حکیم علی الاطلاق از قرآن مجیـد استخاره گرفتم که خوب آمـد و عزمم جزم شـد تا راهی دیار قم شوم. در همان اوان به محضـر مقـدس عارف واصل مرحوم «آیت الله حاج آقا رحیم ارباب» در اصـفهان شـرفیاب شدم و اسـتشاره و اسـتجازه کردم. ایشان دست الهی خود را بر سر بنده کشیده و دعا فرمود و مرا برای رفتن به قم و ادامه تحصیل علم و عمل به خدا سپرد.

امـا تحصـیل در قم: در حـدود هفـده سالگی به مـدرسه رضویه قم که به نورانیت و برکت مشـهور بود؛ رفتم و حـدود هفت سال در آنجا به سر بردم. بعد از خواندن کتاب: «مختصر و مطول»، کتب: (فقه، اصول، منطق و حکمت) را شروع کردم.

نجفی یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نجفی یزدی

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای مؤمن و متوسط متولـد شده و پدرم از روحانیون و علماء نجف اشـرف بوده و خانوادهٔ ما (عموها، دو برادر و ...) از اهل علم می باشـند. در همان سال های اولیه دوران دبیرسـتان برای مطالب دینی، عقاید و فقه بسـیار حساس بودم و همواره به دنبـال ادلـهٔ تحقیقی مطـالب بوده و کتـاب های متعـددی را مطالعه می کردم. همین نکته (به همراه عنایت و شوق الهی) مرا به حوزه علمیه و دروس دینی کشانـد و در تهران مـدرسه «آیت الله مجتهـدی» (حفظه الله) مشـغول شدم. حدود سه سال به فراگیری ادبیات و منطق پرداختم و سپس راهی حوزه علمیه قم شـدم. دروس سـطح را نزد اساتیـد بزرگوار آنجا خوانـدم از جمله: «آیت الله اسـتادی»، «اشتهاردی»، «محقق»، «خرازی»، «موسوی» و ...

سپس در سال ۶۰ یا ۶۱ به درس خارج «آیت الله وحید» و «آیت الله تبریزی» رفتم؛ پس از مدتی به عللی منحصرا درس «آیت الله تبریزی» را برگزیدم و فقه و اصول را نزد ایشان بیش از ۱۲ سال گذراندم. از همان سالهای شروع بحث و درس در حوزه، به تدریس پرداختم و تا کنون نیز روزی چهار ساعت بحث دارم، حتی ایام تعطیل نیز برای عده ای از دوستان بحث های مختلفی دارم. عمده مباحث اینجانب در فقه و اصول است که عمده به بحث خارج فقه، مکاسب محرمه اختصاص دارد. البته چون اینجانب به عنوان هیئت علمی در مدرسه امام خمینی (قدس سره) به تدریس مشغول هستم و مقداری از وقت اینجانب آنجا صرف می شود.

نجفی، انورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

انورعلی نجفی

محل تولد : نجف الاشرف

شهرت

تابعیت : پاکستان

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین انورعلی نجفی در سال ۱۳۷۰ میلادی در خانواده ای روحانی در شهر مقدس نجف اشرف دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات اکادمی و اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه «ولی عصر خوانسار» شد و در مدت سه سال دروس مقدمات و سطوح را به اتمام رسانید و درظرف دو سال سطوح عالیه را در حوزه علمیه قم به پایان رسانید.

از سال ۱۳۷۶ دروس خارج آیات عظام بالاخص: «مرحوم آیت الله العظمی شیخ وحید خراسانی (دام ظله)» و «مرحوم آیت الله العظمی شیخ میرزا جواد تبریزی (قدس سره)» شرکت نمود. در همین سالها در کنار درس و بحث و تدریس سطوح عالیه و تبلیغ موفق است که دست و بازو توانا برای والد معظم شان حضرت حجةالاسلام و المسلمین «حاج شیخ محسن علی نجفی (دامت برکاته)» باشد و مدیریت و تلاش بی وقفه ایشان در ارائه خدماتی ارزشمندی به جامعه شیعیان پاکستان سهم به سزائی داشته است.

نجفی، حافظ

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حافظ نجفی

محل تولد : خدابنده

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حافظ نجفی در ۸ / ۱۲/ ۱۳۴۳ در روستای «کبوترک» از توابع شهرستان خدابنده استان زنجان دیده به جهان گشوده است. به دلیل روحیه مذهبی خانواده به ویژه والد محترم، علاوه بر حضور در مدرسه دولتی در سال ۱۳۵۴ برای تحصیل علوم دینی به شهر «هیدج» فرستاده می شود. حدود دو سال در آن شهر نزد اساتید حوزه، دروس مقدماتی را گذرانیده و در پاییز سال ۵۶ به حوزه مقدسه قم آمده و ضمن ادامه دروس حوزوی با آوازه انقلاب و نام امام خمینی (قدس سره) آشنا می شود. در پاییز سال ۵۷ به اصفهان هجرت نموده و پس از یک سال و اندی برای ادامه تحصیل به قم مراجعت می نماید. با شروع جنگ تحمیلی ضمن ادامه تحصیل، طی هشت نوبت به جبهه های جنگ اعزام شده و دَین خود را به اسلام و نظام اسلامی ادا می کند.

وی در سال ۶۷ کلیه دروس سطح حوزه را گذرانیده و در محضر درس خارج مراجع بزرگوار تقلید حضرات آیات عظام: «وحید خراسانی»، «شیخ جواد تبریزی»، «مکارم شیرازی» و «محمد فاضل»، مدت شش سال در درس خارج حضور می یابد. همزمان با درس خارج در موسسات پژوهشی همچون: (انتشارات جامعه مدرسین، مجمع فکر اسلامی، مرکز معجم فقهی، بنیاد نهج البلاغه) حضور یافته و در تحقیق آثاری همچون: (کتاب قضا، شهادات، بخشی از کتاب الصلاهٔ، کتاب الطهارهٔ مرحوم شیخ انصاری، بخشی از مجمع الفائده مقدس اردبیلی، مختلف الشیعه علامه حلی، تفسیر کنزالدقایق، کتاب نجاهٔ العباد مرحوم صاحب جواهر، تعلیقهٔ مرحوم آقا ضیاء بر کفایهٔالاصول و معارف نهج البلاغه در شعر شاعران)، نقش ایفا می کند. و همزمان با فعالیت های فوق، دروس مقدماتی حوزه را تدریس نموده و در بهار سال ۷۳ با پیشنهاد «شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور» به عنوان امام جمعه شهرستان بوانات (استان فارس) به آن دیار اعزام شده و در پاییز سال ۷۷ از آنجا منتقل و به امامت جمعه فرخ شهر (استان چهار محال و بختیاری) منصوب میشود.

وی در تابستان سال ۸۰، به پیشنهاد ریاست شورای سیاست گذاری ائمه جمعه به امامت جمعه شهر ساوه منصوب شده و در مدت بیش از چهار سال در آن شهر علاوه بر مدیریت حوزه علمیه ولی عصر (علیه السلام) ساختمان مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) را با بیش از چهار هزار متر مربع و با ظرفیت اسکان و تحصیل چهار صد نفر، ساخته و مدرسه سفیران هدایت (طرح آموزش تخصصی کوتاه مدت) را در آن شهر دایر می نماید.

وی در طول مدتی که در بیرون از قم به فعالیتهای علمی و فرهنگی اشتغال داشته، حدود پنج سال در سه دانشگاه و بیش از پانزده سال در چندین حوزه علمیه تدریس نموده است. وی تا کنون بیش از ده جلد کتاب و دهها مقاله پیرامون موضوعات مختلف تالیف نموده و هم اکنون کتاب: «اصول کلاسداری و راهنمای آن» را با سفارش معاونت تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم در دست تدوین داد.

نجفی، زین العابدین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زین العابدین نجفی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب زین العابدین نجفی دوران ابتدایی را در زادگاهم «کرسام» گذراندم و پس از آن در حدود سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه ساری شدم. دروس مقدمات را تا پایان «حاشیه ملاعبدالله» در ساری در مدرسه «حاج مصطفی خان» خواندم و در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم که تا سال ۱۳۶۲ سطح را تمام کردم و همزمان دروس کلاسیک را به صورت شبانه یا متفرقه خواندم و در سال ۱۳۶۲ در رشته «اقتصاد» دیپلم گرفتم. ضمناً تحصیلاتم را در قم مجدداً از کتاب «حاشیه ملاعبدالله» شروع کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج فقه و اصول حوزه شرکت کردم و یک دوره خارج اصول به مدت شش سال را خدمت «آیةالله مکارم» طی کردم و نیز خارج فقه را در محضر «آیةالله فاضل» و «آیةالله وحید خراسانی» خواندم. بنده تدریس را به صورت رسمی در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم. در همان سال بود که در مدرسه «آیةالله گلپایگانی» در خیابان صفائیه به تدریس ادبیات پرداختم. سپس چندین سال در مدرسه های آیةالله حقانی و الهادی کتابهای: (مختصر، معالم، شرح لعمه و اصول فقه) را تدریس کردم.

از سال ۱۳۷۴ تدریس سطح عالی را در مدرسه آیةالله گلپایگانی واقع در اول چهار مردان شروع کردم و اکنون چند سال است که اشتغال به تدریس کفایة الاصول در همین مدرسه دارم. تدریس در دانشگاه را از سال ۱۳۶۲ شروع کردم و در موضوعات: (ادبیات عرب، فقه استدلالی، مباحث اصول، آیات الاحکام، فقه الحدیث و تاریخ حدیث تدریس نمودم، و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه با رتبه استاد یاری هستم. لازم به ذکر است که پس از اخذ مدرک سطح چهارم حوزه، با توجه به سابقه تدریس که در دانشگاه داشتم و مقالاتی که در مجله های علمی پژوهشی تدوین کردم و نیز با توجه به مدرک سطح چهارم حوزه، در وزارت علوم، امتحان و مصاحبه دادم و حکم استادیاری برایم صادر شده است.

نجفی، محمد طه

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۲۳ -۱۲۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شیخ عبدالرضا طفیلی و دایی‌اش، شیخ جواد، فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین بحرالعلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر

«الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الرواة» بود؛ «الفوائد السنیهٔ» یا «القواعد النجفیهٔ» که حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء المخلصین» حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه» بحرالعلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار الاقامهٔ فی الاسفار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۴۶/ ۷)، اعیان‌الشیعه (۳۷۵/ ۹)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۵)، الذریعه (۲۶ -۲۵/ ۱۸ ،۳۴۳/ ۱۶ ،۲۱۶/ ۱۱ ، ۲۰۷/ ۶ ،۳۹۷/ ۲ ،۸۳/ ۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۹۶۷ -۹۶۱/ ۱۴)، علماء معاصرین (۸۴ -۸۳)، فوائدالرضویه (۵۴۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۷۰ -۱۲۶۹/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۰۷/ ۱۰)، مکارم‌الآثار (۱۱۵۵ -۱۱۴۹/ ۴).

نجفی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجفی

محل تولد : شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای هریس از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقهٔ الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند.مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی حاج میری آقا عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره) و سید علی آقا پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند . دوران کودکی ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد.

دوران تحصیل:

هشت نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان و تنبیه الغافلین و... آموزش داده می شد.در تدریس برخی از این کتابها علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه طالبیه تبریز برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم.پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی- با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم- ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود اینجانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل این جانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه خیرات خان از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود آیت الله العظمی میلانی از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب سیری در صحیحین از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا(ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه آیت الله العظمی آقای بروجردی (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه خیرات خان و گاهی در مدرسه میرزا جعفر- داخل صحن مطهر- اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب سیری در صحیحین چند ماه با اجازه آیت الله العظمی میلانی در مدرسه وی ودر حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد.

تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان دین و دانش قم تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم- با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس- در آن شرکت می نمودیم.

اساتید:

در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام، عبارتند از:

۱- قسمتی از مغنی را از شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس شیخ ابوالفضل علمایی سرابی در قم و بخش دیگر آن را از شیخ عبد الله نورانی در مشهد مقدّس استفاده کرده ام.شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای صائینی زنجانی و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد شهید مفتح فرا گرفتم.از درس فلسفه مرحوم شهید مطهری که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و همچنین از درس فلسفه مرحوم آقای الهی برادر علامه طباطبائی نیز بهره گرفته ام.بخش مهم جلدین لمعه را از سید جواد خطیبی که

در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای جاج شیخ محمد حقی سرابی فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از آیت الله مشکینی و بعضی از ابواب آن را از استاتید دیگر مانند آیهٔ الله سبحانی فرا گرفتم. قوانین را از آیهٔ الله موسوی اردبیلی و بخشی از رسائل را از آیهٔ الله مشکینی و قمستی دیگر را از آقای سبحانی و باب تعادل و تراجیح را از آیهٔ الله احمدی میانجی آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از آیهٔ الله سلطانی و بخش دیگرش را از آقای مجاهدی فرا گرفتم.

در تفسیر ابتدا از آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی، آیهٔ الله مشکینی و آیهٔ الله خزعلی بهره بردم. از حسن اتفاق استاد علامه حسن زاده آملی در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم. در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند میلانی، شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، داماد و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام(ره) خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود.

دوستان و معاشران:

در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم:

برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی(ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و... گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثررا به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

عوامل موثر بر شخصیت علمی و اخلاقی: من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث اشاره می کنم که در روی آوری اینجانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است.

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه ندای حق و مجله مکتب اسلام نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت.وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود.همان گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان صبر از نظر اسلام هم درهمان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق(ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید. به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه آیهٔ الله حاج شیخ عباس تهرانی آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیه و به دستور آیهٔ الله العظمی حجت تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می

جستم.او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی. فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم.

عوامل موثر بر شخصیت سیاسی و اجتماعی:تقریبا درهمان سال های اول ورودم به قم دو سید بزرگوار(شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند.آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند. حضور شهید نواب صفوی درنماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انداز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی کسروی، هژبر و رزم آرا آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی- عامل مستقیم اعدام رزم آرا- از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب و فراموش نشدنی و برای من شور انگیز وحرکت آفرین بود.

این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست،تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت.عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروة الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است. این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم.

گرچه درزمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواظعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه- در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخن رانی ها و اعلامیه های صریح وی- موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

فعالیت های علمی:

اینجانب به فضل پرودگار علاوه بر تحصیل علوم حوزوی بر بعضی از کتاب های درسی مانند رسائل، شرح نوشته ام و تقریرات دروس خارج را تدوین کرده ام. هم چنین به مطالعه و تحقیق در حدیث و تاریخ پرداختم که نتیجه آن تألیف و ترجمه بیش از سی جلد کتاب است که برخی را با همکاری آقای هریسی تألیف کرده ام، اینجانب بر اثر علاقه فراوانی که به مطالعه و دیدار از کتاب خانه دارم در سال ۱۳۵۴ شمسی به دمشق مسافرت کرده، ضمن دیدار از کتاب خانه ها به ویژه کتاب خانه ظاهریه- که قدیمی ترین و غنی ترین کتاب خانه موجود آن روز پیش از تأسیس کتاب خانه الاسد بود- بهره وافر بردم. در بهار سال ۱۳۵۶ شمسی نیز به همین منظور سفری به ترکیه نمودم و از شهرهای مختلف این کشور دیدن کردم و بیش ترین مدت اقامت من در استانبول بوده که در این مدت از کتاب خانه سلیمانیه که از جامع ترین و غنی ترین کتاب خانه ها در خاورمیانه است، استفاده نمودم. درزمستان سال ۱۳۶۰ شمسی به دعوت علمای شیعه هند به این کشور سفر کردم و در مدت اقامت بیش از یک ماه از شهرهای بمبئی، لکهنو، بناری، جانپور و.... دیدار و از کتاب خانه مرحوم صاحب عبقات و مدرسه الواعظین در لکهنو بهره مند شدم.

فعالیت های و مبارزات سیاسی:

پس از پانزدهم خرداد و دستگیری امام (ره) تصور من از روحانیت آذربایجان این بود که اکثر آنان شناختی از امام و حرکت او ندارند و این تصور و برداشت موجب شد تا به شهرهای مختلف مسافرت کنم و روحانیون آذربایجان را از اوضاع روز آگاه نمایم. از این رو، به شهرهای مختلف،مانند سلماس، خوی و ماکو- از شهرهای آذربایجان غربی- مسافرت کرده، با بعضی از آنان تماس گرفتم که متأسفانه با بی مهری و عدم پذیریش بعضی از آنان روبه رو شدم که یکی از علل آن، جوانی و بی تجربگی بنده از نظر آنان بود.

در ۲۵ محرم در مسجد جامع ماکو پس از یک سخنرانی تند و بیان صریح مواضع امام،دستگیر شدم و به زندان ساواک شهرستان خوی منتقل گردیدم. پس از چند روز- طبق سیاست کلی طاغوت درباره آزادی روحانیون – به جای اعزام به تهران به ظاهر آزاد شدم؛ اما تحت مراقبت و نظارت پاسگاه محل قرار گرفتم. این مزاحمت ها و محدودیت ها به صورت مختلف در قم ادامه داشت.

فعالیت های اجتماعی:

از فعالیت های اجتماعی اینجانب تکمیل و راه اندازی مدرسه نمازی خوی بود که پس از انقلاب به دستور امام(ره) تجدید بنا شد و پس از ورود این جانب به خوی،کار ساختمانی آن با کمک اهالی وروحانیت محترم ادامه یافت ومورد بهره برداری قرار گرفت .تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی در خرداد ماه ۱۳۶۴ از دیگر فعالیت های این جانب است. فعالیت این دانشگاه با چهار هزار دانش جو در دو بخش جداگانه پسرانه و دخترانه الگویی برای دانشگاه ها می باشد.

مسولیت ها:

مسئولیت علمی انتشارات جامعه مدرسین، اولین مسئولیت اینجانب بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با تأسیس انتشارات جامعه مدرسین، مسئولیت علمی این مؤسسه به عهده این جانب گذاشته شد. از اواسط سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۱۳۶۰ شمسی به طور موقت عهده دار امامت جمعه سلماس بودم و پس از آن برای تکمیل تألیفات و ادامه تحقیق و بررسی های قبلی به قم مراجعت نمودم.در تاریخ ۱۹/۱/۱۳۶۱ شمسی از سوی امام امت(ره) به سمت امامت جمعه خوی منصوب گردیدم.در سال ۱۳۶۹ شمسی از سوی جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران برای نمایندگی دوره دوم مجلس خبرگان از آذربایجان غربی داوطلب شدم و از سوی مردم این استان به نمایندگی برگزیده شدم.در مدت اقامتم در سلماس و خوی در دوران دفاع مقدس تا آنجا که امکانات اجازه می داد، در خدمت دفاع مقدس بودم. علاوه بر تشویق برای تأمین نیروی انسانی و کمک های مردمی، در مقاطع مختلف به ویژه د رهنگام عملیات رزمندگان اسلام در جبهه غرب یا جنوب کشور توفیق حضور در کنار این عزیزان شامل حال ما می گردید و در داخل سنگرها و در زیر چادرها از معنویات این عزیزان و از روحیه والای آنان نیرو می گرفتم و درس ها می آموختم.

نجمی، محمدصادق

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد صادق نجمی

محل تولد : براین- شبستر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد صادق نجمی به سال ۱۳۱۵ شمسی در روستای «هریس» از توابع شبستر به دنیا آمدم. پدرم ثقهٔ الاسلام حاج میرزا احمد آقا هریسی و چند تن از اجدادم از علما و روحانیون مورد اعتماد مردم بوده اند. مادرم از سادات کوه کمری است. پدر وی «حاج میری آقا» عموی آیت الله العظمی حجت (ره) می باشد. اینجانب تا حدود ۱۵ سالگی در همان روستا که دارای مردمی متدین می باشند؛ رشد کرده ام. روستائی که در اثر فراوانی آب از طراوت و خرمی برخوردار است. مردم این روستا علاقه‌مند به مذهب و اهل بیت (ع) و پایبند به اصول اخلاقی می باشند و سابقهٔ طولانی وجود خانواده های متعدد و بزرگی از سادات و روحانیون در این محل موجب شد تا آنان به دین علاقه‌مند شوند و از ایمان راسخ برخوردار گردند. مراجع و عالمان بزرگ و معروفی مانند: «آیت الله العظمی سید حسین کوه کمری (ره)» و «سید علی آقا»؛ پدر آیت الله العظمی حجت در این روستا متولد شدند و دوران کودکی خود را در این محل سپری کرده اند.

دوران کودکی‌ام را در دامان چنین پدر و مادری و در چنین محیط مذهبی سپری کردم و شالوده فکری و اعتقادی من در چنین محیطی پی ریزی شد. هشت یا نه ساله بودم که به مکتب خانه رفتم. تحصیل را با روخوانی قرآن شروع کردم و پس از آن با بخشی از ادبیات فارسی آشنا شدم. در آن روز در مکتب خانه های آذربایجان: «گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ وصاف، ابواب الجنان، تنبیه الغافلین و ...) آموزش داده می شد. در تدریس برخی از این کتابها، علاوه بر فراگیری ادبیات فارسی، آموزش مسائل اخلاقی نیز مورد توجه بود.

پس از این دوره، در نزد پدرم «جامع المقدمات، سیوطی و شرح جامی» را فرا گرفتم. تقریبا در پانزده سالگی پدرم مرا به مدرسه «طالبیه تبریز» برد و از آن زمان به بعد من هم به صف طالبان علوم دینی پیوستم. شوق فراوانی نسبت به تحصیل علوم دینی داشتم. پس از یک سال و چند ماه توقّف در تبریز و تکمیل کردن درس هایی که نزد پدرم آغاز کرده بودم، سرانجام در اواخر تابستان سال ۱۳۳۲ شمسی (با این که از لحاظ تأمین معاش وضع مناسبی نداشتم) ره سپار حوزه علمیه قم شدم و با فضل خداوند در مدرسه فیضیّه سکونت گزیدم. ورود این جانب به قم، مصادف بود با ماه محرم سال ۱۳۷۲ قمری، چهار ماه پس از ورودم به قم، در ماه جمادی الاولی، حضرت آیت الله العظمی حجّت رحلت کرد.

دوران تحصیل اینجانب از این تاریخ تا سال ۱۳۵۹ شمسی، یعنی تقریباً سی سال ادامه داشت. در این مدّت علاوه بر تحصیل و تدریس دروس متداول حوزه علمیّه، به تألیف و ترجمه کتاب های متعدّدی موفّق شدم و هذا من فضل ربّی. بیش ترین تحصیل این جانب در حوزه علمیّه قم و بخشی دیگر در حوزه علمیه مشهد بود؛ زیرا تقریباً نه ماه پس از ورودم به قم که هوا رو به گرمی می رفت، والدینم به قصد زیارت مشهد، وارد قم شدند و من نیز به همراه آنان به مشهد مقدّس عزیمت نمودم. در این سفر، پدرم مقدمات توقّفم را در تعطیلات تابستانی در حوزه علمیه مشهد؛ فراهم کرد و اجازه اقامتم را در یکی از حجره های مدرسه «خیرات خان» از متولی این مدرسه آقای دربندی دریافت نمود. این برنامه که مصادف با اولین ماه های ورود «آیت الله العظمی میلانی» از عراق به مشهد مقدس برای تعطیلات تابستانی بود، در سال های بعد هم برایم الگو شد و اکثر تعطیلات تابستانی را در مشهد مقدس مشغول تحصیل و مطالعه می شدم. تألیف کتاب: «سیری در صحیحین» از ثمرات این حوزه مقدس و از عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (ع) می باشد.

در حوزه علمیه قم مدتی در مدرسه فیضیه و مدتی در مدرسه «آیت الله العظمی آقای بروجردی»: (مدرسه خان) و مدتی نیز در مدرسه حجتیه اقامت داشتم. در مشهد مقدس نیز گاهی درمدرسه «خیرات خان» و گاهی در مدرسه میرزا جعفر (داخل صحن مطهر) اقامت داشتم. پس از انتشار جلد اوّل کتاب: «سیری در صحیحین» چند ماه با اجازه «آیت الله العظمی میلانی» در مدرسه وی و

در حجره مخصوص او اقامت داشتم. این در شرایطی بود که مطالعه و تألیف جلد دوم همین کتاب را پی گیری می کردم و عنایات خاص آن مرد بزرگ نیز تشویقی بر ادامه این تألیف بود و جلد اوّل همین کتاب را با تفسیر المیزان و المراجعات به عنوان جایزه به طلاب هدیه می داد. تحصیلات من تنها در علوم حوزوی بود؛ اما با تلاش آیت الله شهید بهشتی یک کلاس آموزش زبان انگلیسی شبانه در دبیرستان «دین و دانش قم» تشکیل می شد و عده ای از طلاب که بنده هم جزء آنان بودم (با وجود محدودیت و عدم استقبال از این درس) در آن شرکت می نمودیم.

در دوران تحصیل از اساتید متعدّدی استفاده نمودم و از محضر بزرگانی بهره‌مند شدم که معروف ترین آنان به همراه دروسی که از آنان فرا گرفته ام:

۱- قسمتی از مغنی را از «شیخ علی اکبر اهری معروف به نحوی» در تبریز فراگرفته ام. وی در عین کهولت سن، دقایق و ظرایف مغنی را با تمام شوق و علاقه به شاگردان می فهماند.

۲- قسمتی از مطوّل را از درس «شیخ ابوالفضل علمایی سرابی» در قم و بخش دیگر آن را از «شیخ عبدالله نورانی» در مشهد مقدّس استفاده کرده ام. شرح شمسیه را به طور خصوصی و به همراه آقای عمید زنجانی از مرحوم آقای «صائینی زنجانی» و شرح منظومه سبزواری را از مرحوم استاد «شهید مفتح» فرا گرفتم. از درس فلسفه مرحوم «شهید مطهری» که در ایام تعطیلی در قم تدریس داشتند، و هم چنین از درس فلسفه مرحوم آقای «الهی»: (برادر علامه طباطبائی)، نیز بهره گرفته ام. بخش مهم جلدین لمعه را از «سید جواد خطیبی» که در تدریس لمعه معروف بود و سابقه ای طولانی داشت، و بخش دیگر را از آقای «حاج شیخ محمد حقی سرابی» فرا گرفتم و قسمتی از ابواب این کتاب را که آن روز تدریس آن ها رایج نبود، با یکی از دوستانم مباحثه می کردم.

۳- بخش مهم مکاسب را از «آیت الله مشکینی» و بعضی از ابواب آن را از اساتید دیگر مانند: «آیهٔ الله سبحانی» فرا گرفتم. قوانین را از «آیهٔ الله موسوی اردبیلی» و بخشی از رسائل را از «آیهٔ الله مشکینی» و قسمتی دیگر را از آقای «سبحانی» و باب تعادل و تراجیح را از «آیهٔ الله احمدی میانجی» آموختم. بخشی مهم کفایهٔ الاصول را از «آیهٔ الله سلطانی» و بخش دیگرش را از آقای «مجاهدی» فرا گرفتم. در تفسیر ابتدا از «آیهٔ الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی» و مدتی از تفسیر علامه طباطبائی «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله خزعلی» بهره بردم. از حسن اتفاق، استاد «علامه حسن زاده آملی» در بدو ورودشان به قم، مدتی در مدرسه حجّتیه اقامت گزید. در این فرصت به ایشان ارادت پیدا کردم و بخشی از هیئت قدیم را از ایشان استفاده کردم و این موجب شد که پس از تعطیلی این درس، با مباحثه هیئت فلاماریون با هیئت جدید نیز تا حدّی آشنا شوم.

در درس خارج فقه و اصول از اساتید متعددی مانند: «میلانی»، «شیخ مرتضی حائری»، «گلپایگانی»، «داماد» و سایر بزرگان و اساتید بهره بردم. مدت بهره بری از برخی آنان طولانی و از بعضی دیگر نسبتا کوتاه بوده است. مدت استفاده ام از درس امام (ره)، خیلی کوتاه بوده؛ زیرا درست در شرایطی که آماده استفاده از درس آن زعیم عالی قدر می شدم، رژیم طاغوتی حوزه را از وجود وی محروم نمود. در طی دوران طولانی تحصیل طبعا دوستان و هم درسان فراوانی داشتم که تعدادی را که با آنان معاشرت بیش تر و دوستی طولانی تری داشته ام، نام می برم: «برادران مجتهد شبستری، شیخ حسین حقانی زنجانی، ابوالفضل موسوی تبریزی، عمید زنجانی، سید هادی خسرو شاهی، آقای سید مجید ایروانی (ره) و آقای هاشم زاده هریسی نماینده فعلی تبریز در مجلس شورای اسلامی و ...». گفتنی است با آقای هریسی علاوه برهم بحث بودن در زمینه تألیف یا ترجمه کتاب نیز همکاری داشتم و تاکنون هفت اثر را به اتفاق ایشان تألیف یا ترجمه کردم.

من خود را از لحاظ علم و اخلاق در سطحی قابل طرح نمی دانم؛ ولی از باب «و أمّا بنعمهٔ ربّک فحدث» اشاره می کنم که در روی آوری این جانب به تحصیل علم و دانش، دو عامل مؤثر بوده است:

۱- روحانی بودن پدرم؛ او عاشق کتاب و مشتاق مطالعه بود و هیچ گاه اطرافش از کتاب خالی نبود و این در حالی بود که در آن

دوران دست رسی به نشریات مذهبی مشکل بود و به جز هفته نامه «ندای حق» و مجله «مکتب اسلام»، نشریه مذهبی دیگری وجود نداشت. وی مدّتی طولانی جزء مشترکان این هفته نامه ها بود. وقتی به بهانه های مختلف از سوی رژیم طاغوت این مجلات توقیف می شد، پدرم بسیار ناراحت می شد و بی صبرانه منتظر رفع توقیف آن بود و چنین محیطی در جلب توجّه و ایجاد علاقه من به مطالعه و درس بسیار مؤثر بود. همان‌گونه که در بینش اجتماعی و سیاسی این جانب نیز بی تأثیر نبود. جالب این که اوّلین مقاله حقیر تحت عنوان: «صبر از نظر اسلام» هم در همان هفته نامه منتشر شد.

۲- تشویق و ترغیب پدر؛ علاوه بر شرایط محیط خانواده، پدرم با بیانات مختلف مرا به درس و بحث تشویق و ترغیب می نمود و از مزایای علم و دانش و تکامل معنوی با من سخن می گفت و گاهی با این جمله مورد خطابم قرار می داد که: (اگر بخواهی به مراتب عالی از نظر علم و عمل نایل گردی، باید اراده ات آن چنان قوی و همتت آن چنان عالی باشد که خواهان رسیدن به مرتبه امام صادق (ع) باشی؛ زیرا اگر قصد کنی که به درجه علامه حلی برسی، به مرتبه یک عالم متوسط خواهی رسید).

به توفیق الهی از اوایل ورودم به حوزه علمیه قم با جلسه درس اخلاق و دعای ندبه «آیة الله حاج شیخ عباس تهرانی» آشنا شدم. این درس در سالن کتاب خانه مدرسه حجّتیه و به دستور «آیة الله العظمی حجت» تشکیل می شد. این برنامه سالیان متمادی و تا هنگام وفات آقای تهرانی ادامه داشت. در بعضی از شب های جمعه در جلسه درس اخلاق و دعای کمیل آقای حاج سیّد حسین (معروف به پیرمرد) شرکت می جستم. او مردی اخلاقی و ابوذر زمان بود و از نظر تربیتی و تأثیر معنوی، فوق العاده بود. در ایامی که هوا مساعد بود؛ شب های جمعه را پیاده به مسجد جمکران مشرف می شدیم و از معنویت این مسجد بهره می گرفتیم. تقریبا در همان سال های اول ورودم به قم، دو سید بزرگوار (شهید نواب صفوی و شهید واحدی) با قیافه های نورانی در نماز جماعت مدرسه فیضیه توجه مرا به خود جلب کردند. آنان با سخنرانیهای شور انگیز خود بر ضد طاغوت در گرایش من به مباحث سیاسی، تأثیری عمیق داشتند.

حضور شهید نواب صفوی در نماز جماعت فیضیه با آن قیافه معنوی و با عمامه سبز که به صورت ساده و آخر صفوف عبای خویش را زیر انداز می کرد، برای همه کسانی که با مبارزه او با بی دینی و حرکتش در اعدام انقلابی (کسروی، هژبر و رزم آرا) آشنا بودند، جاذبه خاصی داشت. آزادی خلیل طهماسبی (عامل مستقیم اعدام رزم آرا) از زندان و ورود وی به شهر قم و اجتماع مردم در خیابان های این شهر برای تقدیر از این سمبل شجاعت و از خود گذشتگی در راه ایمان و عقیده، خاطره ای جالب، فراموش نشدنی، شور انگیز و حرکت آفرین برای من بود. این علاقه موجب شد تا جریان فدائیان اسلام و محاکمه آنان را که پس از تیراندازی ناموفق به حسین علاء نخست وزیر وقت به وقوع پیوست، تعقیب کنم. جریان شهادت شهید واحدی به دست تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران و شهامت و شجاعت شهید نواب و یارانش در جلسات محاکمه و به هنگام شهادتشان که تکبیر گویان به سوی میدان تیر حرکت کردند، نقل مجالس و درس عشق و فداکاری بود و بیش از پیش در روحیه این جانب اثر گذاشت. عکس شهید نواب صفوی را که با لباس شخصی و بدون عمامه در دادگاه نظامی حاضر شده بود، در همان تاریخ در پشت جلد کتاب عروة الوثقی چسبانده بودم. امروز هم برای من جالب و خاطره انگیز است.

این جریانات موجب شد که به عالمان مبارزی چون آیت الله کاشانی ارادت بیش تری پیدا کنم. گرچه در زمان حیات آیت الله العظمی بروجردی، نسبت به امام امت به عنوان یکی از مراجع حوزه ارادت می ورزیدم و گاهی به زیارتش می شتافتم، ولی پس از ارتحال آیت الله بروجردی، علاقه ام به او بیش تر شد، حرکت متواضعانه و مخلصانه امام (ره) در رد تقاضای انتشار رساله عملیه و دوری از حریم ریاست و مرجعیت با وجود شرایط مناسب و حضور جدی آن بزرگوار در صحنه مبارزه (در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی و سخنرانی ها و اعلامیه های صریح وی) موجب ارادت و علاقه بیش تر این جانب به وی گردید و گویا گم شده خود را در وجود او پیدا کردم. این ارادت با تشدید مبارزات در سالهای بعد و با زندانی و تبعید شدن امام (ره) افزون تر شد تا این

که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و ما خود را موظّف دانستیم تا آن جا که در توان داریم، در خدمت انقلاب باشیم و در مسیری که امام ترسیم می کردند، حرکت کنیم.

نخبه، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علیرضا نخبه

محل تولد : تنکهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۰ تا ۶۱ پس از اخذ دیپلم در حوزه علمیه مدرسه «امام صادق» (علیه السلام) مشغول به تحصیل شدم و پس از پایان سطوح عالی سال ۱۳۶۸ به درس خارج مشغول شدم و در درس اساتیدی چون: «آیة الله وحید خراسانی»، «آشیخ جواد تبریزی (ره)»، «آیة الله زنجانی»، «آیة الله منتظری» و «آیة الله مدرس» شرکت نمودم البته بخاطر برخی اشتغالات متاسفانه به صورت مداوم موفق به شرکت نشدم. و در ضمن در طی سالهای ۶۳ تا ۷۳ از دانشگاه مفید به «کارشناسی حقوق» مشغول بودم. از سال ۸۱ تا ۷۳ نیز در موسسه «تنظیم و نشر آثار امام»، روی کتابهای امام (ره) تحقیق کرده ام. از سال ۸۱ تا کنون نیز در معاونت آموزشی موسسه، در قسمت آموزش اندیشه های امام، اشتغال دارم.

نراقی، احمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۴۵ / ۱۲۴۴ -۱۱۸۶/ ۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی

پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ»، در فقه؛ «وسیلهٔ النجاهٔ»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادهٔ»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامهٔ و برهان الملهٔ»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرارالحج. ۴- حجیهٔ المظنهٔ. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف‌الامهٔ ۸- شرح تجریدالاصول. ۹- طاقدیس شامل مثنویات او. ۱۰- عین‌الاصول. ۱۱- معراج‌السعاده. ۱۲- مفتاح‌الاحکام. ۱۳- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۲۴۵ / ۱)، اعیان‌الشیعه (۱۸۴ -۱۸۳ / ۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۲ /۳۵، ۱ /۳۳۱) حدیقهٔالشعراء (۱۰۳۱ -۱۰۲۷ / ۲) الذریعه (۱۷۸ -۱۷۷، ۸۵/ ۲۵، ۱۶/ ۲۳، ۳۵۰، ۳۴۱- ۳۴۰/ ۲۲، ۳۱۷، ۳۱۵، ۲۳۰، ۲۲۹- ۱۵، ۱۴- / ۲۱، ۱۷ /۱۴۰، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۵ /۱۳۴، ۱۹۵، ۱۳ /۱۳۸، ۱۲ /۲۸۶، ۱۱ /۱۲، ۱۱۸۱، ۹ /۶۱۰، ۷ /۱۵۲، ۴۳، ۲ /۴، ۱ /۲۶۷)، روضات الجنات (۱۰۷ -۱۰۳ / ۱)، ریحانه (۱۶۳ -۱۶۰ / ۶)، سفینهٔ‌المحمود (۴۲۳ -۴۱۹ / ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۷ -۱۱۶ / ۱۳)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲ -۱۲۹)، مجمع‌الفصحا (۷۰۵ -۷۰۰/ ۵)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۸ -۱۲۸۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۳ -۱۶۲/ ۲)، مکارم‌الآثار (۱۲۴۲ -۱۲۳۵/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ - ۴۸۱/ ۱)، نگارستان دارا (۱۰۶ -۱۰۴)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۱۸۶ -۱۸۵/ ۱).

نراقی، محمد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۹۷ -۱۲۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجت‌الاسلام. در کاشان به دنیا آمد. مدارج علمی را نزد پدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آورده‌ی صاحب «مکارم‌الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پدرش و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه.[۱]

حاج ملا محمد ابن حاج ملا احمد نراقی ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجهٔالاسلام (ف. ۱۲۹۷ ه.ق) از علمای امامیه‌ی قرن سیزدهم هجری، از تألیفات اوست: ۱- انوار التوحید در علم کلام. ۲- المراصد در اصول. ۳- مشارق‌الاحکام در فقه. وی در سن ۸۰ سالگی در کاشان وفات یافت.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲/ ۲۱، ۳۰۰/ ۲۰، ۴۲۲/ ۲)، ریحانه ۱۶۴ -۱۶۳/ ۶)، المآثر والآثار (۱۴۴)، مکارم‌الآثار (۵۵۶ -۵۵۵/ ۲)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱).

نراقی، مهدی

قرن:۱۲

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۰۹ -۱۱۲۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم المجتهدین. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجویی و ملا محمدمهدی هرندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید محمدمهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد. فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهرآبادی و سید محمدباقر حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌اللّه حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا درگذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنزالرموز»، «انیس الموحدین»؛ «انیس المجتهدین»؛ «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعهٔ فی احکام الشریعهٔ»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعهٔ الاسلام»؛ «التحفهٔ الرضویهٔ فی المسائل الدینیهٔ»؛ «التجرید» یا «تجرید الاصول»، در اصول فقه؛ «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در مسائل تجارت؛ «نخبهٔ البیان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل المشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاهٔ»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب‌الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل‌بیت (ع).

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۵۷/ ۸)، اعیان‌الشیعه (۱۶۷، ۱۴۳/ ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۰۸، ۴۴۳، ۴۱۳/ ۲، ۳۵۳، ۳۱۱، ۲۴۹، ۲۲۷، ۱۴۸/ ۱)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۰۶/ ۲)، الذریعه (۹۴ -۹۳/ ۲۴، ۲۷۴/ ۲۲، ۲۱۳، ۶۷ -۶۶/ ۲۱، ۱۴۹/ ۲۰، ۳۵۹، ۳۵۸- ۳۴۹، ۳۴۵، ۱۵۷، ۱۲۱/ ۱۸، ۷۵ -۷۴/ ۱۷، ۳۰۲/ ۱۵، ۳۳۵/ ۱۳، ۱۰۳، ۳۲/ ۱۱، ۷/ ۷، ۴۳۶، ۳۵۱، ۳۵۰/ ۳، ۵۹ -۵۸، ۴۲ -۴۱/ ۵، ۴۶۷ -۴۶۶، ۴۶۵ -۴۶۴، ۴۵۳/ ۲)، روضات‌الجنات (۱۹۲ -۱۸۹/ ۷)، ریحانه (۱۶۵ -۱۶۴/ ۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۱۳ -۴۰۹)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۶/ ۱۳)، طرائق‌الحقائق (۲۵۸، ۲۵۴/ ۳)، قصص العلماء (۱۳۳/ ۱۳۲)، المآثر والآثار (۱۶۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۷ -۱۲۸۶/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۵۷/ ۱۲)، مکارم‌الآثار (۳۶۴ -۳۶۰/ ۲)، مؤلفین کتاب چاپی (۳۶۳ -۳۶۰/ ۶)، هدیهٔ‌الاحباب (۱۸۱ -۱۸۰)، هدیهٔ‌العارفین (۳۵۲/ ۲).

نسفی، ابومعین میمون

قرن:۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۵۰۸ -۴۱۸ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم قمری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحرالکلام»، در توحید؛ «تبصرة الادلة»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمدة»، در اصول دین؛ «العالم والمتعلم»؛ «ایضاح المحجة لکون العقل حجة»؛ شرح «الجامع الکبیر» ابوعبداللّه شیبانی، در فروع؛ «مناهج الائمة»، در فروع.

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۳۰۱/ ۸)، ایضاح المکنون (۵۶۳/ ۲ ،۱۵۶/ ۱)، ریحانه (۱۷۴/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۸۴۵ ، ۵۷۰، ۴۸۴، ۳۳۷، ۲۲۵)، معجم‌المؤلفین (۶۶/ ۱۳)، هدیةالعارفین (۴۸۷/ ۲).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(تو ۶۰۰- وف ۶۸۸ -۶۸۴/ ۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».

بر گرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (۱۹۴/ ۲)، ریحانه (۱۷۴ -۱۷۳/ ۶)، شذرات الذهب (۳۸۵/ ۵)، کشف‌الظنون (۱۸۶۱ ،۱۸۰۳ ،۱۷۹۹ -۱۷۹۸ ،۱۷۵۶ ،۱۷۲۰ ۱۲۹۶ ،۱۲۷۲ ،۱۰۳۲ ،۸۸۲ ،۸۶۵ ،۹۵)، معجم‌المؤلفین (۲۹۷/ ۱۱)، هدیةالعارفین (۱۳۶ -۱۳۵/ ۲).

نسفی، نجم‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:۶

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(ح ۵۳۷ -۴۶۱ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث، مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی‌الثقلین، به جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم می‌گرفته‌اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در زمینه‌ی فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود. در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن محمد علوی و عبداللّه بن علی نسفی و ابوالیسر محمد نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد سمرقندی و علی بن

حسن ماتریـدی روایت کرد. فرزندش، ابوالليث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهيم توريشتى از وى روايت كرده‌اند. حدود صد اثر را به وى نسبت مى‌دهند. كتاب «العقائد» يا «عقايد النسفى» كه بر آن شروح بسيارى، از جمله شرح سعدالدين تفتازانى نگاشته شده، به وى منسوب است. البته در صـحت انتساب اين كتاب به وى ترديـد مى‌باشـد، چنان كه بعضـى آن را به برهان‌الـدين محمد بن محمد نسـفى منسوب كرده‌انـد. در سـمرقند درگـذشت. از ديگر آثارش: «الاكمل الاطول»، در تفسير؛ «التيسـير فى التفسـير»؛ «قيد الاوابد»؛ «تاريخ بخارا»؛ «القند فى تاريخ علماء سمرقند»؛ «يواقيت المواقيت»؛ «طلبة الطلبة»؛ «تطويل الاسفار لتحصيل الاخبار»؛ «مشارع الشارع»؛ «منهاج الدراية»، در فروع؛ «النجاح فى شـرح اخبار كتاب الصـحاح»؛ «الخصائل فى الفروع»؛ «دعوات المسـتغفرين»؛ «الاشعار بالمختار من الاشـعار» يا «المختار من الاشـعار»، در بيست مجلد؛ «منظومة الخلافيات» يا «منظومة فى الخلاف»؛ نظم «الجامع الصغير» امام محمد شيبانى، در فروع.[۱]

عمر بن محمد ابن احمد نسـفى سمرقندى حنفى (۴۶۱ ه.ق- ف. ۵۳۷ ه.ق) ملقب به نجم‌الـدين و مكنى به ابى‌حفص عالمى متكلم، اصولى، فقيه، مفسـر و محـدث بود. قريب يكصـد رسـاله در مبـاحث فقهى و جز آن تصـنيف كرده است. از اوست: «اكمـل الاطول» (ه.م) «والتيسير فى التفسير» و «العقائد النسفيه» و «طلبة الطلبه» و «تاريخ سمرقند» و جز آن.

برگرفته از كتاب :اثرآفرينان (جلد اول-ششم)

منابع زندگينامه :[۱] الاعلام (۲۲۲/ ۵)، ايضاح‌المكنون (۱۱۷، ۲۵/ ۱)، ريحانه (۱۷۳ -۱۷۲/ ۶)، سيرالنبلاء (۱۲۷ -۱۲۶/ ۲۰)، شذرات الذهب (۱۱۵/ ۴)، طبقات المفسرين داودى (۷ -۵ / ۲)، العبر (۴۵۳ -۴۵۲/ ۲)، كشف‌الظنون (۲۰۵۴، ۲۰۴۸، ۱۹۲۹، ۱۸۷۱، ۱۸۶۷ ، ۱۷۳۱، ۱۶۸۶، ۱۶۰۲، ۱۳۵۶، ۱۲۳۰، ۱۱۴۵، ۱۱۲۵، ۱۱۱۴، ۷۵۶، ۷۰۶، ۶۶۸، ۶۰۲، ۵۶۴، ۵۵۳، ۵۱۹، ۴۱۸، ۴۱۵، ۲۹۶، ۲۴۷)، لسان‌الميزان (۲۳۰ -۲۲۹ / ۵)، معجم‌الادبـاء (۷۱ -۷۰ / ۱۶)، معجم‌المـؤلفين (۳۰۶ -۳۰۵ / ۷)، هديـة‌الاحباب (۲۵۵)، هديةالعارفين (۷۸۳/ ۱).

نصرتی، علی اصغر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اصغر نصرتی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۳۹ در روسـتای «حسـین‌آباد پشت بسطام» از توابع شـاهرود و در خـانواده‌ای مـذهبی، کشـاورز و دامـدار. قبـل از آغـاز تحصیلات کلاسیک در ۵ سالگی به مکتب‌خانه رفتم و قرآن را فرا گرفتم و با خواندن آشـنا شدم. تحصیلات ابتدایی را تا پنجم در روسـتا با موفقیت و شاگرد اولی در کلاس‌ها گذرانـدم. از کودکی علاقه وافری به روحانیت و مباحث دینی داشـتم. دوره تحصـیلی راهنمایی را در «علی‌آباد کتول» گذراندم و هر ساله در رده دانش‌آموزان ممتاز مدرسه قرار داشتم.

در جلسات مذهبی شـرکت می‌نمودم با اندیشه‌های حضـرت امام، جزوه ولایت فقیه و آثار دکتر شـریعتی آشنا شدم. در این زمان به

مطالعه کتاب به ویژه کتاب‌های مذهبی پرداختم. جهت ادامه تحصیل به شهر شاهرود عزیمت نمودم و در رشته ریاضی فیزیک در دبیرستان ادامه تحصیل دادم. در کنار دروس دبیرستان، فعالیت مذهبی با جمع‌های دانش‌آموزی را آغاز کردم و با اندیشه‌های انقلابی و آشنا، همراه گردیدم. به کمک دوستان روزنامه‌های دیواری با رویکرد مذهبی انقلابی تنظیم می‌کردیم و در سالهای ۵۶ و ۵۷ در پخش اعلامیه و شب‌نامه شرکت می‌کردم و با جریان‌های هوادار انقلاب همراهی و همگامی داشتم.

در سال ۵۷ در کنکور علوم انسانی شرکت نمودم و در رشته «علوم سیاسی» دانشگاه تهران قبول شدم. ولی در عمل تا پیروزی انقلاب درس‌ها تعطیل گردید، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب با آغاز به کار دانشگاه‌ها به دانشگاه وارد شدم و در جمع‌های مذهبی، همگام با انقلاب اسلامی علیه جریان‌های نفاق، چپ و لیبرال قرار گرفتم. در ایام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه در آموزش و پرورش «بسطام» به عنوان معلم دوره راهنمایی به تدریس در روستا پرداختم. (به مدت دو سال)

در سال ۱۳۶۱ به قم عزیمت کردم و دروس علوم اسلامی را به صورت آزاد آغاز کردم. پس از بازگشایی دانشگاه با مشورت حضرت «آیت الله راستی» همزمان دانشگاه و حوزه را ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به حوزه درس مرحوم «سید منیر الدین حسینی شیرازی» پیوستم. دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات: «راستی کاشانی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی» و «میرزا جواد آقای تبریزی» به مدت ۱۲ سال گذراندم و در سال ۱۳۸۳ در جهت تحقق فرمایش مقام معظم رهبری؛ مبنی بر لزوم ایجاد نهضت نرم‌افزاری، در مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی اقدام به تأسیس دفتر جنبش نرم‌افزاری نمودم و مدیریت آن را برعهده گرفتم که به نوبه خود در ایجاد فضای باز فکری و گسترش آزاداندیشی و روحیه نقد و نظریه‌پردازی تأثیر قابل ذکری گذاشته است.

نصیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نصیری

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در روستای «مژده» از توابع شهر رشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. تحصیلات دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در محل تولد گذراند و تحصیلات حوزوی را از سال ۱۳۶۱ از مدرسه علمیه «امام صادق (ع) رشت» آغاز و تا سال ۱۳۷۶ در حوزه علمیه مشهد مقدس دنبال نمود. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شد و طی ده سال در حوزه علمیه مشهد و قم در دروس خارج فقه و اصول از محضر اساتید معزز و آیات عظام: «مرتضوی»، «فلسفی»، «رضازاده»، «میرزاجواد تبریزی»، «معرفت» و «سبحانی» بهره جست.

وی تحصیلات دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی در رشته «علوم قرآن و حدیث» و «ادیان و عرفان» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه فردوسی مشهد دنبال نمود. و در سال ۱۳۷۸ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان:

«بررسی جایگاه هنر در کتاب و سنت» و در سال ۱۳۸۲ در همین دانشکده از رساله دکترای خود با عنوان: «بررسی مکتب تفسیری صدرالمتألهین» دفاع نمود. وی در طی این سال‌ها در کنار تدریس، در زمینه‌های تحقیق، مدیریت پژوهش و ارائه طرح‌های آموزشی و پژوهشی فعالیت داشته است.

نظرپور، محمدنقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد نقی نظرپور

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم ریاضی فیزیک از دبیرستان «طبری آمل»، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس ازحدود ۵/۱ سال به حوزه علمیه «حضرت ولی عصر (عج) خوانسار» رفته و محضر اساتیدی نظیر: «مرحوم آیت الله تقدیری»، «آیت الله ابن الرضا»، «حجهٔالاسلام رفیعان»، «مرحوم حجهٔالاسلام روحانی» و «حجهٔالاسلام شریعتی» و سپس به قم مراجعت کردم. دروس سطح را در محضر اساتید معروف حوزه نظیر آیات: «وجدانی فخر»، «اشتهاردی» و «صالحی مازندرانی» تلمذ کردم. در فلسفه از محضر «آیت الله جوادی» و «آیت الله حسن زاده آملی» بهره مند شدم. برخی از مباحث نجومی را از محضر «آیت الله حسن زاده» فرا گرفتم. ازسال ۱۳۶۷ در دروس خارج فقه «آیت الله تبریزی» و دروس اصول «آیت الله وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» حدود ۱۰ سال شرکت کردم و سپس در درس «آیت الله سبحانی» به مدت دو سال و «آیت الله کریمی» به مدت ۴ سال شرکت نمودم.

همزمان با تحصیل دروس حوزوی در سال ۱۳۶۸ پس از موفقیت در آزمون دانشگاه مفید در رشته «اقتصاد نظری»، تحصیلات دانشگاهی را آغاز کردم. در سال ۱۳۷۳ از دوره کارشناسی، فارغ التحصیل شدم و در همان سال با شرکت در کنکور سراسری کارشناسی ارشد در رشته «توسعه اقتصادی و برنامه ریزی» دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شدم و همزمان در سال ۱۳۷۶ با دفاع از پایان نامه خود تحت عنوان: «ارزشها و توسعه بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و از شهریور سال ۱۳۷۶ به عنوان عضو هیئت علمی گروه اقتصاد فعالیت پژوهشی و آموزشی خود را آغاز کردم.

نظری منفرد، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نظری منفرد

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

خلیل نظری

محل تولد : کهگیلویه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۶/۱۶

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال ۶۵ - ۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵ وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.

در سال ۷۳ شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید

خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه می نمایم.

نعمت پور، ناصر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ناصر نعمت پور

محل تولد : هشترود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل ـ گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را»
البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:

در حدود سال ۱۳۵۳ ه . ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال ۱۳۵۹ شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال ۱۳۶۰ ه . ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.

دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذراندیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجهٔالاسلام دکتر ضیائی، حجهٔالاسلام نظری، مهدی‌زاده و دیگران) بهره بردیم. و دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجهٔالاسلام وجدانی فخر»، «حجهٔالاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجهٔ الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجهٔالاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجهٔالاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.

دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محفوظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوزانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله مظاهری»، «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجهٔالاسلام کربلائی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.

به هر حال در سال ۱۳۷۰ ه . ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال ۱۳۷۵ الی سال ۱۳۸۵ ه . ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاهٔ احکام الظل الواقع فی الصلات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از ۵ سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.

در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و نهایه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.

در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل ۱۷ پایان بردیم و در تاریخ ۲۰/۴/۱۳۸۳ ه . ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از ۷ سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از ۱۵ سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:

۱. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.

۲. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.

۳. برهان نظم.

۴. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.

۵. پایان نامه سطح چهار حوزه ـ نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نقره‌کار نیشابوری، جمال‌الدین عبدالله

قرن:۸

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۷۷۶ -۷۰۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره

ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه‌ی اسدیه‌ی حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیه خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده‌ی «ریحانهٔالادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منارالانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول، شرح «التسهیل»، در نحو، شرح «الشافیهٔ» ابن‌حاجب، در صرف، «العباب»، در شرح «اللباب» تاج‌الدین محمد اسفراینی، در نحو، شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، شرح «قصیده‌ی بانت سعاد»، شرح «الفوائد الغیاثیهٔ» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز الامانی» شاطبی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۷۲ -۲۷۱/ ۴)، ریحانه (۲۳۰ -۲۲۹/ ۶)، شذرات الذهب (۲۴۲/ ۶)، کشف‌الظنون (۱۵۴۴، ۱۳۳۰، ۱۳۰۰، ۱۰۲۱، ۶۴۹، ۴۹۹، ۴۷۷)، معجم‌المؤلفین (۱۰۸/ ۶)، هدیهٔ‌العارفین (۴۶۷/ ۱).

نقیبی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن نقیبی

محل تولد : همدان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۵/۴/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسن نقیبی فرزند سید یوسف در روستای «کاج» از توابع شهرستان «رزن همدان» در تاریخ ۱۹ تیر سال ۱۳۱۵ به دنیا آمده‌ام. در نوجوانی قرآن و کلاس اول را خدمت برادر بزرگ و بزرگوارم آقا سید علی اصغر حوائجی (باب الحوائجی) خواندم. سال ۱۳۲۸ در «وتبان بوسعید کاج» (همان زادگاهم) کلاس دوم، سوم و چهارم را خواندم. سپس برای ادامه تحصیل، کلاس پنجم و ششم را در «وتبان بدرقروه» پایان بردم. پس از وقفه‌ای چند ماهه، به همدان مدرسه «مرحوم شیخ محمد علی دامغانی» رفته، دروس حوزوی را شروع نمودم.

از اواخر سال ۱۳۳۳ ش تا ۱۳۳۷ در همدان «جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه ملاعبدالله» را به پایان رساندم، در سال مزبور به نجف اشرف هجرت نمودم و دروس تکمیلی سطح را در آن حوزه مقدس ادامه دادم. سپس به درس خارج آیات عظام: «خوئی»، «صدر»، «بروجردی» و «سیستانی» راه یافتم و از همه این بزرگان در خور استعداد خود بهره‌مند شدم. سال ۱۳۵۰ که به ایرانیان ۷ روز مهلت دادند که خاک عراق را ترک گویند؛ به ناچار در همان زمستان از نجف اشرف به قم مهاجرت نمودم و از آن تاریخ در قم هستم.

به طور فشرده عرض کنم که در تمام طول عمر در حد قرآن فعال بودم. چه در زمینه تدریس، چه در زمینه تبلیغ، چه در صحنه تحقیق و چه در کارهای اجرائی به مدت دو سال در حوزه «فارسان شهرکرد» مشغول تدریس دروس حوزوی بودم و شش سال در

حوزه شهر «نطنز» تنهای تنها دروس آن حوزه را حداقل روزی ۶ درس اداره می کردم. از سال ۷۲ در بخش فرهنگی آستان مقدس حضرت معصومه (س) به عنوان محقق، فهرست نویسی کتب خطی مشغول به کارم. به زبان نیز تا حدی تسلط دارم: «فارسی»، «ترکی» و«عربی». اکنون که در سنین بالا هفتاد هستم تا حد توان از تبلیغ رفتن و تلاش علمی ... دست نکشیده‌ام.

نکونام، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نکونام

محل تولد : گلپایگان

شهرت : نکونام گلپایگانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین علی نکونام گلپایگانی در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در «سعید آباد گلپایگان» چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز بود و انس بسیاری با قرآن و نماز شب داشت؛ بطوری که بر قرآن تسلّط بسیاری داشت و هر آیه‌ای که می‌خواندند، سوره آن را می‌دانست. مادرش خانمی مجتهده و از خانواده‌ای روحانی بود. استاد نکونام در چنین خانواده‌ای بزرگ شد و پدرِ مادرش در شکل گیری شخصیت او سهم بسزایی داشته‌اند. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و پس از فراگیری روخوانی قرآن مجید به دبستان رفت. او دروس دورهٔ دبستان را به پایان برد و سپس دروس دینی را آغاز کرد. ابتدا به حوزه علمیه اراک رفت و پس از سه سال (یعنی در سال ۱۳۴۰) به قم عزیمت کرد. هدف او از استقرار در قم بهره مندی بیشتر و بهتر از استادان و فرزانگان آن دیار عالم خیز بود.

او به سرعت دروس مقدمات و دروس دورهٔ سطح را به پایان برد و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دورهٔ خود حضور پیدا کرد. در طی این سالها در درس اخلاق استادانی چون: «آقا سید حسین فاطمی» و «آقای حاج شیخ عباس تهرانی» شرکت جدی داشت تا علم خود را با عمل توأمان سازد. استاد نکونام در طول دوران تحصیل به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که دروس ادبیات را در اراک در محضر استاد «رفیعی» و نیز منطق را در محضر استادان «رفیعی» و «احمدی» فرا گرفته بود. در قم در درس شرح لمعهٔ استادان حضرات آیات و حجج اسلام: «صلواتی»، «حرم پناهی»، «سید ابوالفضل موسوی تبریزی» و «علم الهدی مشهدی» حاضر شد و قوانین را نزد «آیهٔ الله اعتمادی» و کفایه را نزد آیات عظام: «فاضل لنکرانی» و «نوری همدانی» و نیز مکاسب را نزد «آیت الله خزعلی» آموخت. در بخش دروس خارج نیز سالها در درس فقه «آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» و درس اصول «آیت الله العظمی وحید خراسانی» شرکت کرد. در بخش علوم عقلی نیز در درس شرح منظومهٔ استاد «انصاری شیرازی» و درس اسفار «آیت الله جوادی آملی» حضور داشت.

ایشان در طی سالیان تحصیل با فضلای بسیاری دوست بود و دروس خود را مباحثه کرد که از جمله آنان می‌توان به آقایان: محمدی گلپایگانی (مسؤول دفتر مقام معظم رهبری)، حسینی، رهبر و محمدی اشاره کرد. استاد نکونام در عرصه علم و فرهنگ،

خدمات بسیار دارد. او سالها برای تبلیغ به شهرها و روستاهای مختلف کشور سفر کرده و مردمان بسیاری را با احکام اسلام آشنا ساخته است. او بیش از سی و پنج سال است که به تدریس دورهٔ سطح می‌پردازد و از این راه طلاب بسیاری را تربیت کرده که بسیاری از آنها خود، از مدرسان حوزه علمیه قم به شمار می‌آیند.

وی از سال ۱۳۶۷ تاکنون در دانشگاه قم نیز به تدریس پرداخته است. همچنین وی سالها استاد راهنمای مدارج علمی شورای مدیریت برای پایان نامه نویسی بوده است و هم اکنون بیش از بیست سال است به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال دارد. استاد نکونام در انقلاب همواره از سیل خروشان ملت ایران در برقراری نظام اسلامی و تحکیم پایه‌های آن جدا نبوده و در مواقع نیاز انجام وظیفه نموده است. ایشان هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال دارد.

نمازی اصفهانی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود نمازی اصفهانی

محل تولد : اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نمازی اصفهانی فروردین ماه سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد و دوره ابتدائی، متوسطه و دبیرستان را در همان شهر گذراندم. شهریورماه ۱۳۵۶ با معرفی حضرت «آیهٔ الله فاضل اصفهانی»؛ استاد حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت مسجد محله تلواژ گان اصفهان، به مرحوم «آیهٔ الله قدوسی» (رحمهما الله)، وارد حوزه علمیه قم شده، مقدمات و سطح را تا سال ۱۳۶۴ نزد اساتید بزرگ و حضرات حجج اسلام: «مدرس افغانی»، «مسعودی»، «اعتمادی»، «پایانی»، «ستوده»، «شب زنده دار»، «فیاضی» و آیات عظام: «خرازی»، «اشتهاردی» و «فاضل لنکرانی» به پایان بردم.

دروس سطح عالی حوزه، خارج فقه و اصول را نیز به مدت ۷ سال تا سال ۱۳۷۱ از محضر اساتید و آیات عظام: «بهجت»، «مکارم شیرازی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «سید کاظم حائری»، «میرزا جواد تبریزی» و «استادی» بهره بردم. در طول تمام این سالها و سالهای بعد، این افتخار را داشتم که پیوسته از محضر پر برکت دروس اخلاق «حضرت آیهٔ الله مصباح»، «آیهٔ الله بهجت» و «آیهٔ الله مظاهری اصفهانی» کسب فیض کنم.

همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ی آموزشی موسسه در راه حق که با نظارت اساتید و حضرات آیات عظام: «مصباح یزدی، خرازی و مظاهری» اداره می شد؛ دروس مطالعات موضوعی قرآن کریم، فلسفه: (بدایهٔ الحکمه، نهایهٔ الحکمه، شفا و دروس فلسفه) را نزد «آیهٔ الله مصباح» و دروس عمومی: (جامعه شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد اسلامی) را نزد اساتید آن دوره تلمذ نمودم. در این دوره موفق به اخذ دو معادل لیسانس از موسسه در راه حق در زمینه «مطالعات اسلامی» و در سالهای

بعد معادل لیسانس «فقه و حقوق اسلامی» از مرکز مدیریت حوزه شدم.

از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد را در بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) با موفقیت به پایان بردم و مدرک معادل فوق لیسانس پیوسته رشته اقتصاد را (که معادل ۱۴۶ واحد درسی دانشگاهی بود) از این موسسه دریافت کردم. سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ را به پژوهش در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشغول بودم که حاصل این دوره؛ کتاب چاپ نشده: «پول و بانک در اقتصاد اسلامی» و مقاله: «سیاستهای باز سازی در کلام امام» است که موفق به دریافت جایزه وزیر علوم و فن آوری وقت: آقای معین شد که با همکاری همکاران بود. مقاله در همان زمان در مجموعه مقالات سمینار باز سازی اقتصاد اسلامی به چاپ رسید. بخشهایی از کتاب نیز در سالهای بعد به چاپ رسید.

سال ۱۳۷۱ همراه با تعدادی از دوستان با نظارت استاد بزرگوار «حضرت آیهٔ الله مصباح یزدی» تحت اشراف بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) که در سال ۱۳۷۵ به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر یافت؛ موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه «مک گیل شهر مونترال» در کشور کانادا شدم، دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته «فلسفه و فلسفه عرفان» در این دانشگاه تا سال ۱۳۷۹ با نمره ممتاز به پایان بردم. سالهای ۷۳ تا ۷۸ هر سال در کنفراس های سالانه فلسفه شهر «بینگهمتن آمریکا» شرکت فعال همراه با ارائه مقاله داشته ام، در این کنفرانس ها، ضمن آشنایی با اساتید و پروفسورهای فلسفه، عرفان، دین شناسی و کلام اروپا و آمریکا، بحثهای علمی تطبیقی فلسفه و کلام اسلامی طرح و پی گیری می شد که ضمن استقبال آنها موجب نشر تفکر فلسفی کلامی شیعه نیز می شد.

سالهای اقامت در کشور کانادا به فعالیتهای مذهبی هم به جد اشتغال داشته و سخنرانی های متعددی را در ابعاد مختلف معارف اسلامی برای عموم مردم و دانشجویان دانشگاه های مهم شهرهای: «کبک (دانشگاه لاوال)، اتاوا (دانشگاه اتاوا)، تورنتو (دانشگاه تورنتو)، کانادا» و شهرهای: «واشنگتن، نیویورک و یوستن (تکزاز) آمریکا» داشته ام. در این راستا پیوسته مشمول عنایات مولی و سرور کائنات امام مهدی علیه السلام بوده و از توجهات آن عزیز گمگشته خوشه ها چیده ام.

در دوران تحصیل در کانادا «کارشناسی ارشد و دکتری»، موفق به نوشتن بیش از بیست مقاله درسی و کنفراسی انگلیسی به غیر از رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتری (که به اختصار مطالب آنها را به فارسی و انگلیسی و فرانسه در ضمیمه خواهم آورد) شده ام و از زمان برگشت به ایران در سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ مدت ۷ سال به عنوان عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مشغول تدریس و تحقیق می باشم. کتاب «مدخلی بر فلسفه عرفان: علیت و وحدت وجود از دیدگاه ملا صدرا» و مقاله «مفهوم و خاستگاه تجربه دینی و ویژگیهای تجربه دینی» و مقاله انگلیسی «رابطه عقل و وحی از دیدگاه سید حیدر آملی» حاصل تحقیقات این دوره و تدریس تاریخ فلسفه معاصر، کلام جدید و مبانی نظری علم اخلاق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکتری و استاد راهنما، مشاور و یا داور رساله های کارشناسی ارشد رشته های «دین شناسی، کلام، فلسفه» و راهنمائی و نظارت بر ده ها رساله کوچک و بزرگ کلاس های ارشد و کارشناسی و نیز نظارت بر تهیه و ارائه ده ها گزارش فنی از کتب رشته های یاد شده؛ بخشی از کارهایم در بخش آموزش بوده است. در پنج سال اخیر، طرحهای متعددی را نیز نظارت، راهنمائی و اجرا کرده ام که و طرح (شیما) شناخت و معرفی اسلام، یکی از آنها است که در حال اجرا است. در زمینه آشنائی با زبانهای رایج با زبان عربی و انگلیسی آشنائی کامل و با زبان فرانسه در حد ترجمه متون فلسفی آشنا هستم.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش . (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق)(۱۴۲۷)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.

در حوزه های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.

در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(۱۴۲۸)

او در سال ۱۲۹۵ ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(۱۴۲۹)

پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول

۲. رجال و درآیه

۳. تفسیر و علوم قرآن

۴. فلسفه و کلام

۵. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.

گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی

۲. آیه الله نصر الله مدرس

۳. شیخ محمد صادق تنکابنی

۴. ملا احمد سبزواری

۵. شیخ عبدالجواد خراسانی

۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی

۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری

۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی

۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی

۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی

۱۱. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری

۲. سید محمد حسین بروجردی

۳. سید ضیاء الدین عراقی

۴. سید ضیاء الدین عراقی

۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی

۷. سید محسن طباطبایی حکیم

۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)

۹. سید محمد تقی خوانساری

۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :

به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالك اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...))(۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاسیتهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱ - تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز

زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .

۲. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .

۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ – ۱۳۵۷ ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال ۱۳۳۱ ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(۱۴۳۴)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق . قفس تن را دریـد و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نمازی زادگان، سعید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سعید نمازی زادگان

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعید نمازی زادگان به سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در تهران و در میان خانواده ای متوّسط و مذهبی متولد شدم. تنها چهار برادر دارم و پدرم نیز کار بنایی و معماری ساختمان انجام می دادند. در سال ۱۳۵۰، خانواده ام به دلیل گرایشات مذهبی به مشهد که محیطی سالم بود، مهاجرت کردند. از آن جا که پدر و به ویژه پدر بزرگ مادری ام، عنایت فوق العاده ای در تربیت صحیح و اسلامی ما داشتند؛ مدارس ملی و مذهبی آن زمانها را برای تحصیل ما انتخاب کرده بودند. بعدها در کنار تحصیل، مدّتی را به کار در صنعت آلومینیوم سازی نیز اشتغال داشتم.

در ایّام جنگ و دفاع مقدس، چندین بار همراه با رزمندگان تیپ ویژه شهدا، تیپ ۲۱ امام رضا، لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا در جبهه های نبرد حضور یافتم. به سال ۱۳۶۷ با خانواده شهید بزرگوار «هاشمی نژاد» آشنا شده و با صبیه کوچک ایشان ازدواج کردم که حاصل آن دو پسر به نامهای محمد رضا و محمّد ایمان است. در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه «علوم پزشکی مشهد» استخدام شدم و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی در خدمت عزیزان دانشجو هستم.

مختصری از زندگینامه علمی: دوره ابتدایی را در مدارس ملی و مذهبی سعیدی تهران و جعفری مشهد گذراندم. پس از آن جذب حوزه علمیّه مشهد شده و در مدرسه حاج آقای «موسوی نژاد» به تحصیل علوم اسلامی پرداختم. پس از مدّتی در کنار حوزه، دوره های شبانه راهنمایی و دبیرستان در رشته تجربی را گذراندم و همزمان در دو دانشگاه «علوم اسلامی رضوی» و «دانشگاه اصفهان» در سال ۶۳ پذیرفته شدم. با ثبت نام در دانشگاه رضوی در کنار دروس الهیات، دروس حوزی را نیز ادامه دادم و دوره های سطح و نیز بخشی از دوره خارج فقه و اصول را شرکت کردم. در خلال تحصیل در دانشگاه رضوی، موفق به گرفتن دیپلم دوم در رشته فرهنگ و ادب و نیز مدرک کارشناسی فقه از دانشگاه فردوسی مشهد شدم. در سال ۷۳ به دوره کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان دانشگاه تهران راه یافتم.

نمازی، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسن نمازی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعضی از دروس حوزوی را به طور غیر رسمی در سال ۱۳۶۶ شمسی شروع کردم و سپس به طور رسمی در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیّه قم و مدرسه علمیّه شهیدین (ره) شدم. امّا از آنجائی که در آن زمان شرایط برای رفتن به کلاس های بالاتر مهیا نبود و توصیه ها نیز این بود که همگام با مجموعه باشم؛ پنج سال در مدرسه شهیدین بودم و پس از آن کتب مکاسب، رسائل و کفایه را با سرعت بیشتری به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۶ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم. همزمان در دروس: اسفار، فصوص و منازل السائرین بعضی از اساتید معظم نیز شرکت می کردم. چند سال نیز از تفسیر قرآن «حضرت آقای جوادی آملی» بهره جستم.

سال ۱۳۷۷ به مؤسسه آموزشی تحقیقاتی بقیّه الله (عج) وارد شدم و در کلاسهای «فقه، اصول و تفسیر» شرکت کردم و در سال تحصیلی ۱۳۸۳ – ۱۳۸۲، دوره فوق را به اتمام رساندم. از محضر حضرات آیات: «سیّد کاظم حائری»، «تبریزی»، «سیّد محمود هاشمی شاهرودی»، «فاضل لنکرانی»، «سبحانی»، «سیّد احمد مددی»، «محمّد مهدی شب زنده دار»، «جوادی آملی»، «نکو نام» و «شاه آبادی» استفاده کرده ام. و طرحی را با عنوان مجموعه «ولی فیها مأرب أخری» ارائه داده ام که جلد اوّل آن نیز چاپ شده و چاپ مجدد آن نیز با ویرایش جدید آماده چاپ است، امّا این طرح با مشکلات بسیار زیادی مواجه شده و عملاً متوقف گردیده است. هدف این طرح جلوگیری از پیدایش و یا گستردگی افراط و تفریط های موجود در حوزه عمل به احکام شرعی است. تفصیل مطلب در مقدّمه کتاب مورد اشاره چاپ شده است.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه، حضرت آیات عظام:

۱. سیّد کاظم حائری / خارج اصول

۲. سیّد محمود هاشمی شاهرودی / خارج اصول

۳. تبریزی / فقه و اصول

۴. فاضل لنکرانی / خارج فقه

۵. سیّد احمد موسوی مددی / خارج فقه

۶. مرحوم حضرت آیت الله احمدی میانجی / فقه / مکاسب

۷. حضرت آیت موسوی تهرانی / اصول / رسائل و کفایه

۸. حضرت آقای علی محمّدی / فقه و اصول / کفایه و بیع

نمازی، عبدالنبی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالنبی نمازی

محل تولد : بوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آیـۀالله عبدالنبی نمازی در سال ۱۳۲۴ در شـهر بوشـهر به دنیا آمد. پدرش مرحوم حجۀالاسـلام حاج شیخ احمد نمازی فرزند آیۀالله حاج شـیخ حسین نمازی دشتی بود. مادرش نیز دختر مرحوم شیخ عباس از روحانیان استان بوشهر بود. پدر آیۀالله نمازی، برای تبلیغ به آبـادان هجرت کرد و خانواده را نیز به همراه برد. آیـۀالله نمازی پس از طی دوره دبسـتان، به حوزه رو آورد و پس از طی دروس ادبیات عرب در آبادان در سال ۱۳۴۱ به نجف اشرف عزیمت کرد و در مدرسه علمیه «بادکوبه» سکونت گزید. حال و هوای نجف و انوار تابناک مرقد امیر مؤمنان (ع) آثار شگرفی در روحیه او بر جا نهاد و او را بیش از گذشته شیفته علم و دانش کرد.

آیۀ الله نمازی پس از چند سال بهره‌مندی از آن شـهر مبارک و از اسـتادان وارستۀ آن دیار، به قم مراجعت نمود تا از محضر عالمان آن دیار نیز بهره‌مند شود. در قم نیز به درس خارج بسـیاری از بزرگان راه یافت و در این میان از شـرکت در دروس فلسـفه و اخلاق نیز باز نماند. آیۀالله نمازی در سالهای تحصـیل خود به محضـر علمای بسـیاری شـرفیاب شد. ایشان در نجف اشرف به درس علمایی چون: «آیـۀالله حاج شـیخ محمـد حسـین موحـد نجف آبادی (ره)»، «آیۀالله حاج شـیخ کاظم تبریزی (ره)»، «آیۀالله حاج شـیخ صدرا بادکوبه‌ای (ره)»، «آیۀالله العظمی سـید عبدالاعلی سبزواری (ره)» و «آیۀالله حاج شیخ علی آزاد قزوینی» رفت. در حوزه علمیه قم نیز در درس خـارج فقه و اصـول: «آیـۀالله العظمی حـاج شـیخ محمـد علی اراکی (ره)»، «آیـۀالله العظمی حـاج میرزا هـاشم آملی (ره)»، «آیۀالله العظمی حاج سید علی علامه فانی اصفهانی (ره)» و «آیۀالله العظمی حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره)» رفت و در دروس فلسفه: «آیۀالله حاج آقا رضا صدر (ره)» و «آیۀالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی» حاضر شد.

آیۀالله نمازی درسالیان متمادی، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری را به انجام رسانده است. او در مدت اقامت خود در نجف اشرف و پس از آن، همواره بر امر تدریس اشتغال داشته، کتب دروس مقدماتی و ادبیات عرب، لمعتین، معالم، را در نجف اشرف تدریس کرده و پس از مراجعت به قم نیز بارها کتب دوره سـطح شامل: رسائل، مکاسب، کفایتین را برای طلاب مسـتعد تدریس نموده و از این رهگـذر، شـاگردان بسـیاری به مکتب امـام صادق (ع) تقـدیم کرده است. ایشان همچنین با تشـکیل جلسات تفسـیر، به مباحثه و مـداقه آیـات قرآن پرداخت که این جلسـات حـدود پنـج سـال به طول انجامیـد. او در طی آن سالهـا، تألیفات بسـیاری نگاشـته و در زمینه‌های گوناگون به پژوهش پرداخته است.

در کارنامۀ زنـدگانی آیـۀالله نمازی، فعالیتهای سیاسـی وی بیش از همه می‌درخشد. او از نخستین سالهای نهضت امام خمینی (ره)، همواره پشتیبان آن بوده و از هیچ کوششی در آن راه دریغ نورزیده است. او در زمان دستگیری امام (ره)، از شمار اجتماع کنندگان در مقابـل بیوت مراجع بود که خواسـتار اقـدام جـدی علمـاء، برای آزادی امام (ره) بوده‌انـد. در دورۀ تبعیـد امام (ره) به عراق، جزء اسـتقبال کننـدگان از ایشان در کربلا بود و همواره مقیّـد بود در نجف نمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشاء را به امامت آن مرجع عظیم‌الشـأن اقـامه کنـد. در ایران نیز در طی سالهـای پیش از انقلاب، بارها به نقاط گوناگون کشور سـفر کرد و به افشاگری دربارۀ

مفاسد رژیم پهلوی پرداخت که این مسأله موجب چندین بار احضار و بازجویی وی شد و گاه به زندان شدن وی می‌انجامید. او از کسانی بود که در آن سالها به این مسأله می‌اندیشید که اسناد تاریخی نهضت را نگهداری کند تا در بعدها، مورد استفاده نسل جوان قرار گیرد. از این رو با مرحوم «ربانی شیرازی» به گردآوری اسناد نهضت پرداخت.

آیةالله نمازی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، نیز برای استقبال از امام خمینی (ره)، از قم به تهران آمد و در بهشت زهرا استقرار یافت. سپس برای همکاری با اعضای ستاد انقلاب به ساختمان مدرسه رفاه رفت و از طرف آن ستاد، به پادگان نیروی هوایی قلعه مرغی رفت. پس از آن نیز به یکی از سازمانهای ارتش رفت و سپس به جمع آوری و تحویل سلاح ها از مردم مأمور شد و از آنها در دانشگاه تهران بازدید کرد. بخشی از فعالیتهای سیاسی آیت‌الله نمازی پس از انقلاب اسلامی به قوهٔ قضائیه مربوط است. وی کار خود را در دستگاه قضایی با قبول سمت «حاکم شرع» در منطقه سرپل ذهاب و قصر شیرین آغاز کرد و در آن منطقه سرچشمه خدمات بسیاری شد. آیةالله نمازی بارها در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر شد و در یکی از عملیات جبهه جنوب، بر اثر بمباران سنگین شیمیایی، از ناحیه چشم و سینه مجروح شد. چندی بعد نیز درعملیات مرصاد بر اثر اصابت ترکش به سختی مجروح می گردد. او پس از آن نیز در جبهه‌های دفاع مقدس حاضر می‌شد و همواره باعث شادمانی رزمندگان اسلام بود.

نواب، ابوالحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید ابوالحسن نواب

محل تولد : شهرضا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

حجةالاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب، در سال ۱۳۳۷ در شهرضا (استان اصفهان) متولد شد. ایشان از دانش آموختگان مدرسه حقانی (شهیدین فعلی) است که علاوه بر گذراندن دوره تخصصی مؤسسه در راه حق، دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: «مرحوم شیخ مرتضی حائری یزدی»، «شبیری زنجانی»، «مظاهری اصفهانی» و «شیخ جواد تبریزی» فرا گرفته است. و در مواد درسی: (مذاهب اسلامی، فقه، اصول فقه، علوم قرآنی و ادبیات عرب) در مدرسه حقانی، جامعهٔ الزهراء، دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی دیگر از دانشگاههای تهران تدریس داشته و دارد.

ایشان در دوران دفاع مقدس مسئولیت و خدمات فراوانی را عهده‌دار بوده و در دوران سازندگی و اصلاحات، عمدتاً در دو نوع مسئولیت خطیر فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور و فعالیت‌های خدماتی در داخل کشور مشغول به خدمت بوده است: «معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی»، «معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، «قائم مقامی مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، «بنیانگذاری و مدیریت مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» و «مدیر مسئولی فصلنامه هفت آسمان» از جمله خدمات فرهنگی ایشان است. در بخش خدماتی، اقدام ماندگار ایشان «راه‌اندازی و مدیریت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه»

می‌باشد.

جناب آقای نواب در مرکز «مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» که دل مشغولی اصلی ایشان است، در پی رواج ادیان پژوهی و مطالعات مذاهبی به شیوه علمی و بی‌طرفانه در کشور عموماً و در حوزه‌های علمیه خصوصا و زمینه‌سازی برای مطالعات تطبیقی و تعامل مثبت و سازنده ی ادیان و مذاهب گوناگون می‌باشد. «تربیت ده‌ها طلبه فاضل آشنا با دیگر ادیان و مذاهب با مدارک دانشگاهی کارشناسی ارشد و دکتری»، «راه‌اندازی تنها کتابخانه‌ی تخصصی تخصصی در زمینه ادیان و مذاهب در ایران با بیش از ۲۱ هزار عنوان کتاب تخصصی به زبان‌های گوناگون»، «انتشار ۲۷ شماره از فصلنامه هفت آسمان» و «راه‌اندازی دوره‌های رسمی کارشناسی ارشد در گرایش مختلف ادیان و مذاهب با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری» از مهم‌ترین دستاوردهای ایشان در یک دهه گذشته در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب می‌باشد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه مذاهب اسلامی در مرکز ادیان می باشد.

نوجابادی بخاری، ظهیرالدین، ابوالمظفر محمد

قرن:۷

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۶۶۸ -۶۱۶ ق)، فقیه حنفی و اصولی. در نوجاباد، از قرای بخارا، به دنیا آمد. به دمشق رفت و سرانجام در بغداد مقیم گشت و به امامت مستنصریه رسید. از آثار او: «کشف الابهام لرفع الاوهام» که در «کشف‌الظنون» تحت عنوان «کشف الابهام لدفع الاوهام» ذکر شده است؛ «تلخیص القدوری» یا«الملخص فی مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ «کشف‌الاسرار»، در اصول فقه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الاعلام (۲۰۴/ ۷)، ایضاح‌المکنون (۳۵۵/ ۲)، کشف‌الظنون، (۱۶۳۴، ۱۴۸۵ -۱۴۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ نوجابادی)، معجم‌المؤلفین (۹۱/ ۱۱)، هدیةالعارفین (۱۲۹/ ۲).

نوراللهی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد نوراللهی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد نوراللهی متولد ۱۳۴۰ تحصیلاتم را تا دیپلم در شهر مذهبی قم در سال ۵۹ به اتمام رساندم و تقریبا سال ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات را در مدرسه امام خمینی (ره) گذراندم و از اساتیدی در ادبیات چون: «آقای طالقانی»، «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای ضیائی» استفاده کردم و فقه را در نزد «آقای استادی» و اصول فقه را در نزد «آقای حسینی بوشهری» به اتمام رساندم و رسائل و مکاسب را نزد «آقای محمدی خراسانی» گذراندم. و همزمان با دروس حوزه علمیه از سال ۷۰ – ۶۳ در دانشگاه آزاد اسلامی تهران به تحصیل پرداختم و مدت ۱۳ سال است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مشغول تدریس و پژوهش و مشاوره می باشم ضمناً دروس اخلاق و تهذیب را نزد «آیةالله مظاهری» و «آیةُ الله مشکینی» گذراندم.

نورمحمدی، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدرضا نورمحمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۳/۱/۱۸

زندگینامه علمی

در هیجدهم فروردین سال ۱۳۳۳ در شهرستان «نجف آباد» در یک خانواده مذهبی متولد شدم. پس از طی دوره دبستان وارد حوزه علمیه «الحجه نجف آباد» شدم و همراه با ادامه تحصیل دوره دبیرستان به صورت شبانه، چهار سال ادبیات عرب و مقدمات فقه و اصول را در آن شهر گذراندم و در سال ۱۳۴۸ جهت ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیه قم راه یافتم و دوره سطح و دروس: (تفسیر، فلسفه، هیئت، رجال و حدود شش سال خارج فقه و اصول) را نزد اساتید بزرگوار و فرزانه و آیات عظام: «مشکینی»، «خزعلی»، «انصاری شیرازی»، «ممدوحی»، «ستوده»، «دوزدوزانی»، «صانعی»، «عندلیب»، «ربانی املشی»، «شب زنده دار»، «حقی»، «جوادی آملی»، «حسن زاده آملی»، «نوری همدانی»، «سبحانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» سپری نمودم و در سال ۱۳۷۲ موفق به دریافت مدرک سطح چهار معادل دکتری و دفاع از آن تحت نظر استاد راهنما «حضرت آیت الله سبحانی» با درجه خوب مفتخر گردیدم.

تاکنون بیش از پانزده جلد تالیف و تحقیق در قالب رساله علمی، کتاب، مقاله و طرح درس در موضوعات:

۱- خلفاء اثنی عشر در منابع اهل سنت.

۲- علل مخالفت کفار قریش با پیامبر (ص) در مکه و عوامل نفوذ اسلام در یثرب.

۳- آداب سلوک و شیوه علم ورزی.

۴- نقاط برجسته اخلاق دانشجوی پزشکی.

۵- منزلت اهل بیت در قرآن و سنت به بیان برجستگان اهل سنت.

۶- عدالت در قرآن و روایات.

۷- جایگاه عترت در قرآن و روایات.

۸- توکل در قرآن و روایات.

۹- تنها راه وحدت عملی مسلمین.

۱۰- علل ممنوعیت مقاربت با زنان در زمان قاعدگی از نظر اسلام و علم پزشکی.

۱۱- ولادت امام علی (ع) در کعبه بر اساس مدارک شیعه و اهل سنت.

۱۲- بررسی نظام دفاعی اسلام در قرآن.

۱۳- هدایت در قرآن.

۱۴- موضوع بندی ۱۸ جلد از تفسیر نمونه تحت نظر استاد بزرگوار حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

۱۵- هفت جلد طرح درس در موضوعات معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، اخلاق پزشکی، تاریخ اسلام، متون اسلامی و ریشه های انقلاب اسلامی.

۱۶- قائده امکانات در فقه. را به رشته تحریر در آوردم.

در زمینه علمی و پژوهشی به موفقیت هایی همچون:

۱- دریافت مجوز تدریس در گرایشهای شانزده گانه از معاونت محترم اساتید و دروس معارف اسلامی دانشگاه های کشور دست یافتم.

۲- تاسیس هسته پژوهشی با بیش از هشت هزار نسخه پژوهش که تحت نظر اینجانب توسط دانشجویان انجام گرفته و این هسته در نوع خود به عنوان طرح ابتکاری و نمونه در دانشگاههای کشور قلمداد گردیده.

۳- احراز مدرس نمونه در دو دوره در دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۴- احراز محقق نمونه در دو دوره در بین دوازده دانشگاه از دانشگاه های دولتی منطقه ۲ کشور مفتخر گردیدم.

اما سوابق مسئولیتی: قبل از انقلاب در فواصل تعطیلی حوزه علمیه به تبلیغ و نشر معارف اسلامی و بیان دستورالعملهای حضرت امام خمینی (ره) و اطلاع رسانی به مردم که در این راستا چندین بار توسط ساواک دستگیر و مورد ضرب و شتم مأموران شهربانی قرار گرفتم و توسط مامورین ساواک راهی زندان شهربانی شدم. اما سوابق مسئولیتی اینجانب در طول سالهای پس از رخداد انقلاب شکوهمند اسلامی پرشمار بوده که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- مسئولیت حوزه علمیه شهرستان نجف آباد.

۲- حاکم شرع امور صنفی شهرستان نجف آباد.

۳- حاکم شرع مبارزه با مفاسد اجتماعی و بزهکاری در پلاژهای سد زاینده رود و چادگان و مهاباد.

۴- نماینده حضرت امام در منطقه عربستان.

۵- حدود هیجده سال قائم مقام نماینده حضرت امام و مقام معظم رهبری در منطقه کردستان.

۶- مسئولیت گزینش دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۷- مدیر گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کردستان.

۸- مدیر شورای گروه های معارف اسلامی دانشگاه های منطقه دو کشور.

۹- عضو انجمن معارف اسلامی کشور.

۱۰- عضو انجمن مدرسان دانشگاه های کشور.

۱۱- مدرس حوزه های علمیه سنندج و اکنون به عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد و استاد حوزه علمیه امامیه شهرکرد و امام جمعه شهر «کیان» از توابع استان چهارمحال بختیاری مشغول انجام وظیفه می باشم. (ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم و تب علینا انک انت التواب الرحیم و السلام)

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایهٔ الموحدین»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمهٔ الولایهٔ»، در مبحث امامت است، «وسیلهٔ المعاد فی شرح نجاهٔ العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۳۱۲/ ۳)، الذریعه (۸۴/ ۲۵ ،۱۰۰/ ۱۸ ،۲۷۵/ ۱۵ ،۲۰۳/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۱/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۴۴)، المآثر والآثار (۱۵۸)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۷/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۲۶۰/ ۲)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

نوری طبرسی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۲۶۳ -۱۲۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و برخلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت‌آباد، از قرای نور درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثارش: «دلائل‌العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «کشف‌الحقائق»؛ «هدایهٔ الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاهٔ»؛ «النارجیلهٔ»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله‌ی «الصومیهٔ»؛ رساله‌ی «الرضاعیهٔ»؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و منثور؛ «تشویق العارفین»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه‌ی قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه‌ی قصائد در مراثی.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۹۸/ ۹)، الذریعه (۱۷۴/ ۲۵ ،۲۳۶ ،۲۲۶/ ۲۰ ،۱۶/ ۱۹ ،۲۹ ،۲۲/ ۱۸ ،۲۰۵ ،۱۹۰/ ۱۱ ،۲۵۱/ ۸ ،۱۹۲/ ۲)،

طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۴ -۲۲۲/ ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۶ -۴۳۵)، معجم‌المؤلفین (۱۳۲/ ۹).

نوری فرد، نورعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نورعلی نوری فرد

محل تولد : روستای طرزم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب نور علی نوری فر فرزنـد لطف الله در سال ۱۳۱۱ در یکی از روستاهای اهر متولد شدم. سال ۱۳۲۸ وارد حوزه تبریز شده ام و از شهریور ۳۳ وارد حوزه علمیه قم شده و شـروع به ادامه تحصیل نموده ام و هم اکنون نیز در حال تالیفات کتاب هستم و در همه مواردی که موسسه علوم آل محمد در زمینه های مختلف داشته است؛ فعالیت موثر داشته ام.

نوری همدانی، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

زندگینامه

حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی دامت برکاته:

ولادت :

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسـی در یک خانواده مـذهبی در شـهر همدان دیده به جهان گشودند . پدر ایشان مرحوم حجت الاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ ابراهیم نوری همدانی از علمای وارسته همدان ، معاصر با حضرت آیت ا ...العظمی آخوند ملاعلی همدانی و هم حجره ایشان بود . تحصیلات :

معظم له در سن هفت سالگی آموختن را آغاز نموده ، ادبیات فارسـی ، گلسـتان سعدی ، انشاء ، ترسل نصاب و ... تا معالم الاصول را پیش والـد مکرم خویش فرا گرفتند . سـپس در سال ۱۳۲۱ شمسـی وارد مدرسه مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجـا به فراگیری علوم پرداختنـد . ولی اشتیاق و عطش ایشان به آموختن و اسـتعداد مثال زدنی فراگیری در وجود معظم له ، وادارشـان سـاخت تـا بعـد از اقامت مـدت کوتاهی در همـدان ، به شـهر مقـدس قم عزیمت نموده و در آشـیانه اهل بیت عصـمت و

طهارت (علیهم السلام) اقامت افکنده ، با به جان خریدن همه مشقتهای جان فرسای آن روز ، به بهره گیری از دروس اساتید برجسته حوزه علمیه قم بپردازند . اساتید :

همانگونه که بیان شد ایشان دروس ابتدایی را در خدمت پدر بزرگوارشان آموخته ،سپس در محضر بزرگان حوزه علمیه همدان به ویژه مرحوم آیت ا ...العظمی آخوند ملاعلی همدانی زانوی شاگردی زدند. بعد از ورود به حوزه علمیه قم ، بیشترین استفاده علمی را از خدمت آیات عظام : داماد ،حجت کوهکمره ای ،علامه طباطبایی ، بروجردی و حضرت امام خمینی (علیهم الرحمه) داشته اند که این قسمت را از زبان خود حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی می خوانیم : یکی دیگر از اساتید مهم ما مرحوم آیت الله العظمی سید محمد داماد می باشد که حدود ۱۲ سال در درس فقه و اصول معظم له شرکت نمودم . چند نفر بودیم در حوزه که به شاگردان داماد معروف بودیم . ایشان مرد بسیار دقیقی بود و دقت نظر ایشان انصافاً خیلی خوب بود . در تربیت شاگرد و عنایت به شاگرد هم ممتاز بود . نوشته هایی از درس آن مرحوم را بنده دارم . من درسهای ایشان را می نوشتم و بعداً خدمت ایشان میدادم . مطالعه می کردند و با دقت در حاشیه اش چیزهایی می نوشتند که اکنون وقتی نگاه میکنم برای من یک یادگار آموزنده و مهمی است . در تواضع ، اخلاص و ساده زیستی کم نظیر بود . این را فراموش نمی کنم یک روز درس میگفتند ، در مسئله وضو به اینجا رسیدند که در موقع گرفتن وضو باید انسان خودش آب بریزد و خودش وضو بگیرد و کسی کمک نکند . البته کمک هم مراتب دارد . بعضی مراتبش باطل میکند و بعضی مراتبش مکروه است . روایتی خواندند از « وسائل» که حضرت امام رضا (ع) زمانی که به مجلس مأمون وارد شدند و مأمون در حال وضو گرفتن بود ، بدین نحو که یک نفر آب میریخت در مشت او و او وضو میگرفت. حضرت امام رضا (ع) به مأمون فرمودند : «لا تشرك بالله یا امیرالمؤمنین » . این کلمه را که ایشان خواندند، که حضرت رضا به مأمون ، امیر المؤمنین گفته باشد. در اثنای بحث این کلمه (امیرالمؤمنین) ایشان را منقلب کرد به طوری که به شدت گریه کرد و نتوانست آنروز درس بگوید . متأسف شد که وضع طوری باشد که امام رضا (ع) به مأمون بگوید امیر المؤمنین ! اخلاصش را دارم ، میگویم که آنروز با گریه اش همه را منقلب کرد و نتوانست درس بگوید . عبایش را بر سرش گرفت و جلسه را ترک کرد . از جمله کسانی که باز پیش آنها درس خواندم آیت الله آقای علامه طباطبایی بود که پنج سال بنده به درس اسفار ایشان رفتم . البته عظمت و بزرگواری آیت الله علامه طباطبایی از لحاظ اخلاق ، کمال و معلومات و تربیت شاگرد ، معلوم است و نیاز به توضیح ندارد . یکی دیگر از اساتید بزرگ ما حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حجت کوهکمری بود . من در درس ایشان مدتی شرکت می کردم . درس معظم له ، در آن زمان در قم ممتاز بود . استادی بسیار بزرگ و خیلی خوش بیان بودند . در درس گفتن سلیقه خوبی داشتند . مطالب را دسته بندی می کردند . دسته بندی مطالب بگونه ای بود که نوشتنش خیلی را حت بود . روش آن مرحوم باید برای ما درس باشد که مطالب را تنظیم کنیم . مثلاً- بیع فضولی که می گفت ، در بیع فضولی چند تا مبناست : مبنای مرحوم شیخ انصاری ، مبنای مرحوم آخوند خراسانی که از حاشیه آخوند بر مکاسب استفاده می شود ـ مبنای مرحوم سید محمد کاظم یزدی ، مبنای مرحوم شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی و مبنای خودش ، پنج شش تا مبنا بود.از اول بیع فضولی تا آخر ، هر روز مطلب هرکس را روی مبنای خودش ، بطوری تنظیم می کرد که انسان از این بیان و دسته بندی تعجب می کرد . درس را به این ترتیب می گفت و مقتضای مبنای هر کس را در مسأله ، بیان می کرد ، یا در صحت و نفوذ بیع فضولی و در بحث اجازه مثلا در نقل و اقسام کشف و ... تقسیم بندی بسیار جالبی داشت . نکته دیگری که در رابطه با ایشان بنظرم رسید ، آن است که روزی که در آستانه احتضار قرار گرفته بود رفتم منزل ایشان ، نزدیک مدرسه حجتیه . من توی حیاط بودم و اشخاص دیگری هم بودند . همه ناراحت و متأثر بودیم . یک نفر آمد و گفت : برای ایشان ، مقداری تربت سید الشهدا (ع) آوردند ، تربت را با آب قاطی کردند . تا ایشان بخورند . ایشان هم برداشت و نزدیک لبش آورد و گفت : (آخر زادی من الدنیا تربة الحسین).و آنگاه نوشید و اشهد ان لا ـ اله الا ـ الله را گفت و روبه قبله ، به جوار حق پیوست . یکی دیگر از اساتید بنده حضرت آیت الله العضمی بروجردی

بودند ، بنده از روزی که ایشان به قم تشریف آوردند تا روزی که از دنیا رحلت کردند ، یعنی : در حدود ۱۵ سال در تمام درسهای ایشان افتخار شرکت کردن راد اشتم و مقدار زیادی از درسهای فقه و اصول آن استاد بزرگ (اعلی الله مقامه) رانوشته ام و در ضمن شرکت در درس گاهی مطالبی در رابطه با درس می نوشتم و در درس به محضر مبارکشان تقدیم می کردم ، معظم له آن را می خواندند و گاهی هم با بزرگواری خاصی که داشتند مودر تشویق قرار می دادند . آیت الله بروجردی ، از لحاظ سخاوت و کرم دارای امتیاز خاصی بودند . برای نمونه ، یک وقت ایشان در بیرونی نشسته بودند ، زنی وارد شد و آقا آن زن راد ید . به پیش خدمت خود فرمودند : ببینید این زن چه میخواهد . پیشخدمت گفت : این زن علویه است ، پول یک چادری می خواست ، پنجاه تومان به ایشان داده شد . آقا تا اسم علویه را شنیدند ، فرمودند : علویه و پنجاه تومان ؟ گویی ایشان ، پنجاه تومان را برای علویه توهین دانستند . در حالی که در آن زمان ، پنجاه تومان کم پولی نبود . فرمودند : اقلاً چهارصد ـ پانصد تومان به آن زن بدهید . به طور کلی ، همیشه اشخاصی که نزدایشان می آمدند،ایشان بیش از آن مقداری که اشخاص توقع داشتند به آنان عنایت می کردند . یکی از اساتید بزرگ ما ، حضرت امام خمینی (رحمه الله) بودند . راجع به حضرت امام ، باید عرض کنم ، اولین وسیله آشنایی من با ایشان ، در ابتدای ورودم به قم ، سال هزار و سیصد و شصت و دو قمری ،در درس اخلاق ایشان بود ،که روزهای جمعه عصرها تقریبا یک ساعت به مغرب مانده در مدرسه فیضیه ،زیر کتابخانه درس اخلاق می فرمودند . بعد توسط حضرت آیت الله العضمی خوانساری ، نماز جماعت اقامه می شد . بنده هم در درس اخلاقی ، عرفانی و علمی ایشان ، شرکت می کردم . این درس ،بسیار سازنده و کامل بود . آیات و احادیث آمیخته با برداشت علمی ، اخلاقی با بیان بسیار رسا و کافی از دل برمیخاست و بر دل می نشست . تحولی عمیق در شنونده ایجاد می کرد . مدرس مملو از جمعیت میشد . صفا و معنویت اعضای مجلس را فرا میگرفت.در همان موقع هم ایشان یکی از علمای بزرگ و مشهور بودند و در تیز بینی و ژرف اندیشی و واقع نگری و وسعت نظر ممتاز بودند . یکی از چیزهایی که در معرفی فکر ایشان ، خیلی مؤثر بود کتاب (کشف الاسرار) ایشان بود . که آن موقع این کتاب چاپ شده بود و در دسترس بود . البته هنوز هم این کتاب بسیار ارزشمند و عالی است . شخصیت ایشان ، دارای ابعاد مختلفی است . یکی از جهت بعد فلسفی که شاید الآن مثل ایشان ، کسی را سراغ نداریم. اگر چه در آن زمان در تهران مرحوم آشتیانی را داشتیم ، علامه طباطبائی آن موقع در نجف بودند . همچنین ، استاد معقول حضرت امام ، مرحوم آیـهٔ اللّه العظمی آقا سید ابو الحسن قزوینی ، معروف به علامه رفیعی بودند که چند ماهی قم تشریف آوردند و درس معقول می‌فرمودند و بنده هم درس ایشان می‌رفتم . درباره شخصیت ایشان از جهات مختلفی می‌شود صحبت کرد ، که از نظر بنده ، آنچه مهم است ، مسأله شناخت زمان است . در متون دینی ما هست که عالم ، باید عارف به زمان باشد . ایشان ، از لحاظ شناخت جریانات و مقتضیات زمان ، دارای امتیاز خاصی بودند و در میان علماء بزرگ ، هر یک از آنان که فکر و فعالیتشان ، با زمان هماهنگ بوده است ، توانسته است تحولی ایجاد کند .

تکریم از اساتید :

معظم له با الهام از آیات قرآنی و روایات اسلامی و با تأسی بر سلف صالح خویش در مورد تعظیم و تکریم اساتید خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده ، پیوسته یکی از توصیه های ایشان به شاگردان و مخاطبان خود تکریم و تجلیل از اساتید خود می باشد تا جایی که بارها فرموده اند : «من اسامی همه اساتید خود را یاد داشت نموده ، در نماز شب خود برای آنان دعا می کنم ،چرا که این عمل دارای برکات فراوانی بوده ، باعث توفیق روز افزون انسان می گردد » . تدریس :

حضرت آیت الله نوری از بدو ورود به حوزه علمیه قم همزمان با تحصیل ، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی ، اصولی ، کلامی ، اخلاقی و ... حوزه درسی شلوغی داشته و شاگردان زیادی از محضر پرفیض ایشان بهره می گرفتند . تا جایی که درس نهج البلاغه معظم له در مسجد اعظم در زمان طاغوت از درسهای پر محتوای حوزه علمیه آن روز به حساب آمده ، مباحث مطروحه در آن از حیث منطق و استدلال چنان عرصه را بر کارگزاران رژیم طاغوت تنگ کرد که چاره ای جر تعطیلی آن

ندیـده و با تعطیل کردن آن صـدها تن از فضـلای حوزه علمیه را ـ که اینک هریک از بزرگان حوزه و خدمت گزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی محسوب می شوند ـ از آن نعمت محروم کردند . و اینک نیز قریب به سی سال است که به تدریس درس خارج مشغولند که حدود یکهزار نفر از فضلاء و علمای برجسته از محضر ایشان کسب فیض می نمایند . تألیفات :

حضرت آیت ا ...العظمی نوری همدانی از حیث نوشتن مطالب علمی تقید خاصی دارند و یکی از سفارشات جدی ایشان به طلاب این است که باید اهل قلم باشند و در زمینه های گوناگون بتوانند قلم فرسایی کنند . روی این اصل معظم له نوشته های فراوانی در زمینه موضوعات مختلف دارنـد که بالغ بر ۵۰ جلد می شود . برخی از آن نوشته ها چاپ شده و بعضـی دیگر در آستانه چاپ قرار دارد و برخی از آنها در حال آماده سازی جهت چاپ می باشد . کتابهایی که تاکنون به زیور چاپ آراسته شده اند ، عبارت است از : ۱ _الخمس ۲ _مسائل من اجتهاد و تقلید ۳ _امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- عربی ۴ _امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام- فارسی ۵ _اسلام مجسم – شرح حال علمای بزرگ اسلام ۶ _جایگاه بانوان در اسلام ۷ _جهاد - فارسی ۸ _ربا ۹ _دانش عصر فضا ۱۰ _شگفتی های آفرینش ۱۱ _جهان آفرینش ۱۲ _انسان و جهان ۱۳ _خوارج از دیدگاه نهج البلاغه ۱۴ _یک حرکت انقلابی در مصر ۱۵ _داستان باستان ۱۶ _ما و مسائل روز ۱۷ _بیت المال از دیدگاه نهج البلاغه ۱۸ _اقتصاد اسلامی ۱۹ _منطق خدا شناسی ۲۰ _جمهوری اسلامی ۲۱ _رساله توضیح المسائل ۲۲ _آمادگی رزمی و مرزداری در اسلام ۲۳_ هزار و یک مسئله فقهی – استفتائات ج ۱ و ۲ ۲۴ _مناسک حج - عربی ۲۵ _مناسک حج - فارسی ۲۶ _منتخب المسائل – عربی که هریک از نوشته های فوق مخاطبان خاصی داشته و مورد استفاده اقشار مختلف قرار می گیرد . فعالیتهای سیاسی و اجتماعی :

ایشان به لحاظ اینک شاگرد حضرت امام خمینی (ره) بوده و در حد عشق به ایشان دلبسته بودنـد ، از هر حیث به ویژه از جهت سیاسی به شدت تحت تأثیر آموزه های بنیانگزار جمهوری اسلامی قرار داشتند ، لـذا در کنار فعالیتهای علمی عمیق ، از ورود در عرصه سیاسی و اجتماعی غفلت نورزیده ، پیوسته در صفوف مقدم مبارزه علیه رژیم ستم شاهی حرکت می کردند و در این راه از زنـدان و تبعید و ... نهراسیده و همه خطرها را به جان خریده و با توکل بر خدا در مسیر انجام رسالت انقلابی با تمام وجود تلاش فرمودنـد که بخشی از این فعالیتها را از زبان معظم له می شنویم : من از جمله کسانی هستم که توفیق داشتم چند سالی در مکتب پرفیض حضرت آیت آللّه العظمی امام خمینی، درس بخوانم و علاوه بر مطالب علمی ، از سجایای اخلاقی ایشان نیز، بهره ببرم. در طول این سالیان با توجه به متون و موازین اسلامی در یافته بودم که مسؤلیت روحانیت ، خلاصه در درس خوانـدن و درس گفتن نمی‌شود . به این جهت از آن روز که حضرت ایشان انقلاب و تحول را آغاز کردند . من سعی کردم که پشت سر ایشان بقدر توانم گام بردارم . در آن زمان ، جلسات مرتبی با رفقای همفکر خود داشتیم که در آن نسبت به مسائل جاری گفتگو میشد و برای پیشبرد امور تصمیماتی اتخاذ می‌گردید . گاهی اعلامیه‌هائی علیه رژیم و شاه امضاء می‌کردیم . البته متن بعضی از آن اعلامیه‌ها را نیز گاهی من تنظیم می‌کردم. در نشر و توزیع آنها نیز ، همکاری نزدیک داشتم . افرادی را به این منظور به نقاط مختلف کشور می‌فرستادیم .

زنـدان قزل قلعه: بعد از این که حضرت امام را به ترکیه تبعید کردند ؛ اعلامیه‌هایی که علیه رژیم از قم صادر می‌شد امضای من را نیز داشت . به همین جهت در آن زمان چند نفر مأمور از طرف ساواک به منزل ما ریختند بطور دقیق همه جا را گشتند . حتی یادم هست که کتابها را نیز، ورق می‌زدند . مقدای از کتابها را برداشتند بردند و مرا نیز ، دستگیر کردند و به ساواک قم ، که در خیابان راه آهن بود ، بردند . شبی را آنجا بسر بردیم ؛ بعد منتقل شدم به تهران ، زندان قرل قلعه . قزل قلعه یکی از زندانهای رژیم شاه بود که افراد را در آن زمان به آنجا می‌بردند ، در زندان ، متوجه شدم که آقایان دیگری نیز آنجا هستند ؛ البته همگی ما در سلولهای انفرادی بودیم و فقط روزی سه مرتبه صبح ، ظهر و شام درب سلول را باز می‌کردند و ما حق داشتیم برای تجدید وضو از آن خارج بشویم . هنگامی که مرا برای دستشویی می‌بردند از دور این آقایان را دیدم و فهمیدم که این آقایان هم آنجا هستند . داخل سلول

لامپ نبود ؛ تنها از روزنه کوچکی که بالای درها وجود داشت شعاع کم و سوئی از روشنائی داخل سالن به درون سلول می‌تابید . این سلولها به اندازه‌ای کوچک بود که اگر دست‌هایمان را باز می‌کردیم به دیوارهای دو طرف می‌رسید . کف سلولها را با آجرهای ناهموار فرش کرده بودند به گونه‌ای که موقع خوابیدن پشت و کمر انسان را به سختی می‌آزرد . حدود سه ماه بدون محاکمه و ممنوع الملاقات با این وضع ، در این سلولها بودم و بجز هنگام تجدید وضو از آن نمی‌توانستم خارج شوم . بعد از محاکمه ، روزی فقط ده دقیقه ما را به عنوان هواخوری داخل حیاط زندان می‌بردند که قدم بزنیم . هنگامی که مرا برای بازجویی بردند ، مهم‌ترین حرف آنان این بود که شما طرفدار حضرت امام هستید و به پشتیبانی از ایشان اعلامیه می‌نویسید و امضاء می‌کنید . نزدیک دو ماه که از تاریخ محاکمه گذشت من آزاد شدم . چند ماه از آزادی من نگذشته بود که مسافرتی به همدان داشتم . در همدان علماء و غیرعلماء به دیدن بنده آمدند . تابستان بود ، من در مدرسه همدان ، درسی شروع کردم که مورد استقبال واقع شد . ساواک همدان از این موضع که جوانهای شهر و مردم با من رابطه داشتند و به درس و بحث می‌آمدند نگران بود ؛ به این جهت مرا به بهانه‌ای گرفتند وبه تهران فرستادند . دوباره روانه زندان قزل قلعه شدم و چندین ماه دیگر در آنجا زندانی گشتم . بعد از آزادی از زندان ، مدت زیادی به اصطلاح ممنوع المنبر بودم و حق نداشتم به وعظ و خطابه بپردازم به رفسنجان رفتم . بعد از دو سه منبر ، ساواک کرمان مطلع شد و از ادامه جلسات سخنرانی ، جلوگیری کرد . روز تاریخی ۱۹ دی ۵۶: از آن تاریخ به قم برگشتم و مشغول درس بحث شدم و در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های گوناگون هدف خود را تعقیب می‌کردم تا این که جریان ۱۹ دی ۵۶ بوجود آمد ، و آن به این شرح است : در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۵۶ مقاله توهین‌آمیز و تندی علیه حضرت امام ، که آن زمان در نجف تشریف داشتند ، چاپ شد . انتشار این مقاله ، خشم آقایان اساتید و فضلای حوزه قم را برانگیخت . به همین مناسبت جلسه‌ای در منزل این جانب برگزار شد که در آن آقایان : مشکینی ، وحید خراسانی نیز حضور یافتند . در آن جلسه تصمیم گرفته شد که به عنوان اعتراض به انتشار چنین مقاله‌ای در اولین گام حوزه و بازار قم تعطیل شود . حوزه قم و بازار تعطیل شد. فضلای حوزه و آقایان بازاریها به منزل مراجع و اساتید بزرگ می‌رفتند که در آنجا جلسات سخنرانی در اعتراض به رژیم برگزار می‌شد. روز ۱۹ دی ، که قبل از ظهر آقایان به منزل بعضی از اساتید رفته بودند ، قرار گذاشته بودند که بعد از ظهر در منزل ما اجتماع کنند . این قرار در نماز جماعات هم اعلام گردیده بود . از حدود ساعت یک بعد از ظهر عده‌ای آمدند و چندین بلندگو داخل منزل و کوچه نصب کردند . رفته رفته جمعیت می‌آمد داخل حیاط و پشت بامها ؛ و کوچه از جمعیت متراکم شده بود به گونه‌ای که جمعیت به خیابان رسیده بود . نخست داماد اینجانب آقای سید حسین موسوی تبریزی سخنرانی کردند ، سپس بنده وظیفه خود دانستم که صحبت کنم و جنایات رژیم ستمشاهی را به صراحت بیان کنم ، لذا سخنرانی جامع و تندی علیه جنایتهای رژیم شاه ، انجام دادم . در آن سخنرانی من لازم دانستم که انگشت روی مرکز و منبع اصلی جنایتها بگذارم ؛ از این رو مرکزیت را هدف قرار داده و در مقایسه حرکت نجات بخش حضرت امام که از اسلام و قرآن و روش اهل بیت عصمت نشأت می‌گرفت با عکس العملی که از استکبار جهانی و دست نشاندگان آن صادر شد این اشعار را خواندم : مه فشاند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند چون تو خفاشان بسی بینند خواب کاین جهان ماند یتیم از آفتاب کی شود دریا زپوز سگ نجس کی شود خورشید از پف منطمس در شب مهتاب مه را بر سماک از سگان و عوعو ایشان چه باک کارک خود می‌گذارد هر کسی آب نگذارد صفا بهر خسی ای بریده آن لب و حلق و دهان که کند تف سوی ماه آسمان خس ، خسانه می‌رود بر روی آب آب صافی می‌رود بی‌اضطراب مصطفی مه می‌شکافد نیمه شب ژاژ میخاید ز کینه بو لهب آن مسیحا مرده زنده می‌کند آن جهود از خشم سبلت می‌کند مردم از این صحبت جامع و منطقی و کوبنده شارژ شدند و با شعارهای تند از منزل حرکت کردند . من خود نیز ، لازم دانستم که با مردم حرت کنم . آمدیم بیرون ، از کوچه که گذشتیم وارد خیابان شدیم . ابتدای جمعیت به چهاراه مقابل کلانتری رسیده بود . در اینجامزدوران رژیم ، مردم را به گلوله بستند و با سلاح گرم به مردمی که هیچگونه وسیله دفاعی نداشتند حمله

کردنـد . عـده‌ای از مردم شـهید شدنـد ؛ عده‌ای مجروح و زخمی و عده‌ای هم توانسـتند جان سالم بدر برند . همین جریان ، موجب حرکت وقیان مردم در دیگر شـهرهای مختلف ایران شـد . به مناسبت بزرگـداشت شـهدای این روز ، قیام فراگیر ملت ایران از تبریز آغاز و رفته رفته تمام ایران را فرار گرفت . به همین مناسب کوچه ما کوچه قیام نام گذاری شد . و وقتی حضرت امام (رحمه الله) به قم مشـرف شدند به منزل ما نیز تشـریف آوردند ، و به محضر ایشان عرض شد که انقلاب اسلامی از این خانه آغاز شده است . بعد از جریان این سخنرانی در روز ۱۹ دی ، در انتظار این بودم که ساواك دنبالم بیایـد و دسـتگیرم کند ؛ به این جهت در تهران کاری داشتم رفتم که آن را انجام دهم . وقتی به تهران رفته بودم . شبانه به منزل ما ریخته و همه جا را گشته بودند . وقتی از تهران برگشتم و جریان را به من گفتنـد . خودم را بیشتر آماده کردم و بعـد از خـداحافظی و آماده شدن ، به ساواك تلفن زدم و گفتم : اگر با من کاری داریـد از تهران برگشـته‌ام . حـدود نیم ساعت بعـد آمدنـد و مرا به شـهربانی قم بردند ، و از آنجا مرا به خلخال تبعید کردند . تبعیـدی من در خلخـال چنـدین مـاه به طـول انجامیـد . در این مـدت نسـبت به من سـخت‌گیری فراوان میشـد . هر روز لازـم بـود به شهربانی رفته و دفتری را امضا کنم . منزل ما را شدیدا کنترل می‌کردند ؛ حتی رفت و آمدهای عادی را زیر نظر داشتند . تهیه ارزاق عمومی را برای ما مشـکل کرده بودند و به کسـبه سفارش می‌کردند که از فروش اجناس مورد لزوم به ما خودداری کنند . یک روز صبح که برای امضا دفتر رفته بودم ؛ به من گفته شد که دیگر به منزل برنگردم ؛ چون می‌خواسـتند مرا به سـقز ببرند . هر چه اصـرار کردم که بروم و حـداقل خبر بدهم پذیرفته نشد . مرا به همراه چند مأمور به سـقز منتقل کردند . در سـقز چند نفر دیگر از آقایان نیز تبعید بودند . دوران تبعید را با مشـکلات فراوان سپری می‌کردیم . دولت شـریف امامی که روی کار آمد برای کسب و جاهت - به اصـطلاح - زنـدانی‌های سیاسـی را آزاد می‌کرد و تبعیـدیها را برمی‌گرداند . در این زمان نیز من از تبعید گاه آزاد شدم . از آخرین تبعیدگاه خود یعنی سـقز کردستان که آزاد شدم امام خمینی »رضوان اللّه علیه« در پاریس »نوفل لوشاتو« بودند، پس از چند روز در قم به پـاریس رفته ، در نوفـل لوشـاتو به محضـر مقـدس امـام »رضوان اللّه علیه« شـرفیاب و چنـد روز در جلسـاتی که در محضـر آن پرچمدار نهضت اسـلامی و اسـتاد بزرگ تشـکیل می‌شد شـرکت می‌نمودم و چند دفعه با معظم له ملاقات خصوصـی داشـتم . و در هنگامحرت برای ایران به بنده ورقه‌ای که با خط مبارك خود نوشـته و مطالبی که درباره حکومت اسـلامی بعد از سقوط رژیم ستم شاهی در آن مرقوم داشته بودند دادند که بنده آنرا با آقایان دکتر بهشتی و استاد مطهری مورد مذاکره قرار بدهم و نتیجه را به نوفل لوشاتو گزارش بدهم که انجام دادم . تلاش برای اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی (رحمه الله):

از جمله جریانهایی که در آن دوران پیش آمـد ، جریان در گذشت آیهٔ اللّه العظمی حکیم (ره) بود . ما به لحاظ خصوصـیات علمی و دیگر خصـائص روشـن و بـارزی که در حضـرت امـام ، سـراغ داشـتیم ، تصـمیم گرفـتیم کـاری کنیم که چهره ایشـان ، خـارج از حوزه‌هـای علمیه نیز برای مردم بهتر و کاملتر شـناخته شود . از این جهت تصـمیم گرفتیم اعلامیه‌ای بـدهیم که : بعـد از مرحوم آقای حکیم ، مردم به حضـرت امام مراجعه کنند . دوازده نفر از مدرسـین حوزه علمیه قم ، که اینجانب نیز جزء ایشان بودم این اعلامیه را در تأییـد مرجعیت حضـرت امـام بعـد از مرحوم آقای حکیم امضاء کرده و پخش کردیم . علمای شهرسـتانها از این اعلامیه اسـتقبال خوبی کردند و در بعضـی از مراکز ، آقایان اعلامیه را روی منبر برای مردم خوانده بودند که تأثیری گذاشته بود . بعد از صدور این اعلامیه ، منتظر بودم که دنبـالم بیاینـد ؛ چرا که می‌دانسـتم صـدور چنین اعلامیه‌ای بی‌عاقبت نیست . همین طور هم شـد ، یک روز ظهر مأمورین ساواک به منزل ما ریختند ، و ما در این جریانات نیز به وظیفه خود عمل کردیم . مسافرتهای علمی ـ فرهنگی :

آیت ا ...العظمی نوری همدانی با الهام از توصـیه قرآنی مبنی بر « سیروافی الارض » سفرهای زیادی به اقصا نقاط جهان داشته و در این سـفرها ضـمن انجـام مباحثـات علمی بـا برخورد با افکار و فرهنگهای گوناگون بر تجارب خویش می افزودنـد . ایشان در مورد مسافرتهای خارج از ایران خود چنین می فرماینـد : من در سال ۵۸ و ۵۹ که نماینده حضرت امام در اروپا بودم و به آن دیار رفت و آمد داشـتم در ظرف این دو سال در موقع تحصـیل در قم اشتغال به تدریس داشتم ولی در موقع تعطیلی حوزه به کشورهای اروپا از

قبیل : انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، اطریش ، ایتالیا ، سوئد ، بلژیک ، هلند ، دانمارک ، سوئیس ، نروژ ، فنلاند ، اسپانیا ، یونان ، و ترکیه مسافرت می کردم ، و در طی ملاقاتها و مصاحبه و تشکیل مجالس حقایق اسلام و عظمت انقلاب اسلامی را بیان می کردم ، و به سؤالات علمی و مذهبی با توفیق خداوند پاسخ می دادم ، و سفرهائی به پاکستان و یک سفر هم به تایلند ، پاکستان ، بنگلادش و هندوستان رفته‌ام و در این سفرها علاوه بر معاشرت با فرقه های گوناگون و بیان معارف و مبانی اسلام ، توجه بیشتر به بیان مزایای انقلاب اسلامی ایران و نشان دادن چهره استکبار جهانی بود .

نوری، اسماعیل

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

اسماعیل نوری

محل تولد : کهریز زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل نوری در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی در خانواده مذهبی در یکی از روستاهای زنجان به دنیا آمد. دروس مقدمات را در زادگاهش یاد گرفت و در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه زنجان شد. دروس ادبیات عرب و کتابهای «شرح لمعه، اصول فقه و غیره» را در آن حوزه آموخت. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و شروع به آموختن کتابهای «رسائل، مکاسب، کفایهٔ الاصول و ...» مشغول گردید.

در سال ۱۳۵۴ پس از قبولی در امتحانات پایانی سطح حوزه شروع به آموختن دروس خارج (آشنائی با کیفیت استنباط احکام فقهی) نمود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم (که امروزبه عنوان دانشگاه قم معروف شده است) مشغول تحصیل گردید و پس از گذراندن دوره آن در پاییز سال ۶۰ به زنجان بازگشت و در مراکز تربیت معلم و دانشگاه آنجا به تدریس مشغول شد.

استاد نوری در سال ۱۳۷۱ جهت استفاده مجدد از دروس فقه و اصول حوزه به شهر مقدس قم بازگشت. ضمن تحصیل در حوزه علمیه قم، در مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی قم تدریس می کرد و هم اکنون نیز در آن مرکز و دیگر مراکز آموزش عالی قم به تدریس مشغول است. این روحانی فعال در سال ۱۳۷۷ موفق به اخذ مدرک سطح ۴ (دکتری) از حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۷۷ پس از اعلام آمادگی برای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری و موفقیت در امتحانات مربوطه و تایید اجتهاد وی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی به عنوان نامزد نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان زنجان معرفی شد و با توجه به این که ایشان به رقیب خود (حضرت آیت الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی ره) احترام فوق العاده قائل بود در دو سخنرانی تبلیغاتی انتخاباتی تلویزیونی از ایشان تعریف و تمجید کرد.

استاد نوری در اثر لیاقت هایی که از خود نشان داده بارها از طرف مسئولین به عنوان مدرس نمونه استانی مورد تقدیر قرار گرفته و در سال ۷۹ نیز به عنوان مدرس نمونه کشوری شناخته شده و از طرف وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران لوح تقدیر

دریافت نموده و در حال حاضـر به عنوان مدیر گروه آموزشـی و پژوهشی معارف اسلامی و عربی مراکز تربیت معلم استان قم انجام وظیفه می کند.

نوری، حمیدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمیدرضا نوری

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای حمیـدرضا نوری در سال ۱۳۴۳ هجری شمسـی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوسـتدار اهل بیت عصـمت و طهارت «علیهم السلام» در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویـق خـانواده و علاـقه خویش به فراگیری علوم دینی در سـال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه تهران گردیـد. از نخستین روزهـای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذرانـدن سـطوح عالی در سال ۱۳۶۳ به حلقه دروس خـارج راه یـافت. و از درس سـتارگان درخشان حوزه های علمیه عـالم شـیعه همچون: «آیت الله وحیـد»، «آیت الله تبریزی»، «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصـباح» و ... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی علاوه بر مدیریت نهاد رهبری در دانشـگاه «خواجه نصیر الدین طوسی» به تدریس در این دانشگاه مشغول است که حاصل زحمات ایشان؛ پرورش دانشـجویان فراوانی می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به امر تبلیغ، تحقیق، نگارش و تـألیف به چیز دیگری نیندیشـیده است که آثـار متعـددی از جمله «حقوق اجتماعی و سیاسـی»، «پنجره ای به تنهایی خـدا» و ... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

نوری، فضل‌الله

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

از اکابر علماء مجتهـدین و اجلای فقهاء و محدثین امامیه در ۱۲۵۹ ق متولد شد. پدرش مرحوم آخوند ملاعباس معروف به پیشـنماز از علمای متقی و معروف بود. شـیخ فضل‌الله پس از انجام تحصیلات مقدماتی و سطح عازم بین‌النهرین شد و قریب ده سال در عراق توطن نمود وی از شاگردان برجسته میرزا محمد حسن شیرازی بود و غیر از فقه و اصول و حدیث و کلام و فلسفه و ریاضیات، علوم

غریبه مانند جفر و غیره را آموخت و شاعر هم بود و تخلص نوری داشت.

شیخ فضل‌الله پس از مراجعت از عتبات از معاریف علماء گردیـد و کار و بارش خیلی رونق گرفت و مرجعیت تام پیـدا کرد و مورد توجه شـاه و امنـاء دولت قرار گرفت. در واقعه تحریم تنبـاکو و بلوای آن شـیخ در کنـار حاج میرزا حسن آشتیانی قرار داشت و جزو چنـد مجتهـد مجاهد بود. اعتمادالسـلطنه برای رفع بحران تنباکو چندین بار به او مراجعه و از طرف شاه درخواست کرد به نحوی که ممکن است به غـائله خـاتمه دهـد ولی شـیخ جز بطلان قرارداد و جمع کردن بساط انگلیسـها راهی را ارائه نـداد. در مجلسـی که در دربـار از علمـاء و بزرگان برای مسأله تنباکو تشـکیل شـد شـیخ فضل‌الله جـدا در لغو قرارداد پافشاری کرد و ناصـرالدینشاه ناچار در اجرای فتوای میرزای شـیرازی و خواسـته علمای تهران قرارداد را لغو و مبلغ پانصد هزار تومان غرامت پرداخت. شیخ فضل‌الله پس از فسخ قرارداد چند تلگراف به آیت‌الله شـیرازی مخابره و ضمن اعلام فسخ قرارداد درخواست نمود فتوای حلیّت دخانیات را توسط او صادر نماید. شهرت و آوازه شیخ از احراز سلطنت ناصرالدینشاه به اوج رسید. اتابک برای حفظ خویش خود را به او نزدیک کرده، بیشتر دعاوی دولتی را به محضر او احاطه می‌کرد.

مرحوم ناظم‌الاسـلام کرمانی در این باره چنین نوشـته است: باری عین‌الـدوله صـندوق مالیه را ترتیب داد و خرابی دربار را خواسـت اصـلاح کنـد لکن جهـالت و اسـتبداد و تکبر این شاهزاده کار را خرابتر کرد. با حاج شـیخ فضل‌الله متحـد گردیـد امورات شـرعی و عرفی بلکه مملکتی را راجع به محکمه شیخ نوری نمود تا آنکه کار شیخ بالا گرفت و کارهای عمده را صورت و انجام می‌داد.

شیـخ فضـل‌الله که در دوران صـدرات عین‌الـدوله فعـال مایشـاء و همه کـاره بود از این موقعیت مغرور شـد و از دوسـتان قـدیم مانند سیدعبـدالله بهبهـانی و سـیدمحمد طباطبائی خود را کنار کشـید و طبعا عین‌الـدوله هم با داشـتن شـیخ فضل‌الله توجه زیادی به آن دو نداشت. این مسأله باعث شد که طباطبائی و بهبهانی طریق دیگری انتخاب کنند و آن مخالفت با عین‌الدوله و تأسیس عدالتخانه بود.

جبهه‌گیری روحانیت در دو جناح از همان موقع آغاز شـد. شـیخ فضل‌الله با همکاری شـیخ علی‌اکبر بروجردی، شـیخ محمد آملی از یـک طرف و سـیدعبدالله بهبهـانی و سـیدمحمد طباطبـائی از طرف دیگر مبـارزه شدیـد و علنی خود را آغـاز کردنـد. شـیخ فضل‌الله توانست سید ابوالقاسم امام‌جمعه را نیز با خود همراه سازد.

اولین ضربتی که به گروه شیخ فضل‌الله وارد شد تخریب ساختمان بانک استقراضی روس بود که با فتوای سید محمد طباطبائی انجام گرفت.

توضیـح آنکه در ۱۳۰۸ ه.ق ناصـرالدینشاه امتیاز مؤسـسه رهنی که بعـد به بانک استقراضـی تبـدیل گردید به دو نفر از اتباع روسـیه واگـذار نمود. روسـها تصـمیم گرفتنـد که اداره مرکزی بانک را در بازار احـداث نماینـد از این رو پس از تفحص، محلی را در نظر گرفتند که در اراضـی موقوفه سید ولی که در آخر بازار کفاشها واقع و مدرسه مخروبه و قبرستان متروکه بود، برای ساختمان درنظر گرفتنـد. برای اجازه آن به چنـد نفر از روحانیون مراجعه کردنـد، ولی هیچکدام زیربار اجازه نرفتند، سـرانجام به حاج شـیخ فضل‌الله رجوع کردنـد و او حاضـر شـد اراضـی مزبور را جهت ساختمـان بانک به مبلغ هفتصـد و پنجاه تومان به ملاحظه تبـدیل به احسن به روسـها بفروشـد و روسـها عمارت بزرگ و مجللی در آن زمین موقوفه برپا کردند. در ۱۳۲۳ ه.ق که مبـارزه در جناح روحانی آغاز شد از طرف سید محمد طباطبائی موضوع در چند مجلس مطرح و بعضی از وعاظ به آتش دامن زدند تا اینکه در یک روز جمعیتی حدود بیست هزار نفر به محل بانک رفته و ساختمان مزبور را در یک طرفه‌العین محو و نابود کردند.

بعد از مراجعت مظفرالدینشاه از سفر سوم اروپا، عین‌الدوله در مظان اتهامات زیادی قرار گرفت و جناحهای مختلف علیه او شروع به فعالیت نموده شـبنامه‌ها منتشـر شـد و روزنامه‌ها تهمتهای فراوان به او زدند. بازار سـیاست از هر طرف آشـفته‌تر شد و موضوع چوب زدن تجـار قنـد و تبعیـد سـعدالدوله وزیر تجارت به مناسـبت حمایت از تجار، دسـته دیگری از اصـناف و تجار را در صف مخالفین عین‌الـدوله جـا داد. موضوع تأسـیس عـدالتخانه که نخستین خواسـته روحـانیت و تجـار و اصـناف بود ظـاهرا مورد موافقت شـاه قرار

گرفت؛ ولی عین‌الدوله با وعده و وعید در انجام آن تعلل می‌کرد. شیخ فضل‌الله با هوش و فطانت خاصی که داشت سقوط عین‌الدوله را نزدیک دید و برای اینکه در آینده جایی برای خود داشته باشد با سید عبدالله و سید محمد مجددا نزدیک شد ولی این بار سیدین او را به بازی نمی‌گرفتند و رفت و آمد آنها ظاهری بود. شیخ فضل‌الله از لحاظ مراتب علمی و فقاهت اعلم بر سایرین بود ولی در این برهه از زمان حاضر بود در کنار پیشوایان دیگر قرار بگیرد. از این رو در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت گردید خدمات زیادی انجام داد ولی سید عبدالله بهبهانی که رقابت شدیدی با او داشت بین شیخ فضل‌الله و سایرین افتراق ایجاد کرد. شیخ فضل‌الله حاضر بود همه گونه با آنها همراهی و همکاری کند ولی مخالفین او را به حریم خود راه ندادند و او ناگزیر از صف آنان اعراض نموده خود را به دامان محمد علیشاه انداخت و مشروطه مشروعه را برای خود عنوان نمود و در آن زمینه که عاقبتی ناگوار برایش داشت گام برداشت. تا زمانیکه مظفرالدینشاه حیات داشت اختلاف بین مشروطه خواهان و مستبدین زیاد به چشم نمی‌خورد و جبهه‌های مخالف و موافق در مقابل یکدیگر قرار نگرفته بودند ولی پس از مرگ او و اعلام پادشاهی محمد علیشاه وضع تغییر کرد. سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی با قبول نمایندگی اقلیتهای مذهبی در گردش کار مجلس سرپرستی داشتند. دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود بد آنها توسل می‌جستند و هر کاری با مداخله آنها انجام می‌گرفت. منزل آندو، محل رفت و آمدهای سیاسی بود، همه چیز در اختیار آنها قرار گرفته بود و شیخ فضل‌الله در عوض تمام قدرت خود را از دست داده بود.

در یکسال اول سلطنت، محمد علی شاه آنچنان که منعکس شده است با مشروطه مخالف نبود ولی دستجات تندرو، مانند بعضی از نمایندگان، انجمن‌های مختلف و مطبوعات موجبات جدایی شاه را از مشروطه و مجلس فراهم کردند. قتل اتابک، سوءقصد به محمد علی شاه و فشار به شاه برای اخراج درباریان از موجباتی بود که شاه را نسبت به مشروطیت منزجر نمود و خواه و ناخواه به دامن استبداد پناه برد. شیخ فضل‌الله هم که از نشستن روی قالیچه محروم شده بود برای بدست آوردن قدرت در تشویق و کمک به برنامه‌های استبدادی شاه تأثیر بسزایی داشت.

شیخ فضل‌الله در مقابل روحانیون مشروطه خواه جناح مستبدرا پی‌ریزی کرده خود در رأس آن قرار گرفته و عنوان مشروطه مشروعه به آن داد؛ زیرا وی معتقد بود مشروطه را چون شاه مرحوم به ملت اعطاء کرده چیز بدی نیست ولی منظور آن شاه مشروطه مشروعه است که با موازین شرعی تطابق دارد.

اقدامات شیخ فضل‌الله علیه مشروطه و مشروطه‌خواهان از اوایل ۱۲۸۶ ش آغاز شد و در روز سوم تیر ماه همانسال در رأس عده‌ای از روحانیون و طلاب و اصناف که بالغ بر پانصد نفر می‌شدند به حضرت عبدالعظیم رفته و در آنجا تحصن اختیار نمودند. وعاظ حاضر در آن تحصن همه روزه ضمن ایراد سخنانی حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته و تقاضای جدی از شاه به عمل آورده که باید مشروطه مشروعه شود. در همان ایام همه روزه تلگراف‌هایی در این زمینه با امضای شیخ فضل‌الله و سایر روحانیون و مجتهدین به علمای نجف مخابره می‌گردید و همچنین تلگراف‌هایی به تمام شهرهای ایران مخابره می‌شدند. مهمترین واقعه‌ای که علیه مشروطیت با سرپرستی و ارشاد شیخ فضل‌الله صورت گرفت واقعه توپخانه بود. ابتدا عده‌ای از اجامر و اوباش و مخالفین مشروطه به سرکردگی مقتدر نظام و صنیع حضرت به مجلس شورای ملی حمله برده بین آنها و مخالفین مجلس کار به تیراندازی رسید و سپس دامنه زد و خورد به توپخانه کشیده شد. در توپخانه شیخ فضل‌الله و شیخ علی‌اکبر بروجردی و شیخ محمد آملی و حاج میرزا ابوطالب زنجانی در مسند فرماندهی نشسته و وعاظی مانند سید محمد یزدی و سیداکبر شاه و سید علی آقا یزدی حاضر بودند و هر کدام به نوبت بالای منبر قرار گرفته، مطالبی در ذم مشروطیت و مجلس ایراد می‌نمودند. سرانجام شیخ فضل‌الله به منبر رفته و مشروطه‌خواهان را تکفیر نمود و آنان را به عنوان مرتد و بابی نام برد. در میان مستبدین عده‌ای مشروطه خواه هم داخل شده بودند و گاهی با فرستادن صلوات سخنان ناطقین را قطع می‌کردند و یا شعارهایی می‌دادند. برای آرامش مجلس مستبدین شخصی

را به نام میرزا عنایت زنجانی که بیش از همه شعار می‌داد گرفته و او را کشتند و نعش او را به درختی آویزان کردند. واقعه توپخانه دو سه روزی به طول انجامید.

سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی هم در مقابل اقدامات شیخ فضل‌الله و اعوان و انصارش ساکت ننشسته، علمای نجف را نسبت به او بدبین ساختند و در نتیجه عده‌ای از علمای نجف مانند محمد حسین میرزا خلیل، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی طی تلگرافی شیخ فضل‌الله نوری را به علت مخالفت با مشروطه تکفیر کردند و متذکر شدند مخالفین را به ارض اقدس تبعید نمایند. متن تلگراف علمای نجف چنین بود:

حجج اسلام بهبهانی، طباطبائی؛ چون نوری مخل آسایش و مفسد است تصرفش در کلیه امور حرام است.

کشمکش بین مشروطه خواهان و مستبدین سرانجام به خون کشیده شد و لیاخف به دستور محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و صدای مجاهدین و مشروطه‌خواهان موقتا خاموش شد. جمع کثیری از مجاهدین و مشروطه‌خواهان به زندان باغشاه افتادند و عده‌ای نیز به وضع فجیع اعدام گردیدند، بهبهانی و طباطبائی هم به تبعید رفتند. شاه در باغشاه به تخت نشست و شیخ فضل‌الله نیز مجددا به قدرت رسید و مقام و موقعیتش از سال‌های قبل بیشتر شد و آنچه او می‌گفت شاه به انجامش می‌کوشید.

در آبان ماه ۱۲۸۷ به دستور شیخ فضل‌الله نوری اجتماع بزرگی در باغشاه مقر محمد علی شاه با شرکت روحانیون، رجال، معاریف، بازرگانان، اصناف و مالکین تشکیل شد و مذاکراتی پیرامون نوع حکومت در ایران آغاز شد. شیخ فضل‌الله فریاد برآورد مشروطه با شریعت سازگار نیست و تلگراف‌هایی را که از طرف بعضی از روحانیون شهرها و مردم در مخالفت با مشروطه رسیده بود قرائت نمود. سرانجام عریضه‌ای به شاه نوشته و استدعا کردند از مشروطه صرفنظر نمایند. عده زیادی از علماء این عریضه را امضاء کردند، امضاء اول مربوط به شیخ فضل‌الله بود.

یک هفته بعد مجددا جلسه‌ای در باغشاه با حضور علماء و بزرگان و معاریف تشکیل گردید و شاه نیز در آن جلسه مشارکت کرد و مصرا از وی خواستند که مشروطه را فراموش کند.

محمد علی شاه اعلامیه‌ای انتشار داد و متذکر شد چون پیرو احکام مقدس اسلام می‌باشم و چون علماء اعلام نموده‌اند مشروطیت خلاف شریعت است لذا انصراف خود را از مشروطه اعلام می‌داریم. اعلامیه محمد علی شاه در اذهان مشروطه‌خواهان تأثیر بسیار بدی گذاشت. همه می‌دانستند تصمیم شاه ناشی از تلقین شیخ فضل‌الله است، از این رو عده‌ای کمر به قتل او بستند و برای اجرای قتل کریم دواتگر را انتخاب نمودند. ساعت ۸ بعدازظهر روز ۹ دی ماه ۱۲۸۷ هنگامی که شیخ با چند نفر از خادمین خود عازم منزل بود مورد سوءقصد قرار گرفت و شیخ و سه نفر از خادمین مجروح شدند. ضارب وقتی دستگیر شد تیری در دهان خود خالی کرد و مجروح شد. شیخ فضل‌الله پس از مدتی ضارب خود را بخشید و قریب یک ماه بستری بود تا سرانجام بهبود یافت (کریم دواتگر سرانجام به تیر غیب گرفتار و کشته شد).

فتح تهران توسط قوای بختیاری و مجاهدین گیلان به جنگ مستبدین و مشروطه خواهان پایان داد. محمد علی میرزا از سلطنت خلع و احمد میرزا ولیعهد به جانشینی او به تخت نشست و عضدالملک نایب‌السلطنه شد. مستبدین و طرفداران محمد علی شاه دو دسته شدند، عده‌ای همراه او به سفارت روس رفتند و عده‌ای هم در دیگر سفارت‌خانه‌ها بست نشستند. قبل از گرفتاری شیخ فضل‌الله از سفارت روس به او مراجعه شد و به او تأمین جانی و مالی پیشنهاد کردند، ولی شیخ نپذیرفت و شهادت را بر توسل بر اجنبی ترجیح داد.

جریان دستگیری و محاکمه و اعدام شیخ فضل‌الله در چند کتاب منقوش است. مرحوم مهدی ملکزاده در کتاب تاریخ مشروطه خود مشروحا به این موضوع اشاره کرده است که ما عین نوشته ایشان را نقل می‌نماییم:

توقیف و حبس حاجی شیخ فضل‌الله

به خلاف محمد علی شاه و صدر اعظمش سعدالدوله و جمعی از وزرا و درباریان و رجال مستبد که نامردانه پس از آنهمه جنایت و آدم‌کشی راه فرار را پیش گرفتند و به سفارت اجنبی که بزرگترین دشمن استقلال ایران بود پناه بردند. حاجی شیخ فضل‌الله استقامت و شخصیت خودش را حفظ کرد و در خانه ماند و منتظر پیش آمد و تقدیرات شد. می‌گویند همانروز که محمد علی شاه به سفارت رفت سعدالدوله برای حاجی شیخ فضل‌الله پیغام فرستاد که جان شما در خطر است و خوب است به یکی از سفارتخانه پناه ببرید ولی حاج شیخ فضل‌الله از این پیشنهاد سرباز زد و زیر بار این ننگ نرفت و جواب داد مقام روحانیت من اجازه‌ی اقدام به این عمل را نمی‌دهد.

در همانروز کسانی که از طرف حاجی شیخ فضل‌الله به وسیله پنجاه عدد تفنگ سه تیر که از دولت گرفته بود مسلح شده بودند و در اطراف خانه‌اش سنگربندی کرده و تا ساعت آخر با مشروطه‌خواهان جنگیدند متفرق شدند و از صدها نفر پیروان و مریدان که همه روز گردش جمع می‌شدند و در مجمعش حضور پیدا می‌کردند کسی دیده نمی‌شد و جز چند نفر مستخدم شخصی و افراد خانواده‌ای کسی در خانه و اطراف او نبود روز ۱۲ رجب جمعی از مجاهدین به خانه شیخ رفتند و او را دستگیر نمودند و به وسیله درشکه به میدان توپخانه‌اش آوردند و در یکی از اطاق‌های طبقه فوقانی محبوسش نمودند آری شیخ در همان میدان توپخانه که در یک سال و نیم پیش در پوش سلطنتی که برای او برپا کرده بودند و در صدر آن جای داشت و هزارها نفر را بر ضد مشروطه و حکومت ملی قیام داده بود محبوس گردید.

ناگفته نگذاریم به خلاف رفتار عمال استبداد با محبوسین باغشاه مجاهدینی که شیخ را دستگیر و محبوس نمودند کوچکترین بی‌احترامی در حق او روا نداشتند و کاری که موجب رنج و شکنجه‌ی بدنی و یا روحی او بشود ننمودند و می‌توان گفت تا حدی با احترام به او عمل کردند.

شیخ از زمانیکه حبس شد تا موقعیکه اعدام گشت تمام ساعات را با بردباری و خونسردی و متانت گذراند و ضعف نفس از خود نشان نداد و راه عجز و ناله و توسل به این و آن را در پیش گرفت و شخصیت خود را حفظ کرد.

محاکمه و اعدام

محققین و کسانی که به تاریخ نهضت‌های ملل و انقلابات امم آگاهند به خوبی می‌دانند که در انقلابات ملی همینکه کسی جلب به محکمه انقلابی شد مخصوصا اشخاص مهم که گذشته‌ی آنها برای همه روشن است و به خوبی و بدی آنها همه آگاهی دارند و عهده‌دار و رهبری دسته مخالف را داشته‌اند قبلا محکوم به اعدام بوده و تشکیل محکمه جز صورت سازی چیز دیگری نیست.

حاجی شیخ فضل‌الله هم از این قاعده عمومی مستثنی نبود و می‌توان گفت که پیش از محاکمه محکوم به اعدام شده بود و همینکه دستگیر و جلب به محکمه انقلابی شد محکومیت او غیرقابل اجتناب بود.

محکمه انقلابی در عمارت توپخانه که در قسمت جنوبی میدان توپخانه بود با عضویت رؤسای مجاهدین تشکیل گردید و به همان نحویکه صنیع حضرت و آجودان‌باشی را محاکمه نمودند شیخ را احضار به محاکمه او پرداختند.

ناگفته نگذاریم که اعضای محکمه انقلاب اکثرشان سران مجاهدین تندرو و بقول معروف دو آتشه بودند و رؤسای معتدل و سرداران از عضویت محکمه سرباز زدند و خود را به آنچه می‌گذشت نمی‌خواستند آشنا کنند و حتی به روبرو شدن با جلب شدگان خودداری کردند.

ادعانامه

شیخ ابراهیم زنجانی ادعانامه‌ی مفصلی که حاکی بر

مجرمیت شیخ بود قرائت نمود و اعدام مجرم را از محکمه تقاضا کرد. چون ادعانامه‌ی مذکور دارای مقدمه طولانی است و درج آن در این تاریخ چیزی بر معلومات خوانندگان نمی‌افزاید از نگارش آن صرفنظر نموده و اصل ادعانامه را از نظر خوانندگان

می گذرانیم.

وقتی که شدت و ظلم جور مقتدرین و عالم نمایان به احکام ناسخ و منسوخ و ناحق ایشان و تعطیل احکام اسلام و هرج و مرج امور خواص و عام در ایران به نهایت شدت رسید عموم خلق علاج را به مشروطیت دولت دیدند که اساس آن این است که تصرفات امرا و عالم نمایان و پادشاه در نفوس و اعراض و اموال خلایق به طور دلخواه مطلق نبود، حدی در تصرف پادشاه و حکام و دیگران بود و احکام الهیه چنانچه در اسلام مقرر است در حق همه جاری شود نه اینکه وقتی مقتدرین مرتکب فساد بشوند منعی نباشد و ضعفا صد مقابل مجازات ببینند و جمعی همیشه در کمال راحت و معبودیت دسترنج دیگران را گرفته به صرف عیش رسانیده و ایشان را در ذلت و بدبختی نگاهدارند.

جمعی از عقلا ـ از طرف مردم جمع شده و مشاوره در اصلاح امور مملکت و معیشت و حفظ آب و خاک و رفع تعدی متعدیان نموده و نگران باشند که آنچه مردم بعنوان مالیه برای حفظ امنیت می‌دهند به مصرف عیاشی غارتگران نرود.

مظفرالدین شاه قبل از محمد علی میرزا مخلوع این استدعای ملت را قبول کرده قانون و عهدنامه اساسی را امضا کردند و جنابعالی هم با چند نفر از معروفین علما در استحکام این اساس دخالت داشته زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس شوری بود و با حضور شما و جمعی دیگر مواد قانون اساسی نوشته شده و تصحیح شد، چه شد ناگهان شق عصای امت کرده ایجاد خلاف میان مردم نموده و علم مخالفت بلند کرده و جمعی از اشرار را بدور خود جمع نموده و مادهٔ مفسده عظیم و علت اولیهٔ خونریزی پنجاه هزار نفر نفوس ایرانی بی گناه و هتک اعراض و رعب قلوب و سلب بیشتر از صد کرور اموال و تخریب آبادیها گردیدید، اگر این عنوان حرام بود چرا خود هشت ماه در استحکام آن کوشیدی و اگر حلال و واجب بود چرا با آن شدت مخالفت نمودی و مردم را به ضدیت با یکدیگر دعوت فرمودی چرا بعد از اینکه اظهار مخالفت کردی مکرر به تو نصیحت کردند یک شب بنده خوده هم بودم در خانه آقای میرزا سید محمد طباطبائی، آقا سید عبدالله بهبهانی هم بود و بیست و پنج نفر از معتبرین وکلا هم حاضر بودند قسم غلیظ و شدید در حضور کلام‌الله مجید یاد کردی که خیانت به ملت نکرده، همیشه موافقت با مشروطیت نمایی مجددا بعد از چند روز قسم را شکسته ندای فساد دادی و چادر مخالفت زدی بعد جماعتی را گرد آورده و گفتی خلاف من فقط در سر آن یک ماده قانون اساسی است، باز جمعی همان ماده را برداشته در خانه خودت آورده، بنده هم بودم و به اتفاق بیست نفر از وکلا مدلل کردیم که همان ماده همانطور که هست باید نوشته شود باز قرآن حاضر کرده قسم مؤکد یاد کردی که دیگر ابدا مخالفت نکنی و فردا به مجلس بیایی به ناگاه قسم و عهد را شکسته به حضرت عبدالعظیم رفتی در حضرت عبدالعظیم کتبا و نطقا چه افترا که به وکلا ـ نزدی چه فساد بود که نکردی به چه دلیل وکلا ـ را بابی و دهری خواندی آیا تصور نکردی که در قانون انتخابات بعموم اهل ایران دستورالعمل داده شده که هرکس را متدین و امین دانند انتخاب کنند.

آیا همه مردم بابی بودند که بابی انتخاب کردند یا سایرین غیربابی بودند و در میان خود امین را غیربابی نیافتند یا آنکه خاصیت دیوارهای بهارستان بود که کسانیکه آنجا آمده‌اند بعد از چند ماه بواسطه پولهائی که شما گرفتید آنها بابی شدند.

در حضرت عبدالعظیم هر مجمع فساد که شما رئیس آن بودید جمعی از اوباش مفتخوار را از چند هزار تومان تا چند دینار خرج می‌دادید. آیا این پولها را که به شما داده بود که فساد کنید، آیا از خود می‌دادید، جنابعالی هم مثل من از عتبات در حال فلاکت عودت کردید این پول را از کدام تجارت یا صناعت یا کسب گرد آوردید، این یا رشوه احکام و یا مال فقرا و ایتام بود البته این پول را در مدتی جمع کرده بودید به چه دلیل در پیش چشم خودت فقرا و ضعفا و ایتام با کمال عسرت معیشت می‌کردند و تو این اموال فقرا را ضبط کرده زیاده از عیش با وسعت در چنین مقام افساد و اشرار می‌دادی، اگر شما مشروطیت را حرام دانستید دیدید که عموم علماء مرجع تقلید عتبات و سایر بلاد ایران جز چند نفر ریاست طلب و دنیاپرست همه آن را واجب دانستند و اقلا نه عشر مردم ایران در طلب آن جان می‌دادند آیا ممکن است حرمت چنین چیزی مضر دین باشد تا منکر آن کافر و مرتد و مستحق قتل

گردد، نهایت اینکه بی‌انصافی کرده می‌گفتید مسئله خلافی است رأی من این است که باید تأیید مقتدرین و ظلام کرد در چنین مسئله خلافی مخالف آن عاصی نیست تا چه رسد با آنکه کافر باشد.

پس به چه دلیل اشرار را اغوا می‌کردید که مشروطه‌طلبان را از قتل و ضرب به هر اذیت معاف ندارند.

بعد از آنکه مقدار پولها که گرفتید در حضرت عبدالعظیم به مصرف افساد رسانیدید و نمی‌دانیم چه قدر ذخیره کردید.

و بالاخره از آنجا مأیوس شدید این حرام که می‌گفتید کم کم حلال شد و سکوت جایز گردید؛ زیرا رأی شما تابع اشارات بود و در واقعه‌ی میدان توپخانه نمی‌دانم وجه مأخوذی به چه کثرت بود که به آن شدت اقدامات وحشیانه و متجاهرانه را نمودید خود را رئیس‌الاسلام نامیده با مهتر و قاطرچی و ساربان و کلاه‌نمدیهای محلات و اشرار همدست شده چادر در میدان زده در حضور مبارك شما آن اشرار مستانه فریاد ما چای و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم، بلند کرده و همه قسم رذالت و فحاشی کردند. چند نفر بی‌گناه را کشتند و به اشاره و سکوت شما از درخت آویخته چشم مقتولین را با خنجر در حضور عالی درآوردند بفرمایند آن مقدار مصارف که با آن جمعیت و شرارت صرف می‌شد و جنابعالی شرکت داشتید از چه محل حلال بود تلگرافات افساد شما به شهرها در تلگرافخانه‌ها موجود است کدام فساد و شرارت را در آن چند روز محض میل محمد علی میرزا فروگذار کردید. آیا می‌توان گفت این است حمایت اسلام، شما را به هرچه اعتقاد دارید قسم می‌دهم اگر حضرت پیغمبر یا امام علیه‌السلام حاضر بودند آن مجمع شما را به چه نام می‌نامیدند.

بعد از اینکه از فساد میدان توپخانه نتیجه مطلوبه حاصل نکردید با دست‌های مخفی که هشیاران می‌دیدند در همه قسم فساد و هرج و مرج در اجتماعات و انجمن‌ها و اغتشاش بلاد و مغشوش کردن ذهن محمد علی میرزا و تقویت او به مخالفت ملت اقدام کافیه کردید در بیرون رفتن محمد علی میرزا از شهر به باغشاه و ترتیب مقدمات تخریب مجلس شورا و محل امید ملت ایران سرسلسله شاپشال و امیر بهادر و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و مجدالدوله و حاجی محمد اسماعیل مغازه و امثال ایشان شما بودید.

و اکثر دستورالعملها را می‌دادید آیا شکستن عهد و قسم و توپ بستن به خانه خدا و قتل نفوس و هتك قرآن و زدن افترا و بهتان به وکلای پارلمان این اعمال را حلال می‌دانستید یا خیر آیا در حبس و زجر سادات و محترمین و به حلق آویختن مظلومین و حبس و زنجیر مردمان بی‌تقصیر و کشتن آن جمع کثیر محمد علی میرزا را مصاب می‌دانستید یا مخطی، اگر مخطی می‌دانستید چرا نهی نکردید اگر قدرت نداشتید چرا مثل ملت علم اعتراض و تحصن به حضرت عبدالعظیم و جمع نمودن مردم و جلوگیری از منکر و رفع فساد نکردید بلکه با کمال خرمی و انبساط به تبریك رفته و اظهار شادمانی کردید و تأیید شدت‌هایی که کردند نمودید.

آیا آن قتل نفوس و گرفتاری و تبعید محترمین و تصرفات در اموال ملت که ذخیره‌ی چند ساله‌ی ایران بود و اخذ تقدیمات بر حکومتها و اعطاء مناصب و تصرفات در خزانه و مالیه مملکت از مالیات و گمرك و تلگرافخانه و غیرها و اتلاف اشیاء ذخیره و پامال کردن اسلحه قورخانه و تقویت در فرستادن لشکر به یك شهر معتبر ایران مثل تبریز که چندین هزار ضعفا و عجزه و نسوان و اطفال دارد و در خانه خود نشسته هجوم بر کسی نمی‌کردند، بلکه در مقابل زورگویی آنها دفاع از خود می‌کردند این فرستادن توپها و افواج و امثال رحیم‌خان و بستن راه آذوقه بر مردم یك شهر و تخریب و غارت دهات آذربایجان و هتك نسوان و تصرف در تمام امور و اموال مردم و هوای نفس که از محمد علی میرزا و مشیرالسلطنه و قوام‌الدوله و مجدالدوله و امیربهادر و سایر شرکاء شما بودند که سلطنت غیرمشروطه عبارت از اینگونه کارها است اینها را شرعی و صحیح می‌دانستید:

اگر شرعی نمی‌دانستید به خط خود نوشته بدهید اگر شرعی می‌دانستید به چه جهت تأیید می‌کردید و شب و روز با مشیرالسلطنه و امیربهادر ترتیبات می‌دادید. لامحاله مشروطیت از این حرام‌تر نبود، پس چرا برای منع این کارها اقداماتی نکردید به حضرت عبدالعظیم نرفتید و به میدان توپخانه جمع نشدید و فریاد نکردید.

در این استبداد صغیر: چه پولها از مردم برای احکام و توسط و نصب حکام و اعطای مناصب گرفتید و چه پول‌ها از مال ملت از

دست محمد علی میرزا گرفتید، اگر راست بگوئید باید بیش از صد هزار تومان از این میان برده باشید، آخر این چه بی‌رحمی است این مال رعیت بیچاره است بگوئید کجا ذخیره شده بدهید به هزار قسم مورد حاجت خرج کنند.

این وسط چه تحریکات شما و امام جمعه به میرزا حسن تبریزی و ملاباقر زنجانی و سایر عالم نمایان و اشقیا کردید.

تلگرافات و مکتوبات شما همه را در دست دارند که القاء فساد کرده به شرکت ایشان خونها ریخته و خانه‌ها بر باد دادید و آتش بدودمانها زدید که هنوز دود آن فضا را تیره کرده مگر این مردم به شما چه کرده‌اند مگر از برکت مال و خدمات ایشان محترم و مکرم و صدرنشین و معبود و مسجود و نافذالکلمه و صاحب مال و عیش و پارک و قصر و جلال نشدید، آیا جزای خدمات این مردم بیچاره این بود.

آیا به قدر سعی در کشتن ملک‌المتکلمین و میرزا جهانگیرخان و قاضی قزوینی اقدامی کردید، بر فرض عدم اصلاح حکم خداوند این است که هر یک از این دو دسته را یاغی بدانید و با او جنگ کنید، شما آیا تبریزیها را که در خانه‌ی خود نشسته بودند و سرداران ملت را که می‌خواستند به این شهر آمده مطالب خود را بگویند، جلو راه ایشان را گرفته مانع شدند اینها را یاغی می‌دانید پس چرا مخلوط با سرباز و قزاق و الواط صنیع حضرت شده با آنها جنگ کردید.

و اگر لشکریان امیربهادر را یاغی می‌دانستید چرا با ملت موافقت نکرده با آنها جنگ نکردید.

نگوئید که چون عمامه داریم و زحمت و مشقت و سینه بگلوله دادن و در مقابل آفتاب در خاک خوابیدن را به سرباز داده‌ایم و خود باید از لذایذ متنعم باشیم، مگر حضرت پیغمبر و علی علیه‌السلام عالم نبودند یا عمامه نداشتند که اسلحه برداشته جهاد کردند.

بعد از توپ بستن مجلس و مسجد و هتک قرآن و قتل نفوس چه محبوبیت در دربار محمد علی میرزا پیدا شد که شما شب و روز و اکثر اوقات را با محمد علی میرزا و امیربهادر و غالب اوقات در کالسکه مشیرالسلطنه تشریف برده خلوتها کرده و نقشه‌ها برای تخریب بلاد و تعذیب عباد کشیدید با آن همه قدس و مسجد و عمامه علنا بر عدوات حجج‌الاسلام و آیات الله فی‌الانام که مرجع خواص و عام در عتبات مقدسه هستند اظهار عناد کردید بلکه تفسیق نمودید، آیا امیربهادر و ارشدالدوله و مجدالدوله را بهتر از مرحوم حاجی میرزا حسین و آقای خراسانی و آقای مازندرانی تصور می‌کردید؛ چرا خود و امثال خودتان از ملاهای رشوه‌گیر اجتماع کرده کنکاشها برای سختگیری به مردم و اذیت عدالت طلبان می‌نمودید، آزاد حرف می‌زدید و هر کجا می‌رفتید اما بندگان خدا را از اجتماع و مراوده با یکدیگر و گفتن حرف حق منع می‌کردید در این سیزده ماه چقدر سرباز و قزاق مسلح در هر معبر گماشته هر نوع اهانت و خواری به مردم کردید اگر آزادی در حرکات خوب است، چرا مردم را منع کردید، بد است چرا داشتید.

وقتی که محمد علی میرزا اعلان کرده بود که در ۱۹ شوال انتخاب و افتتاح مجلس شود، شما و امثال خودتان که برای یک فلوس از دین و مذهب دست می‌کشند جمع کرده بر ضد عموم ملت ایران و تمام مسلمانان عالم و علمای عتبات و علمای بی‌غرض احکام نوشته و مهر زده و گفتید باید مشروطه داده نشود مشروطه حرام است و از طرف ملت هم گفتید مردم نمی‌خواهند با اینکه از آفتاب روشن‌تر است که اینها همه عمدا از روی کنکاش محض دریافته‌اند جزئی وجه رذالت بود مسلما شما حرام دانسته رد کردید.

شما که خود را رؤسای اسلام نامیده و می‌گویید نهی از منکر می‌کردید، آیا چرا سایر منکرات را ردع نکردید، آیا این حبس و زجرها و گوش بریدن و دهان توپ گذاردن و مهار کردن و جریمه‌ها و رشوه‌ها و غارت‌ها و تعرض به عرض مسلمانان و چوب بستن و شلاق زدن و بلکه آویختن و شکنجه کردن و داغ نمودن و تعطیل حدود و احکام و مساجد و احکام و رشوه و شهادت ناحق و ناسخ و منسوخ و خوردن اوقاف و وصیت‌های اجباری و جمع مال فقرا و صرف تجملات و سایر فسق‌ها و معصیت‌های واضح، تعطیل مساجد، منکرات نیستند، چرا به نهی و ردع اقدام نکردید و مضبطه ننوشتید و فریاد نمی‌خواهم بلند نکردید همه را بر سر عدالت و حقانیت نیاوردید آیا مشروطه‌طلب بودن چه گناهی بود که قاتل و قاطع‌الطریق و دزد و راهزن و زانی و شارب خمر و مرتکب هر معصیت بلکه هر کافر مرتد در امان بود و مشروطه‌خواه در امان نبود حتی اینکه مردم برای خلاصی از شرور شما به زیر

بیرق فرنگیان و کفار پناه بردند و به بلاد خارجه گریختند و در پناه خارجه درآمدند، معذالک امان نیافتند مثل دوستداران اهل بیت در زمان بنی‌امیه شما گفتید مشروطه طلب واجب‌القتل است و کافر است آیا تمام رعایای عثمانی و نه عشر ایرانی و تمام مسلمانان هند، قفقاز، مصر و افریقا، تونس، الجزیره ترکستان و سایر بلاد شب و روز برای آزادی از قید عبودیت نشر عدالت را می‌طلبند همه کفار و واجب‌القتل هستند جز شما اشرار حامیان ظلم و استبداد و معاونان شر و فساد نعوذ بالله من شر انفسنا آیا شما چرا در همه اقدامات محمد علی میرزا و امیربهادر و مشیرالسلطنه و مجدالدوله از همه پیش قدمتر و نقشه‌کش بودید در اهلاک و تخریب آذربایجان و فشار به اهل طهران و جعل اکاذیب بی‌پایان مواضعه با بدخواهان ایران از اتباع خارجه و فروختن این مشت خاک و تنگ‌گیری به متحصنین سفارت عثمانیه و مانع شدن مردم از تحصن و منع آذوقه از ایشان مدتی بلکه کنکاش در قتل ایشان به ارسال مارها و عقاریب و همه قسم تهدید و تعرض آیا شما چرا امر کردید به شکستن نمره‌های درهای عمارات مردم که مبغلی برای آنها صرف شده بود. آیا آن را غیر از اینکه سبب هدایت جوینده می‌شد ضرری داشت. شما که اینقدر دقت داشته‌اید چرا از اجتماعات بر استماع نقالی دروغ و بازی‌ها بلکه بیع مسکرات و سیر معاصی را منع نکردید و چرا از تخریب در و دیوار و سقف مجلس شورا مانع نشدید.

اگر مال محمد علی میرزا بود تضییع مال بود، اگر مال دیگری بود ظلم و عدوان به چه جهت توپ بستن به خانه ظل‌السلطان و ظهیرالدوله و سایر خانها و غارت اموال آنها و میرزا صالح خان حلال شده و از جانب شما اقدامی در منع دیده نشد بلکه ترغیب و تحریک نمودید به چه دلیل به گوش لشکر و سرباز که روانه تخریب آذربایجان و قتل مسلمانان می‌شدند دعا خوانده ایشان را ترغیب کردید و می‌گفتید شما برای حفظ اسلام می‌روید خدا کمک تا اینکه ایشان موفق شده مسلمانان را بکشند چه تو را واداشته بود که با آنکه خود را حجهٔ‌الاسلام می‌خواندی شب و روز با امیربهادر و مشیرالسلطنه و مفاخرالملک و صنیع حضرت و مجلل و امثال ایشان در دربار و خانه خودت خلوت و کنکاش کنی با اینکه خودتان معاشرت با جباران را ممنوع و خلاف شئون علمای دین بلکه از جمله اعانت به عدوان می‌شمردید چگونه اینان حامی اسلام و علمای عتبات مخرب اسلام شدند چگونه کلاه‌نمدیها فریاد می‌کردند ما دین می‌خواهیم و مشروطه نمی‌خواهیم با ایشان بودید اما جمعی از ولایات که هریک را اقلا ده هزار نفر منتخب و متدین دانسته ایشان را بابی، دهری و مخرب شرع می‌نامیدید، چرا محمد علی میرزا را گول زده و مانع شدید که وفای به عهد نکرده و سبب این قدر خونریزی بزرگ در ایران و ویرانی هزارها دودمان، بلکه دخول خارجه به خاک ایران و توحش مردمان شدید و حرث و نسل را ضایع کردید اینها به یک طرف بدترین جنایات اینکه نقشه قتل و دستگیری مقام محترم حضرت عبدالعظیم خصوصا آقای سید علی آقای یزدی کشیدید و مفاخرالملک و صنیع حضرت را با اشرار نابکار سید کمال و سید جمال واداشتید شبانه ریخته، بیچاره مرحوم میرزا مصطفی و میرزا غلامحسین و رفیقان ایشان را با موحش‌ترین وضعی به قتل رسانیدند چرا با همه‌ی اینکه دیدید تمام ولایات ایران بهم خورده و هیجان ملت از قتل جوانان امت به نهایت رسیده اعلام عمل به قانون اساسی را می‌طلبند و محمد علی میرزا جز قبول علاجی نداشته و اعلان کرد باز تو از خون مردم ایران سیر نشده اصرار داشتی که حرام است و هم مسلکان خود را جمع و کنکاش داشتی که بازیها درآورده فریاد پول و پلو خواهیم مشروطه نمی‌خواهیم بلند کنید حتی اینکه تمام مردم دانسته به دستور شما صد توپ تنزیب از بازار گرفته از قاطرچی و مهتر بنا کردید عمامه گذاردن و ملا ساخته مخلوط مفتخواران کرده و قشونی از جنس ملا تشکیل داده که مردم فهمیده باطل‌السحر این نقشه را به کار بردند.

چرا بعد از اعلان قانون اساسی در ماه ربیع‌الثانی با آن همه زحمات ملت و تشکرات که از این اعلان کردند شروع شد که شورش بلاد تمام شود باز شماها که عمده خود شما بودید نگذاردید محمد علی میرزا که همه بلاد از دستش رفته و طهران مانده بود، آن وقت جلب قلوب ملت کرده و بلاد را امنیت داده به طور حقیقت اقدام به معیت کرده و فساد را خاتمه دهند، بلکه محض حفظ منافع خودتان سلطنت او را فدا ساخته واداشتید به همان تنها کتابت قناعت کرد ابدا تغییری به وضع استبداد و سختگیری نداد و قدم به

طرف قبول مستدعیات ملت برنداشت تا بالاخره ملت مجددا مایوس شدند و چاره را منحصر به علاج قطعی دیدند چرا بالاتر همه‌ی خیانتها طرح و نقشه ریختند که بلاد اسلام را به دست خارجه بدهید و دیگران را بر ایرانیان حکم روا سازید تمام سعی شما و تهدید ملت را منحصر بفروش مملکت و التجا به دیگران قرار دادید در باطن اجانب را دعوت به مملکت نمودید و با کمال بشاشت و خرمی این را اظهار و اشتهار کردید که سالدات چنین و قزاق چنان مثل اینکه برادران عزیز خود را به مهمانی خوانده‌اید البته به نقشه تو و شرکاء تو بود که محمد علی میرزا اقدام به جنگ اخیر با ملت کرد و تو بزرگوار دویست تفنگ گرفته به دست اشرار سپرده و دور خانه‌ی خودت جمع و سنگر نمودی که ملتیان را بکشی و از هر نوع اقدام مضر کوتاهی نکردی به چه دلیل اسلحه ملت را به تصرف اشرار داده و آنها را تحریص به قتل ملت کردی، چرا تو با آن همه معیت با محمد علی میرزا اقلا در آخر وقت او را دعوت نکردی که لامحاله شرف یک دودمان سلطنت را نبرده پناه به دولت دیگر نبرد لامحاله با ملت معیت کند و یا تسلیم ملت شود آیا این ملت نجیب گمان داشتی با او محترمانه معامله نکند یا آنکه یک مرده به نام به که صد زنده به ننگ.

سؤالات

اتهام‌نامه در یک محیط بهت و سکوت قرائت شد. حاجی شیخ فضل‌الله به دقت به مندرجات آن گوش می‌دادید. پس از خاتمه‌ی قرائت لایحه‌ی مذکور چند دقیقه صحبتی به میان نیامد و همه منتظر بودند که شیخ در مقابل اتهامات مندرجه در لایحه چه عکس‌العملی از خود نشان خواهد داد و چگونه از خود دفاع خواهد کرد. ولی شیخ صحبتی نکرد و زبان به گفتگو نگشود. مستعان رئیس کمیته جهانگیر که از طلوع مشروطیت خود شاهد و ناظر کلیه وقایع و حوادث بود به شیخ گفت در مقابل اتهامات وارده که قرائت شد چه جواب می‌دهید.

پیش از اینکه وارد سؤال و جوابهائی که میان شیخ و قضات محکمه‌ی انقلابی رد و بدل شد بپردازم، متذکر می‌شوم که در این چند ساله که نگارنده‌ی این تاریخ برای جمع‌آوری مدارک صرف وقت بلکه مجاهدت کردم، نتوانستم صورت قطعی و گزارش کتبی یا صورت مجلس آن محکمه‌ی تاریخی را که به طور قطع می‌توان گفت در تاریخ چندین هزار ساله‌ی ایران نظیر نداشته به دست بیاورم، ظنّ قوی این است که صورت جلسه‌ای تهیه و تنظیم نشده است و یا اگر شده در همان روزها از میان رفته است. بنابراین آنچه در این موضوع می‌نویسم مطالبی است که از بعضی او اعضاء محکمه و یا رؤسای مجاهدین که در آن جلسه حضور داشته‌اند شنیده‌ایم و از طرف آنها نقل قول می‌کنم.

سؤالاتی که از حاجی شیخ فضل‌الله شد و مطالبی که در اتهام‌نامه قید شده بود بر دو نوع بود. بعضی‌ها به درجه‌ای مسلم و غیرقابل انکار بود که شیخ جوابی بر رد آنها نداشت، مثلا واقعه‌ی میدان توپخانه و منبر رفتن شیخ و تکفیر کردن مشروطه‌خواهان و بابی خواندن وکلاء و تشویق کردن الواط و اوباش را بر ضد مجلس و یا رساله در تحریم مشروطیت که به خط خود نوشته و در همه جا منتشر شده بود و همچنین تلگرافاتی که به روحانیون و سرجنبانان شهرستانها کرده بود و آنها را به مخالفت با مشروطیت تحریک نموده بود و در موقع تصرف تلگرافخانه به دست مجاهدین افتاد و فتوایی که به امضاء خود و جمعی از علمای مستبد طهران نوشته و در باغشاه تسلیم محمد علی شاه نموده بود و اعلامیه‌هایی که به امضاء خود در حضرت عبدالعظیم و مدرسه مروی منتشر نموده بود و از این قبیل.

بعضی دیگر سؤالات قابل دفاع بود و شیخ می‌توانست رد و یا انکار کند.

قسمت اول را چون نمی‌توانست تکذیب کند، جواب داد من مجتهد هستم بر طبق الهامات قوه‌ی اجتهاد و شم فقاهت راهی را که مطابق شرع تشخیص دادم پیروی نمودم.

عمیدالسلطان در جواب می‌گوید شما از بدو طلوع مشروطیت با این اساس موافق بودید و قانون اساسی هم که اصول و مقررات مشروطه در روی آن استوار است با موافقت خود شما تهیه و به تصویب رسید پس از آن هم در قانون اساسی تغییری داده نشد که

موجب مخالفت شما بشود در اینجا شیخ قافیه را باخت و در ضمن آنکه از قانون اساسی و مشروطه مشروعه صحبت کرد گفت: چند نفر از دشمنان من مشروطه را منحصر خودشان کرده بودند و می‌خواستند من در آن راهی نداشته باشم و کنار بروم آنها از مشروطه و مزایای آن بهره‌مند بشوند.

سؤالات دیگری از شیخ شد که به هریک جواب داد- ابوالفتح زاده سؤال کرد که بر طبق اقرار صحیح صنیع حضرت در محکمه قتل میرزا مصطفی آشتیانی به دستور شما انجام یافته- شیخ این اتهام را رد کرد و گفت: مفاخرالملک و مجلل‌السلطان عامل آن قتل بوده‌اند و من کوچکترین اطلاعی از آن نداشتم.

میرزا علی خان دیوسالار سؤال کرد شما با سفیر روس سر و سرّ جلسات محرمانه داشته‌اید و سعدالدوله هم در جلسات سرّی شما شرکت داشته است.

شیخ جواب داد، اغلب سفرای خارجه بدیدن من می‌آمدند شاید در یکی از ملاقات‌ها سعدالدوله هم حضور داشته ولی ملاقات من با سفرا مخفی نبوده و علنی بوده و جنبه سیاسی و مشورتی و کنکاش نداشته است.

منتصرالدوله پیشکار سپهسالار سؤال می‌کند در نامه‌یی که شما به خط خودتان به شیخ‌الاسلام قزوینی نوشته بودید و در میان نوشتجات آن به دست مجاهدین افتاد شما به او دستور داده بودید که قوایی تهیه کند و با ملیون جنگ کند- شیخ جواب می‌دهد، شیخ‌الاسلام بدرجه‌یی با مشروطه مخالف و دشمن بود که احتیاج به تشویق و تحریک من نبود.

میرزا علی محمد خان سؤال می‌کند- شما جمعی از اوباش را با تفنگ‌هایی که از محمد علی شاه به وسیله کامران میرزا نایب‌السلطنه گرفتید مسلح نمودید و تا آخر با ملت جنگ کردید و محارب هستید- شیخ جواب می‌دهد هر مسلمانی بر طبق اصول دین مکلف است از خود دفاع کند و من برای دفاع از خود و بستگانم اقدام کردم.

نظام‌السلطان سؤال می‌کند: بنا به تقاضای شما محمد علی شاه اسماعیل خان سرابی را بدار آویخت. شیخ جواب می‌دهد من کشتن اسماعیل خان را پس از واقعه مسبوق شدم.

یکی از اعضاء محکمه می‌پرسد شما عین‌الدوله و حاجی میرزا حسن‌آقا مجتهد و سید هاشم را به وسیله مکاتیب متعدد که در دست است به قتل و غارت و قلع و قمع مردم تبریز تشویق نمودید و مردم بی‌گناه تبریز را که جز حق مشروع و ملی خود که اجرای قانون اساسی بود و شاه و خود شما به حفظ آن قسم خورده بودید محارب خوانده و آنها را واجب‌القتل دانسته‌اید شیخ جواب صریحی به این سؤال نمی‌دهد و فقط می‌گوید مکاتبات من با عین‌الدوله دوستانه و برای احوال‌پرسی بود.

اعضاء محکمه هریک به نوبه خود سؤالاتی می‌نمایند که چون از مضمون و مفهوم آن مدرکی در دست نیست به سکوت می‌گذرانم.

در خاتمه جلسه آقا شیخ ابراهیم زنجانی به پا می‌ایستد و به طور صریح چنین می‌گوید، جناب حاجی شیخ فضل‌الله بر طبق فتوا و حکم حججالاسلام نجف اشرف که سواد آن در همه‌ی ایران منتشر شده مفسد فی‌الارض است و باید بر طبق قوانین اسلام با او همان معامله‌یی را که خداوند راجع به مفسد فی‌الارض دستور داده رفتار نمود.

شیخ را به اطاقی که در آن محبوس بود می‌برند و اعضاء محکمه انقلابی به کنکاش می‌پردازند و پس از یک ساعت مشاوره به اتفاق رأی می‌دهند که چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری قیام بر ضد حکومت ملی نموده و سبب قتل هزارها هزار نفوس و خرابی بلاد و غارت و فساد گردیده و حجج اسلام نجف اشرف هم او را مفسد فی‌الارض تشخیص داده‌اند محکوم به اعدام است.

اعدام

وسایل اعدام از چند روز پیش فراهم شده بود و داری که صنیع حضرت و آجودان باشی را به آن آویختند در میان میدان توپخانه سرپا بود مأمورین اجرا حکم محکمه انقلاب را به حاجی شیخ فضل‌الله ابلاغ کردند و بلادرنگ او را در میان گرفته و از پله‌های

طبقه فوقانی عمارت توپخانه سرازیر شده وارد میدان شدند سطح میدان، پشت‌بام‌ها، ایوان‌ها از هزارها نفر مردم طهران پوشیده شده بود عده‌ی زیادی مجاهد مسلح دو طرف راهی که محکوم را به طرف دار هدایت می‌کرد صف کشیده بودند هیاهو و جنجالی برپا بود که گوش را کر می‌کرد و صدای زنده‌باد مشروطه و مرگ بر مستبدین فضای میدان و خیابان‌های اطراف را فرا گرفته و برق تفنگ و سرنیزه‌ها در زیر آفتاب گرم تابستان چشم را خیره می‌کرد، محکوم فاصله میان محبس و محل اعدام را با خونسردی و متانت پیمود و با کبر سن و پیری، ضعف و ناتوانی از خود نشان داد و در دقایق آخر عمر ثبات و استقامت خود را به ظهور رسانید.

می‌گویند یا از روی عمد یا اتفاق دار را در محلی برپا کرده بودند که در واقعه میدان توپخانه منبر را در آن محل گذارده بودند و حاجی شیخ فضل‌الله در همان محل از روی منبر مردم را به مخالفت با مشروطیت و آزادی دعوت می‌کرد و قانون اساسی را مخالف شرع و دین اعلام می‌داشت و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و بابی می‌نامید.

به محض رسیدن به پای چوبه‌دار دو نفر از مجاهدین طناب را به گردان محکوم انداختند و او را بالا کشیدند و آن مرد روحانی پس از یک دوره مبارزه تاریخی به دنیای دیگر شتافت و داستان شگفتی از دوره عمر پر سر و صدا و پر آشوب خود در صفحات تاریخ به یادگار گذارد.

ناظرین که نزدیک به محل اعدام بودند، نقل می‌کنند که جان کندن شیخ بیش از نیم دقیقه طول نکشید و پس از آنکه او را به دار کشیدند تشنجی در اعضایش ظاهر شد و سپس چراغ عمرش خاموش شد.

در آن روز شهرت یافت که شیخ مهدی پسر حاجی شیخ فضل‌الله که از مشروطه‌خواهان بود در موقع اعدام پدرش حضور داشته و کف می‌زده و اظهار بشاشت می‌کرده. گرچه شیخ مهدی با مسلک پدر همراه نبود با او مراوده نداشت ولی شهرت بالا بکلی خالی از حقیقت و راستی است میرزا محمد نجات برای نگارنده نقل کرد که همان موقعی که شیخ را اعدام کردند من به عمارت تخت مرمر رفتم و شیخ مهدی را دیدم زیر درخت چناری نشسته و گریه می‌کند.

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از اجله علماء معقول و منقول بود و اعلم بر علمای آن روز شمرده می‌شد. وی صاحب تألیفات عدیده‌ای است، از جمله تذکره‌الغافل و ارشادالجاهل به زبان فارسی است که یکسال قبل از وفات خود آن را تألیف نموده و پیش از قتل خود نشر داده و در آنجا مرام خود را مبین داشته و بعضی از حوادث را که بعد از او وقوع یافته خبر داده است.

به غیر از صحیفه مهدویه که ادعیه حضرت ولی عصر (ع) را در آن جمع کرده است چند اثر دیگر نیز دارد.

شیخ فضل‌الله دو همسر اختیار کرد، همسر اولش دختر دائی او بود که سه فرزند پسر و پنج دختر از وی داشته است. از همسر دیگرش یک پسر و سه دختر باقی گذاشت.

در قتل ناجوانمردانه شیخ فضل‌الله مرثیه‌هایی زیادی سروده شد.

(۱۲۵۹ / ۱۲۵۸- شهادت ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مدرس و شاعر، متخلص به نوری. از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و خواهرزاده و داماد حاج میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» می‌باشد. در قریه‌ی لاشک، از توابع شهرستان نور، به دنیا آمد و در بلده نشو و نما یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان جا شروع و در تهران به پایان رسانید و سپس برای تکمیل مراتب علمی راهی عتبات گردید و از محضر شیخ مهدی آل کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی استفاده نمود و پس از تکمیل تحصیلات به ایران مراجعت کرد. وی از دایی خود، محدث نوری، اجازه روایت گرفت. از صاحب عنوان سید اسماعیل شریف‌الاسلام و از وی برادر زاده‌اش، آقا نجفی تبریزی، روایت کرده است. وی سالها در تهران مرجع امور دینی و مصدر خدمات بسیاری بود. در آغاز جریان مشروطیت با مشروطه‌خواهان حتی در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم (ع)، همراهی کرد. ولی چون روش مشروطه‌خواهان را مخالف با دیانت تشخیص داد به مخالفت با ایشان پرداخت و خواستار حضور پنج تن از مجتهدان طراز اول در مجلس شد تا مصوبات مجلس را با احکام دینی تطبیق نمایند و

همین امر موجب دشمنی مشروطه‌خواهان با وی گردید. چنانکه پس از فتح تهران شیخ فضل‌اللّه محکوم به اعدام و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد. پیکر او، پس از تحویل به خویشانش، به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) دفن گردید. از آثارش: «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول، مانند «رساله‌ی مشتق» که تقریر بحث شیرازی است؛ «تذکرهٔ الغافل و ارشاد الجاهل»؛ «الصحیفهٔ المهدویهٔ» یا «الصحیفهٔ القائمیهٔ» که ادعیه‌ی حضرت ولی عصر (عج) را در آن جمع نموده است؛ «سؤال و جواب» یا «شصت مقاله» از فتاوای میرزای شیرازی که شیخ فضل‌اللّه نوری آن را جمع‌آوری کرده است؛ «تحریم مشروطیت»، حاوی علت موافقت اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت و دلایل شرعی او؛ «دیوان» شعر.[۱]

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۰۷/ ۸)، پایداری تا پای دار، الذریعه (۴۱/ ۲۱، ۱۸۹/ ۱۴، ۲۴۸/ ۱۲، ۲۳/ ۱۵، ۴۲/ ۴)، ریحانه (۲۶۴ -۲۶۲/ ۶)، شرح حال رجال (۱۰۶ -۹۶/ ۳)، شهیدان راه فضیلت (۵۲۰ -۵۱۵)، شیخ فضل‌اللّه نوری و مشروطیت، فاجعه قرن، فوائد الرضویه (۳۵۳ -۳۵۲)، لغت‌نامه ذیل/ نوری)، المآثر والآثار (۱۵۱)، مستدرکات اعیان‌الشیعه (۱۵۴ -۱۳۸/ ۴)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۰۹ -۱۳۰۸/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۷۴/ ۸)، مکارم‌الآثار (۱۶۱۰ -۱۶۰۵/ ۵)، میرزای شیرازی (۱۸۲ - ۱۸۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۱۹ -۱۱۳/ ۶).

نهاوندی، عبدالرحیم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۰۴ -۱۲۳۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهاوند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آنگاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمدحسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده‌دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت در تهران ساکن شد و حدود دوازده سال در مدرسه مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائهٔ»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»، در فقه؛ «دیوان» شعر.[۱]

میرزا عبدالرحیم بن میرزا نجف مستوفی بن میرزا محمدعلی شیرازی نهاوندی عالمی متبحر و فقیهی جامع از بزرگان شاگردان شیخ مرتضی انصاری و ملازمین وی و فقهاء بزرگ و مدرسین نجف اشرف بوده چند سال بعد از فوت استادش شیخ به ایران آمده و چندی در مشهد رضوی توقف آنگاه به تهران آمده و در مدرسه مروی به تدریس پرداخته تا در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ در سن ۶۷ وفات نموده و جنازه‌اش را حمل به نجف اشرف نمودند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۴۷۰/ ۷)، الذریعه (۶۸۷/ ۹، ۱۵۷/ ۶)، ریحانه (۲۶۸ -۲۶۶/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱۰۹ - ۱۱۰۸/ ۱۴)، فوائد الرضویه (۲۲۹ -۲۲۸)، المآثر والآثار (۱۴۳)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۲/ ۳).

نهاوندی، علی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمهٔ الواجب»؛ کتاب «الطهارهٔ»؛ «الدماء الثلاثهٔ»؛ «مشارق الاصول».[۱]

علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :[۱] اعیان‌الشیعه (۳۰۱/ ۸)، الذریعه (۱۸۶/ ۱۵، ۱۸۵/ ۴)، ریحانه (۲۶۹ –۲۶۸/ ۶)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۳ –۱۳۱۲/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۵/ ۷).

نهاوندی، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نهاوندی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

در یکی از روزهای سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در تهران، در خانواده‌ای مذهبی کودکی دیده به دنیا گشود که نام او را علی نهادند.

ایشان دوران نوجوانی را در دامان پر نور خانواده گذراند. به سبب علاقه وافر به تحصیل دروس علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شد. مقدمات را در محضر اساتیدی چون: «حجت هاشمی خراسانی» گذراند. پس از آن سطوح فقه را از محضر بزرگانی چون: «فقیه سبزواری»، «آیت الله صالحی» و «مروارید» کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۷۰ چونان پرنده‌ای که در پی آشیانه خود بوده است؛ به قم، عش آل محمد وارد شد و به تکمیل دروس حوزوی پرداخت و درس خارج را در محضر آیات عظام: «شیخ جواد تبریزی»، «هادوی تهرانی» و «سید کاظم حائری» گذراند. در کنار تحصیل از امر تربیت طلاب علوم دینی غافل نماند و در مدارس حوزه علمیه قم و مشهد، بر کرسیّ استادی نشست. از سوی دیگر نامبرده جهت تبلیغ دین خویش، سفرهای متعدد تبلیغی به خارج از کشور داشته است که از آن جمله می توان: (هند، مالزی و اوکراین) را نام برد.

نهاوندی، محمدجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۳۴/ ۱۳۳۳ -۱۲۷۶ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، ریاضیدان و منجم. ملقب به جهان‌بخش. در نهاوند به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. ریاضیات را نزد ملا عبدالرحیم نهاوندی فراگرفت. در ۱۲۹۶ ق به تهران آمد و در فقه و اصول از محضر میرزا محمدحسن آشتیانی و دیگر علما استفاده نمود. وی در استخراج تقویم و تعیین مواقع اذان و غروب ایام طبق محاسبات نجومی متبحر بود. از وی تصانیفی در علم اعداد، جفر، نجوم و زیج و دیگر علوم به جای مانده است. از آثار او: «قبلة البلدان لاهداء الاخوان» در شناخت قبله؛ مقاله‌ای در «خط نصف النهار».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۴۴/ ۱۷)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۳۱۸/ ۱۴)، معجم‌المؤلفین (۱۶۶/ ۹).

نیری، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی نیری

محل تولد : همدان

شهرت : نیّری همدانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۰۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله علی نیّری همدانی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در منطقه‌ای در ۱۲ فرسخی همدان به دنیا آمد. پدرش که مردی با فضیلت

بود، به کشاورزی اشتغال داشت. او از بزرگان به شمار می‌آمد و در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بود و نقش بسزایی در تربیت فرزند خود و تشویق او به تحصیل علوم دینی ایفا کرد. ایشان تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و در آن مرحله ضمن فراگیری قرآن مجید، از کتبی چون «کلیله و دمنه و گلستان سعدی» بهره برد و «زبان و ادبیات» خویش را انسجام بخشید. سپس برای فراگیری دروس حوزوی، به همدان رفت و در مدتی کم، دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را به پایان برد. پس از آن برای بهره مندی از محضر استادان فرهیخته، به شهر قم مهاجرت کرد و در مدرسه علمیه دارالشفاء مستقر شد. او در آن زمان بخشی از «معالم» را خوانده بود. از این رو به تکمیل باقی مانده آن و اتمام دروس دورهٔ سطح در زمان اندک رو آورد.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح، به دروس خارج فقه و اصول استادان مشهور حوزه علمیه قم، از جمله آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و محقق داماد (ره)» راه یافت و سالها از محضر آنان بهره‌مند شد و در ضمن آن از فراگیری علوم عقلی نیز غافل نماند. او در طی این سالها همواره درسهای اخلاق استادان خود شرکت می‌جست تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید و خود را برای نهضتی عظیم که بر عهدهٔ عالمان و اندیشمندان اسلامی است؛ آماده سازد.

آیت الله نیّری در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره‌مند شد. او بسیاری از دروس مقدمات را در همدان در محضر برادر خود «آقا میرزا عبدالغنی نیّری» و آقای «رازینی» فرا گرفت و در درس لمعهٔ آقایان: «حاج سید مصطفی هاشمی» و «سید جمال الدین افتخاری» شرکت جست. با ورود به قم به درس مطوّل «آیت الله مشکینی» و درس شرح لمعه «آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)» و «آیت الله شهید صدوقی(ره)» رفت و پس از آن به درس رسائل «آیت الله مشکینی» و درس کفایه «آیهٔ الله آقا شیخ عبدالجواد سده‌ای اصفهانی (ره)» و «آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)» و مکاسب حضرات آیات: «حائری (ره) و مشکینی» راه یافت.

با پایان یافتن دروس دورهٔ سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام: «بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، اراکی (ره)، محقق داماد (ره)، گلپایگانی (ره) و شیخ عباسعلی شاهرودی» رفت و عمدهٔ مبانی اجتهادی خویش را در محضر آنان فرا گرفت، هر چند در درس خارج دیگر استادان نیز شرکت می‌کرد. در بخش علوم عقلی نیز ابتدا به درس منظومه «آیت الله منتظری» و سپس به درس اسفار «آیت الله علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)» راه یافت.

او در سالهای تحصیل خود با علماء و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنان می‌توان به آقایان: «ثابتی، عراقچی و موسوی همدانی» اشاره کرد. او بسیاری از دروس پیش آموخته را با آنان مباحثه می‌کرد. آیت الله نیّری در عرصه فرهنگی حضور مؤثر و مستمری داشته است. او سالها در حوزه علمیه قم به تدریس دروس دورهٔ مقدمات و سطح پرداخته، شاگردان بسیاری را به مکتب اسلام تقدیم نموده است.

از جمله فعالیتهای او در این عرصه، تدوین دورهٔ پنج جلدی «مجمع المسائل؛ حاوی استفتائات از مرجع عالی قدر آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)» است که از آثار شگفت و در خور تحسین است، این کتاب با همت وی و برخی دیگر از استادان حوزه علمیه قم تهیه شده است، او پس از رحلت آن عالم ربّانی، به دفتر «آیت الله العظمی صافی گلپایگانی» راه یافت و سالهاست که به پرسش‌های شرعی مردم پاسخ می‌گوید. آیت الله نیّری که از شاگردان امام (ره) محسوب می‌شود، سالها در راه نهضت پیر مراد خود «امام خمینی (ره)» به مبارزه پرداخت که از جمله آنها می‌توان به سخنرانیهای او در اطراف رفسنجان اشاره کرد. این سخنرانیها خشم ساواک را برانگیخته بود. او به همراه استاد «ثابتی» و با دستور آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به دیدار تبعیدشدگان در رژیم طاغوت شتافت که از جمله آن دیدارها: دیدار با مقام معظم رهبری که در آن زمان در ایرانشهر در تبعید بودند می‌باشد. آیت الله نیّری هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم است.

نیشابوری، ابوسعید حسن

قرن:۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ۳۴۸ ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسائی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرةالنعمان را عهده‌دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیه القرآن».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :کشف‌الظنون (۱۴۲۰)، معجم‌المؤلفین (۲۰۶ -۲۰۵/ ۳)، هدیۀالعارفین (۲۶۹/ ۱).

نیشابوری، شیخ میرزا جواد، عبدالجواد

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه‌ی شاگردان شیخ جعفر کاشف‌الغطاء می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام‌الشیعه» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقیه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».[۱]

جواد (عبدالجواد) نیشابوری بن حاج سلیمان نجفی از بزرگان علماء عصر خود و اجلاء مصنفین بوده و تصنیفی در فقه بنام (شرح الشرایع) به عنوان قوله قوله در وقوف و صدقات غصب و مکاسب و بیع و خیارات و اجاره دارد و نیز رساله در حدوث عالم دارد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۳۲۵/ ۱۳، ۲۹۴/ ۶، ۲۰۵/ ۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۸۴/ ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۶/ ۳).

نیکزاد تهرانی، علی اکبر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی اکبر نیکزاد تهرانی

محل تولد : بهشهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب تحصیلات حوزوی را در سال ۱۳۵۲ در زادگاهم «رستم کلا» از توابع شهرستان بهشهر آغاز نمودم. مقدمات را در آنجا به پایان رسانده و اوایل سال ۵۶ توفیق حضور در حوزه علمیه قم را به دست آوردم. دروس سطح را نزد اساتیدی من جمله حضرات حجج الاسلام و آیات عظام: «شجاعی»، «وجدانی»، «دوزدوزانی»، «ستوده» و «صالحی مازندرانی» تلمذ نمودم. سپس از محضر حضرات آیات: «فاضل لنکرانی»، «صانعی» و «صالحی مازندرانی»، سنواتی چند، دروس خارج فقه و اصول را بهره گرفتم.

در سال ۵۷ مدتی را به علت فعالیتهای سیاسی، دستگیر و در زندان رژیم ستم شاهی به سر بردم. و در دهه ۷۰، چند سالی را به عنوان: «مدیر سازمان تبلیغات اسلامی استان کردستان»، توفیق خدمت گذاری در عرصه تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ دینی و اهل بیت (ع) پیدا نمودم.

از سال ۷۶ در ستاد منطقه دو سازمان تبلیغات اسلامی (گروه مناطق ویژه) به پشتیبانی فرهنگی، تبلیغی مناطق سنی نشین کشور مشغول بودم. فعلا در پژوهشکده علمی کاربردی «باقرالعلوم» به تحقیق و مطالعه می پردازم.

بعضی از آثار و دست نوشته های حقیر به شرح زیر می باشد:

۱. کنکاشی در مبانی فکری مقنی زاده، تحلیلی است از گرایشات مذهبی اقشاری از اهل سنت موجود در کردستان همراه با بررسی چالشهائی که نظام جمهوری اسلامی در این ارتباط می تواند در پیش رو داشته باشد و بایسته هائی که باید صورت پذیرد.

۲. امام و بایسته های تبلیغ، تنظیم بیانات رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در بایدها و نبایدهای تبلیغات دینی که برای دستگاههای تبلیغی و مبلغین می تواند کاربرد داشته باشد.

۳. رهبری و بایسته های تبلیغ، بیانات مقام معظم رهبری حول محور اولویتهای تبلیغ.

۴. خاطرات و خطرات: تنظیم خاطرات و تجربیات تلخ و شیرین خطیب توانا و شهیر کشور، مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین آقای فلسفی (ره).

۵. تفاوتهای قومی و مذهبی در ایران: تحلیلی است از بافت قومی و مذهبی کشور همراه با بررسی تهدیدات و فرصتهای موجود و ضرورتها و بایسته های همبستگی و وحدت ملی در کشور.

۶. مقاله: مناسبات فرهنگی بین ایران و اسلام: تحلیلی است از بحث هویت ملی و فرهنگی ما ایرانیان و تعاملی که بین فرهنگ ایران و دین مبین اسلام در عرصه های مختلف به ویژه شکل گیری اندیشه سیاسی ایرانی، اسلامی که توسط دبیر خانه دین پژوهان در مجموعه مقالات به چاپ رسیده است.

۷. مقاله (نسل جدید و بایسته های تبلیغ دینی) که در سه شماره نشریه بشیر ویژه مبلغین مناطق سنی نشین کشور به چاپ رسیده است.

۸. دانشنامه پیامبر اعظم (ص) که طرح آن به تصویب پژوهشکده باقر العلوم رسیده و شیوه نامه و تهیه مدخل های آن انجام گرفته است و مراحل بعدی انجام کار در دست اقدام است که انشاء الله مفید واقع گردد.

نیلچی، رحمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رحمت الله نیلچی

محل تولد : روستای حصار خنداب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پر کاهم در مصاف تند باد خود ندانم در کجا خواهم فتاد

پیش چوگان های حکم کن فکان میدویم اندر مکان و لا مکان

آن طور که به یاد دارم در روستائی که متولّد شدم یک سال به مکتب رفتم جزء آخر قرآن را که معروف به «عمّ جزء» بود فرا گرفتم و بعد از آن، وارد مدرسه دولتی که دوره ابتدائی آن شش کلاس بود شدم. در کلاس دوم نام نویسی نمودم. در فراگیری دروس، استعداد نسبتاً خوبی داشتم و در زمره شاگردان ممتاز مدرسه محسوب می شدم. پدرم کشاورز بود و چند رأس گوسفند نیز داشت، طبق معمول وقت و بی وقت در حدّ توانائی خود پدر را کمک می کردم.

از وقتی که خود را شناختم به نماز و روزه اهمیّت می دادم و با مسجد و عالم روحانی مسجد در ارتباط بودم. تمایل به ادامه تحصیل در این جانب زیاد بود. دبیرستان رفتن مستلزم رفتن به شهر و پرداخت اجاره خانه و تأمین این هزینه برای پدرم مقدور نبود. عاقبت با تشویق عالم محلّ و مرحوم والده و علاقه به مطلق تحصیل در خودم در سال ۱۳۴۰ همراه پدر به شهر اراک آمده و در مدرسه مرحوم «حاج محمّد ابراهیم» که یکی از ۳ مدرسه علمی دینی شهرستان بود؛ پذیرفته شده و در ظرف دو سه سال دوره مقدّماتی صرف و نحو و منطق را گذراندم.

خیلی دوست داشتم در قم ادامه تحصیل دهم. نظر به این که به مجرّد ورود به قم، به من شهریه نمی دادند مشکل معیشتی داشتم تا اینکه به تشویق و راهنمائی یکی از دوستان روحانی عازم حضرت عبد العظیم (علیه السلام) شده و در مدرسه مرحوم «سید مهدی لاله زاری» در حدود یک سال و اندی حجره گرفته و با شهریه ماهانه هفتاد تومان و چندین کتاب از شرح لعمه را نزد اساتید آن جا تلمّذ نموده، با مقداری تحول و بحران فکری دوباره به اراک مراجعت نمودم و در کل با اینکه انگیزه من به مراجعت چه بود؟ (درست نمی دانم) به صلاح من بود.

در سال ۴۵ به قم آمدم. در مدرسه فیضیه حجره گرفتم، اتفاقاً مصادف با امتحانات حوزه بود با اینکه بعضی از دوستان طلبه می گفتند آقایان مراجع فرموده اند شرط شرکت در سطح ۳ سابقه اقامت مثلاً چند ماه در قم است. برای اوّلین بار به خود جرأت دادم این فرمان را اگر چه صادر شده باشد نادیده بگیرم و احساس گناه نکنم، دلیلم این بود که نبودن من در قم به جهت فقر مالی بوده، اگر پول و امکانات داشتم از اول تحصیل به قم می آمدم، در امتحان شرکت کرده و اتفاقاً قبول شدم.

بعد از تأمین شهریه، مکاسب و رسائل و مقداری از شرح منظومه و کفایهٔ الاصول را نزد اساتید معروف سطح آن روزگار در حال و هوای غیر جدی و سهل انگاری گذراندم. وارد جرگه خارج خوانان شدم. درس فقه مرحوم «آیهٔ الله گلپایگانی»، و اصول مرحوم «حاج میرزا هاشم آملی»، چندین سال حضور داشته و گاه و بیگاه طبق معمول فریاد اشکال می زدم. همین امر انگیزه مطالعه را در من بیشتر می نمود. کم کم تصمیم گرفتم قلم به دست گرفته و پای درس، مطالب استاد را بنویسم. قلمم سریع نبود و نوشته ام به دلم نمی نشست. بعد به این فکر افتادم برای چه بنویسم؟ درس اساتید که نو آوری خاصی ندارد، اگر هم داشته باشد؛ خیلی کم

است، اگر بخواهم این مطالب را دوباره بخوانم خود کتابهایی از قبیل: «مکاسب، رسائل، جواهرات، تقریر مرحوم نائینی و مرحوم آقا ضیاء از نوشته خودم بهتر است، و از خوف این که مبادا فرزند عالمی خلف من شود و نوشته هایم اضحوکه و مایه بی اعتباری من گردد، همه را همراه آب رودخانه روانه باتلاق قم نمودم. بعد از ورود آیت الله وحید خراسانی به قم، ادامه تحصیل فقه و اصول را مختص حوزه درس ایشان نمودم، البته در این مرحله نیز جدی در مطالعه نبودم، اگر اشکالی می کردم؛ بیشتر خلق الساعه و مولود استعداد ذهنیم بود و استاد بزرگوار به جریان واقف بود؛ گاهی عنایت می فرمود، گاهی هم با بی توجهی خاصی می گذشت.

در حدود سال ۱۳۶۰ یکی از دوستان پیشنهاد کرد در انتشارات اسلامی مربوط به جامعه مدرسان حوزه علمیّه قم که خود در آنجا اشتغال داشت روزانه چند ساعت همکاری نمایم، برای اولین بار جلد اول و دوم فوایـد اصول تقریرات درس مرحوم نائینی به قلم مرحوم کاظمینی، جهت تحقیق و بررسی و نشانه گذاری واگذار شد، این کار را انجام داده و فهرست مفصلی برای آن تنظیم نمودم که بیانگر نظریه های مؤلف (یا استاد ایشان) بود، و بعد از آن جلد ۳ و ۴ به انضمام حواشی مرحوم آقا ضیاء، با مهارت و تجربه ای بیشتر، و بعد از آن دوره قاموس الرجال مرحوم شیخ شوشتری، و عناوین مرحوم مراغی، و فوایدالمدینه محدث استرآبادی به انضمام شواهدالمکیه از سید عاملی (برادر مرحوم صاحب مدارك) در نقد فوائدالمدینه تحقیق و تنظیم نمودم. این دو کتاب برای من خیلی مفید بود و تحول بزرگی در بینش و نگرش من در رابطه با فهم شریعت به وجود آورد.

کم کم درس و بحث حوزوی را رها کرده؛ متمحض در کار تحقیق متون و تقوم نصوص شدم، حتی تدریس مختصری که داشتم رها کردم، چون این کار علاوه بر این که از جهت مادی کمك هزینه بود، تشخیص دادم از هر محضر درس و تدریس مفید تر است، زیرا مجبور بودم چند بار یک کتاب را با دقت تمام مطالعه کنم و جایگاه علائم را از قبیل ویرگول، نقطه، علائم، سؤال، ابتدا و انتهای مطالب و غیره را تعیین نمایم. مخصوصاً در مرحله سر صفحه نویسی و تنظیم فهرست، و استخراج منابع. در این مرحله متوجه شدم بسیاری از کتب و متون دینی که تجدید چاپ می شوند فنی نیستند، به شوخی می گفتم: بعضی گمان می کنند «ویرگول» مانند کنجد است که شاطرها به روی سنگك می پاشند؛ آن هم نوعاً ناشیانه یکجا زیاد، یکجا کم، و تقطیع هایی صورت می گیرد که باعث انحراف فهم خواننده می شود، هنوز خبر مبتداء نیامده، فقره ای را تمام شده پنداشته نقطه گذاشته و از سر سطر شروع نموده و همچنین هنوز جواب و جزاء شرط نیامده، پراگراف بسته شده است و این نظریه را با تاکید ابراز می داشتم: که اگر فردی مسلط بر محتوای کتابی نباشد مثلا نتواند آن کتاب را به خوبی تدریس نماید؛ حق ندارد کتابی را تصحیح یا تحقیق نماید، صرف اینکه می داند نقطه باید در کجا باشد، ویرگول در کجا و علائم دیگر ... کافی نیست. تا مطلب را خوب نفهمد هرگز نمی تواند موضع از علائم را دقیق مشخص نماید.

در مؤسسه مزبور، مسئولیت کتابهای ذکر شده و تعدادی دیگر را شخصاً عهده دار بوده، و بسیاری دیگر را اشراف و نظارت داشته ام، آن هم در سطح مقدور، نه در سطح مطلوب و فعلاً وسائل الشیعه و مستدرك آن را جهت تسهیل در مراجعه به احادیث مربوط به هر باب و عنوان تنظیم می نمایم، که شرح روش تحقیق و تنظیم و تصحیح و پاروقی نویسی آن به طول می انجامد.

«همکاری با مدارج علمی مدیریت حوزه»

چندین سال است که به عنوان داور، مشاور و راهنما در سطح ۳ و ۴ با این واحد علمی نیز همکاری دارم. یکی دو سال هم عضو هیئت علمی بوده ام، و در این محور نیز تجربه های دارم.

در خاتمه: از کار به اصطلاح تحقیقاتی خود راضی هستم، از این حیث که برای شخص خودم در مسیر کسب معارف دینی و فهم متون و تجزیه و تحلیل مسائل فقهی، اصولی، رجالی، کلامی و تفسیری بسیار راه گشا بوده است، اما متاسفم برای جامعه ای که نیازهای مادی من و عائله را اداره می کنند هیچ نفعی نداشته است، و در موازنه گرفته ها داده هایم صفر است.

در دلم آید که گنه کرده ام چون ورقی چند سیه کرده ام

دولت اگر همه مئی ساختی کار به این نیز نپرداختی

باقی این گفته آید بی بیان درد آن کس که دار فهم جان

(والسلام)

واثقی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واثقی نیا

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحدی اعظ، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید محمد واحدی اعظ

محل تولد : رشت

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ – ۶۱ پس از گذراندن دوره راهنمایی در مدرسه علمیه «جامع رشت» شروع به تحصیل حوزوی نمودم. سال بعد به حوزه مشهد مقدس مشرف شدم. از محضر استاد: «حجت هاشمی خراسانی» هدایه، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و معالم را فرا گرفته و از درس مختصر و حاشیه استاد «واعظی» استفاده نمودم. درس اصول فقه را از استاد «عاملی» و لمعتین از استاد «صالحی» و مقداری از مرحوم استاد «سعیدی» فرا گرفتم. مکاسب را از محضر «آیت الله اشرفی» و «آیت الله مرتضوی» در مشهد و «آیت الله شب زنده دار» و «آیت الله پایانی» در قم استفاده نمودم. رسائل را ازمحضر «آیت الله اشرفی» در مشهد و «آیت الله اعتمادی» در قم بهره بردم. کفایه را از محضر «آیت الله ستوده» و «آیت الله طاهری خرم آبادی» استفاده کردم.

درس خارج اصول: حدود ده سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر حضرات آیات: «تبریزی، طاهری خرم آبادی، مکارم، سبحانی، شبیری زنجانی». درس خارج فقه: چهار سال «آیت الله وحید خراسانی» و به صورت مختصر: «آیت الله بهجت (صلوه)، آیت الله فاضل (حج)، آیت الله شبیری (قاعده فراغ)، آیت الله تبریزی (طهاره).

واردی، تقی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید تقی واردی

محل تولد : ساری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱۲/۴

زندگینامه علمی

سید تقی واردی کولایی در چهارم اسفند ۱۳۳۸ شمسی، در روستای پایین کولا، واقع در پنج کیلومتری ساری (مرکز استان مازندران) دیده به جهان گشود. نام پدر: سید علی فرزند آیت الله حاج سید جمال واردی کولایی (مرحوم حاج سید جمال واردی کولایی، از عالمان و روحانیون معروف شهرستان ساری و به زهد، تقوی، مردم دوستی و انجام کارهای عام المنفعه معروف بود و در نهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ شمسی، مطابق با چهارم شعبان المعظم سال ۱۳۷۱ هجری قمری، در تهران بدرود حیات گفت و پس از تشییع جنازه با شکوه در شهر مقدس قم و اقامه نماز به امامت حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در «قبرستان نو» دفن گردید).

سابقه تحصیلی :

۱- در شش سالگی وارد مکتب خانه روستای پایین کولا شده وعلاوه بر قرآن کریم برخی از کتاب های فارسی و ادبی را نزد مرحوم شیخ عباس قاسمی کولایی آموخت.

۲- در ده سالگی وارد حوزه علمیه مصطفی خان ساری شد وعلاوه بر تکمیل کتاب های فارسی، دروس مقدمات حوزه را نیز آغاز کرد و کتاب های جامع المقدمات (بخش های امثله، شرح امثله، صرف میر، تصریف، النموذج، صمد یه)، سیوطی (شرح الفیه ابن مالک)، مطول، حاشیه، معالم و مختصر را نزد حجت الاسلام والمسلین حاج سید رضی شفیعی (رئیس جامعه رو حانیت ساری) وعالمان دیگری چون شیخ عبدالله دارابی و شهید اکبری (از شهدای هفتم تیر) تلمذ نمود ودر یازدهم ذی قعده سال ۱۳۹۵ قمری، مطابق با بیست و چهارم آبان ۱۳۵۴ شمسی مزین به لباس روحانیت شد و به همراه ده تن از طلاب هم دوره ای خود، رسما معمم گرد ید.

۳- در پنجم مهر ۱۳۵۵ شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و پس از سه ماه اجاره نشینی، به مدرسه علمیه مومنیه (زیر نظر آیت الله العظمی نجفی مرعشی) واقع در خیابان چهارمردان قم، نقل مکان کرد و تا سال ۱۳۶۰ در همانجا اقامت داشت. در این مدت دروس مقدماتی را تکمیل و وارد دروس سطح حوزه شد و از محضر اساتید بزرگواری چون: «مدرس افغانی»، «شماعی»، «وحید خراسانی» (فرزند آیت الله العظمی وحید خراسانی)، «صالحی افغانی» و ... بهره مند گردید و در کنار دروس حوزه به کلاس شبانه و متفرقه جدید نیز اقدام و دوره راهنمایی را طی کرد.

دوره جوانی وی مصادف بود با وقوع انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری ابر مرد عصر حاضر، یعنی امام خمینی (ره) بر ضد نظام ستم شاهی و او نیز بسان ملت رشید و متدین ایران، در آن واقعه سترگ بسیار کوشا و جدی بود و در بیشتر تظاهرات و راهپیمایی های شهر مقدس قم و در برخی از راهپیمایی های شهر ساری حضور فعال داشت و تا چند سال درگیر این ماجرا بود و رنج ها و سختی های فراوانی متحمل گردید. به ویژه در روستای بزرگ «پایین کولا» که زادگاه و وطن او بود، نام مبارک امام خمینی (ره) وانقلاب اسلامی را نهادینه کرد.

درچند سال اوایل انقلاب، کارهای گوناگونی در راستای انقلاب اسلامی انجام داد، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- فعالیت های تبلیغی در ساری و بسیاری از روستاهای اطراف آن (مانند: پایین کولا، آبندانکش، معلم کلا، دراز محله، دینک، تاکام، سمندک، کوه خیل و ...) و هم چنین سفرهای تبلیغی به شهر های (شیروان، بهبهان، دامغان، کردستان، آبدانان، قصر شیرین، بابل، رودبار، اسد آباد همدان، الیگودرز، اصفهان، لردگان و ...) جهت سخنرانی های مذهبی و انقلابی، مراسم های عبادی، کلاس های آموزشی قرآن و احکام وعقاید اسلامی.

۲- طی کردن آموزش رزمی و دفاعی در قم و تهران و اعزام به جبهه های جنگ تحمیلی در مناطق اهواز، هفت تپه، شلمچه، دهلران، قصر شیرین، مریوان و ... (در هشت نوبت) و تشویق جوانان برای پیوستن به رزمندگان اسلام .

۳- تشکیل چند انجمن اسلامی و همکاری در ایجاد اتحادیه انجمن های اسلامی هشت روستا، مسئولیت پایگاه بسیج، مسئولیت آموزشی و عقیدتی بسیج شهرستان، نشر جزوه های آموزشی و انقلابی، تشکیل صندق های قرض الحسنه، همکاری در ساختن کتابخانه و ساختمان مخابرات در روستا

۴. از ابتدای پیروزی انقلاب، کلاس هایی در شهر مقدس قم دایر و بزرگانی چون: آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری فعلی)، شهید بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله خزعلی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله یزدی، عسکراولادی و تعدادی دیگر از اساتید در آن ها به تدریس در رشته های مختلف پرداختند و او نیز توفیق حضور در آن ها را به دست آورد.

پس از تشکیل دفتر تبلیغات اسلامی در قم، واحدی به نام «آموزش عالی» در آن راه اندازی و ایشان در دومین دوره آن که از سال ۱۳۶۴ شروع شده بود؛ شرکت کرد و به مدت چهار سال، دوره های مختلف علوم اسلامی، فلسفه، منطق، زبان عربی، علوم سیاسی و مدیریتی را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۶۸ از آن فارغ التحصیل گردید.

علاوه بر دروس آموزش عالی، در دروس اصلی و جنبی حوزه نیز به طور مستمر شرکت داشت و دوره های سطح مقدماتی، سطح متوسطه و سطح عالی را در نزد بزرگانی چون: «محقق کلاته ای»، «اعتمادی»، «بنی فضل»، «محقق داماد»، «صالحی مازندرانی»، «معرف» و «محامی خراسانی» طی کرد. سپس وارد دروس خارج شد و یک دوره کامل اصول فقه را در نزد استاد محبوب و به یادماندنی اش مرحوم «آیت الله العظمی صالحی مازندرانی (ره)» و دو سال در درس خارج فقه «آیت الله العظمی نوری همدانی» و ده سال در درس خارج فقه «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) شرکت نمود.

واسطی، عبدالحمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبدالحمید واسطی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای عبدالحمید واسطی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی، در خانواده‌ای مؤمن و متعهد چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۶۵ در رشته «مهندسی عمران دانشگاه فردوسی مشهد» پذیرفته شد که در همان سال، انصراف داد و وارد حوزه علمیه مشهد گردید و به تکمیل دروس ادبیات و فراگیری دروس سطح پرداخت و در این دوره تحصیلی از اساتیدی چون: «آیت الله حجت هاشمی»، «حاج شیخ جواد مروارید»، «حاج شیخ مهدی مروارید» و «سید مهدی نقیبی» بهره‌های علمی فراوان برد.

پس از آن در درس خارج آیات عظام: «حاج میرزا علی فلسفی»، «شربیانی» و «علامه حسینی طهرانی» شرکت جست. علاوه بر «خارج فقه و اصول»، دروسی مانند: (بدایه، منظومه و اسفار) را از محضر بزرگانی چون: «علامه محمد تقی جعفری»، «شیخ

عبدالمجید سالم» و «شیخ علی رضایی تهرانی» تلمذ کرد. در کنار تحصیل از تدریس آموخته‌ای خویش، از هیچ کوششی دریغ نفرمود و به تدریس دروس مقدماتی سطح، فلسفه اخلاق، حقوق، فلسفه سیاست، معرفت شناسی، هستی شناسی و ... پرداخت.

واعظی نیا، حسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حسین واعظی نیا

محل تولد : تربت حیدریه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب حسین واعظی نیا فرزند اکبر در شهرستان تربت حیدریّه به دنیا آمدم. پدرم برای تحصیلات فرزندان خود به مشهد مهاجرت کرد. بنده بعد از پایان دوره ابتدایی سال ۵۶ در مدرسه علمیّه جناب آقای موسوی نژاد که از مدارس موفّق حوزه علمیّه مشهد بوده و هست؛ آغاز به تحصیلات حوزوی کردم و مقدمات و سطح تا لمعه در آنجا طی کردم. شروع طلبگی همزمان بود با شروع انقلاب اسلامی و به دلیل تعلق خاطر و فعّالیّت هایی که در خانواده ما نسبت به امام و شاگردان ایشان علی الخصوص «آیت الله خامنه ای» در مشهد بود؛ حضور پر رنگی در انقلاب و جریانات انقلاب داشتم.

دروس رسائل، مکاسب و کفایه را در محضر اساتید بزرگوار حوزه حضرات: مرتضوی، رضا زاده و گنجی استفاده کردم. و از سال ۶۳ به مدت ۱۵ سال دروس خارج فقه و اصول را از محضر اساتید بزرگوار: مرحوم آیت الله فلسفی، مرحوم آیت الله علم الهدی و آیت الله مرتضوی استفاده کردم. تحصیلات غیر حوزوی را در حاشیه دروس حوزه مشغول بودم و پس از اخذ دیپلم در سال ۷۰ در دانشگاه فردوسی تا سال ۷۴ رشته «پژوهشگری علوم اجتماعی» خواندم.

واعظی، احمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد واعظی

محل تولد : شهر ری

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۵۹ اخذ کردم، شروع تحصیلات حوزویم تابستان سال ۱۳۵۹ بود. البته از دو سال قبل در تابستانها نزد یکی از طلابی که دانشجوی رشته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ و اتمام سطح در سال ۱۳۶۵ می باشد. درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی (۶۹ – ۶۵)، شیخ جواد تبریزی (۷۲ – ۶۵)، سید کاظم حائری به مدت ۶ سال استفاده کردم. به مدت ۶ سال بحث اصول فقه را در خدمت جناب حجهٔ الاسلام و المسلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصی بود و تقریر مباحث شهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.

فلسفه (بدایه و نهایهٔ الحکمه) را از محضر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد ۱ اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسفه ام در محضر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسفار (۱ و ۲ و ۹) را آموختم که عمده مباحث در محفل خصوصی با حضور چند تن از فضلاء حوزه بود. از سال ۱۳۶۷ به طور جدی مباحث کلام جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.

از سال ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال ۱۳۸۰ که جهت تدریس به مدت ۳ سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال ۱۳۷۵ به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

وافی، ابوالقاسم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

ابوالقاسم وافی

محل تولد : یزد

شهرت : وافی یزدی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حجهٔ الاسلام و المسلمین ابوالقاسم وافی یزدی در مهرماه ۱۳۱۴ در روستای حسین آباد، (حد فاصل یزد و رفسنجان) به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمود وافی از کشاورزان با تقوا و مؤمن یزد بود که به روستای حسین آباد آمده بود و در آنجا به زراعت، روزگار می‌گذراند. او که خود بخشی از دروس مقدمات حوزه‌های علمیه را فراگرفته بود، به مقام مرجعیت شیعه احترام بسیار می‌نهاد و همواره آرزو داشت فرزندانش به سلک روحانیت تشیع در آیند. مادر حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی نیز دختر مرحوم ملا محمد ابراهیم لاری معروف به «طرزجانی» از علمای بزرگ حوزه یزد بود.

حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی در پنج سالگی آموختن قرآن را آغاز کرد و سپس به دبستان و پس از آن به دبیرستان رفت. با اتمام آن به حوزه علمیه یزد رفت و دروس مقدمات و بخشی از دروس دورهٔ سطح را در آن حوزه عظیم علمی فرا گرفت. او در سال ۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات خود به قم آمد و در دروس دورهٔ سطح استادان برجستهٔ دورهٔ خود شرکت کرد. پس از آن به درس خارج استادان بزرگ حوزه علمیه قم رفت و از محضر بسیاری، کسب فیض نمود. حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی، در سالهای تحصیل خود به محضر استادان و بزرگان بسیاری شرفیاب شد. او که تا «قوانین» را در حوزه علمیه یزد فراگرفته بود، با ورود به قم به درس شرح لمعه حضرات آیات: «شیخ علی پناه اشتهاردی»، «ستوده» و «صلواتی» رفت و سپس در درس رسائل «آیهٔ الله مکارم شیرازی» و «آیهٔ الله نوری همدانی» شرکت کرد. مکاسب را نیز در محضر «آیهٔ الله مشکینی» و «آیهٔ الله شهید بهشتی» آموخت و برای فراگیری کفایه به درس آقایان: سلطانی طباطبایی (ره)، حاج آقا رضا صدر (ره) و منتظری رفت.

با به اتمام رساندن دروس دورهٔ سطح، چند ماه در درس خارج فقه (کتاب القضاء) حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت کرد که متأسفانه عمر با برکت ایشان به پایان رسید و از درک فیض بیشتر محروم گردید، وی سپس به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: شیخ مرتضی حائری، گلپایگانی، امام خمینی و محقق داماد «رحمهٔ الله علیهم» رفت که بیشتر آن (حدود پانزده سال) در محضر آیهٔ الله العظمی شیخ مرتضی حائری (ره) بود. او همچنین بخش‌هایی از مکاسب را از محضر حضرات آیات: اراکی و بهجت فرا گرفت. در بخش فلسفه و تفسیر نیز از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) بهره برد. او بخشی از اسفار را در خدمت حضرت آیهٔالله جوادی آملی، شرح منظومه سبزواری را از محضر شهید مفتح و بخش منطق منظومه را از محضر حضرت آیهٔالله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی فرا گرفت.

حجهٔ الاسلام و المسلمین وافی در سالهای تحصیل و پس از آن با طلاب فرهیخته و فاضل بسیاری رابطه دوستی داشت که از جمله آنها می‌توان از شیخ محمد حسین امراللهی نام برد. حجهٔالاسلام و المسلمین وافی در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد و مشورت علمای بزرگ یزد و قم نمایندگی مردم یزد را عهده‌دار شد. وی هم اکنون نماینده مردم یزد در مجلس خبرگان و نیز تولیت مسجد مقدس جمکران را با حکم مقام معظم رهبری برعهده دارد.

وحدتی شبیری، حسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید حسن وحدتی شبیری

محل تولد : مشهد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سید حسن وحدتی شبیری، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۴۴ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد. در کنار تحصیلات ابتدایی و متوسطه، ادبیات و صرف و نحو را نزد پدرش حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد شبیری از خطباء و وعاظ بنام در مشهد مقدس فرا گرفت. پس از اتمام دورهٔ راهنمایی تحصیلی در سال ۵۸ وارد حوزهٔ علمیهٔ مشهد شد و در کنار تحصیلات حوزوی دورهٔ دبیرستان را در رشتهٔ علوم تجربی در سال ۱۳۶۳ به پایان برد. بعد از گذراندن دورهٔ سطح به حوزهٔ علمیهٔ قم مهاجرت و همزمان با تحصیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه، دورهٔ کارشناسی حقوق را در مجتمع آموزش عالی، وابسته به دانشگاه تهران (سالهای ۶۷ تا ۷۱)، دورهٔ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی را در دانشگاه شهید بهشتی (سالهای ۷۱ تا ۷۴) و دورهٔ دکتری PH.D حقوق خصوصی را در دانشگاه تربیت مدرس تهران (سالهای ۷۶ تا ۸۱) به پایان رسانید.

علاوه بر گذراندن ۱۵ سال تحصیل در دورهٔ خارج حوزهٔ علمیه دورهٔ عالی زبان انگلیسی را نیز در دانشگاه باقرالعلوم (ع) به اتمام رسانیده است. از جمله اساتید حوزوی او در مشهد مقدس «آیت‌الله حاج مهدی مروارید»، «آیت‌الله مرتضوی» و «آیت‌الله فلسفی» و از جمله اساتید حوزوی در قم: «آیت‌الله ستوده اراکی»، «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و حجت‌الاسلام و المسلمین «حاج شیخ محمد تقی شیهدی» می‌باشند. از جمله اساتید وی در دانشگاه نیز می‌توان از «دکتر مهدی شهیدی»، «دکتر ناصر کاتوزیان»، «دکتر سید حسین صفائی» و «دکتر مصطفی محقق داماد» نام برد.

وحیدی امین، محمدحسن

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدحسن وحیدی امین

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۸/۱۰

زندگینامه علمی

پس از اتمام مقدمات و سطح حوزه که همزمان با جریان جنگ تحمیلی میان ایران و عراق بود اولین کار نوشتنی خود را در زمینه جنگ شروع کردم و مدتی بعد در حدود سه جلد کتاب در این زمینه نوشتم ولی به دلیل رعایت مصالحی از چاپ آن صرف نظر

کرده و به کار تخصصی مربوط به خودم که حوزوی بود روی آوردم چونکه اقبال سید بن طاووس از کتابهای منبع معتبر شیعی بود آن را اولین هدفم قرار دادم و خوشبختانه در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسید ترجمه ای که اولین کار و نیز اولین ترجمه از اقبال سید بن طاووس ره بود که به زبان فارسی برگردانده شد، کار بعدی ام تالیف کتاب فضایل و آداب ماه های رجب و شعبان بود که کمبود آن در میان مولفات شیعه محسوس بودویک سال بعد آن را نیز منتشر کردم. همزمان با سفرهای متعددی که به حج و عمره داشتم متوجه شدم که حاجیان و نیز کارگزاران و روحانیون از نبود کتاب جامعی در زمینه اسرار، اماکن و زیارات آن سرزمین رنج می برند. تصمیم گرفتم که با استفاده از تجربیات تحقیقی حوزوی و نیز میدانی، کتاب بسیار ارزشمند اسرار الحرمین را تالیف کنم که در حقیقت یک دائره المعارف سفری حج و عمره است و کسانی که از آن استفاده کردند بارها و بارها با تماس های خود این حقیر را مورد لطف خود قرار دادند. شبیه همین کار را با ابعاد محدودتری در زمینه عتبات و عالیات انجام دادم، تفسیر امام حسن عسکری (ع) هم که تنها تفسیر باقیمانده از معصومین (ع) بود و سابقه هیچ ترجمه فارسی نداشت مورد توجه ام قرار گرفت و آن را به فارسی برگرداندم. به دنبال ترجمه این تفسیر اکنون به فکر ترجمه تمام احادیثی افتادم که در زمینه تفسیر آیات قرآن در کتاب های قدما چون نور الثقلین، برهان و مجمع آمده است که کار سنگین و بزرگی است و به لطف خدا گام به گام این احادیث را ترجمه می کنم تا به زودی در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. در زمینه ولی نعمت و سرورمان حضرت بقیه الله الاعظم عج الله تعالی فرجه الشریف هم کاری را حدود دو سال است که شروع کردم به نام «شهر گمشده» که امیداورم بتوانم به مانند نوع کارهایی که به عهده می گیرم جامع و کامل باشد و تکراری نباشد به طوری که از نوشته های دیگران در آن به هیچ وجه استفاده نشده باشد. با هیچ موسسه ای کار نمی کنم. و نظر شخصی ام این است که در زمینه علوم اسلامی نبوغ شخصی می تواند مخاطبان زیادی را زیر چتر خود بگیرد و کارهایی با هدایت بالا و جهت داده شده مثمر ثمر نباشد و الله اعلم.

ورعی، جواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید جواد ورعی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شدم. به تشویق مرحوم پدرم با علوم و معارف اسلامی آشنا شده و پس از دروس متوسطه در سال ۱۳۶۱ رسماً وارد حوزه علمیه شرق تهران شدم. همزمان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی را گذراندم. در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیّه قم شدم و سطوح عالی را در حضور حضرات آیات استادی، اعتمادی، ستوده، طاهری خرم آبادی، قدیری و محقق داماد گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد مقطع درس خارج شدم. خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، سید کاظم حائری، و صانعی و بیش از

همه به طور پیوسته شبیری زنجانی کسب فیض نمودم. در دروس تفسیر، فلسفه و عرفان نظری اساتید معظم حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی نیز شرکت جستم. در ده سال اخیر برای فعّالیّت علمی و پژوهشی خود رشته فقه را با گرایش اجتماعی سیاسی، انتخاب نموده و در کنار تدریس سطوح عالی رشته فقه و اصول، به تحقیق و تالیف پرداختم. اینک بیشترین فعّالیّتم در تدریس، تحقیق و تالیف متمرکز شده است. تبیین و تدریس اندیشه های فقهی و سیاسی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی در دوره های آموزشی موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی از دیگر فعّالیّت های اینجانب است.

وزیری، محمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد رضا وزیری

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا وزیری پس از گذراندن دوره تحصیلات در مقطع ابتدایی، در سال ۱۳۵۲ ه.ش وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه تحت برنامه و اشراف مرجع فقیه عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و زیر نظر اساتید محترم و بزرگوار حضرات آقایان: فیاض یزدی، اسماعیل یزدی، حججی اصفهانی، معصومی شاهرودی، صالحی نجف آبادی، مرحوم سلیمی، علی فاضل همدانی، گنجی و ... تحصیلات علوم دینی خود را در دوره مقدمات به پایان رساندم، و نیز عمده دروس سطح متوسط را در همان مدرسه فرا گرفته و از محضر اساتید بزرگواری از قبیل حضرات آقایان: امینیان، مرحوم مدرس افغانی، کریمی جهرمی، استادی، احمدی یزدی، عالمی، صلواتی، شوشتری، طالقانی، اعلمی، نکونام، طیبی، بیگدلی قمی و ... استفاده‌ها بردم. حضور اینجانب در مدارس آن بزرگوار تا اوائل پیروزی انقلاب اسلامی ملت شهید پرور مسلمان ایران به رهبری امام امت ادامه داشت و تا پایان جلدین لمعتین و بخشی از کتاب مکاسب مرحوم شیخ را در آنجا خواندم، و ضمن تحصیل در این مدارس با بعضی از دوستان طلبه که در مدرسه حقانی سابق مشغول به تحصیل بودند ارتباط برقرار کرده و کم و بیش با برنامه‌های درسی آنجا نیز آشنایی پیدا کرده و استفاده می‌بردم.

و در خلال این سالها، همزمان با اشتغال به دروس حوزوی، به فراگیری دروس جدید دولتی تا گرفتن دیپلم به صورت شبانه و متفرقه ادامه دادم و تتمه درسهای حوزوی: (اعم از سطح عالی و خارج) را پس از پیروزی انقلاب و به صورت آزاد در محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات آقایان: مرحوم شیخ محمد تقی ستوده (مکاسب و کفایه)، شیخ محسن دوزدوزانی (بخشهایی از مکاسب)، حاج شیخ مصطفی اعتمادی (رسائل)، شیخ یحیی انصاری شیرازی (منطق، فلسفه منظومه حاجی سبزواری)، قدرت الله وجدانی فخر و شیخ علی پناه اشتهاردی (لمعه و بخشی از مکاسب)، موسوی تهرانی (بخشی از رسائل)، سید مصطفی محقق (اصول فقه) و محمد فاضل لنکرانی، یوسف صانعی، شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی (خارج فقه و اصول)، جوادی آملی

(تفسیر و خارج فقه و بخش از افسار)، حسن حسن‌زاده آملی (اشارات و هیأت و نجوم)، فیاض قمی و محمد تقی مصباح یزدی (بدایه و نهایه و سلسله مباحث پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک در سال ۵۹) و بعضی بزرگان دیگر حوزه تلمذ کرده و بهره‌ها بردم.

در بخش دروس جنبی (تفسیر، حکومت اسلامی، اخلاق، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ...) از محضر بزرگانی از قبیل حضرات آیات آقایان: مرحوم شهید بهشتی، محمد یزدی، شهید باهنر، رفسنجانی، مظاهری، سبحانی و ناصر مکارم شیرازی و ... کسب فیض نمودم. بحمدالله این توفیق کم و بیش شامل حالم شده است که در خلال تحصیلاتم، به تدریس بعضی از رشته‌های علوم حوزوی از قبیل (فقه و اصول، تاریخ، عقاید و ...) در مدارس حوزه علمیه قم و مرکز جهانی و یا به صورت آزاد بپردازم و امیدوارم همچنان به این امر مهم نیز ادامه دهم. و از حدود سال ۷۳ نیز از طریق دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها به عنوان استاد، به دانشگاههای اصفهان و تهران (دولتی و آزاد) اعزام شده و در رشته‌های: «تاریخ اسلام، معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، ادبیات عرب و ...» به تدریس پرداختم. گفتنی است که اینجانب از همان سالهای اولیه ورود به حوزه مبارکه علمیه قم در استانها و شهرستانهای: «قم، خمینی شهر، ملایر، خمین، تربت حیدریه، بندرعباس، کازرون، بوشهر، نیکشهر بلوچستان، تهران و شمیرانات، خراسان، بندر انزلی، سقز و کردستان، قزوین، و استانهای غرب و جنوب کشور» به تدریس و تبلیغ و ترویج احکام نورانی اسلام و نشر و اشاعه معارف دینی و قرآنی اشتغال داشتم.

اینجانب گرچه خوش ندارم در خصوص زندگی سیاسی و گرایشهای فکری چیزی به قلم بیاورم، و با وجود آنکه کار چندانی در مقایسه با کارهای چشمگیر و بزرگی که گروهی از عزیزان و دوستان همرزم و همسنگر شهید و غیر شهید، برای اسلام عزیز و انقلاب شکوهمند اسلامی انجام دادند و لحظه‌ای آرام ننشستند صورت نداده‌ام. لکن از باب «و اما بنعمهٔ ربک فحدث» شمه‌ای از آن بضاعت مزجاهٔ را بیان می‌کنم. الحمدلله و له الشکر که از همان دوران نوجوانی و حتی در زمان شاه ملعون با روحیه ظلم ستیزی و تنفر و مبارزه با ظالم و طاغوت، بزرگ شده‌ام و در همین راستا به بحثهای کوبنده و روشنگرانه با طرفداران رژیم پرداخته و فعالیتهای در زمینه توزیع رساله و کتب دیگر و اعلامیه‌های رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع معظم تقلید داشتم و در تظاهراتهای قم و دیگر شهرستانها بر علیه رژیم سابق شرکت داشته و در منبرهایم مظالم و فجایع دستگاه وقت را برای مردم برملا می‌کردم و بارها تا مرز دستگیری و قتل و جرح با توکل به خدا پیش رفتم، از جمله در محاصره مدرسه فیضیه در زمان شاه و در سال ۵۴ حضور داشته با عنایت الهی از چنگ آنها خود را نجات دادم، و در تظاهرات مردم در شهرستان خمین به همراه دیگر علما و مردم شرکت نموده و در همین تظاهرات تیر خوردم و روانه آغوش محبت‌آمیز و گرم آن خطه شده و پس از بهبودی و درمان به قم بازگشتم، و در تظاهرات ۱۹ دی سال ۵۶ قم نیز به همراه طلاب و فضلای حوزه و اقشار مختلف مردم شرکت کرده و به بیوتات مراجع بزرگوار فقه و در درگیری بعد از مراجعه از بیت آقای نوری همدانی حضور داشتم و در رمضان المبارک سال ۵۶ به ملایر رفته و پس از سخنرانیهای کوبنده بر علیه رژیم تحت تعقیب مأموریت قرار گرفتم.

پس از پیروزی انقلاب و با تشکیل حزب جمهوری اسلامی به دست شخصیتهای صدر انقلاب فقط در این حزب ثبت نام کردم و با شروع جنگ تحمیلی این افتخار را پیدا کردم که از همان بدو شروع جنگ (که در آن زمان در حال گذراندن چندمین دوره آموزش نظامی بودم) به جبهه‌های جنگ به صورت رزمی تبلیغی و تبلیغی اعزم شدم و خوشبختانه این اعزامها ولو به صورت متناوب همچنان تا زمان پذیرش قطعنامه و حتی پس از آن ادامه داشت و در همین رابطه چندین بار مجروح شدم، و در همان شرایط نیز از ادامه تحصیل در حوزه بر حسب وظیفه غافل نبودم، و در موضوع حوادث انقلاب و فراز و نشیبهای آن از قبیل برگزاری انتخابات، غائله کردستان و فتح لانه جاسوسی و برکناری لیبرالها و بنی صدر و شکست مفتضحانه منافقین و غیر ذلک به فضل خداوند متعال در خط رهبری به راه خود ادامه دادم، و در تشکیلات جلسات مجمع طلاب و فضلای قمی حوزه علمیه قم نیز

همراه با جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ رحیمیان قمی و بعضی حضرات دیگر فعالیتهایی داشته ام.

از توفیقات و برکات عظیم الهی که در زندگی علمی اینجانب نصیبم شد اینکه توانستم از همان سالهای اولیه ورود به حوزه و مدرسه مرحوم آیت الله گلپایگانی و به همت و راهنمایی دارالقرآن آن بزرگوار، حفظ قرآن کریم را شروع نمایم و بحمدلله بعد از چندین سال توانستم کلّ قرآن را حفظ نموده و در زمره حافظین کل قرآن قرار گیریم و بنا دارم انشاء الله و به زودی کل نهج البلاغه و صحیفه سجادیه را نیز حفظ کنم و در سایه حفظ قرآن موفقیتهای بیشتری در زمینه تدریس در حوزه و دانشگاه و ارائه مباحث در منابر داشته‌ام و هم اکنون با گروهی از دوستان همفکر به تحقیقات میدانی و عمیق در زمینه بحثهای حوزوی فقه و اصول و مخصوصاً فقه مشغول هستیم، و در علم الحدیث و شرح و توضیح و تعلیقات بر کتاب ارزشمند و پرفایده سفینهٔ البحار مرحوم محدث قمی با بعضی دوستان دیگر گامهایی برداشته‌ایم. و امیدوارم در باقیمانده عمر نیز در ظل توجهات و عنایات خاصه مولانا و صاحبنا حضرت ولیعصر (عج) توفیق شناخت وظیفه و انجام آن را پیدا کرده و در صراط مستقیم حق به راه خود ادامه دهم.

وفا، جعفر

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

جعفر وفا

محل تولد : زنجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم

ایشان درسال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه

پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفایی شوشتری، محمدمهدی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد مهدی وفایی شوشتری مولف عالم و بزرگواری بود . او پیشوای با فضیلت و دارای مکارم اخلاقی بود . نام وی محمد مهدی ، مشهور به شرف الدین فرزند شیخ محمد شرف الدین است . او مقدمات و علوم ادبی را از صرف و نحو ، منطق ، معانی بیان ، حساب و هندسه ، فقه و اصول ، علم کلام و تفسیر را آموخته بود.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مهدی وفایی شوشتری ازخاندانی علمی و روحانی به نا م خاندان شرف الدین می باشد . خاندانی که همواره یا درمیان آن افرادی ممتاز و برجسته به پا خاسته و رهبری مذهبی مردم را بعهده داشته اند .همین امر احترام و توجه قاطبه اهالی خوزستان به ویژه شوشتر را در پی آورده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مهدی وفایی شوشتری مقدمات و علوم ادبی رااز صرف و نحو ، منطق ، معانی و بیان و سپس حساب هندسه ، هئیت ، فقه و اصول ، علم کلام وتفسیر را نزد فضلا و بزرگان مردم زادگاه خود شوشتر فرا گرفت پس از آن درسال ۱۳۰۴ شمسی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت نموده و از حوزه درس اساتید بزرگ آن سامان بهره مند شد.استادان و مربیان : مهمترین اساتید محمد مهدی وفایی شوشتری در دوران تحصیل درنجف و اماکن دیگر عبارتند از : آیت الله حاج میرزا حسین نایینی ، آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی ، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، آیت الله سید میرزا ابراهیم خراسانی ، آقا سید هبه الدین شهرستانی ، آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی،آیت الله آقا میرزا محمد سامرایی ، آیت الله میرزا محمود شیرازی ،آقا سید امام شوشتری ، شیخ شعبان گیلانی ،آیت الله آقا سید هادی میلانی ، آقا شیخ محمد علی غروی اردوبادی ، مرحوم حاج شیخ عباس قمی ،سید مهدی کاظمی اصفهانی ، سید ابراهیم راوی شافعی ، سید خلیل راوی شافعی و سید محمد راوی شافعی .فعالیتهای آموزشی : محمد مهدی وفایی شوشتری درمیان مردم محبوبیتی به سزا داشت و با خوشرویی و محبتی خاص مراجعین رامی پذیرفت. آورده اند که مواعظ وی که مهمترین فعالیتش بود ، مانند مواعظ جد والا-و تبارش علامه حاج ملا-جعفر شرف الدین تاثیری بس شگرف و درقلوب مردم می نهاده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مهدی وفایی شوشتری بطور کلی اوقات خود راصرف امور مذهبی وهدایت مردم از تدریس اقامه نماز جماعت ، تالیف و نگارش و موعظه و سخنرانی مذهبی می کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد وفایی وفایی شوشتری علاقه وافری به تحقیقات تاریخی و آثار باستانی داشت و در مطالب تاریخی صاحبنظر و بیان کننده نکات جالبی است و بر همین اصل و مدتی را صرف مطالعه آثار مشکوفه سومرو بابل درموزه بغداد نموده و از کتابخانه مشهور بغداد مطالعات ارزشمندی داشته است.آثار : تاریخ شوشتری ویژگی اثر : این کتاب چاپ نشده است ولی درباره احوال دانشمندان شوشتری می باشد .۲. ترجمه جلد اول تفسیر

فخر رازی، ترجمه کتاب «فضائل»شاذان ۴ رساله شرفیات ویژگی اثر : این کتاب سوالاتی است که شوشتری از علامه آقا سید هبت الدین شهرستانی نموده و ایشان جواب داده اند.۵ عقاید اسلامیه ویژگی اثر : این کتاب ترجمه کتاب نکت الاعتقاد تالیف شیخ مفید است .۶ مطالعات و مشاهدات

منابع زندگینامه :شرف الدین شوشتری ، شرح حال علامه ادیب فقید وفایی شوشتری ، تهران : انتشارات کتابخانه صدر ، بی تا ، ص ۱

وفایی، عبدالوحید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

عبد الوحید وفائی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عبدالوحید وفایی دوران کودکی را در خانواده پدری از تعالیم قرآن کریم بهره مند گشتم (در قم) و مقطع تحصیلی ابتدائی را در مدرسه آزادی گذرانده و مقطع راهنمائی را در مدرسه راهنمائی شهید بهشتی قم طی نمودم. و حدود یک سال در هنرستان فنی و مهندسی قم تحصیل کردم. سپس به علت علاقه به حوزه علمیه قم جهت ادامه تحصیلات روی آورده و حدود دو سال در مدرسه علمیه رسالت قم به تحصیل مشغول شدم و سال سوم را در مدرسه علمیه رضویه قم تحصیل کردم. سپس دوران فقه و اصول را از اساتید مطرح زمان استفاده کردم و حدود سه سال از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، حضرت آیت الله «وحید خراسانی» و «فاضل لنکرانی» بهره بردم.

جهت تدریس در دانشگاهها از طریق گزینش علمی خبرگان وزارت علوم به استخدام هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب در آمدم و هم اکنون در مقطع دکترا معارف اسلامی جهت شرکت در آزمون مهندسی ثبت نام نموده ام. حدود ۱۰ سال است به استخدام عضویت هیئت علمی گروه معارف اسلامی در آمده ام. همزمان با تدریس در دانشگاه و دروس خارج فقه و اصول، با موسسه باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی قم جهت تالیف مجموعه کتب «دیدار با ابرار و دیار ابرار» همکاری نمودم. یک مقاله با نام «برهان صدیقین» برای مجله علمی پژوهشی (خردنامه صدرا) ارسال کرده ام که برای شماره اخیر آماده چاپ است. با همین عنوان مقاله برای جشنواره حکمت مطهر ارسال نمودم که به عنوان مقاله برگزیده در مجموعه مقالات برگزیده خلاصه آن به چاپ رسید.

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه

در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هاشمی کروبی، سیف الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید سیف الله هاشمی کروبی

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در چاشتگاه سه شنبه‌ای تابستانی اولین فرزند خانواده چشم به جهان گشود. بعد از سال‌ها به خاطر نداشتن معلم چند وقتی از مدرسه رفتن او گذشته بود که پدر با این بشارت که برای مدرسه‌ی روستای ما معلمی آمد به خانه برگشت و مرا به مدرسه برد و بدین ترتیب از سال ۱۳۴۷ زندگی را در خانه‌ی دوم (مدرسه) آغاز کردم و بدون کمترین راهنمایی در ردیف شاگردان خوب کلاس قرار گرفتم. و به گفته مادر مهربانم چون به مسجد علاقه‌ی فراوان داشتم؛ از ۸ سالگی به نماز خواندن کامل و روزه گرفتن مبادرت کردم که این عمل سازنده و جهت دهنده‌ی من به سوی دروس دینی بود.

بعد از گرفتن مدرک سوم راهنمایی (سیکل) در مدرسه راهنمایی «صبح امید» واقع در روستایی که با ده ما دو کیلومتر فاصله داشت، علاقه به مسافرت علمی دینی به سوی قم را گرفتم و چون با مخالفت پدر واقع شدم بنا را بر درس نخواندن گذاشتم تا ایشان را وادار به قبول کنم و این اولین سالی بود که بعد از شروع ایام تعطیلات، مدرسه را با مردودی پشت سر می‌گذاشتم ولی محاسبه‌ی من غلط از آب درآمد و ابوی گرامی باز مرا به تحصیل مجدد در اول نظری کشاند و من همچنان به درس بی‌توجهی می‌کردم که ایشان به پدربزرگم «رحمه الله» شکایت کرد.

چون جد پدری تاثیر خوبی در من داشت، فکر می‌کرد که مرا وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. در جواب آن مرحوم عرض کردم که اگر دیپلم را بگیرم به درد دروس دینی نخواهم خورد و برعکس من با سکوت ایشان فهمیدم که نه تنها تاثیر نگرفتم بلکه اثر گذاشتم و بر تصمیم خود پافشاری کردم چون پدر راضی نمی‌شدند؛ در این هنگام بدون خبر خانواده به سوی تقدیر الهی خود حرکت کردم و شب ۲۵ آبان ۱۳۵۵ که ساعت ۲۱/۱۰ را نشان می‌داد؛ برای اولین بار به حرم بی‌بی فاطمه معصومه (س) مشرف شدم و جان خود را با آب معرفت زیارت، شست و شو داده و برای کسب علم (زنده کننده‌ی جان) آماده می‌کردم و آن شب را در حرم و آشیانه‌ی اهل بیت (ع) بیتوته کرده و صبح جمعه‌ای که باز منتظر و عدالت گستر حقیقی، جان تشنه منتظران فرج را با جام ظهور سیراب نفرموده به دیدار دوستی که سرنوشتی مثل من داشت به نام «سید مهدی حسینی» شتافتم و خود را در جمع صمیمی دوستان طلبه سرخوش یافتم.

بعد از خواندن اکثر جامع المقدمات و شروع صمدیه، انقلاب اسلامی با شهادت «آیت الله آقا مصطفی خمینی» جان گرفت و مرا بر

سفره‌ی پربرکت خود نشاند و با انقلاب، در رشد و نمو هماهنگ شده و با پشت سر گذاشتن کلاسهای گوناگون و افت و خیزهای انقلاب و جنگ تحمیلی استکبار جهانی، علیه جامعه‌ی ولایی ما، بعد از اتمام کفایتین در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» (همزمان با رحمت جانگداز امام امت رحمهٔ الله علیه)، در سال ۶۸ به درس خارج «آیت الله مکارم شیرازی» راه یافته و یک دوره اصول فقه را در محضر ایشان شاگردی کرده و نیز نزدیک به ده سال فقه خواندم و یک سوم این درس‌ها را به عربی تقریر کردم و از ایشان تأییدیه هم دریافت کردم و در عین حال دروس سطوح پایین‌تر را ترجمه و تدریس می‌کردم. ولی با کمال تاسف به دلیل نداشتن یک راهنما و مراد، این دو کار زیبا و ارزشمند را به طور متوالی ادامه ندادم که مایه‌ی حسرت همیشگی من می‌باشد. اگر چه مجوز تدریس در حوزه و دانشگاه را دارم و اندوخته‌های خود را به کمک ایزد منان در مراکز علمی عرضه می‌کنم ولی رضایت خاطرم را فراهم نمی‌کند.

هاشمی گلپایگانی، هاشم

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید هاشم هاشمی گلپایگانی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : عراق

تاریخ تولد : ۱۳۲۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سید هاشم هاشمی گلپایگانی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در نجف اشرف به دنیا آمد. او در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه شد و همزمان دروس دولتی را هم ادامه داد. در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی از دانشگاه فقه فارغ التحصیل شد. در حوزه نجف مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در دروس خارج فقه و اصول مرحوم «آیهٔ الله خویی» و «آیهٔ الله سیستانی» حاضر شده که بعضی از تقریرات درس ایشان به چاپ رسیده: (تعارض ادله شرعیه).

ایشان چند ماه در زندانهای صدام اسیر بود و پس از آن در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم آمد و در حوزه علمیه قم در درسهای خارج فقه و اصول مرحوم آیات عظام: «گلپایگانی»، «وحید خراسانی» و «میرزا جواد تبریزی» حاضر شد و نیز از همان زمان تا حال درسهای سطح و خارج فقه و اصول را تدریس می نماید.

هاشمی، محمدحسین

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن

الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هاشمی، مرتضی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سید مرتضی هاشمی

محل تولد : طالخونچه اصفهان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۳/۱۰/۲۱

زندگینامه علمی

در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۲۳ در یکی از روستاهای اطراف اصفهان که اینک شهر شده؛ به نام «طالخونچه» که گویند مخفف «طالقان جی زادگاه صاحب بن عباد» بوده؛ در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم. مرحوم آیت الله آقا سید علی اکبر هاشمی به خاطر تعصب شدید دینی برای تعلیم بنده معلم سر خانه انتخاب نمودند و اجازه رفتن به دبستان را ندادند. پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن مرا با قرآن آشنا کردند و چون تنها فرزند پسر خانواده بودم؛ بسیار مایل بودند که در مسلک روحانیت درآیم و لذا مقدمات علوم حوزوی از صرف و نحو و لغت را خود ایشان به من آموختند و سپس به اصفهان مهاجرت نمودند و حجره ای در مدرسه «صدر بازار» گرفتند و رسما در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه شدم و مرحوم والد نظارت در امر تعلیم و تربیت حقیر داشتند و استاد و هم بحث را ایشان انتخاب می کردند و جز با کسانی که ایشان اجازه می دادند با کسی دیگر مراوده نداشتم. در انتخاب استاد سعی می کردند بهترین از نظر علم و تقوا را برای بنده انتخاب کنند مثل یکی از دوستان علمیشان به نام «آیت الله حاج شیخ محمد حسن کیانی» معروف به حاج شیخ امیر آقا فلاورجانی که از مجتهدین بود؛ خواهش کردند به من بیاموزد در حالی که ایشان تدریس خارج بود.

اساتید حقیر در ادبیات و منطق: ادیب معروف معلم حبیب آبادی، سپس آیات عظام: «حاج شیخ محمد علی حبیب آبادی»، «حاج شیخ عباسعلی ادیب»، «حاج حسن امامی» و «حاج شیخ تقی مقتدایی». اساتید در معالم، در اصول، قوانین، لمعتین و رسائل: «آیت الله حاج سید مجتبی صادقی» و «حاج شیخ محمد علی خلاق شیرازی». اساتید مکاسب «آیت الله حاج سید مهدی هاشمی» سپس مهاجرت به قم نموده. اساتید مکاسب، رسائل و کفایه: «آیت الله سلطانی»، «آیت الله فاضل لنکرانی»، «آیت الله سبحانی»، «آیت الله صالحی نجف آبادی»، «آیت الله منتظری»، «آیت الله مکارم شیرازی» و «آیت الله ستوده».

در ایام اقامت در قم به دانشگاه الهیات راه یافتم و در رشته منقول هم زمان به ادامه تحصیل در قم به تحصیل پرداختم که با قیام امام

خمینی (علیه الرحمه) و شروع فعالیتهای سیاسی مبارزاتی از زمان تحصیل در دانشگاه و حجره تحت تعقیب ساواک بودم. لذا از مرز ایران قاچاقی وارد عراق شـدم و تازه حضـرت امام به نجف آمـده بودنـد؛ مدتی در نجف از محضـر امام، آیت الله حکیم و آیت الله خوئی شاهرودی اسـتفاده کردم ولی از اوایل توقف در نجف اشـرف معذور گشـتم و به ایران برگشتم و در اصفهان از محضر «حاج شیـخ حسن صافی اصـفهانی» گمشده خود را یافتم و مدت ۲۰ سال از محضـر ایشان اسـتفاده علمی و اخلاقی نمودم و تمام درسهای فقه، اصول، فلسفه، تفسیر و رجال که فرمودند ضبط کردم و به رشته تحریر در آوردم.

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی به تأسـیس مـدرسه «الزهراء» برای تربیت طلاب خواهر اقـدام نمودم و مـدتی بر اساس کمبود نیروی قضائی از طرف شورای عالی قضاء به دادگاه شـیراز اعزام شـدم و پس از مدتی با اعزام قضات جدید و کسب تکلیف از امام خمینی (رحمه الله علیه) به کارهـای علمی روی آوردم و به تـدریس در حوزه و دانشـگاه و تألیف کتاب مشـغول گردیـدم. از نوشـته ها جز چنـد اثر به نـام «حزب الله و حزب شـیطان» و «نشانه‌هـای ولاـیت» که چاپ شـده؛ بقیه مخطوط باقی مانـده است. هم اکنون به عنوان عضو موسـس دانشـگاه شیخ بهائی در شهر بهارستان اصفهان نظارت بر امور فرهنگی داشته و از حوزه علمیه اصفهان و مدرسه صدر بازار به تدریس سطح فقه و اصول مشغول می باشم.

هدایت نیا، فرج الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

فرج الله هدایت نیا

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۷/۳/۱

زندگینامه علمی

اینجانب فرج الله هدایت نیا گنجی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسـی در روستای «گنج افروز» از توابع شهرستان بابل متولد شده ام. پس از طی دوران کودکی وارد مـدرسه شـدم و تـا سـال سوم راهنمـایی را در مـدارس زادگاه خویش گذرانـدم. دانش آموز سال پنجم ابتدایی بودم که انقلاب اسـلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسـید و دوران نوجوانی من با حال هوای انقلاب آغاز شد.

تحت تـأثیر شـرایط پس از انقلاـب در خودم علاـقه به فراگیری علوم دینی احسـاس کردم و در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه «خـاتم الانبیـاء (ص)» بابـل شـدم. به مـدت سه سـال در حوزه علمیه «امام القائم» تهران تحصـیل کردم و از سال ۱۳۶۶ وارد حـوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم، لمعتین و دو جلد اصول فقه را از محضـر اساتید حوزه به ویژه استاد «علی محمدی (زید عزه)» فرا گرفتم. و از آن پس دروس خـارج فقه و اصول را آغاز کردم. در این مرحله از اساتیـد بزرگواری نظیر آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «مکارم شیرازی» و «محفوظی» بهره بردم.

در سال ۱۳۶۸ به فکر تکمیل تحصیلات خودم در علوم جدید و دانشگاهی افتادم. ابتداء به صورت غیر حضوری به مدت چهار سال

دیپلم گرفتم و در کنکور سراسری سال ۱۳۷۳ شرکت کردم و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از اتمام دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه مفید قم شدم و در گرایش «حقوق خصوصی» در مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه فارغ التحصیل شدم و البته در طول این سالها، تحصیلات حوزوی را نیز ادامه دادم.
با توجه به شرایط جنگ، مثل سایر جوانان این مملکت در جبهه ها حاضر شدم و مدت دو سال به طور متناوب به صورت رزمی یا تبلیغی در جبهه ها بودم و از جانبازان جنگ تحمیلی می باشم. علاقه وافر اینجانب به فعالیتهای پژوهشی موجب شد که جذب مؤسسات پژوهشی شوم. مطالعات من تا کنون در گرایش «فقه»، «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» بوده است. محصول مطالعات من کتابها و مقالاتی بوده است که بسیاری از آنها چاپ شده است. در حال حاضر اینجانب عضو «هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» هستم و در گروه فقه و حقوق این مرکز فعالیت می کنم.
در کنار تحقیق، تدریس را از نظر دور نداشتم. از سال ۱۳۸۱ به تدریس حقوق در مراکز آموزش عالی روی آوردم و هم اکنون نیز در یکی از دانشگاههای تهران؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» و مدرسه تخصصی فقه و اصول قم؛ «ویژه طلاب خارجی» به تدریس مشغول هستم. در حال حاضر در شهر مقدس قم ساکن هستم و به تحصیل تحقیق و تدریس مشغول می باشم. امیدوارم بتوانم از اندوخته های خود در جهت نشر علوم دینی و فرهنگ اسلامی بهره ببرم و دَین خود را به مردم مسلمان ادا نمایم.

هروی، مهدی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۲۷۳/ ۱۲۷۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» تلمذ نمود. آنگاه خود به بحث و تدریس و تألیف پرداخت. وی بعدها به تهران آمد. حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، صاحب «کبریت الاحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی صادر نموده، صاحب عنوان را ستوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه‌ی شیخ‌بهائی به خاک سپردند. از آثارش: شرح «نجاةالعباد»؛ «درایةالحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۴۳/ ۱۰)، الذریعه (۱۰۲/ ۱۴، ۵۶/ ۸)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۴۸۱ - ۴۸۰/ ۲)، معجم‌المؤلفین (۲۶/ ۱۳).

هشترودی تبریزی، محمدحسن

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(وف ح ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. وی از شاگردان حوزه‌ی درس شیخ مرتضی انصاری بود. او مدتی نیز در نجف به تدریس و تألیف مشغول بود. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خویش آذربایجان بازگشت و مصدر خدمات دینی شد. وی در بازگشت از یکی از مسافرت‌هایش به عتبات در شهر کرند درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار او: «تقریرات»

درس استادش، شیخ انصاری، در مباحث اجتهاد و تقلید؛ «محن الابرار»، در ترجمه‌ی مجلد دهم از «بحارالانوار» که در «مؤلفین کتب چاپی» این کتاب تحت عنوان «محسن الابرار فی ترجمهٔ مقتل بحارالانوار» آمده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول–ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (۱۵۰/ ۵)، الذریعه (۱۶۰/ ۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۱۱/ ۱۴)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۲۸۴/ ۱)، معجم‌المؤلفین (۲۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰ –۵۸۹/ ۲).

همدانی، رضا

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

رضا بن شیخ محمدهادی همدانی نجفی متوفی ۱۳۲۲ ق از اکابر فقهاء محققین و مشاهیر مراجع عصر خود بوده است.

مرحوم والدش حاج شیخ محمدهادی از علماء صلحاء و وی از اجله فقهاء و افضل اعلام زمان خویش بوده و مهاجرت به سامرا و سالهای متمادی ملازمت درس مجدد شیرازی را نموده و تقریرات درس وی را نوشته تا در میان اقران خویش مشاراليه بالبنان گردیده و در حیات استادش میرزا بزرگ به نجف برگشته و به تدریس اشتغال یافته و جمع زیادی از اهل فضل اطرافش را گرفته و از بیاناتش استفاده نموده‌اند.

و ضمنا به اقامه جماعت و تألیف کتاب نفیسش (مصباح الفقیه) پرداخته و آن بزرگوار چنانچه معاصرین و متاخیرین او گواهی می‌دهند ازهد و اورع و اتقا و افضل اقران خود بوده و اکثر اوقات خود را مصروف به مطالعه و تدریس و مباحثه و تألیف می‌نموده و در نهایت اعراض از دنیا و زخارف آن بوده و بعد از فوت استادش میرزا شیرازی مردم به وی رجوع نمودند و این مرجعیت برایش گران و سنگین بود ریاست و زعامت را مکروه می‌داشت برای مسئولیت خطیری که دارد.

و واقعا هم چنین بود زیرا بعد از ریاست هم تغییر وضع نداده و ماکل و ملبسش مانند گذشته بود و این ریاست هم طولی نکشید چون نسیان برایش عارض شد و خود از فتوا دادن امساک نمود فقط مواظبت به تدریس داشت تا در سال ۱۳۲۲ ق وفات نمود و آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت که ذیلا می‌نگارم.

۱– کتاب الطهاره ۲– کتاب الصلوه ۳– کتاب الزکوه ۴– حاشیه بر رسائل ۵– حاشیه بر نجاه العباد ۶– تقریرات دروس میرزا بزرگ شیرازی ۷– کتاب البیع :

معظم شاگردان و تلامذه آن جناب نامبردگان زیرند.

۱– آیت‌اللَّه آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی ۲– آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدتقی تهرانی مقدس ۳– آیت‌اللَّه حاج شیخ جعفر آل شیخ راضی ۴– آیت‌اللَّه حاج شیخ علی زاهد قمی ۵– آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالحسین آل اسداللَّه شوشتری ۶– آیت‌اللَّه حاج سید محسن امین جبل عامل ۷– آیت‌اللَّه حاج شیخ علی همدانی ۸– آیت‌اللَّه شیخ علی جواهری ۹– آیت‌اللَّه حاج شیخ علی حلی ۱۰– آیت‌اللَّه حاج شیخ احمد آل کاشف الغطا ۱۱– آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء ۱۲– آیت‌اللَّه حاج شیخ جواد بلاغی ۱۳– آیت‌اللَّه شیخ مشکور طالقانی ۱۴– آیت‌اللَّه حاج سید حسن صدر و عده زیادی دیگر که ذکرشان موجب اطناب است.

آن بزرگوار در اواخر مبتلا به کسالت سل گردیده و مسافرتی برای زیارت و تغییر آب و هوا به سامرا نموده ولی در آنجا در روز یکشنبه ۲۸ ماه صفر ۱۳۲۲ قمری در سن هفتاد و پنجسالگی وفات و در رواق شریف عسکریین طرف پائین پای امامین همامین مدفون شده است.

آن مرحوم دارای یک پسر بنام حجهٔالاسلام آقا شیخ محمد همدانی و چهار دختر بوه و دامادهای وی همه از آیات و اعلام علماء معروف بدین شرح می‌باشند.

۱- آیت‌اللّه حاج میرزا نجم‌الدین شریف عسکری بن آیت‌اللّه آقا میرزا محمد تهرانی عسکری متوفی ماه رجب ۱۳۹۵ ق.

(۱۳۲۲ -۱۲۵۲/ ۱۲۵۰ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمدهاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته‌ی میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه‌ی جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب «الذریعه»، و شیخ علی زاهد قمی و آیت‌اللّه شیخ جواد بلاغی و آیت‌اللّه شیخ علی حلی و آیت‌اللّه شیخ احمد آل کاشف‌الغطاء و شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت‌اللّه شیخ علی جواهری و آیت‌اللّه شیخ محمدتقی تهرانی مقدس و آیت‌اللّه شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت‌اللّه علامه سید محسن امین جبل‌عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه»، که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی، به صاحب «مصباح الفقیه»، مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان‌الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر به علت بیماری سل، برای تغییر آب و هوا، به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ» یا «العوائد الرضویهٔ علی الفرائد المرتضویهٔ»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجاهٔ العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی، در فقه و اصول؛ کتاب «البیع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایهٔ»؛ «الوجیزهٔ».[۱]

رضا همدانی قدس‌اللّه‌سره متولد در سال ۱۲۵۰ قمری و متوفی ۱۳۲۲ ق و علامه سماوی در ماده تاریخ فوت و رثاء آن مرحوم گفته است.

و کالرضا المحقق ابن الهادی

الهمدانی الفقیه البادی

رافع مصباح الفقیه المائل

و ذی التعالیق علی الرسائل

فانه جاورها بدر النجف

و قال ارخوه (ابهج الغرف)

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه :[۱] الاعلام (۵۲/ ۳)، اعیان‌الشیعه (۲۳ -۱۹/ ۷)، الذریعه (۱۶۶، ۴۹/ ۲۵، ۱۱۶ -۱۱۵/ ۲۱، ۳۴۱/ ۱۶، ۲۱۹، ۱۵۷/ ۶، ۳۷۷ -۳۷۶/ ۴)، ریحانه (۳۷۷/ ۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۷۷۸ -۷۷۶/ ۱۴)، علماء معاصرین (۷۶ -۷۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۷ -۳۷۶/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۰ -۱۳۳۹/ ۳)، معجم‌المؤلفین (۱۶۴/ ۴)، میرزای شیرازی (۱۴۴ -۱۴۳).

همدانی، عبدالرزاق

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(۱۳۸۳ -۱۲۹۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محـدث، مجتهـد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصـفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمـد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پـدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقـدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. او در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعهٔالمعاد»، در شـرح «نجاهٔالعباد»؛ «السیف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایهٔ الطـالبین»، در اصـول دین؛ «الخلافیـهٔ»، در رد شـیخیه؛ «السـؤال والجـواب الـدینی»، در رد شـیخیه؛ «الهدایـهٔ»، در رد صوفیه؛ «المقـالهٔ الاسلامیهٔ»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبریهٔ»؛ «الاسلام و الخلافهٔ»؛ «مواکب حسینیه».[۱]

شیـخ عبـدالرزاق بن علی‌رضـا بن عبدالحسـین ابن ابی‌طالب بن عبـدالکریم مؤلف (نظم الغرر) ابن محمـد مؤلف (ترجمان اللغه) ابن محمـد شـفیع متمم کتاب والـده (ابواب الجنان) ابن رفیع‌الـدین محمد بن فتح‌اللّه (قزوینی) اصـفهانی همدانی عالمی فاضل و واعظی کبیر بوده است.

جد ایشان از اهل قزوین بوده و پدرش مقیم اصـفهان گردیده و وی در آنجا در سال ۱۲۹۱ ق متولد شده و والدش در حدود ۱۳۰۰ ق مهاجرت به کربلا نموده و او در خـدمت آن مرحوم در کربلا به مقـدمات علوم پرداخته و در سال ۱۳۱۳ ق مادر علویه‌اش وی را به همـدان آورده و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشـتغال یافته تا بعد از ۱۳۸۱ قمری که به رحمت حق پیوسته است.

تألیفات وی از این قرار است.

ذریعه‌المعاد فی شـرح نجاه العباد در طهاره ۲- السـیف القاطع فی ایطال الرکن الرابع در رد شیخیه ۳- هدایه الطالبین در اصول الدین ۴- الخلافیه ۵- السوال و الجواب الـدینی رد شـیخیه ۶- الهـدایه. در رد صوفیه ۷- المقـاله الاسـلامیه در رد نصاری ۸- الجواب عن سوال زید و زینب ۹- مختصر المقاله الجوابیه ۱۰- بدایه المنطقیه ۱۱- الوجیزه الرجالیه ۱۲- الکشکول ۱۳- مناظرات و مقالات ۱۴- المواعظ المنبریه ۱۵- رساله جواز نقل الموتی ۱۶- رساله فروع‌الدین ۱۷- الفیصل ۱۸- الغدیریه ۱۹- رساله اصول‌الدین ۲۰- الاسلام والخلافه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[۱] الذریعه (۱۸۲ -۱۸۱ ،۱۶۶/ ۲۵ ،۲۳۲/ ۲۳ ،۳۹۵/ ۲۱ ،۵۹/ ۱۷ ،۳۸۴/ ۱۶ ،۲۸۸ ،۲۴۵ ، ۲۱۰/ ۱۲ ،۳۲ -۳۱/ ۱۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴ ۱۱۴ -۱۱۳/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹ -۳۷۸/ ۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۳۴۱/ ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۴ -۸۴۳/ ۳).

هوشمند، مهدی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

مهدی هوشمند

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۴۲ در خانواده ای متوسط در یکی از محله های جنوب تهران متولـد شدم. پس از گذراندن دوران ابتدایی در مدرسه «ایران نوین» و دوران راهنمایی در مدرسه «مترجم الدوله»، وارد دبیرسـتان شده و دو سال در دبیرسـتان «ابوریحان» در رشته تجربی مشغول تحصـیل بـودم که این دوره مسـاوی و همزمـان بـود بـا اوج انقلاـب اسـلامی و نیمه تعطیـل بـودن دبیرسـتانها، پس از قبـولی در دوم دبیرسـتان به دلیل علاقه ام به رشـته حوزه و طلبگی و به دلیل علاقه ای که به شهرسـتان مادری و پدریم؛ خوانسار داشتم، وارد حوزه علمیه حضـرت ولی عصـر (عـج) خوانسـار شـدم. مـدت چهـارده سـال در آنجـا نزد اساتیـدی چون: «حجت الاسـلام نیازی، رفیعان، انصاری و آیت الله تقـدیری (ره)» دروس مقـدمات و سـطح را به پایان رساندم. سال ۷۴ وارد حوزه علمیه مقـدسه قم شدم و پس از حضور در امتحانات شفاهی پایه ۹ موفق به اخذ رتبه سوم حوزه شدم، سـپس در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» و فقه «آیت الله میرزا جواد تبریزی» وارد شدم و هم اکنون مدت یازده سال است که به درس این بزرگان می روم.

همزمـان بـا شـرکت در دروس حوزوی، با راهنمایی بعضـی دوسـتان با موسـسه تحقیقاتی «علامه وحیـد بهبهانی» آشـنا شـدم و وارد کارهای تحقیقاتی شدم و با این موسـسه همکاری نمودم. تقریبا روزی سه ساعت در این موسـسه مشـغول مصدریابی و نمونه خوانی بودم، تا به پیشنهاد یکی از آشنایان با موسسه علمی فرهنگی «دارالحدیث» در سال ۷۴ آشنا شدم که تقریبا همزمان با همکاری من با موسـسه وحیـد بهبهانی بود. در آنجا به من پیشـنهاد کار و همکاری در کتابخانه داده شـد که الان هم به این کار مشـغولم. درضـمن کار در این کتابخانه به کارهای تحقیقی شخصی برای خودم شدم که به فضل الهی توانستم در این امر انجام وظیفه کنم.

هیئتی برزکی، محمود

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمود هیئتی برزکی

محل تولد : کاشان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجـانب محمود هیئتی در سـال ۱۳۴۱ در شـهر کاشـان و در خـانواده‌ای مـذهبی متولـد شـدم و در آنجـا رشـد و نمو کردم. پس از گذرانـدن تحصـیلات ابتـدایی و راهنمـایی جهت کسب علوم اسـلامی وارد حوزه علمیه «آیـهٔ الله یـثربی» شـدم و دروس مقـدمات و قسـمتی از سطح را در آنجا نزد اساتیدی از جمله: «آیهٔ الله خراسانی»، «آیهٔ الله یثربی» و «حجهٔ الاسلام روحانی» فرا گرفتم و در ضمن به تدریس صرف و نحو و ادبیات مشغول بودم. سپس جهت ادامه تحصیل در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و قسمتی از دروس سطح و خارج فقه و اصول را نزد اساتیدی همچون حضـرات آیات: «اعتمادی»، «صالحی مازندرانی»، «سبحانی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» تلمذ نموده ام.

از سال ۱۳۷۴ بـا مرکز تحقیقـات دفتر تبلیغـات اسـلامی شـروع به همکـاری نمودم و در نوشـتن «معجم بحار الانوار» با سایر محققان همکاری کردم و پس از پایان کار معجم در قسمت تاریخ و سیره اهل بیت (ع)، به تألیف مقالات پیرامون مولفان اسلامی پرداختم و نیز در ادامه بـا مرکز احیـاء آثار همکاری نمودم و با همکاری دیگر محققان به تخریـج مصادر (مسـتند سازی مطالب) برخی از آثار شهید ثانی (ره) پرداختم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد جواد یاوری سرتختی

محل تولد : کامیاران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجـانب در آذرمـاه سال ۱۳۵۴ در خـانواده ای مـذهبی از اسـتان کرمانشـاه به دنیـا آمـده و پس از گذرانـدن تحصـیلات ابتـدایی و راهنمایی، در آشـنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پـدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمنـد به تحصـیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسـه حـاج شـهبازخان» از محضـر بزرگـانی چون «آیـۀ الله حـاج مجتبی حاج آخونـد» و «آیـۀ الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سـطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسـلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سـبحانی»، «مقتـدایی» و «مکارم شـیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.

بـا آغـاز ورود به شـهر مقـدس قم، در جهت بالاـبردن سـطح کمی و کیفی علوم اسـلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشـته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سـال ۱۳۸۲ – ۱۳۸۳ بـا توجه به نیـاز فرهنگی و علمی دانشـگاهها به مـدت ۲ سـال با سـمت «معاونت نهاد نماینـدگی رهبری» و «مـدرس دروس معارف اسـلامی در دانشـگاه شـهرکرد» به فعالیت مشـغول بودم. اما پس از شـرکت در آزمون کارشناسـی ارشد در رشـته (تاریـخ تشـیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مـدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصـی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یثربی کاشانی، علی

قرن:۱۴

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱هـق ، در سامراء به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت.در سال ۱۳۲۱ هـق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و از محضر وی کسب فیض نمود. او همچنین خود در آنجا حوزه های درسی تشکیل داد و شاگردان زیادی را تربیت کرد. یثربی کاشانی سرانجام در سال ۱۳۷۹ هـق روز پنجم رجب دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اسلامیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۱۱ هـق در خانواده علمی و متدین مرحوم سید محمد رضا یثربی کاشانی در شهر سامرا فرزندی به نام علی متولد شد و بنا بر سنت اسلامی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی در گوش ایشان اذان اقامه گفتند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدعلی یثربی کاشانی در زیر سایه تربیت صحیح پدر رشد و نمو نمود و در سال ۱۳۱۶ هـق که بیش از پنج بهار از عمرش نمی گذشت به همراه پدر وارد کاشان شد و مقدمات و سطوح را در محضر پدر و اساتید دیگر آموخت. در سال ۱۳۲۱ هـق به عراق هجرت نمود و وارد حوزه نجف گردید. پس از آن مدتی به کاشان بازگشت و در سال ۱۳۴۱ هـق به پیشنهاد مرحوم شیخ عبدالکریم حائری به قم مهاجرت نمود و ادامه تحصیلات را از محضر ایشان کسب فیض نمود. استادان و مربیان : سیدعلی یثربی کاشانی از محضر بزرگانی چون: ۱ ـ سید ابوالحسن اصفهانی. ۲ ـ سید محمد کاظم یزدی. ۳ ـ شیخ شریعت اصفهانی. ۴ ـ آقاضیاء الدین عراقی. ۵ ـ حاج میرزا حسین عراقی. ۶ ـ شیخ عبدالکریم حائری یزدی. استفاده کرد. همسر و فرزندان : سیدعلی یثربی کاشانی پس از سالها اقامت در نجف، در سال ۱۳۳۹ هـق به ایران باز گشت و به شهر آباء و اجدای خویش رفت و در این دوران با خانواده نراقی وصلت نمود.زمان و علت فوت : سیدعلی یثربی کاشانی در سال ۱۳۷۹ هـق روز پنجم رجب چشم از جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : سیدعلی یثربی کاشانی پس اتمام تحصیلات و اخذ درجه اجتهاد به تعلیم و تربیت شاگردان بسیار همت گماشت. او تا سال ۱۳۴۷ هـق که مصادف با پدرش بود در حوزه علمیه قم به این امر مشغول بود، تا آنکه پس از فوت پدر ناچار به ترک حوزه و باز گشت به کاشان شد و در آن جا اقامت گزید.شاگردان : شاگردان زیادی از محضر سیدعلی یثربی کاشانی کسب فیض نموده اند که می توان به افراد زیر اشاره کرد: ۱ ـ سید روح الله موسوی خمینی. ۲ ـ سید محمد تبریزی. ۳ ـ سید شهاب الدین مرعشی نجفی. ۴ ـ مرحوم صالحی کرمانی. ۵ ـ میرزا حسن یزدی. ۶ ـ شیخ هاشم آملی. ۷ ـ سید کاظم اراکی گلپایگانی. ۸ ـ شیخ جواد جفرودی. ۹ ـ مرحوم مّجتهدی تبریزی. ۱۰ـ میرزا آقا طاهری اردبیلی.

یثربی، میرمحمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

الف:ولادت ونسب: حضرت آیت الله حاج میر سید محمد یثربی–ادام الله ظله العالی– از علمای ربانی وفقیهی بزرگوار از تبار فقهای نگاهبان حریم اعتقادات شیعی هستند.ایشان در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی در شهر مقدس قم(مهد علم وفقاهت واجتهاد ،شهر خون قیام،شهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه–سلام الله علیها–) در بیت فقه وفقاهت چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله آقای حاج سید مهدی یثربی–قدس سره– ووالده گرامشان خانم حاجیه زهرا آل آقا(فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا عبدااله آل آقا ونواده مرحوم آیت الله آقای حاج آقا بزرگ ساوجی از اعلام مدرسین حوزه تهران در قرن گذشته و اوایل قرن

معاصر،حفیده بیت علامه مجدد وحید بهبهانی-رضوان الله تعالی علیه-)می باشد. ایشان قبل از پایان ۵سالگی مشغول خواندن قرآن و حفظ سوره های کوچک بود. در پنج سالگی عموی بزرگوار خود که از فقهای بنام شیعه و از اساتید علمای بزرگ،از جمله مرحوم حضرت امام خمینی- قدس سره- بود را از دست داد وبه همراه پدر خود به کاشان هجرت نمود. ب)تحصیلات : ایشان در سال ۱۳۳۹مشغول به تحصیلات ابتدائی در دبستان ملی مدرس گردید وبعد وارد دبیرستان شد و همزمان،با شوق واشتیاق زایدالوصفی وارد حوزه علمیه جدید التأسیس کاشان که والد مکرمشان بنیان نهاده بودند،شد.ایشان تمامی دروس ادبیات وسطح متوسط و همچنین رسائل ومکاسب را در آن حوزه ،نزد اساتید محترمی همچون والد بزرگوارشان ومرحوم آیت الله شیخ محمود روحانی – رحمه الله علیه – که معظم له علاقه فوق العاده ای نسبت به ایشان داشته اند فرا گرفتند. در سال ۱۳۵۱در شهر دارالمومنین کاشان با خانواده محترم،مذهبی،صالح ومؤمن ازدواج نمونـد وبرای ادامه تحصیلات در سطوح عالیه به قم مهاجرت ودرآن شهر رحل اقامت گزیدند. درس سطح کفایه را نزد آیت الله حاج سید محمد ابطحی - دام ظله- مرحوم آیت الله سلطانی طباطبائی(ره)به اتمام رسانده وهمزمان ،با هوش وذکاوتی که معظم له داشته دردرس خارج فقه حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری - ره– خلف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس وبنیانگذار حوزه علمیه قم حاضر شدند ودر جلسه استفتائات وتمامی مباحث فقهی ایشان حضور فعال داشتند. معظم له در این باره می فرمایند:آنچه محضر ایشان رامنهای عمق فکر واندیشه جذابیت می بخشید،معنویت و صفای ایشان ویکرنگی وانس آن بزرگوار با طلاب بود وبرای حقیر که در عین کم سنی مورد عنایت ولطف آن استاد فرزانه ومربی بزرگوار بودم،فوق العاده اثر بخش بود وآثار تربیتی آن را پس از سالها هنوز احساس می کنم. درهمان سنوات وپس از پایان سطح کفایه،در درس عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی - مدظله العالی (– یک دوره اصول به مدت ۱۷سال و همچنین چندین سال درس خارج فقه ایشان)شرکت نمود ونیز به مدت هفت سال در درس خارج اصول و فقه مرحوم آیت الله العظمی روحانی – قدس سره – حاضر شدند. همچنین معظم له بیش ازدو سال دردرس خارج فقیه اهل بیت عصمت وطهارت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی – قدس سره – شرکت نمودند واز درس اسفار اساتید بزرگوار مرحوم آیت الله صدر وشهید بزرگوار آیت الله مطهری و آیت الله جوادی آملی بهره گرفتند. ج)تدریس وخدمات علمی: ایشان از سال ۱۳۴۸ تا۱۳۵۳در حوزه پربرکت علمیه کاشان مشغول به تدریس ادبیات ،منطق واصول بودند که حدود چهل نفر از طلاب در درس ایشان شرکت می نمودند.همچنین از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹تدریس اصول وشرح لمعه داشتند،که تا پنجاه نفر در درس ایشان در صحن مطهر بی بی دو عالم حضرت معصومه – سلام الله علیها – شرکت می کردند. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به تدریس سه دوره اصول (رسائل شیخ انصاری رحمه الله) را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ به انجام رساندند وشاگردان زیادی را تربیت نمودند. تا این که بنا به درخواست شاگردان معظم له و به دلیل محدودیت مکان وکثرت شاگردان ،درس کفایه الاصول را در مدرسه مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) شروع کردند که بیش از ۷۰نفر دردرس ایشان شرکت می کردند.معظم لهاز سال ۱۳۷۸ مشغول به درس خارج فقه واصول در همان مدرسه شدند که نزدیک به دویست نفر در این دروس شرکت می نمایند.علاوه براینها در سالهای ۶۰تا ۶۳یک دوره منظومه حکمت را در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)تدریس نمودند. ایشان در سال ۱۳۶۹یک مؤسسه علمی تحقیقاتی را به نام اصولی بزرگ«علامه مجدد وحید بهبهانی – رضوان الله علیه - »تأسیس نمودند که با هدایت ایشان ،در این مرکز محققین توانا وبررسی ،احیاء ونشر کتب علوم اهل بیت عصمت وطهارت – علیهم السلام – مشغول به کار می باشند. این مؤسسه با بیش از پنج هزار جلد کتاب ورسائل پایگاه تحقیقاتی فعالی در حوزه علمیه محسوب می شود. د)تألیفات وآثار: ۱- رساله فی تطور الاصول (عربی) ۲- رساله فی تطور علم الفقه(عربی) ۳- رساله فی تطور الکلام (عربی) ۴- رساله در ولایت؛مقدمه کتاب راهبرد اهل سنت به مسأله ولایت (فارسی) ۵- شرح رساله حقوق امام سجاد – علیه السلام (– فارسی) در ۳جلد؛مجموعه سخنرانی معظم له در رادیو معارف ۶- تقریرات درس مکاسب محرمه (فقه)در ۲جلد ۷- مباحث رجالی در ۱جلد ۸- تقریرات خمس (فقه) در ۱جلد

۹- تقریرات صـوم در ۲جلد ۱۰- تقریرات اصول در ۸جلد چهار مورد اخیر،هنوز به چاپ نرسیده است که آن انشاءالله دراینده نزدیک در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت. از جمله ویژگیهای معظم له که بارها درباره آن به شاگردان در یک جلسه درس غیبت داشته باشد،ایشان پیگیر علت غیبت وی می باشد.همچنین مکررا شاگردان را به مطالعه وپیگیری ومباحثه درس و درست فهمیدن درس توصیه وترغیب میکند. معظم له بعد از درس خارج فقه واصول شاگردان را به حضور می پذیرند واشکالات آنان مربوط به درس را پاسخ فرموده به دیگر پرسش ها واستفتائات شرعی و اعتقادی جواب می دهند. با این شیوه،شاگردان زیادی تربیت نموده وآنان از شمع وجود ایشان بهرمند می گردند وبعضی از شاگردان ،از اساتید برجسته حوزه می باشند.از خداوند متعال می خواهیم که وجود این مشعل داران هدایت بشریت و این علماءربانی و مراجع عظام را برای همه مسلمین بویژه شیعیان مولا علی ابن ابی طالب علیه السام نگهدار باشد وسایه آنها را بر سر مامستدام بدارد.

یزدانی بارفروش، حمید

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

حمید یزدانی بارفروش

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حمید یزدانی بارفروش در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ساری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه بابل گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه بابل به شوق ادامه تحصیل، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت؛ (حضرت معصومه سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله وحید»، مرحوم «آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله هاشمی شاهرودی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «حقوق» در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه مفید قم فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه مازندران و سپاه پاسداران مازندران به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل: «معجم احادیث بحارالانوار» و «فرهنگ فقه فارسی» را به رشته تحریر در آورده است.

یزدانی مقدم، احمدرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمد رضا یزدانی مقدم

محل تولد : بندر انزلی

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۹ تاکنون توفیق حضور مستمر برای درس و بحث در حوزه علمیه قم را دارم. از سال ۱۳۶۷ به درس خارج حاضر می شوم. اساتید دوره سطح این کمترین از جمله این آقایان بودند: حضرات آیات: «آل غفور جزائری»، «اعتمادی»، «فیض سرابی»، «موسوی تبریزی»، «موسوی تهرانی»، «فقیهی مازندرانی»، «صالحی افغانی»، «وجدانی» و «محقق داماد». و از جمله اساتید این کمترین در دوره خارج این آقایان می باشند: حضرات آیات: «منتظری»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «جوادی آملی»، «صانعی»، «خرازی»، «علوی گرگانی» و «موسوی اردبیلی»؛ و از جمله موضوعات فقهی در دوره خارج که توفیق استفاده داشتم و دارم عبارتند از: ولایت فقیه، بیع، مکاسب محرمه، زکات، صوم، خمس، نکاح، طلاق، تحدید نسل، پیوند اعضاء، تغییر جنسیت، تجسس و اطلاعات در اسلام، سرقفلی، ربا و بانکداری، رشوه، غنا و مالکیت معنوی.

دارای کارشناسی حقوق می باشم و در زمینه (فقه و حقوق) مقالات متعددی نوشته ام از جمله: رشد و بلوغ، شفعه، ولایت پدر و جد، ارث و قسامه، قاعده لاضرر در حقوق تجارت؛ و نیز مقاله ای درباره «جامعه شناسی تعلیم و تربیت در حوزه علمیه».

گرایش کارشناسی ارشد این ناچیز (اندیشه سیاسی) بوده و موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» است که در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، پایان نامه برتر شناخته شد. در دوران تحصیل کارشناسی ارشد، مقالات متعددی در زمینه (مباحث علوم سیاسی) نوشته ام از جمله: «بررسی موضوعاتی در اندیشه سیاسی افلاطون»، «ارسطو»، «هابز»، «لاک»، «روسو»، «همپتن»، «فارابی»، «خواجه نصیر»، «نائینی»، «علامه طباطبائی» و «امام راحل». و نیز مقالاتی در (روش شناسی علوم سیاسی و مطالعه مقایسه ای موضوعات مبحث قدرت در اندیشه متفکرانی چون «فارابی»، «خواجه نصیر»، «ابن خلدون»، «وبر»، «گالبرایت»، «آرون»، «آرنت»، «لوکس»، «هابرماس» و «فوکو».)

در دوران تحصیل دکتری نیز مقالاتی نوشته ام از جمله: «طراحی الگو برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، «به کارگیری روش انتخاب عقلائی برای تحلیل جنبش دانشجویی در ایران» و «تحلیل سیاستگذاری عمومی در ایران با نگاه به اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی» بوده است.

از سال ۱۳۶۹ تاکنون توفیق حضور تبلیغی در دانشگاه های کشور، از جمله: (علوم پزشکی گیلان، علوم پزشکی یزد، دانشگاه گیلان، کرمان، تربیت معلم، فردوسی، شهید بهشتی، خواجه نصیر، علم و صنعت، علوم پزشکی شهید بهشتی، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، صنعتی شاهرود) را از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها داشته ام و در همایش های مختلفی نیز سخنرانی و برنامه داشتم.

پایان نامه ارشد این کمترین با عنون: «ادراکات اعتباری و اندیشه اجتماعی سیاسی علامه طباطبایی» تا کنون:

[۱] از سوی دانشگاه باقرالعلوم(علیه السلام)پایان نامه برتر شناخته شد.

[۲] از سوی دبیرخانه دین پژوهان، عنوان پژوهش برتر در حوزه دین پژوهی را گرفت.

[۳] از سوی جشنواره مهر، یادواره علامه طباطبایی، نیز برگزیده شد.

[۴] از سوی وزارت ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش تشویقی معرفی گردید.

[۵] در همایش دو سالانه پژوهش برتر حکومت اسلامی دوره اول سال ۱۳۸۴ – ۱۳۸۵، از جمله چند پژوهش برتر شناخته شد و تندیس یاد بود و لوح و دیگر جوایز دریافت کرد.

علاوه بر تدریس متعارف دروس حوزوی مانند: (ادبیات، اصول فقه، شرح لعمه، مکاسب، اصول استنباط، بدایه و جوامع الجامع)، در مرکز جهانی علوم اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس داشته ام. این کمترین بارها توفیق حضور تبلیغی در جبهه نبرد حق علیه باطل را داشتم که مجموعاً پنج ماه و نیم می شود. همچنین افتخار دارم که از خانواده شهدا و برادر شهید لطف الله یزدانی مقدم می باشم.

در سال ۱۳۷۶ دبیر گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در سال ۱۳۷۷ دبیر نشریه تازه های اندیشه در مؤسسه طه، در سال های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ دبیر گروه علمی فقه و حقوق در دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (دفتر فرهنگی)، و در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ عضو گروه سیاست و اجتماع در دفتر تنظیم و نشر آثار امام راحل بوده، و در حال حاضر (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵) مدیر گروه پژوهشی حکومت اسلامی در مرکز تحقیقات حکومت اسلامی و عضو شورای عالی پژوهش و شورای همایش کتاب حکومت اسلامی در این مرکز می باشم. همچنین عضو انجمن مطالعات سیاسی بوده و از سال ۱۳۷۷ تا کنون جلسات مستمر با گروهی از دوستان انجمن مطالعات اسلامی، در زمینه های جامعه شناسی سیاسی، هرمنوتیک، سکولاریزاسیون و فلسفه سیاسی داشته ایم.

یزدی، محمد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمد یزدی

محل تولد : یزد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۱۰/۱/۱

زندگینامه علمی

آیهٔ الله محمد یزدی در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و ارادتمند به خاندان پیامبر، چشم به جهان گشود. جدش، مرحوم شیخ محمد علی، حدود صد سال پیش از یزد به اصفهان هجرت کرد و در مدت زمان کوتاهی، در حوزه علمیه اصفهان، به درجات علمی بالایی نائل آمد. مرحوم «آقا نجفی» که در آن دوره، ریاست حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت، شیخ محمد علی

را مأمور بحث و مناظره با کشیش های ارامنهٔ جلفای اصفهان کرد که شیخ محمد علی توانست بر تمامی آنها فائق آید و از آن پس، «شیخ یزدی» شهرت یافت.

پدر آیهٔ الله یزدی، مرحوم «شیخ علی یزدی» نام داشت که از شاگردان «شیخ عبدالکریم حائری» و از روحانیون معروف اصفهان بود که امامت جماعت یکی از مساجد اصفهان را بر عهده داشت و به حل مشکلات مردم عالم پرور اصفهان می‌پرداخت. از ویژگیهای او آشنایی با علوم غریبه بود.

مادر آیهٔ الله یزدی نیز زنی مؤمن از خانواده متدین و دوستدار اهل بیت (ع) بود که پدرش از مریدان «شیخ یزدی» به شمار می‌آمد و ارادت او به «شیخ یزدی» در ازدواج پدر و مادر وی بی تأثیر نبوده است.

آیهٔ الله محمد یزدی تحصیلات خود را ابتداء در محضر پدر و با فراگیری زبان فارسی آغاز کرد و پس از آن، عازم مکتب خانه شد. مکتب خانه‌های آن روزگار اغلب در مسجد بود و فاقد میز و صندلی!. پس از گذراندن دورهٔ مکتب، برای گذراندن کلاس چهارم آن نظام آموزشی، به نخستین مدرسه‌ای که در اصفهان به سبک جدید تأسیس شده بود و یکی از روحانیون که با پدر او نیز سابقه دوستی داشت، آن را اداره می کرد، رفت. شش کلاس آن نظام را در آن مدرسه گذرانید.

تحصیلات حوزه را که در آغاز، نزد پدر آموخته بود، در مدرسهٔ «کاسه گران» اصفهان ادامه داد و سپس به مدرسه «ملا عبدالله» رفت و به تحصیل شرح لمعه مشغول شد. پس از آن به مدرسه «صدر» آمد و به خواندن «قوانین» پرداخت و در این میان، از محضر عالمان بزرگ اصفهان نیز در زمینه‌های علمی و معنوی بهره می‌برد.

با تشریف فرمایی حضرت آیت الله بروجردی به قم، شور و بی قراری زائد الوصفی وجود این طلبه جوان را فرا گرفت و با اصرار فراوان به پدر، خواستار حضور و تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پدر، در ابتداء با این سفر مخالف بود، ولی با واسطه قرار گرفتن یکی از علمای یزد، به سفر فرزند خود رضایت داد. در بدو ورود به قم، در مدرسه فیضیه مستقر شد. در آن زمان، آیهٔ الله بروجردی، از برخی طلاب به سبب آشنایی با میزان توانایی علمی آنان، امتحان به عمل می‌آورد. وی با شرکت در دروس سطح، کتاب های رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را به خوبی فرا گرفت و در درس خارج علمای بزرگ حوزه، از جمله آیهٔ الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) شرکت کرد. تلاش علمی ایشان در آن سال ها باعث شد تا بتواند از حضرت امام خمینی (ره) اجازه نامهٔ اجتهاد دریافت کند.

وی در طول آن سال ها و حتی تا هم اکنون، از طریق شهریه، معاش گذرانده است و وضعیت خانوادگی، به ویژه علاقه مندی پدر به تحصیلات حوزوی، استادان بزرگوار حوزه و صبر و بردباری همسر و فرزندان خود را از عوامل مهم رشد علمی و فرهنگی خود می‌داند.

دوران تحصیل آیهٔ الله یزدی، سرشار از تحصیل در محضر عالمان بزرگ بوده است. از استادان وی، هنگام تحصیل در اصفهان، می‌توان از آقایان: «شیخ حسن نجف آبادی»، «فقیه»، «سید محمد علی ابطحی» نام برد که بخشی از کتب دورهٔ سطح را در خدمتشان فرا گرفت. با ورود به قم به دروس مرحوم «آیهٔ الله لاکانی»، مرحوم «حاج آقا حسین بُدلا» و مرحوم «زاهدی» رفت و رسائل، مکاسب و کفایهٔ الاصول را در محضر «آیهٔ الله حاج شیخ مرتضی حائری»، «آیهٔ الله مرعشی» و «آیهٔ الله سلطانی» فرا گرفت و در درس تفسیر «علامه طباطبایی» نیز حاضر شد. وی در درس خارج علمای بزرگی همچون: «آیهٔ الله بروجردی (ره)»، «آیهٔ الله اراکی»، «آیهٔ الله شیخ محمد تقی آملی»، «آیهٔ الله شاهرودی» و نیز یک دوره کامل در درس خارج «امام خمینی (ره)» شرکت کرد.

آیهٔ الله یزدی، ویژگی درس امام (ره) را چنین بر می‌شمرد:

«حضرت امام (ره) قبل و بعد از شروع سال تحصیلی به نصیحت طلاب می‌پرداختند و در اکثر مواقع هم به یاد دارم که شاگردان تحت تأثیر نفوذ کلام حضرت امام (ره) به گریه می‌افتادند. عجیب اینجا بود که مسائل مطروحه از سوی امام، گاه از اهمیت چندانی

برخوردار نبود، ولی بحث و بیان امام به گونه‌ای بود که همه را به گریه می‌انداخت».

همچنین در باره همراه بودن درس امام (ره) با بینش سیاسی می گوید:

«ایشان در مسائل سیاسی و آموزش آن، در کنار دروس رسمی حوزه شیوه‌های عجیبی داشتند. برای مثال عرض می‌کنم که یک بار در کلاس درس اصول، از این شیوه استفاده کردند. در اصول فقه، بحثی وجود دارد تحت این عنوان که «امر و نهی در صورتی معنا دارد که مخاطب آن قابلیت تأثیر پذیری و انبعاث داشته باشد». اکثر اساتید وقتی به این مبحث می‌رسند، در مقام مثال زدن می‌گویند: به دیوار و سنگ نمی‌توان گفت چنین کن! اما حضرت امام می‌فرمودند: به «خروشچف» نمی‌شود امر کرد که نماز بخوان! خود به خود برای ما که شاگرد ایشان بودیم، این سؤال پیش می‌آمد که «خروشچف» دیگر چیست یا کیست؟ بعد می‌رفتیم دنبال پاسخ به این سؤال و همین امر بینش سیاسی ما را افزایش می‌داد و به گسترش افق دید ما کمک می‌کرد».

از دوستان و معاشران آیهٔ الله یزدی در ایام تحصیل در اصفهان می‌توان از آقایان: فقیه ایمانی، مدنی، اخوان «ابطحی»، سید محمد علی مجلسی و سید محمد باقر مجلسی را نام برد. همچنین وی در نخستین سال های طلبگی با آیهٔ الله «سید محمد حسین بهشتی» آشنا شد و نظم آن شهید سعید را شایان ستایش می‌داند. از دوستان ایشان در زمان تحصیل در قم نیز می‌توان از آقایان: «محمدی گیلانی»، «شیخ حسین مظاهری»، «شیخ محمد تقی مصباح یزدی»، «سید علی اکبر موسوی یزدی» و «حاج شیخ مرتضی تهرانی (انصاری)» نام برد.

زندگی آیهٔ الله یزدی، همواره با تلاش ها و دغدغه‌های علمی و فرهنگی همراه بوده است. بخشی از این تلاشها در قالب سخنرانیها و تدریسها تبلور یافته است که اغلب، اساسی‌ترین مباحث اسلام و تشیع در آن مورد مداقه قرار گرفته است و تا هم اکنون نیز ادامه دارد. بخش دیگر آن نیز در قالب مقالات و کتب مفیدی است که جوانان و طالبان علم را از معارف والای مکتب تشیع بهره‌مند می‌سازد. ایشان نخستین مقاله‌های خود را در نشریه «حکمت» به چاپ رساند. از جمله کتب ایشان که در زمان طاغوت به چاپ رسید، کتاب «گمشدهٔ شما» بود که چاپ آن باعث شد فردی به نام «مردوخ» به بهانه آن، تهمت های ناروایی را به ساحت تشیع ابراز دارد. این مسأله باعث شد که آیهٔ الله یزدی تهمت های او را در کتابی با عنوان «پاسخ به تهمت های مردوخ» پاسخ دهد که هر دو کتاب «گمشدهٔ شما» و «پاسخ به تهمت های مردوخ» مورد عنایت زعیم عالیقدر شیعه، حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت. آیهٔ الله یزدی در طول دوران مبارزه بر ضد رژیم شاهنشاهی، حتی در زمان تبعید، دست از نگاشتن در جهت تبیین معارف اسلامی برنداشت و تا کنون، کتابها و مقالات بسیاری را به چاپ رسانده‌اند.

زندگی سیاسی حضرت آیهٔ الله یزدی، با توجه به مبارزهٔ بی امان ایشان با رژیم شاه و نیز افشاگری های فراوان که به تبعید و شکنجه معظم له منجر می‌شد و با نگاه به سابقه مدیریت ایشان در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از تاریخ انقلاب را تشکیل می‌دهد و مطالعهٔ آن، فضای مبارزه و مقاومت را در اذهان دوستداران انقلاب زنده می‌سازد. آیهٔ الله یزدی با ورود به حوزه علمیه قم، مبارزه و درس را توأمان آغاز می کند و با شرکت در درس امام خمینی (ره) و جلسات عمومی و خصوصی ایشان، توانایی و عزم خود را برای پی گیری جریان های سیاسی و پیروی از خط مشی امام (ره) اعلام می‌دارد. ارتباط وی با امام با حاضر شدن در درس خارج اصول ایشان در مسجد سلماسی و پرسش های علمی و سیاسی در پایان درس آغاز شد.

در آن ایام، در عصرهای جمعه، بیشتر جوانان به سینما می‌رفتند و جو سینماها آکنده از فیلم های زشت و مبتذل بود. حضرت امام (ره) با توجه به این معضل، از علماء و طلاب خواسته بودند که جلساتی را در عصرهای جمعه برقرار کنند. رساندن این پیام امام (ره) در برخی از شهرها، به عهده آیهٔ الله یزدی بود. یکی از آن جلسات، جلسه معروف مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در قم بود که هر یک از علماء، ده شب در آنجا به سخنرانی می‌پرداخت. هنگامی که نوبت به آیهٔ الله یزدی رسید، به جای ده شب، بیست شب آن جلسه را اداره کرد. عنوان بحث های وی در آن بیست شب، «انقلاب های تاریک و روشن» بود که امام (ره) نیز یک شب

به آن محفل آمد و تا پایان جلسه هم حضور داشت.

سخنرانی های ایشان در آن ایام، چنان مؤثر و شور آفرین بود که باعث شد امام خمینی (ره) ایشان را احضار فرماید و شیشهٔ عطری هدیه و برای ایشان دعا نماید. ویژگی سخنرانی های آیهٔ الله یزدی این بود که در سخنرانی خود ضمن بیان مکتب و روش اهل بیت و نیز خط مشی دشمنان آنها، واقعیات مبارزه و مصداق های کنونی دشمنی با اهل بیت را بیان می کرد؛ مثلاً در باره نهضت امام حسین (ع) سخن می گفت و بدی و پلیدی یزید و پیروانش را به مردم گوشزد می کرد. سپس حسینیان زمان و یزیدیان این دوره را با ویژگی های آنها و با انطباق با صدر اسلام بیان می‌فرمود. کتاب «حسین بن علی را بهتر بشناسیم» حاصل این سخنرانیها بود که چند بار، ساواک آن را از بازار جمع آوری کرد. ساواک که این گونه افشاگریها را برنمی‌تافت، آیهٔ الله یزدی را بارها دستگیر و ممنوع المنبر کرد؛ از جمله دستگیری بعد از ۲۱ رمضان در مسجد جامع قم و پس از سخنرانی در منزل آیهٔ الله گلپایگانی را می‌توان نام برد. ساواک بارها ایشان را تبعید کرد که طولانی‌ترین آنها پس از بندر لنگه و بوشهر، رودبار بود؛ اما آیهٔ الله یزدی در دوره تبعید نیز دست از مبارزه بر نمی‌داشت و بارها به طور مخفیانه به تهران و قم می‌آمد و در جریان امور قرار می گرفت و اعلامیه‌های امام را برای مردم و علمای شهرها می‌برد. ایشان در قم و تهران جلساتی را به صورت مخفی تشکیل می‌داد و با افراد و جریانهای گوناگون به تبادل نظر می‌پرداخت که به (جلسات زیرزمینی) شهرت یافته بود.

از دیگر فعالیتهایی که در کارنامهٔ سیاسی آیهٔ الله یزدی می‌درخشد؛ پناه دادن به آن دسته از سربازان فراری بود که پس از دستور امام (ره) و پیش از پیروزی انقلاب، از ارتش گریخته و به مردم پیوسته بودند. منزل او در آستانه پیروزی انقلاب، مرکز تلاش ها و نیز حل و فصل بسیاری از امور جریان های انقلاب بود. همان منزلی که امام (ره) پس از پیروزی انقلاب و مراجعت به قم، در آن ساکن شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اولین سخنرانی امام (ره) در فیضیه که شور و شوق فراوان و کثرت جمعیت مانع از انجام این سخنرانی بود؛ حضرت امام به ایشان دستور می‌فرمایند برای آرام کردن مردم ایراد سخن کنند و ایشان نیز امر امام را اطاعت نمودند که خاطرهٔ آن در اذهان حاضران در آن روز بزرگ، باقی مانده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مراکز بسیار مهمی بود که در زمان رژیم طاغوت، خدمات شایانی را به مبارزات ملت ایران برای دست یابی به انقلاب اسلامی انجام داده است. آیهٔ الله محمد یزدی، از آغازین روزهای تأسیس این مرکز، با آن همکاری داشته است و این همکاری تا کنون نیز ادامه دارد. ایشان خود در باره جامعه مدرسین می گوید:

«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شمار مراکزی بود که بی آنکه تبلیغات هنگفتی برای اثبات ارزش و اعتبار خود بنماید، توانست احترام تودهٔ مردم را نسبت به خود جلب کند. مردم اعضای جامعه را افرادی متدین و فاضل یافته بودند و عمیقاً به این باور رسیده بودند که اینان کسانی نیستند که برای قصد و غرض دنیوی کاری انجام داده و سخنی بگویند و جز برای خیر و انجام وظیفه دینی و الهی خود کاری نمی کنند.

آیهٔ الله محمد یزدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همواره در خدمت نظام و بازوی توانای امام و رهبری بود. ایشان در مسؤولیتهای بسیار مهمی ایفای نقش نموده‌اند

یزدی، محمدتقی

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

(س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد بود. در فقه و اصول تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و

از ملازمان او در نجف بود. از آثارش: «مجموعهٔ الهدایهٔ»، در سه‌بخش شامل: اصول‌الدین، فروع منطبق بر فتاوای شیخ انصاری و معاصی صغیره و کبیره که در ۱۲۷۷ ق در یزد به چاپ رسید. به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً صاحب عنوان بعد از این تاریخ درگذشته است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :الذریعه (۱۰۹/ ۲۰)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۱۰/ ۱۳)، معجم‌المؤلفین (۱۳۴/ ۹).

یزدی، محمدکاظم

قرن:۱۳

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

آن وجود سعادتمند در سال ۱۲۴۸ قمری . در روستای ((کسنویه)) یزد پا به عرصه گیتی نهاد. از همان زمان بزرگی در چهره کوچکش نمایان بود و با تولدش ، رشته های امید را در قلب پدر و مادر خویش محکم ساخت . پدرش به تبرک نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و با یاد امام هشتم شیعیان ، او را محمد کاظم نام نهاد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد کاظم دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشت و با تشویقهای پدر و مهم تر از همه عنایت خاص خداوند ب علوم دینی رو آورد.و حوزه علمیه ((دومنار)) یزد یعنی بزرگترین حوزه آن شهر، پذیرای آن نوجوان مخلص از دودمان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله شد. سید محمد کاظم مدتها در درس ادبیات استاد ملا محمد ابراهیم اردکانی و زین العابدین عقدایی شرکت کرد و از آن دو بهره های فراوان برد.جدیت فراوانش در کسب علوم اهل بیت علیهم السلام او را مورد توجه اساتید مدرسه قرار داد. پس از اتمام ادبیات عرب ، در درس فقه و اصول آخوند ملاـ هادی یزدی که از علمای بزرگ آن زمان محسوب می شد دوره سطح را به پایان رسانید.دیری نپایید که مقام علمی اش او را در زمره نزدیکان خاص استاد جای داد. وی در مدت زمان کوتاهی ، علم هیئت و ریاضی را آموخت و طولی نکشید که در زمره اساتید این علوم در آمد.حوزه علمیه اصفهان نیز دورانی به وجود استادی گرانقدر چون یزدی مفتخر گردید. وی با ورودش به اصفهان در مدرسه صدر سکونت گزید.سید محمد کاظم ، ابتدا درس علامه شیخ محمد باقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی نجفی ، نویسنده کتاب ((هدایه المسترشدین)) را بر درس سایر علما ترجیح داد.و از محضر اساتیدی چون آیه الله سید محمد باقر موسوی خوانساری و برادرش آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری و آیه الله محمد جعفر آباده ای استفاده های فراوانی برد.سید محمد کاظم در سال ۱۲۸۱ ق . با اجازه و معرفی استادش آیه الله شیخ محمد باقر نجفی ، به همراه چند تن از علما به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا از محضر بزرگانی همچون آیه الله شید محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) فتوا دار تحرمی تنباکو، آیه الله شیخ راضی و آیه الله شیخ مهدی جعفری و آیه الله شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده های علمی و توشه معنوی فراوانی کسب نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : با توصیه استادخود ملا هادی یزدی، در ضمن فراگیری فقه و اصول ، به تدریس ادبیات پرداخت . کیفیت تدریس و شیوه بیان او، سرانجام کار را بدانجا رساند که بعد از اندک زمانی سید محمد کاظم یزدی به مثابه یکی از اساتید حوزه علمیه یزد شناخته شد.جوان یزدی پس از مشورت با دو استادش ، اردکانی و عقدایی ، به امید بهره مندی از وجود مقدس امام هشتم علیه السلام راهی مشهد مقدس شد تا با استعانت از آن امام همام ، به مقامات علمی و معنوی نایل آید. استاد یزدی تبار، هیچ گاه از تدریس غافل نبود. وی بعد از هجرت میرزای شیرازی به سامرا به طور رسمی حوزه درس خود را در نجف تشکیل داد و به تدریس دروس عالی فقه و اصول که مرحله نهایی تحصیلات حوزوی است ، پرداخت . دیری نپایید که شاگردان زیادی در درس ایشان حاضر شدند، به طوری که عدد

آنان را تا دویست نفر ذکر کرده اند.استادان و مربیان : از استادانی که محمدکاظم یزدی در محضرشان کسب فیض نموده است به شرح زیر می باشد: علامه شیخ محمدباقر نجفی، آیه الله حاج میرزا هاشم خوانساری، آیه الله محمدجعفر آباده ای ، ملا محمدابراهیم اردکانی، زین العابدین عقدایی، ملا هادی یزدیهمسر و فرزندان : آیه الله سید محمد کاظم یزدی ، دارای شش فرزند پسر بود که همگی از علما و فضلا به شمار می آمدند. اسامی آنان بدین شرح است :۱. عالم مجاهد سید محمد یزدی که در میدان نبرد با استعمار، شربت شهادت نوشید.۲. سید احمد۳. سید محسن۴. سید محمود۵. آقا سید علی۶. سید اسدالله (۱۳۸۴)از دختران سید در تاریخ نامی به میان نیامده است .وقایع میانسالی : بعد از ابلاغ فتوای جهاد، جمع زیادی از علما به سوی جبهه های جنگ شتافتند. از جمله سید محمد یزدی فرزند ارشد آیه الله یزدی ، با حضور در جبهه رشادت خاصی از خود نشان داد و سرانجام نیز به درجه رفیع شهادت نایل گشت . آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی با حضور روسا، بزرگان نجف و اولاد و بستگان خود چهار وصی معین کرد که عبارتند از:۱. آیه الله شیخ لاحمد کاشف الغطاء۲. علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء۳. آیه الله آقا میرزا محمود تبریزی۴. آیه الله آقا شیخ علی مازندرانیبر اساس وصیت سید این چهار تن موظف شدند که تمام موجودی وجوهات شرعی اعم از سهم امام علیه السلام ، سادات ، کفارات و مظالم را به مرجع تقلید بعدی تحویل دهند. گفتنی است در جلسه تعیین وصی یکی از نوادگان به سید محمد کاظم عرض کرد: برخی نوادگان شما یتیم هستند و تحت سرپرستی شما بوده اند، خوب است چیزی برای آنها هم تعیین کنید. سید با آن کسالت جسمی و با صدای ضعیف و رنجور که حکایت از عروجی نزدیک داشت ، فرمود: ((نوادگان من اگر متدین هستند، خدا روزی آنها را می رساند و اگر نه ، چگونه از مالی که از آن من نیست ، به آنان کمک کنم .))زمان و علت فوت : هر چه از ماه رجب می گذشت حال سید رو به وخامت می گذاشت و رنگ رخسارش زردتر می شد. این وضع تا شب سه شنبه ۲۸ ماه رجب سال ۱۳۳۷ ق . ادامه داشت . سرانجام نزدیک طلوع فجر، خورشید فقاهت ، ایثار، زهد و مردانگی غروب کرد و به ملکوت اعلی پیوست . فرزندش حضرت آیه الله سید علی یزدی ، بر جنازه پدر نماز خواند و بدن مبارک را در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام ، در ایوان کبیر (پشت جامع عمران ، جنب در طوسی ، پشت سر مبارک حضرت علی علیه السلام و در جوار پسر شهیدش) به خاک سپردند. او رفت اما اندیشه پاکش هرگز از یاد نمی رود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدکاظم یزدی بعد از رحلت آخوند خراسانی و آیه الله محمد طه نجف ، زعیم بزرگ جهان تشیع گردید و به مثابه بزرگترین قدرت مذهبی و یگانه پاسدار حریم تشیع ، حفظ کیان مسلمین را بر عهده گرفت . آن روز که دشمنان اسلام ، کمر به نابودی اسلام بسته بودند این مرد بزرگ چونان مجاهدی نستوه و سیاستمداری فرزانه به صحنه آمد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : آیه الله یزدی در طول عمر مبارک خود، آثار زیادی را به یادگار گذاشت و کمکهای بسیاری به سرپرستان و یتیمان مبذول داشت . وی در عمران شهرها و روستاها بویژه در ساخت مسجد، حمام و کاروانسرا، همتی والا و نسبت به رسیدگی به امور حوزه های علمیه و طلاب علوم دینی ، عنایت خاصی داشت و بناهای زیادی را بنیاد نهاد که مهمترین آنها، مدرسه علمیه و کتابخانه ایشان در نجف اشرف است . اولین مدرسه ، معروف به مدرسه سید در خیابانی بین خیابان رسول و بازار حویش قرار دارد و دومین مدرسه نیز در محله العماره واقع شده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آیه الله یزدی ، بر مباحث فقهی تسلط کامل داشت . از این رو مسائل مشکل و پیچیده فقهی را با بیانی روان و ساده و با استدلالی قوی ، به طلاب عرضه می کرد، به گونه ای که شاگردان فراوانی جذب شیوه درس وی شدند. بعد از اعلان قانون اساسی در دولت عثمانی ، آیه الله سید محمد کاظم یزدی به مخالفت با آن برخاست و به سختگیری و آزار و اذیت مسلمانان از سوی آن دولت اعتراض نمود به طوری که حکومت عثمانی او را به تبعید خارج از عراق تهدید کرد.بعضی از مشروطه خواهان ایرانی ، فرصت را غنیمت شمرده ، از طریق ارسال تلگراف به استانبول ، تهمتهای ناروایی به او نسبت داده ، به این امید که از ناحیه حکومت عثمانی در حق وی سختگیری شود و مورد آزار و اذیت قرار گیرد.اهمیت موضع گیری سید در برابر خودیهای دگر اندیش وقتی آشکار می شود که بدانیم یکی از رهبران ترک

تلاش نمود تا شاید بتواند با اقداماتش او را از نظرش منصرف سازد تا وی دست از مخالفت با قانون اساسی دولت عثمانی بر دارد. از همین رو در نجف اشرف به زیارت سید شتافت و از او خواست که با فتوایش قانون اساسی آنان را مورد تایید قرار دهد. سید پس از اندکی درنگ جواب داد: شعار شما شعار غربی و قانون شما، گرفته شده از بیگانه است . اینها که از آزادی و دموکراسی دم می زنند در پوشش مظاهر غربی ، جز نابودی اسلام چیزی در سر ندارند! در سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۲ ق .) همزمان با جنگ جهانی اول ، انگلستان علیه امپراتور عثمانی اعلان جنگ داد و دامنه جنگ به کشور اسلامی عراق کشیده شد. انگلیس برای تصرف بصره در شط العرب نیرو پیاده کرد. آیه الله سید محمد کاظم یزدی با فتوی خود مبنی بر وجوب جهاد، مسلمانان را به جهاد علیه کفار انگلیس ترغیب می کرد.آثار :السوال و الجواب ، الصحیفه الکاظمیه ، العروه الوثقی ویژگی اثر : العروه الوثقی مهمترین تالیف و ارزنده ترین کتاب فقهی آیه الله سید محمد کاظم یزدی به حساب می آید. این اثر فقهی به حدی معروف است که مولف آن نزد همگان ، بخصوص علما و فضلای حوزه های علمیه به ((صاحب عروه)) شناخته می شود. کتاب مزبور در بر گیرنده ابواب مختلف فقه است . و احکام و مسائل شرعی را بیان می کند. این اثر، در مجموع ، محتوی ۳۲۶۰ مساله در سه جلد تالیف شده است . مسائل کتاب به نحوی ترتیب یافته که دستیابی به آنها بسیار آسان و همواره مورد توجه مراجع تقلید بوده است و بسیاری از مراجع بزرگ بر آن حاشیه یا شرح نوشته اند.در مقدمه کتاب ((مستمسک العروه الوثقی)) تالیف آیه الله سید محسن طباطبایی حکیم که اولین شرح بر ((العروه الوثقی)) می باشد آمده است :((کتاب پرارزش عروه الوثقی از حیث دقت و تحقیق ، به گونه ای است که در حوزه های محور درسی بسیاری از فقها قرار می گیرد. با اینکه قبل از آن محور درسهای فقهی علما، کتاب ((شرایع الاسلام)) و ((تبصره المتعلمی)) بود اما با ظهور کتاب عروه الوثقی ، این کتاب ارزشمند محور درسی حوزه های علمیه گردیده و شروح و تعلیقات زیادی بر آن نگاشته شده است ...))۴ حاشیه بر مکاسب ، رساله اجتماع امر و نهی ، رساله فی التعادل و التراجیح

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما۱kz - /www.hawzah.net

یشیل کایا، علیرضا

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد : ترکیه- استانبول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایئق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را

یاد گرفتم هم درس خوانـده ام به مـدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه منـد شـدم به عنوان کاراته به قول مشـهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زنـدگی می کردم به مسـجد زینبیه رفت و آمـدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خـدا شناسـی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصـی اسـتفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمـام کردم بعـد از ۴ مـاه در سال ۱۳۷۳ به تاریـخ ایران به ایران آمـدم الان که تاریـخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هسـتم الاـن در مدرسه مبارکه شـهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مـدرسه نجفی مرعشـی و بعـد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هسـتند و آقایـان صـدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمـدی ، محامی که مـدیر مدرسـه مبـارکه حجتیه هســتند و آقـای محسـن قرائـتی دو مـاه از محضـرشان اسـتفاده کردم از محضـر آیـت الله فاضـل لنکرانی و آیـت الله بروجردی و اساتیـد دیگر سه سـال درس خـارج اسـتفاده نمودم و پایـان نـامه نوشـتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شـدم واز بیست ، ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشـغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیـات را خوانـده ام الاـن در اینترنت مشـغول سـخنرانی هـای به زبان ترکی اسـتانبولی و زبان فارسـی و عربی به حـد توان صـحبت کردیم و مشـغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسـفه منطق و تفسـیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایـان نـامه ام به عنوان کتـاب شـده مقـاله هـایم در مجله در آلمـان به چاپ رسـیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یوسفی، احمدعلی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

احمدعلی یوسفی

محل تولد : لاهیجان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ در رشـته (فیزیک و ریاضی) با معدل ۱۴/۱۹ قبول و برای ادامه تحصـیل راهی دانشگاه شدم. در سال ۱۳۵۹ مقارن با انقلاـب فرهنگی و تعطیلی دانشـگاه ها، راهی حوزه علمیه قم شـدم. در حوزه علمیه قم در کنار دروس حوزوی به تبلیغ و حضـور در جبهه هـای جنگ حق علیه باطل مشـغول بودم. در سال ۱۳۶۷ دروس حوزوی را به پایـان رسانـدم و دروس خـارج فقه و اصول را با شرکت در دروس حضرات آیات عظام: «فاضل لنکرانی»، «سبحانی» و «تبریزی» ادامه دادم.

بعد از جنگ در کنار دروس حوزوی، به جهت ضرورت نظام جمهوری اسلامی ایران در رشته «اقتصاد اسلامی» تحصیل را آغاز نمودم و در سال ۱۳۷۵ در کنار دروس حوزوی، موفق به اخذ مدرک در مقطع کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد از دانشگاه علامه طباطبایی شدم. هم اکنون ضمن بهره مندی از دروس خارج فقه و اصول، مشغول تدریس دروس حوزه و اشتغال به نگارش پایان نامه سطح چهار در موضوع (خرید و فروش پول های اعتباری) هستم. مسئول پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (واحد قم).

یوسفی، سجاد

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

سجاد یوسفی

محل تولد : تبریز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفی، محمدهادی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

محمدهادی یوسفی

محل تولد : نجف اشرف

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱ زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در (نجف اشرف) متولد و در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی شروع به تحصیل مقدمات ادبیات عرب نزد پدرم آیهٔ الله «حاج میرزا محمود یوسفی غروی» نمودم. پس از اتمام دروس سطوح مقدماتی، متوسط و عالی در سال ۱۳۵۰ به بحث

خارج فقه (عبادات – صلاة الجماعه) مرحوم آیة الله خوئی، اصول (استصحاب) از ایشان، فقه (معاملات) و مکاسب (بیع و خیارات) از مرحوم امام خمینی حاضر شدم. در سال ۱۳۵۲ به قم منتقل شدم و مدتی بحث فقه و اصول (سید محمد صادق حسینی روحانی) و سپس بحث فقه و اصول (آیة الله سید کاظم حسینی حائری) حاضر شدم تا بعد از سال ۶۶.

پس از ۷۰ هجری شمسی در نجف اشرف کتاب های ادبی «نحوی و صرفی»، منطق، اصول، فقه، تبصره، المختصر النافع و شرح لمعه، و در حوزه قم در (بخش عربی مدرسه آیة الله گلپایگانی و معهد الدراسات الاسلامیه) دروس نحو، عقائد، مفاهیم اسلامی و تاریخ اسلام و پس از انقلاب در مدرسه (حجتیه) و سپس مدرسه (امام خمینی) درس تاریخ اسلام، حدیث، نهج البلاغه، علوم قرآن، اصول فقه، حلقات شهید صدر و مکاسب تدریس داشته ام. در دانشکده تربیت مربی، عقیدتی سیاسی، دانشکده اصول الدین، قرآن، حدیث در قم و در دزفول نیز در تفسیر و علوم قرآن، اصول فقه و تاریخ اسلام تدریس داشته ام.

در نجف اشرف مقالاتی علمی، عقیدتی در مجله «أجوبة المسائل الدینیه» و در قم تحقیق و تصحیح کتاب هایی که در آثار یاد خواهد شد، داشته ام. و همچنان اشتغال تحقیقی و تالیفی در (تاریخ اسلام سیره نبوی)، (تاریخ امامان شیعه و خلفاء) و تدریس فقه مکاسب و أصول حلقات ۳ در مدرسه امام خمینی قدس سره دارم.

یوسفیان, علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یوسفیان

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضر ایشان بهره‌مند می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلمان «ملا یوسفیان» و برای مختصر لفظ فامیلی کلمه (ملا) را حذف کردیم. بر همین اساس با حضرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشهد» و «اصفهان» زیارت این بزرگواران می‌کردیم و بهره‌مند می‌شدیم مخصوصاً «آیة الله خوئی»، «سبزواری»، «حکیم»، «شیرازی»، «سیستانی»، «شاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شکر خدا وارد حوزه در کربلا و نجف شدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، علی

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

علی یوسفیان

محل تولد : کربلا

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با پـدر بزرگوارم می‌رفتم نزد علمای اعلام (عراق و ایران) در (کربلا و نجف) و از محضـر ایشان بهره‌منـد می‌شدم. چون که پدر بزرگ و پدرشان از علمای اعلام کربلا و نجف بودند که با «شیخ اسماعیل» و «ملا یوسف» که نام فامیلمان «ملا یوسفیان» و برای مختصـر لفـظ فـامیلی کلمه (ملاـ) را حـذف کردیم. بر همین اسـاس با حضـرات آیات عظام «نجف»، «کربلا»، «قم»، «مشـهد» و «اصـفهان» زیـارت ایـن بزرگـواران می‌کردیـم و بهره‌منـد می‌شـدیم مخصوصـاً «آیـهٔ الله خـوئی»، «سـبزواری»، «حکیـم»، «شـیرازی»، «سیسـتانی»، «شـاهرودی» و ... حفظهم الله تعالی. به خاطر همین علاقه، شـکر خـدا وارد حوزه در کربلا و نجف شـدیم و به قم منتقل شدیم تا الان.

یوسفیان، نعمت الله

قرن:۱۵

جنسیت:مرد

ملیت:ایران

نعمت الله یوسفیان

محل تولد : خلخال

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۴/۱۵

]زندگینامه علمی

اینجـانب نعمت الله یوسـفیان در روسـتای گیلـوان از توابع شهرسـتان خلخـال در خـانواده ای مـذهبی دیـده به جهـان گشـودم. پـدر بزرگوارم کاسب بود و از درآمـد آن زنـدگی ما را تامین می کرد و مادرم زنی پاکدامن و متدین و خانه دار بود. برخی از بسـتگان مادری ام از خانـدان جلیل القدر سادات و تعدادی روحانی متشـخص هسـتند. در کودکی وارد مکتب خانه مرحوم «امیر توکلی» که مردی با تقوا، متـدین، باصـفا و پرتلاش بود، شدم و قرآن کریم را نزد او آموختم. کلاس اول ابتدایی را در روسـتا خواندم و پس از آن به شـهر «ماسال» از توابع استان گیلان مهاجرت کردیم و دروس دبستانی، راهنمایی و دبیرستان را در همان جا ادامه دادم و دیپلم

خود را در رشته علوم تجربی گرفتم.

در ایام تحصیل، همواره از شوق هجرت به قم بی تاب بودم و لحظه شماری می کردم و سر انجام توفیق یار شد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۹، مقدمات کار فراهم شد و به قم آمدم. دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه «امام صادق (ع)» و «رسول اکرم (ص)» فرا گرفتم. پس از آن دروس سطح را شروع کردم. بخشی از دروس سطح را در مدرسه «رسول اکرم (ص)» و «مدرسه امام باقر (ع)» خواندم. در سال ۱۳۶۵ اولین سال برگزاری امتحانات حوزه به صورت کتبی در امتحانات عمومی حوزه در پایه پنجم شرکت کردم و با اخذ رتبه اول قبول شدم و مشمول عنایات و تشویقات حضرات آیات عظام مانند: امام خمینی (ره)، آیهٔ الله گلپایگانی و ... قرار گرفتم. از آن پس نیز همچنان با علاقه ای وافر به تحصیل علوم اسلامی ادامه می دادم.

در اواخر سالهایی که به دروس عالی سطح اشتغال داشتم، دروس خارج را نیز شروع کردم. در سال ۱۳۷۳ در امتحانات ویژه سطح چهار حوزه در قسمت مدارج علمی شرکت کردم و پس از قبولی در امتحانات، درباره (قاعده لاضرر) موضوع گرفته، به تدوین رساله علمی پرداختم. تدوین این رساله پایان یافت و در تاریخ ۲۹/۱/۱۳۷۵ به بخش مدارج علمی ارائه گردید. پس از بررسی هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و با لطف و عنایت خداوند متعال با کیفیت خوب پذیرفته شد.

دروس مقدمات را نزد اساتیدی همچون: حجج اسلام آقایان مقدادیان، رازینی، ظهیری، طالقانی، فتوحی و دیگران فرا گرفتم. در دروس سطح از محضر استاد: سید احمد خاتمی، صالحی افغانی، آیت الله اشتهاردی، مرحوم آیت الله وجدانی، استاد بنی فضل، استاد مصطفی اعتمادی، استاد پایانی، طاهر، شمس، صالحی مازندرانی و دیگران بهره مند شدم. در دروس خارج نیز از محضر آیات عظام: «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «تبریزی» و ... خوشه چینی کردم. مدتی از درس تفسیر آیت الله «جوادی آملی» استفاده کرده ام. بخش نهایه را نزد استاد آیت الله «ممدوحی» و کشف المراد را نزد آیت الله «سبحانی» خوانده ام. در بعضی از دروس کلامی از محضر استاد «ربانی گلپایگانی» استفاده کرده ام. در طول تحصیل در درس اخلاق آیت الله «مشکینی (ره)» و آیت الله «مظاهری» فراوان شرکت کرده و بهره مند شده ام.

هم بحثی های من عبارت بودند از: شهید علی اصغر حسینی، شهید یوسف محمدی، شهید قاسم رحیمی، آقای محمد عبیری، اصغر صدیقی، طبسی، حجتی، فروتن، شیخ جمال یاری و ....

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-

۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹